طبع حاضر از کتاب «گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان» بنا بر استفسار
دائمی علاقه‌مندان به آثار و ابنیهٔ تاریخی ایران از چاپ مجدد این کتاب
پس از آنکه حدود دو سال از نایاب شدن آن میگذرد از روی طبع
اوّل با کمی تغییر در عکسها بچاپ میرسد. طبع اوّل این کتاب در شهریور ماه
۱۳۴۴ بپایان رسید و منتشر شد و روز اوّل فروردین ماه ۱۳۴۶
بدریافت جایزهٔ سلطنتی مفتخر گردید.

از چاپ اوّل این کتاب شش سال میگذرد. مؤلف در این مدت
ضمن مطالعه و مرور مجدد، بمواردی برخورد که حاجت به افزایش
مطالب دیگر دارد ولی چون افزودن مطالب دیگر در طبع حاضر که بطبع
افست چاپ خواهد شد امکان نداشت و بیش از این هم تأخیر در چاپ
کتاب روا نبود، لذا افزودنیها را بطبع دیگر موکول کردم و امید دارم
با عنایات خداوند قادر متعال آن مطالب هم روزی در خلال صفحات
همین کتاب بچاپ رسد.

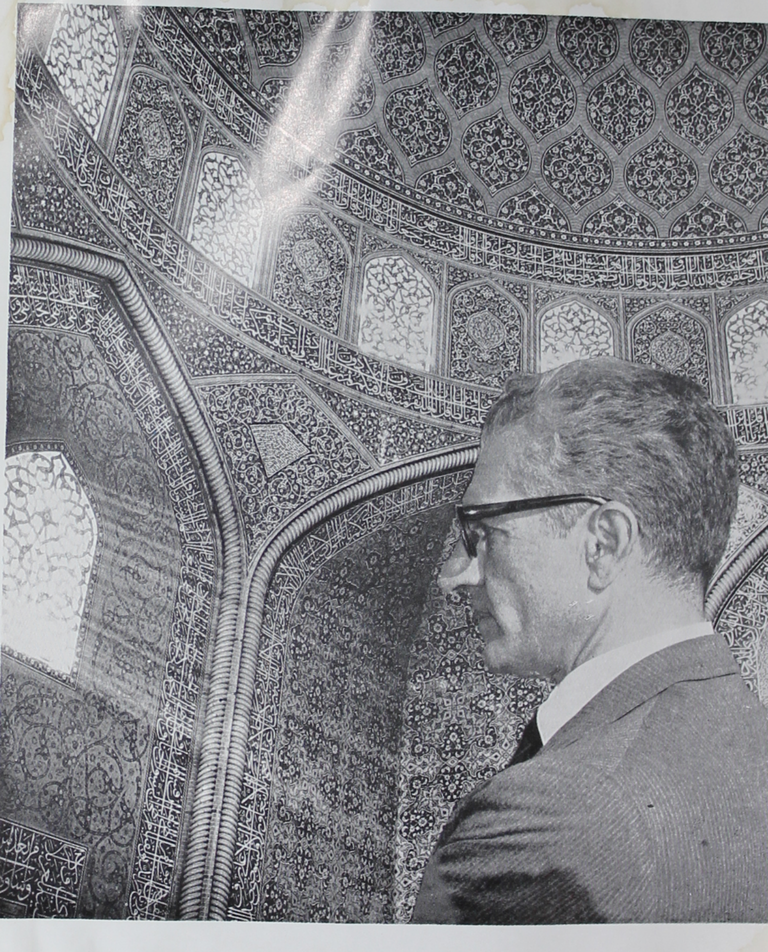
سال کورش کبیر - مهر ماه ۱۳۵۰
لطف‌الله هنرفر

« در میان شهرهای بزرگ ایران شهر اصفهان بیشتر از سایر نقاط
مظهر ایران کهن است »

از کتاب مأموریت برای وطنم

« اصفهان و اصفهانی در هنرمندی و صنعت مقامی را در دنیا داشت
و دارد که هنوز هم با آنهمه صنایع شگرف مورد تقدیر و تحسین است
و من آرزو میکنم که همواره آن مقام با ارزش تاریخی خود را حفظ کند »

فرمودهٔ اعلیحضرت همایون محمّدرضا شاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران



با تأییدات خداوند متعال

ما

محمدرضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران

موجب این فرمان دکتر لطف‌الله هنرفر مؤلف درجهٔ اول کتاب گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان را

که در سال ۱۳۴۴ برنده جایزه شاهنشاهی بهترین کتاب سال تشخیص داده شده مورد تقدیر و عنایت خاص

قرار میدهیم تا بافتخارات آن سرافراز و از پاداش آن برخوردار گردد.

بتاریخ اول فروردین ماه ۱۳۴۶

گنجینهٔ آثار تاریخی اصفهان

آثار باستانی و الواح و کتیبه‌های تاریخی در استان اصفهان

چاپ دوم

تألیف

لطف‌الله هنرفر دکتر در تاریخ

سال کورش کبیر

مهرماه - ۱۳۵۰

چاپ دوم

مهرماه ـ ۱۳۵۰

چاپ اول : شهریور ۱۳۴۴ در چاپخانه امامی اصفهان

چاپ دوم : مهرماه ۱۳۵۰ در چاپخانه زیبا ــ تهران

مرکزفروش و انتشار : اصفهان ـ کتابفروشی ثقفی

فهرست مطالب

فصل اول

صفحه

فصل دوم

فصل سوم

مسجد جمعه اصفهان مهمترین بنای تاریخی ایران از دوره سلاجقه
با اضافات و الحاقات سلسله های بعد از سلاجقه تا عصر حاضر :

صفه استاد (ایوان غربی مسجد جمعه) ـ خطوط بنائی در نما های خارجی صفه استاد ـ کتیبه های داخل ایوان غربی ـ خطوط بنائی در اطراف ایوان استاد ـ شاه نشین ایوان استاد ـ اشعار فارسی دراطراف شاه نشین ایوان استاد کتیبه محراب ایوان استاد ـ یك لوحه زیبا بخط نستعلیق ـ مسجد اولجایتو و محراب محمد ساوی ـ درچوبی مسجد اولجایتو ـ کتیبه لوح سنگی دالان حوضخانه ـ بیت الشتاء عماد ـ کتیبه تاریخی سردر بیت الشتاء .

الواح و کتیبه های ایوان شمالی مسجد جمعه اصفهان (ایوان درویش) :

۱۲۴ـ۱۳۱

خطوط کوفی در شاه نشین ایوان درویش ـ خطوط بنائی در طاق ایوان درویش کتیبه های گچ بری ایوان درویش .

الواح و کتیبه های ایوان شرقی مسجد جمعه (ایوان شاگرد) :

۱۳۲ـ۱۳۵

کتیبه داخل ایوان شاگرد ـ شاه نشین ایوان شاگرد ـ محراب ایوان شاگرد خط نظام اصفهانی در ایوان شاگرد ـ اسامی خلفای راشدین در ایوان شاگرد

الواح و کتیبه های صفه عمر درمسجد جمعه اصفهان : ۱۳۶ـ۱۴۵

کتیبه تاریخی صفه عمر از دوره سلطان محمود آل مظفر ـ نام بانی ساختمان صفه عمر ـ حسن کارون استادکاشیکار صفه عمر ـ کتیبه محراب صفه عمر ـ خطوط بنائی در محراب صفه عمر ـ الحاقاتی از دوره استیلای افاغنه درمسجد جمعه کتیبه صفه عمر مشتمل بر نام خلفای راشدین ـ الواح صفه عمر مشتمل بر نام اشرف افغان و مولی زعفران .

الواح و کتیبه های سردر ها و راهرو های مسجد جمعه اصفهان :

۱۴۶ـ۱۶۸

کتیبه سقا خانه عزیزالله ـ صفه حکیم ـ الواح مقدس مسجد جمعه ـ محراب

فصل چهارم

فصل پنجم

فصل ششم

فصل هفتم

آثار و ابنیه تاریخی اصفهان از عهد صفویه

گردشگاه چهارباغ : ۴۷۹_۴۹۳

خیابان چهارباغ درسال ۱۰۲۵ زیباترین خیابانهای جهان بوده است - باغهای مشهور چهارباغ - پل اللهوردی خان - باغ زرشگ - باغ هزار جریب .

دو بنـای تاریخی از دوره شاه عباس اول که در اولین سال سلطنت شاه صفی باتمام رسیده :

۱- بقعه بابا رکن‌الدین . ۴۹۳_۵۰۰

کتیبه سردر بقعه بابا رکن الدین - مقام بابا رکن الدین در تصوف و عرفان - کتیبه یك لوح سنگی بر دیوار بقعه بابا رکن الدین - کتیبه آرامگاه مرحوم صهبا - چله خانه .

مسجد آقا نور : ۵۰۱_۵۰۵

خطوط وتزیینات کاشیکاری ایوان جنوبی- اشعارفارسی درایوان شرقی - شبستان مسجد آقا نور - کتیبه سردر شمالی مسجد .

آثار تاریخی جلفای اصفهان : ۵۰۵_۵۲۰

قدیمی ترین کلیسای جلفا - کلیسای گیورگ - کلیسای مریم - کلیسای بیدخم - کتیبه‌کاشیکاری سردر غربی کلیسای بیدخم - کتیبه های داخـل کلیسای بیدخم - کلیسای سن سور (وانك) - کتیبه سردر اصلی‌کلیسای وانك - کتیبه های داخل کلیسای وانك - کتیبه سنگاب‌کلیسای وانك - کتیبه سردر شمالی کلیسای وانك - کتیبه تاریخی برج ناقوس - موزه‌کلیسای وانك - قبرستان ارامنه.

امامزاده اسماعیل : ۵۲۱_۵۴۰

۱- مسجد شعیا - ۲- امامزاده اسماعیل - خطوط و کتیبه ها وتزیینات‌کاشیکاری سردرمقبره - سنگ نوشته رواق بقعه - تعمیرات سال ۱۲۲۹ - اشعار فارسی در رواق بقعه - نسب امامزاده اسماعیل - کتیبه داخل حرم - سنگ آرامگاه دختر شاه اسماعیل سوم - درنفیس امامزاده اسماعیل - کتیبه سردرمسجد شعیا- تزیینات

فصل هشتم

فصل نهم

فصل دهم

فهرست تصویرهای کتاب

صفحه

فهرستها

صفحه

بقلم استاد دانشمند جناب اقای سعید نفیسی

روزی که چاپ این کتاب بپایان برسد وپژوهندگان پی درپی از آن برخوردار وکامیاب شوند بگمانم من بیش از دیگران از فرجام این کار خرسند خواهم شد آری من چند ماه پیاپی از بسیار نزدیك گواه پشت‌کار و دقت و ژرف بینی و روشن فکری آقای دکترهنرفر بوده‌ام . من میدانم که چه مایه رنج برده ودرجهان اندیشه فرو رفته و شور و عشق و دلبستگی خود را درین‌کار نهاده و چگونه این کار را بالاترین فریضهٔ زندگی خود دانسته است .

روزی که آقای دکتر هنرفر این کتاب را برای احراز درجه دکتری تاریخ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران عرضه داشت و خطابه دفاعی خود را خواند و هیئت نظارت وی را دکتر از دانشگاه تهران شناخت من در همان جلسه گفتم که این کتاب برهمه رساله های دکتری که دردانشگاه تهران گذشته است برتری دارد زیرا رساله های دیگر همه در میان چهار دیواری و زیر سقفی در نتیجه استخراج واستقصا ازین کتاب وآن کتاب فراهم شده و گردآورنده آنها تنها نشسته‌اند ومطالبی را که می بایست گردآورده اند اما آقای دکترهنرفرمن میدانم چسان وجب بوجب ساختمانهای تاریخی بی‌شمار اصفهان را پیموده و در برابر بدنهٔ دیواری یا کتیبه‌ای درسرما وگرما ساعت ها ایستاده و رازهای دل این گچها وآجرها وکاشیها وسنگها

را خواهی نخواهی از سینهٔ آنها بیرون کشیده است .

پیداست که چنین کاری بدین دشواری وجان فرسایی تاچه اندازه نسبت بکارهای دیگری که در محیط دربستهٔ کتابخانه ای بپایان میرسد برتری دارد . کسانی که از راز های کار ما خبر دارند می دانند که درین کتاب دکتر هنرفر بسیاری از مطالب را که تاکنون مکتوم و پنهان مانده بود با منتهای روشن بینی کشف کرده و بدست این صحایف که همواره ترجمان آنها خواهند بود سپرده است .

یقین دارم هر کس که اندك مایه انصافی در جهان دانش و بینش داشته باشد تنها تصور گرد آوردن نزدیك هزارصحیفه دربارهٔ ساختمانهای اصفهان واین همه تصویر های زیبا او را بتحسین و استعجاب وادار میکند و با من درین زمینه همداستان خواهد شد .

سالیان دراز است که بسیاری از دانشمندان ایرانی و بیگانه در بارهٔ ساختمانها و آثار هنر اصفهان کتابها و رساله ها و مقاله ها نوشته اند اما همه آنها یك طرف و این کتاب یك طرف زیراکه این کتاب قطعاً همه را از آن آثار گذشتگان بی نیاز می کند .

بسیار شادم که این کتاب بدین گونه از زیبائی و دقت چاپ میشود و بدست دانش پروران و هنر دوستان می افتد وهمه با من هماواز خواهند شد وآقای دکتر هنرفر را ازین کار بسیار پسندیده تبریك خواهند گفت .

تهران ۹ خرداد ماه ۱۳۴۳

سعید نفیسی

بقلم جناب آقای دکتر عیسی صدیق

استاد دانشمند دانشگاه و نماینده محترم مجلس سنا

بزرگترین پاداش معنوی کسانی که روزگار خود را در راه تربیت و تعلیم میگذرانند اینست که مشاهده کنند دراثر زحمات آنها اشخاص برجسته‌ای فرهخته شوند که خدمات ارزنده بمنصه ظهور رسانند.

آقای دکتر لطف‌الله هنرفر را باید از مصادیق اینگونه اشخاص منظور داشت ایشان پس ازفراغت ازتحصیل در دانشسرای اصفهان درزمانی که تصدی دانشسرای عالی بعهده من بود وارد آن شدند و کلاس مخصوص و دورهٔ لیسانس را با احراز رتبه اول بپایان رسانده در وزارت فرهنگ بخدمت مشغول گشتند.

از جمله مشاغلی که بعهده گرفتند ریاست ابنیه و آثار تاریخی اصفهان بود که بدان دلبستگی خاص داشتند و ظرف هشت سال خدمت در این سمت از ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹ بمطالعه و تحقیق و تتبع و مشاهده پرداختند و بقدر مقدور از ارباب فضل و هنر استفاده کردند و مطالب این کتاب را حاضر نمودند سپس براهنمائی استادان دوره دکتری تاریخ دردانشگاه تهران مطالب مذکوررا تلفیق وتألیف نموده بصورت کتابی درآوردند که دانشگاه تهران بعنوان پایان نامه پذیرفت وباقید «بسیارخوب» ایشان را بدرجه دکتری مفتخر ساخت.

از مطالعه مجمل فهرست این کتاب روشن میشود که نسبت بکتابهائی که درباره

ابنیهٔ باستانی اصفهان تاکنون انتشار یافته سه مزیت بارز دارد :

نخست اینکه صورت کاملی از کلیهٔ آثار تاریخی آن شهر زیبا و قدیمی در این کتاب آمده است با شرح مفصل نسبت بهریك از آنها و عکسهای جالبی که بیشتر آنها را مؤلف شخصاً برداشته و در اینجا بطبع رسانده اند . در کتبی که در یکصد سال اخیر در باره اصفهان تألیف شده هیچگاه چنین صورت کاملی با توصیف بنا ها وجود ندارد . بعضی از ابنیه که در این کتاب ذکر شده حتی در فهرست آثار ملی وزارت فرهنگ قید نگردیده است .

مزیت دوم این کتاب این است که متن تمام کتیبه های آثار تاریخی اصفهان در این کتاب عیناً نقل شده و وقتی بیاد آوریم چه اندازه دسترسی به کتیبه ها دشوار و خواندن متون آنها سخت است ازعلاقهٔ وافر مؤلف بدین کار وشکیبائی ایشان آگاه میشویم مخصوصاً که عده ای از کتیبه های مذکور در اثر خرابی ابنیه مفقود شده بود و در نتیجه همت و کوشش آقای دکتر هنرفر از زیر خاك وویرانه های آثار ملی مجاور مکشوف گردیده است .

مزیت سوم کتاب این است که مؤلف به کتب مهمی که از قدیم الایام ایرانیان یا جهانگردان خارجی دربارهٔ اصفهان نوشته‌اند مراجعه کرده وبااطلاع ازمندرجات آنها « گنجینه آثار تاریخی اصفهان » را بسلك تحریر کشیده اند .

با سه مزیتی که ذکر شد کتاب حاضر تا آنجا که من آگاهم جامعترین کتابی است که در باب آثار و ابنیه تاریخی اصفهان بزیور طبع آراسته شده وموجب کمال مسرت و قدردانی است و بمؤلف دانشمند آن باید تبریك و تهنیت گفت وازخداوند متعال مزید توفیق ایشانرا در تکمیل این خدمات با ارج خواستار شد .

لویزان - هفتم مرداد ماه ۱۳۴۴

دکتر عیسی صدیق

بقلم استاد دانشمند جناب آقای دکتر محسن هشترودی

تاریخ هنر ایران آنگونه که اهل فن تدوین میکنند هنوز مدون نشده است اولین بار که در اصفهان به آقای دکتر هنرفر برخوردم و همت ایشان را بر تدوین تاریخ هنری اصفهان مصمم وموقوف یافتم گمان نمی کردم که زحمت مطالعه متوالی دهساله ایشان تا چه حد دراین کار توفیق یافته است . درجلسه دفاع رساله دکترای ایشان که شاهد وناظر بودم تقدیر استادان این توفیق را تضمین می کرد . اگر توجه شود که شاید بدون اغراق يك چهارم تاریخ هنر ایران وقف بر اصفهان خواهد بود ارزش زحمت مداوم آقای دکترهنرفر بهتر آشکارمیشود . بسیاری از رموز تاریخی اصفهان گشوده شده است وکتابی که بدینسان به اهل نظر تقدیم میشود حاصل زحمت مستمر اهل فنی کارآمد وکارشناس است ، بیشك هنوز درتاریخ هنر ایران وخصوصاً اصفهان بایستی کوششهای پی گیر دیگری بکار آید اما مغتنم است که کتاب آقای دکترهنرفر راهگشای آیندگان وجویندگان است ودرحد خویش به کمال آراسته. توفیق دوست هنرشناس را در تتمیم و تکمیل مطالعات خویش آرزومندم .

دکتر محسن هشترودی

تهران ۱۳۴۴/۴/۴

دیباچه

بسم الله الرحمن الرحیم

اول دفتر بنــــام ایزد دانا   صانع و پروردگار و حی و توانا

در طول مدت هشت سال خدمت از ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹ خورشیدی که افتخار تصدی امور باستان شناسی اصفهان برعهده نگارنده بود باقتضای وظیفه و خدمت شریفی که مأمور انجـام آن بودم ضرورت داشت علاوه بر کارهای جاری و عـادی اداری بمطالعه بیشتر کتبی که حاوی هر گونه اطلاع درباره تاریخ اصفهان و آثار باستانی آن باشد پرداخته بر معلومات خود تا آنجا که مقدور بود بیفزایم وهمچنانکه در این راه گام برمیداشتم شوق وعلاقه خاصی به گردآوری کتیبه ها وخواندن خطوط مختلفی که از طرف پادشاهان وبزرگان و دیگرنیکوکاران در ابنیه وآثار اسلامی اصفهان برجای مانده‌است وتعداد بسیار کمی‌از آنها بطورمتفرق در کتاب «آثارایران» از انتشارات اداره کل بـاستانشناسی (دو جلد مخصوص اصفهان) و مجله یادگـار و روز نامه سرنوشت چاپ اصفهان انتشار یافته بود در خــویشتن احساس مینمودم بخصوص که تعداد معدود کتیبه های منتشر شده خالی از نقص و اشتباه هم نبود لذا بجمع آوری کلیه خطوط و کتیبه های موجود در آثار تاریخی اصفهان مصمم شدم و با آنکه این کاری بزرگ بود و نگارنده با بضاعت مزجاة توانائی انجام آنرا در خود نمیدید ولی با اتکاء بفضل و یاری خداوند متعال و مساعدت دوستـان دانشمند اصفهانی تاآنجاکه امکان پذیر بود مجموعه ای از اینگونه اسناد که حاوی اطلاعات اصیل و دانستنیهای جالب است فراهم آوردم .

بهنگام ادامه تحصیلات عالیه مؤلف دردانشگاه تهران هیئت محترم نظارت دوره دکتری تاریخ دانشکده ادبیات با توجه بسوابق مطالعات و تحقیقات نویسنده در مورد آثار تاریخی اصفهان در اسفند ماه سال ۱۳۳۹ خورشیدی تصویب نمودند که نگارنده رساله پایان تحصیلات خود را تحت عنوان « الواح و کتیبه های اسلامی در آثار و ابنیه تاریخی اصفهان و نواحی اطراف آن » برشته تحریر درآورده و در کار تنظیم و تدوین مطالب رساله از راهنمائیهای استاد محقق ودانشمند دانشگاه تهران جناب آقای سعید نفیسی استفاده نماید .

کارتنظیم وتدوین مطالب رساله وتهیه نسخ لازم برای تقدیم به دانشگاه تاخرداد ۱۳۴۱ بطول انجامید و در چهارم تیرماه سال ۱۳۴۱ جلسه دفاع رساله در دانشکده ادبیات تهران تشکیل شد وهیئت داوران مرکب از استادان ارجمند جنابان آقایان : سعید نفیسی استاد راهنما ودکترخانبابا بیانی و دکتر علی اکبر بینا ودکتراحمد بهمنش و دکتر هادی هدایتی پس از استماع خطابه دفاعیه اینجانب رساله مؤلف را مورد تصویب قراردادند ونویسنده این کتاب بدریافت درجه دکتری تاریخ ازدانشگاه تهران مفتخر شد .

عنایتها و تشویقهای روز افزون استادان ارجمند وسروران گرامی نسبت به تهیه مطالب رساله مزبورنگارنده را به تکمیل و ادامه خدمتی که بشرح فوق آغاز گشته بود وادار نمود وبزرگوارانی که طی سطور بعدی نام شریفشان مذکور میافتد چاپ و انتشار آنرا خواستار گردیدند و بدین ترتیب رساله سابق الذکر بصورت کتاب حاضردرآمده بنام «**گنجینه آثار تاریخی اصفهان**» بمحضر دوستداران وعلاقه‌مندان به یادگارهای فرهنگی و هنری ایران کهن عرضه میگردد .

از تیرماه سال ۱۳۴۱ تا خرداد ۱۳۴۲ نگارنده درکار تکمیل مطالب این کتاب

و آماده نمودن آن برای چاپ اقدام نمود و در این مدت موفق شد علاوه بر تطبیق کتیبه ها مطالب دیگری بر مندرجات سابق بیفزاید وضمن چاپ کتاب که از خرداد ۱۳۴۲ تا شهریور ۱۳۴۴ بطول انجامید بتدریج با افزودن مطالب دیگری که نتیجه تحقیقات اخیر مؤلف است در سودمند واقع شدن این اثر اهتمام بیشتر مبذول داشت .

اکنون که بفضل وتوفیقات آفریدگار جهان وخداوند لم یزل لایزال جلت شأنه توفیق اتمام چاپ این کتاب نصیب این بنده ناچیز گردید وگام دیگری در راه معرفی آثار با عظمت تاریخی اصفهان برداشته شد آرزومند است نسبت بمحافظت و تعمیر وترمیم ومعرفی وتبلیغ این مجموعهٔ گوهرهای گرانبهای تاریخی که داخل و خارج شهر باستانی اصفهان را زینت داده است تحت توجهات عالیه و رهبریهای خردمندانه **اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی** شاهنشاه معظم ایران و در پرتو تدابیر و اقدامات مجدانه جناب آقای مهرداد پهلبد وزیر هنرپرور فرهنگ و هنر ایران آنچنانکه درسایر کشورهای مترقی باستانی معمول است در آینده گامهای سریع و مؤثری برداشته شود و از تمام امکانات موجود در راه پیشرفت این منظور عالی استفاده گردد ، باشد که در میهن عزیز ما ایران هم مانند کشور های تاریخی دیگر از این ثروت گرانبهای ملی که از نظر نوع آن چنانکه همه گفته اند در دنیا بی‌نظیر است بنفع مردم عزیز ونجیب آن بهره برداری شود و ایران مطاف صاحب نظران و صاحبدلان و کعبهٔ سیاحان جهان گردد .

پس از ذکر این مقدمه مناسب میداند توجه خوانندگان محترم را بنکاتی چند معطوف دارد :

۱- مقصود اصلی ازتدوین این کتاب بشرحی که اشاره نمود جمع آوری وانتشار کلیه الواح و کتیبه ها وخطوطی بوده است که دردوره های اسلامی تاریخ ایران در

شهر باستانی اصفهان وشهرها و بخشهای تابعه آن بیادگار مانده است اعم از اینکه با آجر یاکاشی وگچ نوشته شده و یا روی چوب و سنگ و فلز نقر شده باشد ولی برای آنکه این مجموعه بیشتر مفید فایده واقع گردد و خواننده را بقرائت آن رغبت بیشتر پدید آید و این اثر بقدر امکان جامعتر بیادگار بماند با ترتیب دادن تاریخچه ای برای هر دوره تاریخی ضمن توصیف بنا های بر جای مانده آن دوره کتیبه ها و الواح هر بنا را درجای مناسب خود ذکر کرده است.

۲- تصور نمیرود هیچ شهری در دنیا برای معرفی آثار اسلامی با اصفهان قابل مقایسه باشد زیرا اصفهان علاوه بر واجد بودن بنای عظیمی مانند مسجد جمعه که به‌تنهائی یك موزه معماری اسلامی محسوب میشود بالغ بریکصد وپنجاه اثرتاریخی دیگر دارد که هریك از آنها در دوره معینی بنا شده و معرف خصوصیات معماری و تزییناتی آن دوره است بنا بر این برای مطالعه سیر سبکهای معماری ایرانی طی چهارده قرن اخیر شهر نمونه بشمار میرود و از این جهت بی نظیر است.

۳- در این کتاب متجاوز از یکصد و پنجاه اثر تاریخی موجود اصفهان و نقاط اطراف آن با ذکر الواح و کتیبه های آنها تحقیق وتوصیف شده است که فی‌المثل مسجد جمعه اصفهان با تمام اهمیت و عظمت آن یك واحد از این مجموعه بشمار آمده و بترتیب دوره های تاریخی و سال ساختمان یکی پس از دیگری توصیف شده است.

۴- مؤلف در نوشتن کتیبه ها و الواح توجه داشته است که کتیبه ها را عیناً و بطوریکه دراصل کتیبه نگاشته شده وبشیوه تحریر اصل آنها منعکس نماید بنابراین کلمات و حروف متصل بهم و یا جدا از هم در هر کتیبه عیناً مانند اصل آنهاست و با آنکه در مواردی اشتباهات املائی وانشائی هم در کتیبه ها دیده شد معذلك بدون

دخل و تصرف نقل گردید و در بیشتر موارد تذکر لازم در زیر نویس صفحات داده شده است .

۵- بسیاری ازاصطلاحات مندرج در این کتاب مانند «کاشی‌خشت» و«کاشی‌هفت رنگ» و «مقرنس» و «معرق» و «قطار» و «معقلی» و«گره» و «کاشی نره» و «شمسه» و مانند اینها اصطلاحات فنی و متداول استادان کاشیکار است که از چند قرن پیش نسلا بعد نسل بکار برده اند و در این کتاب عیناً بکار رفته و نمونه هـای آنها درتصاویرمختلف کتاب نموده شده است (رجوع شود به‌قسمت حواشی وملاحظات در آخر کتاب) .

در نقل کتیبه هـا قسمتهـائی که بطور «نقطه چین» نمایش داده شده معرف قسمتهائی از کتیبه است که بکلی از بین رفته وشکسته یا محو گردیده است و الاگر بعلت لایقرء بودن قسمتی نقطه چین شده باشد این مورد بخصوص تذکرداده شده است.

۶- تمام سالهائی که در این کتاب ذکر شده سالهای هجری قمری است و هرجا سال هجری شمسی مقصود بوده تذکر داده شده است .

۷. مأخذ مؤلف در تعیین شماره آیاتی از قرآن مجید که ضمن کتیبه ها از آنها نام برده است قرآن منطبعه شام : (مطبعة دارالایتام الاسلامیة الصناعیة بالقدس فی غرة جمادی الاولی سنة ۱۳۷۸ ه) است .

۸- در قرائت کتیبه ها مخصوصاً کتیبه ها والواحی که بخط ثلث نوشته شده است دوستان دانشمند و ارجمند جنابان آقایان: حجة الاسلام حاج میرسید علی ابطحی امام جماعت عالی مرتبت مسجد جمعه اصفهان وسید مصلح الدین مهدوی دبیرفاضل و گرامی دبیرستانهای اصفهان حداقل دوسال تمام بانویسنده همکاری نزدیک داشته‌اند ومؤلف سپاسگزار همکاریهای صمیمانه وارزنده علمی ایشان است . همچنین ازدو نفر

استادان کاشیکار اصفهان بنام استاد محمد مصدق زاده واستاد اسماعیل زهره که سالهاست در ابنیه تاریخی خدمت میکنند و در قرائت خطوط کوفی و بنائی تخصص دارند بمناسبت همکاریهای صمیمانه آنها درقرائت این قبیل خطوط و آماده نمودن مقدمات قرائت بعضی کتیبه های خط ثلث امتنان فراوان دارد.

از دانشمند محترم جناب آقای سید محمد تقی مصطفوی که چند کتیبه را در اختیار اینجانب قراردادند، ودرچند مورد تذکرات سودمند ایشان بکارآمد وهمچنین از استاد دانشمند جناب آقای دکتر عبدالباقی نواب که علاوه برحذاقت در حرفه پزشگی در تاریخ و ادبیات وشناسائی خطوط نیز تسلط کامل دارند و از راهنمائیهای ایشان استفاده برده ام وازدوستان دانشمند جنابان آقایان : بدرالدین کتابی ومحمد مهریار وسید احمد خراسانی (استادان دانشکده ادبیات) وسید محمد علی روضاتی و حبیب الله فضائلی (استاد خوشنویس معاصر اصفهانی) و شیخ ابوالقاسم نورائی و سید علی اکبر ابرقوئی و حسین همامی زاده که گاه و بیگاه مشکل گشای کلمه یا جمله ای از معضلات کتیبه ها بوده اند سپاسگزاری میکنم .

از دانشمند گرامی جناب آقای عبدالحسین سپنتا که برای نخستین بار کتاب حاضر را با کلك محبت آمیز خود در روزنامه اصفهان معرفی نموده و نگارنده را بطبع آن تشویق فرموده اند تشکر میکنم و از همکارمحترم آقای احمدعلی بشارت رئیس اداره باستانشناسی که برای مشاهده و تحقیق و قرائت کتیبه های چند بنای تاریخی خارج شهرهمه گونه تسهیلات لازم فراهم آورده وشخصاً با نگارنده همکاری داشته اند سپاسگزارم .

مؤلف لازم میداند از خدمات دانشمند فقید مرحوم محمد صدر هاشمی معلم دانشکده ادبیات وعضوقدیمی انجمن آثارملی اصفهان که کتیبه های تعدادی از بناهای

قدیمی گمنام اصفهان را که هم اکنون وجود ندارند جمع آوری کرده بود در این مبحث یاد نموده و برای وی طلب آمـرزش نماید . برخی از این کتیبه هـا که در روزنامه سر نوشت و مجله یادگار منتشر شده بود مورد استفاده نگارنده واقع شده و بنام خود آن شادروان درج گردیده است .

۹- از دوستان عزیز ارجمند جنابان آقایان : دکتر سیف الله وحید نیا نمـاینده مجلس شورای ملی ومدیرمجله وزین وحید ودکتر نعمت الله کرامتی استاد دانشکده پزشگی اصفهان که با کمکهای مالی و ابـراز علاقه های معنوی در فراهم آمـدن موجبات طبع این کتـاب مراتب دانش پروری خود را عملا بمنصه ظهور رسانیدند سپاس فراوان دارد و توفیق روز افزون دوستان گرامی را برای شرکت درخدمات علمی دیگر آرزومند است .

۱۰- بیشتر تصاویر این کتاب عکاسی خود مؤلف است و تعدادی از آنها ازدوست هنرمند آقای عطاءالله مشیری نماینده کمپانی فرانیا در تهران و آقای امـان الله طریقی دوست هنرمند نقاش و عکاس نگارنده در اصفهان است . چند عکس قدیمی مانند، عکسهای چهارباغ بالاوپائین ودورنمای، عمارت هفت دست و آینه خانه و نمکدان را مرحوم حسین ولی اللهی معلم رسم و نقاشی مدرسه متوسطه قدیم اصفهان و آقای عبدالغفار نوربخش در اختیار مؤلف قرار داده اند .

غلط گیری این کتاب را از ابتدا تا انتها مؤلف شخصاً انجام داده است وفهرست های آخر کتـاب را دوست فاضل آقای مرتضی تیموری مدیر کتـابخانه دانشکده ادبیات اصفهان بابردباری و علاقه مندی تمام تنظیم نموده و غلط گیری کرده اند و باین مناسبت از زحمات ایشان سپاسگزاری میکنم .

۱۱- سپاسگزاری از استادان و سروران و دوستان گرامی

با یادآوری از خدمات شادروان حسین علاء که در سمت ریاست هیئت مؤسسین انجمن آثار ملی ایران سالها منشاء خدماتی مفید نسبت به آثار تاریخی کشور بوده‌اند مؤلف بحضور استاد فرزانه معظم جناب آقای علی اصغر حکمت رئیس هیئت مؤسسین انجمن آثار ملی ایران و تیمسار سپهبد فرج الله آق اولی رئیس محترم هیئت مدیره انجمن و دانشمند معظم جناب آقای سید حسن تقی زاده و استاد معظم جناب آقای دکتر عیسی صدیق و تیمسار سپهبد امان الله جهانبانی و استاد دانشمند جناب آقای دکتر رضا زاده شفق و جناب آقای دکتر محمود مهران وزیر اسبق فرهنگ و تیمسار سرلشگر محمد حسین فیروز و جناب آقای مهندس محسن فروغی و جناب آقای مهندس هوشنگ سیحون اعضاء محترم هیئت مؤسسین انجمن آثار ملی ایران که در اردیبهشت سال ۱۳۴۲ بهنگام بازدید از تعمیرات آثار تاریخی اصفهان که بدعوت جناب آقای مهندس پارسا استاندار استان اصفهان بعمل آمده بود ضمن بررسی امور مربوط به آثار باستانی خدمت ناقابل نویسنده این کتاب را نیز در فراهم آوردن مجموعه الواح و کتیبه های تاریخی اصفهان مورد عنایت قرار داده و نگارنده را بطبع آن تشویق فرمودند عرض سپاسگزاری دارد و بپاس راهنمائیها و تشویقهای استادان معظم : جناب آقای بدیع الزمان فروزانفر رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی و جناب آقای دکتر عبدالله شیبانی معاون محترم دانشگاه تهران مراتب امتنان و سپاسگزاری خود را ابراز مینماید . همچنین وظیفه خود میداند از تشویقها و عنایتهای جناب آقای دکتر عبدالعلی جهانشاهی وزیر سابق فرهنگ (وزیر مشاور فعلی) و جناب آقای دکتر هادی هدایتی وزیر آموزش و پرورش و استاد دانشمند بزرگوار جناب آقای دکتر محسن هشترودی

و بویژه از الطاف ومراحم استادان عزیز و ارجمند جنابان آقایان : سعید نفیسی و دکترخانبابا بیانی ودکترعلی اکبر بینا ودکتراحسان‌الله یارشاطر که درفراهم آمدن این مجموعه از مشوقین اولیه نگارنده بوده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نماید ومراتب حق شناسی خود را از محبتها و تشویقهائی که پیوسته از طرف جناب آقای مهندس ابراهیم پارسا استاندار استان تاریخی اصفهان وجناب آقای نورمحمد هداوند فرماندار اصفهان نسبت باینجانب و چاپ این کتاب مبذول شده است ابراز نماید .

مؤلف از اعضاء محترم انجمن آثار ملی اصفهان بویژه از جنابان آقایان : دکتر عباس فاروقی رئیس دانشکده ادبیات اصفهان و مجتبی کیوان و عبدالوهاب کلانتری و دکتر کارو میناسیان و عباس بهشتیان و سایر دوستان و سروران ارجمند جنابان آقایان : امیرقلی امینی مدیر دانشمند روزنامه وزین اصفهان و نصرت‌الله مشکوتی قائم مقام سابق وزیر فرهنگ در شورای عالی باستانشناسی و رضا فلسفی نویسنده فاضل و دکتر پرویز دبیری استاد دانشکده پزشکی وحاج آقامرتضی شهشهانی فاضل محترم و اسماعیل مرتضوی برازجانی (مدیر کل فعلی آموزش و پرورش در آذربایجان شرقی و دوست دانشمند نگارنده) که نسبت بتدوین و طبع کتاب حاضر همه‌گونه تشویق و ابراز لطف فرموده اند عرض تشکر دارد .

۱۲- پیشقدمان از نویسندگان تاریخ اصفهان

کتاب حاضر که براساس جمع آوری وانتشار کتیبه های تاریخی وخطوط موجود در آثار باستانی اصفهان فراهم آمده پس از دو جلد کتاب مربوط به اصفهان از انتشارات اداره کل باستانشناسی که معدودی از کتیبه های تاریخی را در بردارد و در صفحه سی و چهار بدان اشارت رفت نخستین کتابی است که در سلسله مطبوعات

ایران مشتمل بر توصیف ابنیه تاریخی و نقل کلیه کتیبه ها و خطوط موجود در آثار باستانی اصفهان با توفیقات خداوند قادر متعال انتشار می یابد وبدین سبك و شیوه به اهل نظر وعلاقه مندان به آثار تاریخی وهنری ایران عزیز تقدیم میگردد ولی دربارهٔ تاریخ و جغرافیا و رجال و نویسندگان و شعرا واماکن تاریخی و مقابر و سنن و شعایر محلی ازقرن سوم هجری تازمان حاضر کتب متعددی بوسیله مورخین ونویسندگان دیگر تدوین شده که بعضی از آنها بطوریکه درمآخذ این کتاب ذکر شده مورد استفاده مؤلف هم واقع گردیده و بمصداق **الفضل للمتقدم** ذکر آنهـا را مخصوصاً ازاینجهت که راهگشای نویسندگان ومحققین آینده تواند بود لازم دانسته ذیلا بمعرفی آنها می پردازد :

۱- **اخبار اصفهان** تألیف احمد بن‌عبدالله بن احمد بن اسحق بن موسی بن‌مهران اصفهانی مشهور به **حافظ ابونعیم** از قرن چهارم هجری در دو جلد .

۲- **تاریخ اصفهان** تألیف حمزة بن الحسن الاصفهانی از قرن چهارم هجری .

۳- **رساله محاسن اصفهان** تألیف مفضل بن سعد بن حسین مافروخی اصفهانی از قرن پنجم هجری .

٤- **ترجمه محاسن اصفهان وذیل آن** ازحسین بن محمد بن ابی الرضا علوی‌آوی از قرن هشتم هجری .

٥- **تاریخ اصفهان** تألیف ابوزکریا یحیی بن‌منده اصفهانی‌متوفی در ٥١٢ هجری.

٦- **جغرافیای اصفهان** تألیف میرزاحسین‌خان فرزند محمد ابراهیم‌خان‌تحویلدار اصفهان که در ۱۲۹٤ هجری نوشته شده است .

۷- **نصف جهان فی تعریف الاصفهان** تألیف آقا محمد مهدی ارباب که در۱۳۰۳ هجری تدوین شده است .

۸ـ **تذکرة القبور** راجع به تکیه ها و بقاع و قبرستانها و مدفونین در آنها از مشاهیر رجال و علماء و شعراء و نویسندگان اصفهانی تألیف مرحوم آخوند ملا عبدالکریم جزی که در ۱۳۲٤ قمری بطبع رسیده است .

۹ـ تاریخ اصفهان معروف به **الاصفهان** تألیف مرحوم حاج میرسید علی جناب از مفاخر رجال اصفهان و از اساتید فن ریاضی متوفی بسال ۱۳٤۹ قمری در تهران این کتاب درده مجلد تدوین شده که فقط جلد اول آن بطبع رسیده و با کمال تأسف نه مجلد دیگر آن هنوز بچاپ نرسیده است .

۱۰ـ **تاریخ اصفهان** تألیف مرحوم حاج شیخ میرزا حسن خان انصاری ازمعاریف رجال علمی و ادبی دوره معاصر .

۱۱ـ **تاریخ اصفهان و ری** تألیف مرحوم حاج شیخ میرزا حسن خان انصاری .

۱۲ـ **اصفهان نصف جهان** تألیف دانشمند فرزانه جناب آقای سید جلال الدین تهرانی که ضمیمه گاهنامه سال ۱۳۱۲ شمسی بطبع رسیده است .

۱۳ـ تاریخ مقابر **اصفهان** تألیف دانشمند محترم آقای سید عبدالحجة بلاغی .

۱٤ـ **اصفهان** تألیف حسین نور صادقی لیسانسیه دانشسرای عالی که حاوی اطلاعاتی درباره تاریخ وجغرافیا وآثار تاریخی ونویسندگان وشعرای اصفهان است .

۱۵ـ **رجال اصفهان** یا تذکرة القبور تألیف مرحوم آخوند ملاعبدالکریم جزی با حواشی و ملحقات دانشمند گرامی آقای سید مصلح الدین مهدوی .

۱٦ـ **تذکره شعرای اصفهان** تألیف فاضل گرامی آقای سید مصلح الدین مهدوی چاپ اصفهان سال ۱۳۳٤ شمسی .

۱۷ـ اداره کل باستانشناسی ایران از سال ۱۳۱٤ خورشیدی ببعد برای معرفی آثار تاریخی ایران و از آنجمله اصفهان بانتشار کتابهائی مبادرت نمود که دو جلد

آن به شهر اصفهان اختصاص دارد ونخستین کتابهائی است که علاوه بر توصیف آثار باستانی اصفهان حاوی بعضی کتیبه ها و نام اساتید و هنرمندان معمار وکاشیکار و خطاط نیز هست وبرای مؤلف این کتاب راهنما وراهگشا بوده است (دوجلد کتاب مربوط به اصفهان بوسیله مرحوم **آندره گدار** که قریب سی سال در سمت مدیرفنی ابنیه تاریخی کشور منشاء خدماتی به آثار تاریخی ایران بود و در امرداد ماه سال ۱۳۴۴ خورشیدی در فرانسه وفات یافت بزبان فرانسه تألیف شده و دانشمند محترم جناب آقای سید محمد تقی مصطفوی مدیر کل اسبق باستانشناسی آنها را بزبان فارسی ترجمه کرده اند) .

۱۸- درسنوات اخیر تحت عنوان راهنماو تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان نیز کتابهائی منتشرشده است ازآنجمله : «راهبرمسافر اصفهان» تألیف مرحوم جناب سابق الذکر و « تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان » تألیف کریم نیکزاد امیرحسینی و« آثارتاریخی اصفهان» ضمیمه سالنامه نیروچاپ اصفهان بمدیریت محمدباقر نجفی وراهنمای مختصر آثار تاریخی اصفهان بزبان انگلیسی از مرحوم جواد مجدزاده صهبا و « راهنمای اصفهان» تألیف رضا عطاپور و« از اصفهان دیدن کنید» ازانتشارات شهرداری اصفهان بقلم مؤلف وسه راهنمای ابنیه تاریخی اصفهان بزبان فارسی وآثار تاریخی اصفهان بزبان انگلیسی (ازمؤلف این کتاب) و« بخشی از گنجینه آثارملی » مشتمل برنام بازارها وتکایا وکاروانسراهای اصفهان بقلم عباس بهشتیان را باید نام برد .

۱۹- بطوریکه جناب آقای جلال الدین همائی استاد محقق و دانشمند دانشگاه تهران در شرح حال خود در مجله وحید (شماره تیرماه ۱۳۴۴) مرقوم داشته اند کتابی بنام **تاریخ اصفهان** در هفت مجلد بزرگ شامل تاریخ و جغرافیا و رجال و ابنیه و عمارات و مقابر و زبان و عادات و رسوم اصفهان از قدیمترین ایام تاریخی تا عهد حاضر تدوین فرموده اند و از جمله درفصل رجال آن بطوریکه اشاره نموده اند تا کنون حدود ده هزار نفررا ثبت کرده وتراجم احوال آنها را نوشته اند . مؤلف

مانند عموم علاقه مندان به تاریخ و آثار و مفاخر ملی میهن عزیز آرزومند است این کتاب نفیس هر چه زودتر بزیور طبع آراسته گردد و بر منابع تحقیق در تاریخ اصفهان اثری گرانبها افزوده شود .

۲۰- در قرون یازدهم و دوازدهم و سیزدهم وچهاردهم هجری عده ای از سیاحان و جهانگردان اروپائی که از کشور ایران دیدن کرده اند و بعضی از آنها مانند **شاردن وتاورنیه** سالها دراصفهان اقامت داشته‌اند سفر نامه هائی که حاوی اطلاعاتی در بارهٔ تاریخ و جغرافیا و اماکن تاریخی و اوضاع اجتماعی ایران و بالاخص اصفهان است ازخود بیادگار گذاشته اند ، این سفر نامه هارا که اکثر بزبان فارسی هم ترجمه شده باید درردیف منابع تحقیق تاریخ اصفهان بشمار آورد (رجوع شود به صفحه ۸۴۳ و۸۴۴ این کتاب) .

درپایان این دیباچه ازدانشمندان بنام یا گمنامی که درعرصه پهناور میهن عزیزم ایران یا در کشورهای دیگر بسرمیبرند وممکن است این کتاب از نظر آنها بگذرد با عرض ادب و فروتنی و با اذعان باینکه بنده ای ناچیز با بضاعتی مزجاة مجموعه مطالبی ناتمام فراهم آورده است تمنی دارد اولا برلغزش های نگارنده بدیده عفو و اغماض بنگرند و ثانیاً از لحاظ کمك و همکاری در راه تکمیل مطالب این کتاب هرگونه تذکر جزئی یا کلی را لازم دیدند بر مؤلف منت گذاشته حضوراً یا کتباً یادآوری فرمایند تاهرگاه توفیق چاپ مجدد این کتاب فراهم آید تذکرات سودمند دانش پژوهان در تصحیح و تکمیل این اثر ناچیز بکار آید و بر زیبائی صوری و معنوی آن بیفزاید .

من الله التوفیق و علیه التکلان

اصفهان - اول شهریور ماه ۱۳۴۴ خورشیدی

دکتر لطف الله هنرفر

ماده تاریخ طبع کتاب

مقارن چاپ فصل آخر این کتاب مؤلف از شاعر گرامی آقای فضل الله اعتمادی متخلص به (**برنا**) دربارهٔ طبع کتاب حاضر وماده تاریخ اتمام آن اشعاری دریافت نمود . باعرض تشکر از این عنایت و پوزش ازاینکه نقل ابیاتی چند از اشعارمزبور بعلت آنکه نگارنده طی آنها بیش ازحد مورد مهر و ملاطفت قرار گرفته‌ام شایسته نیست فقط مطلع وچهار بیت آخر اشعارمذکور که مربوط بطبع کتاب درسال ۱۳۸۴ هجری قمری برابر با ۱۳۴۴ هجری شمسی است و از قدرت طبع شاعر در ساختن ماده تاریخ حکایت دارد بطبع میرسد :

تا بکی سودای جمع سیم وزر داری بسر　　نام نیکی نه زخود باقی بجای سیم و زر

. . . .

هست این تألیف بهر اهل مشرق رهنما　　باشد این مجموعه بهرخلق مغرب راهبر

گرچه باشداصفهان‌نصف جهان بااین کتاب　　میتوانی یك جهان را دید بی رنج سفر

خامه برنا دو تاریخ از پی طبعش سرود　　آن یکی با سیرشمس و این یکی دورقمر

دفترگنجینه های اصفهان‌گردید طبع　　گرد شد ازلطف حق‌گنجینه های پرگهر

۱۳۸۴ هجری قمری　　۱۳۴۴ هجری شمسی



منظره ای از شهر باستانی اصفهان

ن عکس قسمتی ازمسجد شاه و گوشه ای از میدان نقش جهان و گنبد مسجد شیخ لطف الله مشاهده میشود

فصل اول

مقدمه تـــاریخی

شمه ای ازسوابق وتحولات شهر باستانی اصفهان از انقراض شاهنشاهی ساسانیان تا دوره پادشاهان سلجوقی

وجه تسمیه اصفهان ـ ازاصفهان قبل ازاسلام یعنی دوره حکومت مادها برایران و دوره های شاهنشاهی هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان اطلاعات زیادی در دست نیست و هم از آن دوره ها آثار قابل توجهی برجـای نمانده است ولی آنچه مسلم است جلگه اصفهان که درمیان بیابانها و کوههای خشك مرکزی ایران واقع شده است نظر باهمیت وموقع خاص خود در مرکز فلات وسیع ایران که حد طبیعی آن درمشرق رود خانه (سند) و در مغرب رود خانه (دجله) است از جمله بلادی است که شاید تاریخ و سابقه آن بسابقه و قدمت کشور ایران برسد و درعموم دوره های تاریخی ازشهرهای بزرگ ومشهورایران بشمار میرفته است وپیش ازشروع پادشاهی مادها حد شرقی ممالکی بوده است که بابلیها از آن اطلاع داشته اند و باحتمال قوی جزء ناحیه (انزان) یا (انشان) محسوب میشده است .

در ردیف اولین شهرهائی که آریا های ایرانی بنا نهادند یکی هم (گابه) نامیده میشده که بعدها به (گی) و(جی) تبدیل شده است ـ نظر بموقعیت خاص این شهر که درمحل تقاطع راههای عمده واقع است اصفهان ازجمله اقامتگاههای سلطنتی‌شهریاران هخامنشی بوده و در تواریخ قدیم بنام (گابا) یا (جی) درپارس علیا معرفی گردیده است . نام (گابه) یا (گابن) ابتداء در ضمن محاربات اسکندر و بعد در وقایع جنگهای جانشینان او و در زبان یونانیها راه یافته است .

استرابون (STRABON) جغرافیـا دان معروف عهد قدیم (چهل قبل از میـلاد

تا چهل میلادی) نقل میکند که شهر اصفهان از مراکز مهم کشور ایران در زمان هخامنشیان محسوب میشده است .

پروفسور **هرتسفلد** (۱) مستشرق معروف آلمانی میگوید :

« نام اصفهان در ابتداء (انزان) بوده و سپس به (گابیان) تبدیل یافته و از دوره هخامنشیان ببعد به (گی) و بعدها به (جی) تبدیل شده است . »

با مراجعه بمنابع و دلائل موجود تاریخی چنین برمیآید که کلمه (آسپادان) بطلمیوس و (سپاهان) پهلوی و اصبهان عرب و اصفهان امروز یك لفظ قدیمی است وباحتمال قریب بیقین اساساً کلمه پهلوی است وریشه قدیمتر از پهلوی آن مکشوف نیست .

هنگام تصرف اصفهان بدست قوای مهاجم عرب این شهر (جی) نامیده میشده و یا جی یکی از روستا های بسیار معروف و معتبر شهر بوده که در آبادی بپای شهر میرسیده است . **یاقوت حموی** (۲) اصفهان را شهر سواران نامیده

---

(۱) پروفسور هرتسفلد (ERNEST HERTZFELD) یکی از بزرگان مستشرقین و از فضلای متبحر ایران شناسی است و اول کسی است که اهمیت دخالت ایران دوره ساسانی را در تاریخ معماری و صنعت عالم فهمانده است و در نتیجه مطالعات و تحقیقات عدیده در خصوص معماری وابنیه ایران قدیم دائره اطلاعات دیگران راکه دراین باب بسیار محدود بوده وسعت کامل بخشیده است . هرتسفلد نسبت باحوال عالم عربیت وتمدن های قدیم سرزمین بین النهرین نیزاحاطه و معرفتی تمام داشت واول بار درتحت جمشید باروش علمی بحفاری پرداخته ونتایج علمی بدست آورده است . کتاب(کتیبه های فرس قدیم) او تبحر ویرا در معرفت زبان آکادی و عیلامی میرساند . سلسله انتشاراتی که بزبان آلمانی تحت عنوان (اطلاعاتی راجع بآثار قدیم ایران) بتوسط او منتشر میشده نماینده پشتکار و مهارت کامل او در باره این موضوع است . کتاب مهم او که بزبان انگلیسی در سال ۱۹۴۱ میلادی در آکسفورد بطبع رسیده (ایران و شرق قدیم) است و بالاخره بزرگترین تألیف او که در سال ۱۹۴۷ میلادی در آمریکا انتشار یافته در باب (زرتشت و دنیای عهد او) میباشد .

(۲) یاقوت حموی : ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله الرومی در یکی از بلاد روم تولد یافته. تاجری موسوم به (عسکر بن ابی نصرحموی) اورا درصغر سن خرید وچون بیسواد -

و **حمزه اصفهانی** (۱) کلمه اصفهان یا اسپاهان را مشتق از سپاه میدانند .

در کتاب (تقویم البلدان) از **ابن‌حوقل** نقل‌شده است که اصفهان در آخر کوهستان است از جهت جنوب و پرنعمت ترین شهرها است . معدن سرمه دارد . ازاصفهان که بری میروند ازکاشان و قم میگذرند . اصل آن (سپاهان) است بمعنی لشگر ها زیرا که سپاه عجم در وقت بیکاری آنجا جمع بودند .

ـ بود یاقوت را بدفترداری گماشت بعد که او بزرگ شد بامرآقایش بعمان وکیش وامثال این نواحی برای تجارت مسافرت میکرد . درسال ۵۹۶ هجری ازآقایش جدا شد ومستقلا بتجارت پرداخت بعد بدمشق وموصل وازآنجا باربیل (اربل) وخراسان رفته ومدتها درمرو سکنی گزیده است . زمانی‌که در خوارزم بود با خروج مغول و تاتار مصادف شد (۶۱۶ هجری) و بر اثر آن فرارکرده بموصل رفت و پس ازچندی بسنجار درآمد وسپس بحلب رفته و ظاهراً در آن شهر در سال ۶۲۶ وفات‌کرده است . ازتألیفات او (معجم البلدان) است‌که در جغرافیا نوشته شده و در سال ۶۲۱ باتمام رسیده است .

(۱) ابوعبدالله حمزة بن الحسن مورخ وزبان شناس اسلامی از مردم اصفهان بوده است خود و پدر و اجدادش در این شهرساکن بوده اند . حمزه اصفهانی درسال ۲۷۰ هجری یا کمی قبل از آن بدنیا آمده و برای تکمیل تحصیلات علمی و ادبی خود طبق معمول زمان چند بار ببغداد سفرکرده وازحوزه های درسی‌آن شهراستفاده‌کرده است . آخرین سفر او ببغداد درسال ۳۲۳ هجری بوده است ودرپایان این سال واوایل سال بعد بوده است‌که به مسقط الرأس خود اصفهان مراجعت‌کرده و در همین سال است‌که شرح قحطی عظیمی را که در اصفهان روی داده نوشته است و چنین توضیح داده‌که در اواخر سال ۳۲۳ و اوایل ۳۲۴ هجری قحطی عظیمی در اصفهان روی داد و بدنبال آن کشتار فجیعی روی نمود بطوریکه در دو محله (جی) و (یهودیه) بیش از دویست هزار نفر تلف شدند .

حمزه اواخر عمر را در اصفهان بسر میبرده و ظاهراً بعد از ۳۵۰ و قبل از ۳۶۰ هجری در این شهر بدرود زندگی گفته است . اما آثاری از محل دفن و قبر او اکنون مشهود نیست . حمزه از بزرگان اهل ادب ودر فن تاریخ نویسی مهارتی بسزا داشته‌کتاب معروف او (سنی ملوك الارض والانبیاء) نام داردکه اکنون در دست میباشد وراجع بدوره ساسانی اطلاعات‌گرانبهائی بدست میدهد. این‌کتاب درسال ۱۸۴۴ میلادی (۱۲۵۹هجری) بهمت مستشرق معروف علامه **گوتوالد** طبع شده و بار دیگر در برلین در مطبعه کاویانی بچاپ رسیده است .

اصفهان در دوره اشکانیان و ساسانیان - در عهد اشکانیان که حکومت ایران ملوك الطوایفی بود و برقسمت های مهم مملکت حکمرانی که لقب (شاه) داشت فرمانروائی میکرد اصفهان هم قلمرو یکی از شاهان جزء و یا (ساتراپ) بوده است . پس از روی کار آمدن اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی آخرین پادشاه اشکانی اردوان از مدائن بصوب اصفهان متوجه شده و در حدود این شهر ساتراپ یا پادشاه جزء آن (شـاد شـاهپور) را مقتول ساخته استان اصفهـان را متصرف شده است .

دردوره ساسانیان اصفهان محل سکونت وقلمرونفوذ (واسپوهران) یا اعضای هفت خانواده بزرگ ایرانی که مشاغل عمده و مناصب سلطنتی را دارا بوده اند بوده است ومرسوم چنین بوده که حکمرانی مهمترین ناحیه ایران را بولیعهد کشور میداده اند تا از آغاز بکشور بانی عادت کند . از مطالعه تاریخ دوره ساسانی چنین برمیآید که از این جهت دو ناحیه ارمنستان و اصفهان برسایر نقاط کشور ترجیح داشته‌اند باین ترتیب که ولیعهد ایران درضمن اینکه حکمران ناحیه‌ای ازارمنستان بوده حکمرانی ناحیه اصفهان را هم داشته است یا اینکه ولیعهد حکمران قسمتی از ارمنستان و گاهی حکمران اصفهان میشده است .

اصفهان مرکز تجمع سپاه و بمنزله دژمستحکمی در دوره ساسانی بشمارمیرفته وشاید بهمین جهت بوده است که یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی پس ازشکست (جلولاء) بفکرافتاد که مدتی دراصفهان بسر برد ولی حمله سریع اعراب وپیشرفت شگرف آنان مانع انجام این مقصود گردید ویزدگرد بخراسان پناه برد وچنانکه معروف است در آسیابی بقتل رسید .

از آثار دوره ساسانی در اصفهان دو سر ستون بدست آمده است که هردودارای نقوش برجسته است . محل پیدایش دوسرستون مزبور معلوم نیست ودرحال حاضر

یکی از آنها که سالم است بموزه ایران باستان در تهران انتقال داده شده ودیگری که در یکی از گوشه های آن شکستگی دارد در عمارت چهلستون اصفهان موجود است . (۱)

آتشگاه اصفهان - آثار برجای مانده روی قله کوه منفرد آتشگاه در مغرب اصفهان که مشرف بجاده اصفهان و نجف آباد است و از خشت های ضخیم که بوسیله ملاط رس وقطعات (نی) بیکدیگر متصل شده اند تشکیل شده باحتمال قوی اساس وبنیاد یك معبد ایرانی (آتشکده) از دوره ساسانیان است که بعداً دردوره های اسلامی آثار دیگری بر آن افزوده شده و چون در معرض تأثیر عوامل جوی قرار داشته و هیچگاه نسبت بتعمیر وترمیم آن توجهی نبوده تدریجاً در اثر فرسایش آب باران و تأثیر سایر عوامل جوّی رو بویرانی و انهدام گذاشته است معذلك هنوز از قدیمی‌ترین نقاط تاریخی جالب وتماشائی شهر اصفهان است .

نامگذاری این کوه بآتشگاه که آثار برجای مانده قله آن امروز بطور تحقیق برما معلوم نیست در چه زمانی ساخته شده خود دلیل روشنی است بر اینکه یقیناً روزگاری از کانون ساختمانهای روی این کوه شراره های آتش جاویدانی شعله ور بوده و درمحل ویرانه های برجای مانده فعلی که در آن روزگاران بنای مخصوص وجالبی بوده مراسمی مذهبی بر گزارمیشده است .

خشت هائی که ویرانه های فعلی را تشکیل میدهد از لحاظ اندازه بسیار قابل توجه است و شاید در سایر آثار باستانی کمتر خشت خام بدین بزرگی دیده شود . خشت هائی که فعلا باقیمانده است بطول وعرض چهل سانتیمتر و قطر ۱٤ سانتیمتر میباشد .

---

(۱) سر ستون موجود در موزه ایران باستان در تهران بشرح زیر معرفی شده است : « یکی ازدوسرستون سنگی اصفهان نظیرسرستونهای بیستون متعلق باواخرزمان ساسانی که در عمارت تیموری اصفهان بدست آمده است . »



منظره آتشگاه اصفهان

محل امروزی آتشگاه درمغرب شهر اصفهان ناحیه ای از بلوك **ماربین** ومشرف بستررودخانه زاینده رود است . ازمورخین وجغرافیا نویسان قدیم ابن خردادبه(۱) و مسعودی (۲) راجع بآتشگاه اصفهان مطالبی نوشته اند از آنجمله ابن خردا ذبه میگوید در قریه (مارابین) (۳) قلعه ای از بنا های طهمورث موجود است و در آن آتشکده ایست و این قول حاکی از آنست که در زمان این مورخ هم این معبد

---

(۱) ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله عالم جغرافیادان ایرانی در قرن سوم هجری (وفات ۳۰۰) جد او **خرداذبه** اولین کس از این خاندان است که اسلام آورده و پدرش فرماندار طبرستان بوده ـ عبیدالله موسیقی را نیز از اسحق موصلی فراگرفته و چندی ازندمای معتمد خلیفه عباسی و مدتی صاحب بریدی و خبرجبال بدو محول بوده کتاب اومشهوربه (المسالك والممالك) است که در اروپا بطبع رسیده واین کتاب مدرك جغرافیا نویسان بعد ازاومیباشد ولی ازسایر کتبی که تألیف کرده چیزی دردست نیست ـ ابن‌الندیم نام اورا عبیدالله بن‌احمد ـ بن خردادبه آورده است وگفته است که **خرداذبه** مجوسی بوده و بدست برامکه مسلمانی گرفته‌است (لغت نامه دهخدا ص۳۰٤)

خیلی قدیمی تصور میشده است . **حمزه اصفهانی** در ذکر پادشاهی **کی اردشیر** (۱) مینویسد که وی در اصفهان در یك روز سه آتشکده بنا کرد : آتشکده **شهر اردشیر** در جانب قلعه **مارین** (این آتشکده با محل فعلی آتشگاه که در **بلوك ماربین** واقع است تطبیق میکند) دوم آتشکده **ذروان اردشیر** در قریه (دارك) از رستاق خوار سوم آتشکده **مهر اردشیر** در قریه اردستان (۲)

ابن حوقل ازجغرافیا نویسان مشهورقرن چهارم هجری دروصف آتشگاه اصفهان در کتاب معروف خود (صورة الارض) چنین مینویسد : « ماربین در مغرب اصفهان واقع شده . میگویند خراج آن یکصد هزار درهم است . یخ عمده شهر و اطراف آن از این بخش بدست میآید زیرا که کارگران متخصص دارد ... در این بخش تل بزرگی است مانند کوه که بر روی آن قلعه ای بنا شده و بر آن آتشکده ایست که میگویند آتش آن از آتشهای ازلی قدیم است (فیقال ان ناره من قدیم النیران الازلیه) مراقبین این آتش و دربانان آن از زرتشتیها (مجوس) میباشند که همه ثروتمند و متمولند زیرا که شراب میاندازند و آنرا نگاه میدارند تا کهنه شود و چون شراب آنها خیلی خوب است از اطراف نزد آنها میآیند و از آنها خریداری میکنند و درنتیجه سود سرشاری عاید آنها میگردد » (۳)

مافروخی مورخ اصفهانی قرن پنجم در رساله (محاسن اصفهان) در ذکر تفرجگاههای معروف اصفهان از **ماربین** و **آتشگاه** بشرح زیر نام میبرد :

« نخست **حصن ماربین** که معروف است به (آتشکده) والحق آیت (یا نار کونی برداً و سلاماً) بر هر ورقی از ریاحین آن نزهتگاه مسطور :

---

(۲) ابوالحسن علی بن الحسین المسعودی در ۳٤۵ یا ۳٤٦ درگذشته است کتاب مشهور او « مروج الذهب و معادن الجوهر است . »

(۳) ماربین یا (مارابین) نام بلوك آباد واقع در مغرب شهر اصفهان است .

---

(۱) « وهو بهمن اسفندیار کشتاسب » : حمزه اصفهانی

(۲) تاریخ سنی ملوك الارض والانبیاء تألیف حمزه اصفهانی چاپ برلین صفحه ۲۸

(۳) از کتاب (صورة الارض) تألیف ابن حوقل نصیبی چاپ لیدن هلند (سال ۱۹۳۹) صفحه ۳٦۵ ترجمه آقای محمد صدرهاشمی

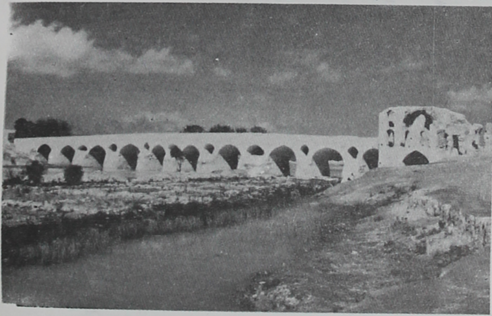
مــار بینی که نسخه ارمست آفتاب اندرو درم درمست (٤)

مافروخی درجای دیگر از کتاب خود در فصلی که از بزرگان اصفهان نام میبرد از بنای آتشگاه بنام (دزماربین) نام برده است و بانی آنرا مهر یــزدان ملکی از ملوك طوایف ناحیه **النجان** اصفهان معرفی میکند ومینویسد : « دزرا بربالای قلعه ماربین او بنیاد نهاد » (٥)

از مورخین و سیاحان غربی (ویلیام جکسن) در کتاب خود « ایران در گذشته و حال » راجع بآتشگاه اصفهان چنین نوشته است :

« اعم ازاینکه ما تاریخ اصل این معبد را ازدوره هخامنشی بدانیم یاساختمانهای فعلی را ازدوره ساسانی پنداریم اطلاعات ما را درباره این معبد و محل آن حداقل تا پانزده قرن قبل ازاین پیش‌میبرد . درعصر کنونی کافی است که بدانیم آتش مقدس برای قرنهـا بر آن محل روشن بوده و آینده قضاوت خواهد کرد که این معبد بکدامیك از مقدسات مذهب زرتشت مربوط بوده است » (٦)

پل شهرستان - پل شهرستان که ازپلهای قدیمی زاینده رود است ودرسه کیلومتری مشرق پـل خواجو و مقابل ناحیه **جی** واقع شــده بعقیده بعضی از مورخین و باستانشناسان دارای اساس و بنیـاد ساسانی است . دردوره دیلمیان وسلجوقیان تنها پل



پل شهرستان یا پل جی قدیمی ترین پل زاینده رود اصفهان

(٤) ترجمه محاسن اصفهان باهتمام عباس اقبال چاپ تهران صفحه ٢٤

(٥) ترجمه محاسن اصفهان صفحه ٦٧

(٦) PERSIA PAST AND PRESENT BY WILLIAM JACKSON چاپ نیویورك درسال ۱۹۰۹ صفحه ۲۶۱ ترجمه آقای عبدالحسین سپنتا

مهم زاینده رود درداخل شهر اصفهان بوده ویقیناً دردوره های مزبور تعمیراتی از آن بعمل آمده و آثاری بر آن افزوده شده است . پل شهرستان امروزواسطه ارتباط قسمتی از ساحل جنوبی زاینده رود باساحل شمالی رود خانه و قریه شهرستان (جی) است درایران پلهای دیگری که از نظر قدمت ومشابهت ساختمان با این پل برابری میکند پلهای دزفول و شوشتر است که بعقیده باستانشناسان دو پل مزبور نیز دارای اساس و بنیاد ساسانی است .

تسلط عرب بر اصفهان

پس ازانقراض دولت ساسانیان اصفهان نیزمانند سایرشهرهای ایران که تدریجاً تحت سلطه اعراب درآمد بچنگ تازیان افتاد . پس ازفتح نهاوند چون عمر متوجه شد که یزدگرد همواره در هر گوشه ای جنگی بپا میکند لذا فرمان داد که قوای کوفه و بصره برای فتح بقیه ایران حرکت کنند . یزدگرد پس از شکست نهاوند باصفهان آمد ولی در این شهرچندان قراری نگرفت و خارج شد . عمر بعبدالله بن عتبان که از وجوه انصار واشراف صحابه بود فرمان داد تا با قشونی بسمت اصفهان حرکت نماید بـاین ترتیب که عمربمردم کوفه نوشت که **عمار یاسر** را بـامارت و **عبدالله بن مسعود** را بـوزارت شمـا بر قـرار کردم و **حذیفه** را والـی دجله و **عثمان بن حنیف** را والی فرات واطراف آن قراردادم - عمار یاسر که بکوفه رسید نامه عمررا بعبدالله بن عبدالله بن‌عتبان‌داد که بشهراصفهان حرکت کند عبدالله بسوی اصفهان حرکت کرد و مقدمة الجیش قوای او بفرماندهی **عبدالله بن ورقاء** ریاحی زودترعازم اصفهان گردید. میمنه ومیسره قشون نیز بدستورعمر بفرماندهی دوسردار یکی **عصمت بن‌عبدالله** ودیگر **عبدالله بن ورقاء** اسدی‌سپرده‌شد- دراینموقع‌اصفهان دارای نیروی عظیمی بود که تحت فرمان (پاذوسپان) که اعراب اورا فاذوسفان (۱) گفته‌اند واقع شده بود. فرمانده قوای مدافع اصفهان (شهربرازجادویه) که مردی

---

(۱) فاذوسفان و قاذوسقان ظاهراً معرب کلمه (پادگسپان) و پاذوسپان است که نام عمومی استـانداران بزرگ استانهای ایران در دوره ساسانیان بوده است .

سالخورده بود عده زیادی از سپاهیان خود را آماده نبرد کرده بود و با اینکه پیر و ناتوان بود با عبدالله بن ورقاء بجنگ تن بتن پرداخت و کشته شد و قوای او فرار کردند. شهربراز چون سالخورده بود اعراب اورا (شیخ) میخواندند وبهمین جهت محل جنگ او نیز (رستاق الشیخ) نامیده شد و این اسم تا چند قرن بعد از او نیز باقی ماند.

عبدالله (جی) را که مشرق اصفهان امروزمیباشد درمحاصره گرفت. پاذوسپان اصفهان که عنوان شاه داشت از شهر خارج شده و در میدان جنگ بعبدالله فرمانده کل قوای عرب پیامی فرستادکه بهتر آنست از سپاه من و تو کسی کشته نشود. تو شخصاً با من مبارزه کن اگر مرا کشتی که این سپاه تسلیم تو خواهد شد واگر من تورا کشتم خود دانم و اعراب. عبدالله که مرد شجاعی بود مبارزه را قبول نمود و چون دو سوار که یکی پاذوسپان اصفهان و دیگری عبدالله بن عتبان بود روبروی یکدیگر قرار گرفتند پاذوسپان پرسید جنگ را من آغاز کنم یا تو. عبدالله گفت تو شروع کن. پاذوسپان نیزه را بزین اسب فرو بـرد و زین و بند را ازپشت اسب کند و سوار را بر زمین افکند. عبدالله با چابکی بی‌نظیر برجست و دوباره براسب بی زین سوار شد پاذوسپان گفت من دلیری ومردانگی تورا آزمودم از اول نخواستم تو را بکشم و الا نیزه را بسینه تو فرو میبردم اکنون که چنین دلیری از خود نشان دادی ازکشتن تو دریغ دارم ما آماده صلح هستیم من بشهر برمیگردم و تو بسپاه خود برگرد و بدون خونریزی جنگ را خاتمه میدهیم بدان که سپاهیـان من تیر اندازان ماهر وقادرهستند. پاذوسپان بشهر برگشت وعبدالله بسپاه خود ملحق شده شهر با عظمت اصفهان بتصرف اعـراب داده شد و شرایط صلح و تسلیم بشرح زیر منعقد گردید: (۱)

---

(۱) **یاقوت** فتح اصفهان را درسال ۱۹ هجری میداند **وابن اثیر** آنرا درسال ۲۱هجری ذکرکرده است. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود بتاریخ **طبری** وتاریخ ایران بعد ازاسلام تألیف عباس خلیلی.

« **بنام خداوند بخشنده مهربان** این نوشته ایست از عبدالله بپـاذوسپان و مردم اصفهان و اطراف آن . شما تا هنگامی که جزیه میدهید در امان هستید . هر سـال باید بقدر توانائی خود بزمامداری که برای شهرتان تعیین میشود جزیه بپردازید واز راهنمائی مسلمانان و اصلاح طریق آنها دریغ ندارید . هر مسلمان تازه واردی را یکروز ویکشب مهمانی کنید. مسلمان پیاده را سوار کنید. برمسلمان مسلط نگردید. بمسلمانان محبت کنید و آنچه را برعهده دارید بپردازید . اگر چنین کنید درامان هستید اما اگر چیزی را تغییر دهید و یا کسی از شما چیـزی را تغییر داد و او را تسلیم نداشتید در امان نخواهید بود و اگر کسی بمسلمانی دشنام داد بـاو میرسد آنچه شاید و اگر کسی مسلمانی را مضروب نمود او را خواهیم کشت . » (۱)

یاقوت در (معجم البلدان) راجع بفتح اصفهان چنین نوشته است :

« بدستور کتبی عمر بن الخطاب ابوموسی اشعری عبدالله بن بدیل ریاحی را در رأس قشونی باصفهان فرستاد و او (جی) را بمسالمت باین ترتیب گشود که اهالی آن خراج وجزیه بدهند وجان ومالشان درامان باشد وسلاح خودرا نیز تسلیم نمایند.

احنف بن قیس نیز به (یهودیه) فرود آمد و بـا مردم آنجا همانند صلح (جی) پیمانی بست .

بلاذری (۲) گفته است فتح اصفهان و اطراف آن در اواخـر سال ۲۳ و اوایل

---

(۱) متن عربی این فرمان درکتاب معجم البلدان بشرح ذیل ذکر شده است :
بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب من عبدالله للقاذوسقان واهل اصبهان وحوالیها انکم آمنون مادیتم الجزیة و علیکم من الجزیة علی قدر طاقتکم کل سنة تؤدونهـا الی من یلی بلدکم من کل حاکم و دلالة المسلم واصلاح طریقه وقراه یومه ولیلته وحملان الراجل الی رحله لاتسلطوا علی مسلم وللمسلمین نصحکم و اداء ماعلیهم ولکم الامان بما فعلتم فان غیرتم شیئاً او غیره منکم مغیر و لم تسلموه فلا امان لکم ومن سب مسلماً بلغ منه فان ضربه قتلناه

(۲) احمد بلاذری مورخ قرن سوم هجری است که دوره متوکل ومستعین ازخلفای عباسی را درك کرده و معلم ابـوعبدالله محمد بن المتوکل بوده است . کتـاب (فتوح البلدان) و (انساب الاشراف) از تألیفات او است .

سال ۲٤ در خلافت عمر انجام گرفت .

اعراب را در فتوحات خود قاعده چنین بود که پس از فتح هر شهر مـردم را در انتخاب سه چیـز مخیر میکردند یکی قبول اسلام و معافیت از پـرداخت هرگونه مالیاتی دوم مهاجرت و ترك یار و دیار سوم پرداختن مالیات سالیانه بعنوان جزیه . بغیر ازسی نفر که راه کرمان را پیش گرفتند بقیه مردم بپرداخت جزیه تن دردادند ولی دیرزمانی نگذشت که اصفهانیان بپادگان اعراب تاختند وفرمانده آنان را بقتل رسانیدند وعلم شورش وطغیان برافراشتند چون این خبر بعمررسید خلیفه ابوموسی اشعری را بعزم تسخیر مجدد اصفهان مأموریت داد واعراب برای مرتبه دوم شهر را تسخیر نمودند و اصفهان از آن زمان ببعد برای مدت سه قرن ونیم تحت سلطه ونفوذ خلفای مدینه و بغداد واقع‌شد ـ مورخین بصره فتح مجدد اصفهان رادرسال ۲۳ هجری ذکر کرده اند .

آغاز بنای اصفهان وشماره شهرها وروستاهای آن

حافظ ابونعیم (۱) مورخ اصفهانی و ازاعلام محدثین قرن چهارم هجری دریکی

---

(۱) احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحق بن موسی بن مهران اصفهانی سبط احمد بن یوسف البناء الاصفهانی معروف بحافظ ازاعلام محدثین و ازاکابرحفاظ ثقات است که دررجب سال (۳۳٦) و بقولی (۳۳٤) متولد شده و وفات وی باصفهـان در صفر یـا روز دو شنبه بیست ویکم محرم سال (٤۳۰) بوده است ـ حافظ ابونعیم درقبرستان قدیمی (آب بخشان) اصفهان مدفون شده و مدفن اونزدیك محله (درشیخ) آنجاکه بقعه و خانقاه شیخ ابومسعود رازی واقع است درباغ بزرگی که سابقاً دارای عمارت وسیعی بوده قرارداشته است . مولی نظام‌الدین قرشی ازشاگردان شیخ بهائی‌درقسم ثانی ازکتاب رجال خود مسمی بنظام الاقوال میگوید قبر او را در اصفهان دیدم و بر لوح مزار او مکتوب بود :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله مکتوب علی‌ساق العرش لااله الاالله وحده لاشریك له محمد بن عبدالله عبدی و رسولی و ایدته بعلی بن ابیطالب رواه الشیخ الحافظ ـ المؤمن الثقةالعدل ابونعیم احمد بن محمد بن عبد الله سبط احمد بن یوسف البناء ـ

از تألیفات خود بنام (ذکر اخبـار اصفهان) کیفیت توسعه شهر اصفهان را بشرح ذیل آورده است :

« اصفهان درابتداء یکصد وبیست فرسخ در یکصد وبیست فرسخ بوده وحدودش از اطراف همدان وماه ونهاوند تا اطراف کرمان و ازاطراف ری و قومس تا اطراف فارس وخوزستان امتداد داشته است .

اصفهان شامل سه استان (۱) وسی روستا (۲) ویکصد وبیست طسوج (۳) وپنجهزار قریه (دیه) و هفت شهر بوده که صاحب کتاب (اصفهان) این مطالب را با شرح و بسط و ذکر اسامی و حدود شهر ها و دیه ها و سایر متعلقات نگاشته است .

اسامی شهر ها عبارتست از شهر (کهنه) (جار) (جی) (قه) (مهر بن) (دررام) و شهر (سارویه) چهار شهر از این هفت شهر خراب شد وسه شهر دیگر یعنی (جی) و (مهربن) و (قه) تا ظهور اسلام برجای ماند .

این شهر ها مشتمل بر دو **کوره** (٤) و بیست و هفت روستا و سه هزار و سیصد و

ـ الاصفهانی رحمة الله ورضی‌عنه و رفع فی اعلی علیین درجته وحشره مع من یتولاه من الائمة المعصومین . » صاحب روضات باستناد کتاب (حلیة الاولیاء) که ازتألیفات مهم حافظ ابونعیم است او را از پیروان مذهب شیعه میداند .

قبر شیخ احمد صوفی بناء که حافظ ابونعیم از اسباط او است در محله (شیخ یوسف) ازمحلات قدیمی اصفهان میباشد وعوام بغلط اورا (شیخ‌سنا) تلفظ میکنند . (برای اطلاع بیشتر راجع بحافظ ابونعیم وتألیفات اورجوع شود بلغت نامه دهخدا صفحه ۹۱۳ و۹۱٤) .

(۱) در مقدمه (معجم البلدان) ازحمزه اصفهانی ذکرشده که استان و (کوره) یکی است . . . واستان شامل چند رستاق وهررستاق منقسم بچند (**طسوج**) و هرطسوج شامل چند قریه بوده .

(۲) روستا و (روستای) ده راگویند که در مقابل شهر است و معـرب آن (رستاق) است : مأخوذ از « برهان قاطع »

(۳) طسوج معرب «تسو» که در« برهان »گوید: تسو. بفتح اول وثانی بواو کشیده ... و معـرب آن طسوج است .

(٤) کوره . در اصل فارسی « خوره » و بمعنی ناحیه است . یاقوت‌گوید : کوره هر ناحیه ایست‌که مشتمل بر چند ده باشد .

سیزده (دیه) بود تا آنکه عرب بدانها پا نهاد وشهر **قه** از روستای **جه** وشهر **سارویه** از روستای کاشان خراب گشت .

سپس **رشید** قم را مشتمل بر چهار روستا از اصفهان جدا ساخت و روستا هـای دیگری از همدان و نهاوند بدان افزود پس اصفهـان بعد از جدا شدن قم دارای بیست وسه روستا گردید تا آنکه معتصم **کرج** را بصورت شهر درآورد وباضمیمه کردن چهارروستا ازاصفهان وقطعاتی ازنهاوند وهمدان آنرا مستقل نمود بدینجهت اصفهان پس ازمعتصم بتقریبی مشتمل برنوزده روستا ویك کوره ودوهزار وپانصد دیه گردید. این بود آنچه صاحب کتاب (اصفهان) آورده .

و **حمزه اصفهانی** (۱) در (کتـاب اصفهـان) یاد کرده است که این مـدینه را اسکندر بنا فرمود بردست معماری جی بن زراده (۲) اصفهـانی و این شهر بنـام او شهرت یافت وبعضی گویند این مدینه مبنی بود پیش اززمان جم دروقتیکه افراسیاب ترك مداین ایرانشهر را خراب میکرد این را نیزخراب گردانید بعد از آن خمانی جمه آزاد (۳) دختر بهمن اسفندیار که پیش از آمدن اسکندر بدان حـدود برتخت بخت مملکت در تحت تصرف وفرمان او بود اساس وبنای آنرا فرمان فرمود وبعد از وفات خمانی ملکه رایت اسکندری بدانجا نزول فرمود یك نیمه بـاروی صورت ارتفاع یافته بود . اسکندرچون آنجا عمارتی زیادت ندید وارادت عمار (ت) نداشت برقرار بگذاشت بعد از آن برآن منوال حال شهریاری و روزگار منتهی شد بنوبت

---

(۱) چون قسمتی از مطالب حافظ ابونعیم را نویسنده « محاسن اصفهان » بقید نقل از حمزه اصفهانی آورده و در ترجمه محاسن بفارسی درآمده است لذا عیناً عبـارات تـرجمه محاسن را دراینجا میاوریم (صفحه ۱٦ و۱۷ ترجمه محاسن اصفهان چاپ تهران) برای اطلاع بیشتر بحواشی « روضات الجنات فی‌احوال العلماء والسادات » طبع جدید اصفهان در شرح حال ابراهیم بن سعید ثقفی مراجعه شود .

(۲) جی بن زارده « حافظ ابونعیم » .

(۳) خمانی چهرآزاد « حافظ ابونعیم » .

دولت **فیروز بن یزدجرد** وصورت آن بود که فیروز فرمان فرستاده بود به (**آذرشاپوران**) پسر (**آذرمانان**) پهلوان ازدیه هرستان (۱) ازرستای ماربین جد **مافروخ بن بختیار** (که جد صاحب رساله محاسن بوده است) باتمام باروی مدینه **جی** واین حال پیش از اسلام بود بصد و هفتاد سال.

آذرشاپوران بر مقتضاءِ فرمان بنای باروی را تمام کرد و شرف (۲) و مواضع مقاتله و تیرگذار ها را کماینبغی و شایدِ مرکب و مرتب ساخت و چهار در بر آن تعلیق کرد یکی **دروازه جور** (۳) نام کرد برابر میدان بازار و دوم **دروازه ماه** که دروازه (اسفیش) (٤) میگویند و سیوم **دروازه تیر** که (تیره) میخوانند و چهارم **دروازه جوش** که معروف است بدروازه جهودان و در پهلوی آن دیهی بنا کرد نام آن **آذرشاپوران** و در آن دیه سرایی عالی در حال عمارت آورد و در باغ سرای ایوانی رفیع برافراشت و آنرا آتشکده ساخت و آن دیه بر آن وقف کرد.

و از غرائب آن بنا یکی آنستکه نیر اعظم را بوقت وصول باول درجه جدی مطلع مشرق دروازه جور (خور) باشد ومغرب دروازه جهودان وباول درجه سرطان مشرق آفتاب دروازه ماه باشد که آنرا (اسفیش) میخوانند ومغرب (تیره) وعرض اساس و پهنای باروی شست خشت بود بیرون از فرهیزها (۵) بشیفتق (٦) محکم و

---

(۱) این دهکده هم اکنون نیز در بلوك (ماربین) واقع شده و (هرستان) نام دارد.

(۲) شرف جمع شرفه: کنگره و آنچه بر سر دیوار حصار و قلعه و دیوار های دیگر سازند «برهان».

(۳) خور (بمعنی خورشید) «ابونعیم»

(٤) ابونعیم «اسفیس» آورده.

(۵) فرهیز؟ درست معلوم نشد که بچه معنی بوده است. شاید چیزی بوده است ازنوع جان پناههای امروز «از حواشی مرحوم عباس اقبال بر ترجمه محاسن اصفهان»

(٦) شیفتق: این کلمه که در متن چاپی (الفهرست) و «تاریخ حمزه اصفهانی» بصورت «شقیق» چاپ شده بدون شبهه همانست که ما امروز «شفته» میگوئیم و آن مخلوطی از شن و آهك و خاك است که آنرا در پی بنا ها وکف مجاری میاه وغیره بمنظور استحکام و بستن راه نفوذ آب میریزند «از حواشی اقبال»

ملزق گردانیده .

وبعضی متقدمان آورده اند که بر دری از درها دیدیم که نوشته بود برین سیاق: اشتادویر (١) موکل بر گلیکران (٢) وقیاسان گوید که بهای نان و خورش عمله و کارکنان این باروی مدت عمارت بمبلغ ششصد هزار درم برسید .

وبعضی دیگر گویند رفعی از آن موکل بیرون آمد مبلغ پنجاه هزاردرم استرداد کرده بر خرج عمارت فرهیز ها و گل شیفتق صرف نمودند (٣)

شهر جی : شهر جی قبل از اسلام شهر مسکونی نبود بلکه قلعه‌ای بود برای اهالی دهات روستای « جی » و مردم در شهر « قه » زندگی میکردند تا آنکه اسلام آمد و اعراب شهر « قه » را خراب کردند و هر کس از اهالی آن شهر باقی بماند بشهر **جی** کوچ کرد و بنا بر این آن قوم نخستین اقوامی هستند که در آن شهر سکونت اختیار کردند.

نخستین خانه ایکه درشهرجی بنا شد خانه « مطیار » بود بفرمان کسری پرویز در آن هنگام که مطیار قسطنطنیه را برای او گشود و پس از انتقال مردم شهر **قه** به **جی** خانه های دیگر نیز بنا شد .

مساحت شهر جی : دوره باروی آن دوهزار نی بوده پس مساحت شهردوهزار جریب بوده است زیرا قطر شهر سیصد و بیست نی است و چنانچه نصف قطر آنرا در نصف دائره اش ضرب کنیم حاصل هشتاد هزار نی میشود که عبارت از دو هزار جریب باشد .

و در باروی آن یکصد و چهار قصر (کوشك) بوده که هر یك بصورت برجهای

---

(١) اشتاذویه « حافظ ابونعیم »

(٢) گلیکران جمع گلیکر که لغتی است درگلگر یعنی **گل‌کار** « از حواشی اقبال »

(٣) پایان عبارات « ترجمه محاسن اصفهان »

منحنی وفراخ با فواصلی ثابت ازسور « حصار » شهر بنا شده (۱) و از باب (دروازه) **خور** تا باب « یهودیه صغری » یکهزارو یکصد ذراع و درمیان این دو دروازه هیجده برج واقع بوده و از آنجا تا دروازه **تیره** یکهزار ویکصد ذراع ومابین آنها سی وسه برج و از آنجا تا دروازه « اسفیس » یکهزار وسیصد ذراع و در میان بیست و چهار برج و از آنجا تا دروازه « خور » یکهزار وچهارصد ذراع و درمیان سی وپنج برج بنا براین دوران شهر **جی** هفت هزار ویکصد ذراع (۲) و بذراع دست [ده] هزار و ششصد و پنجاه ذراع و طول آن یکهزار وپانصد و عرض یکهزار وهفتصد و پنجاه و دو ذراع بوده است .

این مساحت بشرحی که ذکر شد از **محمد بن لره** حسابدار است .

یهودیه : آغاز بنای شهریهودیه چنانست که درعهد خلافت ابوجعفرمنصور (۳)

---

(۱) و فی سورها من القصور مائة و اربعة قصور و هی بروج معوجة واسعة ثـابتة من - استدارة السور « ابونعیم » وعبارت درکتاب حافظ ابوالشیخ ابن حیان (ورق ٦ ب) چنین است : و فی سور المدینة مائة قصر وقد حجب عن السنورالفاربطلسم ومن باب حورا (کذا) الی باب الیهودیة الصغری الف و مائة ذراع ...

(۲) فدوران مدینة جی سبعةآلاف ومائة ذراع : ابونعیم . لکن حافظ ابوالشیخ گوید: ودوران المدینة سبعون الف و مائة ذراع .

(۳) و همچنین ابوجعفر منصور خلیفه را ببغداد عارضهٔ پیدا شد در سال صد و پنجاه و چندی و میان هوای بغداد و مزاج او موافقتی و ملایمتی صورت نمی بست . حکمای وقت و وزرای مملکت را جمع کرد وگفت موضعی اختیار باید کرد تندرست تر و خوشگوارتر بآب از بغداد و بنائی جهت نقل بدان موضع ترتیب داد . در تفکر و تدبر آن فرموده مفاوضات بسیار و مکاشفات بیشمار درمیان همگان واقع شد . عاقبت سخن باتفاق قرارگرفت بربنائی بحدود **زنده رود** و در آن زمان دیار **اصفهان** دیهائی بود پراکنده و شهر های خـراب وکنده و اطلال باطل ورسوم مدروس . تقدم فرمود باحضار **ایوب بن زیاد** که عامل اصفهان بود از قبل خلیفه و با روی گردانیدن بر دیهائی چند وشهرساختن کوره آن . چون طواعیه امتثال و انقیاد از ناصیه کفایت وکارکنی ایوب بن زیاد لائح گشت و فرموده باتمام رسانید خلیفه از آن حال پارهٔ بهتر شده بود ازسرانتقال درگذشت (ترجمه فارسی محاسن اصفهان چاپ تهران صفحه ۲۰)

بسال یکصد و پنجاه و اندی از هجرت **ایوب بن زیاد** عامل خراج وسعید بن منصور حمیری (خالوی مهدی) که امیر جنگ بود باین سامان درآمد لکن سعید از کار بر کنار شد و ایوب هم عامل خراج و هم امیر جنگ گردید .

ایوب به **خشینان** (۱) منزل کرد و قصری برساحل نهر « فرسان » بنا نهاد و رو بروی آن مسجدی دارای مقصوره ساخت که هنوز باقی و برقراراست [یعنی زمان ابو نعیم] و هم منبری در آن مسجد گذارد و بازاری که دارای میدانهائی بود برای تجار و کسبه و کارگران در کنار یهودیه و در محلی که بمیدان تبانان (میدان کاه فروشان) معروف است بنا کرد . درروزگارفرمانروائی او خانه های قریه خشینان بخانه های یهودیه متصل شد و محله ای که برای خاندان خود ترتیب داد از جهت طول ازدرمسجد خشینان تا باب [باغ] عیسی بن ایوب وازجهت‌عرض ازطرف محله **کوراءِ** تا **ملنجه** بود ویهودیه درروزگار شاهان فرس « کوجهودان » (۲) یعنی‌محله یهود نامیده میشد و از صحرای دهکده **یوان** آغاز میشد باین ترتیب که یك حد آن دهکده « یوان » بود و حد دیگر دهکده **خرجان** و **سنبلان** وحد سوم آن بدو قریه **کماء آن** و **اشکهان** و حد چهارم بدو دهکده **جرواآن** و **خشینان** منتهی میشد .

مساحت یهودیه هفتصد جریب ومردم آن همه یهود و بکارهای کثیف خود مانند حجامت و دباغی و رخت شوئی و قصابی مشغول بودند تا آنکه مهدی عباسی بر ایوب بن زیاد غضبناك شد و او را بدربارخلیفه بردند و زندانی کردند . مردم عرب دهکده طهران (این دهکده امروز تیران نامیده میشود) که ازقبیله « تمیم » بودند تصمیم گرفتند که مسجد جامع بزرگی بنا کنند و منبر مسجد (ایوب بن زیاد) را

---

(۱) ازقراین چنین احتمال داده میشود که دهکده (خشینان) حدود محله احمد آباد امروز بوده وکوی امامزاده اسماعیل و مسجد شعیا نیز در محل **خشینان** سابق است .

(۲) کوی جهودان .

بدانجا نقل نمایند (۱) پس درسال ۱۵۶ هجری ودرزمان حکومت **هانی بن ابی‌هانی** و پنج سال پس از آنکه یهودیه بدست ایوب بن زیاد تبدیل بشهر شده بود مسجد جامعی ساختند و منبر ایوب را بدانجا منتقل نمودند و بعضی گویند نخستین مسجدی که دریهودیه بنا شد مسجدی‌است درمحل **باذانه** که حاکم این‌شهر(ولید بن‌ثمامه) آنرا بنا کرده است ولی گفتار درست آنستکه اول مسجد بزرگی که در اصفهان بنا شد مسجد **خشینان** بوده است که بوسیله ابوخناس مولی عمربن خطاب درخلافت علی‌بن ابیطالب رضی الله عنهما بنا شده است .

پس از بنای این جامع یهودیه از طرف صحرا توسعه پیدا کرد و پانزده دیه بشرح ذیل بآن اضافه شد.

باطرقان ـ فرسان ـ یوان ـ خرجان ـ فلفلان (امروز فلفلچی نام دارد) **سنبلان** (سنبلستان امروز) **فراءآن ـ کماءآن ـ جوزدان ـ لنبان ـ اشکهان ـ جرواآن ـ خشینان ـ بروسکان ـ فابجان** (خابجان امروز) .

وچون یهودیه توسعه یافت مردم بتوسعه مسجد پرداختند وقسمتهائی بآن اضافه نمودند ازآنجمله **خصیب بن سالم** زمینهای (خصیب آباد) را بدان اضافه نمود . در عهد خلافت معتصم و امارت یحیی بن عبدالله بن مالك خزاعی بسال دویست و بیست و [شش] برای باردوم بنای مسجد تجدیدشد . پس ازآن **ابو علی بن رستم** قطعه‌ای که بنام **رستم آباد** بود بدان اضافه‌کرد ورستم آباد قبلا سراها ومستراحهای چندی بودکه ابوعلی بن رستم آنها را اصلاح کرد و در عهد خلافت مقتدر و فرمانروائی **احمد بن مسرور** بسال ۳۰۷ بمسجد اضافه نمود ونخستین اضافاتی که درمسجد جامع واقع شدو بقعه ها و خانه ها بدان اضافه گردید در سال ۲۲۶ بود که « عبدالله بن -

---

(۱) عبارت بمقدار یك سطر در اینجا مخدوش است لذا عیناً نقل میشود : وکان موضع صدرالجامع المسقف الی وراء السقایة طراراً لصخر بن سنان و ارض مریکة لزیارة بطهران فوهبه للجامع ...

حسن بن حفص ذکوانی » را در آن آثار فراوانی است (۱)

کهندز و سارویه

ابن رسته (۲) که درسال ۲۹۰ هجری دراصفهان سکونت گزیده درباره‌شهر **جی** (نیمه شرقی اصفهان قدیم) چنین گوید: طول آن نیم‌فرسخ ووسعت آن دوهزارجریب است و چهار دروازه دارد : اول دروازه **خور** و آنـرا دروازه **زرین رود** هم میگویند که اسم قدیم رود خـانه است دوم دروازه **اسفنج** سوم دروازه **طیره** (تیره) و چهارم دروازه **یهودیه** - این مورخ شماره برجهائی را که در باروی شهر بین هر دو دروازه بوده و فاصله هر برجی را از برج دیگر بذراع معین کرده است .

سارویه : درشهر**جی** بنای کهنه‌ای بشکل قلعه وجود داشته‌است موسوم به **ساروق** یا (سارویه) و این اسم نظیر اسم قلعه همدان است . ابن رسته گوید چون این بنا بسیار کهنه است نمیتوان بانی آنرا معلوم کرد و گویند قبل از طوفان نوح ساخته شده است (۳) بعضی‌قلعه سارویه‌را همان قلعه طبرك یاطبره (تبرك) میدانند وبرخی سارویه را در محل ویرانه های نزدیك شهرستان در جای تپه اشرف تصور میکنند . این مورخ نوشته است که میان شهرستان و یهودیه مسافت کمی فاصله بوده است و بعداً بیکدیگر متصل شده اند .

ابن الندیم (٤) درکتاب خود (الفهرست) بنقل از یکی از کتابهای ابـومعشر بلخی موسوم به (اختلاف الزیجات) راجع بقهندز (کهندژ) چنین نگاشته است :

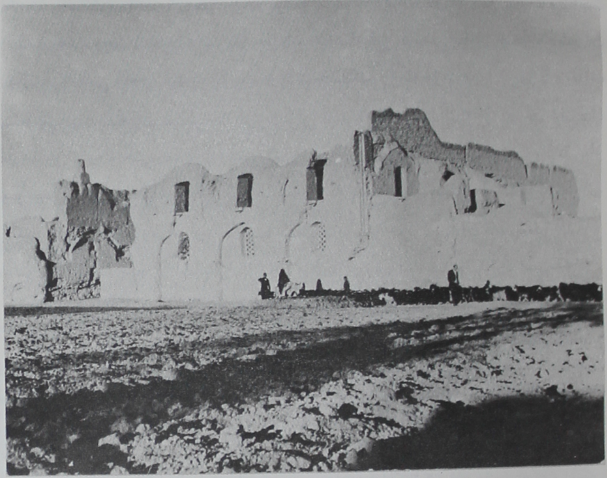
---

(۱) ترجمه و حواشی این قسمت ازآقای سید محمد علی روضاتی میباشد و ضبط اسامی عیناً از روی نسخه چاپی‌کتاب حافظ ابونعیم است .

(۲) **ابوعلی احمد بن عمربن رسته** اصلا ایرانی ازمردم اصفهان ودر قرن سوم هجری میزیسته از احوال اواطلاع زیادی دردست نیست جز اینکه درسال ۲۹۰ توفیق زیارت خانه خدا یافته وکتابی داشته موسوم به (الاعلاق النفیسه) وآن هفت مجلد است درتقویم بلدان و وصف شهر ها وکشور ها با مقدمه ای در افلاك وکره زمین و از این‌کتاب تنها جزء هفتم آن موجود است . (لغت نامه دهخدا)

(۳) جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی چاپ تهران صفحه ۲۱۹

(٤) ابوالفرج یاابوالفتح محمدبن ابی یعقوب اسحق‌الندیم‌الوراق در۲۹۷هجری متولد-



قسمتی از برج و باروهای جی در قریه شهرستان

دراوائل قرن چهارم هجری درمحل **سارویه** داخل شهر **جی** زیرزمین مخروبه ای را کشف کردند و در آن کتب فارسی قدیمی که بر پوست درخت نگاشته شده بود بدست آمد از خواندن کتابها معلوم شد که این کتب بفرمان پادشاه عادل طهمورث درکهندژ گذاشته شده و از آنجمله زیجی است که از آن زیج معروف بشهریار (۱)

ـشده ولی درباب تاریخ فوتش روایات مختلف است چنانکه سنه ۳۷۸ و۳۸۵ و۳۹۲ هجری را ذکر کرده اند . کتاب (الفهرست) ابن الندیم گنجینه ایست شامل تمام کتب مؤلفه و منقوله عالم اسلامی تا اواخر قرن چهارم هجری درهر علم و در هر فن وشرح حال مؤلفین و بسی فوائد دیگر و بطوریکه **ابن نجار** از قول مؤلف ذکرکرده این کتاب در۳۷۷ باتمام رسیده . کتاب مزبور اطلاعات مبسوطی راجع بکتب و خطوط دوره ساسانی نیز در بر دارد وکتاب مزبور را (فهرس العلوم) نیز نامیده اند .

(۱) راجع بکتاب **زیج شهریار** این نکته دانستنی است که الفهرست ازقول ابومعشر درکتاب (اختلاف الزیجات) شرحی راجع بکتابخانه مهم سلاطین قدیم ایران مشتمل بر انواع علوم و فنون که دراصفهان در محل معروف به **سارویه** که درزمان ابومعشر موجود ـ

را استخراج کرده اند. ابومعشر(۱) نوشته است که این محل تا این عصر باقی است و بساروبه معروف است . و نیز نقل میکند که سلاطین فارسی برای حفظ مسطورات و مکاتبات علمی وادبی وغیره پوست درخت **خدنگ** را که موسوم به (توز) وبغایت مستحکم است انتخاب میکرده اند و اهالی هند وچین وغیر آنها از امم هم اقتداء بفارسیان کرده و حتی برای ساختن کمان هم این درخت را اختیار نموده اند وباز مینویسد که بعضی مؤلفین نقل کردند که در سال ۳۵۰ باز قسمتی از **ساروبه** خراب وکتب بسیاری از فارسیان در آنجا کشف شد . و خود ابن الندیم بعضی کتب و مسطورات کشف شده از اصفهان را دیده و ادعای رؤیت آنها را کرده است (۲)

مافروخی (۳) در باب ساروبه نوشته است بنای کهندز که معروف بساروبه است

ـ وداخل ابنیه **جی** بوده ومدتی پیش از او قسمتی از آن کشف شده بوده است نقل میکند و قسمتی ازعبارت ابومعشر این است : « و انه کان فیها کتاب منسوب الی بعض الحکماء المتقدمین فیه سنون وادوار معلومه لاستخراج اوساط الکواکب و علل حرکاتها وان اهل زمان طهمورث وسایر من تقدمهم من الفرس کانوا یسمونها ادوار الهزارات وان اکثر علماء الهند وملوکها۔ الذین کانوا علی وجه الارض و ملوك الفرس الاولین و قد ماء الکلدانیین وهم سکان الاحویة من اهل بابل فی الزمان الاول انما کانوا یستخرجون اوساط الکواکب السبعة من هـذه السنین والادوار وانه انما ادخره من بین الزیجات التی کانت فی زمانه لانه وسایر من کان فی ذلك الزمان وجده اصوبها کلها عندالامتحان واشدها اختصارا و استخرج منه المنجمون فی ذلك الزمان زیجاً سموه **زیج الشهریار** ومعناه ملك الزیجات » (تاریخ ادبیات ایران تألیف استاد جلال۔ الدین همائی چاپ تهران ذیل صفحه ۴۷۲)

(۱) جعفر بن محمد بن عمر خراسانی بلخی از بزرگان منجمین است و در بدایت امر از علمای منقول واصحاب حدیث بشمار آمده و با یعقوب بن اسحق بن صباح کندی فیلسوف عرب معارضه داشته است . ابومعشر زیاده ازیکصد سال عمر کرده ودر ۲۲ رمضان سال ۲۷۲ هجری درشهرواسط درگذشته است . وی تألیفات وتصنیفات متعدد مخصوصاً درعلم نجوم دارد (رجوع شود بلغت نامه دهخدا « ابوسعد ـ اثبات » صفحه ۸۵۳ تا ۸۵۵)

(۲) تاریخ ادبیات ایران تألیف استاد جلال الدین همائی چاپ تهران ذیل صفحه ۵۳۵

(۳) **مفضل بن سعد بن حسین مافروخی اصفهانی** صاحب کتاب (محاسن اصفهان) است که اصل آن بزبان عربی است و رساله ایست که مؤلف در وصف اصفهان و ذکر محاسن آن جمع آورده و در ضمن بسیاری از فوائد تاریخی وجغرافیائی وادبی متعلق بموطن خود را در آنجا گنجانده وبیش ازهمه در فصاحت عبارت ونمودن جنبه هنر انشاء خود در زبان عربی کوشیده وآنرا تحفه مجلس فخرالملك بن خواجه نظام الملك والی اصفهان که مردی فضل۔

برای مخزن کتب ساخته شده است . این بنا را از لحاظ محفوظ داشتن از حریق و سایر خرابیها با گل مخصوصی ساخته اند و کتب را نیز بمراعات همین منظور بر پوست درختی که ازهمه آفات و از آنجمله گندید گی وپوسید گی مصون باشد نوشته اند و اسم آن درخت را بفارسی (توز) وبعربی (توج) مینامند . این بنا ازحیث مهندسی و ساختمان و استحکام بی نظیر بوده است . (۱)

در محل سده (همایونشهر امروز) که در هیجده کیلومتری اصفهان واقع است نیز قسمتی از محله (خوزان) هنوزهم (قهندز) نام دارد واهالی سده آنرا قدیمی ترین قسمت شهر خود میدانند و متفقاً اظهار نظر میکنند که قهندز بوسیله راهی از زیر زمین بآتشگاه که در نزدیکی آن واقع است متصل میشده و آن راه زیرزمینی هنوز هم در بعضی جا ها وجود دارد .

ـ دوست و شاعرپرور بوده ساخته است ـ ازچند موضع ازکتاب محاسن بخوبی واضح میشود که تألیف آن در ایام سلطنت سلطان معزالدین ابوالفتح ملکشاه سلجوقی (٤٦٥ – ٤٨٥ هجری) ودوره صدارت خواجه نظام الملك طوسیصورت گرفته ودرآن ایام حکومت اصفهان با نصرةالدین ابوالفتح مظفر ملقب بفخرالملك (متولد در ٤٣٤ و مقتول در روز عاشورای سال ٥٠٠) بوده است .

رساله عربی محاسن اصفهان بوسیله **حسین بن محمد بن ابی الرضا علوی آوی** در نیمه اول قرن هشتم هجری بفارسی ترجمه شده وازطرف مترجم بخواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیردانشمند ابوسعید بهادرخان درسال ۷۲۹ هجری تقدیم شده‌است ـ ترجمه فارسی محاسن‌اصفهان چون وقایع نیمه دوم قرن هفتم ونیمه اول قرن هشتم ایران بخصوص اصفهان را نیزشامل است برنسخه عربیآن مزیت تمام دارد. مترجم رساله مدتها دراصفهان میزیسته و بابزرگان و متنفذین آن شهرمانند افراد خاندان صاعدی وخواجه شمس الدین محمد بن نظام الدین یزدی و امیر مظفرالدین شیخ علی حکام آنجا محشور بوده و ازخوان نعم ایشان بهره میبرده است .

ترجمه فارسی محاسن اصفهان که تا سال ۱۳۲۸ شمسی بصورت نسخه خطی بوده است دراین سال بوسیله استاد دانشمند فقید مرحوم عباس اقبال بضمیمه مجله یادگار بطبع رسیده ومنتشر شده است .

(۱) در باب کتابخانه **سارویه** رجوع شود بکتاب (الفهرست) ابن الندیم ص ۲٤٠ از چاپ آلمان و تاریخ حمزه اصفهانی چاپ مطبعه کاویانی ص ۱۲۷ ـ ۱۲۸ که روایت هر دو-

جی و یهودیه

ابن حوقل (۱) و **مقدسی** (مقدیسی) (۲) از جغرافیا نویسان و سیاحان قرن چهارم هجری نوشته اند که این دو شهر هر کدام مسجدی دارد و مقصود از دو شهر که در کنار یکدیگرجای داشته اند یکی (جی) بوده است ودیگر (یهودیه) . جی که در خاور واقع شده بوده (شهرستانه) هم نامیده میشد وباروئی با صد برج داشت یهودیه از لحاظ وسعت دو برابر جی بود و باین جهت یهودیه نام داشت که در زمان بخت النصر(۶۰۵تا۵۶۲ ق م) یهودیان را از بابل کوچ داده ودراین مکان ساکن کرده

ـ ازابومعشر بلخی منقول است واشاره مختصری بهمین موضوع درکتاب آثارالباقیه ابوریحان ص ۳٤ نیز دیده میشود (از حواشی مرحوم عباس اقبال بر ترجمه محاسن اصفهان) .

(۱) ابوالقاسم محمد رحاله معروف درسال ۳۳۱ بعزم سیاحت وتجارت ازبغداد بیرون شد و ممالك اسلامی را در طول ۲۸ سال شرقاً و غرباً پیمود وکتب جغرافیائی قدیم را نیز تتبع و تفحص کرد و از مشاهدات خویش ونوشته های دیگران کتاب « المسالك والممالك » را برشته تحریر درآورد . این کتاب بالسنه مختلفه ترجمه شده و متن آن در لیدن بطبع رسیده است.

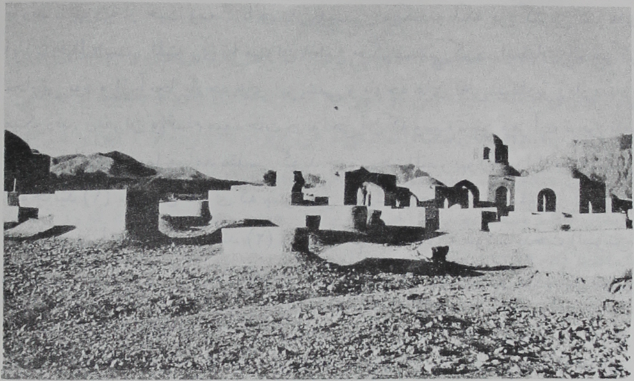
(۲) المطهر بن الطاهرالمقدیسی . بعضی المطهربن المطهربن المقدسی نوشته اند . از علماء اواخر قرن چهارم هجری بود . درباب کتابی که موسوم است به « البدء والتاریخ » و با و نسبت میدهند عقاید مختلف است زیرا بعضی آنرا از ابوزید بلخی میدانند ولی کلمان هوار (CLÉMENT HUART) مستشرق فرانسوی عقیده داشت که این کتاب از مقدیسی است و در سنه ۳۵۵ هجری تألیف شده . کتاب مزبور راجع بابتداء خلق ، وقایع امم و تواریخ پادشاهان وخلفاء تازمان مؤلف است (جلداول تاریخ ایران باستان تألیف مشیرالدوله پیرنیا صفحه ۱۰٤)

صاحب کتاب (ریحانةالادب) کنیه ونام مقدسی را چنین آورده است : ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر حنفی مقدسی بشاری واضافه مینماید که : « مولدش بیت‌المقدس بوده و در هند و سند و اندلس و اکثر بلاد اسلامیه سیاحتها کرده و اخلاق و عادات اقوام وملل مختلفه را موافق مشاهدات خود ضبط کرده واکثر نگارشات اوهما نامحسوسات خودش میباشد. درسال سیصد وهفتاد وپنج هجرت کتابی بنام **احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم** تألیف داده که اکمل کتب جغرافیائی‌عمومی‌نسبت بممالك اسلامیه بوده ویکمرتبه باترجمه لاتینی‌ویکمرتبه هم با ترجمه فرانسوی و بعضی شروح وحواشی در لیدن چاپ (شده) و موضوع آن فقط ممالك اسلامیه بوده و از بلاد خارج جز نادری که مسکن گروهی از مسلمین درآن باشد یاد نکرده و سال وفاتش بدست نیامد . » (ریحانة الادب جلد چهارم صفحه ۶۶)

بودند . یهودیه از حیث وسعت با همدان همسری میکند وبلکه بزرگترین شهرهای ایالت جبال است . البته ری را میتوان ازاین حکم مستثنی کرد. اصفهان یك مرکز تجارتی بود و از آنجا پارچه های ابریشمی و پارچه های نخی بمقادیر زیاد صادر میکردند. زعفران واقسام میوه جات درنواحی آن که وسیع‌ترین وپر آب ترین نقطه ایالت جبال بود بعمل‌میآمد **مقدسی** گوید چون بخت‌النصر یهودیان را از بیت‌المقدس کوچانید (۱) یهودیان شهری که بسر زمین خودشان همانند باشد غیر از اصفهان نیافتند و در آنجا فرود آمدند (۲) و بعضی هم گفته اند که شوشاندخت (سوسن) همسر یزدگرد اول ساسانی (۳۹۹ ـ ٤۲۰ میلادی) که خود یهودی بوده این شهر را برای سکونت یهودیان بنا نهاده است .

(۱) واقعه تسخیر بیت المقدس بوسیله بخت النصر درسال ۵۸۷ ق . م صورت گرفته است .

(۲) **مقدسی** صاحب کتاب (احسن التقاسیم فی‌معرفة الاقالیم) ضمن توصیف اقلیم جبال در باره اصفهان ویهودیه چنین مینویسد : « **یهودیه** قصبه اصفهان وجائی است بسیار بزرگ و آباد ومعمور ـ اهالی آن بسیار خیر وصاحب جود ومنش . این شهر شهر تجارت ومعاملت است . آب چاههای اصفهان شیرین و خوشگوار است و فواکه و میوه هایش لذیذ و بسیار هوایش در کمال لطافت و صفا و آبش سبك و خوب . خاکش بهجت انگیز بحدیکه مورث تعجب میباشد. عماراتش‌خوش ونغ وبدیع . تجارش معتبر ومتمول. ارباب حرف وصنایعش تیز هوش و با ذکاوت . از جمله نساجهای قابل ماهر دارد . مصنوعات و منسوجات اصفهان را باطراف واکناف عالم میبرند . مردم اصفهان متصف بصفت سنت وداخل درطریقه جماعت و الحق خلقی بسیار زیرك و با فطانت میباشند . مسجد جامعی اصفهان راست بسیار معمور ورفیع البناء پیوسته بجماعات دایر . هوای این بلد از حیث حرارت و برودت کمال اعتدال را دارد و حشرات الارض و جانورهای موذی از قبیل کیك و پشه و گزندگان دیگر یافت نمیشود . بنا برروایتی بخت نصر چون بر بیت المقدس غلبه نمود و استیلا یافت بنی‌اسرائیل را ازآنجا بیرون کرد . آنها دربقاع و اماکن ارض گردش وجستجو نمودند تاشهری راپیدا نمایند که شبیه ببلد خودشان باشد ودرآن ساکن شوند هیچ جارا بوصفی که میخواستند نیافتند مگرقصبه **یهودیه** اصفهان را لهذا درآنجا سکنی گرفتند . اما این قصبه فی‌الحقیقه بهشتی است که در آن کاروان چرا میکنند و قومی که در زبانهای ایشان گرفتگی و عجمه هست و از صفت ظرافت و سخاوت عری و بری هستند و در زیرعمامه های آنها بالشها ومخده های کوچك و چیز های دیگر هست که اسباب بزرگی عمامه های آنها میشود ودرمعامله و بیع ـ



آثار کهن یهودی در قبرستان قدیمی **پیربکران** بنام **استرخاتون** (سارح بت آشر)

این شهردوازده دروازه دارد. ابنیه آنجا ازخشت ساخته شده . بازارهایش برخی

ـ وشرای آنها فساد هست . لباسهای کهنه را که در بردارند محض ریا پاره پاره مینمایند . مذهب اهالی غالباً حنبلی است و در دوستی معاویه غلو دارند و اشخاصی در این بلده دیده میشوند که گرده نان درموزه ها وجامه وآستینهای خود پنهان کرده لقمه‌لقمه بدهان میگذارند یا مویز مینمایند . مختصروضع اصفهان بدمشق شبیه است. ابنیه و عماراتش از خاك وخشت میباشد اما خاکی که نظیر آنرا در هیچ جا ندیده ام . بازار های این بلد بعضی بی سقف و برخی مسقف است . مسجد جامعی که در بازار واقع است متین و محکم البناء و ستونهای آن از سنگهای یکپارچه مدور است و در جانب قبلی آن مناره ایست که ارتفاع آن هفتاد ذراع میباشد و تمام بنای مناره از خاك و خشت است معهذا هیچ آثار خرابی در آن دیده نمیشود وتغییری نپذیرفته است . رود خانه‌ای ازوسط شهر میگذردکه شهر را دوقسمت نموده اما اهالی‌ازآب‌آن نمیخورند بلکه بی‌مبالاتی درکار این رود خانه‌کرده بعضی‌کثافات در آن میریزند . این قصبه را دوازده دروازه است واصل شهر تا قصبه **یهودیه دو میل راه** است و برگرد آن حصاری بسیار متین و محکم و رفیع و بلندکشیده شده وپلی بسیارعظیم بر روی رود خانه بسته اند وجامعی دیگر دراین قصبه است‌که بسیار مستحکم ساخته اند. بنای این مسجد قدیمتر از بنای شهر است » (جلد چهارم کتاب مرآت البلدان ناصری صفحه ۱۵۷ و ۱۵۸) .

سرپوشیده است ، مسجد بزرگ شهر در بازار است و ستونهای مدور دارد و ارتفـاع مناره آن که در سمت قبله ساخته شده هفتاد ذراع است ، شهر **جی** را که در دو میلی خاور یهودیه است بگفته مقدسی (المدینه) مینامیدند که عربی شهرستانه است و پای قلعه کهنه شهر بر روی رود خانه پلی تهیه شده از قایقها قرار داشت . (۱)

دکتر لارنس لاکهارت (۲) راجع بشهرستان و یهودیه چنین مینویسد :

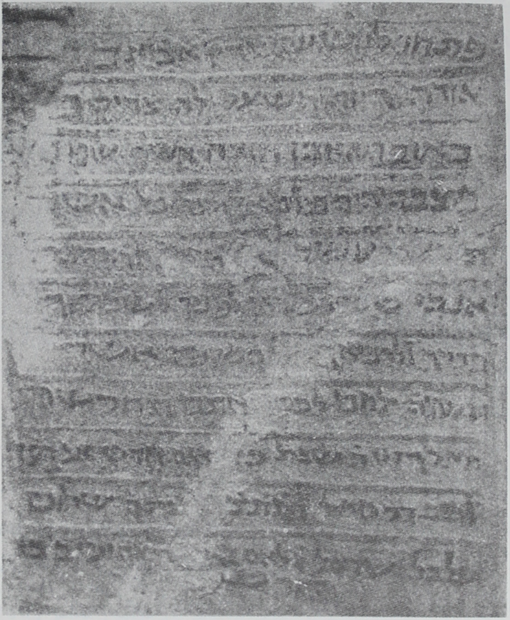
«قسمت قدیم شهر اصفهان (گاده) نامیده میشد که همان (گابه) استرابون میباشد وپس ازچندی نام **شهرستان** بخود گرفت (مدینه عربی یاقوت) و پس از آن عده‌ای یهودی بفاصله دو میلی آن استقرار یافتند . محل سکونت و عمارات اینان قسمت غربی شمال آن شهر بود . کم کم شهر اصفهان (جی ـ گاده یا گاوه) وسعت یافت و یهودیه نیز توسعه پذیرفت تاجائیکه هردوقسمت بهم اتصال یافت واز هر دو یك شهر بزرگ بوجود آمد واین امردرحدود قرن دهم میلادی (قرن چهارم هجری) بانجام رسیده است. کلمه اصفهان که باحتمال قریب بیقین ازریشه سپاه گرفته شده ودراصل هم (اسپاهان) بوده است اززمان پارتها براین ناحیه اطلاق شده ولی درباره اینکه یهودیان از چه وقت باین محل منتقل شده اند و سبب انتقال آنهـا چه بوده و سایر خصوصیات این امردربین محققین اختلافاتی وجود دارد ولی بعلت اینکه نام یهودیه نیز در منابع موجود براین قسمت شهراصفهان اطلاق شده وهمه مورخین نیزاجمالا آنرا نقل کرده‌اند دراصل‌سکونت این قوم دراین‌ناحیه تردیدی نمیتوان نمود.»(۳)

---

(۱) جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج ترجمه محمود عرفان، صفحه ۲۱۹ و ۲۲۰.

(۲) LAURENCE LOCKHART ایران شناس معاصر انگلیسی است که در باره تـاریخ ایران تحقیقاتی دارد وکتاب او راجع بسقوط سلسله صفویه و استیلای افاغنه بنام THE FALL OF THE SAFAVI DYNASTY AND THE AFGHAN OCCUPATION OF PERSIA شهرت دارد .

(۳) سالنامه دبیرستان ادب اصفهان سال ۱۳۲۹-۱۳۳۰ص۶۱ ترجمه‌آقای محمدمهریار



قدیمی ترین سنگ نوشته از یهودیان اصفهان

این سنگ نوشته بطول ۹۵ و عرض ۷۵ سانتیمتر ضمن تجدید ساختمان سقف کنیسه حضرت یعقوب درقبرستان قدیمی یهودیان اصفهان بنام **استرخاتون** (سارح بت آشر) واقع در قریه **پیربکران** در سی کیلومتری جنوب غربی اصفهان توسط انجمن ملی و خیریه کلیمیان از زیر خاکهای انباشته شده کنیسه در سال ۱۳۲۲ ـ ۱۳۲۳ خورشیدی بدست آمده و اکنون بر دیوار یکی از طاقنما های داخل کنیسه نصب

شده است . کتیبه این لوح سنگی بخط عبری برجسته مشتمل بر آیاتی از تورية و تاریخ تحریر و نصب آن از اوایل قرن دوم مسیحی بشرح زیراست :

« دروازه های عدالت را برای‌من بگشائید. بآنها داخل‌شده خدارا حمد خواهم گفت . دروازه خداوند اینست . عادلان بدان داخل خواهند شد (۱) و این سنگ راکه چون ستون برپا کردم بیت‌الله شود وآنچه بمن بدهی ده یك آنرا بتو خواهم داد (۲) اینك من فرشته ای پیش روی تو میفرستم تا ترا درراه محافظت نموده بدان مکانی که مهیا کرده ام برساند (۳) خداوند برای شما جنگ خواهد کرد و شما خاموش باشید (٤) بتاریخ پنجشنبه بیست و هشتم ماه آب سال ۳۸۹۰ از خلقت آدم (٥) خداوند این ماه عزارا (مقصود ماه آب است که ماه سوگواری یهودیان میباشد) بشادی مبدل نماید . سلام بر تمام افراد اسرائیل . غلام این درگاه داود-بن یعقوب . » (٦)

اصفهان در دوره مرداویج زیاری

اصفهان تا ابتدای قرن چهارم هجری در تحت سلطه خلفا باقی بود . در سال ۳۱۹ هجری مرداویج یا (مرداویز) پسرزیار که تابع حکمرانان علوی مازندران بوده وبعد علم طغیان برافراشته وخودرا مستقل خوانده بود فرمانروای ری گردید

---

(۱) کتاب مزامیر - مزمور ۱۱۸ آیه ۱۹ و ۲۰

(۲) سفر پیدایش باب بیست وهشتم آیه ۲۲

(۳) سفر خروج باب بیست و سوم آیه ۲۰

(٤) سفر خروج باب چهاردهم آیه ١٤

(٥) سال ایرانی ۱۳٤۲ خورشیدی‌که سال طبع این‌کتاب است باسال ٥۷۲۳ ازمبداء یهود برابر است بنا براین لوح سنگی مذکور درفوق متعلق به ۱۸۳۳ سال پیش است واین خود معرف قدمت سابقه سکونت یهودیان در شهر اصفهان است .

(٦) متن عبری این‌لوح را آقایان ایزاك ابرسی رئیس دبیرستان اتحاد اصفهان وآقای یونس سعدیا بفارسی ترجمه‌کرده و با آیات تورية تطبیق نموده اند .

و پس از زد وخورد هائی که با ماکان کاکی سردار دیلمی نمود طبرستان را ضمیمه قلمرو خود کرد و سه پسر بویه ماهیگیر بنام علی وحسن و احمد که در لشگرماکان خدمت میکردند از این زمان بخدمت مرداویج درآمدند - مرداویج حکومت کرج را بعلی داد و در همان سال یعنی ۳۱۹ هجری جبال را فتح نمود بنابراین اصفهان نیز که از ایالات جبال بود ضمیمه قلمرو او گردید . خلیفه عباسی المقتدرحکومت وی را بر نواحی فتح شده باین شرط پذیرفت که مرداویج اصفهان را تخلیه نماید ولی کمی بعد خلیفه بقتل رسید ومرداویج اصفهان را درقلمرو خویش نگاهداشت .

در سال ۳۲۲ هجری خلیفه عباسی القاهر بالله مرداویج را بشرط اینکه اصفهان را ترك گوید بر سرکار خویش باقی گذاشت و مرداویج امر خلیفه را اطاعت نموده ببرادرش وشمگیر حاکم اصفهان فرمان داد شهر را بفرستاده خلیفه واگذارد لکن در همین ایام القاهربالله از خلافت افتاد و مرداویج بار دیگر اصفهان را در قلمرو خود نگاهداشت .

مرداویج قصد داشت ایران را از استیلای تازیان پاك کند و دوباره دستگاه شاهنشاهی ساسانیان را بجای خلافت خلفای بغداد در کنار دجله بگسترد . شکوه و هیبت اورا دردوره های اسلامی هیچیك از کشور گشایان ایران نداشته اند . تختی از زرناب جواهر نشان ساخته بود و بر آن مینشست . جامه کوتاه میپوشید و از تاجهای شاهنشاهان ساسانی نشان گرفت و چون اشکال آنرا باو نمودند تاجی را که خسرو انوشیروان برسرمیگذاشت پسندید وفرمان داد که تاجش را ازروی آن بسازند چون برتخت می نشست و آن تاج را بسر میگذاشت سران سپاه و کارگزارانش بر تخت های سیمین می‌نشستند وکارگزاران فروتر بر کرسی های کوچکتر بودند. همه مجلسیان از رعب او خاموش می نشستند و هیچکس جز پرده دارانش که جامه های آراسته و مخصوص میپوشیدند اجازت سخن گفتن نداشت . چون سپاهیان از

برابر او میگذشتند از شکوه و هیبت او همچنان خاموش بودند .

کاخهای پذیرائی مرداویج در اصفهان

مرداویج پس ازتسخیر همدان شهر **دینور** را که دربیست فرسنگی شمال همدان درکنار رودی بهمین نام است فتح کرد و سپس چند تن از سران سپاه خود را باقسمتی ازلشگریان خویش باصفهان فرستاد . آنها چون باصفهان رسیدند کاخهائی راکه احمد پسر **ابودلف** در آن شهر ساخته وزیباترین ساختمان اصفهان بود برای پذیرائی مرداویج تعمیر و آماده کردند .

ابودلف و پسرش احمد از کارگزاران معروف دربار بغداد در نواحی مرکزی ایران بودند ودراصفهان سرای های بسیارزیبا ساخته بودندکه مهمترین ساختمانهای شهر بشمار میرفت و چون چندی متروك مانده بود حاجت بتعمیر داشت واین کاخها را بدینگونه تعمیر کردند تامرداویج در بازگشت باصفهان سرای شاهانه‌ای دراختیار داشته باشد. همینکه تعمیر کاخها بپایان رسید وگرداگرد آنها بستانهای زیبا فراهم شد مرداویج با چهل تا پنجاه هزار سپاهیان خود از همدان براه افتاد و باصفهان رسید و در آن کاخها جای گرفت و لشگریان وی در شهر پراکنده شدند .

مرداویج که باحیای آداب وسنن ملی نیاکان ایرانی خود سخت علاقه مند بود جشنهای ملی و از آنجمله جشن (سده) را باشکوه هرچه تمامتر برگزارمیکرد وما در اینجا بذکر شمه ای از جشن مفصل سده سال ۳۲۳ هجری قمری که در آخرین سال حیات مرداویج در اصفهان برگزار شده است میپردازیم : (۱)

آتش سده در ساحل زاینده رود

مرداویز خواست جشن پدران بزرگ خویش راکه سیصد و ده سال بود از آن شکوه جهان افروز افتاده بود در یکی از بزرگترین شهرهای ایران آنروز یعنی

---

(۱) ازکتاب **ماه نخشب** تألیف استاد سعید نفیسی صفحه ٦٤ تا ۸۱

سپاهان بر گزار کند وبهمین اندیشه فرمان داده بود که از کوهها ودشتهای دوردست هیمه بسیار گردآورده و در کنار **زنده رود** انباشته بودند. نفت فراوان از فرسنگها راه درمشگها وخیکهای بزرگ آورده و کسانی را که آنزمان (نفت انداز) میگفتند فرمان داده بود که در کناررود گرد آمده بودند. شمع های قدی بیشمارساخته وکافور فراوان در ساختن آنها بکار برده وآنها را نیز برای افروختن آماده کرده بودند. برسر همه کوههای گرداگرد شهر واز آنجمله کوه نزدیك شهر که در آنزمان **گرم کوه** میگفتند ازبالا تا پائین هیزم وبوته های فراوان تل کرده و دربیرون شهر ازتنه های درشت درختان کهنسال کاخها و منبر های چوبی ساخته وبرای اینکه هنگام سوختن از هم نریزد ونپاشد با آهن آنها را پیوسته و درمیان تنه های درختان پوشال وخار ونی ریخته بودند. شکار افکنان زبردست بیش از هزار زاغ و زغن گرفته و بر نوك و پاهای آنها پوست گردوی پر از پوشال و ریز های پشم و کتان نفت آلود بسته و آماده کرده بودند.

مرداویز فرمان داده بود که بر سر همه کوهها وتلها و در میـان دشت پهنـاور همه با هم بآتش افروزی **سده** آغاز کنند و نوکها و پنجه های زاغان و زغن ها را نیز با هم آتش زنند وهمه را با هم پرواز دهند تا سراسر دشت بیکران شهر **سپاهان** تا جائیکه چشم کار میکند اخگر فروزان و پارچه آتشی باشد.

ازآنروزیکه مرداویز بپادشاهی رسیده بود عادتش چنان بود که هرشب دوهزار مرغ بریان برسر خوان وی می نهادند. آن شب گذشته از جانوران و مـرغانیکه بعادت همیشگی سرمیبریدند صد اسب و دویست گاو که درسته بریان کرده بودند و سه هزار گوسفند دیگر کشته و نیز بیش از هزار ماکیان سربریده و بهمین اندازه خوراك های دلپذیر وانواع شیرینی فراهم کرده بودند. **مرداویز** پس ازآنکه فرمان آتش سده را صادر کرد بالشگریان نزدیك خود بآن خوان پهناور آمد و گرداگرد

آن گردش کرد . همه این نعمت های شاهانه در برابر همت بزرگ او ناچیز آمد وروی درهم کشید وخشم آورد وفراهم کنندگان خوان را دشنام داد وروی بگردانید وبچادرخویش بازگشت. این رفتارهمه را شگفت زده کرد و کسی جرئت سخن گفتن نداشت. هر کس اندیشه‌ای میکرد وسودائی دردل می‌پخت. سرانجام **عمید ابوعبدالله** وزیرش نزد او رفت ولب بسخن گشود اما مرداویز خاموش بود . وزیر آنقدرسخن گفت که وی آرام شد و نشست . ابوعبدالله گفت این چه حال است که هنگام شادی پیش آورده‌ای ؟ گفت ای ابوعبدالله چگونه شادی کنم درصورتیکه فراهم کنندگان این جشن مرا رسوا کردند ودیگرچاره این بد نامی نتوان کرد. وزیراندکی خاموش ماند و سپس پرسید رسوائی از چیست ؟ گفت می بینی آنچه من فرموده بودم فراهم نشده وخوان جشن من خوارمایه است . ابوعبدالله گفت بخدای سوگند که آنچه تو فرموده بودی فراهم کرده‌اند. تا کنون چشم جهان چنین جشنی بخود ندیده برخیز و بجشن بنشین .

در این هنگام یعنی درسال ۳۲۳ مرداویز وسیله فراهم میکرد که بسوی بغداد رود و تاج و تخت خلفای تازی را براندازد و خود بجای شاهنشاهان ساسانی در بغداد بتخت بنشیند وقصد او آن بود که زمستان آن سال بگذرد و پس از آن باین سفر شگفت آغاز کند . وی پی در پی دستور میفرستاد که هرچه زودتر **طاق کسری** وایوان مدائن یعنی کاخ معروف شاهنشاهان ساسانی را در **تیسفون** تعمیر کنند وآنرا بصورتیکه در زمان ساسانیان داشته است بر گردانند تا چون بغداد را بگیرد و خلیفه را براندازد درزیر آن طاق مانند شاهنشاهان ساسانی برتخت ایران بنشیند . ولی غافل از آنکه خلیفه بیگانه **الراضی بالله** و ناجوانمردانی که گرد او را گرفته و بطفیل او شکم و کیسه می انباشتند سرانجام بحیله و خیانت نخواهند گذاشت وی مقصود خود را عملی کرده وبهار آن سال را بچشم ببیند. مرداویز روز ۱۳ بهمن سال

۳۲۳ در گرمابه اصفهان بدنبال توطئه ای که بوسیله سران وغلامان ترك او ترتیب داده شده بود بقتل رسید . (۱)

اصفهان در دوره دیالمه

پس ازقتل مرداویج علی پسر بویه ملقب بعمادالدوله برادر خود حسن معروف برکن الدوله را بتسخیر اصفهان فرستاد و حسن پس از فتح اصفهان عازم تسخیر همدان و ری وقزوین و قم وکاشان شد . اما درسال ۳۲۷ وشمگیر زیاری اصفهان را از دست حسن بن بویه گرفت و حسن باصطخر گریخت .

امیر زیاری سپس بفتح قلعه الموت نیز نائل آمد و قدرت وشوکتش بالا گرفت و چون ماکان سردار معروف دیلمی که در حیات مرداویج بدربار امیر نصر سامانی پناه برده بود درسال ۳۲۸ امیرنصر را ترك گفته وتحت امر وشمگیر درآمده ومأمور گرگان شده بود وامیرنصر سردارمعروف خود ابوعلی چغانی را بتسخیر گرگان فرستاده بود و وشمگیر مجبور شده بود قسمت عمده سپاهیان خود را برای جنگ با ابوعلی بکمك ماکان بفرستد حسن پسر بویه و برادرش علی ازفرصت استفاده کرده مجدداً اصفهان را دراختیار خود آوردند وجمعی ازسران سپاهی وشمگیررا دستگیر نمودند.

اصفهان از این زمان ببعد قلمرو آل بویه گردید و **حسن رکن الدوله** در بسط و توسعه آن کوشید گفته اند روزیکه قمر در برج قوس بود رکن الدوله دستور داد ساختمان باروئی را بدور شهر آغاز کنند . دور این بارو ۲۱ هزار گام بوده است . تاچند سال قبل آثاری ازباروی مزبور وخندق اطراف آن دربیرون دروازه **طوقچی** تا دروازه **جوباره** و **پائین دروازه** باقی بوده است .

در اواخر سال ۳۶۵ رکن الدوله که عمرش نزدیك بهفتاد رسیده بود مریض شد

---

(۱) برای اطلاع بیشتر ازشرح حال مرداویزمراجعه شود بکتاب (ماه نخشب) تألیف استاد سعید نفیسی صفحه ٦٤ تا ٨١

و در اصفهان در ضیافت بزرگی که سه پسر او وسران سپاهی دیلم جمع آمده بودند ابوشجاع پناه خسروعضد الدوله را ولیعهد ووارث ملك خویش معرفی نمود وهمدان و ری و قزوین و نواحی مجاور آنها را بپسردیگر خود ابوالحسن علی فخرالدوله و اصفهان را بپسر سوم خود ابومنصور بویه (مؤید الدوله) واگذاشت و بفرزندان دوم و سوم خود توصیه نمود که ازاطاعت عضد الدوله خارج نشوند . سپس ازاصفهان بری برگشت و درآنجا درمحرم ۳٦٦ در گذشت .

باراه‌یافتن‌صاحب **اسماعیل** بن‌عباد(۱)دردستگاه حکومت مؤیدالدوله وفخرالدوله و وزارت این دو امیر دیلمی اصفهان شهر وسیعی شد . صاحب بن عباد که از منشیان وبلغای بسیارمعروف زبان عربی‌است (۳۲٦-۳۸۵) مردی کریم وفضل دوست و بخشنده ونسبت بشعراء بذال ومشوق بوده ودرری واصفهان همه وقت در گرد اوجمع کثیری از اهل علم وبحث و شعروادب میزیسته وبنام اوشعر میگفته و کتاب مینوشته اند .

صاحب مالك کتابخانه ای بوده است که از جهت کثرت عدد کتاب و امتیاز نسخ در آن ایام بی مانند بشمار میرفته و بطوریکه نقل شده است وی در بین کتب خود بکتاب (اغانی) تألیف ابوالفرج اصفهانی (۲) بیشتر از کتابهای دیگر

---

(۱) برای اطلاع از تفصیل شرح حال صاحب بن عباد مراجعه شود بکتاب (الصاحب-بن‌عباد) بزبان عربی تألیف شیخ محمد حسن آل یاسین چاپ بغداد وکتاب (ریحانة‌الادب) جلد ششم صفحه ٦۹ - ۷٤

(۲) علی بن الحسین بن محمد بن هیثم اصفهانی تولد او بسال ۲۸٤ بود و وفاتش بنا برمشهورچهاردهم ذیحجه سال ۳۵٦ . وزیرابوالقاسم حسین بن حسن مغربی که کتاب **اغانی** ابوالفرج را منتخب کرده در دیباچه آن گوید که ابوالفرج این کتاب را بسیف الدولة بن-حمدان اهداءکرد و سیف الدوله هزار دینار بدو بخشید وچون این خبر بصاحب ابی‌القاسم بن‌عباد رسید گفت سیف الدوله درعطاء خویش قصورورزیده چه این کتاب باضعاف این مبلغ ارزد وگفت خزانه من مشتمل برششهزار ودویست مجلد است لکن انس من تنها باین کتاب است وابوالقاسم عبدالعزیز بن یوسف‌کاتب عضد الدوله گوید عضد الدوله درسفروحضرهیچگاه این کتاب را از خود جدا نکرد وابومحمد مهلبی گوید ازابوالفرج پرسیدم که درچند مدت این کتاب بپایان بردی گفت درپنجاه سال (رجوع شود بلغت نامه دهخدا « ابوسعد - اثبات » صفحه ۷۱٦)

علاقه داشته است . یکسال پس ازمرگ عضد الدوله مؤید الدوله نیزدر گرگان وفات یافت و وزیرش صاحب بن عباد بزرگان مملکت را بر آن داشت که فخرالـدوله را از نیشابور بخواهند و او را که بزرگ خاندان بویه است بجـای برادر بحکومت بردارند . رأی صاحب را همگی پذیرفتند و فخرالدوله در رمضان ۳۷۳ از نیشابور بگرگان آمد و بامارت نشست و صاحب را با وجود میل او بکناره گیری کمـاکان بوزارت باقی گذاشت .



آرامگاه صاحب اسماعیل بن عباد وزیر مشهور دیالمه در محله طوقچی اصفهان

وفات صاحب بن عباد در ماه صفر سال ۳۸۵ در شهر ری اتفاق افتاد . هنگامی که مرد دروازه ری را بستند و پیرامون خانه اش نشستند و چون جنازه اورا بیرون آوردند همه دیالمه و تـرکها چون تابوت او را بدیدند زمین ببوسیدند و گریبانها

بدریدند و بگریه و زاری پرداختند . **فخرالدوله** پیاده در جلوی جنازه او حرکت کرد ونعش اورا از ری باصفهان آورده دردهلیز خانه اش نزدیك **دروازه طوقچی** دفن کردند . هنوز هم که نزدیك هزار سال از آن تاریخ میگذرد آرامگاه او در محلی که بخاك سپرده شده از زیارتگاههای مشهور شهر اصفهان است .

آثار تاریخی دوره دیالمه در اصفهان

۱- **قلعه طبرك** (تبرك): مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی درجنوب شرقی شهر قطعه‌زمینی را که بیش ازصد هزارمترمربع مساحت داشته برای ساختن قلعه های محکم انتخاب نمودند . اراضی مزبور که در محل قلعه طبرك سابق قرار داشت از دو طرف محدود بچشمه **خوراسکان و راهروان** میشده واین چشمه ها برای قلعه مزبور بمثابه خندقی طبیعی بوده است . اطراف قلعه باروئی بسیارمحکم که قطر آن ازده متر متجاوز بوده کشیده میشد و این بارو فاصله بفاصله ببرج هائی منتهی میشده است .

از خانه های دیالمه که در نزدیك میدان قدیم امروز (میدان کهنه) قرارداشته و (میدان میر) راهی زیر زمینی بقلعه منتهی میشده که امروز هم پس از هزار سال درپاره‌ای منازل که زمین را بمنظوراحداث چاه حفرمیکنند بآن راه برخورد مینمایند.

در عهد سلاجقه نیز قلعه مزبور مورد استفاده واقع میشده و راه دیگری از زیر زمین ساختمانهای ملکشاهی را ازمحل میدان قدیم واطراف مسجد جمعه امروز بقلعه طبرك اتصال میداده است . در آن روزگار قسمت معروف شهر اصفهان ناحیه شرقی شهر امروزی محسوب میشده وآبادیها ازمیدان کهنه تا دهکده شهرستان قرار داشته ومحلات **احمد آباد** و **پای قلعه** و **خواجو** و **باغ مراد** و **تراوسکان** از دایرترین نقاط شهر بوده است .

ابوسعید بهادرخان ایلخان مسلمان مغول درقرن هشتم شرف الدین شاه محمود اینجو را درسال ۷۳۶ در این قلعه زندانی کرد وسپس‌خان سلطان دخترامیر کیخسرو

و برادر زاده شاه شیخ ابواسحق اینجو درهمین استحکامات در مقابل شاه شجاع وشاه محمود آل مظفر قلعه داری کرد و از فراز برج وباروهای آن شبانه روز دفاع نمود شاه سلطان خواهر زاده امیر مبارزالدین محمد مظفری در سال ۷۵۷ شیخ ابواسحق اینجو را دستگیر و درقلعه طبرك زندانی کرد وسپس او را بشیراز فرستاد وامیر شیخ ابواسحق روز جمعه ۲۱ جمادی الاولی سال ۷۵۸ در میدان سعادت شیراز که از بنا های خود او بود بقتل رسید و اصفهان در همین سال بدست آل مظفر افتاد .

شاردن (۱) سیاح فرانسوی که در اواخر سلطنت شاه عباس دوم و دوره سلطنت شاه سلیمان در اصفهان بسر برده است درقسمتی از سفرنامه خود که راجع باصفهان است در خصوص قلعه طبرك چنین مینویسد :

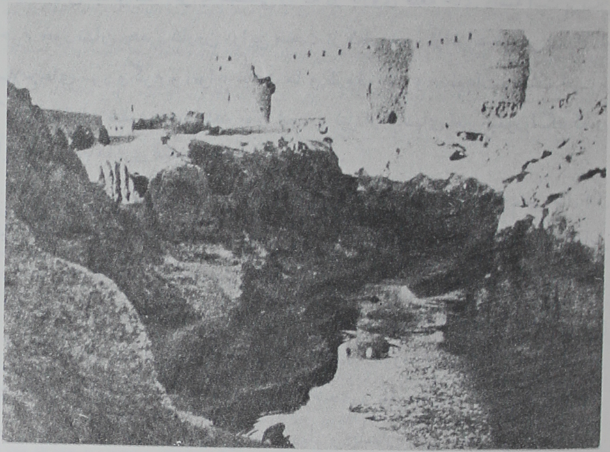
« قطر این قلعه هزار پا واز گل ساخته شده ولی نمای بیرونی آن از گچ است دیوارهای آن بسیار بلند وکنگره دار وبالای آن جان پناه ها وبفواصل معین برج هائی دارد . قطر دیوارها دوازده تا چهارده پا که دیواری کوتاهتر وخندقی بعرض

---

(۱) JEAN CHARDIN که نام او در این کتاب بازهم خواهدآمد دوسفر بایران آمده : سفر اول او ازه۱۶۶٤ تا۱۶۷۰ میلادی (۱۰۷٤ـ۱۰۸۰هجری) طول کشیده ودراین سفرسه سال آخر سلطنت شاه عباس دوم و سه سال اول سلطنت شاه سلیمان را درك کرده است .

مسافرت دوم او از ۱۶۷۱ تا ۱۶۷۷ میلادی (۱۰۸۱ ـ ۱۰۸۷ هجری) طول کشیده و بعلت تمایل شدیدی که بشناختن ایران و بنوشتن سفر نامه های دقیق و صحیح راجع بآن داشته است او را برانگیخته که در این مدت باندازه امکان و باکمال جدیت بتحصیل زبان فارسی و بشناسائی دقیق آداب و رسوم مردم ایران پرداخته و مرتباً بدربار و دیوانخانه مراجعه کرده بابزرگان ودانشمندان بگفتگوپرداخته‌است وچنانکه خودگوید: « درکشوری مانند ایران که هم از لحاظ بعد مکانی و هم از نظر عادات و رسوم برای ما دنیای جدیدی است آنچه را ممکن بود حس کنجکاوی ما اروپائیان را برانگیزد بدقت بررسی کردم وبرای شناسائی آنچه مربوط بایران است بقدری دقت کردم وباندازه ای رنج بردم که بدون اغراق میتوانم ادعا نمودکه مثلا اصفهان را بیش از لندن میشناسم درصورتیکه بیش از ۲۶ سال در شهر اخیر بسر برده ام وهمچنین زبان فارسی را درست مانند انگلیسی وتقریباً مانند فرانسه صحبت میکنم. »

سی پا اطراف آنست. این قلعه دیوار دیگری نیزدارد . بطور کلی ساختمان آن بسیار قدیمی است و از نظر معماری با قلاع کشورما تفاوت دارد و بزندان شبیه تراست .



قلعه طبرك اصفهان که تا اواخر نیمه اول قرن چهاردهم هجری موجود بوده است

مدخل قلعه رو بسمت شمال وپانزده پا ازسطح زمین بلندتر است که آنرا خاك ریخته وشیب داده اند. در ورودی آن تنگ و کوتاه ومیان دوبرج قراردارد . سر در آن بصورمنطقة البروج که اصفهان بطالع آن بنا گردیده است منقوش میباشد . این قلعه ۳۷۰ خانه و یك میدان مشق و یك مسجد ویك حمام ویك خانه وزیردارد ونیز دارای باروئی است که قسمت مهم قلعه را تشکیل میدهد ـ خانه های فوق مسکن عده ای سربازان ایرانی است که حقوق آنها ازسیصد تا پانصد فرانك میباشد . هزار نفر سرباز موظف در این قلعه هستند که نیمی از آنها همواره پادگان آن بشمار میآیند . میدان مشق باندازه کافی بزرگ و متجاوز از چهل توپ که در جنگ

های ایرانیان با ترکان و اسپانیولی ها بغنیمت گرفته شده در آنجا است .

شاردن دو مرتبه از این قلعه دیدن کرده و دفعه دوم شب آنروزی بوده است که شاه سلیمان میخواسته خزانه سلطنتی را که در باروی قلعه جای داشته است بزنان حرم خود نشان دهد . شاردن دراین مبحث از کتاب خود ازانواع جواهرات واقسام سلاح های سرد وگرم و انواع ساعت ها و ظروف طلا و مصنوعات مختلف جهان که بپادشاهان صفوی هدیه شده بوده است و نیز از لباسهای امیر تیمور لنگ که در این قلعه نگاهداری میشده سخن رانده است .

قسمت هائی از برج و باروهای قلعه طبرك و مدخل آن تا حدود سی سال قبل نیز باقی بوده و درداخل آن زراعت میکرده اند ولی تدریجاً که بمالکیت اشخاص درآمده وتجزیه شده صورت اصلی وقدیمی خودرا بکلی ازدست داده وتبدیل بخیابان وکوچه و منازل متعدد و مسجد و حمام و مدرسه وغیره شده است . امروز از برج و باروهای قلعه چیزی برجای نمانده ولی چشمه خوراسکان (که ابتدای آن در پشت خاك ریزهای قلعه مزبور امروزهم بنام چشمه باقرخان معروف است) درمحل خود باقی است و تنها نشانه هائی که از دیلم و دیلمیان باقی مانده است نام خیابان وکوچه های این ناحیه است که باسامی : طبرك و (مرداویج) و (مؤیدالدوله) و (رکن الدوله) و(فخرالدوله) و(علاءالدوله) ومانند اینها نامگذاری شده است.

۲ــ **مسجد جامع جورجیر** ــ مافروخی در کتاب محاسن اصفهان پس از توصیف مسجد جامع عتیق بزرگ یعنی قسمتهائی از مسجد جمعه امروز که تا اواخر قرن پنجم هجری ساخته شده بوده است بوصف مسجد جامع صغیر معروف به (جورجیر) که کوچکتر ولی زیباتر بوده میپردازد (۱) و میگوید که این جامع معروف به (جورجیر) بوده وتوسط کافی الکفاة **صاحب بن عباد** ساخته شده است . بنا بگفته مافروخی این مسجد دارای شبستانها ، خانقاهها ، کتابخانه ، مدارسی برای فقها و

---

(۱) رجوع شود بکتاب (ترجمه فارسی محاسن اصفهان) چاپ تهران صفحه ٦٣

مجالسی برای ادباء و محلهائی برای شعرا و صوفیان و قاریان قرآن بوده است. مافروخی راجع بمزیت جامع صغیر نسبت بجامع کبیر متذکر میگردد که خاك رس خامی که مسجد جامع صغیر از آن ساخته شده محکمتر از آنستکه در ساختمانهای مسجد جامع کبیر بکار رفته و بالنتیجه ازحیث بلندی و استحکام ساختمانهای مسجد جامع صغیر نسبت بساختمانهای جامع کبیر برتری دارد. مناره این مسجد که از خشت خام ساخته شده بود بارتفاع صد ذراع میرسیده است (مقدسی ارتفاع این مناره را هفتاد ذراع نوشته است) (۱)

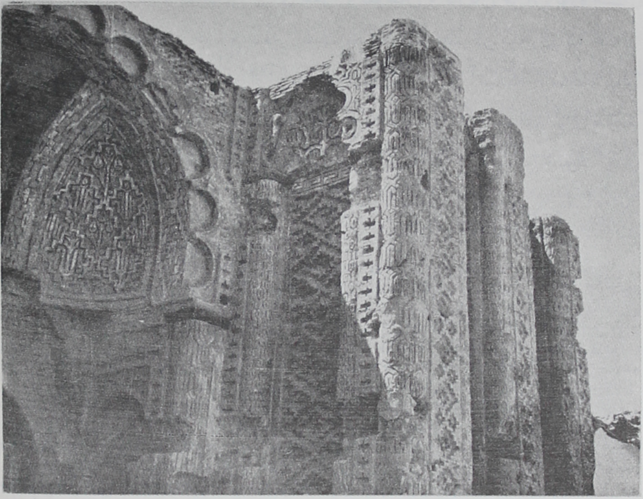
در محل آثار برجای مانده مسجد جورجیر و درمجاورت آن در فاصله سالهای ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۳ هجری بوسیله حکیم محمد داود طبیب شاه عباس دوم مسجد حکیم بنا شده است که هم اکنون یکی از بنا های نفیس دوره صفویه در اصفهان محسوب میشود. مسجد حکیم چهار در دارد که دوتای از آنها درجنوب شرقی و جنوب غربی صحن مسجد واقع شده ودو در دیگر درشمال وشمال غربی است. درشمال غربی هنوز هم دربین اهالی بدر(جوجه) یا (جوجی) معروف است که تحریف شده کلمه (جورجیر) میباشد و از نظر تاریخی ارزش فوق العاده دارد زیرا تنها اثر موجود و مهم از دوره ایست که اصفهان پایتخت پادشاهان آل بویه بوده است. (۲) سردرمزبور ازنمونه های بسیارعالی هنر آجر تراشی و گچ بری درنیمه دوم قرن چهارم هجری است وفعلا در ردیف سایر بنا های قدیمی گنجینه تاریخی اصفهان در معرض تماشای سیاحان قرار دارد. (۳)

---

(۱) جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی تألیف (لسترنج) ترجمه محمود عرفان (صفحه ۲۲۰).

(۲) سردر دیلمی **جورجیر** درمرداد ماه ۱۳۳۵ که نگارنده ریاست اداره باستانشناسی اصفهان را بعهده داشت براهنمائی اینجانب وبوسیله کارگران متخصص اداره باستانشناسی از لابلای قشری ضخیم از کاهگل که مدتها آنرا از انظار مخفی داشته بود خارج گردید.

(۳) شیخ جابری انصاری از این سردر بنام (جوء جوء) نام برده و نوشته است که -



سر در مسجد جامع جورجیر (مسجد صاحب اسماعیل بن عباد) از نیمه دوم قرن چهارم هجری

کتیبه و خطوط برجای مانده سردر مسجد جورجیر

از کتیبه سردردیلمی مسجد جورجیر که بخط کوفی گچ بری شده است درطرف راست سر در فقط جمله (بسم الله الرحمن الـرحیم) و در طرف چپ سر در جمله : (بالقسط لا اله الاهوالعزیزالحکیم) برجای مانده و بقیه کتیبه از بین رفته است کتیبه سر در مزبور بشرح زیر بوده است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم‌شهدالله انه‌لااله الاهووالملائکة واولواالعلم قائماً بالقسط لا اله الا هوالعزیزالحکیم . »

- کلمه (جوجه) و(جوجی) که امروزمردم تلفظ میکنند تحریف « جوء جوء » است (رجوع شود بتاریخ اصفهان وری تألیف شیخ جابری انصاری صفحه ۲۲۳)

سال تحریر و نصب این کتیبه و بالنتیجه سال اتمام ساختمان مسجد جورجیر و سردر آن فعلا برما معلوم نیست ولی قطعی است که در دوره وزارت صاحب اسماعیل بن عباد یعنی در نیمه دوم قرن چهارم هجری باتمام رسیده است .

در نماهای خارجی طرفین سر در و در داخل طاقنماهای آجری آن بخط کوفی گچ بری شده عبارات زیر موجود است : «لااله الاالله ـ محمد رسول الله ـ القدرة لله ـ العظمة لله ـ سبحان الله ـ الحمد لله . »

بغیر ازخطوط مذکور درفوق بر دیوار های طرفین سردر مسجد جورجیر نقوش جالبی از آجرتراش جلب توجه میکند که نظیر آنها درسایر بناهای تاریخی اصفهان دیده نشده و تا این تاریخ بر نگارنده معلوم نشده است که این نقوش صرفاً جنبه تزییناتی دارد یا آنکه برای آنها معنی ومفهومی نیز متصور است .

مسجد کوچك دیگری نیز در سمت راست سردر مسجد جورجیر وجود دارد که در دوره شاه عباس اول بنا شده وبمناسبت مجاورت با مسجد دیلمی (جورجیر) آن نیز در نزد مردم بمسجد (جوجه) یا (جوجی) معروف شده است و ضمن توصیف مسجد حکیم در فصل مربوط بآثار تاریخی دوره شاه عباس دوم بشرح آن خواهیم پرداخت .

۳ـ **صفه صاحب بن عباد** ـ در مسجد جمعه اصفهان آثاری ازدوره دیالمه مشاهده میشود وایوان جنوبی مسجد هنوز بنام صفه صاحب معروف است . معلوم میشود که صاحب اسماعیل بن عباد در بنائیکه سابقاً در محل این ایوان سلجوقی وجود داشته است بتدریس میپرداخته ولی درهرصورت با توجه بتحولات ساختمانی وتغییر وتبدیل هائی که بعمل آمده اکنون نمیتوان سبك ساختمان ایوان صاحب را بدرستی تمام تعیین نمود زیرا ازنظرشناسائی سبك های مختلف ساختمانی وآنچه از فحوای کتیبه های موجود برمیآید ایوان جنوبی و سایر ایوانهای واقع در شمال و شرق و غرب مسجد که بالنتیجه مسجد را بشکل (چهارایوانی) درآورده است از الحاقات اوائل

قرن ششم هجری یعنی دوره دوم عهد سلجوقی است و تزیینات کاشیکاری و الــواح
و کتیبه ها وسنگهای مرمر نیز در قرون نهم ودهم ویازدهم هجری افزوده شده **است**
و متعلق بدوره حکمرانی حسن بهادر خان معروف به (اوزون حسن) و پادشا**هان**
صفوی مانند شاه اسماعیل وشاه طهماسب اول و شاه عباس ثانی و شاه سلیمان و **شاه**
سلطانحسین است .

در یکی از ایوانهای سمت راست مدخل فعلی مسجد جمعه چهارستون گرد **که**
با تزیینات گچ بری آرایش یافته وجود دارد و باستانشناسان از نظر سبك ساختمان
وتزیینات آنها را نیزدیلمی میدانند .

اصفهان در اواخر دوره دیالمه

دوره حکمرانان کاکوی

دو سال بعد از فوت صاحب بن عباد فخرالدوله نیز وفات یافت و چون پسران
او بحد رشد نرسیده بودند زوجه اش **سیده خاتون** دختر اسپهبد رستم بن مرزبان
متصدی امورمملکت شد و او پسرچهارساله خود ابوطالب رستم را بالقب مجدالدوله
نامزد امارت ری و جانشینی شوهر کرد وهمدان و کرمانشاه را هم بپسر دیگر خود
ابوطاهر شمس الدوله سپرد .

سیده خاتون پس ازمرگ شوهر خود فخرالدوله حکومت اصفهان را بپسرخال
خود که ابوجعفر محمد بن دشمنزیارنام داشت و بلقب (علاءالدوله) ملقب گردید
واگذاشت . پدر این شخص دشمنزیار و خال سیده خاتون را بــدیلمی (کاکویه)
میگفتند وکاکویه در این زمان همان معنی خال عربی و دائی را در فارسی امروز
دارد و بهمین علت است که علاءالدوله بپسر کاکویه وفرزندان او بدیالمه کاکویه یا
کاکوی شهرت یافته اند .

مجدالدوله چون بحد رشد رسید بنافرمانی نسبت بمادرپرداخت وبرخلاف میل

او وزیری انتخاب نمود و باین مناسبت سیده خاتون او را رها نموده و نزد فرزند دیگر خود شمس الدوله رفت و بکمك او در سال ۳۹۷ بری بر گشت و مجد الدوله را دستگیر نموده شمس الدوله را بجای او بحکومت منصوب کرد . علاءِ الدوله هم هنگامیکه سیده خاتون از پیش مجد الدوله گریخت اصفهان را از ترس رها کرده بود ولی بمحض آنکه سیده خاتون بری بر گشت علاءِ الدوله نیز بار دیگر خود را باصفهان رسانید و مجدداً بحکومت این شهر برقرار گردید .

حکمرانان کاکوی شهر اصفهان را وسعت دادند . مافروخی در محاسن اصفهان چنین نوشته است که **علاءِ الدوله کاکویه** حصار شهررا که طول آن بیش ازپانزده هزار گام بود ساخته است. شهر دراینموقع ۱۲ دروازه بزرگ داشت که ازمفرغ مستور بود و بحدی وسعت داشته که بزرگترین پیلان با مردان جنگی که سوار آنها میشده اند وسلاح وپرچم با خود داشته اند براحتی از آن میگذشتند و ازجمله مفاخر وزینت داخلی شهر هزار کوشك و سرای بوده است وکاروانسرا های عالی و مساجد خوب داشته . هرروز دو هزار گوسفند وصد رأس گاو ذبح میشده و درمحله **کروآن** پنجاه مسجد بوده است . یکی ازمحلات امروز اصفهان بنام (پشت بارو) معروف است که بمحله بید آباد از محلات قدیمی و پرجمعیت اصفهان اتصال دارد و چنانکه از اسم آن معلوم میشود این قسمت حد خارج باروی علاءِ الدوله میباشد . محلات دیگری که در خارج از این بارو واقع میشده اند بترتیبی که مافروخی در محاسن اصفهان آورده است عبارت بودند از : کماآن - براآن - سنبلان - خرچان - فرسان - باغ عبدالعزیز - کرواآن - اشکهان - لنبان - ویدآباد .

راجع بباروی علاءِ الدوله **مافروخی** در رساله محاسن اصفهان حکایت کوچکی بشرح زیر آورده است :

« و همچنین وقتی علاءِ الدوله فرمان فرمود بنیاد باروی شهر و مالی که خرج عمارت و بنیاد باروی بدان احتیاج داشت قسمت کرد . مردم از آن قسمت کردن

بتنگ آمدند و نفیر بی‌طاقتی بر آمد در راهی **ابوالفوارس** اتفاقاً بعلاءالدوله رسید (ابوالفوارس بطوریکه **مافروخی** ذکر کرده است نام دیوانه ای بوده) گفت مگر باغی هوس داری ساختن ؟ گفت چون ؟ گفت از برای آنکه شهر را خراب کردی ودیواری گرد آن بنیاد می نهی. » (۱)

مافروخی از بازار ها و چهارسوهای فعال و امتعه ای که در دکانهای اصفهان در آن زمان داد و ستد میشده بشرح زیر نام میبرد :

« و از غلبه مردم وتردد ایشان هرچهارسوئی عرصه عرصات ولجه عمان ازاقمشه و امتعه و سلعتهاء نادر و فاخر گرانمایه بر در هردکان طرائف بغداد وخزهای کوفه و دیبای روم وشرب مصر (۲) وجواهر طبرستان وپشمینه ها و گلیم های آذربایجان و گیلان وفرشهای ارمن از زیلو وقالی وهرچه بدان ماند از ظروف و اوانی و فرش و اثاث و امتعه و عقاقیر و اخلاط و توابل که هر چیز آن ازعالمی بعالمی میبرند و از افقی بافقی میکشند . »

در خصوص ثروتمندی وفراخ دستی و حال و کار اهل اصفهان در ترجمه رساله محاسن اصفهان چنین آمده است :

« از اخبار امناء و ثقات ومعتمدان و اتساق روایات وحکایات مصدق آنکه گفت عیدی از جمله عید ها بمحله ای از محله ها که واقع بود بر شارع مصلی برمنظری نشسته بودم وآهوی چشم را بچراگاه تفرج رها کرده ازساکنان **بیدآباد** که اکنون بعضی از آن بنیاد باروی شهر است و بعضی گورستان و باقی خرابتر از گورستان میشمردم دوهزار مرد ابریشم پوش برمن بگذشت تمامت معمم بقصب وملبس بجامه

---

(۱) ترجمه رساله محاسن اصفهان، چاپ تهران صفحه ۱۱۳

(۲) شرب بفتح شین نام پارچه‌ای بوده است ازکتان بسیار نازك وقیمتی که مصر بساختن و صدور آن شهرت داشته (از حواشی اقبال بر ترجمه محاسن اصفهان)

ها ی توزی و بمی و صوفهای مصری و عتابی (۱) و سقلاط . » (۲)

شیخ الرئیس ابوعلی سینا فیلسوف شهیر ایرانی چنـدی وزارت علاءالدوله را بعهده داشته است و در ضمن اشتغال بشغل وزارت تدریس هم میکرده . قبه مـدرس ابن سینا در باب الدشت (دردشت امروز) هنوز باقی است و عامه مردم آن حدود آنرا بنام (علی سینا) میخوانند .



گنبد مدرس **ابن سینا** در محله باب الدشت

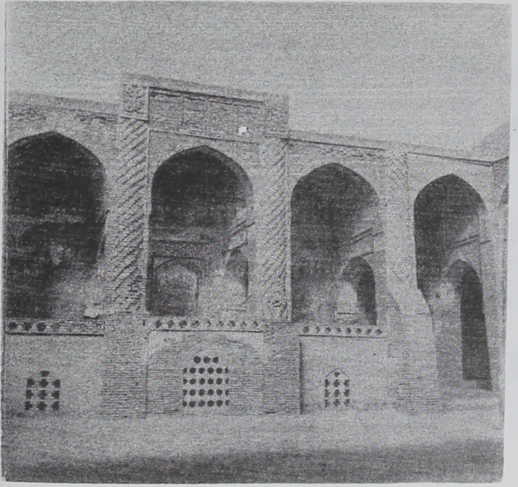
درمجاورت قبه ابن سینا درمحله دردشت مسجد کوچکی وجود دارد که برفراز سردر آن بقایای یك مناره ازدوره سلاجقه باقی مانده و منار (گلدسته) نام دارد .

(۱) نوعی از پارچه حریر که در عتبه بغداد میبافته اند و بعداً بافت آن در اصفهان هم رواج گرفته است وکلمه انگلیسی آن (ATTABI) هم ازلغت عربی عتبه گرفته شده است.

(۲) ترجمه محاسن اصفهان صفحه (۷۵)

مسجد جمعه نائین از آثار دوره دیالمه

مسجد جمعه نائین در ردیف مساجد قدیمی ایران است و سبك ساختمان آن از نظر معماران و باستانشناسان بسیار جالب است . باشروع قرن ششم هجری بطوریکه در مساجد سلجوقی اصفهان بیان خواهد شد مسجد نمونه ایرانی بصورت (مسجد چهار ایوانی) جانشین مساجد قبلی شده است ولی بطوریکه در مسجد جمعه نائین مشاهده میشود دخالتهای دوره سلجوقی در این مسجد کمتر بوده و بالنتیجه مسجد



تزیینات آجری بر نما های ضلع شمالی صحن مسجد جمعه نائین

نائین بیشتر از سایر مساجد ایران سبك مساجد اولیه ای را که در ایـران بنا شده حفظ کرده است .

سر در اصلی این مسجد در گوشه شمال شرقی صحن آن واقع است و درجنوب

شرقی نیز درساده دیگری دارد . صحن آن که وسعت زیادی ندارد چهارضلعی است و در سه جانب شرقی وجنوبی وغربی چهلستون هائی دارد که مداخل بلند وباز آنها مشرف بصحن است . نمای داخلی چهلستون ها کارهای آجری ساده است که ضمن تعمیرات بعدی بیشتر قسمت های آنها با گچ ساده پوشیده شده اما نماهای اطراف صحن از آجرهای ساده برجسته تزئین شده و بکارهای آجری سر در مسجد دیلمی (جورجیر) دراصفهان شباهت زیاد دارد .

ساختمانهای ضلع شمالی از کف صحن اندکی مرتفعتر است و از ایوانهای کوچکی تشکیل شده که داخل آنها گچ ساده ونمای خارجی آنها کارهای آجری برجسته است . مناره آجری مسجد که در زاویه جنوب شرقی صحن آن واقع شده ودرحدود ۲۸ متر ارتفاع دارد از نظر ساختمانی وضع مخصوص دارد و بطورکلی با ساختمان مناره های سلجوقی اصفهان تفاوت‌کلی دارد .

در زیر صحن مسجد شبستان وسیعی است که دارای ستونهائی از رس طبیعی میباشد و بوسیله قطعات سنگی مرمری ازبالا روشنائی میگیرد . این شبستان بمنزله سرداب وسیعی‌است که ایام تابستان ازآن استفاده میشود و دارای دو مدخل است که بوسیله پله‌هائی از صحن مسجد بداخل آن وارد میشوند .

چهلستون جنوبی وسیعتر از چهلستونهای دیگر مسجد است و در وسط ضلع جنوبی این چهلستون محراب عالی گچ بری شده مسجد و منبرنفیس آن قراردارد. اصولا محوطه محراب و منبر بهترین قسمت تزیین شده مسجد است و تزیینات این قسمت همه گچ بری های نفیس بصورت گل و بوته و خطوط ساده کوفی است .

تزیینات مزبور تمامی محراب مسجد و هلال طاقنما های اطراف آن و پشت بغلهای هلالها و ستونهای گرد طرفین آنرا فراگرفته است و از نظر گچ بری از کار های بسیار ممتاز و برجسته مساجد ایرانی است .



نمونه خطوط کوفی وتزیینات گچ بری درقسمت فوقانی محراب مسجد جمعه نائین

پروفسور پوپ (مستشرق معروف امریکائی) ساختمان مسجد نائین را سال ۳۵۰ هجری (۹۶۱ میلادی) تعیین کرده وآقای گدار (رئیس اسبق باستانشناسی ایران) این بنا را از دوره دیالمه کاکویه میداند . (۱)

خطوط کوفی گچ بری شده دربالای محراب شامل آیه (۱۸) ازسوره توبه میباشد و خطوط کوفی گچ بری اطراف هلال طاقنمای جلوی محراب شامل آیه چهلم از سوره (نمل) و آیه آخر سوره (توبه) است .

منبر مسجد جمعه نائین

منبرمسجد نائین برنگ قهوه ای باز وتمام منبت کاری از بهترین منبرهائی است

(۱) برای کسب اطلاعات بیشترراجع بمسجد جمعه نائین ونوع معماری وتزیینات گچ بری آن مراجعه شود بجلد دوم کتاب بررسی هنرهای ایران (A SURVEY OF PERSIAN ART) تألیف پروفسور پوپ بزبان انگلیسی (صفحه ۹۳۴ تا ۹۳۸)

که در مساجد اصفهان و حومه آن وجود دارد و تاریخ ساختمان آن که سال (۷۱۱ هجری) است بر یکی از جوانب آن کنده‌کاری شده . این منبر از لحاظ شکل هم طبق طرح مخصوصی تهیه شده که درمساجد دیگر نظیر آن دیده نمیشود . منبرمزبور مدخلی از چوب مبت کاری دارد که در قسمت فوقانی پله اول منبر قرار گرفته و بخط ثلث برجسته برزمینه چوبی نوشته شده :

« ولله ملك السموات والارض و مافیهن وهو علی کل شیئی قدیر . »

بر جبهه چپ منبر بخط ثلث برجسته در دوسطر نوشته شده :

« وقف الصدر الاجل المنعم المحترم ملك التجار جمال الدین حسین ابن المرحوم عمر بن عفیف هذا المنبر علی مسجد الجامع فی مدینة النائین تقبل الله منه فی رجب سنة احدی عشر و سبع مائه »

و برجانب راست منبر بخط ثلث برجسته نوشته شده است :

« عمل الاستاد افتخار الصناع محمود شاه بن محمد النقاش الکرمانی خدایش بیامرزاد هر که فاتحه خواند بجهت ..... »

این منبر دارای هیجده پله است و در حدود پنج متر ارتفاع دارد.

بر روی دیوار وستونهای چهلستون جنوبی مسجد بطور پراکنده چندین سنگ لوح هم که مربوط بوفات بعضی اشخاص است نصب شده ومحض نمونه یکی از آنها را نقل میکنیم :

عبارت یك سنگ لوح کوچك که در قسمت پائین یکی از ستونهای چهلستون جنوبی نصب شده :

« وفات مرحوم میرشاه کمال ولد میرعرب تباتبا فی شهر جمادی الاول سنه ۱۱۰۸ »

اصفهان در عهد غزنویان

در سال ۴۲۰ هجری مجدالدوله دیلمی که از شر لشگریان خویش ایمن نبود بسلطان محمود غزنوی متوسل شد و محمود که منتظرچنین فرصتی بود علی حاجب

را بری فرستاد و دستور داد که مجد الدوله را دستگیر نماید سپس خود او نیـز در ربیع الاخر سال ۴۲۰ بری رسید و قریب یك میلیون دینار وجه نقد و پانصد هزار دینار جواهرات مجدالدوله را بتصرف خود گرفت و اکثر کتب مجدالدوله را باین عنوان که کتب حکمت و نجوم ازنوشته های ضلال است سوخت وباین ترتیب دولت دیالمه ری را منقرض کرد . حکومت اصفهان در این تاریخ باعلاءالدوله ابوجعفر محمد بن دشمنزیار کاکویه بود و او چون دید که محمود بری و قزوین دست یافته وبممالك او نیز بی‌نظر نیست پیشدستی نمود ودراصفهان بنام سلطان محمود غزنوی خطبه خواند . محمود هم متعرض او نشد وعلاءالدوله همچنان در حکومت ولایات خود باقی ماند .

پس از مراجعت محمود پسرش مسعود باصفهان حمله برد و آنجا را از دست علاءالدوله بیرون آورد و از جانب خود کسی را بحکومت اصفهان گماشت و بری بر گشت ، اما مردم اصفهان بر گماشته مسعود شوریدند و او را کشتند و مسعود بار دیگر از ری باصفهان آمد و بکشتار مردم آن شهر دست زد و قریب پنجهزار نفر از ایشان بکشت و مجدداً شهر را تحت امر خود درآورد و علاءالدوله فراری و متواری گردید . در این حمله شهر اصفهان غارت شده وبسیاری از عمارات آن نیز خراب گردیده است .

فصل دوم

اصفهان در دوره پادشاهان سلجوقی

درسال ۴۳۸ **طغرل** مؤسس دولت سلجوقی بعزم تسخیراصفهان شهر را درمحاصره گرفت اما قادر بگشودن آنجا نشد و ابو منصور فرامرز کاکویه نبیره علاءِالدوله در مقابل سلطان سلجوقی سخت پایداری کرد عاقبت طغرل بهمان راضی شد که ابومنصور هرسال مالی بدیوان سلاجقه بفرستد و بنام طغرل خطبه بخواند و از سر فتح اصفهان درگذشت . طغرل بار دیگر در محرم سال ۴۴۲ اصفهان را درمحاصره گرفت و یکسال تمام شهر را محصور نمود و مردم را در زحمت شدید انداخت عاقبت درمحرم سال۴۴۳ بتسخیراصفهان نایل آمده دولت دیالمه کاکویه را ازاین شهر برانداخت و ابومنصور فرامرز را از جانب خود بحکومت یزد و ابرقو فرستاد .

ناصرخسرو (۱) جهانگرد معروف ایران در قرن پنجم هجری که مقارن این ایام اصفهان را دیده است چنین مینویسد :

« و براه کوهستان روی باصفهان نهادیم . در راه بکوهی رسیدیم . دره‌ای تنگ بود . عام گفتندی این کوه را بهرام گور بشمشیر بریده است و آنرا **شمشیر برید** میگفتند و آنجا آبی عظیم دیدیم که از دست راست آن از سوراخ بیرون میآمد واز جائی بلند فرومیدوید وعوام میگفتند این آب بتابستان مدام میآید وچون زمستان شود باز ایستد و یخ بندد و به **لوردغان** (لوردگان) رسیدیم که از **ارجان** تا آنجا چهل فرسنگ بود واین (لوردگان) سرحد پارس است و ازآنجا به (خان لنجان)

---

(۱) برای اطلاع از شرح حال حکیم ناصرخسرو قبادیانی (۳۹۴ - ۴۸۱ هجری) مراجعه شود بمقدمه سفرنامه ناصرخسرو چاپ برلین .

رسیدیم و **بردروازه شهرنام سلطان طغرل‌بیك نوشته دیدم** و از آنجا بشهر اصفهان هفت فرسنگ بود . مردم **خان لنجان** عظیم ایمن و آسوده بـودند . هریك بكار و كدخدائی خود مشغول .

از آنجا برفتیم هشتم صفر سنه اربع و اربعین و اربعمائه بود كه بشهر اصفهان رسیدیم . ازبصره تا اصفهان صد وهشتاد فرسنگ باشد . شهری است برهامون نهاده آب و هوائی خوش دارد وهرجا كه ده گز چاه فروبرند آبی سرد خوش بیرون آید و شهر دیواری حصین بلند دارد و دروازه ها و جنگ گاهها ساخته و برهمه بارو و كنگره ساخته و در شهر جویهای آب روان و بنا های نیكو و مرتفع و درمیان شهر مسجدآدینهٔ بزرگ نیكو وباروی شهر را گفتند سه فرسنگ ونیم است واندرون شهر همه آبادان كه هیچ از وی خراب ندیدم و بازار های بسیار و بازاری دیدم از آن صرافان كه اندر او دویست مرد صراف بود و هر بازاری را دربندی و دروازه ای ـ و همه محلتها وكوچه ها را همچنین دربند ها و دروازه های محكم وكاروانسراهای پـاكیزه بود وكوچه ای بود كه آنرا (كوطراز) میگفتند و در آن كوچه پنجـاه كاروانسرای نیكو و در هریك بیاعان و حجره داران بسیار نشسته واین كاروان كه ما با ایشان همراه بودیم یكهزاروسیصد خروار بار داشتند كه درآن شهر رفتیم هیچ بازدید نیامد كه چگونه فروآمدند كه هیچ جا تنگی موضع نبود و نه تعذر مقام و علوفه وچون **سلطان طغرلبیك ابوطالب محمد بن میكائیل بن سلجوق** رحمة الله علیه آن شهر گرفته بود مردی جوان آنجا گماشته‌بود نیشابوری. دبیری نیك باخط نیكو مردی آهسته و نیكو لقا و او را **خواجه عمید** میگفتند . فضل دوست بود و خوش سخن وكریم . سلطان فرموده بود كه سه سال ازمردم هیچ چیز نخواهند و اوبرآن میرفت و پراكندگان همه روی بوطن نهاده بودند و این مرد از دبیران شوری بوده بود وپیش ازرسیدن ما قحطی‌عظیم افتاده بود اما چون ماآنجا رسیدیم جومیدرویدند ویك من ونیم نان گندم بیك درم عدل وسه من نان جوین هم و مردم آنجا میگفتند

هر گز بدین شهر هشت من نان کمتر بیك درم کس ندیده است **و من در همه زمین پارسی گویان شهری نیکوتر و جامعتر و آبادان تر از اصفهان ندیدم** و گفتند اگر گندم و جو ودیگر حبوب بیست سال نهند تباه نشود وبعضی گفتند پیش ازاینکه بارونبود هوای شهر خوشتر از این بود وچون بارو ساختند متغیر شد چنانکه بعضی چیز ها بزیان میآید اما روستا همچنانست که بود وبسبب آنکه کاروان دیرتر براه میافتاد بیست روز در اصفهان بماندیم . » (۱)

توجه طغرل بعمران و آبادی اصفهان

طغرل با آنکه مردم اصفهان با او صفائی نداشتند و بارها آثار خلاف و طغیان از آنها مشاهده کرده بود بقدری باصفهان علاقه داشت که مدت ۱۲ سال این شهررا اقامتگاه اصلی خویش قرار داده و در مواقع دیگر نیز غالباً یکی دو ماه متوالی دراصفهان اقامت میکرد. طغرل پانصدهزار دینارخرج عمارات ومستحدثات حوالی و حدود شهر از ابنیه عالیه و امکنه رفیعه و بقاع خیر مانند دیه ها و خانه ها و کوشك ها و مساجد و خانقاهها نموده است . (۲)

طغرل مؤسس دولت سلجوقی ازشوال۴۲۹ تا رمضان ۴۵۵ قریب ۲۶ سال سلطنت کرده و در سن ۷۰ سالگی در ری وفات نموده است . وزیر مشهور او عمیدالملك کندری از اهالی (کندر) نیشابور بوده است . عمیدالملك رقیب خواجه نظام الملك طوسی و از منشیان بزرگ زبان فارسی وعربی بوده است وبیشتر رونق دولت طغرل مدیون کفایت وکاردانی آن مرد نامی بوده است . عمیدالملك در اولین سال سلطنت الب ارسلان جانشین طغرل بتحریك خواجه نظام الملك کشته شده است .

شهر اصفهان در دوره سلطنت **الب ارسلان** و وزارت خواجه نظام الملك مورد

---

(۱) سفرنامه ناصرخسرو علوی چاپ تهران (صفحه ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹) .

(۲) ترجمه فارسی محاسن اصفهان صفحه (۹۶ و۹۷) .

توجه مخصوص پادشاه و وزیر او بود و الب ارسلان مواقعی که در اصفهان اقامت مینمود نسبت باهالی شهرمهربانی بسیار داشت وهر گاه اهالی شکایتی ازعمال دولت و اشخاص توانگر پیش او میبردند بسخت ترین وجه آنها را تعقیب وتنبیه مینمود . وچون بموقعیت شهر ودیانت مردم آن اتکاء تمام داشت شهراصفهان را برای اقامت ولیعهد خود انتخاب نمود.

اصفهان در دوره ملکشاه

ملکشاه بهرجهت بزرگترین سلاطین سلجوقی است و دولت سلجوقیان در عهد او بمنتهای وسعت و عظمت خود رسیده است . چه از حد چین تا مدیترانه و از شمال دریاچه خوارزم و دشت قبچاق تا ماوراء یمن بنام او خطبه میخواندند و امپراطور روم شرقی و امرای عیسوی گرجستان و ابخاز باو خراج وجزیه میدادند واصفهان در عهد او و خواجه نظام الملك از مهمترین بلاد دنیا و یکی ازآباد ترین آنها بوده و این پادشاه و وزیر وعمال و اعیان دیگر سلجوقی درآن شهر ابنیه بزرگی ساخته بودند که هنوز آثار یکعده از آنها برجاست .

از کار های مشهور ملکشاه اقدام باصلاح تقویم و بستن زیجی است در اصفهان بسال ٤٦٧ که درآن حکیم وشاعرعالیقدر ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری نیز شرکت داشته و این تقویم همان است که بتقویم جلالی شهرت یافته است .

ملکشاه که دوران ولیعهدی خود را نیز در اصفهان گذرانده بود بعد ازقتل پدر خود الب ارسلان رسماً اصفهان را بپایتختی خویش انتخاب نمود و عمارتهای بسیار ازکوشکها وباغها بدستور اوبوجود آمد مانند : **باغ کاران** و **باغ فلاسان** و**باغ احمد سیاه** و **باغ بکر** و **قلعه شهر** و **دزکوه** که خزانه خود را در این محل آخری جای داد - باغهای چهارگانه مزبور هر یك هزارجریب مساحت داشته و بانواع گلها و ریاحین آراسته بوده .

مهمترین این باغها (**باغ کاران**) بوده است که دو قصر داشته یکی مشرف بر زاینده رود ودیگری محاذی شهر بوده است و بین آنها قلعه ها وعمارات قرارداشته .

درمحاسن اصفهان وصف آن چنین آمده است :

« و از آن دو قصر یکی مشرف بر کنار زنده رود روان و دیگر محاذی شهر مبنی برشارع میدان . چمنش نزهتگاه چشم قدسیان وسمنش روح افزای دل انسیان . سماك بر میدان گویش و سمك روان در جویش .... » (۱)

میگویند محله خواجوی امروز قسمتی از باغ کاران دوره ملکشاه است .

باغ کاران تا قرن هشتم هجری نیز شهرت دوره سلجوقی خود را ازدست نداده بوده است . زیرا درسال ۷۲۴ بوسیله استاد سعد الدین سعید هروی که ازفضلاء بوده دروصف اصفهان قصیده‌ای بامطلع (نسخه فردوس اعلی اصفهانست اصفهان) سروده شده است (۲) و طی قصیده مزبور از باغ کاران چنین یاد شده است :

هر که را بینی همه لطف است و احسان و کرم

هر کجا باشی همه آب است و باغ و بوستان

آب حیوان است گوئی پیش بستان ارم

زنده رود او که دارد **باغ کاران** بر کران

خواجه حافظ شیرازی نیز در یکی از غزلیات خود از باغ کاران اصفهان چنین یاد کرده است :

گرچه صد رود است در چشمم مدام　　**زنده رود** و **باغ کاران** یاد باد

حسین بن محمد بن ابی الرضاء آوی مترجم محاسن اصفهان نیز در وصف **باغ کاران** چنین سروده است :

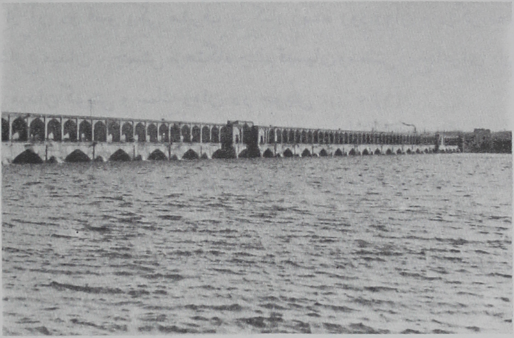
مرا هوای تماشای **باغ کاران** است　　که‌پیش اهل‌خردخوشترین کارآنست

---

(۱) رجوع شود بکتاب **ترجمه محاسن اصفهان** چاپ تهران صفحه ۲۶ تا ۳۴

(۲) رجوع شود بصفحات ۲۹ و ۳۰ (ترجمه محاسن اصفهان) چاپ تهران

برای جرعه آب حیاتش اسکندر — چه سالهاست که سر گشته وپریشانست
بزیر سایه طوبی وش صنوبر او — میان‌صحن چمن خوابگاه رضوانست
نهاد قصر فلك پیکرش میانه آن — نشستگاه مه و آفتاب رخشانست



منظره طغیان، **زاینده رود** اصفهان روز هفدهم آذر ماه سال ۱۳۳۳ خورشیدی

ملکشاه که قلمروسلطنتش از انطاکیه شام تاکنار سیحون بود هرموقع فراغتی حاصل میکرد درباغ نقش‌جهان (محل فعلی‌میدان شاه) که خود احداث کرده بود با وزیر دانشمندش خواجه نظام‌الملك بسر میبرد و در همین تاریخ است که ثروت شهر های ممالك سلجوقی بسوی اصفهان سرازیر میشد . گفته اند روزی ملکشاه خواست از میزان ثروت مردم پایتخت آگاه شود و بپیشنهاد نظام‌الملك قرارشد ثروتمندان اصفهان مبلغ گزافی برای رفع حوائج سلطنت بپردازند. پیرزنی بدربار نامه نوشت وپرداخت آن وجه را تقبل کرد ونیز گفته اند که دردوره ملکشاه ثروت مردم پایتخت تا آنجا رسیده بود که همه روزه صبحگاهان در خانه های خود را با آفتابه طلاآب میپاشیدند .

یادگارهای دوره ملکشاه در اصفهان

گنبد نظام الملك ـ خواجه نظام الملك نزدیك سی سال وزارت الب ارسلان و پسرش ملکشاه را عهده دار بوده و بسمت خواجه بزرگ و سید الوزراء رتق و فتق جمیع امور مملکت بدست توانای او انجام میگرفته است و او علاوه بر کاردانی و حسن اداره مردی دیندار و نیکو سیرت بوده و از خود آثار خیر بسیار بجای گذاشته است . خواجه در غالب شهرهای اسلامی بایجاد مساجد و مدارس اقدام نمود و از آنجمله در طوس و هرات و نیشابور و بغداد مدارسی بنام نظامیه ساخت که مشهور ترین آنها نظامیه بغداد است و در اصفهان نیز ابنیه متعددی بنا نمود که در میان آنها امروز گنبد جنوبی مسجد جمعه اصفهان بنام **گنبد نظام الملك** دوران شکوه و جلال زندگی او را بیاد میآورد .

گنبد خواجه نظام الملك در ضلع جنوبی مسجد جمعه اصفهان از بهترین نمونه های سبك معماری ایران در عهد سلجوقیان است . مصالحی که در این بنا بکار رفته آجر و گچ است و پایه های آن در دوره صفویه با ازاره های مرمری پوشیده شده این بنا تزییناتی ساده و در عین حال زیبا و جالب توجه از آجر دارد و حتی خط کوفی دور گنبد آن نیز نمونه تزیینات آجری این دوره است .

گنبد تاج الملك ـ ابوالغنائم تاج الملك خسرو فیروز شیرازی که مردی بامنظر و مخبر و باکفایت و با فضل بود و وزارت ترکان خاتون (۱) و سمت کد خدای

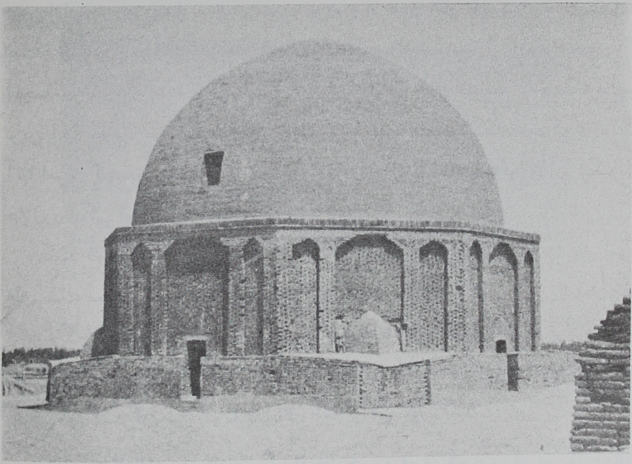
---

(۱) **ترکان** بفتح تاء و در کاشغری همه جا این کلمه را **ترکن** (بفتح تاء و سکون راء و فتح کاف) نوشته اند (یادداشتهای قزوینی جلد دوم صفحه ۶۲)

ترکان خاتون زوجه مقتدر ملکشاه بود و دررمضان سال ۴۸۷ باصفهان درگذشته است (تاریخ گزیده صفحه ۴۴۱)

اصل تلفظ این کلمه که در ترکی بمعنی خانم و ملکه است **ترکن** بکسر تاء وکاف است (ذیل صفحه ۳۳۲) تاریخ عمومی و ایران چاپ تهران درسال ۱۳۱۸ تألیف عباس اقبال

جامه خانه و ریاست دیوان طغری و انشای سلطانی را بعهده داشته است یکی از رقیبان خواجه نظام الملك بشمار میرفته . رقابت این دو مرد سیاسی تا آنجا کشیده است که چون خواجه نظام الملك ابتدا گنبد جنوبی مسجد جمعه را بنانهاد تاج الملك نیز گنبد شمالی را اندکی کوچکتر ولی ظریفتر وزیباتر از آن بنا نمود . گنبد شمالی



نمای خارجی **گنبد تاج الملك** در مسجد جمعه اصفهان از دوره ملکشاه سلجوقی

مسجد جمعه اصفهان که به (گنبد خاکی) معروف است از آثار تاج الملك میباشد که در سال ٤٨١ هجری بفحوای کتیبهٔ کوفی داخل گنبد بنا شده و سبك ساختمان وتزیینات آجری و گچی آن ازکارهای بسیار قابل ملاحظه معماری ایران در دوره سلجوقی است و مورد توجه تحسین آمیز معماران و باستانشناسان قرار میگیرد و

یکی از آثار گرانبهای شهر تاریخی اصفهان بشمار میرود . (۱)

گنبد های نظام الملك وتاج الملك بشیوه ساختمان آتشکده ها بنا شده است

« در بین مردم اصفهان و بیشتر کسانیکه بدیدن این دو گنبد تاریخی در مسجد جمعه اصفهان توفیق یافته اند چنین شهرت دارد که تاریخ ساختمان این ابنیه قبل‌از اسلام بوده واین دوبنا بآتشکده اختصاص داشته است. این اشتباه از آنجا ناشی شده است که ایرانیان پس از آنکه بآئین اسلام گرویدند وشروع بساختن مساجد کردند چون طرزساختمان معابد عربی خیلی ساده بوده و این امر با ذوق وسلیقه ایرانیان سازش نداشت ناچار مساجد اسلامی را بسبك بنا های دوره ساسانی برپا نموده و از همان روشی که در ساختن ستونها و بنای طاق در آتشکده ها وقصورسلطنتی ساسانی معمول بوده در بنای مساجد اسلامی پیروی کردند حتی برای تزیینات داخلی ابنیه مذکور نیز همان تزیینات دورهٔ ساسانی را تقلید نمودند و این موضوع از مقایسه میان ستونهای زیر گنبد نظام الملك و قسمتی از گچ بری سلجوقی آن که هنوزباقی است باستونهای ابنیه ساسانی و گچ بریهای مکشوفه درشاپور وکازرون بخوبی واضح و آشکار میشود . (۲) »

بنظرنگارنده بادرنظر گرفتن اینکه اعراب درغالب بلاد مفتوحه پرستشگاههای قدیم آنجا را تبدیل بمسجد جامع میکردند این موضوع قابل قبول باشد که مسجد جمعه اصفهان در محل قدیمی ترین و مهمترین آتشکده و پرستشگاه ایرانی شهر

---

(۱) خطوط وکتیبه های‌کوفی گنبد های نظام الملك و تاج الملك ضمن بحث از آثار تاریخی دوره سلاجقه در اصفهان در فصل مربوط به (مسجد جمعه اصفهان) در این کتاب بتفصیل بیان خواهد شد .

(۲) روزنامه سرنوشت (شماره پنجم - سال اول) بمدیریت مرحوم جواد مجد زاده صهبا

اصفهان بنا شده باشد وشباهت کامل معماری گنبد های نظام الملك وتاج الملك بمعابد ساسانی از یکطرف و متروك شدن خط کوفی و عجز مردم عادی از خوانـدن کتیبه های دوره سلجوقی ازطرف دیگر بتدریج موجب پیدایش وتقویت این فکرشده است که مردم گنبد های مزبور را آتشکده پندارند.

مدرسه خواجه نظام الملك ـ حسین بن محمد بن ابـی الرضـا علوی آوی که محاسن اصفهان مافروخی را درسال ۷۲۹ هجری بفارسی ترجمه نموده درذیل کتاب مزبور که خود بر آن افزوده است درباره مدرسه خواجه نظام‌الملك دراصفهان گوید که این مدرسه در محله (دردشت) و در نـزدیك جامع بزرگ بر محلت **دردشت** بر وصفی و اصلی هرچه خوبتر و هیئتی و شکلی هرچه مرغوبتر در غـایت رفعت از جهت صنعت و عمل و نهایت رتبت از طرف منزلت و محل و بر در آن مناری چون ستون قبه آسمان کشیده ودراز وبا عیوق وفرقدان همنشین و همراز . عجیب شکل. برسه پایه آن صعود و عروج نمایند تا بر کنگره و قفصه نـرسند خود را بیکدیگر ننمایند . خرج بی پایان و بی‌حد بر آن صرف و ضیاع بی‌شمار بی عدد بر آن وقف چنانکه هر سال مبلغ ده هزار دینار محصول و مستغلات وموقوفات بوده و اکنون آنرا بکلی مستأکله ربوده (۱) »

بطوریکه از عبارات فوق برمیآید مدرسه و منار مزبور تا نیمه اول قرن هشتم در اصفهان باقی بوده و فقط املاك و مستغلات موقوفه آنرا دیگران تصاحب کرده بوده اند و بهرحال ازآثاری است که در دوره ای که بر ما معلوم نیست خراب شده و امروز وجود ندارد .

---

(۱) ترجمه محاسن اصفهان (صفحه ۱۴۲)

سلطنت سلطان محمد سلجوقی و دوره فعالیت اسماعیلیه در اصفهان

پس از فوت ملکشاه ابتدا فرزند ارشد او بر کیارق تا سال ٤٩٨ هجری سلطنت نمود وسپس برادر او سلطان محمد بن ملکشاه از٤٩٨ تا ٥١١ سلطان قسمت مهمی از ممالك سلجوقی بوده واصفهان همچنان پایتخت او محسوب میشده است . دردوره سلطنت این پادشاه باطنیان اسماعیلی و دعـاة دعوت جدید که پس از کشته شـدن خواجه نظام الملك و مرگ ملکشاه از جنگهـای دائمی بین بـر کیارق و محمد و اوضاع بالنسبه مغشوش ممالك سلجوقی استفاده میکردند بر فعالیت خود افزود نـد و در نقاط مختلف مخصوصاً در قائنات و ری و ساوه و اصفهان بتبلیغات علنی وآزار مخالفین پرداختند . (١)

فعالیت اسماعیلیه در اصفهان که پایتخت دولت سلجوقی بود بحدی رسید که هر روز جماعتی ازمردم را بانواع حیل بمنازل برده محبوس و یا مقتول مینمودند و در این دوره بود که اسماعیلیه قلعه (خان لنجان) را که ازمؤید الملك پسر نظام الملك بود بحیله گرفتند واحمد بن عبدالملك عطاش را که درعهد پدر کرباس فروشی میکرد بر آنجا تولیت دادند .

مؤلف کتاب (راحة الصدور و آیة السرور در تـاریخ آل سلجوق) که در سـال ٥٩٩ هجری نوشته شده است عبدالملك عطاش را ادیبی معرفی میکند که در ابتدا خویشتن را بتشیع منسوب میکرد و سپس باسماعیلی بودن متهم شد و چون مـورد تعرض قرار گرفت بری گریخت وبحسن صباح پیوست و پس ازآن بخط او نامه ای یافتند که بیکی ازدوستانش چنین نوشته بود : « بباز اشهب رسیدم واورا برهمه جهان

---

(١) سلطان محمد بن ملکشاه با خلیفه عباسی (المستظهر بالله) معاصر بوده است .

بگزیدم و دل از آنچه بگذاشتم برداشتم . » خط او معروف بوده است و دراصفهان کتب بسیاری بخط او موجود بوده . پسر او احمد که در عهد پدر کرباس فروشی میکرده و چنین وانمود میکرده است که با عقیده پدر خویش مخالف است و از علم و ادب بهره‌ای داشته تا آنجا خود را دردستگاه سلطنت مورد اعتماد قرار داده است که درقلعه **شاهدز** یا دزکوه (قلعه بزی امروزدر کوههای ناحیه لنجان) که ملکشاه بنا نموده ومحل خزانه و انبارسلاح بوده ومستحفظین آن جماعتی ازسپاهیان دیلمی بوده اند بسمت معلم خود را داخل نموده وپنهانی بدعوت سپاهیان پرداخته وآنگاه که همه قبول دعوت کرده اند بسمت حکمران قلعه منصوب شده است . (۱)

داستان علوی مدنی ـ مؤلف کتاب راحة الصدور در شرح حال سلطان محمد بن ملکشاه دنباله مطلب را چنین ادامه میدهد : « بعد از آن بر در شهر بنزدیکی (دشت گور) دعوت خانه ساخت و هر شب از شهر جماعتی بیامدندی و دعوت پذیرفتندی و تقریر کردندی تا هر قومی در محله خویش جمعی را بر این بدعت راست نهادندی و پس بدعوتخانه آوردندی تا سی هزار مرد دعوت قبول کردند و مسلمانان را دزدیدندی و هلاك کردندی و درآن عهد نابینائی ظاهر شد او را علوی مدنی گفتندی. آخر روزدر کوچه خود ایستادی عصائیدر دست دعا کردی که خدایش بیامرزادکه دست این نابینا گیرد و در این کوچه بدرخانه رساند و آن کوچه دراز و تاریك بود وسرای کور در آخر و بدهلیز سرای چاهی بود . چون علوی را بدر سرای بردندی قومی آن شخص را درسرای کشیدندی ودرآن چاه سرنگون کردندی وازآن چاه منفذ ها باسردابها بود . مدت چهارپنج ماه براین بگذشت وخلقی بسیار از جوانان شهر مفقود شدند . کس بیرون نمیبرد و از مرده و زنده خبری نمییافتند روزی زنی گدای ازاین سرای چیزی میخواست ناله‌ای شنید گفت خدا بیمارتان را

---

(۱) **راحة الصدور** (چاپ تهران صفحه ۱۵٦)

شفا دهاد . مردم آن خانه اندیشیدند که اُو بر آن حال وقوف یابد خواستند که اورا
ببهانه نان دادن در سرای کشند زن بترسید و بگریخت و بدر کوچه قومی را گفت
از فلان سرای ناله منکر شنیدم و قومی قصد من کردند . آن کاری بزرگ بود و
واقعه ای عظیم و مردم خود در جستجوی غایبان بودند . فغانی برخاست و جهانی
مردم بدر خانه جمع شدند و ناگاه درسرای رفتند وبیغوله ها و زوایای خانه جستن
کردند و راه سردابه بیافتند . بیشتر از چهارصد پانصد مرد را در آنجا دیدند بعضی
کشته وبعضی بچهارمیخ بدیوار باز دوخته و دوسه تن را هنوز رمقی مانده بود . آوازه
در شهر افتاد و خلایق روی نهادند و هر کس دوستی و خویشی باز میبافتند و نفیری
وغریوی دراصفهان افتاد که مثل آن کس نشان نداد وعلوی مدنی وزنش را بگرفتند
و یاران او را بجستند و او را و زنش را در بازار لشگر بسوختند . » (۱)

عاقبت کار احمد عطاش ـ احمد بن‌عبدالملك عطاش مدت هفت سال در **شاهدژ**
(دز کوه) باعده وسلاحی که گرد آورده بود در برابر سپاهیان سلطان محمد مقاومت کرد
تا آنکه سلطان پس‌ازاطلاع ازتبانی وزیرخود **سعد الملك آبی** با احمد عطاش وپیروان
او بقلع و قمع آنها کمر بست . صاحب کتاب مجمل التواریخ والقصص در این باره
چنین نوشته است :

« ودر این سال حصار **دزکوه** بود باصفهان که باطنیان ازمدتها باز گرفته بودند
تا بعد از این حادثه اول سنه احدی و خمسمائه بستدند و جمله ملحدان را بکشتند
و مهتر ایشان **عطاش** را بکشتند و بیاویختند و بعد از آن سلطان سعد الملك را با
چند تن دیگر ازخواجگان معروف سیاست فرمود وبدر اصفهان بر کنار **زرینه رود**
همه را بیاویخت وسلطان همت برقمع باطنیان گماشت وهمه بزرگان دولت باحتیاط
می بودند از کاردزدن ایشان . » (۲)

---

(۱) راحة الصدور صفحه ۱۵۷ و ۱۵۸

(۲) مجمل التواریخ والقصص تألیف سال ۵۲۰ هجری چاپ تهران صفحه ۴۱۰ و۴۱۱

مؤلف کتاب (راحة الصدور) درباره عاقبت کار احمد عطاش چنین نوشته است :

« بعد از آن بدو روز قلعه بسپردند واحمد عطاش را بزیر آوردند و دست بسته بر اشتری نشاندند و دراصفهان بردند وبخزی ونکال رسید و جزای آن وزر ووبال بدید و افزون از صد هزار مرد و زن و کودك بیرون آمده بودند با انواع نثار از خاشاك و سرگین و پشگل و خاکستر ومخنثان حراره کنان در پیش با طبل و دهل و دف میگفتند حراره : عطاش عالی جان من ـ عطاش عالی ـ میان سرهلالی ـ ترا بدز چکارو .

و او را بدین عظمت و جلالت و حرمت در شهر بردند . هفت روز آویخته بود و تیر بارانش میکردند و بعاقبت بسوختندش . شخصی در آن حالت از وی پرسیده بود که تو علم نجوم دعوی کنی در طالع خویش این روز نیافتی ؟ جواب داد که در احکام طالع خویش دیده بودم که بعظمتی و جلالتی در اصفهان روم که هیچ پادشاه مثل آن ندیده بود اما بدین صفت ندانستم . » (۱)

فتح حصار دزکوه (شاهدژ) و قتل احمد بن عبدالملك عطاش بسال ۵۰۱ هجری اتفاق افتاده است . (۲)

---

(۱) کتاب راحة الصدور وآیة السرور درتاریخ آل سلجوق (چاپ تهران دیماه ۱۳۳۳. صفحه ۱۶۱)

(۲) مجمل التواریخ والقصص صفحه (۴۱۰)

فصل سوم

مسجد جمعه اصفهان

مهمترین بنای تاریخی ایران از دوره سلاجقه
با اضافات و الحاقات سلسله های بعد از سلاجقه تا عصر حاضر

بدون شك یکی ازجالب ترین مسائلی که درتاریخ معماری اسلامی شایان مطالعه و دقت میباشد موضوع احداث مساجد نمونه ایرانی است . مساجدی که در ایران ساخته شده بدو دسته منقسم میشوند و این دو دسته از حیث اهمیت یکسان نیستند . یکدسته شامل عده قلیل ابنیه ایست که نقشه آنها همان نقشه سبك ابتدائی عرب با مشتقات آنست و دسته دیگر مساجد ایرانی خالص است . تاریخ مساجد دسته اول روشن اما اندکی کوتاه است . میتوان تصور نمود لشگریان تازی که ایران را فتح و اشغال نمودند بنا های مذهبی بطریقه و سبك خویش در آن بنا نمودند که چیزی از آنها باقی نمانده و بطوریکه از نوشته های مورخین دوره خلافت بنی العباس استنباط میشود در عهد خلفای اولیه این دودمان مساجد بزرگی در شهر های عمده کشور بنا شده است و یکی از آنها بدون شك (تاریخانه دامغان) میباشد . مسجد جمعه نائین هم یکی از آنها است . قسمت هائی ازمسجد اردستان نیز درهمین ردیف میباشد . در این بناها طرز ساختمان کاملا ایرانی است وطرح نقشه که تنها ارمغان اعراب بوده در نائین باندازه ای بی‌تناسب و سر ودست شکسته بنظر میرسد که معلوم میشود این ارمغان بیگانه در ایران رونقی نگرفته است .

ایران که آئین اسلام را پذیرفت بطور الزام روش اعراب را در احداث مساجد پیروی نمود ولی در نحوه بنای مساجد از سنن مخصوص خویش وذوق صنعتی وسبك های ساختمانی خود پیروی نمود بنا براین دیری نگذشت که نقشهٔ مسجد عربی در

معماریهای متداوله ایران بکلی منسوخ گردید ومساجد چهارایوانی که نمونه معماری ایرانی است از قرن پنجم هجری ببعد جایگزین مساجد اولیه گردید .

درسال ۵۳۰ هجری مسجد چهارایوانی **زواره** بدون داشتن سابقه دیگری احداث گردید و در حدود همان زمان نیز تغییر شکل یافتن بنا های قدیمی نمونه ایران شروع شد باین ترتیب که در قسمت مقابل کوشك که پیوسته چون مقصوره اصلی نگاهداری میشد چهار ایوان دراطراف صحنی میساختند و درفواصل بین این صحن و دیوارمحوطه خارجی مسجد شبستانهای مختلفی وجود داشت که سقف آنها باقتضاء مورد وسلیقه معماران وابعاد ساختمان بوسیله دیوار وستون وجرزنگاهداری میشد.

ازسال ۵۵۳ هجری مسجد کوشك مانند **اردستان** نیز بمسجد چهار ایوانی مبدل گردید و محتمل است که مسجد جمعه اصفهان نیز در همان حدود تغییر شکل یافته باشد .

مسجد جمعه فعلی اصفهان که ماده مهم ساختمانی آن آجر است محل مسجد دوره عباسی را که طبق نوشته های **مافروخی و مقدسی** کاملا ازخشت خام ساخته شده بوده اشغال نموده و نظام الملك وزیر معروف ملکشاه سلجوقی مسجد جمعه دوره این پادشاه را برروی زمین بکر وفضائی خالی ازهرگونه بقایای ساختمانهای پیشین احداث کرده است. پی بردن باین‌موضوع که مقارن این اقدام ساختمان مسجد اولیه چگونه بوده امرفوق العاده سهلی است باین معنی که بنای موجود مانند مساجد قدیم نوع ایرانی ازیك شبستان منفرد گنبدی‌شکل که اطرافش بازبوده تشکیل‌میشده‌است،

ابن حوقل ـ مقدسی ـ ناصرخسرو ـ مافروخی ـ ابن اثیر ویاقوت همگی خصوصاً چهار نفر اول شرح مسجد جمعه یهودیه را که مسجد جمعه فعلی جانشین آن گردیده است برأی‌العین میدهند ـ این نویسندگان شرح مسجد نمونه عربی را داده اند که فعلا وجود ندارد ومیگویند آنرا با خشت خام ساخته بودند درصورتیکه بنای فعلی مسجد جمعه تماماً از آجر است و با بنای پیشین ارتباطی ندارد الا اینکه در محل

آن ساخته شده است . » (۱)

مسجد جمعه اصفهان مجموعه ای از سبکهای مختلف معماری و تزییناتی چهارده قرن تاریخ اسلامی ایران است

تحولات خطوط مختلف کوفی ـ انواع خط ثلث ـ نستعلیق و خطوط فراوان بنائی را در الواح و کتیبه های این مسجد میتوان مطالعه نمود

مسجد جمعه اصفهان در حقیقت مجموعه ای از صنایع معماری وهنرهای زیبای ایران از ادوار بعد از اسلام تاریخ ایران است و یادگار های سلسله ها و پادشاهان وحکام ایرانی بعد از اسلام را در بر دارد بنا براین تحولات معماری اسلامی ایران را طی چهارده قرن اخیر بخوبی در آن میتوان مطالعه نمود . نگارنده ازوارد شدن در جنبه های فنی معماری مسجد که کار تخصصی معماران و باستان شناسان است و اشخاصی مانند « پروفسورپوپ » (۲) و آقای گدار (۳) و آقای مایرون بمنت سمیث (٤)

---

(۱) رجوع شود بکتاب آثار ایران بزبان فارسی از نشریات اداره باستانشناسی . (جلد اول . جزوه دوم . صفحه ۹۸ تا ۱۱۲)

(۲) پروفسورپوپ (ARTHUR UPHAM POPE) در سال ۱۹۳۸ میلادی مجموعه مفصلی در شش مجلد تحت عنوان **بررسی هنرهای ایران** (A SURVEY OF PERSIAN ART) انتشار داده است و در این مجموعه راجع بمسجد جمعه اصفهان بتفصیل بحث شده است .

(۳) بوسیله آقای گدار (Y. A. GODARD) تحت عنوان (آثارایران) مجموعه ای درچند جلد بزبان فرانسه بطبع رسیده که جلد اول آن منحصراً راجع بمسجد جمعه اصفهان و مساجد جمعه اردستان و زواره و مناره های تاریخی اصفهان است و جلد دوم آن راجع بسایر بناهای تاریخی اصفهان میباشد . (این دوجلد بوسیله آقای سید محمد تقی مصطفوی مدیر کل سابق باستانشناسی جزء مجموعه انتشارات اداره باستانشناسی بزبان فارسی ترجمه شده است) .

(٤) آقای مایرون بمنت سمیث (MYRON BEMENT SMITH) نیزراجع بمسجد جمعه اصفهان تحقیقات مفصلی نموده ومقاله‌ای ازایشان تحت عنوان (مناره های اصفهان) بزبان انگلیسی در قسمت آخر جلد دوم آثار ایران بچاپ رسیده است .

درباره آن تحقیقات مفصلی نموده اند خود داری مینماید و کسانی را که مایل باشند از لحاظ فنی و نکات ساختمانی سبك های مختلف ابنیه این مسجد را مطالعه نمایند بکتبی که توسط نامبردگان نوشته شده و منتشر گردیده است و ذیلا توضیح داده شده مراجعه میدهد و قبل از آنکه بشرح کتیبه های مفصل این مسجد بی نظیر اصفهان بپردازد برای آنکه خوانندگان این کتاب از تحولات تاریخی مسجد جمعه مجملا اطلاعی داشته باشند باتوضیح باینکه در اصلی ورودی مسجد درجنوب شرقی صحن آن واقع شده بشرح ساختمانهای مختلف آن میپردازد :

الف ـ ساختمانهای ضلع جنوبی مسجد

۱ـ در این ضلع مسجد که معمولا ساختمانهای اساسی و اصلی هر مسجد نمونه ایرانی را در بر دارد بطوریکه در مقدمه این فصل بیان شد در قرون اولیه اسلامی بناهائی بسبك مساجد ساده عربی وجود داشته است که باحتمال قریب بیقین ازخشت خام بوده ومورخینی مانند **ابن حوقل** و **مقدیسی** و **مافروخی** آنرا توصیف نموده اند (مسجد دوره عباسی)

۲ـ در محل ساختمانهای مسجد اولیه و یا در مجاورت آنها در دوره سلاجقه و در قرن پنجم هجری مسجدی با شکوهتر که در عین حال بتزیینات آجری و گچی نیز آراسته شده است بوجود آمده و از آنجمله بین سالهای ٤٦٥ تا ٤٨٥ هجری گنبد معروف **نظام الملك** دردوره سلطنت ملکشاه دراین ضلع ازمسجد بنا شده است.

۳ـ در جلوی این گنبد آجری بطرف صحن مسجد ایوان جنوبی واقع است که دراوایل قرن ششم هجری اساس ساختمان آن که سلجوقی است بنا گردیده و سقف آن که از مقرنسهای درشت ترکیب شده در آخر قرن نهم هجری بامر حسن بیك آق قویونلو از نو ساخته شده ومناره های طرفین این ایوان هم ظاهراً درزمان وی بنا شده است ـ درداخل یکی از مقرنسهای این ایوان کتیبه‌ای ازاصلاحات وتعمیرات دوره حسن بیك بهادرخان مورخ بسال ۸۸۰ هجری موجود است . ازاره های مرمری

وصفحه های مختلف ازکاشیکاری های معرق برجسته که قسمت های پائین این ایوان را تزیین کرده است وکاشیکاری پشت بغلهای طاقنما های فوقانی و تحتانی اطراف صحن ازدوره حکمرانی (اوزون حسن) است و بنظر بعضی ازباستانشناسان دخالت اوزون حسن آق قویونلو درتغییروضع سلجوقی مسجد جامع خیلی بیش ازپادشاهان صفویه بوده است .

کتیبه داخل دور هلال این ایوان وکتیبه نمای دورطاق آن که ازچهارده لوحه بزرگ و سیزده لوحه کوچك تر کیب شده اززمان شاه طهماسب است وکتیبه داخل ایوان که بنام این پادشاه است مورخ بسال ۹۳۸ هجری میباشد . کتیبه افقی فوقانی ایوان جنوبی ازدوره شاه عباس ثانی حاکی ازتعمیرات آن زمان ومورخ بسال ۱۰۷۰ هجری است .

۴- طرفین گنبد وایوان مذکور دوچهلستون است که دردوره دوم عهد سلجوقی و درزمان سلطنت و فرمانروائی جانشینان ملکشاه یعنی در اوایل قرن ششم هجری ساخته شده اند .

۵- در طرفین چهلستونهای مزبور در سمت مشرق ساختمانهای دوره آل مظفر است از قرن هشتم هجری که درسمت چپ دالان ورودی مسجد واقع میشود وطاقها و ستونهای آجری جالب و متنوع دارد و یك راهرو جنوب شرقی مسجد آنرا از ساختمانهای سلجوقی جدا میکند و درسمت مغرب چهلستون دیگری ازقرن یازدهم هجری از دوره شاه عباس کبیر موجود است که سبك ساختمان طاقها و ستونهای آن از چهلستونهای سلجوقی واقع در همین ضلع پیروی شده است وآنرا بنام چهلستون شاه عباسی میشناسند .

ب - ساختمانهای ضلع غربی

۱- ایوان غربی مسجد مهمترین قسمت جالب این ضلع است که اساس آن سلجوقی میباشد و در اوایل قرن ششم هجری ساخته شده و سقف آن مانند ایوان

جنوبی از مقرنسهای درشت بسیار جالب ترکیب و تزیین شده و در ابتـدای قـرن دوازدهم هجری و در دوره سلطنت شاه سلطانحسین صفوی داخل و خـارج آن بـا کاشیهای زیبا و خطوط بنائی تزیین شده و تزیینات اولیه آجری آن از صورت ساده سلجوقی خارج شده است .

۲- در جنوب این ایوان مدخل شبستان بزرگ مسجد ازقرن نهم هجری واقع شده و شبستان کوچك دیگری نیز در همین قسمت قرار دارد .

۳- در شمال ایوان غربی ابتدا یك سر در کاشیکاری نفیس از قـرن نهم هجری است که سر درشبستان وسیعی محسوب میشود که درعقب ساختمانهای این ضلع قرار دارد . (سر دربیت الشتاء) سپس شبستان کوچکی ازعهد اولجایتو ایلخان مسلمان مغول ایـران واقع شده که محراب عـالی گچ بری آن از عجایب صنعت گچ بـری ایران است وازتزیینات گل وبوته و کتیبه هائی ترکیب شده است ودر کتیبه تاریخی وسط آن نام پادشاه وقت اولجایتو ووزیر دانشمند او **محمد ساوی** وتاریخ ساختمان آن سال ۷۱۰ هجری آمده است .

٤ - در آخرین قسمت ساختمانهای این ضلع شبستان بزرگ و وسیع زمستـانی (بیت الشتاء) ازدوره حکمرانی سلطان محمد بن بایسنقربن شاهرخ تیموری واقع شده است که سال ساختمان آن در کتیبه سر درآن سال ۸۵۱ هجری ذکر شده و از لحاظ سبك ساختمان ازابنیه بی نظیر وتماشائی اصفهان است . قسمتهای جالب توجه این بنا غیر از نوع معماری و سبك ساختمان آن مرمر های شفاف و درخشانی است که فاصله بفاصله درطاق شبستان نصب شده و بمنزله چراغهائی برای روشن کردن این شبستان تاریك محسوب میشوند . شبستان مزبور دارای ۱۸ چشمه طاق است .

ج - ساختمانهـای ضلع شمالی

۱- ایوان وسط این ضلع که ساختمان آن از اوایل قـرن ششم هجری است از دوره دوم عهد سلجوقی محسوب میشود و ازقسمتهای جالب آن قطعه سنگ یکپارچه

مرمری نفیسی است که درانتهای داخل ایوان نصب شده وخطوط بسیار زیبای کوفی گل و بوته دار در طاق بالای قطعه سنگ مزبور بر زینت این قسمت از مسجد افزوده است . ایوان مزبور تزیینات آجری فراوان ونیز یك کتیبه گچ بری ازدوره شاه سلیمان صفوی از اواخر قرن یازدهم هجری در بر دارد .

۲- در طرفین ایوان مزبور چهلستونهائی از دوره دوم عهد سلجوقی قرار گرفته اند و مخصوصاً طاقهای آجری چهلستون شرقی این ایوان از لحاظ تنوع تزیینات و جنبه معماری از قسمتهای جالب وتماشائی مسجد جمعه اصفهان است .

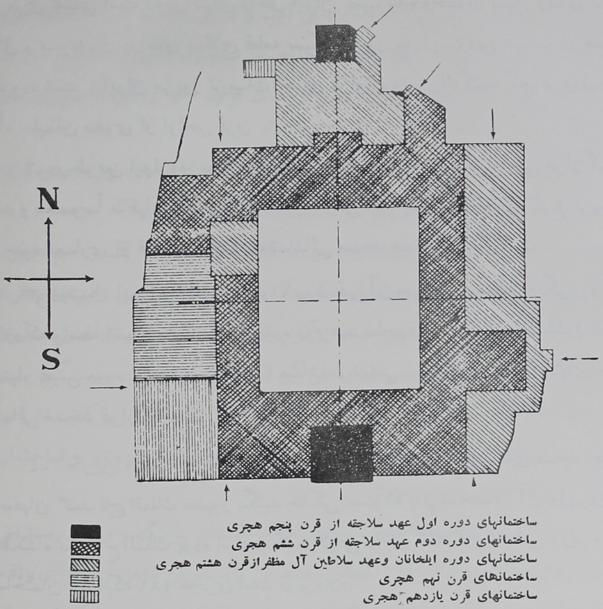
۳- درشمال این ایوان وچهلستونهای طرفین آن چهلستون مفصل دیگری وجود دارد که واسطه اتصال ساختمانهای دوره دوم عهد سلجوقی بگنبد تاج الملك (بنای بسیار نفیس دوره اول عهد سلاجقه) میباشد و تمامی این چهلستون درانتهای ضلع شمالی مسجد قرار دارد .

٤- آخرین قسمت از ساختمانهای این ضلع و شمالی ترین بنای مسجد جامع اصفهان **گنبد تاج الملك** مشهور بگنبد خاکی است که بانی‌ساختمان آن وزیر دیگر ملکشاه بنام تاج الملك بوده است و کتیبه کوفی داخل گنبد آن نام این وزیر وسال ساختمان آنرا که ٤٨١ هجری است دربردارد .

د - ساختمانهای ضلع شرقی

۱- ایوان وسط این ضلع از خارج منظره سلجوقی خود را بخوبی حفظ کرده و در داخل آن هم قسمتهای عمده تزیینات عهد سلاجقه بخوبی محفوظ مانده است . در داخل این ایوان یك کتیبه کاشیکاری از دوره شاه سلیمان صفوی حاکی از تعمیراتی است که در زمان آن پادشاه انجام گرفته و طاق مقرنس آن که تجدید ساختمان شده نمونه بارزی از هنرنمائی اساتید این فن در شهر اصفهان است .

۲- در شمال این ایوان مدخل صفه ومدرسه عمر و پس از آن یك شبستان وسیع



ترتیب استقرار ساختمانهای دوره های تاریخی بعد از اسلام ایران
در مسجد جمعه اصفهان (۱)

---

(۱) اقتباس از صفحه ۲۸۰ آثارایران بزبان فرانسه ازنشریات اداره کل باستانشناسی (جلد اول جزوه دوم)

۱۸ ستون قرارداردکه از بنا های دوره آل مظفر است و طاقهای زیبای آجر نمای آن که بسیار جالب است در اواخر قرن هشتم هجری ساخته شده است .

۳- مدخل صفه و مدرسه عمر بین ایوان سلجوقی این ضلع و شبستان ۱۸ ستون دوره آل مظفر قرار دارد و در انتهای این مدخل صفه و مدرسه عمر واقع شده که از ساختمانهای دوره آل مظفر است و در ۷۶۸ هجری در دوره سلطنت قطب الدین محمود شاه بنا شده ونام این پادشاه وسال تاریخ بنای صفه در کتیبه داخل دور هلال سقف ایوان بخوبی خوانده میشود .کاشیکاری مقرنس محراب این صفه مورخ بسال ۷۷۸ هجری است و از اولین نمونه های کاشیکاری داخل مساجد در شهر تاریخی اصفهان بشمار میرود .

در اطراف صفه عمر کتیبه و الواحی هم از دوره حکومت موقتی اشرف افغان باقیمانده است که ازلحاظ ترتیب زمان جدید ترین آثار برجای مانده مسجد جمعه اصفهان است .

الواح وکتیبه های مسجد جمعه اصفهان

کتیبه های دوگنبد نظام الملك و تاج الملك

همچنانکه ضمن توصیف یادگار های دوره ملکشاه اشاره کردیم بین سالهای (٤٦٥ - ٤٨٥ هجری) که ایام سلطنت ملکشاه دراصفهان است بوسیله وزیردانشمند او خواجه نظام الملك طوسی درضلع جنوبی مسجد جمعه گنبدی عظیم که از نمونه های نادر ساختمانهای عهد سلجوقی است برپا گردید . قاعده این گنبد مربع است و در قسمتهای بالا تر ابتدا بکثیرالاضلاع و بعد بدائره کامل تبدیل میشود و سپس ساختمان گنبد شروع میگردد . کتیبه داخل گنبد که بخط کوفی ساده آجری است و نام پادشاه وقت ملکشاه سلجوقی وبانی ساختمان آن خواجه نظام الملك را دربر دارد بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحيم امر ببناء هذه القبه فی ایام السلطان المعظم شاهانشاه الاعظم ملك المشرق والمغرب رکن الاسلام والمسلمين معز الدنيا والدين **ابی الفتح ملکشاه بن محمد بن داود** يمين خليفة الله اميرالمؤمنين (١) اعزالله نصره العبد الفقير الى رحمة الله **الحسن بن على بن اسحق** على يد ابی الفتح احمد بن محمد الخازن. »

تاریخ تحریر و نصب این کتیبه ذکر نشده ولی محقق است که دریکی ازسالهای سلطنت ملکشاه ووزارت خواجه نظام الملك طوسی (٤٦٥ - ٤٨٥) باتمام رسیده است(٢)

نظیر این گنبد وقرینه آن درشمال مسجدجمعه گنبد دیگری است بنام (تاج الملك) كه عامه مردم آنرا گنبد خاکی (٣) مینامند . این گنبد که بنا برقابت تاج الملك با نظام الملك و بتقليد از گنبد نظام الملك ساخته شده است اگرچه کوچکتر است ولی ازلحاظ تناسب وظرافت بر آن برتری دارد وبطور کلی این دو گنبد ازعالیترین بنا های دوره سلجوقی در کشور باستانی ایران بشمار میروند .

چون دو جانب شرقی و جنوبی این بنا باز است و فقط دوجانب شمالی وغربی آن مسدود میباشد ومحراب یا (محراب نما) هم ندارد ازاین جهت بعضی باستانشناسان تصور کرده اند که شاید بنای مزبور در اصل مقبره بوده و بعضی دیگر آنرا سایبان آب نما یا کتابخانه ای پنداشته اند اما این تصورات مورد تردید است زیرا بـرای يك آب نما چنین سایبانی بیش از اندازه گران بوده و برای کتابخانه نیز با در نظر گرفتن اینکه دوجانب این گنبد باز است عجیب بنظر میآید (٤)

---

(١) خلفای عباسی که با ملکشاه معاصر بوده اند دو نفرند یکی **القائم بامرالله** (٤٢٢- ٤٦٧ هجری قمری) ودیگری **المقتدی بالله** (٤٦٧ - ٤٨٧)

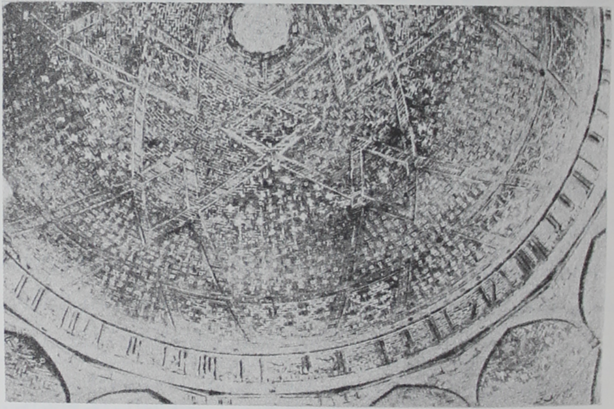
(٢) پروفسورپوپ درکتاب مشهورخود بنام (بررسی‌هنرهای ایران) که بزبان انگلیسی است تاریخ ساختمان گنبد نظام الملك را در سال ٤٧٣ هجری ذکر کرده است .

(٣) وجه تسمیه این گنبد به (خاکی) بعلت مستور بودن آن ازگرد و خاك نهصد ساله ایست که معرف قدمت و عتیقه بودن آنست و این نام را عامه مردم باین گنبد داده اند .

(٤) ترجمه فارسی آثار ایران (جلد اول جزوه دوم) صفحه ١١٨

کتیبه این گنبد بخط کوفی ساده از آجر برجسته شامل آیه ٥٤ از سوره (اعراف) است و سپس نام بانی ساختمان آن **ابوالغنائم مرزبان بن خسرو فیروز شیرازی** (ملقب بتاج الملك) وسال ساختمان آن (٤٨١ هجری) بشرح زیرذکرشده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثاً والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الاله الخلق والامر تبارك الله رب العالمین **امر ببناء هذه القبه ابوالغنائم المرزبان بن خسرو فیروز ختم الله له بالخیر فی شهور سنة احدی و ثمانین و اربع مائه .** »



نمونه خط کوفی کتیبه و تزیینات آجری گنبد تاج الملك مورخ بسال ٤٨١ هجری

در زیر کتیبه دور این گنبد ۳۲ پشت بغل موجود است که در هریك از آنها دو کلمه بخط کوفی ساده با آجر نوشته شده بشرح زیر :

هوالعلی - هوالدیان - هوالغنی - هوالحکیم - هوالحق - هوالله - هوالرحمن -

هوالمجید - هوالملك - هوالحی - هوالسلام - هوالمؤمن - هوالمهیمن - هوالعزیز - هوالکریم - هوالمنجی - هوالخالق - هوالباقی - هوالمصور - هوالفرد - هوالصمد - هوالاول - هوالاخر - هوالصادق - هوالناصر - هوالخبیر - هوالغفور - هوالبصیر - هوالواجد - هوالقادر - هوالعالی - هوالاعلی .

درزوایای محوطه داخل گنبد تاج الملك بعد ازجمله « بسم الله الرحمن الرحیم » آیه ۷۸ و ۷۹ از سوره (اسری) بخط کوفی ساده برجسته آجری نوشته شده است (ابتدای این آیات از گوشه جنوب غربی داخل گنبد است .)

کتیبه مدخل جنوبی گنبد و زیر هلال بزرگ بخط کوفی ساده آجری برجسته مشتمل بر جمله « بسم الله الرحمن الرحیم » و آیه ۲۶ و ۲۷ از سوره (آل عمران) است .

حریق مسجد جمعه اصفهان در سال ۵۱۵ هجری

سلطان محمد سلجوقی فرزند ملکشاه در ۲۴ ذیحجه ۵۱۱ دراصفهان در گذشت وفرزندش محمود بالقب «مغیث الدنیا والدین» جانشین وی شد . مدت سلطنت سلطان محمود ۱۴ سال طول کشید و بیشتر این مدت را در اصفهان و گاهی در بغداد بسر میبرد . در چهارمین سال سلطنت او و در سال ۵۱۵ هجری اسماعیلیه مسجد جمعه و کتابخانه نفیس آنرا آتش زدند .

ابن اثیر (۱) نوشته است که درسال ۵۱۵ یك هفته پیش ازحریق یك قصرسلطنتی جامع اصفهان که باشکوهترین جامعها وزیباترین آنها بوده بسوخت واضافه میکند که

---

(۱) ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم شیبانی موصلی جزری ملقب به (عزالدین) ومکنی به (ابوالحسن) ادیب محدث و مورخ مشهور از اجلای علمای شافعیه فرزند اثیرالدین ابوالکرم درسال ۵۵۵ هجری درجزیره ابن عمر از مضافات موصل متولد شده وتا حد رشد در خدمت پدر و دو برادر خود درموصل اقامت داشته و از اکابر هرفن تحصیل علوم متنوعه نموده تا آنکه در حدیث و انساب و سیر و تواریخ و وقایع و حروب و ایام مشهوره عرب -

بنای مزبور بدست باطنیه آتش گرفت . بنا بر آنچه ابن اثیر میگوید اینطور بنظر میرسد که خرابیهای وارده قابل ملاحظه بوده است . (۱)

آنچه که در حریق سال ۵۱۵ در مسجد جمعه سوخته است توابع مسجد یعنی ابنیه‌ای مانند آموزشگاهها . صومعه ها ـ مضیفها ـ مخزنها و کتابخانه ای بوده است که فهرست آن درسه جلد قطور تنظیم شده بوده است .

قسمتهای سوخته شده همانهائی بوده است که **مافروخی** از آنها باصطلاح (اربع ادور) یعنی چهار دستگاه ساختمان یاد میکند . بنا بگفته مافروخی برای هر نماز کمتر از پنجهزار نفر در آنجا گرد نمی‌آمد . پهلوی هرجرزی شیخی قرار دارد و جماعتی ازطلاب گرد اورا گرفته بوظیفه درس یاریاضت نفس اشتغال دارند. آراستگی این بنا بواسطه مناظره فقها و مباحثه علما و مجادله متکلمین و پند های واعظین است در آنجا صوفیان و علما و کسانی دیده میشوند که بحال عبادت در مسجد اقامت گزیده و با تسبیح و دعا زندگانی را میگذرانند . روبروی مسجد کتابخانه ای با حجرات گوناگون و مخازنش واقع است . این کتابخانه بوسیله استاد الرئیس ابوالعباس احمد الضبی ساخته شده واو کتب مربوط بهمه گونه علوم را که بمرورایام فضلاء و ادباء سابق انتخاب کرده اند در آنجا جمع نموده است . کتابخانه مزبور دارای فهرستی درسه جلد بزرگ بوده مشتمل بر کتابهائی درتفسیرقرآن ، حدیث ، صرف و نحو و لغت ، ادبیات ، شعر ، منطق ، ریاضی و طبیعی و غیره (۲)

ـ متبحر گردیده است.

وی صاحب تألیفاتی‌است ازآنجمله: تاریخ اتابکان موصل- تحفة‌العجائب وطرفة‌الغرائب- **کامل التواریخ** که وقایع مهم عالم را از اول خلقت تا سال ۶۲۸ هجری نوشته و بتاریخ کامل و تاریخ ابن اثیر نیز معروف است و در لیدن و پاریس و مصر و قاهره بدفعات چاپ شده است . وفات ابن اثیر درسال ۶۳۰ یا۶۳۸ هجری اتفاق افتاده است (رجوع شود بجلد پنجم ریحانة الادب صفحه ۲۴۲)

(۱) آثار ایران (جلد اول ـ جزوه دوم صفحه ۱۱۸)

(۲) ترجمه فارسی آثار ایران (جلد اول جزوه دوم) صفحه ۱۱۵ و ۱۱۶

مافروخی نوشته است یکی از اصفهانیان معروف به (ابومضر رومی) بر دو فیلوار معلق بر ممری که از مسجد جامع باول بازار رنگرزان میرود یك طاق و دو منار بنا کرد و دری برای مسجد ساخت که هزار دینار خرج آن شده بود (۱)

منظره مسجد بعد از حریق باین ترتیب بوده است که در هریك از دو انتهای شمالی وجنوبی فضای وسیع و بنای گنبد داری برپا بوده است: «گنبد های نظام الملك وتاج الملك» و در دوضلع شرقی و غربی جز آثار سوخته شده وویرانه ای از خاك چیز دیگری وجود نداشته است. (۲)

تجدید ساختمان مسجد بعد از حریق

پس از حریق سال ۵۱۵ هجری تجدید ساختمان مسجد شروع شده و بجای ساختمانهای منهدم شده بنا هائی مانند ایوانهای چهارگانه و نما های اطراف صحن وشبستانها وچهلستونها پایه گذاری شده و درطی چند قرن بعد ازآن بتدریج تکمیل و تزیین شده است و باین ترتیب نقشه ساختن مساجد (بشکل چهار ایوانی) اساس ساختن مساجد درقرون بعد قرار میگیرد.

یك کتیبه کوفی که تزیینات خطی اطراف قدیمی‌ترین سردرمسجد جمعه اصفهان را در جانب شمال شرقی آن تشکیل میدهد و امروز نیز خوشبختانه وجود دارد از این حریق حکایت میکند. کتیبه مزبور بخط کوفی باآجر برجسته بشرح زیراست:

« بسم الله الرحمن الرحیم و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه وسعی.... (۳) **اعادة هذه العمارة بعد الاحتراق فی شهور سنة خمس عشرة وخمس مائه**» (٤)

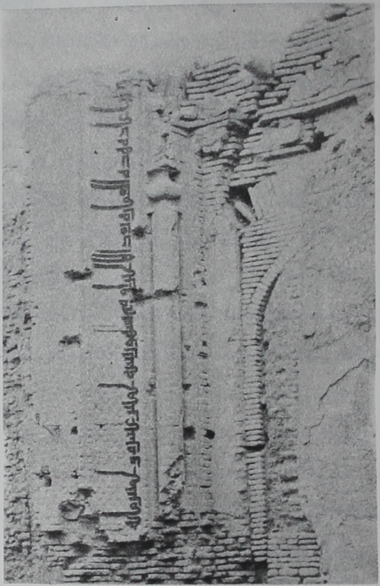
---

(۱) ترجمه محاسن اصفهان چاپ تهران صفحه ٦٣

(۲) شیخ جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری ضمن وقایع سال ٥١٤ هجری راجع باین حریق چنین نوشته است:

« مسجد جامع اصفهان را یکی از ملاحده آتش انداخته کتابهائی در آنجا بسوخت. هفته بعد عمارات سلطنتی ازشمعی که دردست کنیزکی بود سوخته وجزیاقوتها جواهر بسیاری در آتش آب شد. »

(۳) بعد ازکلمه (سعی) قسمتی ازاین کتیبه بمرور زمان ازبین رفته است. آیه شریفه-



کتیبه کوفی قدیمی‌ترین سردرمسجد جمعه اصفهان که ازحریق‌سال ۵۱۵ هجری حکایت میکند

ـ که قسمت اول این کتیبه را تشکیل میداده بشرح زیر بوده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه و سعی فی خرابها اولئك ماکان لهم ان یدخلوها الا خائفین لهم فی‌الدنیا خزی و لهم فی الاخـرة عذاب عظیم . »

(٤) درسال ۱۳۳۷ شمسی که نگارنده ریاست اداره باستانشناسی‌اصفهان را بعهده داشت ضمن اقدام بتعمیرات راهروی شرقی مسجد (دالان ورودی فعلی) آثاری از این حریق بر روی قدیمی ترین دیوار های مسجد که از خشت خام بنا شده است نمایـان گردید و جهت مشاهده مردم قسمتی از آن بحالت اصلی برجای گذاشته شد .

اضافات و الحاقات دوره صفویه در داخل گنبد نظام الملك

محراب گنبد نظام الملك که باحتمال قوی درقرن دهم هجری ودردوره سلطنت شاه طهماسب اول با مرمر وکاشی تزیین شده کتیبه ای بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ دارد مشتمل بر جمله (قال الله تبارك و تعالی) و آیه ۱۴۲ و۱۴۳ تا اواخر آیه ۱۴۴ ازسوره (بقره) .

دربالای محراب گنبد نظام الملك دریك لوح مربع مورب بخط بنائی ساده گچی بر زمینه گچ تمام سوره (اخلاص) گچ بری شده است .

توبه نامه شاه طهماسب

درسمت راست محراب این گنبد توبه نامه شاه طهماسب صفوی بریك لوح سنگی بطول ۷۰ و عرض ٦٦ سانتیمتر بخط ثلث برجسته بشرح زیر نوشته شده است :

« العزة لله جمیعاً »

« بحمدالله وحسن توفیقه که بتأیید مسند صدرنشین معزالله اولیائه ومذل اعدائه لوامع سرمکتوم و رمزمکنون مضمون یمحوالله الباطل ویحق الحق بکلماته ازمشرق خاطر مهر انور اعلیحضرة شاه عالمپناه ظل الله **ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان** خلدالله ملکه و سلطانه نور تأثیر بر افق تقدیر انداخته در حین تقبیل عتبه علیه رضیه رضویه علی مشرفها الصلوة والتحیه جبین مبین اعتقادش بطلایه توبوا الی الله توبة نصوحاً محلی و مطلی شده بعد از این توبه نصوح از کل منکرات کوکب امر مطاعش بذروه اتباع رسید که فردی از افراد . . . . » (۱)

دو لوح گچی بخط بنائی

درضلع شمالی محوطه زیر گنبد نظام الملك ودرطرفین شرقی وغربی مدخل آن بصفه

---

(۱) کتیبه این لوح سنگی ناتمام است و با مشاهده شکستگی سنگ درقسمت پائین آن چنین بنظر میرسد این سنگ که قبلا کامل بوده در محل دیگری از مسجد نصب شده است و پس از شکسته شدن در زمانی که بر ما معلوم نیست این قسمت باقیمانده را بردیوار مجاور محراب نصب نموده اند .

صاحب که در شمال آن واقع است دو لوح مربع مورب وجود دارد :

کتیبه لوح شرقی که بخط بنائی ساده گچ بری شده مشتمل بر سوره (انشراح) و کتیبه لوح غربی شامل آیه اول تا آخر آیه چهارم از سوره (دهر) است .

فرمان منع ورود امرای عظام و مقربان و ملازمان پادشاهی بخانه و کاشانه مردم

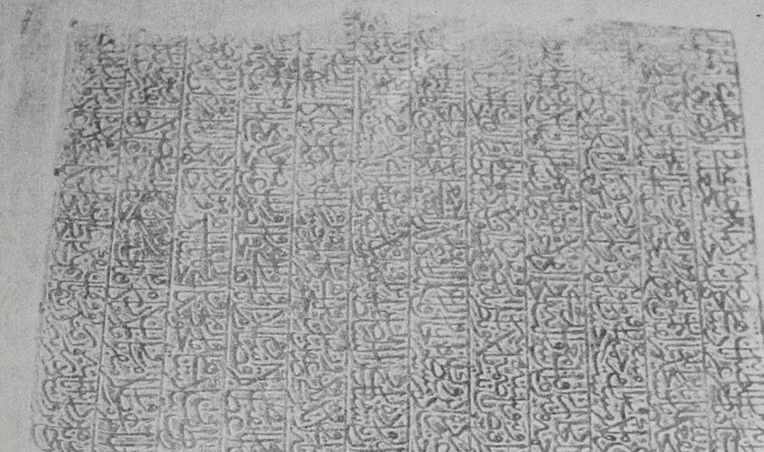
بین گنبد نظام الملك و چهلستون سلجوقی مجاور آن در ضلع غربی گنبد و بر روی دیوار یکی ازمداخل باز و بلندی که گنبد و چهلستون مزبور را بیکدیگر متصل مینماید لوح سنگی بطول یك متر وعرض ۷۲ سانتیمتر نصب شده که قسمت پائین آن که یقیناً سال تاریخ نصب لوح مزبور را در برداشته شکسته است و بهمین جهت بطور قطع تاریخ آنرا نمیتوان معلوم کرد ولی از قرائن عبارات تاریخ تحریر ونصب آن ازدوره شاه طهماسب صفوی بنظرمیرسد. کتیبه لوح سنگی مزبور که بخط ثلث برجسته حجاری شده بشرح زیراست : (۱)

« فرمان همیون شدآنکه چون حضرت ملك ذوالجلال وخداوند لم یزل ولایزال جلت شأنه و عظم برهانه طغرا غرا (۲) سلطنت پادشاهی عرصه جهان برحسب آیه کریمه انا جعلناك خلیفة فی الارض باسم سامی ونام نامی نواب همیون ما رقم فرموده توقیع وقیع خلافت و کشور گشائی دارالسلطنه و آتیناه ملکاً کبیراً را بحکم یفعل الله مایشاء و یحکم مایرید بالقاب همیون ما موشح و مزین ساخته بعون عنایت ازلی و تأییدات محض لم یزلی وجود کثیرالجود ما راکه مظهر آثار لطف و احسان است سرمایه امن وامان گردانیده واراده خجسته صفات ما [را] که مصدر انواع مکرمت وامتنان است منبع مرحمت واحسان فرموده پایه قدر ومنزلت ودرجه قرب و رفعت ما را باوج مدارج خلافت جهانی و در پناه ابهت و کشور ستانی رسانیده عالمیان بل

---

(۱) تصویر این فرمان در صفحه ۸۴

(۲) «طغرای غرای» : این دو کلمه درکتیبه بدون حرف (ی) حجاری شده است .



کافه جهانیان را بموجب آیه وافی هدایت و ما ارسلناك الا رحمة للعالمین در ظل رأفت وسایه معدلت ما جای داده لاجرم مضمون با صدق مشحون ان الله یأمر بالعدل والاحسان را نصب العین ضمیر انور ونظر کیمیا اثر داشته بشکر گذاری این مراتب علیه و سپاس ادای این مواهب سنیه همواره توجه خاطر فیض مأثر و پیوسته نیت ضمیر منیرمان ناظر و بدان مصروف و معطوف داریم که در عهد سلطنة بی زوال و زمان خلافت ابدی الاتصال کافه رعایا وبرایا که و دایع بدایع حضرت خالق البرایا [اند] بیمن معدلت همیون در مهد فراغت و بستر استراحت غنوده در مساکن و اوطان مرفه الحال و فارغ البال روزگار گذرانند سیما جمعی که بخلوص عقیدت و صفای طویت از سایر اهل زمان ممتاز بوده در مضمار اخلاص ویکجهتی و اختصاص و نیکو بندگی گوی مسابقت و رجحان را از اکفاءِ و اقران ربوده باشند مکرر **دارالسلطنه اصفهان** بیمن نزول موکب نصرت قرین غیرت افزای بهشت برین گشته همگی مردم آنجا را در شاه راه مخالصت وبندگی وجاده اخلاص ویکجهتی نواب کامیاب همیون ثابت قدم و راسخ دم یافته‌ایم حقیقت ولا ویکرنگی وصدق عقیدت و دولتخواهی مردم آن بلده برحسب مثال مرآت ضمیرمنیر آفتاب تأثیر کالشمس الشارق من السماءِ ظاهر و روشن گشته و همگی سر و مال و جان در راه نواب همیون ما نهاده اند بنا بر این مجدداً سادات عظام و نقباءِ کرام وقضات اسلام وارباب واهالی فخام و اصول اعیان وصواحب کدخدایان و جمهور مقیمان و سایراهالی ومتوطنان و رعایا [ی] دارالسلطنه مذکوره و بلوکات و ولایات را مشمول عواطف بیکران شاهی وملحوظ مکارم واحسان بی پایان پادشاهی فرموده خانها [ی] کل دارالسلطنه مزبوره ومواضع فرود .... (۱) ازنزول بلغنت نامه برطرف فرموده مقرر داشتیم که من بعد هیچ آفریده از امراءِ عظام و مقربان کرام و ملازمان درگاه فلك احتشام وقورچیان ظفر فرجام خاصه غلامان و ملازمان بیوتات شریفه .... (۲) ازهرطایفه

(۱) و (۲) لوح سنگی دراین دوقسمت شکسته شده وکلمات منقوره برآن ازبین رفته است.

وطبقه و هر که بوده باشد در خانه احدی نزول ننموده پیرامون نگردند و هر کس در هرخانه نزول داشته باشد در روز بیرون رفته و توقف ننمایند تا همگی بفراغت خاطر در خانه ومکان خود ساکن بوده دعا بدوام دولت ابدی الاتصال ما نمایند . »

کتیبه یك لوح گچی

در بالای لوح سنگی فوق الذکر لوح مستطیلی شکلی نصب شده که دارای یك حاشیه و متن بشرح زیر است :

متن لـوح بخط کوفی گچ بری شده وشامل این عبـارات است : « الله اکبر - فسیکفیکهم الله و هوالسمیع العلیم . » درحاشیه این لوحه عبارات زیر بخط ثلث گچ بری شده است :

« حافظوا علی الصلوات - والصلوة الوسطی - و قوموا لله قانتین . »

کتیبه های داخل وخارج صفه صاحب

ایوان جنوبی مسجد جمعه

درسمت راست مدخلی که صفه صاحب (ایوان جنوبی مسجد جمعه) را بقسمت جنوبی آن (گنبد نظام الملك) وصل میکند دو فرمان ازشاه اسمعیل وشاه طهماسب صفوی بجای یك صفحه بزرگ کاشیکاری از قرن نهم هجری نصب شده است :

۱ـ فرمان منع گرفتن پول وصدور حواله بخانها ومحلات اصفهان از شاه اسمعیل صفوی مورخ بسال ۹۱۱ هجری

متن این فرمان بخط ثلث برجسته بر سنگ سفید بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تبـارك و تعالی اطیعواالله و اطیعواالرسول و اولوالامر (۱) منکم مستفاد از کلام معجز نظام و امر باحکام ثلاثه آنکه برهرفردی

---

(۱) درکتیبه بهمین ترتیب نوشته شده درصورتیکه آیه شریفه (واولی‌الامرمنکم) میباشد

از افراد اطاعة و انقیاد واجب و لازم و هر آینه مصدوقه این مقال ذکر حکمتیست که ازخلیفة الزمان ناشر العدل والاحسان الامام العادل الکامل الهادی الغازی الوالی ابوالمظفر السلطان شاه اسمعیل الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه نفس مبارك همایون شد که من بعد هر کس که بر خانها و محلات اصفهان و سکنه آنها چیزی حواله نماید یا هر کس که دهد و .... ستاند واجب القتل باشد .... (۱) خلاف کننده درلعنت خدا ورسول وبعتاب شاهی گرفتار .»

در حاشیه این لوح سنگی الواح مستطیلی شکلی بخط ثلث برجسته بشرح زیر گچ بری شده است :

اللهم صل علی محمد المصطفی و صل علی امام علی المرتضی - وصل علی امام حسن الرضی و صل علی امام حسین الشهید بکربلا - و صل علی امام علی زین العابدین وصل علی امام محمد الباقر - وصل علی امام جعفر الصادق وصل علی امام موسی الکاظم و صل علی امام علی بن موسی الرضا و صل علی امام محمد التقی و صل علی امام علی النقی و صل علی امام حسن العسکری و صل علی امام محمد المهدی الهادی .

در بین الواح مستطیلی شکل مزبور در لوحه های بسیار کوچك مربع شکل دیگری بخط بنائی مشگی با کاشی بر زمینه گچی نوشته شده است : یا حجة الله - یا یدالله - یا سیف الله - یا اسدالله - یا عصمةالله - یا صفوة الله - یا ولی الله .

درگوشه فوقانی سمت راست این لوح بخط بنائی گچی برجسته در یك شکل مربع سوره (قدر) نوشته شده وبعبارت : « صدق الله العلی العظیم وصدق رسوله النبی الکریم و نحن علی ذلك من الشاهدین » ختم میشود و در گوشه سمت چپ آن (آیة الکرسی) گچ بری شده است .

---

(۱) بعلت درهم بودن خط وتغییر رنگ سنگ این لوح قرائت کلماتی چند از سطر آخر این کتیبه وبالنتیجه ترکیب دوجمله آن مقدور نگردید اما بطورکلی چنین مفهوم شد که : « ازبابت رعی مواشی و بعضی عوارض دیگر بدستور سابق چیزی مطالبه ننمایند »

درزیر لوح سنگی سه لوحه دیگر گچ بری شده که متن آنها اشعار فارسی است ومصرع آخر آن ماده تاریخ نصب این‌لوح تاریخی (سال۹۱۱هجری) است بشرح‌زیر:

آنکه جهان مظهر شأنش بود　　بسمله طغرای نشانش بود

شاه زمان شاه ملائك حشر　　رایت مهر آیت فتح و ظفر

خلق جهان را زکرم این عطا　　**کرد بسال الف ویا وطا** (۱)

۲ـ فرمان شاه طهماسب صفوی مبنی بر بخشش دو هزار تومان مالیات اصفهان و توابع آن

درزیرلوح سنگی‌فوق الذکر که بنام شاه اسمعیل صفوی‌است لوح سنگی دیگری بطول ۲۴۵ و عرض ۱۰۸ سانتیمتر از دوره شاه طهماسب اول صفوی موجود است که کتیبه آن بخط ثلث برجسته بشرح زیر است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم . قال‌الله تعالی من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و عن النبی صلی‌الله علیه وآله وسلم من‌سن‌سنة حسنة فله اجرها واجرمن یعمل‌بها الی یوم القیامه مصداق این مقال هبوب نسیم افضال است که دراین اوقات برقوی وضعیف از اینروح فیض وکرم اختر برج مکارم و نعم **السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادر خان** لازلت رایات دولته منصورة و اعداء حشمته مقهورة وزیده و عنایة شامله برفع قوانین فساد از دارالسلطنه اصفهان فرموده که هیچ یك ازسلاطین ماضیه برفع آن توجه ننموده بلکه در هر عصری علاوۀ بر آن افزوده و فرمان واجب‌الاذعان مؤکد بلعنت نامه **شرف نفاذ یافت** آنکه مضمون مال و جهات (۲) و

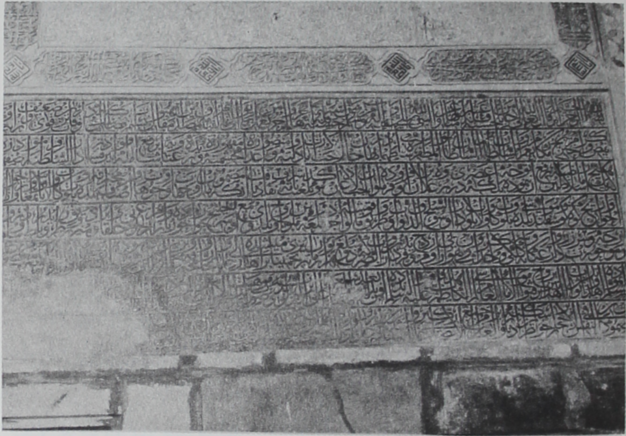
---

(۱) الف و یا و طا بترتیب حروف ابجد و مراتب آحاد و عشرات و مآت سال ۹۱۱ هجری میشودکه مصادف با پنجمین سال سلطنت شاه اسمعیل اول است .

(۲) مال و جهات در فرامین صفویه مخصوصاً اوایل ایشان از قبیل شاه طهماسب بسیار دیده میشود ودرست مقصود از این کلمه عجیب را ندانستم ولی‌گمان میکنم مراد نقد وجنس است (مال = نقد + جهات = جنس) « جلد سوم یادداشتهای قزوینی ازانتشارات دانشگاه تهران صفحه ۲۸۱ و ۲۸۲ »

اصطلاح مال و جهات و(مالوجوهات) و وجوهات درچند مورد درفرامین دوره صفویه که در مساجد تاریخی اصفهان نقش برحجر است مشاهده و قرائت شد : مؤلف .

وجوهات و اصناف محترفه بلده و بلوکات و ولایات و تمغاوات از سر جواز و بیع -
الحوائج وزکوة گوسفند ومواشی بلده وبلوکات وولایات و دارالسلخ وسوق الدواب
و طریق قومشه (۱) ومالواجرد وقلعه ملوس وباج و بلدی و بیع الحلیج و سرجواز
خورده و بازار مرغ و خلقانی(۲) وبرد ومیزر وطریق رید ورباط و دروب سلطان و
مورچه خورت (۳) و سرزر و داروغکانه وسرکلکی کرون (٤) و احداث وهوایی رار



فرمان شاه طهماسب اول مبنی بربخشش دوهزار تومان مالیات اصفهان وتوابع آن

(۱) قومشه وقمیشه امروز (شهرضا) نام دارد ودر ۸٤ کیلومتری جنوب اصفهان درراه اصفهان بشیراز واقع شده است .

(۲) خلقانی « خلقان فروش » : کسیکه جامه های کهنه فروشد (فرهنگ آنندراج)

(۳) مورچه خورت در ٤۲ کیلومتری شمال اصفهان در راه اصفهان به تهران واقع شده وسومین جنگ معروف نادر با افاغنه در سال ۱۱٤۲ هجری در این محل اتفاق افتاده‌است.

(٤) از دهستانهای غربی نجف‌آباد درمغرب اصفهان ومرکزآن تیران (تهران) است

ومزدج (۱) وفریدن (۲) ودارالضرب که مبلغ دو هزارتومان تبریزی تخمیناً میشده بر اهالی و رعایا و تجارمحترفه وعابرین این دیار تصدق فرموده اند واین مثوبات را هبه ارواح مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام نموده اند و اهداء این ثواب نیز اهدا بروح پرفتوح الامام العالم موسی الکاظم علیه السلام هدیه فرموده اند فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه وصورت این موهبت را حسب الامرالمطاع ذره بیمقدار علی الکرکی ۰۰۰۰۰ این مضمون کالنقش فی‌الاحجار برخواطر سکنه این دیار والعابرین من جمیع الامصار جای گیر شد و با همگنان دردعا ودوام دولت آن اعلیحضرت کوشیده تغییر کننده در لعنت الهی وعتاب نامتناهی باد. **کتبه العبد علی بن جعفر. . . . . .» (۳)**

دربالای مدخلی که صفه صاحب را بگنبد نظام الملك متصل میکند دریك حاشیه بطول ۳/۴۰ متر بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی باکاشی معرق نوشته شده‌است:

لك‌الحمد یاذالجود والمجد والعلی   تبارکت تعطی من تشاء و تمنع

در طرفین مدخلی که صفه صاحب را بگنبد نظام الملك مربوط میکند دو محراب از سنگ مرمر وجود دارد که هریك از آنها کتیبه و عباراتی دارد و بشرح آنها میپردازیم:

۱- کتیبه اطراف محراب غربی بخط ثلث برجسته برسنگ مرمر بعد ازعبارت (قال الله تعالی و ما ارسلناك الا رحمة للعالمین) شامل صلوات بر پیغمبر و دوازده امام است و در خاتمه سال نصب آن (سنه ۹۱۸) ذکر شده است.

---

(۱) چهارمحال در مغرب اصفهان مشتمل برچهار ناحیه قدیمی : رار. کیار. میزدج و گندمان است.

(۲) شهرستان فریدن از نواحی قدیمی استان اصفهان و مرکز آن (داران) در ۱۲۰ کیلومتری شمال غربی اصفهان واقع شده.

(۳) علائم (نقطه چین) معرف قسمتهائی از کتیبه‌است که کلمات آن بکلی محوشده.

و در بالای این محراب مرمری بخط ثلث برجسته نوشته شده است :

« لا اله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله حقاً »

۲ـ کتیبه محراب شرقی این صفه دردوقسمت (حاشیه ومتن) بشرح زیراست :

در حاشیه این محراب نوشته شده : « ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایهاالذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً » و سپس صلوات بر دوازده امام مانند محراب مرمری غربی این صفه ذکر میشود و در آخر بعبارت : **العبد تاج الدین سنه ۹۱۸** ختم میشود .

کتیبه متن این محراب بخط ثلث برجسته بشرح زیر است :

« لا اله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله الحسن والحسین سبطا نبی الله . »

در طرفین مدخل صفه صاحب بگنبد نظام الملك دوستون سنگی مرمری وجود دارد که دارای نقوش برجسته است ودرقسمت بالای ستونها بخط ثلث برجسته عباراتی بشرح زیرمنقور است :

ستون سمت راست : « نادعلیاً مظهرالعجائب تجده عوناً لك فی النوائب . »

ستون سمت چپ : « کل هم و غم سینجلی بولایتك یا علی یا علی یا علی . »

کتیبه ثلث کاشیکاری داخل صفه صاحب از دوره شاه طهماسب اول بخط کمال الدین حسین الحافظ الهروی (۱)

این کتیبه که ترکیبی ازکلمات وعبارات فارسی وعربی است و بخط کمال الدین

---

(۱) کمال الدین حسین واحد العین هراتی آوازه حسن خط و حسن قرآن خوانیش همه خراسان و ترکستان را فراگرفته بود و در نوشتن خطوط ششگانه خاصه نستعلیق از سایر خوش نویسان پیشی داشت . زمانی از هرات بمشهد و از آنجا بقم رسید و در اردوی شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰ ـ ۹۸٤) وارد و بحضور شاهی بار یافت . صاحب خط و خطاطان میاورد که وقتی شاه طهماسب او را امر بخواندن قرآن کرد اوگفت (خوانندگیم نمیآید) و این سبب عدم تمایل پادشاه باو شد و مدتها بمسلك درویشان باین شهر وآنشهر در نهایت سادگی گردش میکرد تا در سنه ۹۷۳ در مشهد بمرد . (پیدایش خط و خطاطان صفحه ۲۱۳ و ۲۱٤)

حسین الحافظ الهروی در تاریخ ۹۳۸ هجری ودردوره سلطنت شاه طهماسب اول نوشته شده حاکی از تعمیرات و تزییناتی است که در مسجد جمعه اصفهان بسعی و اهتمام یك زن نیکوکار (نام این بانو در کتیبه‌جرز شرقی نمای خارجی ایوان بطوریکه بعداً بیان خواهد شد «آقاسلطان» ذکر شده است) وتصدی **محمد اصفهانی** که در کتیبه شخصیت اوستوده‌شده‌وحامی فقراومساکین‌وخادم‌عتبات ائمه معصومین‌معرفی‌شده بعمل آمده‌است.

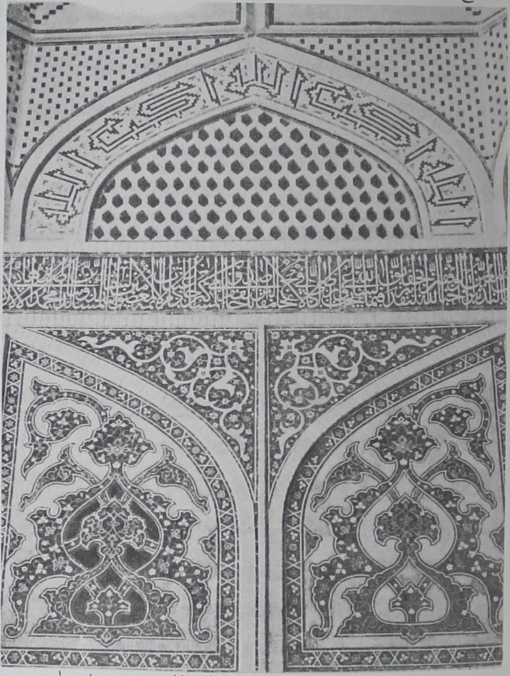
این کتیبه که بخط ثلث‌سفیدمعرق بر زمینه کاشی‌لاجوردی نوشته‌شده بشرح‌زیراست:

« چون بر سماءِ معالی سمات کریمه انما یعمر مساجد الله من آمن بالله کوکب افادات این معانی و نجوم دلالات این مبانی طالع میشود که قابل خلعت تعمیر و تزیین مساجد که بمزیة شرف ان بیوتی فی‌الارض المساجد اختصاص دارد کسی تواند بود که نور نیر ایمان که سور ظلمت موانع قرابة است بر ساحة احوال او تافته و بوسیله تصدیق بیوم الاخر بمعارج سعادت دینی و دنیوی ارتقاءِ یافته و لباس اقبال وزینت اقامه صلوة که متسمست بسمت ما اعلم‌شاءِ (۱) بعدالمعرفة افضل من‌هذه‌الصلوة و بحلیه ایتاءِ زکوة که متصف بصفت من اقام الصلوة ولم یؤت الزکوة فکانه لم یقم‌الصلوة محلی بطراز کسبة حسبة الله که شیمه ارباب انبیاءِ هست مزین شد تا درزمان خلافة اعلیحضرت بهرام صولت جم جاه ملائك سپاه تاج بخش سلاطین کامکار تخت ستان خواقین عالیمقدار قامع‌الظلم ومارالعدوان مزین‌سما قدرا بثواقب لعدة کواکب و له‌الاحسان قائد عسکرالمهدی صاحب الزمان **السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب الصفوی الحسینی بهادرخان** خلدالله علی بسیط الارض ظلال اعلامه ولازال اعناق الجبابرة و رقاب الاکاسرة طائعین لقهرمان اوامره و احکامه و من فارق جناه من حوزة الوفاق مسودة کغیاهب الظلم منشرة فی الافاق **متصدی شد بتزیین وتعمیر این مسجد بهجت آئین** که رشگ فردوس برینست ابتغاءِ لوجه الله و طلباً لمرضاته من خالص ماله آصف سیرت فرشته صفت بانی مبانی‌الخیرات ناشرمآثرالمبرات ناظم

---

(۱) کلمه (شاءِ) در کتیبه بهمین نحو نوشته شده ولی بنظرمیرسد صحیح این کلمه (شیئاً) باشد.

امور الملك بفكره الصائب عامر بنيان الوزارة برأيه الثاقب منقذ الضعفاءِ عن المهالك بلطائف التدبير معين الواقفين حباً لله بحقايق التقدير الساعى لله فيما يحب ويرضى - الكافى لانجاح مقاصد نا البرحامى الفقراءِ والمساكين خادم عتبات الائمة المعصومين



نمونه خط ثلث كمال الدين حسين الحافظ الهروى در صفه صاحب

شمساً لسماء الدنيا والدين محمد الاصفهانى لازال فاتن المسمى مالا ومال الاجرلله (۱)

---

(۱) از كلمه اصفهانى ببعد جمله (لازال فاتن المسمى مالا ومال الاجرلله) كه قرائت آن مشكل مينمود بوسيله دبير فاضل آقاى حسين همامى زاده قرائت شده است .

علی صفحات الایام و بانی زینة معابد لتحصیل المطالب الدنیویة والاخـرویه و این
**تزیین سعادت قرین بسعی واهتمام علیا رتبت جلیلة وعفت پناه وفقهاالله للخیرات انجام
یافت فی تاریخ سنة ثمان وثلثین وتسعمائه کتبه کمال الدین حسین الحافظ الهروی (۱) »**

خطوط بنائی در داخل مقرنسهای ایوان صاحب

در داخل مقرنسهای صفه صاحب عباراتی بخط بنائی مشگی بـرزمینه شطرنجی آجری بطور پراکنده وجود دارد . کلمات و عبارات داخل این مقرنس ها تعدادی (اسماءِ الله) مانند : « یا حنان ـ یا منان ـ یا دیان ـ یا برهان ـ یا کریم ـ یا رحیم ـ یا الله و بعضی جملات و عبارات مانند : « لااله الاالله محمد رسول الله ـ علی ولی الله سبحان الله والحمد لله ولااله الاالله والله اکبر ـ یا رفیع الدرجات ـ یا دلیل الحیران ـ یاقاضی الحاجات ـ یاکافی المهمات ـ علی حبه جنه ـ قسیم النار والجنه ـ وصی المصطفی حقاً ـ امام الانس والجنه و مانند اینها است و بعضی از خطوط تزییناتی نیز تکرار نام مقدس « الله » و « محمد » و « علی » میباشد . »

نام یك استاد هنرمند در صفه صاحب

بر دیوار جنوبی صفه صاحب و در قسمت فوقـانی یك صفحه بزرگ کاشیکاری برجسته که با محل نصب الواح شاه اسمعیل وشاه طهماسب قرینه است وبالای کتیبه ثلث کاشیکاری داخل این ایوان که بخط کمال الدین حسین الحافظ الهروی است نام یکی ازاساتید هنرمندی که قسمتی ازتزیینات این صفه بوسیله او انجام گرفته دریك لوحه شش ضلعی که خود درلوحه مستطیلی دیگری واقع است بخط ثلث زرد برزمینه لاجوردی بشرح زیر نوشته شده است :

« عمل استاد ابراهیم بن استاد اسماعیل بنـاءِ اصفهانی »

---

(۱) متن این کتیبه راآقای سید محمد تقی مصطفوی مدیر کل سابق باستانشناسی دراختیار نگارنده قرار دادند ولی درتطبیق با اصل کتیبه ازطرف مؤلف که باهمکاری دوستان دانشمند فرهنگی صورت گرفت اصلاحاتی در آن بعمل آمده است .

یك کتیبه تاریخی از اوزون حسن آق قویونلو در صفه صاحب حاکی از اقدام مهم او نسبت بتعمیر و ترمیم مسجد جمعه اصفهان است

دریك قطعه مثلث شکل برسقف صفه صاحب و در بین مقرنسهای طاق این ایوان بخط ثلث سفید معرق برزمینه لاجوردی اقدام مهم حسن بیك آق قویونلو در تعمیر و ترمیم مسجد جامع اصفهان بشرح زیر توضیح داده شد :

« حمدلله وصلوة علی نبیه محمد قد امر السلطان الاعدل الاعظم **ابوالنصرحسن بهادر** خلدالله ملکه وسلطانه باصلاح مااختل من هذا الجامع المنیع واعادة هذا السقف الرفیع بعد الاندراس ولما جرغب الانطماس من ماله الحلال **فی سنة ۸۸۰** »

(کلمه « لله » در کتیبه فوق ونام « ابوالنصرحسن بهادر » باخطوط طلائی رنگ نوشته شده است .)

در زیر کتیبه فوق الذکر و در وسط یك حاشیه کاشیکاری بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی در یك شکل مکعب مانند عبارت ذیل نوشته شده است :

« هذه التجدید عمل جمال خادم الشیخ محمد بن یوسف البناء رحمه الله »

کتیبه هلال داخل صفه صاحب مورخ بسال ۹۳۸ هجری

کتیبه هلال داخل صفه صاحب بخط ثلث سفید معرق بـرزمینه کاشی لاجوردی پس از جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) مشتمل بر آیه اول تا آخر آیه هشتم ازسوره (اسری) است ودر آخر بجمله زیرختم میشود :

« تحریراً فی تاریخ سنة ثمان و ثلاثین وتسعمائه »

درقسمت آخر این کتیبه در دوسطر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی اشعار و عبارات زیر نوشته شده است :

آنها که خاك را بنظر کیمیا کنند   آیا بود که گوشه چشمی بما کنند

« بعمل الفقیر یوسف بن تاج الدین بناء اصفهانی »

عبارات اسپر های طرفین ایوان که در زیر هلال واقع میشوند بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

اسپر غربی ایوان : « قل امر ربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین . »

اسپرشرقی ایوان : « و قال الله تبارك و تعالی یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد صدق الله العظیم . » و بخط آجری بر زمینه لاجوردی نوشته شده است :

«کتبه العبد تاج‌الدین معلم اصفهانی »

در داخل صفه صاحب (طرفین صفه) در هر طرف یك اسپر کاشیکاری موجود است وهراسپردارای چهار شمسه (چهار پر) است که بخط بنائی ساده حنائی رنگ بر زمینه کاشی معرق لاجوردی عباراتی بشرح زیر دارد :

از بالا بپائین و از سمت راست :

نـاد علیاً مظهر العجـائب	تجده عوناً لك فی النوائب
کـل هـم و غـم سینجلی	بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی

در طاقنما های این ایوان در دوسمت راست وچپ و دراشکال هشت ضلعی عبارت واحدی بخط بنائی بشرح زیر خوانده میشود : « لااله الا الله »

کتیبه های نما های خارجی صفه صاحب

مناره ها:

کتیبه مناره های مسجد جمعه که درطرفین ایوان جنوبی (صفه صاحب) بنا شده و چنانکه گفته شده است از الحاقـات دورهٔ حکمرانی ابوالنصر حسن آق قویونلو است در زیر مقرنسهای هر دو مناره عبارت واحدی است بخط کوفی سـاده آجری برجسته برزمینه کاشی فیروزه ای بشرح زیر :

« لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله حقاً »

تزیینات جدار خارجی مناره ها بخط بنائی با کاشی فیروزه ای بر زمینه آجری و بشکل مارپیچ تکرار جملات زیر است :

« الحکم لله »   « الملك لله »   « الحمد لله »

کتیبه نما های خارجی ایوان جنوبی

کتیبه های جرز های طرفین ایوان که بطور عمودی قرار گرفته و ابتدای آن (جرز غربی) این ایوان است بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بعد از جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) آیه اول تا آخر آیه هشتم ازسوره (فتح) نوشته شده و دنباله این کتیبه از آیه شانزدهم تا آخر آیه بیستم از همین سوره تزیینات خطی جرزشرقی این ایوان را تشکیل میدهد .

کتیبه نمای فوقانی صفه صاحب بنام شاه عباس ثانی مورخ بسال ۱۰۷۰ هجری

کتیبه افقی و فوقانی این ایوان که بنام شاه عباس ثانی و مورخ بسال ۱۰۷۰ هجری است ونام نویسنده کتیبه آن هم ذکر نشده بخط ثلث سفید بـرزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیراست :

« زین هذاالمسجد الرفیع المؤید من اعلی المؤید بصدور من السلطان المبرور- الملحق بآبائه الطاهرین **شاه طهماسب** حشره الله مع الائمة المعصومین وشرف بمرور الدور والاعوام علی الخروب والانهدام امر بتجدیده وتعمیره وتزیینه نجله وسبطه اعظم الافخم سلطان السلاطین وملاذ الخواقین ومروج مذهب آبائه الطاهرین السلطان بن السلطان **شاه عباس الثانی الصفوی الحسینی الصاحب قرآن** خلدالله ظلال معدلته علی مفارق- العالمین بمحمد و آله المعصومین **فی سنة الف وسبعین من الهجرة النبویة** صلی الله علیه و آله

الواح هلال خارجی صفه صاحب

الواح هلال خارجی صفه صاحب دردوقسمت : اول الواح مستطیلی شکل بخط

ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی ودوم الواح چهارضلعی (دایره مانند) که از الواح مستطیلی کوچکتر است و هریك از این الواح دسته دوم در بین دولوح از دسته اول قراردارد بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی‌مشگی بشرح زیراست:

(ابتدای این الواح از هلال غربی این ایوان و ازپائین ببالا است)

اللهم صل و سلم علی نبینا و سیدنا و مولانا ابی القاسم محمد المصطفی

(ناد علیاً مظهرالعجائب)

و صل و سلم علی الامام الهمام الوصی المصطفی علی المرتضی

(تجده عوناً لك فی النوائب)

و صل و سلم علی سیدة النساء البتول العذراء ام الائمة الاتقیاء فاطمة الزهراء

(کل هم و غم سینجلی)

و صل و سلم علی (۱) سبط المصطفی و قرة عین المرتضی الحسن المجتبی

(بولایتك یا علی یا علی یا علی)

و صل علی الامام الحرمین هادی و مربی الخافقین الامام ابی عبدالله الحسین

(ناد علیاً مظهرالعجائب)

و صل علی سید المتقین و امام المؤمنین و نور العارفین علی زین العابدین

(تجده عوناً لك فی النوائب)

و صل و سلم علی الامام النورالزاهر والبدرالباهر ابی جعفر محمد الباقر

(یا قاضی الحاجات) (۲)

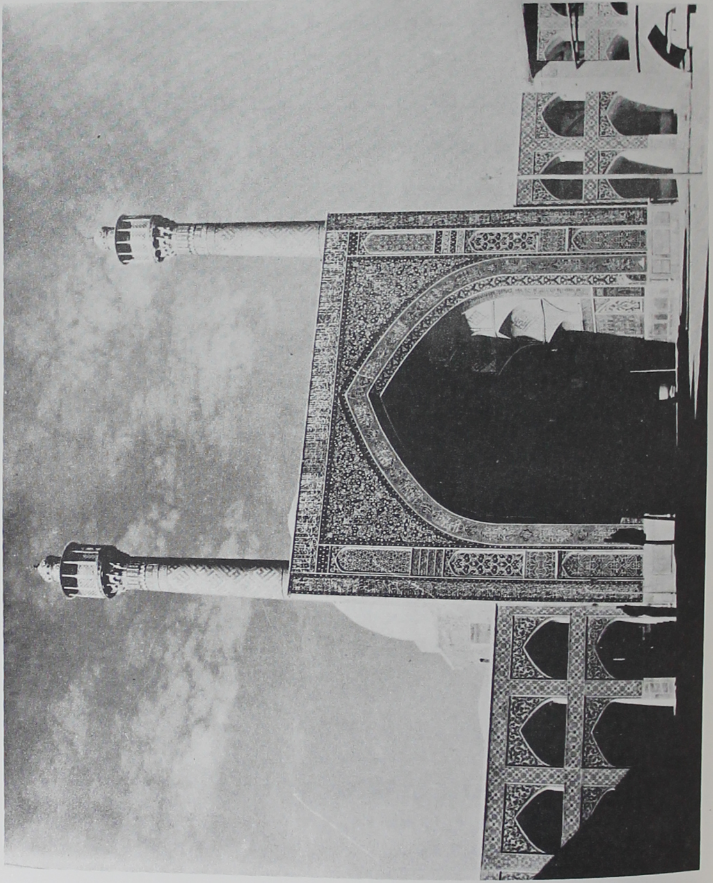
---

(۱) کلمه (علی) درتمامی الواح چهارده‌گانه مستطیلی شکل این هلال باستثنای لوح دوم و سوم ولوح آخر بصورت (عل) نوشته شده است .

(۲) این لوحه بخط طلائی نوشته شده است .

عکس مقابل: منظره ایوان جنوبی مسجد جمعه (صفه صاحب) ومناره ها وغرفه های اطراف صحن

<



و صل و سلم علی اعلم المشارق والمغارب الامام ابی عبدالله جعفر الصادق

(کل هم و غم سینجلی)

و صل و سلم علی العابد العالم المتهجد الصائم الامـام بالحق موسی الکاظم

(بولایتك یا علی یا علی یا علی)

و صل و سلم علی وصی الاوصیاء و وارث علوم الانبیاء علی بن موسی الرضا

(ناد علیاً مظهر العجائب)

و صل و سلم علی العالم صاحب الهدایة والارشاد الامام محمد التقی الجواد

(تجده عوناً لك فی النوائب)

و صل علی الشمس المضیئی والبدر البهی الامام بالحق ابی الحسن علی النقی

(کل هم و غم سینجلی)

و صل وسلم علی الامام وارث الوصی والوالد الحجة الصفی الحسن العسکری

(بولایتك یا علی یا علی)

و صل وسلم علی الامام القائم المنتظر ابی القاسم محمد المهدی الحجة بن الحسن صاحب الزمان .

بر روی پایه ستونهای مرمری زیر هلال خارجی این ایوان در طرفین دولوحه کاشیکاری است بشرح زیر :

سمت راست : « عجلوا بالصلوة قبل الفوت . »

سمت چپ : « عجلوا بالتوبة قبل الموت . »

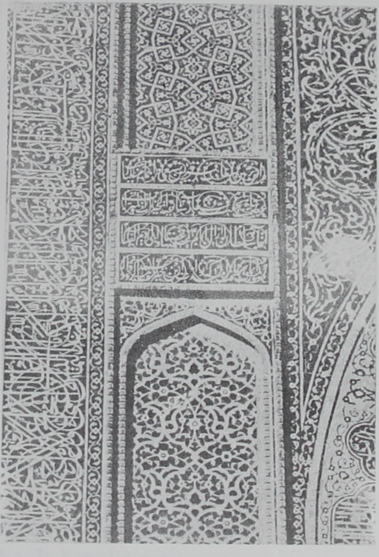
کتیبه جرز شرقی صفه صاحب بنام آقا سلطان بانوی نیکوکاری که تزیین این صفه بسعی و اهتمام او انجام گرفته است

کتیبه فارسی جرز شرقی صفه صاحب در چهار سطر بخط نستعلیق سفید معرق بر زمینه

کاشی مشگی حاکی از اقدام بانوی نیکوکاری بنام **آقا سلطان** (۱) در تزیین صفه صاحب است بشرح زیر :

« و این تزیین سعادت قرین بسعی و اهتمام علیا رتبت عصمت پناه عفت شعار ساعیة الخیرات والمبرات **آقا سلطان** لازال ایام عصمتها وعفتها الی یوم القیام صورت اتمام یافت امید که ثواب این خیر باو عاید گردد بمحمد وآله . »

و در قسمت دیگری در پائین این جرز بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی



کاشیکاری جرز شرقی صفه صاحب و کتیبه **آقا سلطان**

---

(۱) نام آقا سلطان درکتیبه باحرف (ق) نوشته شده . « ازنام ونشان این بانوی خیره و بلند همت بیش از آنچه درکتیبه ذکر شده است برای مؤلف معلوم نشد »

نوشته شده است :

« عمل استاد شمس الدین کاشی تراش »

کتیبه سنگاب صفه صاحب از استاد امین
مورخ بسال ۱۱۰۲ هجری

در زیر هلال ایوان صاحب سنگابی که قطر دهانه آن ۷۰ سانتیمتر است و از سنگ پارسی ساخته شده قرار گرفته و در اطراف آن بخط ثلث برجسته نوشته شده است :

« اللهم صل علی المصطفی محمد والمرتضی علی والبتول فاطمة الزهراء والسبطین الحسن والحسین و زین العباد علی والباقر محمد والصادق جعفر والکاظم موسی والرضا علی والتقی محمد والنقی علی والزکی العسکری حسن والمهدی الهادی وقف شرعی نمود توفیق آثار **استاد امین** ولد اسماعیل سرنج پز فی ۱۱۰۲ »

خطوط و کتیبه های واقع درچهلستونهای طرفین گنبد نظام الملك

چهلستونهای طرفین گنبد نظام الملك از دوره دوم عهد سلاجقه است و در ایام جانشینان ملکشاه ساخته شده . منظره عمومی این دو چهلستون در داخل نما های آجری است که بعضی قسمتهای آن ضمن تعمیراتی که در قرون بعد بعمل آمده با قشری از گچ پوشیده شده و بطور پراکنده خطوط و کتیبه هائی در دوره صفویه در بعضی جاهای آن بیادگار گذاشته شده از آنجمله درچهلستون واقع درمشرق گنبد نظام الملك چند جای چراغ گچی بر روی ستونهای دوره سلجوقی تعبیه شده که فقط یکی از آنها دارای خطوطی بشرح زیر است :

دریك لوح کوچك بخط نستعلیق مشگی برزمینه سفید دومصرع زیر نقاشی شده:

بهتر بود بنزد فقیران زباغ و راغ   در کنج مسجدی که بسوزند چون چراغ

و در قسمت فوقانی این جای چراغ که بشکل (خود) از گچ ساخته شده در اطراف آن اشعار زیر بخط نستعلیق مشگی بر زمینه سفید نقاشی شده :

روشن بفروغ حق دل آگاهست — درویش بعـالم فقیری شـاهست
دل در بر عارف است سر گرم گداز — می پنداری چراغ بیت الله است
دل دردرون سینه آگاه روشن است — دایم‌چراغ حضرت الله روشن است

در مغرب گنبد نظـام الملك ابتدا یك چهلستون از دوره سلاجقه واقع است که دارای محرابی از سنگ یکپارچه مرمری است و بخط ثلث برجسته عباراتی بشرح زیر دارد :

« قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم انا مدینة العلم و علی بابها . »

سپس چهلستون دیگری از دوره شاه عباس کبیر و در گوشه جنوب غربی مسجد واقع شده است . این چهلستون نیز محرابی عالی از سنگ یکپارچه مرمری دارد که درطرفین آن بخط ثلث برجسته عباراتی بشرح زیر خوانده میشود :

کتیبه سمت راست : « مصطفی شد شهر علم آن مملکت را در علی است
تـا دهندت راه در این شهر علـم از در درآ . »

کتیبه وسط بخط بنائی : « قال النبی علیه السلام انا مدینة العلم وعلی بابها . »

کتیبه سمت چپ :

از در اهل صفـا روی مگردان ایدل — راه‌دوراست ازین در بخدا نزدیك است

عبارات دو پشت بغل سنگ مرمری محراب چهلستون مزبور بخط بنائی ساده شامل جملات زیراست :

سمت راست : « لا اله الا الله . » وسط دو پشت بغل : « محمد رسول الله »
سمت چپ : « علی ولی الله »

کتیبه های تاریخی در ساختمانهای ضلع غربی مسجد جمعه اصفهان

صفه استاد (ایوان غربی مسجد جمعه)

ایوان غربی مسجد جمعهٔ اصفهان را (صفه استاد) مینامند و وجه تسمیه آنرا چنین گفته اند که استادی ایوان غربی مسجد را بنا کرده و شاگرد او ایوان شرقی را و بهمین مناسبت امروز هم عموم مردم ایوانهای غربی و شرقی را بترتیب (صفه استاد) و(ایوان شاگرد) مینامند .

داخل و خارج صفه استاد در دوره شاه سلطان حسین صفوی با نقوش و خطوط و کتیبه های کاشیکاری بشرح زیر تزیین شده است:

خطوط بنائی در نما های خارجی صفه استاد

در دو پشت بغل بزرگ این ایوان بخط بنائی شطرنجی با کاشی فیروزه رنگ بر زمینه سفید آیه ذیل نوشته شده :

« بسم الله الرحمن الرحیم . شهدالله انه لااله الا هو والملائکة واولواالعلم قائماً بالقسط لااله الا هوالعزیزالحکیم . » (در پشت بغل سمت چپ ایوان معکوس این عبارت نوشته شده است :

عبارات جرزهای طرفین این ایوان یکسان است واز بالا بپائین بشرح زیرمیباشد:

در قسمت بالای اسپر های فوقانی جرز های طرفین ایوان در حاشیه دو پشت بغل کوچك بخط بنائی لاجوردی بر زمینه زرد سوره (نصر) نوشته شده .

بقیه خطوط بنائی هریك ازجرزهای طرفین ایوان بشرح زیر است :

بخط بنائی سهرگی فیروزه‌ای ومشکی برزمینه آجری:«لااله‌الاالله‌الملك‌الحق‌المبین»

بخط بنائی قهوه ای رنگ بر زمینه آجری : « محمد رسول‌الله الصادق الامین »

بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری: «علی ولی‌الله ووصی رسول‌الله امیرالمومنین»

کتیبه های داخل ایوان غربی

کتیبه اصلی این ایوان که آنرا (صفه استاد و ایوان گلدسته) نیز مینامند بنام شاه سلطان حسین صفوی و بخط **علی نقی امامی** مورخ بسال ۱۱۱۲ هجری است . کتیبه مزبور بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ (۱) بشرح زیراست :

« بسم الله الرحمن الرحیم . فی مناقب الفقیه ابن المغازلی عن انس بن مالك قال بینما انا عند رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم .... (۲) قال صلی الله علیه و آله وسلم الان یدخل سیدالمسلمین و امیرالمؤمنین وخیرالوصیین واولی الناس بالنبیین اذ طلع علی بن ابی طالب علیه السلام فقال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و اللهم الی و قال الی . »

دنباله این کتیبه در سمت چپ ایوان بشرح زیر ادامه پیدا میکند :

فجلس بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فاخذ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم یمسح العرق عن وجهه و جبهته و یمسح به وجه علی بن ابی طالب و یمسح العرق من وجه علی و به یمسح علی وجهه فقال علی علیه السلم یا رسول الله انزل فی شیئی قال صلی الله علیه و آله وسلم اما ترضی ان تکون منی بمنزلة (۳)

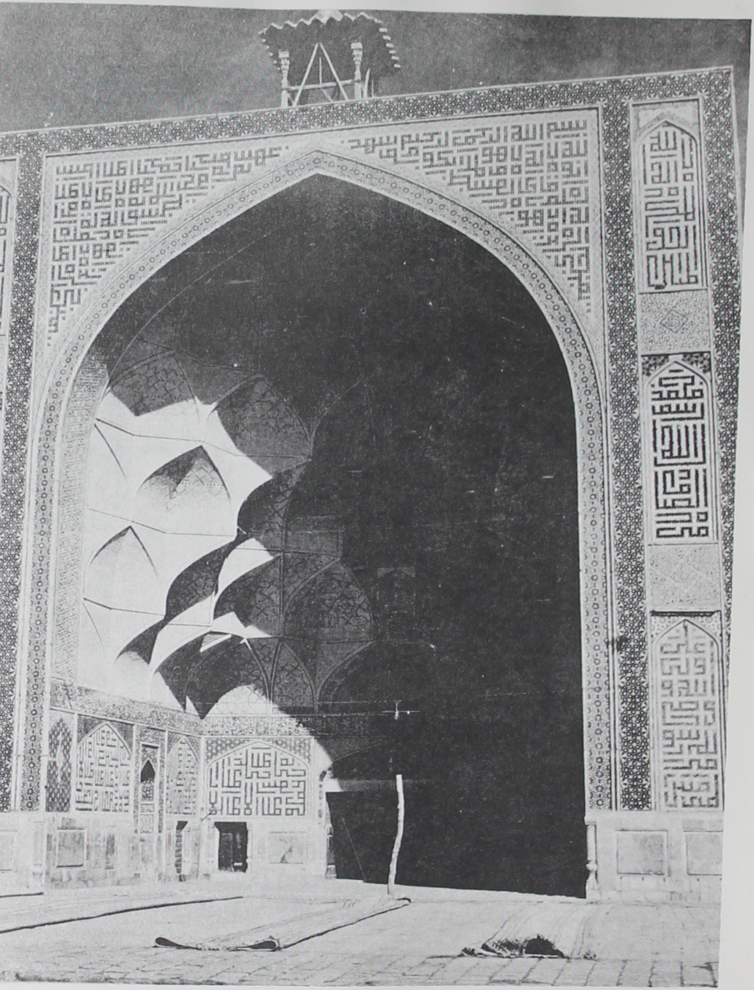
---

(۱) اصطلاح (کاشی خشت) و (معرق) و (معقلی) و (گره) و (خشت هفت رنگ) وما نند اینها اصطلاحات اصلی وقدیمی کاشیکارها است و مؤلف هم دراین کتاب عیناً بکاربرده است ـ کاشیهای مربع شکل که اندازه هرضلع آن ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر است اگر با یك رنگ ملون شده باشد (کاشی خشت) نام دارد و اگر با رنگهای مختلف نقوشی برآن ترسیم شده باشدآنرا (خشت هفت رنگ) مینامند .

(۲) چند کلمه این کتیبه تعمیر شده و ظاهراً در هنگام تعمیر بمفهوم ترکیب جمله آن توجه نکرده اند لذا از قرائت آن چیزی مفهوم نشد . مؤلف باصل این روایت نیز دسترسی پیدا نکرد .

(۳) ازکلمه (هرون) ببعد دنباله این کتیبه در دوخط کوتاه درحاشیه قرارگرفته است.

تصویر مقابل : صفه استاد (ایوان غربی مسجد جمعه) بنای سلجوقی با تزیینات عصر صفوی



هرون من موسی الا انه لانبی بعدی وانت اخی ووزیری خیرخلقه من بعدی تقضی دینی و تنجز موعدیٰ **کتبه ابن محمد محسن علی نقی الامامی ۱۱۱۲** »

قسمت وسط این کتیبه که نام پادشاه وقت شاه‌سلطان حسین را در بردارد ازلحاظ عبارت قسمتی جداگانه و بشرح زیر است :

« قد امر بعمارة هذه السقیفة المنیفه ملك ملوك العالم و مستعبد صنادید الامم الشهنشاه الاعظم السلطان بن السلطان المؤید **ابوالمظفر السلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان** عز بالتأیید و نصر مدة عمره بالتأبید به غیاث الخطوب و مغیث ـ الشعوب و نظام الامور و اضاء الدیجور ۰۰۰۰۰۰۰۰۰ (۱) خلدالله تعالی ملکه . »

خطوط بنائی در اطراف ایوان استاد

عبارات اسپر های داخل ایوان از ضلع شمالی بترتیب بخط بنائی شطرنجی سه رگی (دو فیروزه ای و یك مشگی) برزمینه آجری بشرح زیر است :

۱ـ سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر : (قرینه این اسپر در ضلع جنوبی ایوان معکوس این عبارت است) .

۲ـ استاد کاشیکار این صفه (محمد امین اصفهانی)

یکی از زیبا ترین قسمتهای مسجد جمعه که با خطوط بنائی تزیین شده صفحه کاشیکاری جالبی بر دیوار شمالی این ایوان است که نام استاد آنرا نیز در بر دارد ـ این تابلوی عالی کاشیکاری ازچهار ترنج ویك فسمت مربع شکل دروسط آن تشکیل شده است بشرح زیر :

در اطراف این صفحه کاشیکاری ضمن چهارترنج بخط بنائی ساده وسفید رنگ برزمینه کاشی لاجوردی این اشعار نوشته شده است :

---

(۱) بعد از کلمه (دیجور) که ازکلمات اصلی این کتیبه است درموقع تعمیر در دوخشت کاشی کلمات دیگری که همه آنها از کاشی نو میباشد کارگذاشته شده که از نظر ترکیب هیچ معنی و مفهوم ندارد .

چون نامه جرم ما بهم پیچیدند   بردند و بمیزان عمل سنجیدند
بیش ازهمه کس گناه ما بود ولی   ما را بمحبت علی بخشیدند

و دروسط چهار ترنج در یك شکل مربع بخط بنائی نوشته شده است :

« عمل ابن محمد مؤمن محمد امین . »

۳ـ عبارت اسپر سوم : (ولاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم) و قرینه آن در ضلع جنوبی ایوان معکوس این عبارت است .

٤ـ عبارت اسپر چهارم : (لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله) وقرینه‌آن در ضلع جنوبی معکوس این عبارت است :

شاه نشین ایوان استاد

دیوار مقابل ایوان استاد دارای یك شاه نشین است که در داخل وقسمت فوقانی و اطراف آن کتیبه هائی دارد . کتیبه داخل شاه نشین بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیراست :

« قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق » (این عبارت در ضلع شمالی شاه نشین است) و دنباله این کتیبه بر دیوار روبروی شاه نشین بشرح زیراست :

« بنبی عربی و رسول مدنی و اخیه اسدالله مسمی بعلی و بزهراء بتول و بام ولدتها و بسبطیه و شبلیه هما نجل زکی و بسجاد و بالباقر والصادق حقاً و بموسی و علی و تقی و نقی و بذی العسکر والحجة والقائم بالحق الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی » .

دنباله این کتیبه در ضلع جنوبی شاه نشین بشرح زیر ادامه پیدا میکند :

تصویر مقابل : یك صفحه کاشیکاری بخط بنائی درایوان غربی مسجد جمعه . چهار ترنج اطراف چهار مصرع شعر فارسی است بشرح مذکور در صفحه (۱۱۰) ودرشکل مربع وسط نوشته شده : **عمل ابن محمد مؤمن محمد امین**



« قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم حب علی حسنة لایضرمعها سیئة وبغضه سیئة لاتنفع معها حسنة کتبه **ابن شیخ محسن محمد حسن الجزایری فی سنة ۱۱۱۲** »

در حاشیه طاق شاه نشین ایوان مزبور بخط بنائی ساده بر زمینه گچی آیه اول تا آخر آیه ششم از سوره (دهر) نقاشی شده و در وسط طاق شاه نشین مزبور درسه مربع بخط بنائی باکاشی عبارات زیر نوشته شده است :

در وسط : « لا اله الاالله محمد رسول الله »

در سمت راست : « امیرالمؤمنین علیاً ولی الله »

و در سمت چپ طاق شاه نشین : « الحسن والحسین سبطا رسول الله . »

اشعارفارسی در اطراف شاه نشین ایوان استاد

در قسمت فوقانی این شاه نشین پنجره بزرگ مشبکی از کاشی نصب شده و در هلال خارجی شاه نشین اشعار فارسی وعربی بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی در الواح جداگانه بشرح زیر نوشته شده است :

چون بحکم کارفرمای جهان	(علی حبه جنه)
شد عمارت سجده گاه مسلمان	(قسیم النار والجنه)
خسرو دوران شه کیوان غلام	(ناد علیاً مظهرا لعجائب)
داور دارا دل انجم سپاه	(تجده عوناً لك فی النوائب)
نایب خیرالبشر کالطاف اوست	(کل هم و غم سینجلی)
شیعیان را در جهان پشت وپناه	(بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی)
آنکه امرش با قضا باشد قدر	(نقش گل و بوته)
پادشه سلطان حسین ظل اله	(ناد علیاً مظهرالعجائب)
مؤمن بی شبهه و دستور عهد	(تجده عوناً لك فی النوائب)
خان عالم صوفی یکرنگ شاه	(کل هم و غم سینجلی)

بست حاجی قاسم اخلاص کیش　　(بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی)
بهر سر کاری کمر بیگاه و گـاه　　(وصی المصطفی حقـاً)
فکر افهم ازپی تاریخ گفت　　(بنبوتك یامحمد یامحمد یامحمد)

گشته نو این مسجد از لطف اله

۱۱۱۲

کتیبه محراب ایوان استاد بخط محمد زمان اصفهانی

مورخ بسال ۱۱۱۲ هجری

کتیبه داخل محراب ایوان استاد بخط ثلث سفید بر کاشی خشت لاجوردی بخط محمد زمان بن عبدالباقی اصفهانی و مورخ بسال ۱۱۱۲ هجری بشرح زیر است :

« قال النبی صلی الله علیه و آله من مشی الی مسجد من مساجد الله عز وجل فله بکل خطوة خطا ها حتی یرجع الی منزله عشر حسنات و یمحی عنه عشر سیئات وله رفع عشر درجات فی سنة **۱۱۱۲ کتبه محمد زمان بن عبدالباقی الاصفهانی .** »

کتیبه اطراف این محراب بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

« قال الله تبارك و تعالی قل لوکان البحر مداداً لکلمات ربی لنفدالبحر قبل ان تنفد کلمات ربی ولوجئنا بمثله مددا قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحاً ولایشرك بعبادة ربه احداً و قال الله تعالی فنادته الملئکة و هو قائم یصلی فی المحراب صدق الله العلی العظیم . »

دروسط پشت بغل این محراب درداخل یك مربع مورب بخط بنائی سفید برزمینه لاجوردی این عبارت نوشته شده است : « لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله حقاً. »

یك لوحه زیبا بخط نستعلیق

درداخل مقرنسهای دیوار روبروی این ایوان بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی کبود نوشته شده است :

« انا مدينة العلم و علي بابها »

« درغره رمضان المبارك سنه ۱۱۱۲ »

در اطراف پنجره مشبك کاشی که در زیرعبارات فوق قرار دارد در یازده لوحه بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ گل و بوته دار صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام نوشته شده و نام کاتب آن در لوحه دوازدهم بشرح زیر آمده است :

« کتبه المذنب ابوالمعالی النقیب الحسینی ۱۱۱۲ »

و در یك حاشیه بخط نستعلیق مشگی بر زمینه زرد نوشته شده است :

« نقی بروز حشر بگو یا علی مدد »

در طرفین پنجره مشبك فوق الذکر و در فواصل بین چهار مصرع شعر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی نام استاد کاشیکار این صفه **محمد امین** بشرح زیر نوشته شده است :

غرض نقشی است کزما باز ماند — که هستی را نمی بینم بقائی

(عمل ذره بیمقدار ابن محمد مؤمن)

مگر صاحبدلی روزی برحمت — کند در حق مسکینان دعائی

(محمد امین بناء اصفاهانی)

مسجد اولجایتو و محراب محمد ساوی

در شمال ایوان استاد ابتدا سر درکاشیکاری **بیت الشتاء** مسجد جمعه که در عقب ساختمانهای ضلع غربی مسجد ساخته شده قرار دارد و سپس شبستان کوچکی که دارای طاقهای آجری متنوع است وزیبا ترین محراب گچ بری مسجد را دربر دارد واقع شده ـ شبستان مزبور بنام **مسجد اولجایتو** مشهور است و محراب آن که زیبا ترین محراب های گچ بری شده مساجد ایران است نام **سلطان محمد خدابنده**

(اولجایتو) ووزیر دانشمند او **محمد ساوی** (۱) وسال ساختمان آن (۷۱۰ هجری) را در بر دارد و در سمت راست این محراب قدیمی‌ترین و زیباترین منبر منبت‌کاری موجود در مسجد جمعه اصفهان که سال ساختن و پرداختن آن ذکر نشده است قرار دارد .

کتیبه تاریخی این محراب که درصفحه وسط آن بخط ثلث بسیار زیبا گچ بری شده بشرح زیر است :

سلطان محمد (۲)

« هذا المحراب المستطاب من مضافات العمارات التی اتفقت اعادتها فی ایام معدلة السلطان حامی حوزة الاسلام والایمان غیاث الدنیا والدین ظل الله فی الارضین حرس الله-

---

(۱) **خواجه سعد الدین محمد مستوفی ساوجی** دردوره سلطنت سلطان محمود غازان برادر (اولجایتو) نیز از رجال مشهور دربار او بود و **صاحبدیوان** لقب داشت وبمناسبت خدماتی که بآن ایلخان مشهور مغول کرده بود در آخرین سال عمر **غازان** علاوه بر مقام وزارت رتبه امارت نیز پیداکرد و یکهزار سوارمغول در اختیار اوگذاشته شد . این وزیر هوشمند ایرانی در آخرین روز های عمر غازان که ایلخان رنجور و شکسته شده بود در مسافرتی که غازان خان در اوایل بهار سال ۷۰۳ بعلت شدت کسالت از حوالی قزل اوزن بطرف ساوه نمود در این شهر که موطن و مولد وی بود از ایلخان پذیرائی شایانی کرد و بپاداش آن بشرف (کاسه گیری) مفتخر گردید .

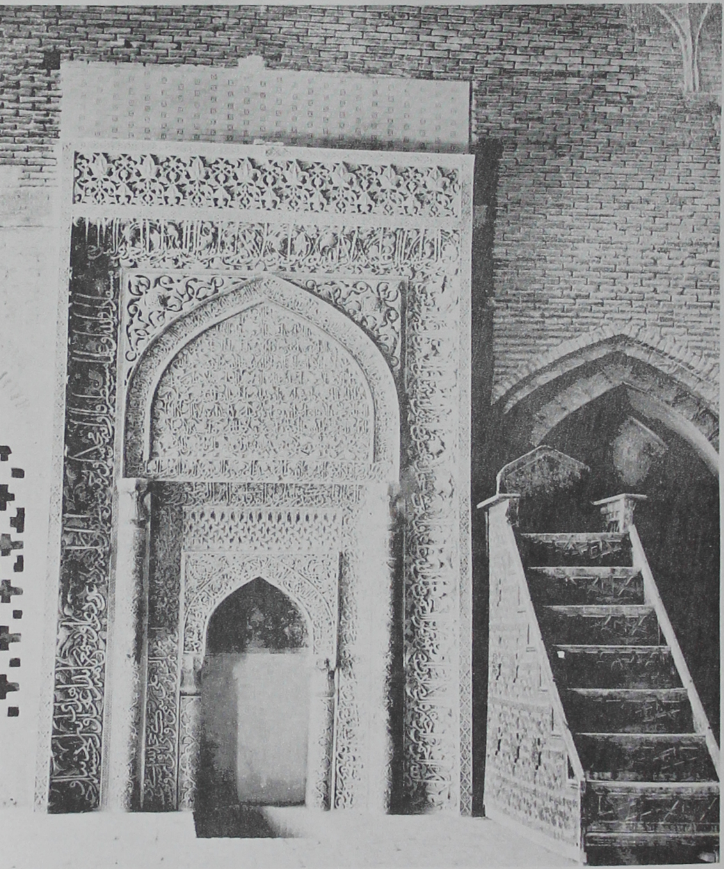
غازان خان درمحل شام تبریز که بعد ها (شنب غازان) یا (شام غازان) خوانده شد تقریباً درچهار کیلومتری جنوب تبریز قبه‌ای ساخت که ازعجائب ابنیه اسلامی وعظیم ترین قبه ای بوده است که تا آن تاریخ در ممالك اسلامی ساخته شده و بعد ازاتمام ساختمان آن املاك بسیاری وقف آن نمود وتولیت آنرا بخواجه سعد الدین محمد ساوجی وخواجه رشید-الدین فضل الله سپرد و در اطراف آن بنا های بسیار از مسجد و مدرسه و خانقاه و حمام وکتابخانه ساخت .

بطوریکه کتیبه محراب محمد ساوی درمسجد جمعه اصفهان حاکی است دردوره سلطنت اولجایتونیز خواجه سعدالدین محمد وزیر بزرگ وصاحبدیوان لقب داشته وشخصیت مشهور-

---

عکس مقابل : محراب نفیس گچ بری مسجد جمعه اصفهان از خواجه سعدالدین محمد ساوی مورخ بسال ۷۱۰ هجری عمل **استاد حیدر**

ـــــــــــ بـ



- ببقائه الاسلام من فواضل صدقات العميمة الصاحبية الاعظمية صاحب ديوان الممالك شرقاً وغرباً بعداً وقرباً **سعدالحق والدين المخصوص بعنايةرب العالمين محمد الساوی** اعزالله انصاره وضاعف اقتداره تـولاه العبد الضعيف الـراجی الی رحمة الله تعـالی و غفرانه **عضد بن علی الماستری** احسن الله عـاقبته **فی صفر سنة عشر وسبعمئة** ختم الله تبارك و تعالی بالخير والظفر . »

درحاشیه اطراف این کتیبه بخط ثلث عبارات زیر گچ بری شده است :

« عن جابر بن زيد الجعفی قال سمعت جابر بن عبدالله انصاری يقول لما انزل الله علی نبيه صلی الله عليه و آله يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منكم قلت يا رسول الله قد عرفنا الله و رسوله فمن اولوالامر الذين قرن الله طـاعتهم بطاعته و طـاعة رسوله فقال عليه السلم . »

(درآخر این قسمت از کتیبه بعد از کلمه (السلم) نام استاد هنرمندی که این

- علمی وسیاسی دربار اولجایتو بوده اماخواجه بتدریج مقبولیت خودرا درخدمت اولجایتو ازدست داده و مورد بیمرحمتی سلطان قرارگرفته است وامریکه روز بروزباعث افول ستاره اقبال او میشده طلوع کوکب سعادت مرد زیرك و جاه طلبی بنام (تاج الدین علیشاه) بوده است که در دستگاه ایلخانی راه یافته و آن بآن خاطر اولجایتو را بیشتر بسمت خود جلب میکرده‌است. خواجه رشیدالدین پیوسته علیشاه را احترام مینمود ودربزرگداشت اومیکوشید و همین قضیه روابط سعدالدین و رشیدالدین را تیره نمود و سعدالدین درصدد آزار خواجه برآمد . رشیدالدین هم برای دفاع خود و برزمین زدن دشمن پیش سلطـان بسعایت از او پرداخت و سعدالدین باختلاس متهم گردید و پس از آنکه بحساب او رسیدند وگناه بر او ثابت شد او را بامراولجایتو دردهم شوال سال ۷۱۱ هجری درقریه (محول) دریك فرسخی بغداد کشتند و علیشاه در مقام خواجه سعدالدین مستقر گردید .

حمدالله مستوفی مورخ و منشی معروف آندوره تاریخ قتل خواجه سعدالدین محمد ساوجی را در دو بیت بشرح زیر آورده است :

شنبه عشر اول از شوال گشته منصرف	رفته از تـاریخ هجری سال ذال و یـا الف
در **محول** شد بفرمـان خداوند جهان	بدر عمر**خواجه سعد الدین محمد** منخسف

(۲) نام پادشاه (سلطان محمد) از لحاظ احترام در بالای کتیبه نوشته شده است .

محراب را با دستهای توانای خود ساخته و پرداخته است بشرح زیر گچ بری شده :

« عمل حیدر »

دنباله این کتیبه در حاشیه فرو رفتگی محراب در دو ردیف بشرح زیر نوشته شده است :

« هم خلفائی یا جابر وائمة المسلمین بعدی اولهم علی بن ابی طالب ثم الحسن ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوریة بالباقر وستدر که یا جابر فاذا لقیته فاقرئ منی السلم ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سمیی و کنیی حجة الله فی ارضه وبقیته فی عباده بن الحسن بن علی ذاك الذی یفتح الله تعالی ذکره علی یده مشارق الارض و مغاربها . » (۱).

و بخط کوفی مشبك در بالای فرو رفتگی محراب نوشته شده است :

« لا اله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله »

درحاشیه بزرگ این محراب کتیبه ذیل بخط ثلث گچ بری شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . قال الصادق المصدق رسول الرحمن صلی الله علیه وآله من بنی مسجداً کمفحص قطاة بنی الله له بیتاً فی الجنة و قال امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه سلام الله و رسوله وملائکته من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان اخاً مستفاداً فی الله اوعلماً مستظرفاً او آیة محکمة او رحمة منتظرة او کلمة رده عن ردی او یسمع کلمة تدل (۲) علی هدی او یترك ذنباً خشیة اوحیاءِ »

درچوبی مسجد اولجایتو

مدخل اصلی شبستان اولجایتو که بدالان حوضخانه مسجد منتهی میشود روبروی

---

(۱) قسمت هائی ازگچ بریهای پائین این محراب در سالهای اخیر تعمیر شده است .

(۲) قسمتی از گچ بری که مشتمل برکلمه (تدل) میباشد در این کتیبه تعمیر شده است . عین این حدیث در کتیبه اطراف سردر مسجد شاه هم ذکرشده ولی کلمه (تدل) در آن کتیبه (تدله) نوشته شده است .

محراب آن قرار دارد و بر روی هر دولنگه در بخط ثلث برجسته عبارات زیر نوشته شده است :

« و ان المساجدلله فلا تدعوا مع الله احداً صدق الله العظیم . »

« وقف کرد این درب را بر مسجد قربة الی الله تعالی **استاد حسین بن استاد شاه میرزای ۰۰۰۰۰۰** » (۱)

کتیبه لوح سنگی دالان حوضخانه

بر دیوار مقابل در قدیمی شبستان اولجایتو که شرح آن گذشت و در ابتدای دالان حوضخانه یك لوح سنگی بخط نستعلیق برجسته بر سنگ پارسی مورخ بسال ۱۰۷۳ هجری نصب شده که کتیبه آن بشرح زیر است :

« وقف شرعی نمود آقا رضا ولد استاد فخرالدین شوشتری تمامی یکباب خانه معینه واقعه درمحله تحت الشارع که بموجب وقف نامه علیحده وقف نموده (تولیت با میرزا خان ابن آقا رضا شوشتری) بر اولاد خود و غیره از جماعت مفصله ذیل بدینموجب اولاد واقف مزبوره ثلث اولاد محمدکاظم ورجب علی برادران واقف ثلث اولاد مسماتان صفیه بانو و کشورجان همشیره های واقف ثلث وشرط نمودند موقوف علیهم که هرساله **مقدارشش من روغن چراغ بوزن شاه تسلیم خدمه مسجد جامع قدیم اصفهان نمایند که صرف روشنائی شود.** زمستان درشبستان طرف طنبی وتابستان درصفه سنگ تراشان **سنة ثلاث و سبعین و الف .** »

بیت الشتاء عماد

درانتهای ضلع غربی مسجد شبستان وسیع زمستانی که بفحوای کتیبه سردر آن در دوره سلطان محمد بن بایسنقر بن شاهرخ تیموری بدستور**عماد بن مظفرورزنه‌ای** (۲)

---

(۱) (بعد ازکلمه « میرزای » یکی دوکلمه بکلی‌محوشده ضمناً کلمه (اصفهانی) نیز بزحمت خوانده میشود)

(۲) **ورزنه** نام قریه مهم **رودشت** است که درمشرق اصفهان درکنار زاینده رود واقع شده و یك پل قدیمی آجری دارد .

ساخته شده قراردارد . این شبستان وسیع بطول پنجاه وعرض بیست وپنج متر است و دارای ستونهای قطور کوتاه و طاقهای خیمه ای شکل میباشد و در وسط هر چشمه طاق آن یك قطعه سنگ مرمر شفاف نصب شده که از خورشید کسب نور میکند و بمنزله چراغهائی برای تأمین روشنائی این شبستان بشمارمیروند. بیت الشتاء مزبور دارای دو در است که یکی از آنها در انتهای راهروی واقع در جنوب ایوان استاد نصب شده و در دوپشت بغل گچی آن بخط نستعلیق عبارت زیر گچ بری شده است :

« **عمل العبد الضعیف شیخ حسن بن شرف الدین بن حسین بناء رویدشتی .** » **(۱)**

و در دو مربع مورب بخط بنائی ساده سفید برزمینه لاجوردی نوشته شده است:

سمت راست : عجلوا بالصلوة قبل الفوت .

سمت چپ : عجلوا بالتوبة قبل الموت .

کتیبه تاریخی سر در بیت الشتاء

سردرمخصوص بیت الشتاءِ درشمال ایوان استاد قراردارد و بین این سردر وساختمان اصلی بیت الشتاء شبستان اولجایتو واقع شده است . کاشیکاری ظریف این سر در بین کاشیکاریهای ضلع غربی صحن مسجد که نمونه ای از نوع کاشیکاری دوره جانشینان تیمور در قرن نهم هجری است کاملا مشخص ومعلوم است واختلاف سبك کاشیکاری آن با کاشیکاریهای اطراف صحن بخوبی مشهود است .

کتیبه این سر در بخط ثلث سفید معرق بر زمینه لاجوردی مورخ بسال ۸۵۱ هجری و بخط سید محمود نقاش بشرح زیر است :

« امر ببناءِ هذه العمارة الموسعة لبیت شتاءِ هذا الجامع الشریف فی ایام دولة السلطان الاعظم اعدل سلاطین العالم غیاث الحق والدین **سلطان محمد بهادر** خلد الله ملکه وسلطانه اقل عبیده **عماد بن مظفرورزنة** وفقه الله لمراضیه وجعل مستقبله خیراً

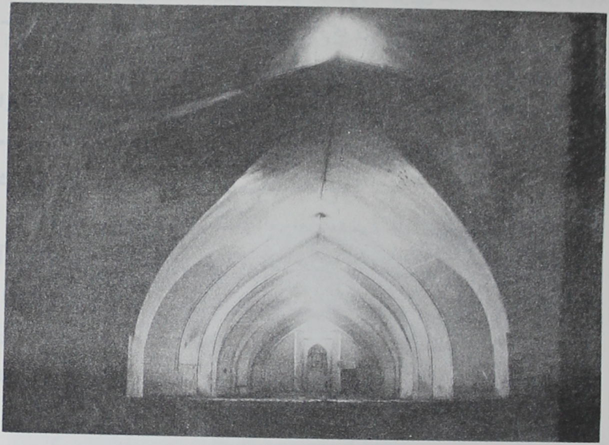
---

(۱) **رودشت** (رویدشت ـ رویدشتین) نام یکی ازدهستانهای **کوهپایه** است که درمشرق اصفهان واقع شده وورود خانه زاینده رود از مغرب بمشرق دروسط اراضی آن جریان دارد.

من ماضیه **فی شوال سنة احدی و خمسین و ثمنمئه کتبه سید محمود نقاش . »** (۱)

در قسمت فوقانی این سر در بخط بنائی مشبك آجری برزمینه لاجوردی نوشته شده است :

« قال النبی انا مدینة العلم و علی بابها »



منظره داخل **بیت الشتاء عماد** در مسجد جمعه اصفهان از قرن نهم هجری

در قسمت فوقانی ستون پنج بر کاشیکاری دوجانب سردر مزبور ومشرف بصحن بخط ثلث سفید معرق بر زمینه لاجوردی نوشته شده است :

« قال النبی علیه السلام ـ الصلوة عماد الدین »

---

(۱) درزیرستون پنج بر کاشیکاری سمت راست سردربیت الشتاء دریك لوحه بخط نستعلیق سفید معرق بر زمینه لاجوردی تاریخ تعمیر این سر در بشرح زیر ذکر شده است :

« ۱۳۱۷ خورشیدی تعمیرشد . صهبا »

الواح و کتیبه های ایوان شمالی مسجد جمعه اصفهان

معروف بایوان درویش

ایوان شمالی مسجد جمعه اصفهان که نزد عامه مردم بایوان درویش شهرت دارد و اساس ساختمان آن ازدوره سلاجقه است درداخل بتزیینات آجری و گچی آراسته شده ونمای خارجی آن که آجر ساده بوده وهیچگاه تزین نشده بود در سال ۱۳۳۷ خورشیدی با کاشیهای معقلی و تزیینات آجری پیراسته شده است (۱)

بفجوای یك کتیبه تاریخی از دوره شاه سلیمان صفوی که بر دیوار مقابل این ایوان ودرقسمت فوقانی شاه نشین آن گچ بری شده این پادشاه نسبت بتجدید بنای مسجد جامع عتیق اقدام نموده است. کتیبه تاریخی این ایوان که بخط ثلث گچ بری شده ومورخ بسال ۱۰۹۳ هجری میباشد بشرح زیر است:

« قد امر سید السلاطین و مفخر الخواقین مشید اساس الدین المبین مروج شریعة آبائه الطاهرین معدن الجود والکرم والامتنان السلطان بن السلطان والخاقان بن- الخاقان **ابوالمظفر السلطان سلیمان الحسینی الصفوی** جعله الله خلیفة من الرحمن بتجدید هذا المسجد العتیق الذی اسس علی التقوی للعاکفین والمصلین والرکع السجود الداعین محبوباً للدولة والحکومة فی **۱۰۹۳** »

خطوط کوفی در شاه نشین ایوان درویش

در انتهای ضلع شمالی ایوان درویش شاه نشینی بنا شده و درقسمت فوقانی آن

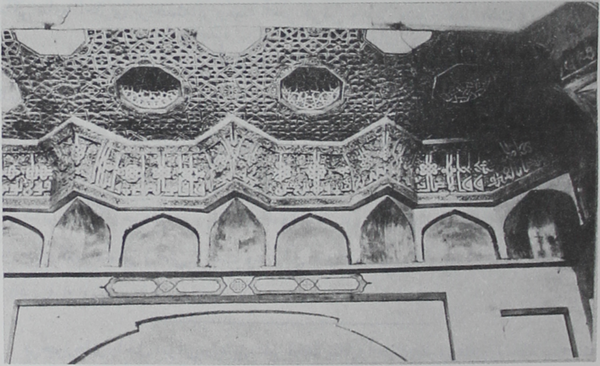
---

(۱) بین سالهای ۱۳۳٤ تا ۱۳۳۷ خورشیدی که مؤلف ریاست اداره باستانشناسی اصفهان را بعهده داشت با مراقبت مخصوصی که بعمل آمد نمای خارجی این ایوان بتزیینات متناسب معقلی (ترکیب تزیینات آجروکاشی) بوجهی که باتزیینات داخل ایوان ونماسازیهای اطراف تناسب کامل پیدا میکرد ولوحه های خط بنائی آراسته شد و درسال ۱۳۳۷ خورشیدی باتمام رسید وباین مناسبت برروی پایه ستونهای مرمری طرفین ایوان یك کتیبه کاشیکاری بخط بنائی و بشرح زیر بیادگار گذاشته شد:

« تعمیر کامل داخل ایوان درویش وکاشیکاری خارج آن بوسیله اداره باستانشناسی اصفهان در سال یکهزار وسیصد و سی وهفت شمسی اتمام یافت. »

طاقنمائی که دارای مقرنس های گچی است جلب توجه میکند . ازاره های شاه‌نشین ایوان باسنگ های یکپارچه مرمری پوشیده شده ویك پنجره بزرگ یکپارچه مشبك مرمری آنرا از ساختمانهای شمالی آن که از دوره سلاجقه است جدا میکند . طاق شاه نشین دارای تزیینات گچی است و در اطراف آن بخط کوفی گل و بوته دار آیه های ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ از سوره (نور) بشرح زیر گچ بری شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو والاصال رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکرالله واقام الصلوة وایتاء الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب والابصار لیجزیهم الله احسن ما عملوا و یزیدهم من فضله والله یرزق من یشاء بغیرحساب . »



تزیینات گچ بری شاه نشین ایوان درویش (خطوط کوفی)

در بالای پنجره مشبك مرمری شاه نشین بخط نستعلیق مشگی بر زمینه سفید اشعار زیر نقاشی شده است :

شکر لله که طاق درویشان — باصفا شد چو کعبه دلشان
چون حسینای کار گر کارش — شد تمام از توجه ایشان

در هلال طاقنمای فوقانی شاه نشین بخط بنائی عبارات زیر گچ بری شده است:
در دوشکل مربع قرینه هم : « لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی‌الله . »
» » » : « محمد و علی خیرالبشر . »
» » » : « یا الله المحمود فی کل فعاله . »
و در یك شمسه وسط پنج کلمه (الله) نوشته شده است .

خطوط بنائی در طاق ایوان درویش

در طاق ایوان درویش هشت عدد موج (۱) موجود است و عبارات موجها بخط بنائی ساده آجری برجسته برزمینه آجر قرمز و سبز بشرح زیر است :

در وسط موج یك کلمه (الله) چهار کلمه (محمد) ودراطراف کلمه محمد چهار کلمه (علی) نوشته شده است که مجموعاً تشکیل یك شکل مربع میدهند ودراطراف این مربع جمله (سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر) دو مرتبه بخط بنائی نوشته شده است .

شانزده شکل مربع هم درانتهای امواج مزبور نقش شده که عبارات هشت مربع آن چهار کلمه متصل (علی) است وعبارات هشت مربع دیگرجمله مقدس (یا الله) و نام مبارك (محمد) است .

برجرزهای داخل ایوان درویش نیز بخط بنائی آجری فرورفته برزمینه برجسته عبارات زیر منقوش است :

در دو شمسه بالا و پائین : « یا قاضی الحاجات » درموج وسط دوجمله (یاالله)

---

(۱) موج اصطلاح کاشیکارها است و درسقف این ایوان بشکل لوحه دوازده ضلعی نمایش داده شده است .

و دو کلمه (محمد) و دو کلمه (علی) که درهرجرز این کلمات نسبت بهم قرینه‌اند .

در هلال بزرگ ایوان درویش مشرف بصحن در هشت شکل مربع مورب بخط بنائی آجری برجسته برزمینه فرو رفته از آجر قرمز از پائین ببالا عبارات زیر منقوش است :

در دو شکل مربع قرینه هم : « سبحان الملك والملکوت . »

» » » : « سبحان الحی الذی لایموت . »

» » » : « سبحانه تعالی عما یصفون . »

ودرشکل مربع وسط هلال طاق عبارت (صدق الله العلی العظیم) نقش‌شده است .

عبارات الواح نمای خارجی ایوان درویش نیز مانند عبارات جرز های داخل ایوان انتخاب شده است با این تفاوت که در موجهای کتیبه آن برزمینه آجری برجسته و خط کاشی فیروزه ای فرورفته عبارات زیر منقوش است :

در دو شکل مستطیل قرینه هم « سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر. »

در مربع وسط کتیبه این ایوان « یا الله - محمد - علی . »

عبارات جرز های خارجی ایوان نیز در اشکال مربع مانند از بالا بپائین چهار کلمه (الله) چهار کلمه (محمد) و چهار کلمه (علی) است و عبارات هر دو جرز قرینه میباشد .

روی ستونهای سنگی مرمری طرفین ایوان عبارت (الحکم لله) بخط کوفی در بالا و پائین ستون منقور است .

کتیبه های گچ بری ایوان درویش بخط محسن امامی
مورخ بسال ۱۰۹۸ هجری

کتیبه گچ بری این ایوان دردوقسمت است که برروی هم یکی در بالا ودیگری در پائین نوشته شده و از حیث مطلب و مضمون بیکدیگر مرتبط نیست - سطر بالا مشتمل است بر احادیث مناقب اهل بیت عصمت بطرق اهل سنت و سطردوم احادیث

مربوط بفضیلت مساجد است و آداب شرعی و اخلاقی که در باره مساجد ذکر شده.

هردو کتیبه بخط ثلث گچ بری شده ودرحدود یك متر ونیم الی دو متر از ابتدا و انتهای هر کتیبه بمرور زمان ریخته است.

کتیبه اول که بخط ثلث گچ بری شده بشرح زیر است:

« قال‌الله تبارك وتعالی‌ماکان للمشرکین ان یعمروامساجدالله شاهدین علی‌انفسهم بالکفر اولئك حبطت اعمالهم وفی‌النار هم خالدون (۱) انما یعمرمساجدالله من‌آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین. اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الاخر و جاهد فی سبیل‌الله لایستون عندالله والله لایهدی القوم الظالمین. روی فی جامع الاصول من صحیحی البخاری انه افتخر طلحة بن شیبه بالحجابه و عباس بالسقایه فقال امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلم لقد صلیت الی القبلة ستة اشهر قبل الناس وانا صاحب الجهاد فنزلت تصدیقاً له علیه السلم وروی من صحیحی مسلم والترمذی عن سعد بن ابی وقاص قال سمعت ثلثا قالهن رسول الله صلی الله علیه وآله فی علی لان تکون لی واحدة منهن احب الی من حمرالنعم ثم سمعته صلی الله علیه وآله یقول له علیه السلم و قد خلفه فی بعض مغازیه فقال له علی خلفتنی مع‌ـ النساءِ والصبیان فقال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله اما ترضی ان تکون منی بمنزلة هارون من‌موسی الا انه لانبی بعدی و سمعته یقول یوم خیبر لاعطین الرایة غداً رجلا یحب الله و رسوله و یحبه‌الله و رسوله فتطاولنا لها فقال ادعوا لی علیا فاتی به ارمد فبصق فی عینه و دفع الرایة الیه ففتح الله علیه و لما نزلت قل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسائنا و نسائکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین

---

(۱) ابتدای این کتیبه تاکلمه (خالدون) بمرور زمان از بین رفته است و فعلا جای آن خالی مانده ـ قسمت اول این کتیبه را بترتیبی که نقل شد آقای حاج میر سید علی ابطحی امام جماعت مسجد جمعه اصفهان در اختیار نگارنده قرار داده اند.

دعا رسول الله صلی الله علیه و آله علیاً وفاطمة وحسناً و حسیناً علیهم السلام فقال اللهم هولاء اهلی . و منهما عن ابن‌عمر بن حصین قال شکوا علیاً الی النبی صلی‌الله علیهما فاقبل الیهم والغضب یعرف فی وجهه فقال ما تریدون من علی و علیاً منی و انا منه و هو مولی کل مؤمن بعدی . و فی الترمذی قال علی منی و انـا من علی ولایؤدی عنی الا انا اوعلی ومن صحیح النسای قال کان عند رسول الله صلی الله علیه و آله طیر فقال اللهم‌ائتنی باحب خلقك الیك یا کل معی هذاالطیر فجاءِ علی فا کل‌معه . ومن صحیحی مسلم والترمذی عن‌عایشة قالت خرج رسول الله صلی‌الله علیه‌و آله وعلیه مرط مرحل سود فجاءِ الحسن فادخله ثم جاءِ الحسین فا دخله ثم جائت فاطمة فادخلها ثم جاءِ علی‌فادخله ثم قال انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهر کم‌تطهیراً و فی‌الترمذی عن انس ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یمر بباب فاطمة علیها السلم اذا خرج الی‌الصلوة حین نزلت هـذه الایة قریباً من ستة اشهر یقول الصلوة یا اهل البیت انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهـل البیت و یطهر کم تطهیراً »

سطر دوم کتیبه ایوان درویش

ابتدای این کتیبه دوم مانند کتیبه اول ازضلع شرقی ایوان شروع میشود ومربوط بفضیلت مساجد و آداب شرعی واخلاقی که در باره مساجد وارد شده است میباشد این کتیبه نیز بخط ثلث گچ بری شده و بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . روی عن عبدالله بن‌جعفرعن ابیه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله قال الله تبارك و تعالی الا ان بیوتی فی‌الارض المساجد (۱) تضئی لاهل السماءِ کماتضئی‌النجوم لاهل الارض. الاطوبی لمن‌کانت‌المساجد بیوته. الاطوبی لعبد توضا فی بیته ثم زارنی فی بیتی . الا ان علی المزور کرامة الزائر . الا بشر -

(۱) از ابتدای این کتیبه تا کلمه (المساجد) در اصل کتیبه بمرور زمان از بین رفته است. عبارات این قسمت ازکتیبه را حضرت آقای حاج میرسید علی‌ابطحی امام جماعت مسجد جمعه اصفهان دراختیار نگارنده گذاشته اند .

المشائین فی الظلمات الی المساجد بالنور الساطع یوم القیمة وقال صلی الله علیه وآله
یا اباذر کل خطوة تخطوها الی الصلوة صدقة . یا اباذر ان الله یعطیك مادمت جالسا
فی المسجد بکل نفس تنفس فیه درجة فی الجنة و یکتب لك عشر حسنات و یمحی
عنك عشر سیئات وتصلی علیك الملئکة . یا اباذر کل جلوس فی المسجد لغو الاثلثة
قراءة مصل او ذکر الله تعالی اوسائل عن علم . یا اباذر من اجاب داعی الله و احسن
عمارة مساجدالله کان ثوابه من الله الجنة قال کیف یعمرها قال لاترفع فیها الاصوات
ولایخاض فیها بالباطل ولایشتری فیها ولایباع واترك اللغو ما دمت فیها فان لم تفعل
فلاتلو من یوم القیمة الا نفسك . یا اباذر تحیة المسجد رکعتان ترکعهما و قال
صلی الله علیه و آله من اسرج فی مسجد من مساجد الله سراجاً لم تـزل الملئکة و
حملة العرش یستغفرون له مادام ذلك فی المسجد ضوء من السراج و قال ایضاً من
اقمر مسجداً کتب الله له عتق رقبة ومن اخرج مایقذی منه عیناً کتب الله له کفلین من
رحمته . و عن امیرالمؤمنین صلوات الله علیه قال ان الله عـزوجل اوحی الی عیسی
علیه السلام قل للملاء من بنی اسرائیل الا تدخلوا بیتا من بیوتی الا بقلوب طاهرة
و ابصار خاشعة واکف تقیه (۱) وقال صلوات الله علیه لیس لجار المسجد صلوة اذا لم
یشهد المکتوبة فی المسجد اذاکان فارغاً صحیحاً . وقال الامام جعفر بن محمدالصادق
علیه السلام شکت المساجد الی الله تعالی الذین لایشهدونها من جیرانها فاوحی الله
عزوجل و عزتی وجلالی لاقبلت لهم صلوة واحدة ولااظهرت لهم فی الناس عدالة ولا
نالتهم رحمتی ولاجاورونی فی جنتی . و قال صلوات الله علیه علیکم باتیان المساجد
فانها بیوت الله فی الارض ومن اتاها متطهراً طهره الله من ذنوبه و کتب من زواره فاکثروا
فیهامن الصلوة والدعاء وصلوا فی المساجد من بقاع مختلفة فان کل بقعة یشهد للمصلی
علیها یوم القیمة وقال صلوات علیه من اکل شیئاً من الموذیات ریحها فلایقربن المسجد

---

(۱) این کلمه در روایت (نقیه) ذکر شده است ولی در این کتیبه (تقیه) نوشته شده .

و قال صلوات الله علیه من وقر مسجداً لقی الله یوم یلقاه ضاحکاً مستبشراً و اعطاه کتابه بیمینه و من رد ریقه تعظیماً لحق المسجد جعل الله ذلک قوة فی بدنه و کتب له بها حسنة و لم تمر بداءٍ فی جوفه الا ابرأته ومن کنس المسجد فاخرج منه التراب ما یذر فی العین غفر الله له **کتبه محسن الامامی سنة ثمان و تسعین بعد الالف** . (۱) (۲)

---

(۱) قسمت آخر این کتیبه از کلمه (ابرأته) ببعد که دراصل کتیبه بمرور زمان ازبین رفته است بوسیله استاد جلال الدین همائی در اختیار نگارنده گذاشته شده است .

(۲) بر دیوار مسجد جمعه قطعاتی بعنوان یادگار نوشته شده است از آنجمله بر دیوار شرقی شاه نشین ایوان درویش بخط ثلث مشکی بر زمینه گچ بعد از جمله « بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین کتبه ... » این دو مصرع را نوشته دیدم :

عابد نداشت تاب نمك خوارگی بکس   ناکس بتربیت نشود مدعای کس

سنه ۱۱۲۵

و بر دیوار چهلستون شرقی مجاور شاه نشین مصرع ذیل نوشته شده است :

گر ما مقصریم تو دریای رحمتی   سنه ۱۱۱۴

الواح و کتیبه های ایوان شرقی مسجد جمعه

ایوان شاگرد

در مقابل ایوان استاد که در ضلع غربی مسجد جمعه بنا شده (ایوان شاگرد) درضلع شرقی آن بنا شده است . نما های خارجی این ایوان تزیینات ساده آجری دوره سلاجقه از اوایل قرن ششم هجری است که خوشبختانه دست نخورده بر جای مانده ونمونه‌ای ازتزیینات اصلی‌سلجوقی برنماهای ایوانهای چهار گانه مسجد است.

بطوریکه ضمن شرح ساختمانها و کتیبه ها والواح اضلاع جنوبی وغربی وشمالی مسجد جمعه اصفهان بتفصیل بیان گردید برای تحصیل اجر اخروی ویابصرف آنکه از خود نام و نشانی باقی گذاشته باشند از طرف سلاطین و حکمرانـان و وزراء و اشخاص خیروهنرمندان وبانیان زینت معابد اعم از مرد یا زن دراین مسجد بزرگ دوره سلجوقی بتدریج دخالتهائی بعمل آمده وضمن انجام تعمیرات لازم قسمتهای مهمی از مسجد را از صورت ساده و اولیه سلجوقی آن خارج کرده و با افزودن صفحات کاشیکاری و تزیینات معقلی (ترکیب آجر وکاشی) یا گچی و سنگهـای مرمری و الواح و کتیبه های متعدد نما های داخل وخارج ایوانهای اطراف را بصورتی دیگر که شرح آنها گذشت درآورده اند. اما نمای خارجی ایوان شاگرد (ایوان شرقی) بدون هیچگونه دخالتی مانند **گنبد تاج الملك** درشمال مسجد بصورت اصلی آن باقی مانده و برای کسانیکه بخواهند بنا هـای خالص سلجوقی راکه دور از هرگونه تعرض و مداخله‌ای برجای مانده اند مطالعه نمایند از نمونه های عالی موجود در شهراصفهان میباشد . (نمونه های دیگر نیز در داخل و خارج شهر اصفهان وجود دارد و شرح آنها در این کتاب خواهد آمد .)

در نمای خارجی این ایوان و در داخل دوطاقنمای پائین دست جرزهای طرفین بخط کوفی ساده از آجر برجسته نوشته شده است :

در سمت راست :　«لا اله الا الله الملك الحق المبين .»

در سمت چپ :　«محمد رسول الله الصادق الامين .»

کتیبه داخل ایوان شاگرد از دوره شاه سلیمان صفوی
مورخ بسال ۱۰۹۳ و بخط محمد محسن امامی

کتیبه داخل این ایوان بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی پس از ذکر احادیثی درباره فضیلت مساجد وآداب شرعی مربوط بآن ازتوجه شاه سلیمان صفوی باین‌مسجد عتیق‌حکایت میکند. این کتیبه که مورخ بسال۱۰۹۳ هجری وبخط محمد محسن امامی میباشد بشرح زیر است :

«قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله لاتجعلوا المساجد طرقاً حتی‌تصلوا فیهار کعتین وقال صلی الله علیه وآله من‌کان القرآن حدیثه والمسجد بیته بنی‌الله له بیتاً فی الجنة و قال‌الامام جعفر بن محمد الصادق صلوات‌الله علیه من مشی الی المسجد لم یضع رجله علی رطب ولایابس الا سبحت له الارض الی الارضین السابعه صدق .

دنباله این کتیبه برجبهه شرقی و شمالی ایوان بشرح زیر ادامه میابد :

لقد جدد مجدد اساس الدین المبین و مشید قواعد شریعة آبائه الاطهرین و عز-الایمان والمؤمنین مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم فرع الشجرة الطیبة-النبویة غصن الدوحة العلیة العلویة السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان **شاه سلیمان الصفوی الموسوی بهادرخان** لازالت سرادق دولته قائمة والفتن فی‌عهده نائمة هذاالبیت العتیق الذی یسامی سموالسماء رفعة و یاوی الیه العباد عشیاً و غدیاً فزینه باسمه السامی و جعله مانساً للعاكف والبادی . روی الترمذی فی صحیحه عن امیرالمؤمنین صلوات‌الله علیه ان رسول الله صلی‌الله علیه وآله اخذ یدا حسن وحسین علیهما السلم و قال من احبنی و احب هذین و اباهما و امهماکان معی فی درجتی یوم القیمة و منه زید بن ارقم قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله لعلی و فاطمة والحسن والحسین علیهم السلم انا حرب لمن حاربتم وسلم لمن سالمتم **کتبه**

محمد محسن بن محمد رضا الامامی فی سنة ثلث وتسعین بعد الف .»

شاه نشین ایوان شاگرد

شاه نشین این ایوان برخلاف شاه نشین ایوان مقابل آن (صفه استاد) که با تزیینات کاشیکاری و خطوط ثلث و بنائی تزیین شده صورت اصلی وسلجوقی خودرا حفظ کرده است . این شاه نشین دارای مقرنس های آجری است و در هلال آن بخط کوفی آجری برجسته کتیبه ذیل نوشته شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . شهدالله انه لااله الا هووالملائکة واولواالعلم قائماً بالقسط لااله الاهوالعزیزالحکیم . انالدین عندالله الاسلام صدق الله .»

در طرفین این شاه نشین و در داخل دو طاقنمای کوچك بخط ثلث عبارات زیر گچ بری شده :

سمت راست : « ان الله و ملائکته یصلون علی النبی . »

سمت چپ : « یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً . »

محراب ایوان شاگرد

محراب این ایوان که بر دیوار جنوبی آن نصب شده سنگ یکپارچه مرمری نفیسی است که در اطراف و بالا و بر روی سنگ زیبای آن الواح و کتیبه هائی نوشته شده . در اطراف محراب در الواح کوچك علیحده صلوات برچهارده معصوم بخط ثلث گچ بری شده ولی بجزشش لوحه بقیه آنها بمرور زمان ازبین رفته است. الواح برجای مانده بشرح زیر است :

« اللهم صل علی محمد المصطفی و صل علی علی المرتضی .... و صل علی محمد الباقر و صل علی جعفر الصادق و صل علی موسی الکاظم و صل علی علی موسی الرضا .... »

خط نظام اصفهانی در ایوان شاگرد

بر سنگ مرمر محراب نفیس ایوان شاگرد بخط ثلث بسیار زیبای برجسته نوشته شده است :

« قال النبی صلی الله علیه و آله وسلم اذا رأیتم الرجل یتعاهد المسجد فاشهدوا له بالایمان فان الله تبارك و تعالی یقول انما یعمرمساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر صدق رسوله الکریم . »

ودر بالای سنگ مرمری محراب کتیبه ذیل بخط ثلث برجسته گچ بری شده است:

« لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله حقاً حقا . یجاهدون فی سبیل الله ولایخافون لومة لائم ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم صدق الله العظیم **کتبه نظام الاصفهانی فی شهور سنة ۹۹۴ .** »

اسامی خلفای راشدین در ایوان شاگرد

خطوط گچ بری دیوارشرقی ایوان کوچکی که در گوشه ضلع جنوب شرقی‌ایوان شاگرد واقع شده در حاشیه شامل (اسماءِ الله) و سوره های (حمد) و (اخلاص) و (آیة الکرسی) است و متن آن که بصورت یك صفحه بزرگ مزین بتزیینات گچ بری است شامل اشکال کوچك مربع ودایره مانند از گچ در بین آجرها است .

کلمات و عبارات داخل این اشکال مربع بخط ثلث مشتمل بر(اسماءِ الله) است و دراشکال دایره بخط کوفی چهار کلمه (محمد) چهار کلمه (و ابوبکر) چهار کلمه (وعمر) چهار کلمه (وعثمان) چهار کلمه (وعلی) گچ بری شده .

دربعضی اشکال دایره مانند نام پیغمبروخلفای راشدین یکجا گچ بری شده ودر بعضی دیگرعباراتی‌مانند «لااله الاالله محمد رسول‌الله علی ولی‌الله» گچ بری شده است. بغیر از اسماءِ الله و نام (محمد) و (علی) که مکرر در مکرر گچ بری شده نام (فاطمه) نیز ضمن گچ بریهای این قسمت بخط ثلث دیده میشود .

بر دیوارجانب مقابل این دیوار پر از گچ بری دیوار شرقی این ایوان کوچك نیز با حاشیه های گل وبوته گچ بری شده ولی متن آن ساده تر ازمتن دیوار غربی است و اشکال مربع و دایره مانند در این قسمت فقط نقوش تزییناتی میباشد که در بین آنها کلمه (محمد) گچ بری شده است .

الواح و کتیبه های صفه عمر درمسجد جمعه اصفهان

در منتهی الیه ضلع شرقی مسجد جمعه اصفهان صفه عمر واقع شده که سابقاً بدون توجه بکتیبه های موجود در آن بعضی ساختمان آنرا بعمر عبدالعزیز خلیفه اموی و بعضی دیگر بعمرعبدالعزیز ازسلسله آل ابودلف نسبت میداده اند درحالیکه کتیبه تاریخی هلال این ایوان صریحاً زمان ساختمان آنرا در ایام سلطنت سلطان محمود آل مظفر و بانی ساختمان آنرا که خواسته است ببنا های موجود در مسجد جمعه اصفهان قسمتی را اضافه نماید بنام (مرتضی بن‌الحسن‌العباسی الزینبی) معرفی مینماید .

راهروی اصلی این مدرسه که آنرا بصحن مسجد متصل میکند بین ایوان شاگرد و ساختمان شبستان وسیع دیگری از دوره آل مظفر که در شمال ساختمان ایوان شاگرد واقع شده قراردارد . ایوان اصلی یا صفه عمر بطول وعرض ده متر درجنوب صحن مقابل آن واقع شده و در طرفین آن دو دالان مسقف دو طبقه با سقف های کوتاه بنا شده که عرض هریك از آنها با جرز های قطور آجری بپنج متر میرسد و دیوارغربی آن همان دیوار قطور کهنسالی است که از خشت خام ساخته شده ودر دالان ورودی شرقی قسمتهای عمده ای از آن نمایان است (ساختمان دیوار قدیمی مزبور را بعضی بدوره ساسانیان و زمانی که بجای مسجد فعلی آتشکده ای برپا بوده نسبت میدهند و بعضی دیگر آنرا از دوره خلافت منصور خلیفه عباسی میدانند و بهرحال هریك از این تعاریف صحیح باشد دال بر قدیمی بودن بنای آنست و در مسجد جمعه اصفهان تا این تاریخ قسمتی قدیمی‌تر از آن برما معلوم نشده .) (١) این ایوان بوسیله مدخل دیگری بطول پنج وعرض دومترونیم بشبستان جنوبی

---

(١) بقایای این دیوار را دردالان ورودی فعلی (دالان شرقی) بهتر ازقسمتهای دیگر مسجد میتوان مشاهده نمود .

ایوان که محراب اصلی صفه در دیوار مقابل آن ساخته شده مربوط میشود. این شبستان ۱۹ متر طول و یازده متر عرض دارد و از لحاظ معماری ساختمان هشت درگاه اطراف آن که هریك از آنها با مقرنسهائی از آجر های رنگی سفید و سبز و قرمز تزیین شده اند جلب توجه میکند و این ترکیب جالب آجرهای رنگی که تراوش ذوق استادان ایرانی درقرن هشتم هجری است در آثار تاریخی دیگر اصفهان نظیر ندارد و ابتکاری منحصر بفرد محسوب میشود .

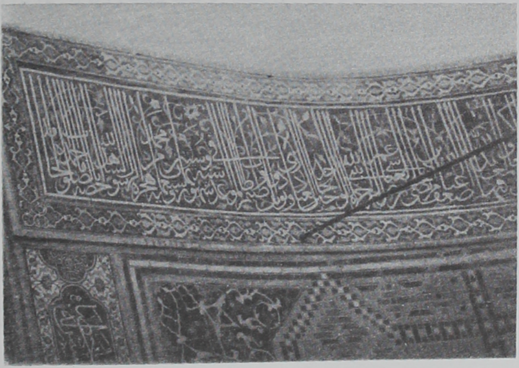
کتیبه تاریخی صفه عمر از دوره سلطان محمود آل مظفر
بخط عزیزالتقی الحافظ و مورخ بسال ۷۶۸ هجری

کتیبه هلال صفه عمر حاکی از ساختمان این صفه در دوره سلطنت سلطان محمود آل مظفر است و بطوریکه ذیلا متن کتیبه درج میشود در کتیبه این صفه بانی ساختمان آن (مرتضی بن الحسن العباسی الزینبی) معرفی شده است . کتیبه مزبور بخط ثلث سفید معرق زیبا بر زمینه کاشی لاجوردی و بخط **عزیزالتقی الحافظ** یعنی خطاطی که فقط همین یك کتیبه بنام او در اصفهان موجود است بشرح زیرمیباشد :

« بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله المحمود العالی الماجد الذی وفق **عبده المرتضی** لعمارة المساجد والصلوة علی محمد المصطفی نبیه و اصحابه والتابعین لهم الذین هجروا بهم العشایر فالذین استجابوا بالله و فی سبیل الله و بعدالحمد والصلوة لقد ساعدنی الله لتاسی بقوله تعالی انما یعمرمساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة و بقوله تعالی فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو والاصال رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله واقام الصلوة وایتاء الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب والابصار و ممن بادر و اجاز و آثر فاجاد واجتهد **فی ایام سلطنة سلطان محمود خلد الله ملکه و سلطانه ببناء هذا الایوان العالی** لابتغاء مرضاة ربه **و اضافة الی البناء الجامع باصفهان** هذه العمارة المبارکة للعابدین و فیها معابدالله اضعف عبادالله **مرتضی بن الحسن العباسی الزینبی** عمر الله الواحد اخراه حین

یجازی العباد و نودوا بان طبتم وطاب الموعد **فی شهور سنة ثمان وستین وسبعمائة** من هجرة محمد الرسول الشاهد خصه الله بالصلوات ماحمده الحامد **کتبه عزیز التقی الحافظ** .» (۱)

(نام خطاط این کتیبه در انتهای کتیبه فوق الذکر بخط ثلث آجری بـر زمینه لاجوردی نوشته شده است.) (۲)



کتیبه ثلث هلال صفه عمر بخط عزیزالتقی الحافظ

(۱) وجه تسمیه این صفه به (عمر) با بنائی که تا قرن هشتم هجری در محل این صفه موجود بوده و ایوان فعلی در محل آن بنا شده است ارتباط دارد و ما از کیفیت آن بنـای اولیه اطلاعی نداریم .

(۲) تعمیرات اساسی صفه عمر و کتیبه هلال این صفه بوسیله مرحوم جواد مجد زاده صهبا که مدتی تصدی آثار تاریخی اصفهان را بعهده داشته است انجام گرفته و شرحی را که آن مرحوم درصعوبت تعمیر کتیبه مزبور درشماره ۴۸ روزنامه خود بنام (سر نوشت) آورده است عیناً نقل میکنیم :

« اشکال عمده در تعمیر و تکمیل کتیبه صفه عمر آن بود که عبارات آن از آیات قرآنی یا احادیث و اخبار انتخاب نشده است که با یافتن یکی دوکلمه بتوان بعینه عبارت را بدست آورد وازطرف دیگر بطوریکه مشاهده میشد در بیشترقسمتها فقط مقداری الف ولام وبرخی حروف ازکتیبه اصلی موجود بوده وناچارمیبایستی عباراتی در آن گنجانیده شود که باحروف-

در خلال خطوط بنائی طاق صفه عمر نام بانی ساختمان آن مرتضی بن الحسن العباسی الزینبی ذکر شده است

خطوط تزییناتی و تاریخی سقف صفه عمر در دو شمسه بزرگ خلاصه میشود که عبارات اطراف هر دوشمسه یکسان است ولی کتیبه متن آنها متفاوت است . اطراف هرشمسه شامل هشت شکل مربع است که در داخل هرمربع بخط بنائی سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی چهارکلمه ازکلمات زیر نوشته شده است :

« الله - محمد - و ابوبکر - و عمر - و عثمان - و علی - و حسن - وحسین . »

متن وسط شمسه غربی بخط بنائی بشرح زیر است :

« قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم اذا رأیتم الرجل یتعاهد المسجد فاشهدوا له بالایمان . »

متن وسط شمسه شرقی بخط بنائی نام بانی ساختمان صفه عمر را بشرح زیردر بر دارد :

« عامر بیت الله تعالی العبد الفقیر الی الله الغنی **مرتضی بن الحسن العباسی الزینبی** تقبل الله منه (۱) »

- باقیمانده تطبیق کند ودر حقیقت مکمل آنها باشد و همین موضوع بود که قریب پنجاه روز کوشش متمادی را الزام مینمود - بعد ازتلفیق وتکمیل عبارات اشکال دیگری پیش آمد وآن تهیه خطی بشیوه و سبک خط ششصد سال پیش بود . این اشکال نیز بطرز عاقلانه ای مرتفع گردید باین معنی که برای نوشتن هر کلمه مفردات آنرا ازبقایای کتیبه قدیمی گرده برداشته و با ترکیب آنها خطی نگاشته شد که حتی بهترین استادان خط ممکن نیست بتوانند میان خطوط اصلی کتیبه و خطوط تعمیری اندك تفاوتی تشخیص دهند واین عمل استادانه بوسیله استاد نصرالله طراح معروف برفائیل که خدمات ذیقیمتی در تعمیر ابنیه تاریخی اصفهان و قم و اردبیل وکرمان انجام داده عملی گردید .

(از قراریکه مؤلف تحقیق نموده است این کتیبه که خرابی بسیار در آن راه یافته و بسیاری ازکلمات آن ازبین رفته بوده است بوسیله دانشمند روحانی فقیدآقای حاج شیخ میرزا حسن قاضی عسکر داور پناه نورالله مضجعه ترکیب و تنظیم شده است)

(۱) نام بانی‌ساختمان صفه عمر بشرحی که گذشت درکتیبه هلال صفه عمرنیزآمده است.

حسن کارون استاد کاشیکار صفه عمر

طاق هلالی شکل مدخل صفه عمر بشبستان محراب که درجنوب آن واقع است نیز با سه نوع خط بنائی عباراتی را بشرح زیر در بر دارد :

بخط بنائی درشت سه رگی فیروزه رنگ بر زمینه آجری نوشته شده است :

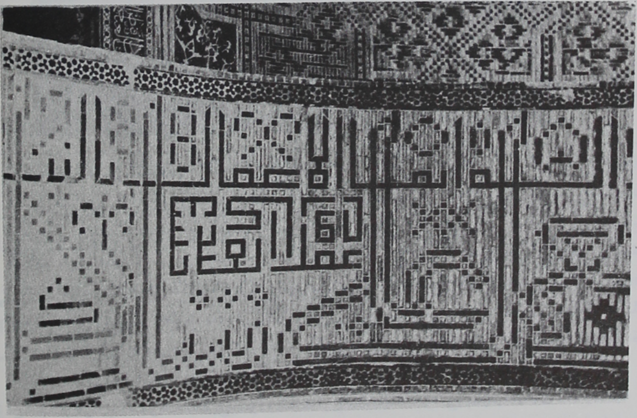
« قال الله تعالی قل کل یعمل علی شاکلته »

بخط بنائی یك رگی لاجوردی برزمینه آجری نوشته شده است :

« قال النبی صلی الله علیه و آله انما الاعمال بالنیات . »

و بخط فیروزه ای برزمینه آجری نوشته شده است :

« عمل العبد حسن کارون »



یك قطعه خط بنائی در صفه عمر مشتمل بر نام استاد کاشیکار این صفه حسن کارون

کتیبه محراب صفه عمر بخط علی کوهیار الابرقوهی
مورخ بسال ۷۷۸ هجری

کتیبه اطراف محراب صفه عمر بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

« قال الله تعالی فی کتابه الکریم و کلامه القدیم و هو اصدق القائلین و اکرم - الاکرمین انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة و آتی الزکوة و لم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لایستون عندالله والله لایهدی القوم الظالمین صدق الله العظیم وقال رسول الله صلی الله علیه وسلم من بنی لله مسجداً بنی الله له بیتاً فی الجنة و قال علیه من الصلوات افضلها و من - التحیات اکملها احب البلاد الی الله مساجد ها و ابغض البلاد الی الله اسواقها ختم الله تحریراً فی سنة ثمان و سبعین و سبعمائة کتبه علی کوهیار الابرقوهی . »

کتیبه قسمت فوقانی محراب در دو سطر است : سطر اول بخط کوفی حنائی رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی مشتمل بر جمله زیراست :

« ربنا واجعلنا مسلمین لك ومن ذریتنا امة مسلمة لك وارنا مناسکنا وتب علینا.»

سطر دوم بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

« قال الله تبارك وتعالی و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت واسمعیل ربنا تقبل منا انك انت السمیع العلیم . »

خطوط بنائی در محراب صفه عمر

بر هلال محراب صفه عمر بخط کوفی سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی جملات ذیل نوشته شده است :

الملك لله ـ الحمد لله ـ یامجیب الدعوات .

در داخل مقرنس های محراب بخط بنائی سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی

نوشته شده :

« سبحان ربی الاعلی و بحمده » « سبحان الواحد الصمد » « سبحان الدائم الابد»

و بخط سبز بر زمینه سفید :

« سبحان الودود المجید» «سبحان الغنی الحمید» «قال النبی صلی الله علیه وسلم .»

بخط سفید بر زمینه لاجوردی :

« لاصلوة لمن لم یقرء بالکتاب » « سبحان القائم الدائم » «سبحان الدائم القائم»

« قال النبی علیه السلام » « المصلی یناجی ربه »

استادان کاشیکار محراب صفه عمر

در دو لوحه بشکل مربع مستطیل و با کاشی لاجوردی رنگ پوسته شده نام استادان هنرمندی که تزیینات کاشیکاری این محراب را باتمام رسانیده اند بترتیب زیر نوشته شده است :

در سمت راست : « عمل العبد الضعیف شمس بن تاج »

در سمت چپ : « فخر بن عبدالوهاب شیرازی البناء »

الحاقاتی از دوره استیلای افاغنه درمسجد جمعه

چنین نقل کرده اند که در دوره حکومت افاغنه دراصفهان بدستور اشرف افغان صفه و مسجد عمر برای نماز پیروان تسنن یعنی سربازان افغان و اطرافیان اشرف اختصاص داده شده است وبرای آنکه با پیروان تشیع اختلافی پیدا نکنند راهروی فعلی صفه عمر بصحن مسجد جمعه را مسدود نموده و دردیگری بسوی بازار مجاور آن در ضلع شرقی باز نموده اند که این در موقتی هنوز هم وجود دارد و بدستور او برای آنکه از دوره استیلای وی بر اصفهان درمسجد جمعه اثری برجای بماند بنصب الواح و کتیبه ای درصفه عمراقدام نموده است .(۱)

(۱) شیخ جابری انصاری نوشته است که چون این صفه بنام (عمر) مشهور بوده در دوره صفویه بتعمیر آن توجهی نمیشده و اشرف افغان علیرغم شیعه بتعمیر آن پرداخته است .
(تاریخ اصفهان و ری صفحه ۱۹۸)

کتیبه صفه عمر مشتمل بر نام خلفای راشدین مورخ بسال ۱۱۳۹ هجری

این کتیبه که بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی نوشته شده است و بخط (علی المولوی) ومورخ بسال ۱۱۳۹ هجری است نام خلفای راشدین را در بردارد . ابتدای این کتیبه ازجانب غربی ایوان است وچون برای اتمام کتیبه جای کافی نداشته اند دو سطر آخر کتیبه را که نام مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام را نیز در بردارد در حاشیه کتیبه جای داده اند . کتیبه بشرح زیر است :

« الحمدلله الذی تفرد بالوحدانیة والبقاءِ و تقدس عن الامثال والاکفاءِ و اشهد شهادة صادقة والانباءِ و نشهد نبیاً بعثه الله رحمة لاهل الارض والسماءِ صلی الله علیه و علی آله و اصحابه خیرالال وخیرالاصحاب الذین آمنوا وجاهدوا فی سبیل الله سیما علی الامام الذی بمفاخر صدقه یضرب الامثال الموصوف فی القرآن بالتقوا و قوی لما ینال خلیفة رسول الله علی التحقیق امیرالمؤمنین ابی بکرالصدیق رضی الله عنه و علی الامام الذی یضرب بمآثرعدله الامثال ویمحی عن الاسلام اصول الکفر والضلال خلیفة رسول الله علی التحقیق امیرالمؤمنین عمرالفاروق و علی الامام التقی الـوقور کالراسیات منالجبال خلیفة رسول الله علی التحقیق امیرالمؤمنین عثمان ذی النورین الزکی (۱) و علی الامام الکبیرالنوال خلیفة رسول الله علی التحقیق امیرالمؤمنین علی الرضی السخی الوفی و سلم تسلیماً کتبه علی المولوی فی ۱۱۳۹ »

الواح صفه عمر مشتمل برنام اشرف افغان ومولی زعفران

الواح صفه عمر که نام اشرف افغان را مانند نام سلاطین صفویه بخط طلائی در بردارد و بخط مهر علی المولوی در سال ۱۱۳۹ هجری نوشته شده است علاوه بر نام اشرف نام مفتی بزرگ افغان (مولی زعفران) و متصدی کار تهیه ونصب کاشیها

---

(۱) از کلمه (الزکی) ببعد دنباله این کتیبه در حاشیه آن در دو سطر بخط ریز تر نوشته شده است .

(یعقوب خان) را نیز شامل است . این نوشته ها بصورت الواح بزرگ و کوچك بدنبال هم در ردیف افقی نصب شده . الواح بزرگتر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی والواح کوچکتر که نام خلفای راشدین را دربردارد بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت قهوه ای رنگ بشرح زیر است :

لقد امرالسلطان خاقان عصره (زصدیق است انوار صداقت)

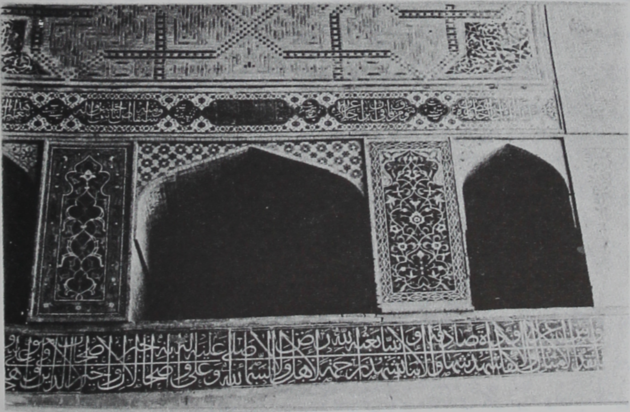
و من فاق فی ایران عز جلاله (زفاروق است اسرار عدالت)

و اشرف سلطان السلاطین اسمه (زذی النورین فیض و نوررحمت)

و منه استفاض الناس حسن نواله (ز انوار علی حب ولایت)

بتعمیر هذا المسجد الجامع الذی (افاض علی العباد فیض جماله)

(زصدیق است انوار صداقت)



تزیینات کاشیکاری صفه عمرازدوره سلطان محمود آل مظفر و کتیبه والواح الحاقی اشرف افغان

بترغیب مولی زعفران وانه	(زفاروق است اسرار عدالت)
تصدی له یعقوب خان وانه	(زانوار علی حب ولایت)
یفوق علی الاقران حسن خصاله	**کتبه الفقیر مهرعلی المولوی ۱۱۳۹**

ساختمانهای مسجد عمر که در مقابل صفه عمر واقع شده است بیش از همه قسمتهای مسجد جمعه اصفهان دچار ویرانی وانهدام شده بود و در قسمتهای ویرانه این مسجد بعضی صفحات کاشیکاری از دوره آل مظفر ومشابه کاشیکاریهای صفه عمر برجای مانده بود که لازم بود برای حفظ آنها اقدام شود. تعمیر وترمیم این قسمت از مسجد جمعه اصفهان نیز در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ خورشیدی بسرپرستی مؤلف شروع گردید وطاقهای خراب آن ازنوساخته شد. امید میرود که تعمیرات باقیمانده آن انجام گیرد و تزیینات باستانی آن تجدید شود.

علاوه بر قسمتهای فوق الذکر سر در اصلی صفه عمر نیز که درجنب مدخل اصلی فعلی مسجد جمعه واقع شده وراه آن بصفه عمر مسدود گردیده است ویرانی کامل راه یافته و از تزیینات کاشیکاری این سر در بغیر از قطعه کوچکی بشرح زیر باقی نمانده بود:

« ۰۰۰۰۰ طان ۰۰۰۰۰ ود خلدالله سلطانه الی یوم الموعود بنیت هذه العمارة ۰۰۰۰۰ » (۱) درسال ۱۳۳۷ شمسی این سردر نیز بطور کامل تعمیر وترمیم گردید و کتیبه آن که بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی است بشرح زیر تکمیل شد:

« بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله المحمود العلی الماجد الذی وفق عبده المرتضی لعمارة هذاالمسجد **فی ایام سلطنة سلطان محمود** خلدالله سلطانه الی یوم الموعود بنیت هذه العمارة المبارکة **فی شهور سنة ثمان وستین وسبعمائة من هجرة محمدالنبی.** »

در بالای اسپر های طرفین این سر در بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی نوشته شده است:

« قال النبی صلی الله علیه وآله و سلم. اذا رأیتم الرجل یتعاهد المسجد فاشهدوا له بالایمان. »

---

(۱) آثار ایران (جلد اول جزوه دوم ترجمه فارسی) صفحه ۱۲۶

الواح و کتیبه های سر درها و راهرو های مسجد

جمعه اصفهان

۱ـ سر در ورودی فعلی (سردری که در جنوب شرقی مسجد واقع است .)

کتیبه این سر در بخط ثلث سفید بر کاشی خشت لاجوردی حاکی از اقداماتی است که دردوره سلطنت فتحعلیشاه قاجار بوسیله حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی حاکم دارالسلطنه اصفهان نسبت بتعمیر سردرمسجد جامع عتیق و بازار جنب سقاخانه آن بعمل آمده است . این کتیبه که مورخ بسال ۱۲۱۸ هجری و بخط (ابوالحسن اصفهانی) میباشد بشرح زیر است :

« قد تشرف بتعمیر باب المسجد الجامع العتیق والسوق الموقوف علیه فی جنبه ـ والمسقی الموقوف قدامه علی المسلمین فی زمن دولة السلطان الاعدل الاکرم والخاقان الاعظم الافخم السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان **السلطان فتحعلی شاه قاجار** خلدالله ملکه ذوالهمم العالیة وذومجدالتالیة خیر الحاج والمعتمرین **الحاج محمد حسین خان الحاکم بامره المطاع فی دارالسلطنه اصفهان** ادام الله توفیقه ودولته **فی شهر الله الاعظم رمضان المکرم من شهور سنة ۱۲۱۸ کتبه ابوالحسن الاصفهانی** . » (۱)

کتیبه سقاخانه عزیزالله

تا اواخر نیمه اول قرن چهاردهم هجری در وسط چهارسوی بازار مقابل در بزرگ ورودی مسجد جمعه سقاخانه ای وجود داشته که پس از ویرانی بازارسنگاب سقاخانه هم بگوشه‌ای افکنده شده است . نگارنده این سنگاب را برای آخرین دفعه در یکی اززوایای صحن مسجد عمر که شرح آن گذشت مشاهده نمود . کتیبه این سنگاب حاکی از آنستکه در دوره پادشاهی شاه سلیمان صفوی بوسیله شخصی

(۱) عبارت (السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان السلطان فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملکه) از ردیف افقی کتیبه خارج شده و در قسمت فوقانی سردر بصورت یک لوحه جای داده شده است .

بنام (عزیزالله) سنگاب مزبور در این محل نصب شده است . کتیبه سنگاب بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

نظام داد عزیز این بنای عالی را — بعهد خسرواقلیم دین **سلیمان شاه**

(سقی الله ثراه و جعل الجنة مأویه)

زبهر خیر تراشید سنگ آب زلال — که بریزید توان کرد لعن خاطرخواه

رقم زد از پی تاریخ خامه مسعود — **سبیل باد سقاخانه عزیزالله (۱)**

پس از ورود براهروی مسجد بلافاصله در طرف راست سر در کاشیکاری جلب توجه میکند که سر در اصلی صفه عمر میباشد و تعمیرات آن درسالهای اخیر انجام گرفته است رجوع شود (بصفحه ۱۴۵) .

در بین کاشیهای خشت هفت رنگ اسپرهای طرفین سردر ورودی عباراتی بشرح زیر نوشته شده است :

در بالا : « المؤمن فی المسجد کالسمك فی الماءِ »

در وسط : « بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی . »

درپائین : « المنافق فی المسجد کالطیر فی القفس . »

در دو اسپر پشت در ورودی اصلی بخط بنائی لاجوردی برزمینه آجری عبارات زیر نوشته شده است :

اسپر شمالی : « عجلوا بالصلوة قبل الفوت . »

اسپر جنوبی : « عجلوا بالتوبة قبل الموت . »

صفه حکیم

پس از این سردر در طرف راست (ضلع شمالی دالان ورودی) ایوان کوچکی

---

(۱) این مصرع بحساب حروف ابجد سال ۱۰۸۷ هجری ومصادف بادهمین سال سلطنت **شاه سلیمان است** .

است که ساختمان آن از عهد سلاجقه میباشد و دیوار مقابل آن با مقرنسهای گچی تزیین شده و در قسمت پائین مقرنسها بخط بنائی برجسته نوشته شده است :

« قال علیه السلام المسجد بیت کل تقی . »

در اطراف این ایوان کتیبه ای از دوره شاه عباس اول صفوی موجود است که مقدمه آن یقیناً روایت یا حدیثی بوده و این قسمت از کتیبه که ازابتدای ضلع شرقی شروع میشده از بین رفته ولی خوشبختانه قسمت تاریخی کتیبه باقی مانده است . این کتیبه که بخط ثلث گچ بری شده حاکی از تعمیراتی است که دراولین سال جلوس شاه عباس اول درایوان مزبور بوسیله (نورالدین محمد بن جلال‌الدین محمد حکیم اصفهانی) صورت گرفته است . کتیبه این صفه بخط صحیفی و مورخ بسال ۹۹۶ هجری بشرح زیراست :

« ۰۰۰۰۰ فی ایام خلافة السلطان الاعظم الاعدل الاکرم الا شجع مالك رقاب الامم مولاه‌ملوك العرب والعجم قهرمان الماء والطین ظل الله فی الارضین خلف اخلاف سیدالمرسلین السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان **ابوالمظفر ابوالغازی شاه عباس الحسینی الصفوی بهادر خان** خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی‌العالمین بره و عدله و احسانه وفق بتعمیر هذه الصفة خادم الفقراء **نورالدین محمدبن جلال الدین محمد حکیم الاصفهانی** غفرالله ذنوبهما وسترعیوبهما **فی سنة ۹۹۶ رقم صحیفی** غفر ذنوبه و سترعیوبه . »

مقدس ترین الواح سنگی مسجد جمعه از نظر مردم اصفهان

در طرفین دالان ورودی مسجد جمعه دو لوح سنگی مربع شکل از دوره شاه طهماسب اول و مورخ بسال ۹۳۵ هجری بر دیوار های دو جانب دالان و در ارتفاع کمی ازسطح زمین نصب شده که درحواشی ومتون آنها عباراتی منقور است وچون در گذر گاه مردم قرار دارد بعنوان تیمن و تبرك با دست خود خطوط این الواح را لمس نموده و صورت خود را مسح مینمایند . (هریك از این دو لوح سنگی بطول ۵۵ وعرض ۵۲ سانتیمتر است)

حاشیه لوح سنگی شمالی دالان بشرح زیر است :

« ناد علیاً مظهرالعجایب . تجده عوناً لك فی النوایب . کل هم و غم سینجلی . بولایتك یاعلی یاعلی . فرض علی الحاضروالغایب . حب علی بن ابی‌طالب . سنة خمس و ثلاثین و تسعمائه . »

ودرمتن این‌لوحه نوشته شده است « اللهم صل علی‌محمد المصطفی وعلی‌المرتضی و حسن الرضی و حسین الشهید بکربلا و علی زین العابدین و محمدالباقر وجعفر- الصادق و موسی الکاظم و علی بن موسی الرضا و محمدالتقی و علی النقی و حسن- العسکری و محمدالمهدی . »

درمتن لوح سنگی جنوبی دالان پس ازجمله (بسم‌الله الرحمن الرحیم) قسمتی از آیة الکرسی نوشته شده ودرحاشیه آن عبارات زیرحجاری شده است :

« رب هب لی من المعیشة سؤلی واعف عنی بحقّ آل رسول و اسقنی شربة بکف علی سید الاولیاءِ زوج بتول .

زمشرق تابمغرب گر امام است علی وآل او ما را تمام است

محراب گچ بری

در انتهای دالان ورودی مسقف شرقی که مشرف بصحن میشود ودرسمت جنوب آن یکی دیگر ازمحرابهای زیبای گچ بری شده مسجد جمعه اصفهان قراردارد که سال ساختن و پرداختن آن ذکر نشده و یا اگر تاریخ آن در جائی موجود بوده از بین رفته است ولی از لحاظ مشابهت نوع کار آن با محراب مسجد اولجایتو باحتمال قوی از همان دوره یعنی قرن هشتم هجری است . بر هلال فوقانی این محراب بخط محقق سوره فاتحه گچ بری شده است و بجمله :

« سبحان الله والحمدلله و لااله الاالله . » ختم میشود .

بر سر ستونهای این محراب بخط کوفی در یکطرف عبارت (الملك لله) و در طرف دیگر عبارت (الحکم لله) گچ بری شده است .

در هلال خارجی محراب بعد از جملهٔ (بسم الله الرحمن الرحیم) آیة الکرسی بخط کوفی گچ بری شده است .

بپاس غلبه برازبکان شاه طهماسب اول صفوی وجوه چوپان بیگی دارالسلطنه اصفهان را بخشیده است

لوح سنگی جنوبی دالان ورودی مسجد جمعه بطول ۱۱۰ وعرض ۸۸ سانتیمتر حاکی ازشکر گزاری شاه طهماسب اول از جهت غلبه برازبکان است وباین مناسبت پادشاه وجوه چوپان بیگی (۱) و وجوه دیگری از دارالسلطنه اصفهان را بتخفیف و تصدق مقرر داشته . کتیبه این لوح بخط خوش ثلث برجسته برسنگ مرمر بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین »

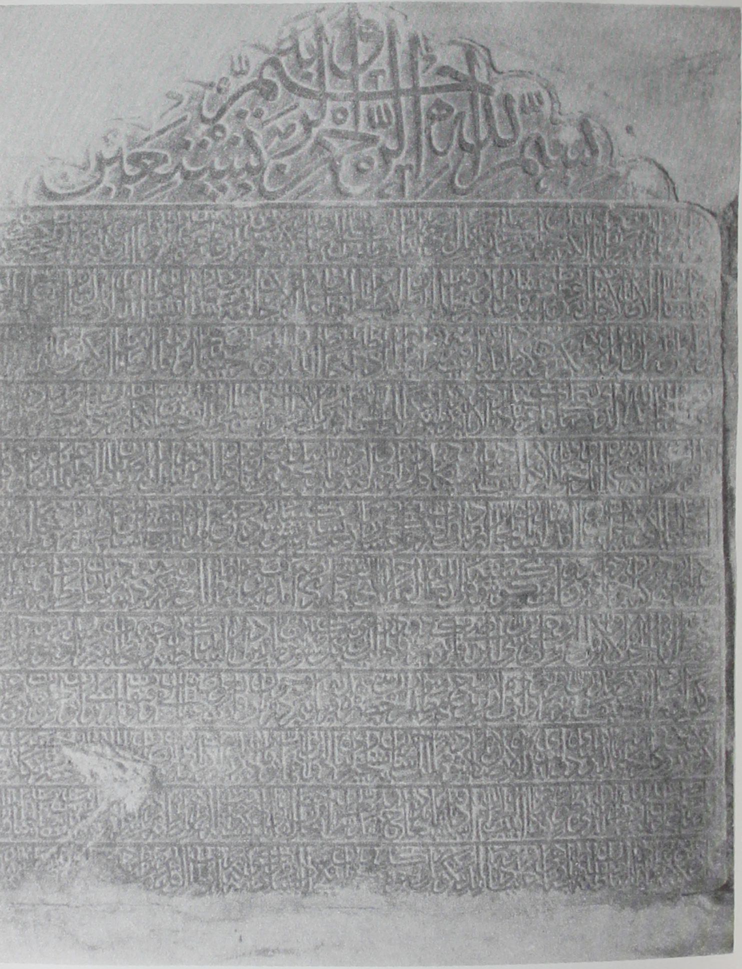
«فرمان همایون شرف نفاذ یافت آنکه چون مقصد اصلی ازتکفل امورجهانبانی و مطلب کلی از تصدی مهام کشور ستانی مراعات جانب عموم رعایا و رفاه احوال کافه برایا است و حضرت واهب بی‌منت که پادشاه علی الاطلاق است جل شأنه وعظم

---

(۱) در دوران سلطنت پادشاهان صفوی تمام درآمد و عواید کشور در اختیار شخص شاه بود وتمام مخارج نیز بفرمان وتصویب شخص اوصورت میگرفت . حقوق اربابی عوارضی بود که ازگله های گوسفند وگاو و امثال آنها و از ابریشم و پنبه یا ازکسبه و پیشه وران و یا بعنوان راهداری وگمرك و امثال آنها میگرفتند ـ گله های شخصی شاه در ولایات مختلف کشور بسیار نبود ولی همه سال در حدود یك هفتم از عده تمام گوسفندان و بره های ایران ویك سوم ازبهای گوسفندان آبستن بوسیله چوپان باشی مخصوص برای دستگاه شاهی وخزانه سلطنتی گرد آوری ووصول میشد ودرآمد سالانه خزائن ازاین عوارض که به (چوپان بیگی) معروف بود به بیست هزارتومان میرسید. شاه عباس اول هم درسال ۱۰۰۷ هجری قمری عوارض چوپان بیگی و قسمتی از عوارض ومالیاتهای دیگر را بشکرانه درهم شکستن سپاهیان ازبك و فتح خراسان برعایای عراق وخراسان بخشیده است (صفحه ۲۶۳ جلد سوم زندگانی شاه عباس اول تألیف استاد فلسفی)

تصویر مقابل : فرمان شاه طهماسب اول مبنی بر بخشش وجوه چوپان بیگی دارالسلطنه اصفهان بپاس غلبه بر ازبکان

←


بسم الله الرحمن الرحيم

سلطانه منشورمبرورخلافت بیزوال ما را بطغرا غرا (۱) انی جاعل فی الارض خلیفة مزین ونشان عالیشان سلطنت ابدی الاتصال ما را بتوقیع اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولوالامر (۲) منکم موشح گردانیده و شمسه رایت فیروزی ما را آیت المطلع اذا جاء نصرالله والفتح و ماهچه رخشان لوای فلك فرسای ما از مکمن و ینصرك الله نصراً عزیزاً تابان و درخشانست الحمدلله الذی فضلنا علی کثیر من عباده لاجرم ما نیز بشکرانه عواطف اللهی همواره همت والانهمت صافی طویت به‌بسط بساط معدلت و احسان نسبت بکافه زیر دستان مصروف و معطوف فرموده ایم وپیوسته مطمح نظر فرخنده بر آنست که کافه برایا و عموم خلایق از تکالیف دیوانی سبکبار بوده و در کل موارد مرفه و آسوده باشند وچون در این چند سال رعایا ومتوطنین دارالسلطنه صفاهان عن بلده وبلوکات بدجهت استیلای مخالفان بولایات خراسان وآمد شد ایشان بآنجا ازتردد دواب واخراجات عساکرمنصوره تعب وتشویش بسیار کشیده درجمیع موارد تا یك جهتی ایشان بمنصه ظهور رسیده و در خاطر فیض مآثر ما رسوخ یافته بود که چون اعادی دین و دولت منکوب گشته بتوفیق الله تعالی ممالك خراسان بحیطه تسخیر و تصرف درآمده ضمیمه سایر ممالك محروسه گردد و بسعادت زیارت و طواف روضه مشهد مقدس منور معطرحضرة امام الجن والانس ابوالحسن علی بن موسی الرضی (۳) فایز گردیم در رفاهیت احوال کل ساکنین و متوطنین دارالسلطنه مذکور توجه خاطر اشرف مبذول فرموده وجوه چوپان بیگی وکد و ایشان را بتخفیف وتصدق مقرر فرموده ثواب آنرا بروح مطهرمنور آن حضرة هدیه فرمائیم وچون درین اوقات بعون عنایت ازلی و توفیقات لم یزلی ابواب فتوحات غیبی و عواطف لاریبی برروی روزگار فرخنده آثار اولیای دولت ابدی الاتصال ما گشوده مملکت خراسان بتسخیر اولیای نواب دولت همایون ما درآمد و بشرایف زیارت و

---

(۱) بطغرای غرای (۲) آیه شریفه (اولی الامر) است .

(۳) درکتیبه بهمین ترتیب نوشته شده است .

طواف آن ۰۰۰۰۰ (۱) حضرة حسب کلام معجز نظام سید المرسلین صلی الله علیه و من زار الذی بطوس فکانما زار بیت الله الحرام استسعاد یافته بامداد روح مقدس معطر آن حضرة مخالفان نیست و نابود گشته دارالسلطنه هراة مرکز سرادقات جلال گشت عنایت بیغایت شاهانه شاملحال عموم سکنه و متوطنه دارالسلطنه اصفهان از سپاهی و رعیت فرموده از ابتدای تنگوزئیل وجوه کدو وچوپان بیگی دارالسلطنه مذکور که ابواب المال قدیم را انفراداً ۰۰۰۰۰ (۲) تنفیذ مینمودند . » (۳)

مضمون لوح سنگی دیوارشمالی دالان ورودی ازشاه طهماسب اول تخفیف و تصدق وجوه راهداری مأکولات است

در مقابل لوح سنگی جنوبی دالان شرقی که بخط ثلث است و شرح آن گذشت دو لوح سنگی دیگر بخط خوش نستعلیق نقش برحجرشده وجای کمال تأسف است که دو لوح سنگی مزبور دچار شکافها و شکستهای زیاد شده و عمداً نیز خساراتی بآنها وارد آورده اند و بالنتیجه سطوری چند از این الواح بکلی از صفحه سنگ برچیده شده و از بین رفته است . سطور برجای مانده لوح فوقانی بطول ۱۰۷ و عرض ۶۲ سانتیمتر بشرح زیر است :

« ۰۰۰۰۰ آنکه در این ۰۰۰۰۰ و بنا بر ازدیاد موارد ۰۰۰۰۰۰ شفقت بیدریغ شاهی در باره ۰۰۰۰۰۰ و فراغ بال ایشان وجوه راهداری مأکولات را از غله و میوه وبرنج وروغن وامثال ذلك که جهت فروختن بدارالسلطنه مذکور آورند و بمحال دیگر برند سوای عقاقیل و شکر و اجناس ابریشمی و ریسمانی که تجار ازجانب هند بدارالسلطنه مذکور آورند وابریشم که از گیلان وشفت و ۰۰۰۰ که از روم میآورند و اجناس ابریشمی و ریسمانی که از یزد وکاشان و سایر محال بدارالسلطنه مزبور آورند و باطراف وجوانب برند بتخفیف وتصدق مقرر فرمودیم

---

(۱) محل شکستگی سنگ (۲) محل شکستگی سنگ

(۳) این کتیبه و سایر کتیبه های بناهای تاریخی که دراین کتاب شرح داده شده است از لحاظ املاء لغات و شیوه تحریر کلمات مانند اصل آنها میباشد وبرای آنکه کتیبه ها عیناً منعکس شده باشد ازطرف مؤلف دخالتی در تغییر روش تحریر آنها بعمل نیامده است .

که من بعد بدین جهت طلبی از متر ددین ننمایند ۰۰۰۰۰۰ و مستحفظان شوارع دارالسلطنه مذکورسیما ملازمان امارت پناه نظام الدین شیخ ۰۰۰۰۰وجوه راهداری مأکولات را بتخفیف وتصدق مقرر فرمودیم ۰۰۰۰۰ بدین علت ازمترددین بازیافت نکنند و مزاحمت تجار ۰۰۰۰۰ و اقمشه و اجناس ابریشمی و ریسمانی ۰۰۰۰۰ که بدارالسلطنه مذکور آورده از وجوه راهداری ۰۰۰۰۰ دستورالعمل از دیوان اعلی قرار یافته باز یافت ننموده زیاده از آن یکدینار ویکمن بار ۰۰۰۰۰ سوای معمول که اسب و گاوو گوسفند والاغ که ۰۰۰۰ ازمخالف که موجب عتاب وخطابست» (۱)

فرمان دیگری از شاه طهماسب اول مبنی بر تخفیف وتصدق مالیات اصناف اصفهان متمم احکام سابق الذکر و مورخ بسال ۹۷۱ هجری

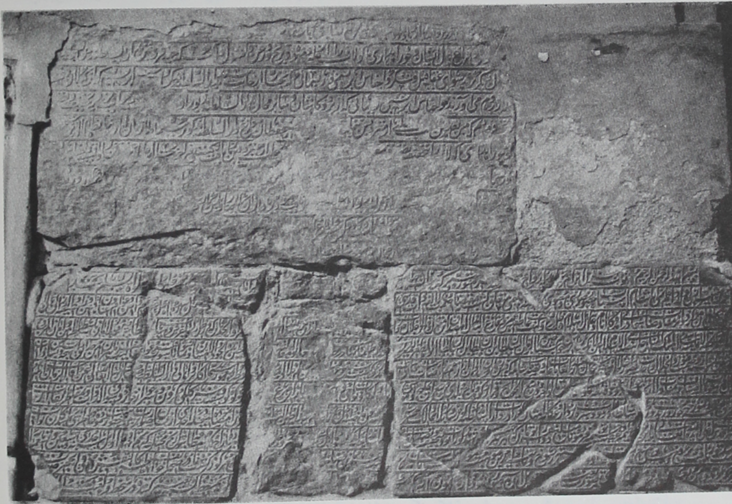
کتیبه این‌لوح سنگی بطول ۱/۵۶ متروعرض ۵٤ سانتیمتر که درقسمت پائین لوح سنگی فوق الذکر نصب شده و بعضی از سطور آن بکلی محو شده است بخط خوش نستعلیق برجسته بر سنگ پارسی بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . ثواب جزیل این امر جمیل را هدیه ارواح مطهره مقدسه منوره متبر که حضرات چهارده معصوم ۰۰۰۰ بنت خیرالانام ۰۰۰۰۰ علیهما الصلوة والسلم شد چون مشیت ازلی و اراده لم یزلی بانتظام اسباب حضور صوری و معنوی ۰۰۰۰ متعلق گشت بمقتضاء حکمت بالغه ذات قدسی ۰۰۰۰ شده زمام حل خواص وعوام وعنان قبض وبسط ارزاق اهالی بکف‌کافی آن مرکز دوایر مفاوضات سبحانی درآمده کافه انام و عامه اهل اسلام درظل رأفت و کنف عاطفتش مرفه وفارغ البال اند مصداق این‌مقال وقیرالاجلال صورت ۰۰۰ والحدثان که درظل‌رایات عرش سای سلطان سلاطین زمان باسط بساط امن و امان المروج للشریعة الحقة الامامیه

---

(۱) علامات نقطه چین معرف قسمتهائی از لوح سنگی فوق الذکر است که خطوط آن بکلی محو شده و از بین رفته است .

بتأیید الملک المنان حامی بیضة الاسلام عن الانکسار من رجوم شیاطین الزمان السلطان بن السلطان بن السلطان **ابو المظفر معز الدین ... شاه طهماسب بهادرخان** .. لواء معدلته .... مبین و ایده بالجود والامتنان نشو و نما یافته هبوب عواصف .... عندلیب زمان پیر امن حدایق ذات بهجة و بساتین ذات نضرتشان نگشته از وصمت



دوفرمان برسنگ پارسی از شاه طهماسب اول در دالان مسجد جمعه اصفهان

فتور وانحلال وحدت و قصور واختلال مغیر الحال نیستند از انعامات عامه وتصدقات شامله که درین زمان فرخنده اوان از آن مصدر مفاوضات سبحانی .... و کیفیت شیوع ... و بلاد ... و معمورند **سیما اکابر واهالی دارالسلطنه اصفهان صانها الله تعالی عن آفات الزمان** آنکه مال و وجوهات اصناف و تمقاوات از .. جوازوتمقاد

... قلعه ملوس .... و مالواجرد و بیع الحوایج و قرار زکوة و باج و بلدی و بیع الحلیج و مواشی ... بلده و بلوکات و نواحی و ... بازار مرغ ... و زکوة گوسفند و سر کلکی کرون و سر جو از خورده و سوق الدواب و تمقاطریقات ازطریق قومشه ومورچه خورت ورید ورباط ... سلطان ... و سر زر داروغکانه و امثال مذکورات در دارالسلطنه مذکوره و سایر بلاد ممالك محروسه ... ماضیه داخل ... سلاطین ... امضاء نموده در مخیله احدی از ایشان صورت این موهبت خطور ننموده خاطر قدسی مآثر بندگان نواب اشرف اقدس اعلی ایده الله تعالی باین هدیه عظیمه و عطیه جسیمه توجه فرموده **تا مبلغ دو هزار تومان** که بهر جهت ... شد مذکورات بود بتخفیف و تصدق ... دارالسلطنه مذکوره ... سپارده احکام مطاعه بتواریخ مختلفه که متمم آنها اوایل سنه **احدی و سبعین وتسعمائه** سمت صدور یافته برفع سد ومنع آمد ... رسوخ و تأیید این موهبت مولد لعنت نامه شده .... و مرکوز گشت تا درصحایف خواطر کالنقش فی الحجر صورت پذیر گردد ومن بعد در .... صورت .... تغییر و تبدیل آن متصور نشود و ازمضمون آیه کریمه **ومن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه** متعظ گشته تغییر کننــده در سخط و لعنت الهی باد . »

کتیبه های سر درهای واقع در شمال

مسجد جمعه اصفهان

قدیمی ترین سردر مسجد جمعه اصفهان که کتیبه آن مورخ بسال ۵۱۵ هجری میباشد وازحریق مسجد حکایت میکند درمنتهی الیه ساختمانهای شمال شرقی مسجد واقع شده است وشرح آن درصفحه (۸۰و۸۱) این کتاب گذشت .

کتیبه سردرگنبد خاکی بخط کوفی و مورخ بسال ۷۶۸ هجری

در قرن هشتم هجری و در دوره حکومت سلاطین آل مظفر گنبد تـاج الملك (گنبدخاکی) که شرح آن درصفحه(۷۶و۷۷) این کتاب گذشت بوسیله سردر باشکوهی

بکوچه مجاور شمالی آن ارتباط پیدا کرده است . باقیمانده کتیبه این سر در بخط کوفی اسلیمی دارسفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی ومورخ بسال ۷۶۸ هجری در حاشیه سمت راست مشتمل بر آیه اول تا آخر آیه چهارم ازسوره (دهر) ودرحاشیه سمت چپ مشتمل بر قسمتی از آخر آیه ۲۱ تا آخر آیه ۲۶ از همین سوره است و در آخر بجمله : « **تم فی شهر المحرم سنة ثمان و ستین و سبعمائه .** » ختم میشود :

سر در مجلسی

یکی ازدرهای ورودی مسجد جمعه در مغرب گنبد خاکی وجنب مقبره مجلسی واقع شده و باین مناسبت بدر (مجلسی) معروف شده است .

آخوند ملا محمد تقی مجلسی وفرزندش آخوند ملا محمد باقرمجلسی صاحب بحارالانوار که تألیفات مفصل دیگر هم دارد وچند نفر دیگر ازاجلای علمای شیعه در بقعه ای که متصل بساختمانهای مسجد جامع است ودر گوشه شمال غربی مسجد واقع میشود مدفون شده اند . داخل بقعه بتزیینات نقاشی و آینه‌کاری و ازاره های کاشیکاری آراسته شده و دو تصویر قلمی از مرحوم آخوند ملا محمد باقر در داخل آینه‌کاریهای داخل بقعه نصب شده است. سردرقدیمی آرامگاه مجلسی دردالان شمالی مسجد جمعه واقع شده و حیاط آرامگاه بکوچه شمالی مسجد مربوط میشود و در تمام ایام سال بخصوص شبهای جمعه و ایام سوگواری از مهمترین زیارتگاههای شهر اصفهان است . (۱)

---

(۱) آخوند ملا محمد باقرمجلسی ازمتبحرین علمای امامیه وفحول فقهای اثنی‌عشریه است. ولادت وی در سال ۱۰۳۷ هجری ووفات او بسال (۱۱۱۰) یا (۱۱۱۱) اتفاق افتاده است . ماده تاریخ فوت وی را جملات : « حزن و غم » « خازن جنت » « رونق از دین برفت » « عالم علم رفت ازعالم » « مقتدای جهان زپا افتاد » « باقرعلم شد روان بجنان » و همچنین شعر ذیل یافته اند :

ماه رمضان چو بیست و هفتش کم شد — تاریخ وفات باقر اعلم شد

برای اطلاع بیشتر در باره مرحوم آخوند ملا محمد باقر مجلسی و مدفونین در بقعه وی مراجعه شود بکتاب رجال اصفهان با حواشی وملحقات آقای سید مصلح الدین مهدوی-

بر دو لنگه راست و چپ در شمالی مسجد جمعه مجاور آرامگاه مجلسی بقلم (صحیفی جویمری) الواحی بخط ثلث برجسته بشرح زیر نوشته شده است :

« قال الله سبحانه وتعالی فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه یسبح له فیها



تصویر قلمی مرحوم آخوند ملامحمد باقرمجلسی در بقعه آرامگاه وی

بالغدو والاصال رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله واقام الصلوة وایتاء الزکوة

- صفحه ۱۱۷ تا ۱۳۳ - جلد سوم ریحانة الادب صفحه ۴۵۵ تا ۴۶۰ - تاریخ اصفهان و ری صفحه ۲۰۶ تا ۲۱۲ وکتاب (الفیض القدسی فی احوال المجلسی) تألیف مرحوم حاج میرزا حسین نوری

یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب والابصار **رقم فقیر صحیفی الجوهری .** »

در لوحه جداگانه بر لنگه راست این در نوشته شده : « قال النبی علیه السلام انا مدینة العلم و علی بابها »

و بر لنگه چپ در نوشته شده است :

« این در بسعی حضرة آقا محمد رضا فرمدی اتمام یافت . »

دو لوحه قدیمی در سر در مقبره مجلسی

بر دو لوحه سنگی منصوب بر دیوار سر در قدیمی مقبره مجلسی مشرف بدالان شمالی مسجد جمعه که با مقرنسهای گچی تزیین شده مطالبی بشرح ذیل حجاری شده است :

لوحه اول : « مطلب از تعمیر این مقام و بنای این لوح آنست که حضرت صاحب الزمان علیه السلم را شخصی ازمؤمنان درین مکان شریف درخواب دیده است.»

لوحه دوم : « بسم الله الرحمن الرحیم الاهم صل علی محمد و آل محمد ومن علینا بظهور امام زماننا الذی ببقائه بقیت الدنیا و بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض والسماء و به یملاء الله الارض قسطاً و عدلا بعد ما ملئت جوراً و ظلماً **کتبه المذنب حاجی محمد مؤمن الکاظمی فی ۱۰۹۲** العبدالاقل حاجی امام قلی ازمؤمنان التماس فاتحه دارد . آمرزیده باد که اورا بدعاء خیر یاد فرماید . »

کتیبه سنگاب سر در مجلسی

در مجاورت این سر در سقاخانه ای واقع شده که بر سنگاب آن بخط نستعلیق کتیبه ذیل حجاری شده است :

« قربة الی الله وقف نمود این برنج را **آقا ذوالفقار** ولد آقا نصیر هر کس ازاین مکان تغییر دهد بلعنت خداگرفتار شود تحریراً جمادی الثانی سنه ۱۰۹۳ »

کتیبه یك سنگاب قدیمی از دوره شاه صفی

در محوطه مقابل سر در شمالی مسجد جمعه و مجاور بقعه مجلسی بقایای یك

سنگاب بزرگ و جالب منقش از دوره صفویه که قطر دهانه آن ۱/۱۵ متر میباشد بر جای مانده که نیمی از آن شکسته و از بین رفته است . ازعبارات عربی وفارسی منقور بر این سنگاب آنچه باقی‌مانده بشرح زیر است :

بخط ثلث برجسته : « .... وصل علی زین العباد علی والباقرمحمد والصادق جعفروالکاظم موسی والرضا علی والتقی محمد والنقی... »

و در زیر این کتیبه بخط نستعلیق برجسته اشعاری حجاری شده است که فقط سه مصرع آن بشرح ذیل باقی مانده و حاکی از ساختن سنگاب مزبور در دوره شاه صفی میباشد :

کرد وقف شاه مظلومان حسین ابن‌علی — هر که نوشد آب گوید لعن بر ابن زیاد

شد تمام این جام در عصر شه ایران صفی (۱)

درسال ۱۰۸٤ هجری سنگفرش مسجد جمعه بوسیله محمد قلی تجدید شده است

در محل اتصال دهلیز مجاور سردر مجلسی بصحن مسجد جمعه بر دیوار سمت جنوبی آن لوحی ازسنگ مرمر بطول ٦۳ وعرض ٤۳ سانتیمر نصب شده که مضمون اشعار آن بخط نستعلیق برجسته حاکی از اقدام مرد خیری بنام محمد قلی درسال ۱۰۸٤ هجری در مورد تعویض سنگفرش مسجد است . اشعار این لوح بشرح زیر حجاری شده :

محمد قلی آنکه در دور او — گریزان بود فتنه از چارسو

زپاسش دل پردلان در هراس — زبیداریش‌چشم بدخواب جو

پی‌مور درسنگ اگر گم شود — زجوهر نمایان کند تیغ او

زبس‌خدمت مسجدجمعه کرد — میسرشدش هرچه کرد آرزو

---

(۱) این سنگاب اخیراً از خارج مسجد بداخل آن انتقال داده شده و مقابل ایوان درویش نصب گردیده است .

بمسجد زاطلس نیفکند فرش — که اطلس بنایش بود پشم‌ومو

بساطی فروچید از سنگ لعل — که هرروز نو گردد از رفت‌ورو

پی سال تاریخ اتمام او — میان من و عقل شد گفتگو

بتاریخ اتمام او عقل گفت — **شده سجده‌گاه ملك فرش او**

۱۰۸۴

سردر بواسحاقیه

در گوشه شمال غربی مسجد جمعه یکی دیگر از سردر های قدیمی این مسجد قرار دارد که بکوچه (بواسحاقیه) باز میشود و این در معمولا بسته است و رفت و آمد از آن نمیشود . کتیبه سردر آن که درسال ۱۳۰۱ هجری نصب شده بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی شامل آیه ۳۲ تا آخر آیه ۳۹ از سوره (ص) است ولی در حال حاضر مقداری از کاشیهای خط این سر در وجود ندارد (۱)

سردر باب‌الدشت

سردر دردشت (باب الدشت) در گوشه جنوبی غربی مسجد و در انتهای یکی از راهروهای اصلی مسجد از دوره سلاجقه واقع شده . این دهلیز نیز دارای طاقهای آجری متنوع وجالب است وعلاوه برسردر (دردشت) درمنبت‌کاری وجالب چهلستون شاه عباسی نیز که شرح آن طی توصیف ساختمان های ضلع جنوبی مسجد داده شد

---

(۱) راجع بوجه تسمیه این سردر به (بواسحاقیه) جابری انصاری چنین نوشته است:
« پس ازابوسعید بهادرخان مغولی که ایران ملوك الطوایف شد اولاد شاه محمود اینجومباشر املاك دولتی در آذربایجان و عراق و فارس دستی یافتند و پس از قتل مسعود شاه اینجو برادرش **شیخ ابواسحق** باصفهان و فارس شتافت و مقر حکومتش در اصفهان اطراف **مسجد جامع** و **دردشت** و نزدیك منازل میرمیران بود و عمارات دولتی او معروف به (ابواسحقیه) شد ..... درطرایق الحقایق مجلسی نوشته نزدیك مسجد جامع قبری بوده آنرا ابواسحقیه گفتندی ودرشصت سال قبل قریب آن جایگاه را شکافتند جای آسیای تنوره آبی پدیدآمد و استخوان جسدی که شمشیری پهلوی اونهاده و ازشمشیر باندازه یك تیغه قلمتراش سالم مانده بود (تاریخ اصفهان و ری صفحه ۲۱۲ و ۲۱۳)

در همین دالان و جنب سردر (دردشت) واقع شده است .

کتیبه سردر(دردشت) که بخط ثلث برزمینه‌لاجوردی رنگ گچ بری شده مشتمل بر آیه اول تا آخر آیه سوم از سوره (جمعه) است .

کتیبه درچوبی (دردشت) مورخ بسال ۹۹۹ هجری
و بخط جعفر امامی

بر دولنگه راست و چپ درقدیمی (دردشت) بخط ثلث برجسته برزمینه چوبی نوشته شده است :

« قال الله تعالی‌واذ یرفع ابراهیم القـواعد من البیت و اسمعیل ربنا تقبل منا انك انت السمیع العلیم صدق الله **فی شهور سنة ۹۹۹** »

لوح دیگر : « وقف کرد این در را قربة الی الله مولینا محمد مطلق بر مسجد کبیر . »

و دنباله این لوح بر لنگه چپ در مزبور بشرح زیر است :

« عمل استاد محمد بن علی بن محب علی کتبه جعفرالامامی . »

سردرجنوبی مسجد جمعه درمغرب گنبد نظام‌الملك
مورخ بسال ۹٦۲ هجری

درمنتهی‌الیه دالانی که چهلستون سلجوقی واقع درمغرب گنبد نظام‌الملك را از چهلستون شاه عباسی واقع در گوشه جنوب غربی مسجد جمعه جدا میکند یکی دیگر از درهای قدیمی و تاریخی مسجد جمعه اصفهان قرار دارد که معمولا این در نیـز بسته است و از آن رفت و آمد نمیشود . بر دو لنگه راست و چپ این در قـدیمی بخط ثلث برجسته برزمینه چوبی عبارات زیر نوشته شده است :

« قال الله تبارك و تعالی و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً . »

الواح فارسی : « موفق شد استاد محمود بن صدرالدین نجار نطنزی واین در را که از مال وبعمل خود ترتیب نموده وقف نمود برمسجد جامع اصفهان قربة الی‌الله

تعالی فی غره شهر شعبان المعظم سنة **اثنی و ستین و تسعمائه** . »

الواح ساختمان روی حوض وسط صحن مسجد جمعه اصفهان از دوره سلطنت سلطان محمد خدا بنده صفوی و صدارت میر غیاث الدین محمد مشهور به (میرمیران)

بر روی حوض وسط صحن مسجد جمعه اصفهان در دوره پادشاهی سلطان محمد خدابنده صفوی بنائی ساختمان شده است که بمنزله یك مهتابی تابستانی برای انجام فرایض مذهبی بکار میرفته است . بر دو جرز آجری از چهار ستون این ساختمان دولوح سنگی مرمری هریك بطول ٥٧ وعرض ٥٠ سانتیمتر نصب شده است .

مضمون لوح غربی بخط ثلث برجسته اشاره بسلطنت شاه محمد خدابنده صفوی و رقم صحیفی و سال تحریر و نصب آن ٩٨٥ هجری است . لوح شرقی شامل اشعاری است بفارسی وبخط نستعلیق وحاکی ازآنست که بیمن داور دین صدر اعظم (میرمیران) شخصی بنام یوسف آقا در این کار خیر توفیق یافته که بر روی حوض مسجد تالار و سجده گاهی برای مؤمنین بنا کند . متن هر دو لوح بشرح زیراست :

لوح غربی بخط ثلث برجسته بشرح زیر است :

« فی ایام خلافة السلطان الاعظم الاعدل الاکرم قهرمان الماء والطین ظل الله فی الارضین مالك رقاب الامم مولا ملوك العرب و العجم **ابوالمظفر خدای بنده سلطانمحمد پادشاه** خلدالله ملکه و سلطانه **رقم فقیر صحیفی سنة ٩٨٥** »

لوح شرقی بخط نستعلیق شامل اشعار فارسی است بشرح زیر :

بیمن داور دین صدر اعظم　　　غیاث‌الملة الدین **میرمیران** (١)

---

(١) میرغیاث الدین محمد مشهور بمیرمیران برادرشاهی تقی‌الدین محمد که درآن هنگام از اعاظم سادات حسینیه اصفهان ونقیب النقباء بود طالب منصب موروث گشته بالاخره بعالی رتبه صدارت سربلندی یافته در حین ارتحال شاه جنت مکان برزیلوچه صدارت تمکن داشت و بغایت کم طمع و پرهیزکار بود و چون در دارالسلطنه اصفهان صاحب املاك و رقبات کلی بود ازحاصل سرکارخود اوقات میگذرانید . دوپسرداشت: میرزا محمد مخدوم که ازافاضل ـ

موفق شد باحسان **یوسف آقا** — قدم زد بیریا در خیر واحسان
بروی حوض مسجد ساخت تالار — که باشد سجده گاه اهل ایمان
صحیفی این عمارت یادگاریست — که از وی ماند در شهر صفاهان
سنه ۹۸۵

آب مباح مسجد جمعه از زنده رود اصفهان

ضمن اقداماتی که در بهارسال ۱۳٤۰ شمسی بمنظور لاروبی ازمجرای زیرزمینی مسجد جمعه اصفهان بعمل آمد مقابل محراب گچ بری واقع در ضلع جنوبی دالان ورودی فعلی (دالان شرقی مسجد) لوحی از سنگ سفید بطول ۱/۲۱ متر وعرض ۸۳سانتیمتر که درقسمت فوقانی‌مجرای آب قرارداشت بدست‌آمد. مضمون این لوح سنگی‌حاکی از آنست که دردوره شاه طهماسب اول دومین پادشاه ازسلسله صفویه بنده درگاه (امیراصلان بن رستم سلطان لله افشار ارشلو) در ملازمت شاهزاده عالمیان **سلطان احمد میرزا** فرزند شاه طهماسب در شهر اصفهان اقدام بحفر نهری نموده وآب مباح بمسجد جامع آورده وآنرا قربة الی‌الله تعالی وقف برمسجد جمعه اصفهان نموده است .

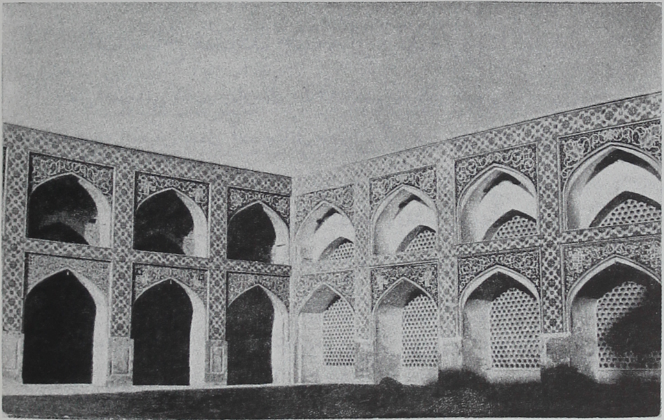
کتیبه این لوح سنگی‌شامل عباراتی بخط ثلث برجسته واشعاری بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر میباشد : (۱)

« بیمن توفیق ربانی و تأیید سبحانی در زمان دولت خاقان الاعدل الاعظم مالک رقاب الامم مولی سلاطین العرب والعجم السلطان بن‌السلطان **ابوالمظفرشاه طهماسب بهادرخان** خلدالله ملکه وسلطانه درملازمت شاهزاده عالمیان نور حدیقه امن وامان

ـ ودانشمندان روزگار بود وپسر دیگرش میرزا محمد امین بغایت صالح و متقی و پرهیزکار بود . (جلد اول تاریخ عالم آرای عباسی صفحه ۱٤٤)

(۱) این لوح که هیچوقت در مرئی ومنظرنبوده است برای اولین مرتبه از طرف مؤلف در این کتاب معرفی شده وکتیبه آن منتشر میگردد .

ابو النصر سلطـان احمد میرزا (١) بنده درگاه **امیر اصلان بن رستم سلطان لله افشار ارشلو** (٢) از **زنده رود اصفهان** حفر نهری نموده آب مباح بمسجد جامع آورده وقف کرد قربة الی الله تعالی بر عموم ...... و کافه ناس و بر مسجد جامع مذکور



گوشه شمال شرقی صحن مسجد جمعه اصفهان

---

(١) فرزند نهم شاه طهماسب سلطان احمد میرزا بوده است که حضرت شاه او را **سلطان احمد بغدادی** خطاب میفرمودند. والده او ازجمله جواری بود ودرهنگام رحلت آن حضرت ١٣ ساله بود . امیراصلان سلطان ارشلو افشار لله میرزا بود. چندگاه او را دراصفهان نگاه میداشت و در آن حین حسب الامر باردو آورده در خدمت پدر نامدار معزز و گرامی بود . چون طایفه افشار خصوصاً ارشلو در سلك هواخواهان اسمعیل میرزا بودند او نیز بتبعیت از لله تابع آن حلقه بود . در زمان اسمعیل میرزا او نیز بطریق سایرشهزادگان راه عدم پیمود . (جلد اول تاریخ عالم آرای عباسی چاپ تهران صفحه ١٣٥)

(٢) معظم طایفه افشار در درگاه شاه طهماسب **امیراصلان سلطان ارشلو** بوده است که از امراء بزرگ افشار وصاحب جیش ولشگر بسیار ولله سلطان احمد میرزا بود (جلد اول تاریخ عالم آرای عباسی چاپ تهران صفحه ١٤٠)

مجری وممر آب مزبوررا که این بند تحت بند نهرظهراست آنرا بلافاصله مع التوابع واللواحق وقفاً مخلداً مؤبداً باین وجه که مسلمین و مسلمات از شرب و طهارت آن محظوظ باشند وچون ازمسجد خارج شود بهرمحل که جاری شود منافع آنرا بمصرفی که در وقفیه مسطور است صرف نمایند و شرط نمود که باشراف و نظارت حضرت افادت و افاضت پناهی شیخ الاسلامی زیناً علیاً (۱) منشارا خود بنفس نفیس و بعد از آن حضرت ارشد اولاد ذکور صلبی آنحضرت نسلا بعد نسل و عقباً بعد عقب متولی وقف مزبور بوده وبنظارت تولیت چنانچه در وقفیه مسطور است قیام واقدام نمایند وقبل ازورود آب بمسجد جامع مذکور احدی ازبالا آب بباغات ومزروعات نبرد و بغیر از طهارت وشرب تصرفی دربالا ننمایند سوای حضرت شیخ الاسلامی که در بردن آب ..... » (۲)

درذیل این لوح اشعاری نیز بخط نستعلیق برجسته نوشته شده است که قسمتهائی از آن بمرور زمان محوشده وآنچه باقی‌مانده است بشرح زیر میباشد :

آفاق بفر شه دین دار جهان جو — چون صورت‌مینا شده وروضه مینو

برخاك درش سجده کنانند چوخورشید — .... رخ بنهد رو

---

(۱) **شیخ علی منشار :** وی عرب فاضل فقیه و شاگرد رشید مجتهد مغفور شیخ علی عبدالعالی بود. درمسئله شرعیه اجوبه فتاوی قولش معتبر وموثوق. در انتظام امور شرعی و عرفی صایب رأی وسرآمد اقران بود وانوارتوجه والتفات حضرت شاه جنت مکان بروجنات احوالش تافته بمنصب شیخ الاسلامی و وکالت حلالیات دارالسلطنه اصفهان که معظم ممالك و بلاد مشهوره آفاق است منصوب گشته و درآن مهم کمال استقلال یافته درتنظیم معاملات دینی و دنیوی آن ملك ورفع تسلط و تعدی ید بیضا مینمود . (جلد اول تاریخ عالم آرای عباسی صفحه ۱۵٤)

(۲) مجرای آبی که موضوع کتیبه فوق الذکر است فعلا محله (خواجان) راکه در مجاورت مسجد جمعه است مشروب مینماید ولی سابقاً اختصاص بمسجد داشته است . ضمناً لوح سنگی دیگری نیز در مسجد علی از بناهای تاریخی اصفهان قرار دارد که از ملك اصلان بیك رستم سلطان افشار ارشلومیباشد ومضمون آن نظیر مضمون همین کتیبه است وضمن توصیف بناهای عهد صفویه در جای خود بشرح آن خواهیم پرداخت .

بردر گهش آن بنده که‌منظور نظر هست	در حکم سکندر شد و ۰۰۰۰۰
۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ **افشار**	آنکس للگی داد شهنشاه هنرجو
ازرود صفاهان بسوی مسجد جامع	۰۰۰۰۰۰۰ روان کرد یکی جو
این کار نیامد زخدا بنده و غازان	وین آب نیاورد ۰۰۰۰۰۰۰
تـاریخ ۰۰۰۰۰۰۰۰۰ گفت	**آب ملك اصلان بيك سلطان ارشلو (۱)**

---

(۱) مصرع آخراین اشعار (آب ملك اصلان بيك سلطان ارشلو) بحساب حروف ابجد سال ۹۸٤ هجری میشود که مصادف باآخرین سال سلطنت شاه طهماسب اول است .

فصل چهارم

آثار تاریخی استان اصفهان از دوره سلاجقه

بطوریکه در فصل دوم این کتاب بیان شد ملکشاه که قسمتی از دوره ولایتعهد خود را در اصفهان بسر برده بود پس از شهادت پدرش الب ارسلان در سال ۴۶۵ هجری وجلوس بتخت پادشاهی سلجوقیان رسماً این شهررا بپایتختی انتخاب نمود وبراهنمائی وزیر دانشمندش خواجه نظام الملك طوسی درتوسعه وتزیین شهر اهتمام مخصوص بخرج داد و اصفهان پایتخت ممالك پهناوری شدکه ازیکطرف برودخانه سیحون وکاشغر وازطرف دیگر بدریای مدیترانه محدود میشد « ملکشاه درسال ۴۸۱ هجری بشهر انطاکیه رسید واز آنجا بلاذقیه درکناردریا وارد شد ودستورداد تااسبان لشگرش را از دریای مدیترانه آب دادند و سپس سجاده خواست و دو رکعت نماز گزارد بشکرانه آنکه ممالك او ازاقصای مشرق تاساحل دریای مغرب رسیده است. لشگری که همواره ملازم رکاب او بودند و اسامی ایشان در جراید دیوانی ثبت بود بچهل وشش هزار سوار میرسید . » (۱)

صاحب کتاب (راحة الصدور) راجع بعمارتها و آثاری که ملکشاه از خود باقی گذاشته است چنین مینویسد :

« و از خیرات سلطان ملکشاه آبگیر های راه حجاز است که فرمود و مکس و خفارت از راه حاج برداشت و امیر حرمین را اقطاع و رسم داد که پیش از آن از هر حاجیی هفت دینار سرخ بستدندی و عرب بادیه را و مجاوران خانه معظمه را

(۱) راحة الصدور و آیة السرور در تاریخ آل سلجوق صفحه ۱۲۹

همچنان انعامها فرمود و هنوز بعضی از آن رسوم باقیست و بهرشکار گاهی ازعراق و خوراسان منار ها فرمود از سم آهو و گور و بولایت ماوراءالنهر و بادیه عرب وبمرج وخوزستان و **ولایت اصفهان** هرجا که شکار فراوان یافتست آثاری گذاشتست و از جهت دارالملك و نشست خویش از همه ممالك **اصفهان** اختیار کرد و آنجا عمارتهای بسیار فرمود در شهر و بیرون شهر از کوشکها و باغها چون **باغ کاران** و **بیت الماء** و **باغ احمد سیاه** و **باغ دشت کور** و غیر آن و **قلعه شهر** و قلعهٔ **دزکوه** او بنا فرمود و خزانه بر آنجا داشتی . » (۱)

در رساله **محاسن اصفهان** که در قرن پنجم هجری تألیف شده ودرقرن هشتم از عربی بفارسی ترجمه شده وذیلی بر آن افزوده شده است (۲) مترجم از قصورداخل و خارج شهر اصفهان بشرح زیر نام میبرد :

قصر فرقد بر در شهر . **قصر هارون و هفت در** بدیمیرتیان (۳) . **قصر خصیب** برطرف **جسر حسین** (٤). **قصر عبدویه** بر کنار **زنده رود** . **قصر کوهان** بماربین (۵) **قصرصخر** به طهران (تهران یا تیران در مغرب اصفهان) (٦)

---

(۱) راحة الصدور و آیة السرور در تاریخ آل سلجوق صفحه ۱۳۱ و ۱۳۲.

(۲) رجوع شود بذیل صفحه ۲۲ این کتاب .

(۳) دیمیرتیان ازدهات (ماربین) ودرمغرب اصفهان است . قنات دیمیرتیان ازمهمترین قنوات بلوك ماربین است که خیلی قدیمی و پر آب میباشد و آب آن هم کم وزیاد نمیشود . چون این قنات در سرچشمه دارای نقبها و حفره های عجیب است اهالی میگویندکه این قنات بامر طهمورث معروف بوسیله دیوهائی که بفرمان او بودند حفر شده .

(٤) **جسرحسین** نام پل قدیمی زاینده رود (پل شهرستان یا پل جی) است . رجوع شود بصفحه (۸) این کتاب .

(۵) دررساله محاسن اصفهان ضمن قصیده ای دروصف اصفهان از (الخجندی) مبانی کهن شهر اصفهان : **زنده رود . ماربین . آتشگاه . باغ کاران و جی** چنین توصیف شده است :

اصفهانا در آرزوی توام	گشته انده فزای وشادی کم
عکس شکلت بخواب می‌جویم	**زنده رودت** درآب می‌جویم
ماربینت که نسخه ارم است	آفتاب اندرو درم درم است

از عمارات و کاخهای ملکشاه و جانشینان او در شهر اصفهان اکنون جز نام قصر **جمیلان** در ناحیه (دردشت) که آن‌هم باسم (چملان) تحریف شده و آثاری از آن در محله (سنبلان) یا (سنبلستان) برجای مانده اثر دیگری باقی نمانده است ولی آثارمذهبی آندوره مشتمل بر تعدادی مسجد ومناره ومقبره برجای مانده است که از میان آنها **مسجد جمعه اصفهان** مهمترین و عظیم ترین اثر تاریخی آن عصر است وبهمین جهت فصل سوم این کتاب منحصراً بتوصیف این بنای عظیم اسلامی ازدوره سلاجقه با اضافات والحاقات سلسله های بعد از سلاجقه تا عصر حاضر اختصاص داده شد و در این فصل بتوصیف سایر آثار سلجوقی داخل و خارج شهر اصفهان میپردازیم :

مسجد پامنار

زواره که در سی ودوفرسنگی شمال شرقی شهر اصفهان درحاشیه کویرمرکزی ایران واقع شده از شهر های بسیار قدیمی ایران است و یکی از نمونه های جالب مساجد دوره سلجوقی ایران را دارا میباشد که دراین فصل شرح آن خواهد آمد . بغیر ازاین مسجد معتبر سلجوقی در**زواره** مسجد قدیمی دیگری نیزازدوره سلاجقه وجود دارد که کوچکتر ازمسجد جامع آنست ودرقرن هشتم هجری با گچ بریهای فراوانی که شیوه تزییناتی آن قرن میباشدآراسته شده . این مسجد بنام **مسجد پامنار** معروف است و در ضلع جنوبی آن شش ایوان کوچك واقع شده که هریك از آنها

هریك از باغهاش صد بیشه — گم شده در میانش اندیشه
سبزه زار فلك زغایت رشگ — چهره کردست‌ازستاره پراشگ
برد گلزار تو زچرخ کلاه — رفت آب ارم ز **آتشگاه**
هرکه اکنون **بباغ کارانست** — گو نگه دار جا که کارآنست
گر دهم شرح میوه زشت بود — مختصر میوه بهشت بود
ای چوسیم مذاب **زرین رود** — اصفهان پرنوا شده زتورود
گشته ای عین زندگی **درجی** — فی مجاریك کل شیئی حی

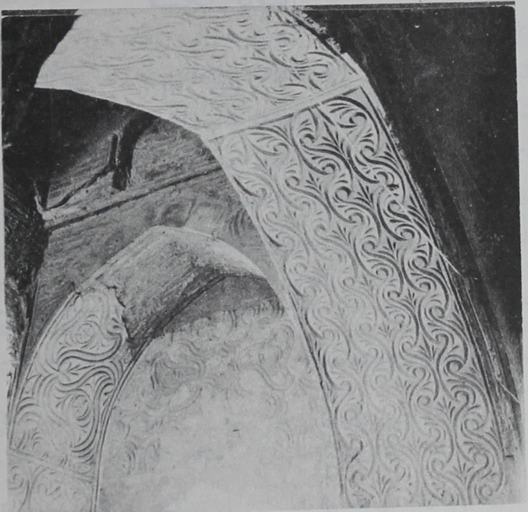
(ترجمه محاسن اصفهان صفحه ۱۰۵)

(۶) ترجمه محاسن اصفهان صفحه ۲۹

دارای یك محراب و تزییناتی از نوع گچ بری است ولی مقداری از این تزیینات بخصوص خطوط ثلث محراب اصلی آن از بین رفته است معذلك کلمات و جملات موجود بشرح زیر قرائت شد :

«بسم‌الله ۰۰۰ مما امر ۰۰ هذاالمحراب ۰۰۰ المتهجد ابوعبدالله محمد بن‌ابراهیم اطال الله بقائه ۰۰۰»

هلال‌محراب‌قبلا باخطوط کوفی گچ بری شده‌بوده‌است که اکنون‌مقداری از آنها باقی مانده و دردوره های بعد روی آنها را گچ کشیده و مجدداً بخط ثلث گچ بری کرده اند . از خطوط کوفی سابق آن که بسیار زیبا نوشته شده است فقط جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) جلب توجه میکند .



نمونه تزیینات گچ بری داخل ایوانهای مسجد پامنار

کتیبه های دیگر که بخط ثلث گچ بری شده بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحيم شهد الله انه لا اله الا هو والملئكة و اولوا العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم . »

کتیبه هلال داخل محراب مشتمل بر آیه ۷۸ و ۷۹ از سوره (اسری) است بشرح زیر :

« بسم الله الرحمن الرحيم اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل و قرآن الفجر ان قرآن الفجر كان مشهوداً و من الليل فتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك ربك مقاماً محموداً .



منظره کوچه قدیمی و مناره **مسجد پامنار** از دوره سلاجقه

و در داخل محراب آیه ۲۹ از سوره (اعراف) بشرح زیر نوشته شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم قل امر ربی بالقسط واقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین . »

کتیبه مناره مسجد پامنار

مناره این مسجد که درسال ٤٦١ هجری بنا شده از نظر قدمت سال تاریخی آن دومین مناره ایست که در ایران شناخته شده . قدیمی تر از همه مناره مسجد ساوه است ازسال ٤٥٣ هجری . مناره های قدیمی بعد از آن بترتیب زمان ساختمان عبارتند از مناره مسجد جمعه کاشان (٤٦٦ هجری) **مناره مسجد برسیان** (٤٩١ هجری) و **مناره چهل دختران** در اصفهان از سال ٥٠١ هجری (۱)

کتیبه جالب توجهی که بخط کوفی ساده برجسته ازآجرتراش احداث گردیده تزیینات خطی قسمت پائین این مناره را درنزدیکی سطح پشت بام تشکیل میدهد که با گل وبوته های زیبا ترکیب شده است ولی قسمتی از کتیبه بوسیله دیوارساختمان مجاور مناره پوشیده شده معذلك با مشاهده قسمت مرئی کتیبه و دست یافتن بقسمت مخفی آن که بوسیله معتمدین محل در اختیار مؤلف قرار داده شد کتیبه این مناره بشرح زیر بدست آمد :

« بسم الله الرحمن الرحیم مما امر ببنـاء هذا المنارة محمد بن ابراهیم ابتغـاء لوجه الله سنة احدی و ستین و اربع مائه . »

مسجد و مناره برسیان

از جمله آثار تاریخی موجود در خارج شهر اصفهان مسجد و منـاره برسیـان است . برسیان یا (بارسیان) که باحتمال قوی در اصل (پارسیان) بوده دهکده ایست که درفاصله ٤٢ کیلومتری مشرق اصفهان درشمال بستر زاینده رود واقع شده وحد فاصل بین بلوك (براآن) و(رودشتین) است . ساکنین دهکده نام محل سکونت خود را (بیسیون) تلفظ میکنند .

(۱) ترجمه فارسی آثارایران (جلد اول ـ جزوه دوم) صفحه ۱۵۲ ازانتشارات اداره باستانشناسی .

مسجد جمعه برسیان بفحوای کتیبه موجود تاریخی محراب آن که مورخ بسال ۴۹۸ هجری است و کتیبه مناره آن که مورخ بسال ۴۹۱ هجری میباشد در دوره پادشاهی **سلطان برکیارق بن ملکشاه** سلجوقی ساخته شده است .

ارتفاع مناره برسیان در حدود ۳۵ متر و میله ای منفرد و مدور است . قسمت پائین آن آجرچینی ساده است ولی قسمتهای بالای آن دارای تزیینات آجری میباشد که در آجرکاریهای دوره سلجوقی معمول بوده و تا دوره مغول در ایران ادامه داشته است (۱) تزیینات تاج مناره با بدنه آن تفاوت دارد و دراین قسمت است که کتیبه مناره بخط کوفی ساده و با آجر که سال ساختمان مناره را (۴۹۱ هجری) تعیین میکند بشرح زیر نوشته شده است :

« وارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون سنة احدی و تسعین و اربعمائه . » (۲)

گنبد مسجد برسیان

سبک ساختمان و تزیینات داخل محوطه وپوشش داخلی گنبد برسیان بسیارشبیه بگنبد تاج الملك درشمال مسجد جمعه اصفهان است که این دومی درسال ۴۸۱هجری بنا شده و از لحاظ معماری برای گنبد برسیان نمونه و سرمشق بوده است .

کتیبه داخل گنبد بخط کوفی ساده آجری ازابتدای سوره (فتح) شروع میشود و آیاتی چند از این سوره ذکر میگردد . بحساب دقیق میتوان گفت بطور جسته گریخته نصف کتیبه کوفی آجری دور گنبد ریزش کرده و نصف آن فعلا باقی است ومتأسفاً در نصف باقیمانده سال اتمام ساختمان گنبد دیده نمیشود و بمرور زمان

---

(۱) برای کسب اطلاعات فنی راجع بساختمان این مناره مراجعه شود بمقاله آقای (مایرون بمنت سمیت) راجع بمناره های تاریخی اصفهان درکتاب آثارایران بزبان فرانسه (جلد اول . جزوه دوم) صفحه ۳۱۶ - ۳۱۸ یا ترجمه فارسی آن صفحه (۱۵۷ - ۱۵۹)

(۲) آیه ۷۷ ازسوره شریفه (حج) باین شرح است :

« یا ایها الذین آمنوا ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلواالخیر لعلکم تفلحون . »

و در اثر عدم توجه بتعمیر آن ریزش کرده است .

محراب مسجد برسیان مورخ بسال ۴۹۸ هجری

محراب مسجد برسیان از نمونه های بسیار جالب هنر آجر تراشی و گچ بری



مسجد سلجوقی **برسیان** از قرن پنجم هجری

دوره سلاجقه است . کتیبه اطراف این محراب بخط کوفی برجسته آجری برزمینه تزیینات گچی گل و بوته دار بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم انما یعمر مساجدالله من آمن بـالله والیوم الاخر و

اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین فی شهرالله المبارك رمضان سنة ثمان و تسعین و اربعمائه . »

در داخل مقرنسهای آجری محراب مسجد برسیان بخط کوفی ساده آجری برزمینه گل و بوته گچ بری شده جملات زیر نوشته شده است :

در یك شمسه وسط محراب : « الحمدلله . »

جملات ردیف اول قطار (مقرنس) محراب شش طاس (۱) است بشرح زیر :

« الملك لله » « العظمة لله » « القدرة لله » « القوة لله » « المنة لله » « العزة لله . »

در ردیف دوم نیز چهارطاس است که یکی از آنها ریزش کرده وسه طاس دیگر شامل جملات زیر است :

« الله الخبیر » « قدیرالکبیر » « فلله الحمد »

و این جملات : یا حنان . یا منان . یا سبحان . یا دیان . نیز بخط ثلث با آرایش گل و بوته گچ بری شده است .

بر ازاره های وسط محراب این جملات نقش بسته است :

« بسم الله الرحمن الرحیم » « و هوالسمیع البصیر »

در شمسه های هلال وسط محراب نیز بخط کوفی مشبك با آرایش گل و بوته جملات زیر گچ بری شده است :

« یا حنان . یامنان . یا سبحان . یا الله . یا دیان . »

در محور محراب و مناره مسجد برسیان در ضلع شمالی آن و خارج از گنبد سلجوقی در دوره صفویه نیز الحاقاتی بعمل آمده است وقسمتی از یك کتیبه معرق نفیس کاشیکاری و دیوار ها وهلال هائی از آن الحاقات هنوز موجود است . از کتیبه خط ثلث کاشیکاری معرق این قسمت بیش از چند کلمه زیر باقی نمانده است :

---

(۱) (طاس) و (شمسه) و (سوسن) و مانند اینها اصطلاحات قدیمی کاشیکارها است .

« ۰۰۰۰۰ الاعظم ۰۰۰۰۰ الافخم و زوجته ۰۰۰۰۰ »

روی این کتیبه یك رسم فنی (پنج پر) که باصطلاح کاشیکار ها (کند دو پنج) نامیده میشود در شمسه آن که ده ترك میباشد موجود است و در یك دایـره بخط ریحان جز کلمات :

« ۰۰۰۰۰ الشهید بکربلا و علی بن ۰۰۰۰۰ » چیز دیگری باقی نمانده است .

وجود جملاتی مانند (الشهید بکربلا وعلی بن ۰۰۰۰) میرساند که از چهارده معصوم ذکرشده بوده و یقیناً این قسمت از برجای مانده های دوره صفویه دربنای تاریخی مزبور است .

مناره چهل دختران

مناره چهل دختران در منتهی الیه شمالی محله (جوبـاره) از محلات قدیمی اصفهان و محل سکونت یهودیان (۱) این شهر واقع شده و درحدود ۲۱ متر ارتفاع دارد ولی بنظر میرسد که قسمتی از نوك مناره از بین رفته باشد . پنجره بزرگی در

(۱) امروز تعداد یهودیان اصفهان در حدود ۳٤۰۰ نفر است که بیشتر آنها در محل سکونت قدیمی و تاریخی خود یعنی محله (جوبـاره) که قسمتی از (یهودیه) سابق است (مراجعه شود بصفحه ۲٤ این کتاب) ساکنند ولی افراد متمکن و ثروتمند آنها در نقاط دیگر شهر اصفهان ساکن شده اند ودربین مسلمانها در نهایت رفاه وآسایش زندگی میکنند یهودیان اصفهان در تیمچه ها و خیابانها مغازه دارند وبا آزادی کامل بامسلمانها معاشرت و رفت و آمد میکنند حتی اطفال آنها هم در دبستانها و دبیرستانها پذیرفته میشوند معذلك مدرسه ای هم مخصوص بخود دارند که امروز بنام (آلیانس) یا اتحـاد خوانـده میشود .

یهودیان اصفهان بیست کنیسه دارند که در محلات شهر بشرح زیر واقع شده اند :

محله **دردشت** (دوکنیسه) محله **گلبار یا گلبهار** (یك کنیسه) محله **جوباره** یعنی قدیمی ترین ناحیه یهودی نشین اصفهان (شانزده کنیسه) فلکه شاه عباس ازخیابانهای جدید شهر (یك کنیسه نوساز) .

کنیسه های یهودیان اصفهان بنام بانیان آنها است وقدیمی ترین آنها درجوباره کنیسه (عموشعیا) میباشد ولی هیچیك ازآنها ازلحاظ ساختمان یا آثارهنری وتزیینات قابل توجه نیستند و بناهائی ساده و معمولی بشمار میروند .

قسمت بالای منار ودر ثلث دوم بدنه آن روبسمت جنوب قراردارد . دهانه این پنجره بشکل مربع مستطیل است و قسمت بالای آن از چوب و در طرفینش ستونهای گرد کوچکی است که نیمی از آنها در داخل دیوار مناره قرار دارد . (۱)



مناره چهل دختران بنای عهد سلاجقه ازاولین سال قرن ششم هجری

(۱) ساکنین اطراف این مناره منارچهل دختران را بنام منار (گارلنگ) هم مینامند. بطوریکه مؤلف تحقیق نموده است حدود شصت سال پیش (اوایل قرن بیستم مسیحی) دریکی از خانه های مجاور این مناره یکی از مبلغین انگلیسی پروتستان مذهب بنام « **گارلند** » (J. L. Garland) سکونت داشته وکار رسمی اوتبلیغ یهودیان اصفهان بآئین مسیحیت بوده

کتیبه فوقانی مناره بخط کوفی آجری برجسته برزمینه آجری پنج آیـه اول سوره (طه) است بشرح زیر :

« بسم الله الرحمن الرحیم. طه . ما انزلنا علیك القرآن لتشقی. الاتذکرة لمن یخشی . تنزیلا ممن خلق الارض والسموات العلی . الرحمن علی العرش استوی . »

درقسمت فوقانی قاعده این مناره بخط ثلث برجسته برزمینه آجری کتیبه ذیل در پنج سطر بشرح زیر گچ بری شده است :

بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله

وحده لاشریك له محمد رسول الله صلی الله علیه

خیرالناس بعد رسول الله صلی الله علیه

....

۰۰۰۰ علی بن ابی‌طالب رضی الله عنهم اجمعین (۱)

مناره چهل دختران را ابی الفتح نهوجی بخرج خود در سال ۵۰۱ هجری ساخته است

بر روی یکی از اضلاع قاعده مناره چهل دختران بخط کوفی آجری برجسته بر زمینه آجری ساده در شش سطر کتیبه ای موجود است که بانی ساختمان آنـرا (ابی الفتح بن محمد بن عبدالـواحد نهوجی) و سال اتمام ساختمان آنرا (۵۰۱ هجری) تعیین میکند . کتیبه باین شرح است :

است. وی زبان فارسی را بخوبی صحبت میکرده ومدت مدیدی دراین محل ساکن بوده است و بر اثر تبلیغ او عده ای یهودی مسیحی شده اند . گارلند پس از وفات در قبرستان ارامنه مدفون شده است. عمارتی که محل سکونت او بوده هنوز بنام عمارت (گارلند) نامیده میشود .

(۱) (سطر چهارم و ابتدای سطر پنجم که عجالة محو شده است شامل اسـامی خلفای سه‌گانه اول بوده است و بنظر میرسد که عمداً نام آنها را محوکرده اند .)



کتیبه تاریخی **مناره چهل دختران** بخط کوفی و مورخ بسال ۵۰۱ هجری

هذه المنارة بنیت من ماله **الا سفهسلار**

ابی الفتح بن محمد بن عبد الواحد

النهوجی (۱) تقرباً الی الله سبحانه و

تعالی وابتغاء مرضاته و جزیل ثوابه

تقبل الله منه برحمته و فرغ من اتمامها

فی سنة احدی و خمس مائة هجرویه (۲)

(۱) نهوج از توابع اردستان است .

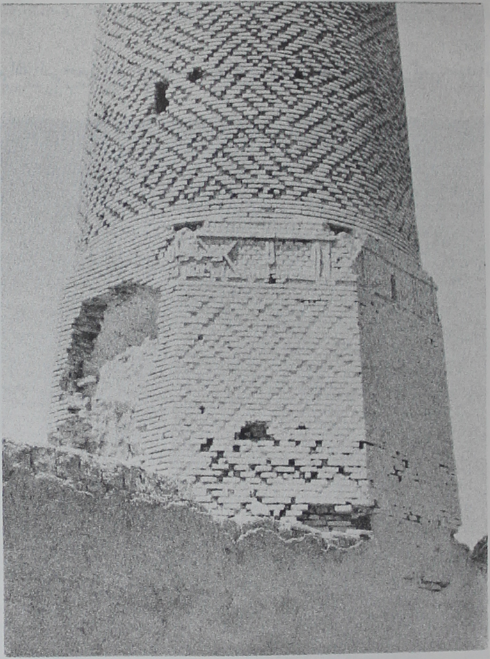
(۲) برای اطلاع از جزئیات فنی ساختمان این مناره مراجعه شود بمقاله مناره های اصفهان درکتاب (آثارایران بزبان فرانسه) صفحه ۳۱۸ تا ۳۲۳ یا (ترجمه فارسی آثار ایران) صفحه ۱۶۰ تا ۱۶۳

مسجد و مناره گار

دهکده **گار** که مردم محل (جار) تلفظ میکنند و (غار) هم نوشته شده است در ۲۲ کیلومتری مشرق اصفهان ساحل جنوبی زاینده رود واقع شده و جزء بلوك (براآن) است . جمعیت آن امروز در حدود ۲۰۰ نفر است که بکشاورزی گندم و تربیت اشجار میوه دار اشتغال دارند و بوسیله دو آبادی کوچك دیگر بنام **نفروان** و **گلستانه** از رود خانه فاصله میگیرد .



تزیینات خطی آجری و منظره **مناره گار** از دوره سلاجقه



کتیبه کوفی **مناره گار** مورخ بسال ۵۱۵ هجری

بموجب کتیبه کوفی آجری که در قاعده مناره موجود است مناره گار در سال ۵۱۵ هجری بوسیله یکی از شخصیتهای معروف محل بنام (ابوالقاسم بن احمد، که در کتیبه از او بنام (سیدالرؤساء) یاد شده است ساخته شده .

کتیبه مناره که در قسمت پائین آن و در قسمت فوقانی قاعده هشت ضلعی آن

قرار دارد و بخط کوفی آجری برجسته از مغرب بمشرق نوشته شده است بشرح زیر میباشد :

« بسم الله الرحمن الرحیم امر ببناء هذا المنارة الزهید الرئیس سید الرؤساء



کتیبه برجای مانده بر یکی از دیوار های مسجد ویرانه گار

ابالقسم بن احمد بن ابالقسم **فی سنة خمس عشرة و خمسمائه .** »

خطوط بدنه مناره بخط بنائی برزمینه شطرنجی آجری تکرارجمله (الملك لله) است . (۱)

بر روی بقایای دیوار دور گنبد مسجد که در ضلع جنوبی صحن متروك مسجد گار واقع شده گچ بری ها وخطوطی وجود دارد ازآنجمله بردوجرز شمالی ویرانه های محوطه گنبد دار سابق آن کلمات وعبارات زیر بخط ثلث گچ بری شده است :

امرعمارت هذاالمحراب ۰۰۰۰۰۰۰ ولیه

لوحه سمت غربی : رشید الدین محمد کا لوحه سمت شرقی: ۰۰۰ ابن ابی القاسم

مل احمد بن اسماعیل ۰۰ رمضان المبارك

۰۰ ستین و ستمائه

بطوریکه از دو قسمت کتیبه فوق الذکر مستفاد میشود سال تاریخ نصب لوحه ها که از ساختمان محراب این مسجد حکایت میکند سال (٦٦۰ هجری) میباشد .

بر جای مانده های خطوط محراب این مسجد در نصف شرقی ویرانه های آن که بخط کوفی گچ بری شده بشرح زیر است :

« ۰۰۰۰۰۰۰۰۰ علیکم اهل البیت انه حمید مجید فلما ۰۰۰۰۰۰۰۰ »

کتیبه اطراف محراب که بخط ثلث گچ بری شده مشتمل برآیة الکرسی و آیه اول تا آخر آیه دوم از سوره (ملك) بوده است و از میان آنها کلمات وجملات زیر باقی مانده است :

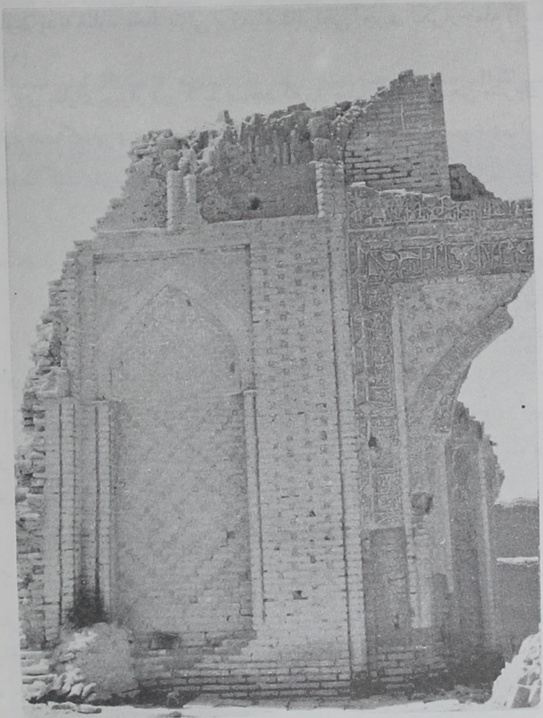
« ۰۰۰۰ عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ماخلفهم ولایحیطون بشیئی من علمه الا بماشاء وسع کرسیه السموات والارض ۰۰۰۰ »

« ۰۰۰۰ احسن عملا و هوالعزیز الغفور الذی خلق سبع سموات طباقاً ماتری -

---

(۱) برای اطلاع از جزئیات فنی ساختمان این مناره مراجعه شود بمقاله انگلیسی مناره های اصفهان درکتاب (آثارایران) صفحه ۳۲۳ تا ۳۲۵ یا ترجمه فارسی (آثار ایران) صفحه ۱٦۳ تا ۱٦۵ ازانتشارات اداره کل باستانشناسی .

فی خلق الرحمن ۰۰۰۰ »



آثـار برجای مانده کتیبه ها و تزیینات گچ بری مسجد **گار** مورخ بسال ۶۶۰ هجری

مسجد و مناره گز

قریه گز که در ۱۸ کیلومتری شمال شهر اصفهان واقع شده از نواحی قدیمی وتاریخی حومه اصفهان محسوب میشود . گزدارای یك مسجد قدیمی ازدوره سلاجقه و بقایای یك مناره دوره سلجوقی وکاروانسرائی از دوره صفویه است . درایام قدیم چون در مسیر شاهراه اصفهان بتهران واقع بوده خیلی اهمیت داشته ولی اکنون درمشرق راه اصفهان بتهران بصورت یك دهکده دور افتاده است .

مسجد گز یك مسجد کوچك چهارایوانی از دوره سلاجقه است که در دوره های بعد خرابیهائی بآن وارد آمده و تجدید ساختمان شده است معذلك بمقدار زیاد مشخصات سلجوقی خود را حفظ کرده است . ایوانهای شمالی و جنوبی و شرقی و غربی دراین مسجد دو بدو قرینه هم هستند وصحن آن بشکل مربع وطول و عرض آن در حدود ۱۲ متر است . آثار قابل ملاحظه سلجوقی این مسجد درایوان غربی آنست و دو راهروی فعلی مسجد در طرفین این ایوان قرار دارند . درهریك از دو ضلع شمالی و جنوبی ایوان غربی دو مدخل بارتفاع تقریباً دو متر ونیم قرار دارد تزیینات طاقهای هلالی شکل آنها ازآجر و گچ نظیرتزیینات سلجوقی داخل ایوان شرقی مسجد جمعه اصفهان است و دربالای هلالها پشت بغل هائی ازتزیینات آجری دارد . پشت بغل هر مدخل دارای دو قسمت برجسته مدور در چپ و راست میباشد که نام خدا و پیغمبر و خلفای راشدین بر آنها منقوش بوده و نام خلفای سه گانه اول را بعداً محو کرده اند . محراب سلجوقی این ایوان در ضلع جنوبی آن واقع شده و در قسمت فوقانی آن محل یك کتیبه که دراطراف این ایوان نصب شده بوده است مشاهده میشود ولی کمترین اثری از خود کتیبه باقی نمانده است . در ضلع شمالی و غربی این ایوان تزییناتی از نوع کاشیکاری (معقلی) بر روی دیوار های این قسمت باقی مانده که سال نصب آنها ذکر نشده و بنظر میرسد از دوره صفویه

باشد . ایوان غربی بوسیله یك پنجره مشبك بزرگ آجری بکوچه مجاور غربی مسجد مربوط شده است .



منظره کوچه قدیمی و مناره مسجد گز از دوره سلاجقه

ایوان جنوبی در زمان شاه اسمعیل اول تجدید ساختمان شده است

بر جبهه داخل ایوان جنوبی تزییناتی از گچ بری مشاهده میشود و در زیر این تزیینات کتیبه کوچکی در یك سطر گچ بری شده که نام (ابوالمظفر سلطان شاه اسمعیل) را در بردارد و کلمات باقی مانده این کتیبه بشرح زیر است :

« جدد هذه العمارة فی زمان السلطان الهادی الجلیل ابی المظفر السلطان شاه اسمعیل خلدالله ......»

در یك شکل مربع بخط بنائی صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام گچ بری

شده و در چهار شکل مـربع کوچکتر در چهار گوشه آن بخط بنائی جملات زیر گچ بری شده است :

« الله اکبر » « محمد » « وعلی » « الحکم لله »

ایوان شمالی مسجد گز

ایوان شمالی مسجد گز در نتیجه تجدید ساختمان و تعمیرات مکرر مشخصات سلجوقی خود را بکلی ازدست داده است وایوان جدید البنائی بنظرمیرسد . بردیوار شرقی این ایوان لوح سنگی دایره مانند تقریباً بقطر پنجاه سانتیمتر نصب شده که برروی آن اشعاری منقور است وحاکی از تعمیراتی میباشد که درمسجد بعمل آمده است . عبارات واشعار این لوح خیلی درهم و برهم است و در وسط آن نوشته شده :

« عمل کربلائی محمد تقی دهقی ۱۳۰۵ »

ایوان شرقی

ایوان شرقی هم اختصاصات دوره سلجوقی خود را از دست داده است . در این ایوان یك کتیبه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی وجود دارد که پس از جمله (قال الله تبارك وتعالی) آیه ۳۵ ازسوره (نور) نوشته شده و درآخر بجمله :

« صدق الله العلی العظیم کتبه محمد بـاقر الشریف الشیرازی فی سنة ۱۲۵۹ »

ختم میشود (۱)

خطوط بنائی در ایوان شرقی مسجد گز از قرن دهم هجری

در ایوان شرقی در دو شکل مربع بخط بنائی مشگی بـر زمینه کاشی فیروزه ای معرق نوشته شده است :

« لااله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله »

و در دو شکل مربع مستطیل بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی معـرق

---

(۱) محمد باقر شریف شیرازی خطاط مشهور اصفهان در قـرن سیزدهم هجری است که کتیبه های بناهای تاریخی دیگری مانند مسجد سید ومسجد رکن الملك نیز بقلم اومیباشد . (کتیبه مسجد رکن الملك بعداً ازکتیبه مسجد سیدگرده برداری شده است)

در سمت راست و چپ عباراتی بشرح زیر نوشته شده است :

« این بنا از تو ماند در عالم »

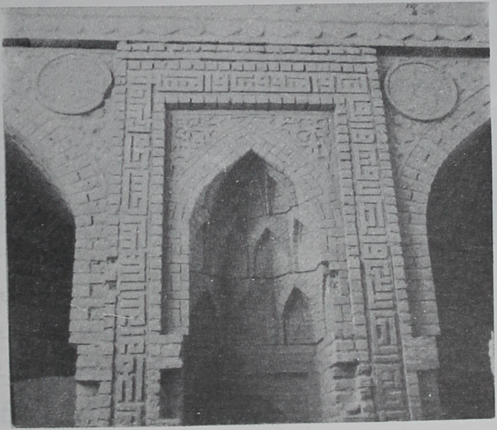
« عمل العبد . . . الی الله الغنی حیدرعلی بن‌ذوالفقار المعمار الاردستانی سنة ۹۵۲ه »

بردولنگه راست وچپ درورودی مسجد گز بخط ثلث برجسته نوشته شده است :

« و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً »

ایوان غربی

در ایوان غربی **مسجد گز** در یك دایره بخط کوفی با آجر برزمینه گچ نوشته



تزیینات آجری محراب ایوان غربی **مسجد گز** از دوره سلاجقه

شده است : « لااله الاالله وحده » و در دایره دیگر : « لاشریك له محمد رسول الله »

دراسپرهای اطراف ایوان بخط بنائی مشگی برزمینه سفید نوشته شده : یا الله . یا محمد . یا علی .

کتیبه اطراف محراب این ایوان بخط بنائی آجری برجسته برزمینه فیروزه‌ای مشتمل بر آیه ۱۷ وقسمتی از آیه ۱۸ ازسوره (آل عمران) است بشرح زیر:

بسم الله الرحمن الرحیم الصابرین والصادقین والقانتین والمنفقین والمستغفرین بالاسحار شهدالله انه لااله الاهو والملائکة .

در داخل محراب بخط کوفی فیروزه ای بر زمینه آجری نوشته شده است :

« الله اکبر »

مناره مسجدگز

مناره مسجد گز که در گوشه شمال غربی مسجد واقع شده سابقاً خیلی مرتفعتر از امروز بوده و بمرور زمان خراب شده و ریزش کرده است . قسمتی از آن که باقی‌مانده هنوزقابل توجه میباشد وتزیینات عالی آجری دارد. درقسمتهای باقیمانده مناره کتیبه ای وجود ندارد و باحتمال قوی کتیبه مناره در قسمت فوقانی آن که خراب شده قرار داشته است . با توجه بمعماری مسجد و مناره (سین) که در شش کیلومتری شمال قریه گز واقع شده وبموجب یك کتیبه موجود سال ساختمان آنرا در ربع اول قرن ششم هجری بدست میدهد مسجد و مناره گز هم در همان حدود یا کمی جلوتر ساخته شده است .

یك لوح سنگی مورخ بسال ۱۰۸۵ هجری

برنمای خارجی دیوار غربی مسجد گز وجنب در ورودی لوحی ازسنگ پارسی نصب شده که بخط نستعلیق عبارات زیر را دربردارد :

« وقف نمود آقا علی ولد محمد علی یاور تمامی سه دردکان بقالی پای گلدسته را از برای خدا آنچه اجاره دکان بهم رسد محمد شریف گرفته صرف (۱) مسجد بزرگ جز کند . بلعنت خدا گرفتار شود تغییر دهنده ۱۰۸۵ »

دو سنگاب قدیمی

جنب یکی از در های ورودی مسجد گز که در ضلع غربی مسجد واقع شده و

---

(۱) کلمه (صرف) درکتیبه فوق الذکر (سرف) نوشته شده است .

نیز در بازار مجاور آن دو سنگاب خوشرنگ از سنگ یشم بوسیله مرد خیری بنام حاجی محمد ابراهیم (۱) در سال ۱۲۷۰ هجری قمری نصب شده که کتیبه هر دو یکسان است ولی ازلحاظ ابعاد سنگاب بازار بزرگتر ازسنگاب مدخل مسجد میباشد. کتیبه این دو سنگاب بشرح زیر است :

« وقف جناب اباعبدالله الحسین نمود حاجی محمد ابراهیم خلف مرحمت وغفران پناه میرزا محمد بك فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۷۰ »

کاروانسرای تاریخی گز

یکی از نمونه های جالب کاروانسراهائی که در دوره شاه عباس کبیر در سرراه



دورنمای کاروانسرای تاریخی گز ازدوره شاه عباس اول

---

(۱) این شخص خیر سنگاب دیگری نیز در سال ۱۲۷۵ هجری قمری وقف بر مدرسه صدرواقع در بازاراصفهان نموده‌است که ضمن توصیف این مدرسه درجای خود ذکرخواهد شد.

اصفهان بشمال ساخته شده کاروانسرای گز است . طول این کاروانسرای تاریخی در قسمت خارج آن از مشرق بمغرب ۹۶ متر و عرض آن از شمـال بجنوب ۸۳ متر است و در داخل کاروانسرا طول صحن آن از مشرق بمغرب پنجاه متر و عرض آن از شمال بجنوب چهل متر است . در چهار گوشه کاروانسرا چهار برج آجری قرار گرفته که محیط خارجی هریك از آنها ۹ متر و دارای ازاره هـای سنگی است . ارتفاع هر برج درحدود شش متراست وفقط برفراز برج گوشه شمال شرقی کاروانسرا برج دیگری نیز بنا شده که منظره آن از دورهم نمایان است وبرای دیدبانی بکار میرفته است .

ارتفاع سر در باشکوه کاروانسرای گز یازده متراست ونمای خارجی آن شامل ایوانهای فوقانی و تحتانی با جرز ها و پشت بغل های کاشیکاری از نـوع (معقلی) است . قسمت فوقانی سردر ورودی کاروانسرا نیز تزیینات جالبی از نوع کاشیکاری (معقلی) دارد . طول دالان ورودی کاروانسرا از کنار جاده تا داخل صحن ۲۲متر است و در وسط دالان آن سرسرای جالبی بنا شده که بـر روی آن گنبدی آجری ساختمان شده است . در اطراف صحن کاروانسرا ایوانهائی واقع شده و هر ایوان بوسیله یك مدخل باطاقی متصل میشود که محل سکونت مسافرین بوده است . جرز های ایوانهای کاروانسرا در داخل و خارج در قسمت پـائین دارای ازاره هائی از سنگ پارسی میباشد که بعلت عدم توجه بتعمیر و ترمیم آنها تعداد زیادی از آنهـا سقوط کرده و پراکنده شده است .

در هر چهار ضلع شمالی و جنوبی و شرقی و غـربی صحن کاروانسرا در قسمت عقب ایوانها و اطاقهای اطراف انبار های وسیع و اصطبل های بزرگ موجود است و ایوانهای اطراف کاروانسرا هریك بیك اطاق منتهی میشوند ولی چهار ایوانی که درچهار گوشه صحن کاروانسرا واقع شده اند هریك بسه اطاق متصل میشوند . عرض هر ایوان ۲ متر است و اطاقها هریك بطول ۳/۶۰ متر وعرض ۳/۴۰ متر و ارتفاع



منظره داخل کاروانسرای تاریخی گز و گنبد سرسرا و برج دیدبانی آن

۳/۵ متر است .

مسجد و مناره سین

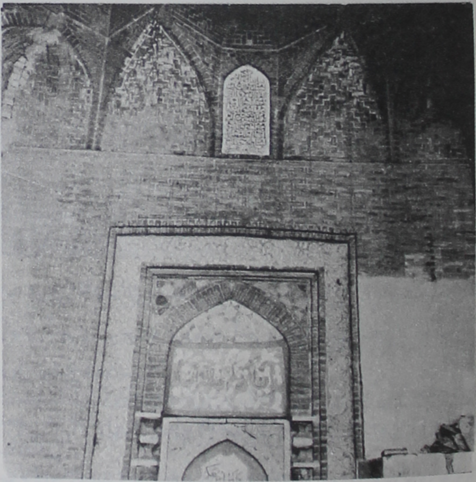
قریه (سین) که در شش کیلومتری شمال گز واقع شده نیز دارای یك مسجد و مناره سلجوقی است که در مقایسه با مسجد گز بیشتر اختصاصات دوره سلجوقی خود را حفظ کرده است . کوچه ومدخل مسجد سین که مناره مرتفع آن نیزدر گوشه شمال غربی مسجد واقع میشود شباهت زیادی بکوچه و مدخل مسجد گز دارد . صحن فعلی مسجد سین وسعت زیادی ندارد و طول وعرض آن درحدود ۷ متراست . مدخل مسجد در ضلع شمالی آن واقع شده و ایوان اصلی که بگنبد منتهی میشود درسمت جنوب است . درطرفین شرقی وغربی صحن دودیوار معمولی قرار دارد .

آثار جالب دوره سلجوقی در ایوان جنوبی مسجد است که آن نیز بدو قسمت متمایز تقسیم میگردد : قسمت جلوی ایوان بنائی است بکلی تازه ساز وقسمت عقب

آن که محوطه ایست گنبد دار بطول ٦/٥ متر وعرض ٤متر مشخصات سلجوقی خود را بخوبی حفظ کرده است . هلال مدخل این قسمت دارای نقوش گچ بری بشکل ستاره های شش پر ازدوره سلاجقه است ودیوارهای آن تزییناتی از گچ بری مشابه تزیینات دیوار های ایوان شرقی مسجد جمعه اصفهان دارد . طاق گنبدی شکل آن از مقرنسهای درشت آجری و شبیه باین دسته از طاقهای مقرنس دار آجری مسجد جمعه اصفهان ازدوره سلاجقه ترکیب وتزیین شده. خطوط گچ بری اطراف محراب این مسجد برزمینه آبی رنگ بعد از جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) شامل آیة۔ الکرسی است .

کتیبه تاریخی مسجد سین مورخ بسال ۵۲۹ هجری

در قسمت فوقانی محراب گچ بری این مسجد و در زیر مقرنسهای آجری بر



سنگ نوشته تاریخی مسجد سین مورخ بسال ۵۲۹ هجری

یك لوح سنگی بطول ۸۰ وعرض ۴۰ سانتیمتر کتیبه‌ای موجود است که بانی‌ساختمان قبه واتمام آنرا **ابوغالب یحیی بن ابوسعید بن زکریا** وسال ساختمان آنرا **۵۲۹** هجری تعیین میکند . کتیبه بخط ثلث برجسته برسنگ بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم امر ببناء هذه القبة و اتمامه العبد المذنب الراجی لعفوالله تعالی **ابوغالب یحیی بن ابوسعید بن زکریا** تقبل الله عز و جل منه و غفرالله ولوالدیه و لمن دعا له بالمغفرة وبنی الله له بیتاً فی الجنة وذلك **فی شهور سنة تسع و عشرین و خمسمائه** .

مناره سین

مناره مسجد سین بفحوای کتیبه تاریخی آن **مورخ بسال ۵۲۶ هجری** قبل از ساختمان گنبد مسجد باتمام رسیده . تاریخ این کتیبه قدیمی ترین تاریخی است که تاکنون بر روی یك بنای مزین بکاشی درایران دیده شده (۱) دروسط مناره پنجره بزرگی رو بقبله وجود دارد و تنه آن بواسطه نشستی که کرده از پنجره ببالا کمی خم شده است . ساختمان این مناره ازحیث نکات فنی‌شبیه بمناره گار(جار) است. (۲) کتیبه فوقانی‌مناره بخط کوفی برجسته باکاشی فیروزه‌ای شامل آیه۳۳ ازسوره (فصلت) است بشرح زیر :

« بسم الله الرحمن الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی الله وعمل صالحاً وقال اننی من المسلمین . »

بر جانب شرقی قاعده مربع شکل مناره سین که با پشت بام مسجد در یك سطح است بخط کوفی آجری برجسته برزمینه آجری توأم باتزیینات ساده گچی درچهار سطر کتیبه زیر نوشته شده است :

---

(۱) صفحه ۱۹۰ آثار ایران بزبان فارسی . (جلد اول ـ جزوه دوم) از انتشارات اداره کل باستانشناسی .

(۲) رجوع شود بکتاب آثار ایران (جلد اول جزوه دوم) صفحه ۱۶۵ و ۱۶۶

« بسم الله الرحمن الرحيم امر ببناء »

« هذه المنارة العبد المذنب الراجى لعفو الله تعالى »

« ابواسمعيل محمد بن الحسين بن على بن زكريا تقبل الله »

« منه وذلك فى رجب سنة ست و عشرين وخمس مائه »

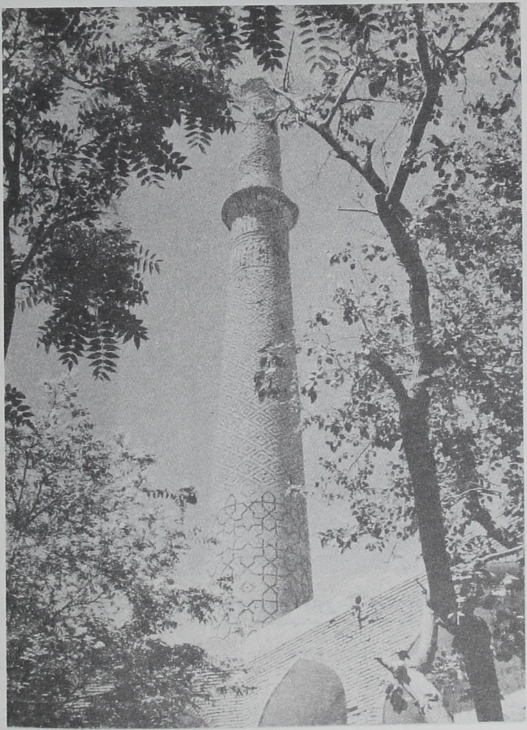


کوچه قدیمی و مناره مسجد سین از دوره سلاجقه

مناره مسجد علی

مناره مسجد علی که در گوشه شمال غربی مسجد علی (از آثار دوره شاه اسمعیل اول درمحل یك مسجد سلجوقی) قراردارد ووجه تسمیه فعلی آن بمناسبت مجاورت با مسجد علی است اصلا ازدوره سلاجقه است که دراواخر قرن پنجم یااوایل قرن ششم

هجری ساخته شده و ارتفاع آن در زمان ساختمان از پنجاه متر متجاوز بوده است ولی امروز در حدود ۵۱/۵ متر بیشتر ارتفاع ندارد (۱)



مناره مسجد علی ازعهد سلاجقه (قرن پنجم یا ششم هجری)

(۱) برای اطلاع ازجزئیات فنی ساختمان این مناره مراجعه شود بصفحه ۳۳۲ تا۳۳۷-

این مناره از بالا بپائین شامل پنج کتیبه است که بسیاری از کلمات آن ریخته است. کتیبه اول بخط کوفی باکاشی فیروزه ای برزمینه آجری درقسمت بالای مناره تکرار جمله : (لا اله الا الله) است .

کتیبه دوم بخط کوفی باکاشی فیروزه ای در زیر مقرنسهای مناره تکرارجمله : (الملك لله) است .

کتیبه سوم بخط کوفی باکاشی فیروزه ای : « لااله الا الله محمد رسول الله »

کتیبهٔ چهارم بخط بنائی گچی برزمینه شطرنجی درمربع های بزرگ : «هوالله الذی لااله الا هو . »

کتیبه پنجم بخط بنائی آجری برجسته برزمینه گچی که هم سطح با بام مسجد علی میباشد بشرح زیر است :

« شهدالله انه لااله الاهو والملئكة و اولوالعلم قائماً بالقسط » (۱)

مناره ساربان

این مناره که یکی اززیباترین مناره های عهد سلاجقه دراصفهان است درانتهای شمالی محله (جوباره) ناحیه یهودی نشین اصفهان نزدیك مناره چهل دختـران در گوشه یك میدان کوچکی که یقیناً در زمان ساختمان آن محل مسجد کوچکی در پای مناره بوده است واقع شده . ارتفاع این مناره در حدود ٤٨ متر است و محیط قاعده آن چهارده متر میباشد وازپائین ببالا دارای هفت قسمت متمایز است : قسمت

- (جلد اول جزوه دوم)کتاب (آثارایران) قسمت مناره های اصفهان بزبان انگلیسی یا صفحه ۱٦۸ تا ۱۷۳ ترجمه فارسی این جلد .

(۱) مشخصات کامل ابعاد این مناره اصیل سلجوقی بشرح زیر است :

محیط قاعده در سطح زمین ۱٦ متر ـ محیط مناره محاذی پشت بام مسجد علی ۱۵ متر محیط نعلبکی مناره ۱۲/۸۰ متر ـ محیط قاعده منارچه ای که بر فراز مناره بنا شده است ۷/۷۵ متر ـ ارتفاع هرپله تانعلبکی مناره ۳۵ سانتیمتر ـ ارتفاع هرپله منارچه ۳۰ سانتیمتر تعداد پله های منار از سطح زمین تا بالای منارچه ۱٦٤ پله

اول آن آجرچینی ساده است . قسمت دوم و سوم آن دارای تزیینات عالی آجری میباشد . قسمت چهارم آن تاج اول مناره است که مقرنس‌های آجری توأم باکاشی فیروزه ایِ دارد و بسیار جالب و پرحالت است . قسمت پنجم آن تزیینات آجری است . قسمت ششم آن تاج دوم مناره است و قسمت هفتم آن تارك مناره است .

در قاعده دو تاج این مناره دو کتیبه بسیار زیبا ازبهترین رنگ فیروزه ای کاشی دیده وخوانده میشود. مناره مزبور که ازارتفاع اولیه آن اندکی کاسته شده است درحال حاضر بسمت مغرب متمایل شده واین تمایل ازدور ونزدیك کاملا نمایان است . (۱)

سال ساختمان این مناره در کتیبه های فعلی آن موجود نیست لذا بطور قطع نمیتوان زمان ساختمان آنرا معلوم کرد . پروفسور پوپ سال ساختمان این مناره را در اواخرقرن پنجم هجری میداند وآقای (مایرون بمنت سمیث) ساختمان آنرا بین سالهای ۵۵۰ تا ۶۸۸ هجری تخمین زده است .

کتیبه فوقانی مقرنسهای تارك این مناره بخط کوفی فیروزه‌ای برجسته برزمینه آجری بشرح زیر است :

« لااله الاالله صادقاً مخلصاً محمد رسول‌الله »

کتیبه زیرمقرنسها بخط کوفی فیروزه‌ای برجسته برزمینه آجری بشرح زیراست:

« بسم الله الرحمن الرحیم و من احسن قولا ممن دعـا الی الله و عمل صالحاً و قال اننی من المسلمین »

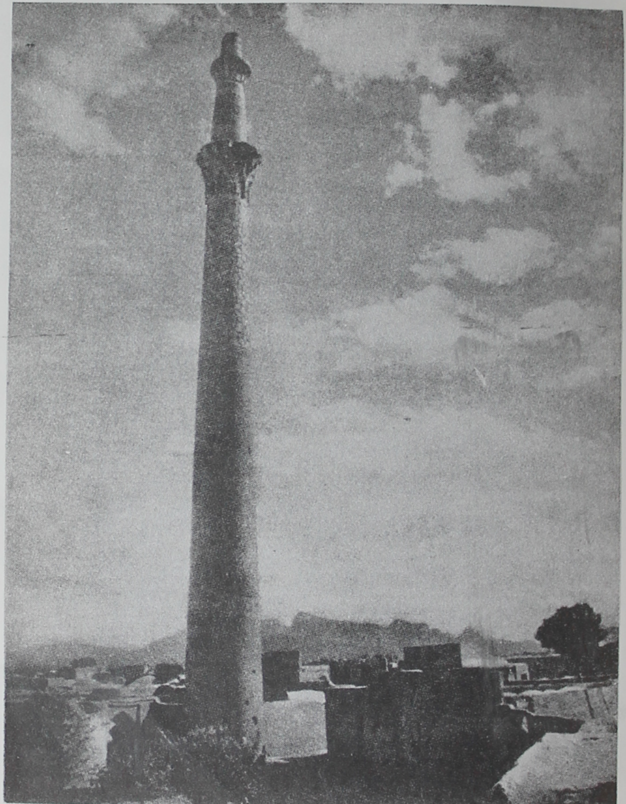
کتیبه وسط این مناره بخط بنائی فیروزه ای برزمینه آجری تکرار نامهای ذیل است :

---

(۱) برای اطلاع بیشتر از جزئیات فنی ساختمان این مناره مراجعه شود بصفحه ۳۴۰ ۳۴۱ (جلد اول ـ جزوه دوم) آثار ایران قسمت مناره های اصفهان (بزبـان انگلیسی) یا صفحه ۱۷۴ - ۱۷۷ ترجمه فارسی این جلد .

تصویر مقابل : مناره ساربان زیباترین مناره های عهد سلاجقه دراصفهان ——— >

(از کتاب آثارایران)



« (محمد) (وبوبکر) (وعمر) (وعثمان) (و علی) »

در نصف تحتانی مناره مزبور و در اشکال مربع بخط بنائی فرو رفته بر زمینه شطرنجی و بطور درهم و برهم عبارات زیر تکرار شده است :

« لااله الاهو » « و هو بکل شیئی علیم » « و هوالسمیع البصیر »



منارهٔ ساجوقی زیار بنای قرن ششم هجری

مناره زیار

این مناره در دهکده زیار و درساحل جنوبی بستر زاینده رود در۳۳ کیلومتری مشرق اصفهان واقع شده . روبروی آن در شمال رود خانه منظره مسجد و مناره برسیان که شرح آن گذشت پدیدار میشود .

مناره زیارتنها نمونه مناره های سه طبقه اصفهان است که تا کنون بحالت اصلی خود باقی مانده ودر آن تصرف ومداخله ای نشده و خرابی هم کمتر بآن راه یافته است . ارتفاع آن بالغ بر پنجاه متر است . سال ساختمان این مناره هم در کتیبه موجود منار ذکر نشده ولی آقای (مایرون بمنت سمیث) که راجع بمناره های اصفهان تحقیقاتی نموده است سال ساختمان آنرا پس از مقایسه با سایرمناره های این دوره از نظر معماری و نوع تزیینات و آرایش آن همزمان با ساختمان مناره سازبان و بین سالهای ٥٥٠ تا ٦٨٨ هجری میداند . (۱)

کتیبه این مناره در قسمت فوقانی آن بخط کوفی برجسته باکاشی فیروزه ای بر زمینه آجر ساده شامل آیه ۳۳ از سوره (فصلت) است بشرح زیر :

«بسم الله الرحمن الرحیم ومن احسن قولا ممن دعا الی الله و عمل صالحاً و قال اننی من المسلمین ـ الله ربی .»

مناره راهروان

مناره راهروان دروسط مزارع دهکده **راهروان** درشش کیلومتری شمال شرقی اصفهان واقع شده است . این مناره هم که درحدود ۳۰ مترارتفاع دارد تقریباً بصورت اصلی خود و بدون خرابی باقی مانده است . سال ساختمان این مناره هم در کتیبه آن ذکرنشده ولی آقای (سمیث) تاریخ ساختمان آنرا بین (٥٧٥ ـ ٦٨٨) هجری

---

(۱) رجوع شود بصفحه ۳٤۱-۳٤٥ (جلد اول ـ جزوه دوم) کتاب آثارایران (قسمت مناره ها) بزبان انگلیسی یا صفحه ۱۷۱ ـ ۱۷۷ ترجمه فارسی این جلد .

و بعد از مناره های مسجد علی و مناره ساربان و زیار میدانند . (۱)

کتیبه فوقانی این مناره که بخط ثلث و با کاشی فیروزه رنگ نوشته شده بشرح زیر است:

«لااله الاالله صادقاً مخلصاً محمد رسول الله»



مناره سلجوقی راهروان از قرن ششم هجری

(۱) مراجعه شود بصفحه ۳۴۶ (جلداول ـ جزوه دوم) آثار ایران (فصل مناره های اصفهان بزبان انگلیسی) یا صفحه ۱۸۰ ترجمه فارسی همین جلد از انتشارات اداره کل باستانشناسی .

بقعه الراشد بالله خلیفه مقتول عباسی

درقریه شهرستان جی و حدود چهار کیلومتری مشرق اصفهان مجاور پل قدیمی شهرستان و در ساحل شمالی زاینده رود قسمتهائی از برجای مانده های برج وبارو های (جی) در قریه (شهرستان) مشاهده میشود و در نزدیکترین فاصله این قریه تاساحل رود خانه در وسط محوطه ای که ازسطح جاده های مجاورآن کمی مرتفعتر است آثار یك بنای قدیمی و دیوار های مخروبه و یك گنبد آجری مشاهده میشود در داخل این گنبد صورت دو قبر موجود است که بدور آنها ضریحی از چوب قرار دارد و اهالی قریه معتقدند صاحب یکی از دو قبر (شاهزاده ابراهیم) و دیگری (حسین بن زید بن حسن بن علی) است در حالیکه مورخین عموماً این مقبره را آرامگاه (الراشد بالله) خلیفه عباسیمعرفی کرده اند که دررمضان سال ۵۳۲ هجری در جی بقتل رسیده و در همین نقطه مدفون شده است .

تفصیل این واقعه چنین است که مسترشد خلیفه عباسی در تاریخ ۱۸ ذی القعده سال ۵۲۹ هجری بدست جمعی از باطنیان بقتل رسید (۱) و بعد ازقتل او فرزندش **راشد** بجای اونشست و او که از پرداختن خراج سالیانه عاجز بود در سال ۵۳۰ با سلطان مسعود بن محمد سلجوقی در نزاع افتاد ونام او را از خطبه انداخت و داود برادر و مدعی او را سلطان خواند و امرای اطراف را بجنگ با مسعود وعصیان بر او واداشت . مسعود ببغداد آمد و راشد ازترس باتابك موصل پناه جست و (مقتفی) بجای او بخلافت اختیار شد .

در سال ۵۳۲ **راشد** ازموصل بآذربایجان پیش داود رفت واتابك فارس وبعضی دیگر از امرا هم که از مسعود ترس داشتند دور داود و راشد را گرفتند و بجنگ مسعود آمدند . مسعود در شعبان این سال آنها را درنزدیك (دینور) شکست داد .

---

(۱) قتل مسترشد بر در مراغه بدست ملاحده روی داد سنه ۵۲۹ (مجمل التواریخ والقصص ذیل صفحه ۳۸۵ .)

راشد با داود بخوزستان آمد واز آنجا باصفهان رفت ودر آن شهر در ۲۵ رمضان ۵۳۲ بدست یك تن از اسماعیلیه بضرب کارد جان سپرد . (۱)

قدیمترین مورخی که تفصیل قتل الراشد بالله را در شهر اصفهـان نوشته است (عماد کاتب اصفهانی) میباشد که در کتاب (تـاریخ دولت آل سلجوق) شـرح این واقعه را که خود شاهد آن بوده نوشته است بنا بر این آنچه او نوشته از روی علم و اطلاع کامل میباشد . وی مینویسد :

« الراشد بالله پس ازقتل پدرش المسترشد بالله درذیقعده ۵۲۹ در بغداد بخلافت نشست و مدت ۹ ماه با ترس و اضطراب زیاد خلافت نمود تـا اینکه سلطان مسعود سلجوقی ببغداد آمد وخلیفه ازبغداد فرار نمود ومدت دوسال دراین شهر و آن شهر آواره بود و بالاخره بآذربایجان رفت وبداود بن سلطان محمود پناه برد وباقشون وی برای محاصره اصفهان بجانب این شهر شتافت . در محاصره اصفهان جمعی از فدائیان باطنیه هنگام ظهر روزسه شنبه ۲۶ شهررمضان ۵۳۲ ناگهان بر سر او ریخته و وی را بقتل رسانیدند .

عماد کاتب مینویسد این حادثه در اوان طفولیت من رخ داد و هنوز خاطره آن درذهن من باقیست . سپس وی شرح مفصل و جالبی از محاصره اصفهان بدست داود سلجوقی و خرابیهای وارد باین شهر بدست میدهد تا باینجا که مینویسد :

« و دفن الراشد بالله فی‌مدینة جی وافردت له تربة فی جامعها وصار الی الیوم موضع قبره عن اشرف مواضعها .» (۲)

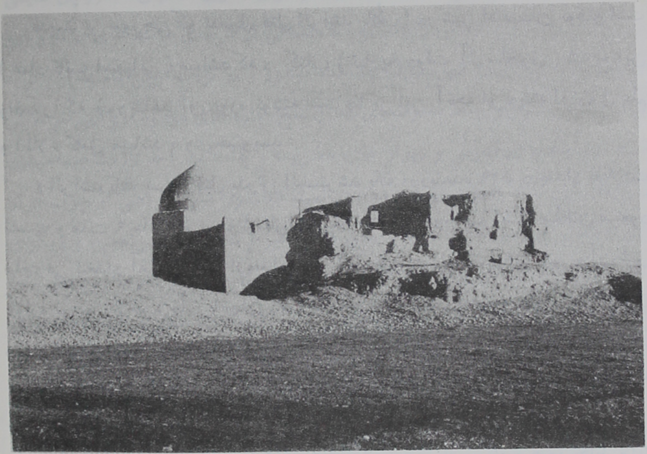
ازعبارت (وافردت له تربة) معلوم میشود بنای بقعه درهمان زمان سلجوقیان بوده و مردم بواسطه عظمت مقام خلافت بزیارت قبر خلیفه توجه مخصوصی داشته و محل قبر او را مکان شریفی میدانسته اند .

---

(۱) صفحه ۳۷۱ تاریخ عمومی و ایران چاپ ۱۳۱۸ تألیف عباس اقبال .

(۲) در اطراف بقعه فعلی زمینهای بایر و ویرانه هائی دیده میشود که از وسعت دامنه ساختمانهای این محل حکایت میکند . مناره سلجوقی شهرستان نیز که در سال ۱۳۳۳ هجری قمری منهدم شده و شرح آن در همین فصل خواهد آمد در این محل قرار داشته است .

واضح است که پس از گرویدن مردم اصفهان بمذهب شیعه درزمان صفویه قبر الراشد بالله نیزمانند سایر مقابر بزرگان بصورت مدفن یکی ازامامزادگان در آمده است» (۱)



بقعه **الراشد بالله** خلیفه مقتول عباسی درقریه شهرستان (جی)

ازجغرافیا نویسان قدیمی کسیکه اسمی ازمقبره الراشد بالله درشهرستان اصفهان برده (یاقوت حموی) صاحب کتاب (معجم البلدان) است . وی درجائیکه ازکلمه (جی) گفتگو میکند مینویسد :

« و فی **جی** مشهد **الراشد** ابن المسترشد معروف یزار و هی علی شاطئی نهر زنده رود . »

یاقوت که کتاب خود را در اوائل قرن هفتم هجری نوشته مینویسد قبر الراشد بالله درجی اصفهان و در ساحل زنده رود معروف و زیارتگاه است . »

صاحب کتاب (مجمل التواریخ والقصص) در ذکر مدفن خلفا راجع بمدفن

---

(۱) اقتباس از شماره ۵۵ و ۵۶ روزنامه سرنوشت ترجمه آقای محمد صدرهاشمی .

الراشد بالله چنین مینویسد :

« الراشد بالله باصفهان حماه الله من الافات دفن کردند » (۱)

منظره خارجی بقعه الراشد بالله مانند سایر گنبد های عهد سلجوقی آجری میباشد و هیچگونه تزیینات دیگری نداشته است ولی با مشاهده چند قطعه کاشی فیروزه‌ای جدید که بر گنبد مزبور نصب شده معلوم میشود در یکی دوقرن اخیر از طرف مردم قریه که مقبره راشد را امامزاده‌ای پنداشته‌اند اقدام بکاشیکاری گنبدآن هم شده بوده است و بر اثر عدم مراقبت تدریجاً این کاشیها هم ریخته است .

گنبد الراشد بالله درداخل تزییناتی ندارد و با گل‌سفید رنگ‌آمیزی شده و بطوریکه نقل شده است در سال ۱۳۱۶ هجری قمری بوسیله یکی از بانوان قاجار بنام (افتخارالدوله) از این بقعه تعمیری شده و علیرضای موسوی متخلص بانجم در دو شعر تاریخ تعمیر این بقعه را بشرح زیر ضبط کرده است : (۲)

افتخار الدوله از باب کرم	گشت باعث بهر تعمیر حرم
انجم بیدل بتاریخش شکفت	الف پس سیصدد گرشانزده بگفت

کتیبه داخل بقعه الراشد بالله بخط کوفی برجسته برزمینه گچ که بعداً رنگ آمیزی شده است مشتمل بر آیه ۳۶ و۳۷ و۳۸ از سوره (نور) است بشرح ذیل :

« بسم الله الرحمن الرحیم فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو والاصال . رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکرالله و اقام الصلوة وایتاء الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب والابصار . لیجزیهم الله احسن ماعملوا و یزیدهم من فضله والله یرزق من یشاء بغیرحساب . »

بطوریکه ملاحظه میشود نام خطاط کتیبه و تاریخ نصب آن یا ساختمان گنبد ذکر نشده است .

---

(۱) مجمل التواریخ والقصص صفحه (۴۵۴)

(۲) مقاله مربوط بمقبره الراشد بالله شماره ۵۵ روزنامه سرنوشت چاپ اصفهان .

مناره شهرستان

در مجاورت بقعه الراشد بالله و پل قدیمی شهرستان سابقاً مناره ای هم از قرن ششم هجری و ازدوره سلاجقه وجود داشته است که در ردیف مناره های بسیارزیبای اصفهان بشمار میرفته. این مناره دارای دو پلکان بوده که ازیکی بالا میرفته اند واز دیگری پائین میآمدند واز نظرمعماری مناره جالبی بوده‌است. این‌مناره ازلحاظ نقوش و تزیینات نیز مانند مناره مسجد علی و مناره ساربان بوده و بیشتر سیاحان خارجی که ازعهد صفویه باصفهان آمده اند مخصوصاً سیاحانی که دریك قرن اخیراصفهان را دیده اند از این مناره توصیف نموده اند و از باستانشناسان آقای (سمیث) در مقاله (مناره های اصفهان) ازملحقات (جلد اول - جزوه دوم) آثار ایران ازاین مناره بنام (مناره شهرستان) و(شاه رستم) یاد کرده است . این مناره را بطمع استفاده از آجرهای آن در سال ۱۳۳۳ هجری قمری عمداً خراب کرده اند . (۱)

مسجد جامع اردستان

مسجد جامع اردستان یکی از مساجد جالب و زیبای عهد سلجوقی ایران است و از نمونه مساجد کوشك مانند اولیه ای میباشد که در نیمه دوم قرن ششم هجری بمسجد (چهارایوانی) یعنی نمونه مساجد ایرانی تبدیل شده است . مسجد تاریخی مزبور مانند مساجد همزمان و نظیر آن در اصفهان و قزوین و گلپایگان مشتمل برشبستان چهار گوش خوش طرحی است که گنبد شیوای آجری بر فرازآن استوار نموده اند ودر جلوی شبستان ایوان بزرگی بنا شده و در دو جانب شبستان بزرگ شبستانهای کوچکتر افزوده اند و در اطراف صحن ایوانها و غرفات دیگر ترتیب داده اند .

از آثار وقرائنی که در طاقها وستونهای بنای واقع در سمت مغرب ایوان جلوی

(۱) آثار ایران بزبان فرانسه (جلد اول جزوه دوم) مقاله (مناره های اصفهان) بزبان انگلیسی صفحه ۳۳۷ و ترجمه فارسی این جلد صفحه ۱۷۳

شبستان بزرگ مسجد باقی مانده است چنین برمیآید که درقرن چهارم هجری بنای قدیمتر این مسجد را بنیاد نهاده بودند وپس از آن درقرن ششم هجری برای احداث شبستان بزرگ کنونی وایوان وقسمتهای متصل بآنها وضع مسجد اولیه را دگرگون ساخته آنچه را از آن که مانع احداث و تجدید بنای معظم مورد نظر بوده از میان برداشته اند .

ضمناً شبستان بزرگ مسجد هم با ایوان جلو آن و شبستانها و صفه های متصل بآنها کاملا همزمان نیست بلکه با توجه و دقت کافی در وضع بنا میتوان تشخیص داد که در حدود ۷۰ سال بعد از ساختمان شبستان و گنبد اصلی مسجد باحداث شبستانهای کوچك وایوان وابنیه اطراف آن وترتیب صحن وایوانهای دیگر بصورت فعلی پرداخته اند .

درمرحله اول که شبستان بزرگ و گنبد ساخته شده است وضع طاق بندی وآجر کاری زیر گنبد را بصورت یکی ازشاهکارهای هنری فوق العاده مهم دوران سلجوقی مربوط باواخر قرن پنجم هجری بوجود آورده اند .

در مرحله دوم که ایوان وشبستانهای کوچك وقسمتهای سابق الذکر را ساخته اندگچ بریهای عالی بر متن آجری بنا و تزیین کتیبه های کوفی آجر و احداث کتیبه‌های ثلث گچ بری و گل وبوته های اسلیمی بسیار زیبا وخوش طرح امتیازات منحصر بفرد دیگری باین بنای عالی و معظم بخشیده است .

بطوریکه بیان شد کتیبه های کوفی و ثلث گچ بری اطراف شبستان زیر گنبد و ایوان جنوبی مسجد مزبور از جمله آثار هنری بشمار میرود و طبق آنچه در این کتیبه ها مرقوم رفته است تعمیر و اصلاح وتزیین شبستان بزرگ و ساختمان ایوان وصفه های طرفین آن و شبستانهای متعدد متصل بآن بوسیله بانی نیکوکاری بنام **ابوطاهرحسین** فرزند **غالی** فرزند **احمد** درسالهای ۵۵۳ تا ۵۵۵ هجری انجام گرفته و **استاد محمود اصفهانی** تصدی کار را برعهده داشته است .

در هر طرف صحن مسجد جامع اردستان مانند کلیه مساجد معظم تاریخی ایران یك ایوان بزرگ ترتیب داده اند . ایوان جنوبی همان ایوان اصلی سابق الذکر است که جلوی گنبد قراردارد . ایوان شمالی بنام (صفه صفا) خوانده میشود . ایوان غربی مسجد را بنام (صفه امام حسن) میخوانند وایوان شرقی بمناسبت اینکه بانی تعمیر آن شخص نیکوکاری موسوم به(جملة الملك) بوده است بنام (امیرجمله) خوانده میشود . (۱)

گنبد و محراب مسجد اردستان

بطوریکه ازفحوای کتیبه داخل گنبد مسجد جامع اردستان استنباط میشود شخص خیری بنام (ابوطاهرالحسین بن غالی بن احمد) درسال ۵۵۳ هجری ببنای ساختمان گنبد وشبستانهای متصل بآن اقدام نموده‌است وتصدی این کاررا استاد محمود اصفهانی بعهده داشته است . کتیبه مزبور که بخط ثلث گچ بری شده بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم انما یعمرمساجدالله من آمن بالله والیوم‌الاخر واقام ـ الصلوة وآتی الزکوة و لم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . امر ببناءِ هذه القبة والقباب الاربعة المتصلة بها والصفات التی هی امامها العبد الضعیف ـ الراجی برحمة الله تعالی **ابوطاهر الحسین بن غالی بن احمد** تقبل الله منه و غفرله ولوالدیه علی یدی **الاستاد محمود الاصفهانی المعروف بالغازی فی سنة ثلث وخمسین و خمسمائه** »

از کتیبه های موجود در اطراف محراب مسجد جامع اردستان سال ساختمان آن بدست نمیآید زیرا قسمتهای انتهائی کتیبه ها در مجاورت سطح زمین زیر گنبد خرابی دیده است و یقیناً سال تاریخی آن نیز که معمولا در آخر کتیبه ذکر میشود ازبین رفته است ولی با دردست داشتن تاریخ بنای گنبد ذکر تاریخ گچ بری محراب

---

(۱) اقتباس از مقاله (سرگذشت عبادتگاه از یاد رفته ای) بقلم آقای سید محمد تقی مصطفوی (شماره ۵۷ نشریه اداره کل انتشارات و رادیو .)

آن نیز در همان حدود بلا اشکال است .

یکی ازحاشیه های نمای خارجی محراب که بخط ثلث گچ بری شده شامل آیه (۷۷) از سوره شریفه (حج) است تا آخر این سوره وحاشیه دیگر محراب که بخط کوفی گچ بری شده شامل آیه (۷۸) تا آخر آیه (۸۲) از سوره (اسری) است .



ساختمانهای مسجد سلجوقی اردستان از قرن ششم هجری

دریك حاشیه هلالی شکل بالای محراب آیه ٤٠ و ٤١ از سوره (ابراهیم) و آیه ۸۰ از سوره (اسری) گچ بری شده است .

درحاشیه هلالی شکل قسمت تحتانی این محراب بخط ثلث آیه هیجدهم ازسوره (آل عمران) بشرح زیر گچ بری شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم شهدالله انه لااله الاهو والملئکة و اولواالعلم قائماً

بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم. ان الدین عندالله الاسلام . »

درطرفین محراب جملات زیر بخط کوفی گچ بری شده است :

سمت راست : « بسم الله الرحمن الرحیم »

سمت چپ : « قد افلح من تزکی . »

خطوط کوفی گچ بری شده درهلال مداخل چهارگانه گنبد بشبستانهای طرفین آن نیز منتخبی از آیات قرآنی ازسوره های مختلف است .

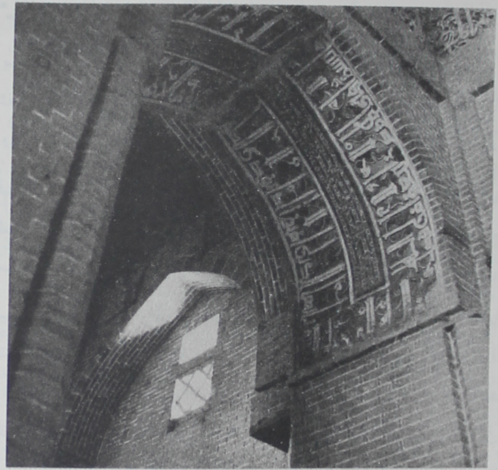
ایوان جنوبی

شیوه ساختمان ایوان جنوبی مسجد جامع اردستان ایوان جنوبی مسجد جمعه اصفهان بنام (صفه صاحب) را تداعی میکند با این تفاوت که تزیینات ایوان مسجد جمعه اصفهان شامل تزیینات (معقلی) و (کاشیکاری) و (مرمری) و خطوط مختلف بنائی وثلث ونستعلیق میباشد که دردوره های بعد از سلاجقه مخصوصاً در عهد صفویه افزوده شده است درصورتیکه تزیینات ایوان جنوبی مسجد جامع اردستان از نوع تزیینات خالص عهد سلاجقه در قرن ششم هجری وفقط از نوع (گچ بری) میباشد .

قسمت عمده گچ بریهای ایوان جنوبی مسجد جامع اردستان نقوش تزییناتی است که مخصوصاً قسمتهای عمده ای از آن که طاق این ایوان را تزیین مینموده بمرور زمان ریزش کرده و آجرهای ساده زیر آنها نمایان شده است . خطوط گچ بری زیبای هلال طاق ایوان هم در قسمتهائی ریخته است ولی کتیبه اطراف ایوان سالم مانده است . این کتیبه که بخط ثلث گچ بری شده حاکی از اقدام (ابوطاهر حسین بن غالی بن احمد) نسبت بساختمان ایوان جنوبی و رواق غربی متصل بآن در سمت راست و دو رواق متصل سمت چپ آنست . ساختمان این ایوان و ملحقات آن نیز بموجب تاریخ کتیبه درسال ۵۵۵ هجری بانجام رسیده است وتصدی ساختمان را (استاد محمود اصفهانی) بعهده داشته است . عبارات این کتیبه بعد از جمله : « بسم الله الرحمن الرحیم » شامل آیة الکرسی است و بعد از آن متن تاریخی کتیبه

بشرح ذیل گچ بری شده است :

« امر ببناءِ هذه الصفة المتصلة بالرواق التی عن یمینها والرواقین اللتین عن یسارها



پیرایشهای خط کوفی در مسجد جمعه اردستان از عهد سلاجقه

العبد الضعیف **ابوطاهر الحسین بن غالی بن احمد** تقبل‌الله منه و فرغ منها **فی سنة خمس وخمسین وخمس مائة عمل محمود بن محمد الاصفهانی .** »

فرمان شاه عباس کبیر مورخ بسال ۱۰۲٤ هجری

مبنی بر تخفیف مالیات شیعیان اردستان

بر جانب غربی مدخل دو طبقه ای که ایوان جنوبی مسجد جامع اردستان را بگنبد سلجوقی آن متصل میکند برلوح سنگی بطول ۱/۶۰ مترو عرض ۶۰ سانتیمتر فرمان شاه عباس کبیر مورخ بسال ۱۰۲٤ هجری قمری نقش برحجرشده است . در

این فرمان پادشاه صفوی از لحاظ تأمین رفاه و آسایش مردم مالیاتهائی را بآنها بخشیده است اما مردم سنی مذهب ساکن محله (محال) را یعنی محله ای که مسجد جامع اردستان در آن واقع شده ازاین بخشودگی مالیاتها محروم کرده است . لوح سنگی مزبور بشرح زیر است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به نستعین. الملك‌لله حکم جهانمطاع شدآنکه درینوقت بنا بر شفقت شاهانه در باره شیعیان الکای **اردستان** از ابتدای توشقان ئیل مالوجهات ایشان راعن رسد یکماهه شهررمضان المبارك سوای جهاتی که باجاره میدهند بتخفیف و تصدق مقرر داشتیم . مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی این رقم عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده تغییر و تبدیل بقــواعد آن راه ندهند و آنچه بمواجب همه ساله مقرر است از این تیول الداران ومواجب همه سال برطرف دانند وآنچه دراینتیول مقرر نیست و از دیوان حواله میشود مالوجوهات شهر مذکور را ســال بسال کمتر نموده تتمه را تنخواه ارباب حوالات نمایند. تیول الداران الکاء مذکورحسب المسطور مقرردانسته رسد یکماهه مذکورراتیول خودبرطرف دانسته طلبی ازرعایا ننمایند کلانتر و کدخدایان وریش سفیدان الکای مذکور بحقیقت برسند اگر سنی درمیان شیعیان باشد یا ازمردم **محله محال** آنجاسنی باشند بایشان تخفیف داده نمیشود ونسخه منقح آن دردست داشته بدفترخانه همیون فرستند که مستوفیان عظام اعلی دردفاتردیوان عالی عمل نمایند و دانسته باشند که اگر سند پوشیده و پنهان کرده باشند در دنیا بازخواست خواهند شد و در روز قیامت خدمت حضرت امیرالمؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طــالب علیه السلم شرمنده خواهند بود . تغییر کننده تخفیف مذکور بلعنت الهی و نفرین حضرت رسالت پناهی گرفتار گردد می باید که در دعاگوئی و دوام دولت قاهره تقصیر ننمایند **و سواد حکم را بــرسنگ نقش نموده و در مسجد جامع نصب وبتوجهات پاینده شاهانه امیدوار باشند تحریرآ فی شهررمضان سنه اربع**

و عشرين و الف (۱)

ایوان شرقی وغربی مسجد جمعه اردستان

بانی تعمیرات ایوان شرقی مسجد جامع اردستان شخص نیکوکاری موسوم به (امیرجملة الملك اردستانی) بوده است و این ایوان بنام ایوان (امیرجمله) معروف است. روی درچوبی قدیمی این ایوان تاریخی که مربوط بساختمان ایوان میباشد در یك بیت بشرح زیر آمده است:

ساخت این رکن بمسجد بصفا　　　**جملة الملك** آن سعیدلقا (۲)

ایوان غربی را که بنام (صفه امام حسن) نیزمیخوانند هیچگونه کتیبه تاریخی ندارد و گچ بری هم نشده فقط داخل ایوان نقاشی شده است. مؤلف کتاب آتشکده اردستان نوشته است: «میگویند آمیرمحمد مهدی معروف بحکیم الملك اردستانی معاصر با اورنگ زیب پادشاه هندوستان ساخته است.» (۳)

در گوشه شمال غربی مسجد جامع اردستان مناره آجری ساده کم ارتفاعی قرار دارد ودرجنب آن مدرسه‌ای قدیمی بنام مدرسه حاج حسین نورالدین واقع شده‌است.

---

(۱) قریب بمضمون لوح سنگی فوق الذکردرمسجد جمعه اردستان که بتاریخ شهرشعبان سال ۱۰۲٤ هجری قمری مورخ است در مسجد جامع دماوند نیز لوح سنگی بهمین تاریخ وجود دارد که فرمان شاه عباس کبیر در باره شیعیان دماوند برآن حجاری شده است (رجوع شود بجلد چهارم مرآت البلدان ناصری چاپ تهران صفحه ۱۰٤)

(۲) مؤلف کتاب آتشکده اردستان درباره (امیرجمله) که بنای قسمت شرقی مسجد را تجدید ساختمان یا تعمیر کرده است چنین مینویسد:

«هرچند بطور صریح تاریخ بنای قسمت شرقی مسجد معلوم نیست ولی روشن است که امیرجمله در قرن یازدهم هجری در هندوستان امارت وفرمانروائی داشته وبا عبدالله قطبشاه و اورنگ زیب معاصر بوده و دوره اقتدار وازمنه اشتغال او بامور خیریه ازسالهای ۱۰٦۰ تا ۱۰۷۲ هجری که فوت شده بوده است ادامه داشته پس میتوان گفت بنای مزبور در خلال سنوات بالا اتفاق افتاده است» (آتشکده اردستان صفحه ۲۹ - ۳۳)

(۳) نقل از کتاب آتشکده اردستان صفحه (۳۱)



منظره ایوان غربی وگوشه ای از صحن ومناره مسجد جمعه اردستان

ایوان شمالی

ایوان شمالی مسجد جمعه اردستان بنام (صفه صفا) مشهور است و طبق کتیبه موجود در آن که مورخ بسال ۹۴۶ هجری است درزمان شاه طهماسب صفوی بوسیله شخص بلند همتی بنام (سلطان بك) تجدید و تعمیر شده است .

سلطان بك از معاریف حکام شاه طهماسب بوده و نامبرده تکیه ای نیز در(دشت محله) محله (رامیان) ساخته که خود در آنجا مدفون است و بر لوح قبر او نوشته شده :

در دور ظهور شاه طهماسب ولی   شد بانی صفه صفا سلطان بك (۱)

(۱) رجوع شود بآتشکده اردستان صفحه (۳۲)

بر دو جانب شرقی و غربی ایوان شمالی (صفه صفا) چهار کتیبه بخط ثلث گچ بری شده است : از دو کتیبه جانب شرقی یکی شامل آیة الکرسی و دیگری صلوات بر چهارده معصوم است و متن دو کتیبه بشرح زیر است :

« اما بعد حمداً لله العلی المحمود فی کل فعاله والصلوة والسلام علی النبی محمد وآله فقط سعی و اهتم ببناء هذه الصفة والصفات والغرفات المتصلات شرقیاً و غربیاً و شمالیاً وجنوبیاً من خالص ماله خالصاً طلباً لمرضات الله تعالی الملك المختار حیدر علی .... (۱) غفر له و تقبل منه و کان فی **سنة ست و اربعین و تسعمائة** من هجرة النبی . »

بر جرز داخل این ایوان ودرجنب لوح فوق الذکر بخط ثلث فرورفته عبارات زیر گچ بری شده است:

« لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار» « **عمل حیدر علی معمار اردستانی سنه ۹٤٦** »

مسجد امام حسن

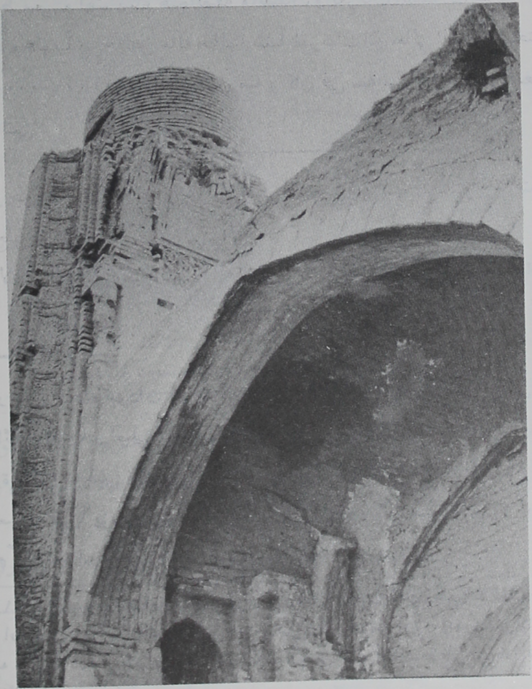
در بازار محله **کبودان** مسجد کوچکی است موسوم بمسجد امام حسن (ع) که از قرائن باید بنای اصلی آن از دوران سلجوقی و از قرن ششم هجری باشد . در تذکرة الائمه مجلسی وخزاین نراقی مسطوراست که حضرت امام حسن (ع) درموقع مراجعت از قم یا یزد در مسجد مزبور نماز گزارده و از این رو بنام آن حضرت موسوم گردیده است چنانکه در اصفهان هم نظیر دارد . (۲)

---

(۱) با مقایسه کتیبه مسجد گز مورخ بسال ۹۵۲ هجری که از تعمیرات استاد حیدر علی معمار اردستانی در آن مسجد حکایت دارد و شرح آن در صفحه (۱۹۰) این کتاب گذشت وکتیبه دیگری درهمین ایوان بقیه عبارت کتیبه چنین است : « حیدرعلی بن ذوالفقارالمعمار الاردستانی . »

(۲) آتشکده اردستان صفحه (۲۸)

مسجد دارای سردر زیبا و خوش طرحی مزین بکتیبه های خط کوفی از کاشی فیروزه ای با دو مناره درطرفین آن بوده که قسمت پائین یکی ازدومناره وقسمتی از سر در آن باقی مانده است و طی سالهای اخیر بعلت خرابی قسمت بالای مناره بجای آنکه بتعمیر و ترمیم آن همت گمارند متأسفاً بخرابی آن اقدام نموده اند.



سردر مسجد امام حسن در اردستان و باقیمانده مناره آن از دوره سلاجقه

سر درمسجد امام حسن (۱) درحال حاضر هم بسیار جالب وپرحالت است و از قسمتهای داخل آن فقط شبستان مسقف کوچکی برجای مانده است که محراب آن دارای گچ بریهای قدیمی میباشد .

سنگ سفید

آرامگاه امیر اویس

امیر زاده اعظم دلاور دوران — امیراویس که بدفخر آل نوشروان
بهفده رمضان وبسال نهصد و بیست — شهید گشت وروان شدبروضه رضوان

این دو شعر در قسمت فوقانی سنگ مرمری که بر مزار امیر اویس قرار دارد

---

(۱) بطوریکه نقل شده ازاصحاب پیغمبر کسانی باصفهان آمده‌اند ونام آنها بشرح زیر ذکرشده است :

حسن بن علی بن ابیطالب (ع) - عبدالله بن زبیر- ابوعبدالله سلمان فارسی - حجاج ازدی - ابوموسی اشعری - موسی بن ابوموسی اشعری - عبدالله بن عامر- عبدالله بن بدیل بن ورقاء - عبدالله بن عبدالله بن عتبان انصاری - عائذ بن عمروالمزنی - خالد بن غلاب القرشی - حممة بن ابی حممة .

گفته شده است **امام حسن** (ع) زمانیکه بالشگریان اسلام عازم گرگان بوده‌اند باصفهان وارد شده و از آنحضرت خاطراتی نقل شده است از آنجمله در قبرستان قدیمی تخت فولاد اصفهان محلی است بنام (لسان الارض) و میگویند زمین در این نقطه با حضرت تکلم کرده است که یهود جادو میکنند پس آن حضرت تختی از فولاد ساخته در آن منزل کرد که جادو در او اثر نکند و باین مناسبت این قبرستان را تخت فولاد میگویند ولی آمدن حضرت به اصفهان محل تأمل است گرچه بعضی از علماء ورود حضرت را به (کهنگ) که از دهات اصفهان است نقل نموده اند . یکی ازقبورلسان الارض هم بنام قبر یوشع پیغمبرشهرت دارد (رجال اصفهان با حواشی و ملحقات آقای سید مصلح الدین مهدوی صفحه ٤٤)

مسجد امام حسن دراردستان که شرح آن گذشت ومسجد **خوزان در سده** (همایونشهر امروز) نیز بنام مسجد امام حسن معروف هستند .

ازصحابه پیغمبر که باصفهان آمده‌اند ونام آنها ذکرشد **موسی** فرزند ابوموسی اشعری در اصفهان شهید شده و در قریه (قهجاورستان) مدفون گردیده **وحممة بن ابی حممة** نیز در اصفهان وفات کرده و جنب دروازه اصفهان معروف به (تیره) مدفون شده است .

نقش بر حجر شده است و اینك بنقل کتیبه های آرامگاه وی میپردازیم : (۱)

« درقسمت غربی **دشت محال** اردستان آرامگاه باشکوهی بناشده است که با آجر های بسیار بزرگ ساخته شده و دارای دو سنگ جالب میباشد . یکی از دو سنگ در بالای قبر بطور عمودی نصب شده و دیگری افقی طوری روی قبر نصب شده که با سنگ قائم تشکیل زاویه قائمه ای را میدهد . وضع کامل این دو سنگ که از هر جهت قابل توجه و ملاحظه میباشد بشرح زیر است :

۱- سنگ قائم - سنگ قائم که پنج سطح آن ظاهر و بشکل مکعب مستطیل ساخته شده و طول آن ۲/۷۵ متر است و نیم متر آن در پشت سنگ افقی پوشیده شده . کتیبه تاریخی این سنگ بشرح زیر است :

قال الله تعالی . کل شیئی هالك الا وجهه له الحکم والیه ترجعون

هذا مشهد الامیر الکریم الغفیر الشهید نتیجة الاکابر الکرام بین الانام **الامیر جلال الدولة والدین امیر اویس** ابن عالیجناب رفعت آیات جلالتمآب اکابر انتساب **شمس الدولة والدین محمد نجیبا ۹۲۰**

باو بودم شبی افسانه آن شب بگوئیدم
وگر میرم بتعظیم سگان او بموئیدم

مرا امروز برد ار فنا جلوات بهر او
سرودی کآن میان نوحه گوئید آن بگوئیدم

شهید خنجر عشقم بخون دیده آلوده
بخاکم همچنان بر خون در آرید و مشوئیدم

همه جا از شهیدان نور خیزد وز دلم آتش
نشان است این میان کشتگانش گر بجوئیدم

---

(۱) نقل از کتاب (آتشکده اردستان) صفحه ۳۶ - ۴۰

گلی کز خاك من روید بگوش اهل دل گوید

که من بوی فلان دارم مبوئیدم مبوئیدم

گر از گل گل شود خرم زمن خواهد زدن بویش

مبوئیدم که از غیرت بسوزم گر ببوئیدم

پس از کشتن که خون آلوده افتد برزمین خسرو

از آن بهتر که از غیرت بآب دیده شوئیدم

در حاشیه اول متصل بمتن سنگ اشعار زیر نقش بر حجر است :

زیر گل سنگدل ای غنچه رعنا چونی | بی توما غرقه بخونیم تو بی ما چونی

سلك جمعیت ما را فلك از هم بگسست | ما که جمعیم چنینیم تو تنها چونی

بر حاشیه دیگر سنگ (دوازده امام منظوم) بخط ثلث و بشرح زیر حجاری شده است :

« بنبی عربی و رسول مدنی و اخیه اسد الله مسمی بعلی و بزهراء بتول و بام ولدتها و بسبطیه و شبلیه هما نجل زکی و بسجاد و بالباقر والصادق حقاً و بموسی و علی وتقی ونقی . وبذی العسکر والحجة القائم بالحق الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی. و علیهم صلواتی و سلامی بالوف و بلیل ونهار وغداة وعشی » .

بعد دو بیت زیر حجاری شده :

قضا نقش یوسف جمالی نکرد | که ماهی گورش چو یونس نخورد

در این باغ سروی نیامد بلند | که باد اجل بیخش از بن نکند

نهالی به سی سال گردد درخت | زبیخش بر آرد یکی باد سخت

عجب نیست بر خاك گر گل شکفت | که چندین گل اندام در خاك خفت

۲ ـ سنگ افقی ـ درقسمت فوقانی سنگ افقی آرامگاه که دارای دو متر و نیم طول ونیم متر ضخامت است است قطعه زیر حجاری شده است :

باحکم خداوند مکن دل ناخوش | درمحنت فرزند خود از آه مکش
چون‌جای‌جوانیش‌مصیبت گشته‌است | تاریخ وفات او شده **جای خوش**



آرامگاه امیر اویس مقتول بسال ۹۲۰ هجری در **محال** اردستان

و در پائین سنگ افقی آرامگاه :

ای نور دو دیده جهان افـروزم — رفتی و زفرقت تو شب شد روزم
گوئی من و تو دوشمع بودیم بهم — کایام ترا بکشت و من میسوزم

در طرفین شمالی و جنوبی سنگ افقی اشعار زیر منقوش است :

دردی بدل رسید کز آن درد جان برفت — کآن سرورجهان بدریغ ازجهان برفت
بالا تمام کرد درخت بلند ناز — ناگه بحسرت از نظر باغبان برفت
تلخ است شربت غم هجران و تلخ تر — هرسروقامتی که بحسرت جوان برفت
چندان برفت خون وجراحت از آستین — کز چشم مادر و پدر مهربان برفت
همچون شقایقم دل خونین سیاه شد — کآن سرو نوبر آمده ازبوستان برفت
زخمی چنان نبود که مرهم توان نهاد — داروی دل چه فایده کآرام جان برفت
سعدی همیشه بار فراق انتظار داشت — این نوبتش زدست تحمل عنان برفت

بقیه سطح فوقانی سنگ افقی با گل و بوته حجاری شده و در حاشیه آن این غزل منقور است : (۱)

بلبلی خون جگرخورد و گلی حاصل کرد — باد غیرت بصدش حال پریشان دل کرد
طوطئی را بهوای شکری دل خوش بود — ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد
قرة العین من آن میوه دل یادش باد — که خود آسان بشد وکارمرا مشکل کرد
ساربان بار من افتاد خدا را مددی — که امید مددم همره این محمل کرد
روی خاکی و نم چشم مرا خوار مدار — چرخ فیروزه طربخانه از این کهگل کرد
آه و فریاد که از چشم حسود مه و مهر — در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد
نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ — چکنم بازی ایام مرا غافل کرد (۲)

---

(۱) این غزل ازحافظ بترتیبی است که مؤلف کتاب (آتشکده اردستان) ازکتیبه سنگ آرامگاه نقل کرده است ولی درنسخه ای که باهتمام مرحوم محمد قزوینی ودکترقاسم غنی بطبع رسیده بعضی ابیات غزل بنحو دیگری تصحیح شده است (رجوع شود بنسخه مزبور).

(۲) از عباراتی که روی دو سنگ عمودی و افقی آرامگاه امیر اویس منقوش است نکات ذیل معلوم میگردد :

« نام صاحب قبر **امیر اویس** ولقب او **امیر جلال الدوله** و نام پدرش **محمد نجیبا** و لقبش شمس الدوله بوده است .

بقعه پیر مرتضی

در محله فهره در غرب مسجد سفید سردشت بقعه ایست بنام بقعه پیرمرتضی که

امیر اویس از بزرگان و امرای دولت وقت (شاه اسمعیل سرسلسله صفویه) و خود و پدر ازدودمان امراء وبزرگان و ازمفاخرآل نوشروان بشمار ودارای مذهب تشیع وبتصوف مایل بوده اند . وی مردی شجاع ودلاور بوده ودرحال مبارزه وجنگ پس ازخونریزی های زیاد در اثر جراحت در سن سی سالگی و در تاریخ هفدهم رمضان سال ۹۲۰ هجری قمری شهید گردیده است و معلوم میشود پدر و مادر او حیات داشته و فرزند دیگری نداشته اند و از مرگ یگانه فرزند خود در سوز و گداز بوده اند .

در اینجا چند نکته روشن نیست که امیراویس از احفاد انوشروان بوده که در اردستان میزیسته‌اند یا احفادی که درشروان سلطنت داشته اند ودیگر اینکه قتل اوبدست چه کسانی و درکجا اتفاق افتاده است .

بنظر میرسد که امیرجلال الدوله که از امرای شاه اسمعیل و تاریخ ولادت او ۸۹۰ بوده فرزند امیر شمس الدوله محمد نجیبا واوفرزند زاده امیرشمس الدین محمد ندیم شاه منصور (وفات ۷۹۵ هجری) بوده که در اصفهان میزیسته است . زن امیر شمس الدین محمد طبق روایت پیرجمالی اردستانی درکتاب روح القدس از پیر مرتضی علی اردستانی (فرزند امیر مزبور) از احفاد انوشیروان عادل بوده است .

امیر شمس الدین محمد آنچه معلوم است دو پسر داشته : یکی از آنها در سن چهارده سالگی بدرود حیات گفته و پسر دوم پیرمرتضی علی اردستانی عارف معروف قرن هشتم ونهم بوده ، شاید پسر سومی هم داشته که پدر امیرشمس الدوله محمد نجیبا بوده است ولی بنظر نگارنده (مؤلف کتاب آتشکده اردستان) محمد نجیبا پسر پیر مرتضی علی بوده است زیرا ازلحاظ زمان نزدیك میباشند وبعلاوه هر دو تن منسوب بنوشروان بوده اند وبا این ترتیب بخوبی روشن میگردد که امیر اویس از احفاد انوشروان عادل بوده که در اردستان مقیم بوده است و چون تاریخ شهادت اومصادف با جنگ مهم چالدران ومبارزه شیعه وسنی بوده مطابق فتوای علمای سنت و فرمان سلطان عثمانی وقت هر کجا جماعت سنی بوده اند چه در داخل خاك عثمانی و چه در خارج بر آنها واجب بوده مبادرت بقتل شیعیان علی نمایند و در آن تاریخ بیشتر مردم شهر اردستان مخصوصاً محله محال (از لوح سنگی که در مسجد جامع اردستان نصب است این نکته معلوم میگردد) سنی مذهب بوده اند وهمانطوریکه طبق روایت اصول الفصول در قرن نهم با پیر مرتضی علی و پیر جمالی اردستانی که شیعه مذهب بوده اند رفتار نموده و آنها را بقتل رسانیده اند امیر اویس را نیز پس از مبارزه و جنگجوئی و ابراز رشادت ودلاوری شهید نموده اند .» (آتشکده اردستان تألیف ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی صفحه ۳۶ - ۴۰)

گنبد آن بوضع خاصی بنا شده و آنچه معروف است این بقعه خانقاه و مدرسه ای بوده که بوسیله خود پیرمرتضی‌علی اردستانی که درزمان امیرتیمور وشاهرخ میزیسته ساخته شده است و بعد از وفاتش در آنجا مدفون گردیده . این گنبد آسیبی ندیده است . نهر آبی هم از زیر گنبد از طرف مشرق آن جاری است که بر صفای محل میافزاید .

در میان این گنبد سه صورت قبر بشرح زیر موجود است :

۱ــ قبر پیر مرتضی علی اردستانی فرزند امیر شمس الدین محمد اردستانی (ندیم‌شاه منصور) ۲ــ قبر زن پیرمرتضی ۳ــ قبرپیرجمالی اردستانی عارف معروف قرن نهم هجری .

هرسه قبررا محجری چوبی احاطه کرده که دارای کتیبه ای بشرح زیرمیباشد:

از یمن عطای حق تعالی	آن شهر سخا وجود را در
عباس ولی بك آنکه باشد	چون مهر سپهر ذره پرور
در روضه **پیرمرتضی** ساخت	با صدق عقیده این محجر
مقبول قلوب اهل دل شد	چون گشت معینش رب داور
در سال هزار با سی و نه (۱۰۳۹).	این خلعت خلد کرد در بر
داریم امید آنکه بادا	تا هست نشان چرخ اخضر
گردونش بکام دهر بادا	کام دو جهانیش میسر (۱)

(۱) رجوع شود بکتاب (آتشکده اردستان) صفحه ۳۳ و ۳۴

مسجد جامع زواره

زواره در فاصله دوازده کیلومتری اردستان واقع شده بطوریکه میگویند این نقطه‌هم مانند اردستان درزمان انوشیروان که دریکی ازاین دومحل بدنیا آمده آباد بوده است . در زواره نیز همچون اردستان درزمان یاقوت خرابه های بناهای عهد ساسانی موجود بوده که تماماً محو گردیده است . درعهد سلجوقیان این محل مانند اردستان شهر ثروتمندی گردیده و مثل آنجا ابنیه مهمی از آندوره در آن باقی مانده است . اردستان دارای قدیمی ترین مسجد کوشك مانندی میباشد که تبدیل بمسجد چهارایوانی گردیده ودارای سال تاریخ است وشاید قدیمی ترین سردری که دومناره بر فراز آن ساخته اند در این شهر باشد . دومین مناره قدیمی ایران از حیث سال تاریخ و قدیمی ترین مسجد چهار ایوانی که تا بحال شناخته شده در زواره است (مقصود ازمناره قدیمی مناره **مسجد پامنار** زواره میباشد که درصفحه ۱۷٤ این کتاب شرح آن گذشت) این شباهت و توازی عجیبی که در مقدرات این دو شهر مشاهده میشود منحصر و محدود بتاریخ عمومی دو شهر مزبور نیست .

بین دومسجد جامع اردستان وزواره اولی قدیمی‌تر است که بنای قبه آن چنانچه دیدیم تقریباً معاصر سلطنت ملکشاه میباشد . این همان مسجد کوشك مانند مخصوص آن دوره است . موقعیکه درزواره میخواستند مسجد جامعی بنا نمایند بنای گنبدی شکل اردستان را سرمشق نهادند لکن چون درظرف این‌مدت نمونه تازه ای ازمسجد پیدا شده بود لذا مسجد جامع زواره تبدیل بمسجد چهار ایوانی گردید . مسجد اردستان که هنوز نو لکن اسلوبش برخلاف معمول زمان بود شروع نمود که بسبك آن روز تغییر شکل یابد وبپیروی مسجد زواره ازسال ۵۵۳ تا ۵۵۵ هجری بمسجد (چهار ایوانی) تبدیل یافت . جرز های هشت‌گوش مسجد و همان ترتیبی که در ایوانهای زواره ملحوظ است در مسجد اردستان نیز رعایت گردیده بدین معنی که

ایوان جانب قبله از ایوان شمالی وسیعتر و ایوان شمالی ازایوانهای شرقی وغربی بزرگتراست . مناره نیزدرسمت مغرب بنا نزدیك گوشه شمال غربی مسجد میباشد. مسجد زواره که بموجب کتیبه مربوط بساختمان در سال ۵۳۰ هجری باتمام رسیده بود بعداً با محراب زیبائی که درسال ۵۵۱ ختم گردیده آراسته شد . مسجد اردستان نظیر آن محراب را در سال ۵۵۳ هجری دارا گشت .

بدین ترتیب اردستان و زواره مراحل تطور مسجد ایرانی را بتفصیل با ذکر تاریخ نشان میدهد و بهمین لحاظ اهمیت این دو شهر برای تاریخ معماری اسلامی قابل ملاحظه است (۱)

کتیبه‌ای که‌تاریخ ساختمان مسجد جامع زواره را معلوم مینماید برخلاف معمول در قسمت فوقانی نما های اطراف صحن مسجد قرار دارد . کتیبه مزبور که شباهت تمام بکتیبه های قرون پنجم و ششم هجری از دوره سلاجقه دارد و متأسفاً از غالب کلمات آن جزدسته یا نوك بعضی حروف وسر کشها چیزدیگری نمایان نیست بخط کوفی برجسته آجری که ابتدای آن بر دیـوار جانب شرقی ایـوان جنوبی است بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . اجعلتم سقایة الحاج وعمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله لایستون عندالله والله لایهدی القوم الظالمین **امر ببناء** ۰۰۰۰ الفقیر الی رحمة الله ۰۰۰ ۰۰۰ **احمد** ۰۰۰۰ ین وخمسمائه . »

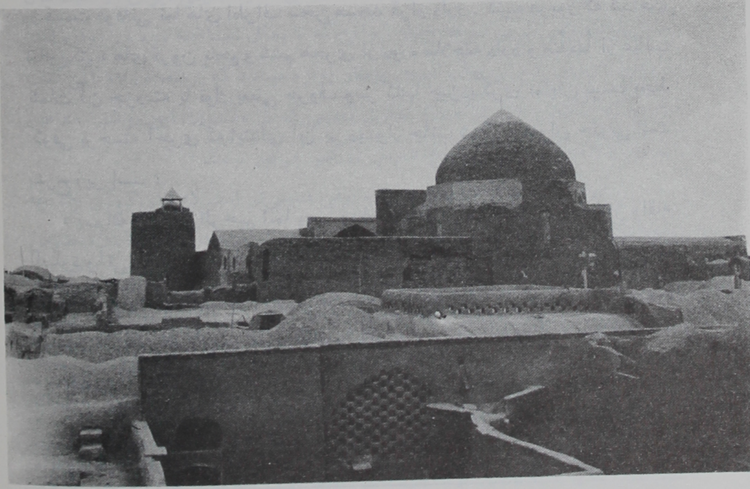
بطوریکه ملاحظه میشود از قسمت تاریخی این کتیبه هم کلمات مختصری باقی مانده وکار دشواری است که بتوان بطورقطع بانی ساختمان مسجد وتاریخ بنای آنرا

---

(۱) نقل ازترجمه آثارایران (جلد اول ـ جزوه دوم) ازانتشارات اداره باستانشناسی صفحه ۱۴۸ .

تعیین نمود . در مورد تاریخ این کتیبه از روی برجای مانده های حروف و کلمات آن در کتاب آثار ایران ازانتشارات اداره کل باستانشناسی مطلبی درج شده است که عیناً نقل میکنیم :

« سال تاریخ را غیرممکن است چیزدیگری جز (۵۳۰) بتوان خواند. تردیدی در باب رقم مآت آن نمیتوان داشت چونکه دو عدد خمس و (مائه) نسبتاً خوب محفوظ مانده . در باب رقم عشرات آن که (ثلاثین) باشد این رقم عددی از آحاد یعنی (سه) تواند بود چون از طرفی ازروی قسمت موجود معلوم میگردد که پیش از رقم مآت کم و بیش جای دو. کلمه بیشتر نیست و از طرف دیگر فـاصله بین لام (ثلاثین) و (خ) خمس مائه برای دو حرف زیاد بنظر میآید بنا بر این چاره جز



دور نمای ساختمانهای مسجد جامع زواره ازعهد سلاجقه

اینکه آنرا ثلاثین وخمس‌مائه بخوانیم نداشته ودر نتیجه سال تاریخ آن ۵۳۰ میشود و۵۰۳ هم نمیتواند باشد . » (۱)

« اما در مورد بانی مسجد زواره از جمع مراتب مسطور و مشابهات دو مسجد جامع اردستان و زواره و وجود کلمه (احمد) بعد از (امر ببناءِ) که ذکر گردیده میتوان گفت بانی مسجد جامع زواره درقرن ششم هجری همان (ابوطاهرحسین بن غالی بن احمد) بوده وممکن است با این فرض استاد وبنای آنرا نیز همان استاد محمود اصفهانی معروف به (غازی) دانست . »

در ایوان جنوبی مسجد جامع زواره و درقسمت شرقی مدخل بین ایوان و گنبد بر قطعه ای از گچ بخط ثلث برجسته عبارات زیر نوشته شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و بعد تاریخ ساختن مسجد جامع مدینة-السادات زواره فی سنة احدی و خمسین و خمس مائة من الهجرة النبویه . »

گنبد ومحراب مسجد جامع زواره

کتیبه ای که در زیر گنبد ودر شبستان محراب واقع شده از گچ است . حروف آن از کوفی گلدار و روی حاشیه عریض گل و بوته واقع است . لکن این ترکیب زیبا بکلی خراب وویران گردیده وبخوبی تشخیص‌داده میشود که کتیبه مزبورمشتمل بر آیات ۱۸۷ و۱۸۸ ازسوره (آل عمران) و پس از آن متضمن متن تاریخی بوده که از قرار معلوم سال تاریخ بنا را در برداشته لکن اکنون چیزی مفهوم نمیشود و نمیتوان خواند . (۲)

یکی از حاشیه های گچ بری محراب مسجد جامع زواره بخط ثلث شامل آیه ۱۸ و ۱۹ ازسوره (توبه) است ولی سال تاریخ آن موجود نیست .

در حاشیه دیگری از محراب بخط کوفی آیه ۷۸ و۷۹ و ۸۰ ازسوره (اسری)

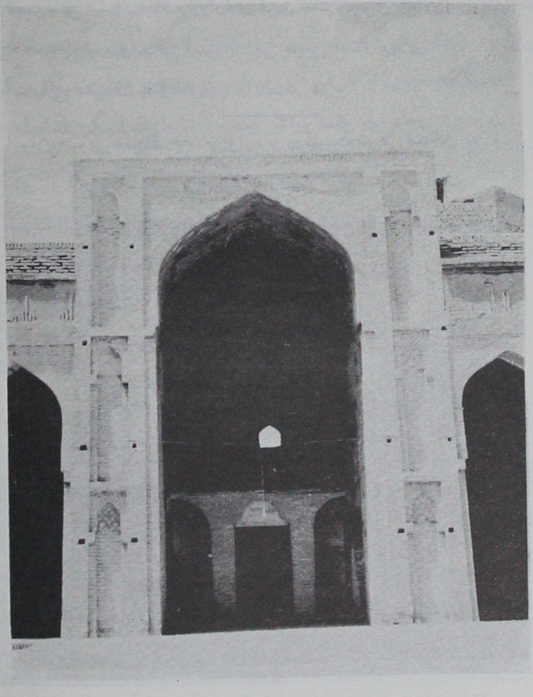
---

(۱) ترجمه فارسی آثار ایران (جلد اول ـ جزوه دوم) صفحه ۱۵۰

(۲) آثار ایران (جلد اول ـ جزوه دوم) ترجمه فارسی صفحه ۱۵۰

و در داخل محراب آیه ۱۸ سوره (آل عمران) گچ بری شده است .

ازمطالبی که ذکرشد چنین برمیآید که مسجد جامع زواره درسال ۵۳۰ هجری قمری باتمام رسیده و سپس با محرابی نفیس که در ابتداء مسجد فاقد آن بوده و حاشیه مجللی که کتیبه ای در برداشته پیراسته گردیده است و یا اینکه این قسمت



ایوان غربی مسجد جمعه زواره و نمونه خطوط کوفی اطراف صحن آن از دوره سلاجقه

از تزیینات مسجد که درسال ۵۳۰ وجود نداشته تا سال ۵۵۱ باتمام رسیده است (۱)

کتیبه یك آب انبار قدیمی در زواره

کتیبه مربوط بیك آب انبارقدیمی درزواره که اشعار آنرا مجمر اصفهانی معاصر باآقا محمد خان قاجار سروده است وماده تاریخ آنرا هم دربردارد بشرح زیراست:

در زمان سلطانی که نهیب او باشد رعشه در تن باد و لرزه در دل دریا
شاه معدلت آئین قهرمان محمد خان آنکه ز آتش قهرش آب گیرد استسقاء
از دم روان بخشش وزدل گهر بخشش لاله روید ازخار وچشمه خیزد ازخارا
در زواره ازنوشد بر که‌ای بنا کآمد چون سپهر نیلی فام چون محیط گوهرزا
با نسیم خاك آن آب در تن عیسی باصفای آب آن خاك در کف موسی
ازحباب چون بحرش لؤلؤاست اندرزیر وزحباب چون چرخش انجم است در بالا
هم بریخت از آبش آب چشمه حیوان هم شکست ازسنگش سنگ لؤلؤلالا
نیستی اگر کوثر پس چرا است جان پرور نیستی اگر زمزم پس چرا است روح افزا
زد رقم بتاریخش کلك فکرت مجمر درمدینه سادات زمزمی‌شده پیدا (۲)

تربت نظام و آرامگاه ملکشاه سلجوقی در اصفهان

رفت دریك مه بفردوس برین دستورپیر شاه برنا از پس او رفت در ماه دگر

درمحله احمدآباد اصفهان و کوی (دارالبطیخ) که مردم (دالبیتی) و(دالبتی) تلفظ میکنند دریك مدرسه متروکه‌ای که بنام (مقبره پای چنار) و(تکیه پای چنار) و (مقبره نظام الملك) مشهور است درایوان وسیعی که درجنوب این مدرسه یا تکیه واقع است صورت دو قبر که از سطح ایوان اندکی مرتفعتر است و چندین سنگ قبر مرمری و قدیمی که دارای خطوط و عباراتی است مشاهده میشود . از سنگهای

---

(۱) ترجمه فارسی آثار ایران (جلد اول ـ جزوه دوم) صفحه ۱۵۱

(۲) آتشکده اردستان صفحه (۱۵۰)

قدیمی این مقبره سه سنگ دارای سال تاریخ از قرن نهم و دهم هجری است و نام صاحبان قبورضمن کتیبه آنها حجاری شده ولی برسنگهای دیگر غیر از آیات قرآنی یااشعاری کوتاه ازصاحبان قبور نام برده نشده تنها برجبهه فوقانی سنگ قبرمرمری بزرگی که در ابتدای ایوان واقع است در بین عباراتی که بر آن نقش شده کلمه (خواجه) و (الملك) نیز خوانده میشود و همین قبراست که مردم آنرا آرامگاه خواجه نظام الملك میدانند .

در اینکه خواجه نظام الملك در همین محل (دارالبطیخ) و در مقامی باصفا و با نزهت که امروز هم آثار و قرائن آن موجود است دفن شده تردیدی نیست و از اینکه ملکشاه سلجوقی در(مدرسه ملکشاهی) وسلطان محمد بن‌ملکشاه درمدرسه‌ای که بنام خود او مشهور بوده است در اصفهان دفن شده اند نیز محل هیچ شبهه‌ای نیست . مطلبی که جای تأمل است آنست که آیا این سه موضع مقام ومحل واحدی بوده یا آنکه جدا از هم یا در مجاورت هم قرار داشته است .

قدر مسلم آنستکه آرامگاه نظام الملك در همین محل امروزی آن قرار داشته است بااین تفاوت که ساختمانی که فعلا برروی قبر نظام الملك مشاهده میشود بکلی جدید البناء است و تصور میرود که محل آرامگاه در وسط یك محوطه خیلی بزرگ و با صفا و طراوتی قرار داشته است و شاید باغ بزرگی هم در اطراف آن بوده که طی قرون گذشته تدریجاً تجزیه شده و بصورت خانه های مسکونی وکوچه های جدید درآمده است و ساختمان سلجوقی آرامگاه نیز که خراب و منهدم شده بوده بصورت فعلی آن که باز هم تغییراتی دیده درآمده است . باحتمال قوی نهرآبی که فعلا درامتداد حاشیه شمالی خیابان احمدآباد (خیابان نشاط) جریان دارد وشعبه‌ای از مادی (۱) **فدین** است وناحیه (کران) و احمد آباد ویزد آباد را مشروب میکند

---

(۱) مادی در اصفهان اصطلاح محلی است بمعنی (نهر) . از زاینده رود مادیهائی منشعب میشود که از نقاط مختلف شهر اصفهان عبور نموده وباغات و خانه های داخل شهر-

درباغ وسیع آرامگاه جریان داشته است وچنارمعروف **دارالبطیخ** (۱) که هم ! کنون در ردیف، یکی از درختهای کهنسال اصفهان محسوب میشود و در مقابل در ورودی فعلی مقبره خواجه نظام الملك قرار دارد و نیزچند درخت باقیمانده درصحن فعلی آرامگاه آثار و شواهد دیگری بر نزهت و صفای این محل در سابق و مؤید گفته صاحب کتاب (تجارب السلف) است که در این باره چنین نوشته است :

« ... آنگاه که سلطان از اصفهان ببغداد رفت خواجه را در بروجرد که از شهر های کوچك لر است شخصی در زی صوفیان پیش آمد و قصهٔ بدست خواجه داد چون قصه بستد آن شخص کاردی بر خواجه زد و آن جهان فضائل و مکارم را از پیش برداشت و خروش در لشگرگاه افتاد ومردم بهم برآمدند و سلطان سوارشد و مردم را ساکت گردانید **و این واقعه در رمضان سنه خمس و ثمانین و اربعمائه بود** و درآنوقت خواجه ۷۷ سال داشت وغلامان ومتعلقان خواجه شخص اورا دراصفهان بردند درمحلهٔ (کران) (۲) درموضعی که جوی آب بزرگ در میان آن مقام میرود بغایت نزه و خوش دفن کردند و آن مقام را اهل اصفهان **تربت نظام** گویند » (۳)

را مشروب مینماید. بزرگترین مادی اصفهان **نیاصرم** است ومادیهای معروف دیگرعبارتند از: مادی فرشادی ـ مادی شاه ـ یاحوی شاه ـ مادی تیران ـ مادی فدین ـ مادی قمش که هریك ازاینها هم شعباتی دارند (برای اطلاع ازتفصیل جریان مادیهای اصفهان رجوع شود بکتاب « نصف جهان فی تعریف الاصفهان »)

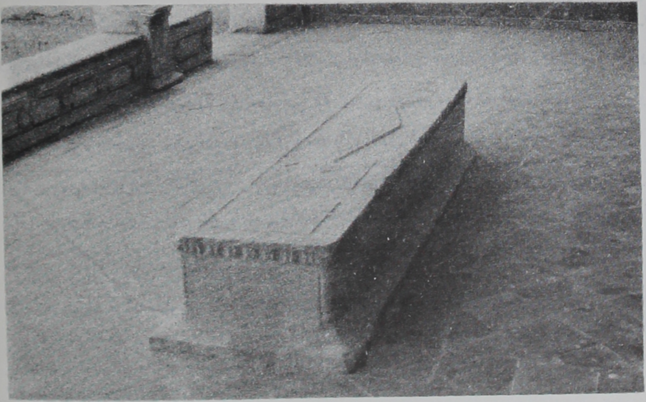
(۱) از قرار معلوم (دارالبطیخ) بازار عمده سبزی فروشها ومیوه فروشهای آن دوره بوده است که دراینمحل مجتمع میشده اند. چنار کهنسال **دارالبطیخ** درردیف سایرچنارهای کهنسال اصفهان مانند چنار **امامزاده اسماعیل** و چنار **دستگرد** و چنار **باغ زرشگ** در اصفهان شهرت دارد .

(۲) محله کران همان جائی است که امروز احمدآباد نام دارد وکوچه (دارالبطیخ) در آن محله است .

(۳) نقل از کتاب (تجارب السلف) تألیف هندوشاه بن سنجر در سال ۷۲۴ هجری بتصحیح و اهتمام عباس اقبال صفحه (۲۸۰)

سنگ ارامگاه خواجه نظام الملك

آنچه مسلم است غیرازتغییرات فراوانی که درباغ آرامگاه نظام‌الملك وساختمان آن داده شده سنگهای نفیسی را که برمزار او و آرامگاه پادشاهان سلجوقی قرار داشته است نیز تعویض نموده اند واین مطلب ازآیات قرآنی و عباراتی که بر روی سنگهای موجود فعلی حجاری شده و غیر از شیوه عصر سلاجقه است بخوبی واضح میشود . تاریخ استقرار سنگهای مرمری فعلی را میتوان تا عصر صفویه تخمین زد و نیزمیتوان تصور نمود که سنگهای مرمری آرامگاه نظام الملك وپادشاهان سلجوقی را که سنگهای ساده مرمری بوده وشاید عمداً ازنوشتن اسامی آنها خود داری نموده بودند بعداً بآیات قرآنی و کتیبه ها مزین و منقش نموده اند .



تربت نظام

آرامگاه خواجه نظام الملك طوسی درمقبره دارالبطیخ

سنگ قبری که فعلا نزد عموم مردم بنام نظام الملك شناخته شده است سنگ بزرگ مرمری است بطول بیش از دومتر وعرض ۴۵ سانتیمتر وارتفاع ۳۸ سانتیمتر

از سطح ایـوان بقعه و در قسمت فوقانی آن بخط ثلث برجسته عبارات زیر نوشته شده است :

« و قال الله تعالی قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمة الله ان الله یغفرالذنوب جمیعاً انه هوالغفورالرحیم . »

ودروسط این خطوط نوشته شده است : «لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی‌الله»

در حاشیه اطراف این سنگ بخط ثلث برجسته آیة الکرسی نوشته شده و بعد از آن آیات ذیل حجاری شده است :

« وقوله تعالی شهدالله انه لااله الاهو والملائکة و اولواالعلم قائماً بالقسط لااله الاهوالعزیزالحکیم . ان الدین‌عندالله الاسلام. قل‌اللهم مالك الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدك الخیر انك علی کل‌شیئی‌قدیر و قوله فسیکفیکهم الله وهوالسمیع العلیم . »

وبرجبهه فوقانی سنگ مزار نظام‌الملك عبارات زیر بخط ثلث برجسته قرائت میشود :

« واصل گشت بجوار مرحمت وغفران و فایزشد بغرفات جنان و روضه رضوان حضرت مغفرت مآب قیام بصفت رحمة دیان ... المفاخر و افتخارالاکابر واعاظم-الوزراء .... خواجه .... الملك . »

آرامگاه ملکشاه ساجوقی و جانشینان وی

یکی ازسنگهای نفیس مرمری موجود مقبره (دارالبطیخ) سنگ مرمری جالبی است بطول ۱/۹۸ متـر و عـرض ۴۳ و ارتفاع ۳۵ سانتیمتر از سطح ایوان بقعه که باحتمال قوی سنگ آرامگاه ملکشاه است . در قسمت بالای این سنگ بخط ثلث برجسته سوره (اخلاص) و در حاشیه آن بعد از جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) آیة‌الکرسی و پس از آن عبارات زیر مـا نند سنگ آرامگاه وزیر او نظام‌الملك حجاری شده است :

« قال الله تعالی الله شهدالله انه لااله الاهو والملائکة واولوا العلم قائماً بالقسط لااله الاهو العزیز الحکیم . ان الدین عندالله الاسلام. قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدك الخیر انك علی کل شیئی قدیر صدق الله العظیم. »

این سنگ قبر هیچگونه خطوط و کتیبه دیگری ندارد .

صاحب کتاب (تجارب السلف) صریحاً بیان میکند که پس از فوت ملکشاه در بغداد (روز جمعه منتصف شوال سنه ٤٨٥) ابتداء او را برسبیل عاریه در **شونیز** (۱) دفن نمودند وسپس محمود پسر ملکشاه ومادرش وتاج الملك که سمت وزارت محمود را یافته بود از بغداد بازگشتند **وکالبد سلطان را باصفهان آوردند و در مدرسه ملکشاهی دفن نمودند . (۲)**

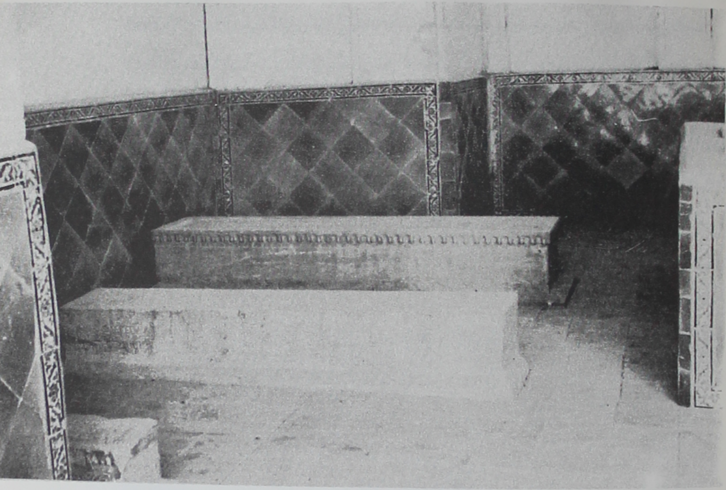
مدرسه ملکشاهی در محله **کران** و در همان مقامی بوده است که خواجه نظام الملك را دفن نمودند . از این مدرسه امروز اثری برجای مانده است و محل آن دراحمد آباد اصفهان بنام (دارالبطیخ) که عامه مردم آنرا (دالبیتی) تلفظ میکنند معروف است . در ایوان بزرگ این مدرسه آرامگاه ملکشاه ووزیر او نظام الملك و زن و فرزندان وی مشاهده میشود و بطوریکه شهرت دارد سنگهای اصلی قبور آنها را که سنگهای نفیسی بوده در دوره های بعد تعویض نموده اند .

باحتمال قوی مدرسه ملکشاهی در (دارالبطیخ) ودرمحل فعلی مقبره خواجه نظام الملك جای داشته است و پس از دفن خواجه نظام الملك که شهرت او بیش از سلطان بوده است بنام **تربت نظام** مشهور شده واین شهرت تا بامروز باقی است .

---

(۱) **الشونیزیه** : مقبره ایست در جانب غربی بغداد که جماعتی از صلحاء در آنجا مدفونند « معجم البلدان یاقوت »

(۲) رجوع شود بکتاب (تجارب السلف) تألیف هندوشاه بن سنجر تألیف سال ۷۲٤هجری چاپ تهران صفحه ۲۸۲



آرامگاه **ملکشاه سلجوقی** و زوجه او **ترکان خاتون** در مقبره دارالبطیخ

صاحب کتاب (مجمل التواریخ والقصص) که در سال ۵۲۰ هجری وخیلی نزدیك بزمان فوت ملکشاه کتاب خود را نوشته است نیز ضمن یکی ازمباحث کتاب تحت عنوان (ذکرحفایر آل سلجوق) آرامگاه ملکشاه وبعضی دیگر ازسلاطین سلجوقی را در اصفهان تعیین میکند و ما عیناً بنقل آن میپردازیم :

«سلطان طغرل بیك بشهرری وفات رسید وتربتش آنجا برجایست. **الب ارسلان** اوبجانب مرومدفون است **برکیارق باصفهان** . **ملکشاه باصفهان بمدرسهٔ که ساخته‌است** سلطان سنجربمرو مدفون است . **سلطان محمود بهمدان مرد وباصفهان مدفون است** پیش سلطان محمد . **سلطان محمد بن ملکشاه باصفهان**. سلطان طغرل بن محمد بهمدان در مدرسه طغرلیه . سلطان مسعود بهمدان در مدرسه مدفونست . سلطـان محمد بن

محمود در مدرسه سلطان طغرل مدفون است . سایمان هم بهمدان . سلطان ارسلان بهمدان مدفونست . سلطان طغرل بن ارسلان بشهر ری در تربت سلطان طغرل بیك مدفونست والله اعلم واحکم » (۱)

بنا بر این بطوریکه صاحب کتاب (مجمل التواریخ والقصص) بیان کرده است نه‌تنها ملکشاه باصفهان ودرمدرسه ای که ساخته بوده است مدفون شده بلکه‌آرامگاه **برکیارق** و **سلطان محمد** بن ملکشاه و **سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه** نیز بطور مسلم دراصفهان است ودرجوار آرامگاه ملکشاه که یقیناً محل دیگری غیرازجائیکه امروز (مقبره نظام الملك) نام دارد نمیتواند باشد مدفون شده انـد و محل فعلی (مقبره دارالبطیخ) غیر از(تربت نظام) آرامگاه پادشاهان سلجوقی نیزهست .(۲)

حمدالله مستوفی مؤلف تاریخ گزیده نیز مدفن ملکشاه را در اصفهان در محله **کران** میداند و چنین آورده است :

« مدت ملك سلطان بیست سال. مدت عمرش سی‌وهشت سال. لقب اوازدارالخلافه سلطان جلال الدوله معزالدین ملکشاه یمین امیرالمؤمنین بود. تاریخ جلالی ومعزی شاعر بدین القاب بدو منسوبند **و اصفهان از تمامت ممالك بدارالملك اختیار کرد و همانجا مدفون شد در محلت کران . (۳)**

مؤلف کتاب تجارب السلف در باره وفات سلطان ملکشاه چنین نوشته است :

---

(۱) نقل ازکتاب (مجمل التواریخ والقصص) تألیف سال ۵۲۰هجری بتصحیح ملك-الشعراء بهار چاپ ۱۳۱۸ شمسی در تهران (صفحه ٤٦٥) .

(۲) چون (ترکان خاتون) زوجه ملکشاه نیزبنابروایت (راوندی) در کتاب (راحة-الصدور) درسال ٤٨٧ هجری دراصفهان درگذشته است یقیناً درمحل فعلی آرامگاه پادشاهان سلجوقی (مقبره دارالبطیخ) مدفون است. نگارنده بکرات ازاین مقبره تاریخی‌دیدن کرده ومکرر پیرمردی که‌کلید دارآنجا بود وسواد هم نداشت قبری را هم بعنوان قبر(ملکه خاتون) باینجانب نشان میداد و صورت دو قبری راکه در وسط بقعه فعلی قراردارد وکاشی پوش شده قبور (برکیارق و سلطان محمد) پسران ملکشاه معرفی میکرد .

(۳) تاریخ گزیده چاپ تهران صفحه ٤٣٩

« وفات سلطان بعد از وفات خواجه در نظر خلق جهان عظمی زیاده نداشت » مابین مرگ نظام الملك ومرگ ملکشاه فاصله کوتاهی بوده است . صاحب تجارب السلف این فاصله را کمتر ازیکماه تمام و بیهقی صاحب تاریخ بیهق (کمتر ازچهل روز) وعمادکاتب سی و سه روز میشمارد . (۱) و بهرصورت سخن نظام الملك که در حق او گفته بود : « دستار من و تاج تو باهم بسته‌اند » راست‌آمد . (۲)

معزی شاعر دربار ملکشاه در باره وفات سلطان ووزیراوچنین سروده است :

رفت در یك مه بفردوس برین دستور پیر   شاه برنا از پس او رفت در ماه دگر
کرد ناگه قهریزدان عجز سلطان آشکار   قهر یزدانی ببین و عجز سلطانی نگر



ایوان وبقعه‌آرامگاه پادشاهان و وزرای سلجوقی در مقبره دارالبطیخ (تکیه پای چنار)

در وقایع سال ٤٩٤ هجری نوشته شده است که چون سلطان بر کیارق پس از

(۱) ازکتاب وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی تألیف عباس اقبال (صفحه ٥۱)
(۲) تاریخ گزیده چاپ تهران صفحه ٤۳۹
تجارب السلف چاپ تهران صفحه ۲۸۰ : « دولت آن تاج بر این دوات بسته است »

شکست هائی که از برادرش سلطان محمد بن‌ملکشاه خورد مجدداً براصفهان مستولی شد . ابتدا ابوبکر عبیدالله مؤید الملك از فرزندان مشهور خواجه نظام‌الملك را با گرفتن مبلغ هنگفتی وزارت داد ولی بسابقه مخالفت هائی که مؤیدالملك بجانبداری از برادرش محمد بن ملکشاه نسبت ببر کیارق نموده بود و نیز بعلت آنکه مادر بر کیارق (زبیده خاتون) هم در سال ٤۹۲ در ری بدستور مؤیدالملك خفه شده بود (۱) در سال ٤۹٤ هجری ویرا بدست خود گردن زد و مؤید الملك نیز در جوار پدر خود خواجه نظام الملك مدفون گردید . (۲)

بنا بر این در مقبره (دارالبطیخ) نه تنها چند نفر از پادشاهان مشهور سلسله سلجوقی مدفون هستند بلکه از وزراء و رجال مشهور هم کسانی در این محل دفن شده اند ولی بعلت تغییر و تحولاتی که طی هشت قرن اخیر در این آرامگاه داده شده امروز اطلاع از نقشه اصلی بناء و کیفیت ساختمان اولیه آرامگاه ومحل باصفا و طراوتی که این آرامگاه در آنجا قرار داشته است برای ما مشکل مینماید . (۳)

---

(۱) رجوع شود بکتاب (وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی) صفحه ۱۳۰

(۲) رجال اصفهان صفحه ۱۹۵

(۳) درکتاب « راحة الصدور وآیة السرور درتاریخ آل سلجوق » تألیف محمد بن علی بن سلیمان الراوندی صورت و سیرت پادشاهان سلجوقی که در مقبره (دارالبطیخ) اصفهان مدفون شده اند چنین توصیف شده است :

سلطان ملکشاه صورتی خوب داشت و قدی تمام. بالی افراشته و بازوی قوی. بضخمی مایل بود . محاسنی گرد ، رنگ چهره سرخ و سپید . یك چشم اندك مایه شکسته داشتی از عادت نه از خلقت ، جمله سلاحها کار فرمودی ، درسواری وگوی باختن بغایت چالاك بود، ولادت اودرجمادی الاولی سنه خمس واربعین واربع مائه بود ، مدت عمرش سی وهشت سال . مدت ملکش بیست سال .

سلطان بر کیارق خوب چهره بغایت بود ، معتدل قامت ، خط ومحاسن بهم پیوسته ، ابروگشاده ، اول پادشاهی در سنه ست وثمانین و اربع مائه ، مدت ملکش دوازده سال ، مدت عمرش بیست وپنج سال ، ولادت سلطان بر کیارق بدارالملك اصفهان بود در محرم سنه اربع و سبعین و اربع مائه ، توقیع او « اعتمادی علی الله »

کتیبه های سه سنگ قبر مرمری ازقرن نهم ودهم هجری در مقبره خواجه نظام الملك

در بین سنگهای مرمری که بر قبور رجال مشهور دیگری در آرامگاه ملکشاه وخواجه نظام الملك قراردارد ومورخ بتاریخ های مختلف است سنگ مرمری بطول یك متروعرض۲۳ سانتیمتر بر آرامگاه شخصی بنام محمد مؤمن قراردارد که درحاشیه سنگ مزار او بخط ثلث اسامی چهارده معصوم و در یك لوحه بالای سنگ عبارت (الحکم لله) حجاری شده و در قسمت پائین آن بخط نستعلیق اشعار زیر نوشته شده است :

فریاد ز رفتن محمد مؤمن	کز نخل حیات خویشتن طرف نبست
جستم ز معمائی دوران تاریخ	ترکیب وی ازجزو بمصرع پیوست
کز باغ اثر ندید و بیرون شد طوطی	وزسنگ اجل دوبال ومنقارشکست

و در جانب تحتانی این سنگ بخط ثلث نوشته شده است :

« فی سابع عشرین رمضان المبارك سنة ثلاث وعشرین و تسعمائه »

برجانب فوقانی سنگ سفید رنگ دیگری بطول ۸۰ وعرض ۲۲ سانتیمتر بخط نستعلیق نوشته شده است :

« وفات جناب مرحمت پناه جمال الدین ابن محمد ابن عالیحضرت شهریار

سلطان محمد بن **ملکشاه** تمام بالابود ، کشیده ابرو ، چهره باندك مایه زردی مایل ، محاسن سیاه و انبوه بطول مایل . ولادتش در شعبان سنه اربع و سبعین و اربع مائه ، مدت پادشاهی سیزده سال ، مدت عمر سی و هفت سال ، اول پادشاهی او بعد ازوفات سلطان سعید برکیارق سنه ثمان و تسعین و اربع مائه ، توقیع او « استعنت بالله »

سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه پادشاهی بوُد گرد روی ، بچهره سرخ و سپید ، گرد محاسن، ربع‌القامة ، قوی بازو، متناسب اعضاء، مدت عمرش بیست وهفت سال ، مدت پادشاهی چهارده سال، زیبا صورت ، لطیف طبع، خوش سخن، شیرین بذله، موزون حرکات نیکو خط ونیکو عبارت ، توقیع او « اعتصمت بالله »

راحة الصدور چاپ تهران صفحات : « ۱۳۵ - ۱۳۸ - ۱۵۲ - ۲۰۳ »

خاجه (۱) صفی الدین محمد بتاریخ شهر رمضان سنه ثلاث و خمسین و تسعمائه . »

در حاشیه این سنگ بخط نستعلیق برجسته اشعاری است بشرح زیر :

بلبلی خون جگر خورد و گلی حاصل کرد باد غیرت بصدش آه پریشان دل کرد

قرة العین من آن میوه دل یادش باد که خود آسان بشد و کارمرا مشکل کرد

ساربان بار من افتاد خدایا مددی که امید کرمم همره این محمل کرد

آه و فریاد که از دست حسودان ناگه در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد

در قسمت فوقانی این سنگ بخط ثلث نوشته شده (الحکم لله تعالی) و بر دو جانب آن عبارات زیر نقش برحجراست :

نـاد علیاً مظهرالعجایب تجده عوناً لك فی النوایب

کـل هـم و غـم سینجلی بولایتك یاعلی یاعلی یاعلی

آرامگاه میر علی شهید

در حاشیه سنگ قبر مرمری قرمز رنگی بطول ۱/٤٥ متر وعرض ۲٥ سانتیمتر بخط ثلث عبارات زیر حجاری شده است :

« هذا قبرالمرحوم الشهید افتخار الزمان سلالة الوزراء فی الاوان الواصل الی رحمة الله الملك الولی خواجه جمال الماة والدین میرعلی الصاحب الاعظم المرحوم خواجه ... و توفی فی یوم الثلثا ثالث شوالسنه تسع و خمسین و ثمانمائة الهجریة النبویه صلعم . »

در یك لوحه فوقانی این سنگ بخط بنائی برجسته نوشته شده است :

لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله .

در قسمت پائین این سنگ بخط بنائی در یك اوحه چهار کلمه (محمد) نقش بر حجر شده است .

بقیه عبارات این سنگ در حاشیه شامل (آیة الکرسی) است و بعد بعبارات زیر ختم میشود : « صدق الله العظیم و صدق رسوله النبی الکریم خیرالکلام کلام الله . »

---

(۱) در کتیبه بهمین ترتیب نوشته شده است .

فصل پنجم

آثار و ابنیه تاریخی اصفهان از قرن هشتم هجری

دوره حکومت ایلخانان وسلاطین آل مظفر

اصفهان مقارن حمله مغول

درسال ۵۹۰ هجری دولت سلاجقه عراق باقتل طغرل بن ارسلان آخرین پادشاه سلجوقی برافتاد (۱) و بقول صاحب تاریخ جهانگشا سلطان تکش بن ایل ارسلان خوارزمشاه درسال ۵۹۲ اصفهان را فتح کرد . خاقانی شاعر معروف ایران در باره او این دو بیت را سروده است :

مژده که خوارزمشاه ملك صفاهان گرفت ملك عـراقین را همچو خراسان گرفت
مـاهچه چتـر او قلعه گـردون گشود مـورچه تیغ او ملـك سلیمـان گرفت

درسال ٦١٤ سلطان محمد خوارزمشاه ری واصفهان وبلاد دیگر جبال را گرفته حکومت آنها را بفرزندش رکن الدین واگذار کرد . در سال ٦١٦ حمله مغـول بشهر های آباد و متمدن ایران در ماوراءالنهر شروع شد و تدریجاً خراسان وشهر های شمالی ایران پایکوب سم ستوران مغول گردید و فجایعی جـانگداز در دفتر تاریخ ثبت شد . سلطان محمد خوارزمشـاه در شوال سال ٦١٧ هجری در جزیره

---

(۱) پس از آنکه در آخر ربیع الاول ۵۹۰ هجری طغرل سوم آخرین پادشاه سلجوقی در ری ازسلطان تکش خوارزمشاه شکست خورد جسد طغرل را برشتری افکنده ونزد سلطان آوردند . پادشاه خوارزم سر او را ببغداد فرستاد و دستور داد تا جسد طغرل را در بـازار ری بدار زدند . شاعری در این باره گفته است :

امروز شها زمـانه دل تنگست فیروزه چرخ هرزمان بارنگست
دی از سر توتا بفلك يك گز بود امروز زسرتا بد نت فرسنگست

(آبسکون) (۱) از جزایر نزدیك ساحل جنوب شرقی دریای خزر با فلاکت و بدبختی جان سپرد و فرزند رشیدش جلال الدین خوارزمشاه بادامه جنگ و ستیز با مغول پرداخت . در سال ٦۲٥ هجری بجلال الدین خبر رسید که عده کثیری از مغول بسرداری پنج نفر ازسران تاتار عزیمت عراق کرده اند . جلال الدین چهار هزار نفر از لشگریان خود را بین ری و دامغان مستقر نموده خود باصفهان رفت و این شهر را بمناسبت اجتماع طرفداران و مهیا بودن اسباب کار جنگ مرکز اردوی خویش قرارداده ودر آنجا مقیم شد . مغول هم دراین تاریخ باطراف اصفهان رسیده بودند و چون بقریه (سین) در شمال اصفهان نزدیك شد ند جلال الدین رؤسای لشگری وامرای خود را که بواسطه نزدیك شدن سرداران تاتارسخت ترسیده بودند بحضور خواست و ایشانرا بپایداری و دفاع برانگیخت . در روز ۲۲ رمضان سال ٦۲٥ جلال الدین برای جنگ بامغول صف آرائی کرد ومیمنه قشون را ببرادر خود **غیاث الدین** سپرد و خود در قلب ایستاد ولی هنوز جنگ تمام نشده بود که غیاث الدین و یکی از امرای سلطانی مقداری از سپاه را برداشته فرار کردند و با این حرکت خائنانه شکست بزرگی بکارجلال الدین واردآوردند ولی قسمت دیگر تاکاشان قوای مغول را عقب نشاندند وبتصور اینکه قسمت دیگر سپاه هم فاتح شده باخوشحالی بسوی اصفهان آمدند لکن چون خبرشکست سلطان را شنیدند باطراف پراکنده گشتند و سلطان نیز بلرستان گریخته بود . مردم اصفهان سخت ترسیده بودند و نمیدانستند بسر سلطان چه آمده اما بعد از هشت روز جلال الدین باصفهان وارد شد . مردم ببشارت ورود اوجشن گرفتند و شادمانی کردند . جلال الدین چند روزی در اصفهان توقف کرد و فراریان لشگر بار دیگر از اطراف گرد او جمع آمدند و سلطان که از غالب سران لشگری بعلت مسامحه ایشان در جنگ درخشم

---

(۱) از جزایر دریای خزر که در دهانه رود خانه گرگان و در سه روز فاصله از شهر قدیم جرجان قرار داشته است .

بود امرداد تا کسانی را که در کار محاربه سستی کرده بودند مقنعه بر سر انداختند و در محلات شهر گرداندند و باشخاص فداکار خلعت و نشان ولقب داد سپس مغولان چند باردیگر باصفهان حمله نمودند وکاری ازپیش نبردند تا بالاخره شافعیان بآنها کمك کرده در مقابل گشودن دروازه های شهر از آنها خواستار شدند که پس از ورود باصفهان طایفه حنفی را براندازند و آنها را قتل عام کنند لکن چون مغول شهر راگرفتند بین آنها فرقی نگذاشته و هر دو دسته را قتل عام نمودند .

نفاق و برادرکشی بین شافعیان و حنفیان و دوخانواده آل خجند و آل صاعد شهر اصفهان را بویرانی سوق میداد تا آنجاکه شاعر معروف اصفهان کمال الدین اسماعیل که از این وضع آزرده خاطر بود فنای هر دو دسته را خواستار شده است . شاعر گوید :

تا دردشت هست و جوباره	نیست از کوشش و کشش چاره
ای خداوند هفت سیاره	پادشاهی فرست خونخواره
تا دردشت را چو دشت کند	جوی خون آورد زجوباره
عدد خلق را بیفزاید	هر یکی را کند دو صد پاره

دعای شاعر مستجاب گردید و بطوریکه اشاره شد مغول پس از ورود باصفهان از هر دو دسته قتل عام نمودند ولی خود نیز از این معرکه جان سالم بدر نبرد و درسال ۶۳۵ هجری بدست یکی ازغلام بچگان مغول بقتل رسید وبطوریکه مشهوراست در منزل خود مدفون گردید . (۱)

---

(۱) قبرکمال اسماعیل امروز هم درجای اصلی آن درمحله جوباره است و وضع بسیار اسفناکی دارد . قرار است بوسیله انجمن آثار ملی اصفهان آرامگاه مناسبی در خور مقام این شاعر بزرگ ساخته شود . در سالهای اخیرباد بود او درمجاورت پل تاریخی اللهوردی خان طاقنمائی بنا شده و یکی از خیابانهای زیبای اصفهان در ساحل شمالی زاینده رودکه سه پل تاریخی : اللهوردی خان و پل جویی و پل خواجو را بیکدیگر می پیوندد بنام **کمال الدین اسماعیل** نامگذاری شده است .

حمدالله مستوفی درقرن هشتم هجری شرح مبسوطی از اصفهـان و نواحی آن بدست میدهد

حمدالله مستوفی راجع باصفهان وحومه آن درقرن هشتم هجری چنین مینویسد:

« تومانین اصفهان - دروسه شهر است : **اصفهان** و **فیروزان** و **فارفاآن** - اصفهـان از اقلیم چهارم شمرده اند اما بحسب طول و عـرض حکما از اقلیم سیوم گرفته اند . طولش از جزایر خالدات (عوم) و عرض از خط استوا (لب که) و در اصل چهار دیه بوده است . **کران** و **کوشك** و **جوباره** و **دردشت** با چند مزرعه . بعضی گویند طهمورث پیشدادی و چندی جمشید و ذوالقرنین سـاخته بودند و چون کیقباد اول کیانیان آنـرا دارالملك ساخت کثرت مردم حاصل شد . در بیرون دیهها عمارت میکردند بتدریج با هم پیوست و شهری بزرگ شد . **رکن الدوله حسن بن بویه** اورا بارو کشید و دور باروش بیست ویکهزار گام باشد . طالع عمارتش برج قوس . چهل و چهار محله و ۰۰۰ دروازه دارد و هوای او معتدل است . در تـابستان و زمستـان گرما و سرما چنان نبود که کسی را از کار باز دارد و زلزله و بارندگی و صاعقه که موجب خرابی باشد دراو کمتر اتفاق افتد. خاکش مرده را دیرریزاند وهرچه بدو بسپارند ازغله و غیرآن نیکو نگاه دارد وتا چند سال تباه نکند . و درو بیماری مزمن و وبا کمتر بود . آب **زنده رود** بر جانب قبله بر ظاهر شهر میگذرد و ازو نهر ها در شهر جاری باشد . و آب چاهش در پنج و شش گزی بود ودر گوارندگی و خوشی بآب رود نزدیك بود . و هرتخم که ازجای دیگر آنجا برند و زرع کنند اگر بهتر از مقام اول بر ندهد کمتر نیز نباشد الا انار که آنجا نیکو نیاید و آن نیز از نیکوی آب و هواست که انار در هوای متعفن نیك آیـد و سعر غله و دیگر ارزاق پیوسته وسط باشد اما نرخ میوه در غایت ارزانی باشد وغله وصیفی نیکوآید و میوه های او بغایت خوب و نازك بود بتخصیص سیب و به و امرود بلخی و عثمانی

و زردآلو و سرمش و ترغش نیکوی باشد و خربزه اش تمام شیرین است و از ین میوه ها از شیرینی شکمی بی آنکه آب خورند نتوان خورد و کثرت خوردن آن مضر نیست و میوه های آنجا تا هند و روم برند و علفزار های نیکو دارد وهرچهار پائی که آنجا فربه شود دو چندان توانائی داشته باشد که بجای دیگر فربه شود. و در آن ولایت مرغزار هاست بزرگترین شان مرغزار **بلاشان** و شکارگاههای فراوان ونیکودارد چون **گاوخانی** (۱) وهرشکاری دروباشد. و در آن شهر مدارس و خانقاهات و ابواب الخیر بسیارست. از آن جمله مدرسه‌ئی که **خوابگاه سلطان محمد سلجوقی** است بمحله جلباره (۲) بتی سنگین بوزن کما بیش ده هزار من که مهتر بتان هند بوده و از سلطان آنرا برابر مروارید عشری بازمیخریدند نفروخت و نداد و بیاورد و ناموس دین را در آستانه آن مدرسه برافکند. و مردمان آنجا سفید چهره و مردانه باشند و اکثر سنی وشافعی مذهب و درطاعت درجه تمام دارند اما بیشتر اوقات باهم درمحاربه ونزاع باشند ورسم دوهوائی هرگز از آنجا برنیفتد و همه خوشیهای آن شهر درهنگام اظهار دوهوائی با ناخوشی آن فتنه مقابل نتوان کرد و بدین سبب گفته اند:

اصفهان جنتیست پر نعمت — جز جوانی درو نمی باید

همه چیزش نکوست الا آنک — اصفهانی درو نمی باید (۳)

ازرسول (صلعم) مرویست بروایت عبدالله بن عباس (رضعهما): یخرج الدجال من یهودیة الاصفهان حتی یأتی الکوفة فیلحقه قوم من المدینة وقوم من الطور وقوم من ذی یمن وقوم من قزوین. سئل یارسول الله ماقزوین؟ قال: قوم یکونون بآخرة

---

(۱) باطلاق گاوخونی درمشرق اصفهان در انتهای دهستان **رودشت** واقع شده وزاینده رود بآن میریزد.

(۲) مقصود از (جلباره) همان محله (گلبهار) یا (گلبار) امروز نزدیك میدان قدیم است.

(۳) حمدالله مستوفی صاحب تاریخ گزیده ونزهة القلوب بعد از ذکر این دوبیت چهار بیتی را که کمال الدین اسماعیل در باره **دردشت و جوباره** سروده و در صفحه (۲۴۷) این کتاب نقل شد با جزئی اختلافی درالفاظ آن آورده است.

یخرجون من الدنیا زهدا فیها یرداللہ بهم قوماً من الکفر الی الایمان. وحقوق دیوانی اصفهان بتمغا مقررست و در سنه **خمس و ثلاثین خانی** (۱) سی و پنج تومان حاصل داشت . ولایتش **هشت ناحیه** است و **چهارصد پاره دیه** بیرون مزارع که داخل دیهها باشد: اول **ناحیه جی** درحوالی شهر باشد هفتاد وپنج پاره دیه **وطهران** (۲) و **ماربانان** و **جاوان** و **شهرستان** که آنرا شهر نو اصفهان خوانده اند و اسکندر رومی ساخته و فیروزساسانی تجدید عمارتش کرده معظم قرای آن ناحیه است . دوم ناحیت **ماربین** پنجاه وهشت پاره دیه است: **خوزان** و**قرطان** و**رنان** و**اندوان** معظم قرای آن وبحقیقت این ناحیت همچون باغی است ازپیوستگی باغستان ودیهہاء باهم متصل ودرین معنی گفته اند : شعر

ماربینی که نسخه ارم است　　　　آفتاب اندرو درم درم است

و درین ناحیت قلعه یی بوده است که طهمورث دیو بند ساخته است . آنرا **آتشگاه** گفته اند ودرو بهمن بن اسفندیار آتشخانه ساخته بود سیوم ناحیت **کرارج** سی وسه پاره دیه است : **دشتی** و **اشکاوند** و **فیزادان** از معظم قرای این ناحیت است و نیزهمچو باغی است از پیوستگی باغستان دیهها باهم . چهارم ناحیت **قهاب** چهل پاره دیه است و **هفشویه** (۳) و **راران** (٤) و**قهجاورستان** معظم ترین قرای این ناحیت است وآب کاریزمیخورند بدان سبب «قهاب» میخوانند . پنجم ناحیت «برخوارست» سی و دوپاره دیه است و دیه **جز** (۵) معظم قرای آن و این ناحیت را نیز آب از

---

(۱) مقصود از تاریخ خانی سالی است که آنرا غازان خان در سنه ۷۰۱ معمول کرد و ۱۳ رجب این سال را مبداء آن قرارداد ولی این تاریخ رسمیت نیافت وپس ازمرگ غازان منسوخ گردید (از حواشی مرحوم اقبال بر ترجمه محاسن اصفهان)

(۲) این ده امروز(تیران) نام دارد ولی درایام قدیم(تهران) گفته ونوشته میشد .

(۳) شرح مسجد تاریخی **هفشویه** دراین فصل خواهد آمد .

(٤) رادان که آنرا (راهروان) نیز گفته و نوشته اند هم اکنون نیز بنام (رادان) شناخته میشود و دارای یك مناره سلجوقی است (رجوع شود بصفحه ۲۰٤ این کتاب)

(۵) رجوع شود بصفحه (۱۸۷) این کتاب .

کاریزست و دیگر نواحی را آب اززنده رود . وبدین ناحیت بدیه « جز » بهمن بن اسفندیار آتش‌خانه ساخته بود ششم ناحیت «لنجان» بیست پاره دیه است. «گویان» و « قهدریجان » و «کلیشاد» معظم قرای آن . هفتم ناحیت « براآن » هشتاد پاره دیه است و **اشکیشان** و **برسیان** (۱) و « رنین » و« سمنارت » و «جوزدان» و«فساران» و« کهوهان » و **کاج** (۲) و « داذنان » معظم قرای‌آن. هشتم ناحیت « رودشت » شصت پاره دیه است و « فارفاآن » قصبه آن و « قورطان » و « ورزنه » و « اشکهران » و « کمندان» معظم قرای آن . و این دیهها را که معظم قری میخوانیم از آنهاست که در دیگر ولایات شهر خوانند زیرا که در هریك از آن دیهها کمابیش هزار خانه باشد و بازار و مساجد و مدارس وخانقاهات وحمامات دارد . حقوق دیوانی ولایت اصفهان پنجاه تومان است . واز اکابرشیخ علی سهل اصفهانی را تربت‌آنجاست (۳) و از اصفهان تا دیگر ولایات عراق عجم مسافت برین موجبست :

اردستان : سی و چهار فرسنگ ـ **ایذج** . **لربزرگ** : چهل و پنج فرسنگ . **بروجرد** . **لرکوچك** شصت و شش فرسنگ . **جربادقان** سی و یك فرسنگ ونیم . **دلیجان** سی و پنج فرسنگ . **ری** هشتاد وشش فرسنگ . **سهرفیروزان** شش‌فرسنگ ساوه شصت و چهار فرسنگ : سلطانیه صد و شش فرسنگ ونیم . قزوین نود و دو فرسنگ . **قم** پنجاه و دو فرسنگ . **قومشه** فارس چهارده فرسنگ . **کرج** چهل و پنج فرسنگ . **کاشان** سی و دو فرسنگ . **لوردکان** لربزرگ سی وپنج فرسنگ . **نطنز** بیست ویك فرسنگ. **نائین** بیست وشش‌فرسنگ . **نهاوند** هفتاد وچهار فرسنگ **همدان** شصت و دو فرسنگ . **یزد** شصت و دو فرسنگ .

---

(۱) رجوع شود بصفحه (۱۷٤)

(۲) **کاج** دارای یك مسجد تاریخی از قرن هشتم هجری است وشرح آن طی این فصل خواهد آمد .

(۳) شرح آرامگاه علی بن سهل در این فصل خواهد آمد .

فیروزان شهری است بدوقسم بر کنارزنده رود بالای اصفهان از اقلیم سیم طولش از جزایر خالدات (فویج) وعرض از خط استوا (لب کد) اکنون داخل اصفهان است . کیومرث ساخت . در آب و هوا و غله ومیوه و پنبه و غیر آن وطبع وخوی و مذهب اهل آنجا مانند اصفهان . حقوق دیوانی آن سیزده تومان و چهار هزار و پانصد دینار است . (۱)

آثار تاریخی اصفهان از دوره سلطان محمد خدابنده (اولجایتو)

سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) که از۷۰۳ تا ۷۱۶ هجری بر تخت ایلخانی تکیه زد تحت تعالیم علامه جمال الدین حسن بن مطهرحلی بمذهب شیعه تمایل پیدا کرد و در زمان او کتیبه مسجد جمعه اصفهان و مساجد دیگری را بنام ائمه اطهار زینت دادند .

از دوره اولجایتو در اصفهان آثاری باشکوه برجای مانده و از آنجمله است محراب عالی گچ بری مسجد جمعه اصفهان درقسمتی از این مسجد که بنام (مسجد اولجایتو) مشهور است و در صفحه (۱۱۵) این کتاب شرح آن گذشت . صفه وبقعه (پیر بکران) در محلی بهمین نام و در سی کیلومتری جنوب غربی شهر اصفهان که مزین بتزیینات گچ بری و کاشیکاری است و مسجد **اشترگان** (اشترجان) در ۳۶ کیلومتری اصفهان و ۱۲ کیلومتری پیر بکران که ازنمونه های جالب مساجد قرن هشتم هجری در اطراف اصفهان است و ایوان **منارجنبان** اصفهان که بترتیب بتوصیف آثار تاریخی و کتیبه های آنها میپردازیم .

---

(۱) نقل از کتاب (نزهة القلوب) تـألیف حمدالله مستوفی بسال ۷۴۰ هجری چاپ تهران صفحه (۵۲ ـ ۵۶)

بقعه پیر بکران

در فاصله سی کیلومتری جنوب غربی اصفهان دردهکده (پیر بکران) از دهات ناحیه لنجان بنای اسلامی بقعه (پیر بکران) از قرن هشتم هجری (۷۰۳ تا ۷۱۲) از دوره سلطان اولجایتو وقبرستان قدیمی یهودی های اصفهان بنام (استرخاتون) واقع شده است (۱) پیر بکران که نام او (محمد) بوده است از رجال مشهور واز مدرسین و زهاد و عرفای این ناحیه در نیمه دوم قرن هفتم هجری بوده است که در ابتدای قرن هشتم وفات کرده و در محل بنای فعلی بقعه که احتمالا محل تدریس اوهم بوده بخاك سپرده شده است وآرامگاه اورا ازلحاظ تجلیل مقام علمی ومذهبی او با انواع گچ بری وکاشیکاریهای معمول آن دوره تزیین نموده اند . بنای مزبور شامل سه قسمت است : اول **رواق بقعه** که از کوچه مجاور آن بصحن بقعه منتهی میشود . دوم **صحن بقعه** که دارای سقف بلندی است ودراطراف آن ایوانچه ها وغلام گردش هائی واقع شده و دیوار های هر چهار جانب آن و نیز پوشش طاق ایوان با خطوط کوفی و بنائی و شاخ و برگ و گل و بوته های گچ بری شده تزیین شده است. سوم **آرامگاه پیربکران** که درضلع شمالی بقعه ومتصل باطاق‌محفوظی که ظاهراً محل تدریس محمد بن بکران بوده قرار دارد و اطراف و جوانب آن با گچ بری تزیین شده است .

تزیینات گچ بری رواق بقعه پیر بکران
مورخ بسال ۷۰۳ هجری

کتیبه گچ بری سر در ورودی رواق وتزیینات گچ بری آن بمناسبت اینکه در معرض تأثیر عوامل جوی بوده است آسیب فراوان دیده ولی رواق آن که سردر خارجی بقعه را بمدخل صحن آن اتصال میدهد باآنکه طاق آن برای مدتی خراب شده وتعمیر نشده بوده است معذلك گچ بریهای جالب آن هنوز جلب توجه میکند .

---

(۱) رجوع شود بصفحه ۲۶



نمای خارجی بقعه پیر بکران از قرن هشتم هجری

کتیبه سردر صحن بقعه که بخط ثلث بـرزمینه گل و برگ گچ بری شده است بشرح زیر میباشد :

« هذه العمارة المبارکة الشیخ المشایخ المسلمین محمد بن بکران فی ثلث وسبعمائه.»

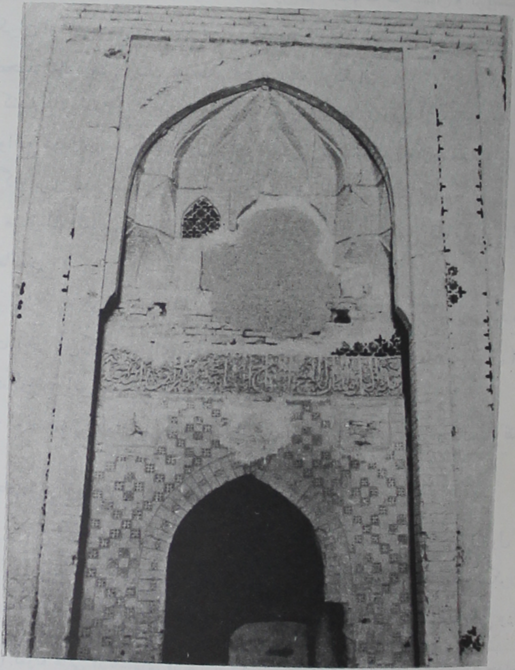
دراطراف طاقنمای سمت راست سردرپس ازذکرجمله(بسم الله الرحمن الرحیم) آیة الکرسی بخط کوفی ساده گچ بری شـده و در داخل این طاقنما بخط کوفی سوره (اخلاص) گچ بری شده است .

تزیینات گچ بری و خطوط وکتیبه های داخل صحن بقعه پیر بکران

صحن بقعه پیر بکران محوطه محصور و مسقف کوچکی است که از سه جانب شرقی و غربی و شمالی مسدود میباشد و فقط از قسمت فوقـانی جانب جنوبی که

محراب عالی گچ بری آن در این قسمت واقع است بخارج ارتباط دارد و از همین قسمت باز این جبهه است که عوامل جوی بداخل بقعه نفوذ کرده و آسیب هائی وارد آورده است .

تزیینات داخل بقعه از نوع گچ بری و کاشیکاری است . نوع کاشیهائی که برای



تزیینات گچ بری و کتیبه سردر بقعه پیربکران در انتهای رواق آن

آرایش داخل این بقعه بکار رفته از نوع کاشیهای قرن هشتم هجری و دارای رنگ و لعاب جالب مخصوص است ولی موجب تأسف است که بیشتر این کاشیهای نفیس را که اغلب (خاجی شکل) و برنگ لاجوردی یا فیروزه ای میباشد در ازمنه ای که هنوز تحت مراقبت مستقیم دولت واقع نبوده است ربوده اند اما قسمت عمده تزیینات گچ بری آن خوشبختانه باقیست و بر رویهم مجموعه ساختمان و تزیینات بقعه پیربکران از آثار بسیار نفیس و پرارزش گنجینه تاریخی اصفهان است .(۱)

محمد شاه نقاش استاد هنرمند گچ بر بقعه پیربکران

کتیبه های اطراف صحن بقعه در دو سطر و بارتفاع تقریباً یکمتر و نیم ازسطح بقعه واقع شده اند. در کتیبه اول (آیة الکرسی) تاجمله (والله سمیع علیم) بخط بنائی گچ بری شده است و قسمت آخر آن بعبارات زیر ختم میشود :

« صدق الله العظیم وصدق رسوله الکریم ونحن علی ذلك من الشاهدین والحمدلله رب العالمین . »

در سطر دوم کتیبه آیاتی از سوره (دهر) بخط ثلث درشت گچ بری شده است وقسمت آخر آن که درانتهای ضلع غربی ایوان است نام (محمد شاه نقاش) استاد هنرمند گچ بر این بقعه را بشرح زیر در بر دارد :

«٠٠ ویطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیماً واسیر أصدق الله عمل **محمد شاه نقاش**.»

خطوط و تزیینات گچ بری ضلع شرقی بقعه پیربکران

این ضلع از بقعه دارای دو جرز و یك ایوان کوچك است بر جرز اول نام (ابوبکر) بخط بنائی برزمینه شطرنجی در اشکال مربع بزرگ بطور مکرر گچ بری شده است . بر جرز دوم کلمه (و عمر) بخط بنائی بر زمینه شطرنجی وداخل

---

(۱) نمونه هائی ازکاشیهای قدیمی پیربکران بریکی ازدیوارهای جنوبی باغ چهلستون نصب شده است.

مربع های بزرگ گچ بری شده و درقسمت پائین این جرز تاحد کتیبه های موجود دریك شکل مربع بزرگ بخط بنائی ساده برجسته از آجر صلوات برچهارده معصوم بشرح زیر گچ بری شده است :

« اللهم صل علی محمد المصطفی وصل علی علی المرتضی وصل علی فاطمة الزهرا و صل علی خدیجة الکبری وصل علی حسن مجتبا (۱) وصل علی حسین شهید کربلا و صل علی زین العابدین و صل علی محمد باقر و صل علی جعفر صادق وصل علی موسی الکاظم و صل علی محمد تقی و صل علی علی نقی وصل علی حسن العسکری و صل علی محمد مهدی . »

در پائین این جرز تخته سنگی وجود دارد که بحال طبیعی در این محل باقی مانده و درداخل آن فرورفتگی مشاهده میشود وعامه مردم آنرا جای پای (دلدل) و بعضی هم جای پای اسب (الیاس) میدانند ! (۲)

---

(۱) کلمه مجتبی درکتیبه بترتیب فوق الذکر (مجتبا) نوشته شده است .

(۲) هرتسفلد (Ernest Hertzfeld) درکتاب خود موسوم بتاریخ باستانشناسی ایران در باره محل مزبور چنین نوشته است :

« اینجانب درسال ۱۹۲۳ (۱۳۴۱ هجری قمری) درلنجان نزدیك اصفهان اثردیگری از ملکه سوسن پیدا کردم. اسم تازه ومعمولی این مکان بمناسبت بقعه بزرگ یکنفرصوفی که در آنجا میزیسته و درسال ۱۳۰۳ م (۷۰۳ هجری) در هجانجا رحلت نموده پیربکران میباشد لکن اثر مزبور را هنوزبنام (استرخاتون) یعنی همان اسمی که درهمدان هم معروف است میشناسند . بقعه صوفی نامبرده تقلید و پیروی عالی از طاق کسری است و بـر کف آن تخته سنگی وجود داردکه جای سم اسبی برآن مشهود ومنسوب باسب الیاس پیغمبر بوده. میگویند الیاس از این مکان باسمان رفته است . گویا این سنگ درابتداء قراربوده است بجای سنگی که در معبد اورشلیم وجود دارد نهاده شود وصوفی مزبور بقیه راکه متعلق بقوم یهود بوده تصرف نموده است. مزارپیر متصل باطاق کوچکی است که سقفش گنبدی و ساختمانش قدیمتر از مقبره است . علی الظاهر پیربکران در همین اطاق تدریس مینموده و یکی از شاگردان وی ایوان وسیعی را احداث کرد تا استادش راحت تر بتواند تدریس نماید وپیربکران صفه واقع در جانب شرقی ایوان را برای جایگاه معمولی خود اختیار نموده است (آثار ایران جلد اول - جزوه دوم) ترجمه فارسی صفحه ۲۶ و ۲۷



تزیینات گچ بری و کاشیکاری در داخل بقعه پیر بکران

در این عکس یك صخره و فرورفتگی آن (جای پای اسب الیاس !) نیز مشاهده میشود

بین دو جرز ضلع شرقی دریك طاقنما یا ایوان کوچك بخط کوفی عبارات زیر گچ بری شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . سبحان الحی الباقی »

و بر جانب جنوبی این طاقنما بخط ثلث کتیبه زیر مورخ بسال ۷۱۲ هجری گچ بری شده است :

« هذه الصفة المبارکة الشیخ المشایخ المسلمین قدوة ارباب المحققین **محمد بن بکران** قدس الله روح العزیز **سنة اثنی عشر و سبعمائه** . »

خطوط و تزیینات ضلع غربی

ضلع غربی صحن بقعه قرینه ضلع شرقی است و دارای دو جرز و یك طاقنما در وسط میباشد . بر جرز شمالی این ضلع نام (و عثمان) بخط بنائی و مکرر بر زمینه شطرنجی و در داخل یك شکل مـربع بزرگ که گچ بری شده و در قسمت



کتیبه گچ بری داخل بقعه پیربکران مشتمل بر نام محمد بن بکران و تاریخ وفات او (۷۰۳ هجری)

فوقانی آن در یك صفحه مربع شکل بزرگ بخط بنائی ساده با آجر عبـارات و کلمات زیر نقش شده است :

« بسم‌الله الرحمن‌الرحیم هوالله الذی‌لااله الاهوالرحمن‌الرحیم. الملك القدوس. السلام . المؤمن. المهیمن . العزیز. الجبار. الملك. الخالق . الباری . المصور.

الغفار. الوهاب . المفید . المدبر. الشدید . المبدی . المعید. المبید. الودود.
المحمود. المعبود. البعید. القریب. المجیب. الرقیب. الحسیب. البدیع. الرفیع.
السمیع. العلیم . الحلیم . الکریم . الحکیم .»

برجرز جنوبی ضلع غربی بخط بنائی برزمینه شطرنجی نام (وعلی) گچ بری شده است . درطاقنمای وسط این ضلع بخط ثلث سوره (اخلاص) گچ بری شده و بر جانب جنوبی این طاقنما در یك لوحه بخط کوفی برجسته نوشته شده است :
« الملك لله .»

محراب عالی گچ بری بقعه پیربکران

درضلع جنوبی صحن مسقف بقعه پیر بکران محراب بزرگی گچ بری شده است آرایش این محراب تزیینات گل و بوته و شاخ و برگ و خطوط کوفی و ثلث است ولی تاریخ انجام آن ذکرنشده است .

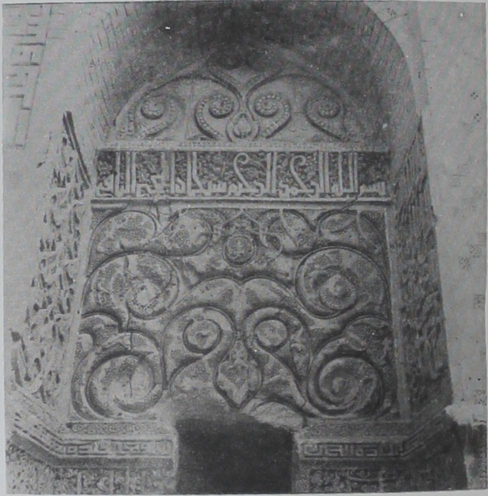
کتیبه هلال خارجی محراب در دو سطر است : درسطر اول بخط کوفی بعد از جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) آیة الکرسی گچ بری شده ودرسطردوم بخط ثلث برزمینه گل و برگ گچی بعد از (بسم الله الرحمن الرحیم) آیات اول سوره (دهر) گچ بری شده و بجمله (اما شاکراً و اما کفوراً . انا) ختم میشود .

در هلال پشت بغل این محراب بخط بنائی جملات : الله اکبر ـ الحکم لله العظمة لله ـ الملك لله ـ الحمد لله بطور مکرر گچ بری شده است .

مقبره محمد بن بکران

درضلع شمالی صحن بقعه مقبره محمد بن بکران واقع است که بوسیله مدخلی بداخل بقعه مربوط میشود . داخل وخارج آرامگاه باتزیینات کاشیکاری و گچ بری مزین شده است و در قسمت فوقانی آرامگاه ایوان دیگری که قسمتی از طبقه دوم این ساختمان را تشکیل میدهد و رابط بین دو غلام گردش طرفین آنست واقع شده است .

دیوارحد فاصل آرامگاه وصحن بقعه مشبك است و دراطراف این دیوار مشبك کتیبه هائی نوشته شده : بر کتیبه هلال اول دیوار که از بالای پشت بغل میگذرد



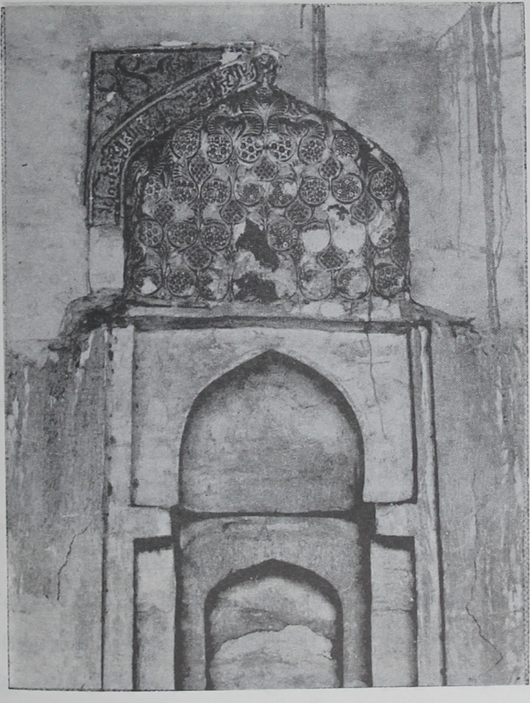
تزیینات گچ بری وخطوط کوفی درداخل بقعه پیر بکران

بخط کوفی ساده جماه: بسم الله الرحمن الرحیم و آیات اول تا آخر آیهٔ هفتم ازسوره شریفه (یس) گچ بری شده است .

کتیبه هلال دوم اطراف دیوارمشبك آرامگاه شامل سوره (فاتحه) میباشد.

برآرامگاه محمد بن بکران سنگ بزرگ مرمری نصب شده که دارای خطوط وکتیبه هائی است از آنجمله بخط ثلث برجسته در اطراف سنگ (آیة الکرسی) و بر جانب غربی آن صلوات بر دوازده امام حجاری شده است و درذیل آنها کتیبه

تاریخی سنگ مورخ بسال ۷۰۳ هجری و مشتمل بر نام استاد حجار آن (سراج) بشرح ذیل قرائت میشود :

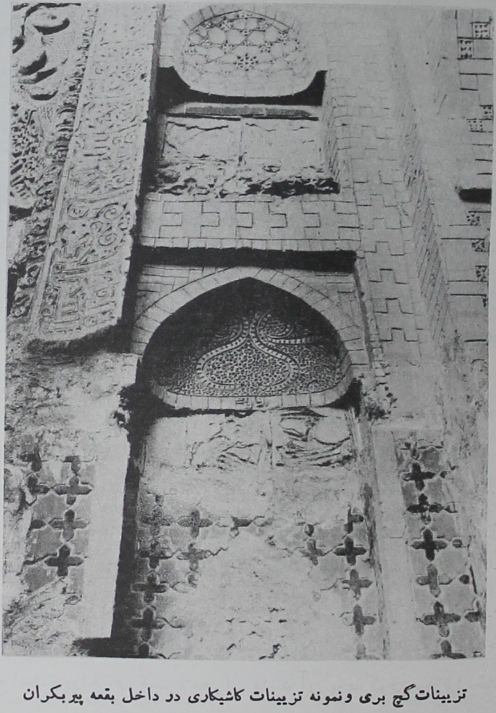


سردر مدخل رواق وصحن بقعه پیر بکران

« هذه الروضة المقدسة المبارکة لشیخ المشایخ المسلمین و قدوة ارباب المحققین محی معالم الشریعة معظم معالم الطریقة کاشف اسرار الحقیقة حجة الحق علی الخلق

هادی الخلق الی الحق العارف باسرار الربوبیة الواقف بآثار الالوهیة محمد بن بکران جعلها الله روضة من ریاض الجنة له فی لیلة الثلثا عاشر شهر ربیع الاول سنة ثلث وسبعمائه عمل سراج.»

بر جانب شرقی سنگ مزار عبارات ذیل نوشته شده است :



تزیینات گچ بری ونمونه تزیینات کاشیکاری در داخل بقعه پیر بکران

« اللهم صل علیه کلما ذکره الذاکرون و صل علیه کلما سها عنه الغافلون حرر العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله الغنی علی محمود بن محمد التبریزی بفیروزان.»

بر دیوار شمالی داخل آرامگاه بدوخط کوفی وثلث که یك سطر درمیان نوشته شده عباراتی بشرح زیر گچ بری شده است :

۱- خطوط کوفی شامل آیاتی از سوره (فاتحه)

۲- خطوط ثلث بشرح زیر :

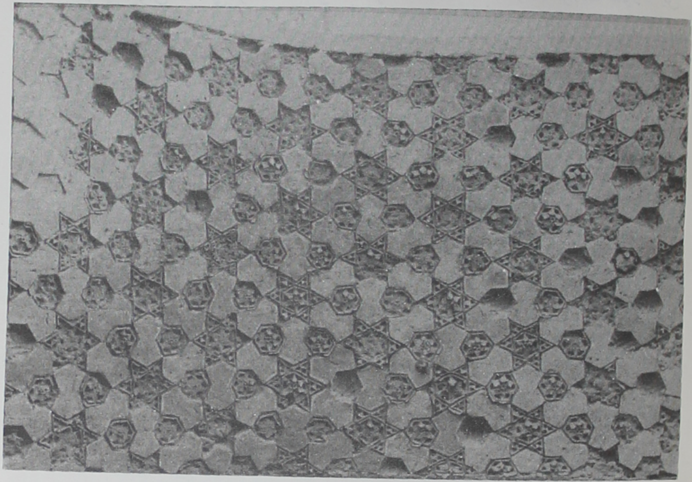
« هذه الروضة المقدسة الشیخ المشایخ المسلمین قدوة ارباب المحققین محی معالم الشریعة کاشف اسرار الحقیقة واقف بآثار الالوهیة حجة الحق علی الخلق **محمد بن بکران** نورالله قبره **فی سنة ثلث و سبعمائه** . »

بر دیوار ضلع شرقی آرامگاه بخط بنائی گچی قرمز رنگ نوشته شده است :

« سبحان الله والحمد لله و لا اله الاالله والله اکبر ولاحول ولا قوة الابالله العلی العظیم . »

آرامگاه محمد بن بکران بوسیله مدخل کم ارتفاعی که بحال خمیده باید از آن گذشت و در ضلع شمالی اطاق آرامگاه قرار دارد باطاق تاریکی اتصال میابد که طاق آن مخروطی شکل است و بر دیوار جنوبی آن بخط ثلث (سوره اخلاص) گچ بری شده و در وسط آن بخط کوفی جمله (فسیکفیکهم الله) خوانده میشود . در اطراف طاق گنبدی شکل آن نیز کتیبه ای در دو سطر بخط کـوفی و ثلث گچ بری شده بـوده که مقداری از آن ریـزش کرده و فعلا از خطوط کوفی آن سوره (اخلاص) و از باقی مانده خطوط ثلث آن جمله : « ما تقدم من ذنبك و ما تأخر و لیتم نعمتك » قرائت میشود .

در طاقنمای بزرگ روی آرامگاه محمد بن بکران که در طبقه دوم ساختمان بقعه واقع است و دراطراف قسمت محراب مانند آن بخط کوفی سوره (اخلاص)



آرایشهای گچ بری توأم با تزیینات کاشیکاری در ایوان فوقانی آرامگاه محمد بن بکران

و در طرفین آن بخط ثلث عبارات دیگری که بخوبی خوانده نمیشود گچ بری شده است .

در مقرنسهای این قسمت بخط بنائی و بشیوه گچ بری برجسته بر زمینه گچ قرمز رنگ، در قسمت شرقی آن جملات (سبحان الله والحمدلله و لا اله الا الله والله اکبر) دومرتبه نوشته شده و در قسمت غربی آن عبارت (ولاحول و لاقوة الا بالله العلی العظیم .) نیز دومرتبه نوشته شده است .

يك قطعه یادگاری قدیمی بر دیوار بقعه پیربکران

مانند تمام بنا های قدیمی بردیوارهای این بنای تاریخی یادگارهائی بخطوط متفاوت از اشخاص مختلف قرائت میشود که يك قطعه از آنها راکه بردیوار جانب

شرقی ایوان فوقانی آرامگاه بامرکب نوشته شده است نگارنده قرائت نمود . این قطعه یادگاری چهل وسه سال پس ازساختمان این بقعه درسال ٧٥٥ هجری بوسیله شخصی از اهالی (طاد) از قراء لنجان نوشته شده و بشرح زیر است :

الله المستعان

« قد حضر العبد الطادانی بتاریخ شهر جمادی الاخر سنة خمس وخمسین و سبعمائه غفر الله له و لجمیع المسلمین . »

مسجد جامع اشترجان

مسجد اشترجان در ۳۶ کیلومتری جنوب غربی اصفهان و در ۱۲ کیلومتری (پیربکران) دردهکده (اشترگان) که امروز (اشترجان) نامیده میشود در منطقه لنجان ازنواحی پر خیر وبرکت اصفهان واقع شده . مسجد مزبور دراواخرسلطنت ایلخان مسلمان مغول سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) بوسیله (خواجه فخرالدین محمد بن محمود بن علی اشترجانی) که بفحوای کتیبه سردر بزرگ مسجد (سردر شمالی) ملك الوزراء محسوب میشده بنا گردیده و یکی ازابنیه نفیس و بسیارجالب استان تاریخی اصفهان است .

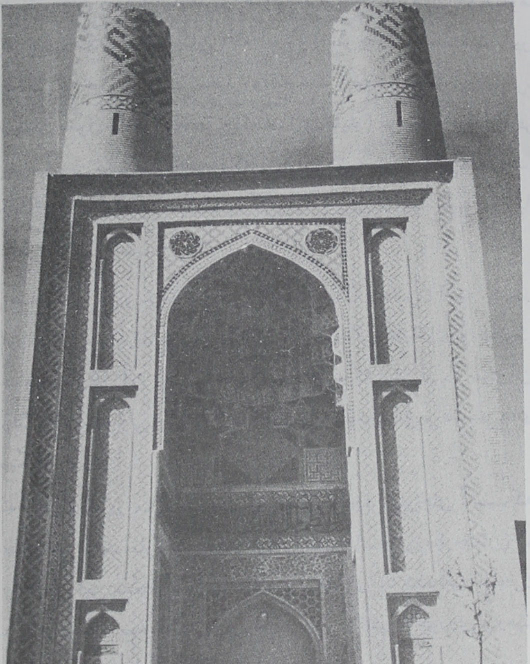
این مسجد دارای دو سردر تاریخی درسمت شمال و مشرق است . سردر شمالی که متجاوز از ۱۲ متر ارتفاع دارد دارای مقرنس عالی کاشیکاری و خطوط و کتیبه هائی است و در طرفین آن دو مناره موجود است که بیش از دو سوم آن بمرور زمان خراب شده است ولی بقایای آنها هنوز از عظمت سابق و نفاست بنای مزبور حکایت میکند .

نکته قابل توجه در مناره های سر در شمالی مسجد اشترجان آنست که مناره های مسجد مزبورمانند مناره های بنای تاریخی مشهوراصفهان (منارجنبان) که نزدیك بزمان ساختمان این مسجد یعنی در سال ۷۱۶ هجری بنا شده است متحرك هستند تزیینات بدنه دومناره مسجد اشترجان بخط بنائی باکاشی لاجوردی برزمینه آجری وبطور مارپیچ تکرارجمله (الله اکبر) است .

خواجه فخرالدین محمد اشترجانی مسجد اشترجان را بنا کرده است

تزیینات هلال اطراف سردر اصلی مسجد بخط بنائی باکاشی لاجوردی برزمینه آجری تکرار نام (علی) است و در دو پشت بغل سردر از تکرار درهم پنج کلمه

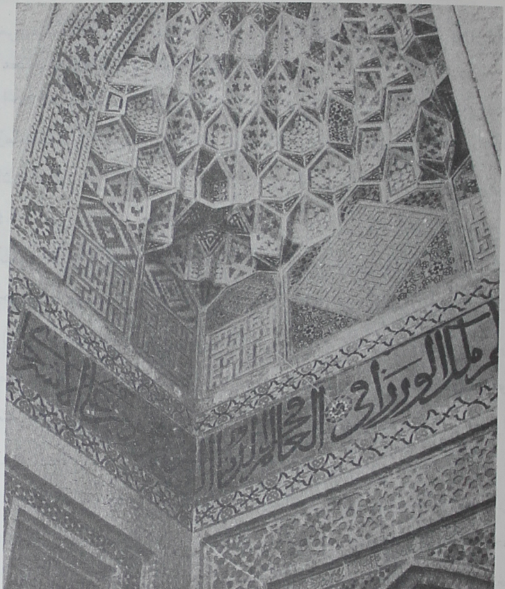
(الله) و پنج کلمه (محمد) بخط کوفی برجسته باکاشی لاجوردی بر زمینه کاشی فیروزه ای دو (شمسه) تشکیل شده است .



سردر کاشیکاری مسجد جامع اشترجان (اشترگان) مورخ بسال ۷۱۵ هجری

در داخل طاقنما های جرز های طرفین سردر در جانب غربی بخط ثلث آجری برزمینه کاشی لاجوردی جمله (فسبحان الله حین تمسون) و در جانب شرقی جمله

(وحین تصبحون و له) نوشته شده است . (۱)



تزیینات کاشیکاری و کتیبه ثلث سردراصلی مسجد جامع اشترجان بنام فخرالدنیا والدین محمد بن محمود بن علی الاشترجانی

(۱) آیه ۱۷و۱۸ سوره (روم) باین‌شرح است: « فسبحان‌الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض و عشیاً و حین تظهرون .»

کتیبه اصلی این سردر بخط ثلث لاجوردی رنگ برزمینه کاشی فیروزه‌ای بشرح زیر است :

« امر ببناءِ هذا المسجد المبارك الصاحب الاعظم ملك الوزراءِ فی العالم **فخرالدنیا والدین محمد بن محمود بن علی الاشترجانی** .

خواجه فخرالدین محمد بن محمود بن علی اشترجانی از مستوفیان و منشیان بزرگ زمان سلطان ابوسعید بهادرخان بوده ومدتها وزارت **امیرسونج** ازامرای مشهور او را داشته است . ابن الفوطی در کتاب مجمع الادب ذکر او را آورده و میگوید که در ۷۱٤ هجری اورا در بغداد دیده است و در ۷۱۷ نیز بهمراهی امیرسونج ببغداد آمده و **شمس الدین ارموی** او را مدح گفته و از اوصله‌ای سالیانه گرفته است. (۱)

مترجم رساله محاسن اصفهان حسین بن‌محمدبن‌ابی‌الرضا علوی آوی، دردکر پنجم از کتاب (محاسن) **لنجان** را محل نشو ونمای بزرگان گردنکش ودلیران لشگرکش معرفی نموده و از بانی مسجد اشترگان بنام : **صاحب مغفورسعید فخرالدولة والدین محمدالاشترجانی** طاب ثراه با تجلیل تمام نام میبرد و میگوید که در غمخوارگی زیردستان و دلبستگی باحوال بیچارگان دقیقه ای فروگذار نکرده وخواب خوش بر خود حرام کرده بود و چون مردم لنجان از ظلم و جور حکام اصفهان بدو شکایت میبردند باموافقت پادشاه وقت (رأی صواب دان اوآن اولی دید که درحضرت عرضه داشته آنرا از نواحی اصفهان مفروز گرداند و اهالی آنرا از آن تغلب و گران باری برهاند) حکومت **لنجان** را شخصاً بعهده گرفته همت بر ضبط واتساق امور مصروف گردانید و در زمان اوعدل و داد جانشین ظلم و جور شد و پس از او دوفرزندش نیز ازطریقت پدر پای بیرون ننهادند . اسامی پسران او نیزچنین ذکر شده است: « ملك اعظم اعدل صاحب اکرم اکمل دستور الوزراءِ نظام وصلاح ایران علاءِ الدوله ملك علاءِ الـدین اعلی الله رتبته » و نام دیگری اینطور آمده است :

---

(۱) ازحواشی مرحوم اقبال برکتاب (ترجمه محاسن اصفهان) **صفحه ۱٦٦**

« صاحب اعلم افضل ملك معظم اعدل عضد الوزراء یمین الملة والدین ملك یمین ادام الله یمنه بمنه . » (۱)

اسامی خلفای راشدین در تزیینات کاشیکاری سردر مسجد اشترجان

درداخل مقرنسهای کاشیکاری سردر مسجد اشترجان بخط آجری برجسته برزمینه کاشی فیروزه‌ای دراشکال مربع مانندچهار کلمه (محمد) دریك شکل مربع وچهار کلمه (ابوبکر) در مربع دیگر و چهار کلمه (وعمر) وچهار کلمه (وعثمان) و چهار کلمه (وعلی) نوشته شده است و در داخل یك مربع دیگر جمله زیر خوانده میشود :

« رضوان الله علیهم اجمعین »

و در یك شکل چهار ضلعی در زیر مقرنسها و در جهت مقابل سردر بخط بنائی آجری برزمینه فیروزه ای اسامی چهارده معصوم ذکرشده است:

نام استادان کاشیکار سردر مسجد اشترجان

درقسمت فوقانی درچوبی فعلی مسجد اشترجان بخط ثلث فیروزه ای پوسته شده برزمینه آجری آیه ۹۶ وقسمتی از آیه ۹۷ سوره (آل عمران) بشرح زیر نوشته شده است : « ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکاً و هدی للعالمین فیه آیـات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً . »

و در دو لوحه کوچك در بالای کتیبه فوق الـذکر و در طرفین آن بخط ثلث پوسته شده برزمینه‌کاشی فیروزه ای کارهای انجام شده عمل : « استاد احمد و حاجی محمد قطاع تبریزی » معرفی شده است .

بر دو جانب شرقی و غربی در ورودی در دوطاقنما بخط بنائی آجری برجسته برزمینه‌کاشی‌فیروزه‌ای آیه۲۸ وقسمتی از آیه۲۹ سوره (فتح) بشرح زیر نوشته‌شده‌است:

« هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بـالله شهیداً محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم . »

و در چهار لوح کوچك عبارات زیر نوشته شده است :

---

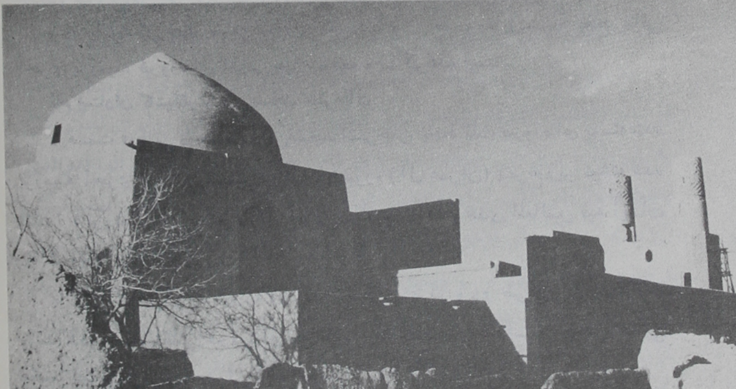
(۱) ذکر پنجم از کتاب ترجمه محاسن اصفهان چاپ تهران صفحه (۶۸ و ۶۹)

« سبحانه و تعالی » «عمایصفون» « فسبحان الله حین تمسون » « وحین تصبحون وله الحمد » .

کتیبه های گنبد و ایوان جنوبی مسجد اشترجان
مورخ بسال ۷۱۵ هجری

از کتیبه هلال ایوان جنوبی مسجد اشترجان که بخط ثلث با کاشی فیروزه ای برزمینه آجری گل و برگ نوشته شده بوده فقط سه کلمه زیر باقی مانده است :

« .... اتفق بعون الله .... » (۱)



دورنمای ساختمان گنبد ومناره های مسجد جامع اشترجان

---

(۱) بقیه کتیبه فعلا وجود ندارد و چنین بنظر میرسد در دوره هائی که هنوز بنا های باستانی تحت مراقبت دولت نیامده بوده است تزیینات کاشیکاری آنرا ربوده اند .

برجانب شرقی این ایوان در یك حاشیه گچ بری آیه های اول سوره (یس) و برجانب غربی آن (اسماء الله) گچ بری شده است .

کتیبه اصلی گنبد مسجد اشترجان بخط کوفی برجسته برزمینه گچ ساده شامل آیات اول سوره (فتح) تا وسط آیه ششم است و تاریخ این کتیبه در گوشه سمت راست بالای محراب بشرح زیر نوشته شده است :

« و ذلك فی اواخر صفر سنة خمس عشر و سبعمائه »

در زیر پنجره های اطراف گنبد بخط بنائی برزمینه شطرنجی کلمه (الله) بطور مکرر گچ بری شده است و برروی جرزهای داخل گنبد و برروی جرز های داخل ایوان بخط بنائی بر زمینه شطرنجی درمربع های بزرگ اسامی « محمد » «وعلی» «وحسن » « و حسین » بطور مکرر گچ بری شده است .

کتیبه های محراب مسجد اشترجان

در اطراف محراب مسجد اشترجان بخط کوفی قسمتی از آیة الکرسی و بخط ثلث آیه اول تا آخر آیه چهارم سوره (دهر) گچ بری شده و در قسمت فوقانی کتیبه ثلث بخط کوفی کبود رنگ عبارت ذیل نوشته شده است :

« سبحان الله والحمد لله ولااله الاالله والله اکبر »

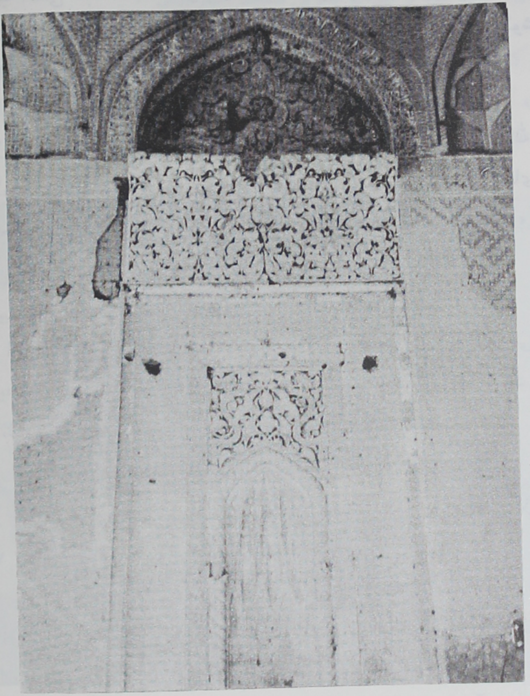
در یکی ازحاشیه های اطراف این محراب بخط ثلث برزمینه گچی گل وبرگ آیه ۱۸ تا آخر آیه ۲۲ سوره (توبه) گچ بری شده است .

در یکی دیگر از حاشیه های محراب مسجد اشترجان بخط کوفی سفید رنگ کتیبه ای نقاشی شده که اوایل آن محو گردیده و از اواخر هم فقط جمله « ... صدق الله العظیم و صدق رسوله الکریم فی سنة .... » قرائت میشود .

سطردوم این کتیبه نقاشی شامل (سورة الضحی) ازسوره های قرآن مجید است .

در داخل محراب در زیر مقرنسها و در سوسن های چهارگانه بخط بنائی گچ بری برجسته برزمینه گچی عبارات زیر خوانده میشود :

« بسم الله الـرحمن الـرحیم » « اللهم صل علی محمد المصطفی » « وصل علی علی المرتضی » « و اصحابه رضوان الله علیهم »



محراب گچ بری مسجد جامع اشترجان از قرن هشتم هجری

در زیر مقرنسها و برجانب غـربی محراب بخط کوفی برجسته بر زمینه گل

و برگ گچی آیه ۱۸ سوره (آل عمران) و برجانب شرقی آن سوره (فاتحه) گچ بری شده است .

ایوان شمالی

در ایوان شمالی مسجد اشترجان بخط ثلث برجسته برزمینه گچی گل و برگ آیه ذیل گچ بری شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . ان الله وملائکته یصلون علی النبی یاایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً »

برطاق ایوان شمالی بخط بنائی برزمینه شطرنجی جمله (الله اکبر) بطورمکرر گچ بری شده و بر جرز های داخل این ایوان در مربع های کوچك اسامی « الله . محمد . علی . ابوبکر . عمر » بطور پراکنده گچ بری شده است .

یك لوح تاریخی از دوره حکمرانی ابوالنصر حسن بهادرخان در مسجد اشترجان مورخ بسال ۸۸۱

در چهلستون غربی مسجد هیچگونه کتیبه ای موجود نیست ولی بر یکی از دیوار های چهلستون شرقی مسجد اشترجان لوحی از سنگ نصب شده که بفحوای کتیبه آن شخصی بنام کمال الدین اسماعیل فرزند ظهیرالدین ابراهیم اشترجانی در دوره سلطنت ابوالنصرحسن بهادرخان بخرج خود یمین ویسارمسجد جامع اشترجان را تعمیر نموده است .

کتیبه این لوح سنگی بخط ثلث برجسته و مورخ بسال ۸۸۱ هجری بشرح زیر است :

عبارات حاشیه لوح :

« بسم الله الرحمن الرحیم انما یعمرمساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة و آتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین صدق الله العظیم و صدق رسوله . »

کتیبه تاریخی متن لوح :

« درزمان خلافة حضرة پادشاه اسلام السلطان الاعظم مالك رقاب الامم ابوالنصر حسن بهادرخان خلدالله ملكه و سلطانه تعميريمين ويسارمسجد جامع اشترجان نمود از خاص مال خود الشيخ السالك المسمى به كمال الدين اسماعيل بن ظهير الدين



سنگ نوشته تاریخی از دوره ابوالنصر حسن بهادر خان در مسجد جامع اشترجان

ابراهیم اشترجانی ابتغاء لمرضاة الله تعالی امید که قبول حضرة عزة گردد واهل بینش بدعا یاد کنند فی تاریخ ربیع الثانی سنة احدی وثمانین وثمنمائه . »

سردر شرقی مسجد اشترجان مورخ بسال ۷۱۵ هجری

کتیبه سردر شرقی مسجد جامع اشترجان بخط ثلث برجسته گچی بر زمینه گچی گل و برگ مشتمل بر آیه ۱۸ سوره (جن) و مورخ بسال ۷۱۵ هجری است بشرح زیر:

« بسم الله الرحمن الرحیم . و ان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً فی سنة خمس عشرة و سبعمائه . » (۱)

---

(۱) تعمیرات اساسی مسجد جامع اشترجان ازتابستان سال ۱۳۳۳ خورشیدی بسرپرستی مؤلف این کتاب شروع شد. آقای معزالدین‌مهدوی رئیس‌فرهنگ استان اصفهان وآقای سید علی اکبر ابرقوئی رئیس اداره تحقیق اوقاف اصفهان درآنموقع ازلحاظ جلب توجه مردم محل بتعمیر مسجد و همچنین جلب نظر استانداری اصفهان و بخشداری فلاورجان از جهت اختصاص دادن اعتباری از محل صدی ده عمران وآبادی بخش مزبور بمنظورشروع تعمیرات ضروری مسجد اهتمام مخصوص ابراز داشتند و بالنتیجه تعمیرات مسجد اشترجان از این اعتبار و اعتبار اختصاصی اداره باستانشناسی اصفهان شروع شد و تا اوایل مهر ماه آنسال تعمیرات ضروری آن انجام گرفت . چهلستونهای خراب وویران مسجد تجدید ساختمان شد واستحکام پشت بامها تأمین گردید . آقای مصطفی رئیسی اشترجانی دهدار اشترجان باعلاقه واشتیاق فراوان همه‌گونه تسهیلات درراه انجام این امرخیر بعمل‌آورد ونتیجه‌ای‌که بدست آمد آن بودکه از مسجد مزبور با شروع زمستان سال ۱۳۳۳ بکلی رفع خطر شده بود . تصادفاً زمستان سال ۱۳۳۳ بطوریکه مردم اصفهان بخاطر دارند بوضع بی‌سابقه ای شروع شد واز اوایل آبان تانیمه آذر آنسال بارانهای هولناك وبیسابقه دراصفهان باریدن گرفت. بارانهای مزبورکه در شهر اصفهان بهمه منازل و ساختمانها و حتی ابنیه تاریخی خسارات فراوان وارد نمود منازل روستائی مردم دهکده اشترجان را نیزمورد تهدید قرارداد ومردم این‌دهکده که منازل آنها ویران شده بود بشبستان وچهلستونهای مسجد مزبورکه خوشبختانه در تابستان آنسال تعمیر و مجهز شده بود پناه بردند و نتیجه عاجلی‌که از تعمیرات انجام شده در آن سال بدست آمد در وهله اول عاید خود مردم گردید (مقدار بارندگی فقط در ماه آذر این سال به ۱۶۸ میلیمتر رسید. باید توجه داشت‌که مقدار بارندگی متوسط سالیانه اصفهان ۱۵۰ میلیمتر بیشتر نیست و مقایسه این دو رقم نشان میدهدکه بارندگی-

ابن بطوطه در سال ۷۲۷ مسجد اشترجان را دیده است

ابن بطوطه جهانگرد معروف قرن هشتم هجری ضمن مسافرتهای تاریخی خود بایران نیز آمده ودرسال ۷۲۷ هجری قمری دراصفهان بوده است . وی درمسافرت خود از **ایذه** باصفهان از **اشترگان** گذشته است و ازاین دهکده که در آنموقع شهری بوده‌است بدینگونه توصیف میکند:

« ... پس مسافرت ما در زمین پهناور و پر آبی آغاز شد که از مضافات شهر اصفهان بشمار میرود . در این طریق نخست بشهر **اشترگان** رسیدیم . **اشترگان** شهری است نیك و پر آب و دارای باغها . **مسجد زیبائی** نیز دارد که آبی از وسط آن میگذرد . » (۱)

سنگاب مسجد اشترجان

در یکی از زوایای داخل محوطه زیر گنبد مسجد اشترجان سنگابی از سنگ پارسی قرار دارد که بخط نستعلیق برجسته عبارات زیر در اطراف آن حجاری شده است :

« ناد علیاً مظهرالعجایب . تجده عوناً لك فی النوایب . کل هم و غم سینجای . بعظمتك یا الله . بنبوتك یا محمد . بولایتك یا علی . اللهم صل علی محمد وعلی و

ـ آنسال در تاریخ اصفهان عجیب وبیسابقه بود . عکس صفحه (۵۸) این کتاب که در روز هفدهم آذر ماه ۱۳۳۳ برداشته شده است طغیان زاینده رود را در پایان این بارندگی نشان میدهد .)

سپس تعمیر قسمتهای دیگر مسجد تدریجاً ادامه یافت و ضمن تعمیر کاشیکاریهای سردر اصلی در زیر تزیینات قرن هشتم هجری یك کتیبه بخط کوفی ساده و بسبك کتیبه های دوره سلجوقی با آجر تراش مشتمل بر آیه ۱۸ سوره (توبه) بدست آمد که اگرچه سال تاریخ آن ازبین رفته بود ولی این مطلب را مدلل داشت که مسجد جامع اشترجان اساس سلجوقی دارد و مسجد فعلی در حقیقت تجدید بنای آن مسجد با بسیاری اضافات والحاقات قرن هشتم هجری است .

(۱) سفرنامه ابن بطوطه چاپ تهران صفحه ۱۸۹ و ۱۹۰ (جوی آبی که ابن بطوطه از آن نام میبرد هم اکنون در خارج از مسجد وجلوی سردر بزرگ شمالی « سردر اصلی » جریان دارد : مؤلف .)

فاطمة والحسن والحسين وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی و محمد وعلی والحسن والحجة القائم (ص)

وقف شرعی مسجد جامع اشترجان نمود ابن غلامعلی علی داد ساکن من القریه سنه ۱۳۴۴»

منارجنبان

یکی از بنا های تاریخی جالب اصفهان منارجنبان است که در فاصله شش کیلو متری مغرب شهراصفهان درسرراه اصفهان به نجف آباد دردهکده‌ای بنام (کارلادان) واقع شده است . تنها تاریخی که در این بنا وجود دارد تاریخ سنگ آرامگاه (عموعبدالله) است که بنای بقعه پس از وفات او در سال ۷۱۶ هجری بر مزار وی صورت گرفته است .

عمو عبدالله بفحوای کتیبه آرامگاه او شیخ زاهد پرهیزکاری بوده است که در تاریخ هفدهم شهر ذیحجه سال ۷۱۶ هجری در گذشته است و بر روی قبر وی آرامگاهی بنا کرده اند که ایوان فعلی منارجنبان است .

سبك ساختمان این ایوان که تزیینات کاشیکاری نیز دارد سبك بنا های قرن هشتم هجری «سبك مغولی» (۱) است وکاشیهای لاجوردی رنگ بشکل ستاره چهارپر در فواصل اشکال دیگری که بشکل کثیرالاضلاع وبرنگ فیروزه ایست دولنگه طاق و اطراف ایوان را زینت میدهند . (۲)

---

(۱) مقصود ازاصطلاح (سبك مغولی) که درکتب باستانشناسان اروپائی وامریکائی نیز بکار رفته شیوه معماری ایران در قرن هفتم و هشتم هجری و سبکی است که اساتید معمار و گچ بر وکاشیکار ایرانی در دوره استیلای ایلخانان مغول بر ایران و حکومت ایلخانان مسلمان در ساختن و پرداختن مساجد و مدارس و مقابر و مناره ها و انواع ساختمانهای دیگر وپیرایش آنها بکار برده اند .

(۲) ارتفاع ایوان منارجنبان از زمین بقعه ده متر و ارتفاع هریك از دو مناره آن هفده متر است . فاصله دو مناره در سطح پشت بام حدود نه متر و محیط هر مناره چهار متر ونیم است .

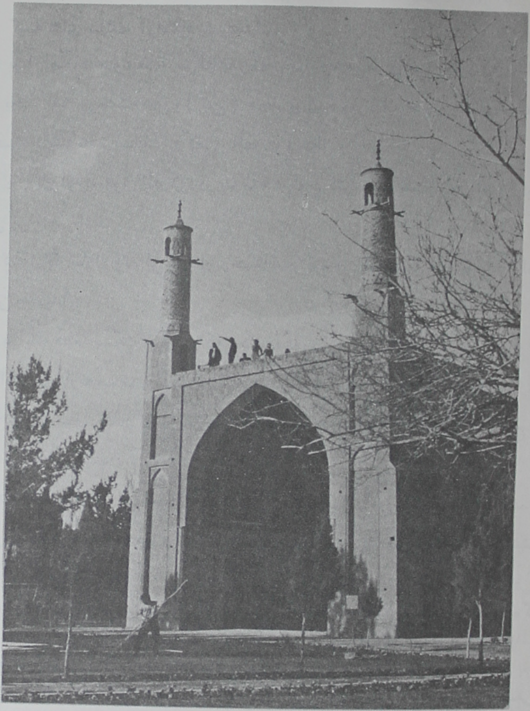
نکته جالب توجه حرکت منارهامیباشد که باحرکت دادن یکی دردیگری نیز حرکت محسوس ومشهود میشود. حرکت منارهها در نظر استادان فن خیلی عجیب نیست وچنین نظرداده اند که این کیفیت درتمام مناره ها موجود است با این وجه اختصاص که دراین بنا چون مناره ها سبکتر و باریکترهستند حرکت آنها محسوس تراست ضمناً کلافهای چوبی که در قسمتهای بالا و پائین هریك از دو مناره درساختمان آن بکار رفته نیزعامل مؤثری درتسهیل حرکت مناره ها بشمارمیرود. راجع بحرکت مناره ها صحبت های زیاد شده ولی شاید بحقیقت نزدیکتر باشد اگر بگوئیم که این بنا را بقصد آنکه مناره آن حرکت کند از روز اول نساخته اند بلکه پس از ساختمان مناره ها در طرفین ایوان که بنظر اساتید فن مدتی بعد از ساختمان خود ایوان اتفاق افتاده حرکت مناره ها هم مشهود شده است. چیزیکه بیشتر موجب شگفتی است آنستکه نه تنها در موقع حرکت دادن یکی از مناره ها درمناره دیگر هم حرکت پدیدار میشود بلکه حرکت بتمام نقاط این ساختمان منتقل میگردد بطوریکه هرگاه ظرف آبی را بر روی تخته سنگ عظیم و یکپارچه آرامگاه عمو عبدالله که در داخل یکی از طاقنما های ایوان واقع شده قرار دهیم پس از حرکت دادن مناره ها در سطح آب ظرف نیز حرکت محسوس میشود. (۱)

---

(۱) بطوریکه از نوشته های جهانگردان برمیآید ساختمانهای متحرك مشابه منارجنبان اصفهان در نقاط دیگر هم دیده شده است از آنجمله ابن بطوطه سیاح معروف مغربی که در سال ۷۲۵ هجری قمری بعزم سیاحت از موطن خود طنجه خارج شده در ذکر مساجد و عمارات شهر بصره چنین میگوید:

« در نزدیکی شهر عمارت مرتفعی دیدم گفتند مسجد جامعی است منسوب بعلی بن ابی طالب علیهالسلام که هرهفته یك روز اهالی شهر درآنجا نماز جمعه میخوانند. روزی بنماز جمعه در مسجد حاضر شدم صحن بزرگی داشت که با سنگ ریزه های سرخ مفروش بود و قرآن خلیفه سوم عثمان بن عفان درآنجا قرارداشت. درگوشه های این مسجد صومعه های چندی است که یکی را **صومعه متحرك** یعنی جنبان میخوانند.

باچند نفر برپشت بام همان محل رفتم. درگوشه های بام رکنهائی(منارههای کوچکی)-



بنای مشهور منارجنبان اصفهان از قرن هشتم هجری

- بود که در آنها چوب ضخیمی میخکوب کرده بودند که گوشه‌ای بـرای دست گـرفتن (مقبض) داشت . یك تن از اهـل بصره دستگیره همـان چوب راگرفت و گفت بسر مبارك حضرت علی بجنب وآنرا سخت تکان داد و سطح بام بحرکت درآمد . بعد ازآن من همان چوب راگرفتم و بشکلی دیگر آنرا قسم دادم و تکان دادم باز بام بجنبش آمد . همراهـان بصری من چون عقیده داشتند که بدون ذکرنام علی بن‌ابی‌طالب(ع) حرکت‌آن غیرممکن‌است از این کار سخت بتعجب فروشدند . چون مردم بصره اغلب سنی مذهبند من چنین جـرأتی کردم و الا اگر چنین حرکتی مثلا در شهر های حله و بحرین و قم و کاشان و ساوه وآوه ازکسی سرمیزد متعصبین شیعه او را میکشتنند .»

کتیبه های سنگ آرامگاه عموعبدالله

بر آرامگاه عموعبدالله سنگ بزرگ یکپارچه مرمری قرار دارد که در اطراف آن بخط ثلث برجسته سوره (یس) حجاری شده و برضلع جنوبی سنگ بخط ثلث برجسته نوشته شده است : « کفی بالموت واعظاً »

در ذیل لوحه فوق الذکر در سه لوحه کوچکتر بخط ثلث برجسته عبارات زیر نقش بر حجر است :

« قال‌الله تبارك وتعالی » « ان رحمة‌الله قریب من‌المحسنین » « یا عامراً لخراب الدین مجتهداً »

بر یك قطعه سنگ مرمری که بحالت عمودی در بالای سنگ بزرگ آرامگاه ودرداخل دیوار نصب شده است بخط ثلث برجسته صفات عموعبدالله مدفون درایوان منارجنبان و سال وفات او در تاریخ هفدهم ذیحجه سال ۷۱۶ هجری بشرح زیر نقش بر حجر است :

« هذا قبر الشیخ الزاهد البارع المتورع السعید المتقی عمو عبدالله بن محمد بن محمود سقلا رحمة الله علیه و نور فی **السابع عشرة من شهر ذی حجة سنة ست عشرة و سبعمائه** . »

ابوالقاسم محمدبن محمدبن‌جزی‌کلبی ازمعاصرین ابن‌بطوطه که سفرنامه‌اورا گردآورده گوید:
« درشهر برشانه (ازقرای شهر بزرگ اشبیلیه « سویل حالیه » درکنار الوادی الکبیر) از بلاد آندلس یکی از صومعه های مسجد بزرگ آنرا دیدم که در موقع تکان دادن بجنبش میآید بی‌آنکه حرفی گفته یادعائی خوانده شود. من خود بربام‌آن صومعه رفتم وجمعی نیز با من بودند . چوبهائی راکه در موقع تکان دادن میگیرند دردست گرفتم وتکان دادم چنان بحرکت درآمد که من بایشان اشاره کردم که ازجنباندن دست بازدارند. » (باandك تصرفی ازرحلة ابن بطوطه چاپ مصرج۱ صفحه ۱۲۷-۱۲۸) ازاین جمله معلوم میشود که منارجنبان از مختصات اصفهان و قبر عمو عبدالله مدفون در قریه کارلادان نبوده است (**نقل از صفحه ۵۳** شماره پنجم سال اول مجله یادگار بقلم آقای محمد نخجوانی)

مسجد جامع کاج

کاج و شهوردز در ۲٤ کیلومتری مشرق اصفهان و در شمال بستر زاینده رود واقع شده وجزء بلوك (براآن شمالی) میباشند . گنبد مسجد جامع کاج که دراین محل ساختمان شده است مانند بیشتر بنا های برج مانند این دوره بشکل (خود) ساخته شده و در اطراف آن ملحقات دیگری وجود داشته است که بمرور زمان ودر اثر عدم مراقبت از بین رفته وضمیمه زمینهای زراعتی اطراف آن شده . گنبد مزبور در وسط صحن متناسبی قرارداشته وبوسیله مدخل های بزرگ و کوچك ازسه جانب شمال و شرق وغرب باز بوده وفقط سمت جنوبی آن بسته بوده است و محراب مسجد در این جانب قرار دارد . آجر مهمترین ماده ساختمانی در بنای مزبور و بنا های دیگر مشابه آنست و تزیینات داخل آن هم آجری است .

کتیبه اطراف گنبد در قسمت داخل آن که معرق کاشی وبخط ثلث است (خط سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ) شامل آیاتی از سوره (یس) است . کتیبه مزبور تاریخ ندارد ولی بنظر میرسد که از الحاقات مسجد در قرن یازدهم هجری ودوره صفویه یا بازهم مؤخر از این دوره باشد .

اسامی خلفای راشدین ابوبکر و عمر و عثمان و علی (ع) در طرفین محراب مسجد در دو شکل مربع مستطیل بخط بنائی (دو رگ سفید آجری بر زمینه یك رگ آجر قرمز) نوشته شده است وچون بشکل یك نوع تزیین درآمده وخواندن این کلمات حتی برای هر باسوادی امکان نداشته است محفوظ مانده درصورتیکه در بنا های دیگرهمزمان بامسجد مزبور معمولا اسامی سه خلیفه اول را از اوایل قرن دهم هجری ببعد که مذهب تشیع مذهب رسمی ایران قرار گرفته است محو نموده و از بین برده اند .

در پوشش داخلی گنبد چهارشکل مربع بخط بنائی با آجر قرمز برزمینه سفید



مسجد جامع کاج بنای قرن هشتم هجری

آجری که دو بدو قرینه اند وجود دارد که در دو مربع متقابل نام (محمد) و در دو مربع دیگر نام (علی) نوشته شده است . درقسمت پائین گنبد وروی جرز ها بخط بنائی با گچ در فاصله آجرها اسامی : الله . محمد . علی . حسن . حسین خوانده میشود وکلمات دیگری هم نقش شده بوده است که فعلا وجود ندارد .

پروفسور پوپ تاریخ ساختمان این مسجد را (اواخر قرن هشتم هجری) میداند . (۱)

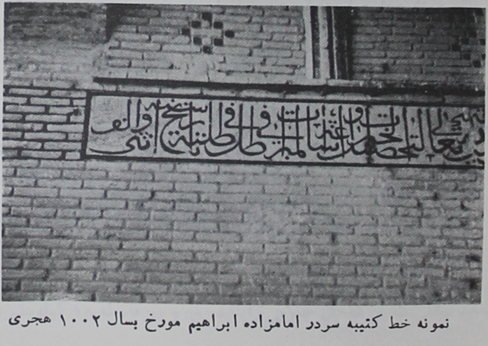
(۱) برای کسب اطلاعات بیشتر راجع بمسجد کاج مخصوصاً از نظر معماری و تزیینات آن مراجعه شود بصفحه ۹۳۱ و ۹۳۲ جلد دوم (بررسی هنرهای ایران) تألیف پروفسور پوپ بزبان انگلیسی .

امامزاده ابراهیم بنای عهد صفویه درمجاورت مسجدکاج مورخ بسال ۱۰۰۲ هجری قمری

در مجاورت مسجدکاج امامزاده ای بنام امامزاده ابراهیم وجود دارد. امامزاده مزبور دارای صحن وسیع و اطاقهائی در اطراف است که برای سکونت زائرین که از دهات مجاور برای زیارت باین مکان میآیند بکار میرود. مقبره در ضلع جنوبی صحن واقع شده که بوسیله ایوانی بصحن مرتبط میگردد.

کتیبه ایوان جلوی مقبره بخط ثلث لاجوردی باکاشی معرق بر زمینه آجری که اتمام بنای آرامگاه را بدوره شاه عباس اول میرساند بشرح زیر است:

« قد تشرف باتمام هذه العمارة فی زمن دولة الملك العادل الکامل مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم ناصرالدین ظل الله فی الارضین ۰۰۰۰ باسط العدل والامان ورافع رایة الاحسان السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان **ابوالمظفر شاه عباس بهادرخان** خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی العالمین بره وعدله واحسانه اقل عبیده وخدمة سلطانه **حسین بیك** ۰۰۰۰وفقه الله تعالی الی حین لتحصیل الخیرات واشاعة المبرات فی ظل ظلته **فی تاریخ سنة اثنی و الف**. »



نمونه خط کتیبه سردر امامزاده ابراهیم مورخ بسال ۱۰۰۲ هجری

و در انتهای این کتیبه بخط آجری برجسته نام معمار و کاتب کتیبه بشرح زیر آمده است :

« عمل محمد بن شمس الدین بناءِ اصفهانی کتبه میرعلی معمار »

در قسمت فوقانی این کتیبه ومدخل مقبره درسه شکل چهارضاعی بخط بنائی اسامی: الله. محمد. علی خوانده میشود.

کتیبه داخل مقبره امامزاده ابراهیم

در داخل مقبره بخط ثلث سفید برزمینه قرمز رنگ آیه ۱۳۰ ازسوره (بقره) و آیه ۹۵ و ۹۶ وقسمتی از آیه ۹۷ سوره (آل عمران) که مشتمل برنام (ابراهیم) است بشرح زیر گچ بری شده :

« قال الله سبحانه و تعالی مقام ابراهیم ومن دخله کان آمناً. ومن یرغب عن ملة ابراهیم الا من سفه نفسه و لقد اصطفیناه فی الدنیا و انه فی الاخرة لمن الصالحین. قل صدق الله فاتبعوا ملة ابراهیم حنیفاً وماکان من المشرکین. ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکاً وهدی للعالمین. فیه آیات بینات مقام ابراهیم ومن دخله کان آمناً. »

جمله آخر کتیبه (ومن دخله کان آمنا) درقسمتهای آخراین کتیبه چند مرتبه تکرار شده است.

نام کاتب کتیبه فوق الذکر بخط ریز درانتهای کتیبه بشرح زیر آمده است :

(کاتب العبد المذنب الراجی الی لطف الله الباری **ابن حبیب الله معین الـدین - الدولانی عفی عنه.** »

مسجد جامع دشتی

در ساحل جنوبی زاینده رود از مشرق بمغرب در بلوك براآن جنوبی آثار دو بنای تاریخی جالب اصفهان از عهد سلاجقه (مسجد و مناره **گار** ومناره **زیار**) ودو بنای تاریخی از قـرن هشتم هجری : **مسجد جامع دشتی** و **مسجد ازیران** بر جـای مانده است .

شرح بناهای تاریخی (گار) و (زیار) درفصل چهارم این کتاب گذشت واینك بشرح دو بنای باستانی دیگر واقع در این بلوك بنام **دشتی** و **ازیران** میپردازیم :



مسجد جامع **دشتی** بنای قـرن هشتم هجری

مسجد دشتی که در ساحل جنوبی زاینده رود و در فاصله ۱۸ کیلومتری مشرق

اصفهان واقع شده از هرجهت شبیه بمسجد کاج که درشمال بسترزاینده رود بنا شده است میباشد و قرینه آنست . در اطراف این مسجد تاریخی قرن هشتم بعداً نیز ساختمانهای دیگری اضافه شده بوده است که فعلا اثری از آنها برجای نیست و مناره هائی هم داشته که طی نیم قرن اخیر بمنظور استفاده از مصالح بنائی عمداً آنها را خراب کرده اند . در این مسجد در حال حاضر هیچگونه کتیبه و خطی دیده نمیشود .

مسجد ازیران

در سی کیلومتری مشرق اصفهان و در جنوب بستر زاینده رود دهکده ازیران واقع شده که مردم محل آنرا (ازیرون) تلفظ میکنند . دراین دهکده که درمشرق دشتی واقع شده و فعلا حدود ۱۲۰ نفر جمعیت دارد بسبك بنا های مغولی در قرن هشتم هجری مسجد جالب توجهی وجود دارد که درحال انهدام و ویرانی است .

کتیبه خارجی گنبد مسجد ازیران بخط بنائی آجری برجسته وسفید برزمینه آجری قرمز رنگ تکرار جمله (الله اکبر) است .

کتیبه داخل گنبد بخط بنائی آجری برجسته وسفید برزمینه آجری قرمزرنگ شامل آیه اول و دوم وسوم سوره (فتح) است .

کتیبه محراب مسجد ازیران بخط ثلث گچ بری برجسته برزمینه گل وبرگ شامل آیه ۲۸۵ سوره (بقره) است بشرح زیر :

« آمن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل آمن بالله و ملئکته و کتبه ورسله لانفرق بین احد من رسله وقالوا سمعنا و اطعنا غفرانك ربنا والیك المصیر . »

درقسمت فوقانی منفذ های چهارگانه اطراف داخل گنبد درداخل اشکال چهار ضلعی بخط بنائی برزمینه شطرنجی جملات : سبحان الله ـ والحمدلله ـ ولا اله الاالله والله اکبر نقش شده است .



مسجد جامع **ازیران** ازقرن هشتم هجری

درمناره دارالضیافه

در محله (جوباره) ناحیه یهودی نشین اصفهان و در مسیر یکی از کوچه های آن آثار سردر مجللی که بر فراز آن دو مناره **دارالضیافه** (۱) واقع شده مشاهده

(۱) دومناره دارالضیافه را مردم محل (دارالضیاء) نیز مینامند .

میشود. وجه تسمیه این محل بدارالضیافه بعلت خرابیهای زیادی که بآن وارد آمده است و فقدان کتیبه ای که منظور ساختمان این بنا را بیان نماید در حال حاضر برما معلوم نیست ولی بطوریکه ازنام آن استنباط میشود این اثر تاریخی سردر یك مهمانسرای مجلل بوده است .



دو مناره **دارالضیافه** در محله جوباره اصفهان از قرن هشتم هجری

از کتیبه زیر مقرنسهای فوقانی مناره که بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی موجود است فقط دو کلمه (ومن دخله) باقی مانده وبقیه کلمات این کتیبه ریخته است . (۱)

در داخل مقرنسهای مناره ها هر (سوسن) یا (طاس) شامل یك کلمه است و کلمات موجود بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

« محمد » « و علی » «وفاطمه» « والحسن » « والحسین »

پوشش تزییناتی مناره های مزبور بخط بنائی فیروزه ای برزمینه شطرنجی آجری در هفت ردیف بشرح زیر است :

ردیف اول کلمه « الله » ردیف دوم تکرار کلمه « اکبر » ردیف سوم تکرار کلمه « الله » ردیف چهارم تکرار کلمه « محمد » ردیف پنجم تکرار کلمه « وعلی » ردیف ششم تکرار کلمه « وحسن » « ردیف هفتم تکرار کلمه « وحسین . » (۲)

مناره باغ قوشخانه

در منتهی الیه شمالی محله جوباره و در یك محله خارج شهر سابق که امروز جزء شهر شده درحاشیه اراضی زراعتی مناره باغ قوشخانه که آنرا مناره (طوقچی) بمناسبت آنکه درمحله (طوقچی) واقع است ونیزمناره (علی بن سهل) بمناسبت

---

(۱) درتابستان ۱۳٤۰ شمسی که نگارنده کتیبه این مناره را قرائت میکرد فقط دوکلمه (ومن دخله) باقی مانده بود و شاید اگر بتعمیر آن اقدام نشود این دوکلمه هم ریزش کند و اصلا کلمه ای ازکتیبه باقی نماند بهرحال با توجه بدوکلمه باقیمانده بنظرمیرسد که کتیبه مزبور صرفنظر از سال تاریخ آن بشرح زیر بوده است :

« ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکاً و هدی للعالمین فیه آیات بینات مقام ابراهیم ومن دخله کان آمناً . »

(۲) پروفسور پوپ تاریخ بنای این مناره را اواخر قرن هشتم هجری میداند و آقای (سمیث) تاریخ آنرا در ربع اول قرن هشتم هجری قرار داده است . (آثار ایران » جلد اول - جزوه دوم » ترجمه فارسی) صفحه ۱۸۱

اینکه نزدیك آرامگاه علی بن سهل واقع شده نیز میخوانند بارتفاع حدود ۳۸ متر واقع است . از کتیبه سه رگی بالای مناره (دو خط لاجوردی در بالا و پائین ویك خط سفید دروسط) بخط ثلث سفید معرق برزمینه گل و برگ آجری فقط دو کلمه (الی) و (والله) باقی مانده است .

پوشش تزییناتی این مناره بخط بنائی فیروزه ای برزمینه آجری وبطور مارپیچ تکرار جمله (الله اکبر) است . بردیوارمتصل بپایه مناره که نمای خارجی دیوار مجاور سردر مسجدی بوده است که مناره مزبور در یکی ازگوشه هـای آن واقع میشده بخط بنائی لاجوردی و فیروزه ای درهم بر زمینه آجری جمله (الله اکبر) بطور مکررنقش شده است . وجه تسمیه این مناره بباغ قوشخانه ازآن جهت است که در دوره سلطنت شاه عباس کبیر درمجاورت این مناره باغ وسیعی که دارای قصر زیبائی بوده احـداث شده است و در این باغ باز هـا و قوشهای شکاری نگاهداری میشده و چون اولین منزل نزدیك بشهر بوده مراسم استقبال رسمی از مهمانان پادشاه در این محل بعمل میآمده است .

مؤلف کتاب مرآت البلدان ناصری از باغ قوشخانه و مسجدی که مقابل سردر آن واقع بوده بنام مسجد عمر بشرح زیر یادکرده است :

« در بیرون دروازه طوقچی اصفهان خیابانی است معروف بچهارباغ که نـادراً درخت دراین خیابان دیده میشود دروسط خیابان حوضی است ودر یکطرف خیابان محاذی این حوض سردر باغ معروف بباغ قوشخانه است که از چندگـاه قبل الی الان حکام دارالسلطنه اصفهان هروقت ازجانب سنی‌الجوانب اقدس‌همایون شاهنشاهی بخلعتی نائل و سرافراز میشوند آن خلعت را با تشریفات معموله در باغ قوشخانه زیب پیکر اعتبار خود میسازند . در وسط باغ قوشخانه عمارتی عالی سـاخته شده است . محـاذی حوض مزبور مقـابل سردر باغ قوشخانه مسجد قـدیمی است که عمده بناء وعمارت آن باقی واز ابنیه عالیه و مساجد معتبره بوده ومعروف بمسجد

عمر است و از قرائن معلوم میشود که مقصود از عمر عمر عبدالعزیز خلیفه اموی است و در وقت بیرون آمدن از دروازه طوقچی در ابتدای این خیابان که معروف بچهارباغ است در دو طرف چپ و راست نزدیك دروازه دو شیر سنگی (۱) نصب است . » (۲)

مسجد سلطان ابوسعید بهادرخان

متصل بمناره باغ قوشخانه تا اواخر قرن سیزدهم هجری یکی ازمساجد تاریخی اصفهان از قرن هشتم وجود داشته است . مسجد مزبور بطوریکه از سفرنامه ها و تصاویر سیاحان خارجی که در قرن سیزدهم هجری اصفهان را دیده اند و از این مسجد نیزتوصیف نموده اند استنباط میشود ازیك سردرکاشیکاری ویك گنبدکاشیکاری با دو مناره کوچك در طرفین ایوان آن و یك صحن متناسب تشکیل میشده و مناره فعلی باغ قوشخانه جنب سردر آن قرار داشته است . مؤلف کتاب (نصف جهان فی تعریف الاصفهان) از این مسجد بنام مسجد سلطان ابوسعید بهادرخان نام میبرد و چنین مینویسد :

« ... و بعضی امکنه آباد قدیم نیز خارج از حد مذکور حال بوده چنانچه طرف شمال مشرقی مسجد سلطان ابوسعید بهادرخان که تا این اوقات باقی بوده و در این عصر خراب نمودند و اکنون مناره ای از آن باقی است حکایت آنرا مینماید . » (۳)

---

(۱) دو شیر سنگی طرفین دروازه طوقچی همان دو شیری است که در طرفین پل خواجو در جبهه شرقی پل که آب از دهانه های پل خارج میشود نصب شده است و بطوریکه یکی از مطلعین محلی بنگارنده اظهارمیداشت انتقال دو شیر مزبور ازدروازه طوقچی به پل خواجو در دوره حکومت حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی و در ایام سلطنت فتحعلی شاه صورت گرفته است .

(۲) جلد چهارم کتاب مرآت البلدان ناصری صفحه ۳۱ و ۳۲ (چاپ سنگی)

(۳) نصف جهان فی تعریف الاصفهان تألیف محمد مهدی بن محمد رضا الاصفهانی چاپ تهران صفحه ۲۶

در نوشته های سیاحان یك قرن اخیر نام این مسجد بنام (مسجد بابا سوخته) ذکر شده است . (۱) از آنجمله اوژن فلاندن (۲) سیاح ونقاش فرانسوی که در سال (۱۸٤۱ - ۱۸٤۰ میلادی) ۱۲۵۵ هجری در اصفهان بوده است و این مسجد را نقاشی و توصیف کرده چنین مینویسد :

« دروسط این خیابان مسجد کوچکی است که بنظرمن یك نوع جواهر حقیقی ایران آمد . برای چه باید هیئت و وضع ساختمانش را تمجید کرد ؟ درصورتیکه درکنارش بقایائی از قسمتهای سرنگون شده ومخروبه دیده میشود . این مسجد را باباسوخته مینامند و وجه تسمیه‌اش معلوم نشد . نه تنها گنبد ومناره هایش درکاشی مستغرق است بلکه کلیه وجوه واطراف مسجد هم از بالا تا پائین بهمین وضع میباشد. امروز این کاشیها بسیار نفیس و اهمیتی بسزا دارند . همچنین حاشیه ای دارد که خطوطش سفید و بر روی زمینه سبز نوشته شده است . مناره اش فوق العاده شیوا و پسندیده میآید و از توده مارپیچ های سبز وسفید تشکیل میشود که در فواصلشان کاشی های آبی بکار رفته است . » (۳)

مناره مزبور بترتیبی که فلاندن توصیف کرده است امروز نیز دارای پوشش کاشیکاری میباشد ولی گنبد و دو مناره کوچکتر مسجد که در کتاب نامبرده نقاشی

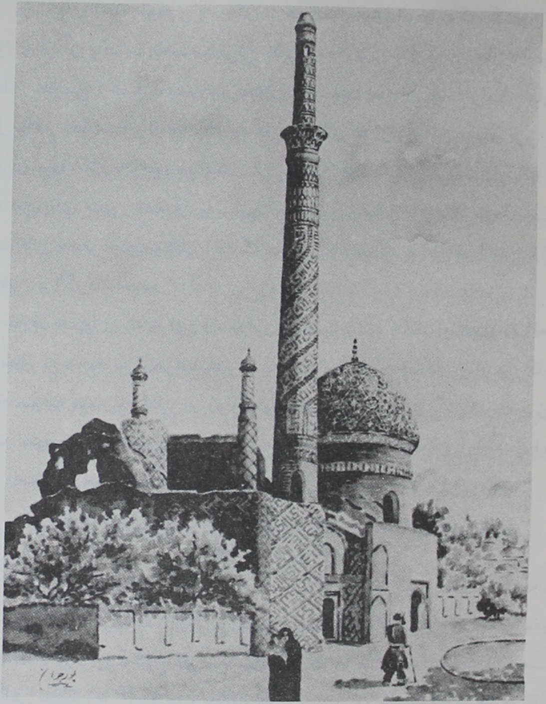
---

(۱) وجه تسمیه این مسجد به(باباسوخته)معلوم نیست بعضی نام اصلی آنرا (قباصورت)میدانند: (مسجد **قبا** از مشاهد متبرکه مدینه است که در فاصله دو میلی جنوب مدینه قرار دارد . مسجد معروفی که بنص قرآن براساس تقوی بنیان گذاری شده درقبا واقع است . این مسجد بشکل چهارگوش بنا شده و مناره سپید بلندی داردکه از دور پدیدار است . دروسط مسجد محلی هست که خوابگاه اشتر پیغمبر بوده ومردم تبرکاً درآنجا نماز میخوانند . درجهت جنوبی صحن مسجد محرابی هست که بر روی مصطبه ای ساخته شده و نخستین جائی است از این مسجد که پیغمبر در آن رکوع کرده است) « سفرنامه ابن بطوطه چاپ تهران صفحه ۱۱٤ »

۲- Eugéne Flandin

(۳) سفرنامه اوژن فلاندن ترجمه حسین نور صادقی صفحه ۱۱۲

آن موجود است و همچنین از صحن مسجد اثری نیست . (۱)



مناره باغ قوشخانه و مسجد سلطان ابو سعید بهادر خان (نقاشی دیولافوا)

(۱) جمعی ازمطلعین اصفهان بنگارنده اظهارداشتند که حدود سال ۱۲۹۸هجری قمری مسجد مزبور را خراب نموده و ازمصالح آن **مسجد نو** را در بازار اصفهان بناکرده اند

آرامگاه علی بن سهل

در انتهای محله طوقچی و در آن طرف حصار قدیم اصفهان که اکنون قطعه دیواری از آن باقیست بفاصله کمی در پشت خندق شهر جائیکه در زمان سلجوقیان محله (فلفلچی) نامیده میشده وازمحلات پرجمعیت اصفهان بوده آرامگاه علی بن سهل واقع شده است . از قبه وضریح علی بن سهل که ازبزرگان عرفای قرن هشتم هجری بوده است با وجود موقوفات فراوان آن فعلا اثری باقی نیست وسالها است که این بنای مشهور اصفهان بویرانی گرائیده و آنچه از آن فعلا برجای مانده است اطاق محقر خشت و گلی است که جدید البناء میباشد و اطراف آنرا اراضی زراعتی فرا گرفته است .

عارف مشهوری که در این قبه مدفون است بنا بضبط حافظ ابونعیم (ابوالحسن بن سهل بن محمد بن ازهراصفهانی است (۱) که از مردم اصفهان و از بزرگان و اعلام صوفیه بشمار میرفته و در زمان خود و همچنین پس از مرگش شهرت بسزائی داشته است چنانکه تا این زمان نیز مردم اصفهان و سلسله صوفیه آرامگاه او را بنظر احترام و تجلیل مینگرند و با توسل باو حاجات خویش را می طلبند .

ابن بطوطه سیاح معروف قرن هشتم درزاویه منسوب بشیخ علی بن‌سهل در اصفهان پذیرائی شده است

ابن بطوطه از اهالی طنجه و سیاح معروف قرن هشتم که در سال ۷۲۷ هجری بایران مسافرت کرده است ازطریق **شوشتر وایذه واشترگان وفیروزان** بشهراصفهان وارد شده و در زاویه شیخ علی بن سهل منزل کرده است . ابن بطوطه از اوضاع اجتماعی اصفهان در آن قرن و خانقاه علی بن سهل در سفرنامه خود مطالبی ذکر نموده است که بشرح آن میپردازیم : (۲)

---

(۱) سال چهارم مجله یادگار شماره هشتم صفحه ۱۹

(۲) ترجمه فارسی سفرنامه ابن بطوطه چاپ تهران صفحه ۱۹۰ و۱۹۱ و ۱۹۲

« اصفهان که ازشهرهای عراق عجم است شهری بزرگ وزیبا است ولی اکنون قسمت زیادی از آن در نتیجه اختلافاتی که بین سنیان و شیعیان آن شهر بوقوع می پیوندد بویرانی افتاده . این اختلافات هنوز هم ادامه دارد ومردم آن شهر دائم در منازعه و کشتار بسر میبرند . میوه در اصفهان فراوان است از جمله زردآلوی بی نظیری که قمرالدین نامیده میشود وآنرا خشگانیده ذخیره میکنند . هسته این زردآلو شیرین است دیگر از میوه های اصفهان به آن شهر است که نظیرش در هیچ جا پیدا نمیشود . به اصفهان بسیار خوش طعم و بزرگ است . دیگر از میوه های این شهر انگور عالی وخربزه عجیبی است که غیر از بخارا وخوارزم در هیچ جای دنیا مثل و مانند ندارد . پوست این خربزه سبز رنگ است و داخل آن قرمز و آنرا میشود نگاهداشت مانند شریحه که دربلاد مغرب نگه میدارند . اهالی اصفهان مردمی زیبا روی اند . رنگ آنان سفید و روشن و متمایل بسرخی است . شجاعت ونترسی ازصفات بارزایشان میباشد . اصفهانیها مردمانی گشاده دست اند. همچشمی و تفاخری که میان آنان در مورد اطعام و میهمان نوازی وجود دارد منشاء حکایات غریبی شده است مثلا اتفاق میافتد که یك اصفهانی رفیق خود را دعوت میکند و میگوید بیا برویم نان و ماست با هم بخوریم ولی وقتی اورا بخانه میبرد انواع غذا های گوناگون پیش او میآورد و اصفهانیها باین رویه خود مباهات زیاد میکنند .

هر دسته از پیشه وران اصفهان رئیس و پیش کسوتی برای خود انتخاب میکنند که اورا (کلو) مینامند دسته های دیگر هم که اهل صنعت وحرفه هستند بهمین نحو رؤسائی برای خود برمیگزینند . جوانان مجرد این شهر جمعیت هائی دارند و بین هریك ازگروه های آنان باگروه دیگر رقابت و همچشمی برقراراست . مهمانیها میدهند و هرچه میتوانند در این مجالس خرج میکنند و محفلی عظیم با انواع غذا های مختلف فراهم میآورند . حکایت میکردند که یکی از این دسته ها دسته دیگر

را بمهمانی خوانده وغذای آنان را با شعله شمع پخته بود دسته دیگر که خواسته بود تلافی بکند در دعوتی که متقابلا بعمل آورده بود برای تهیه غذا بجای هیزم حریر مصرف کرده بود .

ابن بطوطه آرامگاه علی بن سهل را زیارت کرده است

دراین شهردر زاویه منسوب بشیخ علی بن سهل که شاگرد جنید بوده است منزل کردم . این زاویه مورد احترام وزیارتگاه مردم اصفهان است و در آن بمسافرین غذا داده میشود و گرمابه ای عالی مفروش برخام دارد که دیوارهایش از کاشی است این حمام وقف است و از مراجعه کنندگان پولی مطالبه نمیشود . شیخ این زاویه عابد پرهیزکار قطب الدین حسین پسر شیخ ولی الله شمس الدین محمد بن محمود بن علی معروف ، برجاء بود وبرادر اوشهاب الدین احمد نیز مردی دانشمند ومنصف بود . چهارده روز در زاویه پیش این شیخ قطب الدین بودم و از مراتب خدا پرستی و درویش نوازی او و تواضعی که در برابر فقرا داشت چیز ها دیدم که مایه اعجابم بود . شیخ در پذیرائی و اکرام من مبالغت فرمود و جامه ای نیك بمن بخشید و همان ساعت که بزاویه رسیدم غذائی باسه عدد خربوزه اصفهان که تا آن روز نخورده بودم برایم فرستاد . روزی شیخ قطب الدین درزاویه ای که منزل کرده بودم بدیدن من آمد . منزل من مشرف بباغی بود که تعلق بشیخ داشت . آنروز لباسهای شیخ را شسته و درباغ پهن کرده بودند تا بخشکد . ازجمله لباسها جبه سفید گشادی بود که در آن نواحی « هرزمیخی » (۱) نامیده میشود و من چون آنرا دیدم با خود

(۱) هرزمیخ یا هزارمیخ و هزارمیخی نوعی ازجامه درویشان بوده است که بخیه بسیار بر آن میزده اند و پولك دوزی هم میشده است و در ادبیات و شعر فارسی بکنایه ازآسمان پر ستاره نیز بکار برده شده است مانند این شعر جمال الدین سلمان که میگوید :

دو تویی فقرا جامه ایست کزعظمت — **هزار میخی** افلاکش آستریابی

یا در این شعر خاقانی که میگوید :

بر کش میخ غم زدل پیش که صبح بر کشد — این خشن **هزارمیخ** ازسر چرخ چنبری

(رجوع شود به « برهان قاطع » ذیل لغت هزار میخ .)

اندیشیدم که مستحق چنین جبه ای هستم . شیخ که بمنزل من آمد در باغ نگریست و یکی ازخدامش را گفت برو و آن جامه هرزمیخی را پیش من آر. جامه را آوردند وشیخ آنرا برمن پوشانید من بپایش افتادم وبوسه ها زدم وتقاضا کردم که طاقیه (۱) سر خود را با اجازه ای که پدر او شمس الدین ازشیوخ خود داشته و او از پدرتلقی کرده بمن بخشد . شیخ درچهارده جمادی الاخری سال ۷۲۷ آن طاقیه را درهمان زاویه بمن داد و سلسله مشایخ این شیخ که خرقه از آنها دارد بدین ترتیب است : شمس الدین - تاج الدین محمود - شهاب الدین علی الرجاء - امام شهاب الدین - ابی حفص عمر بن محمد بن عبدالله سهروردی - شیخ کبیر ضیاء الدین ابوالنجیب سهروردی عم وی امام وحیدالدین عمر - پدر اومحمدبن عبدالله معروف بعمویه - شیخ اخی فرج زنجانی - شیخ احمد دینوری - امام ممشاد دینوری - شیخ علی بن سهل صفدی - ابوالقاسم جنید - سری سقطی - داود طائی - حسن بصری - امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب.» (۲)

شیخ بهائی از علی بن سهل کرامتی نقل کرده است

« شیخ بهائی صاحب کشکول در جلد اول این کتاب (صفحه ۱۰۷) کرامتی از علی بن سهل نقل میکند که آن نیز حکایت از بزرگواری وعظمت مقام وی مینماید وآن چنین است که مینویسد شبی هنگام توقف دراصفهان درخواب دیدم که بزیارت قبر امام هشتم علی بن موسی الرضا مشرف شده ام . صبح خواب را فراموش کرده بودم اتفاقاً در آن ایام یکی از دوستان باصفهان آمد و در بقعه علی بن سهل منزل گرفت بقصد زیارت این دوست بخانقاه علی بن سهل رفتم وقتی قبه و ضریح شیخ را دیدم فوری بیاد خوابی که دیده بودم افتادم و متوجه شدم که قبه و ضریح شیخ مانند قبه و ضریح حضرت رضا است و از آن روز اعتقادم نسبت بشیخ زیادت گشت . از اینجا معلوم میشود قبه و خانقاه علی بن سهل تا اوایل قرن یازدهم هجری آباد و معمور بوده است وقرنها مطاف و زیارتگاه اکابر و بزرگان بوده و از بلاد دور بقصد توقف

---

(۱) طاقیه نوعی ازکلاه بلند و تاجدار است .

(۲) ابن جزی در صحت ترتیب رجال این سند اشکال کرده است .

باین زاویه میآمده اند . (۱)

بقعه جعفریه (امامزاده جعفر)

بقعه جعفریه از بناهای برج مانند قرن هشتم هجری واز دوره حکمرانی ایلخانان مسلمان مغول است که درحاشیه غربی خیابان هاتف اصفهان ومقابل کوچه امامزاده اسماعیل واقع شده. این بنا سابقاً دروسط صحن وسیعی قرارداشته است ولی اکنون قسمتهائی ازاطراف آن بصورت خانه های مسکونی درآمده ومخصوصاً فضای ضلع شمالی آن بطوری اشغال شده که نصف بقعه داخل یکی از خانه های مجاور قرار گرفته است . گنبد جعفریه نمونه کاملی از مقابر دوره حکمرانان مغول محسوب میشود و نظایر آن در آذربایجان و بعضی دیگر از نقاط ایران دیده میشود شکل بقعه در قسمت پائین هشت ضلعی و سطح آن کوتاه و مسطح میباشد و چنین بنظر میرسد که گنبدی هرمی شکل داشته و بعد ها خراب شده است . گنبد فعلی تزیینات مختصری ازکاشی‌دارد. کتیبه نمای خارجی گنبد کتیبه‌زوجی(۲) است . کتیبه فوقانی آن بخط کوفی ساده آجری برجسته و معرق بر زمینه فیروزه ای بعد از جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) شامل آیه ۱٦٤ تا آخر آیه ۱٦۷ ازسوره آل عمران است.

کتیبه دوم گیلوئی گنبد بخط ثلث سفید معرق بر زمینه لاجوردی شامل (آیة ـ الکرسی) است وقسمت آخراین کتیبه که سال تاریخی آنرا دربردارد بشرح زیراست:

« فی سنة خمس و عشرین و سبعمائه » (۳)

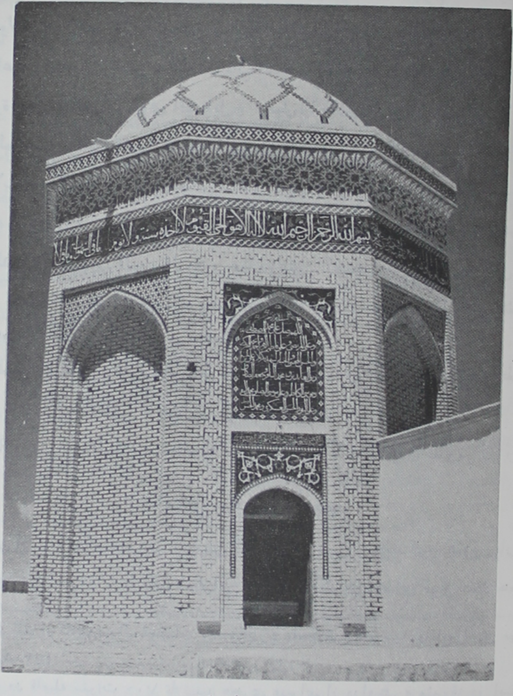
---

(۱) سال چهارم مجله یادگار شماره هشتم صفحه ۱۹

(۲) کتیبه زوجی اصطلاح فنی است ومقصودکتیبه هائی میباشدکه بدو خط متفاوت بر روی هم قرار میگیرد مانندکتیبه همین‌گنبدکه قسمت اول آن‌کوفی و کتیبه دوم آن بخط ثلث است . کتیبه زوجی در بعضی دیگر از بناهای تاریخی اصفهان مانند مدرسه بابا قاسم و سردر خانقاه نصرآباد و مسجد علی نیز دیده میشود .

(۳) رقم آحاد این سال تاریخی از بین رفته بوده ولی با توجه بسال تاریخی سنگ قبر بقعه‌که ۷۲۵ هجری است تاریخ این‌کتیبه درحین تعمیر تکمیل شده است .

لوحه خط بالای دروردی مقبره بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی شامل صلوات برچهارده معصوم است. (۱)



امامزاده جعفر بنـای قرن هشتم هجری

(۱) بیشترکلمات این لوحه ازکاشیهای جدید است که در موقع تعمیر بجای کاشیهـای قدیمی آن که ازبین رفته بوده نصب کرده اند.

کتیبه سنگ آرامگاه

« هذا قبر السید المعظم الموقر الممکن المکرم صاحب السیف والقلم منبع الجود والخلق والکرم المتحلی بمحاسن الشیم سید الصدور والساده ینبوع السادة والسیاده مفخر اولاد البتول قدوة آل الرسول نظام الطالبیه شمس العترة جمال اهل بیت المصطفی سلالة اعیان ابناء المرتضی مالك اصحاب السخاء والفتوة و معدن ارباب الشهامة والمروة بهلوان العراق نبوی الشمایل و جمیل الاخلاق کریم الزمان علی الاطلاق محرز المناصب بالاستحقاق المرحوم المبرور المغفور السید الشهید تاج الملة والدین عماد الاسلام والمسلمین اشرف ابناء الماء والطین جعفر بن السید المعظم المرتضی المکرم النور الازهر الاطهر الامجد مفخر آل طه ویاسین نتیجة اولاد سید المرسلین شمس الدین الحسن بن السید المغفور عماد الدین الحسین بن محمد بن علی بن - الحسین تغمده الله بغفرانه واسکنه بحبوحة جنانه و ادام سعادته **توفی فی منتصف محرم من سنة خمس و عشرین و سبعمائه .» (۱)**

درقسمت فوقانی پنجره های اطراف بقعه جعفریه درالواح جداگانه بخط ثلث سفید درشت بر زمینه کاشی لاجوردی نوشته شده است :

« قال النبی علیه السلام » « الدنیا مزرعة الاخره » « الدنیا داحة وترکها راحة»

مدرسه بابا قاسم

یکی از با با های معروف اصفهان که مزارش پس از چند قرن هنوز زیارتگاه مشهوری بشمار میرود با با قاسم اصفهانی (۲) است که در ابتدای قرن هشتم هجری

---

(۱) نقل از کتاب رجال اصفهان با حواشی و ملحقات آقای سید مصلح الدین مهدوی (صفحه ۱۸۱)

(۲) در فاصله سنوات ۷۰۰ تا نهصد هجری عده ای از دراویش و متصوفه در اصفهان زندگی میکرده اند که عنوان (بابا) داشته اند مانند : بابا علمدار در محله الیادران . بابا حسن درمحله بیدآباد . بابا نوش واقع درکوچه‌ای مجاور قصر کهنه چملان (جمیلان) بابا قاسم نزدیك شهشهان (درکنار خیابان هاتف) - بابا شیرو بابا بودلا در محله دروازه

زندگی میکرده و ازمردان عارف وسالك درراه حقیقت بوده و درزمان خود شهرت و محبوبیت داشته است . یکی از مریدان معروف او بنام **سلیمان ابی الحسن طالوت دامغانی** برای استاد خود بابا قاسم اصفهانی در سال ۷۲۵ هجری مدرسه ای ساخته است که بابا قاسم در آن مدرسه بتدریس مشغول بوده وپس ازوفات وی نیز نزدیك این مدرسه آرامگاه او را بنا کرده است .

مدرسه بابا قاسم که آنرا **مدرسه امامیه** نیزمینامند بنای زیبائی است که حیاطی دروسط وچهار ایوان واطاقهائیکه حجرات طلاب بوده است دراطراف دارد. ساختمان این مدرسه که از قدیمی ترین مدارس موجود طلبه نشین اصفهان است دو طبقه است و در طبقه دوم نیزحجراتی دارد . نمای خارجی صحن وایوانهای بزرگ و کوچك مدرسه با کاشیهای مخصوص این دوره که از جهت لعاب کاشی رنگ مخصوصی است و نظیر آن فقط در محراب صفه عمر در مسجد جمعه دیده میشود تزیین شده است ایوانهای بزرگ و کوچك دارای مقرنسهای کاشیکاری میباشد که بعضی ازآنها جنبه تزییناتی دارد و بعضی دیگر با خطوط بنائی و کوفی و ثلث تزیین شده است .

خطوط ضلع شرقی مدرسه از جنوب بشمال

درداخل مقرنسهای ایوان اول این ضلع دراشکال مربع بخط بنائی با کاشی سفید معرق

حسن آباد - بابا توتاکه عوام اورا (بابا تونتاب) گویند درمحله جوباره - بابا شیخ علی در لنجان علیا نزدیك پل کله - بابا محمود درلنجان سفلی (پل بابا محمود هم که از پلهای مشهور زاینده رود است بین پیربکران و قریه سهروفیروزان واقع است) - بابا عباس در حوالی خوراسکان - بابا عریان نزدیك مقبره صاحب بن عباد در محله طوقچی - بابا دنبه نزدیك باغ نو - بابا متکا در لنجان سفلی - بابا الهی - بابا سرخ واقع درکوچه ای از کوچه های خیابان شیخ بهائی - بابا صلت نزدیك مقبره صاحب بن عباد - بابا وجدی در لنجان نزدیك قریه (سنگان چی) - بابا باب الله نزدیك جوباره - بابا جوزا نزدیك منار چهل دختران - بابا سنگکی نزدیك محله دردشت - بابا عبد الله درکوی (جماله کله) - بابا یحیی و بابا رکن الدین درتخت فولاد - بابا شیخ احمد در سهروفیروزان لنجان - بابا قلندر (رجال اصفهان با حواشی وملحقات آقای سید مصلح الدین مهدوی صفحه ۶۴و۲۰۱)

برزمینه لاجوردی نوشته شده است : الله الا علی . ومحمد . وعلی . وحسن . وحسین

بردوجانب ایوان بزرگ وسط این ضلع بخط بنائی لاجوردی و فیروزه‌ای برزمینه شطرنجی آجری درهم و مکرر نوشته شده است : « قل استغفر الله »

درداخل مقرنسهای ایوان چهارم این ضلع بخط کوفی آجری برزمینه فیروزه‌ای دریك لوحه نوشته شده: (الملك لله) وبخط کوفی فیروزه‌ای وسفید برزمینه آجری: (الملك لله) و در داخل همین ایوان بخط آجری بر زمینه فیروزه ای در یکطرف (الله) و در طرف دیگر کلمه (اکبر) نوشته شده است .

درزیرمقرنسهای ایوان پنجم این ضلع بخط بنائی باکاشی سفید معرق برزمینه سبز در وسط نوشته شده « الصلوة نورالمؤمن » و در طرفین بخط کوفی سفید برزمینه لاجوردی اسامی زیر نوشته شده است :

(الله) (و محمد) (و علی) (و حسن) (و حسین)

ایوان شمالی مدرسه بابا قاسم

درایوان بزرگ شمالی مدرسه بابا قاسم دربین حاشیه و متن طاق ایوان در یك شش‌ضلعی که بدون زمینه است وهمه تزیینات آن خطی است شش کلمه (علی) نوشته شده که سه‌کلمه آن سفید وسه‌کلمه دیگر آن لاجوردی رنگ است .

قسمت عمده تزیینات متن طاق این ایوان بمرور زمان ریخته است و آنچه که باقی مانده چهار شکل مربع است که در داخل آنها کلمات و عباراتی بشرح زیر خوانده میشود :

دریك مربع بخط بنائی آجری معرق برزمینه فیروزه‌ای : «وحسن» و«حسین»

دریك مربع بخط سفید معرق برزمینه لاجوردی : «**عمل الشیخ محمد بن عمر**»

دردومربع بخط بنائی سفید برزمینه لاجوردی : «**الدنیا داحة**» «**وترکها راحة**»

دروسط هلال طاق این ایوان دریك شمسه بخط کوفی فیروزه‌ای سوره (اخلاص) نقش شده است .

اسامی خلفای راشدین و اصحاب پیغمبر

در رأس اسپر دیوارشمالی ایوان شمالی مدرسه باباقاسم دریک « ته شمسه » (۱) بخط ثلث سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده: «لااله الاالله محمد رسول الله‌حقاً» شمسه وسط اسپر از ده مربع کوچك تشکیل شده که در هر مربع بخط سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی یکی ازاسامی زیر نوشته‌شده است: ابی‌بکر. عمر. عثمان علی. طلحه. زبیر. سعد. سعید. عبدالرحمن. ابوعبیده

درحاشیه اطراف اسپربخط بنائی باکاشی معرق فیروزه‌ای برزمینه‌آجری صلوات بر چهارده معصوم نقش شده و درحاشیه های پراکنده درمتن بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری نوشته شده است:

« سبحان الله والحمد لله ولا اله الاالله والله اکبر» «سبحان ربی‌الاعلی وبحمده» «سبحان ربی العظیم وبحمده» «العظمة لله» «سبحان الله الفرد الصمد» «سبحان الملکوت.»

در مقرنسهای پائین اسپر در یك مربع بزرگ (الله) و بخط بنائی سفید معرق برزمینه لاجوردی سوره (اخلاص) نوشته شده و در چهار لوحه بخط بنائی سفید و لاجوردی سه رگی بر زمینه فیروزه ای نوشته شده است:

« الله ربی » « محمد نبیی » « الحکم لله » « الحمد لله »

ودریك شش ضلعی بخط کوفی باکاشی‌سفید معرق برزمینه مشگی‌نوشته شده‌است:

« محمد » « ابوبکر » « عمر » « عثمان » « علی »

بر جانب شرقی ایوان شمالی بخط بنائی شطرنجی لاجوردی و فیروزه‌ای بر زمینه آجری بطور درهم و مکرر جمله (سبحان الله) وبرجانب غربی جمله (الحمد لله) تزیینات دیوار های این ایوان را تشکیل میدهد.

---

(۱) (ته شمسه) اصطلاح کاشیکار ها است.

درداخل ایوان کوچك واقع درمشرق ایوان بزرگ شمالی بخط بنائی با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده است :

« الدنیا ساعة و جعلها طاعة »

و در داخل ایوان کوچك غربی بخط بنائی سفید برزمینه لاجوردی نوشته شده است : (الله) (محمد) (علی)

ضلع غربی مدرسه بابا قاسم

در این ضلع از شمال بجنوب نقوش ایوان کوچك اول در این ضلع تزییناتی است . در ایوان کوچك دوم در یك مستطیل بخط بنائی سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی نوشته شده : « الله ربی »

ایوان بزرگ ضلع غربی مدرسه دروسط این ضلع واقع است وخطوط تزییناتی آن بخط بنائی شطرنجی فیروزه ای و لاجوردی برزمینه آجری بطور درهم تکرار جمله (لااله الا الله) است .

در ایوان کوچك چهارم در زیرمقرنسها بخط بنائی باکاشی معرق سفید برزمینه لاجوردی نوشته شده : « محمد نبیی »

درایوان کوچك پنجم درپنج شکل مربع بخط بنائی باکاشی سفیدمعرق برزمینه لاجوردی نوشته شده است :

« یا الله » « محمد » « حبیب الله » « الله ربی » « وعلی »

نام شیخ محمد عمر استاد کاشیکار مدرسه بابا قاسم در تزیینات ایوان وگنبد جنوبی مدرسه ذکر شده است

در داخل مقرنسهای ایوان بزرگ ضلع جنوبی مدرسه بابا قـاسم در یك مربع

تصویر مقابل : ایوان جنوبی مدرسه بابا قاسم و نمونه تزیینات خطی وکاشیکاری آن از قرن هشتم هجری

⇦———



کوچك بخط بنائی فیروزه ای معرق بر زمینه آجری نوشته شده است : « محمد » « و علی »

تزیینات داخل این ایوان بخط بنائی شطرنجی لاجوردی و فیروزه ای بر زمینه آجری تکرار جمله (والله اکبر) است .

گنبد و محراب مدرسه در این ضلع واقع شده و بر دیوار شمالی محوطه زیر گنبد دریك لوح بشکل مستطیل بخط بنائی با کاشی معرق لاجوردی بر زمینه سفید نوشته شده است : « عمل الشیخ محمد عمر »

ودررأس قسمت داخلی گنبد بخط بنائی باکاشی فیروزه‌ای معرق برزمینه آجری عبارت زیر نوشته شده است :

« قال الله عزوجل عسی ان یبعثك ربك مقاماً محموداً »

ایوان کوچك غربی این ضلع دارای نقوش تزییناتی است ولی درزیرمقرنسهای ایوان کوچك شرقی که تزیینات قسمت فوقانی منتهی الیه دالان ورودی را بسمت صحن تشکیل میدهد درالواح کوچك بشکل مربع مستطیل بخط بنائی معرق سفید برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده است :

« قال النبی علیه السلام » « الحکمة لله » « الدنیا جیفة و طالبها کلاب »

کتیبه های قرآنی مدرسه بابا قاسم مورخ بسال ۷۲۵ هجری

داخل ایوانهای بزرگ چهارگانه شمالی و جنوبی و شرقی و غربی مدرسه بابا قاسم باکتیبه های زوجی که شامل آیات قرآنی میباشد تزیین شده است .

سطرهای بالا بخط کوفی باکاشی معرق فیروزه ای برزمینه لاجوردی شامل سوره (دهر) است که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی است و پس از گردش بدور مدرسه در هلال ایوان بزرگ شرقی ختم میشود ودرآخرسوره فقط جمله (صدق‌الله) نوشته شده است .

سطر های پائین بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی شامل سوره

(فتح) است که ابتدای آن ضلع شرقی ایوان شمالی در زیر کتیبه کوفی است و به آخر هلال ایوان کوچك دوم ضلع غربی (از شمال بجنوب) ختم میشود ودر آخر این کتیبه سال تاریخ آن که ناتمام ولایقرء میباشد نوشته شده است .

گویا برحسب تصادف قسمت آخراین کتیبه که سال تاریخ بنارا درآنجا نوشته بوده‌اند خراب شده وبعداً بشکل بدی تعمیرشده است . کلمه (خمس) که رقم آحاد سال تاریخ است بخوبی خوانده میشود و بعد از آن حرف اول رقم مآت نیز که مسلماً (سبعمائه) بوده دیده میشود لکن رقم عشرات آن (لایقرء) است وبهرحال میتوان حدود سال ساختمان مدرسه را (۷۲۵ هجری) تعیین کرد .

مقبره باباقاسم

باباقاسم پس از وفاتش درنزدیك مدرسه ای که در آن تدریس میکرده وشرح آن گذشت بخاك سپرده شده و یکی از مریدانش بنام سلیمان ابی الحسن طالوت دامغانی بر مزار او مقبره و آرامگاهی بنا کرده است . داخل و خارج مقبره بابا قاسم با تزیینات آجری وکاشیکاری مزین شده است . گنبدآن هرمی شکل ودارای هشت ترك است که بر هر دو ترك متقابل آن بخط بنائی باکاشی معرق لاجوردی برزمینه آجری یکی ازاسماءالله : « یادیان » « یاسبحان » « یاسلطان » «یابرهان» منقوش است .

بر گردنه گنبد باباقاسم جملات : « الله ربی » « محمد نبیی » « اسلام دینی » « علیاً امامی » تکرار میشود .

کتیبه و خطوط تزییناتی نمای سر در مقبره بابا قاسم

کتیبه تاریخی این سردر بخط ثلث باکاشی‌سفید معرق برزمینه‌لاجوردی ومورخ بسال ۷۴۱ هجری بشرح زیراست:

« بتوفیق الله الفرد بلاثانی و همة ولیه الربانی القطب الصمدانی **محمد باباالقسم الاصفهانی** فی اتمام هذه المبانی تشرف العبد الجانی **سلیمان ابی الحسن الطالوت الدامغانی فی شهور سنة احد والاربعین و سبعمائه** . »

در چهار لنگه های مقرنس سردر مقبره بخط بنـائی با کاشی معرق لاجوردی بر زمینه آجری در هر لنگه یك کلمه (الله) و در وسط سر در وزیر مقرنسها بخط بنائی باکاشی فیروزه ای برزمینه آجری یك کلمه (محمد) نوشته شده است .

درنمای مقابل سردر بخط بنائی آجری برزمینه کاشی فیروزه ای جملات « الحکم لله » « الملك لله » نقش شده است .

در وسط مقرنس بخط بنائی با کاشی سفید برزمینه لاجوردی نوشته شده است :

« العظمة لله »

خطوط کاشیکاری بالای درچوبی مدخل مقبره در شش شمسه کوچك بخط ثلث پوسته شده برزمینه لاجوردی مشتمل بر اسامی : الله . محمد . ابوبکر . عمر . عثمان . وعلی است . (۱)

گنبد باباقاسم در سال ۱۰۴۴ هجری تعمیر شده است

بموجب یك کتیبه که درقسمت فوقانی نمای خارجی سردر نصب شده گنبد عارف معارف سبحانی بابا قاسم اصفهانی در سال ۱۰۴۴ هجری بوسیله شخص خیری بنام (آقا زمان) فرزند آقا جمال میوه فروش تعمیر شده است . کتیبه مزبـور بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

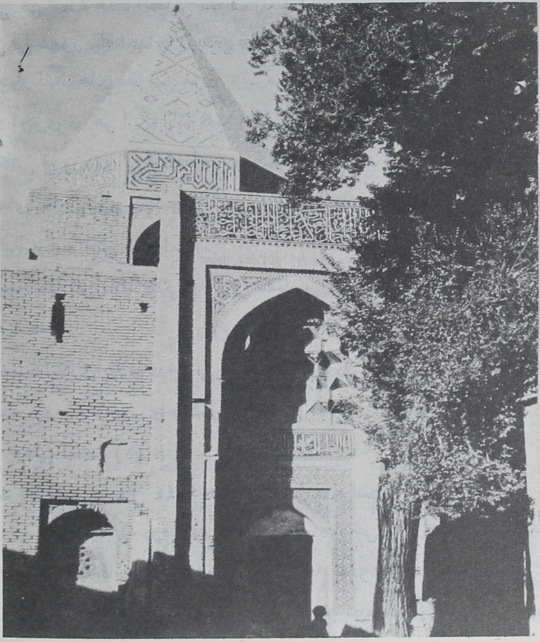
« توفیق یافت عزت آثاری **آقا زمان** بن آقا جمال میوه فروش در تعمیر گنبد عارف معارف سبحانی بابا قاسم اصفهانی **فی شهررجب المرجب سنه ۱۰۴۴ کتبه محمد رضا الامامی** . »

الواح درچوبی مقبره بخط ثلث برجسته بر زمینه منبت کاری بشرح زیر است :

---

(۱) کاشیهائی که نام (ابوبکر و عمر و عثمان) را در برداشته شکسته شده است .

روی یك لنگه در : « عناية الازلیه » و بر انگه در دیگر « كفاية الابدیه »



نمای خارجی بقعه بابا قاسم مورخ بسال ۷۴۱ هجری

دو لوح سنگی بر دیوار خارجی بقعه بابا قاسم

بر دیوار شرقی سردر بابا قاسم دو لوح سنگی نصب شده است : یکی از این دو لوح در قسمت فوقانی یك پنجره مشبك سنگی نصب شده و شامل دو حاشیه ویك متن است . عبارات حاشیه صلوات بر چهارده معصوم میباشد و متن آن بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . سلام علی آل یس انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهر کم تطهیراً و سقاهم ربهم شراباً طهوراً . قال النبی صلی الله علیه و سلم الا و من مات علی حب آل محمد . العبد صاحب الخیرات الفقیر **علی بن عوض بن .....** »

عبارات سنگ نوشته دیگر بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

« وقف صحیح شرعی اسلامی خود گردانید آقا هادی پاشنه ساز ولد مرحوم آقا مهدی تمامت حصه و رسدی خود را از اسباب وافزارچه شتر قربانی که به اومیرسید که فیمابین ۳ نفر دختر و یك پسر منقسم میشد ورسدی ۳ نفردختر که باو میرسید بر بابا قاسم که هرساله آنچه عاید میشود بمصارف بابا قاسم برسد **سنه ۱۲۳۹** . »

کتیبه های داخل گنبد بابا قاسم

درفاصله مقرنسهای داخل گنبد بابا قاسم بخط بنائی باکاشی فیروزه ای برزمینه شطرنجی آجری هشت مرتبه جمله (الله اکبر) نوشته شده است ودرپائین مقرنسها کتیبه داخل گنبد بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بعد ازجمله (بسم الله الرحمن الرحیم) آیه اول تا آخر آیه پنجم سوره (اسری) نوشته شده است .

در ضلع جنوبی بقعه محراب کوچکی تعبیه شده و بخط بنائی برجسته باکاشی سفید ولاجوردی برزمینه فیروزه ای جمله (الله اکبر) نقش شده است .

کتیبه هلال بالای محراب بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

« امر ببناء هذه العمارة المخصوصة بالروضة المتحلیة بالنضارة المتکی علی وسادةالامارة والوزارة المشرف بحلیة الصدارة المتحیر فی وصفه الاشارة والعبارة مدبر امورالجمهور بنورالبصارة الخواجه سعدالحق والدین **سلیمان بن الصاحب السعیدشرف الدین ابی الحسن بن طالوت الدامغانی** زید جلال قدره من خاص ماله الحلال احتسابا لله الملك المتعال . »

آرامگاه پهلوان میرزا علی

در داخل بقعه بابا قاسم یك سنگ قبر قدیمی از قرن دهم هجری موجود است که اسامی چهارده معصوم بر سطح آن حجاری شده و برجانب جنوبی آن عبارت (ناد علیاً مظهر العجایب) نقش برحجر است .

برجانب غربی این سنگ قبر بخط ثلث برجسته نوشته شده است :

« وفات مرحمت ومغفرت پناه الواصل الی رحمة‌الله تعالی پهلوان میرزا علی بن استاد حیدر فوطه باف فی‌خامس عشرین شهر ذیحجه سنه خمس وثمانین وتسعمائه . »

و بخط نستعلیق این دو شعر نقش بر سنگ شده است :

چون نامه جرم ما بهم پیچیدند — بردند و بمیزان عمل سنجیدند

بیش ازهمه کس گناه ما بودولی — مـا را بمحبت علـی بخشید ند

آرامگاه ملکه اصفهان سلطان بخت آغا

پس از وفات سلطان ابوسعید بهادرخان شاهزادگان و امراء در نقاط مختلف کشور ایران استیلا یافتند چندی اولاد امیر چوپان در اصفهان حکومت داشتند و سپس شاه شیخ ابواسحق اینجو از سال ۷۴۲ بر آن استیلا یافت . خاندان اینجو و آل مظفر تا سال ۷۵۸ گاهی در صلح و صفا و زمانی در جنگ و ستیز بسرمیبردند تا آنکه شاه سلطان خواهر زاده امیر مبارزالدین محمد مظفری در سال ۷۵۸ امیر شیخ ابواسحق اینجو را که درمحاصره اصفهان نه یارای گریزداشت ونه راه بجائی میبرد و در خانه شیخ‌الاسلام بنام مولانا اصیل الدین مخفی شده بود دستگیر نموده ابتداء او را در قلعه طبرك اصفهان زندانی کرد و سپس بشیراز نزد امیر مبارزالدین فرستاد و بدستور این پادشاه مظفری در میدان سعادت شیراز بقتل رسید . (۱)

(۱) شیخ ابو اسحاق پادشاهی خوش صورت و نیکو اخلاق و مردی کریم و فاضل و شعر دوست و شاعر بود و در مدت چهارده سال استیلای خود بر شیراز و اصفهان شوکت و قدرت و اشتهاری عظیم یافت . قریب پنجاه هزار نفر سواران ترك و فارس سپاهیان اورا تشکیل-

خان سلطان دختر امیر غیاث الدین کیخسرو برادر زاده شاه شیخ ابو اسحق که بازدواج سلطان محمود آل مظفر درآمده بود برای گرفتن انتقام خون عمویش با تدابیر مخصوص بین شاهزادگان مظفری ایجاد نفاق وخصومت میکرد و ازآنجمله شاه شجاع را بگرفتن اصفهان تشویق مینمود تا زمانی که سلطان محمود آل مظفر باین دسایس پی برد و با آنکه شیفته صباحت منظر و کمال او بود در رمضان سال

میدادند ولی اعتماد او باصفهانیان بیشتر بود و قراولان خود را از بین آنها انتخاب کرده بود و آنها را بر فارسیان ترجیح میداد . چون درشیراز جهت خود دستگاه سلطنتی باشکوه ترتیب داد بخیال افتاد تا ایوانی نظیر ایوان مدائن بنام خود برپاکند و در این کار خرج بسیار کرد و بیشتر حاصل مالیات فارس را در این راه مصرف نمود ولی قبل از آنکه آن بنا بانتها رسد دولت او بانجام آمد با اینحال شیخ ابواسحق مردی سخت کش ومغرور وستم پیشه و عیاش بود حتی در مقابل خطر دشمن نیز دست از عیش و نوش برنمیداشت چنانکه در موقع محاصره شیراز بدست امیرمبارزالدین محمد مظفری غالب اوقات خود را درخواب و مستی سر میکرد .

در موقع ورود امیر مبارز بشیراز از آشوب و غوغای واردین سر از بستر خمار برداشت وپرسید این هنگامه چیست ؟گفتند فریاد نقاره امیرمبارزالدین‌است . گفت هنوز این مردك ستیزه روی‌گران جان نرفته است ؟ موقعی دیگرشیخ امین الدین جهرمی که ندیم مقرب شاه بود روزی شاه راگفت بیا تا بر بام تماشای بهار و تفرج شکوفه زارها کنیم که عالم رشگ بهشت برین و زمین عبرت‌کارگاه چین شده و شاه را بدین بهانه بربام‌کوشك‌آورد . شاه دید که دریای لشگر در بیرون شهرمواج است . پرسیدکه چه میشود ؟ وزیر گفت‌که لشگرمحمد مظفراست . شاه تبسمی‌کرد که عجب ابله مردکی است محمد مظفر که درچنین نوبهاری خود را و ما را از عیش و خوشدلی دور میگرداند و این بیت از شاهنامه بخواند :

بیا تا یك امشب تماشا کنیم   چوفردا رسد فکر فردا کنیم

خواجه حافظ شیرازی از مداحان شاه شیخ ابو اسحق بود و در تأسف از واقعه قتل او غزلی راکه مطلعش این شعر است سروده :

یاد باد آنکه سر کوی توام منزل بود   دیده را روشنی ازخاك درت حاصل بود

و در این غزل میگوید :

راستی خاتم فیروزه بو اسحاقی   خوش‌درخشید ولی‌دولت‌مستعجل‌بود

(صفحه ۴۲۱ و ۴۲۲ تاریخ مغول تألیف مرحوم عباس اقبال)

۷۶۹ هجری شبی درحال مستی او را بقتل رسانید وخان سلطان در بقعه جنب مدرسه دردشت مدفون گردید . (۱)

بعضی از مورخین و نویسندگان اصفهان در یك قرن اخیر نام خان سلطان را با « آقا سلطان » (۲) که کتیبه ای بخط نستعلیق خوش از ایام زندگی او درمسجد جمعه اصفهان برجای مانده و حاکی از سعی و اهتمام او در تزیین صفه صاحب است (۳) یکی دانسته اند درحالیکه این مطلب صحیح نیست و بطوریکه کتیبه ثلث داخل صفه صاحب بخط کمال الدین حسین الحافظ الهروی ومورخ بسال ۹۳۸ هجری که شرح آن در صفحه ۹۲ و ۹۳ و ۹٤ این کتاب گذشت حکایت دارد آقا سلطان که از او بنام (علیا رتبت جلیلة و عفت پناه) در این کتیبه هم یاد شده و توفیق او در انجام امور خیر آرزو شده است معاصر شاه طهماسب اول صفوی بوده و اقدام او در تزیین ایوان جنوبی مسجد جمعه اصفهان (صفه صاحب) در اوایل سلطنت شاه طهماسب و حدود سال ۹۳۸ هجری بوده است .

مؤلف درباره آقا سلطان بغیر از آنچه که در کتیبه مسجد جمعه نوشته شده اطلاع بیشتری بدست نیاورده است و بهرحال طرح های فراوان کاشیکاری مفصل و مجلل داخل وخارج صفه صاحب درمسجد جمعه اصفهان ازبلند نظری این بانوی هنردوست و توجه او بترویج هنر کاشیکاری و علاقه او بهنرمندان حکایت میکند .

آرامگاه سلطان بخت آغا

خان سلطان دختر امیر غیاث الدین کیخسرو اینجو و بموجب کتیبه سنگ آرامگاه او (دختر خسرو شاه) در زمان حیات خود سنگ قبر نفیسی برای خود نویسانده

---

(۱) برای اطلاع بیشتر از شرح حال (خان سلطان) مراجعه شود بجلد سوم کتاب حبیب السیر چاپ تهران صفحه ۳۰۲

(۲) نام (آقا سلطان) در کتیبه بهمین ترتیب و با حرف (ق) نوشته شده است .

(۳) رجوع شود بصفحه (۱۰۲)

که پس از قتلش بر مزار او قـرار داده شده است و نـام او در کتیبه این سنـگ (سلطانبخت آغا) میباشد. سنگ قبرسلطان بخت آغا سنگ یکپارچه سماق نفیسی است که در داخل بقعه آرامگاه او که متصل بمناره های دردشت است قرار دارد و کتیبه آن بخط ثلث برجسته بشرح زیر است:

«هذه الصخرة المقدسة انشأتها الخاتون العظمی سلطانبخت آغا ابنة الامیرخسروشاه ادام الله توفیقها لنفسها بعد وفاتها فی رمضان سنة ثلث و خمسین و سبعمائه.» (۱)

سردر مدرسه و مناره های دردشت متصل بآرامگاه سلطان بخت آغا ازنیمه دوم قرن هشتم هجری

دومناره دردشت برفرازسردر بلندی بارتفاع حدود پانزده متر که ازعظمت دیرین آن حکایت میکند قراردارند. ارتفاع باقیمانده های دومناره دردشت از سطح پشت بام آن بیش از هشت متر نیست و حکایت از بنای مفصل و وسیعی میکند که درعقب مناره ها وسردر مجلل آن واقع میشده است. از ترتیب استقرار ساختمانهای بعد از سردر بعلت تغییرات زیادی که در وضع این ناحیه داده شده اطلاعی دردست نیست و از ساختمان وسیع آن غیر از فضای مختصری که درعقب سر در واقع است چیزی باقی نمانده ولی بطوریکه معمرین ساکن دراطراف این بنای تاریخی برای نگارنده نقل کرده اند تا یك قرن پیش هم اطاقهای ویرانه اطراف مدرسه دردشت که مناره ها وسردرفعلی مدخل آن محسوب میشده باقی بوده است وتدریجاً ضمیمه خانه های اطراف شده وتایك قرن پیش بصورت (تکیه) محلی برای اجتماع مردم محله دردشت بوده است.

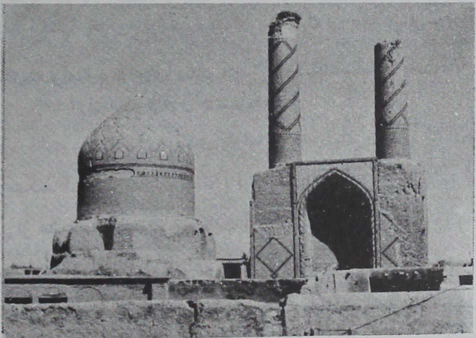
در اطراف گردنه گنبد آرامگاه سلطان بخت آغا نیز آثاری مشاهده میشود که اتصال بقعه را ببنا هـای دیگری در اطـراف آن میرساند و چنین استنباط میشود

---

(۱) رقم مآت سال تاریخ این کتیبه از بین رفته است ولی این رقم چیز دیگری غیر از (سبعمائه) نمیتواند باشد.

که باقی‌مانده آثاری ازیك مجموعه ساختمانی مفصل ووسیع بوده است که باحتمال قوی بانی ساختمان آن خود (سلطان بخت آغا) ویا شوهر او سلطان محمود آل مظفر بوده است .

بقعه فعلی ازطرف ضلع شمالی راهی بداخل مدرسه داشته است که فعلا مسدود



مناره های سردر مدرسه دردشت وگنبد آرامگاه سلطان بخت آغا

میباشد و ترتیب ساختمان بقعه در مجاورت سردر و راه داشتن آن بمدرسه باز مؤید این مطلب است که ساختمان مناره ها وسردرفعلی مدرسه نیز ازاقدامات خود سلطان بخت آغا بوده است و بقعه اختصاصی آرامگـاه وی نیز در زمـان حیات خود او ساخته شده و کلیه این اقدامات ساختمانی با فـراغت تمام صورت گرفته است حتی سلطان بخت آغا بموجب الواح موجود برسنگ قبر نفیس او سنگ مزبور را در زمان حیات خود در سال ۷۵۳ هجری و شانزده سال قبل از آنکه کشته شود دستور تهیه و تزیین آنرا داده است و بعد از قتلش در بقعه اختصاصی خود مدفون شده و سنگ مزبور نیز بر آرامگاه او قرار داده شده است .

با علاقه زیادی که محمود شاه آل مظفر باین زن داشته است و تأثر و تحسر شدیدی که پس از قتل او ارکان زندگی او را فرا گرفته و تا آخر عمر اورا سخت نادم و پشیمان نموده است وعلاقه خود شاه محمود آل مظفر بعمران وساختمان که آثار دوره او نیز درصفه عمر در مسجد جمعه اصفهان و درامامزاده اسمعیل موجود است میتوان احتمال داد که اگر ملکه زیبا وزیبا پرست اوخود بانی ساختمان بنای مزبور نبوده است یقیناً در تشویق پادشاه وقت بانجام این قبیل امور مشوق مؤثری بوده و نقش مهمی داشته است و با توجه بجنگهای متعدد و لشگر کشی های دائمی این سلطان و جنگ و ستیز های دائمی بین او و برادران و رقیبانش که او را وادار میکرده از پایتخت خود اصفهان خارج شود میتوان باحتمال قریب بیقین گفت که سرپرستی و نظارت در عملیات ساختمانی دوره حکومت او با زن رشید و لایق او سلطان بخت آغا بوده است (۱) جای تأسف است که بعلت انهدام تدریجی تارك مناره ها و بالنتیجه از بین رفتن کتیبه ها وبالاخص ساختمان وسیع مدرسه دردشت و کتیبه سردر مدرسه که جای آن خالی است هیچ کتیبه ولوحه‌ای که ساختمان این مجموعه وسیع معماری را صریحاً بیان کند باقی‌نمانده‌است ولی ازطرف دیگرجای‌خوشوقتی است که سنگ نفیس آرامگاه دختر اینجو وملکه مظفری بیغما وتاراج نرفته وعلت آنرا هم بطوریکه نگارنده تحقیق نموده است جنبه قدسی این بقعه میباشد که عامه مردم در قرون اخیر آنرا متبرك و مقدس میدانسته اند و حتی امروز هم که حدود هفت قرن از تاریخ بنای آن میگذرد مانند عموم زیارتگاهها واماکن مقدسه مردم اصفهان بر مزار ملکه مقتول شمع روشن میکنند .

داخل بقعه سلطان بخت آغا فعلاهیچگونه تزییناتی ندارد وباقشری از گچ پوشیده شده است و سنگ آرامگاه او دروسط بقعه قراردارد ودراطراف آن هم فعلا صورت

---

(۱) شاه محمود آل مظفر درچهارده شوال سال ۷۷۶ هجری فوت کرده است .

قبور دیگری مشاهده نمیشود ولی در بعضی جاها از زیر قشر گچ آثار نقاشی های ساده ای پدیدار است و بطور مسلم داخل بقعه تزیینات نقاشی داشته است. جدا از خارجی گنبد سلطان بخت آغا دارای تزیینات تی از کاشیهای فیروزه ای و لاجوردی برزمینه آجری میباشد.

یك نام تاریخی از این محل که تا این عصر باقی مانده (شوری) است که هم اکنون حمام (شوری) نزدیك این بنا و امامزاده (شوری) یا امامزاده عبدالله باین نام موجود است و بعید نیست که مدرسه متصل بمناره های دردشت هم مدرسه (شوری) نام داشته است.

خطوط وکتیبه سردر مدرسه ومناره های دردشت

کتیبه مناره های دردشت که یکی از آنها ریخته و در دیگری باقی است بخط بنائی آجری برزمینه کاشی فیروزه ای بشرح زیر است:

« لا اله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله حقاً »

تزیینات جدار خارجی مناره ها شبیه بتزیینات مناره باغ قوشخانه (۱) میباشد که در همین دوره ساخته شده وبخط بنائی فیروزه ای برزمینه آجری تکرارجمله (الله اکبر) است.

خطوط سردر مجلل آن بخط بنائی با کاشی فیروزه ای برزمینه آجری بشرح زیر است:

در سه شکل مربع: (یا دیان) در دو مربع: (یا حنان) و در دو شکل مربع دیگر (یا منان).

در زیر کتیبه خط سابق سردر که چیزی از آن باقی نمانده در دو شکل مربع مستطیل بخط بنائی فیروزه ای بر زمینه آجری درطرف راست جمله (لااله الاالله) و در سمت چپ جمله (محمد رسول الله) نوشته شده است.

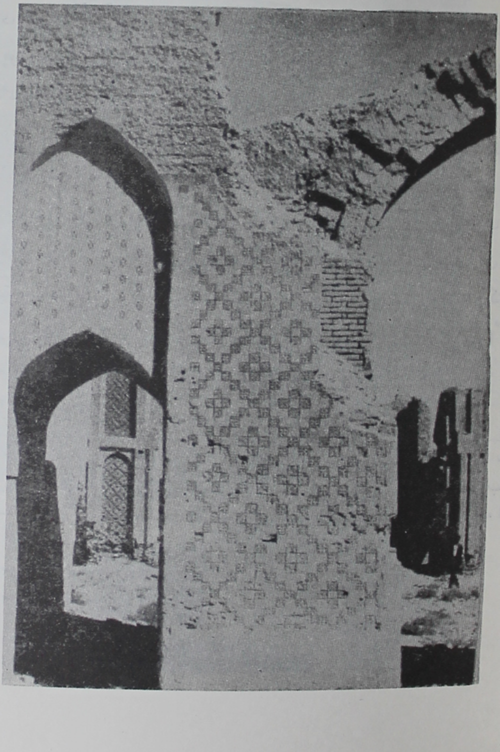
---

(۱) رجوع شود بصفحه ۲۹۱

بالای سکوهای طرفین سردر بخط بنائی فیروزه ای برزمینه آجری نوشته شده است : « یا حنان یا منان » و برجرز های طرفین سردر جملات : « الملك لله » « القوت لله » « العزت لله »

مسجد هفشویه

هفشویه از دهات بلوك قهاب است و در شمال شرقی شهر اصفهان واقع شده



ویرانه های مسجد هفشویه و تزیینات گچ بری آن

این محل که فعلا دهکده ایست تا قرن هشتم هجری از نواحی بزرگ و آباد شهر اصفهان بوده . حمدالله مستوفی ضمن توصیف اصفهان **هفشویه** را از قراء معظم **قهاب** شمرده است. هفشویه یك مسجد تاریخی دارد که بوضع اسف آوری رو بویرانی نهاده (۱) نقشه ساختمان آن شباهت زیاد بمسجد سلجوقی (گار) دارد (۲) گنبد آن فروریخته و دیوار های آن از هر طرف گسیخته است . اساس این بنا از خشت خام است ولی در نما های خارجی آن آجر نیز بکار رفته است . اطراف محوطه زیر گنبد با تزیینات گچ بری پوشیده‌شده بوده که قسمتهائی از آنها هنوز باقی‌است. آنچه ازمحراب گچ بری آن باقی‌مانده اثری جالب وارزنده‌است و گچ بریهای آن بی‌شباهت بگچ بریهای مسجد اشترجان (۳) نیست . آثار سلجوقی در ویرانه های برجای مانده ایوان شمالی آن بخوبی نمایان است و از مطالعه مجموعه معماری و تـزیینات آجری و گچی آن چنین معلوم میشود که این مسجد در دوره سلاجقه در قرن پنجم یا ششم هجری بنا شده و در قرن هشتم با تزیینات گچی آراسته شده است . پایه مناره آجری آن از دوره سلاجقه هنوز باقیست . گچ بریهای اطراف آن شامل تزیینات گل وبوته و کتیبه های کوفی و خطوط بنائی است . در اطراف محراب بخط ثلث (آیة الکرسی) گچ بری شده و در اطراف اسپر محراب بخط کوفی سوره (فاتحه) و بخط بنائی آیه ۵۱ و ۵۲ از سوره (قلم) گچ بری شده است .

---

(۱) آخرین دفعه ای که نگارنده از مسجد تاریخی **هفشویه** دیدن نمود تابستان سال ۱۳٤۱ شمسی بود ودر آنموقع مسجد مزبوروضع بسیاراسف انگیزی داشت وباستثنای محراب آن که در مقایسه با سایر قسمتهای مسجد سالم مانده بود بقیه ساختمان این مسجد ویرانه ای بیش نبود .

(۲) رجوع شود بصفحه ۱۸۲

(۳) رجوع شود بصفحه ۲٦۷



سنگاب نفیس تاریخی تالار تیموری از دوران صفویه

فصل ششم

اصفهان در دوره جانشینان تیمور

و عهد ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو

حمله امیر تیمور باصفهان

در ابتدای یورش سه ساله امیر تیمور بموجب وصیت شاه شجاع در سپردن اولاد خود باو مراسله ای بسلطان زین العابدین پسر و جانشین شاه شجاع نوشت و او را بخدمت خواست . سلطان زین العابدین اعتنائی باین دعوت نکرد و بفرستاده تیمور هم اجازه بازگشت نداد . امیر تیمور ازاین حرکت درغضب رفت و بقصد تنبیه سلطان زین العابدین از راه همدان و گلپایگان خودرا باصفهان رسانید . علمای اصفهان از تیمور امان خواستند و تعهد کردند که مالی باین عنوان تسلیم تیمور کنند . تیمور پذیرفت وجمعی از امرای خود را برای گرفتن آن مال بداخله شهر فرستاد . این جماعت درتحصیل مال بمردم اصفهان تعدی بسیار کردند واز تعرض بعرض وناموس اهالی نیز خودداری ننمودند . مردم سر بشورش برداشتند و محصلان و گماشتگان تیموری را ببدترین احوال کشتند وغوغای عظیمی دراصفهان برپا شد . تیمورمقارن غروب آفتاب باصفهان حمله برد و تا فردای آنروز با عامه میجنگید و چون بشهر وارد شد حکم قتل عام آنجا را صادر نمود و امر کرد که ۷۰۰۰۰ هزار سراز کشتگان جمع آورده باو تحویل دهند . مأمورین نیز چنین کردند و بامر آن مرد خونخوار از آنها درشهر کله مناره ها ساختند .

مؤلف کتاب (ظفرنامه) در باره این یورش و کشتار که در سال ۷۸۹ هجری بوقوع پیوسته چنین نوشته است :

« چون ظاهر شهر اصفهان محل نزول گشت سید مظفر کاشی خال سلطان زین - العابدین و حاکم اصفهان از قبل او با خواجه رکن الدین صاعد و سایر سادات و علماء واکابر واشراف جهت استیمان ازشهر بیرون آمدند وعساکر اطراف وجوانب شهر را فرو گرفتند . تیمور بشهر درآمده بضبط قلعه طبرك و گرفتن آنچه اسب و اسلحه درشهر بود فرمان داد . اکابرشهر باردو آمده متقبل مال امان ونعلبهای قشون شدند و بر اهل شهر قسمت کردند . جهت دریافت وجه تحصیلدار معین شد و هر محله باسم امیری تعیین یافت و از طرف امراء مأمورین بشهر درآمدند و اکابر و اعیان را در اردو توقیف نمودند وتدارك وجه میکردند درآن اثنا شبی یکنفردهاتی ازاهل تیران آهنگران (درشمال غربی اصفهان ومتصل بشهراست) بنام علی کچه پا درشهر دهلی زد وجمعیتی فراهم شده بمحلات رفتند و بیشتر محصلان را با بسیاری ازلشگریان که برای رفع حوائج خود داخل شهر بودند کشتند مگردرچند محل که عقلی و وجودی داشتند و محصلان خودرا محافظت نمودند . عده مقتولین قریب سه هزار نفر شد . پس از این کشتار دروازه ها را نیز از مستحفظین گرفتند و بنیاد یاغی گری گذاردند . روز دیگر که تیمور ازقضیه اطلاع یافت حکم داد شهر را گرفتند و تومانات و هزاره جات وصده جات معین شد که ازسر کشتگان برحسب سهم و حصه بیاورند و اداره مخصوصی جهت ضبط و ثبت سرها مقررشد . محافظت محله سادات و کوچه موالی ترکه و خانه خواجه امام الدین واعظ و اشخاصیکه لشگریان تیمور را پناه داده بودند بعهده دسته ای از سپاهیان تیمور واگذارشد واز بقیه هرکس دیگررا یافتند کشتند وکسانیکه شخصاً نمیخواستند قتل نمایند سربریده میخریدند وتحویل میدادند . دراول امر قیمت هرسر بیست دینار کپکی بود واواخر کار به نیم دینار رسید و ازغوامض حکمت الهی آنکه جمعی که در روز ازگزند تیغ بیدریغ امان یافتند و درشب خواستند بگریزند چون ازقضا برفی نشست و اثرپای ایشان در برف بماند روز دیگر آن کینه خواهان پی‌ایشان برگرفته برفتند واز هر

جا که پنهان شده بودند بیرون آوردند و بتیغ انتقام بگذرانیدند. عده مقتولین بروایت اقل هفتاد هزار شد و ازسرها مناره ها ساختند این واقعه در روز دوشنبه ششم ذیقعده سال ۷۸۹ واقع شد . (۱)

تیمور در سال ۷۹۵ شاه منصور پادشاه جوان و رشید مظفری را طی نبردی که نزدیك بود بنابودی خود او منجر شود از پای درآورد و پس از قتل او و سایر افراد خاندان مظفری را مقید نمود . ابتداءِ سلطان شبلی را که بفرمان پدرخود شاه شجاع کور شده و سلطان زین العابدین را که از دست شاه منصور دیده جهان بینش نابینا گردیده بود بسمرقند فرستاد سپس فارس را بپسرخود عمرشیخ سپرد وباشاهزادگان خاندان مظفری عازم اصفهان شد ولی قبل ازرسیدن باین‌شهر فرمان داد تا درتاریخ دهم ماه رجب سال ۷۹۵ هجری درقریه مهیار « ماهیار » (۲) در پنج فرسخی ولایت قمشه جمیع افراد آل مظفر را ازبزرگ و کوچك کشتند وبقیه را هم حکام تیموری در ولایات بقتل آوردند .



کاروانسرای تاریخی مهیار از دوره صفویه

(۱) رجوع شود بجلد دوم کتاب ظفرنامه تألیف شرف الدین علی یزدی چاپ تهران (صفحه ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱٤)

(۲) قریه مهیار در سر راه اصفهان بشیراز درپنج فرسنگی شهرضا (قمشه سابق) واقع شده و دارای یك کاروانسرای تاریخی است .

عدد مقتولین این خانواده را بدست کار کنان تیمور ۷۰ نفر نوشته اند . خلاصه این خاندان بزرگ که بر اثر وجود شاعر بزرگوار خواجه حافظ شیرازی نـامی بلند در تاریخ ادبیات ایران باقی گذاشته اند باین شکل فجیع از میان رفت .

یکی از شعرای آن عهد در باب برافتادن آل مظفر چنین گفته است :

بعبـرت نظـر کن بـآل مظفـر — شهانی که گوی ازسلاطین ربودند
که در هفتصد و پنج و تسعین ز هجرت — دهم شب ز ماه رجب چون غنودند
چو خرما بنان در زمانها برستند — چو تره باندك زمـانی درودند

آثار تاریخی اصفهان از دوره جانشینان تیمور

آثار تاریخی این دوره درشهر اصفهان عبارتست ازبیت الشتاء مسجد جمعه اصفهان که در فصل سوم شرح آن گذشت (۱) وعمارت معروف بتالار تیموری که فعلا محل باشگاه افسران است و تزیینات جـالب توجه آن از نوع قطار بندی هـای گچی است و در سنوات اخیر بتقلید از مینیاتور های موجود درکاخ چهلستون تابلو هائی بقلم استادان معاصر مینیاتور ساز اصفهان بتزیینات سابق آن افزوده شده است .

تیمور در سال ۸۰۵ هجری حکومت اصفهان را بیکی از نوادگان خود میرزا رستم بن عمرشیخ سپرده است وباحتمال قوی عمارت تاریخی تالار تیموری ازبناهای دوره این امیرزاده تیموری و دارالحکومه او بوده است .

یکی از سنگاب های بسیار نفیس اصفهان در وسط یکی از باغچه هـای موجود این کاخ در ضلع جنوبی آن زینت بخش این عمارت شده و بخط نستعلیق بـرجسته اشعار زیر در اطراف آن حجاری شده است :

یـافت توفیق ز رب متعـال — بـاغبـان شه دارین **کمال**
کرد آراسته جامی زر خام — که شود بهره وراز کوثر وجام
تا خورد آب ازو تشنه لبـی — گردد آمـرزش او را سببی

---

(۱) رجوع شود بصفحه (۱۲۱)



دورنمای عمارت معروف به تالار تیموری از بنا های دوره جانشینان تیمور در اصفهان

باغبان گشت سنه جام کمال چون شد از آب بقا مالامال

۱۰۵۶

بر دیوار مقابل ایوان شرقی عمارت تیموری بر یك لوح سنگی مرمری که بر دیوار نصب شده تاریخ تعمیر تالار تیموری بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر نوشته شده است :

« در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی و مساعی تیمسار سرلشگر نصرت الله معتضدی فرمانده لشگر اصفهان عمارت باستانی تیموری تعمیر و باشگاه افسران تأسیس گردید . ۱۳۲۷ »

سردر خانقاه نصر آباد از دوره جانشینان تیمور

نصر آباد ازدهات (ماربین) مشرف ببستر زاینده رود ودرچهار کیلومتری مغرب شهر اصفهان واقع است که بوفور آب و اشجار میوه دار شهرت دارد .

خانقاه شیخ ابوالقاسم نصر آبادی ومدفن وی دراین محل واقع‌شده است ودرسال ۸۵۴هجری بوسیله **خواجه صدرالدین علی طبیب** جد اعلای میرزاطاهر نصر آبادی(۱) مدرسه ای در جنب آن بنا شده است که برجای مانده های تزیینات کاشیکاری سردر ویران آن هنوزهم ازنفاست کاشیهای آن حکایت دارد . درحین ساختمان این مدرسه نسبت بتعمیر خانقاه شیخ ابوالقاسم هَم اقـدام شده است . اکنون این خـانقاه به (تکیه میان ده نصر آباد) معروف است .

کتیبه های سردر مدرسه و خانقاه بخط شرف الدین سلطانی

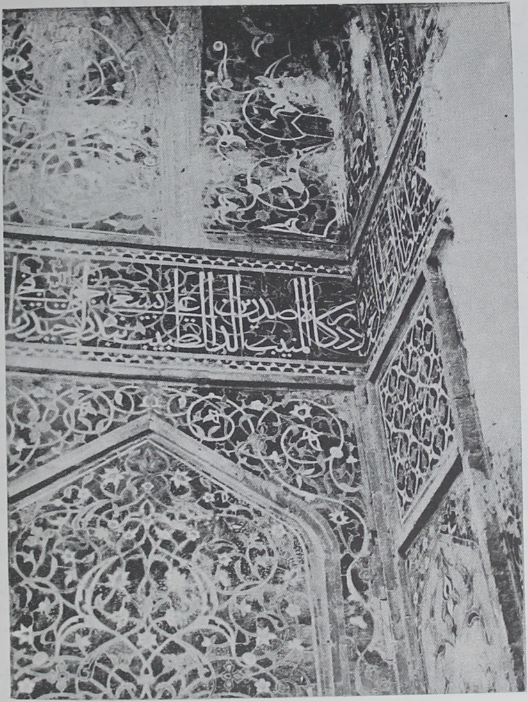
قسمتی ازکاشیهای کتیبه سردرمدرسه وخانقاه نصر آباد دراثرعدم مراقبت بمرور زمان ریخته است . قسمتهای برجای مانده آن که نام بانی ساختمان (صدرالدین علی طبیب) و سرکار بنا (حیدر نافجی) و سال ساختمان آن (۸۵۴ هجری) را در بردارد بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی بشرح زیر است :

« بناء این خانقاه که مزار شیخ است احداث نمود در زمان خلافة سلطان جهان پنـاه ۰۰۰۰۰ (۲) خلدالله ملکه و سلطانه از خاص مال خود بنده درگاه المنیب **صدرالدین علی‌الطبیب** بسعی بنده راجی **حیدرنافجی فی سنة اربع وخمسین وثمنمائه** »

---

(۱) میرزا محمد طاهر نصرآبادی صاحب تذکره نصر آبادی است که در دوره شاه سلیمان صفوی میزیسته و شرح حال و آثار قریب هزار نفر از شعرای عصر صفوی و معاصرین خود را ضبط کرده است و دردهلیزخانقاه شیخ ابوالقاسم نصرآبادی مدفون میباشد . مقبره میرزا طاهر نصرآبادی معروف بمقبره (میرزاها) است وپدر واجدادش نیز درهمین مقبره مدفون هستند . قبر میرزا طاهر هنوز برقرار است ولی سایر قبور و آثار آن از بین رفته و گویـا سنگهای آنرا از روی عدم اطلاع و جهالت جهت تعمیرات پلی‌که در مجاورت مقبره قرار دارد بکار برده اند .

(۲) بطوریکه در متن کتیبه فوق الذکر مشاهده میشود کاشی هائیکه نام پادشاه وقت را



کتیبه کاشیکاری سر در خانقاه نصرآباد از قرن نهم هجری

در برداشته ریخته است و چون این کتیبه قبل ازویرانی آن ضبط نشده و یا اگرجائی ضبط شده بر ما معلوم نیست تکمیل عبارت این قسمت از کتیبه خالی از اشکال نمیباشد . آنچه با مراجعه بتاریخ استنباط میشود آنست که عراق و فارس تا سال ۸۵۵ هجری برای مدت ۱۰ سال قلمرو حکمرانی **سلطان محمد بن بایسنقر** بوده است باین ترتیب که در پنج سال آخر سلطنت شاهرخ (میرزا سلطان محمد) حکمرانی اصفهان و فارس را بعهده داشته و بعد از مرگ شاهرخ در سال ۸۵۰ این شاهزاده تیموری برای

در بالای این کتیبه بخط کوفی باکاشی طلائی رنگ معرق بر زمینه لاجوردی آیه هشتم ونهم از سوره (دهر) بشرح زیر نوشته شده است :

« قال الله تبارك و تعالی و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً انما نطعمکم لوجه الله لانرید منکم جزاء ولاشکوراً . »

اشعار فارسی در سردر خانقاه نصرآباد

در بالای کتیبه تاریخی سر در خانقـاه در حاشیه یـك صفحه کاشیکاری بخط ثلث باکاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی اشعار زیر که بزحمت خـوانده میشود نوشته شده است :

بیت معموراین که دارد سطح او اندرفراز	صد شرف بر سقف مرفوع ازعلووافتخار
در زمان داور دوران غیاث ملك و دین	. . . . . . (۱)
. . . . لازمند	جاه ودولت فتح ونصرت بریمین وبریسار
کمترین بندگان آستانش صدر دین	**کرد سال هشتصد وپنجاه وپنج این یادگار**

اشعار عربی : در حاشیه افقی ذیل این صفحه کاشیکاری و بـالای کتیبه تاریخی سردر نیز این اشعـار بخط ثلث بـا کاشی سفیـد معرق بر زمینه لاجوردی نـوشته شده است :

علـی الله فی کل الامور تـوکلی	وبالخمس اصحاب الکساء توسلی
محمد المبعـوث و ابنیـه بعـده	و فاطمة الزهراء والمرتضی علی

کتبه شرف الدین السلطانی

مدت پنج سال دیگر حکمران مستقل اصفهان و فارس بوده و با جهانشاه قـراقویونلو نیز روابط دوستانه برقرارکرده بوده است. لذا میتوان احتمال داد که قسمتهای ازبین رفته کتیبه نام (سلطان محمد بهادر) را در بر داشته است . سلطان محمد بن بـایسنقر در سال ۸۵۵ هجری در جنگ چناران بدست برادرکوچکترخود میرزا بابر گرفتارشده وبقتل رسیده است (رجوع شود بصفحه ۳۹ و۴۴ جلد چهارم تاریخ حبیب السیر چاپ تهران) .

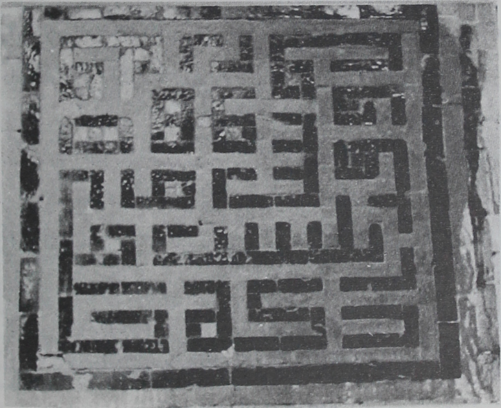
(۱) کاشیهای این قسمت ازکتیبه وجود ندارد .

یك قطعه خط بنائی در سردر خانقاه نصرآباد

بر دو جرز عمودی طرفین سردر و حاشیه افقی بالای آن که بکلی خراب شده است بخط بنائی عباراتی منقوش بوده که فقط قسمتی از آن برجرز غربی باقی مانده و بخط بنائی ساده لاجوردی برزمینه آجری معرق بشرح زیر است :

« قال النبی علیه السلام من قال لااله الاالله دخل الجنه »

و در قسمت پائین همین جرز در یك شکل مربع بخط بنائی لاجوردی بر زمینه آجری نوشته شده است : **« درگه خلق همه زرق وفریبست وهوس »**



یك قطعه خط بنائی در سردر خانقاه نصرآباد
(درگه خلق همه زرق و فریبست و هوس)

از دهلیز خانقاه بصحنی وارد میشوند و درانتهای صحن ایوانی است که باطاقی کوچك و کم ارتفاع ومسقف که مقبره شیخ ابوالقاسم نصرآبادی است منتهی میشود. این اطاق با نقاشی های جدید تزیین شده و غیر از قبر شیخ ابوالقاسم قبور دیگری

نیز در آنجا هست از آنجمله بر دیوار مجاور دو قبر داخل مقبره نصر آبادی که پهلوی هم قرار دارند دو لوح سنگی مرمری نصب شده و مضمون آنها حاکی از درگذشت خدیجه سلطان و فاطمه سلطان دو دختر تاج الملة والدین محمود بن قطب الدین محمد جرفادقانی است که در تاریخ دهم و بیست و سوم ماه رمضان سال ۸۶۱ هجری بفاصله سیزده روز از یکدیگر دار فانی را وداع گفته اند .

بقعه شهشهان و آرامگاه شاه علاء الدین محمد

یکی از بقاع متبر که اصفهان بقعه شهشهان (شاه شاهان) است که در محله شهشهان و در مجاورت مسجد جمعه اصفهان جنب (مسجد صفا) واقع شده و دارای حسینیه و مدرسه میباشد . در این بقعه شاه علاء الدین محمد که از اجله سادات و اشراف و نقباء اصفهان بوده مدفون گردیده است . جمعی از اولا و احفاد وی نیز در این بقعه مدفونند که عموماً از نقباء و اشراف و اجلاء بوده اند و بمرور زمان آثار قبور آنها از بین رفته است و آنچه از آنها باقیست بدون اسم میباشد . شرح حال شاه علاء الدین محمد در اغلب کتب تاریخی و تذکره ها مندرج است و بوجه اختصار شرح حال اواز این قراراست که پس از مدتها اقامت وافاضه بمردم اصفهان چون سید طرف توجه عامه مردم وبالاخص مورد علاقه **سلطان محمدبن بایسنقر** نواده امیرتیمور وحکمران فارس وعراق بوده هنگامیکه سلطان محمد برحکومت هرات و سلطنت جد خود میرزا شاهرخ بن تیمور قیام میکند شاهرخ بقصد سرکوبی او بعراق لشگر میکشد و سلطان محمد بدون آنکه با لشگر شاهرخ مواجه شود از شیراز بلرستان میرود وشاهرخ پس از ورود باصفهان جمعی ازسادات و اکابر وعلماء اصفهان را باتهام معاونت و یاری با سلطان محمد توقیف و تبعید نموده و از آنجمله شاه علاء الدین محمد را دستگیر و بشهر ساوه تبعید مینماید و باغواء و تحریک گوهر شاد خاتون زوجه خود در رمضان سال ۸۵۰ هجری آن سید جلیل القدر را

مصلوب مینماید . (۱)

دولتشاه سمرقندی در تذکرة الشعراء خود راجع باین واقعه تاریخی چنین مینویسد :

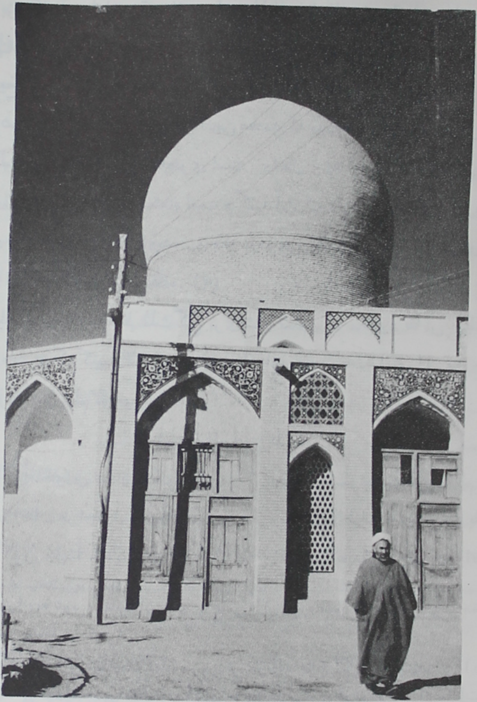
« حکایت کنند که در آخر عمر میرزا شاهرخ بقصد نبیره‌اش سلطان محمد بایسنقر لشگر بعراق کشید و سلطان محمد منهزم شد وشاهرخ سلطان سادات واکابر وعلمای اصفهان را گناهکار ساخت بسبب آنکه سلطان محمد را سلام کرده بودند وشاه علاء-الدین را که از اکابر سادات حسینی بود و قاضی امام و خواجه افضل الدین ترکه که از بزرگان علمای اصفهان بوده درشهرساوه حکم کشتن کرد وبسعی گهرشادبیگم آن بزرگان مظلوم را بیگناه بزاری زار بقتل آوردند . گویند که دو نوبت ریسمان خواجه افضل ترکه پاره شد واوفریاد میکرد که با شاهرخ بگوئید که این عقوبت بر ما لحظه ای بیش نیست اما پنجاه ساله نام نیك خود را ضایع مساز . چندانکه بزرگان سعی کرده اند مفید نیفتاد و آن صورت بر شاهرخ بهادر مبارك نیامد . بعد از هشتاد روز شاهرخ سلطان متوفی شد و بعضی گویند که چون آن بزرگان مظلوم ازجان نا امید شدند شاهرخ سلطان و گهرشاد بیگم را دعا های بد کردند که یارب همچنانکه فرزندان ما را نا امید میسازد تخم او را منقطع گردان در آسمان گشاده بود دعای عزیزان بیگناه مظلوم اجابت شد و نسل آن پادشاه عالی منزلت منقطع گشت . » (۲)

شاهرخ هشتاد روز پس از این واقعه در شهرری در گذشت وسلطان محمد بهادر مجدداً باصفهان مراجعت نموده و بپاس احترام شاه علاء الدین محمد که جان خود را درراه او ازدست داده بود نعش وی را با احترام باصفهان منتقل نموده ودرحسینیه

---

(۱) اقتباس از رجال اصفهان یا تذکرة القبور با حواشی و ملحقات بقلم آقای سید مصلح الدین مهدوی صفحه ۱۸۸

(۲) تذکره دولتشاه سمرقندی صفحه ۳۷۸ چاپ تهران .



بقعه شهشهان آرامگاه شاه علاءالدین محمد

و خانقاه خود سید که در محله حسینیه (شهشهان فعلی) واقع بود مدفون نمود و بر آرامگاه او بقعه فعلی شهشهان بنا گردید وقراء (اصفهانك) و(درزیان) واقع در بلوك (کرارج) اصفهان و ولاسان واقع در فریدن را برای بقعه وقف نموده و

بامضاء بزرگان و علمای وقت از جمله مولانا جلال الدین دوانی میرساند . (۱)

تزیینات گچ بری و خطوط و کتیبه های داخل بقعه شهشهان

تاریخ ساختمان بقعه شهشهان با در نظر گرفتن تاریخ وقفنامه بقعه (۲۲ ربیع الاول ۸۵۲) وتاریخ قتل شاه علاء الدین محمد که دررمضان سال ۸۵۰ هجری اتفاق افتاده است بین ۸۵۰ تا ۸۵۲ هجری است . داخل و خارج بقعه با تزییناتی از نوع گچ بری وکاشیکاری آراسته شده است و گنبدآن که در سالهای اخیر رو بویرانی نهاده بود تجدید ساختمان گردیده . داخل بقعه تزیینات گچی دارد وکاشیکاری ازاره های آن از اقدامات جدید است . (۲)

کتیبه اصلی بقعه بخط ثلث گچ بری شده بقلم سید **محمود نقاش** خطاط نیمه قرن نهم هجری که کتیبه ثلث سردر بیت الشتاء مسجد جمعه اصفهان مورخ بسال ۸۵۱ هجری نیز بقلم او میباشد شامل اشعار و عباراتی است بشرح زیر :

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ذاکراً اخوان صدق بالصفا	ثم المقـــــــام فمروة ثم المنا
انسیت راحات براحاواسقیت (۳)	نغمات اطیار تغـــــرد بالغنا
ها اذکرن عهداً قدیما باقیا	انسیت عهداً قد تقدم وانطوا

---

(۱) مراجعه شود بکتاب ازسعدی تاجامی تألیف پروفسور ادوارد برون ترجمه جناب آقای حکمت صفحه (۶۵۰)

(۲) بنای تاریخی شهشهان تحت سرپرستی مرحوم حاج آقا حسین شهشهانی از قضات دانشمند معاصر ومراقبت برادرایشان آقای حاج آقا مرتضی شهشهانی که از سادات جلیل‌القدر شهشهانی هستند در سالهای اخیر تحت تعمیر و ترمیم واقع شده و قرار است گنبد آن نیز که تجدید ساختمان شده‌کاشیکاری شود. برای اطلاع بیشترازخدمات این‌خاندان عالیقدر وفاضل‌اصفهان مراجعه شود بکتاب (ازسعدی تاجامی) تألیف پروفسور ادوارد برون ترجمه جناب آقای حکمت صفحه (۶۵۰) وکتاب رجال اصفهان با حواشی و ملحقات آقای سید مصلح الدین مهدوی صفحه ۱۸۸ تا ۱۹۱ .

(۳) کلمه (اسقیت) درکتیبه بدون حرف (الف) نوشته شده است .

قم واخلع النعلين فی ارجاءِ ما — قـد قدست هـذاك وادی طوی

من ایمن الـوادی کلیم الله قـد — حاز الهدی عیناه اذ شام السنـا

ما ذلك النور الـذی مثل القبس — قل صادقاً نـور النبی المصطفی

لما تجلی نـــوره للمرتضی — قال الولی بالحق لو کشف الغطا

و ابنـاه سبطا احمد شهداً کما — شهد النبی بدر الدجی شمس الضحی

هـذا بسم قـد قتل بالسیف ها — ذا صـار سلطاناً بطف الکربلا

یـا زائر الشاه الشهید المشتهر — هـذاك سلطـان دلیلا مـا علا

از هـذه روضـات جنات العلی — والله عـــز بالمعالی قد علا

ذا مرقد السعد السعید و قبره — ذا مشهد الشاه الشهید المجتبی

هذا مزار السادة الشم الاولی — خذه المهم ۰۰۰۰۰۰ و سجداً

مجدالمؤثل من علاهم یستضئی (۱) — فی ذروة الاصل الاصیل قداعتلا

بعد از اشعار فوق الذکر عبارات زیر نوشته شده است :

« سلطان النقباءِ بالاتفاق برهان نجباءِ الافاق مقدم السادات السعید الشهید الاعلا الوالد و والدون محمد بن محمد بن محمد بن یحیی بن محمد بن محمد بن حیدر بن الحسین بن محمد بن قوام الشرف بن محمد بن قوام الشرف بن هاد ابن اسمعیل - بن الحسین بن علی بن الحسن بن علی بن الحسین بن علی بن عمر بن الحسن بن - علی بن علی بن الحسین بن علی بن ا بیطالب .

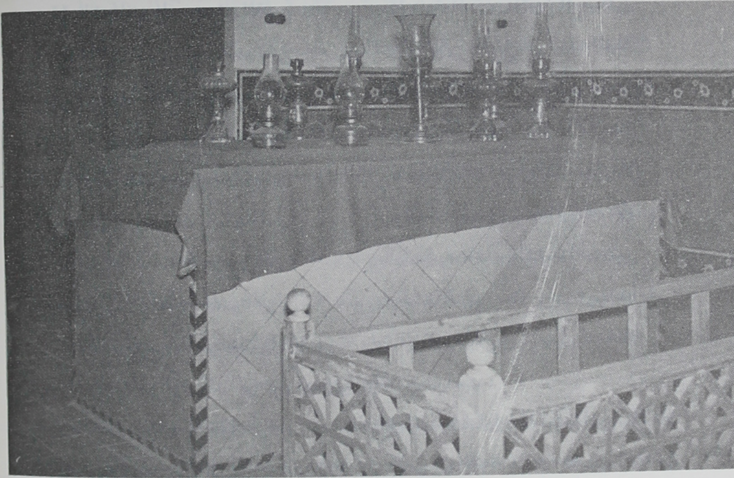
زمـان صلبوا الشـاه المعلا — وفاق المرتضی شهرالصیـام

---

(۱) این مصراع عیناً ازیادداشتهای مرحوم حاج آقا حسین شهشهانی نقل شده وتطبیق آن با اصل کتیبه بعلت تعمیری که از این قسمت بعمل آمده امکان پذیرنشد لکن بقیه اشعار و عبارات این کتیبه تاریخی از روی نسخه‌ای که از طرف آن شاد روان در اختیار نگارنده قرار داده شد در محضر حضرت آقای حاج میرسید علی ابطحی با اصل آن تطبیق شد و در چند مورد تصحیح گردید . مرحوم حاج آقـا حسین شهشهانی در تـاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۴۰ شمسی در ژنو بمرض قلبی درگذشت و در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۴۱ در بقعه شهشهان در جوار جد خود شاه علاء الدین محمد مدفون گردید .

خلا رمضـان من امر خلابه　　　　تفطر عام اتمام الامـــام

عاقبت خیر باد کتبه العبد سید محمود نقاش.»



آرامگاه شاه علاءالدین محمد مقتول بسال ۸۵۰ هجری

در بالای این کتیبه بخط کوفی مشگی عبارت (سلام علی آل یس) بطور مکرر نقاشی شده است.

گلدان خط در بقعه شهشهان

بردیوارضلع شرقی داخل بقعه شهشهان صورت یك گلدان نقاشی شده که هیکل گلدان را از پائین ببالا اشعار زیر بخط نستعلیق سفید درهم بـر زمینه سبز روشن گچی تشکیل میدهد :

بماند سالها این نظم و تـرتیب　　　　زما هر ذره خاك افتاده جائی

غرض نقشیست کز ما باز ماند — که هستی را نمی بینم بقائی
مگر صاحبدلی روزی برحمت — کند در کار درویشان دعائی

قسمت فوقانی مدخل بقعه در ایوان غربی کاشیکاری شده و در وسط پشت بغل کاشیکاری معرق این ایوان که از آثار بسیار نفیس کاشیکاری در قرن نهم هجری است نام استاد کاشبکار آن بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه لاجوردی بشرح زیر آمده است : « **عمل مبرم کاشی تراش** »

اخیراً برای این بقعه بسبك درهای قدیم یك جفت در منبت‌کاری کار اصفهان تهیه ونصب شده که این کتیبه برروی آن بخط ثلث مشگی برجسته خوانده میشود :

« هذا بقعة السید السند والبحر المعتمد السعید الشهید الشاه علاء الدین محمد المقتول فی سنة خمسین و ثمانمائه . »

علاوه بر این در منبت‌کاری که در بقعه شهشهان نصب شده درهای منبت کاری دیگری نیز برای نصب در داخل بقعه آماده شده است . (۱)

کتیبه‌گچ بری داخل بقعه شهشهان

بر دیوارشمالی داخل بقعه شهشهان یك کتیبه پنج سطری گچ بری شده است که حاکی از اقدام بانوی خیره ای در دوره شاه عباس اول بنام (خانم سلطان) نسبت بتعمیر بقعه است و بطوریکه کتیبه حکایت دارد قرار بوده است جنازه او که بامانت در این بقعه سپرده شده بود بعداً بمشاهد مقدسه منتقل شود .

این کتیبه بخط ثلث سفید بر زمینه قهوه ای و سبز وقرمز در پنج سطر ومورخ بسال ۱۰۱۳ هجری بخط (صحیفی‌فارسی) بشرح زیر گچ بری شده است :

« قد اتفقت فی ایام خلافة السلطان الاعدل الاکرم الاعظم مولی ملوك العرب

---

(۱) درهای جدید بقعه شهشهان بدستور شاد روان حاج آقا حسین شهشهانی و بهمت آقای حاج آقا مرتضی شهشهانی تهیه و نصب شده است .



کتیبه‌گچ بری داخل بقعه شهشهان بخط صحیفی فارسی و مورخ بسال ۱۰۱۳ هجری
سطر فوقانی این تصویر نمونه خط ثلث سید محمود نقاش از قرن نهم هجری است

والعجم قهرمان الماء والطين ظل الله فی الارضین غلام باخلاص امیرالمؤمنین علی بن
ابی طالب علیه صلوات الله رب العالمین السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان
ابوالمظفر سلطان شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه و
سلطانه و افاض علی العالمین بره وعدله و احسانه تعمیرهذه القبة الرفیعة من برکات
علیا حضرة المقدسة العلیة المغفورة سلالة العترة الطاهرة صالحه خانم سلطان اسکنها
الله فی ریاض الجنة صارت مضجعها عاریة الی ان انتقل الی المشاهد المقدسة فی شهر
ذی الحجة سنة ثلاث و عشر و الف من الهجرة النبویة خط صحیفی الفارسی .»

درب امام از دوره جهانشاه قراقویونلو

یکی از امامزاده های معتبر اصفهان که درمحله چمبلان (سنبلان - سنبلستان)
ازمحلات قدیمی شهراصفهان ودرمجاورت محله کهنسال دردشت واقع شده **درب امام**
میباشد که آرامگاه دو امامزاده بنام ابراهیم بطحا و زین العابدین است . در کتاب
میزان الانساب در باره اسم و نسب زین العابدین چنین نوشته شده است :

« ابوالحسن زین العابدین علی بن نظام الدین احمد الابج بن شمس الدین -
عیسی الرومی بن جمال الدین محمد بن علی العریضی بن الامام الهمام جعفرالصادق
علیه الصلوة والسلام که بچهارواسطه بحضرت صادق سلام الله علیه منتهی میشود وعلی
عریضی که جد او میباشد همان علی بن جعفرمیباشد که کتاب او در میان محدثین
وفقها معروف است و اینجانب هم تمام آنرا دیده‌ام و دراجازات خود روایت کرده‌ام
وجمیع احادیث آن ازبرادر بزرگوارش حضرت امام موسی کاظم علیه الصلوة والسلام
میباشد و این بزرگوار از اجلاء امامزادگان عظام میباشد و جلالت و وثاقت او
متفق علیه میباشد و چهار امام را ملاقات کرده وادراك فیض صحبت ایشان را نموده
امام جعفر صادق پدر بزرگوارش و امام موسی کاظم برادر عالیمقدارش وجناب امام

رضا و حضرت جواد سلام الله علیهم . » (۱)

شیخ جابری انصاری در باره این بنای تاریخی ومدفونین در بقعه آن در تاریخ اصفهان و ری چنین نوشته است :

« دو امامزاده درب امام یکی را امامزاده ابراهیم طباطبائی از نبیره های حسن مثنی ودیگری را سید علی ملقب بزین العابدین واولاد علی بن جعفر عریضی میخوانند و این نسبت بمحل عریض است که وادی است بیرون مدینه . باری آن دوسید عالی نسب در این محل مدفونند و جلوی گنبد امامزاده مقبره ایست و گچ بری ممتاز و کاشیکاری قشنگی دارد که بدولت کم مدت امیر جهانشاه قراقویونلو در عراق زینت یافته . گویند قبر مادر امیر جهانشاه در آن محل است . در کتیبه بیرون مقبره نام امیرجهانشاه را نوشته اند و خود امیر جهانشاه در دیار بکر از امیر حسن بیك آق قویونلوشکست خورده وبدست اسکندر نامی در تاریخ ۸۷۲ هجری کشته شده است» (۲)

بنای تاریخی درب امام ازدو گنبد بزرگ و کوچك ویك سردر بزرگ کاشیکاری از دوره جهانشاه قراقویونلو که در ضلع شمالی آن واقع است و سه صحن در سه جانب شمالی و شرقی و غربی آن تشکیل شده است . نمای خارجی این بنا بجانب هرسه صحن دارای تزیینات کاشیکاری و گچ بری است وهردو گنبدآن مخصوصاً گنبد بزرگتر از کاشیهای نفیس پوشیده شده است . در ورودی فعلی بقعه بصحن شرقی باز میشود ولی سردر آن درقرن نهم هجری که ساختمان آن باتمام رسیده درجانب شمالی بوده است که فعلا هم در جای خود باقی میباشد ولی دهلیزی که این سردر را بداخل بقعه مربوط میکرده است از طرف سردر اصلی آن مسدود شده و بجای

---

(۱) کتاب میزان الانساب درشرح حال امامزاده های معتبرشهراصفهان تألیف آقامیرزا محمد هاشم چهارسوقی بانضمام مقدمه و حواشی بقلم میرسید احمد روضاتی چهارسوقی (صفحه ۴۶ و ۴۷)

(۲) تاریخ اصفهان و ری تألیف شیخ جابری انصاری صفحه (۳۴۹)

در ورودی پنجره ای نصب شده است .

سردر اصلی بنای تاریخی درب امام بنام امیر زاده جهانشاه مورخ بسال ۸۵۷ هجری

سردر اصلی درب امام که درضلع شمالی ومشرف بصحن شمالی آنست ازشاهکار های تزیینات رنگین ایرانی‌است که از لحاظ ظرافت صنعت‌کاشیکاری نظیر آنرا کمتر سراغ داریم و شاید کاشیکاری مسجد کبود تبریز که آن هم در دوره جهانشاه قراقویونلو بنا شده است همانند آن باشد. کتیبه تاریخی این سردر در جبهه مقابل و جانب غربی سردر که ابتدای کتیبه از آنجا است باقی مانده ولی ثلث آخر کتیبه که درجانب شرقی‌سردر بوده بکلی ازبین رفته. این کتیبه که بخط ثلث سفید وباکاشی معرق بر زمینه لاجوردی رنگ نوشته شده بشرح زیر است :

«درزمانی که والی‌ولایة عظمی و حاکم حکومة کبری پادشاه جهان پناه **ابوالمظفر امیر زاده جهانشاه** خلدالله خلافته حکومة این ولایة با ایالة و اشارة شاه زاده عالم مؤید قواعد الدین الاحمدی **ابوالفتح محمدی** خلدالله سلطانه مفوض‌فرموده بود امیر اعظم اعدل معدن العز والجاه جلال الدین صفرشاه زاد الله دولته در بنای این بقعه رفیعه وعمارت منیعه طلباً لمرضاة الله اهتمام بکار داشت فی شهور سنة سبع و خمسین و ثمانمائه . (۱)

در زیر مقرنسهای‌کاشیهای نفیس این سردر بخط ثلث‌آجری پوسته شده برزمینه کاشی لاجوردی رنگ دو لوحه بشرح زیر موجود است :

بماند سالها این‌کار وترتیب   زما هرذره خاك افتاده جائی

---

(۱) قسمت‌آخراین‌کتیبه از جمله (دربنای این‌بقعه رفیعه) بوسیله‌آقای سید محمد تقی مصطفوی مدیرکل اسبق باستانشناسی در اختیار نگارنده قرار داده شده و بطوریکه متذکر شده اند عبارت آخر کتیبه بوسیله استاد جلال الدین همائی تکمیل شده است .



بنای تاریخی درب امام از دوره جهانشاه قراقویونلو

غرض نقشیست کزما بازماند   که گیتی را نمی بینم بقائی

در بالای کتیبه خط ثلث این سردر پنجره مشبکی از کاشی نصب شده که در اطراف آن بخط حنائی رنگ معرق بر زمینه کاشی لاجوردی اشعار زیر نقش شده است :

کنایه ایست بدین دور گنبد افلاك   که پاك باش چو جام ومدار از کس باك

ز سقف خانه دنیا مجوی نقش وفا   مشو بآمدنش شاد وز شدن غمناك

ببین بعین بصیرت که آنك ایوانش   گذشته بود ز کیوان چگونه شد درخاك

کتیبه های سردر رواق درب امام

درسمت شرقی سردر اصلی بنای تاریخی درب امام که کتیبه آن حاکی ازساختمان بنای مزبور در دوره جهانشاه قراقویونلو در سال ۸۵۷ هجری است سردر تاریخی دیگری واقع شده که کتیبه های آن حاکی از اقدام شاه سلطانحسین صفوی نسبت

بتعمیر بقعه درب امام و ساختمان رواق شرقی بقعه است . کتیبه اول این سردر بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

« اقدام هذه العمارة المنورة فی ایام دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مروج المذهب الائمة المعصومین علیهم السلم **شاه سلطان حسین الصفوی** الموسوی الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه . »

ودرقسمت آخراین کتیبه دردولوح کوچك بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی نوشته شده است :

« علی نقی ابن محمد محسن الامامی » « عمل استاد محمد بن محمد غدیر آجر تراش ۱۱۲۷ »

کتیبه دوم بخط ثلث سفید بـر زمینه کاشی خشت لاجوردی در دو سطر بشرح زیر است :

« قد وقع تعمیر هذه البقعة المنسوبة الی مولانا سید الساجدین التی فیها مزار- السیدین السندین امام زاده ابراهیم بطحا وامام زاده زین العابدین بامر نواب الخاقان بن الخاقان اعظم السلاطین الصفویة المسفورة فی الفوق **کتبه الفقیر عبدالرحیم فی ۱۱۲۹ .** »

در اطراف رواق شرقی که بفحوای کتیبه سردر آن در دوره شـاه سلطانحسین صفوی بنا شده و بصورت یك ردیف اطاق درضلع شرقی مرقد واقع شده است بخط بنائی باکاشی فیروزه ای بر زمینه شطرنجی آجری اشعار زیر نوشته شده است :

بر دیوار غربی رواق :

چون نامه جرم ما بهم پیچیدند — بردند و بمیزان عمل سنجیدند

بیش ازهمه کس گناه ما بود ولی — مـا را بمحبت علـی بخشیدند

بر دیوار شرقی رواق :

غرض نقشی است کز ما بازماند — که هستی را نمی بینم بقـائی

مگر صاحبدلی روزی برحمت — کند در حق درویشان دعـائی

گنبد بزرگ و کوچك درب امام

تاریخ ساختمان دو گنبد بزرگ و کوچك درب امام متفاوت است . گنبد بزرگ معماری قرن نهم هجری و زمان ساختمان بقعه است که پوشش کاشیکاری آن دردوره سلطنت شاه عباس اول تعمیر یا تجدید شده و بانی این اقدام شخصی بنام (غیاث الدین محمود الحسینی المستوفی) بوده است . (۱) کتیبه این گنبد بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی شامل سوره (دهر) تا آخر آیه سیزدهم این سوره است وقسمت آخر کتیبه بعبارات زیر خاتمه میبابد :

« فی ایام الدولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم **ابی المظفر عباس الحسینی - الموسوی الصفوی** بهادرخان خلدالله ملکه وقد اوفق هذا الداعی غیاث الدین محمود الحسینی المستوفی کاتب ۱۱۰ » (۲)

خطوط بنائی گردنه گنبد در دو سطر باکاشی لاجوردی رنگ بر زمینه آجری بشرح زیر است :

در سطر اول جمله : (الحمد لله) تکرارشده و درسطردوم بخط بنائی سه رگی لاجوردی سوره (اخلاص) نوشته شده است.

گنبد کوچك درب امام : بنای درب امام ابتداء فقط حرمی بوده که روی آن گنبدی و جلوی آن دهلیزی قرار داشته است و ساختمان آن در سال ۸۵۷ هجری هنگام پادشاهی جهانشاه قراقویونلو بانجام رسیده است بعداً قبور متعددی دراطراف مرقد امامزادگان احداث شده و بقدری زیاد شده که دهلیز جلوی بقعه نیز مدفن

---

(۱) از تعمیردوره شاه عباس اول هم درسنوات اخیر قسمت قابل ملاحظه ای باقی نمانده بوده است و قسمت عمده کاشیکاری فعلی از اقدامات اداره باستانشناسی است که تاریخ تعمیر آن در یك سطر عمود بر کتیبه دور گنبد بخط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی باین ترتیب ذکر شده است : « بسرپرستی مهندس روانبد تعمیر شد ۱۳۲۵ »

(۲) عدد (۱۱۰) درآخر این کتیبه مفهوم نشد . محتمل است این عدد (۱۰۱۰) بوده که برابر با چهاردهمین سال سلطنت شاه عباس اول و تعمیر پوشش خارجی گنبد بوده است .

اموات گردیده و بجای در سابق اصلی آن پنجره ای نصب شده است و درسال ۱۰۸۱ هجری گنبد کوچکی نیز برفراز رواق مزبور که باین ترتیب جزء مقبره شده بوده ساخته شده است . (۱)

کتیبه گنبد کوچك درب امام که بخط محمد رضا امامی و مورخ بسال ۱۰۸۱ هجری است بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی پس از عبارت (قال الله سبحانه تبارك و تعالی) شامل (آیة الکرسی) است و در قسمت آخر پس از ذکر آیه ۲٦ و۲۷ سوره (آل عمران) تاریخ اتمام ونام خطاط آن بشرح زیر آمده است:

« فی احدی وثمانین والف کتبه محمد رضا الامامی . »

کتیبه گردنه گنبد کوچك بخط بنائی سه رگی باکاشی لاجوردی برزمینه آجری بشرح زیر است :

« لمن الملك الیوم لله الواحد القهار »

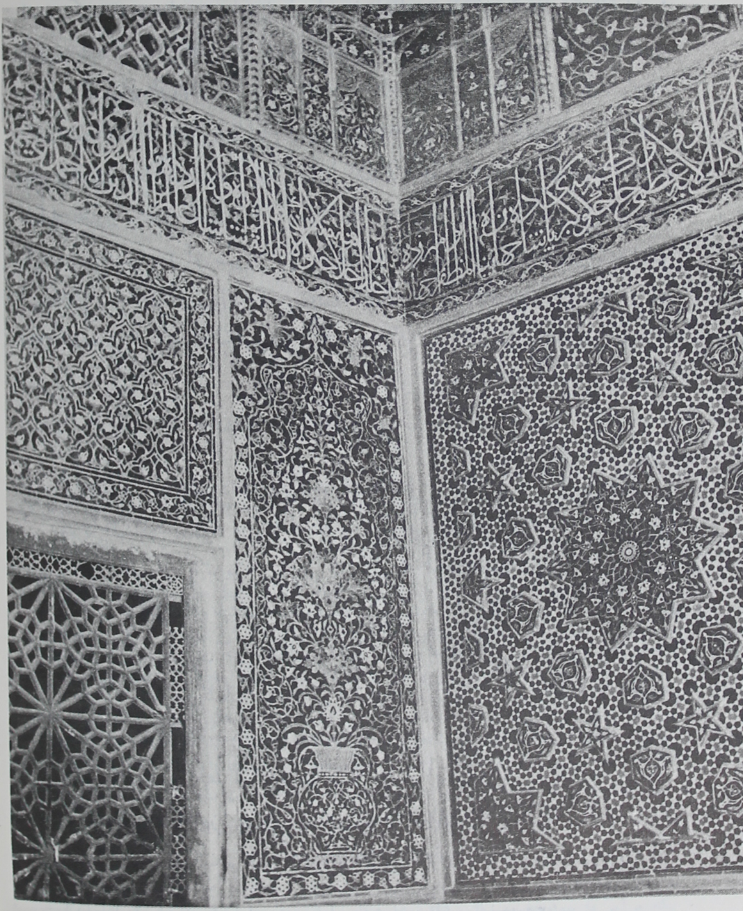
تزیینات وکتیبه های داخل دوگنبد درب امام

در داخل گنبد بزرگ درب امام که ضریحی برآرامگاه دو امامزاده قرار دارد دیوار ها و سقف آن با تزیینات نقاشی گل و بوته آراسته شده است و ازاره های اطراف حرم باکاشی‌های خشت هفت رنگ تزیین شده ولی‌هیچ نوع کتیبه ای درحرم وجود ندارد . در ورودی حرم دارای زنجیر نفیسی است که بر دایره برنجی وسط آن بقطر ۱۱ سانتیمتر کلمات و عباراتی منقور است . این زنجیر را در قرن سیزدهم هجری شخصی بنام آقا محمدحسن تاجرهمدانی وقف برامامزاده نموده است. عبارات حاشیه دائره برنجی بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

« وقف حضرت امامزاده زین العابدین نمود عالیشان آقا محمد حسن تاجرهمدانی این زنجیر را . طمع کننده بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتارشود . بتاریخ ۱۲۰۶ »

---

(۱) آثار ایران (جلد اول - جزوه دوم) ترجمه فارسی صفحه ۳۸



کتیبه خط ثلث و کاشیکاری معرق سر در نفیس بنای تاریخی درب امام از دوره جهانشاه قراقویونلو

عبارت متن دایره برنجی زنجیرشامل اسماءِ الله است بشرح زیر :

« یا سلطان »   « یا سبحان »   « یا قاضی الحاجات »   « یا منان »

و بخط نستعلیق برجسته این عبارت را در بردارد : « بتاریخ بیست و ششم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۷۰ »

اشعار فارسی در داخل گنبد کوچك درب امام

در شمال مرقد دهلیزی است که راه ورودی اصلی مقبره از سردر کاشیکاری دوره جهانشاه بوده است و باطاق مربع شکلی منتهی میشود . در این اطاق صورت قبوری وجود دارد و گفته شده است که مادر جهانشاه قراقویونلو هم درهمین محل دفن شده سقف اطاق واقع در دهلیز که گنبد کوچك درب امام بر فراز آن بنا شده دارای مقرنسهای گچی و طلاکاری و پنجره های گچ بری شده است و در قاعده گنبد آن کتیبه ای در دو سطر موجود است که در سطر اول بخط کوفی طلائی رنگ برزمینه کبود جملات : یا سبحان . یا حنان . یا منان . یا برهان نقاشی شده و در سطر دوم آن بخط ثلث طلائی رنگ برزمینه کبود اشعاری نقاشی شده است . ابتدای این اشعار ضلع غربی محوطه زیر گنبداست وضمن ابیات آن بنام **جهانشاه قراقویونلو و ابوالفتح محمدی سلطان** (۱) که از طرف او حکمران اصفهان بوده و سال تحریر این اشعار (۸۵۷ هجری) که سال بنای درب امام است اشاره شده . اشعار مزبور بشرح زیر است :

---

(۱) بعضی از نویسندگان این ابوالفتح محمدی سلطان را با (میرزا سلطان محمد بن بایسنقر گورکانی) که تا سال ۸۵۵ هجری قمری حکمران اصفهان و فارس بوده و در این سال در محل چناران در جنگ با برادر خود میرزا بابر اسیر شده وبقتل رسیده است اشتباه کرده اند . بعقیده مؤلف چون در سال نصب کتیبه تاریخی درب امام (سال ۸۵۷ هجری) میرزا محمد بن بایسنقر وجود نداشته است واصفهان در این زمان قلمرو مستقیم حکمرانی جهانشاه قراقویونلو بوده و جهانشاه پیرو مذهب تشیع بوده بقعه و بارگاه **درب امام**

نظـام یافت بنـام خدای عالمیـان | عمارتی که بود رشک روضه رضوان
بنزد طاس زر اندود و چتر این گنبد | مرقعیست کبود این رفیع شادروان
زرشگ شمسه این هشت طاق و نه منظر | چوذره شمسه خورشید گشته سر گردان
نهاده صبح بدین سبزه سپهر ز مهر | برای زینت این بقعه جام جاویدان
بیمن همت زین العباد و دولت شـاه | بهشت روی زمین گشت ملك اصفاهان
بعهد ...(۱) **جهانشاه** آن ابوالفتحی | که کرد نام خدایش **محمدی سلطان**
بروج قصر جلالش از آن رفیع تر است | که تیروهم رسد بروی از کمان گمان
اجل بدست خودش داد تیغ وزد بر پای | کسی که کرد سرافرازشمس عالمیان
اگرزدنیی دون شمس الدین محمد رفت | **جلال میرصفرشاه** بـاد در دوران
تمـام گشت بفضل مفتح الابـواب | **بسال هشتصد و پنجاه وهفت این بنیان(۲)**

صحن غربی درب امام : نمای خارجی بقعه ودیوارهای مجاور آن بسمت صحن غربی تزییناتی از پشت بغل های کاشیکاری دارد وایوانهای مشرف باین صحن دارای

بنا شده است و شاهزاده **محمدی سلطان** که نام اودر کتیبه آمده فرزند جهانشاه قراقویونلو است که یقیناً در آنموقع حکومت اصفهان را بعهده داشته است : بطوریکه در تاریخ ضبط شده یکی از فرزندان جهانشاه **محمدی** نام داشته است که بهمراهی پدر خود درلشگرکشی ببغداد در سال ۸۷۰ مأموریت قتل (امیر پیر بداق) فرزند یاغی جهانشاه باو محول شده و با اشاره او بقتل رسیده است . این (محمدی) تا آخرین روز هـای حیات جهانشاه قراقویونلو همراه پدر خود بوده است و پس از آنکه جهانشاه در جنگ با حسن بیك آق قویونلو بطور ناشناس دستگیر شده و بوسیله اسکندر نامی از لشگریان وی بقتل رسیده است حسن بیك آق قویونلو دوفرزند او**محمدی** و **میرزا یوسف** را اسیر کرده محمدی را بضرب تیر کشته و میرزا یوسف را نابینا کرده است :

چو دولت از آن خاندان در گذشت | یکی کشته شد دیگری کور گشت

(مراجعه شود بجلد چهارم تاریخ حبیب السیر چاپ تهران صفحه ۸۶)

(۱) یك کلمه از این مصراع بخوبی خوانده نمیشود . درکتاب آثار ایران این کلمه (فقد) ضبط شده است .

(۲) گنبد کوچك درب امام درسال ۱۳۳٤ خورشیدی وصحن شمالی آن تا سال ۱۳۳۷ بسرپرستی مؤلف و بـوسیله استادان هنرمند اداره باستانشناسی اصفهـان تعمیر و کاشیکاری شده است .

مقرنسهای زیبای گچی است که قسمتی از آنها رنگ‌آمیزی شده. درایوان وسط این ضلع درها و پنجره های نفیسی نصب شده بوده است که بعضی از آنها هنوز موجود است . یکی از پنجره های نفیس گچ بری این قسمت که یقیناً نظیر آن در هیچیك ازبناهای تاریخی کشور کهنسال ایران وجود ندارد وتمامی آن ازگچ ریخته شده و با شیشه های رنگین تزیین شده است بوسیله اداره باستانشناسی اصفهان با مراقبت تمام بقصرچهلستون انتقال داده شده وبرای تماشای سیاحان درمحل مناسبی دریکی ازاطاقهای این کاخ نصب شده است. قسمت وسط این پنجره که قبل ازانتقال شکسته شده بوده است بوسیله استاد هنرمند فقید گچ بر اصفهان (استاد نصرالله رفائیل) بطوری ماهرانه تعمیرشده است که باکارهای اصلی آن هیچگونه تفاوتی ندارد . (۱)

صحن شرقی درب امام : کتیبه فوقانی نمای خارجی بقعه بسمت صحن شرقی شامل دو ردیف خط بنائی است :

ردیف اول بخط بنائی ساده یك رگی لاجوردی بر زمینه آجری شامل صلوات برچهارده معصوم (ع) است و در ردیف دوم بخط بنائی سه رگی مشگی بر زمینه آجری عبارات زیر نوشته شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله والحمدلله و لااله الاالله والله اکبر ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم . شهد الله انه لا اله الا هو والملئکة و اولواالعلم قائماً بالقسط . »

---

(۱) این پنجره دردوره تصدی مرحوم جواد مجد زاده صهبا نماینده باستانشناسی اصفهان بعمارت چهلستون منتقل شده است. مرحوم صهبا دراردیبهشت سال ۱۳۲٤ شمسی وفات نمود ودریکی ازاطاقهای مجاور بقعه بابا رکن الدین مدفون است . مرحوم استاد نصرالله رفائیل استادگچ بر بی نظیر اصفهان که تعمیرگچ بریهای محراب معروف مسجد جمعه اصفهان نیز نمونه ای از هنرمندی او در این فن بشمار میرود و سالهای متمادی بآثار و ابنیه تاریخی اصفهان خدمت نموده است در سال ۱۳۳۷ شمسی وفات نمود ودر تکیه آقا سید محمد لطیف درتخت فولاد اصفهان مدفون شده است.

حاشیه پشت بغل ایوان ورودی در صحن شرقی بخط بنائی باکاشی لاجوردی بر زمینه کاشی سفید شامل (آیة الکرسی) است و باین عبارت ختم میشود :

« والصلوة والسلام علی محمد المصطفی سید المرسلین وحبیب اله العالمین ۱۲۰۶»

مسجد سعید بن جبیر

صحن شمالی که در مقابل سردر های نفیس کاشیکاری بقعه درب امام واقع شده و اطراف آن با غرفه ها و پشت بغل های کاشیکاری تزیین شده است از زیبا ترین صحن های سه گانه درب امام میباشد . در ضلع غربی این صحن مسجد کوچکی که دارای درخیلی قدیمی میباشد بنام مسجد (سعید بن جبیر) واقع شده است .

شیخ جابری انصاری در تاریخ اصفهان در باره این مسجد کوچك چنین نوشته است :

« دیگر از مساجد کهن مسجد منسوب بسعید بن جبیر است . مساحتش بیش از یك قفیز که دربش در صحن باز میشود و بنای اصلی آن پس از مسجد امامزاده اسمعیل (مقصود مسجد شعیا است که در فصل مربوط بامامزاده اسماعیل از بناهای تاریخی نفیس اصفهان بتوصیف آن خواهیم پرداخت : مؤلف) و قسمتی از جامع کهن تر از دیگر مساجد بوده . سعید در سال ۸۱ هجری همراه عبدالرحمن اشعثی باصفهان آمده و رحل اقامت انداخته و در این محل عبادت مینموده (۱) در دوره صفویه در داخل این مسجد کوچك کاشیکاری مختصری شده است . کتیبه اطراف محراب آن بخط بنائی مشگی باکاشی معرق بر زمینه زرد شامل (سورة الضحی) است و قسمت آخر آن بعبارت : (سبحان ربك رب العزة عمایصفون و سلام علی - المرسلین والحمد لله رب العالمین) ختم میشود و در پشت بغل محراب بخط بنائی سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده است : « نصر من الله و فتح قریب و بشر- المؤمنین . یا الله . یا محمد . یا علی . »

---

(۱) تاریخ اصفهان وری تألیف شیخ جابری انصاری صفحه ۲۴۸

کتیبه داخل محراب بخط بنائی مشگی معرق برزمینه زرد شامل سوره (اخلاص) است و در قسمت آخر آن نوشته شده : سنه ۱۱۲۳ .

کتیبه یك سنگاب قدیمی: در انتهای کوچه ای که صحن شمالی بقعه درب امام را بکوچه مجاور آن مربوط مینماید بر دیوار مقابل کوچه سنگابی نصب شده که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته بر سنگ پارسی بشرح زیر است :

« وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمودند این سنگ را ورثه مرحوم حاجی حیدر باین شروط که درامامزاده زین العابدین در جنب خانه کمترینان باشد بتاریخ غره شهر ربیع الاول سنه ۱۱۱۷ »

بقعه و خانقاه شیخ ابومسعود رازی

شیخ ابومسعود احمد بن فرات رازی از بزرگان محدثین قرن سوم هجری است که دراصفهان رحل اقامت افکنده و درمحلی که امروز بقعه آرامگاه وی قراردارد و در آن قرن خانقاه بزرگی بوده بارشاد و هدایت مردم میپرداخته است . جمعی او را سنی مذهب و بعضی پیرو تشیع دانسته اند . (۱) بقعه او در محله (شیخ ابومسعود) که آنرا محله (درشیخ) نیز مینامند واقع شده . این محله سابقاً خیلی بزرگ بوده از طرف جنوب بمحله بید آباد و از شمال به (مورنان) و از مشرق بقبله دعا و پاچنار و از مغرب بدروازه نو محدود میشده وچهارسوی مرتفع ووسیعی هم نزدیك آن بوده که چهارسوی (درشیخ) نام داشته است .

---

(۱) حافظ اصفهان ابوصالح عبدالرحمن شهرستانی که از خواص تلامذه شیخ ابومسعود است میگوید من با شیخ خود ابو مسعود رازی و چند نفر دیگر بعزم مسافرت حج از ری بیرون آمدیم و برای پیداکردن رفیق سفر وارد اصفهان شدیم و چون چند روز درآن شهر ماندیم دیدیم مردم اصفهان بالای منارهها ومنبرها سب میکنند وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را پس شیخ بزرگوار ما فرمود ای اصحاب من برای هدایت مردم دراین شهر میمانم و این عبادت را بهترین اعمال و نیکوترین وظایف خود میدانم و آنچیزی که برای من سبب قرب بحق است هدایت مردم این شهراست فلذا شیخ جلیل یکدله اقامت اصفهان

خانقاه شیخ ابومسعود از ابتدای قرن چهارم ببعد شهرت فـراوان داشته و یك دستگاه وسیع ساختمانی شامل خانقاه و بازار و چهارسو و حمام وباغی برای کورها و عجزه که بزیارت میآمدند و قدرت بر گشتن نداشتند و متعلقـات دیگری که از تمامی آنها غیر ازبقعه وسردر کاشیکاری آن چیزدیگری باقی نمانده بوده است بوده آرامگاه شیخ ابومسعود مورد توجه مردم قرار داشته و ساکنین شهر و قراء اطراف دسته دسته با هدایا ونذورات بسیار بزیارت آن میآمده اند و حتی مسافت معینی را تا وصول بحرم شیخ با پای برهنه طی میکرده اند و خلاصه هیچ مزاری در اصفهان اهمیت و تشریفات مـزار شیخ ابومسعود را نداشته است بطوریکه حافظ ابونعیم را که از بزرگان محدثین اصفهان بوده بعد از وفات او در جوار شیخ ابومسعود دفن کرده اند . (۱)

را تصمیم گرفت و برای هـدایت و ارشاد مـردم دامن همت بـر کمر بست و همه روزه در جامع رنگرزان (مقصود ازجامع رنگرزان مسجد حکیم اصفهان است اما نه بصورت حالیه آن که معماری عهد صفویه است بلکه مقصود از این جامع مسجدی است که در ایـن محل وجود داشته و بعداً مسجد دیلمی جورجیر و مسجد حکیم در جای آن بنا شده است) منبر رفته و اهالی شهر بمحضر او حاضر گردیده و هر روز چهار حدیث نبوی در فضل یکنفر از صحابه رسول خدا (ص) قرائت میفرمود بدون اینکه اسم ببرد و هرحدیث را به بیان شافی و مثال کافی طوری مدلل مینمود که هیچگونه شك و تردیدی برای هیچکس باقی نمی ماند و این بود شغل شیخ بزرگوار ما تا چهار سال تمام . در این بینها مردم اصفهـان میگفتند یاشیخ آخر اسم این صحابی چیست تا کی اوصاف اورا بیان میکنی تا چند سخن درپرده میگوئی . خدا را زین معما پرده بردار . معهذا شیخ از اظهار اسم آنحضرت اباء مینمود، روزی مردم زیاد الحاح کردند وگفتند یا شیخ ما از دوستان این صحابی هستیم و از شما هم استدعا داریم که نام نامی و اسم گرامی اورا بی پرده بفرمائی و در این خصوص اهتمام تمام نشان دادند . شیخ بزرگوار روز معینی را وعده داد و در آنروز بیشتر اهالی شهر در مسجد جامع جمع گردیده و آنروز را شیخ برمنبر ایستاد وشاه اولیاء علیه السلام را بدین عبارات معرفی نمود ... » رجوع شود بکتاب خلد برین تألیف حاج شیخ احمد بیان اصفهانی صفحه ۱۹۲ »

(۱) مؤلف کتـاب خلد برین در باره اهمیت این بقعه و علت ویرانی آن چنین نوشته

الواح و کتیبه های بقعه و سردر خانقاه شیخ ابومسعود

تزیینات اصلی و کاشیهای نفیس داخل بقعه شیخ ابومسعود بتاراج رفته وتزیینات فعلی آن دراطراف گنبد شامل آیاتی از سوره (اسری) است که بخط ثلث برزمینه

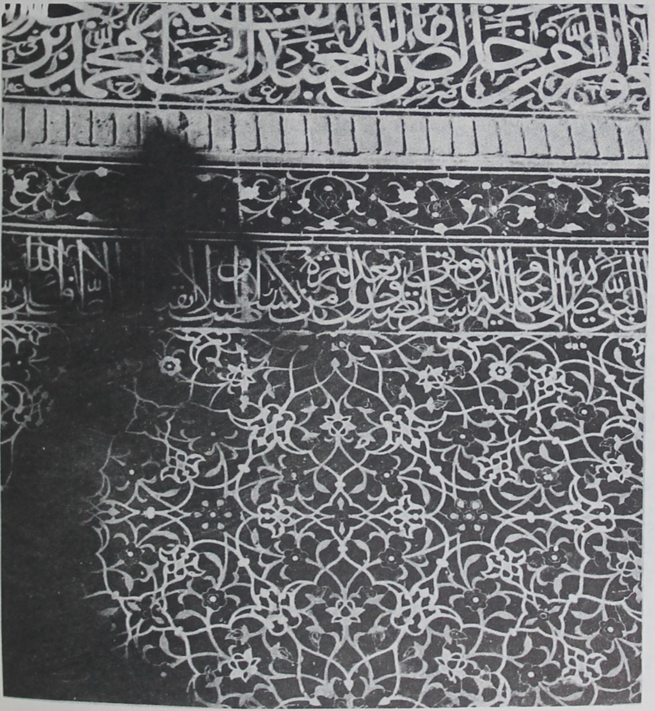
است :

« شرح املاك موقوفه شیخ ابومسعود وذخایر وکتب واهمیت مزار اومفصل است ونگارنده را در این خصوص حکایات و اطلاعاتی است که فعلا ازنگارش آن صرفنظرمینمایم مع الجمله روز بروز شکوه و رونق وعظمت این مزار زیاد میشد وعلاقه مردم بزیارت این شیخ جلیل بیشتر میگشت تا یکصد سال قبل تقریباً یکنفر از بزرگان علمای جبل عامل که از فشار حکومت های عرب بستوه آمده بود وارد اصفهان گردید وبمناسبتی دراین محل نزدیك مزار شیخ ابومسعود ساکن گردید . کثرت ایاب و ذهاب مردم و غوغا هائی که نتیجه اجتماعات است و شاید بعضی مناهی که طبعاً در این گونه مشاهد مشاهده میشود یا جهات دیگر هرچه بود باعث سلب آسایش ایشان گردید و باین جهت آن عالم در صدد تفحص و جستجوی حال شیخ ابومسعود برآمده ونتیجه فحص ایشان این شد که شیخ ابومسعود یکی ازمشایخ صوفیه اهل سنت است و باید مزار و آثار او را از بین برد و مردم را از زیارت او منع کرد . عناصری که همیشه منتظر اینگونه فرصتها هستند وقت را غنیمت دانسته همه روز بیل وکلنگ را بدست گرفته و درب منزل آن عالم آمده و بالاخره روزی آن عالم حکم خرابی را داد وهمان عناصرهم اجراء نمودند . سایرعلمائیکه درآن موقع دراصفهان بودند شرح حال شیخ را واقعاً نمیدانستند یا میدانستند و صلاح خود را درسکوت دیدند یا ملاحظات دیگر برما معلوم نیست . هرچه بود از همانروز اساس مزار شیخ رو بخرابی نهاد و اثاثیه ای که در عرض هشتصد سال مردم با اعتقاد تمام اهداء نموده بودند بدست همان عناصر بیغما رفت . حمام شیخ و مسجد و صحنین بخانه و آشیانه مبدل گردید ولی باز آثار مزار و اشیاء نفیسه که در زیر زمین بود و املاك موقوفه باسم شیخ ابومسعود باقی بود مع الاسف آنها در عرض این بیست سال اخیر ازبین رفت و امروز هم ازتمام آن آثار فقط بقعه بزرگی که ازبناهای مرحوم سید محمد بن جلال الدین عربشاه است باقی است آنهم نزدیك بانهدام فسبحان الذی لایبقی الا ذاته ولایدوم الا ملکه (خلد برین تألیف حاج شیخ احمد بیان اصفهانی صفحه ۱۹۶ و ۱۹۷) .

در صفحه ۵۸ حواشی میزان الانساب راجع بخرابی بقعه شیخ ابومسعود چنین نوشته شده است :

« ... ومخفی نباشد که قبرشیخ ابومسعود قبل از سال ۱۲۶۴ خراب شده زیرا بدستور آقا سید صدرالدین جبل عاملی بوده و او در سال مذکور وفات کرده است . »

آبی رنگ گچ بری شده است . در ذیل این کتیبه نیز بخط نستعلیق سفید اشعاری از محتشم نقاشی شده که کاملا جدید است اما سردر اصلی خانقاه که تنها قسمتی از این مجموعه مفصل ساختمانی است که برجای مانده خوشبختانه قسمت عمده کاشیکاری و کتیبه های خط این سردر را از زمان ساختمان آن در نیمه دوم قرن نهم هجری



نمونه تزیینات کاشیکاری و کتیبه های خط ثلث در سردر بقعه شیخ ابومسعود

در بـر دارد و بطوریکه کتیبه آن حکایت میکند در دوره حکـومت **سلطان یعقوب آق قویونلو** فرزند حسن بیك تر کمان شخصی بنام (محمدبن جلال‌الدین عربشاه) این بقعه و سردر را از خاص مال خود بنا نموده است .

کتیبه زیبای این سردر که از آثار بسیار نفیس تـاریخی در شهر اصفهان است و بخط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی در دو قسمت نوشته شده بشرح زیر است :

« الحمدلله الذی نور صوامع الانس و خوانق القـدس بمصابیح وجود الاولیاء من الذین جعلوا للمتقین اماماً والذین یبیتون لربهم سجداً و قیاماً والصلوة والسلم علی شمس فلك الرسالة محمد المصطفی المبعوث لهدایة من كان فی الـذكر مسعوداً و علی آله و صحبه اهل التقی والنقی و بعد فقد بنی واسس فی ایام السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاكرم واضع قوانین السیاسة رافع اساطین الحراسة حامی ارباب العدالة والاحسان ماحی اسباب الضلالة والطغیـان المتوكل علی المهیمن الرحمان **ابی المظفر یعقوب بهادرخان** خلدالله ملكه وسلطانه بنیان هذه البقعة الموسومة بالمسعودیة الرازیة من خالص ماله العبد الفقیر الی عفوالله **محمد بن جلال الدین عربشاه** كتبه العبد **كمال بن شهاب الكاتب الیزدی** غفرالله ذنوبهما وستر بفضله عیوبهما فی سنة ۸۹۵ » (۱)

در زیر این کتیبه بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی در دو جانب سردر نوشته شده است :

« قال النبی صلی الله علیه وآله و سلم من تصدق بعـدل تمرة من كسب طیب ولایقبل الله الا الطیب فان الله یقبلها بیمینه ثم یربیها لصاحبها كما یربی احدكم فلوه حتی یكون مثل الجبل صدق رسول الله . »

---

(۱) از جمله (حامی ارباب العدالة) ببعد کتیبه مزبور بخط ثلث جلی ودرشت تر از قسمت اول آن نوشته شده است .

مقام محمود

سردر کاشیکاری بقعه شیخ ابومسعود بسرسرائی منتهی میشود (باصطلاح اهالی اصفهان هشتی) که درورودی بقعه درجانب شرقی آن واقع است وبرجانب مقابل آن که جانب شمالی رواق است سردر کاشیکاری خانقاه شیخ واقع است . دراطراف این سردر بخط ثلث سفید باکاشی معرق برزمینه لاجوردی سه بیت شعر در یك حاشیه بطول پنج متر و عرض ۲۵ سانتیمتر نوشته شده که کاشیهای تمام مصراع اول آن از بین رفته است و از مصراع دوم نیز فقط دوکلمه (بکعبه مقصود) باقی مانده و چهار مصراع دیگر آن بشرح زیر است :

هر که آورد رو بدین درگاه — در فیضی بروی خویش گشود

از در اهل دل مشو غافل — **کین مقامیست عاقبت محمود**

سردر زاویه دربکوشك (باب القصر) از دوره حکمرانی رستم بهادرخان آق قویونلو

سردرزاویه دربکوشك که مورخ بسال ۹۰۲ هجری ازدوره حکمرانی ابوالمظفر رستم بهادرخان آق قویونلو است تاسنوات اخیردرجای اصلی خود (محله دربکوشك) قرارداشته است وچون نزدیك بانهدام وویرانی‌شده بود درباغ چهلستون سردردیگری بنا شده وکاشیهای نفیس آنرا بسردر جدید انتقال داده و نصب نموده اند .

در مجاورت این سردر مقبره ای بوده که بسیاری از معاریف قرن نهم و دهم هجری درآن مدفون بوده اند واکنون جزء خانه های اطراف شده است . درردیف شیرهای سنگی که بر مزار پهلوانان میگذاشته اند و در شهراصفهان تعداد زیادی از آنها موجود است شیرسنگی دربکوشك هم که فعلا شکسته شده ودرگوشه ای افتاده است شهرت محلی دارد . یك مدرسه قدیمی که سابقاً تزییناتی ازنوع کاشیهای معرق داشته است بنام مدرسه دربکوشك یا (باقریه) در مجاورت سردر مزبور و قبرستان

سابق دربکوشك واقع شده که طلبه نشین است و فعلا هیچگونه تزییناتی ندارد .

کتیبه سردر این زاویه بخط ثلث سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی حاکی از آنست که زاویه دربکوشك و مقبره مجاور آن که از قرارمعلوم گنبدی هم داشته در دوره حکمرانی رستم بهادرخان آق قویونلو بوسیله شخص مشهوری بنام زین الدولة والسعادة والدین **علی بیك برنا** بر تربت پدر او بنا شده . کتیبه سردر که بخط معین منشی و مورخ بسال ۹۰۲ هجری میباشد بشرح زیر است :

« لقد ساعد التوفیق باتمام هذه الزاویة الشریفة والجنبد الرفیعة المنیفة لتربة حضرة والده طاب الله ثراه فی زمان خلافة من هوعین سلاطین الزمان ولعین الخواقین انسان سراج الدنیا والدین **ابوالمظفر رستم بهادرخان** خلد الله تعالی (۱) خلافته و ملکه و سلطانه الحضرة الاشجع الاکرم افتخار الانام والصنادید فی العالم مؤید دین سید الاملاك والافلاك زین الدولة والسعادة والدین **علی بیك برنا** ایدت امارته **فی ۹۰۲** کتبه معین المنشی. (۲)

در داخل مقرنسهای این سردر بخط بنائی سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی عبارات زیر نوشته شده است :

« یا مجیب الدعوات » « یا رافع الدرجات » « یـا مستجاب الدعوات »

« یا بدیع السموات والارض »

« انامدینة‌العلم وعلی‌بابها» « فرض‌علی‌الحاضروالغائب» «حب علی‌بن‌ابی‌طالب»

غیر از عبارات فوق الذکر نام مبارك (علی) بتعداد زیاد بخط بنائی نوشته شده است :

در داخل قطار های این سردر بخط بنائی‌سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی این بیت نوشته شده است :

اگر هست مرد از هنر بهره ور هنر خود بگوید نه صاحب هنر

---

(۱) جمله (ابوالمظفررستم بهادرخان خلدالله تعالی) درکتیبه با حروف طلائی نوشته شده است . (۲) نام کاتب درترجمه فارسی آثار ایران (معز) ضبط شده است .

فصل هفتم

آثار و ابنیه تاریخی اصفهان از عهد صفویه

هارون ولایت

بنای تاریخی هارون ولایت که بقعه و سردر کاشیکاری آن از آثار دوره سلطنت شاه اسمعیل اول و مورخ بسال ۹۱۸ هجری است از اماکن مقدسه و زیارتگاههای عمده شهر اصفهان بشمار میرود که دارای بقعه و ضریح و رواق و یك گنبدکاشیکاری و دو صحن در شمال و مغرب بقعه است .

صاحب کتاب میزان الانساب امامزاده مدفون در بقعه را بشرح زیر معین میکند:

« و آنجناب ظاهر اینستکه هرون بن علی از اولاد و احفاد حضرت هادی امام علی النقی علیه الصلوة والسلام میباشد چنانچه در بعضی از کتب معتبره مذکور شده و در بعضی از کتب انساب مذکور شده که او هارون بن محمد بن زید بن الحسن میباشد که او را دراصفهان شهید کردند و از اولاد واحفاد حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلوة والسلام میباشد وبعضی مذکور مینمایند که او هرون بن‌موسی بن جعفر علیهما السلام میباشد لکن هیچیك ازاین دوقول نزد این فقیر اعتبار آن معلوم نشده بلکه قول اخیر زیاده ضعیف مینماید . » (۱)

سردر تاریخی هارون ولایت

بقعه هارون ولایت ازسمت مغرب بوسیله دری بمحوطه مدرسه کوچکی بازمیشود که در اطراف آن حجراتی است و جرز ها وپشت بغل های اطراف آن از تزیینات

---

(۱) نقل از کتاب میزان الانساب تألیف آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی صفحه ٤۷

معقلی (آجروکاشی) تزیین یافته است . ایوان جنوبی آن هم دارای محرابی است که با کاشیکاری معرق نفیس تزیین شده . این مــدرسه بوسیله سردر مجللی بصحن شمالی هارون ولایت مربوط میشود و کتیبه همین سردر نفیس است که ایجاد ساختمان های فعلیرا بزمان شاه اسماعیل اول میرساند. کتیبه این سردر بخط ثلث باکاشی‌سفید معرق برزمینه لاجوردی بشرح زیر است :

« بسمه تیمناً بذکره قد اتفقت عمارة دارالولایة ومشهد قبلة الاسلام بمیامن فیض بحر وجود جده العلی الذی قال النبی فی شأنه انت منی بمنزلة هــارون من موسی علیهم السلم فی ایام خلافة والی لواء الولایة فی الافاق مالك سریر الخلافة بالاستحقاق الغازی المجاهد فی سبیل الله بقاطع البرهان ناصر المؤمنین **ابی المظفر السلطان شاه اسماعیل بهادرخان** لازال ابواب الخیرات بعمیم لطفه مفتوحة و اقطارالارض بـانوار معدلته محصورة والامصار بسعی معماراحسانه معمورة والبانی بعین عنایته ملحوظاً و موفقاً للحسنات وکان سعیه مشکوراً **کتب فی اوایل شهر ربیع الاول من سنة ۹۱۸** .»

در بالای این کتیبه یك اسپرکاشیکاری است و در الواح اطـراف آن بخط ثلث حنائی رنگ معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی صلوات بردوازده امام نوشته شده است.

در یك لوحه بالای درورودی بخط ......لیق سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی نام بانی ساختمان در یك شعر بشرح زیر آمده است :

باقبال **خان دورمش** کامکار　　　بماند از**حسین** این بنا یادگار (۱)

دریك شکل مربع بین دوپشت بغل نمای خارجی سردر بخط بنائی سفید برزمینه کاشی لاجوردی اسـ‌ٔم (الله) (محمد) (علی) نوشته شده است و در طرفین در

---

(۱) شاردن سیاح فرانسوی درسفرنامه خود درفصل مربوط باصفهان آنجاکه ازهارون ولایت سخن میگوید راجع به (دورمش‌خان) و(حسین) بانی ساختمان بقعه قصه ای نقل کرده است (رجوع شود بکتاب شوالیه شاردن فرانسوی ترجمه آقـای حسین عریضی چاپ اصفهان صفحه ۸۵)

چوبی سردر در دو لوحه بخط سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده است :

که شد درب هارونیه اینسان تمام   بود روضه آل خیر الانـــام

در زیر هلال در بخط حنائی با کاشی معرق بر زمینه لاجوردی یك بیت بشرح زیر نوشته شده است :

درگاه تو قبله گاه جانست   محراب زمین و آسمـانست

در وسط اسپر چوبی بـالای در ورودی بخط نستعلیق مشگی فرو رفته اشعاری نقش شده که حاکی از اقدام شخصی بنام (مرشد) نسبت بتعویض در هارونیه در سال ۱۳۳۰ هجری است بشرح زیر :

درب مسجد هارون پور موسی جعفر   آنکه جبرئیل آید بردرش بدر بانی

گشته بود مستعمل تا که همت مرشد   طرح تازه‌از نوریخت بهردرب آنی(۱)

چون‌تمام‌شد شوقی گفت بهر تاریخش   مرشد آمده در دم از برای دربانی

سنه ۱۳۳۰

در سال ۹۴۶ هجری اشجاری بر هارون ولایت وقف شده است

بالای سکوی راست سردر تاریخی بریك لوح سنگی مرمری بسیار کوچك بطول سی و پنج و عرض نوزده سانتیمتر بخط ثلث و نستعلیق مطالبی نوشته شده وحاکی از آنست که شخصی بنام استاد قاسم در تاریخ نوزدهم شوال سال ۹۴۶ هجری هشت اصله درخت (وسك) وقف امـامزاده هارون ولایت نموده است . حاشیه این لوح مشتمل بر اسامی چهارده معصوم و متن آن بشرح زیر است :

«بتاریخ یوم السبت ۱۹ شهرشوال سنه ۹۴۶ استادقاسم علی بن‌علی... بقال هشت اصله درخت وسك بر در مزار شریف حضرت امامزاده بحق امامزاده هـارون ولایة علیه تحیة والسلام نشانیده وقف آنجا نمود تقرباً الی الله تعالی . »

هر که خواند دعا طمع دارم   زآنکه من بنده گنه کارم »

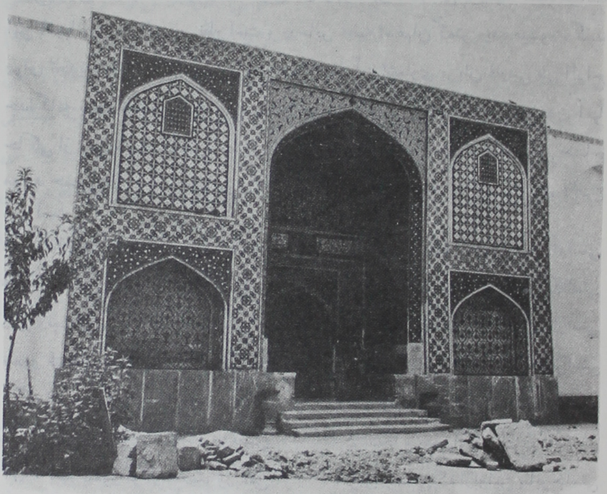
---

(۱) این مصراع عین کتیبه است وازطرف مؤلف دخالتی درآن بعمل نیامده است .

و در طرفین این لوح سنگی بخط نستعلیق دومصراع بشرح زیر حجاری شده است :

« آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود »

« دنیا نکند وفا تو خوش بـــــاش »



نمای کاشیکاری سردرصحن کوچك هارون ولایت از دوره شاه اسماعیل اول

کتیبه یك سنگاب قدیمی: بین سردر تاریخی وصحن کوچك هارون ولایت دالانی واقع شده است که از یکطرف برواق بقعه و از طرف دیگر بصحن مـربوط میشود دروسط این دالان سنگابی نصب شده و کتیبه ای درشش لوح کوچك بشرح زیردارد:

« وقف جناب سیدالشهداء نمود محمد حسین ابن مرحوم آقا مسیح این سنگ

آبرا . بلعنت خدا گرفتارشود بیرون برنده بتاریخ شهر رمضان المبارك سنه ۱۲٦۱»

اشعار فارسی در رواق بقعه هارون ولایت

در اصلی ورودی بقعه هارونیه درصحن شمالی باز میشود و بین این در و درمقبره رواقی واقع شده است که تزیینات ازاره های آن از کاشیهای چهار ضلعی کوچك ازنوع سنگینه (۱) است ودارای نقوش گل و بوته برنگ آبی برزمینه سفید میباشد این کاشیها در نوع خود بی نظیراست و درسایر ابنیه اصفهان کمتر دیده میشود . گنبد رواق تجدید ساختمان شده و در اطراف قاعده آن اشعاری بزبان فارسی طی الواح جداگانه بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی گچ بری شده است که مضمون آنها حاکی از تعمیراتی است که در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار و حکمرانی حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی در هارون ولایت بعمل آمده . اشعار فارسی بشرح زیر است :

در زمان دولت خاقان داود اعتبار — کوسلیمان وارد راین دوردین آراستی
صاحب انفاس روح وحامی شرع حبیب — آنکه بدخواهش بفطرت قائل یکتاستی
داور دنیا و دین شاهنشه صاحبقران — آن سکندر حشمتی کاندرجهان داراستی
نامور **فتحعلیشاه** آنکه از عدل و عطا — ماحی آثار حاتم کاسر کسراستی
آنکه اندر ماتم اسباط پیغمبر مدام — دیده حق بین او پیوسته خون مالاستی
سروری کرداین بنای کهنه را نودرجهان — کز سخا و جود او مشهور در دنیاستی
آنکه آمد نامور او از محمد وز علی — خوان ذیشانی که ازاواین بنابرجاستی
ناظر دارای دین **سلطان محمد میرزا** — آنکه اندراصفهان دارای بی همتاستی
آن که تاج شهریاری سرافزای جهان — برهمایون تارکش زیبنده و زیباستی
آنکه او پرورده صدر جهان آرا بود — صدر ذیقدری که اندر جنتش مأواستی
مفخر اهل کرم **حاجی حسینخان** زیب ملك — کاصفهان تاهست از آن آن خطه زوآباستی

(۱) ماده اولیه برای تهیه کاشی سنگینه ریگ معدنی است درصورتیکه برای تهیه کاشی معمولی خاك رس بکار میرود .

آنکه ازحکمش بناشد حصن امان اندر نجف | آنکه ازامرش قضا بانی قدر بناستی
این بنا دانی کجا خرگاه هارونی بود | کز علو مرتبت چون قبه خضراستی
مدفن هارون بن موسی که خاکدر گهش | نوربخش چشم آنکو عارف و داناستی
بقعه هرونی است و نور دست موسوی | از جبین پاسبانان درش پیداستی
این نه آن هرون که موسی را برادر بوده است | موسی اندرماتمش در گریه وغوغاستی
. . . . . . | ظاهر . . . (۱)
هست آنهارون که نوح ازماتم او درجهان | دیده خونبار در دریای طوفان زاستی
هر که شمعی دید روشن اندرین خرگاه گفت | آتش موسی عیان از سینه سیناستی
ساکنان عرش اعظم بر فرازش گفته اند | صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی
با حوارین ملائك بردرش گرد آمدند | سر بسر گفتند با هم منتظر عیسی ستی
بضعه موسی درین مدفون وعیسی درفلك | گوید اینك آفتاب ازمشرقش پیداستی
سال اتمامش رقمزد کلك **هادی** بر ورق | کعبه دین بقعه هرون بن موسی ستی

دربین اشعارفوق الذکر درالواح کوچکتر جملاتی مانند: یا حنان. یامنان. یا دیان. یا برهان. یا سبحان نیز گچ بری شده است.

سنگ نوشته یاد بود محمود حسینی

در طرف راست مدخل بقعه که بسوی رواق باز میشود یك تخته سنگ مرمری بر دیوار نصب شده که در قسمت فوقانی آن بخط ثلث خوش نوشته شده: «کل شئی هالك الاوجهه. وفات مرحمت وغفران پناه رضوان آرامگاه میرزا محمودالحسینی ولد مرحوم میرزا محمد اسمعیل قاینی ۱۲٦۹»

و بخط نستعلیق خوش این اشعار نقش بر حجر است:

زین سپهر ستیزه گر فریاد | که ازو نام مهر مفقودست

---

(۱) مصراع اول این شعر بوضع بدی تعمیر شده که قابل خواندن نیست و از مصراع دوم فقط کلمه (ظاهر) باقی مانده است.

تا بجوئی وفاش معدوم است | تا بجوئی جفاش موجودست
نه بحکمی بلاش مرفوعست | نه بحدی خطاش محدودست
شست محمود را ز دنیا دست | که بدار خلود موعودست
تازه سروی ز گلشن احمد | که باسم و برسم محمودست
مهدبشکست وشدروان کین عهد | رسم معروف عهد ومعهودست
از صفاهان بری زری در قم | مهبط این خجسته موعودست
خامه از بهر سال رحلت او | که ازو این رقیمه مقصودست
خط تاریخ خواست مسکین گفت | سطح جنت مقام محمودست

۱۲۶۹

درداخل بقعه ومحراب هارون ولایت تعدادی جملات وعبارات مذهبی واسماءالله و سوره های : (دهر وشمس وتکاثر ونصر واخلاص) مورخ بسالهای ۱۳۲۸ و۱۳۶۳ هجری بقلم سید عباس نقاش آقا میری نقاشی شده که از کارهای خیلی جدید است واهمیت تاریخی ندارد .

اشعار فارسی از دوره صفویه

در ارتفاع دومتری ازسطح بقعه اشعاری بخط نستعلیق برجسته درالواح جداگانه گچ بری شده است که ضمن آنها ازاشخاص خیر بنام (میرزا مهدی) و(محمدشفیع) نام برده شده . این اشعار که مورخ بسال ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷ هجری قمری و بخط محمد رضا امامی خطاط معروف عهد صفویه است بشرح زیر است :

بدور قدوه ارباب فضل و فخر صدور | جهان قدر وسپهر جلال ومشرق نور
خجسته نظم اوضاع عالم کزعدلش(۱) | سراب فضل چو گلزارخلد شد معمور
ز بس تکثر انعام خلق نزدیکست | که جود او کرم آز را کند منشور
نفاذ معدلتش بر تر از . . . . . | گهی که عدل تو امضاء کند زهی دستور

(۱) این مصراع عین کتیبه است .



گنبد هارون ولایت کاشیکاری دوره صفویه

وحید ازمنه نواب **میرزا مهدی** — که نور جبهه او مهر را کند مستور

بجهد بانی از متقین عقبی دار — بسعی ساعی از مؤمنین دنیا دور

بدیع سعی **محمد شفیع** مؤمن محض — محب خالص حق عبد خاص رب غفور

نهفت چهره زنور مرمت آیت حزن — شکفت غنچه تصویر نقش وشد مشهور

بقبهٔ که درو نیست جـز فلك خـادم — بروضهٔ که در او نیست جز ملك مزدور

چه قبه تازه سپهریست درجهان خدای — بر او صلوة و تحیات حق شده موفور(۱)

خرد چو صورت اتمام یافت تعمیرش(۲) — که رافع الم ازراه غیبت است و حضور

بـدیهه گفت بتحسین کار و تاریخش — زهـی منیع بنـاکان سعیهم مشکور

۷ ـ ۱۰٦٦

هزار رحمت حق بر کسی که همت را — شود بفـاتحهٔ یـاور و کـند مسرور

کتبه محمد رضا الامامی (۳)

کتیبه گنبد : کتیبه گردنه گنبد هارون ولایت در نمای خارجی آن بخط بنائی مشگی بر زمینه فیروزه ای با کاشی نره (٤) شامل سوره (فتح) است .

سردر شرقی هارون ولایت

ضلع شرقی بنای تاریخی هارون ولایت مشرف بجاده قدیمی و روبروی سردر مسجد علی شامل یك ایوان با ستونهای سنگی و ایوانهای کوچکی در اطراف آنست و بوسیله پنجره مشبکی با بقعه ارتباط دارد . سقف سردر شرقی بقعه هارون ولایت در این ایوان بامقرنسهای معرق کاشیکاری تزیین شده که قسمتی از آنها پس ازخرابی تجدید ساختمان شده است . در بالای پنجره مشبك آهنی در حـاشیه کتیبه ای بخط ثلث حنائی رنگ معرق بر زمینه کاشی لاجوردی اسامی چهـارده معصوم و در متن آن عبارات ذیل نوشته شده است :

« قال النبی صلی الله علیه و آله . انا مدینة العلم و علی بابها و انت منی بمنزلة هارون من موسی . »

---

(۱) این مصراع دو مرتبه تکرار شده ،

(۲) این مصراع دو مرتبه تکرار شده .

(۳) بالا تر ازاین اشعار درردیف نقاشیهای داخل بقعه اشعار فارسی دیگری از(محتشم) در باره وقعه کربلا بخط نستعلیق قرمز رنگ بر زمینه گچ نقـاشی شده است که از کار های خیلی جدید است و ارزش تاریخی ندارد .

(٤) کلمه نره بفتح (ن) وکسر (ر) اصطلاح کاشیکارها است .

و در ذیل مقرنسهای ایوان نوشته شده است :

« عمل عماد الدین بناء »

در نمای خارجی این ایوان کتیبه ای نصب شده که حاکی از اقدام شخصی بنام حاجی جعفر درسال ۱۳۲۹ هجری نسبت بساختمان این ایوان است . این کتیبه که نام بانی ساختمان ایوان (حاجی‌جعفر) ومعمار آن (نصرالله) و بناء آن (حسنعلی) را در بردارد و بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی نوشته شده بشرح زیر است :

« چون توفیق سبحانی و تأیید رحمانی شامل حال هر بنده گردد او را مـوفق باعمال خیریه میگرداند لهذا طایف بیت‌الله الحرام خیرالحاج والمعتمرین سمی‌سادس ائمة المعصومین توفیق یافت ببناء این بناءکانه بنیان مرصوص واهتمام در انجام آن فرمود . کتبه الاثیم محمد تقی ابن محمد ابراهیم فی سنة تاسع والعشرین و ثلثمائة بعدالالف . بانی حاجی جعفر . معمار نصرالله . بناء حسنعلی . »

مسجد علی

یکی ازبناهای تاریخی جالب اصفهان که درمجاورت میدان قدیم و مسجد جمعه قرار دارد مسجد علی است . مسجد علی یك بنای دوره سلجوقی میباشد که در عهد صفویه رو بانهدام و ویرانی نهاده و در دوره شاه اسماعیل اول صفوی بوسیله (میرزا کمال الدین شاه حسین اصفهانی) که نام او در کتیبه اصلی سردر مسجد آمده و از رجال دولت شاه اسماعیل بوده وعنوان (وکیل السلطنه واعتماد الدوله) داشته است تجدید ساختمان شده و بتزیینات کاشیکاری و مقرنسهای گچی آراسته شده است (۱)

---

(۱) در باره وجه تسمیه این مسجد به (مسجد علی) گفته شده است که سلطان سنجر روزی بشکار بیرون رفته و سهواً تیرش بطفلی علی نـام اصابت‌کرده و آن طفل مـرده است سنجر ترضیه خاطر پدر ومادرطفل را جسته آنان‌گفتند ما میل داشتیم پسرمان بزرگ شود وکارهای بزرگ‌کند ونامش بماند سنجر گفت‌که من برای بقاء طفل شما مسجدی بنامیکنم

شاردن سیاح مشهور فرانسوی که درقرن یازدهم هجری در اصفهان بوده از این مسجد بنام **مسجد سنجریه** (۱) نام برده ومیگوید که کتیبه سردر آن بنام شاه اسماعیل بزرگ با خط طلائی نوشته شده است و اینطور بنظر میرسد که سازنده آن بوده است . (۲)

معماری مسجد وساختمان ایوانهای متعدد اطراف آن درمساجد تاریخی اصفهان بی‌نظیراست. منظره عمومی‌مسجد درداخل آن هنوز آجری میباشد وتزیینات اختصاصی آن قطار بندیهای گچی است . درورودی مسجد درضلع غربی آنست و در سه جانب شرقی وشمالی وجنوبی آن ایوانهائی وجود دارد. ایوان جنوبی وسیع‌تر ازسایر ایوانها میباشد و شبستان گنبد دار مسجد درضلع جنوبی این ایوان واقع شده است . نمای گنبد مسجد علی از خارج آجر ساده است ولی در داخل با مقرنسهای گچی تزیین

که سالیان دراز بماند و این مسجد را بنام مسجد علی بنا نهاد .

جابری انصاری در باره وجه تسمیه مسجد علی چنین نوشته است :

« مسجد علی از مساجد کهن اصفهان است و آنرا گویند علیشاه فرزند تکش سلطان خوارزم که ازجانب پدر والی اصفهان شد بساخت بسال ۵۹۵ هجری. حمام‌شاه علی‌نیزبدو منسوبست وشاید (ازجهت) سیاست خوارزمیان بضدیت خلیفه عباسی‌خواسته‌اند نام امیرالمؤمنین علی(ع) را بمسجد بگذارند کمااینکه سید علاءالدین‌ترمذی را(نیز) بخلافت نام نهاده بودند بعضی هم گویند بعهد سنجری ساخته شده » (تاریخ اصفهان وری تألیف شیخ جابری انصاری صفحه ۲۱۹)

(۱) مؤلف در باره وجه تسمیه این مسجد **بمسجد سنجریه** و در تأیید نوشته شاردن احتمال قوی میدهد که این مسجد در دوره سلطنت سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه‌که مدت چهارده سال در اصفهان سلطنت داشته است بنا شده و چون وی علاوه برآنکه برادر زاده سلطان سنجر بوده داماد او نیزبوده است باحترام آن سلطان اعظم بنام وی نامگذاری شده سپس در دوره سلطنت شاه اسماعیل اول مؤسس دولت شیعه صفویه بوسیله وزیر او میرزا شاه حسین اصفهانی تغییراتی درآن مسجد سلجوقی بعمل‌آمده وبااضافات والحاقاتی بصورت فعلی درآمده وباحترام امام اول شیعه حضرت علی بن ابیطالب (ع) بنام مسجد علی‌نامگذاری شده است .

(۲) شوالیه شاردن فرانسوی (ترجمه فارسی) صفحه ۱۰۸

شده و کتیبه اطراف آن بخط ثلث طلائی گچ بری برجسته برزمینه گچ شامل سوره (اسری) است ازابتدای سوره تا اول آیه دوازدهم وبعد بعبارت زیر که سال تاریخی آنرا در بر دارد ختم میشود : « **فی سنة تسع و عشرین و تسعمائه .** »

شبستانهای زمستانی مسجد در گوشه جنوب شرقی وزیرایوان و گنبد جنوبی آن کمی پائین ترازسطح مسجد بناشده وسبك ساختمان آن جالب میباشد. درابتدای شروع پلکانی که سطح مسجد را بشبستان زیر ایوان و گنبد متصل میکند لوح سنگی نصب شده که بخط نستعلیق برجسته دو شعر زیر بر آن حجاری شده است :

ای بدرماندگی پناه همه — کرم تست عذرخواه همه

گرد نعلین رهروان رهت — شرف تکمه کلاه همه

کتیبه و الواح سردر مسجد علی

کتیبه اصلی سردر مسجد علی در دو ردیف و بخط ثلث نوشته شده : ردیف اول که قسمت فوقانی کتیبه است منتخبی ازآیات قرآنی میباشد که وجه ارتباط آنها فقط ازلحاظ ذکرنام (اسمعیل) است . این قسمت از کتیبه بخط ثلث معرق حنائی رنگ برزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

« قال الله تعالی و عهدنا الی ابراهیم واسمعیل ان طهرا بیتی للطائفین والعاکفین واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت واسمعیل قالوا نعبد الهك و اله آبائك ابراهیم واسمعیل. قل آمنا بالله وماانزل الینا وما انزل علی ابراهیم واسمعیل . ام تقولون ان ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب والاسباط کانواهوداً اونصاری. قل آمنا بالله وماانزل علینا وما انزل علی ابراهیم واسمعیل. انا اوحینا الیك کما اوحینا الی نوح والنبیین من بعده واوحینا الی ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب والاسباط. واسمعیل والیسع ویونس ولوطاً وکلا فضلنا علی العالمین . الحمدلله الذی وهب لی علی الکبر اسمعیل واذکر فی الکتاب اسمعیل انه کان صادق الوعد وکان رسولا نبیاً . واسمعیل و ادریس و ذاالکفل کل من الصابرین. واذکر اسمعیل والیسع وذاالکفل وکل من الاخیار »

قسمت دوم کتیبه بخط ثلث سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی نام پادشاه وقت (سلطان شاه اسمعیل) و بانی ساختمان وزیر او (میرزا شاه حسین اصفهانی) وسال اتمام ساختمان مسجد جمله (جاؤها و فتحت ابوابها) که ماده تاریخ بنای مسجد یعنی سال ۹۲۹ هجری است بخط شمس الدین تبریزی بشرح زیر در بردارد :

« هذا مسجد من توجه الیه بالاحرام فقد ولی وجهه شطرالمسجدالحرام اسسه فی‌زمان من بیده مقالید الزمان السلطان بن السلطان بن السلطان الذی اسمه الجمیل بعدد الائمة علیهم السلم فی‌التنزیل **ابی المظفر سلطان شاه اسمعیل** خلدالله ظله‌الظلیل مؤسس قواعد السلطنة سمی‌ثانی‌السبطین کمال العدالة والاقبال **میرزا شاه حسین** ابدت ظلال نصفته فی الخافقین و لما ورد فی الاخبار ان نعیم الدنیا مساجد ها جاء تاریخ العمارة **جاؤها وفتحت ابوابها (۱) کتبه شمس الدین التبریزی .** »

در داخل سر.در در اشکال مربع پراکنده بخط بنائی سفید یا حنائی رنگ بر زمینه مشگی یا لاجوردی کلمات وجملات زیر نوشته شده است :

الله . الله اکبر . الحسن العسکری . محمد . علی

و بخط بنائی سفید معرق بر زمینه مشگی در داخل اشکال چهارضلعی پراکنده عبارت (سبحان الله والحمدلله ولا اله الاالله والله اکبر) نوشته شده است .

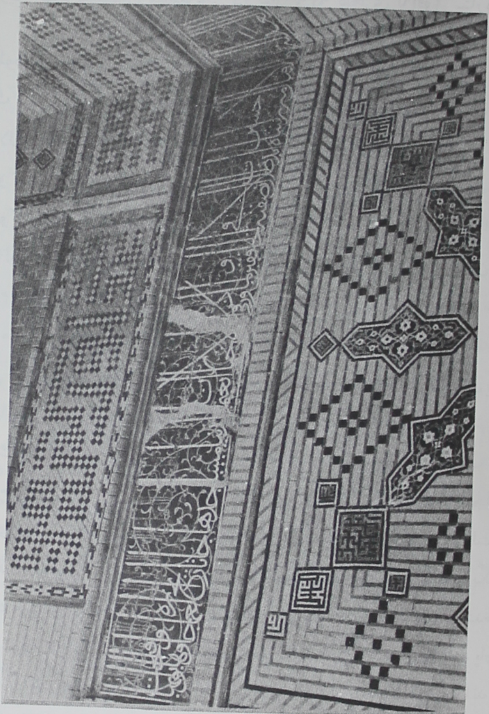
دررأس پشت بغل سردر بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه‌کاشی‌لاجوردی نوشته شده است :

« عبادت بمسجد علی خوش بود » (۲)

---

(۱) جمله (جاؤها وفتحت ابوابها) که قسمتی ازآیه ۷۳ سوره (زمر) است ماده تاریخ اتمام ساختمان مسجد میباشدکه بحساب حروف ابجد (۹۲۹) هجری میشود .

(۲) در اطراف در ورودی اشعاری بخط نستعلیق سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی نوشته شده‌که حاکی از تعمیرات سردر بوسیله آقای شیخ زاده هراتی در سال ۱۳۲۳ شمسی است . اشعارمزبورکه ازالحاقات خیلی جدید سردر است و اثرطبع شاعرشهیرمعاصراصفهان آقای صغیر است بشرح زیر میباشد :



کتیبه سردر مسجد علی بخط شمس الدین تبریزی مورخ بسال ۹۲۹ هجری

شیخ زاده آن ملقب برهراتی زاهل یزد — کز ازل خوکرده با مهر نبی عشق ولی

کرد بر مسجد علی تعمیر کامل وین عمل — خود دلیل روشنی از اوست برروشندلی

خواست ازدوران شمسی مصرعی گوید صغیر — تا بتاریخش رقم سازند با خط جلی

کاملی ازجمع ناگه سربرون آورد و گفت — مرحبا سعی هراتی یار او بادا علی

۱۳۲۳

تاریخ اتمام ساختمان مسجد علی در سال ۹۲۹ هجری با افول ستاره عمر بانی آن میرزا شاه حسین وزیر توام بوده است

بطوریکه صاحب تاریخ حبیب السیر نقل کرده است میرزا شاه حسین اصفهانی در سلك نواب بلند جناب حضرت **درمش خانی** (۱) منتظم بود . آنجناب من حیث الاستقلال والانفراد متعهد سرانجام امورسلطنت وجهانبانی بوده جمیع امراء وارکان دولت و تمامی وزراء و اعیان از او متابعت نموده بدون مشورت او در هیچکاری از جزئی وکلی مداخله نمیکردند . اما چون خورشید جـاه و جلال و کیل السلطنه و اعتماد الدوله **میرزا شاه حسین** باوج کمال رسید ودست سایر امراء و ارکان دولت از سرانجام مهام سلطنت کوتاه گردید دشمنی با وی را کمر بستند . درزمستان سال ۹۲۹ هجری میرزا شاه حسین مبلغ هفت هزار تومان جهت اخراجات رکابخانه همایون از یکی از امراء بنام (مهتر شاهقلی) مطالبه میکند و پرداخت آن پول را بصحه شاه اسماعیل نیزمیرساند ولی مهتر شاهقلی درپرداخت آن تعلل کرده ومنتهزفرصتی بوده است که وزیر را از میان بردارد . در اردیبهشت ماه آنسال که مصادف با بیست و هشت جمادی الاولی بوده است شاه اسماعیل در (هشت بهشت) تبریز مجلس سور و سروری ترتیب داده بوده است که میرزا شاه حسین و امراء و ارکان دولت حضور داشته اند . درپایان این مجلس که شاه بمحل استراحت خود و وزیر بخوابگاه خود رفته است مهتر شاهقلی باتفاق جمعی از قورچیان متوجه خوابگاه وزیر شده وبآنها گفته است که حکم پادشاه براین موجب صدوریافته که این شخص را پاره پاره کنید لاجرم آنها نیز شمشیر بر کشیده و میرزا شاه حسین را قطعه قطعه کرده اند .

مهتر شاهقلی بلافاصله پس از قتل وزیر بصفحات (دیار بکر) فرار میکند و شاه اسماعیل بمحض اطلاع از این قضیه دستوردستگیری قاتلین وزیر را صادر کرده

---

(۱) نام (دورمش خان) درکتیبه سردرکاشیکاری صحن غربی هارون ولایت ازدوره شاه اسماعیل اول در یك شعر بشرح زیر آمده است :

باقبال خـان دورمش کامـکار   بماند ازحسین این بنا یادگار

قورچیانی را که با مهتر شاهقلی همدستی کرده بودند بقتل میرساند و جنازه وزیر را با جلال وشکوه هرچه بیشتر بکربلا میفرستد و در جوارعتبه علیه حایریه بخاک سپرده میشود . (۱)

---

(۱) خواجه ضیاء الدین میرم درمرثیه وتاریخ شهادت **میرزا شاه حسین** بانی ساختمان مسجد علی اشعاری بشرح زیر سروده است :

مهر سپهر لطف که از رای انورش — آئینه فلك شده جام جهان نما
در نفیس بحرکرم لعل کان حلم — یعنی نظام ملت و دین معدن سخا
دریای جود **شاه حسین** آنکه ازشرف — مثلش ندیده دیدهٔ ایام عمرها
با قصرهمتش که فلك آستان اوست — گر سدره کوتهی نکند هست منتهی
زاکسیر گرد موکب گردون نورد او — شد آفتاب بهره ور از فن کیمیا
با کوه گفته اند همانا زحکم او — کز زیرهر بغل رودش آب ازحیا
چون آفتاب طالع سعدش زوال یافت — بخت سیه چو سایه اش افتاد برقفا
ازپای خوردن فلك ازدست رفته است — بنگر زدست حادثه افتاد چون زپا
دردا که چشم زخم زمانش شهید کرد — واحسرتا که دست ستم ساختش فنا
درگلشن زمانه چوگل گشته غرقه خون — چون لاله ساخت پیرهن عمر را قبا
از بار ماتمش بفلك ذرهٔ نشست — نخل قد سپهر ازین بار شد دو تا
بگرفت شام ماتم او برسپهر ماه — زهره سیاه کرد دف خود درین عزا
این دار عاریت چو مقام قرار نیست — بربست رخت و رفت سوی عالم بقا
در کربلا که جنت عدنست شد مقیم — فی روضة مکرمة ارضها السما
نازل زآسمان شده دروصف این مقام — یا احسن المنازل یا خیر ملتجا
بنوشته برکتابه این منزل رفیع — کلك قضا و من دخله کان آمنا
چون کربلاست مدفن اوخاك مرقدش — خوشبوی تر زعنبرساراست مشکسا
باشد سمی شاه شهیدان ازاین شرف — نور مزار اوست تتق بسته تا سما
تاریخ فوت اوچوضیائی زعقل جست — آمد بگوش جان من ازغیب این ندا
بر صفحهٔ زنور نوشتست کلك صنع — خطی که خون چکید ازاودردم قضا
مضمونش آنکه چون بجوارش مقام یافت — تاریخ گشت (شاه شهیدان کربلا)

(رجوع شود بجلد چهارم تاریخ حبیب السیر چاپ تهران صفحه ۵۹۵ تا ۵۹۸)

سنگ نوشته تاریخی از ملك اصلان بیك افشار ارشلو

در ایوان شرقی مسجد علی که مقابل در ورودی مسجد است لوح سنگی بطول ۸۵ و عرض ۵۸ سانتیمتر نصب شده که کتیبه آن حاکی از اقدام **ملك اصلان بیك افشار ارشلو** مبنی بر وقف آبی از نهر (جرجی کان) بر مسجد علی است و تولیت آن بشیخ الاسلام (۱) علی منشار کرکی (۲) واگذار شده است . کتیبه این لوح بخط ثلث برجسته بشرح زیر است :

« در تاریخ سنه **اربع و سبعین و تسعمائه** عنایت ازلی شامل حال غلام شاه ولایت پناه **ملك اصلان بیك** بن مغفرة پناه رستم سلطان افشار ارشلوشده یك لوله که قطر آن نیم چاریك باشد بذراع (۳) جدید اصفهان از نهر **جرجی کان** وقف نمود برمسجدی که در جنوبی آستانه هارون ولایت علیه السلم والتحیة واقعست بعد از آنکه ازملاك آنموضع بوجه شرع شریف باو منتقل شده بود و تولیت آن بحضرت شریعت وافادة پناه **شیخ الاسلامی علیاً منشاراً کرکیا** تفویض نمود و بعد از آنحضرة با ارشد اولاد او باشد مشروط بآنکه از بالا هیچ آفریده الا ازضروری طهارة و شرب تصرف ننماید و بعد از آنکه از مسجد خارج شود بهر محل که جاری شود منافع آنرا بمصرفی که در اومسطور است صرف نماید وتغییردهنده درلعنت الهی باشد بسعی بنده درگاه موسی باتمام رسید سنه ۹۷۷ » (٤)

---

(۱) شیخ الاسلام شخصی بوده است که در خانه خود بدعواهای شرعی و امر بمعروف و نهی از منکرات میرسیده و طلاق شرعی را در حضور شیخ الاسلام میدادند . ضبط مال غائب و یتیم اغلب باشیخ الاسلام بوده و بعد ازآن بقضاة رجوع شده است . (تذکرة الملوك چاپ تهران صفحه ۳)

(۲) رجوع شود بذیل صفحه ۱۶۷

(۳) کلمه ذراع درکتیبه با حرف (ز) نوشته شده است .

(٤) از ملك اصلان بیك افشار ارشلو لوح سنگی تاریخی دیگری نیز در مسجد جمعه اصفهان مورخ بسال ۹۸٤ هجری برجای مانده است (رجوع شود بصفحه ۱۶۵)

اشعار پراکنده بر یك لوح سنگی درمسجد علی از محمد معصوم الحسینی النامی مورخ بسال ۱۰۱۳ هجری

در ضلع شمالی مسجد و بر جرز غربی ایوان آن لوحی از سنگ مرمر بطول ۱/۱۶ متر وعرض ۹۵ سانتیمتر نصب شده که بخط نستعلیق برجسته اشعارپراکنده وعباراتی بر آن حجاری شده است . بطوریکه درقسمت آخر کتیبه نوشته شده قایله و راقمه محمد معصوم الحسینی النامی بوده است که از هند برسالت نزد شاه عالمپناه فلك بارگاه شاه عباس کبیر اعزام شده وپس از آنکه درایروان ازحضورشاه مرخص شده باصفهان رسیده و این اشعار را نقش بر حجر نموده و در مسجد علی بیادگار گذاشته است . اشعار و عبارات این سنگ نوشته بشرح زیر است :



کتیبه خط ثلث وقطارهای گچی داخل گنبد مسجد علی

نی بتمنای تــو از خود تهی   نــاله زسودای تو در فربهی

(از معدن الافکار)

بحر ز گــرداب شده کاسه گر   تا نمی از جود تو یابد مگر

مهر که عالم‌همه‌محتاج اوست   خال‌جمال شب معراج اوست

(معراج)

نــا له من شعله دوزخ ضمیر   دانــه اشکم شرر دیــر میر

چرخیست اگرچه تیز رفتار   برجاست همان چو گاوعصار

(حسب و حال)

میگردد و گردنش ببند است   ازمهرومهش دوچشم بند است

حمدش چوقلم شروع کرده   (توحید)   صد سجده بیك رکوع کرده

تــا زتــو سایه بر کنــار شده   (خمسه مشجرّه)   آفتاب از تو سایه دار شده

حدیث لعل آن برچشمه نوش   (حسن وناز)   شده پیرایه لب چون در گوش

بــزیر سایه سرو ارستــادی   (از اکبرنامه)   بآنسوی دگر سایه فتادی

بگل چینی آن گلستان شدم   سراپا صبا وار دامــان شدم

(درجنگ)

سر و دست ببریده افتــاده پست   چو گرزی که یابد ردسته شکست (۱)

در حینی که از هند برسالت نزد شاه عالمپناه فلك بارگاه شاه عباس آمده بود ازایروان درسنه ۱۰۱۳ مرخص‌شده بود باینجا رسید این‌چند بیت ازخمسه(۲) که در

---

(۱) کلمات و عبارات (از معدن الافکار) و (معراج) و(حسب وحال) و (توحید) و (خمسه مشجره) و (حسن و ناز) و (ازاکبرنامه) و (درجنگ) بترتیب فوق الذکر درکتیبه و بین اشعار منقور برسنگ است) .

(۲) میر معصوم خان نامی از امرای اکبری است (جلال الدین اکبر شاه والی هند) با حکیم شفائی و فکری وتقی اوحدی صحبت داشته و اشعار بسیار گفته و تتبع خمسه نظامی کرده است درسنه ۱۰۱۵ وفات کرده (تذکرة الشعرای محمد عبدالغنی‌صاحب صفحه ۱۳۳)

راه باتمام رسیده بود ثبت نمود قایله و راقمه محمد معصوم الحسینی النامی (۱)

مدرسه سلطان محمد سلجوقی : مقابل در ورودی صحن هارون ولایت ومتصل بمسجد علی درضلع شمالی آن مدرسه کوچکی واقع شده که ازلحاظ شیوه ساختمان شباهت تمام ببنا های سلجوقی دارد و در حـال ویرانی است . این مدرسه دو طبقه ساختمان دارد و در اطراف آن ایوانهای کوچك و حجراتی واقع شده . در گوشه جنوب غربی آن مناره مسجد علی واقع شده که آنرا مناره مسجد سلطان سنجر نیز نامیده اند . این مدرسه امروز بنام مدرسه (حاج حسن) معروف است ومحتمل است که مدرسه سلطان محمد سلجوقی بـاشد . (۲) در سردر این مدرسه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ دریك صفحه کاشیکاری جدید بعد ازجمله (بسم الله الرحمن الرحیم) و (انا مدینة العلم و علی بابها) نوشته شده است :

سرمایه نجات بود مهر بوتراب — خواهی اگر نجات از او روی برمتاب

---

(۱) بنگارنده گفته شده است که از محمد معصوم الحسینی النامی بر دیوار کاروانسرای شاه عباسی بین کاشان و مورچه خورت نیز بتاریخ سال ۱۰۱۳ هجری قریب بمضمون عبارات آخر کتیبه فوق الذکر اثری بیادگارمانده است .

(۲) حمد الله مستوفی راجع بمدرسه سلطان محمد سلجوقی چنین نوشته است : « سلطان محمد بغزای هندوستـان رفت و جنگی سخت کرد و از بتخانه هندوستان بتی که مهتر بتان بود سنگین بـوزن قریب ده هزار من بیرون آورد . هندوان از او برابر مروارید عشری میخریدند نفروخت و گفت مردم بازگویند که آزر بت تـراش و محمد بت فروش و آن بت را باصفهان آورد و جهت خواری در آستانه مدرسه ای که خوابگاه سلطان است انداخت و امروز همچنان هست . سلطان محمد در رابع عشرین ذی الحجه سنه احدی عشر وخمسمائه درگذشت . بوقت وفات این ابیات انشاء کرد و بر زبان مکرر میگردانید .

بزخم تیغ جهانگیر وگرز قلعه گشـای — جهان مسخرمن شد چـو تن مسخررای

بسی بـلادگـرفتم بیك اشارت دست — بسی قـلاع گشودم بیك فشـردن پـای

چومرگ تاختن آورد هیچ سود نداشت — قضا قضای خدایست و ملك ملك خدای

(تاریخ گزیده تألیف حمدالله مستوفی چاپ تهران صفحه ٤٤٧)

مسجد قطبیه

مسجد قطبیه که بفحوای کتیبه سردر آن در دوره شاه طهماسب اول بوسیله امیر قطب الدین علی باب الدشتی بنا شده است درخیابان شاه اصفهان قراردارد اماچون در حین احداث خیابان شاه سردر آن در معرض خطر بوده سردر جدیدی در ضلع جنوبی باغ چهلستون بنا گردیده وکاشیهای نفیس آن بساختمان جدید انتقال داده شده و نصب گردیده است. صحن مسجد قطبیه کوچك است و اطراف آن باکاشیهای معقلی (ترکیب آجر و کاشی) تزیین شده است. کتیبه سردرآن بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی مورخ بسال ۹۵۰ هجری وبخط ابوسعید امامی بشرح زیر است:

« ۰۰۰۰۰۰۰ (۱) المعصومین فی ایام دولة السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ظل الله علی اهل الایمان **ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الحسینی بهادرخان(۲)** خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه الصاحب الاعظم والاکرم المستعین من الله الملك الولی **امیر قطب الدین علی الباب الدشتی فی شهر محرم سنة خمسین و تسعمائة کتبه العبد ابوسعید الامامی.** »

در زیر این کتیبه بخط مشگی برزمینه فیروزه ای نوشته شده است:

« بسعی شمس الدین محمد اصفهانی. »

قطب الدین باب الدشتی جهت ذخیره یوم المعاد رقباتی را
وقف برمسجد قطبیه واطعام مساکین نموده است

درزیر هلال این سردر کتیبه ای موجود است که بموجب آن (قطب الدین باب الدشتی) برای آنکه از خوان انعام او مستحقین بهره مند گردند رقباتی را

---

(۱) ازکاشیهای قسمت اول این کتیبه تاکلمه (المعصومین) چیزی برجای نمانده است.

(۲) جمله (ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الحسینی بهادرخان) درکتیبه با خطوط طلائی رنگ نوشته شده است.

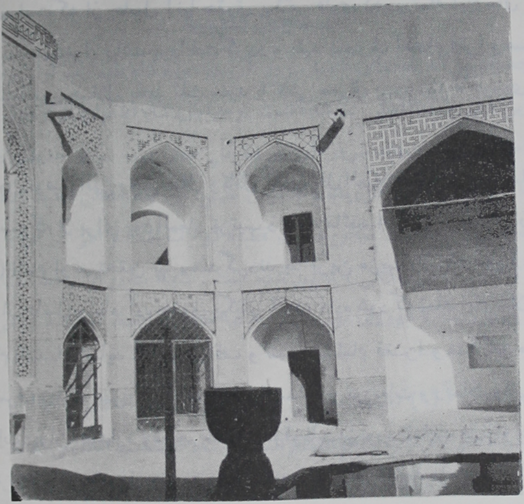
وقف نموده است که از حاصل آنها حقوق یکنفر قاری که در تمام ایام سال بتلاوت کلام الله مجید مشغول باشد پرداخت گردد و بقیه بمصرف اطعام فقرا و مساکین برسد. کتیبه این هلال بخط ثلث سفید با کاشی معرق بر زمینه لاجوردی بشرح زیر است:

« چون توفیق الهی رفیق حال وکافل آمال اقل العباد **قطب الدین باب الدشتی** شده خواست که از برای یوم المعاد ترتیب ذخیره مائده احسان نماید که از خان (خوان) انعام او مستحقین بهره مند گردند بنا برین مزیت رقبات معینهٔ را وقف نمود که از حاصل ونماءِ آن حقوق یکنفر قاری داده شود که تمام ایام بتلاوة کلام ملك علام اشتغال نماید از جهت واقف و تتمه باطعام فقرا و مساکین مترددین در آن صرف نمایند مقرر آنکه بعلة رسم الصداره و توزیعات و رقمات وقفی و مدد خرج نواب دیوان الصداره وغیرهم طلبی ازموقوفات مزبوره ننمایند وزیاده ازیکسال باجاره ندهند نه بعقد واحد و نه بعقود متعدده فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم. »

در قسمت فوقانی جبهه مقابل این سردر در اطراف یك صفحه کاشیکاری که با کاشی معرق شکل دو طاوس نقش‌شده بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی صلوات بر دوازده امام نوشته شده ودراطراف مدخل سردر بخط نستعلیق سفید معرق بر زمینه‌کاشی لاجوردی اشعار زیر نوشته شده است:

محمد عربی آب روی هر دوسرا	کسی که‌خاك درش‌نیست خاك برسراو
شنیده ام که تکلم نمود همچو مسیح	بدین حدیث لب لعل روح پرور او
که من مدینه علمم علی در است مرا	عجب‌خجسته حدیثی‌است‌من‌سگ‌دراو

بر دو جانب سردر بخط نستعلیق با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده است:



صحن مسجد قطبیه و تزیینات کاشیکاری آن ازدوره شاه طهماسب اول

غرض نقشی است کز ما باز ماند — که هستی را نمی بینم بقائی
مگر صاحب دلی روزی برحمت — کند درحق این مسکین دعائی(۱)

آرامگاه قطب الدین باب الدشتی ؟

از در ورودی مسجد قطبیه در دالان آن دری بشبستان گنبد دار آن که دارای چهار صفه است بازمیشود . در صفه شمالی این گنبد قبریست که سنگ سیاه بزرگی دارد وعموم مردم آنرا آرامگاه قطب الدین علی باب الدشتی میدانند وزیارت میکنند

(۱) سردرمسجد قطبیه دردوره‌ای که مرحوم جواد مجد زاده صهبا نماینده باستانشناسی در اصفهان بوده است بباغ چهلستون منتقل شده و باین مناسبت لوحه ای که حاکی از این اقدام او درسال ۱۳۲۰ خورشیدی است در داخل محراب نمای این سردر نصب شده

درحالیکه کتیبه این سنگ که ذیلا ذکرمیشود مدفون درآرامگاه را شخص دیگری بنام مجد الدین اسماعیل معرفی میکند. کتیبه بشرح زیراست:

«وفات عالیجناب .... خلف الاکابر العظام میرمجد الدین اسماعیل ابن حضرت عمدة الاکابر فی الزمان امیر مظفر بن امیر مسعود بـاب الدشتی فی شهر صفر سنة خمس و خمسین و تسعمائه.»

برجانب تحتانی سنگ آرامگاه سه شعرذیل که ضمناً مشتمل برماده تاریخ فوت صاحب قبر نیزمیباشد نقر گردیده:

بکند از بیخ نـاگه صرصر قهر | سهی سروی زبـــاغ زندگانی
خطاب ارجعی چون گشت نـازل | برون شد مجد دین زین دهرفانی
منـادی بهر تاریخش نـدا کرد | که حیف ازسرو بستان جوانی(۱)

۹۵۵

کتیبه سنگاب مسجد قطبیه

در صحن کوچك مسجد قطبیه سنگـابی نصب شده که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است:

از ره احسان نمود وقف بدوران | دختر باقر زساکنین صفاهـان
وقف ابوالفضل کرده سنگ آبی | تاکه شود سرفرازحضرت سبحان
هرکه خورد آب خوشگوار نماید | لعن فراوان بقـاتلان شهیـدان
گفت فیوضی زبهرتـــاریخش | غشر پس از هجرت ستوده دوران

۱۳۰۷

---

(۱) نقل از صفحه ۲۹ شماره نهم و دهم سال چهارم مجله یـادگار بقلم آقای محمد صدرهاشمی.

مسجد ذوالفقار

این مسجد که وسعت زیادی ندارد در بازار اصفهان واقع شده ومحله ای که در مجاورت آن قراردارد نیز بنام ذوالفقار خوانده میشود . مدرسه ای هم بنام ذوالفقار در کوچه مجاور مسجد واقع شده است . سردر اصلی مسجد در بازار است و از این سردر بلافاصله بشبستان مسقف مسجد داخل میشوند وجالب توجه میباشد که عکس چند شمشیر دوسر (ذوالفقار) روی دیوارهای گچی شبستان نقاشی شده است .

شاردن سیاح مشهور فرانسوی نوشته است : « محله نیم آورد یکی از محلات پرجمعیت اصفهان است . نقاط مهم این محله عبارتند از کوچه (جماله) و (مسجد ذوالفقار) که وجه تسمیه آن بمناسبت نام شمشیرعلی (ع) است . و یك حمام و یك مهمانخانه باسم (خاصه تراش) که فقط اصلاح شاه را میکند و این خود مقامی شامخ است . (۱)

کتیبه سردر مسجد حاکی از آنست که در دوره سلطنت شاه طهماسب اول شیخ محمد صفی مسجد را بنا کرده است . این کتیبه که کاتب آن محمد سیاوش معرفی شده ومورخ بسال ۹۵۰ هجری است وبخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده بشرح زیر است :

«قد عمرالله هذا المسجد الموسوم **بذی الفقار** فی ایام خلافة السلطان الاعظم الاکرم **ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی** بهادرخان خلدالله ملکه و افاض علی العالمین عدله اضعف عباد الله **شیخ محمد الصفی** نمقه **محمد سیاوش فی سنة ۹۵۰ .** »

اشعارمنقور بردرقدیمی این مسجد بسوی بازار بخط ثلث برجسته بشرح زیراست :

محمد عربی آبروی هردو سرای	کسی که خاك درش نیست خاك برسراو
شنیده‌ام که تکلم نمود همچو مسیح	بدین حدیث لب لعل روح پرور او
که من مدینه علمم علی دراست مرا	عجب خجسته حدیثیست من سگ دراو

(۱) ترجمه فارسی (شوالیه شاردن فرانسوی) چاپ اصفهان صفحه ۸۹

وِ بر روی دری که بسوی کوچه باز میشود عبارت زیر نوشته شده است :

« قال الله تبارك و تعالی و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً »

رقباتی که بر مسجد ذوالفقار وقف شده است

در بـالای کتیبه سردر مسجد لـوح سنگی سیاه رنگی بطول ۵۷ و عرض ۴۰ سانتیمتر نصب شده و کتیبه آن بخط ثلث برجسته بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله الذی واقف علی الضمائر والسرائر والصلوة والسلم علی محمد و آله اجمعین وقف شرعی نمود عالیجناب حاجی الحرمین الشریفین سید الساداة حاج میرزا اسدالله همگی دو باب دکان قصابی ونوار۰۰ فروشی درجنب مسجد ذوالفقار معین در **سرنم آورد** (۱) بموجب وقف نـامچه علیحده و وقف مسجد مزبور نمود وقفاً صحیحاً شرعیاً و این کلمات بجهة وقف نامچه قلمی شد **فی پنجم شهر رمضان ۱۱۰۹ کتبه محمد نصر .** »

فرمان بخشودگی مالیات بعضی از اصناف
در مسجد ذوالفقار نقش بر حجر است

بر یکی از جرز های ایوان جنوبی مسجد کوچك ذوالفقـار سنگ لوح سیاه رنگی بطول ۹۰ و عرض ۵۵ سـانتیمتر نصب شده که بخط نستعلیق برجسته فرمـان شاه عباس کبیر مبنی بر بخشودگی مالیات صنف دلاك و آینه دار و فصاد و ختنه کار و کیسه مال وخدمتکاران و آبگیران حمامهای مردانه وزنانه بر آن نقش بسته است:

کتیبه لوح مزبور که مورخ بسال ۱۰۳۷ هجری است بشرح زیر میباشد :

« فرمان همیون آنکه چون بعرض رسید که از قدیم الایام مقرر بود که خاصه تراش مبلغی ازجماعت سلمانی وسلیمانی که عبارت از **دلاکان و آینه داران وفصادان وختنه کاران و کیسه مالان وخدمتکاران و آبگیران حمامات مردانه وزنانه** [باشد بگیرند]

---

(۱) سرنم آورد ـ سرنیم آورد یا (سرنیماورد) نام محله ای د ر بـازار اصفهـان است مدرسه نیماورد هم از آثار تاریخی مشهور است و شرح آن خواهد آمد .

بعنف و تعدی با آنان رفتار مینموده اند . در این زمان خجسته اوان که امرخاصه تراشیرا بعمدة الصناع استاد علی رضا خاصه تراش شفقت فرمودیم مشار الیه مطالبات مذکوره را معاف داشته شرط نمود که یکدینار طلب ندارد و ثواب آنرا بروزگار فرخنده آثار بندگان نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس شاه بابا ام انارالله برهانه هبه نمود بنابرین مقرر نمودیم که احدی از حکام و تیولداران و کلانتران و سر بلوکان و ضابطان فیوج ممالك محروسه اصلا و مطلقا بعلت اخراجات از علفه و علوفه و قنلقا و الاغ و بیکار و شکار و دست انداز و پیشکش و عیدی و سایر تکالیف دیوانی بهر اسمی که بوده باشد حواله ننمایند و قلمرا کوتاه دارند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و آیه کریمه فمن بدله بعد ما سمعه را منظور دارند **تحریراً فی شهر صفر ۱۰۳۷** . » **(۱)**

مسجد درب جوباره

در یکی از کوچه های محله جوباره مسجد محقر وساده ای واقع شده که آنرا مسجد جوباره ومسجد پیرپینه دوز نیز مینامند . وجه تسمیه آن بجوباره بعلت‌آنکه درمحله جوباره واقع شده واضح است ولی وجه تسمیه دوم آن سابقه و جنبه تاریخی ندارد . بنای مسجد دارای هیچگونه اهمیت معماری نیست ولی سردر آن قدیمی و دارای تزیینات جالبی بوده است که کلیه آنها بباغ چهلستون انتقال یافته و بر یکی از دیوار های ضلع جنوبی باغ نصب شده است . بطوریکه از کتیبه سردر این مسجد استنباط میشود در دوره سلطنت شاه طهماسب اول بوسیله (مهتر محمد علی)

(۱). قریب بمضمون این لوح در راهروی ورودی مسجد شاه اصفهان فرمانی مشروح از شاه عباس کبیر مورخ بسال ۱۰۳۸ هجری نقش برحجراست که ضمن توصیف مسجد شاه بشرح آن خواهیم پرداخت .

رکابدار نواب بهرام میرزا برادر شاه طهماسب این مسجد از خاص مال اوساخته شده و او از اعیان شهراصفهان بوده است . کتیبه سردر این مسجد بخط ثلث باکاشی‌سفید معرق بر زمینه لاجوردی که نام خطاط آن (شیخ محمد بابر) و سال تحریر آن ۹۵۵ هجری را نیز دربردارد بشرح زیر است :

« تیمناً باسمه سبحانه قد تشرف ببناء هذا المسجد المؤسس البنیان علی تقوی من‌الله ورضوا [ن] فی ایام دولة سلطان سلاطین الزمان وخاقان خواقین الدوران المتمکن علی سریرالعدل و مسند الاحسان السلطان بن السلطان بن السلطان **ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادرخان** خلدالله تعالی فی‌ظل الامن والامان من انتسب رسم الخدمة علی اهل الایمان نواب الکامران الکشورستان **ابوالفتح بهرام میرزا الحسینی** خلد ظله العالی من‌خاص ماله مقرب الحضرة **مهتر محمد علی رکاب دار** نواب المشارالیه وهو من اعیان الاصفهان **کتبه شیخ محمد بابر بن خالد معلم سنة ۹۵۵ .** »

مسجد جوباره باقبال بهرام میرزا بنا شده است

چهار بیت شعر در دو لوحه بخط نستعلیق سفید از جمله تزیینات سردر مسجد جوباره است که فعلا بر دیوار باغ چهلستون نصب شده است و مضمون اشعارحاکی از آنستکه در دوره پادشاهی شاه طهماسب مسجد جوباره بوسیله مهتر محمد علی خالصاً لوجه‌الله وباقبال بهرام میرزا بنا شده است . اشعار مزبور بشرح زیرمیباشد :

در ایام شاهی **طهماسب شاه**	که در عهد او عدل انشاء شده
که صیت عدالت ازآن شاه دین	زتحت ثری تا ثریا شده
زمهتر محمد علی خالصاً	لوجه الله این مسجد احیا شده
گرش سال تاریخ خواهی بگو	**ز اقبال بهرام میرزا شده**

کتیبه بقعه خواجه شاه حسن

درمجاورت کتیبه ها وتزیینات مسجد جوباره کتیبه خوش خط دیگری بر دیوار چهلستون نصب شده است که از فحوای نوشته آن چنین برمیآید که کتیبه بقعه و زاویه ای بنام خواجه شاه حسن بوده ودردوره شاه طهماسب اول بنا شده است. کتیبه این بقعه که فعلا در باغ چهلستون نگاهداری میشود بخط ثلث خوش سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی مورخ بسال ۹۶۲ هجری و بخط ابوسعید امامی بشرح زیراست:



قسمت آخر کتیبه بقعه خواجه شاه حسن بخط ثلث ابوسعید امامی مورخ بسال ۹۶۲ هجری

«قال الله (۱) تبارك وتعالی وان لیس للانسان الاماسعی قد بنی وسعی بتوفیق الموفق للخیرات وتمم بتأیید متمم الامور انه علیم بذات الصدور فی ایام خلافة سلطان سلاطین العصر والاوان و مقدمة الجیش لصاحب الزمان **ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادرخان** خلدالله ملکه وسلطانه هذه البقعة الشریفة والزاویة المنیفة فطوبی ثم طوبی لبانیه بانی مبانی المبرات الساعی ..... (۲) **الخواجه شاه حسن** احسن الله عواقبه فی الدارین **کتبه العبد ابوسعید الامامی سنة ۹۶۲**.»

---

(۱) کلمه (الله) در این کتیبه با کاشی طلائی رنگ نوشته شده است.

(۲) قسمتی ازکاشیهای کتیبه دراینجا ریخته است ولی ازسیاق عبارت وکلمات موجود چنین برمیآید که بعد ازکلمه (الساعی) جمله (فی اساس .. الله ذی المنن) نوشته شده بوده است.

بقعه شاه زید

در شرقی ترین قسمت محله قدیمی (ترواسکان) یکی دیگر از امامزاده های اصفهان بنام شاه زید واقع شده که معماری وتزیینات کاشیکاری گنبد آن جالب است دوسال تاریخی دراین بقعه زمان ساختمان آنرا معلوم میدارد یکی سال ۹۹۴ هجری است که بر در مقبره منقور است ودیگری سال ۱۰۹۷ هجری میباشد که بریك لوح سنگی نقش بسته وازتعمیرات بقعه در دوره شاه سلیمان صفوی حکایت دارد بنا براین چنین نتیجه گرفته میشود که این بقعه در دوره پادشاهی شاه محمد خدا بنده صفوی بنا شده و در دوره شاه سلیمان تعمیر شده و محتمل است کاشیکاری گنبد که از لحاظ طرح و نقشه شباهت تمام بتزیینات کاشیکاری گنبد میرزا رفیعا (بنای تاریخی واقع در تخت فولاد اصفهان از دوره شاه سلیمان) دارد در دوره آن پادشاه باتمام رسیده باشد .

خطوط گردنه این گنبد در نمای خارجی آن بخط بنائی سه رگی مشگی و فیروزه ای برزمینه آجری تکرار جملات (یا الله) و (یا رب) است وکاشیکاری آن از جمله تعمیرات سالهای ۱۳۱٤ و ۱۳۱۵ شمسی است .

بر لنگه چپ در مقبره بخط ثلث برجسته نوشته شده است :

« برآستانه مقدس منور شاه زید ابن امام علی بن الحسین **رقم صحیفی جوهری ۹۹٤ .** » **(۱)**

داخل بقعه از تزیینات نقاشی که موضوع آن وقایع مذهبی است پوشیده شده و این نقاشیها در اوایل قرن چهاردهم هجری صورت گرفته و بقلم نقاش مشهور آن دوره (سید عباس شاهزاده) است که در بقعه درب امام مدفون است . (۲)

---

(۱) قسمت اول این کتیبه موجود نیست .

(۲) سید عباس شاهزاده همان سید عباس نقاش آقا میری است که تزیینات جدید نقاشی داخل بقعه هارون ولایت نیز بقلم او است .

سنگ نوشته تاریخی بخط محسن امامی

درقسمت بالای سکوی راست سردر مقبره لوح سنگی سیاه رنگی بشکل مثلث و بارتفاع ۲۵ سانتیمتر از سطح سکو بر دیوار آن نصب شده که مضمون آن حاکی ازتعمیراتی است که دردوره سلطنت شاه سلیمان صفوی بوسیله شخصی بنام معزالدین محمد مشهور بباغاتی در بقعه شاه زید بعمل آمده است . این کتیبه که بخط ثلث محسن امامی و مورخ بسال ۱۰۹۷ هجری است بشرح زیر میباشد :



گنبد بقعه شاه زید کاشیکاری دوره صفویه

« امام مفترض الطاعة امام رضا علیه الصلوة والسلام . توفیق یافت بتعمیر این آستان منوره متبر که شاه زید درزمان دولت سلطان اعظم وخاقان اکرم مالك رقاب الامم سلطان العرب والعجم **شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله**

ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین عدله و بره و احسانه ابن اقل عباد الله الملك المنان الجميل الجليل الوهاب خادم المعصوم میرزا طالب المشتهر بباغاتی **معز الدين محمد** فی تاریخ **سنة سبع و تسعين بعد الالف** من الهجرة النبوية والصلوة والسلام على محمد و آله اجمعين **كتبه محسن الامامی** . »

لوح یاد بود محمد رضا خادم بقعه شاه زید

در ایوان سمت راست مقبره برلوح سنگی سیاه رنگی بطول ۱/۵۵ متر و عرض ۴۲ سانتیمتر بخط نستعلیق برجسته اشعاری منقور است که از خدمات شخصی بنام محمد رضا بآستانه شاه زید حکایت میکند . اشعار این لوح که مورخ بسال ۱۰۸۳ هجری میباشد بشرح زیر است :

الحكم لله تعالی و تقدس

محمد رضا خادم شاه زید	گرفت ازجهان گوشه انزوا
بذکر خدا متصل شاد بود	بمهر علی کرد نشو و نما
بآخر چو دلسرد شد ازجهان	بفکر خود افتاد بی انتها
پس آنگه بنا کرد سردابهٔ	که بعد ازحیاتش بماند بجا
چواتمام کرد این بنای بخیر	زکروبیان آمدش مرحبا
هر آنکس که‌دیداین‌بنارا بگفت	خدا از تو راضی محمد رضا

درحاشیه این‌سنگ نیزاشعاری بخط نستعلیق برجسته بشرح زیرحجاری شده است:

ابن ملاکرم علی از صدق	چاکرمؤمنان شاه و گدا
خدمت شاه زید کرد ازدل وجان	سالها کرد از اشد رضا
هم خدا و رسول و خلق جهان	از محمد رضا شدند رضا
چون محب علی و آلش بود	جای خود ساخت جنة المأوی
چون دخیل امام ضامن شد	گشت تاریخ او **امام رضا**

۱۰۸۳ (۱)

(۱) تاریخ وفات محمد رضا خادم بقعه شاه زید در جای دیگری از سنگ یاد بود فوق الذکر بعداً باین شرح حجاری شده است : « تاریخ وفات مرحوم مغفور آقا محمد رضا فی سنه هزار ونود وهشت . »

ابنیه تاریخی اصفهان از دوره شاه عباس کبیر

شاه عباس اول اصفهان را بپایتختی انتخاب نمود

اصفهان بعد از قتل عام تیمور و خرابیهائی که بآن راه یافت از حشمت وابهت سابق افتاد تا قرن یازدهم هجری که شاه عباس اول آنجا را بپایتختی خود انتخاب نمود و دستور ساختن کاخها ومساجد وخیابانها وپلهای آنرا داد واین انتخاب حدود سالهای ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۶ هجری صورت گرفته است و بسط و توسعه و تزیین شهر با میادین و عمارات و مساجد و پلها تا آخرین سال سلطنت این شهریار صفوی ادامه داشته و جانشینان او نیز بوی تأسی کرده اند .

از شـرح و توصیف کاملی که سیاحان اروپائی در دوره شـاه عباس کبیر مـانند پی یترو دولاواله ایتالیائی (۱) وشاردن (۲) سیاح معروف فرانسوی داده اند باعتبار و عظمت این شهر میتوان پی برد . شاردن اصفهان پایتخت صفویه را در قرن یازدهم هجری (قرن هفدهم میلادی) بدینگونه توصیف کرده است :

« اصفهان پایتخت ایران با حومه آن یکی از بزرگترین شهر های دنیا است اطراف آن کمتر از ۱۲ « لیو » (۳) نیست . ایرانیان بعنوان مبالغه در عظمت آن میگویند (اصفهان نصف جهان) بزعم بعضی جمعیت شهراصفهان بالغ بریك میلیون و صد هزار نفر است . برخی دیگر ساکنین آنرا ششصد هزار نفر میدانند . شماره بنا های اصفهان ۳۸۲۰۰ یا ۳۸۳۰۰ میباشد که کاخها . مساجد . گرمابه ها . بازار ها کاروانسراها و دکانها نیز در شهر و حومه باین حساب آمده است . خلاصه بعقیده من **اصفهان باندازه شهر لندن که پر جمعیت ترین شهر هـای اروپا است جمعیت دارد** طول بارو ها و دیوار های شهر اصفهان بیست هزار پا و از گل ساخته شده است ولی

---

(۱) Pietro Dell Valle (۲) Jean Chardin (۳) لیو « Lieue » مقیاس قدیمی اندازه گیری مسافت در فرانسه و معادل چهار کیلومتر بوده است .

منازل و باغهائی که در داخل وخارج این بارو بنا شده بقدری زیاد است که دراغلب نقاط بزحمت میتوان دیوار ها را تشخیص‌داد . زیبائی شهراصفهان بیشتر درکاخهای عالی . خانه های مجلل و فرح انگیز . کاروانسرا های وسیع . بازار های بسیار زیبا. نهرها و کوچه هائی که دردوطرف درختان چنار بلند دارند میباشد درصورتیکه کوچه های سایر بلاد ایران تنگ و کثیف و کج و معوج و بدون سنگ فرش است از هر طرف اصفهان را تماشا کنید آنرا مانند جنگل یا بیشه ای می بینید که فقط از خلال اشجار گنبد های کبود و مناره هـای بلندی که برای اذان ساخته شده اند دیده میشود .

شهر اصفهان بدو محله بزرگ شرقی و غربی تقسیم میشده . چهار دروازه در مشرق و جنوب داشته است بـاسامی : حسن آبـاد . جوبـاره یا عبـاسی . کران سید احمدیـان و چهار دروازه دیگر در شمال و مغرب شهر عبـارت بوده اند از : دردشت . دروازه طوقچی . دروازه دولت . دروازه لنبان .

محله **جوباره** از دروازه طوقچی شروع میشده وکلیه قسمت شرقی شهر در آن واقع میشده است و محله **دردشت** مشتمل بر بقیه شهر بـوده . قدیمی‌ترین دروازه ها دروازه حسن آباد بوده است که بوسیله بازار بزرگ وطویلی بدروازه شمالی شهر (طوقچی) منتهی میشده . بازار ها فوق العاده زیبا و از آجر سـاخته شده بـوده و روشنـائی آنها از سوراخهای سقفها و کوچه های متصل ببـازار تأمین میشده است [امروز هم این بازار ها وجود دارند و شکل سـابق خود را حفظ کرده اند ولی در بعضی جا ها طاقهای آنها .برداشته شده و روباز است و یا بـا پوشش چوبی تجدید ساختمان شده است مانند بازار وچهارسوی مقصود بیك درمجاورت میدان شاه] (۱)

---

(۱) درسنوات اخیر تجدید ساختمان سقف بازارها بسبك قدیم آنها با تشویق ومراقبت آقای عباس بهشتیان عضو انجمن آثار ملی اصفهان و نظـارت اداره باستان شناسی اصفهـان شروع شده است و ادامه دارد .

از دروازه حسن آباد تا میدان شاه (بازارساروتقی) و(کاخ سارو تقی) و(مسجد ساروتقی) وزیر شاه عباس دوم قرار داشته است . بعد از آن (امامزاده احمد) و مدرسه (عربان) بوده است و سپس بازار مقصود بیك شروع میشده که امروز هم بهمین نام معروف است . شاردن اززیبا ترین کاروانسرا های اصفهان دراین بازاربنام (کاروانسرای مقصود عصار) نام برده که بشکل مربع مستطیل بوده ودوطبقه ساختمان داشته است . هرسمت کاروانسرا دارای بیست وچهار اطاق درطبقه فوقانی بوده اطاق وسطی هر ضلع ازبقیه اطاقها بزرگتر وطاق آن مانند طاق مدخل کاروانسرا ضربی ومزین بکاشیهای معرق بوده است . حیاط کاروانسرا سنگ فرش بوده وحوض بزرگ فواره داری در وسط داشته است . بطوریکه شاردن نقل میکند در کتیبه های این کاروانسرا کلمات قصاری با کاشی بشرح زیر نوشته شده بوده است :

« برای مسافر دو چیز لازم است یکی پول کافی برای رفع نیازمندیهای او و دیگری شمشیر برای حفظ وحراستش. اگرخواهی بمقصود برسی شب هنگام حرکت کن . روزفاش کننده راز وشب راهنمای با وفائی است . تمام روزها پسران یك پدر هستند و همه شبها خواهران یکدیگرند . از این روز و شب غیر از آنچه پیشینیان توقع داشتند مخواه . »

شاردن سپس درمحل پشت مسجد شاه فعلی از (انبارغلامان) و (بازارلله بیك) نام برده است . (۱)

---

(۱) مطالبی که ازشاردن نقل میشود ازکتاب (شوالیه شاردن فرانسوی) ترجمه آقای حسین عریضی اقتباس شده است .

میدان نقش جهان یا میدان شاه

شاردن نوشته است این میدان یکی از زیباترین میدانهای جهان است که شکل مربع مستطیل دارد بطول ۴۴۰ قدم وعرض ۱۶۰ قدم (۱) اطراف میدان نهری است که با آجر وآهك سیاه که از سنگ سخت تر است ساخته شده این نهر بعرض شش پا و ازاره های آن از سنگ سیاه است و پیاده رو های آن باندازه یك پا بلند تر است . عرض سنگها باندازه ایست که چهار نفر بآسانی میتوانند روی آن پهلوی یکدیگر حرکت کنند . بین این نهر واطاقهای اطراف میدان فضائی بعرض بیست پا وجود دارد . دراطراف میدان دویست اطاق است که همه بیك اندازه و بیك سبك و دو طبقه ساخته شده است . اطاقهای طبقه زیرین هریك عبارتست از دو دکان که یکی رو بمیدان و دیگری بطرف بازار است . طبقه بالا نیز عبارتست از چهار اطاق که دوتای آن بطرف میدان ودوتا درعقب واقع است . هریك از اطاقهای روبمیدان ایوانی دارد و جلوی آنها طارمی هائی است که با آجر و گچ و برنگ سبز وقرمز ساخته شده و بی اندازه بچشم زیبا میآید . هریك از اطاقها بطرف بازار راههائی دارد که در موقع تابستان بسیار خنك میباشد .

غیر از این اطاقها دراطراف میدان بناهای بزرگی است که عبارتند از (درقصر سلطنتی) یعنی عمارت **عالی قاپو** و (درحرمسرا) در سمت مغرب و (مسجد صدر) یعنی **مسجد شیخ لطف الله** و یك عمارتی که ماشینهای متعددی در آن قرار دارد و آنرا (ساعت سازی) مینامند درطرف مشرق . درجنوب میدان **مسجد شاه** ودرشمال آن بازار واقع شده . میدان دارای دوازده مدخل عمده و چند مدخل کوچك است

---

(۱) در سال ۱۳۰۸ هجری قمری که مؤلف کتاب « نصف جهان فی تعریف الاصفهان » کتاب خود را نوشته است طول میدان را پانصد ذرع شاه و عرض آنرا یکصد و شصت ذرع تعیین کرده است .

درمرکزمیدان دکل بزرگی است ببلندی ۱۲۰ پا که درروز های رسمی برای نشانه زدن بکار میرود . در شمال وجنوب میدان بفاصله ۳۵ پا ازنهر دوستون سنگی واقع شده که دروازه های بازی چوگان است .

سید عبدالحسین خاتون آبادی (۱۰۳۹ ـ ۱۱۰۵) مؤلف تاریخ وقایع السنین والاعوام معاصر با جانشینان شاه عباس کبیر بنای میدان نقش‌جهان را درسال ۱۰۱۱ هجری ضبط کرده است . (۱)

تاورنیه (۲) سیاح دیگر فرانسوی که از ۱۰۴۱ تا ۱۰۷۸ هجری قمری (۱۶۳۲ ـ ۱۶۶۸ میلادی) شش سفر بمشرق زمین کرده و بیش از نه بار ایران را دیده است نوشته است : وقتی شاه میخواهد تیراندازی کند جام زرینی روی دکل



منظره قدیمی میدان نقش جهان یا میدان شاه اصفهان

---

(۱) نسخه خطی (وقایع السنین والاعوام) تألیف سید عبدالحسین خاتون آبادی متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی ایران صفحه ۵۳۵

Jean Baptist Tavernier (۲)

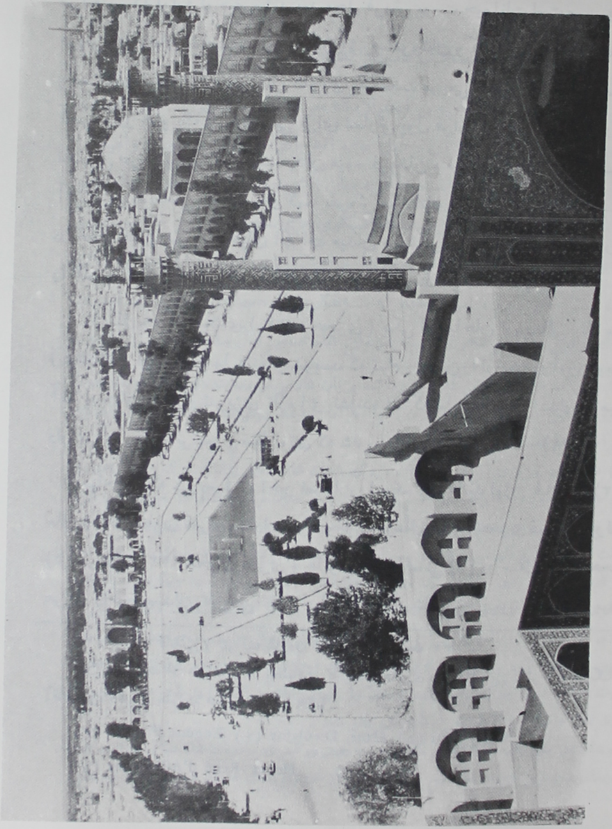
نصب مینمایند باید سوار در سر تاخت بیاید از زیر آن بگذرد و بعد با قیقاج بتیر و کمان آن جام را بزند این هم از رسوم قدیمی ایران است که در حال فرار با قیقاج دشمن خود را میکشند . هر کس جام طلا را با تیر بزند از آن او خواهد بود و من خود دیدم که شاه صفی در پنج تاخت سه جام را با تیر فرود آورد . »

شاردن نوشته است که روی بنا ها و اطاقهای اطراف میدان ازبالا تا پائین جای چراغ ساخته شده که در جشنها و اعیاد روی آنها چراغ گذارده روشن میکنند و در هیچ کجای دنیا چنین چراغانی دیده نمیشود زیرا تعداد این چراغها درحدود پنجاه هزارعدد میشود . شاه عباس کبیر از این کار بسیار لذت میبرد واغلب دستورچراغانی میداد ولی جانشینان او چندان توجهی باین کار نداشتند .

در دوطرف در قصرسلطنتی (عمارت عالی قاپو) بفاصله ۱۱۰ قدم طارمی چوبی منقشی است که در داخل فضای بین آن و دیوار قصر ۱۱۰ توپ چدنی سبز رنگ قرارداده اند . اغلب این توپها توپهای کوچك صحرائی است باستثنای دوتوپ بزرگ و از نوع خمپاره انداز که ایرانیان بآنها شتر میگویند . این توپها ساخت اسپانیا و جزء غنائمی است که ایرانیان هنگام فتح هرمز از قلاع پرتغالیها بچنگ آورده اند و این غنائم در تمام شهرهای ایران و از آنجمله اصفهان توزیع شد . در گوشه در حرمسرا دو پایه ستون مرمری بسیار زیبا و گرانبهائی وجود دارد که از خرابه های تخت جمشید آورده اند . (شاید مقصود شاردن از دوپایه ستون مرمری دوسر ستون دارای نقوش برجسته است که ازسالها پیش در اصفهان بوده و آنها را ازآثار دوره ساسانی پنداشته اند. ازدوسرستون مزبوریکی از آنها که کامل بوده فعلا درموزه ایران باستان درتهران است ودیگری که در گوشه های آن شکستگی دارد درعمارت چهلستون اصفهان نگاهداری میشود : مؤلف) سمت سردر بازار شاه درشمال میدان دو ایوان سرپوشیده است که آنرا (نقاره خانه) میخوانند و هنگام غروب و سحر با نقاره و کوس طبل و دهل و کرنا نغماتی مینوازند .

در هرطرف میدان درختهای چنار کاشته اند و بدون آنکه جائی را از نظرمستور بدارند اطراف میدان را مانند چتری پوشانده اند . این درختها بزیبائی میدان میافزاید مخصوصاً درتابستان وهنگامی که میدان را آب پاشی کرده باشند ونهرنیز پر از آب باشد از این جهت است که من تصور میکنم زیبا ترین میدانهای ایران میدان اصفهان باشد . این میدان در اعیاد و روز های رسمی مانند روز پذیرائی از سفراء خالی از جمعیت و (قوروق) میباشد ولی در سایر مواقع بساط اندازان دست فروشان . پیشه وران مختلف . خوراك فروشان در آن بخرید وفروش اشتغال دارند . پیشه وران کالای خود را روی یك حصیر و یا قالی میگسترند و بالای آن چادر و سایبانی که از حصیر و یا پشم بافته و روی پایه ایست که باختیار بحرکت میآید نهاده اند . این کالا ها را هیچ وقت از میدان خارج نمیکنند . شب هنگام آنها را درصندوق هائی جای داده وبیکدیگر بسته ویا آنکه دور آنها را تجیر کشیده باطناب کلفتی محکم می بندند بدون آنکه مستحفظی بر آن بگمارند معذلك هیچوقت حادثه ای رخ نمیدهد چه در ایران کیفر سختی در باره دزدان معمول است . گزمه ها مرتباً در گردش هستند و چون رئیس آنها (داروغه ویا میرشب) ضامن هرگونه دزدی شبانه است اگرسرقتی واقع شود چون گزمه ها مرتباً در گردش هستند مسؤل بوده مجبور بادای غرامت میباشند . در میدان بهنگام عصر . حقه بازان . خیمه شب بازان . تردستان . معرکه گیران که با شعر ویا نثر افسانه یا قصه میسرایند وحتی وعاظ جمع میشوند . شاه عباس کبیر محل فروش هرجنس و اجتماع اصناف مختلف را تعیین کرده است . ابتدا نزدیك مسجد شاه بازارحیوان وچهار پایان بزرگ است و جنب آن بازار فروش اسب و شتر و قاطر میباشد . موقع تشکیل این بازار صبح است و عصرها بجای آنها نجاران وچوب فروشان اشیاء خود را که بین آنها مایحتاج یك خانه از قبیل در و پنجره و ناودان و قفل وکلید چوبی و یا آهنی یا فت میشود

میفروشند . بعد از آن جایگاه فروش طیور و سپس محل فروش خشگبار است که انواع مختلف آن در ایران بحد وفور یافت میشود . بعد محل فروش پنبه و پهلوی



میدان تاریخی نقش جهان و بنا های سلطنتی اطراف آن از دوره شاه عباس کبیر

آن چلنگران وبعد سراجان که افسار وزین وبرگ کهنه میفروشند سپس کلاه پوست فروشان بعد نمد فروشان که نمد اسب و سایر چهار پایان را بفروش میرسانند بعد سراجانی که لوازم نو میفروشند بعد محل فروش پوست حیوانات است سپس بازار فروش چرم های ضخیم و نازك بعد از آن دستفروشان و کرباس فروشان وحلاجان و مسگران وبعد از آن صرافان که روی یك تخت مربعی نشسته وپهلویشان صندوق آهنی و در جلو یك کیسه چرمی برای شمارش پول قرار دارد . پزشگان در روی تختهائی می نشینند . در گوشه میدان میوه فروشان و سبزی فروشان و قصابان و آشپزان و اشخاصی که لباسهای کهنه بفروش میرسانند مشغول کسب و کار میباشند در فضای میان نهر و اطاقهای اطراف میدان صنعتگرانی هستند که اسباب کار خود را گسترده اند و اشیائی که بآنها رجوع میشود مرمت میکنند . » (۱)

در سال ۱۸۰۹ میلادی (۱۲۲۳ هجری) یکی از سیاحان اروپائی بنام موریه (Morier) این میدان را دیده ومینویسد که تمام درختان را ازریشه درآورده وبجای آنها درختان چنار و تبریزی تازه ای نشانده اند که سایه مطلوبی ندارد و میدان دارای آن نظم و ترتیب و منظره ای که شاردن شرح میدهد نیست . (۲)

سیاحانی که طی دو قرن اخیر اصفهان را دیده اند مانند اوژن فلاندن (۳) در سال ۱۲۵۵ هجری قمری ومادام دیولافوا (٤) درسال ۱۲۹۸ هجری قمری وپیرلوتی (٥) در سال ۱۳۲۱ هجری قمری و هانری رنه دالمانی (٦) در سال ۱۳۲٤ هجری هریك راجع بمیدان تاریخی نقش جهان یا میدان شاه شرحی نوشته و وضع میدان را

---

(۱) ترجمه فارسی (شوالیه شاردن فرانسوی) صفحه ۳۲

(۲) سفرنامه از خراسان تا بختیاری تألیف (هانری رنه دالمانی) ترجمه و نگارش آقای فره وشی (مترجم همایون) ص ۹۲٦

(۳) Eugène Flandin (٤) Mme. Dieulafoy (٥) Pierre Loti

(٦) Henry-René d'Allemagne

آنچنانکه مشاهده کرده اند توصیف نموده اند . (۱)

مسجد شیخ لطف الله

یکی از زیبا ترین آثار تاریخی اصفهان که هرتماشا کننده ای را خیره میکند ونسبت بهنرمندانی که درانجام آن دخیل بوده اند باظهار تحسین واعجاب وامیدارد مسجد شیخ لطف الله است که درضلع شرقی‌میدان نقش‌جهان مقابل عمارت عالی‌قاپو (دولتخانه مبارکه) واقع شده و بواسطه‌کاشیکاری های معرق داخل و خارج گنبد و کتیبه های عالی که مقداری ازآنها بخط علیرضای تبریزی عباسی (۲) است اززیبائی و ظرافت کمتر نظیر دارد . این مسجد که شاهکاری از معماری وکاشیکاری ایران در نیمه اول قرن یازدهم هجری است بفرمان شاه عباس اول ساختمان آن شروع

---

(۱) سفرنامه های سیاحانی که نام برده شد بزبان فارسی‌ترجمه شده وکسانیکه علاقه‌مند باشند تغییرات این میدان را در دو قرن اخیر مطالعه نمایند میتوانند بکتابهای سیاحان مزبور مراجعه نمایند .

(۲) علیرضای تبریزی از خوشنویسان بزرگ زمان شاه عباس اول است که چون بخدمت شاه عباس درآمد خود را علیرضای عباسی خواند . این خوشنویس استاد در تبریز شاگرد ملا محمد حسین تبریزی و علاء الدین محمد بن محمد تبریزی معروف به (علاء بیك) بود و خط ثلث و نسخ را نیکو می نوشت . پس از آنکه در زمان شاه محمد خدا بنده پدر شاه عباس ترکان عثمانی آنشهر را بتصرف آوردند علیرضا ازآنجا بیرون آمده وبقزوین پایتخت دولت صفوی رفت و در مسجد جامع آنشهر منزل گرفت و بکارکتابت مشغول شد وقسمتی از کتیبه های آن مسجد را با چند قرآن در آنجا تمام کرد ولی چون میخواست که در خط نسخ تعلیق نیزاستاد شود بمشق این خط همت گماشت ودراندك زمان بزور وقوت ام الخطوط که عبارت ازثلث است خوش نویس شده و خط را بجائی بلند رسانید ودرهفت خط مخصوصاً در خطوط ثلث و رقاع و نستعلیق استادی کم نظیر شد .

علیرضا روز پنج شنبه اول شوال سال ۱۰۰۱ هجری قمری بخدمت شاه عباس درآمد ودر زمره ندیمان مخصوص وی داخل شد و شاه جمعی از خوشنویسان مانند محمد رضا امامی

شده و سر در زیبای آن در سال ۱۰۱۲ هجری بپایان رسیده و سال اتمام ساختمان وتزیینات کاشیکاری آن ۱۰۲۸ هجری قمری است . سال اتمام سردر مسجد بموجب کتیبه ای که بخط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی نوشته شده بشرح زیر است :

« امر بانشاءِ هذاالمسجد المبارك السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی‌مراسم آبائه الطاهرین مروج مذهب الائمة المعصومین **ابوالمظفر عباس الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان** خلدالله تعالی ملکه و اجری فی بحارالتأیید فلکه بمحمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین صلوات الله و سلامه علیه وعلیهم اجمعین **کتبها علی رضا العباسی ۱۰۱۲** » (۱) و سال اتمام ساختمان مسجد (۱۰۲۸ هجری قمری) در داخل محراب کاشیکاری معرق بی نظیر آن در دو لوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی بشرح زیر آمده است :

« عمل فقیرحقیرمحتاج برحمت خدامحمد رضا بن استاد حسین بناءِ اصفهانی ۱۰۲۸ »

و محمد صالح اصفهانی وعبدالباقی تبریزی را بدو سپرد تا زیردست اوخط ثلث را بیاموزند علیرضای عباسی تا پایان عمر در زمره مقربان و ندیمان مخصوص شاه بود و در سفر و حضر در سلك مقربان شرف اختصاص داشت و بتفقدات و انعامات ونوازش های بیغایات سرافراز و مفتخر بود و بلقب (شاه نواز) ملقب شد . محبت و علاقه شاه عباس باین مرد هنرمند بدان پایه بودکه‌گاه پهلوی او می نشست و شمعی بدست میگرفت تا علیرضا در روشنائی آن کتابت کند.

الواحی که بر ضریح و صندوق حضرت رضا (ع) نصب شده بخط علیرضای عباسی و کار استاد مست علی زرگر است . سال مرگ علیرضای عباسی بدرستی معلوم نیست فقط یك جا در شرح احوال اونوشته شده است که در۱۲۵ سالگی درگذشت وبهمین سبب بشیخ الخطاطین ملقب شد ولی، این امرمسلم نیست (اقتباس ازکتاب زندگانی شاه عباس اول جلد دوم تألیف استاد نصرالله فلسفی صفحه ۵۳ تا ۵۷)

کتیبه های فوقانی داخل گنبد مسجد شیخ لطف الله و کتیبه سردراین مسجد و کتیبه سردر مسجد شاه و مسجد مقصود بیك در اصفهان بخط علیرضای عباسی است .

(۱) بریك قطعه ازکاشیهای قدیمی این‌مسجد که درشبستان زیربنا نصب شده سال ۱۰۱۱ نوشته شده و ظاهراً این تاریخ سال شروع ساختمان مسجد شیخ لطف الله است .



مسجد سلطنتی شیخ لطف الله در میدان نقش جهان اصفهان

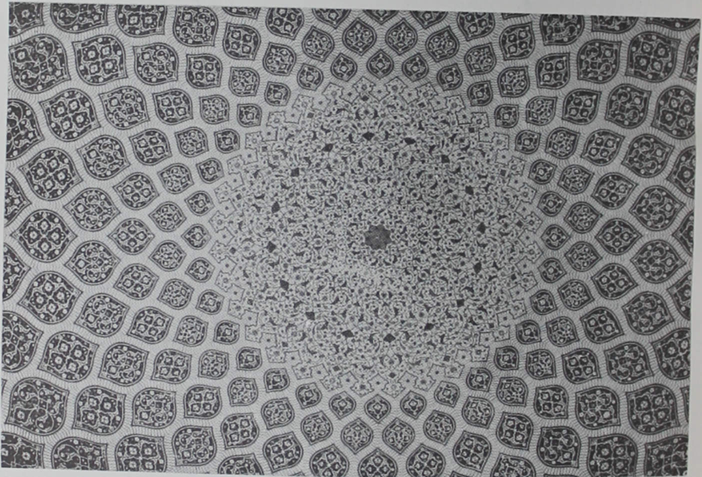
دریك لوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی در بالای پنجره کاشیکاری زیبای سردر بخط علیرضای عباسی نوشته شده است : « مایه محتشمی خدمت اولاد علی است .»

وجه تسمیه مسجد شیخ لطف الله

شیخ لطف الله بن عبدالکریم بن ابراهیم اصلا از مردم **میس** از قرای **جبل‌عامل** یعنی لبنان حالیه است و خاندان او همه از فقهای امامیه بوده چنانکه پدر و جد و جد اعلا وپسرش همه باین عنوان اشتهارداشته اند . بمناسبت سعی بی‌اندازه پادشاهان صفوی در ترویج احکام مذهب تشیع و تشویق و اکرام فقهای آن شیخ لطف الله میسی عاملی نیز مانند جمع کثیر دیگری از علمای بحرین و جبل عامل در اوایل عمر از موطن خود بقصد ایران عازم و ابتداء در مشهد مقدس مقیم شد و در آنجا پس از استفاضه از محضر علمای ارض اقدس از جمله ملا عبد الله شوشتری از جانب شاه عباس بزرگ بخدمت آستانه رضوی برقرار گردید وتا تاریخ فتنه ازبکان ودست اندازی ایشان برمشهد درآن شهرمقیم بود سپس ازشر ایشان بقزوین پناه جست ودر آنجا بکارتدریس مشغول شد . شاه عباس اورا ازقزوین باصفهان آورد ودرسال ۱۰۱۱ درجنب میدان نقش جهان مدرسه ومسجدی را که هنوز هم بنام اوشهرت دارد برای محل تدریس و اقامت و امامت او پی نهاد و انجام این کار تا ۱۰۲۸ طول کشید ودر حین اتمام همین ساختمان بود که شاه عباس درقسمت جنوبی میدان شاه طرح انشاء مسجد جامع عباسی یعنی مسجد شاه را ریخت .

بعد از آنکه مدرسه ومسجد شیخ لطف الله برای تدریس ونماز گزاری شیخ مهیا گردید این مرد جلیل محترم در آن مدرسه مقیم و در آن مسجد و مدرسه بامامت و تدریس مشغول گردید و شاه برای وجه معاش او وظیفه ای معین و مقرر داشت شیخ در مسائل قدیمی وفتاوی شرعی بعضی آراء وعقاید خاص داشت و بگفته مؤلف ریاض العلماء با علمای همعصر خویش درسر پاره ای از این مسائل بغیر حق مناقشه میکرد از آنجمله اقامه نماز جمعه را در غیاب امام زمان واجب میشمرد و شخصاً

در مسجد خود هر جمعه باین عمل ادامه میداد و مقلدین او از وی تبعیت میکردند
تألیفات شیخ بیشتر منحصر بحواشی وتعلیقاتی است که او بر کتب فقهیه علمای قبل
از خود نوشته ورسائلی که بر رد فتاوی دینی معاصرین برشته نگارش در آورده است
شیخ لطف الله از علوم ادبی نیز بی نصیب نبود و گاهگاهی هم بگفتن شعر طبع
آزمائی میکرد .



تزیینات نفیس کاشیکاری معرق در پوشش داخل گنبد مسجد شیخ لطف الله

تاریخ وفات شیخ لطف الله را مؤلف کتاب مجمل التواریخ در سال ۱۰۳۲ یعنی
درهمان سالی که بغداد بتصرف شاه عباس در آمده است مینویسد همچنین درعالم آرای
عباسی تاریخ فوت او را مؤلف این کتاب در ذیل وقایع همین سال ۱۰۳۲ میآورد و
صریحاً میگوید که شیخ لطف الله میسی عرب جبل عاملی در اوایل این سال قبل از

سفر دارالسلام بغداد که هنوز رایات جلال در ییلاقات فیروز کوه بود در اصفهان مریض گشته بعالم بقاء پیوست .

مؤلف عالم آرا در ذکر تاریخ فوت شیخ لطف الله گوید که در حین تحریر تاریخ وفاتش چنین بخاطر رسید :

شیخ لطف الله رفت از دار دهر	رخت بربست از جهان بیمدار
عزم عقبی کرد از دنیای دون	شد جنانش مأمن و دارالقرار
سال تاریخش همی جستم زعقل	گفت با من نکته ای آن پیرکار
چون دو «لا» از نام اوساقط کنی	سال تاریخ وفاتش زآن شمار

عبارت مهر اوجمله : « ثقتی بلطف الله تقینی » بوده است . (۱)

کتیبه و خطوط نمای خارجی گنبد مسجد شیخ لطف الله

کتیبه خارجی گنبد مسجد شیخ لطف الله بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی بترتیب شامل سوره های « شمس » و « دهر » و « کوثر » است و در آخر باین عبارت ختم میشود :

« قال الله و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً » (۲)

دریك حاشیه یك سطری بخط نستعلیق ریز سال اتمام تعمیرات گنبد بشرح زیر ذکر شده است :

« در سال هزار وسیصد وپانزده خورشیدی تعمیر شد . »

درلوحه دیگری بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی در بالای پنجره مشبك کاشیکاری سردرمسجد شیخ لطف الله نیز ازتعمیرات مسجد دردوره سلطنت سر دودمان سلسله پهلوی بشرح زیر یاد شده است :

---

(۱) نقل از صفحه ۵۸ و۵۹ شماره اول سال اول مجله یادگار .

(۲) کتیبه خارجی گنبد مسجد شیخ لطف الله تعمیر اداره باستانشناسی اصفهان در سال ۱۳۱۵ شمسی و بخط علی مسمی پرست است .

« در عهد سلطنت اعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلد الله ملکه و سلطانه تعمیرشد آبان ۱۳۰۷ »

بر گردنه گنبد بخط بنائی سه رگی (دومشگی درطرفین و یك سفید در وسط) بر زمینه فیروزه‌ای جملات (یا کریم) (یا الله) (یا رحمن) (یا رحیم) تکرار شده است .

درشمسه های پائین گردنه گنبد بخط بنائی مشگی برزمینه سفید کلمات وجملات: (الله اکبر) (الملك لله) (الحکم لله) (الحمد لله) (الله ومحمد وعلی) تکرار شده است .

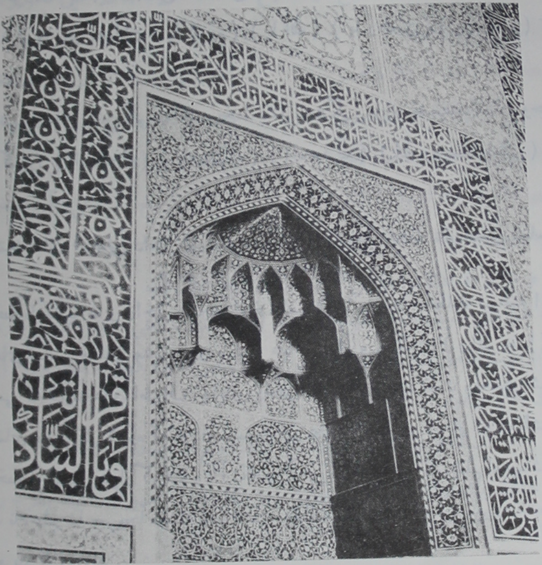
کتیبه های فوقانی داخل گنبد مسجد شیخ لطف الله بخط علیرضای عباسی و مورخ بسال ۱۰۲۵ هجری

خطوط کتیبه های داخل مسجد شیخ لطف الله را دو نفر خطاط نوشته اند یکی علیرضای عباسی خطاط مشهور دوره شاه عباس اول و دیگری (باقر بنا) خطاط گمنامی که کتیبه های اطراف زوایای داخل گنبد را نوشته است وبحدی شبیه بخط علیرضای عباسی کار کرده که کار او ضمیمه کار علیرضا شده و نام او تحت الشعاع نام آن خطاط مشهور قرار گرفته وبا آنکه درآخر کتیبه هائی که بقلم اومیباشد نام او مانند نام علیرضا صریحاً نوشته شده است معذلك اسم اوبفراموشی سپرده شده و کمتر از او یاد کرده اند .

دو کتیبه فوقانی داخل مسجد شیخ لطف الله بخط علیرضای عباسی است واز بالا بپائین کتیبه اول بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ که نام خطاط آن علیرضا و سال تحریر آن (۱۰۲۵ هجری) را درآخر کتیبه در بردارد بشرح زیر است :

« عن النبی صلی الله علیه وآله انه قال من توضا ثم خرج الی المسجد فقال حین یخرج من بیته بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین هداه الله الی الصواب والایمان و اذا

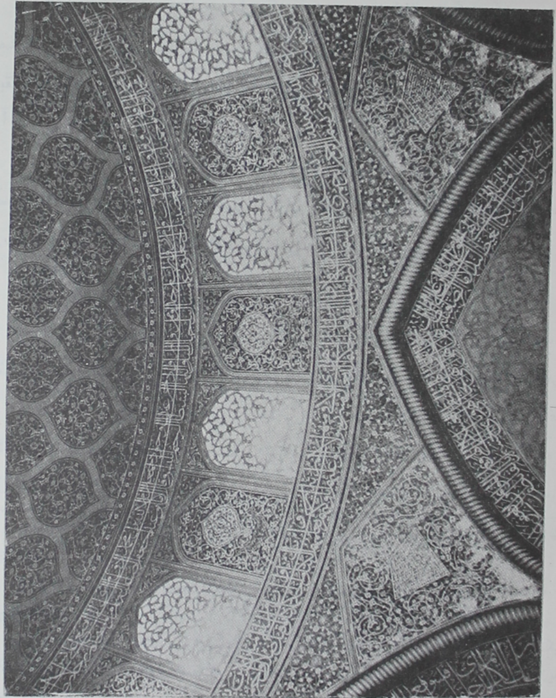
قال والذی هویطعمنی ویسقین اطعمه الله من طعام الجنة وسقاه من شرابها و اذا قال و اذا مرضت فهو یشفین جعل الله ذلك کفارة لذنوبه واذا قال والذی یمیتنی ثم یحیین



محراب کاشیکاری مسجد شیخ لطف الله و خطوط ثلث اطراف آن بخط باقر بنا

امـاته الله میتة الشهداء و احیـاه حیوة السعداء و اذا قال والذی اطمع ان یغفرلی خطیئتی یوم الدین غفرالله له خطأه کله وان کان کزبد من البحر و اذا قال رب هب لی حکماً و الحقنی بالصالحین وهب الله له حکماً وعلماً والحقه بصالح من مضی وصالح من بقی و اذا قـال واجعل لی لسان صدق فی الاخرین کتب الله له فی ورقة بیضاء ان فلان بن فلان من الصادقین و اذا قال واجعلنی من ورثة جنة النعیم اعطاه الله

منازل فی جنة النعیم واذاقال واغفر لابی غفرالله لابویه . عن ائمة اهل البیت سلام‌الله علیهم اجمعین اذا دخلت المسجد فقدم رجلك الیمنی و قل بسم الله و بـا لله و من الله و الی الله و خیر الاسماء کلها لله توکلت علی الله ولاحول ولاقوة الا بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد وافتح لی ابواب رحمتك وتوبتك واغلق عنی ابواب معصیتك واجعلنی



کتیبه های فوقانی داخل گنبد مسجد شیخ لطف الله بخط ثلث علی رضای عباسی

من زوارك وعمار مساجدك وممن يناجيك فی اللیل والنهار وادحر عنی الشیطان الرجیم و جنود ابلیس اجمعین . و قال الامام ابوعبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلم من مشی الی المسجد لم یضع رجلا علی رطب ولا یابس الاسبحت له الارض الی الارض السابعة صدق رسول الله صلی الله علیه و آله **کتبها علی رضا العباسی فی ١٠٢٥.** » (١)

کتیبه دوم قسمت فوقانی داخل گنبد مسجد شیخ لطف الله که درزیر پنجره های مشبك اطراف گنبد نصب شده است بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی بقلم علیرضای عباسی شامل تمام آیات سوره های « جمعه » و « نصر » است وقسمت آخر آن بعبارات زیر ختم میشود :

« سبحان ربك رب العزة عمایصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین صدق الله العظیم وصدق رسوله النبی الکریم ونحن علی ذلك من الشاهدین والحمدلله رب العالمین **کتبها علی رضا العباسی** غفرالله ذنوبه . »

خطوط بنائی در داخل مسجد شیخ لطف الله

در زیر کتیبه دوم کمربندی داخل گنبد درهر گوشه دردوشکل لوزی مانند بخط بنائی باکاشی مشگی برزمینه سفید سوره های شریفه « قدر » و«همزه» و«کافرون» و «انشراح» و« فیل» و« ماعون » و« تین » و« فاتحه » نوشته شده است . صفحات کاشیکاری که درهریك ازآنها بخط بنائی یکی ازسوره های مذکور نوشته شده است ازقسمتهای بسیارجالب وپرحالت تزیینات داخل گنبد مسجد شیخ لطف الله است. (٢)

---

(١) سال تاریخی (١٠٢٥) که سال اتمام تحریر ونصب این کتیبه است باکاشی طلائی رنگ نوشته شده .

(٢) **پروفسور پوپ** راجع بعظمت معماری ونفاست تزیینات مسجد شیخ لطف الله چنین نوشته است :

« مسجدی که در سمت مشرق میدان شاه ومقابل ساختمان عالی قاپو قراردارد یکی از شاهکار های بی نظیر معماری است که در سراسرآسیا خود نمائی میکند . این مسجد زیبا که همچون جواهری درخشان در تاریخ معماری ایرانیان میدرخشد (شیخ لطف الله) نام دارد

کتیبه های خط ثلث در چهارگوشه داخل مسجد شیخ لطف الله

در گوشه جنوب غربی محوطه داخل گنبد مسجد شیخ لطف الله بخط ثلث سفید باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی سوره (انفطار) نوشته شده وبعد از آن بعبارات زیر خاتمه میبابد :

« صدق الله العظیم الکریم . عن ابی عبدالله علیه السلم اذا کان لیلة الجمعة انزل من السماء ملئکة بعدد الذر فی ایدیهم اقلام الذهب و قراطیس الفضة لایکتبون الی لیلة السبت الاالصلوة علی محمد و آل محمد فاکثروا منها قال ان من السنة ان تصلی علی محمد و اهل بیته فی کل جمعة الف مرة و فی سایر الایام مأته مرة . »

در گوشه جنوب شرقی بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی سوره (لیل)

در حقیقت میدان بزرگی که قصر باشکوه عالی قاپو در یکطرف آن قرار دارد بچنین گوهر گرانبهائی در برابر خود احتیاج داشت و شاید همین نکته شاه عباس را بر آن داشت تا با ساختن این بناکه بسختی میتوان آنرا محصول دست بشر دانست زیبائی میدان را بکمال رساند .

زیبائی کاشیکاری این مسجد اعم از کاشیهای معرق یا کاشیهای هفت رنگ در نوع خود بی‌نظیرمیباشد . اصولا شروع تزیین دیوارهای صحن باکاشی هفت رنگ وتبدیل آن بکاشیهای معرق خود تنوعی است دلپذیر .

روشنائی داخل این مسجد نیز قابل توجه است . در اطراف گنبد بفواصل منظم روزنه هائی در قطر گنبد تعبیه شده که بوسیله پنجره های گچ بری از داخل وخارج مسدود میشود این گچ بریها عبارتند ازطرح های منظمی که بنسبت مساوی فضای خالی درمیان آنها وجود دارد . مجموع نور هائی که از این پنجره ها بداخل میتابد زیبائی آسمانی و خیال پروری بتزیینات کلی صحن میبخشد . کوچکترین نقطه ضعفی در این بنا دیده نمیشود . اندازه ها بسیارمناسب . نقشه وطرح بسیار قوی و زیبا . **بطور خلاصه توافقی است بین یك دنیا شور وهیجان ویك سکوت وآرامش با شکوهی که نماینده ذوق سرشار زیبا شناسی بوده و منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمیتواند داشته باشد .** (رجوع شود بجلد دوم کتاب **بررسی هنرهای ایران** « A Survey of Persian Art » تألیف پروفسور پوپ « Arthur Upham Pope » صفحه ۱۱۹۱)

نوشته شده و آخر کتیبه بعبارات زیر ختم میشود : « صدق الله العظیم وصدق رسوله الکریم . عن جابر عن ابی جعفر علیه السلم قال قال النبی صلی الله علیه و آله لجبریل علیه السلم وای البقاع احب الی الله تعالی قال المساجد و اهلها احب الی الله اولهم دخولا و آخرهم خروجاً منها صدق نبی الله . »

در گوشه شمال غربی بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی (سورة البینه) نوشته شده و آخر کتیبه بعبارات زیر ختم میشود : « صدق الله العظیم و صدق رسوله الکریم و نحن علی ذلك من الشاهدین وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین الطاهرین وسلم تسلیماً کثیراً برحمتك یا ارحم الراحمین ویاا کرم الاکرمین . »

در گوشه شمال شرقی بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی سوره (شمس) نوشته شده و قسمت آخر کتیبه بعبارات زیر خاتمه میبابد : « و قال الله تبارك وتعالی و ان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً صدق الله العظیم و صدق رسوله الکریم ونحن علی ذلك من الشاهدین برحمتك یا ارحم الراحمین . عن ابی جعفر علیه السلم قال لما اسری برسول الله صلی الله علیه و آله الی السماء فبلغ البیت المعمور فحضرت الصلوة فاذن جبرئیل علیه السلم و اقام فتقدم رسول الله صلی الله علیه و آله صف الملئکة والنبیون خلف محمد صلی الله علیه و آله . »

کتیبه های دوضلع شرقی و غربی مسجد شیخ لطف الله
بخط باقر بنا

کتیبه های دو ضلع شرقی و غربی داخل گنبد مسجد شیخ لطف الله بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی شامل اشعاری است بزبان عربی مشتمل براسامی چهارده معصوم علیهم السلام و عباراتی که قسمت آخر آنها بجمله « کتبها باقر بنا » ختم میشود. ظاهراً سراینده این اشعار شیخ بهائی عالم معروف دوره شاه عباس اول بوده

است که در مصراع (بهائك المذنب المستهـام) بنام خود هم اشاره نموده . کتیبه بشرح زیر است :

« الهی بحـق نبی الانام	شفیع الذنوب بیوم القیام
الهی الهی بنفس الـرسول	قسیم الجنان وزوج البتول
الهی بحق الزکی الحسن	بحق الحسین اسیرالمحن
الهی الهی بـزین العبـاد	و بالباقر الطهر کرالرشاد
الهی و بـالصادق المقتدا	وبالکاظم الغیظ بحرالنـدا
الهی بحـق الامـام المبین	علی الرضـا قبلة الطالبین
الهی الهـی بحق التقـی	الهی الهـی بجـاه النقـی
الهی و بالعسکری الحسن	الهی و بالقائم المؤتمـن
بلطف بعفوك یا ذاالجلال	علی هائم فی مهاوی الضلال (١)
بهـائك المذنب المستهام	غریق بحارالخطایا العظام
واعتقه یا رب یـوم الورود	علیك من النارذأب الودود
و یسرلـه کـل امر عسیر	فانت علی کل شیئی قدیر
بـاربعة و عشرة اعتضادی	وهم شفعای فی الیوم العبوس
بطیبة والغـری و کـربلا	و سامرا و بغـداد و طوس

عن جابر قال دخلت علی فاطمة علیها السلم و بین یدیها لوح فیه اسماء الاوصیاء من ولد ها فعددت اثنی عشر احد هم القائم ثلثة منهم محمد و اربعة منهم علی علیهم السلم **کتبها باقر بنا** »

---

(١) کلمه (مهاوی) از این مصراع دراصل کتیبه (مهادی) نوشته شده است .

نام شیخ لطف الله و باقر بنا در کتیبه های دو جانب شمالی و جنوبی مسجد نوشته شده است

کتیبه های دو جانب شمالی و جنوبی داخل مسجد شیخ لطف الله نیز یکسان است . این دو کتیبه که نام **شیخ لطف الله** و **باقر بنا** را در بردارد بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی بشرح زیر است :



عبارت آخر یک کتیبه در داخل مسجد شیخ لطف الله بخط باقر بنا

الهی بحق الهـــــاشمی محمد — حبیبک طـــه شافع العرصات

بحق علــــی نفسه و وصیـه — ابی ولـده والصهر ذی الحسرات

و فـــــاطمة الزهراء قرة عینه — مجسمة الاحـــزان والعبرات

ومسموم اولاد الزنا الحسن الذی — رمی الکبد الحری جفاً قطعات

و مقتول اولاد البغایا بکربلا الـــــــحسین شهیـد الله فـی الفلـوات

و زین عبادالله ذی الحزن والبکا — علی ابی الاوصـاب والزفـرات

و بـــــاقر علم الاولین محمد — شبیـه رسـول الله ذی الدرجـات

و مظهر دین الصدق والحق جعفر — و مظهـره فی الجهر والخلوات

و موسی شهیـد الاشقیـاء و نجله — علی الرضا المسموم فی العنبات

و معـدن تقوی الله الجواد و ابنه — محمد المحبـور بالنعمــــات

وهادی الوری نجل التقی معدن النقی — علی خفیر الخلق فـی القفـرات

و بالحسن الاصل الاصیل بعسکر — ابی العز والخـیرات والبـرکات

بصاحب هـذا العصر اعنی محمداً — ای الخاتم الثـانی لخیر وصـات

انلنی انلنی بغیتی بـــولائهم — و صـل علیهـم افضل الصلـوات

وشفعهم فی عبد عبد عبیدهـــم — عبیـدک **لطف الله** فی العرصـات

وبالباقر البنـاء کاتب هـــذه الـــــــحروف وقاه الباری العثرات . »

دولتخانه مبارکه نقش جهان یا عمارت عالی قاپو

این کاخ ازبناهای شاه عباس کبیر است که درربع اول قرن یازدهم هجری ساخته شده و محل حل و فصل امور کشور و دربار پادشاه بوده است و مورخین معاصر با شاه عباس اول آنرا بنام (دولتخانه مبارکه نقش جهان) نام برده اند .

جابری انصاری درتاریخ اصفهان نوشته است شالوده این عمارت درعهد جانشینان تیمور یا تراکمه ریخته شده بوده و شاه عباس اول در سال ۱۰۱۸ هجری پنج طبقه دیگر برآن اضافه نموده و در طبقه اول نیز تصرفاتی بعمل آمدکه بالنتیجه بنای مزبور از لحاظ سبك ساختمان یکسان نمایش پیدا نمود . (۱)

تاریخ شروع ساختمان عالی قاپو و زمان اتمام آن معلوم نیست ولی از قرائن موجود چنین استنباط میشود که این عمارت وبنای مقابل آن (مسجد شیخ لطف‌الله) در زمانی نزدیك بهم باتمام رسیده و درحالیکه مشغول ساختمان مسجد شاه بوده اند این دو بنای سلطنتی که یکی قصر شاه و دیگری مسجد مخصوص خانواده سلطنتی بوده است باتمام رسیده . نام عالی‌قاپو تقلیدی ازدوکلمه (باب عالی) و قصرسلطان عثمانی در اسلامبول است و مقصود شاه عباس آن بوده که توجه سیاستمداران اروپا را باین‌کاخ همنام آن درایران متوجه نماید وعالی‌قاپوی اصفهان باب عالی عثمانی را از هر جهت تحت‌الشعاع قرار دهد . کاخ عالی قاپو دارای شش طبقه ساختمان است و از طبقه هفتم آن که بام عمارت است بهترین منظره شهر باستانی اصفهان پدیدارمیشود . هرطبقه از این‌کاخ تزیینات مخصوص دارد وباآنکه ظاهراً در اوایل قرن چهاردهم هجری بتزیینات آن خرابی ها ولطمات جبران ناپذیری وارد آمده معذلك هنوز شاهکارهائی ازگچ بری ونقاشی دوره صفویه را در بردارد .

---

(۱) تاریخ اصفهان و ری تألیف شیخ جابری انصاری صفحه ۳۳۵

مینیاتور ساز معروف دوره شاه عباس اول بنام **رضای عباسی** (۱) و شاگردان چیره دست او بر نقش و نگار در و دیوار این قصر هنرنمائی کرده اند وخوشبختانه این تزیینات بشکل نقاشی های گل و بوته و شاخ و برگ و اشکال وحوش و طیور در سقف ها و طاقهای اطاقهای مختلف و تو در توی این عمارت و راهروها و پلکانها بصورت اصلی آن باقی‌مانده و هیچگونه مداخله ای در آنها بعمل نیامده و از این جهت اطاق مخصوص جلوس شاه عباس که بزرگترین اطاقهای طبقه سوم این قصر است نمونه کامل آنها بشمار میرود .

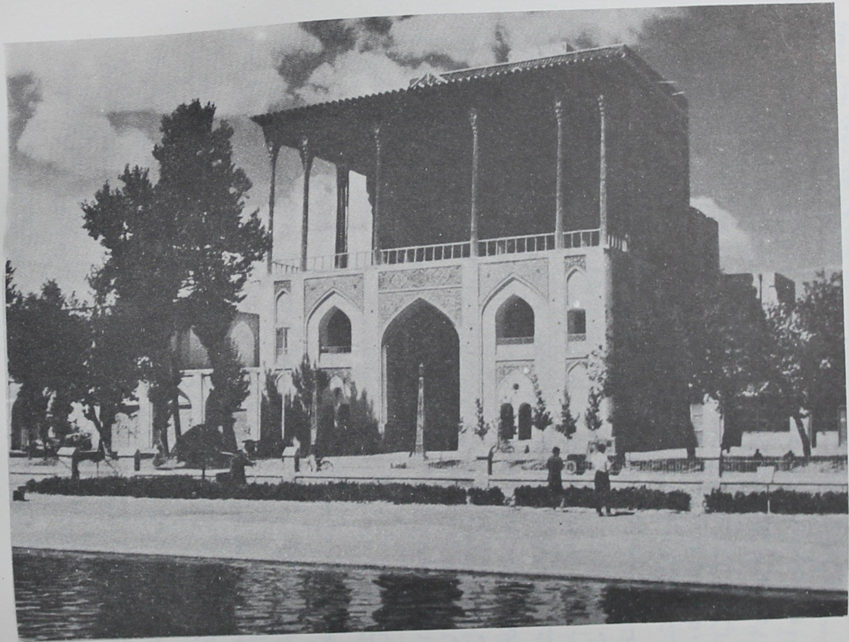
شاردن ضمن توصیف این بنا گفته است: « **بزرگترین کاخی است که ممکن است در یك پایتختی وجود داشته باشد.** » مقررئیس دیوانخانه (دیوان بیگی) و(صدرخاصه) و کشیك خانه در طبقه اول این بنا مستقر بوده است .

---

(۱) در میان قطعات نقاشی که ازعهد شاه عباس وشاه صفی بجای مانده در زیر یك عده از آنها رقمهای تاریخداری است بنام (رضاء عباسی) این رضاء عباسی مصورشبیه ساز است و آنچه از او بدست آمده صورتهای منفرد از اشخاص یامجالس دوسه نفری یاصورت انسان وحیوان یا بهمراه هم است وتصاویری که از او مانده وتاریخ دارد تواریخ آنها بین ۱۰۲۷ تا ۱۰۴۱ هجری است . رضاء عباسی نقاش معروف این دوره که تصاویر عمارت عالی قاپو و سردر قیصریه اصفهان و بعضی نقاشی های عمارت چهلستون (قسمتهائی از این عمارت که دردوره شاه عباس اول بناشده است) بقلم اومیباشد غیراز (علیرضای عباسی) است که خطاط معروف دوره شاه عباس اول است و مقداری از کتیبه های مسجد شیخ لطف الله وکتیبه ثلث سردر مسجد شاه بقلم او میباشد .

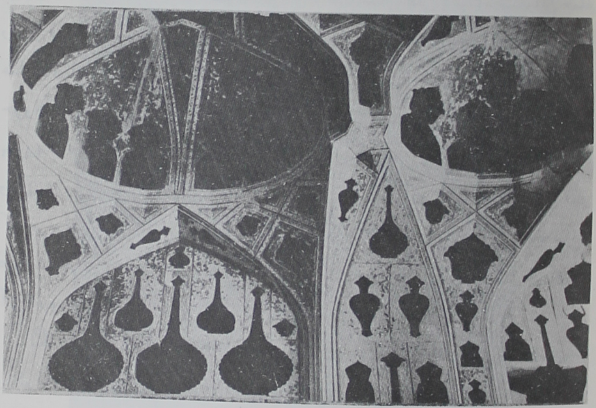
وفات رضای عباسی مصور بشهادت کتیبه ای که از شاگرد او معین مصور درکنار صورت او باقیست در ماه ذیقعده ۱۰۴۴ هجری اتفاق افتاده . کتیبه بشرح زیر است :

« شبیه غفران ورضوان آرامگاهی مرحومی مغفوری استادم **رضاء مصورعباسی** مشهور برضاء عباسی ... بتاریخ شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۴۴ آبرنگ گردیده بود که در شهر ذوالقعدة الحرام سال مذکور ازدار فنا بعالم بقاء رحلت نمود و این شبیه را بعد از چهل سال درچهاردهم شهررمضان المبارك سنه ۱۰۸۴ حسب الفرموده فرزندی محمد نصیرا باتمام رسانید . **معین مصور** غفرالله ذنوبه (صفحه ٤٨ شماره دهم سال دوم مجله یادگار) .



عمارت عالی قاپو یا کاخ سلطنتی شاه عباس کبیر در میدان نقش جهان

طبقه ششم این عمارت محل مخصوص پذیرائیهای رسمی پادشاه واجتماع رامشگران و سازندگان ونوازندگان بوده است . بزرگترین سالنهای عمارت عالی قاپو دراین طبقه است ونوع تزیینات آن درسقف ها گچ بریهائی است که بشکل انواع ظروف و صراحی در طاقها و دیوارها و زوایای آن تعبیه شده است و همین طبقه است که نزد مردم بنام اطاق صوت وموسیقی شهرت پیدا کرده . هیئت نوازندگان دردو گوشواره فوقانی این طبقه که سرشار ازمینیاتور است استقرار میبافته اند . ساختن وپرداختن



تزیینات گچ بری طبقه ششم عمارت عالی قاپو محل پذیرائیهای رسمی و تشکیل مجالس بزم شاه عباس کبیر

اشکال گچ بری در این قسمت از ساختمان برای آن نبوده است که در آنها جام و ظروف قرار دهند زیرا نوع این کار که با گچ تعبیه شده بسیار ظریف است و کوچکترین اشاره ای که در اثر برخورد دست یا شیئی دیگری با آنها حاصل شود آنها را درهم میشکند بلکه غیر از نمایش یکی از انواع عالی تزیینات گچی که

نوعی از هنر ایرانی است غرض عمده در تزیین اطاقهـای متعدد این طبقه آن بوده است که در این قسمت از عمارت انعکاسات حاصله از نغمه های سازندگان و نوازندگان بوسیله این اشکال مجوف گرفته شده و نغمه ها و صدا ها طبیعی و بدون انعکاس صوت بگوش برسد.

جنبه تقدس عمارت عالی قاپو

سلاطین صفویه مخصوصاً شاه عباس اول بامام اول شیعه حضرت علی بن ابی طالب(ع) ارادت مخصوص میورزیدند وعموماً خود را (کلب آستان علی) میدانستند واین جمله را در فرامین و مسکوکات خود بکار میبردند . استقرار ۱۱۰ عدد توپ در دو طرف عمارت دولتخانه یعنی عالی‌قاپو اشاره‌ای بنام مبارك حضرت علی (ع) است که بحساب حروف ابجد (۱۱۰) میشود . شاه عباس اول بمنظور تیمن و تبرك این قصر سلطنتی بطوریکه مشهوراست دری ازدرهای رواق روضه نجف اشرف را باصفهان انتقال داده و آن در را زیب پیکر این ساختمان نموده است و بهمین جهت از مدخل این قصر که سردرقصرهای سلطنتی ومنازل پادشاهی بوده است هیچکس حتی خود شاه سواره عبور نمیکرده و دیگران موظف بوده اند در موقع ورود بقصر سنگ مرمر آستانه آنرا ببوسند .

نگارنده ازخاطرات دوران تحصیلی خود دردبستان بیاد دارد که روزهای بیست ویکم ماه رمضان دراین قصر بازبود ومردم دسته دسته برای پختن نذر خود بعمارت عالی قاپو روی میآوردند و در هریك از ایوانها و اطاقهای این کاخ تا طبقه سوم در آن روز مخصوص آتشی افروخته بود و بر آن آتش نذر یکی ازحاجتمندان آماده میشد درحالیکه دود سراسر این اطاقها را فراگرفته وتزیینات نقاشی را سیاه رنگ میکرد ودرحال حاضر بسیاری از این تزیینات هنوز سیاه رنگ و آلوده بدود است (در آن تاریخ هنوز بنا های تاریخی تحت اداره مستقیم دولت درنیامده بود وحافظ ونگاهبانی نداشت) درهمین ایام که نویسنده این اوراق سطوری درباره این کاخ مینگارد

(سال ۱۳٤۰ شمسی) در شبهای جمعه و لیـالی متبرکه طبق معمول که مؤمنین در مقابر واماکن مقدسه و مشرفه شمع روشن میکنند دریکی ازایوانهای کوچك متصل



تصویر شاه عباس اول کاربشنداس نقاش هندی (۱)

(۱) **این مینیاتور جزء مجموعه مینیاتور های « بریتیش میوزیم » لندن است که بوسیله بشنداس نقـاش هندی در حدود سـال ۱٦۱۸ میلادی (۱۰۲۷ هجری) نقـاشی شده است** (از تاریخ کشیشان کرملی در ایران چاپ لندن)

بسردر عمارت عالی قاپو و نزدیك چاه آبی که در این قسمت واقع است شمع هائی روشن میشود و باین ترتیب خاطره قدسی این کاخ که از فراز و نشیب روزگار روز ها و شبها بخود دیده است همچنان حفظ میشود و ادامه مییابد .

در مجاورت عمارت عالی قاپو بنای دیگری که نمای خارجی گنبد آن آجری است وداخل آن با تزیینات نقاشی آراسته شده بوده بنام **توحید خانه** (۱) وجود دارد که از ملحقات قصر عالی قاپو بوده است .

تالار عمارت عالی قاپو از الحاقات دوره شاه عباس دوم است

بطبقه سوم عمارت عالی قاپو در دوره سلطنت شاه عباس دوم تالاری با ۱۸ ستون از چوب چنار اضافه شده است که ستونهای آن با آینه پوشش میشده و سقف آن با صفحات بزرگ نقاشی روی آلت های چوبی تزیین شده . بایك نظر بساختمان این تالار الحاقی بودن آن بعمارت اصلی واضح میشود. دروسط این تالارحوضی ازمرمرومس قرار دارد که دارای فواره هائی بوده ودرمراسم مخصوص آب ازآنها جستن میکرده (شاردن سیاح فرانسوی که در دوره سلطنت شاه عباس دوم و شاه سلیمان دراصفهان بوده و این عمارت را در سفر نامه خود توصیف کرده است صریحاً مینویسد که آب را بوسیله ماشینهای مخصوصی بالامیآوردند و بدیهی است آنچه را که شاردن ماشین مینامد چیزی غیراز« چرخ آب » های معمولی منازل اصفهان نمیتواند باشد : مؤلف) اصولا توجه بساختمان تالار ها با حوض و جهش آب از فواره یا شیرهای سنگی از

(۱) در اصفهان صوفیان در شبهای جمعه در این عمارت که (توحید خانه) نام داشته و در کوچه مدخل اصلی قصر واقع بوده گرد میآمدند . مسکن صوفیان یا نگهبانان صوفی که تعدادآنها دویست نفربوده درجوارهمین محل بوده است. صوفیان این دروازه را نگهبانی میکردند و بعلاوه نگهبانی حصار خارجی قصر با آنان بود و شاه را در موقع خروج ازقصر همراهی وحراست میکردند . صوفیان کلاه مخصوص بسرمیگذاردند و ازسبلت انبوه وبلندی که عمود از دو طرف بینی از حدود چهره خارج میشد شناخته ومشخص میگشتند و بشمشیر وخنجرمجهز بودند وتبری هم بردوش داشتند . (سازمان اداری حکومت صفوی باتحقیقات و حواشی و تعلیقات استاد مینورسکی صفحه ۵۶ و ۱۰۵)

اختصاصات بنا های دوره شاه عباس ثانی است واین کیفیت در تالار چهلستون وتالار عمارت آئینه خانه که دردوره سلطنت این پادشاه باتمام رسیده بخوبی مشاهده میشود.

دیوارهای تالار عمارت عالی قاپو بطوریکه عیان است دارای دوپوشش تزییناتی میباشد که بر روی هم قرار گرفته اند . پوشش زیرین تزیینات عهد شاه عباس دوم است و پوشش بعدی تزییناتی است که بذوق و سلیقه شاه سلطان حسین در تالار این کاخ اضافه شده است . تزیینات نقاشی واشعاری بخط نستعلیق قرمز رنگ بر زمینه گچ سفید درزیر قشری از گچ دیگر که در اواخر عهد قاجاریه دوپوشش عهد صفوی را مستور نموده بوده است آسیب زیاد دیده معذلك در بعضی قسمتها تشخیص این تزیینات و بعضی خطوط که در سنوات اخیر از زیر گچ خارج شده امکان پذیر شده است .

کلمات و مصرعهائی از اشعار منقوش بردیوار عمارت عالی قاپو که از تعمیرات یا اضافات دوره شاه سلطانحسین حکایت میکند و هنوز قابل خواندن است بشرح زیر میباشد :

(یا الله) ۰۰۰۰۰ شهنشاه دین (یا محمد) داور دین پرور ایران زمین (یا علی مدد)کلب درگاه علی فخر شهان (یا الله) حامی دین نبی ۰۰۰۰ (یا محمد) آنکه زآب رحمت و خاك بهشت (یا علی مدد) دست قدرت طینت گردون سرشت (یا الله) پایه ایوان قدرش بیحجاب (یا محمد) باشد آنجائیکه سرزد آفتاب (یا علی‌مدد) منتظم باشد از آن گردون مآب (یا الله) ۰۰۰۰ ملت همچون آنجناب (یا محمد) ۰۰۰۰ (یاعلی‌مدد) شاه دین شاه زمان سلطانحسین (یا الله) بن سلیمان این سلیمان بارگاه .

اشعار محمد بیك فرصت راجع بساختمان ایوان عالی قاپو

در سال ۱۰۵۳ هجری شاه عباس ثانی بمیرزا تقی الدین محمد وزیر اعظم خود دستور داد معماران عالیقدر درعمارت عالی قاپو روبطرف میدان نقش جهان تالاری

بنا نمایند و روز پنج شنبه بیست وچهارم شهر ذی القعده سال ۱۰۵۳ بنای این تالار گذاشته شد و در عرض اندك مدتی باتمام رسید . شاعری موسوم به محمدی بیك متخلص به (فرصت) که توپچی سرکار شاهی بود در تاریخ بنای تالار این اشعار را سروده است :

ای معلی بنای عرش نظام — وی فلك کرسی فرشته مقام

سر بسر عالم از تو گلشن شد — از تو چشم زمانه روشن شد

گرچه فرزند مادر خاکی — خلف خاندان افلاکی

تا زمین از تو یك نشان دارد — سرفرازی بر آسمان دارد

آسمان از بلندیت شده پست — تا تو برخاستی سپهر نشست

گر فروریزد آسمان برهم — نشود خشتی از بنای تو کم

چل ستون توچهلستون باشد — که مدامت نگاه بآن باشد

هرستونی که ازتوپای بجاست — فلك پیر را بدست عصاست

هرستون تو ای رفیع بنای — شده راهی بعالم بالای

طرحش از گرد نورریخته اند — در گچ او ستاره بیخته اند

آسمان با مهی درافشانش — کهنه فانوسی از شبستانش

بهر ایوان آن سپهر بنا — زحل افکنده خشت بر بالا

حسن خورشید بام دیوارش — من ندانم که بوده معمارش

سقف او را چه جای زیور بود — قبه زر بسی مکرر بود

نصب کرد آخر اوستاد هنر — مهر انور بجای قبه زر

زده آن طارم فلك پایه — آسمان را بسر گل سایه

سقف طالار آن رفیع بنا — بر سر عرش گشته چتر گشا

تا فلك دیده سرفرازی او — خوانده تکبیر جان درازی او

روی طاقش ز فیض یزدانی — چون کریمان گشاده پیشانی

در ودیوارش از کرشمه نگار — گل تصویر او همیشه بهار
بلبلان خمش بنـــــاله زار — میسرایند بـر در و دیـوار
مرغ تصویرش ار نظاره کند — گل گریبان رنگ پاره کند
نیست ممکن که هیچ دانائی — بخیال آورد چنین جائی
دم عیسی هـوای منظـر او — لـــــوح تقدیر تخته در او
بت چین است نقش خاك درش — در فردوس سینه چاك درش
دیده کی بیند از نظر سیرش — دل گرفتار زلـف زنجیرش
بارها خورده آسمان بلند — بسر آستانه اش سـوگند
که برون از تلاش گفت وشنید — کس چنین نقش بی قرینه ندید
هست دروصف اوزبان مغرور — شاه بیت ایست درجهان مشهور (۱)

الواحی ازکاشی برجبهه شرقی عمارت عالی قاپو ازتعمیرات دوره ناصرالدین شاه قاجارحکایت میکند

چهار جانب عمارت عالی قاپو در دوران پادشاهی شاه عباس اول وشاه عباس دوم باکاشیهای خشتی خوش نقش تزیین شده بوده که توأم با درها وپنجره های نفیس آن منظره ای بس جالب باین عمارت تاریخی میداده است و موجب نهایت تأسف است که از آن همه در و پنجره فقط يك پنجره در طبقه سوم عمارت برجای مانده وبقیه آنها بتاراج رفته است . در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار که مختصر توجهی نسبت بتعمیر بعضی بناهای تاریخی اصفهان شده درعمارت عالی قاپوهم ظاهراً کارهائی صورت گرفته که بطورحتم تعویض طره های فوقانی عمارت یکی از آنجمله کارها است وباین مناسبت بجای کاشیهای خشتی گل و برگ عهد صفویه برجبهه بالای سردر ورودی فعلی کاشیهای دیگری که دربین آنها سه لوح خط نیزجای داده شده قرار داده اند

(۱) نقل از نسخه خطی کتاب « قصص الخاقانی » تألیف ولیقلی شاملو معاصر شاه عباس دوم متعلق بکتابخانه همکار دانشمند آقای محمد صدرهاشمی .

عبارات این سه لوح اشعاری است که شاعری بنام (کفاش) سروده وضمن تعمیرات سال ١٢٧٤ هجری قمری بخط نستعلیق سفید درهم برزمینه لاجوردی بجای کاشیهای عهد صفویه نصب شده است.

عبارات و اشعار لوح وسط این کاشیکاری بشرح زیر است:

هوالله

ناصرالدین شاه قاجار

در زمان ناصرالدین شاه قیصر پاسبان شد ز تعمیر علی قاپی جهان رشک جنان(١)

باده دولت بجامش تا در آید آفتاب سکه شاهی بنامش تا بگردد آسمان

السلطان بن السلطان

١٢٧٤

لوح سمت راست:

دلا تاریخ تعمیر علی قاپی است این انشا که شد از ناصرالدین شاه این نیکو بنا احیا

ناظمه کفاش

لوح سمت چپ بشرح زیر است:

تا علی در عالم امکان ولی الله باد صدر اعظم در پناه ناصرالدین شاه باد(٢)

---

(١) عمارت عالی قاپو را باسم (علی قاپی) و (علی قاپو) نیز نام برده اند.

(٢) مقصود از صدر اعظم در زمان نصب کاشیهای فوق الذکر (میرزا آقا خان نوری) بوده است که بعد از قتل امیر کبیر یعنی بزرگترین مرد ایران درقرن سیزدهم هجری چند سالی منصب صدارت ناصرالدین شاه را بعهده داشته است.

مسجد شاه

مهمترین مسجد دوره صفویه در شهر اصفهان از لحاظ عظمت جنبه معماری و کثرت تزیینات مسجد شاه عباس کبیر است که در ضلع جنوبی میدان شاه در سال ۱۰۲۰ هجری بفرمان شاه عباس اول ساختمان آن شروع شده ودرسال ۱۰۲۵ ساختمان سردر و تزیینات کاشیکاری آن بمنظور تکمیل آرایش اطراف میدان باتمام رسیده است . ساختمان و تزیین سایر قسمتهای مسجد تا آخرین سال حیات شاه عباس اول ادامه داشته و در زمان جانشینان او شاه صفی و شاه عباس دوم نیز ادامه یافته است آخرین سالهای تاریخی که در مسجد شاه از عهد صفویه دیده میشود سال ۱۰۷۷ در کتیبه محراب شبستان کاشیکاری ضلع غربی مسجد و سال ۱۰۷۸ هجری در کتیبه سردر مدرسه جنوب غربی مسجد است .

اسکندر بیك ترکمان مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی راجع بشروع ساختمان مسجد شاه در سال ۱۰۲۰ هجری (۱) چنین نوشته است :

« در اوایل این سال فرخنده آغازخجسته انجام شهریار ظفرقرین نصرت فرجام را نیت خیر امنیت باسطرلاب فکرت بدان مقصور و معطوف گردید که در حوالی **نقش جهان اصفهان** بنای مسجد عالی بنیان که دربلاد ایران بل معموره جهان مثل آن نشان نتواند داد بپردازند وچون دارالسلطنه اصفهان را ازعمارات عالیه ومنازل مرغوبه دلگشا و باغات عنبر شمیم روح افزا و انهار و بساتین نمونه خلد برین گردانیده اند اگرچه مسجد عالی ومدرسهٔ درجانب شرقی وشمالی میدان نقش‌جهان

---

(۱) مؤلف تاریخ وقایع السنین والاعوام شروع ساختمان مسجد شاه را روز شنبه بیست و دوم شهر صفرالمظفر سنه ۱۰۱۹ ضبط کرده و اضافه نموده است که شاه فرمودند تخمیناً باید شصت هزار تومان خرج بشود (نسخه خطی وقایع السنین والاعوام متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی ایران صفحه ۵۳۹)

ترتیب داده بودند اما آنها در برابر همت بلند آن حضرت پست مینمود و مکنون ضمیر انور بود که همچنانکه آن بلده جنت مثال از عمارات عالیه و باغات وقیصریه وخانات واسواق رشگ بلاد ومصدوقه « ارم ذات العماد التی لم یخلق مثلها فی البلاد » است مسجد عالی اساس و مدارك و بقاع الخیر آن حضرت نیز ارفع مساجد و بقاع ایـران و در زینت و صفا از بیت المعمور و مسجد اقصی نشان دهد بعد از ملاحظه اطراف میدان نقش جهان جانب جنوبی میدان را که خانی بزرگ در آنجا ترتیب یافته بود اختیار فرمودند وعمارت خان مذکور را کنده درساعت سعد که اهل تنجیم از زایچه طالع میمون همایون استخراج نمودند معماران حـاذق و مهندسان مدقق که دراعمال هندسی ودقایق کارهریك چون مرکز پرگار دم ازتفرد ویکتائی میزدند طرح مسجد ومقصوره انداخته استادان نادره‌کار بمبارکی واقبال شروع درکار کردند **از غرایب حالات ونوادر اتفاق پیدا شدن معدن سنگ مرمر است در حوالی صفاهان** که در هیچ زمان کسی ازآن نشان نیافته بود وهمانا سنگهای مذکور در آن مکان ودیعت نهاده دست قدرت ازلی است که تا غایت بجهة زیب و زینت این معبد شریف از نظر خلق پنهان بوده و از میامن بخت بلند و نیت ارجمند این خسرو فیروزمند دراینعهد ظهور یافت و از این معنی استدلال توان کرد که ظهور این آیتی است روشن و علامتی واضح بر صدق نیت و حسن اعتقاد بانی و قدر و منزلت این بنا دردرگاه مبدع جهان آراء که چنین سنگهای یکپارچه طویل و عریض منقـوش الوان راکه درمعمورۀ جهان مثل آن نشان نمیتوان یافت آرایش این ثانی بیت المعمور گردانید.»

تاریخ این خجسته بنا خواستم ز دل　　　ازشوق گفت **کعبۀ ثانی بناشده**. (۱)

کتیبه سردر اصلی مسجد شاه بخط علیرضای عباسی

کتیبه سردر باشکوه مسجد شاه بخط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه کاشی

---

(۱) نقل ازتاریخ عالم آرای عباسی تألیف اسکندر بیك ترکمان جلد دوم چاپ تهران صفحه (۸۳۱) جمله «کعبه ثانی بنا شده» بحساب حروف ابجد (۱۰۲۰) میشود.

لاجوردی مورخ بسال ۱۰۲۵ هجری و بخط علیرضای عباسی حاکی ازآنستکه شاه عباس اول مسجد شاه را ازخالص مال خود بنا کرده و ثواب آنرا بروح جد اعظم خود شاه طهماسب اول هدیه نموده. متن کتیبه بشرح زیراست :

« امر ببناءِ هذاالمسجد الجامع من خالص ماله اشرف خواقین الارض نسباً و اکرمهم حسباً و اعظمهم رفعة و شأناً و اقواهم حجة وبرهاناً واشملهم عدلا واحساناً تراب العتبة المقدسة النبوية و قمامة الساحة المطهرة العلوية **ابوالمظفرعباس الحسینی الموسوی الصفوی** (۱) بهادر خان لازالت رقاب اعاظم الخواقین خاضعة علی بابه و جباه افاخم السلاطین معفرة بتراب اعتابه **و قد اهدی ثوابه الی روح جده الاعظم الاکرم الافخم شاه طهماسب** سقی‌الله ضریحه صوب الرضوان واسکنه علی‌غرف الجنان **کتبه علی رضا العباسی فی سنة ۱۰۲۵** »

استاد علی اکبر اصفهانی معمار مسجد شاه اصفهان

در ذیل کتیبه ثلث سردر مسجد شاه در کتیبه دیگری بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی ضمن اعلام اتمام ساختمان مسجد از **محب علی بیکا لله** سرکار بیوتات سلطنتی وخزانه دارشاه و **استاد علی اکبر اصفهانی** مهندس ومعمارمسجد شاه نام برده شده است . این کتیبه که بخط محمد رضا امامی میباشد بشرح زیراست :

« قد تمت بعون الله وحسن توفیقه عمارة المسجد الذی حری به ان یکون جامعاً لما صلیت صلوة الجمعة بشرایطها فیضا هی المسجد الاقصی الذی بورك حولها فطوبی ثم طوبی لمن رعی ترصیف بنیانها و ارکانهـا اعنی من عظم قـدره بین اقرانه لازال کاسمه محب علی بیکا لله (۲) و بمعمارية من فی العمل کالمهندسین وهوالنادرالاوانی

---

(۱) جمله (ابوالمظفرعباس الحسینی‌الموسوی الصفوی) درکتیبه باکاشی‌های‌آبی رنگ برزمینه‌کاشی لاجوردی است .

(۲) محب علی بیك معروف به (لله بیك) لله غلامان شاهی و خزانه دار شاه عباس بوده است . (جلد سوم زندگانی شاه عباس اول صفحه ۲۱۵) شاردن سیاح فرانسوی در

استاد علی اکبرالاصفهانی و باشراف من یشرفه الله شرفاً جزیلا فرعوا بها بیکالله کتبه محمد رضا الامامی .»

بر دو اسپر کاشیکاری طرفین در ورودی درهشت لوحه (در هر اسپرچهار لوحه) بخط مشگی بر زمینه فیروزه ای خوشرنگ نوشته شده است :

« قال الله سبحانه و تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین ـ قال النبی صلی الله علیه وآله اذا رأیتم الرجل یتعاهد المسجد فاشهدوا له بالایمان . »

الواح و خطوط جلوخان سردر مسجد شاه

در طرفین جلوخان وسیع سردر مسجد شاه بخط ثلث زرد رنگ بر زمینه کاشی خشت لاجوردی نوشته شده است :

« قال النبی صلی الله علیه وآله انا مدینة العلم وعلی بابها . »

بر دواسپر دوجانب شرقی وغربی جلوخان سردر درقسمتهای بالا بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه لاجوردی نوشته شده است :

نادِ علیاً مظهرالعجایب | تجده عوناً لك فی النوایب

کل هم و غم سینجلی | بنبوتك یامحمد بولایتك یاعلی

و نام کاتب آن بشرح زیر نوشته شده است :

« کتبه العبد المذنب الراجی ادیب مجلسی. »

و در قسمتهای پائین دو اسپر فوق الذکر اشعاری بخط نستعلیق حنائی رنگ معرق برزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر نوشته شده است :

امی لقبی کز انبیا اعلم بود | احمد نامی که سرور عالم بود

زآن سایه نبودیش بهمراه که بود | محرم جائی که سایه نامحرم بود

مجاورت میدان شاه از بازاری بنام بازار (لله بیك) نام میبرد و میگوید که وی سالیان دراز بازرگان بوده وبعد ها مباشر ساختمانهای سلطنتی شده است . این شخص برای شاه در اصفهان و مازندران و سایر نقاط بنا های بسیاری برپاکرده است .

در ضلع غربی جلوخان تخته سنگ بزرگی نصب شده که در بالای آن فقط جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) باقی مانده است و چنین شهرت دارد که وقفنامه موقوفات مسجد شاه روی این تخته سنگ حجاری شده بوده است و بعد از صفویه این سند تاریخی مهم را سترده اند .

کتیبه نمای خارجی سردر مسجد شاه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر است :

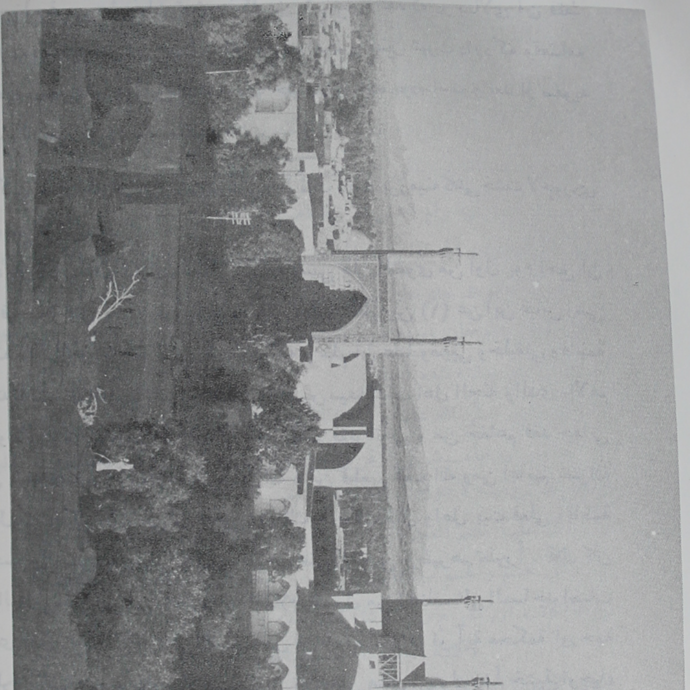
« قال الله سبحانه تبارك و تعالی لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین (۱) عن ابن عباس رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم ان علیاً وصیبی وخلیفتی وفاطمة زوجته سیدة نساء العالمین بنتی والحسن والحسین سیدا شباب اهل الجنة والذی والاهم فقد والانی و من عاداهم فقد عادانی ومن اتاهم فقد اتانی و من جفاهم فقد جفانی ومن برهم فقد برنی ومن وصلهم وصل الله و من قطعهم قطع الله ومن اعانهم نصرالله وخذل من خذلهم اللهم من کان له من انبیائك و رسلك ثقل واهل بیت فعلی وفاطمة والحسن والحسین اهل بیتی و ثقلی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً . قال کان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام یقول من اختلف الی المساجد اصاب احدی الثمان اخاً مستفاداً فی الله عز وجل او علماً مستظرفاً او آیة محکمة اورحمة منتظرة اوکلمة رده عن ردی او یسمع کلمة تدله علی هدی اویترك ذنباً خشیة اوحیاء قال النبی صلوات الله و سلامه علیه انا مدینة العلم و علی بابها . صدق رسول الله صلی الله علیه وآله . »

کتیبه و خطوط مناره های سردر مسجد شاه

بدنه هر دومناره سردر مسجد شاه درجنوب میدان باخطوط بنائی مارپیچ تزیین

---

(۱) آیه ۱۰۸ سوره شریفه (توبه)



منظره مسجد شاه اصفهان در جنوب میدان نقش جهان از شاه عباس کبیر

شده و یکسان است و عبارات منقوش بر آنها بخط بنائی سه رگی مشگی برزمینه فیروزه ای تکرار سوره « اخلاص » و عبارت « لااله الا الله محمد رسول الله » و « الله اکبر » است .

در زیر مقرنسهای هر دو مناره بخط ثلث بر زمینه کاشی خشت لاجوردی نوشته شده است :

« ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً وقل الحمدلله الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیراً. »

اشعار فارسی بر در نقره پوش مسجد شاه
از دوره شاه صفی

در اصلی مسجد شاه که در ضلع جنوبی میدان و در زیر مقرنس عالی سردر باشکوه آن واقع گردیده وبا نقره وطلاپوشش شده شامل اشعاری است بخط نستعلیق برجسته که سال اتمام و نصب آنرا بزمان شاه صفی جانشین شاه عباس اول که از ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ سلطنت کرده میرساند . گوینده این اشعار بطوریکه در بیت آخرنام او ذکرشده (واهب) است وماده تاریخ اتمام آن مصراع (شد در کعبه درصفاهان باز) میباشد ولی نام خطاط آن ذکر نشده (۱) اشعار منقور بر لنگه راست در بشرح زیر است :

چون خدیو زمانه شاه صفی — شاه دشمن گداز و بنده نواز
که ازاین درشه فرشته خصال — می برد ره بکعبه بی‌تك وتاز
کی بانجام میرسد حرفم — وصف این مسجد ار کنم آغاز
مسجدی کزشرف بیك مسجد — کرده با مسجد الحرام نماز
خانه بانی و زمان و زمین — کعبه ثانی و عراق و حجاز

---

(۱) مؤلف تاریخ (نصف جهان فی تعریف الاصفهان) نوشته است : « کتیبه و خطوط درنقره را خط رشیدای خوش نویس میدانند » (صفحه ۶۲ کتاب نصف جهان چاپ تهران)

مـرغ روح کبوتران حـرم — میکند در هوای آن پرواز
نقره قرص مه زرشگ درش — میخورد چون طلای مهر گداز
بازشد چون بتازگی این در — در صفاهان بروی اهل نیاز

دنباله این اشعار بر لنگه چپ در بشرح زیر نوشته شده است :

این بنا خلقتی که صبح ازل — در توفیق شد برویش باز
آنکه سعیش ببوستان نجف — داد آب روان بعمر دراز
شهسوار قلمـــــرو دانش — خسـرو عهـد داور ممتاز
شرع پرور شهی که جبریلش — بـدعا یاد کرده وقت نماز
داد فرمان که این در مسجد — یـابد از نقره و طلا پرداز
زرگرانش بکارخـانه ذوق — گرم خدمت شدند چون دم و گاز
چون باقبال شاه گشت تمام — آمـد از روی آسمان آواز
فکر تاریخ کردواهب و گفت — **«شد در کعبه در صفاهان باز»**

مصراع «شد در کعبه درصفاهان باز» بحساب حروف ابجد ۱۰۴۶ هجری میشود که مصادف با هشتمین سال سلطنت شاه صفی است .

فرمان شاه عباس کبیر مبنی بربخشش عوارض بعضی از اصناف بریك لوح سنگی مرمری مورخ بسال ۱۰۳۸ هجری

بر یك لوح بزرگ از سنگ مرمر بطول ۱/۱۷ متر و عرض ۸۵ سـانتیمتر که دردالان غربی ایوان شمالی مسجد شاه نصب شده فرمان شاه عباس اول مبنی بر بخشش مالیات صنف دلاکان و آینه داران وفصادان وختنه کاران وجامه داران و کیسه مالان وآبگیران و خدمتکاران حمامات مردانه و زنانه وتیغ سازان وچرخگران وسنگ سایان وسایرجماعت سلمانی منسوب بخاصه تراش بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر نقش بر حجر شده است :

« فرمان همیون شرف نفاذ یافت آنکه چون توجه خاطر خطیر مرحمت اثر و تعلق ضمیر منیر معدلت گستر همایون بترفیه حال وفراغ بال کافه خلایق وعبادالله بتخصیص کاسبان و درویشان سلمانی و سلیمانی که عبارت از دلاکان و آینه داران و فصادان و ختنه‌کاران و جامه داران و کیسه مالان و آبگیران وخدمتکاران حمامات مردانه و زنانه و تیغ سازان وچرخگران و سنگ سایان و سایرجماعت سلمانی که بخاصه تراش منسوب و متعلق اند درجه اعلی و نهایت کمال دارد در زمان فرخنده نشان نواب گیتی ستان فردوس مکانی جنت آشیانی جد بزرگوارم طاب ثراه که امر خاصه تراشی بسعادت نصاب زبدة الصناع **استاد علی رضا** دلاك خاصه شریفه مرجوع گشته احکام مطاعه لازم الاطاعه نواب گیتی ستانی خصوصاً حکمی که بتاریخ شهر ذی حجة الحرام سنه ١٠٢١ عز اصداریافته مشعر بر آنکه درزمان سابق خاصه تراشی مبلغی بعنف وتعدی ازجماعة سلمانی وسلیمانی باز یافت مینموده اند وسعادت نصاب مشار الیه ازتاریخی که خدمت خاصه تراشی باومتعلق گشته آن جماعت را ازمطالبات مذکوره معاف گردانیده و شرط کرده که یکدینار از جماعت کاسبان و درویشان سلمانی و سلیمانی طلب ندارد وثواب آنرا بروزگار فرخنده آثار نواب گیتی‌ستان فردوس‌مکانی شاه بابا ام انارالله برهانه هدیه نموده ودراحکام مذکور است که هیچ آفریده ازحکام وتیولداران و کلانتران وسر بلوکان محال وضابطان وصاحب اختیاران فیوج ممالك محروسه اصلا ومطلقا بهیچوجه من الوجوه بعلت اخراجات وعوارضات مسدودة الابواب از علفه و علوفه و قنلغا و الاغ و الام و پیکار و شکار وطرح و دست انداز و پیشکش و سلامی وعیدی ونوروزی وجوه کپك مرنی و زر تفنگچی وسایر تکالیف دیوانی بهر اسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی بجماعة دلاکان و سایر کاسبان مذکور فوق که بخاصه تراش تعلقدارند ننموده و قلم و قدم کشیده کوتاه دارند وشکر[و] شکایت ایشانرا مؤثرشناسند وچون جماعة تیغ سازان وچرخگران

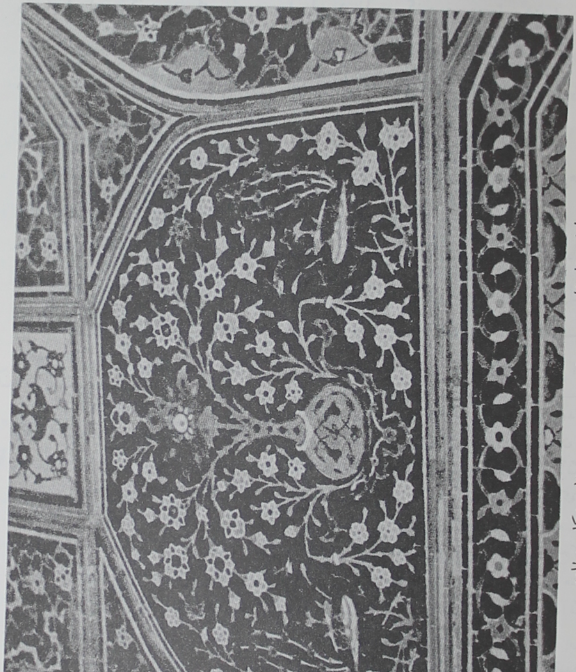
ازقديم الايام بخاصه تراشان متعلق ومنسوب اند وهر گز نسبتی بجماعة شكاك نداشته اند بهمان دستور بمومی الیه متعلق دانسته بقاعده زمان اعلیحضرت شاه جمجاه جنت مکانی علیین آشیان کدخدایان شکاکی دخل درایشان ننموده وطمع وتوقعی ازایشان نکنند و از قانون قدیم درنگذرند و مقدمات مذکور مؤکد به لعنت نامه گردانیده چون سعادت نصاب مشارالیه بدستور بخدمت بخاصه تراشی نواب کامیاب همایون ما مفتخر و سرافراز است و شفقت و مرحمت بیدریغ شاملحال مومی الیه است مقرر فرمودیم که جماعة سلمانی وسلیمانی را بدستور نادرالعصر مشارالیه منسوب ومتعلق دانند وایشانرا از اخراجات و عوارضات مسدودة الابواب مؤکد به لعنت نامه معاف و مسلم و مرفوع القلم دانسته حکم نواب گیتی ستان فردوس مکانی را بامضاء نواب نواب همیون ما متصل ومقرون شناسند وحکام و کلانتران وارباب واهالی وضابطان فیوج وسفید ریشان ممالك محروسه این عطیه را درباره ایشان مستمر و برقرارداشته از فرمان قضا جریان درنگذرند وخلاف کننده را مورد سخط الهی وغضب پادشاهی شناخته از مدلول آیه کریمه « فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم » عدول و انحراف نورزند وهرساله درین باب حکم مجدد نطلبند و چون پروانچه بمهر مهرآثار اشرف اقدس اعلی مزین ومحلی گردد اعتماد نمایند تحریراً شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۰۳۸ »

در فاصله بین در نقره و لوح سنگی فوق الذکر در اطراف یك طاق کاشیکاری در لوحه های پراکنده بخط بنائی صلوات بر چهارده معصوم و عبارت (سبحان الله والحمد لله ولااله الاالله والله اکبر) قسمتی ازتزیینات راهروی ورودی غربی مسجد شاه را تشکیل داده است .

کتیبه های داخل ایوان وگنبد جنوبی مسجد شاه
بخط عبدالباقی تبریزی

نمونه خط چند نفر از خطاطان معروف عهد صفویه در مسجد شاه اصفهان دیده

میشود بطوریکه ضمن شرح کتیبه های سردر مسجد شاه نوشته شد کتیبه سردرمسجد را علیرضای عباسی در سال ۱۰۲۵ هجری نوشته است . کتیبه های داخل مسجد را



تابلوی کاشیکاری معرق نقش سردر مسجد شاه بشکل دوطاوس

خطاطان معروف دیگر مانند عبدالباقی تبریزی و محمد صالح اصفهانی و محمد رضا امامی و محمد غنی نوشته اند و از آنجمله عبدالباقی تبریزی (۱) کتیبه های داخل ایوان و گنبد بزرگ جنوبی و ایوان شمالی و گنبد غربی را نوشته است .

کتیبه فوقانی داخل گنبد بزرگ مسجد شاه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی ومورخ بسال ۱۰۳۶ هجری که درانتهای آن نام خطاط آن عبدالباقی تبریزی ذکر شده است بشرح زیر میباشد :

« من مناقب ابن المغازلی عن ابن عباس قال کنت جالساً مع فتیة من بنی‌هاشم عندالنبی صلی الله علیه وآله اذا انقض کوکب فقال رسول الله صلی الله علیه و آله من انقض هذا الکوکب فی‌منزله فهوالوصی من بعدی فقام فتیة من بنی‌هاشم فنظروا فاذا الکوکب قد انقض فی منزل علی بن ابی‌طالب علیه السلم قالوا یا رسول الله اغویت فی حب علی فانزل الله والنجم اذا هوی ما ضل صاحبکم و ماغوی الی قوله بالافق الاعلی . وفی مسند ابن‌حنبل عن عبدالملك ابن عطیة قال اتیت زید ابن ارقم

---

(۱) عبدالباقی دانشمند تبریزی بفنون متعدده و هنرهای متنوعه آراسته بود و مدتها برای اکتساب علوم و فضائل رنجها برده و در خدمت علاء بیك که از فحول هنرمندان بود کمر تلمذ در میان بسته تا خود دانشمندی گرانمایه گشت و برکرسی اشتهار نشست آنگاه از تبریز بجانب بغداد روانه گشت در آن وقت (مصطفی دده) نامی در بغداد بودکه در فنون خطاطی یگانه زمان بود . صاحب خط و خطاطان میآوردکه عبدالباقی در خدمت او بمشق خط پرداخت وآنقدر مشقات طاقت فرسا متحمل شد تا خطش باوج ترقی عروج کرد و صیت خوش نویسی او بسمع شاه عباس بزرگ رسید وچون شاه عباس درهرجا صاحب هنری خاصه درخوشنویسی مییافت اورا میخواست وی را طلب کرد. عبدالباقی امتناع ورزیدآنگاه شاه عباس نوشتن کتیبه جامع بغداد را به حسین چلبی محول فرمود و او عبدالباقی را برای اینکار انتخاب کرد و او بطریق مطلوب این فرمان را اجراءکرد و چون شاه عباس قندهار را فتح نمود باز عبدالباقی را باصفهان بخواست و عبدالباقی روانه اصفهان گشت و مورد مراحم شاهانه واقع شد و نوشتن کتیبه های مسجد شاه باومحول گردید. عبدالباقی دانشمند تبریزی در نگاشتن خطوط ثلث و نسخ و نستعلیق جلی ماهر و از سایرین مقدم بود . (رجوع شود بکتاب پیدایش خط و خطاطان صفحه ۱۸۷)

فقلت له ان خالی حدثنی عنك بحديث فی شأن علی يوم غدير خم فانا احب ان اسمعه منك فقال انكم معشر اهل العراق فيكم مافيكم فقلت له ليس عليك منی بأس قال نعم كنا بالجحفة وخرج رسول‌الله صلی‌الله عليه و آله ظهراً وهو آخذ بيد علی عليه‌السلم فقال ايها الناس الستم تعلمون انی اولی بالمؤمنين من انفسهم قالوا بلی قال فمن كنت مولاه فعلی مولاه. ومن مناقب ابن المغازلی عن جابر ابن عبدالله قال اخذ النبی صلی‌الله عليه وآله بعضدی علی عليه السلم و قال هذا امير البررة و قاتل الكفرة منصور من نصره مخذول من خذله ثم مد بها صوته فقال انا مدينة العلم و علی بابها فمن اراد العلم فليأت الباب. **قد تشرف بكتابتها عبدالباقی التبريزی فی سنة ست وثلثين و الف** حامداً لله تعالی . »

كتيبه ايوان بزرگ مسجد شاه و اطراف محوطه زيرگنبد بخط عبدالباقی تبريزی

اين كتيبه طولانی ترين كتيبه داخل مسجد شاه بخط عبدالباقی تبريزی است كه بخط ثلث سفيد برزمينه كاشی خشت لاجوردی از ابتدای ضلع غربی ايوان شروع ميشود وپس ازپيمودن تمام محوطه زير گنبد بنقطه مقابل شروع كتيبه درضلع شرقی ايوان ختم ميشود. اين كتيبه كه تاريخ تحرير ونصب آن ذكر نشده بشرح زيراست :

« قال ابن المغازلی فی مناقبه عن انس انه قال لما كان يوم المباهلة و آخی النبی صلی الله عليه و آله بين المهاجرين والانصار وعلی واقف يراه ويعرف مكانه لم يؤاخ بينه وبين احد فانصرف علی باكی العين فافتقده النبی صلی الله عليه و آله وسلم فقال مافعل ابوالحسن قال انصرف باكی العين يا رسول الله قال يا بلال اذهب فأتنی به فمضی بلال الی علی عليه السلم وقد دخل منزله باكی العين فقالت فاطمة ماابكيك لاابكی الله عينيك قال يافاطمة آخی النبی بين المهاجرين والانصار وانا واقف يرانی و يعرف مكانی لم يؤاخ بينی و بين احد قالت لايحزنك الله لعله انما ادخرك لنفسه

فقال بلال ياعلى اجب النبى صلى الله عليه وآله فاتى على النبى عليه السلم فقال النبى صلى الله عليه وآله ما يبكيك يا على قال آخيت بين المهاجرين والانصار يارسول‌الله وانا واقف ترانى وتعرف مكانى لم تؤاخ بينى وبين احد قال انما ذخرتك لنفسى اما يسرك ان تكون اخا نبيك قال بلى يا رسول الله انى بذلك فاخذ النبى بيده و ارقاه المنبر فقال اللهم ان هذا منى و انا منه الا انه منى بمنزلة هارون من موسى الا من كنت مولاه فهذا على مولاه فانصرف على قرير العين فاتبعه عمر بن الخطاب فقال بخ بخ يا ابا الحسن اصبحت مولاى و مولى كل مسلم . من مناقب ابن المغازلى عن جابر بن عبدالله قال وقد قدم نجران (١) على النبى صلى الله عليه وآله العاقب والطيب فدعاهما الى الاسلام فقالا اسلمنا يامحمد قال كذبتما ان شئتما اخبرتكما مايمنعكما من الاسلام قالا فهات انبئنا قال حب الصليب و شرب الخمر و اكل لحم الخنزير فدعاهما الى الملاعنة فوعداه ان يغادياه بالغداة فغدا رسول الله صلى الله عليه وآله و اخذ بيد على و فاطمة والحسن والحسين ثم ارسل اليهما فابيا ان يجيبا واقرا له بالخراج فقال النبى صلى الله عليه وآله والذى بعثنى بالحق نبياً لو فعلا لامطر الله عليهما الوادى ناراً قال جابر نزلت فيهم هذه الاية فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم و نساءنا و نساءكم و انفسنا و انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة‌الله على الكاذبين (٢) قال الشعبى ابناءنا الحسن والحسين و نساءنا فاطمة و انفسنا على بن ابى‌طالب . و تلك فى المناقب عن زيد بن ارقم قال انه دخلت على رسول الله صلى الله عليه آله فقال انى مؤاخ بينكم كما آخى الله بين الملائكة ثم قال لعلى انت اخى ورفيقى ثم تلا هذه الاية اخواناً على سرر متقابلين الا خلاء فى‌الله بعضهم ينظر الى بعض . وعن محمدبن عبدالله بن ابى رافع قال نادى المنادى يوم احد لاسيف الا ذوالفقار و لافتى الا على

---

(١) كذا

(٢) قسمتى از آيه ٦١ سوره شريفه « آل عمران »

وفی مناقبه ایضاً قال رسول الله صلی الله علیه و آله مکتوب علی باب الجنة محمد رسول الله علی اخو رسول الله قبل ان تخلق السموات بألفی عام کتبه **بحمدالله وحده عبدالباقی.»**

کتیبه بالای محراب مرمری مسجد شاه بخط محمد صالح مورخ بسال ۱۰۳۸ هجری

در بالای محراب نفیس مرمری مسجد شاه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی در سه سطر و یك حاشیه کتیبه ای بقلم محمد صالح اصفهانی و مورخ بسال ۱۰۳۸ هجری بشرح زیر موجود است :

« روی عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال یاعلی لو ان عبداً عبدالله مثل ماقام نوح فی قومه وکان له مثل احد ذهباً فأنفقه فی سبیل الله و مد فی عمـره حتی حج الف حجة علی قدمیه ثم قتل بین الصفا والمروة مظلوماً ثم لم یوالك یا علی لم یشم رایحة الجنة **کتبه محمد صالح ۱۰۳۸ .** »

کتیبه های چهلستون شرقی گنبد جنوبی مسجد شاه بخط محمد رضا امامی مورخ بسال ۱۰۳۸ هجری

درطرفین محوطه زیر گنبد بزرگ دوچهلستون وسیع واقع شده که همه اطراف و جوانب و طاقهای آنها با کاشیهای خشت هفت رنگ و طرحها و نقشهای مختلف تزیین شده و هر شبستان دارای دو محراب کوچك در ضلع جنوبی و یك سنگاب در وسط است . محرابهای شبستان غربی کتیبه ندارد و فقط نقش و نگار است ولی محرابهای چهلستون شرقی کتیبه هائی بشرح زیر دارد :

کتیبه محراب غربی چهلستون شرقی : کتیبه اطراف این محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی و بقلم محمد رضا امامی (۱) بشرح زیر است :

---

(۱) محمد رضا امامی که اورا امام خطاطان مینامند وعمری طولانی داشته است معاصر شاه عباس اول و شاه صفی و شاه عباس دوم و شاه سلیمان بوده و زمان پادشاهان مزبور را درك کرده و در هردوره دربناهائی که ساخته میشده کتیبه ای نوشته و اثری بیادگار گذاشته

« عن ابی عبدالله علیه السلم قال لما هبط جبریل علیه السلم بالاذان علی رسول الله صلی الله علیه و آله کان رأسه فی حجرعلی علیه السلم فأذن جبریل علیه السلم و اقام فلما انتبه رسول الله صلی الله علیه و آله قال سمعت یا علی قال نعم قال حفظت قال نعم قال ادع بلالا فعلمه فدعا علی علیه السلم بلالا فعلمه **کتبه محمد رضا الامامی .** »

درداخل این محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است :

« قال الله عزوجل یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکرالله و ذروالبیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون . »

کتیبه محراب شرقی چهلستون شرقی : کتیبه اطراف این محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد رضا امـامی و مورخ بسال ۱۰۳۸ هجری بشرح زیر است :

« عن ابی عبدالله علیه السلم قال من سمع المؤذن یقول اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله فقال مصدقاً محتسباً و انا اشهد ان لااله الا الله و اشهد ان محمداً رسول‌الله اکتفی بهاعمن ابی وجحدوا عین بها من اقرو شهد الاکان له من‌الاجر عدد من انکر وجحدو عدد مثل من اقر واعترف **کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی الادهمی ۱۰۳۸ .** »

کتیبه داخل این محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیر است :

است . نه تنها خط ثلث را خیلی خوب مینوشته بلکه در نوشتن خطوط نسخ و نستعلیق هم استاد بوده وباخطاطان مشهور دیگر این عهد مانند علی رضای عباسی ومیرعماد وعبدالباقی و محمد صالح معاصر بوده است . تا آنجاکه نگارنده احصاکرده و ثبت وضبط نموده است ۲۹ کتیبه ازکتیبه های بنا های مشهور تاریخی اصفهان بقلم محمد رضای امـامی است که قدیمی ترین آنها مورخ بسال ۱۰۳۸ هجری در مسجد شاه اصفهان از دوره شاه عباس کبیر و آخرین آنها مورخ بسال ۱۰۸۱ هجری کتیبه نمای خارجی گنبد کوچك درب امام است .

«.... انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة وهم راکعون. قال النبی علیه السلم الصلوة معراج المؤمن.» (۱)

کتیبه سنگاب نفیس چهلستون غربی گنبد مسجد شاه

در بین چندین سنگاب مسجد شاه سنگاب واقع درمدخل مسجد وسنگاب چهلستون واقع در مغرب گنبد بزرگ مسجد شاه از سایر سنگابها نفیس تر است. سنگاب مدخل مسجد شاه کتیبه ندارد. سایر سنگابهای مرمری واقع در وسط گنبد های شرقی و غربی مسجد نیز بدون کتیبه است ولی سنگاب واقع در چهلستون غربی گنبد بزرگ بخط نستعلیق برجسته الواحی بشرح زیر دارد:

چون بفرمان سلیمان زمان شاه جهان	علی حبه جنه
آنکه باشد فلکش ازمه نوحلقه بگوش	
شاه جمجاه کز آوازه آب تیغش	قسیم النار والجنه
شد بکانون جهان آتش بیداد خموش	
گشت در مسجد شاه این قدح آب تمام	وصی المصطفی حقاً
که زهم چشمی او جام جم آمد بخروش	
نیست برساغر زرین فلك چشمك زن	امام الانس والجنه
بسکه موجش شده چون آب گهربارز نوش	
گرچه سرپوش بدریا نتوان پوشیدن	یا قاهر العدو
لیك برشهرت بحرست حبابش سرپوش	
خضرچون وصفروان بخشی این آب شنید	یاوالی الولی
گفت با آب بقا آب رخ خود مفروش	
چون بیاد شهدا آبخوری میگوید	یامظهر العجایب
لب باز قدح او که بجان بادت نوش	

---

(۱) کاشیهای ابتدای کتیبه موجود نیست.

فکر سامی پی تـاریخ بهرسو میگشت   یا مرتضی علی
«گفتمش زمزمی از کعبه ثانی زده جوش.»   ۱۰۹۵

بر روی یك پایه ستون مرمری در حد فاصل ایوان بزرگ جنوبی و محوطه زیر گنبد بخط نستعلیق خوش عبارت ذیل نقش بر حجر است : « لواجتمع الناس علی حب علی بن ابی‌طالب لما خلق الله النار (نوری) »

فرمان شاه عباس بزرگ مبنی بربخشش هشتاد وچهارتومان وکسری دلالی بازار ریسمان در مسجد شاه اصفهان مورخ بسال ۱۰۳۵

در طرفین ایوان بزرگ جنوبی مسجد شـاه و زیر هلال بزرگ ایوان دو لوح سنگی هریك بطول یك متر وعرض ۸۰ سانتیمتر نصب شده است . مضمون لوح غربی تخفیف و تصدق هشتاد و چهار تومان و کسری وجه دلالی بازار ریسمان است . این لوح که بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر نقش شده ومورخ بسال ۱۰۳۵ هجری است بشرح زیر میباشد :

« چون همگی همت والا نهمت بندگان اشرف همایون اعلی مصروف ومعطوف بر آنست که عجزه و رعایا مرفه الحال و فارغ البال بدعـای دوام دولت ابد مقرون مشغولی نمایند بتاریخ شهرجمادی الثانی اودی ئیل موافق سنه خمس وثلاثین والف من الهجرة النبویه درجواب فصلی از فصول عالیحضرت وزارت و رفعت و اقبال پناه اصفی ظهیرا محمد ابراهیما فرمان قضا جریان قدر توأمان صادر شده که از ابتداء پارس‌ئیل دلالی بازارریسمان به‌تخفیف وتصدق مقرربوده باشد وبعلت دلالی مذکور احدی متعرض حال عجزه ودرویشان نگردند ومضمون این عطیه را برسنگ نقش نمایند بموجب فرموده اشرف وجه دلالی مـذکور که مبلغ هشتاد وچهار تومـان و کسری است بتصدق فرق مبارك اشرف مقرر گردید امید که بمضمون کـلام بلاغت نظام من جاء بالحسنة فله عشر امثالها ثواب آن بروزگار فرخنده آثار عـاید گردد

و تغییر کننده بلعنت الهی گرفتار باد . »

فرمان شاه عباس اول راجع بتخفیف مطالبات دیوانی درماه رمضان در مسجد شاه اصفهان نقش بر حجر است

موضوع لوح سنگی مرمری که در زیر هلال شرقی ایوان نصب شده و قرینه لوح غربی است فرمان شاه عباس اول راجع بتخفیف مطالبات دیوانی در ماه رمضان است . متن این لوح بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

« امر خاطر خطیر و مکنون ضمیر معدلت اثر همایون ما آنست که در زمان دولت روز افزون عهد خلافت ابد مقرون کافه رعایا وعموم برایا ازمطالبات دیوانیه سبکبار بوده و درمهد امن و امان آسوده فارغ البال ملهم توفیق ازلی و ... بخاطر فیض مأثر پرتو انداخت که درماه رمضان که ایام طاعات و عباداتست و شیعیان اهل بیت طیبین وطاهرین که سالکان مسالك حق و یقین ... وادای صوم وصلوة ووظائف طاعات و عبادات قیام واقدام نمایند که هرآینه مثوبات آن بروزگار فرخنده آثار همایون ما عاید گردد لهذا شمهٔ از مراحم و الطاف ... شیعیان ممالك محروسه فرموده در کل قلم رو همایون مالوجهات ..... رمضان المبارك سوای جهاتی که باجاره میدهند تخفیف و تصدق مقرر فرموده ارزانی داشتیم و این حکم همایون از مکمن .... دارالسلطنه اصفهان که مردم آنجا اباً عن جد از زمره شیعیان اند و حلقه اخلاص وبندگی این دودمان ولایت نشان برگوش جان دارند عز اصداریافته مستوفیان عظام دیوان .... وثبت نموده ازشوائب تغییر و تبدیل مصون ومحروس دارند . وزرا و عمال و متصدیان مهمات دیوانی دارالسلطنه مذکوره از ابتدای توشقان ئیل مالوجهات و وجوهات ... بتخفیف و تصدق مقرر دانسته در آن ماه مبارك که ایام و لیالی متبرکه است بعلت حقوق دیوانی حواله و اطلاقی بر رعایا و عجزه ننموده از حشوبنیچه جمع هر محل وضع نمایند و .... برعایا نرسانیده

قلم و قدم کشیده و کوتاه دارند . سادات عظام و علماء گرام و قضاة اسلام و اهالی واعیان و ارباب ورؤسا و کدخدایان واهل حرفت وعموم رعایای دارالسلطنه اصفهان از بلده و بلوکات بدین عطیه عظمی مبتهج و مسرور بوده از روی امیدواری تمام در لوازم دعاگوئی و دوام دولت ابد پیوند [مشغول باشند] »

کتیبه داخل ایوان شمالی مسجد شاه بخط عبدالباقی تبریزی مورخ بسال ۱۰۳۵ هجری

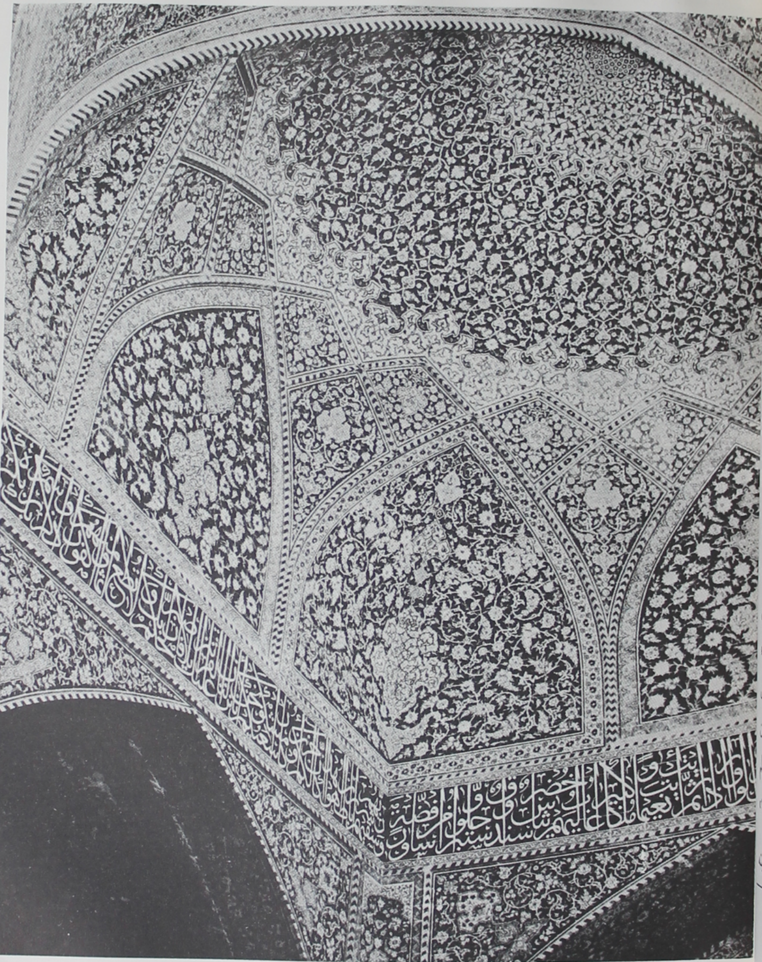
کتیبه داخل ایوان شمالی مسجدشاه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل سوره (دهر) است که ابتدای آن درجانب شرقی ایوان میباشد وتزیینات اطراف ایوان و هلال فوقانی آنرا تشکیل میدهد ودرپایان بعبارت زیرختم میشود: « **کتبه عبدالباقی فی الف و ثلاثین و خمس .** »

کتیبه های ایوان و گنبد شرقی مسجد شاه

کتیبه ایوان واقع دروسط ضلع شرقی صحن مسجد شاه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی که قسمتی از آن در سنوات اخیر تعمیرشده بشرح زیر است :
« قال ابونعیم المحدث فی کتابه فی قول الله عز وجل و اسأل من ارسلنا من قبلك من رسلنا فقال النبی صلی الله علیه و آله لیلة اسری به جمع الله بینه وبین الانبیاء ثم قال اسألهم یا محمد علی ما بعثتم فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم بعثنا علی شهادة ان لا اله الا الله والاقرار بنبوتك و ولایة علی بن ابی طالب علیه السلم . وعن ابی‌ذر الغفاری قال قال رسول الله صلوات الله وسلامه علیه لعلی بن ابی طالب علیه السلم انك قسیم الجنة والنار وانك تقرع باب الجنة وتدخلها بغیرحساب . تعمیر آذر ۱۳۲۹»

کتیبه داخل گنبد شرقی مسجد شاه درقسمت فوقانی آن بخط ثلث سفید برزمینه

تصویر مقابل : تزیینات کاشیکاری ایوان شمالی مسجد شاه و کتیبه خط ثلث آن بقلم عبدالباقی تبریزی مورخ بسال ۱۰۳۵ هجری ←



کاشی خشت لاجوردی شامل سوره (فتح) است تـا آخر آیه دهم این سوره و بعد بعبارت زیر که نام خطاط آن (محمد غنی) را در بردارد ختم میشود :

« صدق الله العظیم حرره محمد غنی »

کتیبه داخل گنبد که در اطراف اضلاع چهارگانه آن گردش میکند بخط ثلث برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ و مورخ بسال ۱۰۳۸ هجری بشرح زیر است :

« فی مسند ابن حنبل عن البراء بن عازب قال اقبلنا مع النبی صلی الله علیه و آله فی حجة الوداع حتی کنا بغدیرخم فنودی فینا الی الصلوة جامعة و کسح لرسول الله صلی الله علیه و آله بین شجرتین واخذ بید علی فقال الست اولی بالمؤمنین من انفسهم قالوا بلی یا رسول الله قال الست اولی بکل مؤمن من نفسه قالوا بلی یا رسول الله هذا مولا من انا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه فلقیه عمر فقال هنیئاً لك یابن ابی طالب اصبحت وامسیت مولا کل مؤمن ومؤمنة . ومن مناقب ابن المغازلی عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی بن ابی طالب علیه السلم یوم فتح مکة اماتری هذا الصنم یا علی قال بلی یا رسول الله قال فأحملك فتناوله قال بل انا احملك یا نبی الله فقال صلوات الله وسلامه علیه لو ان ربیعة ومضر جهدوا ان یحملوا منی بضعة و اناحی ماقدروا و لکن قف یا علی فضرب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و یدیه الی ساقی علی فوق القربوس ثم اقتلعه من الارض بیده فرفعه حتی تبین بیاض ابطیه ثم قال تری ما اری یا علی قـال الله عز و جل قد شرفنی بك حتی لو اردت ان امس السماء لمسستها فقال له تناول الصنم یاعلی فتناوله علی فرمی به ثم خرج النبی صلی الله علیه و آله من تحت علی و ترك رجلیه فسقط علی الارض فضحك فقال ما اضحکك یا علی فقال سقطت من اعلی الکعبة فما اصابنی شیئی فقال النبی صلی الله علیه و آله کیف یصیبك وانما محمد حملك وانزلك جبریل علیه السلم وعن ابی ذر الغفاری قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله من ناصب علیاً علی الخلافة بعدی فهو کافر وقد حارب الله ورسوله **کتب بحمد الله الغنی القوی فی ثمان وثلثین والف.** »

کتیبه محراب گنبد شرقی مسجد شاه بخط محمد صالح اصفهانی

کتیبه داخل محراب گنبد شرقی مسجد شاه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد صالح اصفهانی و مورخ بسال ۱۰۳۸ هجری شامل آیه (۱۴۴) ازسوره بقره است وبعبارت زیرختم میشود :« کتبه محمد صالح الاصفهانی ۱۰۳۸ .»

کتیبه های ایوان و گنبد غربی مسجد شاه

کتیبه ایـوان غربی بخط ثلث سفید بـرزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد رضای امامی و مورخ بسال ۱۰۴۰ هجری بشرح زیر است :

« قال الله تعالی شأنه و تعاظم سلطانه انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة وآتی الزکوة و لم یخش الا الله فعسی اولـئـک ان یکونوا من المهتدین و قال الله تعـالی فی سورة الجن و ان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً وعن مولانا ابی‌عبدالله الصادق علیه‌السلم وعن ابیه الباقرعلیه السلم قال قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله وسلم من کان القرآن حدیثه والمسجد بیته بنی‌الله له بیتاً فی الجنة **کتبه محمد رضاالامامی حامداً لله تعالی فی۱۰۴۰ .»**



ایوان غربی وگلدسته مسجد شاه

کتیبه داخل گنبد غربی در قسمت فوقانی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم عبدالباقی تبریزی و مورخ بسال ۱۰۳۵ هجری بشرح زیر است :

« من مسند ابن حنبل عن سلمان قال سمعت حبیبی محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله یقول کنت انا وعلی نوراً بین یدی الله عز وجل یسبح الله ذلك النور ویقدسه قبل ان یخلق الله آدم بالف عام فلما خلق الله آدم رکب ذلك النور فی صلبه فلم یزل فی شیئی واحد حتی ترقیا (۱) فی صلب عبدالمطلب ففی النبوة وفی علی الخلافة و ایضاً من مسنده عن جابر بن عبدالله عن النبی صلی الله علیه و آله قال ان الله عز وجل انزل قطعة من نور فاسکنها فی صلب آدم فساقها حتی قسمها جزؤین (۲) فجعل جزواً فی صلب عبدالله وجزواً فی صلب ابی طالب فاخرجنی نبیاً واخرج علیاً وصیاً. ومن مناقب المغازلی عن عایشة قالت اقبل علی بن ابی طالب قال النبی صلی الله علیه و آله من سره ان ینظر الی سید شباب العرب فلینظر الی علی فقلت یا رسول الله الست سید شباب العرب فقال انا سید ولد آدم و علی سید العرب فی الف وثلاثین و خمس کتبه عبدالباقی حامداً لله ومصلیا علی محمد و آله . »

کتیبه اطراف محوطه زیر گنبد غربی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم محمد رضا امامی و مورخ بسال ۱۰۳۹ هجری بشرح زیر است :

« عن ابن عباس قال کنا جاوساً مع النبی صلی الله علیه و آله اذ هبط علیه جبریل

---

(۱) « در ینابیع الموده جلد اول صفحه ۱۰ چاپ دمشق این روایت بشرح ذیل نقل شده است

« اخرج ابوالحسن علی بن محمد المعروف بابن المغازلی الواسطی الشافعی فی کتابه المناقب بسنده عن سلمان الفارسی قال سمعت حبیبی محمداً صلی الله علیه وآله و سلم یقول کنت انا و علی نوراً بین یدی الله عز وحل یسبح الله ذلك النور و یقدسه قبل ان یخلق الله آدم باربعة عشر الف عام فلما خلق آدم اودع ذلك النور فی صلبه فلم یزل انا و علی شیئی واحد حتی افترقنا فی صلب عبدالمطلب ففی النبوة وفی علی الامامة .

(۲) درکتیبه بهمین صورت نوشته شده .

الامين علیه السلم جام من البلور الاحمر مسكاً وعنبراً وكان الى جنب النبى صلى الله علیه و آله على ابن ابى طالب و ولداه الحسن والحسين فقال له السلم عليك الله يقرأ عليك السلم و يحييك بهذه التحية و يا مرك ان تحيى علياً و ولديه . قال ابن عباس فلما صارت فى كف النبى صلى الله علیه و آله هللت و كبرت ثلثاً و قالت بلسان طلق ذرب بسم الله الرحمن الرحيم طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى فاشمها النبى صلى الله علیه و آله ثم حيى بها علياً فلما صارت فى كف على قالت بسم الله الرحمن الرحيم انما وليكم الله و رسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة وهم راكعون فاشمها على علیه السلام و حيى بها الحسن علیه السلم فلما صارت فى كف الحسن قالت بسم الله الرحمن الرحيم عم يتسائلون عن النبأ العظيم الذى هم فيه مختلفون فاشمها الحسن و حيى بها الحسين علیه السلم فلما صارت فى كف الحسين علیه السلم قالت بسم الله الرحمن الرحيم قل لااسئلكم عليه اجراً الاالمودة فى القربى و من يقترف حسنة نزد له فيها حسناً ان الله غفور شكور ثم ردت الى النبى صلى الله علیه و آله فقالت بسم الله الرحمن الرحيم الله نور السموات والارض. قال ابن عباس فلا ادرى اسماء صعدت او فى الارض توارت بقدرة الله عزوجل . عن على علیه السلم قال قال لى رسول الله صلى الله علیه و آله الائمة بعدى اثنى عشر اولهم انت ياعلى وآخرهم القائم الذى يفتح الله على يديه مشارق الارض ومغاربها. عن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله علیه و آله لما عرج بى الى السماء رأيت على باب الجنة مكتوباً لااله الا الله محمد رسول الله على حبيب الله الحسن والحسين صفوة الله و فاطمة امة الله لعنة الله على باغضيهم **كتبه محمد رضا الامامى الاصفهانى ١٠٣٩ .»**

در طرفین محراب این گنبد دردولوحه جدید بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی نوشته شده است :

« عمل عبدالرزاق کاشی پز کرمانی » و در لوح دیگر « توسط باستانشناسی

تعمیر شد » (۱)

شبستان کاشیکاری ضلع غربی صحن مسجد شاه از الحاقات دوره شاه عباس دوم مورخ بسال ۱۰۷۷

مسجد شاه دارای دوشبستان مسقف زمستانی است که یکی درجانب شرقی صحن بنا شده ودیگری درجانب غربی وقرینه آنست . شبستان ضلع شرقی خیلی بزرگتر ازشبستان غربی میباشد ولی هیچگونه تزییناتی ندارد وپوشش آن باگچ ساده است درحالیکه اطراف و جوانب و سقف شبستان غربی باکاشیهای خشت هفت رنگ که مخصوصاً رنگ زردآن بسیارجالب است تزیین شده . محراب این شبستان زیباترین محرابهائی است که درمساجد تاریخی اصفهان باکاشی هفت رنگ تزیین شده و کتیبه های داخل و خارج آن که بخط محمد رضا امامی است درآخرین سال سلطنت شاه عباس ثانی نصب شده است .

کتیبه نمای خارجی محراب این شبستان بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی و مورخ بسال ۱۰۷۷ هجری شامل آیه اول تا آخرآیه چهارم از سوره (اسری) میباشد است و در آخر کتیبه نوشته شده است :

« کتبه محمد رضا الامامی غفرله ۱۰۷۷ »

کتیبه داخل این محراب بخط ثلث طلائی رنگ بر زمینه‌کاشی لاجوردی رنگ بشرح زیر است :

« قال الله سبحانه تبارك و تعالی سیقول السفهاءِ من الناس ماولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها قل‌لله المشرق والمغرب یهدی من یشاءِ الی صراط مستقیم. قال النبی‌صلی‌الله علیه و آله الصلوة معراج المؤمن کتبه محمد رضا الامامی **۱۰۷۷** . »

---

(۱) تاریخ تعمیر کاشیکاری سردر مسجد شاه نیز در دولوحه کوچك بخط آجری برزمینه فیروزه ای باین شرح ذکرشده است : « ازسال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ خورشیدی تعمیر شد. صهبا عمل نصرالله طراح و غفار کاشی تراش .

مدرسه ناصری در دوره شاه عباس ثانی تزیین شده است

در دو گوشه جنوب شرقی و جنوب غربی صحن مسجد شاه دو مدرسه احداث شده . مدرسه جنوب شرقی را بمناسبت اینکه دردوره ناصرالدین شاه قاجار تعمیراتی از آن بعمل آمده است مدرسه ناصری مینامند و مدرسه جنوب غربی را بمناسبت کتیبه ای که در سردر آن نصب شده و از تعمیر مسجد در دوره شاه سلیمان حکایت میکند مدرسه (سلیمانیه) نامیده اند . بنای مدرسه ناصری در گوشه جنوب شرقی مسجد شاه از اواخر دوره پادشاهی شاه عباس اول و یا دوره سلطنت شاه صفی است و آنچه مسلم است بموجب کتیبه های تاریخداری که برجای مانده است تزیینات کاشیکاری و کتیبه های آن از دوره شاه عباس ثانی میباشد . در ضلع شرقی مدرسه ناصری چند حجره برای سکونت طلاب ساخته شده ولی مدرسه سلیمانیه که قرینه آنست حجره ندارد و اطراف آنرا غرفه هائی که داخل و خارج آنها با کاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده فرا گرفته است .

ایوان جنوبی مدرسه ناصری دارای الواح و کتیبه هائی است از آنجمله بخط ثلث مشگی برزمینه زرد و بقلم محمد رضا امامی در شش لوح صلوات بر چهارده معصوم نوشته شده و بجمله **کتبه محمد رضا الامامی ۱۰۷۷** ختم میشود .

کتیبه اطراف محراب این ایوان بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بقلم محمد رضا امامی و مورخ بسال ۱۰۷۷ هجری شامل سوره « اخلاص » و آیه ۷۸ و ۷۹ سوره « اسری » است و بعبارت زیر ختم میشود :

« و قال سبحانه حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی و قوموا لله قانتین **کتبه محمد رضا الامامی ۱۰۷۷** »

کتیبه داخل محراب که درسلطنت شاه سلیمان صفوی نصب شده بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ و بقلم محمد محسن امامی بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم لو ان الغیاض

اقلام والبحر مداد والارض قرطاس والجن والانس حساب و کتاب ما احصوا فضائل علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه کتبه محمد محسن الامامی ۱۰۹۵ »

مدرسه سلیمانیه

مدرسه ای که در گوشه جنوب غربی مسجد شـاه واقع شده و بوسیله دو مدخل بزرگ بصحن مسجد وسه مدخل بزرگ دیگر بمحوطه زیر گنبد غربی متصل میشود (مدرسه سلیمانیه) نام دارد . غرفه های متعدد اطراف صحن این‌مدرسه درقسمتهای پائین با ازاره های مرمری و در بعضی قسمتها با سنگهای پارسی و ازسنگهای ازاره ببالا باکاشی‌های خشت هفت رنگ تزیین شده . سنگ شاخص معروف مسجد شاه که از قرار مشهور محاسبه و نصب آن بوسیله شیخ بهائی دانشمند معروف عهد شاه عباس اول صورت گرفته است در قسمت پائین یکی از جرز هـای ضلع شمالی صحن این مدرسه تعبیه شده است. این شاخص ظهراصفهان را درچهار فصل سال نشان میدهد .(۱)

(۱) نزدیك ترین علمـای زمـان صفویه بشاه عباس اول شیخ بهاءالدین محمد عاملی معروف بشیخ بهائی بوده است. پدرش شیخ عبدالصمد درزمان شاه طهماسب اول ازجبل عامل بایران آمد و مورد توجه واحترام خاص آن پادشاه شد وبمقام شیخ الاسلامی رسید . پس از آن بعزم حج و زیارت آرامگاه رسول اکرم بعربستـان رفت و چندی در آنجـا بسربرد و سرانجام در بحرین درگذشت . پسرش بهاءالدین محمد که ازکودکی با پدر بایران آمده بود نزد برخی از علمای معروف زمان مانند ملا عبدالله مدرس یزدی و ملا علی مذهب وملا افضل قاینی وحکیم عمادالدین محمود بتحصیل پرداخت ودررشته های مختلف علوم معقول و ریاضیات و طب معلوماتی اندوخت و بگفته نویسنده عالم آرای عباسی در اندك زمانی در علوم معقول ترقیات عظیم کرد ودرهرفن سرآمد فضلای عصرشد. شاه عباس باو علاقه وتوجه خاص داشت بطوری‌که در سفر ها و لشگرکشی های خود او را همراه میبرد و هر وقت‌که فرصتی میبافت بخانه وی میرفت وازصحبتش استفاده میکرد . شیخ بهائی چندی بفرمان شاه منصب شیخ الاسلامی و تصدی شرعیات اصفهان را داشت ولی بزودی ازاین شغل کناره گرفت و از ایران بیرون رفت چندی در عراق عرب و شام و مصر و حجاز و بیت المقـدس بسیر و سیاحت گذرانید و از محضر علماء و دانشمندان و اکابر صوفیه بهره مند شد . چون بایران بازگشت از قبول مقامات رسمی احترازکرد و بمطالعه و تدریس و تألیف‌کتب قناعت نمود



تزیینات کاشیکاری یکی از دهلیز های مسجد شاه

از او کتابها و رسالات متعدد در علوم معقول و منقول و تفسیر و احادیث و هیئت وریاضیات و فن اسطرلاب و شرعیات و مباحث مختلف دیگر باقی مانده است و ازآنجمله کتاب جامع عباسی را بفرمان شاه عباس وبنام آن پادشاه در علوم دینی وشرعیات تألیف کرد وبزبانهای فارسی و عربی نیز اشعاری سروده است .

شیخ بهائی در روز سه شنبه دوازدهم ماه شوال سال ۱۰۳۱ هجری قمری پس از هفت روز بیماری درهفتاد وهشت سالگی درگذشت . چون شاه عباس در این هنگام دور ازپایتخت دریلاق بسرمیبرد گروهی از اعیان وبزرگان دولت جنازه اش را تشییع کردند و در مسجد

سردر این مدرسه بسمت کوچه پشت مسجد شاه دارای کتیبه ای از اولین سال سلطنت شاه سلیمان است این کتیبه که بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده وبقلم محمد رضا امامی مورخ بسال ۱۰۷۸ هجری است بشرح زیرمیباشد:

« .... (۱) جامع کبیرالاعظم الشاهی العباسی الصفوی فی زمن دولة السلطان والخاقان الاکرم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان **ابوالمظفرشاه سلیمان الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان** خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی کافة العالمین بره و عدله و احسانه لازالت رقاب اعاظم الخواقین خاضعة علی بابه و جباه افاخم السلاطین معفرة بتراب اعتابه **فی ثمان و سبعین و الف کتبه محمد رضا الامامی** . » (۲)

در داخل مقرنس کاشیکاری این سردر در دو شمسه (پنج پر) بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی جملات : یا صمد . یا غافر . یا شکور . یا رازق . یا صبور نوشته شده و در دو لوحه کوچك بر دو جانب شرقی و غربی سردر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی نام استادکاشیکار این سردر بشرح زیر آمده است :

« عمل فقیر شجاع بن مرحوم استاد قاسم بناء اصفهانی »

جامع عتیق اصفهان غسل دادند وپس ازچندی بموجب وصیت وی وبفرمان شاه عباس بمشهد فرستادند و در جوار امام هشتم درخانه ای که پیش ازآن هنگام اقامت شیخ در آنشهرمحل تدریس وی بود بخاك سپردند . » (جلد دوم کتاب زندگانی شاه عباس اول تألیف استاد نصرالله فلسفی صفحه ۲۷)

ملا مظفر جنابدی در « تنبیهات المنجمین » وفات شیخ بهائی را درسال ۱۰۳۰ متذکر شده است (رجوع شود بفهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان جلد اول صفحه ۱۳۸)

(۱) کاشیهای ابتدای این کتیبه موجود نیست .

(۲) بعد از کلمه (احسانه) ردیف پائین کاشیهای ثلث قسمت آخر کتیبه ریخته است ولی با برجای مانده های آنها در ردیف بالاکه عبارت ازبعضی حروف وسرکش های کلمات است عبارت کتیبه بترتیب مذکور در فوق بدست آمد . ازقسمت آخر کتیبه ازکلمه (معفرة) ببعد کتیبه اصلی برجای مانده است .

فرمان فتحعلیشاه قاجار راجع به بخشودگی وجوه خبازی و آرد فروشی دارالسلطنه اصفهان در مسجد شاه اصفهان مورخ بسال ۱۲۴۰ هجری

در یکی از دو مدخلی که صحن مدرسه سلیمانیه را بصحن بزرگ مسجد شاه اتصال میدهد دو لوح سنگی از فتحعلیشاه قاجار و از ناصرالدین شاه نقش بر حجر است . کتیبه لوح سنگی دوره فتحعلیشاه بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر بطول ۷۵ و عرض ۵۰ سانتیمتر بشرح زیراست :

« بسم الله تعالی شأنه العزیز »

العزة لله

« قرار در کف شاه زمانه فتحعلی (۱۲۱۲) گرفت خاتم شاهی زقدرت ازلی »

« الملك لله تعالی حکم همایون شد آنکه چون رعایت رعایای دارالسلطنه اصفهان و ترفیه احوال ایشان همواره منظور نظر مهر اثر پادشاهی میباشد در هذه السنه تخاقوی ئیل خجسته دلیل و ما بعد ها مبلغ یکهزار و پانصد تومان تبریزی مالیات و وجوه خبازی و آرد فروشی دارالسلطنه مزبور را که همیشه ازصنف خباز دیوانیان بازیافت مینموده‌اند بطریق سایر بلاد ممالك محروسه بتخفیف ابدی مرحمت فرمودیم که بعدالیوم احدی از دیوانیان و مباشرین ولایت مطالبه دیناری از بابت مالیات و غیره از جماعت خباز و کسانی که خواسته باشند بتجدید دکان خبازی باز نمایند یا در محلات و کوچها نان بفروشند مطالبه ننموده هر کس خواهد در هرجا وهر گذر و هر کوچه و هر خانه نان بپزد و درمعابر وغیرمعابر بدون اندیشه بفروش برساند تا باعث ارزانی و فراوانی نان بوده عموم ضعفا و فقرا را رفاه و آسایش حاصل و بدعاگوئی دوام دولت ابد مدت اشتغال نمایند مقرر آنکه عالیجاهان نایبان و کلانتران وداروغگان ومستأجرین وجوه و کدخدایان محلات دارالسلطنه اصفهان این حکمرا بقید لعنت بود ابد معمول داشته دیناری وجه از بابت مالیات و سایر وجوه خبازی و آرد فروشی بهیچ اسم ورسم مطالبه ننمایند و تخلف را موجب سخط قهار سبحانی

ومؤاخذه شدید قهرمانی دانند ودرعهده شناسند. تحریراً فی شهر رمضان المبارك ١٢٤٠»

فرمان ناصرالدین شاه قاجار راجع بمعافیت مالیات صنف خباز وعلاف در مسجد شاه اصفهان مورخ بسال ١٢٦٨ هجری

در بالای لوح سابق الذکر از دوره فتحعلیشاه لوح سنگی دیگری نصب شده که موضوع آن بخشیدن مالیات صنف خباز وعلاف دارالسلطنه اصفهان از طرف ناصر-الدین شاه قاجاراست واین فرمان باستدعای چراغعلی خان حکمران اصفهان صادر شده است. کتیبه فرمان مزبور بخط نستعلیق برجسته برلوح سنگی مرمری بطول یك متر و عرض ٤٠ سانتیمتر بشرح زیر است:

« بسم الله تعالی شأنه العزیز »

الملك لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت صیت داد معدلت از ماه تا ماهی گرفت

الملك لله تعالی حکم همایون شد که چون ازقرارفرمان خیریت توأمان خاقان خلدآشیان مغفوراً لبسه الله تعالی حلل النور و از عهد قدیم جماعت خباز و علاف دارالسلطنه اصفهان از جمیع تکالیف و تحمیلات دیوانی معاف و مسلم بوده اند و حکام سابق برخلاف این رفتار کرده و هر ساله جنس مبلغی بر آنها طرح و تحمیل نموده و دو هزار تومان تفاوت قیمت آنرا میگرفتند و اینمرحله باعث شکستگی و پریشانی آنها شده بود لهذا سرکار اقدس همایون ما محض شمول مراحم واشفاق خاطر ملوکانه درباره عامه انام وحصول دعای خیر برای دولت ابد فرجام ازمعامله هذه السنه سیچقان ئیل خیریت دلیل و ما بعد ها طرح جنس مبلغی را موقوف داشته امر و مقررمیفرمائیم که عالیجاهان رفیعجایگاهان حکام و عمال و مباشرین حال و استقبال دارالسلطنه اصفهان بموجب همین منشور قضا دستور جماعت خباز و علاف اصفهان را من جمیع الجهات ازتکالیف وتحمیلات دیوانی معاف ومرفوع القلم داشته و این بدعت را از آنها موقوف دارند مقرر آنکه کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکه شرح فرمان مبارك را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نمایند و در عهده شناسند

حرر فی شهر رجب ۱۲۶۸ باستدعای چاکر درگاه اسلام پناه و دولتخواه بالاشتهار چراغ علیخان حکمران دارالسلطنه اصفهان اینمرحمت شامل احوال اهالی اصفهان گردید . »

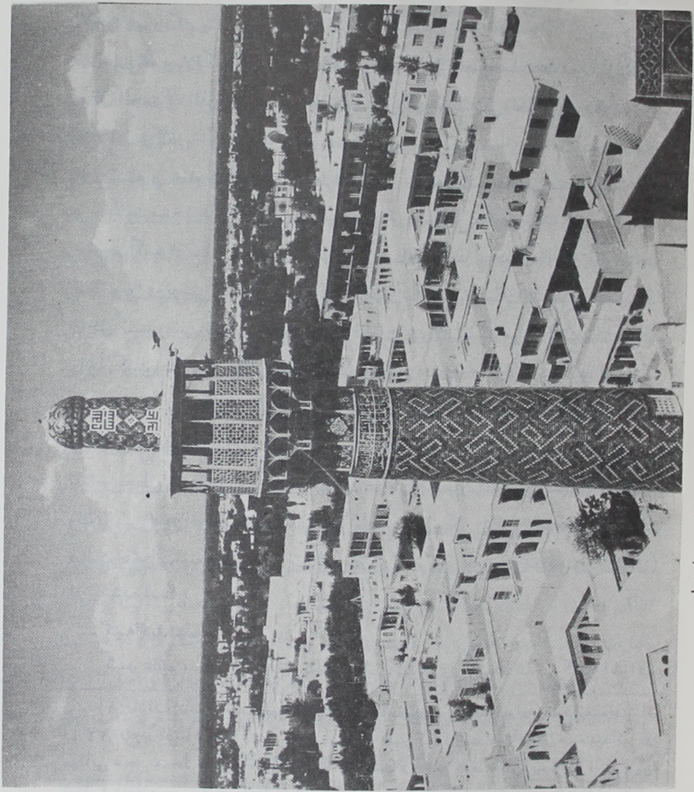
کتیبه نمای خارجی ایوان بزرگ جنوبی مسجد شاه حاکی از تعمیرات دوره محمد شاه قاجار بدستیاری منوچهرخان معتمدالدوله حکمران اصفهان است

از قرار معلوم بعلت شکستی که ایـوان بزرگ مسجد شاه را تهدید میکرده در دوره سلطنت محمد شاه قاجار و حکمرانی منوچهرخان گرجی معتمدالدوله درشهر اصفهان تعمیراتی از مسجد بعمل آمده و باین مناسبت در جای کتیبه‌کاشیکاری نمای فوقانی ایـوان بزرگ کتیبه خطی برجـای گذاشته اند . این کتیبه بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ بقلم محمد باقر شریف شیرازی خطـاط مشهور اصفهان در قرن سیزدهم هجری و مورخ بسال ۱۲۶۱ قمری بشرح زیر است :

« الحمد لله الذی زین مساجد الاسلام بتسبیحه و شید بأیدی الملوك كعبة الانـام والصلوة والسلم علی محمد الذی شرف بصلوته مسجد الحرام و علی صاحب الصمصام و وصیه و بعد قد وفق الله الملك المؤید قبلة السلاطین و کهف الخواقین السلطان بن السلطان بن السلطان محمد **شاه الغازی** خلدالله ملکه لتشیید هذا المسجد الذی اسس علی التقـوی بعون رکن السلطنة البهیة العلیة **منوچهرخان معتمدالدوله** کتبه محمد باقر الشریف الشیرازی فی ۱۲۶۱ »

مناره های داخل مسجد شاه

ایوان بزرگ جنوبی مسجد شاه ۳۳ متر ومناره های طرفین ایوان ٤٨ مترارتفاع دارند (ارتفاع مناره های سردر مسجد شاه ٤٢ متر است) تزیینات کاشیکاری بدنه هردومناره بخط بنائی حنائی رنگ شطرنجی برزمینه فیروزه ای تکرار نام « محمد »



یکی از مناره های داخل مسجد شاه و منظره قسمتی از شهر اصفهان

و « علی » میباشد و کتیبه فوقانی هر دو منـاره بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر است :

ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیماً و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریك فی الملك ولم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیراً . »

کتیبه و خطوط تزییناتی دراطراف نمای خارجی گنبد عظیم مسجد شاه

گنبد مسجد شاه عظیم ترین گنبد دو پوش مساجد اصفهان است . تـارك جدار خارجی گنبد از سطح مسجد ٥٤ متر ارتفاع دارد وارتفاع جدار داخلی آن ٣٨ متر است وبین دوپوشش گنبد فضای خالی موجود است (١) تزیینات کاشیکاری هفت رنگ داخل گنبد ومنبر یك پارچه مرمری وقطعات بزرگ سنگ مرمر ازتزیینات جالب داخل گنبد است و از نکات جالب دیگر انعکاس صوت در داخل این گنبد است .

خطوط گردنه گنبد در هشت لوح بزرگ بخط بنائی ساده سه رگی لاجوردی رنگ برزمینه فیروزه ای شامل صلوات بر چهارده معصوم است و پـائین تر از این الواح بخط بنائی لاجوردی برزمینه سفید عبارات (سبحان الله والحمدلله ولا اله الاالله والله اکبر) و« الحکم لله » درشمسه ها وموج های مکرر تکرار میشود ودرآخرین قسمت پائین گردنه گنبد بخط بنـائی معرق لاجوردی برزمینه سفید سوره (دهر) نوشته شده است .

کتیبه گنبد مسجد شاه

گنبد عظیم مسجد شاه با تزیینات جالب کاشیکاری پوشیده شده و کتیبه اطراف

---

(١) مؤلف کتاب (نصف جهان فی تعریف الاصفهان) ارتفاع ایوان جنوبی مسجد شاه را ٣٢ ذرع و ارتفاع گنبد آنرا پنجاه ذرع شاه تعیین کرده است ضمناً چنین مینویسد که دو مهتابی صحن مسجد از الحاقات یکقرن اخیر است و حوض وسط صحن نیـز در اصل باین شکل و اندازه نبوده و در یك قرن اخیر باین صورت درآمده است (صفحه ٦٣ کتـاب نصف جهان چاپ تهران)

آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الواحد الاحد الملك القیوم الصمد الدائم الباقی بلا امد الذی رفع قبة السماء فبنی سقفاً مرفوعاً بلا عمد وزین ایوان الفلك وشمسه بشمس مضیئة و قمر منیر و کواکب غیرمحصورة فی اتقن عدد صنع العالم و جعل فیه من الحکم والمصالح مالایحصی ولایعد بنیان اسس علی قواعد الصنع قائمة و ثابتة و ابدع فی الوجود بناء بدیعاً لایضعضع و لایهد والصلوة والسلم علی نبینا و سیدنا الرسول الامجد والنبی الممجد الصادق الامین رحمة للعالمین خاتم الانبیاء والمرسلین ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و اصحابه الذین بذلوا مهجهم فی سبیل الله وبایعوا النبی بالصدق یداً بید سیما ابن عمه وصهره و وصیه وخلیفته واخیه و وزیره المعتمد امام الوری و منار الهدی و کلمة التقوی و حجة الله العظمی مولانا و مقتدانا علی بن ابی‌طالب علیه السلم صلوة دائمة مستمرة الی الابد و بعد فقد تشرف بناء هذه البقعة الشریفة والسقیفة المنیفة والجنبد الرفیع المطبق تلوالسماء البدیع المعلق للمسجد الجامع الذی اسس علی التقوی المخصوص بقوله تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة ملك ملوك العالم ومستعبد صنادید الامم الشهنشاه الاعظم المؤید المنصور المخصوص بعنایة رب العالمین ظل‌الله فی‌الارضین السلطان بن السلطان بن السلطان **ابوالمظفر شاه عباس الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان** (١) خلدالله ملکه ونصرجنده و ابد دولته و حرس مهجته و عافیته و افاض عارفته وابد دوام مدة فیض دولته القاهرة وخذل اعداءه بفضل حقه وقرة عینه وخصه بمد عمره وعزه و من علی الشیعة الفایزة الاثنی عشریة حتی الجبابرة و اقتل الاحبة من ابناء امیة والذی تبعهم فی الخسران و بوئهم دار جهنم و بئس القرار اللهم ایده وانصره بحق محمد و آله الاطهار فی سنة سبع و ثلثین والف . »

---

(١) جمله (السلطان ابوالمظفر شاه عباس الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان) در کتیبه باکاشیهای طلائی رنگ است .

کتیبه گنبد مسجد شاه در سال ۱۳۲۸ شمسی تعمیر شده است

کلیه تعمیرات مسجد شاه اصفهان اعم از جزئی و کلی بعد از تشکیل اداره کل باستانشناسی در کشور ایران تدریجاً صورت گرفته و در زمانیکه این کتاب بزیور طبع آراسته میشود هنوزادامه دارد (۱) تعمیر کتیبه نمای خارجی گنبد مسجد شاه در سال ۱۳۲۸ خورشیدی اتمام یافته است و باین مناسبت در یك حاشیه الحاقی عمود بر کتیبه اصلی لوحه زیر بیادگار گذاشته شده است :

«درعصر سلطنت **اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی** ضمن تعمیرات اساسی مسجد سلطانی این کتیبه که بمرور زمان قسمت های زیادی از آن ریخته و معدوم شده بود بوسیله دانشمند محترم آقای جلال همائی استاد دانشگاه تهران با استفاده ازباقی مانده کتیبه قبلی تکمیل و تلفیق گشته تحت نظر آقای مهندس روانبد رئیس باستانشناسی اصفهان تهیه و نصب شد بخط آقایان بهادری و مسمی پرست . عمل ایلیائی کاشی پز و محمد علی کاشی تراش مقتضی دیماه ۱۳۲۸ » (۲)

---

(۱) مؤلف این کتاب افتخار انجام بسیاری ازتعمیرات ضروری مسجد شاه را دردوران هشت ساله خدمت دولتی خود بآثار وابنیه تاریخی داشته است وصمیمانه آرزومند است این اثر عظیم تاریخی ومنحصر بفرد اصفهان قرنها ازگزند حوادث زمان مصون ومحفوظ بماند و نسلهای آینده در مراقبت ونگاهداری آن با اخلاص تمام بکوشند .

(۲) مرحوم جواد مجد زاده صهبا نیز در انجام تعمیرات ضروری و اولیه مسجد شاه از آنجمله تعمیرات ایوان وگنبد بزرگ وکلاف کشیهای آهنی ایوان بزرگ سهم بسزائی داشته است .

سردر قیصریه و بازار شاهی

درضلع شمالی میدان شاه سردر قیصریه و بازارشاهی واقع شده در سردر مزبور هنوز هم تزیینات نقاشی دیوارها وسقف مقرنس نقاشی آن قابل توجه است . نقاشی روی دیوار ها مناظری ازجنگهای شاه عباس اول را با ازبکان نمایش میدهد وچون در مجاورت هوا و در معرض تابش اشعه خورشید قرار داشته است تقریباً محو شده بنظرمیآید . آنچه از نقاشی‌های سردرقیصریه درحال حاضرجالب وقابل نگاهداری است نقاشیهای جبهه غربی سر در است که موضوع آن معرفی شکارگاه شاه عباس اول است و ضمن این نقاشیها که بقلم رضای عباسی است شاه عباس اول درحال شکار نمایش داده شده . در جبهه فوقانی سردر قیصریه دو پشت بغل‌کاشیکاری موجود است که موضوع تزیینات‌آن نمایش برج قوس است . مورخین مشرق زمین احداث شهر اصفهان را در برج قوس میدانسته اند و استادان‌کاشیکار دوره صفویه آنرا بشکل نیمه انسانی درحال تیراندازی ونیمه ببری که دمش بصورت اژدهائی است در سردر قیصریه نمایش داده‌اند.

در قیصریه ببازار شاهی باز میشود که امروز محل اجتماع فروشندگان انواع واقسام قلمکار وبافندگیهای دستی اصفهان است . بازارقیصریه یا بازارشاهی درقسمت وسط چهارسوی منقش زیبائی ازدوره شاه عباس دارد که مهمترین وزیباترین چهارسو های اصفهان است . در دوره صفویه در طرفین جلوخان سردر قیصریه عمارتی بنام نقاره خانه وجود داشته است که عده‌ای نقاره چی با طبل ودهل وبوق و کرنا درآن مستقرمیشده اند وطلوع وغروب آفتاب را بانواختن موسیقی ایرانی اعلام مینموده اند و این نقاره خانه ها تا اواخر دوره قاجاریه نیز باقی بوده است .

سال ساختمان واتمام تزیینات سردر قیصریه درهیچ قسمتی از این بنای‌تاریخی ذکرنشده ولی بطوریکه مؤلف کتاب قصص الخاقانی نوشته است ظاهراً درسال ۱۰۱۴

هجری این بازار وبازارهای شاهی دیگر در اطراف میدان باتمام رسیده بوده است مؤلف مزبور چنین نقل میکند :

« شاه عباس ظاهراً پس از بازگرفتن آذربایجان ازدولت عثمانی مصمم شد که املاك و مستغلات و قسمتی از اموال خود را وقف پیغمبر اسلام و دوازده امام کند نخست در سال ١٠١٤ هجری قمری **بازار قیصریه** و تمام بازار های اطراف میدان نقش جهان را با کاروانسرا وحمامی درنزدیکی میدان که همگی در زمان او ساخته شده بود وقف رسول اکرم کرد . » (١) ظاهراً سردر قیصریه بعد از ساختمان بازار آن و در سال ١٠٢٦ هجری باتمام رسیده است . (٢)

کتیبه سردر قیصریه مورخ بسال ١٢٩٨ هجری

بین نقاشیهای جبهه های سه گانه سردرقیصریه وپشت بغلهای کاشیکاری عهد صفویه در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بدستور ظل السلطان حکمران اصفهان یك حاشیه کاشیکاری درامتداد سه جانب سردر وبعرض سی سانتیمتر بتزیینات این سردر اضافه شده است وباین مناسبت کتیبه‌ای نیزنصب شده که بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیر است :

« در عهد دولت و زمان و سلطنت اقتدار سلطان الاعظم والخاقان الاکرم اعدل الخواقین واکرم السلاطین اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جم جاه پادشاه اسلام پناه السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان ابو... خسرو صاحبقران **ناصرالدین شاه قاجار** خلدالله ملکه وسلطانه برحسب امر قدر قدرمبارك حضرت سپهر رفعت اقدس اشرف امجد ارفع والا شاهنشاه زاده اعظم **ظل السلطان** حکمران و فرمانفرمای ایالات اصفهان و فارس و عراق وعربستان ولرستان ویزد و مضافات بسرکاری و اهتمام مقرب الخاقان **میرزا نصرالله خان مستوفی** مخصوص

---

(١) جلد سوم زندگانی شاه عباس اول تألیف استاد نصرالله فلسفی صفحه ٢١

(٢) جلد دوم آثار ایران ترجمه فارسی صفحه ٩٢

صورت اتمام و سمت انجام پذیرفت کتبه المنتسب بسیادة القرشی چاکر درگاه اسدالله الحسینی القرشی سنة **١٢٩٨** »

و دروسط این حاشیه کاشیکاری درجانب غربی سردر بخط نستعلیق آبی برزمینه کاشی سفید نوشته شده :

« بسعی مقرب الحضرة الوالا مصطفی قلیخان فراشباشی باتمام رسید . »

و در انتهای این حاشیه کاشیکاری بخط نستعلیق آبی برزمینه سفید نوشته شده :

« عمل کمترین آقا جان فخار سنه ۱۲۹۸ »

خطوط بنائی در طرفین جلوخان سردر قیصریه

بر جرز های طرفین مدخل بازار قناد ها در سمت راست سردر قیصریه و بازار کفاشها در سمت چپ سردر در دو شکل مربع بخط بنائی لاجوردی رنگ معرق برزمینه آجری دو بیت شعر بشرح ذیل منقوش است :

غرض نقشیست کز ما باز ماند — که هستی را نمی بینم بقائی

مگر صاحب دلی روزی برحمت — کند در کار مسکینان دعائی

مسجد مقصود بیک

دریکی از کوچه هائی که از گوشه شمال شرقی میدان نقش‌جهان منشعب میشود و آنرا کوچه (تکیه ظلمات) مینامند مسجد کوچکی واقع شده که مردم آنرا (مسجد ظلمات) مینامند و در واقع نام اصلی آن مسجد مقصود بیک است که بمناسبت وقوع آن در محله تکیه ظلمات بنام مسجد ظلمات نیز نامیده شده . نام مقصود بیك ناظر شاه عباس اول در کتیبه سردر این مسجد که در سال ۱۰۱۰ هجری نصب شده ذکر شده است . (۱)

---

(۱) مقصود بیك وزیر بیوتات بود و مسجد او هنوز در اصفهان باقی است (جلد دوم زندگانی شاه عباس اول صفحه ٦٤)

کتیبه سردر این مسجد بخط ثلث با کاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی بقلم جعفر علی امامی و مورخ بسال ۱۰۱۰ بشرح زیر است :

« بتوفیق الله تعالی عمر هذا المسجد فی ایام سلطنة من هو ظل الله فی الارضین قهرمان الماء والطین ناصر عباد الله حافظ بلاد الله السلطان بن السلطان **ابوالمظفر شاه عباس الحسینی** (۱) خلد الله ملکه و سلطنته و افاض علی العالمین بره و عدله و احسانه بنده شاه عالم پناه **مقصود بیك ناظر** قربة الی الله **تحریراً فی الف عشر** نمقه جعفرعلی الامامی »

کتیبه محراب مسجد مقصود بیك بخط علی رضای عباسی

شبستان جنوبی مسجد مقصود بیك دارای تزییناتی از نوع کاشیکاری معرق است و کتیبه محراب نفیس آن بخط ثلث خوش سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم علیرضای عباسی و مورخ بسال ۱۰۱۱ هجری بشرح زیر است :

« در زمان دولت پادشاه جمجاه ملائك سپاه گردون بارگاه مروج مذهب ائمة اثنی‌عشر صلوات الله علیهم من الملك الاکرم الاکبر الاعدل السلطان الاعظم والخاقان الاکرم **ابی المظفر شاه عباس الموسوی الصفوی الحسینی** بنای این مسجد نمود کمترین غلامان **مقصود بیك ناظر** وثواب آنرا بروزگار بندگان نواب اشرف اقدس هبه نمود کتبه **علی رضا العباسی ۱۰۱۱** »

در ضلع شرقی شبستان مسجد دریك لوحه بخط ثلث برجسته برزمینه لاجوردی آیه شریفه « و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً » گچ بری شده است .

آرامگاه میرعماد حسنی

در ضلع شرقی صحن کوچك مسجد مقصود بیك آرامگاه **میرعماد قزوینی** از

---

(۱) جمله (ابوالمظفر شاه عباس الحسینی) در کتیبه باکاشی های طلائی رنگ است .

خوشنویسان معروف دوره شاه عباس بزرگ واقع شده و مردم مزار او را زیارت میکنند. (۱)

قبر میرعماد هیچگونه کتیبه ای ندارد ولی درآرامگاه او قطعه سنگی از مرمر بطول ۷۰ و عرض ۳۵ سانتیمتر بطور عمودی بر دیوار شرقی آن نصب شده که در حاشیه و متن آن عبارات و اشعاری حجاری شده است وقرائت آنها بعلت ریزبودن خط خالی از اشکال نیست. درحاشیه اول این سنگ بخط ثلث برجسته صلوات بر چهارده معصوم حجاری شده و در حاشیه دوم آن بخط نستعلیق برجسته اشعار ذیل منقور است:

ای بدرماندگی پناه همه — کرم تست عذر خواه همه

بطفیل همه قبولم کن — ای اله من و اله همه

گرد نعلین ره روان رهت — شرف تکمه کلاه همه

برهی بر مرا که در تو رسم — ای بسوی در تو راه همه

گنه ما فزون زحد قیاس — عفوت افزون تر گناه همه

قطره آب رحمت تو بشست — شستن نامه سیاه همه

خسرو از تو پناه میجوید — ای پناه من و پناه همه

در ذیل این لوح سنگی در دو سطر بخط نستعلیق برجسته دو بیت زیر حجاری شده است:

ای همنفسان مهر مرا یاد کنید — وز جور فلك ناله و فریاد کنید

گر برسرتربتم بیائید دمی — از فاتحهٔ روح مرا شاد کنید

عبارت فوقانی متن سنگ بخط ثلث برجسته بشرح زیر است:

---

(۱) برای اطلاع از شرح حال میرعماد قزوینی مراجعه شود بجلد دوم کتاب زندگانی شاه عباس اول تألیف استاد نصرالله فلسفی صفحه ۵۷ تا ۶۵)

الله الباقی

کوثرت جام وحیدرت ساقی

و بخط نستعلیق برجسته عبارت و اشعار ذیل نقش برحجر است :

مولانا نصیری علیه الرحمة فرماید :

جناب حکمت الله خزاعـی	بسوی جنةالمأوا روان شد
ازین دار فنـــا شهرمحرم	بشام جمعه در دارالامان شد
بر آن گشتم که تـاریخش بگویم	که کی از دیـده مردم نهان شد
چو دیـدم حکمت الله است تاریخ	الف بـالا الف سـاقط از آن شد

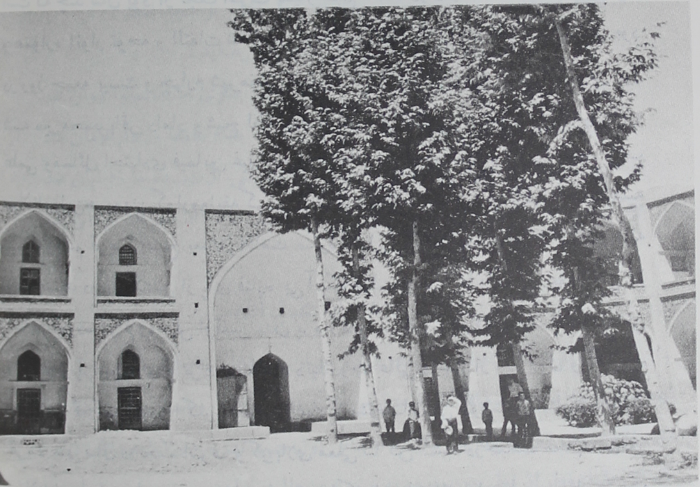
مدرسه ملا عبدالله

در اول بازار شاه اصفهان حمام شاه و چهار سوی شاه بنام شاه عباس اول واقع شده وسردرمدرسه ملاعبدالله که ازمدارس طلبه نشین آن دوره است در زیر چهارسوی شاه واقع شده . اینمدرسه بفرمان شاه عباس اول جهت تدریس مولانا عبدالله شوشتری که از علمای طراز اول دوره صفویه و مردی عالم و زاهد بوده و نـزد شاه عباس قرب و منزلتی بزرگ داشته است ساخته شده . شاخه ای از نهر فدین که از جمله مادیهای منشعب اززاینده رود است از وسط صحن این مدرسه از مغرب بمشرق عبور میکند و بر صفا و طراوت مدرسه مشجر ملا عبدالله میافزاید . اطراف این مـدرسه در دو طبقه فوقانی وتحتانی حجرات طلبه نشین قرار دارد وپشت بغلهای غرفه های بالا وپائین مدرسه با تزیینات کاشیکاری معرق آراسته شده است . این مدرسه درزمان حیات مولانا عبدالله رونق و شکوه مخصوص داشته و مولانـا در این مدرسه تدریس میکرده است . اسکندر بیك تر کمان مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی راجع بمراتب زهد و دانش او و همچنین راجع بوفات وی ضمن اخبار سال بیست و ششم جلوس

شاه عباس اول چنین مینویسد :

« دیگری ازمتوفی‌ها افضل الفقهاء والمجتهدین فی زمانه مولانا عبدالله شوشتری است که چند سال بود از نجف اشرف بدیار عجم آمده در دارالسلطنه اقامت داشت و همواره انوار توجه و التفات شاهانه بر وجنات احوالش تافته معزز و گرامی بود در روز جمعه بیست و چهارم شهرمحرم الحرام اندك عارضه بر اوطاری گشته در روز شنبه میر محمد باقر داماد و شیخ لطف‌الله میسی عاملی که مدتی بود بجهة مباحثات علمی ومسائل اجتهادی فیمابین غبارنقاری ارتفاع یافته بود بعیادت او رفتند . جناب مولانا بااین‌هردو بزرگوارمعانقه کرده در کمال شکفتگی‌صحبت داشت . شب یکشنبه بیست وششم قریب بصبح بعد از اقامت صلوة اللیل ونوافل بیرون آمده که ملاحظه وقت نماید در بازگشتن از پای فتاده بی‌آنکه مهلت سخن گفتن یابد دعوت حق را اجابت نموده مرغ روحش ازقفس بدن پروازنمود . جناب مولانا در کمالات نفسانی و تقوی و پرهیزکاری و ترك مستلذات دنیا درجه عالی داشت از مأکول و مشروب بسد رمق قناعت نموده اکثر ایام صائم بود و بشوربای بی گوشت افطار میکرد و قریب بسی سال درنجف اشرف و کربلای معلی ساکن گشته درخدمت مجتهد مغفور مولانا احمد اردبیلی بسر برده از خدمتش اکتساب فضائل و استفاده مسائل مینمود و گویندکه ازمولانای مذکور اجازت نماز جمعه وجماعت وتلقین مسائل اجتهادی یافته بود . در روز وفاتش آواز ناله و نفیر صغیر و کبیر خلایق باوج آسمان میرسید اشراف واعیان سعی مینمودند که به تیمن وتبرك دستی بزیرجنازه مغفرت اندازه‌اش رسانند از غلوی خلایق میسر نمیشد . در مسجد جامع عتیق صفاهان بآب چاه غسل داده در همانجا میرمحمد باقر داماد و سایر فضلاء و علماء نماز کردند . چند روز درمزار فایض الانوار امامزاده واجب التعظیم والتبجیل امامزاده اسمعیل علیه وآبائه التحیة بود ازآنجا نقل کربلای معلی‌شد . ارباب استعداد تاریخهای مرغوبه درسلك نظم کشیدند . میرصحبتی تفرشی (آه وآه ازمقتدای شیعیان) یافته . دیگری گفت

(حیف ازمقتدای ایران حیف) شیخ محمود نام عرب جزایری (مات مجتهد الزمن) یافته بود . » (۱)



نمای قسمتی از صحن مدرسه ملاعبدالله ازدوره شاه عباس اول

کتیبه لوح سنگی ایوان جنوبی مدرسه ملاعبدالله
مورخ بسال ۱۰۸۸ هجری

بردیوارضلع غربی ایوان جنوبی مدرسه ملاعبدالله لوحی از سنگ پارسی بطول ۱/۳۵ متروبعرض ۱/۲۰ مترنصب شده که مضمون آن حاکی ازوقف نمودن سه باب دکان و دو بالا خانه بوسیله شخص خیری بنام حاجی میرزا محمد جهت تعمیرات سقا خانه متصل بمدرسه است . کتیبه این لوح بخط نستعلیق برجسته و مورخ بسال

(۱) جلد دوم تاریخ عالم آرای عباسی (صفحه ۸۵۹ و ۸۶۰)

۱۰۸۸ هجری بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم وقف شرعی نمود توفیق آثاری حاج الحرمین میرزا محمد سه باب دکان در جنب یکدیگر با دو بالا خانه محدود بدکان تنباکو فروشی و بشارع و بخانه آقا صالح و بدکان نجاری و بدکان نخود بریزی و عطاری از دو طرف بشارع وبکوره آجر پزی وبملك واقف ونصف خان ونصف دکان متصل بخان مزبور از طرفین بشـارع و تیمچه علی اکبر و بکوره آجر پزی مستقلات مزبوره واقعه در بازار غاز بر سقاخانه متصله بمدرسه ملا عبدالله که کرایه موقوفات مزبوره را حاجی مذکور (۱) که تا حین حیاته تولیت با اوست صرف اخراجـات سقاخانه



سنگ نوشته تاریخی مدرسه ملاعبدالله مورخ بسال ۱۰۸۸

(۱) کلمه مذکور در کتیبه با حرف (ز) نوشته شده است .

و تعمیر آن و مستغلات مزبوره بعد از وضع سدس که بحق التولیه شرط شده میبوده باشد و بعد از واقف تولیت با اصلح اولاد او وبطناً بعد بطن و نظارت باطلبه مدرسه مزبوره خواهد بود که اگرمتولیان درباب دایرنمودن آن وتعمیروآبادی موقوفات و سنگی از حوضها وچاه منهدم شود اهمال نمایند ناظران متوجه شوند و ازمضمون و قیودی که شده درنگذرند و اگر اولاد واقف برطرف شوند تولیت بامتولی مدرسه مزبوره خواهد بود و اگر متولی درباب جاری و معمور داشتن سقاخانه ومستغلات اهمال نماید ناظران اسامی خود را نوشته قرعه زنند باسم هرکه برآید او را متولی دانند و باین دستور نیز عمل مینموده باشند و از پانزدهم قوس تا پانزدهم حوت آب نکشند ومنافع این سه ماه را متولی جهت تعمیر ومستغلات ضبط مینموده باشد و اگر سقاخانه بسبب حوادث خراب شود وبهیچوجه جاری نتوان نمود منافع را به پنج نفرطالب علم مستحق میداده باشند وتغییر دهنده بلعنت خدا ونفرین ائمه هدی صلوات الله علیهم گرفتار شود امید است که واقف و راقم را بدعا یاد کنند فی سنه ۱۰۸۸ . »

کتیبه سردر مدرسه ملا عبدالله

کتیبه سردرمدرسه ملاعبدالله حاکی ازاقداماتی است که دردوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار بوسیله حکمران اصفهان حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی نسبت بتعمیر مدرسه و چهارسوی مجاور آن بعمل آمده . این کتیبه که بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی ومورخ بسال ۱۲۱۸ هجری قمری است بشرح زیراست:

« فی ایام دولة السلطان العادل الباذل ظل الله فی بسیط الارض عام المعمورة فی الطول والعرض سریرالسلطنة بالاستحقاق مالك ممالك الافاق مؤسس مبانی الانصاف قامع قواعد الاجحاف السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان **السلطان فتحعلی شاه قاجار** سقی الله حیاض الشوکة بسحاب جوده و نضر ریاض الدولة بامطار بره

وجوده و قد توفق بتعمیر هـذه المـدرسة والسوق فی بابها جنب الحوض وا لمسقی الموقوف علی المسلمین بمد اذیال صاحب المفاخر والعدالة خیرالحاج والمعتمرین الحاج محمد حسین خان الحاکم بامره المطاع فی شهر رمضان سنة ۱۳۱۸ . »

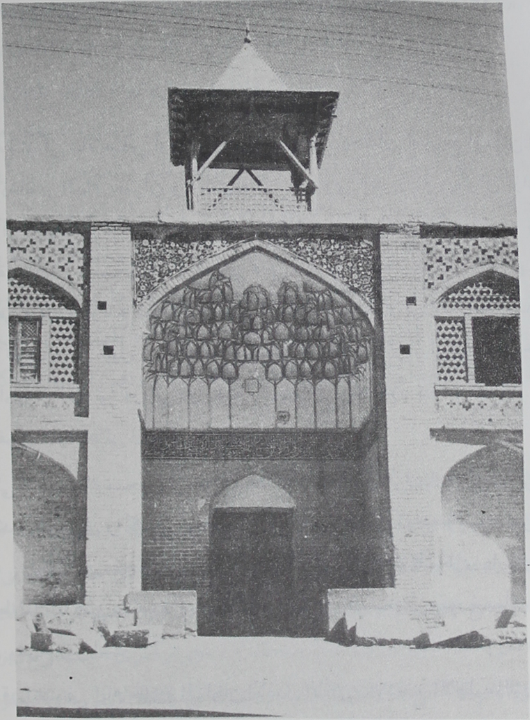
مسجد سفره چی

دوره زندگی شاه عباس اول،یکی از دوره های درخشان تـاریخ ایـران است شخص پادشاه در اقدام بعمران و آبادی مظهر خیر وبرکت بود و دیگران ازامراء و ندماء او بوی تأسی میکردند باین مناسبت علاوه بر بناهای بزرگ وشاهانه مانند میدان نقش جهان و مسجد شاه و عمارت عالی قاپو و مسجد شیخ لطف الله و بـازار های شاهی و پل چهارباغ که بهزینه دستگاه سلطنت ساخته و پرداخته شد تعـدادی بنا های کوچکتر از قبیل مساجد ومدارس نیز برپا گردید و از این آثار کوچکتر که تعدادی از آنها نیز در اثر سهل انگاری از بین رفته هنوز در اطراف و اکناف شهر اصفهان نمونه هائی از آنها دیده میشود .

یکی از این آثارمسجد سفره چی است که عامه مردم آنرا بنام (مسجد سرخی) میشناسند و کوچه‌ای را که این مسجد در آن واقع شده نیز کوچه (مسجد سرخی) مینامند . داخل این مسجد و سر در آن تزیینات مختصری ازکاشیکاری دارد و کتیبه آن بخط ثلث باکاشی سفید معرق برزمینه لاجوردی بقلم صحیفی ومورخ بسال ۱۰۱٤ هجری بشرح زیر است :

« قد اتفق فی ایام خلافة السلطان الاعدل الاکرم الاشجع الاعظم مالك رقاب الامم مولاملوك العرب والعجم قهرمان الماء والطین ظل الله فی الارضین غلام باخلاص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام ابوالمظفر شاه عباس الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه و افـاض علی العالمین بره و عدله

و احسانه و عظمته و شوکته و معدلته و نصرته وحشمته الی یوم القیامة بنده درگاه **خلف سفره چی بتاریخ اربع عشر و الف رقم صحیفی .»**



سردر مسجد سفره چی از دوره شاه عباس اول

در ضلع غربی جلو خان مسجد سنگابی در دوره شاه سلطانحسین صفوی نصب

شده که کتیبه آن بشرح زیر است :

« وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمود استاد محمد شفیع خیاط بتاریخ شهر جمادی الاخر فی سنه **۱۱۱۷** . »

مسجد جارچی

مسجد جارچی در بازار بزرگ اصفهان واقع شده . این مسجد در سال ۱۰۱۹ هجری بوسیله ملك سلطـان جارچی باشی شاه عباس بزرگ بنا شده است . مسجد صحن ندارد و بصورت شبستانی است که قسمتی از وسط سقف آن نیز خراب شده و تحت تعمیرواقع شده است . اطراف شبستان مسجد با پشت بغل های کاشیکاری بسیار نفیس برزمینه لاجوردی وفیروزه ای معرق تزیین شده است . دربین این نقوش گلهای سفید و حنائی رنگ کاشی زیاد دیده میشود . محراب مسجد ازسنگ ساده است ودر ورودی آن که از زمان ساختمان بنا برجای مانده است از درهای جالب بنـاهای تاریخی اصفهان بشمارمیرود . کتیبه سردر این مسجد بخط ثلث برجسته برسنگ بقلم صحیفی و مورخ بسال ۱۰۱۹ هجری بشرح زیر است :

« تیمناً و تبرکاً بذکره الکریم الوهاب قد انفق لعمارة هـذا المسجد فی ایـام خلافة الخاقـان الاکرم الاکمل الاشجع الاعدل الاعظم مـولا ملوك العرب والعجم قهرمان المـاء والطین ظل الله فی الارضین خلف اخلاف سید المرسلین رواج دهنـده مذهب ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم اجمعین **ابو المظفر شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان** خلدالله ملکه و سلطانه وافاض علی العالمین عدله واحسانه اللهم متع المسلمین بطول حیاته و ضاعف ثواب جمیله و حسناته و ارفع درجاته و ظفره جمیع (کذا) اعدائه بما فی القرآن من آیاته اللهم آمن بلده الی یوم القیام بانی این عمارة خجسته **ملك سلطـان جارچی بـاشی سنة تسع عشر و الف** رقم صحیفی جوهری . »

سنگاب مسجد جارچی

مقابل در ورودی مسجد جارچی سنگاب کوچکی نصب شده که در چهار لوحه کوچك در اطراف آن عبارات زیرحجاری شده است : « وقف حضرت عباس ـ علیه السلم نمودند ۱۲۶۷ ـ حمل و نقل کننده ـ بلعنت خدا گرفتار شود . »

ملك علی سلطان جارچی باشی‌شاه عباس اول بانی مسجد جارچی درسال ۱۰۲۴ هجری وفات کرده است . اسکندر بیك ترکمان مؤلف تاریخ عالم‌آرای عباسی ضمن تعریف اخبارسال بیست وهشتم جلوس شاه عباس اول پس از اعلام خبروفات او ویرا چنین معرفی میکند :

« دیگری ملك علی بیك جارچی تاجی بیوك که مریض و علیل متعاقب اردوی معلی بگرجستان آمد او نیز در آن عقبه رخت هستی بسرای آخرت کشید، مشارالیه اصفهانی‌الاصل ومرد هزال شیرین گوی شیرین زبان مطایبه دوست بود، هر گز کدورت الم پیرامن خاطرش نگشتی هر کس را غنچه صفت دلتنگ یافتی بسخنان دلاویز و ظرافتهای مطایبه انگیز در کمال بشاشت و خرمی چون گل خندان ساختی وهر گاه بجهة امری از امور منادی کردی آن مدعا را بکلمات رنگین و حرکات ملیح شیرین ادا کردی واگر بقتل وسیاست مجرمی مأمور گشتی تا سیاستگاه بآن مجرم چندان هزل و مطایبه کردی که آن سیاست را چون لعب کودکان بر او آسان شمردی باکمال شکفته طبعی خالی از مهابتی نبود . گاهی که تاج فرد مرصع مکلل که مخصوص او بود برسر نهاده گوشواره بزرگ مرصع از دو طرف آویزان کرده باجماعت تاجی بیوك اتباع خود که هریك خود را بصورت خاص ولباس غیرمتعارف آراسته بدربار پادشاهی حاضرمیشدند رعب وهراس بدلها راه میبافت وحضرت اعلی ازفوت چنان ملازمی که نادرهٔ زمان بود اظهار تأسف بسیار فرمود و در ازاء حقوق خدمات چندین ساله منصب او را بصفی قلی بیك پسرش که جوان مستعدی بود

ارزانی داشت . » (۱)

مسجد باغ حاجی

در نزدیکی باغ حاجی (باغ همایون امروز) کوچه ای بنام کوچه باغ حاجی وجود دارد که مسجد کوچکی ازدوره صفویه در آن واقع شده. کتیبه سردراین مسجد حاکی از آنست که مسجد بوسیله شخصی بنام خواجه روح الله در دوره پادشاهی شاه عباس اول ساخته شده است .

از تزیینات کاشیکاری این مسجد غیر از سردر آن چیز قابل ملاحظه ای باقی نمانده و کتیبه آن بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی مورخ بسال ۱۰۳۳ هجری بشرح زیر است :

« فی ایام خلافة السلطان الاکرم والخاقان الاعدل الاعظم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم **ابوالمظفر شاه عباس الحسینی الصفوی بهادرخان** خلد الله تعالی ظله ابداً بتوفیقات ملك سبحانی بنا کرد این مسجد را توفیق آثار **خواجه روح الله بن نورالله فراهانی** در سنه **هزار و سی و سه** کتبه محمد امین بن اخی . »

گردشگاه چهارباغ

اصفهان در سال ۱۰۰٦ هجری رسماً بپایتختی شاه عباس اول انتخاب شده و از این سال ببعد فعالیت قابل ملاحظه ای برای ساختن قصرها وپلها ومساجد تاریخی بمنظوّر تزیین پایتخت بعمل آمده است . فکر ایجاد گردشگاهی مانند چهارباغ هم درهمین سال برای پادشاه صفوی پیدا شده است ودستور داده شده ازمحل دروازه دولت (مقابل کاخ فعلی شهرداری) تادامنه کوه صفه (دروازه شیراز) خیابان طویل

---

(۱) نقل از جلد دوم تاریخ عالم آرای عباسی چاپ تهران صفحه ۸۸۵

و عریضی مشجر احداث شود . در حقیقت چهارباغ بیشتر برای اینکه گردشگاهی باشد ساخته شده نه خیابان خاصه که این اسلوب خیابان سازی برای عبور و مرور در آن زمان مورد احتیاج نبوده است و از حیث هیئت و ترکیب طوری است که بیشتر برای محل گردش و تفرج بوده تا برای رفت و آمد شهر. بعلاوه این خیابان درحاشیه شهرطرح انداخته شده و بیشترمخصوص گردش خانواده سلطنتی و درباریان بوده است .

« از جمله تفریحات زنان حرمخانه شاهی و دیگر زنان شهر یکی این بود که روزهای چهارشنبه در چهارباغ اصفهان وپل سی وسه چشمه با روی گشاده وبی نقاب میگشتند و تا مدتی از شب در پرتو مشعلها و شمع ها در آنجا بسرمیبردند وبشادی و خنده و خوردن ونوشیدن میگذراندند . در این روز تمام چهارباغ (قرق) میشد و در اطراف آن خواجه سرایـان و مأموران خاصی از عبور مـردان شهر بسختی جلو گیری میکردند و در این روز فروشندگـان چهارباغ همه زن بودند . گردش اختصاصی زنان اصفهان درچهار باغ از روزچهار شنبه بیست و سه ماه صفرسال ۱۰۱۸ هجری آغاز شده است . » (۱)

« پی‌یترودولاواله (Pietro della Valle) سیاح معروف ایتالیائی که هروقت صحبت از اصفهان زمان شاه عباس میشود نام او هم بمیان میآید مینویسد چهـارباغ بعضی روزها مخصوص گردش بانوان بوده ومسلماً برای یك جاده و مسیرعمومی نمیتوان چنین اختصاصی را قائل شد . طول این خیابان دو یا سه میل . پهنای آن تقریبـاً دوبرابر پهنای خیابانی است که در رم واقع و(پونت مل) نامیده میشود . ابتدای این خیابان درجانب شهراصفهان عمارت کوچکی است که بشکل کلاه فرنگی‌ساخته اند و اطرافش تمام ایوان و پنجره است . این عمارت با نقاشی و تزیینات بسیـار دیگری آراسته شده و برای آن بنا شده است که بتوان خیابان را از آن مکان بلند

---

(۱) جلد دوم تاریخ زندگانی شاه عباس اول صفحه ۲۳۱

تماشا نمود و طول آنرا تشخیص داد . کاخ شـاهی بوسیله دالانی بآنجا راه دارد
(مقصود از این عمارت قصرجهان نما است که درمحل دروازه دولت فعلی واقع بوده
و مشتمل بر سه طبقه ساختمان بوده است . طبقه زیرین آن عمارت چهار فصل نـام
داشته و دو طبقه دیگر شامل حجرات متعدد و خوش نما بوده و از این جهت آنـرا
قصر جهان نما مینامیده اند که از بام آن تمام باغات چهارباغ وعمارات آن نمایان
بوده است. قصرجهان نما تاسال ۱۳۰۸ هجری قمری وجود داشته وازاین‌تاریخ ببعد
در ردیف بعضی دیگر از بناهای عهد صفویه منهدم شده و ازبین رفته است) دودیوار
بارتفاع مساوی در دوسمت خیابان است وپشت این دیوار ها تاحدود نصف خیابان
باغهائی است که بشاه تعلق دارد. مردم اجازه دارند داخل این باغها شده گردش کنند
و حتی از میوه های بیشمار آنجا در مقابل اندك انسانیت و تعارفی نسبت بباغبان
استفاده نمایند. درطرفین خیابان درفاصله های مساوی درهای این باغها دیده میشود
که روبروی یکدیگر قرار گرفته و هر کدام آنها عمارت کوچك زیبائی است که
فقط برای تفریح کسانی ساخته شده است که بخواهند در آنجا غذائی بخورند و یا
برای‌کار دیگری نظیرآن بدانجا روند . شماره این عمارت ها بی‌اندازه زیاد ونمای
آنها خیلی‌آراسته ودلربا است وطوری با هم قرینه وجور ومتناسب است که نمیتوان
تصور کرد چیزی دلپذیر تر ازآن وجود داشته باشد. درختهای فراوان درهرسو چه
درخیابان وچه داخل باغ در دوسمت دیوار ها دیده میشود که ردیف هم بیك اندازه
در فواصل مساوی کاشته شده و چنان سبز و خرم است که هر اندازه تصور کنید این
نقطه با طراوت و دلگشا است . علاوه بر اینها گوشه بگوشه در فاصله هـای معین
مقابل بنا های بسیار زیبا در وسط خیابان حوضهای بزرگ آب با تناسب صحیح و
اشکال مختلف بدون لبه دیده میشود. آب در کف سنگفرش خیابان موج میزند وراه
نسبة عـریضی در دو طرف برای عبور پیاده و سواره ساخته اند . نهر آب بزرگی

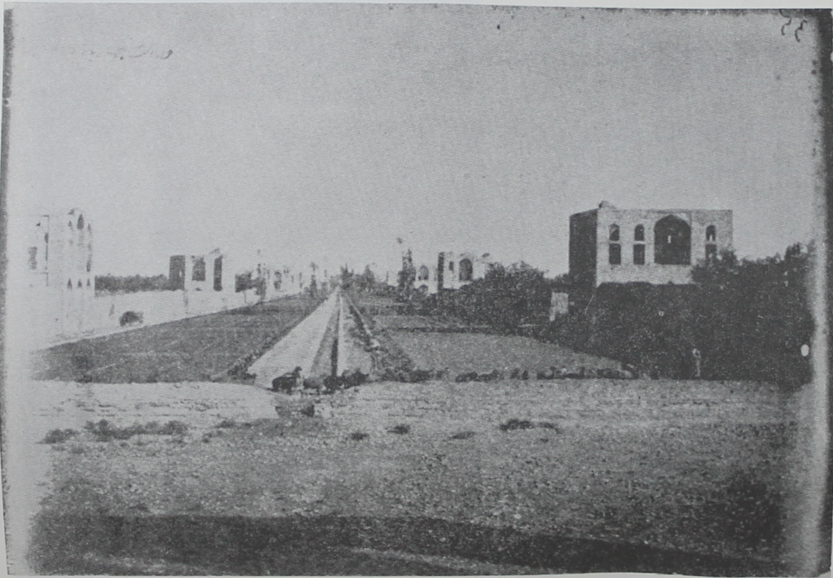
که در وسط خیابان جاریست در جویباری که از سنگ ساخته شده جریان دارد و بآب نما ها میریزد . در چندین حوض فواره های بسیار زیبائی دیده میشود و در بعضی از آنها نیز بوسیله احداث پاره ای سراشیب ها آبشارهائیکه در دنیا نظیر آن باین دلپسندی وجود ندارد درست کرده اند . قسمت وسط خیابان و پای دیوار ها با سنگ های کوچکی فرش شده که برای مردم و اسبها ناراحت نیست . لکن این طرف و آنطرف خیابان دو نقطه ای که خاك خوبی دارد جا گذاشته و گلهای رنگارنگی نشانده اند . یقیناً این گلها در موسم خود از عطر ومنظره زیبای خویش دل و مشام جان را محظوظ وسرشار مینمایند . (۱)

خیابان چهارباغ در سال ۱۰۲۵ هجری زیباترین خیابانهای جهان بوده است

در سال **۱۰۲۵** هجری گردشگاه چهارباغ بطوریکه شاه عباس اول انتظار داشته آراسته شده بوده است . اسکندر بیك ترکمان درباره طرح چهارباغ اصفهان درسال **۱۰۰۶** هجری واتمام عمارات وباغات دلگشای آن تاسال **۱۰۲۵** چنین نوشته است:

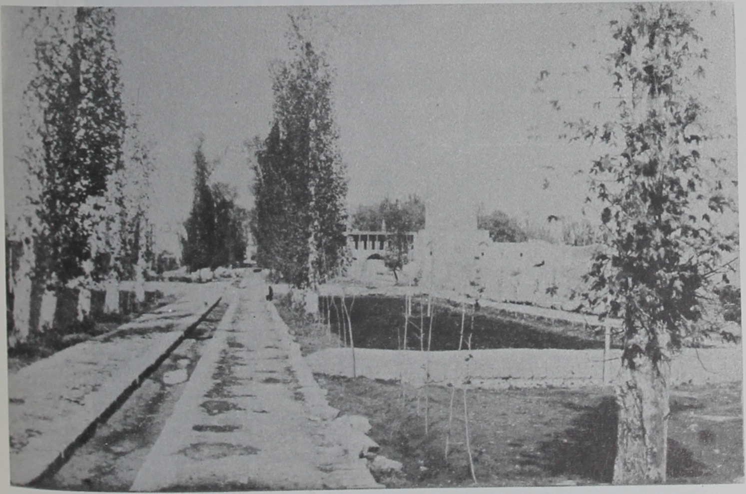
« در سال **ست و الف هجری** (۱۰۰۶) رأی جهان آرا بدان قرار گرفت که دارالسلطنه مزبور را مقر دولت ابد مقرون ساخته عمارات عالی طرح نمایند . بدین نیت صادق وعزم لایق متوجه آن صوب گشته زمستان را بعیش و خرمی در دولتخانه مبارکه نقش جهان گذرانیده اکثر اوقات را بسیر و شکار صرف میفرمودند و شبها مجالس بهشت آسا آراسته بساط عشرت گسترانیده میشد و ایام بهار عمارات عالی در **نقش جهان** طرح انداخته معماران ومهندسان دراتمام آن میکوشیدند و ازدروب شهر یك دروازه در حریم باغ نقش جهان واقع وبدرب دولت (**دروازه دولت فعلی**) موسوم است ، ازآنجا تا کنار **زاینده رود** خیابانی احداث فرموده چهار باغی درهر دو طرف خیابان و عمارات عالیه دردرگاه هرباغ طرح انداختند و از کنار رودخانه

(۱) آثار ایران (ترجمه فارسی) جلد اول ـ جزوه دوم صفحه ۷۰ و ۷۱



منظره قديمي خيابان چهارباغ بالا و عمارات طرفين آن ازپل اللهوردی خان تا باغ عباس‌آباد (هزار جريب)

تاپای کوه جانب جنوبی شهرانتهای خیابان چهارباغ قرار داده اطراف آنرا برامرا و اعیان دولت قاهره قسمت فرموده اند که هر کدام باغی طرح انداخته در درگاه باغ عمارتی مناسب درگاه مشتمل بر درگاه و ساباط رفیع و ایوان و بالاخانه ها و منظره ها در کمال زیب و زینت ونقاشی های بطلا ولاجورد ترتیب دهند ودر انتهای خیابان باغی بزرگ و وسیع پست وبلند **نه طبقه** جهت خاص پادشاهی طرح انداخته بباغ **عباس آباد** موسوم گردانیـدند و پل عالی مشتمل بـر چهل چشمه (مقصود پل اللهوردی خان است که در حال حاضر بیش از ۳۳ چشمه ندارد) بطرز خاص میان گشاده که در هنگـام طغیـان آب در کل یك چشمه بنظر درمیآید قـراردادند که بر **زاینده رود** بسته شده هر دوخیابان (مقصود چهارباغ پائین وبالا است) بیکدیگر



منظره قدیمی خیابان چهارباغ اصفهان (چهارباغ پائین) ونهرسنگی وسط خیابان



منظره فعلی خیابان چهارباغ اصفهان

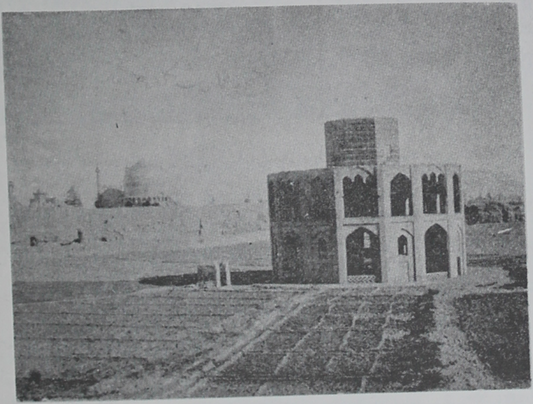
اتصال یابد و تا عباس آباد یك خیابان باشد تخمیناً یکفرسخ شرعی و از دو طرف خیابان جوی آب جاری گردد و درختان سرو و چنار وکاج و عرعر غرس شود واز میان خیابان نهری سنگ بست ترتیب یابد که آب ازمیان خیابان نیز جاری باشد و در برابر عمارت چهارباغ حوض بزرگ بسان دریاچه ساخته شود .

القصه هر کس از امرا و اعیان وسرکاران عمارات بوقوف معماران و مهندسان شروع در کار کرده و در انجام آن ساعی گشتند و از آن تاریخ تا حال که سنه هجری بخمس و عشرین و الف (١٠٢٥) رسیده و این شگرف نامه تحریر مییابد عمارات باصفا و باغات دلگشا بنوعی که طرح کارخانه ابداع در عرصه ضمیر مبارك اشرف طرح افکنده بود بحیز ظهور آمده در کمال لطافت ونهایت خوبی اتمام یافت درختان سر بفلك افراشته واشجارمیوه دارش گوئی بطوبی جنان پیوند دارد . الحاصل هر باغی از آن رشگ جنان وعمارات رفیعش که بنقوش بدیع مذهب ومزین وبصور

مصوران نادره کار آراستگی دارد گوئی سدیر و خورنق از آن نشانی است بلکه در عرصه گیتی نظیر وعدیل آن محض خیال و گمانی .

عجب چهارباغی است بهجت فزا — گرش ثانی خلد گویند شاید
چو تاریخ آن دل طلب کرد گفتم — **نهالش بکام دل شه برآید (۱)**

شاردن سیاح فرانسوی که در دوره پادشاهی شاه عباس دوم وشاه سلیمان در اصفهان بسر برده است راجع بخیابان چهارباغ نوشته است : « این خیابان زیباترین معبری است که تاکنون دیده و یا شنیده ام . »



باغ گلدسته ونمونه عمارتهائی که در وسط باغهای شاهی دوره صفویه بنامیشده است

باغهای مشهور چهارباغ . باغهای مشهورعبارت بوده است ازباغ تخت بمساحت چهل جریب ، باغ کاج چهارباغ بمساحت سی‌جریب ، باغ بابا امیر، باغ توپخانه ، باغ نسترن که مادی (نیاصرم) ازمیان آن میگذشته، باغ چهلستون بمساحت هفتاد

(۱) رجوع شود بصفحه ۵۴۴ و ۵۴۵ جلد اول تاریخ عالم آرای عباسی تألیف اسکندر بیک ترکمان .

جریب ، باغ بلبل یا (باغ هشت بهشت) بمساحت هشتاد و پنج جریب ، باغ فتح آباد بمساحت ۶۰ جریب ، باغ گلدسته بمساحت سی‌جریب که درداخل آن عمارتی بهمین نام بوده است ، باغ طاوسخانه و باغ پهلوان حسین که مادی نیاصرم از آن میگذشته است . (۱)

پل اللهوردی خان از قصر جهان نما تا پل اللهوردی خان چهارباغ پائین و از پل مزبور تا باغ عباس آباد (باغ هزار جریب) چهارباغ بالا نام داشته است و پل چهارباغ بنام (اللهوردی خان) واسطه اتصال دوچهارباغ بالا و پائین بیکدیگر بوده است . نقشه هر دو چهارباغ یکسان بوده و فقط باغهای چهارباغ بالا و سعت زیادتری داشته است . این پل که **پل سی و سه چشمه** و **پل جلفا** نیز نام دارد درسال ۱۰۱۱ بفرمان شاه عباس اول و بوسیله اللهوردی خان که نزد شاه قرب و منزلتی بزرگ داشته و سپهسالار ارتش او بوده بنا شده است و در اصل چهل چشمه داشته (۲) لکن امروز سی وسه دهنه بیشتر ندارد وبهمین مناسبت به پل سی وسه چشمه نیز مشهور شده است . این پل ۳۶۰ متر طول و چهارده متر عرض دارد . (۳)

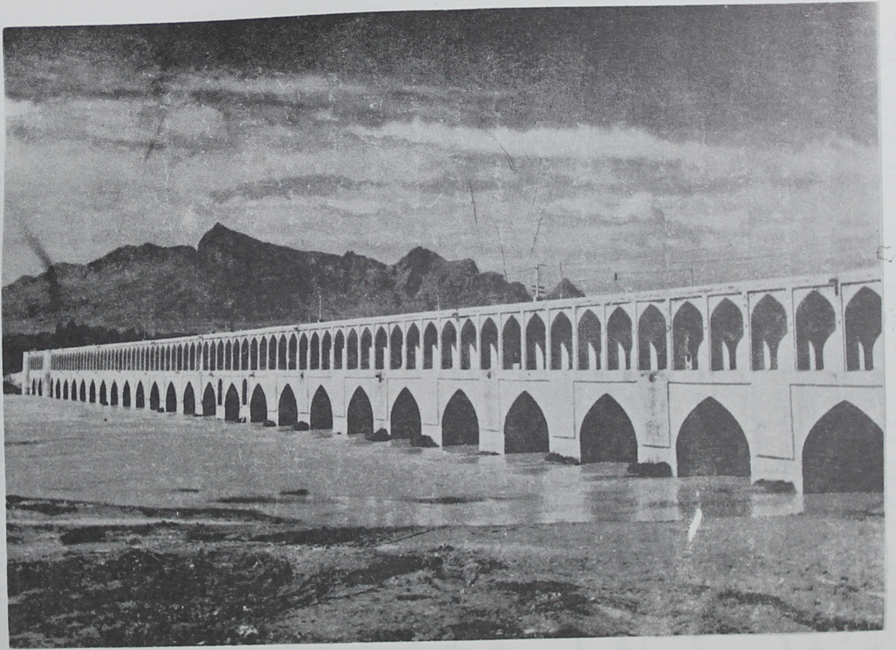
باغ زرشگ . از پل اللهوردی خان تا سردر باغ زرشگ که امروز هم درمحل اصلی خود باقیست و محل کارخانه صنایع پشم است خیابان شیب زیادی داشته و در عهد صفویه بصورت دریاچه‌ای بوده وآبی که از هزارجریب بآن میریخته درنزدیک

---

(۱) برای اطلاع بیشتر ازتعداد وکیفیت باغهای مشهوراصفهان دردوره صفویه مراجعه شود بتاریخ اصفهان تألیف شیخ جابری انصاری صفحه ۳۵۵ تا ۳۶۴

(۲) رجوع شود بصفحه ۴۸۴

(۳) یکی ازسرداران نامی وفداکار وکاردان شاه عباس الله وردیخان بود . این سردار اصلا ارمنی و ازمردم گرجستان وعیسوی بود . در جوانی بغلامی فروخته شد و پس ازآنکه چند بار از مولائی بمولای دیگر منتقل گشت سرانجام بخدمت شاه طهماسب اول داخل شد و در حلقه غلامان وی درآمد ومسلمان شد و چون جوانی صدیق وفداکار وعاقل بود بمنصب قوللرآقاسی یعنی ریاست وسرداری غلامان خاص شاه رسید . شاه عباس درسال ۱۰۰۴هجری او را علیرغم سرداران قزلباش برکشید وبه امیرالامرائی یاحکومت ایالت فارس وسپهسالاری



منظره پل اللهوردیخان یا پل سی وسه چشمه از دوره شاه عباس کبیر

چنار معروف باغ زرشگ که امروز هم در جای خود باقی است تشکیل آبشاری میداده است، باغ زرشگ درحدود هشتاد هزار متر مربع مساحت داشته و سردر آن مشتمل بر عمارتی مفصل ومجلل بوده است که از درختها و گلهای رنگارنگ احاطه میشده و برفراز سردر آن تالار ها وغلام گردشهائی وجود داشته که منظره رود خانه و کوه و جلفا و باغ وسیع سعادت آباد در سمت مشرق آن چشم انداز این عمارت را تشکیل میداده است .

باغ هزار جریب از این باغ که در دوره صفویه بباغ عباس آباد معروف بوده و ازقصری که دروسط آن باغ بناشده بوده است فعلاهیچگونه اثری نیست درصورتیکه سیاحان اروپائی که تا اواخرعهد قاجاریه باصفهان آمده اند این باغ وساختمانهای آنرا توصیف کرده اند . از مورخین ایرانی محمد مهدی مؤلف تاریخ (نصف جهان

ایران منصوب کرد و یکسال بعد حکومت کوه گیلویه را هم برحوزه حکمرانی وی افزود الله وردیخان سرداری دلیر وکاردان وبا تدبیر وکریم وفرمانبردار بود وبه نیروی این صفات در اندك زمان سراسر فارس را بتصرف آورد وبرطوایف افشار و بختیاری که درکوه گیلویه و سایر نقاط فارس سر بطغیان برداشته بودند غالب شد وتا سال ۱۰۱۰ هجری ولایت لار را نیز با سواحل دریای عمان و جزائر بحرین گرفت .

شاه عباس الله وردیخان را از همه سرداران بزرگ ایران عزیزتر و محترم تر میداشت و چون پیربود همیشه او را پدر خطاب میکرد . هیچیك از سرداران با او درمقام ومرتبت برابر نبود و او با سی هزار سوار مجهز و جنگ آزموده ای که در اختیار داشت بر تمام ولایات جنوبی ایران و سواحل و جزایر خلیج فارس حکمران بود . شاه عباس در جنگهای بزرگی که با دولت عثمانی میکرد بیشتر بنیروی نظامی او متکی میشد .

در آغاز سال ۱۰۲۳ هجری هنگامی که شاه عباس از فرح آباد مازندران باصفهان بازمیگشت الله وردیخان ازفارس بپایتخت آمد تا باستقبال او رود. شاه‌چون چشمش بوی افتاد نهانی بهمراهان خودگفت که الله وردیخان مردنی است . زیرا از سیمای او آثار ضعف و ناتوانی بسیارهویدا بود . اتفاقاً چنانکه شاه پیش بینی کرده بود چند روز بعد امیرالامرای فارس بیمار شد و درروز دوشنبه چهاردهم ربیع الثانی آن سال درگذشت . شاه عباس باتمام امرا و اعیان دولت جنازه سردار فداکار خود را تشییع کرد و در مراسم غسل و تکفین او شرکت جست وفرمان داد که جسدش را با احترام بسیار بمشهد فرستادند و در مقبره ای که آن سردار خود در جوار آستانه حضرت رضا (ع) ساخته بود بخاك سپردند یکصد و پنجاه تومان نیز ازخزانه شاهی برای مخارج کفن ودفن اوپرداخت . روز دیگر نیز بخانه پسر بزرگش امامقلیخان رفت و از وی و سایر بازماندگان او دلجوئی کرد . (جلد دوم کتاب زندگانی شاه عباس اول تألیف استاد فلسفی صفحه ۹۱)

فی تعریف الاصفهان) درسال ۱۳۰۸ هجری قمری درباره این باغ چنین نوشته است :
« چهارباغ منتهی است بپل بزرگ شاه عباس معروف بسی وسه چشمه و باز محاذی



سردر باغ زرشک از باغات پادشاهی دوره صفویه در چهارباغ بالا

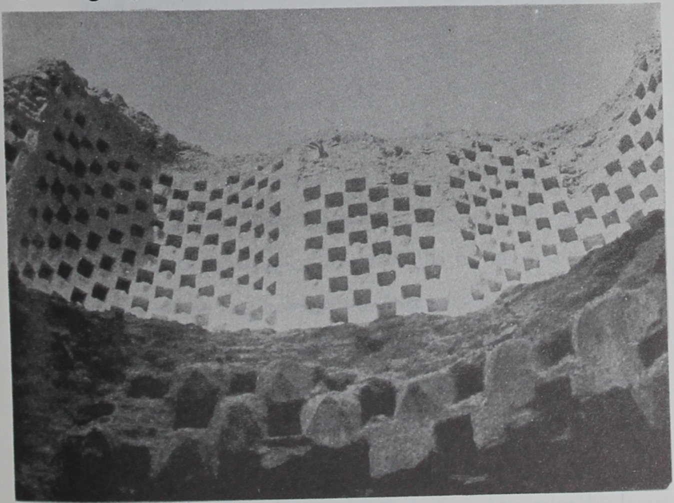
آن خیابانی بزرگ ساخته و از آن بلندی همچنان آبشاری ریز درست نموده که
از بالا آب درآن حوض میریزد و محاذی این حوض مواجه مشرق عمارت سردری
عالی ساخته اند بر دروازه باغی که اول باغهای چهارباغ علیا است و بباغ زرشک
معروف است و بسیار با صفا جائی بوده و این چهارباغ را نیز شاه عباس اول طرح
انداخته واتمام آنرا دیگران نموده اند وبچهارباغ بالا مشهور است و این چهارباغ
طویلتر از اولی است ولی عرضش کمتر است و بخوبی آن ساخته نشده و بدستور
اطرافش باغات و سردر ها دارد و آنرا منتهی نموده اند بباغ عباس آباد که قریب
بکوه صفه و در حقیقت در ابتدای دامنه آن واقع شده و بین الانام این باغ بهزار
جریب اشتهار دارد چه بحسب مساحت تقریباً هزارجریب است و مشتمل است بر ده



یکی از برجهای باغ هزار جریب از دوره صفویه

قطعه که هریك بطرف جنوب بلند تر از قطعه شمالی آنست و در هریك چند آبشار کوچك و عمارت داشته آبی مخصوص از رود خانه برای آن آورده بودند و باغی بیمانند بوده است چنانکه بعضی از اهل فرنگ که در زمان آبادی آن باغ باصفهان آمده و آنرا دیده نوشته اند که امروز در آسیا مثل این باغ موجود نیست و وضع آنرا شرح داده اند . اما ازماها احدی خبردرستی ازآن ندارد . نهر آن که ممرش از بالای طبقه بالائی جنوبی اوست مسلط بر تمام طبقات و از مغرب بطرف مشرق جاری بوده و بجوی سفید موسوم بوده است . درفترت افغان که همه اصفهان خراب و ویران گردید این آب نیز جهت خرابی ممرش بایستاد و باغ روی بخرابی آورد

و تا اواخر دولت زندیه دیگر اثری از آن باقی نمانده وچنان بود تا درسال ۱۲۵۵ هجری که پادشاه مرحوم مبرور محمد شاه غازی انارالله برهانه باصفهان آمده روزی در اثنای گشت نظرش بر اوایل ممر آن آب که از زاینده رود جدا نموده و بـرده بودند افتاد . از همراهان سؤال از آن فرموده کسی که آگاه از آن بوده حقیقت حال را بعرض رسانید . آن پادشاه بلند همت بعد از مراجعت از آنجـا حکم کرد تامهندسان رفته بازدید آنرا نموده وخرج آنرا نیزفهمیده ومعروض داشتند . برفور بمنوچهرخان معتمد الدوله که از قبل او حاکم اصفهان بود مثال داد که بناء و عمله فرستاده آن ممر را درست و آب را بیاورند و آنرا آباد نمایند . موافق حکم لازم الاتباعش کارکنان رفته ودرهمان سال باتمام آن کار پرداخته وآب راآوردند وبهمان جوی سفید بـاز معروف گردید تقریباً بقدر یك شعبه از نهر فدین یعنی نیمـه آن



سبك آشیانه سازی در داخل یکی از برجهای باغ هزار جریب از دوره صفویه

بـود که در مـدرسه ملاعبدالله جاریست و در همان مجاری بـا اینکه خراب بود جاری نمودند و از آبشارهای خراب باغ ریختن گرفت و وسط باغ را خیابانی طرح انداخته درختان از میوه و گل بکاشتند وعنقریب صورت نوعی و گلستانی باصفا شد ومحل تفرج وتفریح مردمان گردید وتاسی‌سال چنین بوده وترقی وتنزل هیچکدام نداشت اما در بیست سال قبل ازین آب آنرا باز مجاوران ممر آن بردند و دوباره مثل اول گردید .

اما چهارباغ بالا هم که آبادی مجملی داشت دراین سنوات خراب گشته و کمی ازباغات اطراف آن باقی‌مانده است. » (۱)

دو بنای تاریخی اصفهان از دوره شاه عباس اول که در اولین سال سلطنت شاه صفی باتمام رسیده است

۱ـ بقعه بابا رکن الدین

درساحل جنوبی زاینده رود ومجاور جاده قدیم شیراز درقبرستان قدیمی اصفهان بنام (تخت فولاد) آرامگاه یکی از عرفای مشهور قرن هشتم هجری بنـام بـابا رکن الدین مسعود بن عبدالله بیضاوی واقع شده که درتاریخ یکشنبه۲۶ ربیع الاول سال ۷۶۹ هجری وفات کرده ودر این مکان مدفون شده است . قبرستان تخت فولاد مدفن عده زیادی از مشـاهیر علما و فقها و شعـرا و خوشنویسانی است که از عهد صفویه ببعد در اصفهان وفات کرده اند و در اطراف قبـر بابا رکن الدین بفـواصل نزدیك و یا دور از آن بخاك سپرده شده اند لکن هیچیك از قبـر های تـاریخ دار موجود در این قبرستان از قبر بابا رکن الدین قدیمی تر نیست وظاهراً بهمین علت هم بوده است که تا اواخرعهد صفویه این مکان را قبرستان بابا رکن‌الدین میخوانده

---

(۱) نقل از تاریخ (نصف جهان فی تعریف الاصفهان) چاپ تهران صفحه ۴۱ و ۴۲

اند حتی پل معروفی که راه اصفهان بتخت فولاد از آنطریق است یعنی پل خواجو نیز به پل بابا رکن الدین مشهور بوده وشاردن سیاح معروف فرانسوی صریحاً این نکته را ذکر کرده است . ساختمان زیبای گنبد بابا رکن الدین از حیث هندسه بنا ومشرف بودن برسایر گنبد های تخت فولاد امتیازی خاص دارد وبشکل گنبد هرمی شکل دوازده ترك است . بنای بقعه بابا رکن الدین بصورت فعلی آن بامرشاه عباس اول شروع شده ودرسال ۱۰۳۹ هجری یعنی یکسال بعد از وفات آن پادشاه باتمام رسیده است .

نمای خارجی بنای بقعه بابا رکن الدین وسردر آن کاشیکاری شده است . قاعده گنبد مخمس متساوی الاضلاع است و پنج ایوان مشابه بر گردا گرد محوطه زیر گنبد ساخته شده. آرامگاه بابا رکن الدین در داخل یکی ازاین ایوانها واقع شده و بر روی آن سنگ بزرگ مرمری بطول بیش از دو متر و عرض ۱/۱۶ متر قرار دارد . این ایوان بوسیله نرده مشبك چوبی از صحن مرکزی مجزی شده و قطعه سنگ مرمری نفیسی بطول ۱/۶۳متر وعرض ۸۹ سانتیمتر که کتیبه آن معرف شخص مدفون در این محل یعنی بابا رکن الدین است بطور عمودی نصب شده ، کتیبه این سنگ لوح که از حیث زیبائی خط و حجاری در بین این قبیل آثار تاریخی موجود اصفهان کمترنظیر دارد بخط ثلث برجسته بشرح زیر است :

« الا ان اولیاءِ الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون.هذا قبرحجة الاولیاء العارفین و قطب الاوتاد الوالهین برهان الاتقیاء والصالحین قدوة العشاق والذاکرین کهف الموحدین والمحققین السالك مسالك الائمة المعصومین العارف بالحقایق الربانیة الواقف بالدقایق الملکوتیة الطائر بفضاء اللاهوتیة مهبط الانوار و مخزن الاسرار و نفحة العطار و مقام الشطار و محل الاستغفار رکن الشریعة والطریقة والحقیقة والعرفان بابا رکن الدین مسعود ابن عبدالله البیضاوی **وقد توفی یوم الاحد من یوم السادس والعشرین من شهر ربیع الاول سنة تسع و ستین و سبعمائه .** »

کتیبه سردر بقعه بابا رکن الدین

کتیبه سردر بقعه بابا رکن الدین بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی‌لاجوردی رنگ و بقلم محمد صالح امامی بنام شاه عباس کبیر و بخط محمد صالح اصفهـانی مورخ بسال ۱۰۳۹ هجری بشرح زیر است :

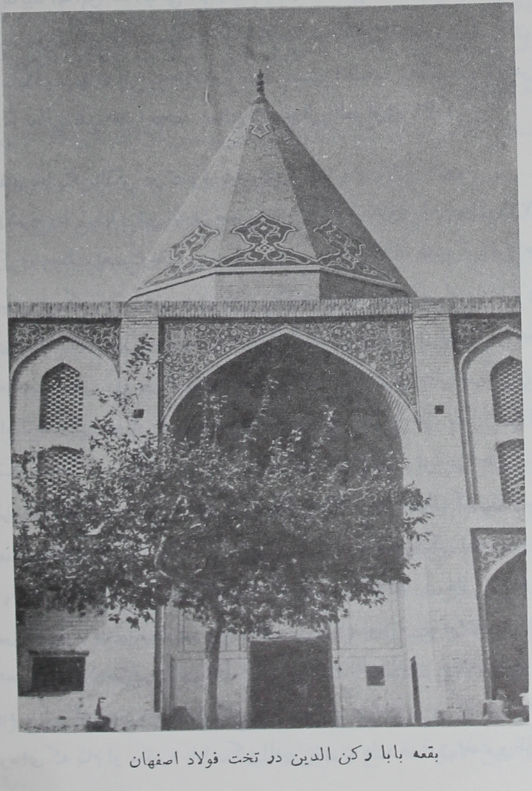
« بتأیید الله الواحد الباقی قد ارتفع عمارة هذه البقعة الملکوتیة فی ایام دولة کلب سدة علی بن ابی‌طالب صلوات الله وسلامه علیه عباس الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه الی یوم القیام و تمت بحسن اهتمامه والانقیـاد لاوامره الامر یومئذ لله تعالی **کلب الفقرا محمد صالح الاصفهانی المولوی ۱۰۳۹ .** »

مقام بابا رکن الدین در تصوف و عرفان

ازشرح حال بابا رکن الدین مسعود بن عبدالله بیضاوی که درسال ۷۶۹ هجری فوت کرده وبعلت اهمیت مقام وی درتصوف وعرفان چنانکه کتیبه قبر اوشاهدآنست شاه عباس بزرگ را بساختن چنین مقام و گنبدی زیبا برای قبر او واداشته بدبختانه چندان اطلاع کاملی در دست نیست و بهمین علت هم بوده است که در عهد صفویه در باب مذهب ومشرب او بین فضلای عهد اختلاف شده و شیخ بهائی ودیگران بجلالت قدر او اذعان کرده و او را شیعه قلمداد نموده اند . شرح حال بابا رکن الدین را با اینکه مسلماً از بزرگان صوفیه بوده در هیچیك از کتب تراجم احـوال صوفیه و تذکره های علما و رجـال نیافته اند تنهـا عبدالله افندی مؤلف کتاب نفیس ریاض- العلماء درخاتمه این کتاب اجمالا باحوال او اشاره میکند لیکن تعجب در این است که با وجود اصفهانی بودن و اقامت در اصفهان عبدالله افندی مثل اینکه هیچوقت بدیدن قبر اونرفته وسنگ قبر اورا ندیده بوده نام او وتاریخ فوتش را نقل نمیکند ترجمه شرحی که مؤلف ریاض العلماء درباب بابا رکن الدین نوشته بشرح زیراست:

« بابا رکن الدین همان شیخ صوفی شیرازی معروفی است که در اصفهـان در مقبره ای که بنام او بمقبره بابا رکن الدین شهرت دارد مدفون است و ظاهراً او از

اهل سنت بوده ، من در شهر لاهیجان شرحی از او دیدم بر کتـاب فصوص الحکم محی الدین ابن العربی که کتابی بزرگ بود وبرپنجاه هزار بیت بالغ میشد . این شرح که شرحی است ممزوج بمتن فارسی نسخه آن بسیار کهنه بود بخط ابوالحسن علی بن‌محمدبن‌محمدبن‌العموية شیرازی بتاریخ۷٤٦ واین کاتب یا معاصرمؤلف بوده



بقعه بابا رکن الدین در تخت فولاد اصفهان

یا قریب العهد با او . بابا رکن الدین چنانکه ازمطالعه این شرح بوضوح میپیوندد شاگرد یك عده از عرفا بوده مانند شیخ کمال الدین عبدالرزاق کاشی صاحب کتاب (تأویل الایات) وشیخ داود قیصری شارح فصوص الحکم مزبور وشیخ نعمان خوارزمی من در این شرح در بیان مطالب امور عجیب ومذاهبی غریب دیدم تا آنجا که از آن بر من حیرت دست داد . »

نام این شرح را حاجی خلیفه نیز در کشف الظنون آورده واسم آن (نصوص الفصوص) بوده است . این است آنچه حاجی خلیفه در خصوص این کتاب مینویسد :

« ازشروح فصوص الحکم یکی نیزشرح فارسی مبسوطی است بنام (نصوص الفصوص) تألیف شیخ رکن الدین شیرازی و هر نکته ها که در شیخ کمال الدین عبدالرزاق کاشی و شرح داود قیصری و شرح شیخ مؤید الدین جندی وشرح شارح اول مسطور بوده مولانا رکن الدین آن نکات را در این کتاب آورده و حل متن بطریق نزدیك که همه کس آنرا فهم تواند کرد کرده اوله حمد فزون آن خدای را ... (۱)

شیخ جابری انصاری راجع به بابا رکن الدین در تاریخ اصفهان خود چنین نوشته است :

« بابا رکن الدین انصاری و از نژاد جابریانی بود که بعد از کشته شدن عمید الدین اسعد جابری انصاری وزیر اتابك سعد درقلعه اشکنوان فارس باصفهان منتقل شدند وعرفائی که از نژاد جابر در بلاد پراکنده شدند بیشتر به بابا مشهورمیشدند چنانکه در کرارج و براآن و دیگر بلوکات اصفهان بقاع و قبور بابا های جابری هنوز هست و در مصر هم با عربی زبان بودن اهلش قبر یکی از اولاد جابر را شهیر بمحل بابا جابر میخوانند . » (۲)

---

(۱) نقل از سال دوم مجله یادگار شماره چهارم صفحه ۴۴ و ۴۵

(۲) رجوع شود بمجله یادگار شماره چهارم سال دوم صفحه ۴۶

صاحب قصص العلماء از کرامات بابا رکن الدین داستانی نقل میکند بشرح زیر:
« روزی شیخ بهائی در اواخر عمر با جمعی از اصحاب بزیارت اهل قبور رفت وبالای قبر بابا رکن الدین باصاحب قبرشروع بمکالمه نمود . اصحاب شیخ صدائی میشنیدند ولی کیفیت مکالمه را نمی فهمیدند . پس از اتمام مکالمه شیخ از سرقبر برخاست و عبای خود برسر کشید و دیگر با احدی گفتگو ننمود و بخانه بازگشت و درهای خانه بروی خود بست و هیچکس را نپذیرفت تا اینکه پس از چند روزی عالم فانی را وداع کرد . گویند در این مکالمه شیخ از مرگ خود اطلاع یافته و از این جهت چند روز آخر عمر را بتوبه و انابه مشغول شده است . » (۱)

---

(۱) نقل از سال اول **روزنامه سرنوشت** چاپ اصفهان شماره بیست و هشتم .
مرحوم جواد مجد زاده صهبا مدیر روزنامه سرنوشت اصفهان در اطاق کوچك جانب شرقی ایوان ورودی بقعه بابا رکن‌الدین مدفون‌است. وی فرزند مرحوم مجد الاسلام کرمانی و از دبیران دانشمند فرهنگ بودکه سالها بآثار و ابنیه تاریخی اصفهان با عشق و علاقه خدمت‌کرد و در سالهای آخر عمر خود روزنامه وزین سرنوشت را در اصفهان منتشرمیکرد کتیبه سنگ مرمری آرامگاه صهباکه در سن ۳۸ سالگی درگذشته است شامل اشعاری است بخط نستعلیق برجسته از شاعر دانشمند معاصر اصفهان آقای مجتبی‌کیوان که در مرگ نابهنگام صهبا سروده شده وبخط آقای جعفر آل ابراهیم ازدبیران فاضل فرهنگ بر سنگ مرمر آرامگاه وی حجاری شده است :

هوالباقی

آرامگاه شادروان مرحوم جواد مجد زاده صهبای‌کرمانی غفره الله العزیز .

دفتر عمر مدیر سرنوشت	گشت طی در آخر اردیبهشت
شاخ عمرش در جوانی خشک شد	ای دریغا بود اینش سرنوشت
عندلیب روح او پرواز کرد	تا نشیند روی گلهای بهشت
حیف از فقدان صهبای عزیز	آن گرامی مایه نیکو سرشت
آنکه اندر کشت زار زندگی	هیچ تخمی جز نکوکاری نکشت
رفت صهبا از جهان و در جهان	غیر آثار نکو از خود نهشت
شد یکی بیرون و در تاریخ او	**گفت صهباکرده منزل در بهشت**

۱۳۲۴

در اطراف اطاق آرامگاه نیز درالواح جداگانه اشعاری بخط نستعلیق سفید برزمینه

بموجب کتیبه یك لوح سنگی که بر دیوار سردر بقعه بابا رکن الدین نصب شده قدوة السالکین میرزا محمد نصیر بایزیدی بسطامی در سال ۱۴۰۰ هجری بقعه را تعمیر کرده است

برجانب غربی مدخل بقعه بابا رکن الدین ودرزیر کتیبه کاشیکاری سردر که شرح آن گذشت لوحی از سنگ پارسی مربع شکل بطول ۳۵ و عرض ۴۳ سانتیمتر نصب شده که مضمون آن حاکی از اقدام شخص خیری بنام میرزا محمد نصیر بایزیدی

کاشی لاجوردی رنگ از شاعر معاصر اصفهان (آزاد) وبخط محمد جعفر آل ابراهیم نصب شده است . اشعار مزبور که درمرگ صهبا سروده شده ودرآرامگاه او نقش بردیوار گردیده بشرح زیر است :

زسنگ اجل قلب صهبا شکست — عجب ساغری چرخ از ما شکست
جواد نکو سیرت با وفا — که از مرگ قلب احبا شکست
مدیر مهین نامه سرنوشت — که از خامه‌اش پشت اعدا شکست
درافشان چو شد کلك مشگین او — بسی قدر لؤلؤی لالا شکست
هرآن دوده کز خامه‌اش نقش بست — همه رونق مشگ سارا شکست
بگاه سخن چونکه بگشود لب — دل طوطیان شکرخا شکست
بسی باستانی عمارات ملك — که بود آشکارا بر آنها شکست
چنان گشت تعمیر از همتش — که دیگر نبینی در آنجا شکست
بروز پسین بد ز اردیبهشت — که آمد برآن مرد دانا شکست
چو افتاد نخل قدش روی خاك — تو گفتی یکی سرو رعنا شکست
گرفتش زمین همچو جان در بغل — چو دیدش که گردون سراپا شکست
زمرگش فلك کام ما تلخ کرد — دل مردم از پیر و برنا شکست
سپهرا شکست افتدت در رواق — که دادی بر آن سرو بالا شکست
یکی کارگردون همین بود و هست — گهی کشت جم گاه دارا شکست
گهی سینه سرو قامت درید — گهی تارك ماه سیما شکست
غرض چون زبیداد گردون دون — مر آن مرد راد توانا شکست
بتاریخ فوت وی « آزاد » گفت — که بنگر فلك جام صهبا شکست

۱۳۲۴

« کتبه العبد الاثیم محمد جعفر آل ابراهیم غفرله بتاریخ هیجدهم اردیبهشت ماه سنه ۱۳۲۵ خورشیدی »

بسطامی نسبت بتعمیر و ترمیم بقعه و خانقاه بابا رکن الدین است . کتیبه این لوح سنگی بخط نستعلیق برجسته و مورخ بسال ۱۲۰۰ هجری بشرح زیر است :

« چون از تصاریف دوران شرفات مقصوره بابا رکن الدین را انهدام ساری و از تقالیب ایام وحدثان زمان غرفات معموره حصن حصین او را انهدام طاری گردیده بود از آنجا که مشیت و اراده جناب رب الارباب بر ابقاء و عدم انهدام آن بقعه شریفه بود درین اوان فیروزی نشان سعادت توأمان توفیق حضرت باری وتأیید جناب اقدس الهی شامل حال عالیجاه رفیعجایگاه قدوة السالکین میرزا محمد نصیر بایزیدی البسطامی گردیده و درصدد تعمیر وآبادی بقعه رفیعه و خانقه منیعه برآمده معمور گردید در اواسط شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۰۰ »

چله خانه

در مجاورت مقبره بابا رکن الدین چند اطاق مربوط بیکدیگر واقع شده بوده است که یکی از آنها معروف به (چله خانه) میباشد وسابقاً مرتاضین در آنجا چله نشینی میکرده اند . بعضی ازاین اطاقها دارای گچ بریهای ممتاز بوده وتا چند سال قبل اشعار زیر بر روی گچ دیوار بخط نستعلیق عالی خوانده میشده است :

در زمان شهنشه عـــــادل — رونق افزای مسجد ومحراب

زینـت دودمـان مـرتضوی — . . . . .

(چند شعر محو شده است)

. . . . — خرد ازروی شوق داد جواب

. . . . دوش سال تاریخش — قبله اهل حـاجت است این باب

سنه ۱۱۱۲ (۱)

---

(۱) نقل از روزنامه سرنوشت چاپ اصفهان شماره سی و یکم سال اول

۲- مسجد آقا نور

این مسجد که درمحله دردشت واقع است مانند بقعه بابا رکن الدین ازبناهائی است که دردوره پادشاهی شاه عباس اول ساخته شده ودراولین سال سلطنت شاه صفی باتمام رسیده است و باین مناسبت در کتیبه اصلی مسجد در سردر شرقی نام هر دو پادشاه آمده است . این کتیبه که بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده حاکی از آنست که بنای مسجد بوسیله (نورالدین محمد اصفهانی) در دوره پادشاهی شاه عباس کبیر شروع شده و در سال اول سلطنت جانشین او شاه صفی باتمام رسیده است . کتیبه این سردر که بخط محمد رضای امامی و مورخ بسال ۱۰۳۹ هجری میباشد بشرح زیر است :

« قال الله تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة وآتی الزکوة . درایام دولت جاوید مدت کلب آستان علی بن ابیطالب (۱) صلوات الله وسلامه علیه عباس حسینی و در اول جلوس پادشاه عادل شاه صفی بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و عدله و احسانه توفیق یافت نورالدین محمد اصفهانی باتمام عمارة این مسجد خالصاً لوجه‌الله تعالی کتبه محمدرضاالامامی »

۱۰۳۹

در دو پشت بغل سردر بخط بنائی سه رگی شطرنجی مشگی بر زمینه آجری سوره (اخلاص) نوشته شده و درطرفین سردر در دوشکل مربع بزرگ تکرار کلمه (محمد) تزیینات دو جانب سردر را تشکیل داده است .

خطوط و تزیینات کاشیکاری ایوان جنوبی مسجد آقا نور

کتیبه ایوان جنوبی مسجد آقا نور بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ

---

(۱) درذیل جمله (علی بن ابیطالب) درکتیبه فوق الذکرسال (۱۲۹۱) نوشته شده است و چنین بنظر میرسد که این سال معرف یکی از سالهای تعمیراتی مسجد باشد.

بقلم محمد باقر شیرازی ومورخ بسال ۱۲۵۸ میباشد و در آخر کتیبه با کاشی طلائی رنگ سال (۱۲۷۹) اضافه شده است .

دراشکال مربع بزرگ داخل ایوان بخط بنائی ساده لاجوردی برزمینه آجری اسامی : محمد . علی . حسن . حسین نوشته شده و در طرفین نمای خارجی ایوان در دوشکل مربع بخط بنائی ساده عباراتی بشرح زیر نوشته شده است :

حاشیه مربع سمت غربی بخط بنائی حنائی بر زمینه فیروزه ای شامل عبارات (بسم الله الرحمن الرحیم قل هوالله احد الله الصمد) است ومتن آن بخط لاجوردی رنگ برزمینه آجری جمله (سبحان الملك والملکوت) است .

حاشیه مربع سمت شرقی بخط بنائی حنائی رنگ بر زمینه فیروزه ای شامل عبارت (لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد) است و در متن آن بخط بنائی لاجوردی رنگ برزمینه آجری جمله (سبحان الحی الذی لایموت) نوشته شده است.

در نمای خارجی ایوان غربی مسجد دردوشکل مربع بخط بنائی ساده لاجوردی رنگ برزمینه آجری سوره (اخلاص) نوشته شده است .

اشعار فارسی در ایوان شرقی مسجد آقا نور

در داخل ایوان شرقی مسجد آقا نور دریك حاشیه کاشیکاری بر متن زرد رنگ دردہ لوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اشعار زیر نوشته شده است :

صاحب خلق و فیض آقا نور (۱)   که چو خورشید مهربان علمست

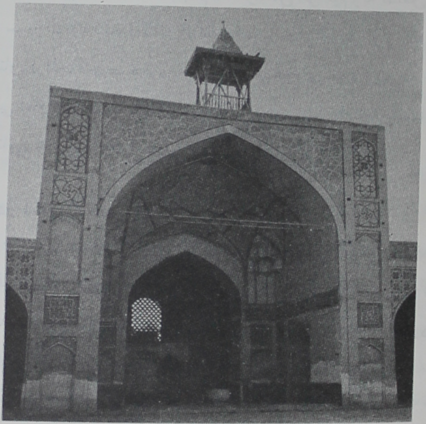
---

(۱) آقا نور و آقا مؤمن دو برادر بوده اند که اولی مسجد را ساخته و دومی نزدیك مسجد حمامی بنا کرده است که تا این تاریخ هم دایر میباشد و معروف بحمام (دردشت) است وسابقاً بنام بانی آن آقا مؤمن نامیده میشده . این حمام وقف برمسجد است .

مسجدی ساخت در کومکی (۱) — که بگیتی یگانه حرمست
اینچنین مسجدی که خاک درش — غیرت افزای جنت و ارمست
سال تاریخ آن خرد گفتا — مصرع آخرین این رقمست
معبد اهل اصفهان چون شد — **مسجد نور کعبه عجم است**

(۲)

کتبه العبد نورا



ایوان جنوبی مسجد آقا نور

شبستان مسجد آقا نور شبستان مسجد آقا نور در ردیف زیبا ترین شبستانهای مساجد اصفهان است که ستونهای آن سنگی میباشد وطاقهای متعدد آن دارای قطعاتی از سنگ مرمر شفاف است و روشنائی شبستان را در هنگام روز تأمین میکند . این

(۱) مقصود از کلمه (کو) درمصراع فوق الذکر ظاهراً (کوی) است .
(۲) مصراع (مسجد نور کعبه عجم است) بحساب حروف ابجد سال ۱۰۳۴ **هجری میشود.**

شبستان محراب کوچکی دارد که درطرفین آن در دوشکل مربع بخط بنائی مشگی ساده برزمینه زرد عبارت (لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله) نوشته شده است

سردر خارجی شبستان جنب سردر شمالی مسجد نیز تزییناتی از نوع کاشیهای (گره) وخطوط بنائی دارد . در اسپر بالای دربخط بنائی شطرنجی مشگی سه رگی بر زمینه فیروزه ای نوشته شده است (بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین) ودرچهار اسپر اطراف سردر نوشته شده (لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله) .

این شبستان ازالحاقات مسجد درقرن سیزدهم هجری است وبهزینه حاج محمد ابراهیم قزوینی امام جماعت سابق مسجد بناشده است. پشت بام این شبستان درردیف زیبا ترین مهتابی های مساجد اصفهان است .

کتیبه سردر شمالی مسجد آقا نور

کتیبه سردرشمالی مسجد آقا نور بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد باقر شیرازی شامل آیه ٨٤ از سوره (مؤمنون) تا نصف آیه (٩٢) از این سوره است ودر دوپشت بغل آن بخط بنائی شطرنجی سه رگی لاجوردی وسفید برزمینه آجری نوشته شده است :

« انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر ، »

آثار تاریخی جلفای اصفهان

قصبه جلفا در ساحل جنوبی زاینده رود بفرمان شاه عباس اول بـرای سکونت ارامنه ای که در سـال ۱۰۱۳ هجری از ارمنستـان باصفهان کوچ داده شده بودنـد اختصاص داده شده و بر جمعیت آن بتدریج افزوده شد زیرا گروهی از عیسویـان دیگر ایران هم از هرفرقه بحکم اشتراك مذهب در جلفا که شهر کوچکی شده بود منزل گزیدند . شاه عباس برای ارامنه جلفا حقوق و امتیازات خاص قائل شده بود چنانکه میتوانستند برخلاف سایر عیسویان بآزادی خانه و ملك و هرچه بخواهند بخرند وبرای خود حاکم و قاضی و کلانتر ارمنی انتخاب کنند و دراجرای مراسم و تشریفات دینی خود آزادی تام داشتند . شاه فرمان داده بود که هیچ مسلمانی در جلفا منزل نکند و هر گاه یکی از مسلمانان نسبت بافراد ارمنی بد رفتـاری کند اورا بسختی کیفردهند وهمچنین اجازه داده بود که ارمنیان جلفا اعم از زن یا مرد مانند ایرانیان لباس بپوشند وسران آنها مانند بزرگان واعیان ایرانی دراسب سواری خود زین و لگام زرین و سیمین بکار برند .

در ماه شوال ۱۰۲۸ هجری شاه عباس تمام زمین های کنـار زاینده رود را که ارامنه‌جلفا درآنجا برای خودخانه ساخته بودند وملك شخصی وی بود بموجب فرمان زیر بایشان بخشیده است :

بنده شاه ولایت عباس

حکم مطاع شد . آنکه درینوقت بنا برعنایت بی‌غایت شاهانه وشفقت بلانهایت پادشاهانه درباره ارامنه **جولاه** وترفیه حال ایشان اراضی وزمین واقعه در کناررودخانه **زاینده رود** دارالسلطنه اصفهان که ایشان آنجا خانه ترتیب داده اند و ملك نواب همیون ماست بانعام ایشان شفقت فرموده ارزانی داشتیم. مستوفیان عظام گرام دیوان زمین مذکور را از ملکیت دیوان برطرف ساخته بانعام ارامنه مذکور دردفاترعمل

نمـایند . وزیر و کلانتر و عمـال اصفهان حسب المنظور مقرر دانسته از فرموده در نگذرند و زمین مذکور را بانعام ایشان مقرر دارند .

تحریراً فی شهر شوال ۱۰۲۸ (۱)

شاه عباس برای جلب خاطر ارامنه جلفا وعیسویان دیگر که در پایتخت ایران بسر میبردند و نیز بملاحظات سیاست خارجی خود در سـال ۱۰۲۳ هجری قمری بساختن کلیسای بزرگی در جلفا برای ارامنه و پیروان دین عیسی همت گماشت ودر ماه شعبان آنسال در این باب فرمان زیر را صادر کرد

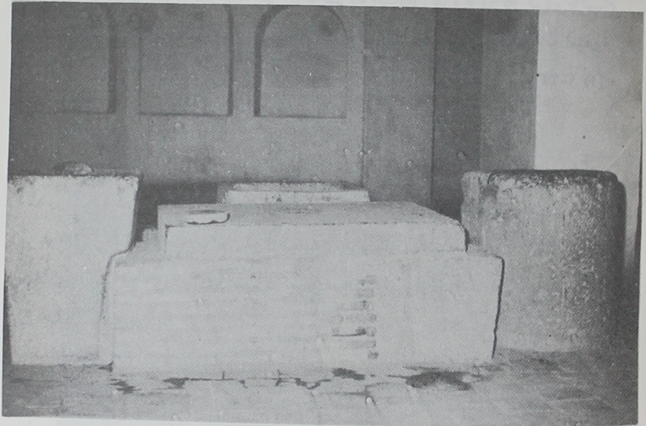
فرمان همایون شد

آنکه کشیشان و رهبانان و ملکان وریش سفیدان و کدخدایان و رعایای ارامنه ساکنین دارالسلطنه اصفهـان بعنـایت بیغایت شاهانه و شفقت و مرحمت بی نهایت پادشاهانه مفتخر و سرافراز و مستظهر و امیدوار بوده بدانند که چون میانه نـواب کامیاب همایون ما و حضرات سلاطین رفیع الشأن مسیحیه خصوصاً سلطنت و شوکت پناهی قدوة السلاطین العیسویه حضرت پاپا (یعنی پاپ رم) و پادشاه اسپـانیه کمال محبت ودوستی است ودرمیانه ما وطوایف مسیحیه یگانگی است و اصلاجدائی نیست وتوجه خاطر اشرف بدان متعلق است که همیشه طوایف مسیحیه از اطراف وجوانب بدین دیار آیند و آمد و شد نمایند و چون دارالسلطنه اصفهان پـایتخت است و از همه طبقـه و مردم هر ملت در آنجـا هستند میخواهیم که بجهت مردم مسیحیه در دارالسلطنه صفاهان کلیسای عالی در کمال رفعت وزیب و زینت ترتیب دهیم که معبد ایشان بوده باشد وجمیع مردم مسیحیه در آنجا بکیش وآئین عبادت نمایند و کسی نزد حضرت پاپاخواهیم فرستاد که یکی از کشیشان ورهبانان ملت مسیحیه بدارالسلطنه مذکور فرستند که در آن کلیسا بآداب عبادت قیام نموده وطوایف مسیحیه را بطاعت و عبادت ترغیب نماید و ما نیز از ثواب آن عبادت بهره مند باشیم و چون چند عدد

---

(۱) نقل از کتاب زندگانی شاه عباس اول (مجلد سوم) صفحه ۲۱۳

سنگ بزرگ دراوچ کلیسای ایـروان بود و عمـارت آن کلیسا منهدم گشته خرابی تمام بآن راه یافته بود که دیگر شایستگی تعمیر نداشت و کشیش آنجا استخوانهای پیغمبران را که در آن مکان مدفون بود از آنجا بیرون آورده بجماعت ترسا ونصارا فروخته آن مقام را ازعزت و شرف انداخته بود بنا بر این آن سنگهای مذکور را



سنگهای مقدس کلیسای قدیمی ارمنستان (اوچ کلیسا) که ارامنه جلفا در دوره سلطنت شاه عباس کبیر و هنگام مهاجرت بایران با خود باصفهان آورده اند و در کلیسای گیورك (کلیسای غریب) برجای مانده است

از آنجا بیرون آورده روانه دارالسلطنه اصفهان فرمودیم که در کلیسای عالی که در آنجا ترتیب میدهیم نصب فرمائیم . میباید که چون سنگهای مذکوررا بدانجا آورند همگی طوایف مسیحیه را جمع نموده از روی تعظیم و احترام تمام استقبـال کرده سنگها را آورده باتفاق سیادت پناه وزارت واقبال دستگاه شمساً للوزارة علیـا وزیر دارالسلطنه مذکور و رفعت پناه **محب علی بیك لله** (۱) در جائی که مناسب دانند

(۱) نام محب علی بیك لله در کتیبه سردرمسجد شاه **محب علی بیکا لله** ذکرشده است

بگذارند و باتفاق یکدیگر معماران خاصه شریفه را همراه برند و در پشت **باغ زرشگ** در زمینی که بجهت کلیسا قرار داده بودیم کلیسای عالی طرح نمایند که کشیشان و پادریان عظام قراردهند وطرح آنرا درتخته و کاغذ کشیده بخدمت اشرف فرستاده که ملاحظه نمائیم و بعد از ملاحظه امر فرمائیم که استادان شروع درکار کرده باتمام رسانند و درین باب اهتمام لازم دانسته بهمه جهتی بشفقت بیدریغ خسروانه امیدوار باشند . **شهر شعبان سنه ۱۰۲۳ (۱)**

قدیمی ترین کلیسای جلفا

دربین کلیسا های جلفا ازهمه قدیمی تر کلیسای یعقوب مقدس (**هاکوپ**) است که در گوشه شمال غربی صحن فعلی کلیسای مریم قرار دارد و کتیبه سردر آن که بزبان ارمنی است تاریخ ساختمان آنرا ۱۰۵۶ بسال ارمنی (۲) «۱۶۰۷ ـ ۱۶۰۶ میلادی برابر ۱۰۱۴ هجری قمری» تعیین میکند واین اولین کلیسائی است که ارامنه در جلفای اصفهان بنا کرده اند .

کلیسای گیورگ

بعد ازکلیسای هاکوپ کلیسای گیورگ هم درمحله میدان کوچك درردیف کلیسا های قدیمی جلفا محسوب میشود . مردم جلفا این کلیسا را کلیسای (غریب) مینامند داخل این کلیسا بسیار ساده است وفقط یك تابلوی نقاشی قدیمی در قسمت محراب آن نصب شده ولی اهمیت آن بداشتن ساختمان دیگری از بنا های ضمیمه کلیسا است که سیزده قطعه سنگهای کلیسای قدیمی ارمنستان (اوچ کلیسا) که ارامنه در موقع مهاجرت باصفهان با خود همراه آورده اند در این محل بجای گذاشته اند و یکی از اماکن مقدسه ارامنه جلفا محسوب میشود . در سردر این کلیسا در دوره

---

(۱) نقل از کتاب زندگانی شاه عباس اول (مجلد سوم) **تألیف استاد نصرالله فلسفی** صفحه ۲۱۴ و ۲۱۵ .

(۲) درصورتیکه ۵۵۱ سال بسال ارمنی اضافه کنیم سال میلادی بدست میآید .

سلطنت شاه سلطانحسین یك تابلوی کاشیکاری نصب شده که تصویر حضرت مریم ومسیح و چند نفر دیگر را که هدایائی آورده اند با کاشی های خشت هفت رنگ نمایش داده اند ودرزیر این تابلو دریك سطر بخط سفید ارمنی برزمینه کاشی خشت لاجوردی عبارتی نوشته شده است که ترجمه آن چنین است :



سردر کلیسای گیورگ در جلفای اصفهان

« این درمخصوص خدا است وبیگناهان میتوانند از این درداخل شوند. ازبانی بدعای خیر یاد کنید ۱۱۶۸ »

(سال ۱۱۶۸ بسال ارمنی برابر ۱۷۱۹ میلادی میباشد) .

کلیسای مریم

ارامنه جلفا کلیسای اولی خود بنام (هاکوپ) را که بسیار کوچك بود وسعت دادند وکلیسای بزرگتری بنام (مریم) بنا کردند . داخل این کلیسا دارای تزیینات نقاشی و تابلوهای مذهبی است که روی دیوار های گچی نقاشی شده و در بین کتیبه های آن که بزبان وخط ارمنی‌است کتیبه‌های تاریخدارمورخ بسالهای ۱۱۰۰و۱۱۱۵ (سال ارمنی) برابر ۱۶۵۱ و ۱۶۶۶ میلادی و کتیبه دیگری بتاریخ ۱۷۲۳ میلادی موجود است .

کتیبه تـاریخی معروف کلیسای مریم از بانی سـاختمان این کلیسا که یکی از بازرگانان ارمنی بنام (خواجه آودیك) است میباشد . وی از تجار بزرگ ابریشم در دوره شاه عباس اول بوده است که کلیسای مریم را بنا کرده و آنرا با چراغهـا و قندیلهای زرین و سیمین و تابلوها و تصاویر گرانبها زینت داده است و تمام مخارج آنرا در حیات خود بعهده داشته است . (۱) مضمون کتیبه نقاشی شده این کلیسـا از خواجه آودیك بخط ارمنی بشرح زیر است :

« با استمداد از حضرت عیسی کلیسای مریم بوسیله **ماهدسی آودیك** (۲) ساخته شد و باتمام رسید . او این کلیسا را بمنظور جاویدان کردن نام خود و خانواده اش

---

(۱) جلد سوم کتاب زندگانی شاه عباس اول صفحه ۲۱۰

(۲) ماهدسی بزبان ارمنی بکسانی اطلاق میشده که بزیارت بیت المقدس وفلسطین نائل شده وباصطلاح (حاجی) شده بودند وچون سفر حج با وسائل آنروز مشگل انجام میگرفته هرکس این توفیق را مییافته است مقامی بزرگ داشته و باو(ماهدسی) میگفته انـد یعنی کسیکه مرگ را بچشم خود دیده است .

یعنی پدرش خواجه باباك ومادرش اولوخاتون وزنش لیسین پاشه و پسرش ها کوپ
جان و آودال میس و دخترش یالاف وقدم قوتلو وصوفیا وبرادرش مارکار وها کوپ
و خواهرش صنم و آنا در دوره سلطنت **شاه عباس** و هنگامی که خلیفه اعظم **داوید**
بود در تاریخ ۱۰۶۲ بنا کرد . »

(سال ۱۰۶۲ بسال ارمنی برابر است با ۱۶۱۳ میلادی و ۱۰۲۱ هجری)

خواجه آودیك بانی ساختمان کلیسای مریم در این کلیسا مدفون است و کتیبه
سنگ آرامگاه او باین شرح است :

« این آرامگاه ماهدسی خواجه آودیك است که در تاریخ ۱۰۸۸ (۱۶۳۹میلادی)
از این دنیا رخت بربست » .

دو تابلوی بزرگ نقاشی کار (ونیز) در داخل این کلیسا نصب شده که بوسیله
یك تاجر ارمنی بنام « خواجه گرك آقا » از ونیز برای این کلیسا هدیه آورده است
یك کتیبه بزبان و خط ارمنی در این کلیسا حاکی از آنستکه ساختمان کلیسا در
سال ۱۰۵۹ بسال ارمنی برابر با (۱۶۱۰ میلادی و ۱۰۱۸ هجری) در دوره ای که
داوید خلیفه اعظم ارامنه بوده شروع شده و درسال ۱۰۶۲ (برابر با۱۶۱۳ میلادی
و ۱۰۲۱ هجری) نقاشی شده و در سال ۱۸۴۱ میلادی (۱۲۵۶ هجری) تعمیرشده
است . این کتیبه بخط کشیش هوانس گالستانیان است .

تاریخ کاشیکاری کلیسای مریم ۱۶۶۰ و ۱۶۶۶ میلادی یادداشت شده است .

کلیسای بید خم

مهمترین کلیسای تاریخی جلفا از دوره شاه عباس اول کلیسای مشهور بیدخم یا
(بیت اللحم) است که در میدان جلفا و در مجاورت کلیسای مریم واقع شده . این
کلیسا بوسیله یکی از تجار ارمنی بنام (خواجه پطرس) ساخته شده و درداخل آن
تزیینات نقاشی و تابلوهائی از زندگانی مسیح موجود است . معماری و تزیینات

طلاکاری گنبد آن بسیار جالب و تماشائی میباشد و درداخل کلیسا کتیبه هائی بتاریخ های مختلف و از آنجمله ۱۶۲۷ و ۱۷۱۱ میلادی بخط ارمنی دیده میشود که ازطرف اشخاص خیری که برای کلیسا کاری انجام داده اند بیادگار خود و خانوادهایشان نصب شده است .

در کتیبه سردر جنوبی کلیسا که بخط ارمنی نقش بر حجر است ضمن اشعاری از بانی ساختمان کلیسا و تاریخ بنای آن بخط ارمنی برجسته برسنگ مرمر بشرح زیر یاد شده است :

« از ماهدسی **خواجه پطرس** که مرد نیکی بود در پیشگاه خداوند بدعای خیریاد کنید. وی این کلیسا را بهزینه خود برای جاویدان کردن نام خویش وپدرش (ولی جان) و مادرش (شوشان) و خانواده اش در تاریخ ۱۰۷۷ بنا کرد . »

(تاریخ ۱۰۷۷ که دراین کتیبه ذکرشده بسال ارمنی است و برابر است باسال ۲۸–۱۶۲۷ میلادی و ۱۰۳۶ هجری)

در ذیل این کتیبه بخط ارمنی عبارت زیر نوشته شده است :

« حجاری شد توسط کشیش هوانس گالستانیان در سال ۱۲۹۸ » (۱)

ازاره های کلیسای بیدخم در سال ۱۷۳۲ میلادی (۱۱۴۴ هجری) کاشیکاری شده است . (۲)

کتیبه کاشیکاری سردر غربی کلیسای بیدخم

در ضلع غربی کلیسای بیدخم و بالای سردر ورودی اصلی کلیسا کتیبه ای بخط ارمنی باکاشی‌سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی گل وبوته دار مورخ بسال ۱۸۹۹ میلادی (۱۳۱۶ هجری قمری) موجود است که ازتعمیر کلیسا دراین سال ودرایام پادشاهی

---

(۱) سال ۱۲۹۸ سال ارمنی است وبرابراست با سال ۱۸۴۹ میلادی و ۱۲۶۵ هجری

(۲) یادداشت های نگارنده از اظهارات مرحوم هانانیان از مطلعین ارمنی معاصرجلفا میباشد که در سال ۱۳۴۰ خورشیدی درگذشت .

مظفرالدین شاه قاجار حکایت میکند . بموجب این کتیبه در سال ۱۸۹۹ عده ای از ارامنه خیر و مؤسسات آنها برای تعمیر کلیسا پولهائی داده اند و تحت نظر (هوسپ آبکاریان) خرج کلیسا شده است . کتیبه بشرح زیراست :

« ساختمان این کلیسای مقدس با تصاویر عالی وتزیینات طلاکاری درسال ۱۶۲۸ میلادی بوسیله **خواجه پطرس ولی جانی** شروع شد و در ظرف بیست سال باتمام رسید سپس در سال ۱۸۹۹ میلادی در زمان خلافت اعظم حضرت مگردیج خلیفه کل ارامنه در اچمیادزین و رهبر ارامنه جلفا خلیفه **ماقاکیا** در دوره شاهنشاهی **مظفرالدین شاه پادشاه ایران** تعمیر کلیسای بیدخم بهزینه اشخاص خیری از ارامنه هندوستان بشرح زیر شروع شد :

کلیسای مقدس نازارت (کلیسای کلکته) هزار روپیه . کمپانی آبکار هزار روپیه واشخاص دیگری ۱۴۲۳ روپیه اهداء کردند. تعمیرات با نظارت آقای هوسپ آبکاریان انجام گرفت . اهداء کنندگان را در پیشگاه حضرت مسیح بدعای خیریاد کنید . »

آرامگاه خواجه پطرس در ایوان مقابل در غربی کلیسای بیدخم واقع شده و سنگ مرمر آرامگاه اودارای کتیبه وعباراتی بخط ارمنی بتاریخ ۱۰۹۸ بسال ارمنی برابر ۱۶۴۹ میلادی است .

کتیبه های داخل کلیسای بیدخم (۱)

درقسمت فوقانی محراب این کلیسا بخط ارمنی طلائی رنگ برزمینه فیروزه ای نوشته شده است :

« در دعا ها از خواجه پطرس و پدر و مادر و فرزندش یاد کنید بتاریخ ۱۰۷۷ (۱۶۲۸ میلادی)

در اطراف این کلیسا کتیبه های دیگری بخط ارمنی گچ بری شده که مضمون

(۱) نام **بیدخم** را ارامنه جلفا **بدخم** تلفظ میکنند « بکسر (ب و خ)» و **بد خهم** مینویسند و معنی آن **بیت اللحم** است .

آنها مشابه یکدیگر است و برای خواجه پطرس و اعضاء خانواده او که نام آنها ذکرشده تقاضای یادآوری وطلب آمرزش در حین اجرای مراسم مذهبی شده است این کتیبه ها مورخ بسالهای ۱۰۷۷ و۱۰۸٤ (برابر با۱٦۲۸ و۱٦۳٥ میلادی) است .

کلیسای سن سور (وانك)

مهمترین کلیسای مشهور تاریخی جلفا از نظر معماری و نفاست تزیینات نقاشی کلیسای « سن سور » است که مشهور بکلیسای « وانـك » میباشد و در محل کلیسای ساده قدیمی تری که در سال ۱٦۰٥ میلادی بنا شده بوده و روبویرانی نهاده بوده است بنیاد آن گذاشته شده این کلیسا را آمناپرکیچ (Amenaperkich) بمعنی (نجات دهنده) نیزمینامند. درتاریخ ارامنه جلفا نوشته شده است درموقعی که خلافت اعظم ارامنه در اوچ کلیسا با هاکوپ بوده است و خلیفه جلفا (داوید) نام داشته و کلانتر جلفا **خواجه صفر** بوده ساختمان این کلیسا از محل اعانات ارامنه جلفای اصفهان در سال ۱۱۰٤ بسال ارمنی (۱٦٥٥ میلادی برابر ۱۰٦٥ هجری) آغاز شد و در سال ۱۱۱۳ (برابر ۱٦٦٤ میلادی و۱۰۷٤ هجری) ومقارن بیست ودومین سال سلطنت شاه عباس دوم بپایان رسیده است .

داخل این کلیسا و تمام دیوار هـا و اطراف و جوانب آن با تزیینات نقاشی بسبك ایرانی وتابلوهائی که نفوذ نقاشی ایتالیائی درآنها محسوس است وزندگانی مسیح را معرفی میکند تزیین شده و ازاره های کلیسا با کاشیهای خشت هفت رنگ آراسته شده است . در این کلیسا بیش از سایر کلیسا های جلفا نقاشی وجود دارد و ازنظر کثرت طلاکاری کلیسای منحصر بفردمحسوب میشود . معماری کلیسا وتزیینات **طلاکاری آن کار استادان ایرانی است وتابلوهای نقاشی آن چنانکه میگویند بوسیله** هنرمندان ارمنی و اروپائی نقاشی شده است .

کتیبه سردر اصلی کلیسای وانك

کتیبه سردر ورودی کلیسای وانك درجانب غربی آن بخط ارمنی طلائی رنگ برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی بشرح زیر است :

« درسال ١١٠٤ (سال ارمنی برابر ١٦٥٥ مسیحی) **ودرعهد سلطنت شاه عباس دوم** در زمانیکه خلافت اعظم ارامنه در اوج کلیسا با **فیلیپس** (فیلیپ) بود و **خلیفه این وانك** (داویدوارتابد) ازخلیفه های کلیسای وانك بود ساختمان این کلیسا ازمحل کمکهای مردم خیرجلفا شروع شد ودرسال ١١١٣ (سال ارمنی برابر ١٦٦٤ مسیحی) بپایان رسید . ثواب عباداتی که در این کلیسا بر گزار میشود عاید در گذشتگان و بازماندگان بشود . »



منظره‌کلیسای وانك و برج ناقوس

کتیبه های داخل کلیسای وانك

در بین کتیبه های داخل کلیسای وانك چهار کتیبه سه سطری بخط ارمنی که در زیر پنجره های فوقانی داخل کلیسا نوشته شده است جنبه تاریخی دارد . در این کتیبه ها از بانی تزیینات نقاشی این کلیسا بنام (خواجه آودیك) یاد شده است

کتیبه های مزبور که بخط ارمنی برجسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی گچ بری شده بشرح زیر است :

کتیبه جبهه شمالی داخل کلیسا : « در تاریخ پنجم فوریه سال ۱۱۱۸ (۱۶۶۹ میلادی برابر ۱۰۷۹ هجری) **خواجه آودیك** که نقاشیهای این کلیسا را بیاد بود خود ودر گذشتگان خانواده‌اش بیادگار گذاشته است رحلت کرد و بمسیح پیوست. »

کتیبه جبهه جنوبی : « بازهم در پیشگاه مسیح از خواجه آودیك و فرزندش ماردیروس وفرزند متوفی او ساهاك وتمام خویشاوندان نزدیکش یادآوری کنید . »

کتیبه جبهه جنوبی مقابل درورودی : از خواجه آودیك و زنش مالتان سلیم و دخترهایش : گل صنم و بدری و مریم تاتیك درپیشگاه حضرت مسیح یادآوری کنید سال ۱۱۱۹ (برابر ۱۶۷۰ میلادی و ۱۰۸۰ هجری) .

کتیبه جبهه غربی در بالای در ورودی اصلی : « درپیشگاه مسیح بیادآورید از آودیك و فرزندش ساهاك و ماردیروس و نواده هایش امیرآقا وآنائی ومارگاریت وخواهر شوهر مارگاریت زیبی ته و (د . خ . ن) »

کتیبه سنگاب کلیسای وانك

سنگاب این کلیسا که بسبك سنگابهای مساجد ساخته شده و در موقع تعمیرات کلیسا از محل اصلی آن در سرسرای ورودی کلیسا انتقال داده شده و فعلا مقابل در ورودی کلیسای وانك قراردارد وارامنه دراطراف آن شمع روشن میکنند دارای کتیبه ایست که بخط ارمنی برجسته برسنگ نقش بسته ومضمون آن بشرح زیراست:

« این سنگاب یادگار آودیك فرزند بونیات است . بتاریخ ۱۱۱۶ (۱۶۶۷ میلادی برابر ۱۰۷۷ هجری)

کتیبه سردر شمالی کلیسای وانك

در بالای سردر شمالی کلیسای وانك تابلوئی نقاشی شده که دفن حضرت مسیح

را نمایش میدهد و درذیل آن در یك حاشیه یك سطری بخط ارمنی کتیبه زیر نقاشی شده است :

« در سال ۱۸۵۷ (میلادی) محوطه جلوی کلیسا بوسیله **خلیفه طاطاوس تعمیر** شد و نقاشیهای داخل کلیسا گردگیری وپاك شد. »

در داخل کلیسای وانك کتیبه هـای کاشیکاری هم موجود است از آنجمله کتیبه کاشیکاری شاه نشین کلیسای وانك است که بخط ارمنی طلائی رنگ بر کاشی لاجوردی تاریخ کاشیکاری کلیسا بشرح ذیل آمده است :

« درزمان خلیفه **موسس وارتابد** جلفائی این کلیسا کاشیکاری شد بتاریخ ۱۱۶۵ (۱۷۱۶ میلادی برابر ۱۱۲۸ هجری) .

کتیبه کاشیکاری مدخل کلیسای وانك بخط ارمنی باکاشی سفید برزمینه لاجوردی بشرح زیر است :

« این کاشیکاری بیادگار مراد خالداریان و پدرش خواجه هوهانس و مادرش و زنش مریم تاتیك و پسرانش مـاردیروس و اوهان و دخترانش پاراسی و موراسه و گل نبات ونواده‌اش مارکار وبرادران مرحومش مارکار وزادور وآواك وخواهرانش تامار و ای بیرس انجام شد . یادگاری از مراد و برادرش (بارون هاکوپ جان) بتاریخ ۱۱۵۹ (۱۷۱۰ میلادی برابر ۱۱۲۱ هجری)

کتیبه تاریخی برج ناقوس

روبروی دراصلی کلیسای وانك برج ناقوس کلیساساخته شده . مخارج ساختمان برج را در دوره پادشاهی شاه سلطانحسین یکی از ارامنه جلفـا بنام (هوهانجان جامالیانس) پرداخته وکتیبه ای در سه سطر در جبهه شمالی برج بیادگار گذاشته شده است . این کتیبه که بخط ارمنی باکاشی سفید بـرزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده بشرح زیر است :

« در تاریخ ۱۱۵۱ (۱۷۰۲ میلادی برابر ۱۱۱۳ هجری) این ساختمان بنام فرشتگان مقرب خداجبرئیل ومیکائیل دردوره سلطنت **شاه سلطان حسین** که پادشاهی آرام وصلح دوست است وزمانی که خلیفه بزرگ جلفا **الکساندروارتابد** بود بانظارت خلیفه دیگری بنام **موسس** بهزینه حضرت هوهانجان جامالیانس بیاد بود پدرش خواجه هوهانس و مادرش جینارین و دخترش برزاده و پسر جوانش هوهانس و برادر بزرگش بارون گریگور و برادر زاده اش هوهانس و بیاد بود آمرزش درگذشتگان و بازماندگان خانواده اش بنا گردید . »

درزیر برج ناقوس آرامگاهی قراردارد که دراطراف سنگ آن تصاویرسربازانی حجاری شده و کتیبه آن بشرح زیر است :

« رستم خان سوقمن انیکلپیان ۱۸۴۳ » (۱)

موزه کلیسای وانك

کلیسای وانك دارای موزه ای تاریخی است که در جنب کلیسا و در شمال آن واقع شده و دارای سالن های متعدد و اشیاء و آثار تاریخی است . عمارت موزه در سال ۱۹۰۵ میلادی (۱۳۲۲ هجری) ساخته شده و تابلوهای متعدد نقاشی از طرف بازرگانان ارمنی که باروپا مسافرت کرده بوده اند بکلیسا اهداء شده است . موزه کلیسا دارای ۷۰۰ جلد کتاب خطی بزبان ارمنی است وقدیمی ترین آنها نسخه‌ایست

---

(۱) درسنوات اخیرازطرف هیئت خلیفه گری جلفا بجمع آوری کتیبه های قدیمی ونقوش سنگهای قبورارامنه اقدام شده ومجموعه‌ای جالب فراهم آمده‌است که دریکی ازاطاقهای جنب کلیسای وانك نگاهداری میشود. دراین مجموعه آرامگاه مزبور باین شرح معرفی شده است : « رستم خان برادر زاده منوچهر خان معتمد الدوله سرباز مدفون درکلیسا تاریخ وفات ۱۸۴۳ (۱۲۵۸ هجری قمری) .»

(منوچهرخان معتمد الدوله گرجی در دوره سلطنت محمد شاه قاجار حکمران اصفهان بوده است . کتیبه فوقانی ایوان جنوبی مسجد شاه نام محمد شاه قاجار و منوچهر خان معتمد الدوله را در بردارد رجوع شود بصفحه ۴۶۰)

که در قرن دهم میلادی (قرن چهارم هجری) نوشته شده . اولین کتابی که بوسیله ارامنه در جلفای اصفهان بچاپ رسیده وعین حروفی که بکار برده شده در این موزه نگاهداری میشود و در مجموعه کتیبه های قبور که در اطاق جنب کلیسا نگاهداری میشود راجع ببانی چاپخانه جلفا چنین نوشته شده است : « راهب و پیشوای کلیسا **خاچاطور کیسارانسی** مؤسس چاپخانه ارامنه در ایران مدفون در کلیسای وانك تاریخ وفات سنه ۱۶۴۶» .

مجموعه فرامینی که سلاطین ایران بعد از شاه عباس درباره ارامنه جلفا صادر کرده اند در یکی از سالنهای این موزه نگاهداری میشود و از مجموعه های جالب موزه جلفا است . چند قطعه از تزیینات نفیس کاخهای هفت دست و آینه خانه از بناهای دوره شاه عباس دوم تنها آثاری از تزیینات گچ بری وطلاکاری قصور منهدم شده صفویه است که فقط در این موزه میتوان آنها را مشاهده کرد . از توابع این موزه کتابخانه ای نیز هست که در حدود ده هزار نسخه کتاب چاپی دارد . (۱)

قبرستان ارامنه درجنوب منطقه جلفا ودامنه های کوه صفه قبرستان قدیمی ارامنه قرار دارد که از بدو مهاجرت وسکونت درجلفا تا بامروز اموات خود را درآنمحل دفن نموده اند و بسیاری از اروپائیانی که از دوره صفویه ببعد در اصفهان بدرود زندگی گفته اند نیزدرآنجا مدفونند و ازآنجمله است (رودلف) ساعت سازآلمانی که در زمان شاه صفی مقتول شده و آرامگاه او مورد توجه مخصوص ارامنه است بر آرامگاه رودلف نوشته شده است : « Cygit Rodolff »

(۱) برای اطلاع بیشتر راجع بکلیسا های جلفا مراجعه شود بتاریخ جلفا تألیف هاراطون درهوهانیان که درسال ۱۸۸۱–۱۸۸۰ مسیحی درجلفای اصفهان بچاپ رسیده است نسخه خطی این کتاب بقلم خود مؤلف نیز در مجموعه کتب خطی موزه جلفا که در حدود ۷۰۰ جلد میباشد موجود است . **کتیبه های مربوط بکلیسا های تاریخی جلفا که در این فصل** ذکرشد بکمك آقایان واغارشاك وعجمیان و لئون میناسیان از اصل ارمنی آنها ترجمه شده و بوسیله مؤلف برشته جملات فارسی درآمده است .

کتیبه های آرامگاه سه شخصیت مشهور دیگر اروپائی که در دوره صفویـه در اصفهان بدرود زندگی گفته و در این قبرستان مدفون شده اند بشرح زیر است :

« **ویلهلم لوکینسن ولکن** مدیر کمپانی‌هند شرقی هلند مدفون درقبرستان ارامنه تاریخ وفات ۱۶۶۵ »

« **تئودور میرانویچ** سفیر لهستان در اصفهان مدفون در قبرستان ارامنه . تاریخ وفات ۱۶۸۶ »

« **یان شاندلیر** مدیر کمپانی هند شرقی هلند مدفون در قبرستان ارامنه . تاریخ وفات ۱۷۰۳ » (۱)

---

(۱) نقل از مجموعه کتیبه های سنگهای قدیمی قبور ارامنه که در اطاق جنب کلیسای وانک نگاهداری میشود اثر آبراهام گورگنیان از ارامنه جلفای اصفهان .

سایر کلیساهای معمور جلفا که درقرن هفدهم میلادی برابر باقرن یازدهم هجری بناشده عبارتست از : کلیسای گریگور . کلیسای راهنه‌کاتارینه . کلیسای میناس . کلیسای یحیی . کلیسای نرسس . کلیسای نیکاغوس . کلیسای سرگیس . کلیسای استپانوس .

وضع سال ارمنی که ضمن توصیف‌کلیساها و کتیبه های تاریخی آنها در این مبحث ذکر شده درسال ۵۵۱ میلادی بوسیله خلیفه اعظم ارامنه موسس یقیوارتی بنیان‌گذاری شده است چون درقرن پنجم وششم میلادی بین‌کلیساهای مسیحی‌ارامنه وآسوری‌ویونانی ولاتین اختلافات مذهبی وجود داشت خلیفه مزبور در این سال بتصحیح تاریخ جشنهای ملی و مذهبی ارامنه اقدام نموده وطوماری بوجودآورد که مبداء تاریخ جدیدی برای ارامنه گردید (ازیادداشتهای آقای عجمیان معلم زبان و ادبیات ارمنی در دانشکده ادبیات اصفهان)

امامزاده اسماعیل

در حاشیه شرقی خیابانی که بنام هاتف معروف است و در قدیمی ترین قسمت شهر اصفهان کشیده شده مجموعه ای نفیس از معماری و تزیینات عهد سلجوقی و صفوی دیده میشود که بنام (امامزاده اسماعیل) شهرت دارد . این مجموعه عالی شامل یك مسجد بسیار قدیمی بنام مسجد شعیا و مقبره امامزاده اسماعیل و رواق و سردر و صحن آن و یك گنبد بزرگ زیبای آجری از نوع گنبد های چهارسو های اصفهان برفراز سردر آنست که هریك از آنها در زمان معینی ساخته شده و بشرح آنها میپردازیم :

۱ـ مسجد شعیا

وجه تسمیه مرقدی که فعلا بنام (شعیا) آنرا زیارت میکنند برما معلوم نیست ساختمان مرقد فعلی هم خیلی قدیمی نیست و بنای آجری منشوری شکلی است که روی آنرا با گچ اندود نموده اند . ارتفاع مرقد در حدود ۱/۷۰ متر و عرض آن یکمتر است . در دوره رواج مذهبِ اسلام در اصفهان ظاهراً در همین محل که بنام (خوشینان) معروف بوده مسجدی بنا شده که هیچ اثری از آن باقی نمانده است .

صاحب مجمل التواریخ والقصص که کتاب خود را در سال ۵۲۰ هجری تألیف کرده چنین مینویسد :

« جامع خوشینان نخستین مسجد بود که باصفهان کردند در اسلام و بناءِ آن ابوخناس مولی امیرالمؤمنین عمر بن خطاب کرد در خلافت علی بن ابی طالب علیه السلم . » (۱)

برجانب شمالی مرقد شعیا کتیبه‌ای بخط نستعلیق برجسته ازدوره شاه سلطانحسین

(۱) صفحه ۵۲٤ کتاب مجمل التواریخ والقصص تألیف سال ۵۲۰ هجری چاپ تهران

صفوی مـوجود است که اولین مسجد بـزرگی را که در اصفهان ساخته شده بنام (مسجد شعیا) معرفی میکند ونیزحکایت دارد ازاینکه مسجد مزبور را ابوعباس مفتی دردوره خلافت علی بن ابی طالب (ع) بنا کرده و الب ارسلان آنرا تعمیر کرده است متن کتیبه که بخط علی نقی امـامی و مورخ بسال ۱۱۱۲ هجری است بشرح زیر میباشد :

« وجدنا فی کتاب اصفا (۱) ان اول مسجد کبیر بنی باصفهان مسجد شعیا وبناه ابوعباس المفتی فی‌زمن علی صلوات الله علیه وعمره الب ارسلان بعد نیف وخمسمائة بعد ما غلبها بقوة و قد امر بعمارته فی عام احد عشر و مائة و الف و بعبارة اخری هی مرقد شعیا النبی علیه السلام . علی نقی الامامی ۱۱۱۲ »

در حـاشیه مرقد شعیا آیه ۱۸ و ۱۹ سوره (توبه) گچ بری شده و بعبـارت : « صـدق الله العظیم و صدق رسوله النبی الکـریم کتبه ابن محمد محسن الامامی . » ختم میشود .

مناره آجری و طاقهای مجاور مسجد شعیا مربوط بعهد سلاجقه است . (۲)

۲- امامزاده اسماعیل

اساس تمام ساختمانهای دیگر متصل بمرقد شعیا و ساختمان چهارسو وتزیینات فراوان نقاشی وکاشیکاری وگچ بری عهد صفویه مدفن امامزاده اسماعیل است که از امامزاده های صحیح النسب و معتبر اصفهان میباشد ونسب او در اطراف یك پنجره چوبی که حرم امامزاده را بایوان غربی وچنار کهنسال واقع در این قسمت مربوط

---

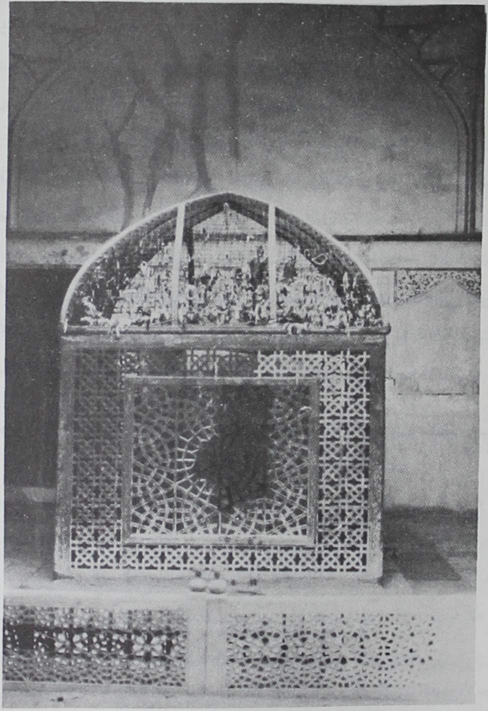
(۱) کتاب اصفا تفسیر قرآن و تألیف ملامحسن است (آثار ایران ترجمه فـارسی ـ جلد اول ـ جزوه دوم . زیر نویس صفحه ۹۹)

(۲) مایرون سمیث مناره مسجد شعیا را متعلق بقرن ششم هجری میداند (آثار ایران ترجمه فارسی . جلد اول صفحه ۹۹)

میکند بشرح زیر ذکر شده است :

« اسماعیل بن زید بن حسن بن الامام علی بن ابی‌طالب »

امامزاده اسماعیل را اسماعیل دیباج هم میگویند که ظاهراً بمناسبت فروش دیباج



مرقد شعیا قدیمی ترین اثر تاریخی در مجموعه بناهای امامزاده اسماعیل

(معرب دیبا) ملقب بدیباج شده است . (۱)

خطوط و کتیبه ها و تزیینات کاشیکاری سردر مقبره امامزاده اسماعیل

کتیبه سردر رواق امامزاده اسماعیل اتمام این بنای تاریخی را بدوره شاه صفی نسبت میدهد . باستناد کتیبه های موجود میتوان گفت که بنای بقعه و گنبد امامزاده اسماعیل بتفصیل وتجلیلی که فعلا مشاهده میشود در دوره شاه عباس کبیرشروع شده و در دوره شاه صفی باتمام رسیده وسپس در دوره شاه سلطانحسین تکمیل شده وضمن تعمیراتی که از آن بعمل آمده تزیینات دیگری بآن اضافه شده است . کتیبه اصلی سردر رواق بقعه بخط ثلث سفید باکاشی معرق برزمینه لاجوردی رنگ مورخ بسال ۱۰۴۱ هجری و بقلم محمد رضا امامی بشرح زیر است :

« اتمام هذه العمارة المنورة فی ایام دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مروج مذهب الائمة المعصومین السلطان بن السلطان بن السلطان **ابو المظفر شاه صفی الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان** خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی کافة العالمین بره و عدله و احسانه فی شهر ذی قعدة الحرام فی ۱۰۴۱ **کتبه محمد رضا الامامی** »

سنگ نوشته در رواق بقعه امامزاده اسماعیل از دوره پادشاهی شاه سلطان حسین بخط علی نقی امامی و مورخ بسال ۱۱۱۴ هجری

در قسمت فوقانی در چوبی رواق بقعه و در زیر کتیبه ثلث کاشیکاری از دوره شاه صفی لوح سنگی نصب شده که در حاشیه و متن آن عبارات و اشعاری حجاری شده است . کتیبه متن این لوح بخط ثلث برجسته حاکی از اقدام شاه سلطانحسین صفوی نسبت بتعمیر و ساختمان بقعه امامزاده اسماعیل است . این کتیبه که بخط علی نقی امامی و مورخ بسال ۱۱۱۴ هجری میباشد بشرح زیر است :

« قد وفق لعمارة هذه البقعة الشریفة والروضة المنیفة من فاز بتأیید الدین الاحمدی

---

(۲) شماره ۵۸ سال دوم روزنامه سرنوشت چاپ اصفهان.

و امتاز بترويج الشرع المحمدی اعنی السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان **ابوالمظفر ابوالمنصور شاه سلطان حسين الحسينی الموسوی الصفوی بهادرخان** لازال به ركن الاسلام ركيناً و متن الايمان متيناً **كتبه ابن محمد محسن علی نقی الامامی ١١١٤** »

درحاشيه لوح سنگی مذكور بخط نستعليق برجسته و بشرح ذيل اشعاری حجاری شده است كه مضمون آنها حاكی از اقدام **حاج محمد ابراهيم بيك يوزباشی** نسبت بتعمير وتزيين بقعه امامزاده اسماعيل دردوره پادشاهی شاه سلطان حسين صفوی است :

شهنشهی كه عطارد كه منشی دراوست	هميشه عاجز طغرا كشی كشوراوست
جناب حضرت سلطانحسين كه روی زمين(١)	تمام در كنف ظل عدل پرور اوست
رسيد رشحهٔ از فيض عام و انعامش	بدين زمين كه فلك سايه بان منظراوست
مزار حضرت عاليمقام اسمعيل	كه قبله گاه دعا بارگاه اطهر اوست
بگوش هوش شنيدم زغيب مصراعی	چولؤلؤی كه زبحرخيال مظهراوست
ببين شكوه حريم مزار اسمعيل	چه خوش مطابق تاريخ مهر گستراوست

دربين هر دومصراع از اشعارفوق الذكر دريك لوحه كوچك جمله (ياعلی مدد) حجاری شده است و در دو دايره كوچك بخط نستعليق دو مصراع زير كه نام بانی آن (ابراهيم بيك) را در بردارد منقور است :

قبله ايرانيان بانی اين خير است ليك	يافت اتمام اين بنا از سعی **ابراهيم بيك**

تعميرات سال ١٢٢٩ هجری

دربالای لوح سنگی سردر رواق بقعه امامزاده اسماعيل لوحه مرمری كوچكی نصب شده بوده كه در حين تعميرات جديد از آن محل برداشته شده و در پشت جرز سمت راست مدخل رواق بقعه نصب شده است . دراين لوحه كوچك دو بيت شعر بخط نستعليق خوش حجاری شده كه مضمون آن حاكی از تعمير امامزاده اسماعيل در دوره پادشاهی فتحعلی شاه قاجار بوسيله مردی بنام (جعفر) ازخاصان نظام الدوله

(١) اين مصراع عين كتيبه است .

است . کتیبه لوحه مزبور بشرح زیراست :

بعهد جم نگین **فتحعلی‌شه** خسرو عادل زخاصان **نظام الدوله** مردی نام **اوجعفر**
نمود اقدام برتعمیر این کاخ سرافرازی که باشد نامش اسماعیل از ذریه حیدر
۱۲۲۹

اشعار فارسی در رواق بقعه امامزاده اسماعیل

در اطراف رواق بقعه در الـواح کوچك جدا از هم اشعـار ذیل بخط نستعلیق برزمینه لاجوردی رنگ و بقلم محمد صالح اصفهانی گچ بری شده است :

ازحکم دارای زمان **سلطان حسین** کامران معمار ارکان جهان شاهنشه فرمان روا
(کتبه محمد صالح الاصفهانی)

شاهی که شد معماری دولتسرای دین او زان پیش کزحکم خدا بنیاد هستی‌شد بنا
آنجا که‌موج آورشود دریای‌عدل‌دائمش زنجیر نوشروان بود موج سراب کم بقا
آواز طبل شهرتش نام سکندر را گرفت چون‌شدسوادلشگرش‌درچشم‌عالم‌سرمه‌سا
ساعی‌شد **ابراهیم بیك** آن‌خیراندیشی که‌هست از بندگـان محرم خلوتسرای پادشا
از پاکی ذاتش بود ره درحریم حرمتی کز دورباش کبریـا ره بسته برباد صبا
کین‌روضه‌جنت‌سرشت‌این‌عبرت‌قصر بهشت آرد زمهروماه خشت سازد بصدق ازنوبنا
چه‌روضه‌دارالامن‌جان‌دلهای نورقدسیان آویخته بر سقف آن مـانند قندیل طلا
دست دعای‌سائلان بر گشته دراین آستان زایوان نعمای جنان یابند کشکول گدا
. . . . . (۱) کوری باین درگاه اگر افتد بامید شفا
آوازطبل‌شهرتش‌نام‌سکندررا گرفت(۲) همت بآن راضی نشد این‌مصرعم‌شد ره نما

---

(۱) کلمات این مصراع در موقع تعمیرتعویض شده و آنچه برجای مانده معنی ومفهوم ندارد .

(۲) این مصراع سه مرتبه تکرارشده است .

باز این ملائك آشیان نوشد زسلطان جوان   راضی نشد خاطر بآن در فکر شد طبع رسا

۱۱۱۱

تا ازمکان واز مکین ازساعی وازشاه دین   باشد قلم حرف آفرین باز این دومصرع شدادا

این منزل چون کعبه نوازسعی ابراهیم شد   سلطان داور کرد نو مأوای اسمعیل را

۱۱۱۱

دیگر بفکر دلنشین درطبع معنی آفرین   ازلطف رب العالمین آمد بگوشم این ندا

این کعبه آئین صفا از سعی ابراهیم شد   الطاف سلطان نو نموداین حجر اسمعیل را

۱۱۱۱

(عدد ۱۱۱۱ که در زیر سه مصرع از اشعار کتیبه فوق الذکر نوشته شده تاریخ تحریر و نصب الواح گچی در دوره شاه سلطانحسین است .)



مجموعه بنا های تاریخی امامزاده اسماعیل

نسب امامزاده اسماعیل درکتیبه سرسرای رواق بقعه ذکر شده است

رواق بقعه بسرسرائی منتهی میشود که ازیکطرف بدهلیزمقبره و ازطرف دیگر بمسجد کوچك شعیا منتهی میشود. درقسمت هلالی شکل بالای درسرسرا دردوقسمت متن و حاشیه یك کتیبه بخط ثلث طلائی رنگ برزمینه فیروزه ای و صورتی رنگ عبارات زیر نوشته شده است :

درحاشیه فوقانی هلال (آیة الکرسی) ودرحاشیه پائین آن نسب امامزاده بشرح زیر نوشته شده است :

« هذا المشهد والروضة المنور المقدس الامام سید اسماعیل بن الامام زید بن حسن بن الامام امیرالمؤمنین حسن بن الامام المتقین وامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب . »

عبارات متن هلال شامل صلوات برچهارده معصوم است .

در داخل سرسرا و نزدیك بسقف بخط بنائی با کاشی برزمینه آجری جملات « الحکم لله » « الملك لله » « الحمد لله » « العزة لله » نوشته شده است .

کتیبه داخل حرم امامزاده اسماعیل

برآرامگاه امامزاده اسماعیل ضریح منبت کاری ظریفی قراردارد . ازاره های حرم بارتفاع یکمتر باکاشیهای شش ضلعی برجسته و طلائی رنگ تزیین شده و از ازاره ها ببالا پوشش دیوار ها و سقف گنبد بـا گچ بریهای برجسته و طلاکاریهای ظریف که در قسمت ترنج وسط بیك ستاره بزرگ (دوازده پر) منتهی میشودآراسته شده است .

دراطراف حرم بخط ثلث برجسته طلائی برزمینه لاجوردی رنگ سوره (ملك) تا آخر آیه « ۲۷ » از این سوره گچ بری شده و جمله آخـر آیه (هذا الذی کنتم به تدعون.) دریك حاشیه مربع شکل نوشته شده وبدنبال آن نام بانی این تزیینات محمد ابراهیم بیك یوزباشی و سال تحریر آن (۱۱۱۲) در بین حـروف و کلماتی

که برجای مانده باحروف بسیار ریز طلائی رنگ برزمینه آبی بشرح زیرخوانده میشود :

« حسب الامرالاعلی سرکاری عالیجاه مقرب الخاقان محمد **ابراهیم بیك یوزباشی** زید ۰۰۰۰ مرقوم رقم کمترین غلام پایه سریر اعلی ۰۰۰۰ سنة **۱۱۱۲** »

سنگ آرامگاه دختر شاه اسماعیل سوم : در داخل حرم امامزاده اسماعیل دو سنگ قبر بتاریخ ۱۰۴۷ و ۱۱۴۳ ویك سنگ قبرمرمری متعلق به زینت نساء بیگم دختر شاه اسماعیل سوم (۱) وجود دارد که کتیبه آن بشرح زیر است :

« هوالباقی . وفات مرحومه مغفوره زینت نساء بیگم بنت مرحمت وغفران پناه شاه اسمعیل بتاریخ هیجدهم شهر شعبان سنه ۱۱۹۶ »

در نفیس امامزاده اسماعیل

دهلیز مقبره امامزاده اسماعیل بوسیله در منبت کاری نفیسی بمرقد شعیا اتصال

---

(۱) پس از قتل نادردرسال ۱۱۶۰ هجری اوضاع ایران آشفته شد وسرداران مشهوراو برای احرازمقام پادشاهی قیام نمودند. درسال ۱۱۶۴ بین ابوالفتح خان وعلیمردانخان بختیاری وکریمخان زند قراردادی منعقد شد باین ترتیب که چون هنوزمردم اصفهان بخاندان صفویه ارادت میورزیدند **ابوتراب** طفل هشت ساله میرزا مرتضی صدرالممالك را که دختر زاده شاه سلطان حسین بود بسلطنت بردارند و اموركشوری ولشگری را بین خود تقسیم کنند و براثر این تصمیم ابوتراب بعنوان **شاه اسماعیل سوم** بپادشاهی انتخاب شد . زمانی که کریمخان زند رقبای خود را ازمیان برداشت وسلطنت مستقل خود را باعنوان وکیل الرعایا درشیراز شروع نمود شاه اسماعیل سوم همچنان با عنوان پادشاهی در آباده مقیم بود و مورد احترام خاص کریمخان بود. مورخین زندیه نوشته اند که شاه اسماعیل در آباده روزگار خود را بصنعت چاقوسازی که بدان علاقه زیادداشت میگذرانید وگاهی ازنمونه های صنعت خود بوکیل هدیه میداد . کریمخان نیز سالی دوبار یکی در اول حمل و دیگر در اول میزان لباسهای فاخر جهت او میفرستاد و همیشه در رعایت احترام وی میکوشید وچون شاه اسماعیل درسال ۱۱۸۷ وفات یافت در سوگواری او برسم طوایف لر امر داد تا کلیه امرا و اعیان سپاه گل ولای بکلاه خود مالیدند و خود او نیز با همان وضع در تشییع جنازه شرکت کرد .

(رجوع شود بکتاب تاریخ ایران در دوران پادشاهی افشاریه و زندیه و قاجار تألیف آقای علی اصغر شمیم صفحه ۱۰۲ و ۱۲۴)

میابد . این در که از لحاظ صنعت منبت‌کاری یکی از درهای نفیس بناهای تاریخی اصفهان است در دوره پادشاهی سلطان محمود آل مظفر در این مکان نصب شده و بر دو لنگه راست و چپ و هلال فوقانی آن کتیبه هائی بشرح زیر موجود است :

در اطراف لنگه راست و چپ درصلوات برچهارده معصوم منقور است و بر بالای لنگه راست بخط ثلث جمله « العظمة لله » و در پائین آن جمله « لااله الا الله » و در وسط آن از چهار کلمه « محمد » نقشی پدید آمده است .

برلنگه چپ در در بالا بخط ثلث جمله « الملك لله » و در پائین آن جمله « محمد رسول الله » منقور است و در وسط این دو جمله در یك شکل مربع از چهار کلمه « علی » نقشی موجود است .

در متن هلال فوقانی این در نفیس با پنج کلمه « الله » یك شمسه (پنج پر) تشکیل شده و در حاشیه هلال عبارات زیر منقور است :

« امر باحداث هذاالباب احرازاً للمغفرة والثواب فی ایام دولة السلطان الاعظم مولی سلاطین الامم ناشرالعدل والاحسان باسط الامن والامان ظل الله فی الارضین **قطب الحق والدین شاه محمود بن السلطان الاعظم محمد بن المظفر خلد الله ملکه** البهلوان الاعظم الصاحب الاکرم تاج الدولة والدین علی رشید الخراسانی من خاص ماله . »

کتیبه سردر مسجد شعیا بخط علی نقی امامی و مورخ بسال ۱۱۱۴

در جانب شمالی مرقد شعیا و حرم امامزاده اسماعیل و در ضلع شرقی رواق بقعه مسجد کوچکی واقع شده که در جای مسجد اولیه سلجوقی در دوره صفویه بتزیینات کاشیکاری ومحرابهای مرمری و گچ بری شده آراسته است. از آثارسلجوقی این مسجد بغیر از پایه مناره آن که بمنار مسجد شعیا معروف است اثر دیگری باقی نمانده .

کتیبه سردرشمالی این مسجد بخط ثلث خوش طلائی رنگ برزمینه کاشی هفت رنگ شامل آیه ۱۸ و ۱۹ سوره (توبه) است و بعبارت : « صدق الله العظیم و صدق رسوله الکریم **کتبه علی نقی الامامی ۱۱۱۲** » ختم میشود .

تزیینات کاشیکاری و مرمری سردر مسجد شعیا

ایوان جنوبی مسجد شعیا دارای تزیینات کاشیکاری ومحراب مرمری وکاشیکاری است وبطوریکه کتیبه اطراف محراب حاکی است شخصی بنام محمد مهدی انباردار فرزند میرزا اسماعیل در دوره سلطنت شاه سلطانحسین بانی اتمام این محراب بوده است . درسمت راست محراب یك لوح کاشیکاری نصب شده که بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بعد ازعبارت : « بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تبارك وتعالی جل جلاله وعظم شأنه ولااله غیره » آیة الکرسی نوشته شده وبجمله « **کتبه محسن الامامی** » ختم میشود .

و درسمت چپ این محراب دریك لوح دیگر مشابه لوح سمت راست بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی آیه ۲۶ و۲۷ سوره (آل عمران) نوشته شده است .

کتیبه اطراف محراب مسجد شعیا بخط ثلث سفید برزمینه **کاشی** لاجوردی رنگ شامل آیه ۱۸ و۱۹ ازسوره «توبه» است که بجمله «صدق الله العظیم» ختم میشود وپس از آن نام بانی ساختمان محراب و خطاط کتیبه های آن بشرح زیر آمده است :

« توفیق یافت باتمام این محراب محمد مهدی بن میرزا اسمعیل انباردار کتبه محمد محسن ابن محمد رضا الامامی فی سنة ۱۱۰۰ »

کتیبه داخل محراب بخط ثلث فیروزه ای برزمینه آبی شامل آیه ۱۴۴ سوره (بقره) است و بعبارت زیر ختم میشود :

« کتبه محسن الامامی سنة ۱۱۰۰ »

دربالای پشت بغل این محراب بخط ثلث برزمینه لاجوردی رنگ نوشته شده است:

« سبحان الله والحمد لله ولااله الاالله والله اکبر ولاحول ولا قوة الا بالله »

درداخل محراب کاشیکاری محراب کوچکی از سنگ مرمر شفاف بسیار نفیس



یك لوحه نفیس کاشیکاری بخط محمد محسن امامی در مسجد شعیا

بطول ۱/۱۰ متر و عرض ۴۸ سانتیمتر نصب شده که درقسمت فوقانی آن بخط ثلث زرد برزمینه‌کاشی آبی کم رنگ جمله (سبحان ربی الاعلی وبحمده) نوشته شده و برسنگ مرمر محراب بخط ثلث برجسته عبارت زیر حجاری شده است :

« لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی‌الله »

کتیبه محراب شبستان مسجد شعیا

درضلع شرقی‌مسجد کوچك شعیا شبستانی وجود دارد که اخیراً تجدید ساختمان شده و بطوریکه کتیبه محراب گچ بری آن حاکی است بانی ساختمان آن محمد هادی‌کاشانی بوده است . کتیبه این محراب که بخط ثلث برجسته سفید برزمینه‌آبی آسمانی گچ بری شده وبخط عبدالحمید ادهمی ومورخ بسال ۱۱۱۵ هجری میباشد بشرح زیر است :

« قال رسول الله صلی الله علیه وآله انا دارالحکمة وعلی بابها فمن اراد الحکمة فلیأت الباب . قال رسول الله صلی الله علیه و آله انا مدینة العلم و علی بابها . توفیق یافت باتمام این غمارت وجدنا فی کتاب اصفا ان اول مسجد کبیر بنی باصفهان مسجد شعیا و بناه ابوعباس المفتی فی ز » (۱)

در بالای پشت بغل این محراب بخط ثلث برجسته سفید برزمینه آبی آسمانی رنگ عبارت زیر گچ بری شده است :

« محراب محمد هادی‌کاشانی کتبه عبدالحمید الادهمی ۱۱۱۵ »

ایوان غربی حرم امامزاده اسماعیل

حرم امامزاده اسماعیل از جانب غربی بوسیله یك پنجره چوبی بایوانی متصل میشود که مشرف بچنار کهنسال امامزاده و کوچه مجاور آنست. دراطراف این پنجره

---

(۱) کتیبه اطراف محراب مذکور در فوق بحرف (ز) ختم شده است . بقیه کتیبه برجانب شمالی مرقد شعیا منقور است (رجوع شود بصفحه ۵۲۲)

چوبی ابتدا صلوات بر چهارده معصوم و سپس نسب امامزاده اسماعیل بشرح زیر نوشته شده است :

« هذه الروضة والمشهد المنور الامام اسمعیل بن زید بن حسن بن حسن بن الامام علی بن ابی طالب . »

آرامگاه قاضی صفی الدین محمد

در ایوان غربی یك سنگ قبر قدیمی وجود دارد که در اطراف و جوانب آن عباراتی حجاری شده است . در سطح فوقانی سنگ آرامگاه بخط بنائی جمله (الملك لله) و در اطراف آن بهمین خط اشعار زیر حجاری شده :

چون نامه جرم ما بهم پیچید ند — بردند و بمیزان عمل سنجیدند

بیش از همه کس گناه ما بود ولی — ما را بمحبت علی بخشیدند

برجانب فوقانی سنگ آرامگاه عبارات زیر بخط ثلث برجسته حجاری شده است :

« وفات العالم الربانی والعارف الصمدانی قدوة العلماء المحققین و اسوة الفقهاء المدققین قاضی حوائج السائلین و کفیل مصالح المؤمنین مطاع العالمین ومتبوع العالمین صفیاً للشریعة والافادة والدین محمد ابن عمدة القضاة والمتشرعین خادم شرع سید المرسلین غیاث الملة والدین الملاعلی الزواری تغمد هماالله تعالی بغفرانه فی منتصف شهر شعبان المعظم سنة خمس وتسعین و تسعمائة من هجرة مقصود ایجاد البریة عمل صدرالدین سنگ تراش »

برجانب جنوبی سنگ آرامگاه مزبور اشعار زیر که ماده تاریخ آن مصراع (حیف ازجهان دانش ودین صد هزارحیف) یعنی سال ۹۹۵ هجری وسال وفات قاضی صفی الدین محمد است بخط نستعلیق برجسته حجاری شده:

افتاد دین ز مرتبه اعتبار حیف — حیف ازسپهرشرع که شد بیمدارحیف

رفت ازجهان جهان فضیلت دریغ ودرد — شدکاروان فضل وشرف زین دیارحیف

قاضی صفی که مرکز پرگار شرع بود رفت از میان و کرد کنار اختیار حیف
تاریخ فوت قاضی دنیا و دین که رفت از مرگ او هر آینه بر روزگار حیف
جستم زعقل گفت که بر لوح دل همین **حیف از جهان دانش و دین صد هزار حیف**
۹۹۵

برجانب شمالی سنگ آرامگاه اشعار زیر بخط نستعلیق برجسته حجاری شده است :

احکم قاضیان **صفی الدین** که حکم بود در فروع و اصول
عمرها بر بساط شرع نشست بطریق رسول و زوج بتول
روز آخر ازین نشیمن خاک کرد در روضه جنان نزول
سال فوتش زهر که پرسیدم بس که بودند از عزاش ملول
اشک میریختند و میگفتند وای از مرگ جانشین رسول

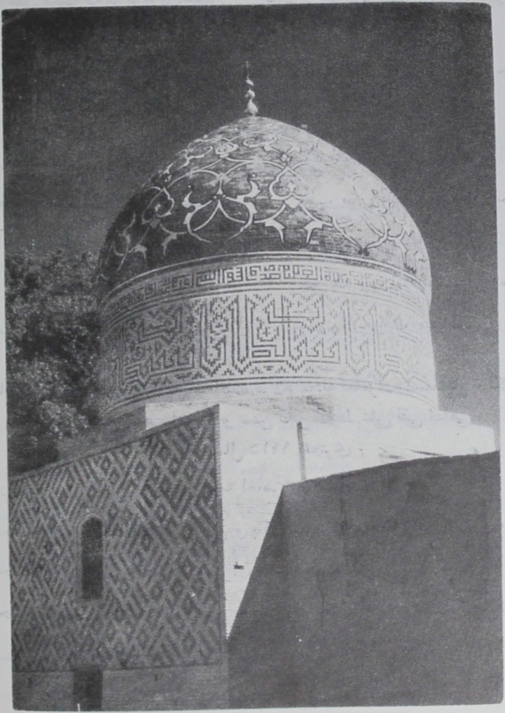
فرمان شاه سلطانحسین راجع بمعافیت مردم محله امامزاده اسماعیل از تکلیف یراق پوشی ایام عاشورا و بستن نخل بخط علی نقی امامی مورخ بسال ۱۱۱۵ هجری

بر دیوار غربی سردر تاریخی بقعه امامزاده اسماعیل سنگ نوشته ای بر دیوار نصب شده که بفرمان شاه سلطانحسین و بنا باستدعای مقرب الخاقان و جالینوس زمان (حکیم باشی) مردم محله امامزاده اسماعیل از تکلیف یراق پوشی ایام عاشورا و بستن نخل وغیره معاف شده‌اند . این فرمان که بخط ثلث برجسته و بخط علی نقی امامی بسال ۱۱۱۵ هجری مورخ است بشرح زیر میباشد :

« بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی »

« حسب الفرمان قضا جریان **از تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۱۱۵** رقم مبارک اشرف صادر شد آنکه حکم جهانمطاع شد آنکه درینوقت اهل محله واقعه در جوار امام زاده واجب التعظیم والتکریم امام زاده اسماعیل علیه وعلی آبائه التحیة والتسلیم

مشهور بمحله امامزاده از تکلیف یراق پوشی ایام عاشورا و امثال آن از بستن نخل وغیره معاف فرمودیم. داروغگان وعمال دارالسلطنه مزبوره حسب المسطور مقرر دانسته



گنبد امامزاده اسماعیل کاشیکاری دوره صفویه

من بعد بهیچوجه من الوجوه تکلیف یراق پوشی و بستن نخل وغیره باهل محله مزبوره ننموده وایشانرا از امور مزبوره معاف مسلم دانند ودرین باب قدغن دانسته هرساله

رقم مجدد طلب ندارند و از فرموده تخلف نورزند و در عهده شناسند **برطبق عرض عالیجاه مقرب الخاقانی جالینوس الزمانی حکیم باشی کتبه علی نقی .»** (۱)

کتیبه گنبد امامزاده اسماعیل : نمای خارجی گنبد امامزاده اسماعیل کاشیکاری شده است و باحتمال قوی این اقدام دردوره شاه عباس اول صورت گرفته . کتیبه اطراف گنبد بخط بنائی ساده لاجوردی رنگ برزمینه آجری بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم قل هوالله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد قال الله تعالی واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت واسمعیل ربنا تقبل منا

---

(۱) آئینی که ذکرش در این فرمان بمیان آمده اگر در عهد صفوی ایجاد نشده لااقل براثر تشویق شاهان سلسله مزبور بسط وتوسعه یافته. اغلب شهرها ودهستانهای ایران دارای تکیه یعنی جایگاهی برای دسته های محرم بود و در این تکیه یك چیز قابل حمل و نقل چوبی وجود داشت که نخل نامیده میشد وتابوت حضرت امام حسین (ع) رانشان میداد . قبل از فرا رسیدن روزعاشوراکه روز شهادت حضرت سید الشهداء (ع) باشد آنرا بابرگ خرما یا پر و تزیینات دیگر ازکاغذ های طلائی رنگ و آئینه و قالیچه و شالهای کشمیر آرایش میدادند . نخل دارای چهار دستك بود و شب عاشورا چهار نفر یا بیشتر برحسب اندازه و سنگینی نخل آنرا بوسط تکیه آورده درصورت نبودن تکیه بمیان میدان حمل نموده و میگرداندند و در ظرف این مدت مردان و زنان وکودکان از زیر آن میگذشتند . پس از اینکه نخل برزمین نهاده میشد روی دستك هایش خوانچه هائی قرار میدادند که ازشمعهای تقدیمی مردم در و همسایه آراسته شده بود .

در روز عاشورا نیز عادت براین جاری بود که هراندازه ممکن باشد نزدیکتر به نخل حلوا پخته و بین دوستان قسمت نمایند و نیز در همان روز زورمندترین مردم لباس نو دربرنموده وبرای تحصیل افتخار حمل نخل ازمحله ای به محله دیگر باهم نزاع مینمودند هر محله در صدد بود ازحیث بزرگی نخل وگرانبها بودن تزیینات وشماره حمل کنندگان آن از محلات همسایه پیشی جوید . اغلب در موقع حمل نخل منازعه و جار و جنجال برمیخاست و در عهد قاجاریه کار این قسمت بحدی بالاگرفت که گرداندن نخل باهمراهی دسته ژاندارم انجام میگرفت . هنوز نخلهای بی مصرف در دهستانها و میدان های برخی شهر ها دیده میشود و وزن آنها بتفاوت از ۳۰۰ تا ۱۵۰۰ کیلوگرم میرسد .

(نقل از آثار ایران - ترجمه فارسی - جلد اول - جزوه دوم صفحه ۱۰۲)

انك انت السميع العليم صدق الله العظيم و صدق رسوله النبی الکریم **عمل کاتب العبد حسن بن علی بن غیاث البناء .** »

خطوط گردنه گنبد بخط بنائی سه رگی لاجوردی رنگ برزمینه آجری تکرار چهار جمله « یا سلطان » و چهار جمله « یا سبحان » است که یکی در میان نقش بر گنبد است .

سنگابهای امامزاده اسماعیل

درصحن امامزاده اسماعیل که پشت بغل های اطراف آن باکاشیهای خشت هفت رنگ در دوره سلطنت شاه سلطان حسین تزیین شده دوسنگاب نفیس موجود است که کتیبه هر دو سنگاب شامل صلوات بر چهارده معصوم است و یکی از دو سنگاب نام بانی آن (حاجیه شاهمر) وتاریخ نصب آن سال (۱۰۴۹ هجری) را نیز دربردارد کتیبه سنگاب تاریخدار آن بخط ثلث برجسته پس از صلوات بر چهارده معصوم بشرح زیر است :

« وقف نمود برآستانه حضرت امامزاده اسماعیل ۴ این حوض را **حاجیه شاهمر** بنت حاجمیرزا علی جزی برخواری سنه ۱۰۴۹ . »

خطوط وکتیبه های سردرامامزاده اسماعیل

سردر صحن امامزاده اسماعیل در جانب غربی آن و در زیر چهارسوی معتبر و معروف آجری که ساختمان آنرا ازدوره ترکمانان حدس میزنند واقع شده . گنبد چهارسو که بجای کتیبه دارای یك حاشیه‌کاشیکاری است یکی از معتبرترین چهارسو های اصفهان وبنائی بسیار جالب میباشد . (۱) سردر ورودی صحن امامزاده در زیر

---

(۱) تا سال ۱۳۳۵ شمسی گنبد چهارسوی امامزاده اسماعیل در یکطرف دارای شکاف هولناکی بود و بین مردم مشهور بود شکاف در زمان سلطنت شاه عباس اول یا کمی قبل از آن پدیدآمده بوده است وشیخ بهائی دانشمند معروف هرموقع از این طرف عبورمیکرده از این شکاف خطرناك بیم داشته وحتی المقدور ازعبور اززیرگنبد حذرمیکرده‌است . عملیات رفع خطر ازاین شکاف وانجام سایرتعمیرات ضروری گنبد چهارسو درسال ۱۳۳۵ خورشیدی بسرپرستی نگارنده اتمام پذیرفت .

این چهارسو واقع شده و از لحاظ استحکام و قطار بندی و تناسب کمتر نظیر دارد خطوط بنائی فراوانی تزیینات این سردر را تشکیل میدهد.

در بالای پشت بغل سنگی در ورودی بخط نستعلیق برجسته برسنگ نوشته شده است:

بتوفیق سرکاری این بنا — عوض شد بلطف خدا بی عوض



سنگاب تاریخی امامزاده اسماعیل

و درطرفین در، در هرطرف چهارمصراع بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر نوشته شده است:

اول ابراهیم از امر شهنشاه جهان — آنکه محمود دو کون ازطالع مسعود شد

در صفای بقعه و سعی بنای مدرسه — کین عمارات از علو همتش موجود شد

حبذا فرخنده اقبـــــال معلی فطرتی بـانی تعمـیر در ایـن کعبه مقصود شد
صوفی پاك اعتقاد **شاه دین سلطانحسین** ساعی اتمـام هر یك عاقبت محمود شد

« کتبه علی نقی الامامی ۱۱۱۵ »

در دو اسپر بالای سکوهای طرفین سردر بخط بنائی شطرنجی باکاشی لاجوردی برزمینه آجری سوره (نصر) نوشته شده و در دو اسپر طرفین درچوبی صحن بخط بنائی نوشته شده :

« قال النبی صلی الله علیه وآله انا مدینة العلم و علی بابها »

کتیبه سردر صحن امامزاده اسماعیل حاکی از اقدام حاج محمد ابراهیم بیك یوزباشی نسبت بتعمیر و تزیین این بنای تاریخی دردوره شاه سلطانحسین صفوی است کتیبه سردر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی و بخط علی نقی امـامی مورخ بسال ۱۱۱۵ هجری بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . قد وفق الله تعالی مشید ارکان الزمان سلطان العدل والاحسان ومحکم بنیان الامن والامان ناشر المسلك الجعفری ناصر المذهب الاثناعشری السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان **شاه سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان** ۰۰ (۱) هذه العتبة الی السید الجلیل اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طـالب علیـه السلام وکان السالك فی داعی المقرب حضرة السلطان **حاجی محمد ابراهیم بیك یوزباشی** زید تـوفیقه . کتبه ابن محمد محسن علی نقی الامامی سنة ۱۱۱۵ . » (۲)

---

(۱) از کلمه (بهادرخان) ببعد بجای کاشیهای افتاده کتیبه در موقع تعمیر کاشیهـای جدیدی نصب شده و کلماتی جـای داده شده است که از نظر ترکیب جمله هیچگونه معنی و مفهوم پیدا نمی کند .

(۲) مقابل دریچه ضلع غربی حرم امـامزاده اسمـاعیل و مشرف بجوی آبی که در این قسمت عبور میکند یکی از چنارهای کهنسال اصفهان مشهور به چنار امامزاده اسماعیل هنوز درختی جالب و تماشائی است .

کتیبه مسجد شهرستان مورخ بسال ۱۰۴۲

در قریه شهرستان جی که در مجاورت پل شهرستان و مقبره الراشد بالله قرار دارد ویرانه های مسجد محقری مشاهده میشود که فقط کتیبه تاریخی آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ که ساختمان مسجد را بدوره شاه صفی میرساند باقی مانده است . این کتیبه که بخط محمد رضا امامی ومورخ بسال ۱۰۴۲ هجری میباشد بشرح زیر است :

« قال الله تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین فی شهررمضان المبارك سنة ۱۰۴۲ **کتبه محمد رضا الامامی الادهمی** »

لوح سنگی وقفنامه مسجد درب طوقچی و مزار سلطان اسد مورخ بسال ۱۰۴۴ هجری

بر دیوار جنوبی محل اداره فرهنگ اصفهان که در جای (تالار اشرف) از کاخهای دوره صفویه مستقر است سنگ نوشته ای نصب شده که از محل اصلی آن **طوقچی** و مجاورت مقبره **سلطان اسد** بمنظور محافظت آن سالهای پیش انتقال داده شده . این لوح سنگی بطول ۱/۲۰ متر وعرض ۹۰ سانتیمتراست وبطوریکه از کتیبه آن مستفاد میشود در دوره شاه صفی شخصی بنام (حاجی یار بیك صباغ) مسجدی ساخته و دکانهائی بر آن وقف کرده است که درآمد حاصله از آنها را بده قسمت تقسیم کنند و سه قسمت آنرا صرف تعمیر وروشنائی مزار سلطان اسد (این مزار در محله طوقچی درجای خود باقیست) نموده وتتمه را صرف تعمیروروشنائی ومصارف دیگرمسجد نمایند . کتیبه لوح مزبور که بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی‌است بشرح زیرمیباشد :

غرض نقشی است کزما بازماند (۱۰۴۴) که هستی را نمی بینم بقائی

مگرصاحبدلی روزی برحمت (من شهور) کند در کار درویشـان دعائی

درزمان دولت خاقان جمشید رای سکندرصولت وسلطان فریدون فر دارا حشمت ابوالمظفر معزالدوله وعز نصره **سلطان شاه صفی الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان** خلد الله تعالی ملکه ابداً توفیق رفیق حال و قرین آمال کهف الحاج والمعتمرین و زایر رسول الثقلین **حاجی یار بیك صباغ** گشته احداث مسجدی قـویم البنیـان سلیم - الارکان که نموده بود باتمام رسانید واقع در جنب شارع **درب طوقچی** وبضلع شرقی و خالصاً مخلصاً لوجه الله وقف نمود برمسجد مزبور همگی و تمامی چهارباب دکان که یکی بقالیست و همه بدان مربوط است که احداث کرده واقف مشارالیه درست مقابل مسجد مزبور بضلع غربی که دروقف نامه ثبت است وهمگی وجملگی یکباب خـانه معینه واقعـه در جنب مسجد مزبور و همگی تمامی یکدرخانه واقعه در سکه **باب التبریزیه** مشهور بخانه فتح‌الله نساج بحدودی که دروقف نامه مسطوراست وهمگی و تمامی اعیان وعمارت دو در دکان معینه یکی صباغی ویکی علافی که واقف مزبور خود احداث نموده درعرصه معینه که وقف است برمزار کثیرالانوار**سلطان اسد بن‌جنید** متصل بیکدیگر واقع در محله طوقچی مـزبور بحدی که در وقفـنامه مذکور است اثاث آلات وادوات وخم صباغی وغیره که وقف نموده برمسجد مزبور ومزار مذکور و دروقف نامه شرط نموده که آنچه بعلة نفع و اجاره عرصه مزبور و اعیان و اشیاء مذکور بهمرسد منقسم بده قسمت نموده سه قسمت آنرا صرف تعمیر وروشنائی مزار سلطان اسد مزبور نموده تتمه را صرف تعمیر و روشنائی وغیره مسجد مزبور نمایند بشروط واقف .

دنباله این کتیبه بخط نستعلیق ریز در دو حاشیه طرفین لـوح سنگی مذکور در فوق بشرح زیر حجاری شده است :

« چون تولیت موقوفات مزبور مادام الحیات متعلق بواقف مشارالیه وبعد ازآن اولاد او و از دیوان الصداره و ناظران و متصدیان اوقاف اجاره نود ساله نموده بود

خانه باب التبریزیه را بجهة سکنای اولاد خود مشروط بآنکه بعد ازاخراجات تعمیر خانه مزبور آنچه ازوجه اجاره باقی ماند صرف تعمیرفرش وروشنائی مسجد مزبور نماید باز بهمین دستور تولیت خانه مزبور متعلق است باولاد واقف مشارالیه که بعد از تعمیرخانه مزبوره آنچه زائد باشد بشرط واقف صرف تعمیر فرش و روشنائی مسجد مزبور نمایند تغییر دهنده بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار باد . »

آرامگاه میرفندرسکی

آرامگاه میرفندرسکی که در تکیه مصفائی بنام (تکیه میر) در تخت فولاد اصفهان واقع شده سکوی بزرگ مرمری است بطول ۳/۶۰ متر و عرض ۱/۹۰ متر و ارتفاع متجاوز از یکمتر . آرامگاه در هوای آزاد و در ضلع غربی تکیه قرار دارد و در اطراف آن اطاقها و حجراتی واقع شده است که مدفن عده ای از رجال مشهور اصفهان بعد از دوره صفویه میباشد .

میر ابوالقاسم فندرسکی فرزند میرزا بیك بن امیر صدرالدین موسوی حسینی فندرسکی از بزرگان حکما و عرفا و صاحب قصیده معروفی است که با مطلع زیر شروع میشود :

چرخ بااین‌اختران‌نغزوخوش وزیباستی　　صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

کتیبه آرامگاه او برجانب غربی سنگ قبر او بخط ثلث برجسته ومورخ بسال ۱۰۵۰ هجری که حاکی از مقام فضل و دانش و مراتب عرفان او میباشد بشرح زیر است :

« الا ان اولیاءِ الله لاخوف علیهم و لاهم یحزنون »

« هذا مرقد قدوة الاولیاء و زبدة الاوصیاء معتضد الاصفیاءِ معتمد العرفاء قاید السالکین والعاشقین هادی الموحدین والمتألهین السایر فضاءِ الجبروتیة والطایر فی هواءِ اللاهوتیة عارف عوالم الالوهیة مالك ممالك الملکوتیة قطب الذین لاخوف

علیهم ولاهم یحزنون مر کزدایره بل احیاءٍ عند ربهم یرزقون اعلم علماء المتبحرین افضل فضلاء المتفردین جامع المعقول مجمع الفروع والاصول سیاح بوادی الایقان سباح بحار العرفان الفانی فی الله والباقی بالله سید سادات العظام سند اسناد الفخام السید ابوالقاسم الفندرسکی قدس سره الزکی و کان وفاته الف و خمسین من هجرة



آرامگاه میرفندرسکی در تکیه میر واقع در تخت فولاد اصفهان

دراطاق مجاورقبرمیر فندرسکی اشعاری بخط نستعلیق گچ بری شده که نویسنده آنرا میر عماد حسنی میدانند و شامل یکی از غزلهای حافظ است که با مطلع : « روضه خلد برین خلوت درویشان است » شروع میشود و بردیوار مقابل درورودی اطاق اشعار دیگری بشرح زیر گچ بری شده است :

جـای فیض علی چـو تکیه میر — شـد ز فیض خـدای فیض علی

فیض فیـاض گشت و شد تـاریخ — این مکان بـاد جای فیض علی

علی را قـــدر پیغمبر شناسد — که هر کس خویش را بهتر شناسد

در تکیه میر و در اطاق آرامگاه سران ایل بختیاری تابلوئی نقاشی شده که شیخ بهائی و میر فندرسکی و شیری را نشان میدهد . این داستان که شیری از قفس شاهی زنجیر گسسته و گریخته وتصادف با میر فندرسکی وشیخ بهائی نموده در کتب



عکس تابلوی نقاشی موجود در تکیه میر معرف شیخ بهائی و میرفندرسکی

عدیده بصورت های مختلف نوشته شده که در اینجا بایجاز ذکر میشود :

« روزی میر ابوالقاسم فندرسکی وشیخ بهائی در یکی از بالا خانه های عمارات شاهی نشسته بودند (بروایتی در کنار زاینده رود) در این اثنا شیردرنده ای زنجیر

گسسته واز قفس شیرخانه گریخته دفعة بر آنها وارد میشود، شیخ بهائی ازجای خود نجنبیده ولیکن اندکی دچار ترس و وحشت گردیده چنانکه خود را جمع کرده و عبای خود را بدست گرفته نیمی از صورت خود را میپوشاند و میرفندرسکی بقوت نفس ونیروی باطنی و اراده تسخیرشیررا با نگاهی رام کرده اورا می نوازد وقلادی بر گردنش مینهد و در بیان کیفیت شیخ میگوید : من بنیروی دانش دانسته بودم که شیر را تا گرسنه نباشد بر انسان خطری نیست و میر اظهار میدارد : من بقوه تصرف و کرامت یقین دانستم که شیر را تسخیر میکنم . » (۱)

این تابلو قبلا در اطاق بالای سرقبر میر جای داشته و فعلا جزءِ تزیینات اطاق آرامگاه سران بختیاری در تکیه میر است . بین تصویر شیخ بهائی و میرفندرسکی در یك سطر بخط نسخ نام نقاش این تابلو و زمان انجام آن بشرح زیر نوشته شده است: « حسب الفرموده آقا جوهر خواجه حضرت ظل السلطان عمل آقا سید حسین.»

و در اطراف تابلوی نقاشی اشعاری نیز بخط نستعلیق نوشته شده است . (۲)

---

(۱) نقل از مقدمه کتاب تحفة المراد بتصحیح و تحشیه و خط آقای فضل الله لایق چاپ تهران .

(۲) برای اطلاع از تفصیل شرح حال میرفندرسکی مراجعه شود بکتاب (تحفة المراد) تألیف آقای فضل‌الله لایق چاپ تهران .

آثار تاریخی اصفهان از دوره شاه عباس دوم

مسجد ساروتقی

بازار ساروتقی و (مسجد بزرگ ساروتقی) و(کاروانسرای ساروتقی) و(مسجد کوچك ساروتقی) و چهارسوی ساروتقی بنا های قدیمه ایست که هم اکنون بنام ساروتقی صدر اعظم شاه صفی وشاه عباس ثانی درشهر اصفهان موجود است . نام بانی ساختمان این بنا ها **محمد تقی** فرزند هدایت الله تبریزی نانوا بوده است که ابتدا سربازی گمنام بوده و در قزوین در قشون سلطان محمد خدا بنده صفوی خدمت میکرده است و بتدریج بعلت کفایت وکاردانی از طرف شاه عباس کبیر بحکومت مازندران منصوب شده وکارهای مهمی در این قسمت از مملکت انجام داده است که ازآنجمله سنگفرش راه باتلاقی مازندران و ایجاد راه جدیدی از فیروز کوه بآمل و بنای شهر اشرف (بهشهر) و امور دیگری از این قبیل بوده است و شاه عباس بمناسبت موهای بور و زردش او را (ساروتقی) لقب داده بوده است .

ساروتقی پس ازمرگ شاه عباس اول با لقب (اعتماد الدوله) بصدارت شاه صفی برگزیده شد وتمام امور مملکت درقبضه اختیار او درآمد وپس از مرگ شاه صفی چون شاه عباس دوم جوان خرد سال و بی تجربه ای بود یکمرتبه زمام کلیه امور بدست ساروتقی افتاد ومادرشاه عباس دوم مخصوصاً از او شدیداً حمایت داشت . امرا ومتنفذین دیگر که ارتقاءِ روز افزون سارو تقی را نمیتوانستند دید ورقیبان اودائماً پیش شاه از وی سعایت و بدگوئی میکردند تا آنکه **جانی خان قورچی باشی** که رقیب سرسخت وی بود باتفاق نقدی خان بیگلربیکی سابق کوه گیلویه وعربخان بیگلربیکی سابق شیروان و ابوالفتح بیك جبا دار باشی و عباسقلی بیك استاجلو قورچی تیر وکمان وعلی میرزا بیك شیخاوند صبح روز چهارشنبه بیستم شعبان سال ۱۰۵۵ هجری بمنزل او رفته و بطور ناگهانی ویرا بقتل میرسانند . شاه عباس دوم پس از اطلاع ازقتل ساروتقی ابتداءِ نسبت بتوطئه کنندگان در قتل وی روی خوش

نشان داد ولی چهار روز بعد بدستور وی جمیع توطئه کنندگان در قتل ساروتقی را دستگیر نموده کشتند . (١)

بناهای معتبرمتعلق بساروتقی شامل یك بازار و یك مسجد وکاخ مخصوص او در یك قسمت از شهر اصفهان و بازار و مسجد وکاروانسرای دیگری در قسمت دیگری از شهراست . **شاردن** سیاح فرانسوی که دردوره پادشاهی شاه عباس دوم وشاه سلیمان دراصفهان بوده است مینویسد : « کاخ ساروتقی که یکی از زیبا ترین کاخهای ایران بوده پس از مرگ وی بحال ویرانی افتاد و اکنون بفرمان شاه مسکن داروغه یا فرماندار شهر است . »

ساروتقی اگرچه عمری را بعزت وبزرگواری طی کرد اما با وجود این از شر زبان مردم و شعرای زمان در امان نبود چنانکه در همان ایام ملامظفر ترکه (٢) شاعر او را بدین نحو هجو نموده است :

ساروتقی که حالاایرانیان مدار است　　　یاران حذر نمائید الماس لکه داراست

---

(١) برای اطلاع ازتفصیل زندگانی ساروتقی وزیرشاه عباس دوم وواقعه قتل اومراجعه شود بکتاب تاریخ عباسنامه صفحه ٦٤ تا ٦٩ و سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی (ترجمه فارسی) چاپ اصفهان صفحه ١٢ تا ٢٠ ومقاله مشروح استاد نصرالله فلسفی درمجله اطلاعات ماهانه شماره اردیبهشت ماه ١٣٢٩ .

سید عبدالحسین خاتون آبادی مؤلف تاریخ « وقایع السنین والاعوام » نوشته است بعد از هفت روز ازکشتن میرزا تقی اعتماد الدوله در سال ١٠٥٥ جانی خان وغیره بقتل رسیدند و راقم اوراق در آنموقع ١٧ ساله بودم : « صفحه ٥٥٧ نسخه خطی وقایع السنین والاعوام متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی » .

(٢) ولی قلی شاملومؤلف کتاب (قصص الخاقانی) معاصرشاه عباس ثانی ملامظفر ترکه (بضم ت) را چنین معرفی کرده است :

« **میرزا مظفر ترکه** از نبیره هـای خواجه افضل الدین محمد تـرکه است که در دوره شاه اسماعیل اول بمنصب قضای دارالسلطنه اصفهان سرافراز بوده وتولیت مسجد جامع اصفهان و مقبره مشایخ یزد با اجداد او بوده . در سال ١٠٧٦ جزء منشیان دربار شاه عبـاس ثانی بوده و سالیانه چهل تومان باو پرداخت میشده . مردی ظریف و بذله گو و عیاش بوده و در مورد امرای شاه عباس سخنان لطافت آمیزمیگفته مانند بیت فوق الذکر که در مورد ساروتقی گفته است. »

مسجد مخدوم الامراء و خادم الفقراء اعتماد الدوله میرزا محمد تقی مشهور بساروتقی مورخ بسال ۱۰۵۳ هجری

مسجد بزرگ ساروتقی وزیر شاه عباس ثانی که صحن آن چندان وسعت ندارد و گنبد آن درنوع خود از گنبد های منحصر بفرد مساجد تاریخی اصفهان است در فاصله بین بازارمقصود بیك وبازارچه حسن آباد درمجاورت امامزاده احمد که یکی دیگر از بنا های تاریخی اصفهان است واقع شده . قسمتهائی از طاق بازار خراب شده وبرفراز سردرمسجد ومنزل ساروتقی قسمت جالبی ازبازارزمان وی باقی‌مانده نمای گنبد مسجد ساروتقی در خارج آجر ساده است ولی در داخل مانند سقف قصر های زمان صفویه با نقاشی و گچ بری تزیین شده و این نوع تزیینات گنبد مسجد ساروتقی را از گنبد های سایرمساجد اصفهان ممتازمیسازد . درداخل گنبد هیچگونه کتیبه‌ای موجود نیست ولی سردر مسجد که مشرف ببازار است دارای کتیبه ایست که بخط محمد رضا امامی میباشد . این کتیبه که بخط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی‌لاجوردی رنگ و مورخ بسال ۱۰۵۳ هجری است بشرح زیر میباشد :

«فی ایام الدولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مروج المذهب الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان بن السلطان **ابوالمظفر شاه عباس الموسوی الحسینی الصفوی الثانی بهادرخان** (۱) خلدالله ملکه وسلطانه توفیق بنای این مسجدیافت مخدوم الامراء و خادم الفقراء اعتماد الدولة العلیة العالیة **میرزا محمدتقی المشهور بساروتقی** فی ۱۰۵۳ **کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی الادهمی** .»

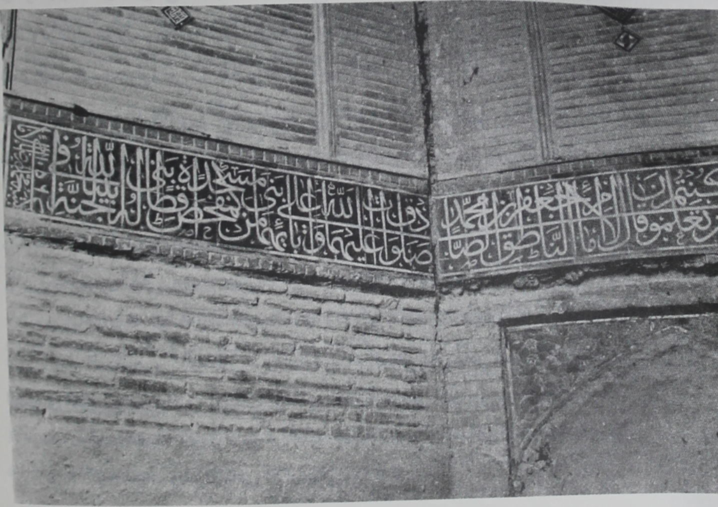
چهارسوی بازار ومسجد کوچك ساروتقی

چهارسوی بازار ساروتقی که امروز در بازار معروف ببازار (قهوه کاشیها) که از بازار اصلی منشعب میشود واقع شده است شامل یك بازار و یك چهارسو در وسط آنست . کاروانسرای ساروتقی در ضلع شمالی چهارسو و مسجد ساروتقی در ایوان

---

(۱) جمله (شاه عباس الموسوی الحسینی الصفوی الثانی) در این کتیبه بخط فیروزه ای برزمینه لاجوردی رنگ است .

جنوبی آن واقع است . در حال حاضر کاروانسرا با تغییراتی که در آن داده شده و مالك خصوصی دارد معمور و دایر است ولی مسجد وضع اسفناکی دارد و قسمتی ازمقرنسهای آجری سردر و کتیبه خط ثلث آن که بقلم محمد رضا امامی‌است ریخته و از بین رفته است . سقف بازار آن در بعضی قسمتها فرو ریخته و تعمیر نشده است این بازار پیش از آنکه خیابانهای جدید اصفهان احداث شود چون در مسیر راهی



کتیبه سردر مسجد کوچك ساروتقی بخط محمد رضا امامی

واقع میشده است که میدان نقش‌جهان وابتدای بازار را بمیدان‌قدیم ومحلات مجاور هارون ولایت وصل میکرده وضع بهتری داشته ولی اکنون که عبور و مرور زیاد ازاین طریق انجام نمیگیرد بصورت یك بازارچه متروك فراموش شده در آمده است.

شاردن پس از توصیف قسمتی از بازار از مدرسه (جده) نام میبرد و میگوید

این مدرسه باسم بانی آنست که یکی از زنان شاه صفی است و در هشتاد سـال قبل ساخته شده و بعد ببازار (ساروتقی) میرویم . در این بازار در یك سمت کاروانسرا و در سمت دیگر یك حمام است که هر دو را بنام ساروتقی سازنده آنهـا میخوانند نقشه ساختمان این کاروانسرا وسیع‌ترین نقشه ها بوده ولی بعلت آنکه تاهنگام قتل ساروتقی باتمام نرسیده ناقص است فقط طبقه پائین آن بسیارزیبا ومسکون است (۱)

کتیبه سردرمسجد کوچك ساروتقی: کتیبه سردر این مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد رضـا امامی و مورخ بسال ۱۰۵۶ هجری بشرح زیر است :

« قال الله سبحانه تبارك و تعالی انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة ولم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین و قال عزوجل یا ایها الذین آمنوا اذا (۲) نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکرالله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون . قال الامام الناطق جعفر بن محمد الصادق صلوات الله علیهما و علی آبائهما من بنی مسجداً کمفحص قطاة بنی الله له بیتاً فی الجنة فی **۱۰۵۶ کتبه محمد رضا الامامی** . »

اشعار فارسی در اطراف چهارسوی ساروتقی بخط محمد رضا امامی.
مورخ بسال ۱۰۵۶ هجری

بطوریکه شرح آن گذشت سـاروتقی در سال ۱۰۵۵ هجری کشته شد و بنـای چهارسو و مسجد کوچك آن که بدستور وی شروع شـده و ناتمام مـانده بوده است یکسال پس ازقتل وی باتمام رسیده. دراطراف چهارسو درهشت لوحه دربالای چهار گوشواره زوایای چهارسو بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی‌خشت‌لاجوردی رنگ بقلم

(۱) شوالیه شاردن فرانسوی (ترجمه فارسی) چاپ اصفهان صفحه ۶۵

(۲) ازاین‌کلمه تاشروع جمله (وذروا البیع) بمرورزمان ریخته وکتیبه ناقص شده است.

محمد رضا امامی ومورخ بسال ۱۰۵۶ هجری چهار بیت شعر نوشته شده است که بیت آخر آن بطور ایماء و اشاره حاکی از واقعه قتل ساروتقی و اتمام بنا در فاصله یکسال پس از درگذشت وی است. اشعار بشرح زیر است :

دولت عباس ثانی در جهـــــان	..................(۱)
خاك در گاهش ز...چشم	از شـرف شد جـانشین تـوتیـا
سال تـاریخش چو جستم از خـرد	در ره این مصـرعم شـد رهنمـا
حاسد شه را سرافکندند و شـد	چار ارکان چار رکن این بنـا

۱۰۵۶

و دریك نیم لوح در آخر این اشعار بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده است : « کتبه المذنب المحتاج محمد رضا الامامی »

کتیبه لوح سنگی چهارسوی ساروتقی

بر یکی از دیوار های بازار چهارسوی ساروتقی که فعلا در حال ویرانی است لوح سنگی بطول ۵۰ و عرض ۳۰ سـانتیمتر نصب شده که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

« مخفی نماند که چهاردانگ از دکان نشاسته گری جنب چهارسوق ساروتقی با متعلقات آن بموجب وقف نامه جداگانه وقف است بر تعزیه داری جنـاب خامس آل عبا حضرت سيد الشهداءِ علیه آلاف التحية والثناء و یکدانگ دیگر وقف است بر امام زاده واجب التعظیم امامزاده اسماعیل . هر کس تبدیل و تغییر دهد بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود . فی غره ذیحجة الحرام ۱۲۹۸ . »

---

(۱) کاشیهای تمام این مصراع و چندکلمه از مصراع سوم وجود ندارد .

مدرسه جده بزرگ

در بازار اصفهان دو مدرسه طلبه نشین از دوره شاه عباس ثانی باقی مانده است که یکی از آنها را مدرسه جده بزرگ ودیگری را جده کوچك مینامند . این دو مدرسه ازلحاظ وسعت یکسان نیست . مدرسه ای را که ازحیث وسعت کوچکتراست جده بزرگ شاه بنا کرده ومدرسه‌ای را که ازحیث وسعت بزرگتر است جده کوچك شاه بنانموده اما امروز اطلاق کلمه بزرگ و کوچك ازطرف عموم مردم برحسب وسعت بنا است باین ترتیب که مدرسه بزرگتررا (مدرسه جده بزرگ) ومدرسه کوچکتررا (مدرسه جده کوچك) مینامند و ما هم در این مبحث اطلاق عنوان جده بزرگ و کوچك را بترتیبی که مردم میگویند در نظر گرفتیم .

مدرسه جده بزرگ که در بازار اصلی اصفهان واقع شده و نهر آبی ازوسط آن میگذرد واطراف صحن آن کاشیکاری شده ودارای دوطبقه حجرات طلبه نشین است در دوره سلطنت شاه عباس دوم ودر سال ۱۰۵۸ هجری بنا شده . کتیبه سردر این مدرسه بخط ثلث سفید باکاشی معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم محمد رضا امامی و مورخ بسال ۱۰۵۸ هجری بشرح زیراست :

« قد وفقت علیا حضرت المفخمة المکرمة المعظمة النبیلة الجلیلة العلیة العالیة جدة السلطان الاعظم والخاقان الافخم مالك رقاب الامم مروج مذهب الائمة الاثناعشر(۱) علیهم السلم السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان **ابوالمظفر شاه عباس الثانی الحسینی الصفوی بهادرخان** خلدالله تعالی ایام دولته ومعدلته وسلطنته الی یوم الدین ببناء هذه المدرسة المبارکة و وقفها علی الطلبة الاثنی عشریة و ذب فی نفعها ببنائها الدین و وفقها لتحصیل مآرب النشأتین بحق النبی سید الکونین **فی ثمان و خمسین و الف کتبه محمد رضا الامامی** . »

تزیینات داخل مدرسه دراطراف آن کاشیکاری است و فقط در یك لوحه کوچك

---

(۱) کلمه (اثنا) درکتیبه بهمین ترتیب نوشته شده .

بررأس پشت بغل ضلع شرقی صحن بخط نستعلیق مشگی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ نوشته شده است :

« گشت تعمیر این خجسته بنا ۱۳۳٤ »



لوح سنگی مرمری درداخل مدرسه جده کوچك ازدلارام خانم جده شاه عباس دوم

مدرسه جده کوچك

این مدرسه که در قسمتی از بـازار بزرگ اصفهان بنام (قهوه کاشیهـا) واقع شده بموجب يك كتيبه كه بر لوحی از سنگ مرمر بطول ۹۵ و عرض ۷۰ سانتیمتر نقش بسته و بر دیوار یکی از غرفه های شمالی مدرسه نصب شده در دوره شاه عباس ثانی بوسیله جده او بنام (دلارام خانم) ساخته شده . کتیبه این لوح بخط ثلث برجسته و مورخ بسال ۱۰۵۷ هجری بشرح زیر است :

« قد صدر الامر بانشاء هذه العمارة المباركة و بنائها من جانب عليـا حضرت المعظمة المطهرة المكرمة المفخمة المخدرة الموفقة جدة سلطان الاعظم والخاقـان الاكرم مالك رقاب الامم مولى ملوك العرب والعجم اشـرف سلاطين العـالم سمى عم خير المرسلين نور حدقة الزمـان عين الاعيـان السلطان بن السلطان بن السلطـان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان **شاه عباس الثانی الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان** خلدالله تعالى ملكه وهى الناموس العظمى والمخدرة الكبرى المحلية باخلاق الزهراء **دلارام خانم** وفقها الله لما يحب و يرضى **فی تـاریخ شهر رجب سنة سبـع و خمسین بعد ا لف** بسعی **ولی آقا** باتمام رسید . »

کتیبه سردر مدرسه جده کوچك

کتیبه سردر این مدرسه که تعدادی حجرات طلبه نشین دارد و پشت بغل هـای نمای اطراف عمارت دو طبقه آن تزیینات کاشیکاری نیز دارد بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم محمد رضا امـامی و مورخ بسال ۱۰۵۶ هجری بشرح زیر است :

« قد وقفت علیاحضرت المفخمة المکرمة المعظمة النبيلة الجليلة العلية العـالية جدة السلطان الاعظم والخاقان الافخم مالك رقاب الامم مروج مذهب الائمة الاثنى عشر عليهم السلم **ابوالمظفر شاه عباس الثانی الحسینی الصفوی** خلدالله تعالى ايـام معدلته

وسلطنته الى يوم الدين ببناء هذه المدرسة المباركة ووقفها على الطلبة الاثنى عشرية و جعلت ثوابها هدية لروح خلف السلاطين العظام سلالة الخواقين الكرام المرحوم المغفور المبرور والواصل الى رحمة ربه الغفور **السلطان صفى ميرزا** اشمله الله بغفرانه و ببنائها نفعها فى الدين و وفقها لتحصيل مآرب النشأتين بحق النبى سيد الكونين **كتبه محمد رضا الامامى فى ١٠٥٦ .»**



نمای داخل مدرسه جده کوچك در بازار قهوه‌کاشیها

کاخ چهلستون

تالارهای وسیع کاخ تاریخی چهلستون از آثار دوره سلطنت هفتمین پادشاه صفویه شاه عباس دوم (۱) است که محل بارعام و کاخ پذیرائیهای رسمی آن پادشاه بوده است تاسال ۱۳۲۷ خورشیدی چون تاریخ بنا بدست نیامده بود اظهار نظر درباره تاریخ بنای چهلستون مشکل مینمود لکن در سال مزبور در نتیجه‌کاوشهائی که بعمل‌آمد درجبهه تالارکاخ اشعاری دردو کتیبه اززیر گچ بدست‌آمد که یکی کوتاهتر وبرزمینه صورتی رنگ بنای تالارچهلستون را بشاه عباس دوم نسبت میدهد و سال اتمام آنرا ۱۰۵۷ هجری تعیین میکند و دیگری که طولانی تر است و خطوط آن گچ بـری برزمینه آبی رنگ است از تعمیرات زمان شاه سلطانحسین حکایت دارد .

ازنتیجه تحقیقات درباره چهلستون چنین مستفاد میشود که باغ وسیع چهلستون را شاه عباس کبیرطرح انداخته و دروسط آن عمارتی بشکل کلاه فرنگی بااطاقهای

---

(۱) مؤلف (قصص الخاقانی) نوشته است جلوس شاه عباس دوم برتخت سلطنت هنگامی صورت‌گرفت که ازسن اونه سال وهشت ماه و۲۸ روزگذشته بود. وفات پدرش شاه صفی روز دو شنبه ۱۲ ماه صفر ۱۰۵۲ درکاشان اتفاق افتاد و در باره وفات وی چنین‌گفته شد :

شاه صفی پادشه بحر و بـر — کرد چه از عالم فانی گذر

گفت خرد از پی تاریخ او — **ماه صفرکرد ز دنیـا سفر**

عمر شاه عباس دوم ۳۴ سال و نه ماه و چهارده روز و ایام سلطنتش ۲۵ سال و پـانزده روز بوده است . در خسروآباد دامغان درماه ربیع الثانی ۱۰۷۷ وفات‌کرده . روزسیزدهم جنازه او وارد قم شده و روز چهاردهم جمادی الثانی در جـوار حضرت معصومه (ع) دفن شده است .

ولی قلی شاملو مؤلف قصص الخاقانی نوشته است شاه عباس ثانی در مرض موت وصیت کردکه از مـال او هر سـال دوازده شمعدان نقره و دو عدد عود سـوز طـلا تهیه کنند (معادل یکهزارتومان بپول آنزمان) ونثار مرقد حضرت رضا (ع) نمایند ودرپایان یکسال متولی آستانه این اشیاء را بپول رایج تبدیل نموده و بزوار ارض اقدس خرج راه بدهند . برمسکوکات او این شعرنقش شده بود :

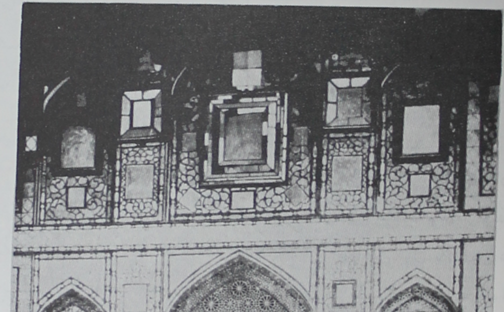
بگیتـی سکه صـاحبقـرانی — زد از توفیق حق عباس ثانی



تزیینات اصلی تالارهای کاخ چهلستون ازدوره سلطنت شاه عباس دوم

کوچکی در اطراف آن احداث شده بوده است سپس باشروع سلطنت شاه عباس دوم عمارت مزبور توسعه داده شده و تالار ها و ایوانهائی بر آن افزوده اند . اکنون جای تردید نیست که تالار ۱۸ ستون و تالار آینه و تزیینات آینه کاری و مجالس نقاشی سالن پادشاهی چهلستون باستثنای دوتابلوی معروف بجنگ چالدران و کرنال که از الحاقات بعد ازصفویه است از اقدامات دوره شاه عباس دوم است . وجه تسمیه چهلستون بعلت تعدد ستونهای این کاخ است که درایران تعدد و کثرت را بیشترباعدد چهل بیان میکنند اما تصادفاً چون تعداد ستونهای تالار چهلستون بیست عدد است و انعکاس عمارت و ستونها هم در استخر مقابل آن بخوبی مشهود است جمعی از راه تفسیر گفته اند که این کاخ با انعکاس آن در آب مفهوم چهلستون پیدا میکند . هریک

از ستونهای بیست گانه تالار از یك تنه درخت چنار تشکیل شده و برروی آنها قشر نازکی از تخته رنگ شده وجود دارد که سابقاً با آینه و شیشه های رنگی پوشیده شده بوده است. تمام دیوار ها از آینه های قدی وشیشه های رنگی و نقاشی های زیبا تزیین شده بوده و همه درها و پنجره ها از نوع منبت وخاتم بوده است. استخر



تزیینات آینه‌کاری و نقاشی و نمونه در وپنجره های اصلی یکی ازجبهه های تالارکاخ چهلستون

مقابل عمارت بطول ۱۱۰ متر و عرض ۱۶ متر اکنون هم طراوت و زیبائی خاصی باین کاخ میدهد و جهش آب در حوض وسط تالار از دهان چهارشیری که در چهار گوشه حوض قرار دارند و فواره های سنگی که نقطه بنقطه درجوی کوچك اطراف عمارت قراردارند صفای مخصوصی باین عمارت میداده است . درساعات قبل ازظهر پرده های نفیسی دراطراف تالاربزرگ آویزان میشده است که درچندین جا قرقره های اصلی آنها هنوز باقی است و بالاخره ایجاد سقف عالی نقاشی ایوان ۱۸ ستون و سقف آینه کاری تالار که دو سقف بی نظیر محسوب میشوند از سبك های جالب طاق زدن در معماری ایرانی محسوب میشود .

موضوع مجالس نقاشی سالن پادشاهی که درضلع غربی تالار واقع شده ازمقابل در ورودی بترتیب از راست بچپ عبارتست از: مجلس بزم شاه عباس کبیر وپذیرائی او از ولی محمد خان پادشاه ترکستان ـ جنگ شاه اسماعیل اول با قشون عثمانی درچالدران (از الحاقات بعد ازدوره صفویه) ـ مجلس پذیرائی شاه طهماسب اول از همایون پادشاه هندوستان . و درجهت مقابل این نقاشی ها در ضلع شرقی سالن از راست بچپ : منظره یکی از جنگهای شاه عباس کبیر با ازبکان (بنظر مؤلف این تابلو معرف جنگ طاهر آباد مرو بین شاه اسماعیل اول و شیبك خان ازبك است) جنگ نادرشاه افشار باهندوها در کرنال (از الحاقات بعد ازدوره صفویه) ومجلس پذیرائی شاه عباس دوم از ندر محمد خان پادشاه ترکستان (این تابلو روبروی تابلوی بزم شاه عباس کبیر قراردارد)

در دو ایوان طرفین سالن مزبور تصاویری نیز از سفرا و اروپائیان مشهوری که در آن عهد در پایتخت ایران بسر میبرده اند و فعلا شناخته نمیشوند جلب توجه مینمایند. تصاویر اروپائیانی که درکاخ چهلستون نقاشی‌شده ومعدودی از آنها موجود است کار دونفر نقاش هلندی بنام **آنژل** (Angel) **و لوکار** (Lokar) است که دردربار



مجلس بزم شاه عباس کبیر و پذیرائی او از ولی محمد خان فرمانروای ترکستان درسالن پادشاهی کاخ چهلستون

شاه عباس دوم بسر میبرده اند و چون این پادشاه بنقاشی اشتیاق فراوان داشته است از طرف نماینده شرکت هلندی در اصفهان بخدمت وی گماشته شده بودند. (۱)

در طرف جنوبی تالار آینه اطاق بزرگ دیگری است که در اطراف آن چندین تابلوی مینیاتور جلب توجه میکند و یکی از قسمتهای تماشائی آن پنجره عالی گچ بری است که شاهکار این صنعت بشمار میرود. پنجره مزبور ابتدا بتمامی از گچ ریخته شده وسپس خلل وفرج آن با شیشه های رنگی تزیین گردیده و بالنتیجه ترکیبی عالی و بی نظیر بوجود آمده است. این پنجره از بنای تاریخی دیگری بنام درب امام برای محافظت و مراقبت بیشتر در نگاهداری آن بعمارت چهلستون انتقال داده شده و در محل فعلی نصب گردیده است. قرینه اطاق مزبور در سمت شمال تالار آینه اطاق دیگری است که آنهم دارای تابلوهای زیبائی میباشد وتزیینات طلاکاری سقف آن بصورت اصلی از زیر گچ خارج شده است.

چهار قطعه پایه ستونهائی که بصورت مجسمه های شیر و انسان در چهار گوشه استخر قرار دارند و دو تخته سنگ حجاری شده بشکل چهار شیر که در دو باغچه طرفین خیابان ورودی این عمارت قراردارد متعلق باین کاخ نیست وتنها آثار برجای مانده یکی ازقصرهای زمان صفویه بنام (سرپوشیده) وقصردیگری بنام (آینه خانه) است که فعلا وجود خارجی ندارند.

ضمن تعمیرات سال ۱۳۳۵ خورشیدی در عمارت چهلستون سه اطاق نقاشی از زیر گچ خارج شده که بسیار جالب است و در یکی از آنها مجلس بزرگ شاهانه با دوازده تصویر و مینیاتور شاه عباس کبیر با تاج مخصوص و تصاویر و مینیاتور ها و نقاشی های گل و بوته طلائی از آثار قابل ملاحظه و بقلم رضای عباسی نقاش و هنرمند معروف عهد شاه عباس جلب توجه مینماید.

---

(۱) رجوع شود بتاریخ روابط ایران واروپا دردوره صفویه تألیف استاد نصرالله فلسفی صفحه ۱۰۴



تصویر شاه عباس کبیر با تاج مخصوص در اطاق گنجینه کاخ چهلستون (۱)

فلاندن (۲) نقاش فرانسوی که بهمراهی معمار و باستانشناس فرانسوی کست (Cost) در دوره پادشاهی محمد شاه قاجار بایران آمده و اصفهان و عمارات تاریخی آنرا دیده است درخصوص عمارت چهلستون پس از توصیف بنا میگوید : « خیلی خوشحالم که این عمارت را بدون عیب وخرابی یافتم. باید شکر کرد که جنگها واغتشاشات بدان آسیب نرسانده است . » بنا بر این در قرن سیزدهم هجری که دو قرن تمام

این تصویرو بسیاری مینیاتورهای دیگر بقلم رضای عباسی دردیماه ۱۳۳٤ خورشیدی ضمن گچ برداری ازاطاق سمت راست شاه نشین تالارچهلستون که بسرپرستی مؤلف انجام میشد بدست آمد . تصاویری که نقاشان فرنگی از شاه عباس کبیر قلمی نموده اند بیشتر شبیه باین تصویر و با تاج مخصوص است .

(۲) Eugène Flandin

از تاریخ ساختمان عمارت چهلستون میگذشته عمارت مزبور سالم بوده و هیچگونه خرابی بعمد و یا سهو در آن راه نیافته بوده است . عموم درها یکسره از خاتم و بعضی ها منقش بنقوش دلربا بوده و پنجره های کاخ بسیار زیبا و فریبنده وتماشائی



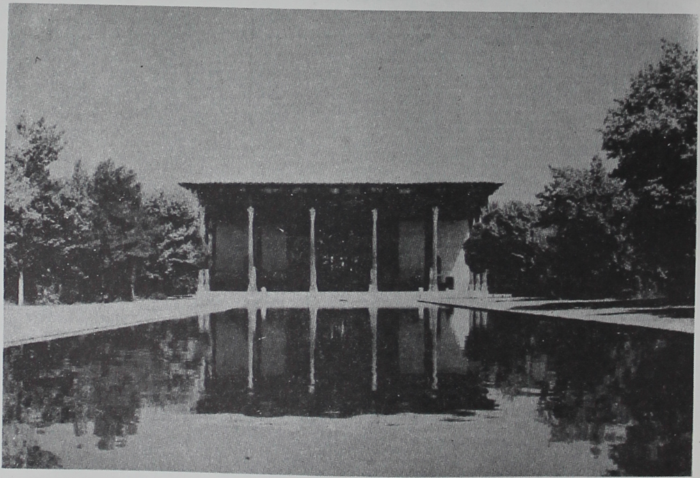
نمونه ای از تابلوهای متعدد مینیاتور درکاخ چهلستون

بوده است . ستون ها که اکنون عاری از تزیینات است همه ازآینه های ریزه لوزی شکل رنگارنگ مستور بوده و نقاشیها و مینیاتورهای قسمتهای پائین سالن پادشاهی و اطاقهای طرفین ایوان آینه واطاقهای کوچك زوایای قصر واطاقهای فوقانی آنها و نقاشی های دو ایوان جنوبی و شمالی ومینیاتورها که بعداً از زیر گچ خارج شده و بعضی ها تعمیر گشته و برخی دیگر بصورت اصلی نگاهداری شده همه صحیح و سالم و بدون هیچگونه عیب و نقصی جلب توجه سیاحان و تماشاچیان را مینموده و معرف کلك سحر آمیز نقاشان و هنرمندان ایران بوده است .

تاحدود سال ۱۲۹۸ هجری قمری که مادام دیولافوا (Mme. Dieulafoy) عمارت مزبور را تماشا کرده و شرح آنرا درسفرنامه خود نگاشته تزیینات مزبور بحالت اصلی خود باقی بوده ولی ازهمین زمان ومقارن سال ۱۳۰۰هجری قمری بوده است که خرابی بسیار در این عمارت و سایر کاخهای صفویه بعمد راه یافته و بسیاری از تزیینات نفیس عمارت مزبورمانندآئینه های یکپارچه ودرهای خاتم ومنقش وپنجره های شگفت انگیزآن بباد تاراج رفته است .

شیخ جابری انصاری درباره تزیینات عمارت چهلستون چنین‌نوشته است:

« خصوصاً آئینه چهلستون نما یا جهان نمای دیوار بالای سرحوض که چندان بزرگ و عالی و شفاف و روشن بوده هرقدر جمعیت از درب عراده چهلستون که تا



منظره فعلی عمارت چهلستون با انعکاس آن در استخر مقابل کاخ

آئینه بخوبی نمودار بود ودربها یکسره خاتم وپاره‌ای منقش بنقوش دلربا کاراساتید بزرگ وستونها نیز بآئینه های ریزه ورنگارنگ با نقاشی های قشنگ زینت افزا وآن آئینه هارا بادربها بحدود ۱۳۰۰ قمری بمسعودیه تهران بردند.» وبازمینویسد:

«بکودکی یاددارم در طنابی چهلستون قالی یك تخته دو رو بـاف بود که هر وجبی از آنرا به بهاءِ گزاف میخریدند در نتیجه بی‌مبالاتی از سال ۱۲۹۸ قمری تا ۱۳۰۵ قطعه قطعه ازمیان رفت.» (۱)

کتیبه های تاریخی درکاخ چهلستون

بموجب یك کتیبه تاریخی که در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در جبهه تـالار عمارت چهلستون از زیر گچ خارج شده کاخ چهلستون در پنجمین سال سلطنت شاه عباس دوم و در سال ۱۰۵۷ هجری باتمـام رسیده است. کتیبه مزبور شامل دوازده لوحه شش ضلعی است که بخط نستعلیق سفید بر زمینه صورتی رنگ در هریك از آنها یکی ازدوازده مصراع زیر گچ بری شده است:

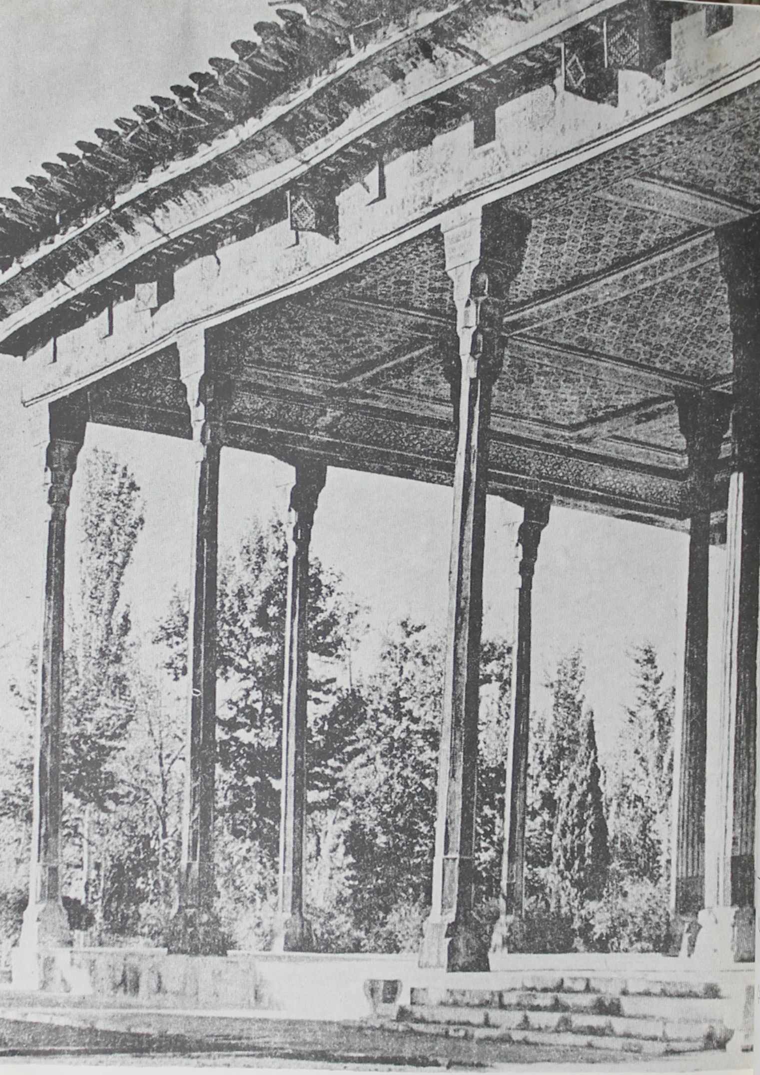
.... عباس ثانی (۲)	که عهدش جوان کرد پیرجهان را
بنا کرد از فیض لطف الهـــی	بنائی که شد رشگ نه سقف مینا
زبس رفعتش بر سپهـر کواکب	نمـاید چو ریگ ته جو ثـریا
کواکب چو گلهای باغش نمایان	مجره درو همچو جوئیست پیدا
کند سالهـا اندر آن کامرانی	بـود قرنها سجده گـاه برایا
مبارك بود زآنکه تـاریخ آن شد	**مبارك تـریـن بـنا هـای دنیا**
	۱۰۵۷

---

(۱) رجوع شود بصفحه ۳۴۴ و ۳٤٦ (تاریخ اصفهان و ری) تألیف جابری انصاری

(۲) ازمصراع اول فقط دوکلمه (عباس ثانی) باقی‌مانده است ومیتوان این مصراع را (بدور شهنشاه عباس ثانی) تصور کرد.

تصویر مقابل: منظره تالار هیجده ستون کاخ چهلستون ⇦



مصراع آخر اشعار مزبور که عبارت : (مبارك ترین بنا های دنیا) میباشد بحساب حروف ابجد سال (۱۰۵۷) هجری است .

محمد طاهر وحید قزوینی صاحب کتاب عباسنامه که معاصر با شاه عباس دوم بوده است تحت عنوان (شرح ساختن عمارت مبارک که دولتخانه موسوم بچهل ستون) چنین مینویسد :

« این کاخ زر اندود و قصر مذهب در سنه تنگوزئیل ۱۰۵۷ زیور تعمیر پوشید ارباب طبع و اهل نظم در باب بنای آن تواریخ گفته و بالماس تفکر گوهرهای آبدار معانی سفته اند از جمله این مصراع بخاطر وقاد ایران مداری سلطان العلمائی رسیده بود که « **مبارك ترین بنا های دنیا** ۱۰۵۷ » و بالفعل همین تاریخ بر کتابه آن زیبا عمارت منقوش است و راقم حروف را نیز این تاریخ بخاطر رسید که :

مرحبا دولت سرای خسرو ایرانیان — ای مبارك منزل عیش و نشاط جاودان

کی توان گنجاند شرح وسعتش را در سخن — کوته از اندازه عرضش بود طول بیان

در حریمش برزمین هر گز نمی افتد سخن — زانکه فرش آستان اوست سقف آسمان

هر کجا باشد تماشائی تماشا ممکن است — رفته همچون صیت خوش از شیروان تا قیروان

گفتمی گر ابتدا و انتها میداشتی — سایه او را سواد کشور هندوستان

هست چون اینخانه از شاهی که شاه عالم است — سال تاریخش از آن شد **خانه چشم جهان (۱)**

محمد علی صائب تبریزی اصفهانی ملك الشعرای دوره شاه عباس ثانی ضمن قصیده ای در مدح شاه عباس دوم و توصیف عمارت چهلستون که در ۶۷ بیت برشته نظم کشیده است ماده تاریخ بنای چهلستون را در مصراع آخر ابیات خود بشرح زیر آورده است :

درسواد اصفهان دولت سرائی طرح کرد — کزشکوه او خجل گردید قصر آسمان

چون بتوفیق الهی صورت انجام یافت — این بنای میمنت بنیاد در نقش جهان

---

(۱) تاریخ عباسنامه تألیف محمد طاهر وحید قزوینی صفحه ۹۱

خـامه صائب رقم زد از پی تـاریخ او　　**قبله‌گاه تاجداران باد دایم این مکان (۱)**

صاحب کتاب قصص الخاقانی نوشته است که درروز دو شنبه دوم ربیع الاول سال ۱۰۵۶ هجری عمارت **دیوانخانه** (قصر چهلستون) درباغ دلگشای **جهان نما** باتمام رسید و در روز افتتاح این عمارت **قوش بیکی** ایلچی عبدالعزیز خان والی بخارا بخدمت شاه عباس دوم رسید وعریضه خودرا تقدیم کرد ودرهمین مجلس فرستادگان روسیه هم هدایای خودرا تقدیم داشتند و **جان نثارخان** سفیر هندوستان بکسب اجازه مرخصی برای مسافرت بهند نایل شده است . از آنچه مؤلف قصص الخاقانی نوشته است معلوم میشود که پس ازبنای قصرچهلستون باغ اطراف آن نیزبنام باغ چهلستون مشهور شده و قبل از آن این باغ وسیع **جهان نما** نام داشته و قصر جهان نمـا در منتهی الیه ضلع غربی آن درشمال خیابان چهارباغ قرار داشته است .

الحاقات و تعمیرات دوره شاه سلطانحسین در کاخ چهلستون

بطوریکه مشهور است در دوازدهمین سال سلطنت شاه سلطانحسین کاخ چهلستون دچار حریقی شده و سپس تعمیراتی از آن بعمل آمده است . در این باره یك بیت بشرح زیر گفته شده است :

هزار ویکصد وهیجده زهجرت نبوی　　گذشته‌بود که‌آتش بچهلستون افتاد

کتیبه دوم کاخ چهلستون که در سال ۱۳۲۷ خورشیدی از زیر گچ خـارج شده مشتمل براشعاری است که شاعری متخلص به **نجیب** (۲) درباره اقدام شاه سلطانحسین نسبت بتعمیر وتزیین این‌قصرسروده . این اشعار که بخط نستعلیق سفید برزمینه‌آبی

---

(۱) کلیات صائب تبریزی چاپ تهران صفحه ۸۳۷

(۲) مرحوم عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار راجع به **نجیب** چنین نوشته است : « نورالدین محمد نجیب کاشانی از منشیان و شعرای عهد شـاه سلطان حسین است و در دستگاه او سمت ملك الشعرائی داشته و او مؤلف کتـابی است بنام (تاریخ کشیکخانه) که آنرا بسال ۱۱۰۹ تألیف کرده و نسخه اصلی آنرا نگارنده درکتابخانه سلطنتی گلستـان دیده ام وکتاب نفیسی است » (مجله یادگار سال چهارم شماره هفتم صفحه ۷۰)



مجلس پذیرائی شاه طهماسب اول ازهمایون شاه هندی- نقاشی دیواری درقصر چهلستون

گچ بری شده شامل سی بیت شعر است که هرمصراع آن در یك لوحه کوچك شش ضلعی قرار دارد و بخط محمد صالح اصفهانی است . چندین لوحه از اشعار مزبور از بین رفته و اشعار باقیمانده بشرح زیر است :

بحمد الله که باز از نو باقبال شهنشاهی — مرصع شد زمین و آسمان ازماه تا ماهی

تجلی در گریبان طالع از جام جهان بین شد — صفای صبح عید و فیض انوار سحر گاهی

بحکم شاه دین سلطان حسین آن ماه مهر آئین — که صبح و شام عالم را کند خورشیدی و ماهی

سهیل صبح عید زندگانی خسرو عـادل — فروغ اختر روشندلی خورشید آگاهی

زشیر و پرچم سرپنجه تیغ جهانگیری — بلند و پست عالم را گرفت ازماه تاماهی

زبس در کفه میزان احسانش سبك گشته — خجالت میکشد دائم طلا از چهره کاهی

شب و روز جهانرا ریخت در هم مهر و مه یکجا — که ریز د طرح و رنگ این بنای آسمان جاهی

زهی عـالی بنا کاندر بلندیهای اوصافش — قبای لفظ بر اندام معنی کرده کوتاهی

. . . . جهان پیدا — سپهری بر سپهر افزود معمار یـداللهی

مگر ازعالم بالا دری بررویش بگشوده — که بر کریاس آن چرخ چهارم کرده در گاهی

خدازان بیستون گردا ند خلق این آسمانهارا — که برپا باشد از این چل ستون ازماه تاماهی

فلك بر خویش میبالید از ترصیع کوکبها — مرصع کا . . . . . .

. . . . گشت در گاهی

چو شمع محفل خضر نبی زرین ستونهایش — ید بیضا بکف باخضر و موسی کرده همراهی

برنگ چل تنان چل ستون در ربع آن مسکون — گرفتـه اربعین بهر دوام دولت شـاهی

مرصع کاری سرو ستونهایش بآن مـاند — که آمین کرده بادست دعا باعرش همراهی

چهل دیوند برسرداده جا تخت سلیمانرا — ستونهای مرصع پوش تـالار شهنشاهی

بجز در آب و آئینه ندیده مثل و مانندش — سکندر گرد عالم گشت همچون حرف افواهی

زهی نقاش صورت آفرین کلك نقـاشی — کشیده در بن روشندلی تصویر آگاهی

زرنگ روحی و جسمی نموده ظاهر و باطن — بهر معنی که میجوئی و هر صورت که میخواهی

بنیر نگی شبیه جان گرفته درمـــانی (لایقرء)

. . . .

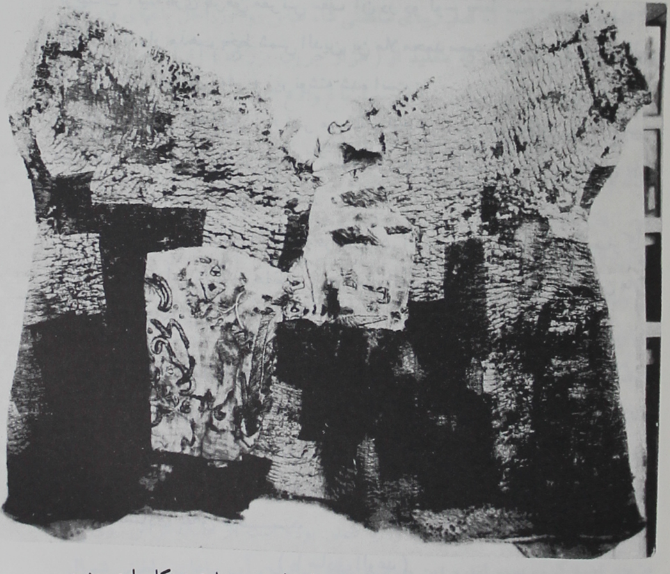
ز آهنگ شبیه چـار تاری هم نیم غـافل دو گامی میرساند گاه بر گوشم سحر گاهی

صفـای منبع فـواره گوهر فشـان آن کبوترهای زرین بال انجم را کند چاهی

ضیاء چـار دیوار مرصع کار مینـایش بود تا صبح حشر آئینه دار طلعت شاهی

اگرچه ماه اوج سلطنت دارد بهرشهری مکانهای همیونی و منزلهای جمجـاهی

ولیکن این همیون بارگاه آسمان رفعت گرفت از کرسی اعلی خطاب عرش درگاهی



خرقه شیخ صفی الدین اردبیلی که در موزه کاخ تاریخی چهلستون نگاهداری میشود

نگهدارش بود از چشم زخم دیده بدبین — علی مـرتضی تعویذ بازوی یـداللهی

چوشد اتمام این‌عالی بنا زینت‌ده گردون — بتأییدات یـزدانی و توفیقـات اللهی

نجیب از نو بطاق آسمان بنوشت تاریخش — **مبارك باد تالار بلند ایوان جمجاهی**

(کتبه محمد صالح) ۱۱۱۸

الواح شاه نشین کاخ چهلستون بخط شمس‌الدین جیلانی
مورخ بسال ۱۱۱۹ هجری قمری

در طرفین شـاه نشین کاخ چهلستون و ایـوان مدخل سالن پادشاهی و در داخل تزیینات آئینه‌کاری طرفین مقرنس سقف آن در دو لوح بخط نسخ مشگی بر زمینه گل و بوته دار مذهب بخط شمس الدین بن ملا محمد سعید جیلانی و مـورخ بسال ۱۱۱۹ هجری عباراتی بشرح زیر نوشته شده است :

لوح جنوبی شاه نشین : « نصر من الله و فتح قریب و بشرالمؤمنین رب انزلنی منزلا مبارکاً وانت خیرالمنزلین فان تولوا فقل حسبی الله کتبه العبد شمس الدین بن ملا محمد سعید الجیلانی فی ۱۱۱۹ »

لوح شمالی : « نصرمن الله وفتح قریب وبشرالمؤمنین رب انزلنی منزلا مبارکاً و انت خیرالمنزلین ولایؤده حفظهما و هوالعلی العظیم کتبه العبد شمس الدین بن ملا محمد سعیدالجیلانی. »

رقم صادق در ذیل تابلوی جنگ کرنال

در ذیل تابلوی معرف جنگ نادرشاه با نـاصرالدین محمد شاه گورکانی در کرنال نام نقاش آن (آقا صادق) بشرح زیر آمده است :

بحسب الحکم شاهنشـاه دوران — فریدون فر محمد خان قاجار

زکلك صـادق نقاش نوشـد — نشان وفر نادرشـاه افشار

(یا صادق الوعد)

کاخهائی از دوره سلطنت شاه عباس دوم که فقط نام آنها باقی مانده است

شاه عباس دوم فرزند شاه صفی که از سال ۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷ هجری سلطنت کرده است بتبعیت از جد کبیر خود شاه عباس اول ببنای عمارات و مساجد وپلهای دیگر اقدام نمود و در دوره سلطنت او شهر اصفهان از طرف جنوب و مغرب بیشتر بسط و توسعه پیدا کرده است .

شاردن نوشته است که قصر زیبای سلطنتی شاه عباس دوم درداخل باغهای بزرگ و تفریحی واقع شده است که بتقلید از (هزار جریب بزرگ) آنرا (هزارجریب کوچك) مینامند و در انتهای خیابان چهارباغ واقع است .

مقصود از هزار جریب کوچك باغهای وسیعی بوده است که نام (سعادت آباد) داشته و قبل ازشاه عباس دوم محل آن جهت سکونت (گبران) اختصاص داده شده بوده . شاه عباس دوم آنها را بانتهای جلفا کوچانید و دستور داد باحداث باغ وسیع سعادت آباد و بنای قصرهای سلطنتی آن اقـدام نمایند . باغ سعادت آباد بین پل سی وسه چشمه وپل خواجو درحاشیه جنوبی ساحل زاینده رود گسترده میشده . باغ دریاچه روبروی، آن در شمال رود خانه قرار داشته است و این دو بـاغ در حقیقت درحکم یك باغ بزرگ محسوب میشده و رودخانه زاینده رود از وسط آنها جریان داشته است . پل جویی که در سال ۱۰۶۸ هجری ساخته شده باغهای شمال و جنوب رود خانه را بیکدیگر متصل میکرده است . وجه تسمیه این پل به (جویی) آنستکه جوی آبی بطول درازای پل (۱۴۷ متر) وعرض تقریباً یکمتر که عرض دهانه آن نیم متر و عمق آن نیز در همین حدود یا کمتر بوده است از سنگ تراش روی پل مزبور تعبیه کرده بوده اند و این جوی واسطه رسانیدن آب بباغات سلطنتی شمال

رود خانه بوده است . (۱)

شاردن نوشته است آنچه را شاه ساخته از حیث وسعت شگرف است زیرا محیط بنا ها و باغها باندازه یك فرسخ است و رودخانه از وسط آن میگذرد . محله مردانه در یك سمت و محله زنانه درسمت دیگر است وبوسیله پل جویی با هم ارتباط دارند خیابانهای باغهای این کاخ باشکوه پر از درخت وباغچه های آن مملو از گل است شاه ایران در تمام قلمرو خود صاحب کاخهای بسیار است . زمانیکه این کتاب را مینوشتم تنها در شهر اصفهان ۱۳۷ قصر سلطنتی وجود داشت و روز بروز روبتزاید میرود .

درباغ وسیع **سعادت آباد** قصرهائی وجود داشته که معروفترین آنها هفت دست عمارت آینه خانه . عمارت نمکدان بوده است . **عمارت آینه خانه** مشتمل برتالاری شگرف و عالی در ساحل جنوبی زاینده رود بین پل خواجو و پل جویی قرار داشته است و هیجده ستون مزین آینه‌کاری طاق مجلل آینه آنرا نگاه میداشته است و عمارتی شبیه به چهلستون بوده که در آب رودخانه منعکس‌میشده . دیوارها وسقف آن از آینه هائی تزیین میشده که یکپارچه بوده و طول آنها از یك متر ونیم تا دو متر و عرض آنها کمتر از یك متر نبوده است و انعکاس زاینده رود و بیشه های ساحل شمالی آن در آینه ها منظره ای جالب و دلکش بوجود میآورده (۲)

---

(۱) در سنوات اخیر در موقع اسفالت کردن پل مزبور جوی سنگی فوق الذکر را پر کرده اند و فعلا روی پل جویی مسطح است .

(۲) **میرزا مظفر ترکه** که درسال ۱۰۷۶ جزومنشیان دربارشاه عباس‌ثانی‌بوده وطبع شعر هم داشته ضمن اشعاری که دروصف عمارت **آینه خانه** سروده از این عمارت بنام **عشرت سرای شاه صفی** یادکرده است و از اشعار وی چنین مستفاد میشود که مجموعه بنا های آینه خانه وهفت دست دردوره شاه صفی شروع بساختمان شده ودرعهد شاه عباس دوم باتمام رسیده است اشعار مزبورکه درکتاب تاریخ (قصص الخاقانی) تألیف ولی قلی شاملو معاصر شاه عباس ثانی نقل شده بشرح زیر است :



قصر سلطنتی آینه خانه در ساحل زاینده رود قرار داشته است

مؤلف کتاب « جغرافیای اصفهان » در سال ۱۲۹۴ هجری قمری عمارت آینه خانه را چنین توصیف کرده است :

« باغ سعادت آباد مقابل شهر کنار رود خانه واقع گردیده و عمارات واقعه آن بموجب تفصیل است ، **آینه خانه** عمارتی است ملوکانه واعلی مشتمل برطنابی عقب واطاقها و ایوانهای بزرگ و جلوآن تالاری عظیم مشرف برود خانه که تمام منقش وآینه‌کاری و درصفات عظمت ورفعت واستقامت ثانی **چهلستون** و این مکان دربعضی اوقات محل سلام عام سلاطین صفوی بوده . » (۱)

عمارت هفت دست متصل بعمارت آینه خانه بوده و با باغهای اطرافش بیش از بیست هزار متر مربع مساحت داشته . اطراف آن اطاقهای تو در توئی بوده که از گچ بریهای زر اندود و میناکاری تزیین میشده ـ کف قصر و ازاره های آن ازسنگ مرمر شفاف بوده و حوضهائی از سنگ مرمر وسماق داشته است . تخت شاه عباس دوم دراین کاخ برروی تخته سنگ بزرگ مرمری مانند آینه صیقلی بطول هفت متر و عرض بیش ازسه متر قرار داشته که موجهای طبیعی بر جلوه آن میافزوده است .

ورود یك هیئت فرانسوی که **فلاندن** نقاش و سیاح معروف نیز همراه ایشان بود درآوریل سال ۱۸۴۰ میلادی (۱۲۵۵ هجری قمری) مقارن ایامی اتفاق افتاده است که محمد شاه قاجارهم دراصفهان اقامت داشته واین هیئت را درقصر هفت دست بحضور پذیرفته است . برای رسیدن بخدمت شاه قریب نیمساعت در قصرآینه خانه استراحت کرده اند و سپس بقصر کوچك هفت دست رفته اند . از آینه خانه تا

فانوس و شمع قدسی و پا تا سر آینه — رؤیت صباح عید ترا پیکر آینه

نقاش صنع لم یزل از سایه تو بست — بر پرده های دیده هفت اختر آینه

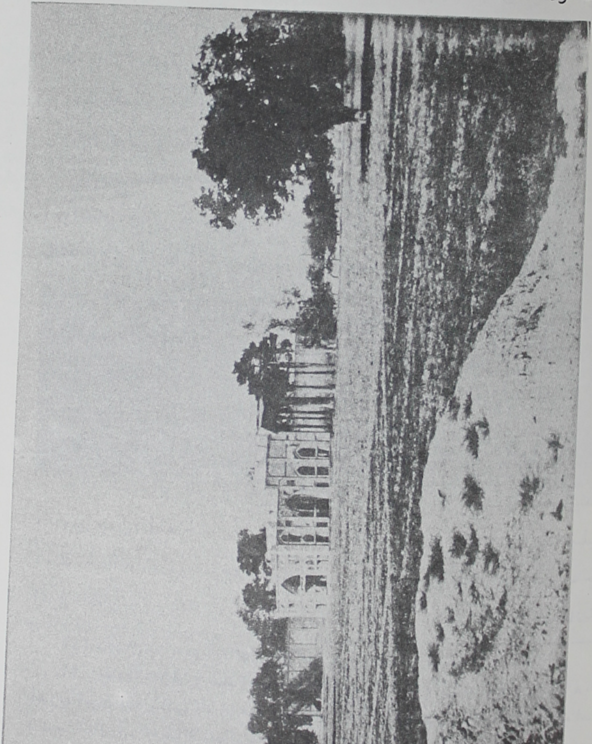
این جلوه گاه کیست که دهرطرف دراو — صورت نمای گشته ز یکدیگر آینه

عشرت سرای شاه صفی دان کزو بود — روشن چراغ اختر چشم هرآینه

خواند خط جبین ملایك بنه فلك — افتد اگر ز روی تو عکسی درآینه

(۱) جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین خان تحویلدار چاپ تهران صفحه ۲۷

هفت دست دالان طویلی را پیموده اند و سپس بباغ پر درختی وارد شده و از بین دو صف سرباز گذشته بکاخ مزبور داخل شده اند . **فلاندن** عمارت مزبور را چنین توصیف کرده است :



دورنمای تالار آینه خانه و عمارت هفت دست در ساحل زاینده رود

« تالاری که اکنون در آن هستیم کوچك لیکن با نقاشیها وطلاکاریهای فراوان تزیین گردیده و جوی کوچکی از وسط آن میگذرد که در میـان عمارت تشکیل حوضی را میدهد . در آخر تالار صفه ایست که با چهار پله بدان میرسند . این صفه شاه نشین کوچکی است که نقاشیهای زیبا دارد وسه پنجره بامیله های آهنی کوچك بدین تالار روشنائی می بخشد ... » (۱)

فتحعلیشاه قاجاردرسال ۱۲۵۰ هجری دراصفهان درقصرهفت دست بدرود زندگی گفته و جنازه اورا بقم انتقال داده اند . (۲)

عمارت نمکدان بفاصله صدوپنجاه متر درجنوب عمارت آینه خانه بشکل دایره روی زمین مرتفعی بنا شده بوده است . این عمارت هشت ضلعی و سه طبقه بوده و از طبقه فوقانی آن با آنکه عمارت آینه خانه درجلوی آن قرارداشته منظره رودخانه پدیدار میشده است . شیخ جابری انصاری در کتاب خود بنام تاریخ اصفهان و ری انهدام عمارت نمکدان وهفت دست وآینه خانه را بترتیب درسالهای ۱۳۰۶ و۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ هجری قمری ضبط کرده است . (۳) عمارت نمکدان را (کلاه فرنگی) نیز مینامیده اند .

تالار اشرف

وجه تسمیه این بنای تاریخی معلوم نیست بعضی آنرا اشرف تالار هـا پنداشته اند ونیزچون سال ساختمان آن نوشته نشده بنای آنرا بشاه عباس دوم یاشاه سلیمان نسبت داده اند . درمورد وجه تسمیه آن به (اشرف) نیز گفته شده است که چون اشرف افغان دربین عمارات سلطنتی صفویه این قصر را برای سکونت خود انتخاب

---

(۱) رجوع شود بسفرنامه **اوژن فلاندن** ترجمه فارسی صفحه ۱۱۵ و۱۱۶

(۲) بطوریکه مؤلف « نصف جهـان فی تعریف الاصفهان » نوشته است در سـال ۱۳۰۸ هجری قمری فقط یکدستگاه از هفت دست عمارت باقی بوده و بقیه خراب شده بوده است . (نصف جهان فی تعریف الاصفهان چاپ تهران صفحه ٤٤)

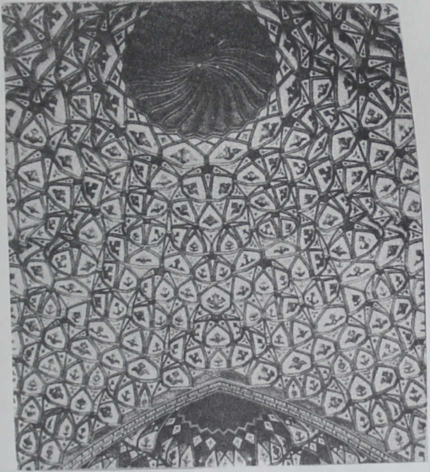
(۳) رجوع شود بتاریخ اصفهان و ری تألیف جابری انصاری صفحه ۳۶۶

کرده بوده است بتالاراشرف موسوم شده . این بنا مجموعه ای از اطاقها وتالارهای مزین وطلاکاری است و بمنظور سکونت پادشاه وحرم سلطنتی از آن استفاده میشده است . خوشبختانه تالارمرکزی این کاخ ویکی از اطاقهای بزرگ آن برجای مانده است وعمده تزیینات اصلی آنها باقی مانده و در تالار دیگری نیز قسمت های کمی



منظره عمارت نمکدان از دوره شاه عباس دوم

ازتزیینات طاقها باقیست ، اطاق وتالار اصلی بسیارمجلل است وگچ بریهای برجسته لاجوردی وطلاکاری دارد . طاقهای آن بلند و ازمقرنسهای زیبای طلاکاری پوشیده شده است . زیر مقرنس ها هم با صفحات بزرگ گچ بری و طلاکاری تزیین شده و در تالار مرکزی ترنج وسط طاق که طلای خالص است جلب توجه میکند کلیه در ها و پنجره های این عمارت بسمت جنوب باز میشده ولی باکمال تأسف حتی نمونه ای از آنها باقی نمانده است .



تزیینات طلاکاری تالار اشرف

پل شاهی اصفهان

پل خواجو

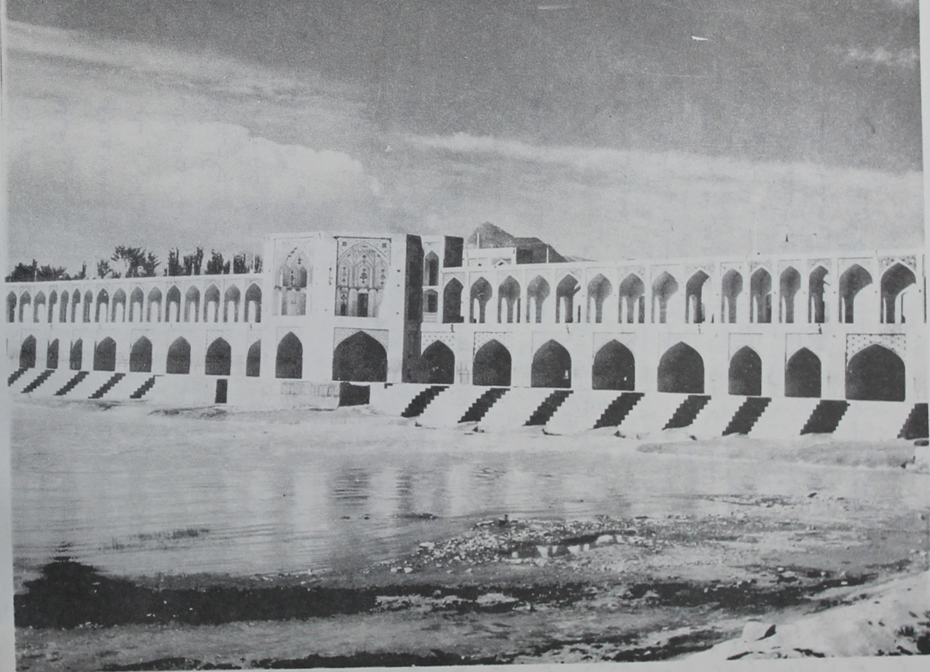
این پل که در سر راه قدیم اصفهان بشیراز ساخته شده بنام (حسن آباد) و پل (بابا رکن الدین) نیزخوانده شده است . احتمال داده اند که شالوده آن درزمان حسن بیك ترکمان یاحسن پاشا نامی از امرای تیموری گذاشته شده باشد. ساختمان پل امروزی خواجو که بواسطه مجاورتش با محله خواجو باین نام معروف شده از دوره شاه عباس دوم است . این پل درسال ۱۰۶۰ هجری بنا شده . طول آن ۱۳۲/۵ متر و عرض آن ۱۲ متر است . این بنا را فقط از لحاظ ایجاد یك پل بنا نکرده اند بلکه در عین حـال بمنزله سد و بند نیز میباشد و بهمین جهت درباره بنای پل گفته اند :

دارای جهان پناه عباس — دریاچه وسد و پل بنا کرد

با مسدود کردن دهانه های زیرین پل خواجو قسمت غربی آن بصورت دریاچه کوچکی درمیآید (در دوره شاه عباس دوم درمواقعی که در کاخهای هفت دست و آینه خانه مراسم رسمی برپا بوده پل خواجو (تخته بند) میشده و قسمتی از رود خانه که در مقابل کاخهای سلطنتی مزبور واقع میشده بصورت دریاچه درمیآمده وبرروی آبهای این دریاچه مراسم آتشبازی بعمل میآمده است) امتیاز پل خواجو بر سایر پلهای زاینده رود آنست که غیر از اختلاف جنبه معماری تزیینات کاشیکاری فراوان نیز دارد وپشت بغل‌های چشمه های پائین و غرفه های بالا و بنای دو بیگلربیگی روی پل و نمای غرفه های طرفین پل باکاشی‌های الوان مختلف تزیین شده وداخل اطاقها و گوشواره های بیگلربیگی های روی پل که اقامتگاه تفریحی پادشاه بوده نقاشی شده است .

درعصرشاه عباس دوم پل خواجوبنام **پل شاهی** شهرت داشته است . صاحب کتاب قصص الخاقانی نوشته است بعد از تعطیلات نوروز سال ۱۰۶۰ بامر شاه عباس ثانی **پل شاهی** راکه برزاینده رود بسته شده بود آئین بندی وچراغان و گلریزان کردند و هریك از غرفه های آنرا یکی از امرا و بزرگان تزیین نمود و مولانا سایرای مشهدی بمناسبت افتتاح پل اشعاری برشته نظم کشید. قصیده افتتاحیه پل شاهی شامل ۴۵ شعر است و ما در اینجا بذکر چند بیت آن اکتفا میکنیم :

بحکم پادشاه استاد تر دست	پلی بر زنده رود اصفهان بست
که ریزد سیل هنگام بهارش	بجوی کهکشان از آبشارش
پلی بر روی دریا تازه بستند	بر اجزای زمین شیرازه بستند
بحکم پادشاه هفت کشور	بطاق آسمان شد پل برابر
دلش آئین گل ریزان پل خواست	رخ از جام چراغان می آراست
بفرمود از پی جشن آنزمان زود	ببزم افروز آن هنگام مقصود
که پل را چون بروج آسمانی	ببند آئین نگه کن بین که دانی



پل شاهی اصفهان مشهور به پل خواجو از دوره سلطنت شاه عباس دوم

ز بس تصویر گونا گون نمودار   روان بـانی آنجا نقش دیـوار
عجب نبـود اگر از عکس آئین   شود آئینه صورتخـــانه چین
اگر یك گل زمین را تازه دیدند   بـرویش عقد از گـوهر کشیدند
پل از دریاچه بیند جلوه خویش   نهاده چون عروس آئینه در پیش
چراغـان شد زحکم پـادشـاهی   زمین تـا آسمان مه تـا بماهی(۱)

مسجد مصری

در شمال ناحیه جوباره و نزدیك قبرستان شور در کوچه مصری مسجدی بنام (مسجد مصری) بطول پنجاه وعرض چهل متر واقع شده که در دوره شاه عباس دوم بنا شده است و چون بانی آن بموجب کتیبه یك لوح سنگی مرمری که در داخل مسجد نصب شده است شخصی بنام حاجی میرزا خان مشهور به تاجرمصری بوده مسجد بنام (مسجد مصری) معروف شده . سردر مسجدکاشیکاری شده ولی داخل آن با گچ پوشیده شده و فاقد تزیینات است .

در داخل محراب مهتابی مسجد لوح سنگی از مرمر بطول ۱/۱۸ متر و عرض ٦٤سانتیمتر نصب شده که نام بانی آن حاجی میرزا خان وسال بنای آن (۱۰٦۱هجری) و نـام نویسنده کتیبه آن محمد رضا امـامی را بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر در بر دارد :

(هوالعلی الاعلی)

در زمان دولت خاقان جمشید احترام   شاه دین **عباس ثانی** داور گردون غلام

(۱) رجوع شود بکتاب « قصص الخاقانی » تألیف ولی قلی شاملو

مؤلف **تاریخ عباسنامه** نیز راجع ببستن سد بر زاینده رود و احداث دریاچه و شرح آئین پل جدید (پل خواجو) شرحی نگاشته است (رجوع شود بتاریخ عباسنامه صفحه ۱۹۲ و ۲۵۹)

ساخت حاجی میرزا خان از سر صدق و صفا — مسجدی زینسان که بینی در کمال اهتمام

در صفاهان هر که این عالی بنا را دید گفت — کعبه نو بین که پیدا گشته در دار السلام

سعی حاجی آنچنان داده صفائی مرو را — کز منی و مشعرش ننهند فرقی خاص و عام

از علو منبر او شاید ار بینـد خطیب — بر فراز پـایه اول فلك را سطح بـام

طاق محرابش که هست ابروی معشوق ازل — قبله ارباب طاعت باد الی یوم القیام

بانی این کعبه را چون بانی آن کعبه باد — آتش دنیا گلستان آتش عقبا (۱) حرام

درچنین مسجد که زیبد فرش او بال ملك — شاه دین مأموم باد و مهدی هادی امام

سال تاریخش شریف از پیر وانش خواست گفت — **قبله گاه اهل ایمان باد این بیت الحرام**

۱۰۶۱

در قسمت بـالای این لوح و در طرفین جمله (هو العلی الاعلی) نـام کاتب آن محمد رضا امامی بشرح زیر ذکر شده است : « **کتبه العبد المذنب المحتاج محمد رضا امامی اصفهانی .** »

کتیبه سردر مسجد مصری

کتیبه سردر مسجد مصری بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی در دو سطر و بقلم جعفر ابن عبدالله مورخ بسال ۱۱۱۶ هجری بشرح زیر است :

« قال الله تبارك و تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة ولم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم لاصلوة لجار المسجد الافی مسجد (۲) وقال تعاهدوا نعالکم عند ابواب مساجدکم . **کتبه جعفر ابن عبدالله ۱۱۱۶** »

و در ذیل این کتیبه در یك پشت بغل بخط ثلث سفید بـرزمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده است :

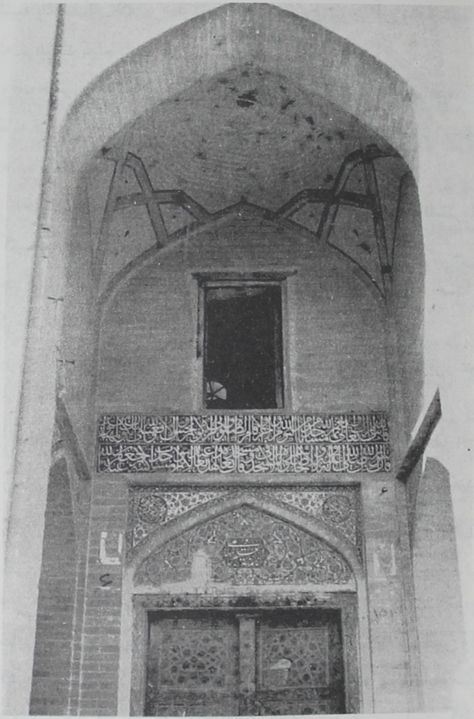
---

(۱) کلمه (عقبی) در کتیبه بترتیب مذکور درفوق نوشته شده است .

(۲) کلمه (مسجد) در کتیبه بهمین ترتیب و بدون (الف ولام) نوشته شده است .

عجلوا بالصلوة قبل الفـــوت　　　　عجلوا بالتوبة قبـــل الموت

و در یك هفتی (۱) بخط نستعلیق خوش سفید برزمینه کاشی لاجوردی نـوشته



کتیبه سردر مسجد مصری

(۱) کلمه (هفتی) اصطلاح معمار ها وکاشیکار ها است .

شده است :

« انا مدینة العلم و علی بابها »

کتیبه سنگابهای مسجد مصری

کتیبه یك سنگاب که در خارج مسجد وروبروی سردر آن واقع شده بخط ثلث برحسته برسنگ سیاه بشرح زیر است :

« وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمود سقاخانه را باکارخانه های شعربافی .. وخانه فوقانی کخرج (کذا) سقاخانه نمایند . حاجی آقا جانی وحاجی حسن تغییر دهنده بلعنت خدا و رسول گرفتار شود سنه **۱۲۰۰** »

در داخل مسجد سنگاب دایره شکلی که قطر دهانه آن **۷۹** سانتیمتر است نصب شده و کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر میباشد :

« هر که این سنگابرا از مسجد مصری بیرون به برد بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود سنه **۱۲۴۳** »

و در دو لوح دیگر بر این سنگاب بخط نستعلیق برجسته یك فرد شعر بشرح زیرحجاری شده است :

بنگر بقای عمر که چون کشتی روان ـــــ استاده مینماید چون باد میرود

در ایوان شمالی مسجد مصری در یك لوحه بخط نستعلیق خوش سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده است : « انا مدینة العلم وعلی بابها »

مقبره خواجه میرحسن

درمقابل مسجد مصری ودر محل مخروبه ای مقبره خواجه میرحسن واقع شده که در کتب تاریخ و تذکره نامی از او برده نشده ولی بطوریکه کتیبه سنگ قبر اوحکایت میکند ازعرفای معروف نیمه دوم قرن‌هشتم هجری بوده است. **کتیبه سنگ** قبر که از سنگ سیاه و بصورت سکوی بزرگی است بشرح زیر میباشد :

« سلطان الاولیاء وبرهان الاصفیاء امام الحق والدنیا والدین حسن بن الامام السعید عزالملة والدین ابی عدنان حطه الله شآبیب غفرانه و کساه حلل رضوانه و اسکنه بحبوحة جنانه وکان وفاته لیلة الخمیس العاشر رمضان سنة ثمان وثمانین وسبعمائه. » (۱)

مدرسه شفیعیه

مدرسه شفیعیه از بناهای دوره شاه عباس ثانی درمحله دردشت واقع شده . نمای خارجی صحن مدرسه آجر ساده است ولی درداخل ایوانهای چهارگانه چهارطرف صحن قطار بندی های گچی دارد (نظیر قطـار های مسجد علی) ایوان جنوبی بزرگتر از ایوانهای دیگر است و تزیینات بیشتری از قطار هـای گچی دارد اما یك چشمه ایوان تجدید ساختمان شده است .

کتیبه سردرمدرسه شفیعیه بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی حاکی از آنست که مدرسه در دوره سلطنت شاه عباس دوم بوسیله محمد شفیع اصفهانی فرزند جمال الدین محمد خوزانی (۲) در سال ۱۰۶۷ هجری بنا شده است . کتیبه سردر که بخط محمد رضا امامی میباشد بشرح زیراست :

« قد اتفقت عمـارة هذه المدرسة الحقیرة والمساجد (۳) المبنیة فیهـا فی ایام خلافة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مروج مذهب آبائه ائمة الطاهرین السلطان بن السلطـان شاه عباس الثانی الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان خلد الله ملکه ووفق باحداثه واتمامه احقر عباد الله و احوجهم الی عفو ربه الغفور ابن جمال الدین محمد الخوزانی محمد شفیع الاصفهانی عفی عنهما فی۱۰۶۷ کتبه محمد رضا الامامی . »

---

(۱) جلد دوم ـ جزوه اول آثار ایران (ترجمه فارسی) صفحه ۱۱۵

(۲) **خوزان** نام یکی از سه ده (سده) اصفهان میباشد که اخیراً بنام (همایونشهر) شهرت یافته است .

(۳) شباهت این مدرسه بمسجد بیشتر است و هریك از ایوانها و شبستان داخل دهلیز آن مسجدی فرض شده و از اینجهت درکتیبه کلمه (مساجد) ذکر شده است .

الواح سنگی مدرسه شفیعه

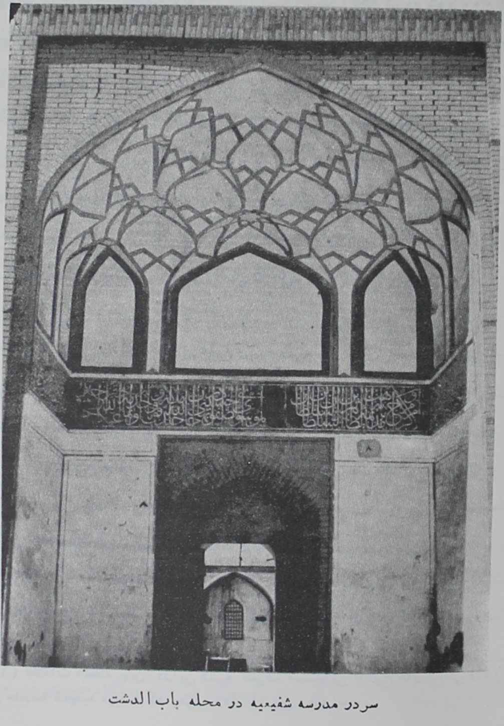
درمدخل ایوان بزرگ جنوبی مدرسه دولوح بزرگ سنگی بردیوارهای دوجانب ایوان نصب شده که رقبات موقوفه مدرسه بر آنها مسطور است ولی خطوط نصف از هریك از دولوح بمرور زمان از بین رفته و آنچه برجای مانده است درلوح اول که بطول ۱/۹۰ متر و عرض یك متر است بشرح زیر میباشد :

« هوالواقف علی الضمائر بسم الله الرحمن الرحیم وقف نمود احوج المحتاجین الی عفو ربه الغفور **محمد شفیع ابن جمال الدین محمد خوزانی اصفاهانی** کل این مدرسه حقیره محدثه خودرا با بیوتات معینه معلومه مربوطه بآن که بیوتات مسفوره مشتمل است بر سه باب شاخه و حجرات تحتانی و فوقانی اطراف آنها و غسالخانه مربوطه بمدرسه وفضاء دیگر که کر وچاه ومستراح درآن واقع است وممر بیوتات مذکوره از میان مدرسه مسطوره است و این چهار صفه و شبستان متصله بکریاس در مدرسه که مسجد است بر طلبه علوم دینیه اثنی عشری که ادای صلوات در مسجد و شبستان و تغسیل و تکفین اموات مؤمنین در غسالخانه مزبوره و طلب علوم دینیه در مساجد و مدرسه و بیوتات مزبوره نمایند وقفاً صحیحاً دائماً شرعیاً و بعد ذلك وقف نمود قربة الی الله تعالی کفارة لبعض سیئاته همگی وتمامی آنچه تا این وقف بعنوان ملکیت بلامنازعی درتصرف شرعی واقف بود از رقبات وعقارات که عبارتست ازهفت حبه و یکدانگ ونیم یکحبه از کل هفتاد ودو حبه قریه معروفه **بمحمد آباد قهاب** و قاطبت سه حبه ونیم از کل هفتاد و دو حبه موضع **طاد** لنجان و موازی شش سهم و چهاردانگ یکسهم از جمله بیست وپنج سهم که بیست وپنج سهم عبارتست از چهار حبه از کل هفتاد و دو حبه قریه **وسفاباد ماربین** و کلیت شش سهم و چهاردانگ ونیم از جمله بیست وپنج سهم که بیست وپنج سهم عبارتست از کل سه‌حبه ازهفتاد ودوحبه موضع امین آباد ماربین وتمامت سه حبه و دو دانگ و یك ۰۰۰۰۰ شعیر از جمله یك حبه دیگر از کل هفتاد ودوحبه موضع **کنگاز** (جی) وهمگی هفتاد ودوحبه ۰۰۰

تیمچه معینه مربوطه... ملکی احداث نموده واقف حقیر مذکور وواقع...» (بقیه
این کتیبه که نصف دیگر سنگ لوح مزبور را تشکیل میداده بکلی سترده شده است)

کتیبه لوح سنگی دیگر واقع در ایوان جنوبی مدرسه شفیعیه

لوح سنگی دیگری درمقابل لوح سنگی سابق الذکر بردیوار ایوان بطول ۱/۶۵



سردر مدرسه شفیعیه در محله باب الدشت

متر و عرض ۸۸ سانتیمتر نصب شده که مضمون آن دنباله مندرجات وقف نامه است و بخط نستعلیق برجسته بقلم محمد رضا امامی اصفهانی مورخ بسال ۱۰۶۹ هجری بشرح زیر میباشد :

« ماه مبارك رمضان که همه ساله درمدرسه مزبوره روضة الشهداء خوانده شود از رعایت قاری واسراج مجمع ولوازم آن بهمه جهت آنچه کرده شود ... از جهات و عوارضات‌دیوانی وتعمیرعمارات وتنقیه قنوات ومرمت مستغلات وقفی ومسجدومدرسه و غسالخانه مربوطه بمدرسه و بام اندود و تجدید بوریا و مؤنات زراعت ...... وتکلفاتی که بحکام جور وعمال دیوانی وغیره در کار باشد ومتضمن مصلحت و انتظام وقف باشد که هر گاه آن تکلف بعمل نیاید ضرری بموقوفات یا حاصل آن رسد یا امری بخلاف شرط واقف بعمل آید یاچیزی نزد مستأجران وزارعین وقف باقی‌ماند وضایع شود دغدغه شرعی نکرده آنچه درکار وضرورنموده باشد درمساجد وکریاس دهلیز هرشب چراغ روشن کرده بعد از وضع اخراجات مزبوره بترتیبی که مذکور شده آنچه باقیمانده متولی میانه طلبه ساکنین حجرات و بیوتات جنب مدرسه بشرط آنکه طلبه مشغول بطلب .... علوم دینیه باشند و بیکار نباشند فراخور استحقاق و صلاح وتقوی وفضل هریك قسمت نماید و همچنین شرط نمود که موقوفات مزبوره را نخرند و نفروشند و مرهون نسازند و زیاده از سه سال باجاره ندهند نـه بعقدی واحد و نه بعقود متعدده واحدی از ارباب وحکام وارباب مناصب دیوانی و ملازمان امراء و مقربان پادشاه والاجاه عصر را مالك انتفاع از آنها نسازند بواسطه .... موقوفات را اصلا بجهت ساکنین بیوتات وخانه وسکنی نمودن درآنها ... درمدرسه مدون سازند ..... مزبوره بنای عمارت نکنند وبهمین سنة و کیفیت گذاشته تعمیر ومرمت نمایند... **سنة تسع وستین بعد الف من هجرة النبویة کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی .** » **(۱)**

---

(۱) علامات «نقطه چین» دراین کتیبه معرف قسمتهائی ازلوح های سنگی واقع درایوان جنوبی مدرسه شفیعیه میباشد که بمرور زمان از بین رفته است .

بقعه شاهزادگان

در ضلع جنوبی صحن (ستی فاطمه) که در محله چهارسوی کوچك اصفهان واقع شده است بقعه شاهزادگان صفوی جلب نظر میکند . بقعه مزبور که سالهای متمادی بمنظور حفظ سنگهای مرمری نفیس داخل آن که برروی قبورشاهزادگان مقتول صفویه قرار دارد مسدود بود در تاریخ مرداد ماه ۱۳۳۶ خورشیدی از طرف اداره باستانشناسی بسرپرستی نگارنده باز شد و تحت تعمیر و ترمیم قرار گرفت .

شاهزادگان مدفون دربقعه مزبورپسران عیسیخان قورچی باشیهستند باسامی **سید محمد خان** و **سید علی خان** و **محمد معصوم میرزا** که درآخرماه رجب سال ۱۰۴۱ هجری بدستور شاه صفی جانشین شاه عباس اول کشته شده اند و پسرخرد سال سید محمد خان که نام او در کتیبه سنگ آرامگـاه وی ذکر نشده و دختر سید محمد خان بنام (بدرجهان بیگم) .

بر روی قبورشاهزادگان نامبرده سنگهای یکپارچه مرمری بسیار نفیس منقش بنقوش مختلف قرارگرفته و هر سنگ قبر شامل یك کتیبه در قسمت بـالای آن و اشعاری بخط نستعلیق در اطراف آنست که شرح یکایك آنها خواهد آمد .

عیسیخان قورچی باشی : پادشاهان صفوی را شیخ زاده یا شیخ اوغلی ومنسوبان وخویشاوندان آن سلسله را شیخاوند میخواندند . محل سکونت افراد طبقه شیخاوند در اردبیل و اطراف آن بوده وتعداد آنها درزمان شاه عباس کبیر بدوازده هزار نفر میرسیده است .

عیسی خان برادر زاده صدرالدین خان صفوی بود که در ابتدا سمت یوزباشی داشت و درسال ۱۰۲۳ هجری بمقام بلند قورچی باشی ارتقاء یافت . طبقه قورچیان برگزیده ترین طبقات قزلباش بودند که شاه آنهارا برای حراست وخدمات شخصی خویش برمیگزید . این طبقه قراولان مخصوص مأمور حفظ جان شاه و نگهبانی کاخهای سلطنتی بودند . قورچیان سواره بجنگ میرفتند و کلاه خودی بسرمینهادند

که زره آن از پشت آویخته بود و گوشها و گردنشان را فرو میگرفت . هر یك از قورچیان بتفاوت منصب و مقامی که داشتند از پنج تـا پنجاه ملازم شخصی داشتند و خلاصه آنکه مقام قورچیگری در دوره صفویه از افتخارات بزرگ محسوب میشد رئیس طبقه قورچیان (قورچی باشی) نام داشت و مقام او از مقامات بسیار بزرگ لشگری و درباری بود و حقوق سالیانه او از هزار تـا هزار و پانصد تومان پول آنروز بود . این مقام معمولا بیکی ازسران نامی طوایف قزلباش سپرده میشد وشاه عباس این مقام را از سال **۱۰۲۳** هجری بداماد خویش **عیسی خان صفوی** که رئیس خاندان شیخاوند بود سپرد . (۱)

دختران شاه عباس : شاه عباس شش دختر داشت باسامی شاهزاده بیگم . زبیده بیگم . خان آغا بیگم . حوا بیگم . شهربانو بیگم و ملك نساء بیگم و از بین آنها دومین دختر خود را بنام زبیده بیگم بازدواج عیسی خان قورچی باشی ازسران طبقه شیخاوند که نسبت او ازطرف پدر بشیخ جنید جد چهارم شاه عباس میرسد در آورد .

شاه صفی پادشاه سفاك صفویه : شاه صفی پیش‌از آنکه بسلطنت برسد (سام میرزا) نام داشت و پس از جلوس نام پدر مقتول خود صفی میرزا را انتخاب نموده و بشاه صفی معروف شد . این پادشاه در سال سوم از سلطنت خود تمام شاهزادگان صفوی و خویشاوندان خود را از برادر و اعمام وعموزادگان و نوادگان دختری شاه عباس کور کرد و کشت وبسیاری ازمردان وسرداران نامی ایران را که بجدش شاه عباس کبیرخدمت کرده بودند بقتل رسانید .

این پادشاه خونریز نه تنها برامامقلی خان سپهسالار ارتش خود واستاندارفارس که مردی کریم و بخشنده و سلحشور و محبوب مردم ایران بود ابقاء نکرد بلکه زن خود و ملکه ایران را که مادر یگانه فرزندش شاه عباس دوم بود درحال مستی شکم درید ومادرش را نیز با جمعی از زنان حرم زنده بگور کرد و بطوریکه نوشته

---

(۱) جلد اول زندگانی شاه عباس اول تألیف استاد نصرالله فلسفی صفحه ۱۸۲ و ۲۱۱



مجلس بزم شاه عباس کبیر بقلم بشنداس نقاش هندی

افرادی که در حضور شاه نشسته اند از چپ براست : خان عالم سفیر هندوستان
عیسی خان قورچی باشی داماد شاه . سارو خواجه . اسفندیار بیك انیس (۱)

(۱) از کتاب « مینیاتور سازی ایران و اسلامی » والترشولتس

اند بیکی از خواجه سرایان دستور داد تا چشم ولیعهدش را میل بکشد و اورا کور کند ولی آن خواجه که میدانست شاه از فرمانی که داده است پشیمان خواهد شد بقیمت جان خود از اجرای امر شاه خود داری کرد و شاه عباس دوم از این مهلکه نجات یافت .

شاه صفی که در سال ۱۰۳۸ هجری بجای جد خود شاه عباس کبیر در اصفهان بتخت سلطنت نشسته بود پس از چهارده سال سلطنت سفاکانه در تاریخ دو شنبه ۱۲ صفر ۱۰۵۲ درکاشان مرد و نعش او را در قم بخاك سپردند .

فرزندان عیسی خان قورچی باشی که بدستور شاه صفی بقتل رسیده اند

عیسی خان قورچی باشی داماد شاه عباس کبیر سه پسرداشت که بزرگترین آنها سید محمد خان هنگام مرگ شاه عباس ۱۸ ساله بود . چون شاه عباس درگذشت برخی از سرداران پسر بزرگ قورچی باشی را که از جانب پدر و مادر هر دو با خاندان صفوی منسوب بود بپادشاهی نامزد کردند ولی عیسی خان که مردی عاقل و جوانمرد بود بدینکار تن درنداد و گفت که سلطنت حق خاندان شاه اسماعیل وشاه طهماسب است که پادشاهی را بنیروی شمشیر و سیاست گرفته اند وچون هواخواهان پسرش در پادشاهی او اصرار کردند بعتاب گفت که اگر سر فتنه دارید و فکرهای بی حاصل دماغ شما را شوریده میدارد همین لحظه کسی میفرستم تا سر هرسه پسرم را ببرند و بیاورند . با این همه شاه صفی چون بسلطنت نشست بر او وفرزندانش ابقاء نکرد . نخست درآخرماه رجب سال ۱۰۴۱ هجری سه پسر اوسید محمد خان و سید علی خان و معصوم میرزا را سر برید و خود او را هم ازمنصب قورچی باشی گری معزول و تمام دارائیش را ازخانه وملك و اسباب زندگی تصرف کرد . سپس آن سردار داغ دیده جوانمرد را به (چراغخان) قورچی باشی تازه سپرد تا هلاك

سازد . عیسی‌خان را بفرمان شاه صفی با زه کمان خفه کردند وجسدش را بکربلا فرستادند . (۱)

بقعه شاهزادگان مقتول صفویه

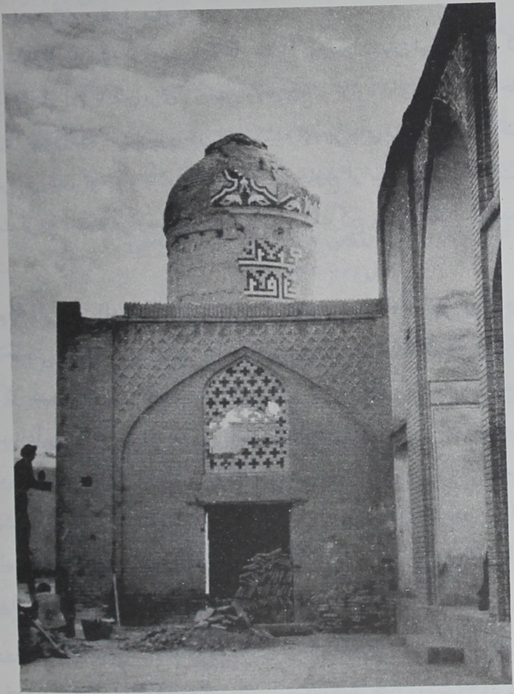
بقعه شاهزادگان که از ابنیه دوره شاه عباس دوم دراصفهان است مقبره کوچکی میباشد که داخل آن با گچ بری ونقاشی روی گچ و ازاره های مرمری و خارج آن باکاشیکاری تزیین شده است . درداخل بقعه کتیبه ای برجای مانده است که قسمتهائی از آن بر اثر عدم توجه و تأثیر آب باران از خارج از بین رفته و عبارات آن که بخط ثلث قرمز رنگ بر زمینه لاجوردی کم رنگ گچ بری و نقاشی شده بشرح زیر است :

بسم الله الرحمن الرحیم نادعلیاً مظهرالعجائب تجده عوناً لك فی النوائب لی الی الله حاجتی و علیه معولی کلما امرت و رمیت منتقضی ذلك فی الله و بذلك لی و الی الله کل هم وغم سینجلی بعظمتك یاالله یاالله یاالله بنبوتك یامحمد یامحمد یامحمد بولایتك یاعلی یا علی یاعلی ادرکنی بلطفك الخفی انی من شر اعدائك بری بری بری الله صمدی من عندك مددی و علیك معتمدی بحق ایاك نعبد و ایاك نستعین یا ابا الغیث اغثنی یا قهار تقهرت بالقهر فی قهر قهرك یا غیاث المستغیثین اغثنی یا راحم المساکین ارحمنی یاعلی ادرکنی وصلی الله علی‌محمد وآله الطیبین الطاهرین والحمدلله رب العالمین **فی ۱۰۶۷ کتبه محمد رضا الامامی .** »

درداخل بقعه چهار سنگ قبر مرمری بزرگ منقش بنقوش و کتیبه وخط ویك سنگ قبر مرمری کوچك که متعلق به پسر سید محمد خان است وجود دارد و یك تخته سنگ مرمری تراشیده وحاضرشده ولی بدون هیچگونه نقش و کتیبه نیزموجود است که محتمل است متعلق بمادر مقتولین زبیده بیگم دختر شاه عباس کبیر باشد .

(۱) جلد دوم کتاب زندگانی شاه عباس اول تألیف استاد فلسفی صفحه ۱۹۹

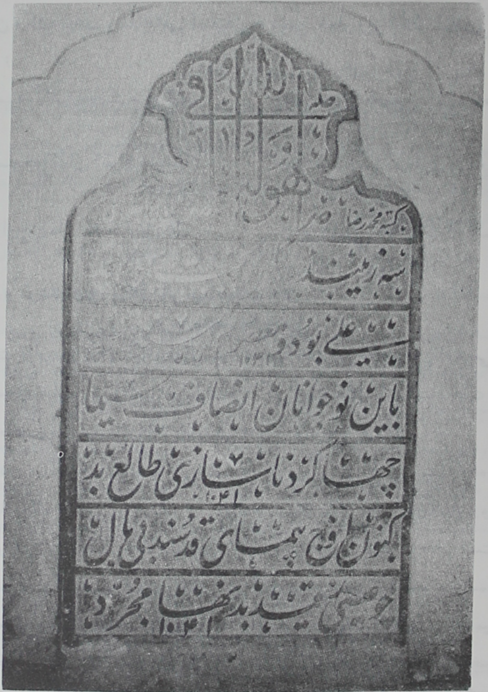
سنگهای نفیس مرمری این بقعه بترتیب برروی قبورسید محمدخان وسید علی خان و معصوم میرزا پسران قورچی باشی قراردارد. چهارمین سنگ برروی قبر(بدرجهان بیگم



بقعه شاهزادگان مقتول صفویه قبل از تعمیر

دختر سید محمد خان قرار گرفته و پنجمین سنگ معرف قبر پسر سید محمد خان است وششمین سنگ مرمری بزرگ بدون نقش وخط و کتیبه است و ما ذیلا بشرح

سنگهای مزبور و معرفی نقوش و خطوط آنها میپردازیم :



پل شاهی اصفهان مشهور به پل خواجو از دوره سلطنت شاه عباس دوم

سنگ نوشته مرمری مشتمل بر نام فرزندان مقتول قورچی باشی بخط محمد رضا امامی در داخل بقعه شاهزادگان

درضلع جنوبی داخل بقعه شاهزادگان قطعه سنگ مرمری بسیارشفافی بحالت

عمودی در قسمت پائین دیوار نصب شده و روی آن اشعار زیر خوانده میشود :

در قسمت بالای سنگ بخط خوش ثلث نوشته شده است : « **هوالله الباقی** » ودر طرفین آن « کتبه محمد رضا امامی اصفهانی » سپس اشعار زیر بخط نستعلیق نوشته شده است :

سه زیبنده گلبن بجنت سهی قد — **علی بود و معصوم ، سید محمد**
۱۰۴۱

باین نوجوانان انصاف سیما — چها کرد ناسازی طالع بد
۱۰۴۱

کنون اوج پیمای قد سند بی بال — چو عیسی زقید بدنها مجرد
۱۰۴۱

کتیبه و نوشته های سنگ قبر سید محمد خان :

و ما محمد الا رسول

« وفات سیادت و نجابت پناه نواب سید **محمد خان** ابن مرحمت پناه **عیسی خان** صفوی موسوی حسینی قرة العین نواب شاهزاد گی **زبیده بیگم** بنت شاه جنت مکانی شاه عباس صفوی موسوی انارالله برهانه **فی احدی و اربعین و الف .** »

ودر بالای سنگ آرامگاه یك فرد شعر بزبان ترکی بشرح زیر نوشته شده است:

برجوان نازنینك مسکنی در بومزار — ایله مش نازك تنیك خاك ایله یکسان روزگار

در اطراف این سنگ بخط نستعلیق برجسته اشعار زیر نقش برحجر است :

نهال گلشن آزادگی **سید محمد خان** — که چون او باغبان ننشاند سرو و یاسمینی را

اگر خاك نجابت را کنی غربال نتوان یافت — چو او در مخزن این نه صدف درسمینی را

کند از استخوانش داغ چون منقار نقش گل — بخاطر آورد هر کس چنان آتش جبینی را

بنا گه کج رویهای سپهرش غوطه درخون زد — بزهر آلود تلخیهای دوران انگبینی را

زبانرا چاك زد کلکم پی تاریخ و گریان گفت — **فلك افکند از پا سرو قد آنحسینی را**
۱۰۴۱

در وسط نقوش این سنگ یك مصراع بشرح زیر خوانده میشود :

« حبذا رخش قمر طلعت شعرا بطرب . »

و در ذیل این مصراع نقش یك اسب مجهز بزین و سلاح وجلودار ولی بدون راکب دیده میشود .

کتیبه و اشعار سنگ قبر سید علی خان :

« وفات سیادت و نجابت پناه **سید علی خان** ابن مرحمت پناه رضوان آرامگاه عیسی خان صفوی موسوی حسینی قرة العین نواب شاهزاده گی زبیده بیگم بنت شاه جنت مکانی علیین آشیانی شاه عباس صفوی موسوی حسینی انارالله برهانه **فی احدی و اربعن بعد الف .** »

در اطـراف سنگ این آرامگـاه بخط نستعلیق برجسته اشعـار زیر حجاری شده است :

چـاکر شاه ولایت **خان عیسی** منزلت — **قورچی باشی ایران** سیـد عـالی تبار

سالهـا شمشیر زد در راه دیـن مصطفی — شد نصیبش کربلا آن روضهٔ عالی تبار

ازچنان خان سلیمان جاه وبلقیس جهان — بنت شاهنشاه دین عباس تاج روزگـار

دروجود آمد سه کوکب زینت اوج شرف — **میرمعصوم و علی، سید محمد** زهره وار

هرسه دریکروز آن شمشادقد گل عارضان — کشته گردیدند از تیغ جفای روزگار

شستازهجرانشان رخسار درخون همچو گل — ثانی مریم **زبیده** زبدهٔ هشت و چهـار

١٠٦٢

مصراع وسط نقوش سنگ قبر : « وه چه مرکب که برقی وبادی »

در ذیل این مصراع نقش یك اسب مجهز بزین و سلاح و جلودار ولی بدون راکب دیده میشود .

کتیبه واشعارسنگ آرامگاه محمد معصوم میرزا :

یا ائمة المعصومین

« وفات سیادت ونجابت پناه نواب **محمد معصوم میرزا** ابن مرحمت پناه عیسی

خان صفوی موسوی حسینی قرة العین نواب شاهزادگی زبیده بیگم بنت شاه جنت مکانی علیین آشیانی شاه عباس صفوی موسوی حسینی انارالله برهانه **فی احدی واربعین بعد الف** . »

دراطراف سنگ آرامگاه بخط نستعلیق برجسته اشعار زیر حجاری شده است:

ای فلك ای ستم آئین خبـرت نیست مگر
که چها از تو جفا جو بوفا کیشان رفت

سه نهال از چمن تیشه جور تو فکنـــــد
ز جفایت سه گرانمایه در از یك کان رفت

محنت ما بسی افـــــزون زغم یعقوبست
زانك ازو یکمه و ما را سه مه از کنعان رفت

حیف از آن شاه سواری که بجولانگه عمر
جلوه ناکرده بکام دل ازین میدان رفت

مرگ معصوم خزان کرد بهـــــار عمرش
لالـه و سرو و گل از گلشن عیسی خان رفت
۱۰۴۱

و در وسط نقوش سنگ این آرامگاه نوشته شده است :

« بر فرس تند رو هر که ترا دید گفت » (۱)

کتیبه سنگ آرامگاه کودك سید محمد خان :

« وفات سیادت ومرحمت پناه ابن نواب مرحمت پناه مغفرت دستگاه سید محمد خان صفوی موسوی حسینی قرة العین نواب شاهزادگی زبیده بیگم بنت شاه جنت مکانی علیین آشیانی شاه عباس صفوی موسوی حسینی انارالله برهانه **فی احدی و اربعین و الف** . »

---

(۱) مصراع دوم این شعر که برسنگ آرامگاه منقور نیست بشرح زیر است :
« برگ گل تازه را باد کجا میبرد »

در دو طرف سنگ آرامگاه این کودك یك فرد شعر بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر حجاری شده است :

فکند از تیشه جور و جفا این چرخ کج رفتار
نهالان چمن آرای **عیسی خان** زپا یکبار



سه سنگ مرمری نفیس بر آرامگاه شاهزادگان مقتول صفویه دربقعه شاهزادگان

کتیبه سنگ آرامگاه بدرجهان بیگم دختر سید محمد خان

دختر سید محمد خان که در سال ۱۰۶۲ هجری یعنی دهمین سال سلطنت شاه عباس ثانی فوت کرده نیز در همین بقعه مدفون شده و کتیبه آرامگاه او بشرح زیر است :

الحکم لله تعالی

ه وفات سیده مرحومه مغفوره **بدرجهان بیگم** ابن[1] نواب مرحمت پناه سید محمد

(۱) عین کتیبه است

خان صفوی موسوی حسینی قرة العین نواب شاهزادگی زبیده بیگم بنت شاه جنت مکانی شاه عباس صفوی موسوی حسینی انارالله برهانه **فی اثنی و ستین و الف .** »

در اطراف سنگ این آرامگاه نیز اشعاری بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر حجاری شده است :

شعاع نورمحمد یگانه **بدرجهان** — سلاله گهر بندگان مریم جاه

خدیجه رتبت وزهرا سیر زبیده بگم — گل حدیقه جمشید آفتاب کلاه

بهار لطف شهش همچو گل به بار آورد — نداد فرصت خندیدنش زمانه و آه

ز نارسائی اقبال و کج نهادی بخت — ذلیل باد اجل شد چراغ کعبه جاه

شکوفهٔ که دم عیسویش می پرورد — شد از فسردگی طبع روزگار تباه

دلم زدهشت جانسوز این مشقت جام — کشید سر بگریبان که خامه‌ام ناگاه

فشاند ازپی تاریخ اشک تیره که زود — **نمود چهره نهان بدرهمچویکشبه ماه**

١٠٦٢

بقعه ستی فاطمه

بقعه شاهزادگان درمجاورت یکی از اماکن مقدسه اصفهان بنام (ستی فاطمه) واقع شده که دارای مقبره وضریح است وچنین شهرت دارد که مدفون دراین آرامگاه فاطمه صغری بنت حضرت موسی بن جعفر(ع) است ولی در کتب انساب نامی ازوی برده نشده . ساختمان صحن و بقعه آن از دوره صفویه است و جمعی از بزرگان آندوره دربقعه وصحن آن مدفون شده اند . کتیبه داخل بقعه ستی فاطمه دراطراف گنبد آن اشعاری است که بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی نقاشی‌شده . مضمون اشعار حاکی از آنست که در دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار مرد پاك سرشتی بنام محمد علی‌خان ببنای این قبه اقدام نموده است . اشعارمزبور که مورخ بسال ١٢٤٢ هجری است و در سنوات اخیرهم تعمیری ازآن بعمل آمده بشرح زیرمیباشد :

بعهـــــد دولت **شاه زمانه فتحعلی** | که بنده در او هست پادشاه مثال
خدایگان سلاطین روزگار که هست | بحضرتش الف قامت شهان چون دال
بدوش غـاشیه حضرتش کشد خاقان | بگوش حلقه خدا میش کنند جبال
بنام او چه قضا خواند آیت شاهی | ببام چرخ بـر افراشت رایت اجلال
یکی زجمله غـلامـان نیك بنیانش | که درزمانه ندارد بحسن حال همال
ستوده رای وخجسته نهاد وپاك سرشت | نکوطویت وخوش فطرت وحمیده خصال
سپهر جاه **محمد علی** که از ره قدر | نهاده پای بفرق فلك زعـز و جلال
بلند مرتبه خـانی که تیغ نصرت او | نموده است زخون چهره عدو را آل
مه سپهر نظارت که آفتــــاب کند | زنور ناصیه اش اکتساب بهر جمال
بنـا نهـاد بنائی رفیـع و مستحکم | دراصفهان که مبادش زحادثات وبال
برای فـاطمه بضعه امام انـــام | امام هفتم منظور قادر متعـــال
زهی خجسته بنـائی که قبه گردون | برش چه نقطه موهوم پیش وهم وخیال
تمام خیل ملك بـال خویش گسترده | بجای فرش در این بقعه فلك تمثال
بیمن دولت شاهی وسعی وهمت خویش | بنـا رسید بانجام مـدت یکسال
رقمزد از پـی تـاریخ خـامه **طالع** | باین سپهر نهانست مهر اوج کمال

۱۲۴۲

مدرسه آقا کافور

آقاکافور یکی ازخواجگان حرم شاه عباس ثانی بوده که ظاهراً مدرسه ای بنا کرده بوده است . از این مدرسه غیر از کتیبه سردر آن که بر لوح سنگی مرمری حجاری شده و در حال حاضر در یکی از غرفه های مسجد خان در محله دارالبطیخ (احمدآبـاد فعلی) در گوشه ای افتـاده است اثری برجای نمانده . **شاردن** سیاح معروف فرانسوی در سفرنامه خود پس از صحبت از بازار (توپچی باشی) و بـازار

(محمد امین) و خانه (کاپوسن ها) از **مدرسه آقا کافور** نام برده وچنین مینویسد:

« ولی روبسمت شمال بمدرسه موسوم بمدرسه (آقا کافور) میرسیم . این شخص یکی از خواجگان دربار و محافظ خـزاین و جواهرات سلطنتی بوده . چهره ای زشت و صدائی گوش خراش داشت و همواره دشنام و ناسزا میداده است . پیوسته با فحش شروع بصحبت میکرد مخصوصاً بامسیحیان . دفعه اولی که باوملاقات کردم درسفر دوم من باصفهان بود که برای کاری باو مراجعه کردم . بتصور اینکه فارسی نمیدانم بنا بر عادت خود شروع بدشنـام کرد ولی چون من عـادت بچنین شیوه ای نداشتم بزبان فارسی فصیحی باو گفتم : « آقا اگر باز بمن دشنام دهید ازشاه استدعا خواهم کرد که دیگرمرا نزد شما نفرستد . » درپاسخ من گفت : (شما فارسی بسیار خوب صحبت میکنید . خوش آمدید) و از آن پس با من بسیار خوب رفتار میکرد ولی اغلب مشاهده میشد که با کمترین پیش آمدی بااعیان وبزرگان بدترین وضعی رفتار میکرد . » (۱)

در کتیبه نفیس برجای مانده مدرسه آقاکافور نام وی (حاجی کافور) صاحبجمع خزاین‌عامره ذکرشده، کتیبه مزبور که بخط خوش نستعلیق برجسته برسنگ مرمر حجاری شده وبقلم محمد رضا امامی‌مورخ بسال۱۰۶۹هجری میباشد بشرح زیراست:

« درزمان دولت نواب‌کامیاب سپهررکاب اشرف اقدس ارفع همایون شاهی مروج مذهب بحق حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان **السلطان شاه عباس الثانی الصفوی الموسوی بهادرخان** خلد الله ملکه و سلطانه و افـاض علی العالمین بره و احسانه کمترین این آستان **حاجی کافور** صاحبجمع خزاین عامره خالصاً لله ومخلصاً لوجهه بنای این مدرسه عالیه کرد ووقف برطلبه علوم دینیه اثنا عشریه نمود که طلبه علوم دینیه اثنا عشریه در محل مزبور سکنی نموده بافاده و استفاده علوم دینیه و معارف

---

(۱) صفحه ۷۱ سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی (قسمت شهراصفهان) ترجمه حسین عریضی



تصویر شاه عباس دوم

(از کتاب تاریخ کشیشان کرملی در ایران چاپ لندن)

یقینیه مشغول شوند باشد که ثواب آن بروح پرفتوح حضرات ائمه معصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین و بروزگار فرخنده آثارصاحبقران ثانی عاید گردد بحق النبی و آله **فی شهر ربیع الثانی سنة تسع و ستین و الف کتبه محمد رضا الامامی . » (۱)**

مدرسه میرزا تقی

مدرسه میرزا تقی که ظاهراً از بنا های دوره شاه عباس ثانی بوده است فعلا بصورت مدرسه وجود ندارد و محل آن تبدیل بخانه مسکونی شده است . دوست فاضل نگارنده آقای محمد صدرهاشمی سالها پیش این مدرسه را دیده ومقاله‌ای برای آن ترتیب داده اند که ضمن آن کتیبه موجود آنرا نیزضبط نموده اند . این مقاله

---

(۱) **مسجد خان** که در محله دارالبطیخ واقع شده و کتیبه سردر **مدرسه آقاکافور** در یکی از ایوانهای کوچك آن بطور موقت نصب شده ازلحاظ شیوه معماری از دوره صفویه هم قدیمی تر بنظر میرسد ولی چون هیچگونه کتیبه ای که حاکی از تاریخ بنای مسجد مزبور باشد در آن وجود ندارد لذا بطور یقین نمیتوان زمان ساختمان آنرا تعیین کرد .

قسمتهای جالب این مسجد محراب بزرگ ایوان جنوبی آنست که با مقرنس های گچی و پشت بغل کاشیکاری آراسته شده و بر یك لوحه زیبا در بالای محراب بخط ثلث جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) با حاشیه های گلدارگچ بری شده است . کتیبه اطراف محراب کوچك این ایوان شامل آیه ۱۸ سوره (توبه) است که بخطی شبیه بکوفی برزمینه قهوه‌ای رنگ گچ بری شده وقسمت آخرآن بعبارت: **کتبه المذنب عبدالله الحسینی ۱۱۲٤** ختم‌میشود.

در یکی از زوایای دالان مسجد سنگاب مستطیلی شکلی نصب شده که کتیبه ذیل بخط نستعلیق برجسته برآن حجاری شده است :

نمود وقف حسین علی شه شهدا — قدیر ، این قدح آب از برای ثواب
کسی که نوش کند زین قدح دم آبی — هزار لعن کند بر یزید زشت مآب
لب قدح بهمین حرف متصل گویاست — که بر یزید جفاکار هست لعن ثواب
زعقل طایر منشی چه خواست تاریخش — زدیده اشگ‌فشان گشت عقل و گفت جواب
بنوش یکدم آب .... — بیاد شاه شهیدان بنوش جرعه آب

و در دو لوحه کوچك در طرفین سنگاب عبارت ذیل منقور است :

« کتبه محمد باقرالحسینی غفرله »

سردر مسجد کهنه بنظرمیآید ودارای یك پشت بغل کاشیکاری ولوحه ایست که بخط ثلث

بزرگی داشته که در روزنامه سرنوشت درج شده بشرح زیر است :

« نگارنده بخاطر دارد چند سال قبل در محله (جماله‌کله) در محلی که در تصرف آقای شیخ اسدالله گیوه چی (۱) بود وسابقاً بنام (مدرسه میرزا تقی) خوانده میشد سنگ یکپارچه نفیسی وجود داشت که برروی آن بخط (محمد رضای امامی) خطاط معروف عصر صفوی کتیبه ای که در ذیل نقل میشود حجاری شده بود :

اطلاعی که نگارنده از این مدرسه دارد اینستکه بانی آن میرزا تقی نامی بوده واین مدرسه را درسال ۱۰۷۱ قمری برای (سید نعمت الله جزایری) معروف صاحب کتاب (انوار نعمانیه) هنگام مراجعت از شیراز وتوطن دراصفهان بنا نموده است مرحوم سید نعمت الله در کتاب انوار نعمانیه در جائیکه شرح حال خود را بیان میکند اینطور مینویسد : « فسافرنا الی اصفهان وکنا جماعات کثیرة و اصابنا فی الطریق برد ۰۰۰۰۰ ثم بعد هذا من الله علی بالمعرفة مع استادنا المجلسی ادام ایام سلامته ۰۰۰۰ ثم ان رجلا اسمه میرزا تقی بنی مدرسة و ارسل الی وجعلنی فیها مدرساً والمدرسة تقرب من حمام الشیخ بهاءِ الدین محمد تغمده برحمته فاقمت فی

برجسته برنمای سکوی چپ سردر حجاری شده است . عبارت لوحه مزبورکه مورخ بسال ۱۰۹۴ هجری است بشرح زیرمیباشد :

« بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شودکسی که در محله دارالبطیخ قمارکوزه داری کند . پهلوان ملك را خدا بیامرزد **۱۰۹۴**)

(نگارنده کتیبه های این مسجد را در سال ۱۳۴۰ خورشیدی مطالعه نمود ولی در سال ۱۳۴۲ که برای بازدید این مسجد مراجعه نمود ازبنای زیبای قدیمی مسجد اثری مشاهده ننمود و باکمال تأسف معلوم شدکه درنتیجه عدم توجه و غفلت متصدیان وقت مسجد قدیمی را خراب نموده و در محل آن شبستانی جدید بنا نموده اند .)

سنگاب مسجد خان : کتیبه سنگاب داخل مسجد خان بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

« وقف صحیح شرعی نمود عالیشان استاد جواد حجار اصفهانی این سنگ آب را برحضرت عباس علیه السلام وشرط شرعی نمود که ازمسجد خان واقعه در محله دارالبطیخ بیرون نبرند تخلف کننده بلعنت خدا گرفتارشود تحریراً فی‌شهر رمضان المبارك کتبه حسین الحسینی ۱۳۰۵»

---

(۱) بطوریکه مؤلف تحقیق کرده است این شخص حاج شیخ حسن چوب شکن نام داشته و مدرسه میرزا تقی بنام مدرسه (حوا بیگم) نیزمعروف است .

اصفهان اقرأ وادرس ثمان سنوات تقريباً ثم اصابنی ضعف فی البصر بكثرة المطالعة وكان فی اصفهان جماعة كحالون (در اینجا معالجه كحالین اصفهان مؤثر واقع نشده وناچار بمسافرت میشود وپس از آنكه یك صفحه شرح مسافرتش را میدهد مینویسد): وجلست فی اصفهان فی حجرتی فی مدرسة میرزا تقی دولت آبادی وبقیت اعالج ۰۰۰» حاصل مفاد عبارات بالا اینست كه پس از ورود سید باصفهان وآشنائی با مرحوم مجلسی مردی میرزا تقی نام مدرسه ای نزدیك حمام شیخ بهائی بنا نموده و وی را مدرس آن مدرسه قرار داده است .

باین ترتیب از گفتارسید و كتیبه موجود در مدرسه معلوم میشود سابقاً در این محل مدرسه مهمی وجود داشته كه اكنون دست حوادث آنرا ازبین برده است . بنای فعلی در محل مدرسه از ابوالحسن بیك نامی است كه ظاهراً شصت سال قبل مدرسه میرزاتقی را بصورت خانه مسكونی درآورده است . متن كتیبه موجود در مدرسه كه نگارنده ضبط نموده از اینقرار است :

« بسم الله الرحمن الرحیم قد وفق ببناء هذا المدرسة فی زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان الاكرم مولی ملوك العرب والعجم قهرمان الماءِ والطین مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان ۰۰۰۰ (این قسمت از كتیبه مخصوصاً تراشیده شده كه اگر روزی پیدا شود معلوم نباشد مربوط بكدام بنا و متعلق بكیست) ۰۰ ابن مرحوم محمد باقر دولت آبادی . **كتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی** »

این بنا را سه نام نامی آن	كه فرح بخش شاب وشیخست هم
اولین مدرسه دویم **طیبه**	سیمین **خالصیه** تاریخست
۳۰۹ ۲۶	۷۳۶ (۱)

---

(۱) نقل از شماره ۲۱ و ۲۲ سال اول روزنامه سرنوشت چاپ اصفهان بقلم آقای **محمد صدرهاشمی . (مجموع كلمات : مدرسه ، طیبه وخالصیه بحساب حروف ابجد ۱۰۷۱** میشود كه سال بنای مدرسه است .)

کتیبه سر در مسجد سلیمان بیك

در محله دروازه نو و کوچه بازارچه خان مسجد کوچکی واقع شده که بوسیله سلیمان بیك از کار گزاران در بارشاه عباس ثانی بنا شده . کتیبه سر در این مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بقلم محمد رضا امامی و مورخ بسال ۱۰۷۲ هجری بشرح زیر است :

« قد وفق لاتمام هذا المسجد فی زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان **ابو المظفر شاه عباس الثانی الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان** خلدالله تعالی ملکه وسلطانه اقل خلق الله **سلیمان بیك** چینی کش خاصه شریفه خالصاً لله تعالی فی ۱۰۷۲ **کتبه محمد رضا الامامی** »

کتیبه سر در مسجد حاجی یونس

در بازارچه حمام قاضی درمحله **دردشت** و نزدیك فلکه شهشهان مسجد کوچکی واقع شده که بوسیله حاجی یونس نامی ازخواجگان دوره شاه عباس ثانی بنا شده وثواب آنرا بروح آزاد کننده خود (حاجی صفی قلی) هبه کرده است . کتیبه سردر این مسجد در سه سطر است : سطر اول که بخط ثلث برجسته حجاری شده بشرح زیر است :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله من بنی مسجداً کمفحص قطاة بنی الله له بیتاً فی الجنة صدق نبی الله . »

سطر دوم و سوم کتیبه بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر حجاری شده است :

« توفیق بناء این مسجد یافت سعادت مآب حاجی الحرمین الشریفین **حاجی یونس** ازخالص مال خود قربة الی الله وطلباً لمرضاته وثواب آنرا هبه کرد بروح مرحوم حاجی الحرمین الشریفین **حاجی صفی قلی** معتق خودسنه ۱۰۷۳ **کتبه محمد رضا الامامی** »

بر روی دولنگه در قدیمی این مسجد بخط ثلث برجسته کتیبه ای منقور است که سال ساختمان مسجد را بدوره شاه طهماسب اول میرساند ، کتیبه بشرح زیراست:

« قال الله تعالی وان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً صدق الله **تحریراً فی اربع وعشرین من شهر ربیع الاول سنة اثنی و خمسین و تسعمائة الهجریه** . » (۱)

مسجد حکیم

بطوریکه در کتیبه سردر شمالی این مسجد ذکرشده است مسجد حکیم بوسیله محمد داود ملقب به (تقرب خان) طبیب شاه عباس دوم بنا شده و در سال ۱۰۷۳ هجری باتمام رسیده است . این مسجد در محل مسجد قدیمی دوره دیالمه بنام (جورجیر) یاجامع رنگرزان (۲) که فقط سردری از آن باقی مانده است بنا شده(۳)

شاردن در باره این حکیم داود که طبیب شاه صفی و شاه عباس دوم بوده است چنین مینویسد :

« چون در نتیجه پاره ای دسائس طرف بی لطفی شاه واقع شده و از پیش آمد های بدتری میترسید ... بهندوستان گریخت و در آنجا باندازه ای ترقی کرد که شخص بزرگ وبسیارمعتبری شد . بطوریکه درسفرنامه شادروان نامدار «برنیه» (٤) دیده میشود حکیم داود که درجنگ اورنگ زیب با برادرانش بنام عرنجان سهم بزرگی داشته

(۱) در محله قدیمی **باب الدشت** مساجد کوچك دیگری نیز وجود دارد از آنجمله **مسجد فتح** است که (مسجد کوچه باغ) نیز نامیده میشود . کتیبه این مسجد که بخط ثلث نوشته شده و قسمتهائی از آن فعلا موجود نیست مشعر برآنست که **مسجد فتح** بوسیله عالم ربانی و عارف محدث صمدانی **ابوالفتوح محمد** در سال ۹۸۷ هجری بنا شده . کتیبه این مسجد بخط (علیجان معلم) است و بر دو جرز طرفین سردر آن نیز بر دو لوحه سنگی بخط نستعلیق اشعاری بتاریخ نوزدهم شهر ربیع الاول سنه ۹۸۸ حجاری شده .

(۲) وجه تسمیه این مسجد به (جامع رنگرزان) ازاین جهت است که درانتهای بازار رنگرزان اصفهان واقع شده .

(۳) رجوع شود بصفحه (٤٠) (٤) Bernier

است بمحض اینکه در هندوستان بر مسند عزت استقرار یافت اموال زیادی برای خانواده خویش باصفهان فرستاد و خواه ازراه میهن دوستی خواه برای آنکه نامش بر زبانها باشد اینکار را آنقدر ادامه داد تا این مسجد عالی را بنا نهادند .

برنیه در ضمن شرح مسافرت های خود از (تقرب خان) صحبت میدارد و این همان اسمی است که حکیم داود در کتیبه سردرشمالی‌مسجد بآن نامیده شده است(۱)

کتیبه سردر شرقی مسجد حکیم

دراطراف سردرشرقی‌مسجد حکیم که روبروی مقبره حاج محمد ابراهیم کلباسی قراردارد ضمن‌اشعاری که بخط نستعلیق‌سفید برزمینه‌کاشی‌لاجوردی رنگ نوشته شده از پادشاه معاصر باساختمان مسجد ، شاه عباس دوم وبانی ساختمان مسجد ، حکیم داود ملقب به (تقرب خان) وسال شروع ساختمان مسجد (۱۰۶۷ هجری) بشرح زیر یادشده است :

درایام سریرآرائی خاقان گردون تخت — سلیمان زمان **عباس ثانی** سایه یزدان

چنین‌ازغیب ملهم‌شد حکیم‌کاردان **داود** — بپای تخت هند آمد خطاب او **تقربخان**

که‌بی‌تأخیرمیبایدروان‌شدسوی‌اصفاهان — یکی‌مسجدتوچون گلزارداودی‌نهی‌بنیان

بسعی‌کارفرمائی بنا شد اندر این دوران

خجسته‌مسجدی‌چون‌عالم‌تجریدروحانی — مصفامعبدی‌خاطر گشاچون‌شیوه‌احسان

بتاریخ بناواضح‌نوشت این تازه مصرعرا — **مقام کعبه دیگر شد از داود اصفاهان**

۱۰۶۷

در بین اشعار فوق الذکر در الواحی کوچکتر عباراتی که حاکی از تعمیرات سردر در دوره های بعد است دیده میشود و از آنجمله بین مصراع پنجم وششم بخط سفید بر زمینه سبز رنگ نوشته شده (در سال ۱۳۲۳ خورشیدی تعمیر شد) و بین مصراع ششم وهفتم در لوحه دیگری نوشته شده : « فی خمس و ثمانین بعد الالف »

---

(۱) آثار ایران (ترجمه فارسی) جلد اول ـ جزوه دوم صفحه ۱۱۵

و در آخر اشعار در یك نیم لوح بخط لاجوردی رنگ برزمینه سبز نوشته شده :

« عمل میرزا محمد کاشی پز ۱۰۸۵ » (۱)

در هلال این سردر بخط ثلث زرد برزمینه لاجوردی آیه ۳۵ از سوره (نور) و آیه ۱۷ و ۱۸ ازسوره (توبه) نوشته شده ودر آخر بعبارت (صدق الله العلی العظیم الکریم الحکیم) ختم میشود .

و در رأس هلال سردر در لوحه کوچکی نوشته شده است :

« در تاریخ شوال ۱۳۶۳ بهمت حاج ابوالقاسم تبریزی تعمیر شد . »

کتیبه تاریخی سردر شمالی مسجد حکیم

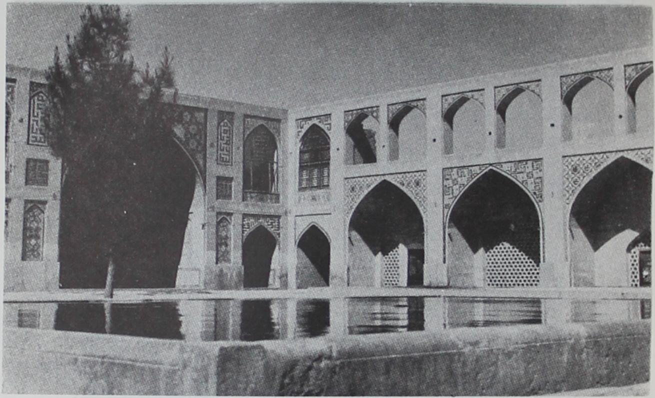
کتیبه سردر شمالی مسجد حکیم بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی حاکی از آنست که مسجد دردوره سلطنت شاه عباس ثانی بوسیله حکیم محمد داود معروف به (تقرب خان) بنا شده . این کتیبه که بخط محمد رضا امامی ومورخ بسال ۱۰۷۳ هجری میباشد بشرح زیر است :

« قد وفق لاتمام هذاالمسجد الرفیع فی زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم مروج مذهب الائمة المعصومین السلطان بن السلطان **ابی المظفرشاه عباس الثانی الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان** خلد الله ملکه اقل العباد الملك الکریم **محمد داود الحکیم** المخاطب **بتقرب خان** ادام الله تعالی افضاله ورفع قدره الی یوم الدین **کتبه محمد رضا الامامی فی ۱۰۷۳**. »

در طرفین سردر شمالی مسجد در دو لوحه کوچك بخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی رنگ نام استاد سازنده سردر بشرح زیر آمده است : « عمل فقیرمحمد علی ابن استاد علی بیك بناءِ اصفهانی »

---

(۱) تاریخ ۱۰۸۵ در این سردر ظاهراً معرف اتمام کار مسجد در دوره شاه سلیمان صفوی است .



گوشه‌ای ازصحن مسجد حکیم

کتیبه های داخل ایوان وگنبد جنوبی مسجد حکیم

درقسمت فوقانی نمای خارجی ایوان جنوبی مسجد حکیم بخط بنائی سه رگی (دو مشگی در طرفین و یك سفید در وسط) برزمینه فیروزه ای معرق کاشی نوشته شده است :

« سبحان الله والحمد لله ولا اله الاالله والله اکبر . »

در داخل ایوان در اشکال چهار ضلعی متعدد و پراکنده بخط بنائی وبرنگهای متفاوت برزمینه های مختلف اسامی و عبارات فراوانی نقش شده است . (۱)

(۱) درداخل مقرنسهای سردرها وداخل ایوان جنوبی وایوانهای دیگر و اطراف صحن بخط بنائی تعدادی (اسماء الله) وبعضی احادیث مذهبی مانند : قال النبی صلی‌الله علیه وآله المؤمن فی المسجد کالسمك فی الماء و (الکافر فی المسجد کالطیر فی القفس) و مانند اینها تکرار شده است .

در داخل ایوان جنوبی بعد از عبارت : قال الله سبحانه وتعالی (آیةالکرسی) نوشته شده و بعد از آن عبارات کتیبه بشرح زیر ادامه میابد :

« و قال عز و جل ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً صدق الله العظیم و صدق رسوله النبی الکریم **کتبه محمد رضا الامامی ١٠٧١** »

تزیینات داخل گنبد مسجد حکیم از نوع معقلی ساده (ترکیب آجر وکاشی) است و کتیبه اطراف آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بخط محمد رضا امامی و مورخ بسال ١٠٦٩ هجری شامل سوره (جمعه) است و بعبارات زیر ختم میشود :

« صدق الله العظیم و صدق رسوله النبی الکریم **تم فی تسع و ستین والف ١٠٦٩ کتبه المذنب محمد رضا الامامی الادهمی الاصفهانی** . »

کتیبه اطراف محراب مسجد حکیم بخط ثلث زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد رضا امامی و مورخ بسال ١٠٧١ هجری قمری شامل آیات اول تا آخر آیه ششم از سوره (اسری) است و بعبارات زیر ختم میشود :

« قال الله سبحانه و تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین **کتبه محمد رضا الامامی فی ١٠٧١** . »

کتیبه داخل محراب بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ شامل آیه ١٤٤ از سوره (بقره) است و قسمت آخر کتیبه بعبارات زیر ختم میشود :

« قال الله عز و جل و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً **کتبه محمد رضا الامامی ١٠٧١** »

کتیبه نمای خارجی محراب شبستان شرقی گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم محمد رضا امامی و مورخ بسال ١٠٦٩ هجری قمری شامل صلوات بر چهارده معصوم است وبعبارات : « **فی تسع و ستین والف** »ختم میشود .



کتیبه محراب مسجد حکیم بخط محمد رضا امامی

و در دو سطر کوچك در آخر کتیبه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده است :

« کتبه العبد المذنب المحتاج الی الله الغنی محمد رضا الامامی الاصفهانی . »

کتیبه محراب شبستان غربی گنبد مسجد حکیم بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی

لاجوردی بقلم محمد باقرشیرازی ومورخ بسال ۱۲۵۴ هجری شامل آیه ۵۵ ازسوره (مائده) است بشرح زیر :

« قال الله تبارك وتعالی انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون صدق الله و رسوله **کتبه محمد باقرالشیرازی ۱۲۵۴**»

در پشت بغل نمای خارجی این محراب بخط بنائی مشکی بر زمینه آجری نوشته شده است :

« لااله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله »

کتیبه ایوان شمالی مسجد حکیم

دراطراف ایوان شمالی مسجد حکیم بخط ثلث زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ سوره های (دهر) و (اخلاص) نوشته شده وتاریخ آن درآخر کتیبه بشرح زیر آمده است :

« **کتبه محمد رضا الامامی فی ۱۰۷۱** »

برهلال دیوار مقابل این ایوان بخط ثلث برجسته برزمینه لاجوردی رنگ سوره (شمس) گچ بری شده وبقیه کتیبه بشرح زیر است :

« قال الله تعالی ان الله وملائکته یصلون علی النبی یاایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً . قال الله تعالی انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم راکعون **کتبه محمد رضا الامامی فی ۱۰۷۰** »

در طرفین ایوان شمالی دو حجره کوچك واقع شده است که بر (دست انداز) هریك از آنها بخط بنائی ساده سه رگی (دومشگی ویك سفید) یك مصراع از بیت زیر نوشته شده است :

« هست کلید در گنج حکیم »　　« بسم الله الرحمن الرحیم »

کتیبه ایوان شرقی مسجد حکیم

کتیبه اطراف ایوان شرقی مسجد حکیم بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی

شامل سوره (تکویر) است و بقیه کتیبه بشرح زیر خاتمه میباید :

« و قال عز وجل قل الحمدلله الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن له شریك فی‌الملك ولم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیراً. »

کتیبه ایوان غربی مسجد حکیم

کتیبه ایوان غربی مسجد حکیم بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل سوره (انفطار) و سوره (نصر) است و قسمت آخر کتیبه بشرح زیر میباشد :

« صدق الله العظیم و صدق رسوله النبی الکریم **کتبه محمد رضا الامامی حامداً لله تعالی فی ۱۰۷۳** »

در یك شکل مربع در وسط پشت بغل نمای خارجی این ایوان بخط بنائی لاجوردی رنگ برزمینه کاشی سفید نام استاد معروفی که در این مسجد کار کرده و اسم او در سردر شمالی مسجد نیز موجود است بشرح زیر آمده است :

«عمل محمد علی ابن استاد علی بیك»

کتیبه شبستان غربی مسجد حکیم

شبستان مسقف مسجد حکیم نیز از نمونه شبستانهای بزرگ و جالب مساجد اصفهان است و محراب کاشیکاری زیبائی دارد که کتیبه آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بشرح زیر است :

« وعن ابی‌حمزة عن الامام ابی جعفر محمد بن علی الباقر انه قال قال له رجل کیف سمیت الجمعة قال ان الله عز و جل جمع فیها خلقه لولایة محمد و وصیه فی المیثاق فسماه یوم الجمعة لجمعه فیه خلقه . »

کتیبه یك سنگاب قدیمی

مقابل سردر جورجیر ودر شمال غربی مسجد حکیم سقا خانه ای واقع شده که بر تخته سنگ عمودی آن مشرف بجاده و روبروی سردر بخط نستعلیق برجسته

اشعاری حجاری شده و حاکی از آنست که (قرچغای بیك) از مردان نامی دوره شاه صفی مدرسه ای بنا کرده بوده است و در دوره سلطنت شاه عباس دوم یکی از خواجگان حرم او بنام (حاجی نصرت) این سنگ آب را هم وقف نموده است اشعار سنگاب مزبور که مورخ بسال ۱۰۷۵ هجری میباشد بشرح زیر است :

شاه جنت مقام **شاه صفی**	که روانش غریق رحمت باد
داشت یك	پاك گوهر . . . . (۱)
قرچغای بیك آنکه حضرت حق	از عنایت قبول حجش داد
کرد عالی بنای مدرسهٔ	که زفیضش **ملك** خبرمیداد
خواجه او که **حاجی نصرت** بود	بعطای شه کریم نژاد
سنگ آبی نمود وقف که هست	کوثر سلسبیل . . . .
این سعادت بخیرجاری یافت	در زمان شه بعدل و بداد
شاه عباس ثانی آنکو هست	صد چو فیض . . . .
بهر تاریخ آن رسید ندا	رحمت ایزدی بر آنکس باد

سنه ۱۰۷۵

و برسنگاب دیگری متصل باین سنگاب نوشته شده :

« وقف حضرت امام حسین علیه السلم نمود آقا رحیم ولد نظام بتاریخ سنه ۱۱۱٤ »

کتیبه سر در مسجد کوچك جورجیر

بفاصله چند متر در مغرب سردر جورجیر مسجد کوچکی از عهد صفویه واقع شده که بمناسبت واقع بودن دراین محل ومجاورت بامسجد معروف دیلمی (جورجیر) ساکنین محل آنرا نیز مسجد (جوجی) و (جوجه) که تحریف شده کلمه (جورجیر)

---

(۱) قسمتهای (نقطه چین) در کتیبه فوق مانند سایر کتیبه های مذکوردراین کتاب معرف قسمتهائی از کتیبه است که بکلی محو شده .

است مینامند . بطوریکه کتیبه سردر این مسجد حکایت دارد مسجد مزبور در دوره سلطنت شاه عباس اول بوسیله (ملاآقای حوایجدار) بنا شده‌است. کتیبه تاریخی سردر مسجد بخط ثلث سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ بقلم صحیفی جوهری و مورخ بسال ۱۰۱۸ هجری بشرح زیر است :

« فی ایام خلافة السلطان الاکرم الاعظم الاعدل الاشجع قهرمان الماء والطین مولاملوك العرب والعجم ابوالغازی ابوالنصر ابوالفتح **ابوالمظفر شاه‌عباس بهادرخان** خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره وعدله و احسانه بتوفیق الله تعالی که بانی این مکان شریف **ملا آقای حوایجدار** خاصه شریفه است **رقم فقیر صحیفی جوهری فی سنة ثمان عشر والف** . »

آثار تاریخی اصفهان از دوره شاه سلیمان صفوی

کاخ هشت بهشت

دردوره سلطنت شاه سلیمان (۱۰۷۷ ـ ۱۱۰۵) فرزند شاه عباس دوم تعمیراتی در بنا های سابق صورت گرفت ومدارس جدیدی برای سکونت طلاب ساخته شد و کاخ هشت بهشت بتعداد قصورسلطنتی افزوده گردید. این کاخ دروسط باغی بمساحت هشتاد و پنج جریب بنا شده بوده که آنرا (باغ بلبل) مینامیده اند .

عمارت تاریخی هشت بهشت درسال ۱۰۸۰ هجری در دوره پادشاهی شاه سلیمان بنا شده و در نوع خود ازکاخهای بی نظیر عهد صفویه است . کاخ مزبور سنگهای ازاره مرمری فراوان و یك طاق مقرنس مذهب عالی در سرسرای آن و اطاقهای مزین بنقاشی دارد وپشت بغلهای متعدد آن در نما های خارجی بنا که کاشیکاری شده است انواع و اقسام وحوش و طیور را با اشکال بسیار متناسب نشان میدهد .

شاردن که خود در دوران پادشاهی شاه سلیمان در اصفهان بوده و این بنا را بکرات دیده چنین نوشته است :

« من قول داده ام که در طی توصیف باغهای اطراف خیابان زیبای اصفهان شرح یکی از تالار های یکی از باغها را بنام (باغ بلبل) بدهم این تالار را (عمارت بهشت) مینامند . تمام سقف های آن موزائیك بسیار عالی است . دیوارها و جرز ها دو طبقه و دالانها و غلام گردشهائی در اطراف آنهاست . در این دالانها صد ها مکان است که دلکش ترین و فرح انگیز ترین نقاط دنیا محسوب میگردد و هریك بوسیله منفذی که بدان نور میتابد روشن میشود . این روشنائی متناسب با تفریحاتی است که این امکنه ویژه آنها ساخته شده است .

هیچیك از این نقاط از حیث شکل و ساختمان و تزیینات بدیگری شبیه نیست در هرجائی چیز تازه و گونا گون است چنانکه در بعضی بخاریهای متنوع و در

برخی حوضها وفواره هاست که ازلوله هائی که درداخل دیوارها میباشد آب میگیرند این تالارعجیب درحقیقت (لابیرنتی) است زیرا انسان درقسمت فوقانی آن هرجا گم میشود و پله ها چنان مخفی است که بآسانی پیدا نمیشوند . قسمت پائین تا ده پا از سطح زمین از سنگ یشم و نرده ها از چوب زرنگار و قابها و چهارچوبها از نقره و جامها از بلور و آلتها از شیشه های رنگارنگ ظریف ساخته شده است .

اما راجع بتزیینات نمیتوان این اندازه شکوه وعظمت و دلربائی و فریبندگی را که درهم آمیخته است تصور کرد. میان نقاشی‌های این بنا تصاویر برهنه وفرح انگیز بسیار زیبا وجود دارد و در همه جا آئینه های بلورین در دیوار ها بکار رفته است در این تالار اطاقهای آئینه‌کاری کاملی است که اثاثه هر اطاق از باشکوه ترین و شهوت انگیز ترین نوع خود در دنیاست . اطاقهای کوچکی نیز در آنجا میباشد که فقط گنجایش یك رختخواب دارد . در خاور زمین رختخواب پرده نداشته و روی زمین پهن میشود . یك رختخواب جالب توجهی دیدم که فقط لحاف آن دو هزار « اکو » (۱) میارزید که برای گرمی و سبکی از پوست سمور تهیه شده بود . بمن گفتند شاه تشك های بسیاری ازهمین جنس دارد . من یك کتاب ازتزیینات وتصاویر و اشکال و مینیاتور ها و ظروف و کتیبه های این تالار تصنیف خواهم کرد .

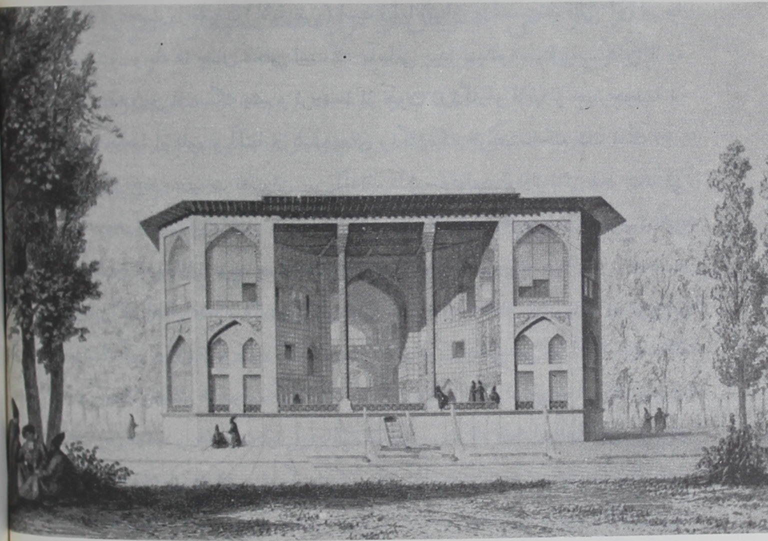
برخی از این کتیبه ها شامل افکار لطیف عاشقانه وبرخی قطعات اخلاقی است . چند قطعه زیر نمونه‌ای از آنهاست که در دفتر خود ثبت کرده ام . بالای گلدانی چنین نوشته شده است :

« گل لاله نماینده راز درون من است . من چهره آتشین و دلی سوخته دارم . هرچه زیبائی گردنی افراشته داشته باشد همواره پای در گل است .

دل من صد ها بار بچپ و راست بدون اینکه بکسی تعلق یابد منحرف شد تا تو را دید و بتو پیوست . من بیش از این تاب درد هجر تورا ندارم ونمیتوانم آنجا

---

(۱) اکو (Ecu) واحد پول نقره قدیم فرانسه



منظره ای از عمارت هشت بهشت کاخ سکونت شاه سلیمان صفوی

که تو نیستی مسکن گزینم . تو مردمك چشم منی . تورا گم کرده ام . نمیدانم بچه نظر افکنم . کاری جز مردن نتوانم .

پادشه پاسبان درویش است　　گرچه نعمت بفر دولت اوست

گوسفند از برای چوپان نیست　　بلکه‌چوپان برای‌خدمت‌اوست

زیر پایت گر بدانی حال مور　　همچوحال تو است زیر پای پیل

روی یك پیش بخاری عبارت زیر را نگاشته اند :

از زمستان نترسید زیرا فقط سردی و سلامت است . »

نمیتوانم از بیان این نکته خود داری کنم که بهنگـام گردش در این محل که مخصوص لذت و حظ و عشق ساخته شده است و در حال عبور از اطاقها و شاه نشین هـا آدم چنان تحت تأثیر قرار میگیرد که بگاه بیرون شدن ازخود بیخود میگردد بدون تردید هوای این تالار اثر مهمی دراین حالت عاشقانه که بانسان دست میدهد دارد . اگرچه این بنا چندان با دوام و استوار نیست ولی فرح انگیزتـر از مجلل ترین کاخهای ممالك اروپائی است . (۱)

میرزا محمد طاهر نصرآبادی صاحب تذکره نصرآبادی در تـاریخ بنای کاخ هشت بهشت اشعـاری سروده است که هر مصراع آن بحسـاب حروف ابجد سـال « ۱۰۸۰ » میشود . (۲)

میرزاحسین‌خان فرزند تحویلدار اصفهانی در کتاب خود «جغرافیای اصفهان» که درسال ۱۲۹٤ هجری قمری نوشته شده عمارت هشت بهشت را چنین توصیف کرده‌است:

« باغ هشت بهشت و عمارت تحتانی و فوقانی قصر میان و وسعت دستگـاه آن از حد توصیف بیرون است . غیر از ایوانهای عالی و ارسی ها یکصد و پنجاه و یك زوج درب اطاق تنها در بالا وپائین دارد . ازمعماران معتبرشنیده شد که طرح آنرا در طرز عمارت کرامت کرده اند چنانچه نقشه این قصر را بکشند و درجای دیگر بخواهند مثل آن بنا کنند مشکل که بتوانند ازعهده برآیند . باغ مزبور باغی است بسیار بزرگ، خیابانهای عریض و قطعه بندی های وسیع درآنست . دیوار یك طول باغ با قدری از دیوار چهارباغ شاه مشترك . دو نهر بزرگ از چهارباغ عرضاً این باغ را تقاطع میکند، یکی مقابل قصرموصوف وسط وارد دو دریاچه بزرگ میشود که بعرض باغ در دو طرف عمارت متقابل یکدیگر است و دو حوض بزرگ هم در

(۱) سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی (قسمت اصفهان) چاپ اصفهان صفحه ۱۲۳-۱۲٤

(۲) رجوع شود بتذکره نصرآبادی چاپ تهران صفحه ٤٨٧

دو سمت دیگر عمارت است و دورهٔ عمارت نیز جوی سنگی و آب نما ها قرار داده اند که آب دائماً ازاینها جاریست، مقابل این دریاچه وقصرسردریست عالی و دو رو که یك روی آن مشرف بچهارباغ و حوض بزرگ پای آن و روی دیگرش منظر قصر وسط باغ است . سردر مزبور نیز وصف زیاد دارد . نهر دیگر هم مقابل وهم عرض این نهربفاصله زیاد باز ازچهارباغ میآید وبعرض باغ جاریست . بهمین قانون سردری دارد عالی مشتمل بر تالار بزرگ مشرف بر باغ و عمارات عقبش منظر چهارباغ و اینجاست که سالهاست تلگرافخانه شده . در این باغ حیاط دیگر هم هست وسیع صاحب اطاقها و ارسیهای مرغوب و آشپزخانه و طویله وغیره معروف به **نارنجستان** هشت بهشت است . » (۱)

مسجد لنبان

لنبان از محلات قدیمی شهر اصفهان است . در رساله محاسن اصفهان تألیف مافروخی نام این محله بکرات آمده است و مخصوصاً از مسجد وعمارتی توصیف شده که یکی از ارکان نامی اصفهان درقرن هشتم هجری ساخته بوده است ومترجم رساله محاسن (حسین بن محمد بن ابی الرضا علوی آوی) از او باین ترتیب نام میبرد :

« صاحب معظم قدوة اعاظم الامم جلال الوزراءِ جمال الدولة والدین محمد دیلم دستجردی الاصفهانی. »

مترجم رساله محاسن در بنیادگذاری این عمارت شخصاً حضور داشته است ونام آنرا (عمارت جمال الدین) میگوید. استاد سعید هروی شاعری که درترجمه محاسن اصفهان نام او بدفعات برده شده است درباره مسجد و عمارت مشهور لنبان اشعاری دارد بشرح زیر :

از پی ذوق و تفرج گربلنبان درشوی مسجدی بینی مروج برسر آب روان

(۱) جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین خان فرزند محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهانی چاپ تهران صفحه ۲۵ و ۲۶

در جوارش صاحب صاحب قدم را بقعهٔ ... کز لب تعظیم بوسد آسمانش آستان

آستانش را اگر با آسمان نسبت دهی ... تا بدانی فرق ظاهر در میان این و آن

ز آسمان تا آستان بارگـــــــاه رفعتش ... این قدر مابین باشد کز زمین تا آسمان

غیرت باغ خورنق رشک بستـان ارم ... صورت ارژنگ مانی نسخه صحن جنان

شمهٔ از وصف حسنش هم ز گفتار سعید ... هست بر طاقش نوشته چون درون آئی بخوان

چاوشش بهرام و بانی مشتری تیرش ندیم ... مطربش ناهیدومه دربان و کیوان پاسبان

آفتابش صاحب عـادل جهان مکرمت ... آنکه پیش او کمر بندد بخدمت توامان

صاحب عادل **جمال الدین محمد** کآورد ... سبز خنگ آسمانرا حکم او در زیرران

مسجد لنبان از مساجد قدیمی اصفهان است که در دوره صفویه تعمیراتی از آن بعمل آمده . از آثار قدیمی مسجد بغیر از چند قطعه گچ بری از دوره های قبل از صفویه و چند لوح کاشیکاری از دوره صفویه که در تالار جدید البناء مسجد برجای گذاشته شده است چیزدیگری باقی نمانده ، خطوط باقیمانده بر دولوح کاشی بخط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی رنگ بقلم محمد رضا امامی بشرح زیر است :

« وصل و سلم علی وارث الامام الولد الوصی والحجة الصفی الحسن العسکری صلوات الله علیه . »

« وصل وسلم علی الامام القائم المنتظر ابی القاسم محمد المهدی صاحب الزمان صلوات الله علیهم اجمعین **کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی** . »

۱۰۸۰

درزیر تالار بزرگ مسجد لنبان نهر آبی جریان دارد وسردابه‌ای بنا شده که مردم نذورات خودرا بعمل میآورند و حوائج خود را ضمن عریضه هائی بآب میسپارند این مسجد مورد تقدیس مردم اصفهان است وچنین شهرت دارد که حضرت امام حسن علیه السلام دراین مسجد نماز گزارده اند .

منبرمسجد لنبان معروف بمنبرصاحب الزمان که بسال ۱۱۱٤ هجری مورخ است نفیس ترین منبرهای عهد صفویه میباشد و بر دوجانب آن طی الواحی صلوات برچهارده معصوم منقور است .

در بالای در ورودی مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی اشعاری



سردر مسجد لنبان

نوشته شده که حاکی از تعمیر مسجد در دوره شاه سلیمان صفوی است . این اشعار که اثر طبع محمد طاهر نصرآبادی صاحب تذکره معروف وبخط محمد رضا امامی میباشد بشرح زیر است :

هوالعزیزالکریم الغفار

در زمان داور گیتی ستـان بحر دل — آفتاب دولت مشرق **سلیمان پادشاه**

پادشاهی کز برای کسب اقبال وشرف — فتح در ظل همای رایتش گیرد پناه

یافت تعمیر این بنا از لطف آن گردون شکوه — شامل حـال شریفش باد الطاف الـه

تا بود مسجد برای سجده اهل ورع — آستانش پادشاهان جهانرا سجده گاه

خامه بهرسال تاریخش عبارت زد رقم — **نوشد این مسجد زامر عادل عالم پناه**

۱۰۸۰



یك لوحه کاشیکاری بخط محمد رضا امامی درمسجد لنبان مورخ بسال۱۰۸۰

« **قایله محمد طاهر نصر آبادی** (۱) کتبه العبد المذنب المحتاج الی الله الغنی **محمد رضا الامامی غفرله .** »

کتیبه سردرمسجد لنبان که ازاضافات قرن سیزدهم هجری است بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ شامل آیه ۱۸ و ۱۹ از سوره (توبه) است و بجمله زیرختم میشود : « کتبه محمد باقرالشیرازی ۱۲۵۶ » (۲)

---

(۱) ازمحمد طاهرنصرآبادی صاحب تذکره معروف برسنگاب شاهزاده ابراهیم اصفهان نیزاشعاری بخط نستعلیق برجسته بشرح زیرمنقوراست :

چون محمد علی بن طالب — ساخت حوضی چوکوثرازهمت
آب بردار تا بود تاریخ — بر یزید و مرید آن لعنت

وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمود . طمع کننده این حوض بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود **قایله محمد طاهر نصرآبادی .**

چون محمد علی‌طالب از امداد اله — ساخت‌حوضی‌وبدین‌خیرموفق گردید
سال تاریخ طلب داشتم از دل گفتا — که بنوش‌آب وبگولعنت باقی بیزید

۱۰۹۱

از لعن بر یزید عیان گشت شیعه را — کآزادی از جحیم بیك آب خوردنست

(۲) متصل بدیوار شرقی صحن جنوبی مسجد لنبان سقاخانه ای واقع شده است که بر تخته سنگ عمودی آن مشرف بجاده بخط نستعلیق برجسته اشعاری بشرح زیر حجاری شده است :

تشنه فیض حق **محمد خان** — که بکامش شراب جنت باد
کرد این سنگ آب را خیرات — که بر اوصد هزاررحمت باد
از دم حضرت امام حسین — روی او سرخ در قیامت باد
دارم امید **ازهری** که بحشر — کوثر اورا نصیب وقسمت باد
بهر تاریخ چون بنوشی آب — گو بریش یزید لعنت باد

یك فرد شعر نیز جدا از اشعار فوق الذکر بشرح زیر حجاری شده است :

یکجرعه هر که نوشد زین‌حوض‌آب رحمت — گفت از برای تاریخ **بادا بشمر لعنت**

۱۱۰۰

(مشقه تقی)

بقعه میرزا رفیعا

درحاشیه فرودگاه اصفهان که سابقاً قسمتی از تخت فولاد یعنی قبرستان قدیمی اصفهان محسوب میشده بقعه ای که از لحاظ معماری بسیار جالب است واقع شده این بقعه و گنبد آن بنام میرزا رفیعا ازعلمای بزرگ دوره سلطنت شاه سلیمان است که در سال ۱۰۸۲ هجری وفات کرده (۱) و بر آرامگاه اوبقعه مزبور را بنا نموده اند . کتیبه سنگ آرامگاه میرزا رفیعا که دریکی از گوشواره های محوطه زیر گنبد قرار دارد بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

فلك سنگ غم زد بجام رفیع — نمود آسمـــان تلخ کام رفیع

بگاه هدایت بتك رشته بـــود — کـلام کلیم و کـــلام رفیع

در آفـاق و انفس تجلی نمـود — بلندی اقبـــال و نـام رفیع

چه بنمود از بعـد هشتـاد و پنج — ز دنیی وطن در مقـــام رفیع

بتـاریخ فـوتش خـردمند گفت — **مقام رفیــع مقام رفیع**

۱۰۸۲

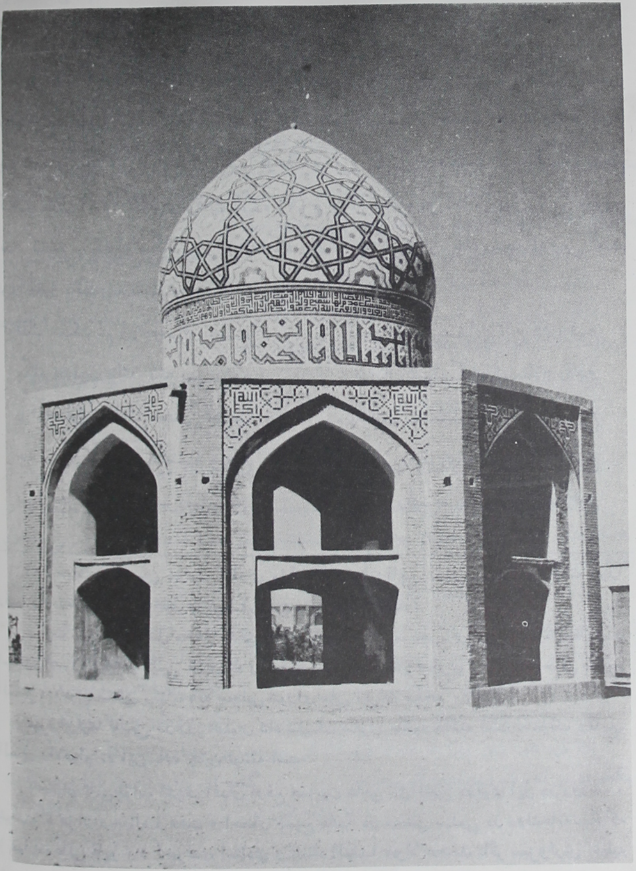
---

(۱) سید عبدالحسین خاتون آبادی مؤلف تاریخ « وقایع السنین والاعوام » فوت میرزا رفیعا را درسال ۱۰۸۰ هجری ضبط کرده وچنین نوشته است :

« فوت سید سند فاضل محقق مدقق العلامة الفهامه فرید دهره و قریع عصره استادی و استنادی **میرزا رفیعا نائینی** قدس الله روحه در هزار و هشتاد هجری » (نسخه خطی وقایع السنین والاعوام متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی ایران صفحه ۵۷۰) .

میرزارفیعا نائینی در روز جلوس شاه سلیمان صفوی حضور داشته است . مؤلف وقایع۔ السنین والاعوام در این باره چنین نوشته است :

« جلوس ثانی نواب اشرف اقدس ارفع همایون شاهی ظل اللهی درقوی ایل در روز . . . شوال سنه هزار و هفتاد و هشت و احضار جمیع علما در مجلس سامی در دولتخانه مبارکه (عمارت عالی قاپو) و آخوندی استادی و استاد العلما **مولا محمد باقر سبزواری** خطبه فصیحه بلیغه در مجلس سامی خواند و در وقت خطبه همه امرا و اعیان و فضلا و علماء همه برسر پا ایستادند و از جمله فضلای معمر مسن **میرزا رفیعا نائینی** بود و بنـا برینکه خطبه



مقبره میرزا رفیعا در تخت فولاد اصفهان

کتیبه و خطوط اطراف گنبد

تزیینات کاشیکاری گنبد میرزا رفیعا که در سال ۱۳۳۷ خورشیدی تعمیرات آن بپایان رسیده است (۱) شامل نقوش هندسی است که در نوع خود کمتر نظیر دارد و گنبد مشابه آن در اصفهان از این جهت گنبد شاه زید است (۲) کتیبه اطراف گنبد بخط بنائی مشگی برزمینه آجری پس از جمله (قال الله تبارك وتعالی) شامل (آیة الکرسی) است و قسمت آخر کتیبه بعبارات زیر ختم میشود :

« صدق الله العظیم و صدق رسوله النبی الکریم و نحن علی ذلك من الشاهدین والشاکرین والحمد لله رب العالمین »

کتیبه گردنه گنبد بخط بنائی سه رگی (دولاجوردی و یك فیروزه ای) برزمینه آجری شامل جملات زیر است :

« یا برهان - یا غفران - یا سبحان - یامستعان - یا دیان - یا سلطان - یاحنان - یا منان - یا دیان - یا رضوان . »

بین پشت بغل های اطراف نیز بخط بنائی لاجوردی برزمینه سفید اسامی : (محمد) و (علی) تکرار شده است . (۳)

طولی داشت . چون خطبه عربی و فارسی هر دو بود و طولی بهمرسانید و حضرات از پا ایستادن آزاری کشیده بودند و بعد از خواندن خطبه در مجلس سامی مقرر شد که نواب آخوندی بجامع جدید شاهی (مسجد شاه) آمده بر بالای منبر خطبه خواند در حضور تمام مردم شهر از اعالی و اواسط و **فقیر محرر اوراق حاضر بودم** ومردم را اضطرابی بود که این جمعیت برای چیست تا در خاتمه مشخص شد که تفسیر نام نامی واسم سامی نواب اشرف شده **صفی** به **سلیمان** تبدیل شد انشاء الله موفق شده در شوکت سلیمان ثانی شود با توفیقات و تأییدات . » (نسخه خطی کتاب وقایع السنین والاعوام) متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی صفحه ۵۶۹)

(۱) گنبد میرزا رفیعا تا سال ۱۳۳۷ شمسی بنای مخروبه و ویرانی بود و در این سال بسرپرستی مؤلف تعمیر شد .

(۲) رجوع شود بصفحه ۳۹۰

(۳) صاحب تاریخ قصص الخاقانی **میرزا رفیعا** را چنین معرفی کرده است :

« سرآمد علماء و فضلاء زمان حضرت شاهنشاهی . شارح متن کلام الهی . قنطره بند

آرامگاه صائب

آرامگاه صائب ملك الشعرای دوره شاه عباس دوم که ازشعرای بنام عهد صفویه است درباغی بنام (باغ تکیه) مشرف به نهر **نیاصرم** واقع شده وهم اکنون خیابان روبروی آن نیز بنام (صائب) نامگذاری شده است .

صائب چند سال ابتدای سلطنت شاه سلیمان را نیز درك کرده و پس از وفات در باغ شخصی او که باغ وسیعی بوده است بخاك سپرده شده و مدفن او سپس آرامگاه اختصاصی خانواده وی شده است . (۱)

کتیبه سنگ آرامگاه صائب بخط محمد صالح اصفهانی

سنگ آرامگاه صائب از نوع سنگ پارسی است که در اطراف و قسمت بالای آن اشعاری از خود صائب با سلیقه مخصوصی حجاری شده . اشعار مزبور که بخط نستعلیق برجسته و بقلم محمد صالح اصفهانی است بشرح زیر میباشد :

در هیچ پرده نیست نباشد نوای تو　　عالم پرست از تو و خالیست جای تو

دریای حکمت . قطب فلك اعظم قدرت . سالك طریق شرع مبین . منظور نظر حضرت خیرالمرسلین . بحر ذخار علم . صاحب شکوه جهان حلم . حاوی الفروع والاصول . جامع المعقول والمنقول . کاشف اسرار باطنی . **حضرت میرزا محمد رفیعا طباطبائی نائینی** است که صیت کوکبه جهانگیر معرفتش در محیط و محاط فلك اعظم شهرت چنان پیچیده . گوش هوش اهل حال بجز طنطنه احادیث کمال آن بلند اقبال ازهیچکس هیچ نشنیده. قدرت فطنت علامه فکرتش قاف تا قاف ملك حقیقت را بنحوی گردیده که پیك تیز رفتار طاقت بشریت هرچند بپای شتاب درکشور حکمت دویده بسرمنزل معرفت آنجناب نرسیده. »

(برای اطلاع از نسب میرزا رفیعا مراجعه شود بکتاب « آتشکده اردستان » تألیف ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی چاپ تهران صفحه ۱۸۶)

(۱) برای اطلاع ازشرح حال صائب رجوع شود بمقدمه کلیات صائب تبریزی چاپ تهران و مقاله آقای محمد صدرهاشمی در شماره چهارم سال سوم مجله یادگار ضمناً مفصلترین و بهترین شرح حال صائب را بطوریکه مرحوم عباس اقبال درمجله یادگاریادآوری نموده است مرحوم تربیت درکتاب (دانشمندان آذربایجان) نوشته و علاقه مندان میتوانند بآن کتاب مراجعه نمایند .

هر چند کاینات گدای در تو انـــــد | یك آفـریده نیست که دانـد سرای تو
در مشت خـاك من چه بود لایق نثـار | هم از تو جان ستانم و سازم فـدای تو
غیر از نیاز وعجز که در کشور تو نیست | این مشت خاك تیره چه دارد سزای تو
صائب چه ذره است و چه دارد فدا کند | ای صد هزار جـان مقـدس فدای تو

یك فرد شعر نیز در بالای سنگ آرامگاه صائب بشرح زیر حجاری شده :

محو کی از صفحه دلهـا شود آثـار من | من همان ذوقم که می‌یابند از گفتارمن

و در قسمت پائین سنگ آرامگاه نام نویسنده و سال تحریر آن بشرح زیـر آمده است :

تحریراً شهر جمیدی الاول سنه ۱۰۸۷ فقیر محمد صالح (۱)

در آرامگاه صائب که باغ مصفای اطراف آن حالت شاعرانه ای بآن داده است سنگ قبرهای دیگری ازخانواده صائب موجود است که کتیبه هائی بشرح زیر بر آنها منقور است :

« وفات مرحوم میرزا ابوالقـاسم ولد مرحمت و غفران پنـاه میرزا محمد علی صائب بتاریخ ۱۳ شهر ذیقعدة الحرام سنه ۱۱۴۰ »

« وفات مرحمت و غفران پناه میرزا محمد محسنا ابن میرزا محمد علی صائب فی ۷ شهر محرم الحرام سنه ۱۱۴۹ »

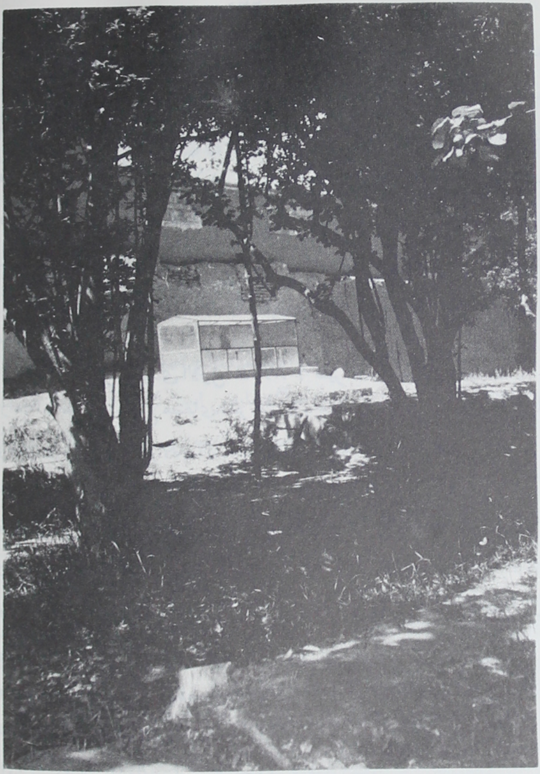
« وفات مرحمت و غفران پناه میرزا محمد علی ولد میرزا رحیم صائب بتاریخ یوم یکشنبه هشتم شهر جمادی الثانی سنه ۱۱۴۱ »

بر این سنگ قبر اشعاری نیز بشرح زیر منقور است :

کرد رحلت ازین سرای فنا | نـاصر دیـن یگـانه دوران
در صلاح و سخا یگانه عصر | معدن جود و مخزن احسان
همچو نیکان بگلشن رضوان | مرغ روحش مدام درطیران

---

(۱) سال ۱۰۸۷ سال تحریر کتیبه سنگ قبرصائب است . سال وفات اورا مختلف ضبط کرده اند ، بطوریکه تحقیق شده وی درسال ۱۰۸۶ هجری وفات کرده است .



منظره قدیمی آرامگاه صائب در کنار نهر نیاصرم (۱)

---

(۱) مقارن طبع این فصل از کتاب بسعی و اهتمام جناب آقای مهندس ابراهیم پارسا استاندار استان اصفهان پی ریزی بنای آرامگاه صائب بپایان رسیده و عملیات ساختمانی با فعالیت ادامه دارد. کلنگ ساختمان این آرامگاه روز جمعه پنجم مهرماه ۱۳۴۲ خورشیدی با حضور جناب آقای اسدالله علم نخست وزیر وقت و جناب آقای مهندس پارسا و جمعی از دانشمندان ومعاریف اصفهان بوسیله دانشمند محترم استاد جلال‌الدین همائی بزمین زده شد.

چو شود جیم اضافه تـاریخ میشود فاش فوت او بجهان

سـال تـاریخ او خرد گفتـا کرد منزل بهشت جاویدان

سنه ۱۱۴۱

کتیبه مربوط بساختمان یك سد از دوره شاه سلیمان صفوی

نهر **نیاصرم** که از مادیهای بزرگ اصفهان است و از زاینده رود منشعب میشود باغات و مزارع و املاك زیادی را مشروب میکند. قدری بالاتر از باغ آرامگاه صائب در کنار این نهر سنگ نوشته ای از دوره شـاه سلیمان صفوی مـورخ بسال ۱۱۰۰ هجری قرار داشته است که هنگام گشودن خیابان صائب آنرا ازجای اصلی خود حرکت داده و بر یکی از دیوارهای کنار جاده نصب کرده اند و مدتها درزیر قشری از اندودکاهگل از انظارمخفی بود (اکنون که این صفحه کتاب در دست طبع است لوح سنگی مزبور بباغ صائب انتقال داده شده و قرار است در محل منـاسبی نگاهداری شود) مضمون سنگ نوشته مشعر برآنست که بفرمان شاه سلیمان صفوی یکی ازبندگان آستان او بنام **قاسم** ومعماری لایق بنام **مهدی حسینی** مأمورساختن سدی برای مشروب کردن اراضی **رودشتین** (مقصود **رودشت** علیا و سفلی است که که انتهای آن در ۱۵۰ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان واقع شده ورودخانه پس از مشروب نمودن اراضی این دو قسمت به **باتلاق گاوخونی** فرومیرود) شده اند. کتیبه این سنگ نوشته بخط نستعلیق برجسته مشتمل براشعاری است بشرح زیر:

الملك لله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

بحکم شاه دین پرور **سلیمان شاه** کیوان قـدر

که تعمیر خــــرابیها بنام او مقدر شد

شهی کزحکم جاری کرد منع آب از جریان

که نتوانست نهری را از آن یکقطره لب ترشد

بسعی کمترین بندگـــــان آستان **قاسم**

وزیر چـارده معصوم آن کـز ذره کمتر شد

بمعماری **مهدی الحسینی** نـادر الدهـری

که شکل چرخ دویم در زمین از وی مصورشد

بعـرض فرصتی کم آخـرین سد **رویدشتین**

بهنگام وفور آب از نو چون مقـــــرر شد

بتاریـخش رقم زد خامه من مصـرع دیـگر

ز اقبـال سلیمان بـاز نو سد سکندر شد

۱۱۰۰ (راقمه محمد صالح غفرله)

مسجد خان

شاه سلیمان از پادشاهان ضعیف النفس و عیاش صفویه بود ولی از خوشبختی او وزارتش نصیب **شیخعلیخان زنگنه** شد که در عهد پدرش حکومت کرمانشاه را داشت و در آخر کار امیرآخور سلطنتی بود . شاه سلیمان در سال ۱۰۸۰ ویرا بصدارت برگزید و او تا سال ۱۱۰۱ باین سمت برقرار بود و باکفایت و بخشندگی ومردم داری مملکت را اداره میکرد . شیخعلیخان درمحله (تلواسکان ـ ترواسکان) اصفهان بنای یك مسجد و حمام اقدام نمود که هر دو بنـا امروز باقیست و بنـام او بمسجد خان وحمام خان شهرت دارد . (۱)

مسجد خان که دردوره سلطنت شاه سلیمان و درسال ۱۰۹۰ هجری بنا شده است از آثار شیخعلیخان زنگنه میباشد که در مقایسه با سایرمساجد عهد صفویه کاشیکاری

(۱) شیخعلیخان در ۱۰۲۰ یا ۱۰۲۲ هجری قمری متولد شده ودرسال ۱۰۸۰ بوزارت شاه سلیمان رسیده و در چهار ساعتی شب یازدهم محرم الحرام سنه ۱۱۰۱ وفات کرده است اولاد او حسین علی خان : ازکتاب « وقایع السنین والاعوام) نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی صفحه ۵۷۰ و ۵۸۰ . »

مختصری دارد ولی تزیینات آجری آن ازکارهای جالب آندوره است . مسجد خان ازنظر جنبه استحکام بنائی فوق العاده است و کتیبه هائی دارد که بشرح آنها میپردازیم:

کتیبه ایوان شمالی مسجد برهلال دیوارمقابل آن بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی شامل صلوات برچهارده معصوم است که بجمله «**کتبه عباس المولوی**» ختم میشود وسپس کتیبه تاریخی آن که مورخ بسال ۱۰۹۰ هجری است بشرح زیر قرائت میشود :

« قد امر ببناء هذا المسجد المبارك فی زمان دولة السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان ظل الله المنان **شاه سلیمان الموسوی الصفوی بهادرخان** خلد الله ملکه اعتماد الدولة العلیة العالیة **شیخعلیخان آصفجاهی** ایـده الله تعالی **کتب فی سنة تسعین بعد الالف** »

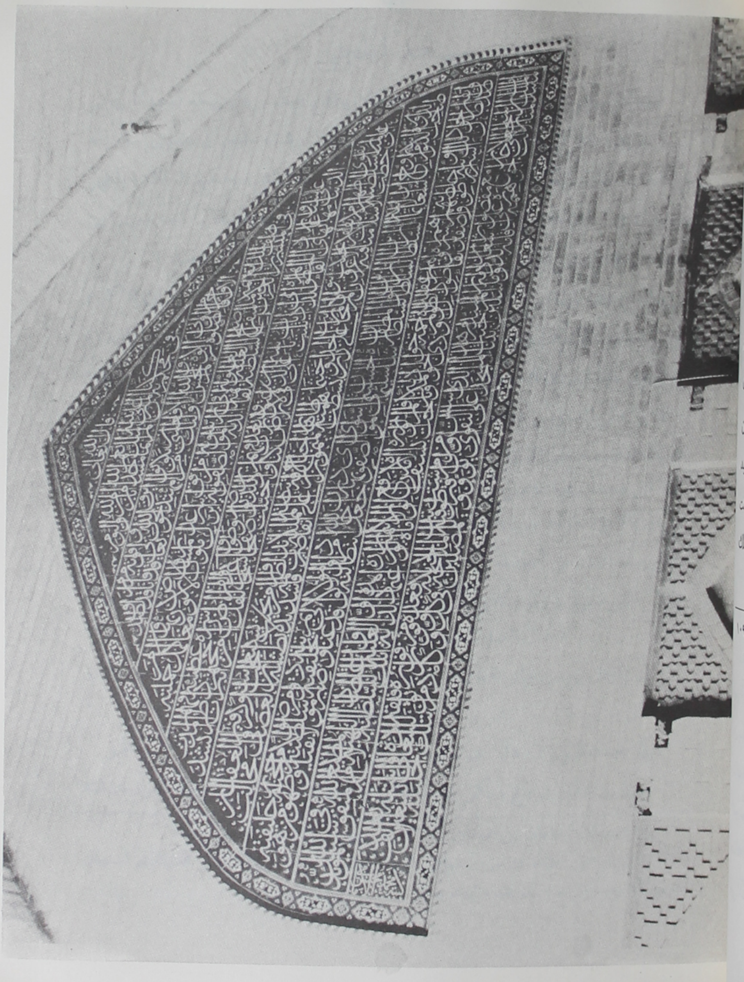
کتیبه تاریخی ایوان جنوبی مسجد خان

بر دیوارشرقی ایوان جنوبی مسجد خان دریك قسمت مثلث شکل کتیبه مفصلی با عبارات منشیانه بیادگار گذاشته شده است که نام پادشاه وقت شاه سلیمان صفوی و وزیر او شیخعلیخان را در بردارد . این کتیبه که بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بقلم محمد محسن امامی و مورخ بسال ۱۰۹۰ هجری میباشد بشرح زیر است :

« قال الله تعالی فی محکم کتابه المنزل علی نبیه المرسل انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین وبحول الله تعالی وقوته قد قام باقدام الصدق فی صف المبشرین بتلك الایة الکریمة حین ما اسفر صبح السلطنة العلیة العلویة القائمة فی الذریة الموسویة الصفویة من افق سریر اعدل ملوك مشارق الارض و مغاربها واکمل من حملته الدنیا علی سنامها و غاربها ذی السطوة القاهرة الذی اذا تلیت آیات بأسه علی الذین عتووا فی الارض ارتعدت اکتافهم واذا خیلت للذین ضربوا صفحاً وطووا

كشحاً عن النفل والفرض شرارة من جحيم غضبه اذاً بترت اطرافهم مذا نشدت على المنابر خطب سلطنته نقوى ظهر الاسلام بفقرات مناقبه بحيث لاغرو ان لم يبق كالمحاريب على الجدران وحيثما بسطت همته طايرها الميمون جناح الرأفة على بيضة المملكة تقاصرت يدالظلمة فافرمن شديد بطشه بحيث لايستعجب ان استوكرالعصافير فى مخالب العقبان صاحب الدورة الكيوانية مروج الشعائر الايمانية السلطان بن السلطان بن السلطان **ابو المظفر شاه سليمان الحسينى الموسوى الصفوى بهادرخان** جعل الله انتظام دولته موكولا الى قديم عنايته و صير بخليقته دوام سلطنته موصولا بقيام حجته وظهور خليفته من هو اصدق الطائفين حول ذلك السرير نية واخلصهم طوية واصفاهم سريرة و انقاهم عقيدة طود الطول والمرحمة جودى الجود والمكرمة ناحت قلم الوزارة بسيف الامارة رافع لواء الامارة بيمين الوزارة اعتماد هذه الدولة العلية و اعتضاد تلك السلطنة البهية المطيع لامرالله المنفق فى سبيل الله المؤيد بتائيدات الملك المنان **شيخعليخان** لازالت جوامع هممه مقصورة على اقامة شعائر الدين و ادامة مآثر سيد المرسلين حيث امر ببناء هذا المسجد الذى اسس على التقوى من اول يوم وافترشت وطويت فيه للمصلين اجنحة الملائكة فى كل قعدة وقوم وكان فوزه دام توفيقه بتلك السعادة الجليلة فى سنة تسعين **بعد الالف كتبه محمد محسن الامامى** . »

تصوير مقابل : كتيبه تاريخى مسجد خان بخط محمد محسن امامى و مورخ بسال ١٠٩٠



مسجد ایلچی

مسجد ایلچی در محله احمد آباد اصفهان واقع است . بطوریکه کتیبه تاریخی سردر مسجد حاکی است این مسجد در دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی بوسیله (صاحب سلطان بیگم) دختر حکیم نظام الدین محمد ملقب بحکیم الملك ایلچی و بسرکاری (خواجه سعادت) نامی از خواجگان او باتمام رسیده . کتیبه سردراین مسجد بخط محسن امامی و مورخ بسال ۱۰۹۷ هجری بشرح زیر است :

« قد وفقت لبناء هذه المسجد فی زمان دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم السلطان بن السلطان وخاقان بن خاقان(۱) **ابوالمظفر شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان** خلد الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین عدله و احسانه **صاحب سلطان بیگم** بنت حکیم نظام الدین محمد الملقب حکیم الملك ایلچی وبسرکاری **خواجه سعادت** باتمام رسید **فی ۱۰۹۷ کتبه ابن محمد رضا محسن الامامی** . »

دربالای سکوها ودرداخل مقرنسهای سردر مسجد ایلچی خطوط بنائی بسیاری نقش بسته است از آنجمله در بالای سوسن های قطار سردر در چهار شکل مثلث بخط بنائی سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نام استاد آن بشرح زیر آمده است :

« عمل العبد محمد علی بن استاد علی بیك » (۲)

در داخل سوسن های قطار سردر بخط بنائی باکاشی لاجوردی برزمینه زرد در دو شکل مربع یك بیت بشرح ذیل نوشته شده است :

اگر هست مرد از هنر بهره ور هنر خود بگوید نه صاحب هنر

و در دو شکل مربع دیگر بخط بنائی باکاشی لاجوردی برزمینه سفید نوشته

---

(۱) جمله (خاقان بن خاقان) در کتیبه بهمین ترتیب نوشته شده است .

(۲) نام این استاد در سردر شمالی مسجد حکیم و در رأس پشت بغل کاشیکاری ایوان غربی آن مسجد نیز ذکر شده است .

شده است : « عاقبت محمود باد »

کتیبه های محراب مسجد ایلچی بخط محمد محسن امامی

در ایوان بزرگ جنوبی مسجد و در اطراف دیواری که محراب مسجد را دزبر دارد بخط بنائی باکاشی معرق مشکی دو رگی بر زمینه آجری نوشته شده است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم اذاجاءِ نصرالله والفتح ورأیت الناس یدخلون فی‌دین‌الله افواجاً فسبح بحمد ربك واستغفره انه‌کان تواباً **صدق الله العظیم سنة ۱۰۹۳** »

ودر بالای این کتیبه بخط بنائی باکاشی معرق مشکی برزمینه‌آجری نوشته شده: « انما یعمرمساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر واقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الا الله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین - یا الله - محمد - علی - فاطمه - حسن - حسین . » کتیبه های مذکور از نوع کتیبه های زوجی است .

کتیبه داخل محراب این ایوان بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی شامل آیه (۱۰۳) از سوره « نساءِ » است .

کتیبه اطراف محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ شامل آیه ۱۸ و ۱۹ سوره (توبه) است و قسمت آخر کتیبه بعبارت زیر ختم میشود :

« صدق الله العظیم کتبه محمد محسن الامامی فی ۱۰۹٤ »

نام صاحب سلطان بیگم بانی مسجد ایلچی در قسمت فوقانی محراب مسجد نیز ذکر شده است

در قسمت فوقانی محراب ایـوان بزرگ مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ در یك شمسه کتیبه تاریخی ذیل نوشته شده است :

« **هو العلی** »

« لماسمعت المخدرة الصالحة المستورة **صاحب سلطان بیگم** بنت المرحوم المغفور **حکیم نظام الدین احمد شهرة ایلچی** آیه انما یعمرمساجدالله وفقت لبناء هذاالمسجد

المبارك واتفق بنائه واتمامه **فی سنة ثلث و تسعین والف .** » (۱)

و در آخر این کتیبه بخط نستعلیق نوشته شده است : « عبده حسینی »

کتیبه محراب ایوان کوچك مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ شامل آیه ٤٥ سوره (عنکبوت) است بشرح زیر :

« قال الله تبارك و تعالی اتل ما اوحی الیك من الکتاب و اقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر و لذکر الله اکبر والله یعلم ماتصنعون . »

درپشت بغل بزرگ داخل مسجد نیز بخط بنائی مشگی معرق برزمینه آجری عبارات زیر نوشته شده است :

« یا سید السادات - یا ولی الحسنات - یا مجیب الدعوات - یا قابل التوبات - یا غافر الخطایات - یا عالم الخفیات . »

بر یك زیلوی قدیمی در مسجد ایلچی عبارت ذیل بافته شده است :

« وقف شد بر مسجد ایلچی در دارالسلطنه اصفهان این فرد زیلو مع چهارفرد دیگر بجهة شبستان مسجد مزبور مشروط آنکه ازمسجد مزبور بیرون نبرند مگر بجهة عذر شرعی **تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنة ۱۲۷۵** عمل عبدالوکیل . »

---

(۱) نام حکیم نظام الدین که در این کتیبه (احمد) نوشته شده در کتیبه سردر مسجد (محمد) ذکرشده است .

رباط شیخعلیخان

کاروانسرای شیخعلیخان که در سال ۱۰۹۸ هجری بدستور شیخعلیخان زنگنه وزیرشاه سلیمان بنا شده وامروز بنام (کاروانسرای چاله سیاه) شهرت دارد درپنجاه کیلومتری شمال غربی اصفهان واقع شده و راه فعلی آن از جاده اصفهان بتهران بفاصله کمی از حاجی آباد از طرف مغرب از شاهراه اصفهان بتهران جدا میشود .

طول صحن این کاروانسرا از مشرق بمغرب در حدود پنجاه متر وعرض آن از شمال بجنوب ۳۸ متراست . سردر کاروانسرا درسمت جنوب واقع شده . هریك ازدو ضلع شرقی و غربی دارای شش ایوان کوچك ویك ایوان بزرگتر در وسط آنهاست در چهار گوشه صحن کاروانسرا چهار انبار بزرگ مسقف وجود دارد ، پشت بامها



سردر رباط شیخعلیخان (کاروانسرای چاله سیاه)

با دو ردیف آجرهای بزرگ مفروش شده . تمام سکوها وازاره ها در داخل وخارج با سنگهای پارسی مفروش شده است . کف کاروانسرا باکلوخ سنگهای بزرگ فرش شده و نماهای داخل کاروانسرا از آجرساده است .

بعد از در ورودی کاروانسرا دالان طویلی واقع شده که در وسط سرسرائی هم دارد و بصحن وسیع آن متصل میشود ، اطراف در بزرگ کاروانسرا وپشت بغل‌های آن از سنگ تراش پارسی است .

کتیبه های تاریخی سردر رباط شیخعلیخان

در بالای پشت بغل سنگی سردر رباط شیخعلیخـان (کاروانسرای چاله سیاه) دو لوح سنگی نصب شده که بر یکی از آنها زمان و تاریخ ساختمان ربـاط بوسیله



منظره داخل رباط شیخعلیخان

اعتماد الدوله شیخعلیخان بخط نستعلیق خوش بشرح زیر خوانده میشود :

« **بعون الله و عنایته** »

» درعهد سلطنت ابد قرین شهریار دین پرور عدل آئین سلیمان شان سکندرزمان بانی مبانی امن و امان رافع دعایم بنیان معدلت و احسان چراغ دودمان مصطفوی ومرتضوی **ابوالمظفر شاه سلیمان الصفوی الموسوی** خلدالله ملکه وابد سلطانه دستور اعظم و امیرمرضیة الشیم اعتماد الدولة العلیة العالیة الخاقانیة ، اعتماد السلطنته البهیة السلطانیة **شیخعلیخان** لازالت سدته الرفیعة ملجأ للانام و برکاته فی دایرة الایام این **رباط عالی** را قربة الی الله وطلباً لجزیل الثواب بنافرموده **بتاریخ هزار ونود وهشت هجری** صورت اتمام پذیرفت . «

و بر لوح سنگی دیگری که در سمت چپ لوح فوق الذکر نصب شده بخط نستعلیق خوش اشعاری بشرح زیر منقور است :

ز توفیق حق آصف با شکوه — رباطی بنا کرد محکم چو کوه

روان بهر تاریخ کلکم نوشت — **بانی عطا کرد ایزد بهشت**

١٠٩٨

برجبهه شرقی سردر رباط شیخعلیخان بر یك لوح کوچك سنگی بخط نستعلیق برجسته عبارت زیرحجاری شده است :

« **عمل استاد طاهر ولد استاد رضا الاصفهانی** »

مدرسه میرزا حسین

یکی از مدارس قدیمی اصفهان از دوره صفویه مدرسه میرزا حسین است که در محله بیدآباد و نزدیك مسجد سید واقع شده . مدرسه میرزا حسین ازمدارس طلبه‌نشین اصفهان است و در دوره شاه سلیمان صفوی در سال ۱۰۹۹ هجری بنا شده . کتیبه سردر مدرسه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیر است :

در جهانبانی **سلیمان شاه** افتخار انام و فخر امم

. . . . .

خلف صدق میرزا مهدی چون قلم در شباب گشت علم

فخر آباعلیرضا که بعلم بانی همتش گلی در نم

داشت بهر بنای مدرسهٔ کند سیل اجل که عمرش کم

لیکن از جا اساس عمرش را یافت توفیق والد اکرم

لاجرم در بنای این مدرس شد که‌شدچون بنای‌دین‌محکم

. . . . .

خشت‌خشتش کتابی‌ازعلم‌است که بحکمت نهاده بر سر هم

دم عیسی مگر مدرس اوست که شد احیای علم در عالم

بهر تاریخ این بنا **سامی** (۱) **مجمع اهل فضل** کرد رقم

۱۰۹۹

بین مصراع اول و دوم ازفرد ماقبل آخر اشعار فوق الذکر در یك لوحه بخط نستعلیق لاجوردی رنگ برزمینه سبز نوشته شده (العبد المذنب)

بین شعر ماقبل آخر و شعر آخر در یك لوحه نوشته شده (ولایت الله) و بین مصراع اول و دوم ازفرد آخر اشعار کتیبه نوشته شده (گلپایگانی)

---

(۱) گوینده اشعار کتیبه فوق الذکر بنام (سامی) همان کسی است که اشعار کتیبه سنگاب چهلستون غربی گنبد بزرگ مسجد شاه را نیز سروده است : (رجوع شود بصفحه ٤٤٤)



منظره قسمتی از داخل مدرسه میرزا حسین و گنبد مقبره حجة الاسلام شفتی

کتیبه سنگاب مدرسه میرزا حسین

کتیبه سنگاب این مدرسه بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی بشرح زیراست :

« سلام الله علی الحسین و اصحابه . لعنت الله علی قاتل الحسین و اعدائه .

وقف برسقاخانه خود نمود اقل حاج محمد کاظم ابن مرحمت وغفران پناه جنت ورضوان آرامگاه حاجی محمد مهدی شهیر بقاری ، هر کس از جائی که واقف قرار داده حرکت بدهد بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود . بتاریخ بیست و سوم شهر ذي حجة الحرام سنه ۱۲۷۵ عمل استاد محمد حسین ابن استاد محمد رضای حجار . »

مسجد خلوت‌نشین

در کوچه مشهور به (باغ قلندر ها) که مسجد حکیم را ببازار بزرگ اصفهان متصل میکند مسجد کوچکی که امروز آنرا (مسجد شیشه) مینامند واقع شده . داخل این مسجد بعلت تعمیراتی که از آن بعمل آمده از حالت قدیمی خود خارج شده و حتی اخیراً صحن کوچك آنرا با طاق شیشه ای پوشانده اند ولی محراب شبستان جنوبی آن بحالت اصلی باقی مانده و دارای تزیینات کاشیکاری است . کتیبه این محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی شامل آیه (١٤٤) از سوره «بقره» است و آخر کتیبه بجمله : « کتبه محمد محسن الامامی » ختم میشود .

بطوریکه کتیبه سردر مسجد حکایت دارد این مسجد بوسیله **محمد قاسم** مشهور به (خلوت نشین) در دوره پادشاهی شاه سلیمان صفوی و بسال ١١٠٠ هجری بنا شده است . کتیبه مزبور بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی وبقلم محمد محسن امامی بشرح زیر است :

« لما توفر الداعی علی اتخاذ المساجد و تعهد ها فی الکتاب والسنة کما قال الله تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله وقال رسول الله صلی الله علیه وآله من بنی مسجداً بنی الله له بیتاً فی الجنة ، اقام بمجامع الهمم فی زمن السلطان الاعظم والخاقان الافخم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم ظل الله فی العالم السلطان بن السلطان بن السلطان ابی المظفر المنصور **شاه سلیمان الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه** (١) لبناءِ هذا المسجد مثاباً للناس من العاکف والعابد ، خادم اهل بیت العصمة و ملازم سدة السلطنة **محمد قاسم الزاهد** الشهیر **بخلوت نشین** وفقه الله لمرضاته و افاض علیه من برکاته وقد وفق اتمامه السنة المائة بعد الالف **کتبه ابن محمد رضا محسن الامامی** . »

(١) عبارت : « شاه سلیمان الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه » در بالای کتیبه قرارگرفته و با کاشیهای طلائی رنگ است .

در دالان کوتاهی که سردر مسجد را بصحن آن ارتباط میدهد در یك حاشیه کوتاه بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی نوشته شده است :

« اللهم اغفر لبانی هذاالمسجد و لوالده الورع الماجد محمد بن محمد محسن زاهد و لابائه المشهورین بخلوت نشین رحمة الله علیهم اجمعین فی ۱۱۰۱

مدرسه کاسه گران

بنای مدرسه کاسه گران که در بازار ریسمان اصفهان واقع شده و دارای تزیینات فراوان کاشیکاری و طرحهای متنوع است و هم اکنون نیز طلبه نشین میباشد بوسیله امیر محمد مهدی حکیم الملك اردستانی در آخرین سال سلطنت شاه سلیمان صفوی باتمام رسیده است ، کتیبه تاریخی سردرمدرسه بخط ثلث باکاشی‌سفید معرق برزمینه لاجوردی بقلم عبدالله رجال و مورخ بسال ۱۱۰۵ هجری بشرح زیر است :

« احمد لمن اوقف حجرات القدس حظاً فی السموات ومدارس الحکمة فی الارضین علی محمد فخر المرسلین وعترته المهدیین صلوات الله علیهم اجمعین و بعد لقد وفق الله تعالی فی ظل حمایة اشرف السلاطین رافع الویة الشرع المبین مشید اساس العلم والیقین فرع الشجرة الطیبة الاحمدیة غصن الدوحة العلیة العلویة الخاقان بن الخاقان السلطان سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی متع الله المؤمنین ببقائه الی آخر الزمان لبناءِ هذا المدرسة الرفیعة والمأنسة المنیعة السید الاید النجیب الفاضل الامیر محمد مهدی الحسنی الحسینی الشهیر بحکیم الملك اطال الله بقائه و جعلها من بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو والاصال کتبه عبدالله رجال ۱۱۰۵ »

درذیل این کتیبه و دربالای در ورودی مدرسه بخط بنائی مشگی سه رگی سفید و مشگی برزمینه آجری نوشته شده : « انما یعمر مساجد الله من آمن بالله »

و در بالای سکوهای طرفین سردر بخط بنائی فیروزه ای برزمینه آجری عبارت ذیل نوشته شده است :

« سبحان الله والحمدلله و لا اله الا الله والله اكبر ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم . »

در اطراف پشت بغل سردر مدرسه بسوی بازار بخط بنائی مشگی برزمینه سفید سوره های « حمد » « کافرون » و « اخلاص » و سورة الناس نوشته شده است و در آخر بعبارت (و فی سنة ۱۱۰۳) ختم میشود .

در رأس این پشت بغل دریك شکل چهارضلعی نوشته شده « طلب العلم فریضة » و بطور پراکنده اسامی « الله » « محمد » « علی » نیز نوشته شده است .

در دوشکل مربع مستطیل درطرفین سردر مدرسه کاسه گران بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نام استاد بنا کننده سردرمدرسه **استاد محمد مؤمن** فرزند استاد علی بیك و سرکار بنای مدرسه (محمد محسن حسینی مشهدی) بشرح زیر آمده است :

« عمل ابن استاد علی بیك **محمد** مؤمن بناء اصفهانی »

« بسرکاری سیادت وفضیلت پناه ابن محمد قاسم محمد محسن الحسینی المشهدی »

در داخل سوسنهای قطار سردر داخلی مدرسه که با ایوان شمالی قرینه است در چهارشکل مربع بخط بنائی قرمزرنگ برزمینه سفید دوبیت بشرح ذیل منقوش است:

غرض نقشی است کز ما باز ماند — که هستی را نمی بینم بقائی

مگر صاحبدلی روزی برحمت — کند در حق درویشان دعائی

و در چهار شکل مربع مستطیل بخط نستعلیق مشگی برزمینه سفید دوفرد شعر بشرح زیر نوشته شده است :

دریای سپهر کآفتابست کفش — نبود چوعلی گوهری اندر صدفش

خورشید گهی بدر شود گاه هلال — گرعکس دهد بماه در نجفش

و در دو شکل مربع مستطیل بخط ثلث مشگی برزمینه سفید نام استاد سازنده سردر داخلی مدرسه بشرح زیر آمده است :

« عمل ابن استاد اسمعیل بنا **محمد ابراهیم الاصفهانی ۱۱۰۳** »

کتیبه سردر داخلی مدرسه کاسه گران

در اطراف سردر داخلی مدرسه کاسه گران (قرینه ایوان شمالی) بخط ثلث لاجوردی رنگ برزمینه سفید کتیبه ذیل نقاشی شده است :

« روی عن علی بن موسی الرضا عن آبائه علیهم السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله طلب العلم فریضة علی کل مسلم فاطلبوا العلم من مظانه واقتبسوه من اهله فان تعلیمه لله حسنة وطلبه عبادة والمذاکرة به تسبیح والعمل به جهاد وتعلیمه من لایعلمه صدقة و بذله لاهله قربة الی الله تعالی لانه معالم الحلال والحرام و منار سبل الجنة والمونس فی الوحشة والصاحب فی الغربة والوحدة والمحدث فی الخلوة والدلیل علی السراء والضراء والسلاح علی الاعداء والزین عند الاخلاء یرفع الله به اقواماً فیجعلهم فی الخیر قادة تقتبس آثارهم و یهتدی بفعالهم و ینتهی الی رأیهم و ترغب الملئکة فی خلتهم و باجنحتها تمسحهم و فی صلوتها تبارك علیهم یستغفر (١).

کتیبه گچ بری ایوان شمالی مدرسه کاسه گران

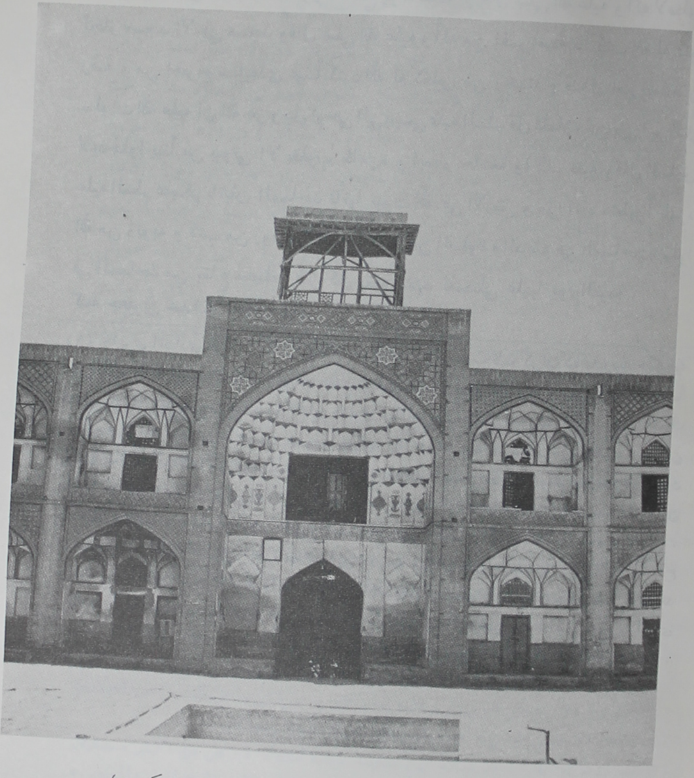
دراطراف ایوان شمالی مدرسه کاسه گران بخط ثلث سفید برزمینه قهوه ای بقلم جعفر بن عبدالله و مورخ بسال ١١٠٣ هجری قمری کتیبه ذیل گچ بری شده است:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله قال الله تبارك و تعالی الا ان بیوتی فی الارض المساجد یضئی لاهل السماء کما تضئی النجوم لاهل الارض الا طوبی لمن کانت المساجد بیوته ، الا طوبی لعبد توضا فی بیته ثم زارنی فی بیتی ، الا ان علی المزور کرامة الزائر ، الا بشر المشائین

---

(١) بقیه این روایت که درکتیبه نیامده بنقل ازجلد اول بحارالانوار از اینقراراست:

« لهم کل رطب و یابس حتی حیتان البحر و هوامه و سباع البر و انعامه ان العلم حیوة القلوب من الجهل و ضیاء الابصار من الظلمة و قوة الابدان من الضعف یبلغ بالعبد منازل الاخیار و مجالس الابرار والدرجات العلی فی الدنیا والاخرة ، الذکر فیه یعدل بالصیام و مدارسته بالقیام به یطاع الرب و یعبد و به توصل الارحام و به یعرف الحلال والحرام العلم امام العمل والعمل تابعه یلهمه السعداء و یحرمه الاشقیاء فطوبی لمن لم یحرمه الله منه حظه »



نمای داخلی ضلع جنوبی مدرسه کاسه‌گران (مدرسه حکیمیه)
از دوره شاه سلیمان صفوی

فی الظلمات الی المساجد بالنور الساطع یوم القیمة و قال صلی الله علیه و آله لاصلوة لجار مسجد الا فی مسجد وقال صلی الله علیه و آله من اقمر مسجداً کتب الله له عتق رقبة و من اخرج مایقذی عیناً کتب الله له کفلین من رحمته و قال امیرالمؤمنین صلوات الله علیه ان الله عز وجل اوحی الی عیسی علیه السلم قل للملاء من بنی اسرائیل لایدخلوا بیتاً من بیوتی الا بقلوب طاهرة و ابصار خاشعة واکف نقیة وقال الصادق علیه السلم علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الارض و من اتاه متطهراً طهره الله من ذنوبه و کتب من زواره فاکثروا فیها من الصلوة والدعاء فی المساجد وصلوا فی المساجد من بقاع مختلفة فان کل بقعة یشهد للمصلی علیها یوم القیمة .

کتبه جعفربن عبدالله ١١٠٣» (١)

---

(١) جابری انصاری درباره حکیم الملك اردستانی بانی مدرسه کاسه گران که **مدرسه حکیمیه** نیز نام دارد نوشته است که وی در هندوستان بعهد (اورنگ زیب) مطبی داشته اتفاقاً دختر پادشاه هند مریض میشود واطبای هند ازمعالجه وی عاجز میشوند آنگاه حکیم الملك بمعالجه او اقدام مینماید وچون بهبودی مییابد باو وزنش جواهر بسیار می بخشند و با این پول به بنای مدرسه کاسه گران دراصفهان اقدام میشود ضمناً همسر اوزینب بیگم **مدرسه نیم آورد** را بنا میکنند و معادل پولی که خرج این دو بنا میشود املاك و مستغلاتی خریده وقف این دو مدرسه میکنند (رجوع شود بتاریخ اصفهان و ری تألیف جابری انصاری صفحه ٣٠٧) .

در حال حاضر تدریس حوزه طلاب این مدرسه قبل از ظهرها بعهده حضرت آقای حاج میرسید علی ابطحی است که درقرائت کتیبه های آثار تاریخی اصفهان بامؤلف همکاری فرموده اند و نگارنده صمیمانه سپاسگزار مراحم ایشان است و بعد از ظهر ها فاضل محترم آقای معلم حبیب آبادی تدریس میکنند که صاحب تألیفات عدیده هستند و از آنجمله است : مکارم الاثار در احوال رجال دوره قاجار .

بقعه آقا حسین خونساری

آقا حسین وفرزندش آقا جمال هر دو از دانشمندان معروف عصر صفوی بوده اند و مخصوصاً آقا حسین در دربار شاه سلیمان صفوی نفوذ بی اندازه داشته است صاحب کتاب (روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات) در باره آقا حسین چنین نوشته است : مرحوم آقا حسین نزد شاه سلیمان صفوی باندازه‌ای نفوذ واقتدار داشت که وقتی سلطان خواست از اصفهان سفری نماید از آقا حسین درخواست نمود درغیبت وی درقصر سلطنتی نشسته وبنیابت او امور مملکتی را برأی و اراده خویش اداره نماید و از این جهت که در حق او گفته اند استاد الکل فی الکل و استاد البشر بل العقل الحادی عشر نیزمقام ومنزلت او در اواخردوره صفویه معین میگردد آقا حسین خونساری دراوایل عمر در مدرسه ای که جنب مسجد شیخ لطف الله واقع بوده بنام **مدرسه خواجه ملك** (۱) تحصیل میکرده و خیلی سخت بر او میگذشته

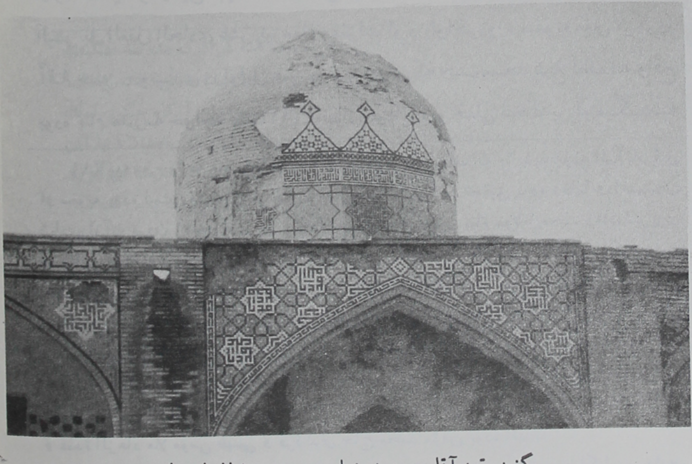
---

(۱) مدرسه خواجه ملك که در مجاورت مسجد شیخ لطف الله بنا شده بوده از آثار قبل از صفویه بوده است ومدت زمانی در اصفهان مرکز بحث و تحقیق بوده وعلما ودانشمندان زیادی ازآن بیرون آمده اند ، یکی ازدانشمندان عصرصفوی بنام مولانا محمد زمان تبریزی درکتاب خود موسوم به (فراید الفوائد) شرح حال جمعی از فضلا و علمائی راکه دراین مدرسه تحصیل میکرده وبعداً صیت شهرتشان اطراف واکناف راگرفته بیان‌کرده است، از جمله این دانشمندان مولانا حکیم شمس الدین گیلانی صاحب حاشیه برشرح (حکمة العین) و مولانا حسن گیلانی بوده است‌که دروصف او نوشته اند در تقوی ودانش در عصر خود نظیر نداشت ، دیگر ملا مراد تفرشی و امیر سید حسین عاملی و ادیب ماهر علی قلی خلخالی و زبدة المحققین (ملا رجبعلی تبریزی) وامیرقوام الدین تهرانی صاحب کتاب (عین‌الحکمة) و عمدة الزهاد ملا موسی طبسی و فرزندش حاج محمد مؤمن بوده اند .

صاحب روضات الجنات در باره این مدرسه نوشته است : « و هی من اکثر مدارس البلدة المشار الیه برکة و اوفرها تأثیراً فی بلوغ طلبة العلوم الی معارج العلم والیقین .» مدرسه خواجه ملك در زمان شاه عباس بزرگ هنگام بنای مسجد شیخ لطف الله تعمیر شده و مدرسی آن بعهده شیخ لطف الله میسی عاملی واگذارشده است (شماره ۳۶ و ۳۷ روزنامه سرنوشت چاپ اصفهان بقلم آقای محمد صدر هاشمی)

از خودش نقل شده شب زمستان تنها با یك لحاف پاره بسر میبرده که آنـرا بدور خود میگرفته و در حجره اش راه میرفته که ازسرما آسوده باشد اما در اواخرعمر هم منزلت او بجائی رسید که گویند وقتی در دربار شاه سلیمان از جبه جواهرنشان شاه تعریف کرد چون بمنزل برگشت شاه آنرا در پـارچه نفیسی پیچیده برای او هدیه فرستاد و پیغام داد این تحفه ناقابلی است که بمحضر آن جناب فرستـاده شد امید است که آنرا بعین مکرمت قبول فرمایند .

آقا حسین خونساری صاحب تألیفات متعدد است و اشعارخوب وخطب ومنشئات معروفی دارد ، در سال ۱۰۹۹ هجری وفات کرده است (۱) و در آرامگـاه او قبه

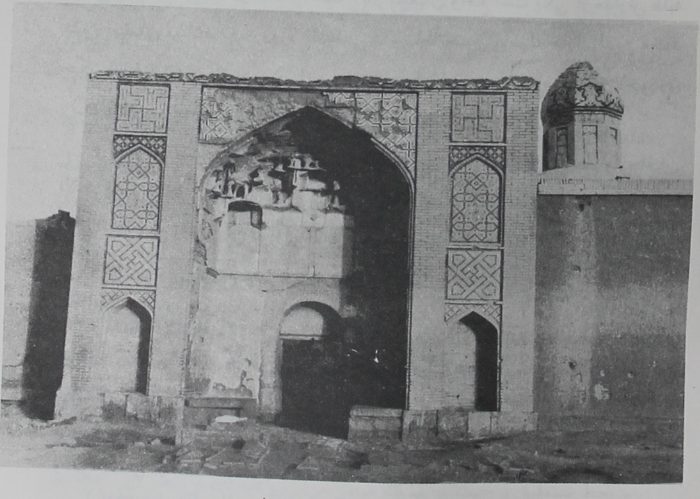


گنبد بقعه آقا حسین خونساری در تخت فولاد اصفهان

(۱) ماده تـاریخ وفات آقـا حسین را (امروز هم مـلایکه گفتند یـا حسین) و جمله (ادخـل جنتی) ضبط کرده اند . برای اطلاع از شرح حال آقا حسین رجوع شود بکتاب رجال اصفهان با حواشی وملحقات آقای سید مصلح الدین مهدوی وکتاب قصص العلماء ـ ریاض العلماء ـ ریحانة الادب ـ الکنی والالقاب ـ فوائد الرضویه وروضات الجنات .

ودر اطراف آن تکیه‌ای بنا شده وظاهراً این تنها بقعه ایست که دردوره صفویه بدستور پادشاه وقت بر روی آرامگاه یکی از دانشمندان آن دوره برپا کرده اند .

داخل بقعه آقاحسین که تعداد زیادی ازعلمای دوره های بعدهم در آن دفن شده اند وبهمین جهت (قبة العلماء) نام دارد با تزیینات گچی آراسته شده ونمای خارجی گنبد و دیوارهای بقعه باکاشیهای نفیس که مخصوصاً رنگ سفید نقره ای آن جلب توجه میکند تزیین شده است ، سردر تکیه آقا حسین بـا کاشیهای خشتی خط ثلث آراسته شده بوده است ولی بغیر از یك ردیف سر کشهای حروف در قسمت فوقانی کتیبه چیز دیگری از آن باقی نمانده . قسمتهای عمده ای ازمقرنس گچ بری سقف سردر تکیه نیز فرو ریخته و بر روی هم جـای تأ سف است که این بنای نفیس راه انهدام پیموده است .



سردر تکیه آقاحسین خونساری

آثار تاریخی اصفهان از دوره شاه سلطان حسین صفوی

بعد ازشاه سلیمان فرزند اوسلطان حسین میرزا درذیحجه سال ۱۱۰۵ هجری (۱) بجای پدر برتخت سلطنت نشست وتا محرم سال ۱۱۳۵ مدت ۲۹ سال پادشاهی کرد علاوه برمدرسه چهارباغ (مدرسه سلطانی) وکاروانسرای مادرشاه و (بازارچه بلند) که ازبناهای معروف دوره پادشاهی او دراصفهان است تعداد دیگری آثارعام المنفعه در دوران سلطنت او بوسیله اشخاصی دیگر بنا شده است که بترتیب زمان ساختمان بشرح آنها میپردازیم :

مدرسه جلالیه

مدرسه جلالیه که در محله احمد آباد اصفهان واقع است یکی از مدارس طلبه نشین اصفهان میباشد که دردوره پادشاهی شاه سلطانحسین بوسیله جلال الدین محمد حکیم ساخته شده . کتیبه سردر این مدرسه بخط ثلث سفید بـرزمینه کاشی لاجوردی رنگ و مورخ بسال ۱۱۱۴ هجری بشرح زیر است :

« قد وفق لبناءِ هذه المدرسة المبارکة بمیامن دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم ظل الله فی الارضین مروج مذهب آبائه الائمة المعصومین السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان **ابو المظفرشاه سلطان حسین الموسوی الصفوی بهادرخان**

---

(۱) مؤلف تاریخ **وقایع السنین والاعوام** راجع بفوت شاه سلیمان و جلوس شاه سلطان حسین چنین نوشته است :

« فوت شاه سلیمان در روزپنجشنبه اول زوال، پنجم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۱۰۵ در حرم اصفهان، ودر چهاردهم ماه مذکور **جلوس نواب همایون شاه سلطانحسین واقع** شد و در آنوقت از عمر شریف شاه ۲۶ سال گذشته بود و تغسیل و تکفین **در باغ گلدسته** (تصویرصفحه ٤٨٦ این کتاب) واقع شد وبعد ازسه روز نقل نعش بقم واقع شد وشش روزآب و آش داده شد درمسجد شاه ، سه روز را شاه داد وسه روز را نواب عالیه والده شاه مرحوم و امرا همگی در خدمت بودند . »

(نسخه خطی وقایع السنین والاعوام متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی صفحه ٥٦٧)

خلد الله ملكه و سلطانه و افاض على العـالمين بره و عدله و احسانه و زيدت نعمه المتواتـرة المتواليـة طبيب خدام حـرمه العليـة العـالية الـداعى لخلود دولته جلال الدين محمد فى ١١١٤»

در پشت بغل سردر مدرسه جلاليه بخط بنائى سه رگى لاجوردى وسفيد برزمينه آجرى سوره (نصر) نقش شده و بخط نستعليق سفيد بر كاشى لاجوردى رنـگ دو بيت زير نوشته شده است :

اجر و تـاريخ اين بنـاى رفيع	خـواستم از خـدا و خير انـام
بشنيـدم نـدا زعـــالم غيب	بـدهـد ذوالجـلال والاكـرام
	١١١٤

آرامگاه جلال الدين محمد حكيم در مدرسه جلاليه

جـلال الدين محمد در سـال ١١٣١ هجرى وفات كرده و در يكى از حجرات مدرسه دفن شده است . در اطراف اطاق آرامگاه و بر سنگ مزار او كتيبه هـائى بشرح زير موجود است :

اشعاراطراف مقبره بخط نستعليق سفيد برزمينه قهوه اى رنگ بشرح زيراست:

سفر كنان محبت كه ره روان دلند	رونـد كعبه مقصود را بيـك منـزل
تونيز كعبه اگرميكنى طلب برخيز	كه يك دو روز دگر كارميشود مشكل
چوموج دست درآغوش باش دريا را	غريق بحر فنا كى طلب كند ساحل
جلال ۰۰۰۰ عمرعذرخواه توچيست	مگر كه لطف الهى تو را شود شامل
خوش آنكسى كه‌ازين‌روز گار بيحاصل	كند دل ازسرصدق وبحق‌شود واصل
بدلربائى دنيا چرا فـريب خـورد	اسير عـالم فـانى چرا شـود عـاقل
كسى كه زنده گيش بهربند گى باشد	چرا كند بعبث عمرخويش را بـاطل
بلوح سينه چنان نقش او گرفته قرار	كه هر گز از دل زارم نميشود زايل

و بخط نستعليق برجسته بر سنگ مرمر مزار او عبارات و اشعار زير حجارى

شده است : « کل من علیها فان »

میرزا جلال منبع فضل و کمال وجود | بار سفر به بست سوی خلد رو نمود
میل وطن نمود زغربت چومرغ روح | قطع علاقه کرد زدنیا و هرچه بود
آن رتبه نیستم که کنم وصف او بیان | چون اوطبیب حاذقی اندرجهان نبود
گرخوانمش(۱)معلم ثالث خلاف نیست | الحق درین زمانه ارسطوی دهر بود
تاریخ فوت او چوفغان بود درحساب | افغان زجان خلق بر آمد ولی چه سود

۱۱۳۱

مدرسه مریم بیگم

تا چند سال قبل نزدیك محله خواجو و درمجاورت چهارسوی نقاشی مدرسه‌ای بنام مدرسه (مریم بیگم) که آنرا مریم بیگم دخترشاه صفی در سال ۱۱۱۵ هجری بنا و وقف کرده بوده وجود داشت . این مدرسه از دیر زمانی غیر مسکون گردیده بود و حتی هنگامی که فرصت الدوله شیرازی برای سیاحت و بازدید این مدرسه میرود در باره آن چنین مینویسد : « یك طلبه در آن ندیدم‌امگر در بعضی اطاقها سگ بچه گذارده ودردالانش تاپو یعنی (خمره گلی) میساختند . » کسانیکه برای تماشای مدرسه میرفتند پس از عبور از دالان درازی وارد صحن مدرسه میشدند که دراطراف آن حجراتی برای سکونت طلاب علم ساخته شده ودروسط حوض بزرگی داشت . در محل این مدرسه قدیمی امروز دبستانی بنا شده شده است و از بنای مدرسه تاریخی مریم بیگم چیزی باستثنای دولوح سنگی‌مرمری که بدرج کتیبه های آنها خواهیم پرداخت برجای نمانده است .

کتیبه سردر مدرسه مریم بیگم

کتیبه سردر مدرسه مریم بیگم بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی

---

(۱) کلمه « خوانمش » در کتیبه بصورت (خانمش) نوشته شده است .

بقلم علی نقی امامی و مورخ بسال ۱۱۱۵ هجری بشرح زیر است :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم. لقد وقفت هذه المدرسة المبارکة النواب العلیة العالیة الموفقة لافعال الخیر ابنة السلطان الاعظم السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان شاه صفی الصفوی الموسوی الحسینی قدس الله مرقده اعنی ملکة الافاق علی الاطلاق سمیة من افصح عن وصفها الذکر المبین بکریمة یا مریم ان الله اصطفیك و طهرك واصطفاك علی نساء العالمین مریم بیگم لازالت موفقة لخیر الدنیا والاخرة بحق محمد و عترته الطاهرة **علی نقی الامامی ۱۱۱۵** .»

در اطراف ایوان شرقی مدرسه که درمقابل دالان ورودی واقع میشده اشعاری بخط نستعلیق وهمچنین قسمتی ازوقفنامه مدرسه برکاشیهای خشتی بشرح زیر نوشته شده بوده است : (۱)

قسمتی از وقفنامه مدرسه مریم بیگم

.... (۲) علوم دینیه بشروطی چند که دروقف نامچه بتفصیل مذکور و مسطور است و از جمله آن شروط این است که باید سکنه مدرسه مذکوره مشغول تحصیل علوم دینی که فقه و حدیث و تفسیر و مقدمات آنهاست وصالح ومتقی و پرهیزکار و از اهل قناعت باشند و از زمره ارباب بطالت و کسالت وشرارت نبوده حجره خود را معطل ومقفل نگذارند بلکه شب و روز درحجره خود بمباحثه و مطالعه و عبادت مشغول باشند و اگر یك سال بر احدی بگذرد که ترقی در حال او بحسب علم و عمل نشده باشد یا مظنون مدرس شود که قابل ترقی نیست از مدرسه اخراج نماید و جماعتی که در عرض یکسال بحسب علم و عمل ترقی کنند یا مظنون شود قابلیت

---

(۱) کتیبه سردرمدرسه مریم بیگم فعلادرموزه ایران باستان درتهران نگاهداری میشود.

(۲) در تاریخ قرائت این کتیبه دوکاشی خشت از اول کتیبه وقفنامه موجود نبوده است (نقل از شماره ۲۴ سال اول روزنامه سرنوشت چاپ اصفهان از یادداشتهای آقای محمد صدرهاشمی) .

و ترقی ایشان باید که زیاده از پنج سال در آنمدرسه ساکن نشوند ، اگر احیاناً حرکت بعضی اشخاص بعد از مدت پنج سال متعذر یا متعسر باشد یا آنکه در عوض ایشان جمعی متصف بصفات مذکوره حاضر نباشد باید که تا برطرف شدن عذر درمدرسه باشند ونهایتش تاهفت سال اما بعد ازهفت سال البته باید که بدر روند وبر مدرس آنکه سعی بلیغ کند که جمعی دیگر که متصف بصفات مذکور باشند تحصیل نموده بجای ایشان ساکن سازد وحجره ها را خالی و معطل نکند ، و هر که بعد از هفت سال یك روز بماند غاصب باشد و بغضب خدا ورسول خدا گرفتار شود وباید که کتابهای علوم وهمیه یعنی علوم شکوك وشبهات که بعلوم عقلیه وحکمت مشهور و معروف است مثل شفا و اشارات و حکمت العین و شرح هدایت وامثال ذلك بشبهه دخول درمقدمات علوم دینی نخوانند ووجه معاش خواه وظیفه وخواه تعلیم وخواه غیر آنها از هیچ ممری نداشته باشند ، و باید که مدرس در تمشیت و اجراءِ امور مزبوره اهتمام ...... (۱)

اشعار کتیبه ایوان شرقی مدرسه مریم بیگم

اشعارایوان شرقی مدرسه مریم بیگم بخط نستعلیق سفید بر کاشی‌خشت‌لاجوردی رنگ بشرح زیر بوده است :

. . . . . .	والا نژاد گوهر بحرین ملك دین
نیکو نتیجه شد رضوان مکان صفی	مریم بیگم که باد بعمر ابد قرین
تاساخته است بهر خدا زین‌بنای خیر	دارالعیار نقد و خانه نقد علوم دین
ارباب فضل را که تمامی شکفته اند	چون گل‌شده است‌غنچه گشای‌دل‌حزین
بحریست این مدینه علم از برای آن	هرحجره اش بود صدف گوهر یقین

(۱) تا اینجا این قسمت از کتیبه که در یك طرف ایوان واقع بوده است تمام میشده و ظاهراً بقیه هم داشته. مقارن طبع این کتاب نه ازمدرسه اثری برجای مانده ونه ازاین کتیبه که روزگاری آقای محمد صدرهاشمی آنرا یادداشت کرده اند .

در گلشن زمانه چو نرگس علم شود ‏ ‏ گل کرد هر که ۰۰۰۰۰ گل زمین

چون گرد غم ۰۰۰ زدل او غبارجهل ‏ ‏ منزل گزیدهر که دراین‌مسکن گزین

ازجان ودل صحیفه نگاردعای اوست ‏ ‏ هر کس‌دراین‌مکان مشرف‌شودمکین

کردم چو نقشبندی تاریخ این بنا ‏ ‏ دل گفت ۰۰۰۰۰ این علوم دین(۱)

کتیبه دو لوح سنگی موجود از بنای تاریخی مدرسه مریم بیگم مورخ بسال ۱۱۱۶ هجری

در طرف راست و چپ ایوان شرقی مدرسه مریم بیگم دو لوح سنگی مرمری نصب شده بوده که مضمون آنها متمم وقفنامه مدرسه و شرایط سکنی در مدرسه است و این دو لوح که تنها آثار برجای مانده مدرسه مریم بیگم در اصفهان است در آموزشگاهی که در محل آن مدرسه قدیمی و نزدیك چهارسوی نقاشی بنا شده نگاهداری میشود .

کتیبه یکی از دولوح سنگی مرمری بطول ۱/۱۳، متر وعرض ۵۳ سانتیمتر بخط نستعلیق برجسته مورخ بسال ۱۱۱۶ هجری وبقلم علی نقی امامی بشرح زیراست:

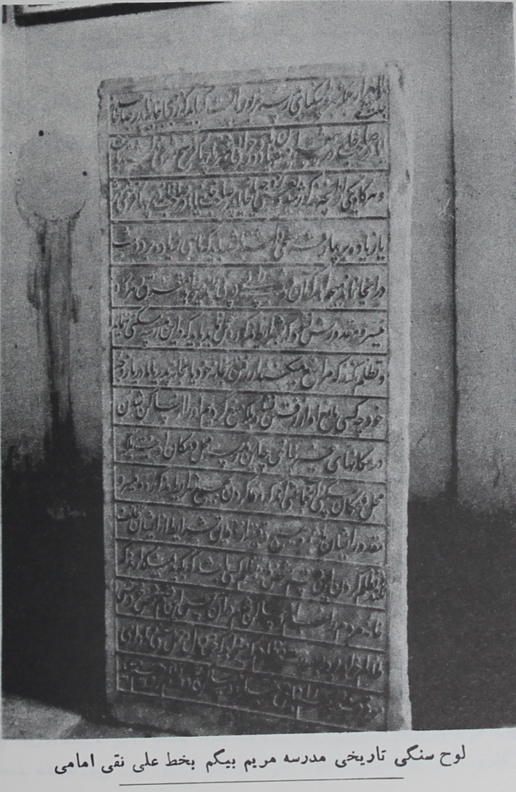
« هوالمعز جلت عظمته »

« از جمله شروط سکنای مدرسه مزبوره آنست که باید زوجه یا خانه یا پدر صاحب خانه یا مادر صاحب خانه در شهر اصفهان یا دور وحوالی شهر تا چهار فرسخ شرعی نداشته باشد و هر گاه یکی از آنچه مذکور شده یعنی زوجه یا خانه یا پدر صاحب خانه یا مادر صاحب خانه در چهار فرسخی شهر یا زیاده بر چهار فرسخی داشته باشد باید که ماهی زیاده بر دوشب در آنجا نماند میخواهد که دو شب را پی در پی بماند میخواهد متفرق و هر گاه میسر و مقدورش نشود که بشرایط مذکوره عمل نماید باید که در این مدرسه سکنی ننماید و تظلم نکند که مرا منع میکنند از

---

(۱) نقل ازشماره بیست وششم سال اول روزنامه سرنوشت چاپ اصفهان از یادداشتهای آقای محمد صدرهاشمی .

رفتن بخانه خود یا بخانه پدر یا مادر یا زوجه خود چه کسی مانع او از رفتن نشده
بلکه منع کردیم او را از ساکن شدن در مکانهای غیر بنا حق چه این مدرسه محل
ومکان او نیست بلکه محل ومکان سکنی آنجماعتی اند که وفا کردن بجمیع شرایط
مذکوره میسر و مقدور ایشان باشد و هیچ دقیقه از دقایق شرایط از ایشان تخلف



لوح سنگی تاریخی مدرسه مریم بیگم بخط علی نقی امامی

نکند و تظلم کردن این قسم شخص مانند تظلم کسی باشد که بگوید نمیگذارند که خانه مردم را غصب کنم وساکن شوم در آن پس این قسم شخص خودش ظالم خواهد بود بصورت مظلوم که میخواهد که حق و مال ومحل سکنی و مأوای موقوف علیهم را بناحق غصب کند وساکن شود وتظلم هم میکند سنه **۱۱۱۶** »

کتیبه لوح سنگی دوم مدرسه مریم بیگم

کتیبه لوح سنگی مرمری دیگری که فعلا موجود است بطول ۱/۱۷ متروعرض ۵۱ سانتیمتر بشرح زیر است :

« چون شرایط وقفیه که در کتیبه مدرسه مرقوم گشته دوعبارت اجمال دارد لهذا توضیح آن دوعبارت را لازم دانستیم که دراجمال آنها شبهه نکنند اول آنکه نوشته شده که تا هفت سال بیشتر سکنا در مدرسه نکنند و بعد از هفت سال البته باید که بدر روند تفصیل آن اجمال آنکه بعد ازهفت سال هر گاه تاششماه یا کمتر ازمدرسه غیبت اختیار نمایند و بعد از غیبت معاودت بمدرسه نمایند بر ایشان حرجی نیست و توقف ایشان مجدداً تا هفت سال در مدرسه مزبوره مجوز خواهد بود . دویم آنکه نوشته شده که وجه معاشی خواه وظیفه و خواه تعلیم وخواه غیر آنها از هیچ ممری نداشته باشند مفصل آن مجمل آنکه وظیفه ومواجب ومدد معاش مستمری از جائی دیگر نداشته باشند و اگرمردم ازموهبت وعطایا گاهی رعایتی بطلبه مدرسه مزبوره نمایند در اخذ این وجوه مؤاخذ نخواهند بود **فی تاریخ شهر شعبان سنه ۱۱۱۶** و همچنین اگر کسی را از طلبه مدرسه مزبوره قدر قلیلی وظیفه باشد که باخراجات او کفاف نباشد و با وجود آنوجه وظیفه درمرتبه استحقاق باقی باشد توقف آنکس در مدرسه مجوز است و بر اوحرجی نیست . **علی نقی الامامی** »

امامزاده احمد

یکی ازبناهای تاریخی جالب اصفهان امامزاده احمد است که سابقه خیلی قدیمی دارد. مجموعه بنا شامل یك بقعه و ایوانی در شمال وایوان دیگری در غرب بقعه مشرف بجاده وصحن نسبة وسیعی است که عده ای از بزرگان محل در آن مدفونند نسب امامزاده احمد در کتاب میزان الانساب : «احمد بن علی بن الامام محمد باقر(ع)» ذکر شده و از امامزاده های معتبر اصفهان از لحاظ اصل و نسب بشمار میرود (۱)

قدیمی ترین اثر تاریخی این امامزاده قطعه سنگ یکپارچه سیاه رنگی بطول سه متر است که در آستانه امامزاده و در زیر پنجره مشبك چوبی آن مشرف بجاده قراردارد و آنرا قطعه‌ای ازسنگ سومنات (۲) میدانند. کتیبه تاریخی این قطعه سنگ که بخط خوانا حجاری شده و مورخ بسال ۵۶۳ هجری است بشرح زیر میباشد :

« آمین رب العالمین فی تاریخ الخامس عشرة من ربیع الاول سنة **ثلاث وستین و خمس مائة** . »

---

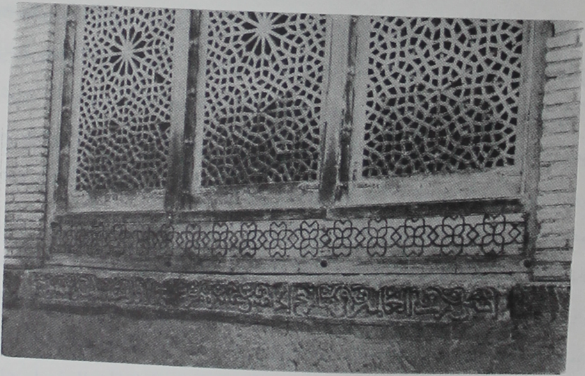
(۱) رجوع شود بکتاب میزان الانساب تألیف آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی صفحه (۴۸) و حواشی آن کتاب صفحه (۷۴)

(۲) جابری انصاری درتاریخ اصفهان وری درباره این سنگ چنین نوشته است:
« غزنویان اندك روزگاری بر اصفهان مسلط بودند ، سنگ بتی راکه محمود ازسومنات آورده و در مورد آن باغراق گفته اندکه مهمتر بتان بوده و ده هزار من وزن داشته مردم هند ازسلطان همسنگ مروارید میخریده‌اند ولی غیرت اواجازه این معاوضه را نمیداده است این سنگ باصفهان نقل شده و در زمان سلطان محمد سلجوقی در آستانه مدرسه ای‌که وی برای حنفیان ساخته برو درانداخته‌اند مدرسه سلطان محمد که مرقد وی هم درهمان مدرسه است امروز در محله دارالبطیخ مشهور است . بعد از قرنی این سنگ را دو نیمه کردند و نیمی را در مدرسه میرزا شاه حسین وزیر طهماسب سنگاب ساختند و مؤلف در عتبه حضرت امامزاده احمد قطعه ریگی شفاف منقور بخط قدیم دیده که آثار زنجیر بر آن سنگ هست و مینمایاند برای نمایاندن ذلت بت‌آن سنگ را با زنجیر روی زمین کشیده وباین محل آورده اند (مراجعه شود بتاریخ اصفهان و ری تألیف جابری انصاری صفحه ۲۲)

دومین اثر قدیمی امامزاده لوح سنگی نفیسی است که در ایوان غربی آن مشرف بجاده نصب شده بوده وتاسال ۱۳۰۷ شمسی در جای خود برقرار بوده است صاحب روضات الجنات تحت عنوان (عبدالعظیم) چنین نوشته است :

« مقبره امامزاده احمد بن علی بن محمد الباقر(ع) دراصفهان درجاده خواجو وسط باغات است . در سنگ لوحی که بر دیوار آنجا نصب شده نوشته است : اقدام نمود بتجدید عمارت این مزارمتبر که ..... امامزاده معصوم مغفور سید احمدبن سید علی بن سید محمد من اولاد الامام الهمام ... محمد الباقر علیه الصلوة والسلام کمترین خادمان شاه قلی بن علی قلی بن علی برزین تقبل الله عنه فی سنه پانصد و سی و هفت . » (۱)

جابری انصاری در کتاب تاریخ اصفهان راجع باین لوح سنگی چنین نوشته است:



سنگ نوشته تاریخی امامزاده احمد مورخ بسال ٥٦٣ هجری
که آنرا قطعه ای از سنگ سومنات میدانند

(۱) نقل از تاریخ (الاصفهان) تألیف مرحوم میرسید علی جناب صفحه (۸)

« دیگر از مبانی کهن امامزاده احمد است که نبیره حضرت امام محمد باقر(ع) و دارای مقام علم و تقوی بوده و آن در منظر کوچه ای که برای دروازه حسن آباد میرود واقع شده و پشت دیوارضریح و روبارسی منظر این محل قطعه سنگ دیگری هم بود نوشته: « تجدید عمارت مزارامام زاده سید احمد بن سید علی بن سید معصوم از اولاد امام محمد باقر (ع) کمترین خادمان شاه قلی بن علیقلی بن علی برزین بسال (٥٣٧) نمود با سال رحلت و بلندی آن سنگ منصوب سیاه بدیوار عشری کمتر از یکمتر وعرضش نیم ذرع و آنرا بعضی سنگ الماس سیاه میدانستند، در ١٣٠٧ شمسی شبانه آن سنگ را کنده و دزدیده و برده و فروخته شد و راه اروپا گرفت، آنچه مسلم است آن سنگ گرانبها حکم جواهررا داشت. (١)

کتیبه سردر صحن امامزاده احمد

بطوریکه کتیبه تاریخی سردر صحن امامزاده احمد حکایت دارد بسط و توسعه عرصه و اعیان امامزاده در دوره پادشاهی شاه سلطان حسین بوسیله (محمد شرف الشریف المنجم) که نام و القاب او در کتیبه ایوان شمالی امامزاده بطورکامل ذکر شده بعمل آمده است. کتیبه سردر صحن بخط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی بقلم علی نقی امامی و مورخ بسال ١١١٥ هجری بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم احمد من حمد الله تعالی حمداً یلیق بعزجلاله محمد صلی الله علیه وآله اما بعد فقد وفق السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان **شاه سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان** لبناء ما اضاف الشریف لمشهد ذکی من العرصة والاعیان **فی ربیع الاخر** سنة **١١١٥** وکان هذا الخیر باهتمام الداعی لدوام الدولة القاهرة **محمد شرف الشریف المنجم کتبه علی نقی الامامی**.»

خطوط بنائی در سردر امامزاده احمد شامل (اسماء الله) وسوره (فاتحه) است.

---

(١) تاریخ اصفهان و ری تألیف جابری انصاری صفحه (٢٥١)

کتیبه ایوان ورودی بقعه امامزاده احمد

کتیبه ایوان ورودی بقعه امامزاده احمد حاکی از آنست که بنای بقعه وروضه فعلی امامزاده احمد دردوره سلطنت شاه سلطان حسین صفوی بوسیله (محمد شرف الشریف المنجم) صورت گرفته . کتیبه این ایـوان که بخطِ ثلث طلائی بـرزمینه لاجوردی رنگ گچ بری شده بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی رفع سمك هذه القباب العلی والصلوة علی نبیه محمد المصطفی و ولیه علی المرتضی اما بعد فقد وفق السلطان الاعدل والخاقان الانجب الاشرف الاکرم الاعظم سلطـان السلاطین قهرمان المـاءِ والطین **شاه سلطان حسین الحسینی الموسوی الصفوی** خلدالله ملکه لبناءِ هذه الروضة المنیعة للسید الجلیل المعروف بسید احمد حشره الله فی زمرة من ینمی الیهم صلوات الله و سلامه علیهم ، کان ذلك الداعی نعرض لدوام الدولة القاهرة **محمد شرف الشریف المنجم** وقد تشرف برجوع هذه الخدمة الیه واتفق اتمامها فی سنة ۱۱۱۵ **کتبه احمدالحسینی.» (۱)**

کتیبه های داخل بقعه امامزاده احمد

در داخل بقعه امامزاده بخط ثلث طلائی برزمینه لاجوردی رنگ تمـام سوره (دهر) گچ بری شده و قسمت آخر کتیبه بعبارات زیر ختم میشود :

« سبحان ربك رب العزة عمایصفون وسلام علی المرسلین والحمدلله رب العالمین کتبه الفقیر **ابن محمد محسن علی نقی الامامی** فی ۲۲ شهرشعبان المعظم سنة ۱۱۱۵ »

دراطراف ضریح امامزاده احمد بخط نستعلیق طلائی رنگ اشعاری نوشته شده است که مضمون آن حاکی از اقدام ظل السلطان فرزند ناصرالدین شاه وحکمران اصفهان نسبت به تعمیروتجدید بنای بقعه امامزاده درسال ۱۲۹۰ هجری است، اشعار مزبور بشرح زیر است :

---

(۱) نام خطاط این کتیبه (احمد) بخوبی خوانده نمیشود



منظره بقعه امامزاده احمد و ایوان ورودی آن از داخل صحن

در زمان شه همایون فـال	ناصر الدین خدیو ملك گشا
پور محمود او ملـك مسعود	آسمان وجود چـرخ سخا
ظل سلطان یمین دولت شـاه	کـرد این بقعه را زنـو برپا
مـرقد پـاك حضرت احمد	که بـود منبع بهاء و ضیا
کلك من بنده از پی تـاریخ	داشت حیرت که چون کند انشا
یکی آمـد زغیب و گـفت حکیم	ظل سلطان نهـاد کعبه بنا

« کتبه محمد حسین لله زند بکله »

یك سنگ نوشته از قرن سیزدهم هجری

درایوان غربی امامزاده احمدمشرف بجاده بریك قطعه سنگ بطول ۴۶ وعرض

۲۶ سانتیمتر که بر دیوار ایوان نصب شده عباراتی منقور است که حاکی از وقف کردن منفعت یك رأس شتر برای تأمین مخارج امامزاده است ، این لوح که بخط نستعلیق برجسته و مورخ بسال ۱۲۴۷ هجری میباشد بشرح زیر است :

« هوالواقف علی ضمائر والنیات »

« چون سعادت یار و مددکار عالیحضرت استاد ابراهیم ولد استاد رضا بنا بود وقف شرعی نمود منفعت یك رأس شتری که ازخیرپناه بامام زاده واجب التعظیم اعنی امام زاده احمد آورده من بعد صاحب آن عرض نمود و اورا بیرون برده بار دیگر پناه بامام زاده مذکور آورده آنشتر مزبور را استاد ابراهیم ابتیاع نمود و وقف امام زاده نمود تولیت او را بعالیجناب آقا سید محمد متولی گذارده بشرط آنکه او را جبر نکنند و نفروشند ومنفعتی که از او بهم رسد صرف شتر کنند وآنچه باقی ماند صرف امام زاده نمایند و این چندکلمه بجهة وقف نامچه قلمی شد بتاریخ سنه ۱۲۴۷ »

بموجب یك لوح سنگی که برجرز شرقی ایوان شمالی بقعه امامزاده احمد نصب شده بانو افتخار اعظم مسعود این بنارا تعمیر کرده است . عبارات این لوح که بخط نستعلیق حجاری شده بشرح زیر است :

« این بنا درسال ۱۳۲۲ خورشیدی تعمیرشد، مبلغ سی وپنج هزارریال مخارج تعمیر آنرا بانوی محترمه افتخار اعظم مسعود پرداختند . اردیبهشت ۱۳۲۲ جواد صهبا . »

کتیبه سقاخانه امام زاده احمد

متصل بسردر صحن امام زاده احمد سقاخانه ای واقع شده که اطراف آن با الواحی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ کاشیکاری شده است الواح مزبور شامل اشعارمعروف (محتشم) است که درمرثیه حضرت امام حسین (ع)

ووقعه کربلا سروده است . نام خطاط واستادکاشی پز وسال نصب این الواح بشرح زیر ذکر شده است : « کتبه العبد المذنب حاجی میرزا علی نقی » « فی شهر ربیع المولود سنه ۱۳۲۱ » « عمل استاد آقا جان کاشی پز »

کتیبه شیر سنگی امامزاده احمد

در مقابل سردر صحن امامزاده احمد و روبروی ایوان ورودی بقعه شیرسنگی نصب شده است که کتیبه و اشعاری در قسمت بالای سر و بردو جانب آن بشرح زیر حجاری شده :

« وفات مرحمت و غفران پناه جنت ورضوان آرامگاه محمد بیك ولد مرحوم حسین خان ... » (۱)

اشعار دو جانب تنه شیر بخط نستعلیق و بشرح زیر است :

از جهان رفتم دل پرحسرت واندوهناك — میکشم تا روزمحشر از دل آه دردناك
اول ایام عمر از گردش افــــلاك شد — سینه ام ایدوستان از خنجر فولاد چاك
جانب بستان اگر بهر تماشا بگذرید — یادآرید ازمحمد کوجوان شد زیرخاك

نه‌پائی که گــــامی گذارم بصحرا — نه دستی که بیرون کشم خاری از پا
تماشای گل خوش بمرغـا ن گلشن — که بستند مــــا را نظر از تماشا
چه بـــاهم نشینید یاران بصحبت — زما یـاد داریــــد و ناکامی ما

بر تنـه این شیر سنگی دو شکل خنجر و یـك طپـانچه نیز بر سنگ حجـاری شده است .

کتیبه آرامگاه همای شیرازی

در پائین یکی از جرز های شرقی ایوان شمالی بقعه امامزاده احمدآرامگـاه همای شیرازی که از شعرا و نویسندگان و عرفای ایران در قـرن سیزدهم هجری

---

(۱) بقیه این کتیبه محو شده است .

بوده واقع شده است ، کتیبه سنگ آرامگاه وی بشرح زیر است :

« آرامگاه سخنگوی نامدار ایران حکیم دانشمند شاعر بی مانند عارف ربانی



آثار ضلع شمالی صحن امامزاده احمد و منظره گنبد مقبره آقا نجفی (۱)

(۱) شیخ محمد تقی مشهور به (آقا نجفی) در ۲۲ ربیع الثانی سال ۱۲۶۲ هجری متولد شده و عصر یکشنبه یازدهم شعبان سال ۱۳۳۲ وفات یافته است، وی ازرؤسای علمای اصفهان بلکه ایران بوده و در بلیات و اتفاقات مخصوصاً رفع ظلم حکام جابر پشت و پناه مردم این سامان بوده ، لوازم ریاست از علم و عمل و مال و اولاد و نفوذ کلمه در وی جمع بوده ، مدتی در نجف وکربلا بدرس اساتید و بزرگان حاضر شده و ضمناً جهت تصفیه نفس بریاضات شاقه اشتغال داشت ، در زمان پدر باصفهان مراجعت نموده مرجعیت و شهرت تمام یافت ، کتب و رسایل چندی تألیف نموده که اکثر آنها بطبع رسیده است ، از فرزندان آن مرحوم درحال حاضر دانشمند علامه جناب آقای حاج شیخ محمد باقر الفت ازمفاخرعلمی شهر اصفهان بشمار میروند (رجوع شود بکتاب رجال اصفهان با حواشی و ملحقات بقلم آقای سید مصلح الدین مهدوی صفحه ۱۷۳)

همای شیرازی اصفهانی که دیوان شعرش مطبوع و مشهور است . تولدش در شیراز بسال ۱۲۱۲ وفاتش در اصفهان ، ماده تاریخ فوتش را سید بقا چنین گفته :

« هما شد بال زن در سایه عرش ۱۲۹۰ » (۱)

در پائین دیوار مقابل سردر ورودی بقعه نیز آرامگاه میرزا ابوالقاسم طرب (۲) فرزند هما قرار گرفته ، کتیبه سنگ آرامگاه وی بشرح زیراست :

آرامگاه سخنگوی بزرگوارایران ادیب فرزانه و نکته سنج یگانه ، درخشنده گهربحرمعانی ابوالقاسم طرب بن همای شیرازی اصفهانی وفاتش بسال‌قمری ۱۳۳۰ ماده تاریخش : « طرب افسوس کز این انجمن رفت »

سنگهای نفیس مرمری در امامزاده احمد

در ضلع شمالی صحن امامزاده احمد اطاق بزرگ ارسی مـانندی بنا شده که داخل آن باتزیینات گچ بری ونقاشیهای بسبك جدید و آینه‌کاری آراسته شده است در این اطاق چند صورت قبر که مرمرهای یکپارچه نفیس بر روی آنها قرار داده اند وجود دارد و اشعـار حجاری شده بر روی آنها از (عنقا) و (سهـا) شعرای معروف اصفهان در قرن سیزدهم وچهاردهم هجری است . (۳)

---

(۱) ماده تاریخ فوت همارا سید بقا چنین گفته :

چو از بهر سـرای جـاودانی	همارا زین‌سرا برچیده شد فرش
بقـا گفت از پی تـاریخ فوتش	**هما شد بال زن درسایه عرش**

(۲) میرزا ابوالقاسم طرب کوچکترین فرزندان همـای شیرازی و پدر دانشمند محترم استاد جلال الدین همائی بوده است . وی از فضلای نامی اصفهان و در فنون ادبیت وعربیت شهرتی بسزا داشته است ، در شاعری بشیوه استادان پیشین چکامه میسرود و خط نستعلیق را خوش مینوشت . کتیبه هائی که بخط او نوشته شده و غالب اشعارش هم از خود اوست درچند بنای قدیمی که مقارن ایام زندگی او در اصفهان بنا شده مانند مسجد رکن الملك و مسجد رضوان وسرای ملك دیده میشود (برای اطلاع ازشرح حال طرب وخانواده دانشمند همائی مراجعه شود بکتاب تاریخ اصفهان تألیف نورصادقی چاپ طهران صفحه ۲۳۶ ـ ۲۵۲)

(۳) محمد حسین ملقب به ملك الشعراء ومتخلص به (عنقا) و میرزا محمد متخلص به

یکی از سنگهای یکپارچه مرمری مزبور قطعه سنگی است بطول ۱/۹۶ متر و عرض ۹۰ سانتیمتر که کتیبه آن بخط نستعلیق شیوای برجسته اشعاری است بشرح زیر:

« هوالحی الذی لایموت »

ای دریغ از جهان بی بنیاد — وز جفای سپهر نا فرجام
ماهی از برج سلطنت بنهفت — چهر چون مهر زیر تیره غمام
بانوئی شد بخاک کز رایش — مهر و مه روشنی نمودی وام
تا که در خاک رفت پیکر او — آسمان کرد جامه نیلی فام
زهره تارطرب شکست که عیش — شد بر ابنای روزگار حرام
همدم السلطنه که او را بود — نسب پاک از **امیر نظام**
پدر از خیل سروران بزرگ — مادر از صلب خسروان عظام
رفت ازین منزل فنا بیرون — کرد در گلستان خلد خرام
تشنه قرب دوست بود و گرفت — از کف ساقی بهشتی جام
دامن از جیفه جهان افشاند — چکند جیفه مرغ عرش کنام
دام بشکست وشد بخلد آری — نیست طاوس عرش بسته دام
تا شنید ارجعی زدوست پرید — مرغ روحش زشوق آن پیغام
الغرض صبح زندگانی او — چون زدور فلک رسید بشام
شد بذیحجه از جهان اما — در محرم بخاک جست آرام
گفت **عنقا** برای تاریخش — **کرده در بوستان قدس مقام**
۱۳۹۷

برقطعه سنگ یکپارچه مرمری دیگری بطول ۱/۸۴ متر و عرض ۹۷ سانتیمتر بخط نستعلیق برجسته کتیبه و اشعار زیر که اثر طبع (سها) است حجاری شده :

(سها) از بزرگان شعر و ادب وعرفای اصفهان در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری واعمام جناب آقای همائی استاد دانشمند دانشگاه تهران بوده اند (مراجعه شود بکتاب تاریخ اصفهان تألیف حسین نورصادقی صفحه ۲۳۶ – ۲۵۲)

« هوالحی الذی لایموت »

« وفات مرحومه مغفوره جنت و رضوان آرامگاه نوابه علیه عالیه عزیزالسلطنه طاب الله ثراها و جعل الجنة مثواها در چهارم شهر ربیع الثانیه . »

آه و فریاد و فغان از دور چرخ کجمدار
در عزای محنت افزای عزیزالسلطنه
ای فغان از روی زیبای مه چرخ عفاف
ای خروش از قد رعنای عزیزالسلطنه
ای دریغ از ماه دخت آن دخت ظل پادشاه
ای فسوس از روی و از رای عزیزالسلطنه
ازستیزه چرخ و از ناپاکی خاک دو رو
خاک شد فرق فلک سای عزیزالسلطنه
پا بجنت هشت گفت از بهر تاریخش **سها**
جنت مأویست مأوای عزیزالسلطنه

بر سنگ مرمری دیگری کتیبه زیر منقور است :

« هوالحی الذی لایموت »

وفات مغفورمبرور خلدآشیان خسروخان نورالله مرقده خلف مرحمت وغفران پناه جنت مکان ابوالفتح خان صارم الدوله عطرالله مضجعه بتاریخ ۱۸ شهر ذیقعده ۱۳۱۶ ،

خسرو چونهان روی خود از دنیی کرد — مأوی ز جهان بجنت المأوی کرد
زد پا بسر دنیی دون از سر ناز — تا روی زدنیا بسوی عقبی کرد
سرزد زجنان و گفت تاریخ **سها** — خسرو بجنان جاودان مأوی کرد

۱۳۱۶

کتیبه آرامگاه یك افسر مقتول

در اطاق شمالی صحن امامزاده احمد بر قطعه سنگ مرمری دیگری عبارات و اشعار ذیل بخط نستعلیق برجسته حجاری شده است : « **هوالباقی** »

« در زمان ریاست جناب بالکونیك خاباروف رئیس شعبه اصفهان در جنگ **قلعه لیشاب** بضرب گلوله سارقین مقتول گردید غلام علیخان نایب اول از فوج گارد ولد عبدالله خان سرتیپ قزاقخانه مبارکه فی یازدهم جمادی الثانی ۱۳۳۵ »

و درحاشیه این سنگ بخط نستعلیق برجسته اشعار زیر حجاری شده است :

هر که آمد در جهان پر زشور — عاقبت میبایدش رفتن بگور

هیچ کسرا نیست زینمنزل گریز — از گدا و شاه و از برنا و پیر

ایکه برما بگذری دامن کشان — از سر اخلاص الحمدی بخوان

مدرسه نیم آورد

مدرسه نیم‌آورد که ازمدارس قدیمه مشهور اصفهان است و درمحله ای ازمحلات بازار بزرگ اصفهان بنام (نیم‌آورد) یا (نم‌آورد) واقع شده از مدارس زیبای عهد صفویه است ، وجه تسمیه این محله به (نم آورد) معلوم نیست ولی آنچه مسلم است خود این اسم هم قدیمی است . **شاردن** که در عهد شاه سلیمان صفوی دراصفهان بوده محله (نیماورد) را در ردیف محلات معروف و پرجمعیت اصفهان نام میبرد و نوشته است در میان این محله گود نسبة بزرگی بنام (گود نیماورد) واقع شده تاریخ بنای مدرسه نیماورد در خود بنا ذکر نشده ، بعضی آنرا از بنا های دوره شاه سلیمان پنداشته اند اما جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری این بنا را از آثار دوره سلطنت شاه سلطان حسین میدانند و چنین نوشته است :

«مدرسه **نم آورد** را زینب بیگم زن حکیم الملك اردستانی درسال ۱۱۱۷ بنا نمود

و مدرسه کاسه گران را خود حکیم الملك قبل از ۱۱۱۷ (۱) و همیشه بزرگان و علماء و فضلاء در مدرسه نم آورد بافاضه و تدریس مشغول بودند مانند حاج شیخ رفیع و مرحوم ملاحسن نائینی و ملا میرزا قمیشه ای و مرحوم حاج میرزا بدیع و مرحوم آقا سید محمد باقر درچه ای و مرحوم آقا ملا عبدالکریم جزی و غیرهم و موقوفاتی در اردستان دارد » (۲)

مدرسه نیم آورد تزیینات فراوان کاشیکاری و گچ بری دارد و آنچه بخصوص جالب توجه است آنستکه استادان هنرمندی که در این بنا کار کرده اند بوسیله گچ های رنگارنگ نوع مخصوصی معرق ترتیب داده اند که در ابنیه تاریخی دیگر نظیر ندارد. تولیت مدرسه نیماورد به (میرزا رشید) نامی از اهالی اردستان که او هم از علما و عرفای بزرگوار آن عصر بوده واگذار شده بوده است و اکنون هم تولیت در اعقاب میرزا رشید است ، علما و مراجع تقلید مهمی از بین طلاب مدرسه نیماورد بیرون آمده اند ازجمله مرحوم آقا سید محمد باقر درچه ای استاد مرحوم آیت الله بروجردی بوده است که تا آخر عمر هم در همین مدرسه میزیسته است مرحوم آیت الله بروجردی نیز ابتدا از زمره طلاب مدرسه نیم آورد بوده اند وبعداً بمدرسه صدر اصفهان نقل مکان نموده اند .

کتیبه اطراف سردر مدرسه نیم آورد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی شامل سوره (اخلاص) و آیه ۷۸ و ۷۹ از سوره (اسری) است وقسمت آخر کتیبه بعبارات ذیل ختم میشود :

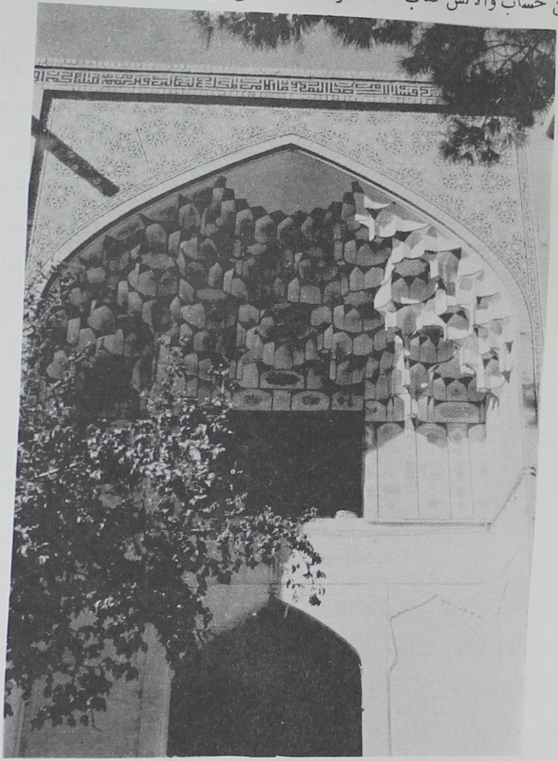
« و قال سبحانه حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی و قوموا لله قانتین وقال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم لو ان الغیاض اقلام والبحر مداد والارض قرطاس

---

(۱) مدرسه کاسه گران بفحوای کتیبه های تاریخی آن در آخرین سال سلطنت شاه سلیمان واولین سال سلطنت شاه سلطان حسین باتمام رسیده است (رجوع شود بصفحه ۶۵۲ این کتاب)

(۲) تاریخ اصفهان و ری تألیف شیخ جابری انصاری صفحه (۳۰۷)

والجن حساب والانس کتاب ما احصوا فضائل علی بن ابیطالب سنة ۱۳۴۹ » (۱)



نمونه مقرنسهای گچ بری و تزیینات کاشیکاری در مدرسه نیم آورد

(۱) بطوریکه مرحوم استاد حاجی کاشیکار که سالها در آثار باستانی اصفهان خدمت نموده نقل کرده است در نیم قرن اخیر هیچگاه سردر مدرسه نیم آورد را با کتیبه ندیده بوده است و کتیبه فعلی از کتیبه ای که با عبارات فوق الذکر در محراب جنوبی مدرسه جنوب شرقی

خطوط بنائی در سردر مدرسه نیم‌آورد شامل آیاتی از قرآن و بعضی احادیث است ، همچنین خطوط بنائی داخل مدرسه واطراف صحن وایوانها سوره ها وآیات قرآنی است و از آنجمله دراطراف صحن بخط بنائی معرق مشگی برزمینه‌آجری تمام سوره (واقعه) و(اخلاص) تزیینات خطی اطراف مدرسه را تشکیل داده است .

در زیر قطار های گچ بری مدخل مدرسه بخط نستعلیق مشگی اشعـار زیر گچ بری شده است :

احمد که شـه سریر لـولاك آمد	جانیست کز آلایش تن پاك آمد
یك حرف زمجموعه قدر وشرفش	لولاك لما خلقت الافـلاك آمد

و دنباله این اشعار در ایوان شرقی بشرح زیر است :

دریـای سپهر کآفتـابست کفش	نبود چوعلی گوهری اندرصدفش
خورشید گهی بدر شود گاه هلال	گرعکس دهـد بمـاه در نجفش

کتبه ابو الفتوح گلستانه

مسجد علیقلی آقا

در محله بیدآباد اصفهان مجموعه بناهائی مرکب از مسجد و حمام و بازار و سرای وچهارسو بنام (علیقلی آقا) واحد دیگری ازمجموعه بنا های نفیس تاریخی اصفهان را تشکیل میدهد. علیقلی آقا ازخواجگان حرم شاه سلیمان وشاه سلطانحسین بوده است و دردوره پادشاهی شاه سلطان حسین آثار فوق الذکر را ازخود بیادگار گذاشته است . نهر با با حسن که شعبه ای از مادی (فدین) است از میان مسجد و حمام و بازار علیقلی آقا میگذرد و بر صفا و طراوت این ناحیه افزوده است .

مسجد علیقلی آقا صحن نسبة کوچك و شبستان جالبی دارد و اطراف وجوانب

مسجد شاه موجود است طرح برداری شده ودرسال ۱۳۴۹ هجری قمری درسردر این مدرسه نصب شده است .

آن باکاشیهائی از نوع گره‌کاری آراسته شده است ، کتیبه سردر مسجد بخط ثلث قهوه ای رنگ برجسته بر سنگ مرمر بشرح زیر است :

« بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. لقد تصدی‌لاتمام‌هذاالمسجدالشریف واختتام هذاالمعبد المنیف فی زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم **الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی** بهادرخان خلدالله ملکه وافاض علی‌العالمین بره عالیجناب الموفق بالتوفیقات الربانیة و المؤید بالتأییدات السبحانیة محرم حریم الدولة السنیة العظمی ومقرب الحضرة العلیة الکبری **الحاج علیقلی آقا** وفقه الله تعالی **علی نقی الامامی سنة ۱۱۲۲ .** »

درداخل مقرنسهای سردر دوفرد شعر بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی‌لاجوردی و بقلم محمد صالح اصفهانی بشرح زیر نوشته شده است :

در زمـان دولت **سلطان حسین** آنکه ظـل حضرت ایـزد بـود
شد بنا این مسجد و تاریخ گشت **رحمت حق وقف این مسجد بود**
۱۱۲۲ محمد صالح

و بر روی جرز های عمودی و افقی طرفین و بالای سردر بخط بنائی با کاشی زرد رنگ بر زمینه فیروزه ای نوشته شده است :

« اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن‌الرحیم قل هوالله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد ولم یکن له کفواً احد . »

درمحراب کوچك‌کاشیکاری ایوان شرقی مسجد بخط کوفی سفید برزمینه معقلی عبارت (لااله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله) نوشته شده است .

کتیبه شبستان مسجد علیقلی آقا

کتیبه سردر شبستان مسجد علیقلی‌آقا که درضلع شرقی صحن آن بنا شده وبر هشت ستون سنگی استوار است بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشـی لاجوردی رنگ بشرح زیر است :

« هوالله تعالی شأنه العزیز »

یا علی ادر کنی

از علـو همت صـدر اجـــل	فخر دوران قطب ایمان بدر دین
چرخ فرقاضی **ابوالقاسم** که هست	شخص پـاکش پیشـوای متقین
یافت اتمام این شبستان کز شرف	بـایدش خـادم شـود روح الامین
یافت چون اتمام این عالی بنا	ما ند **یحیی** بهر تـاریخش غمین
قـال جبـریل الامین (اطهرون	وادخلـوهـا فی سـلام آمنین)

۱۲۹۷

ودر دو لوحه کوچك در طرف راست و چپ سردر نوشته شده است :

« کتبه عبدالجواد » « عمل محمد اسمعیل »

مدرسه شمس آباد

مدرسه شمس آباد از مدارس طلبه نشین دوره سلطنت شاه سلطان حسین است که درحاشیه خیابان شیخ بهائی درمحله شمس آباد واقع شده . این مدرسه که درمقایسه با سایرمدارس عهد صفویه فعلا وسعت زیادی ندارد بوسیله آمیرزا محمد مهدی تاجر عباس آبادی درسال ۱۱۲۵ هجری قمری بناشده است . تزیینات داخل مدرسه ازنوع کارهای آجری شبیه بدو بنای دیگر عهد صفویه (مسجد شیخعلیخان و کاروانسرای مهیار) میباشد . کتیبه سردر مـدرسه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بشـرح زیر است :

قد وفق باتمام هذه المدرسة المبارکة فی ایام سلطنة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم الافخم مروج مذهب الائمة المعصومین علیهم السلم **شاه سلطان حسین الموسوی الحسینی** خلـد الله ملکه و افاض علی العـالمین بره و احسانه عالیحضرت الاکـرم **آمیرزا محمد مهدی** ابن المرحوم میرزا محمدتقی التاجر العباسآبادی **کتبه عبدالرحیم**

۱۱۲۵

مدرسه سلطانی چهارباغ

مدرسه چهارباغ یا **مدرسه سلطانی** که آنرا مدرسه (مادرشاه) نیز نامیده اند مهمترین و زیباترین بنای شاهانه دوره سلطنت شاه سلطان حسین است . نهر فرشادی و چنارهای داخل مدرسه صحن این بنای تاریخی را روح افزا تر از بناهای دیگر دوره صفویه در اصفهان نموده است ، مدرسه چهارباغ انواع کاشیکاری عهد صفویه را در بر دارد و چون آخرین بنای باشکوه آندوره است آخرین تحولات صنعت کاشیکاری را میتوان در آن مطالعه نمود ، انواع کاشیکاری (معقلی) و(گره کاری) امتیاز مخصوصی باین بنای تاریخی داده است .

تاریخ بنای مدرسه چهارباغ

وقایع السنین والاعوام نام کتابی است در تاریخ بزبان فارسی تألیف سید عبدالحسین خاتون آبادی اصفهانی (۱۰۳۹ ـ ۱۱۰۵) از علمای بزرگ عهد شاه سلیمان که مشتمل است بر وقایع مهم بلاد اسلامی مخصوصاً تواریخ فوت بزرگان از سال اول هجرت تا سال ۱۱۹۳ که از ابتدا تا سال ۱۱۰۵ (سال فوت مؤلف) بقلم خود اوست و بقیه را اعقاب او بآن الحاق کرده اند . مهمترین قسمتهای این کتاب اجزاءِ آخر آن راجع بسلطنت سلاطین آخری صفویه است که مؤلف معاصر ایشان یا نسبت بآنان قریب العصر بوده و بهمین مناسبت اطلاعات گرانبهائی راجع باعیان و بزرگان آن ایام در این کتاب خود گرد آورده است .

کتاب (وقایع السنین والاعوام) راجع ببنای مدرسه چهارباغ حاوی مطالب مفیدی است که بوسیله فرزند مؤلف باصل کتاب افزوده شده است ازآنجمله درجزء وقایع سال ۱۱۱۶ چنین مینویسد :

« نواب اشرف (مقصود شاه سلطان حسین است) بناءِ مدرسهٔ نمود در چهارباغ

اصفهان در هزار و صد و شانزده و در هزار وصد وهژده مدرسه مشرف برتمام شدن شد و درذی الحجة الحرام آن سال تدریس مدرسه مزبوره را بحضرت علامة العلماء آمیرمحمد باقرا، سلمه الله تعالی تفویض نمود. » (۱)

« در ماه ربیع الاول سنه هزار ویکصد و بیست **نواب اشرف** خانهٔ بجهت حضرت علامة العلمائی استادی ابتیاع نمودند بمبلغ سیصد تومان و آنخانه در حوالی خانه قدیم ایشان بود و قیمت آنرا از خزانه عامره شفقت فرمودند و **مدرسه سلطانی** صد و پنجاه حجره دارد در کمال تکلف ساخته شده بسرکاری **آقا کمال** صاحبجمع خزانه عامره و در سلسله صفویه ادام الله دولتهم به تشرع و اخلاص پادشاه دین پناه **شاه سلطانحسین** بن شاه سلیمان بن شاه عباس بن شاه صفی بن سام میرزا (۲) بن شاه عباس الماضی بن شاه خدا بنده بن شاه طهماسب بن شاه اسمعیل الحسینی الموسوی نیامده و همه کارهای خود را موافق شرع شریف میکند ومسائل را جمعاً ازحضرت استادی علامة العلمائی آمیر محمد باقر ادام ظله السامی اخذ میکند و اعتقادکامل بحضرت استادی دارد و این هم از آثارتوفیق حضرت پادشاهست بجهت آنکه دراین زمان شرایط افتاء درغیرحضرت استادی مفقود است ودراکثر کارهای خود باحضرت علامی استادی مصلحت میکند وسلوك نواب اشرف باآن علامة العلمائی وسلوك آن استادی با نواب اشرف سلوك استاد است با شاگرد و شاگرد با استاد ادام الله دولته الی قیام القائم علیه السلام. (۳)

---

(۱) ظاهراً سال ۱۱۱۸ که مؤلف (ذیل وقایع السنین والاعوام) بآن اشاره کرده است سالی است که ساختمان آجری مدرسه مشرف برتمام شدن بوده واز این سال تا سال ۱۱۲۶ بطوریکه کتیبه های موجود مدرسه حکایت دارد بآرایش وپیرایش آن باکاشیهای زیبا پرداخته‌اند.

(۲) مؤلف (ذیل کتاب وقایع السنین) دراین نسب نامه‌اشتباه کرده است زیرا (سام‌میرزا) نام اصلی شاه صفی است که پس از جلوس بتخت سلطنت تغییر نام داده واسم پدر مقتول خود (صفی میرزا) را اختیار کرده است.

(۳) تاریخ (وقایع السنین والاعوام) نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی صفحه ۵۹۰ و ۵۹۱

تاریخ سکونت طلاب در مدرسه چهارباغ

نویسنده (ذیل وقایع السنین والاعوام) وقایع سال ۱۱۲۲ هجری را بشرح زیر آورده است :

«فوت **آقا هوشیار** ریش‌سفید حرم اصفهان درماه ربیع‌الاول وفوت **دده‌خاتون** (۱) در اوایل شهر مذکور و **مسکون شدن مدرسه جدیده سلطانی** که واقع است در جنب چهارباغ اصفهان در جمعه دهم شهر رجب المرجب سنه ۱۱۲۲ و در آن روز در مدرسه مذکوره حسب الامر پادشاه مجمعی منعقد شد از امراء و ارباب منصب و علماء اعلام و مدرسین و پیشنمازان و طلبه مدرسه و جمعی از طلبه و در آن روز مدرس مدرسه مذکوره اعنی زبدة العلماء المتبحرین علامة العلمائی مجتهد الزمانی المتفرد فی عصره فی الکمالات العلمی والعملی والخلقی والخلقی **آمیرمحمد باقرا**، سلمه‌الله خلف مرحوم مبرور ازهد اهل زمانه و اعلمهم میر محمد اسماعیل خواتون آبادی شروع بدرس نموده وتهذیب حدیث وشرح مختصر اصول وشرح لمعه را شروع فرمود و از آداب او تکلیف فرمود **آقا جمال** (۲) را که شروع نماید و او شروع نمود و تا این زمان در دولت صفویه چنین مجمعی منعقد نشده بود و **محمود آقای ناظر بیوتات** و محمد سلیم خان ایشیك آقاسی باشی و عمله مجلس پادشاهی در خدمت بودند و هیچیك ننشستند ودرآنروز دویست خوان ازتنقلات ودویست خوان ماحضر ودویست غاب طعام از سرکار پادشاه صرف شد در مدرسه ، و اعتماد الدوله شاهقلی خان

---

(۱) از جمله آثاری که در دوره صفویه بنا شده و تا اواخر عهد قاجاریه برقرار بوده مجموعه بناهائی‌است که بنام **هفت مدرسه** شهرت داشته وامروزهم اراضی بایرآنها درمجاورت چرخاب و چهارسوی نقاشی بنام زمینهای هفت مدرسه معروف است ، **مدرسه دده خاتون** یکی از هفت مدرسه مزبور بوده و اسامی سه مدرسه دیگر نیز بنام : **اسفندیار بیك** و **زینب بیگم** و **پریخان خانم** ضبط شده است .

(۲) آقا جمال از علمای بزرگ عصر صفویه و فرزند آقا حسین خونساری است که در حکمت وکلام و اصول و فقه عالم بوده و با آخوند ملا محمد باقرمجلسی معاصر بوده است وفات وی درسال ۱۱۲۵ هجری اتفاق افتاده وجنب آرامگاه پدرش آقاحسین مدفون شده‌است.

زنگنه (۱) بعلة ازار نیامد و پنجاه خوان شیرینی فرستاد وپنجاه خوان شیرینی نیز دونفر دیگر فرستاده بودند . » (۲)

دانشمند فقید مرحوم عباس اقبال در مجله یادگار بنقل از نسخه علامه فاضل آقای آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی امرا ورجال وعلمائی را که در روزافتتاح مدرسه چهارباغ حضور داشته اند بشرح زیر نام برده است :

« .... و حضار آن مجلس ازفضلاء آقاجمال و آمیرمحمد صالح شیخ الاسلام و ملا بهاء الدین مشهور به فاضل هندی و ملا محمد جعفر و ملا محمد هادی اولاد ملامحمد باقرخراسانی علیه الرحمه وملامحمد رضا ولد ملامحمد باقر شیخ الاسلام و ملامحمد حسین ولد شاه محمد تبریزی وشیخ زین الدین صاحب شرح لمعه وسایر اهل فضل و از نجبا و سادات میرزا باقر صدر خاصه و سادات سلسله خلیفه سلطان مرعشی ومیرزا سید محمد قاضی نواده میرزا مهدی اعتماد الدوله ومیرزا داود متولی مشهد مقدس و از امراء محمد سلیم خان ایشیك آقاسی باشی دیوان و محمد زمان خان قورچی باشی و موسی خان تفنگچی آقاسی و شاهوردی خان توپچی باشی و میرزا ربیع مستوفی خاصه و سایر ارباب مناصب و شاهقلی خان اعتماد الدوله چون صاحب فراش بود بعذرخواهی پنجاه خوان نقل فرستاده خود نیامد . (۳)

کتیبه سردر مدرسه چهارباغ

کتیبه سردرمدرسه سلطانی مشرف بخیابان چهارباغ بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم عبدالرحیم جزایری ومورخ بسال ۱۱۲۲ هجری بشرح زیر است :

---

(۱) شاهقلی خان زنگنه فرزند شیخعلیخان زنگنه که اعتماد الدوله و صدر اعظم بوده یکسال پس ازخاتمه بنای تاریخی مدرسه چهارباغ در سال ۱۱۲۷ هجری وفات کرده است.

(۲) نقل ازوقایع السنین والاعوام (نسخه خطی کتابخانه مجلس‌شورای ملی) صفحه ۶۰۵

(۳) مجله یادگار سال سوم شماره سوم صفحه ۵۷

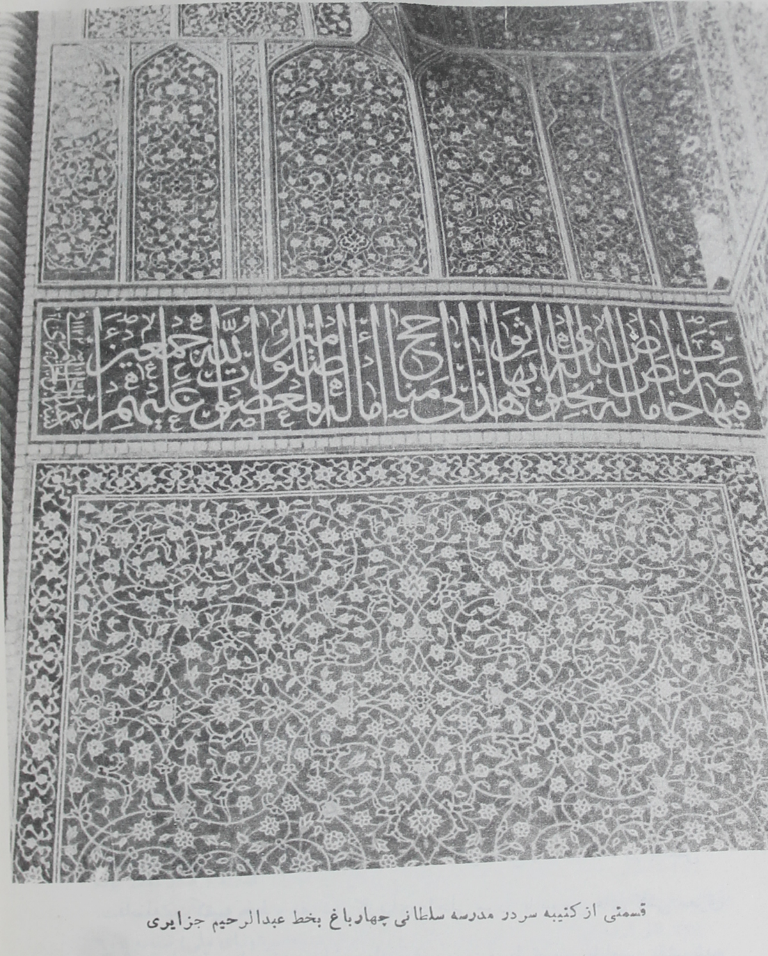
« بسم الله الرحمن الرحیم امر ببناءِ هذه المدرسة الرفیعة سید سلاطین الافاق وارث الملك بالاستحقاق قمامة اعتاب اجداده الاطیاب تراب باب ابیه ابی تراب السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان ابوالمظفر **شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان** لازالت جباه الجبابرة معفرة بتراب بابه وشفاه القیاصرة مشرفة من تلثیم اعلی جنابه و لما صرف فیها خالص ماله بخلوص باله اهدی ثوابها الی مناجح آماله المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین **کتبه عبدالرحیم الجزایری فی ۱۱۲۲** »

سردر اصلی مدرسه چهارباغ میان دو جرز بلند که پهنای هریك چهار متراست قرارگرفته . روی این جرز ها در زمان ساختمان بنا باکاشی هـای معرق برزمینه لاجوردی تـزیین شده بوده ولی در حدود سال ۱۳۰۷ شمسی که بفکر تعمیر آنها افتاده اند چون معرق سازی معمول نبوده باقیمانده کاشیهای قدیمی را برداشته و بجای آنها نوعی ازکاشی معروف به (گره) نصب کرده اند ، دراین قسمت فقط دو پشت بغل‌کاشی فیروزه ای ازتزیینات قدیم باقی‌مانده است . برجرزهای طرفین سردر مدرسه چهارباغ اشعار زیردرهشت لوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده است :

احمد که شه سریر لولاك آمد — جانیست کزآلایش تن پاك آمد
یك حرف زمجموعه عز و شرفش — لولاك لما خلقت الافلاك آمد

دریـای سپهر کآفتـابست کفش — نبود چوعلی گوهری اندرصدفش
خورشید گهی بدر شود گـاه هلال — گرعکس دهد بمـاه در نجفش

فاصله بین کتیبه خط و مقرنس کاریهای داخلی سردر با سوسن های کاشی معرق و نقوش زیبا زینت داده شده و از جمله روی سوسن وسط تصویر طاوسی نقش شده



قسمتی از کتیبه سردر مدرسه سلطانی چهارباغ بخط عبدالرحیم جزایری

که بالای آن عبارت : (انا مدینة العلم و علی بابها) بخط خوش نستعلیق نوشته شده است .

قطار بندی ها ومقرنس کاریها وشمسه های داخل سردر نیز با بهترین وظریفترین کاشیهای معرق زمینه لاجوردی ترتیب داده شده و دو بیت زیر در چهار لوحه بخط خوش نستعلیق معرق سفید برزمینه مشگی در زیر طاسها نوشته شده است :

دانی زچه این چرخ کهن میگردد — نه بهر تو و نه بهر من میگردد
در گردش او چون علی آمد بوجود — میبالد و گرد خویشتن میگردد

کتیبه های در نقره پوش وطلاکاری مدرسه چهارباغ

در اصلی مدرسه که با نقره و طلا تزیین شده و از لحاظ زرگری و قلمزنی از نمونه های ممتاز این صنعت است دارای الواح و کتیبه هائی است و ازآنجمله بردو لنگه راست و چپ در بخط نستعلیق برجسته نوشته شده است :

بسم الله الرحمن الرحیم — قال النبی صلی الله علیه و آله
انا فتحنا لك فتحاً مبینا — انا مدینة العلم و علی بابها

اشعار منقور بر در نفیس مدرسه چهارباغ بخط محمد صالح اصفهانی

بر در نفیس مدرسه چهارباغ بخط نستعلیق برجسته اشعارزیر درالواح جداگانه منقور است :

خدیو کشور دین کلب آستان علی — گل محمدی گلشن مدینه علم
ابو المظفر سلطان حسین شاه کزو — شکست خاره جهل است زآبگینه علم
شهی که طینت صافش برنگ درنجف — نسب رسانده بخاك در مدینه علم
بناخدایی آن سایهٔ خدا باشد — زموج خیز خطر درامان سفینه علم
نبی مدینه علم و علی بود در او — شه است بنده خاص در مدینه علم
عیان محبت آن قبله گاه در دلها — برنگ نور زمشکوة آبگینه علم

بباد بـانی لطف و سحاب مرحمتش — بـروی آب گـهر میرود سفینـه علم
بحفظ ملکت دین ز فیض یزدان ساخت — بـرای لشگر ملك دعا خزینه علم

و بر لنگه چپ در اشعار زیر منقور است :

بنـای مـدرسهٔ کرد همتش که شوند — در آن قرینه هم اهل بـی قرینه علم
نجات از خطر آب داد کشتی نوح — رهاند از ضرر آتش این سفینه علم
دوعادل است پی خرق والتیام سپهر — بگاه بست و گشاد این در مدینه علم
اگر دومصرع موزون بوددرش چه عجب — که شاه بیت بلندیست از سفینه علم
بود قرینه شق القمر بـــالا تشبیه — چو وا شود در این شهر بیقرینه علم
خجستهٔ که بسر کاریش موفق گشت — **کمال** سعی نمود این که شد کمینه علم
بسان کوکب رخشنده خادمش هرشام — چـراغ فضل فروزد در آبگینه علم
نگاشت کلك **بدیع** از برای تاریخش — **گشاد حق بصفاهان در مـدینه علم**

و در بین دو شعر آخر نام کاتب اشعار فوق الذکر بشرح زیر منقور است :

« کاتب الحروف محمد صالح غفر ذنوبه »

الواح بالای در ورودی مدرسه

روی دماغه لنگه چپ در بر لوحه ای از نقره که قسمتی از آن از میان رفته عبارات ذیل خوانده میشود :

« حسب الامر اعلی ۰۰۰۰۰۰ بسرکاری مقرب الخاقان ۰۰۰۰ زرگری و نقاشی و مطلا و منبت و منیله و قابسازی ۰۰۰۰۰۰ عبداللطیف التبریزی . » (۱)

---

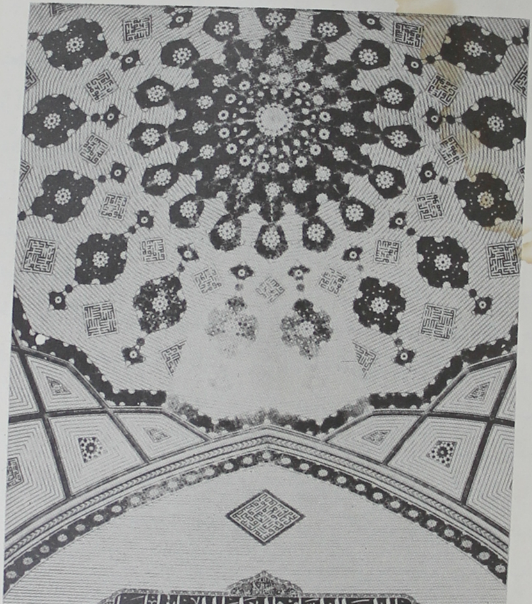
(۱) مؤلف « ذیل وقایع السنین والاعوام » ضمن وقایع سال ۱۱۲۶ هجری راجع بمخارج در مدرسه سلطانی چنین نوشته است :

« دراواخرشهرربیع الاول نصب نمودند دری را که از نقره بجهت **مدرسه مبارکه سلطانی** ساخته بودند که تقریباً بیست من شاهی نقره برده بود و تخمیناً قریب بهشتصد تومان صرف در کرده بودند و چراغانی کردند . »

(نقل از مجله یادگار ، سال سوم شماره سوم صفحه ۵۸)

در سرسرای مدرسه و در قسمت بالای در بر لوحه بزرگی بشکل مستطیل بخط ثلث سفید برزمینه کاشیهای خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله انا مدینة العلم و علی بابها . »



تزیینات کاشیکاری معرق و نمونه خط ثلث علی‌نقی امامی درمدخل مدرسه چهارباغ

در چهار طرف این لوحه بزرگ و در وسط هر ضلع در قسمتهای مثلث شکل کلمات و جملات : الله - یا مفتح الابواب - محمد - علی - نصر من الله و فتح قریب نوشته شده و در مثلث پائین نام کاتب و تاریخ آن بشرح زیر آمده است :

« علی نقی الامامی ۱۱۱۹ »

اشعار اطراف سرسرای مدخل مدرسه چهارباغ بخط محمد صالح اصفهانی

در اطراف سرسرای مدرسه چهارباغ بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بقلم محمد صالح اصفهانی و مورخ بسال ۱۱۱۹ هجری اشعاری که هر مصراع آن درلوحه ای جداگانه است بشرح زیر نوشته شده :

شاه پیغمبر خصال و نقد شیر ذوالجلال — آفتاب اوج دولت ظل رب المشرقین
شعله کافر گداز و رشحه مؤمن نواز — سرورانراسر فراز وسلطنت را زیب وزین
وارث تخت سلیمان خسرو گیتی ستان — **پادشاه شیعیان جان جهان سلطان حسین**
آنکه از تیغ کجش شد راست کارعالمی — آنکه ازخلق و کرم بگرفت حدمشرقین
شد مقرر تا غلام و خازنش آقا کمال — کز کمال عقل ودانش عقل ودانش راست عین
سازد این عالی بنا را پایه از اقبال شاه — کز علو شان گذارد پا بفرق فرقدین
ساخت عالی مسجدی بامدرسی ازلطف حق — زآن سبب شد بهره یاب آرزوی نشأتین
هرستونش زاعتقاد راست همدوش فلک — از دو سو گلدستها دست دعا را ساعدین
یافت چون اتمام حسب الامراعلی این بنا — گفت رضوانش بحسرت این جنةانت این
فکرافهم خواست تاریخی که باشد ازشرف — قابل عرض جناب کامیـــــاب نشأتین
از پی اتمام این عالی بنا از شوق گفت — **مدرس کلب علی وشاه دین سلطان حسین**

۱۱۱۹

بین مصراع یازدهم و دوازدهم اشعار فوق الذکر نام خطاط آن محمد صالح اصفهانی بشرح زیر آمده است : « **کتبه محمد صالح** »

اشعار منقوش بر دست انداز های چوبی غرفه های فوقانی مدخل مدرسه چهارباغ

فوقانی ترین کتیبه مدخل مدرسه چهارباغ شامل اشعاری است از شاعری بنام (ازهری) که بخط خوش نستعلیق سفید برزمینه مشگی بر دست انداز های چوبی ظریف غرفه های ششگانه اطراف سرسرای مدرسه بخط محمد صالح اصفهانی ومورخ بسال ۱۱۱۹ هجری بشرح زیر نوشته شده است :

بعهد دولت **سلطان حسین شاه** جوان — که از عدالت او گشت ملك دین آباد

شهنشهی که زمعماری عنـــایت او — بنای دولت ودین محکمست چون فولاد

خدایگـان سلاطین دهر کز سرصدق — کمینه بنده درگـاه او جم است و قباد

زبس بنـــای مساجد بعهد او پابست — مصالحی نشود صرف جز صلاح و سداد

بچار باغ صفاهان برنگ هشت بهشت — بنـای مدرسهٔ کـرد همچو سبع شداد

زهی بنای فلك رفعت مبـــارك پی — که دل ز دیدن او شد زبند غم آزاد

چگونه وصف کنم آب نهر صحنش را — که سلسبیل روانی ازو گـرفت ارشاد

عجب نباشد اگر صبح تا بشام رسد — زلوح شمسه او روشن آفتـــاب سواد

نگـــارخانه چین است طرح کاشی‌او — که نقش کرده بدیوارخـــانه بهزاد

بسنگ کاری صحن وازاره‌اش شده فرش — هـــزار صنعت شیرین زتیشه فرهاد

کشیده اند زگلدسته اش بگلشن دین — مؤذنـان همه گلبـانگ الصلوة عماد

معلمی که در آنجـا مـدرس است بود — کتـابخانه یونـــان علم را استاد

زصدق بود چو **آقاکمال** سـر کارش — شدست منزل اهل کمال و استعداد

نمود چونکه بـاتمام این مقام رفیع — بفـــکر مصرع تاریخ هر کسی افتاد

قلم گرفت و نوشت **ازهری** بتاریخش — **بنام مدرسه شه شد از کمال آباد**

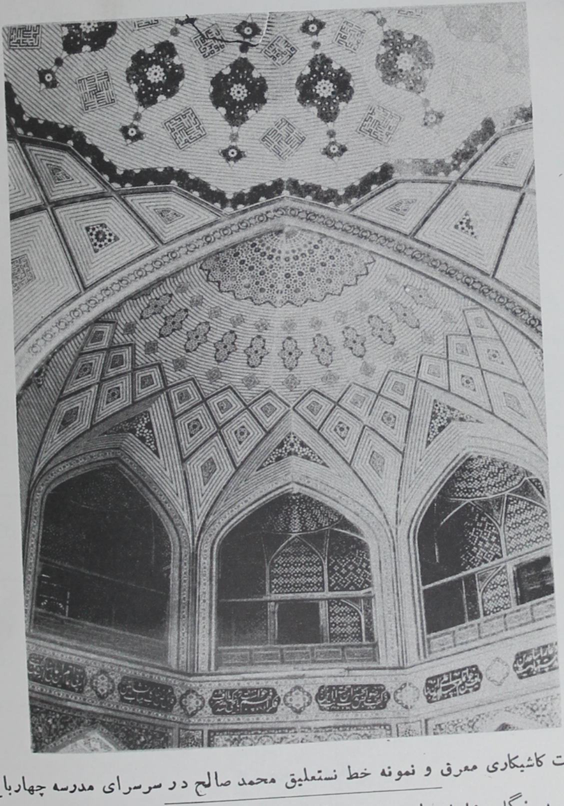
۱۱۱۹

کتبه محمد صالح

کتیبه سنگاب مدرسه چهارباغ

در وسط سرسرای مدرسه سنگ آبی است که در اطراف آن عباراتی بقلم یکی

از طلاب بنام (محمد مهدی الحسینی) نوشته شده و حجاری آن در ماه شعبان سال ۱۱۱۰ هجری بوسیله (محمد طاهر) باتمام رسیده است .



تزیینات کاشیکاری معرق و نمونه خط نستعلیق محمد صالح در سرسرای مدرسه چهارباغ

کتیبه سنگاب شامل صلوات برچهارده معصوم است که طی الواح کوچکی برسنگاب مزبور حجاری شده ودروسط دولوح آخر کتیبه نام خطاط آن بخط نستعلیق برجسته

بشرح زیر آمده است :

« کتبه اقل الطلبة محمد مهدی الحسینی عفی عنه »

« درشهر شعبان المعظم سنه ۱۱۱۰ باتمام رسید عمل کمترین محمد طاهر . »

کتیبه سنگاب صحن مدرسه چهارباغ

در مقابل ایوان بزرگ جنوبی مدرسه ودر حاشیه باغچه گل سنگاب دیگری از سنگ پارسی قرار دارد که تاریخ تحریر آن ۱۰۹۰ هجری و مدتی قبل از شروع ساختمان مدرسه چهارباغ است و معلوم میشود از جای دیگری باین مدرسه انتقال داده شده ، کتیبه این سنگاب بشرح زیر است :

« وقف حضرت امام حسین صلوات الله وسلامه علیه نمود این سنگ آبرا حاجی ابوالحسن اردکانی فی شهر شوال المکرم **سنة تسعین والف** . »

کتیبه فوقانی داخل گنبد مدرسه چهارباغ بخط عبدالرحیم جزایری

کتیبه فوقانی داخل گنبد مدرسه چهارباغ بخط عبدالرحیم جزایری و مورخ بسال ۱۱۲۳ هجری بشرح زیر است :

« قال ابن المغازلی باسناده عن انس قال لما کان یوم المباهلة آخی النبی صلی‌الله علیه وآله بین المهاجرین والانصار و علی واقف یراه و یعرف مکانه و لم یؤاخ بینه و بین احد فانصرف علی باکی العین فافتقده النبی فقال ما فعل ابوالحسن قالوا انصرف باکی العین قال یا بلال اذهب فأتنی به فمضی بلال الی علی علیه السلم وقد دخل منزله باکی العین فقالت فاطمة مایبکیك لاابکی الله عینيك قال یا فاطمة آخی النبی صلی الله علیه وآله بین المهاجرین والانصار و انا واقف یرانی و یعرف مکانی لم یؤاخ بینی وبین احد قالت لایحزنك الله لعله انما ذخرك لنفسه فقال بلال یاعلی اجب النبی فاتی علی النبی فقال النبی مایبکیك یااباالحسن فقال آخیت بین المهاجرین والانصار یا رسول الله و انا واقف ترانی و تعرف مکانی و لم تؤاخ بینی و بین احد

قال انما ذخرتك لنفسی الا یسرك ان تكون اخا نبیك قال بلی یا رسول الله انی لی بذلك فاخذ بیده فارقاه المنبرفقال اللهم هذا منی وانا منه الا انه بمنزلة هرون من موسی الا من کنت مولاه فهذا علی مولاه قال فقام علی قریرالعین فاتبعه عمر فقال بخ بخ یا اباالحسن اصبحت مولای ومولی کل مسلم **کتبه الفقیرعبدالرحیم فی ۱۱۲۳** »

کتیبه های افقی داخل گنبد مورخ بسال ۱۱۳۶

بالای گوشواره شمال غربی محوطه زیر گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی نوشته شده است :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله زینوا مجالسکم بذکر علی بن ابی طالب لواجتمع الناس علی حب علی بن ابی طالب علیه السلم لما خلق الله النار . »

بالای گوشواره جنوب غربی زیر گنبد نوشته شده است :

« و قال ایضاً انی ذاهب وتارك فیکم الثقلین ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا بعدی کتاب الله و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض. »

کتیبه بالای گوشواره جنوب شرقی محوطه زیر گنبد بشرح زیر است :

« و قال ایضاً یا علی انت منی بمنزلة هرون من موسی الا انه لانبی بعدی وقال ایضاً مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق . »

و در بالای گوشواره شمال شرقی چنین نوشته شده است :

« و قال ایضاً حب علی بن ابی طالب علیه السلم حسنة لایضر معها سیئة و بغضه سیئة لاینفع معها عبادة و قال ایضاً علی خیرالبشر فمن ابی فقد کفر **فی ۱۱۳۶** .»

کتیبه های افقی ایوانهای داخل گنبد بخط عبدالرحیم جزایری ومورخ بسال ۱۱۲۱

کتیبه ایوان غربی

« روی ابن المغازلی والدیلمی عن سلمان قال سمعت حبیبی رسول الله صلی الله علیه و آله یقول کنت انا وعلی نوراً بین یدی الله عز وجل قبل ان یخلق الله آدم باربعة

عشر الف عام فلما خلق الله آدم قسم ذلك النور جزأين فجزء انا وجزء علی ففی النبوة و فی علی الخلافة . فی کتاب جامع الاصول روی الترمدی عن ام سلمه قـالت قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لایحب علیاً منافق ولا یبغضه مؤمن .

کتبه عبدالرحیم الجزایری . »

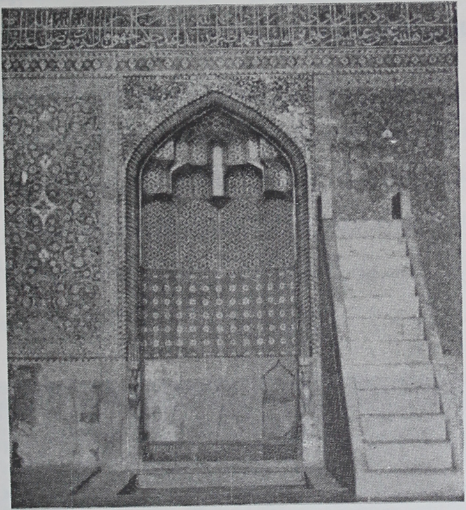
کتیبه قسمت فوقانی محراب و منبر مدرسه چهارباغ

« رواه البیهقی فی کتابه الذی صنفه فی فضایل الصحابة یرفعه بسنده الی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم من اراد ان ینظر الی نوح فی تقواه و الی ابراهیم فی حلمه و الی موسی فی هیبته والی عیسی فی عبادته فلینظر الی علی. وروی ابوالقاسم سلیمان ابن احمد الطبرانی رحمه الله بسنده الی عبدالله بن حکیم الجهنی ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال انتهیت لیلة الاسراء الی سدرة المنتهی فاوحی الی فی علی انه امام المتقین



سنگاب نفیس مدرسه سلطانی چهارباغ

وقائد الغر المحجلين الی جنات نعیم (۱) وقال لویعلم الناس متی سمی علی امیرالمؤمنین ما انکر فضله کتبه عبدالرحیم الجزایری ۱۱۳۱ »



محراب و منبر نفیس مدرسه چهارباغ

کتیبه ایوان شرقی

« اخرج احمد فی مسنده ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال انی اوشك ان ادعی فاجیب و انی تارك فیکم الثقلین کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی و ان اللطیف اخبرنی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض

(۱) در این کتیبه از جمله (حکیم الجهنی) ببعد تا کلمه (قال) از جمله (وقال لو یعلم الناس متی سمی علی امیرالمؤمنین) تعمیر شده و در این تعمیرچند کلمه نیز اضافه شده شده که با عبارات ماقبل و ما بعد آنها ارتباطی پیدا نمیکنند .

فانظروا بم تخلفونی فیهما . روت عایشة سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول علی مع الحق والحق مع علی لن یفترقا حتی یـردا علی الحوض صدق النبی علیه السلم کتبه عبدالرحیم الجزایری . »

کتیبه داخل ایوان جنوبی صحن مدرسه چهارباغ

کتیبه ایوان واقع درجنوب صحن مدرسه چهارباغ ومدخل گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی و بقلم عبدالرحیم جزایری بشرح زیر است :

« روی الترمذی عن زید بن ارقم قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله. عن ابن عباس رضی الله تعالی (۱) قال لما نزل قوله تعالی انما انت منذر و لکل قوم هاد قال صلی الله علیه و آله انا المنذر و علی الهادی و بك یاعلی یهتدی المهتدون . فی صحیح البخاری قال قال رسول الله صلی الله علیه و آلـه و سلم لعلی علیه السلم اما ترضی ان تکون منی بمنزلة هرون من موسی . کتبه عبدالرحیم . »

کتیبه های عمودی داخل گنبد مدرسه چهارباغ بخط عبدالرحیم جزایری

بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم صل وسلم علی النبی الامی العربی الهاشمی القرشی المکی المدنی الابطحی التهامی فخرالعالمین و حجة الله علی الخلق اجمعین ورحمة الله علی اهل السموات والارضین خیرالبشر وشفیع یوم المحشر السید البهی والسراج المضی والکوکب الدری صاحب الوقار والسکینة المدفون بارض المدینة الخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل سیدالانام ومبین الحلال والحرام العبد المؤید والرسول المسدد المحمود الاحمد الامجد الکریم قایل قول ماعرفناك والمخاطب بخطاب لولاك لما خلقت الافلاك ذی المعجزات والبینات مظهر البراهین والایات اشرف الاولین والاخرین الذی کان نبیاً و آدم بین الماء (۲) والطین وانزل فی شأنه الاعلی سبحان الذی اسری

---

(۱) کلمه (عنه) درکتیبه اسقاط شده است.

(۲) کلمه (الماء) در حین تعمیر کتیبه اسقاط شده است .

بعبده ليلا ودنى فتدلى فكان قاب قوسين او ادنى سبح فى كفه الحصى و نبع من اصابعه الماء و جرى المختص بتكريم من يطع الرسول فقد اطاع الله والمعزز بتشريف وانه لذكر لك و لقومك و انذر عشيرتك الاقربين فاتبعونى يحببكم الله صفوة المرسلين و حبيب اله العالمين **ابى القاسم محمد المصطفى خاتم النبيين** .

اللهم صل و سلم على السيد المطهر والامام المظفر والشجاع الغضنفر ابى شبير و شبر قاسم طوبى و سقر صاحب احد و خيبر حامل لواء الحمد و ساقى الكوثر الذى من تولاه فاز و امن من كل خطر ومن عاداه فقد خاب و خسر وفى امه نظر الانزع البطين الاشرف المكين العالم المبين الاشجع المتين والناصر المعين ولى الدين الوالى الولى المخلص الصفى الحاكم بالنص الجلى المدفون بالغرى السيد الرضى اخ الرسول و زوج البتول و سيف الله المسلول حجة الرحمن مفتح الجنان اب الائمة المعصومين خليفة حبيب رب العالمين ليث بنى غالب و غالب كل غالب مطلوب كل طالب مفرق الكتايب والشهاب الثاقب والهژبر السالب امام المشارق والمغارب مظهر العجايب و مظهر الغرايب مولانا ومولى الثقلين سيد الوصيين و امام المتقين ويعسوب الدين و قائد الغرالمحجلين **اميرالمؤمنين ابى الحسن على بن ابى طالب** .

اللهم صل و سلم على السيدة الجليلة الصديقة النبيلة المحدثة العليمة الكريمة الشهيدة المعصومة المكروبة المضطهدة المظلومة ذات الاحزان الطويلة فى المدة القليلة المغصوبة جهراً المدفونة سراً ام الائمة النجباء النقباء المزوجة فى السماء و شهودها الملاء الاعلى ونثارها الدرر واليواقيت التى حملتها شجرة طوبى بنت سيدالمرسلين وحليلة خيرالوصيين المطهر (كذا) من الارجاس المنزهة من الادناس العطية السنية النبوية الموهبة البهية الاحمدية البتول العذراء الانسية الحوراء **سيدة النساء فاطمة الزهراء**

اللهم صل وسلم على السيد المجتبى والامام المرتجى سبط المصطفى وابن المرتضى

علم الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا بضعة الرسول قرة عین البتول العالم الرفیع ذی الحسب المنیع الشفیع ابن الشفیع المقتول بالسم النقیع المدفون بارض البقیع معز المؤمنین وسید شباب اهل الجنة اجمعین فلذة (۱) کبد سیدة نساء العالمین الحبر المعصوم والامام المظلوم الکریم السخی الحلیم السنی الکوکب الدری والنور البهی العالم بالفرایض والسنن صاحب الجود والمنن **ابی محمد الحسن** .

اللهم صل وسلم علی السید الزاهد والامام العابد زین المنابر والمساجد ولی الملک الماجد قتیل الکافر الجاحد الذی عوضه الله تعالی عن شهادته استجابة الدعاء تحت قبته وجعل الشفاء فی تربته والائمة من ذریته صاحب المحنة والکرب والبلاء المدفون بارض کربلا خامس اصحاب العباء و ثانی السبطین و بضعة رسول الثقلین مولانا و مولی الکونین **سید الشهداء ابی عبدالله الحسین** .

اللهم صل و سلم علی اب الائمة و سراج الامة و کاشف الغمة و محیی السنة وسنی الهمة رفیع الرتبة انیس الکربة و صاحب الندبة المدفون بارض طیبة حجة الخالق و شفیع الخلایق خازن الکتاب المسطور و وارث التوریة والانجیل والزبور سید الساجدین واسوة الصالحین امام الزاهدین وزین العابدین صاحب المفاخر والمناقب سلیل اسدالله الغالب قرة عین رسول الثقلین وامام الکونین **ابی محمد علی بن الحسین**

اللهم صل و سلم علی قمر الاقمار و نورالانوار و سید الابرار و قاید الاخیار السید الوجیه والامام النبیه المدفون عند ابیه حجة الله علی الخلق اجمعین رحمة الله علی اهل السموات والارضین سلالة سیدالنبیین قرة عین خیرالوصیین الممتاز بسلام جده علی لسان جابر والناشبة بین خلفاء بسید الاوائل والاواخر مخزن اسرارالله

---

(۱) کلمه (فلذه) در کتیبه با حرف (ز) نوشته شده است .

معدن علم الله الطهر الطاهر والبدر الباهر والنجم الزاهر والبحر الزاخر والدر الفاخر امام الكونين و مقتدى الثقلين **ابى جعفر محمد بن على الباقر** .

اللهم صل وسلم على الصادق الصديق العالم الوثيق الحليم الشفيق خليفة خير الانبياء وصى سيد الاوصياء المظهر البراهين ومبين الايات الحجج والبينات منبع العلوم المكنونة خازن الاسرار المكتوبة بضعة رسول الثقلين قرة عين نبى الخافقين حجة الخالق هادى الخلايق صاحب الشرف الرفيع والحسب المنيع والفضل الجميع المدفون بارض البقيع المهذب المؤيد والامام الممجد قدوة الانام والحبر الهمام محقق الحقايق و مظهر الدقايق **ابى عبدالله جعفر بن محمد الصادق** .

اللهم صل و سلم على السيد الكريم والامام الحليم سمى الكليم والصابر الكظيم قايد الجيش المدفون بمقابر قريش مخزن اسرار علوم الابد وحجة الله الواحد الاحد الصمد هادى الانام ومبين احكام الحلال والحرام المظلوم المسجون والغريب المغموم المحزون صاحب الشرف الانور والجبين الازهر مولى الثقلين ومقتدى الكونين قرة عين خير الخلق اجمعين **موسى بن جعفر الكاظم** .

اللهم صل و سلم على السيد المعصوم والامام المظلوم والشهيد المسموم والغريب المغموم وارث علوم انبياء المرسلين و سليل خير النبيين و سيد الوصيين بدر النجوم و شمس الشموس انيس النفوس المدفون بارض طوس عالم اسرار التنزيل والتأويل كاشف رموز التورية والزبور والانجيل حجة الله على البرايا رحمة الله على اهل الارض والسماء الراضى المرتضى المجتبى المرتجى **ابى الحسن على بن موسى الرضا** .

اللهم صل و سلم على السيد العالم العامل الفاضل الكامل الباذل العادل الاجود الجواد العارف باسرار المبداء والمعاد و لكل قوم هاد مناص من لامناص له يوم

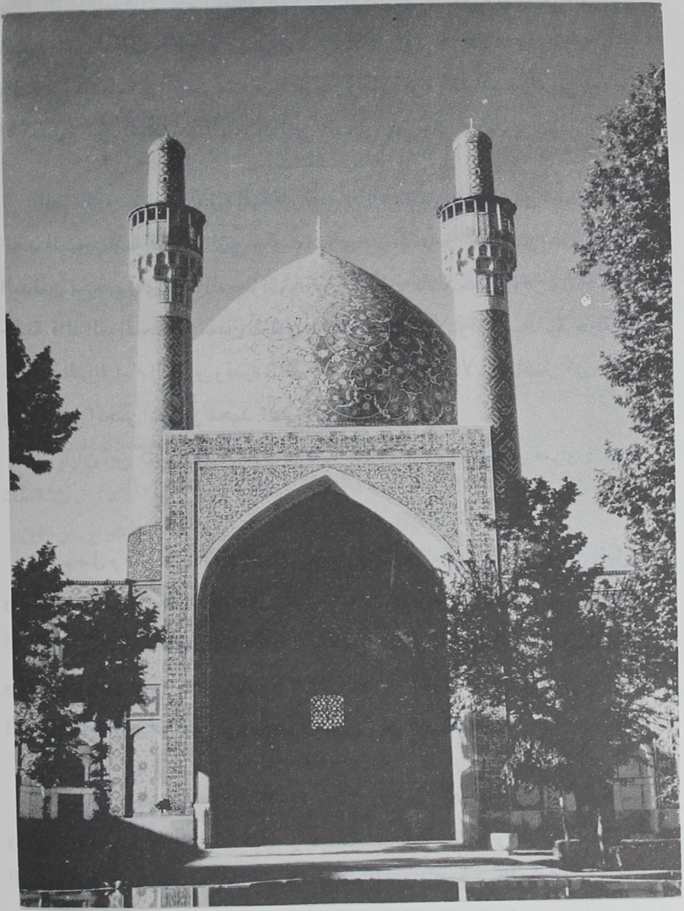
ينادى المناد المدفون بارض بغداد حجة الله على البريـات شفيع الامة فى العرصات المعصوم من الذنوب والخطايا منبع الهمم والعطايا قدوة اهل الهـدى و ذوى التقى والمختص بالامامة فى الصبى مقتدى الكونين وللنبى قرة عين السيد العربى والامام الاحمدى والنور المحمدى الملقب بالتقى المكنى بابى جعفر محمد بن على .

اللهم صل و سلم على الامام الهمام و فخر الانام مقتدى الخواص والعوام السيد السند الممجد المؤيد كهف التقى و غيث الورى بدر الـدجى طود النهى علم الهـدى المدفون بسرمن رأى مظهر المعجزات و مبين الايـات سلالة سيد الاولين والاخـرين خليفة قائد الغر المحجلين معدن العلوم الربانية مخزن الاسرار السبحانية حجة الله على كافة البرية امام الكونين وقدوة الثقلين صاحب المفاخر والايادى افضل كل حاضر و بادى **ابى الحسن على بن محمد التقى الهادى** .

در پايان اين كتيبه يكى از سالهاى تعمير مدرسه (١٣٥٣ هجرى قمرى) نوشته شده است .

اللهم صل و سلم على الامام الهمام الفاضل والسيد العالم الكامل المعصوم المؤيد والمحدث المسدد حجة الله الناطق و لسانه الصادق و برهانه القاطع و نوره الساطع اللامع حامل امانات النبوة كافل هداية الامة قدوة الابرار والاخيار امين الله فى البرارى والبحار منبع العلوم و مجمع الانوار كاشف المحن والبلوى المدفون بسر من رأى الامام الولى خازن سر النبى **ابى محمد الحسن بن على العسكرى** .

اللهم صل و سلم على صاحب الدعوة النبوية والصولة الحيدرية والعصمة الفاطمية والحلم الحسنية والشجاعة الحسينية والعبـادة السجادية والمآثر الباقرية والاثـار الجعفرية والعلوم الكاظمية والحجج الرضوية والجود التقويـة والسخاوة النقـوية والهيبة العسكرية الامام المنتظر صاحب العصر والزمان سمى حبيب الرحمن صلوات الله



منظره ایوان اصلی و گنبد و مناره های مدرسه چهارباغ

وسلامه علیهم اجمعین ولعنةالله علی اعدائهم الی یوم الدین کتبه عبدالرحیم فی ١١٠٤ (١)

الواح وکتیبه های نمای خارجی ایوان جنوبی صحن مدرسه چهارباغ

تزیینات نمای خارجی ایوان جنوبی صحن مدرسه چهارباغ در زیر مناره های طرفین ایوان شامل یك کتیبه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ در وسط و دو ردیف الواح بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی در طرفین آنست . کتیبه این ایوان بقلم عبدالرحیم جزایری بشرح زیر است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله وسلم لعلی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه‌السلم یا علی نوم العالم افضل من عبادة العابد یا علی رکعتین یصلیها العالم افضل من الف رکعة یصلیها العابد وروی حفص بن غیاث انه قال قال ابوعبدالله علیه‌السلم من تعلم العلم وعمل به وعلم‌لله دعی فی ملکوت السموات عظیماً فقیل تعلم‌لله وعمل‌لله وعلم‌لله وعن معویة بن وهب قال سمعت ابی عبدالله(٢) علیه‌السلم یقول اطلبوا العلم وازینوا معه بالحلم والوقار وتواضعوا لمن تعلموا العلم وتواضعوا لمن طلبتم منه العلم ولاتکونوا علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم . عن ابی عبدالله علیه‌السلم قال کان امیرالمؤمنین علیه‌السلم یقول ان من حق العالم الاتکثر علیه السئوال ولاتأخذ بثوبه و اذا دخلت علیه وعنده قوم فسلم علی (٣) جمیعاً و خصه بالتحیة دونهم و اجلس بین یدیه ولا تجلس خلفه ولاتغمز بعینك ولا تشر بیدك ولاتکثر من القول قال فلان و قال فلان خلافاً لقوله

---

(١) سال تاریخی که در پایان این کتیبه نوشته شده (١١٠٤ هجری) با آنچه مؤلف تاریخ (وقایع السنین والاعوام) راجع ببنای مدرسه چهارباغ نوشته است وشروع ساختمان آنرا در سال ١١١٦ تعیین میکند منافات دارد بخصوص که سایر کتیبه های داخل گنبد نیز مورخ بسالهای ١١٢١ و ١١٢٣ هجری است مگر آنکه تصورکنیم اندیشه بنای این مدرسه که معروف به (مدرسه مادر شاه) نیز هست در سال مزبور پدید آمده وعملیات ساختمانی بتدریج ادامه می یافته است .

(٢) درکتیبه بهمین نحونوشته شده درصورتیکه بمیزان ادبی باید (اباعبدالله) باشد .

(٣) درکتیبه (علی) نوشته شده درصورتیکه در روایت (علیهم) است .

ولا تضجر بطول صحبته فانما مثل العالم مثل النخلة تنتظرمتی یسقط علیك منها شیئی والعالم اعظم اجراً من الصائم القائم الغازی فی‌سبیل الله . وعن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله یقول من علم خیراً فله مثل اجر من عمل به قلت فان علم غیره یجری ذلك له (۱) **کتبه عبدالرحیم فی ۱۱۱۲** » (۲)

بر نمای خارجی ایوان بزرگ جنوب صحن در الـواح جداگـانه صلوات بر چهارده معصوم تکرار شده ودر الواحی کوچکتر بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی (دوازده امام منظوم) بشرح زیر نوشته شده است :

« بنبی عربی ورسول مدنی واخیه اسدالله مسمی بعلی و بزهراء بتول و بام ولدتها و بسبطیه و شبلیه همانجل زکی و بسجاد و بالباقر و الصادق حقاً و بموسی و علی و تقی و نقی و بذی العسکر والحجة القائم بالحق الـذی یضرب بالسیف بحکم ازلی اجب الان دعانا وترحم حضرانا واقض حاجاتهم الکل الهی بعلی وتقبل بقبول حسن رب دعانا بعلی بعلی بعلی صلواتی و سلامی الفاً بنهار و لیال و غدو وعشی .»

خطوط بنائی بر نمای خارجی ایوان جنوب صحن

بر روی دو جرز طرفین ایوان جنوبی در یك شکل چهار ترنجی بخط بنـائی مشکی برزمینه سفید عبارات ذیل نوشته شده است :

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و اهلك اعدائهم .

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً ولی الله .

استغفر الله الذی لا اله الا هوالحی القیوم و اتوب الیه .

و صلی الله علی جمیع الانبیاء والمرسلین والحمد لله رب العالمین .

و در شکل مربع وسط چهار ترنج چهار مرتبه نام (علی) تکرار شده است .

---

(۱) دنباله این روایت که در کتیبه نیامده باین شرح است : « قال ان علمه الناس کلهم جری له قلت فان مات قال و ان مات » .

(۲) سال ۱۱۱۲ نیزکه در پایان این کتیبه نوشته شده حاکی از آنست که بنای مدرسه چهارباغ قبل از۱۱۱۶ که مؤلف (وقایع السنین والاعوام) بآن اشاره کرده شروع شده است .

الواح وکتیبه های ایوان شمالی مدرسه چهارباغ

ایوان شمالی مدرسه چهارباغ که در مقابل ایوان و گنبد جنوبی قرار دارد نیز بشیوه ایوان جنوبی باکاشیهای نفیس هفت رنگ و کتیبه و خطوط تزییناتی آراسته شده و ازمختصات آن واجد بودن پنجره نفیس معرق و بی‌نظیری است که درقسمت فوقانی مدخلی که ایوان را بسرسرای شمالی مدرسه ارتباط میدهد نصب شده است.

مدخل شمالی مدرسه بوسیله در نفیسی ببازار شاهی یا (بازارچه بلند) که آن نیز از بنا های دوره شاه سلطان حسین است ارتباط پیدا میکند ، سردر مدرسه در بازار باکاشیهای معرق آراسته شده و کتیبه آن بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم عبدالرحیم جزایری و مورخ بسال ۱۱۲۱ هجری بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . امر بانشاء هذه المدرسة المبارکة السلطان الاعظم والخاقان الافخم خادم روضات الائمة سادن سدات سادات الامة **ابوالمظفر شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان** جعل الله تعالی بابه مآباً للسلاطین و جنابه مطافاً للخواقین ولما صرف فی بنائها خالص المال بخلوص البال اهدی ثوابها لمعصومین الاربعة عشر علیهم السلم **کتبه عبدالرحیم فی ۱۱۲۱** »

اشعار سرسرای شمالی مدرسه بخط محمد صالح اصفهانی مورخ بسال ۱۱۱۸ و۱۱۱۹ هجری

در اطراف سرسرای شمالی مدرسه چهارباغ در الواح جداگانه اشعاری بخط خوش نستعلیق سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ بقلم محمد صالح اصفهانی و مورخ بسالهای ۱۱۱۸ و ۱۱۱۹ هجری بشرح زیر نوشته شده است :

ابر عالمگیر گوهر قطرهٔ بحر کرم — عالم آرا آفتاب دادودین **سلطان حسین**

آن شهنشاهی که باشدمردمان دیده‌را — از غبار آستانش عین نور و نور عین



تصویر شاه سلطان حسین صفوی (۱)

(۱) در دوره سلطنت شاه سلطان حسین سیاح و نقاش هلندی بنام **کرنلیوس دوبروین** (Cornelius de Bruyn) از شهر لاهه پایتخت هلند که زادگاه وی بود بعزم مشاهده آثار باستانی ایران مخصوصاً تخت جمشید وتهیه تصاویری از آثار مزبور ازراه روسیه عازم ایران شده و از طریق دریای خزر بخاك ایران قدم نهاده و از شهر های اردبیل وزنجان وقزوین وقم گذشته وارد اصفهان شده است ، ورود او باصفهان در ۱٤ رجب سال ۱۱۱٥ هجری مطابق با نهمین سال سلطنت شاه سلطان حسین بوده وچنانکه خود نوشته است درکاروانسرای معروف

آسمان میخواست تا آفاق را سنجد باو
کهکشان میزان شد و خورشید و ماهش کفتین

آنکه دست قدرت حق چار عنصر کرده است
در سرشتش مشتری و زهره را با نیرین

آنکه جدش سرنوشت خامه تقدیر را
خوانده در پیشانی مردم ز بین الاصبعین

ساخت با هم مسجد و مدرس چو علم با عمل
شد بتوفیـــــــق الهی کامیاب نشأتین

مسجد گردون اساسی چون سپهر آراسته
گنبدش را کوی سر طوقست کوی نیرین

شهر علمی مدرسش کردم غلط نه کشوریست
صد چو یونانش نهان در جیب بین الدفتین

مایه عمر ابد در طول دارد عـرصه اش
غرض آن عرض عریض فکر دانا راست عین

یافت چون اتمام این عالی بنا از جود شاه
داد چون سر کاری **آقا کمالش** زیب وزین

بهر تـاریخ بنا و سال اتمـامش **نجیب**
مطلعی چون مهر و مه گردانده زیب خافقین

مسجد سلطان عادل مـاه اوج مشرقین
مدرس عالیجناب شاه دین سلطان حسین

۱۱۱۸ کتبه محمد صالح ۱۱۱۹ (۱)

به (جده) متعلق بمادر شاه سلطانحسین منزل کرده است (کاروانسرای جده یا مـادر شاه همان کاروانسرائی است که در مجاورت ضلع شرقی مدرسه سلطانی چهارباغ واقع شده و در حال حاضر با حفظ نما هـای داخلی آن و تعمیر و ترمیم کاشیکاریهـای اطراف صحن آن و اضافات و الحاقاتی چند باصل بنا بصورت مهمانخانه بزرگی درآمده واکنون مهمانسرای شاه عباس کبیر نام دارد) .

کرنلیوس دوبروین تصاویر بسیار دقیق از آثار و ابنیه مهم ایران فـراهم آورده و با اجازه پادشاه تصویر فوق را ازشاه سلطان حسین درسی و پنجمین سال عمر وی نقاشی کرده این تصویر که شاه سلطان حسین را در لباس سلطنتی با تاج قزلباش نشان میدهد درسفرنامه کرنلیوس دوبروین بنام (سفر ایران و هند شرقی از راه مسکو) در سـال ۱۷۱۸ میلادی در شهر آمستردام از شهر های هلند بچاپ رسیده و در مقدمه کتاب معروف **دکتر لاکهارت** ایران شناس معاصر انگلیسی تحت عنوان (انقراض صفویه واستیلای افاغنه بر ایران) نیز بچاپ رسیده . این تصویر بوسیله مؤلف از کتاب دکتر لاکهارت عکس برداری شده است .

---

(۱) بمنظور محافظت درنفیس مدرسه سلطانی مشرف بخیابان چهارباغ در سال ۱۳۲۷ هجری و درزمان تولیت مرحوم سید العراقین درچوبی دیگری تهیه و نصب شده وکتیبه زیر

کتیبه نمای خارجی ایوان شمالی

بر نمای خارجی ایوان شمالی مدرسه چهارباغ درباره فضیلت علم ومقام معلم و وظیفه متعلم بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت‌لاجوردی بقلم علی‌نقی امامی ومورخ بسال ۱۱۱۹ هجری کتیبه زیر نوشته شده است :

« روی عن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم انه قال من سلك طریقاً یطلب فیه علماً سلك الله به طریقاً الی الجنة و ان الملئکة لتضع اجنحتها لطالب العلم رضاً به و انه لیستغفر لطالب العلم من فی السموات و من فی الارض حتی الحوت فی البحر و فضل العالم علی العابد کفضل القمر علی سایر النجوم لیلة البدر وقال صلی الله علیه و آله طلب العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة وان العلماء ورثة الانبیاء وان الانبیاء لم یورثوا دیناراً ولادرهماً ولکن ورثوا العلم فمن اخذ منه اخذ بحظ وافر. و عن ابی‌جعفر علیه السلم انه قال من علم باب هدی فله اجر من عمل به ولاینقص اولئك من اجورهم شیئاً ومن علم باب ضلالة کان علیه مثل وزرمن عمل به ولاینقص اولئك من اوزارهم شیئاً و عنه علیه السلم انه قال ان الذی یعلم منکم العلم له اجر مثلاالمتعلم له والفضل علیه فتعلموا العلم من حملة العلم وعلموه اخوانکم کما علموکم العلماء **کتبه علی نقی الامامی سنة ۱۱۱۹ .** »

در رأس پشت بغل ایوان شمالی بخط نستعلیق مشگی برزمینه کاشی زرد در یك لوحه از تعمیرات مدرسه چهارباغ در عصر پهلوی بشرح زیر یاد شده است :

« درعهد دولت خسروجهان آرا شاهنشاه اسلام پناه **اعلیحضرت رضاشاه پهلوی** تعمیرشد »

کتیبه های داخل ایوان شمالی مدرسه چهارباغ

برهلال طاق ایوان شمالی مدرسه چهارباغ بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی

بیادگار گذاشته شده است : « فادخلوها بسلام آمنین »

بتفضلات خداوند متعال و توجهات ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بتعمیرات و ساختن درمدرسه موفق شدم . خادم شریعت مقدسه عبدالحسین ۱۳۲۷

بترتیب آیه ۳۵ از سوره (نور) و آیه ۵٦ از سوره (احزاب) و آیه ۵۵ از سوره (مائده) نوشته شده و آخر کتیبه بعبارت: « صدق الله العظیم وصدق رسوله النبی الکریم» ختم میشود .

کتیبه داخل ایوان بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بخط علی نقی امامی و مورخ بسال ۱۱۱۹ هجری بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم روی عن علی علیه السلم قال قال لی رسول الله صلی الله علیه و آله الائمة بعدی اثنی عشر اولهم انت یا علی و آخرهم القائم الذی یفتح الله علی یدیه مشارق الارض و مغاربها . عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله لما عرج بی الی السماءِ رأیت علی باب الجنة مکتوباً لااله الاالله محمد رسول الله علی حبیب الله الحسن والحسین صفوة الله و فاطمة امة الله لعنة الله علی باغضیهم قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم لعلی علیه السلم انت منی بمنزلة هرون من موسی الا انه لانبی بعدی و قال علیه السلم انا مدینة العلم وعلی بابها **کتبه ابن محمد محسن الامامی علی نقی الاصفهانی ۱۱۱۹** »

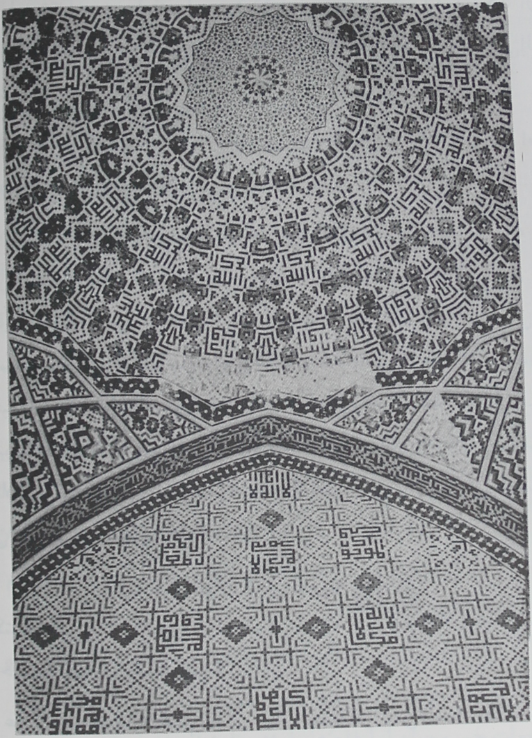
کتیبه های ایوان شرقی مدرسه چهارباغ

کتیبه افقی نمای خارجی ایوان شرقی مدرسه چهارباغ بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر است :

« عن ابی عبدالله علیه السلم اذاکان لیلة الجمعة نزل من السماء ملئکة بعدد الذر و فی ایدیهم اقلام الذهب و قراطیس الفضة لایکتبون الی لیلة السبت الا الصلوة علی محمد و آل محمد فاکثروا منها ،قال ان من السنة ان تصلی علی محمد واهل بیته فی کل جمعة . » (۱)

---

(۱) ثلث آخر این کتیبه تعمیرشده واز کلمه (جمعه) هم درآخر کتیبه فقط حرف اول آن جاگرفته است .



تزیینات کاشیکاری معرق و خطوط بنائی در ایوان شرقی مدرسه چهارباغ

و در حاشیه چپ کتیبه این ایوان در یك سطر تاریخ تعمیر باین شرح نوشته شده است :

فی شوال ۱۳٤٦ (۱)

(۱) این کتیبه بطور افقی در قسمت فوقانی سردر مدرسه چهارباغ مشرف بخیابان هم

کتیبه داخل ایوان شرقی مدرسه چهارباغ

کتیبه داخل ایوان شرقی مدرسه چهارباغ بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بخط محمدرضا و مورخ بسال ۱۱۱۹ هجری بشرح زیر است :

« لما وقع الترغیب والتحریص علی طلب العلم وسلوك سبیله فی محکم الکتاب والحث والتنصیص علی تحصیله و کسبه فی السنة الاخبار المأثورة عن اطیاب الائمة علیهم صلوات الله الملك الوهاب فقال العزیز الحکیم فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفة لیتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلم یحذرون وقال رسوله الکریم علیه وآله التحیة والتسلیم طلب العلم فریضة علی کل مسلم الا ان الله یحب بغاة العلم امر ملك الملوك الذی حاذ من قصب السبق بین ملوك البلاد باستباق الخیرات و جمع بیدر الذخر لیوم الحصاد بالتبادر الی القربات لازال معماراً لبنیان الدولة الابدیة کما هو رافع للواء الفضل والنعمة وما برح معطراً لمعاطس ارکان السلطنة البهیة کما انه ناصب لعلم العلم والحکمة ببناء هذه المدرسة السلطانیة المبارکة النازلة منزلة الجنة التی وعد المتقون واهلها کسکانها فی الغرفات آمنون ثم امر بترصیف هذا الایوان الرفیع لمدارسة کتب العلوم وسنة اتمامه **هو لمصباح العلم مشکوة** کتبه محمدرضا **۱۱۱۹**»

بر دو جرز طرفین ایوان شرقی مدرسه بخط بنائی سه رگی معرق (دو مشگی ویك سفید) برزمینه فیروزه ای سوره (قدر) و (عصر) نوشته شده وسال تعمیر آن بخط بنائی (۱۳۴۵) نوشته شده است . برچهار جرز داخل ایوان بخط بنائی سه رگی (دولاجوردی و یك زرد) برزمینه فیروزه ای سوره (اخلاص) نوشته شده وبردیوار مقابل و هلال داخل ایوان وطاق آن بخط بنائی لاجوردی معرق برزمینه سفید در

ذکرشده وبخط ثلث سفید معرق برزمینه لاجوردی علاوه برعبارات کتیبه فوق الذکر عبارات ذیل را هم اضافه دارد :

« الف مرة وفی سایر الایام مائة مرة . عن جابر عن ابی جعفر علیه السلم قال قال النبی صلی الله علیه وآله و سلم لجبریل علیه السلم »

الواح جدا از هم (اسماء الله) وتعدادی روایات مذهبی تزیینات خطی این ایوان را تشکیل میدهد .

کتیبه های شبستان مدرسه چهارباغ

شبستان مسقف مدرسه چهارباغ که در ضلع شرقی گنبد بنا شده و بوسیله درمنبت کاری نفیسی بمحوطه زیر گنبد ارتباط مییابد دارای سه محراب است که در اطراف یکی از آنها بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی آیه ١٤٤ ازسوره (بقره) نوشته شده و قسمت آخر کتیبه بعبارات زیر ختم میشود :

« صدق‌الله العلی العظیم وصدق رسوله النبی الکریم و نحن علی‌ذلك من‌الشاهدین **کتبه محمد مؤمن الحسینی .** »

دراطراف محراب دوم از اول آیه ۷۸ تا آخر آیه ۸۲ ازسوره (اسری) نوشته شده وقسمت آخر آن بعبارت زیرختم میشود : **«کتبه محمد مؤمن الحسینی ۱۱۱۸»**

کتیبه محراب سوم نیز شامل آیه ١٤٤ از سوره (بقـره) بوده که فقط جمله (قد نری تقلب وجهك) از آن باقی مانده و بقیه آن موجود نیست .

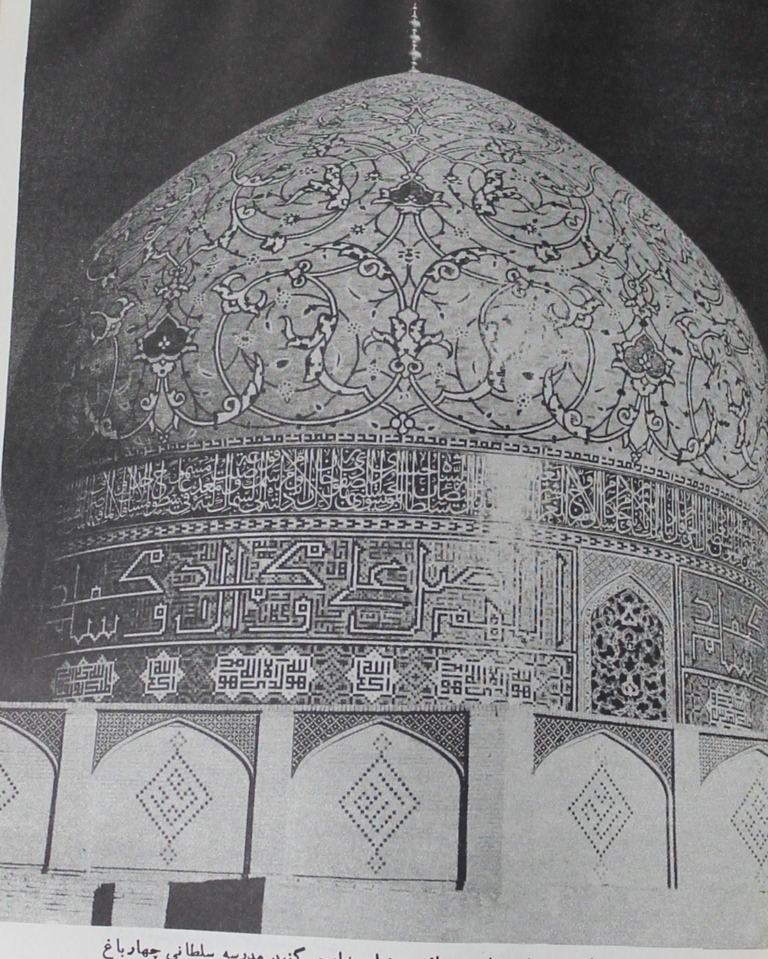
کتیبه مناره های مدرسه چهارباغ

کتیبه دومناره مدرسه چهارباغ درزیر مقرنسهای تارك مناره بخط ثلث لاجوردی برزمینه‌کاشی زرد بشرح زیر است :

« قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ان علیاً منی و انا من علی وهو مولی کل مؤمن بعدی لایؤدی عنی الا انا او علی. قال رسول الله صلی الله علیه و آله انا و علی من نور واحد .

کتیبه و خطوط نمای خارجی گنبد مدرسه چهارباغ

بر گردنه گنبدمدرسه چهارباغ درقسمت بالا بخط بنائی‌سه رگی برزمینه فیروزه‌ای چهار مرتبه جمله (اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلم) تکرار شده است ودر



تزیینات کاشیکاری و خطوط ثلث و بنائی بر نمای خارجی گنبد مدرسه سلطانی چهارباغ

ذیل این قسمت در الواح پراکنده بخط بنائی ساده لاجوردی رنگ بـرزمینه سفید هریك از عبارات زیر چهار مرتبه تکرار شده است :

« توکلت علی الحی الذی لایموت » « الله اکبر » « هوالله الذی لا اله الاهو » « الله اکبر » « الملك لله الواحد القهار » :

ودراطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی کتیبه ذیل نوشته شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم . الحمدلله رب العالمین رافع السموات وباسط الارضین والصلوة والسلام علی خاتم الانبیاء و سید المرسلین محمد صاحب الفرقـان و مهبط وحی القرآن وعلی آله الطیبین الاخیار وصحبة المنتجبین الابرار لاسیما اخیه ووصیه ومستودع علمه وموضع سره وباب حکمته وخلیفته فی‌امته الداعی‌الی شریعته علی بن ابیطالب علیه و علی اولاده سلام الله الملك الواهب و بعد فان عمارة المساجد لاقامة ذکرالله وتأسیس المدارس لتنفیذ امرالله من اعظم المثوبات لدیه واقرب القربات الیه و قد حث سبحانه و تعالی علیه فقال عز من قائل انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الاخر وممن من الله علیهم بهاتین الموهبتین هوالسلطان العادل والخاقان الباذل ملك الانام ناشر احکام الاسلام مروج الشریعة الغراء والسالك سبیل المحجة البیضاء **الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان** لازال ایام دولته مرفوعة الی سمك السماء وصیت معدلته مسموعاً فی‌سطوح المساجد والافلاك لما صرف فیهما صفوالمال بطیب البال و صدق النیة اهدی ثوابهما الی موالیه سادات الخلق والبریة والمعصومین الاربعة عشر علیهم السلم **کتبه عبدالرحیم الجزایری فی ۱۱۲۲** »

و در یك حاشیه عمود بر این کتیبه تاریخ تعمیر گنبد مدرسه چهارباغ و تعمیر و نصب کتیبه فعلی اطراف گنبد بشرح زیر نوشته شده است :

« تعمیرات مدرسه در تاریخ هزار و سیصد و پانزده (۱) بامر وزارت معـارف و

(۱) مقصود سال ۱۳۱۵ شمسی است .

اوقاف انجام یافت . »

خطوط بنائی بر نمای غرفه های مدرسه مشرف بخیابان چهارباغ

در دو شکل مربع بزرگ در قسمت فوقانی مغازه بزرگی که بین سردر مدرسه و سردر بازار شاهی (بازارچه بلند) واقع شده بخط بنائی لاجوردی رنگ برزمینه آجری سوره (قدر) نوشته شده و بجمله (صدق الله العظیم) ختم میشود .

و بر دو(دست انداز) غرفه های حجرات فوقانی مدرسه مشرف بخیابان بخط بنائی مشگی برزمینه سفید سوره (قدر) نوشته شده و تاریخ تعمیر آن سال ۱۳۳۵ (هجری قمری) نیز خوانده میشود .

حجره شاه سلطان حسین

اغلب حجرات مدرسه چهارباغ دارای نقشه واحدی است که ازیك اطاق نشیمن در جلو و قسمتی بصورت صندوقخانه در عقب و قسمت دیگری بصورت (بالاخانه) تشکیل میشود ودر بین آنها حجره مخصوصی که اولین حجره ضلع شمالی مدرسه ازسمت مغرب است بهحجره شاه سلطان حسین مشهوراست. معماری این حجره باسایر حجرات مدرسه مشابه است ولی ازلحاظ جنبه تزییناتی اختلاف دارد باین ترتیب که داخل آن با حاشیه های طلاکاری آراسته شده وبخاری زیبائی دارد . شاه سلطانحسین قسمتی از ایام عمرخود را درحجره مخصوص خود بشرکت در مباحث دینی با علمای بزرگ گذرانده است (۱) از اثـاث البیت این حجره غیر از یك زیلوی سـاده که کتیبه

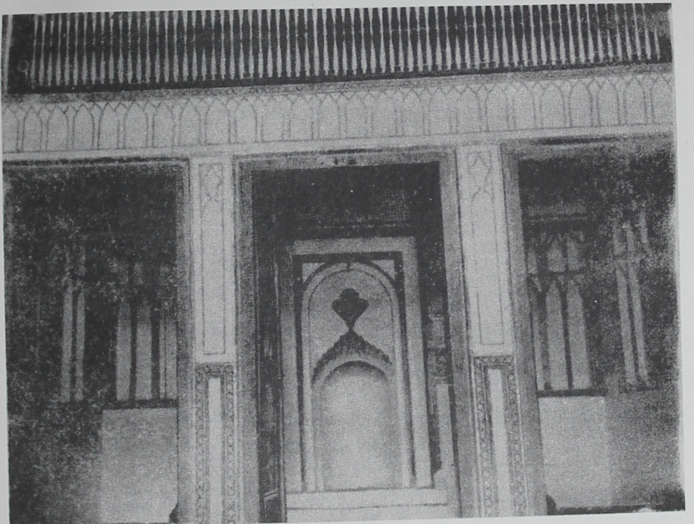
---

(۱) ظاهراً مدرسین بزرگ مدرسه چهارباغ بوسیله شخص پـادشاه تعیین میشده است ، مؤلف (ذیل وقایع السنین والاعوام) چنین نوشته است :

« در سنه هزار و یکصد وسی وسه در روز سه شنبه یازدهم شهر ذی القعدة الحرام علامی میرسید محمدا ، خلف حضرت مجتهدالزمانی آمیرمحمد باقرا ، سلمه الله تعالی منجمیع الافات والعاهات والبلیات بمرتبه والاءِ نیابت والد خود در تدریس مدرسه جدید سلطانی سرافراز شد و در آنروز شروع بدرس نموده درس گفت و مجمعی از افاضل واعلام مرتب شده شیرینی بسیار آورده شد و بانی وباعث بر این ، نواب اشرف همیون ، خود شدند باعتبار آنکه آن

و تاریخ دارد چیز دیگری باقی نمانده . نوشته این زیلوی قدیمی که با تار و پود آن بافته شده بشرح زیر است :

فرش این مدرسه که روح فزاست   وقف نـواب اشرف اعلاست (۱)



حجره اختصاصی شاه سلطان حسین در مدرسه چهارباغ

مجتهد الزمان اکثر اوقات در صحبت پادشاه والاجاه بسرمیبردند درمحل اقامت واسفار.»
(ازمدرسین مدرسه سلطانی چهارباغ مرحوم آقامیرزا ابوالقاسم مدرس وازمتأخرین مرحوم سید عبدالحسین سید العراقین که علاوه برتدریس تولیت مدرسه چهارباغ را نیزعهده دار بوده و مرحوم آقاسید محمد مدرس نجف آبادی ومرحوم حاج شیخ محمود مفید استاد حکمت وفلسفه قدیم از مدرسین بزرگ بوده اند و در حال حـاضر هم آیت الله آقای حاج سید محمد رضا خراسانی تدریس دوره عالی حوزه طلاب مدرسه سلطانی چهارباغ را بعهده دارند .)

---

(۱) مدرسه سلطانی چهـارباغ کتابخانه مفصلی هم داشته . مؤلف جغرافیـای اصفهان (میرزا حسین خان فرزند محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهانی) در اینمورد چنین نوشته است:

شاخص مدرسه چهارباغ

برسنگ شاخصی که درطرف شرقی ایوان شمالی مدرسه سلطانی چهارباغ جای داده شده کتیبه‌ای بشرح زیرحجاری شده است : « درروزیکشنبه ۲۹ جمادی الاخره ۱۳۵۱ قمری و ۷ عقرب و ۸ آبانماه ۱۳۱۱ شمسی این سنـگ برای تعیین ظهـر حقیقی بیادگار سفر اصفهان اینجانب سید جلال الدین الحسینی الطهرانی درمدرسه چهارباغ نصب شدکه چون جدار غربی این سنگ سایه اش معدوم شد ظهر حقیقی واقع میگردد . در زمـان تولیت آقـای آقـا مصطفی مـدرس نجل مـرحوم سید عبدالحسین سیـدالعراقین (۱) طول اصفهـان ۵۱ درجه و ۳۵ دقیقه شـرقی گرینیچ و عـرض آن ۳۲ درجه و ۴۰ دقیقه شمـالی استوا و انحـراف قبلـه از جنوب بمغـرب ۴۵ درجه و ۱۱ دقیقه و جنوب جغرافیـائی ٤ درجه و ۵۲ دقیقه در مشرق جنوب مغناطیسی قطب نما است و ارتفاع اصفهان از سطح اقیـانوس مابین ۱۴۷۵ و ۱۵۲۰ متر میباشد و بواسطه انکسار شعاع روزهای سال از سه دقیقه

« سلاطین صفوی انارالله برهانهم کتب هر علمی را تصحیح و تنقیح کرده سه دسته ازکل آنها را بخط خوش نویسانیده وقف فرموده ، یکدسته را درکتابخانه مبارکه امام ثـامن حضرت رضا علیه آلاف التحیة والثناء ونیزیکدسته درکتابخانه شاه صفی‌قدس الله سره باردبیل فرستاده بودند، دسته دیگرش را درکتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان ضبط ومحفوظ میداشتند وازنسخ آنها بعضی دون بعض درکتابخانه های اهالی ولایت ومملکت بود ، وقتی دولت بهیه روس بر اردبیل استیلا یافت کتب و سایر اسباب نفیسه شاه صفی را ازمیان برد ، کتابهای اصفهان را هم مدرس مدرسه درزمان غلبه افغان احتیاط کرد ودرخانه خود بسردابی ریخت ودرآنرا مسدود نمود وهشت نه سال اغتشاش این طایفه وغیره سرکشی نشد ، بسیاری از این کتب بگرد و بید و موریانه ضایع شد پس ازآن هم الی الان درهمان سردابها مانده وبمرور دهورموریانه‌آنهارا ازحیز انتفاع انداخته ، کتابهای متفرقه خانواده ها را هم غالب در همان قتل افاغنه بهمین سیره پنهان‌کردند و تلف‌کردند . »

(نقل از جغرافیای اصفهان چاپ تهران صفحه ۸۱)

---

(۱) مرحوم حاج میرزا عبدالحسین سید العراقین که تولیت مدرسه سلطانی چهارباغ را بعهده داشت از رؤسای علمای اصفهان بشمار میرفت و نسبت بانجام تعمیرات ضروری مدرسه

تا ۷ دقیقه بلندتر ازروزهای حقیقی میشود(۱) وتیزه ما بین جدارغربی وجدارجنوبی سنگ نماینده قبله مدرسه چهارباغ است و چون ظل جدار غربی معدوم شد درجدار شرقی ظل حادث میگردد . مرحوم شیخ بهاءالملة والدین علیه الرحمه درمسجد شاه اصفهان در مدرسه غربی آن سنگی نصب فرموده اند که آن نیز برای تعیین ظهر حقیقی است که چون ظل آن معدوم شد ظهر واقع میشود وسطح فوقانی آن سنگ بشکل مثلث قائم الزاویه است که وتر مثلث در جهت طرفی است که ظهر را تعیین میکند و یك ضلع مجاور بزاویه قائمه وصل بدیوار است و ضلع دیگر نماینده قبله است و اینجاست که باید گفت الفضل للمتقدم . » (۲)

کاخ فرح آباد

دردوره سلطنت شاه سلطان حسین مجموعه بناهای زیبائی که شامل مدرسه چهارباغ وکاروانسرای مادرشاه و بازارشاهی (بازارچه بلند) وکاخ فرح آباد بوده است بآثار باشکوه دوره صفویه افزوده شد، کاروانسرای سه‌طبقه مادرشاه که درجانب شرقی‌مدرسه سلطانی چهارباغ بنا شده و از نمونه های زیبای‌کاروانسرا های عهد صفویه است سردرجنوبی آن بسوی باغ فتح آباد و سردر شمالی آن در بازار شاهی باز میشده است ، بازار شاهی که امروز آنرا (بازارچه بلند) مینامند درطول ضلع شمالی مدرسه چهارباغ

اهتمام مخصوص داشته است ، سالهای ۱۳۴۶ که در بین کاشیکاریهای مدرسه مشاهده میشود معرف اقداماتی‌است که از طرف آن شادروان نسبت بتعمیرات مدرسه بعمل‌آمده. وفاتش در شوال ۱۳۵۰ اتفاق افتاد و در بقعه اختصاصی خود در تخت فولاد مدفون شد ، پس از او فرزندش حاج آقا مصطفی مدرس تولیت را بعهده گرفت و در حال حاضر این سمت را آقای ضیاءالدین مدرس پور یکی دیگر از فرزندان وی بعهده دارد .

---

(۱) عبارات این کتیبه تا اینجا عیناً ازسنگ نوشته موجود درمدرسه چهارباغ نقل شد وبقیه‌آن که تااین تاریخ حجاری نشده از لغت نامه دهخدا (صفحه ۲۷۸۱) نقل شد .

(۲) کتیبه نمای خارجی ایوان غربی مدرسه درزیر گلدسته که بخط ثلث سفید برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی نوشته شده ومورخ بسال ۱۱۲۰ هجری قمری است وترکیبی ازعبارات منشیانه میباشد بعلت درهم بودن خط تا این تاریخ قرائت آن میسر نشده است .

وکاروانسرای مادرشاه از خیابان چهارباغ تـا حد شرقی باغ هشت بهشت امتـداد می یافته است ، این بازار تاریخی هم اکنون نیز با طاقهای بلند و حجرات دوطبقه فوقانی و تحتـانی وجود دارد و سردر شمـالی مدرسه چهارباغ و سردرکاروانسرای مادرشاه در این بـازار واقع میشود ولی یك قسمت از حد شرقی آن بمرور زمـان تصرف شده وبالنتیجه از طول اصلی بازار مقداری کاسته شده است .



نمای داخل کاروانسرای مادرشاه و دورنمای گنبد و مناره های مدرسه چهارباغ

کاخ فرح آباد که بنائی سست بنیاد و از خشت خام بنا شده بوده در دامنه کوه صفه قرار داشته است ، فرح آبادکاخ تابستانی پادشاه بوده و بطوریکه جهانگردان توصیف کرده اند از نظر هنری ارزش زیادی نداشته ولی بنای این کاخ موجب شده که در اطراف آن آبادیهائی بوجود آید ، مؤلف کتاب (جغرافیای اصفهان) در سال ۱۲۹۴ هجری قمری در باره این کاخ چنین نوشته است :

« و دیگر سلاطین صفویه انارالله برهانهم طرف جنوبی رود خـانه در دامنه کوه

شهری جدید ساخته باتنظیف وشکوه ودر کمال انتظام واستحکام جامع جمیع لوازم بوده از عمارات ملوکانه و میدان وسیع و کوچه های پاکیزه مستقیم و خانه های رعیتی مرغوب ، یك فرسنگ طول داشته و نیم فرسنگ کمترك عرض ، در محاصره افغان خراب گردیده ، حالاخرابه هاش‌هست واین شهرخراب موسوم به (فرح آباد) است ، با شهر قدیم فاصله ندارد مانند بغداد کهنه ونو ، این دو در دوطرف رودخانه واقع شده اند . » (۱)

نویسنده (ذیل وقایع السنین والاعوام) درمورد بنای کاخ فرح آباد دردوره سلطنت شاه سلطان جسین صفوی چنین نوشته است:

« ازوقایع سنه ۱۱۲۳ هجری رفتن پادشاه بباغ جدید مسمی به **فرح آباد** درماه شعبان ومراجعت نمودن درروز دویم شهر رمضان المبارك و امرفرمودن ببناءِ عمارت در باغ مزبور در ماه مبـارك رمضان بسرکاری **ابراهیم آقا یوزباشی** و امر نمودن بجمعی از مقربان که بنای خانه نمایند در حوالی باغ ازآنجمله بعالیحضرت علامة العلمائی مجتهد الزمانی مدرس مدرسه جدید سلطانی آمیرمحمد باقرا. سلمه الله تعالی است و آن عالیجناب با عدم رغبت حسب الامر الاعلی اطاعت را لازم دانسته ابتیاع زمینی وبنای عمارتی نمودند ومساوی ده جریب شاه ، آب از نهر **سعادت آباد** بآن فرید الدهری مجتهد الزمانی شفقت شد که بآن ده جریب زمین موات که احیاءِ نموده اند شرب شود . وازجمله وقایع سنه مزبوره وقف نمودن بقیه زمین باغ سعادت آباد و آب آن و وقف نمودن باغ فرح آباد است . » (۲)

محمود افغان قبل از تصرف شهر اصفهان در این کاخ وارد شده و در همین محل سست بنیاد بوده است که در روز یازدهم محرم سال ۱۱۳۵ پس از آنکه جمعی کثیر از مردم اصفهان بعلت قحطی تلف شدند شاه سلطان حسین بفرمـانده قوای افغان

(۱) جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین خان چاپ تهران صفحه ۲۷

(۲) تاریخ (وقایع السنین والاعوام) نسخه خطی کتابخانه مجلس‌شورای ملی‌صفحه ۶۰۷

تسلیم شده است . (۱)

ویرانه های کاخ فرح آباد هم اکنون در جنوب جاده ای که از اصفهان بقریه (دستگرد) میرود مشاهده میشود .

اصفهان در اواخر عهد صفویه شهری وسیع وپرجمعیت بوده است

کارساختن وپرداختن شهر اصفهان پایتخت صفویه که ازابتدای سلطنت شاه عباس کبیر آغاز شد در عهد جانشینان او شاه صفی و شاه عباس دوم و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین دنبال شد و بمرحله عین الکمال رسید و چنانکه در این فصل گذشت اصفهان با باغها و قصر های سلطنتی و مساجد باشکوه و پلهای زیبا و میادین و خیابانهای نوظهور وکاروانسرا ها و بازار ها و منازل زیبا بمنتهای وسعت و عظمت خود رسید و براستی درآخر عهد صفویه ومقارن سال ۱۱۳۰ هجری از جهت زیبائی وآبادی در دنیای معلوم آنوقت شهری بی نظیر وشهره آفاق بود .

چنانکه مؤلف تاریخ (نصف جهان فی تعریف الاصفهان) نوشته است ، اصفهان قبل از صفویه مشتمل بر شش محله بزرگ بوده : محله لنبان ـ باغ کاران (محله خواجوی امروز) کران ـ جوباره ـ دردشت و چنبلان . (۲)

بعضی ازاین‌محلات بیکدیگراتصال داشته مانند**چمبلان(بضم چ) دردشت ـ باغ کاران**

---

(۱) برای اطلاع ازکیفیت فتنه افغان وفاجعه محاصره اصفهان وتسلیم شاه سلطان حسین ووقایع بعد از آن تا قلع و قمع افاغنه بوسیله نادر رجوع شود بکتاب (مجمع التواریخ) که باهتمام دانشمند فقید عباس اقبال درآذرماه ۱۳۲۸ شمسی بچاپ رسیده و(تاریخ حزین) تألیف شیخ محمد علی حزین چاپ اصفهان (مؤلف تاریخ حزین درحین محاصره دراصفهان بسر میبرده است)

(۲) چمبلان یا (چلمان) و قبرستان قدیمی آن وسط معموره شهر وتقریباً چهل هزار ذرع مربع عرصه آن و بسیار کهنه و قدیمی ، کنار آن سرائی و قصری از بنا های محکم مسمی به (قصرچلمان) میگویند زمان خسروپرویز این قبرستان بعضی از زمین باغی بوده و قصر مزبور در وسطش بجهت شکر اصفهانی ساخته شده ، از قدیم درب زیر نقبی در این

کران و جوباره ولی بعضی دیگرازهم جدا بوده‌اند مانند لنبان (بضم ل) وباغ کاران و جوباره و دردشت و مجملا هریك ازاین محلات متصلا یا منفصلا همیشه بقدر شهر معتبری بوده بعداً محلات دیگری اضافه شده و به شانزده محله منقسم گشته است از جمله محله **گلبار** یا (گلبهار) و محله قلعه طبرك ومحله **درب کوشك** و محله **بید آباد** .

در روزگار سلاطین صفویه آبادی قدیم و جدید بهم پیوست بلکه از خارج شهر آبادیها ملحق بشهر شد و معموری بکمال رسید ، دروازه های شمالی و غیر آنرا بالاتر بردند ، چهارباغی از دروازه طوقچی قریب دو هزار قدم ساخته و محاذی دروازه طوقچی دروازه ای بر سر آن چهارباغ نهادند (۱) و حد شمال شرقی آنجا گردید و طرفین آن که درآنوقت خراب شده بود هم معمور گردید ومسجد سلطان ابوسعید که خارج از شهر شده بود داخل شهر و طرف مشرق این چهارباغ واقع گردید ، محلات دیگری بوجود آمد و تعداد محلات بچهل رسید و شهر بزرگ شد تعداد محلات شهر اصفهان درعصر صفویه بشرح زیر ذکرشده است :

محله دولت ـ باغ جنت ـ عباس آباد ـ لنبان ـ چهارسوی شیرازیها ـ شمس آباد چرخاب ـ حسن‌آباد ـ خواجو ـ ترواسکان (تلواسکان) ظله ـ پای قلعه ـ قصرمنشی

قبرستان پیدا شده که همه ولایت معروف است ، نقب هولناکی است که‌آخرش راکسی ندیده درش الان معلوم است . الواط رشید بادل هر عصری با شمع و چراغ قدری از آن را رفته دیده اند ، از بعضی آنها شنیده شد که هر چهار صد پانصد قدم که رفته اند چهارطاقی پیدا شده بچهار سمت راه داشته و باز بهمین قسم از هرراهی رفته اند بچهار طاقی دیگر رسیده اند و غالب آنها بیش از دو چهار طاقی پیش نرفته اند و هواش دم پیداکرده و نفسهایشان را تنگ نموده : (جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین خان صفحه ۳٤)

بنای تاریخی درب امام وقبرستان قدیمی آن در محله (چلمان) واقع شده : (مراجعه شود بصفحه ۳٤۱ این کتاب)

---

(۱) دو شیر سنگی که در طرفین پل خواجو دیده میشود متعلق بدروازه طوقچی است که پس از خرابی آن انتقال داده شده و در طرفین پل نصب شده است .

کران - احمد آباد - یزد آباد - گلبار (گلبهار) - جوباره - حسین آباد طوقچی (درزمان صفویه بین طوقچی تاحدود باباقاسم بازاری وجود داشته که درغلبه افغان قسمتهائی از آن خراب شد سپس حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی در عهد فتحعلیشاه بتعمیر و تجدید این بازار همت گماشت و در مقابل بازار حسن آباد که انتهای جنوبی بازارهای اصفهان بوده این قسمت راکه انتهای شمالی بوده بنا نموده است) دردشت - شاه شاهان (شهشهان) -آسنجان (خیابان خوراسکان فعلی درامتداد احمدآباد) فلفلچی (شمال شهرجنب خوابجان که خانه های آن خراب و ملك مزروعی شد و در زمان حاضر مجدداً معمور و ساختمان شده است) چمبلان یا (چملان که امروز مردم اصفهان ، چلمون تلفظ میکنند) جماله‌کله (تل عاشقان وجماله‌کله درمشرق مسجد حکیم فعلی واقع شده ومتصل بمحله دروازه نو بوده است) نیم آورد - محله مسجد حکیم - دروازه نو- بیدآباد - شیش - محله نو - درب کوشك دروازه دولت - محله خیابان - مستهلك - مورنان (دراصل مردبان بوده ، این محله درشمال چهارسوی درشیخ واقع شده وازمشرق به خوابجان متصل میشود) خوابجان یا خاوجان که با محلات مورنان وفلفلچی متصل بوده اند و اکثر محلات مذکوره هریك مشتمل برمحلات جزئی دیگر بوده است که باسم ورسم‌معروف وهریك ازآنها محله معتبری بوده چنانکه محله جوباره مشتمل بوده است بر**میدان میر ودارالبطیخ** وسید احمدیان ودرب دریچه (امروز مردم درب درچه تلفظ میکنند) ومحله سلطان سنجر (محله و کوچه سلطان سنجر امروز هم همین نام را دارد) و محله پاشاخ (۱) و یازده پیچ و غیره .

بعضی از این محلات در فترت افغان و وقایع بعد از آن خراب شده و اکنون مطلقاً آبادی در آن نیست و جز اسمی از آنها باقی نمانده چنانچه محلات : ظله

---

(۱) **شاردن** سیاح فرانسوی از مناره ای بنام (مناره شاخ) نام برده است که از سر حیوانات شکاری بنا شده بوده .

و چرخاب و حسن آباد و عباس آباد و آسنجان و فلفلچی تمام خراب شده و بعضی دیگرهم خرابی بآنها راه یافته وتعدادی ازآنها باقی مانده است . (۱)

محله جوبـاره از همه بزرگتر و در حقیقت خود شهری بوده ، محله دولت در عظمت متوسط و میانه بوده ، حد جنوبی محله دولت نهر فرشادی بوده است که از کنار بازارچه بلند تا دروازه حسن آباد ممتد بوده و حد شرقی این محله ازدروازه حسن آباد و بازار بطرف شمال تا جلوی دروازه معروف به اشرف ممتد بوده و حد غربی آن خیابان دربکوشك بوده است که تا پشت باروی اشرف (۲) وچهارباغ کهنه عباسی وبازارچه بلند امتداد می یافته وحد شمالی آن ازدروازه اشرف بطرف مغرب تا خیابان دربکوشك کشیده میشده است .

دروازه های معتبر شهر عبارت بوده است از : دروازه دولت ـ دروازه مارنـان ـ سه پله ـ الیـاران ـ جوزدان ـ بید آبـاد ـ چهار رو ـ دردشت ـ طوقچی ـ جوبـاره سید احمدیان ـ کران ـ ظله ـ خواجو ـ چهارباغ ـ دروازه نو ـ دروازه ساروج . (۳)

سیاحان اروپائی که در دوره صفویه در اصفهـان بوده اند جمعیت این شهر را بین ششصد هزار تا یك ملیون نفر تعیین کرده اند .

---

(۱) مقارن سال ۱۳۰۸ هجری قمری که مؤلف تاریخ (نصف جهان) کتاب خودرا برشته تحریر درآورده محلات نامبرده خراب و ویران بوده ولی مقارن طبع این کتاب تمام این نواحی مجدداً معمور و آباد شده و بر زیبائی محلات مزبور افزوده شده است .

(۲) پس از آنکه افغانها براصفهان استیلا یافتند چون فقط بر قسمتی ازایران تسلط یافته بودند از بیم قیام ونهضت ایرانیان دائماً درحال ترس بسرمیبردند لذا بدستور اشرف افغان در داخل شهر اصفهان بـاروئی بنا نموده و خود را در آن بـارو محدود نمودنـد و دروازه ای برآن بنا نمودند که به (دروازه اشرف) نامیده شد وباآنکه آن دروازه امروز وجود ندارد ولی محل آن هم اکنون (دروازه اشرف) نامیده میشود ، محله (پشت بارو) که قسمتی از بید آباد امروز است محتملا در پشت باروی اشرف واقع میشده ، این بـارو بعداً از میان برداشته شد ولی قسمتهائی از آنرا هنوز میتوان دربعضی جا ها مشاهده نمود.

(۳) رجوع شود بکتاب (نصف جهان فی تعریف الاصفهان) چاپ تهران صفحه ۲۱-۲۹

چند اثر تاریخی پراکنده از دوره صفویه

سنگ نوشته مسجد نمکی

درحدود (میدان میر) و کوچه نمکی جنب میدان کهنه اصفهان مساجد وبناهای متعددی از دوره دیالمه و سلاجقه وجود داشته است که بکلی از میـان رفته چنانچه هم اکنون ساختمان مسجد واقع در کوچه نمکی و چهارسوی آنرا که خراب شده بخواجه نظام الملك نسبت میدهند ، در مسجد کوچك نمکی سنگ نوشته ای بخط نستعلیق برجسته از یکی از اعقاب نظام الملك بشرح زیر موجود است :

« در زمان خلافت اعلیحضرت خاقان جمجاه السلطان ابن السلطان والخاقـان ابن الخاقان **سلطان شاه عباس الثانی الصفوی الموسوی بهادرخان** توفیق رفیق حال علیا حضرت طهارت و نزاهت دستگاه **حاجیه شاه خانم** بنت مرحمت و غفران پناه میرزا احمد بیك نمکی گردید قربة الی الله تعالی وقف مخلد نمود نصف چهارسوق نمکی دارالسلطنه اصفهان با نصف تیمچه ونصف حمام ونصف زمین ساده مشهور بزمین **شترخان** و نصف طاحونه گاوی واقعات در چهارسوق مزبور بر مسجد معین واقع در جنب چهارسوق مزبور که جد او **خواجه نظام الملك** بنـا کرده وقف صحیح شرعی که نخرند و نفروشند و مرهون ننمایند و زیاده از سه سال باجاره نـدهند و صدور و متصدی موقوفات دخل در آن ننمایند و حق النظـاره وغیره نگیرند و شرط نمود واقفه که منافع مزبور را بعد از تعمیر مسجد ومستقلات مزبوره هر یوم چهل و پنج دینار بشخصی دهند که در مسجد مزبور در اوقـات صلوات اذان بگوید و بیست و پنجدینار بشخصی دهند که هرروز یکجزو قرآن مجید درمسجد مزبور تلاوت نماید و ده دینار صرف روشنائی مسجد مزبور شود وآنچه زیاده بماند در شب جمعه وایام متبرك صرف اطعـام عجزه ومساکین شود و تولیت آن تا واقفه مزبور در قید حیوة است تعلق باو دارد و بعد ازآنکه داعی حق را لبیك اجابت بگوید تولیت ازشخصی

خواهد بود که سند معتبر از واقفه مزبور در تولیت خود داشته باشد و شرط نمود واقفه مزبور که متولی در تعمیر مستقلات از صلاح شریك که باعث آبادانی مستقلات مزبور باشد بیرون نرود و هر کس تغییر آنچه واقف شرط نموده بکند بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار گردد بحق النبی و آله . »

سنگ نوشته مسجد حاجی منوچهر

در محله خواجوی اصفهان مسجد کوچکی بنام مسجد حاجی منوچهر وجود دارد که در بالای سردر آن لوح سنگی بطول ۵۰ و عرض ۳۰ سانتیمتر نصب شده و کتیبه‌ای دارد که مضمون آن حاکی ازوقف کردن سه دکان برمسجد است وواقف خواسته که کرایه دکانها بمصرف روشنائی و ضروریات مسجد برسد . کتیبه این لوح بخط نستعلیق برجسته و مورخ بسال ۱۰۷۲ هجری بشرح زیر است :

« در زمان معدلت نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس اعلی **شاه عباس ثانی صفوی الحسینی بهادرخان** خلدالله ملکه ابداً احیاءِ نمود این مسجد را فی‌سبیل الله **حاجی منوچهر** و وقف مسجد نمود یك دکان بقالی ، یك دکان نانوائی ویك دکان علافی که مجموع سه جسم بوده باشد و کرایه آنها را صرف روشنائی و ضروریات دیگر نموده و طمع کننده بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود تحریراً فی شهر رمضان سنه **۱۰۷۲**

مسجد حاج محمد مهدی

در یکی از کوچه های محله خواجو بنام (کوچه درویشها) **مسجد کوچکی** واقع شده که بانی آن شخصی بنام حاجی محمد مهدی بوده ولی امروز بنام مسجد (زاغی) شهرت دارد . سنگ نوشته سردر این مسجد بشرح زیر است :

« بنا نمود توفیق آثاری حاج الحرمین الشریفین **حاجی محمد مهدی** ولد مرحمت

پناه حاجی محمد رضا ابن مغفرت پناه حاجی غیـاث الدین محمد این مسجد را و وقف نمود بجهة روشنائی و بوریا و آب کشی یکباب خـانه متصله بمسجد مزبور و بجهة تعمیر و خدمه مسجد مزبور وقف نمود همگی و تمامی دو حبه اربابی از جمله هفتاد و دو حبه قریه مهر آبادجی مشهور به باب الحکمة متصله بقریه شهرستـان و تغییر دهنده بلعنت خدا و رسول گرفتار شود تحریراً فی شهر رمضان المبارك من شهور سنه ۱۱۰۷ »

کاشیهای مسجد آقاسی

بر دیوار جنوبی باغ چهلستون کاشیهای پراکنده‌ای نصب شده که معرف آثاری چند از دوره صفویه است از آنجمله کاشیهای مسجد آقاسی است که ظاهراً در سـال ۱۳۰۷ در معرض خیابانی جـدید قرار گرفته و منهدم شده است .

جابری انصاری در باره این مسجد چنین نوشته است :

« دیگر از بنا های کهن که ازعهد عجم نشانی داشت مسجد آقاسی بود در آخر میدان کهنه وعوام ایوان آنرا نقاره خانه ملکشاه میگفتند ودرزیرزمین آن معبری بود و چاهی داشت که آنرا چاه دجال میخواندند ، کاشیهای عتیقه گرانبهائی داشت که بر آن نقش‌ستاره های منطقة البروج وماه وخورشید بودو گمان میرفت بعهد عجم که اختران را بزرگ میشمردند این کاشیها ساخته شده بود و این محل در ابتـدا میکده بوده وکاشیهای دیگری داشت که صورت گاو و ببر و شیر بر آن بود ومسلم مینمود که بروز گاردیالمه ازآن تعمیری بعمل آمده واین‌کاشیها نشانه تبرستانیهاست که میدان میر عمارات سلطنتی آنها بوده . » (۱)

بقعه خاتون آبادی

بقعه خاتون آبادی یکی از بقاع تاریخی اصفهـان است که در قبرستان قدیمی

---

(۱) تاریخ اصفهان و ری تألیف جابری انصاری صفحه ۲۱۶

تخت فولاد واقع شده ودارای گنبدکاشیکاری است . بنای بقعه وکاشیکاری آن ازدوره شاه سلطان حسین صفوی است (۱) ومدفون دربقعه میرمحمد اسمعیل خاتون آبادی است که از علمای بزرگ آندوره بشمار میرفته و کرامات ومقامات بسیار از او نقل میکنند و صاحب تصنیفات است از آنجمله تفسیر کبیر در چهارده جلد ، وفات او در سال ۱۱۱۶ هجری اتفاق افتاده ووی جد سادات پای قلعه بوده که از اکابر اصفهان هستند، سلسله خاتون آبادی با سلسله امام جمعه اصفهان و امام جمعه تهران از یك طایفه اند . آرامگاه آمیرمحمد باقر بن میر محمد اسمعیل خاتون آبادی ازعلمای بزرگ دوره شاه سلطان حسین و فرزند وی آمیر سید محمد نیز درهمین تکیه است .

تکیه خاتون آبادی به تکیه دیگری مربوط میشود که در آن سردابی است و در آن سرداب قبور عده ای از بزرگان این سلسله واقع شده و از آنجمله است آرامگاه میر محمد هادی پای قلعه ای از تربیت یافتگان صابر علیشاه نصرآبادی اصفهانی و آقا میر محمد باقر بن میر محمد هادی و آقا میرزا عباس معروف به صابر علیشاه فرزند سید محمد هادی از مشایخ سلسله علیه نعمت اللهیه که درحسن معاشرت وبسط ید ویرا نظیر ومانند نبود ودربرآوردن حاجت حاجتمندان بی‌اختیار بود و محضرش پیوسته مجمع ارباب وجد و حال بود و تمام طبقات مردم از عوام و خواص ، صوفی و غیر صوفی بآن مرحوم اظهار ارادت مینمودند . (۲)

---

(۱) کتیبه سردرمسجد (پادرخت سوخته) بنام ابوالفتح سلطان احمد میرزا فرزند شاه طهماسب اول و درقدیمی آن مورخ بسال ۹۷۵ هجری در بازاربزرگ اصفهان وکتیبه محراب مسجد (قرچقای بیك) که فعلامسجد سرجوی شاه و (مسجد آقاسید ابوالحسن اصفهانی) نام دارد وکتیبه محراب آن مورخ بسال ۱۰۸٤ هجری است نیز از آثار دوره صفویه میباشد .

(۲) رجوع شود بکتاب رجال اصفهان با حواشی و ملحقات آقای سید مصلح الدین مهدوی صفحه ۱۰۰

(در حال حاضر حضرت آقای آقا میرزا زین العابدین نعمت اللهی معروف به (نعمت علیشاه) بسمت شیخ و پیشوای سلسله صوفیه نعمت اللهیه در اصفهان بسر میبرند و محضرایشان در محله پای قلعه مجمع صاحبدلان و وارستگان است)

مسجد جامع خوزان

خوزان نام یکی از سه ده همایونشهر امروز (سده قدیم) از نواحی آباد و پر جمعیت حومه اصفهان است ، دودیه دیگر (ورنوسفادران) و (فروشان) نام دارند خوزان ازنواحی قدیمی (سده) است و کهندز قدیمی‌ترین قسمت آنست . بزرگترین و مهمترین مسجد سده در این محله واقع شده . شیوه معماری تاریخ بنای مسجد را تا قرن هشتم هجری میرساند ، ولی آثار فعلی مخصوصاً تزیینات آن بیشتر از عهد صفویه است . صحن مسجد بشکل مربع است و ایوانهای چهارگانه شمال و جنوب وشرق وغرب آن قرینه اند. ایوان جنوبی بوسیله مدخلی که دو طبقه است بمحوطه زیر گنبدآن مربوط میشود ، چهارزاویه داخل گنبد با مقرنسهای درشت گچی تزیین شده وطاق گنبد نیز قطاربندی های گچی رنگین دارد . ازاره های دو ایوان شمالی



گوشه ای از صحن مسجد خوزان

و جنوبی و اطراف صحن با سنگ پارسی پوشش شده و نمای خارجی صحن دارای تزیینات کاشیکاری معقلی از دوره صفویه است . طاقهای ایوان های شمالی وجنوبی نقاشی هائی از عهد صفویه دارد و داخل ایوانهای شرقی و غربی با نقاشی های بعد از دوره صفویه تزیین شده است .

شبستان مسجد در عقب ایوان غربی آن واقع شده و دارای بیست ستون سنگی بارتفاع تقریباً دو متر از سنگ پارسی است و بوسیله قطعاتی از سنگهای مرمری شفاف ازبالا کسب نورمیکند . مردم سده معتقدند که این مسجد را امام حسن (ع) بنا کرده ویا آنکه آن حضرت دراین مسجد نماز گزارده است وامروزهم آنرا مسجدامام حسن مینامند . درحال حاضر هیچگونه کتیبه ای در این مسجد وجود ندارد واگر کتیبه یا خطوطی موجود بوده درنتیجه تغییراتی که بمرور زمان درمسجد داده شده از بین رفته است .

کتیبه سنگاب مسجد خوزان

تنها کتیبه و تاریخی که در مسجد خوزان مشاهده میشود کتیبه سنگاب آنست که در دالان ورودی واقع شده و مورخ بسال ۱۱۰۸ هجری قمری میباشد . متن این کتیبه بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی بشرح زیر است :

« وقف حضرت امام حسین نمود حاجی حیدر این قدحرا بتاریخ شهر رمضان سنه ۱۱۰۸ . »

بقعه شهرضا

شهرضا (قمشه سابق) درچهارده فرسخی جنوب اصفهان در سر راه شیراز واقع شده است . بقعه شهرضا تاشهرستان شهرضا فاصله کمی دارد وبرروی قسمت مرتفعی در دامنه کوه محلی که در جنوب آن واقع گردیده بنا شده است . ازصحن فعلی که

استخر آبی در وسط و اشجار باصفائی در اطراف آن کاشته شده بوسیله پله کانهای سنگی وارد بقعه میشوند . سردر بقعه و گنبد آن کاشیکاری شده. نقش کاشیکاری گنبد بگنبد مسجد شاه اصفهان شباهت دارد و سال ساختمان آنرا بدوره صفویه میرساند کتیبه اطراف آن بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ شامل تمام سوره (جمعه) است ولی سال اتمام آنرا ندارد . در نیمه شمالی گنبد که از داخل صحن بخوبی دیده میشود دریك لوحه لوزی شکل بخط نستعلیق لاجوردی معرق برزمینه کاشی سفید سال تعمیر گنبد بشرح زیر نوشته شده است :

« درسال ۱۳۶۰ هجری قمری حاج سید اسماعیل میربد شهرضائی تجدید وتعمیر این بنای مقدس را عهده دار و بانجام رسانید . »

بر گردنه گنبد باخطوط بنائی وکاشی معرق عباراتی نقش شده که رنگ زرد در متن رنگهای آن بر سایر الوان غلبه دارد و صلوات بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام است ودرقسمت شمالی آن دریك لوحه بخط بنائی سفید معرق برزمینه کاشی مشکی عبارت زیر نوشته شده است :

« عمل استاد علی اصغر اصفهانی و استاد عبدالرحیم ۱۲۷۶ »

در داخل پشت بغل های کاشیکاری معرق ایـوان مدخل بقعه در دو لوحه بخط نستعلیق مشگی برزمینه فیروزه ای نوشته شده : « مقرب الخاقان سهام الملك »

در طرفین دو پشت بغل ایوان شمالی بقعه و در بالای جرزها در دو شکل مربع که داخل آنها دو شکل صلیب مانند نقش شده در حواشی مربع سمت راست بخط بنائی ساده لاجوردی برزمینه زرد سوره (اخلاص) وبعد از آن سوره (نصر) نوشته شده که داخل مربع را نیز پر میکند و در حواشی و داخل مربع سمت چپ سوره (توحید) وبعد از آن سال تاریخ (۱۲۷۸) نوشته شده است .

در دو لوح مستطیلی شکل در بالای دو اسپر طرفین ایوان که در پائین جرزها واقع شـده بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ یك فـرد شعر

بشرح زیر نوشته شده است :

عـامل این رشگ جنـات النعیم	شد علی اصغر دگر عبدالـرحیم

۱۲۷۸

عبارات و اشعار منقور بردر های بقعه شهرضا

مدخل بقعه ایوان کوچکی است که با آینه تزیین شده و در طرفین آن دوجفت در نفیس ازچوب گردوی ساده نصب شده ودرجهت مقابل یکجفت در نفیس خاتمکاری است که هر لنگه آن با اشعاری بخط نستعلیق سفید برزمینه خاتمکاری تزیین شده است . دو جفت در خاتم‌کاری دیگر نیز در دوجانب شرقی وغربی داخل بقعه نصب شده که حرم را باطاقهای مجاور آن متصل میکند .

اشعار فارسی منقور بر در های بقعه بخط نستعلیق بـا استخوان برزمینه منبت و خاتم‌کاری بشرح زیر است :

در جنت برخ خلق گشوده است خدا	یـا در بقعه فـردوس فر **شاه رضا**
حبذا این درعالی که شد ازقدروشرف	چون در کعبه زیارتگه اصحاب صفا
از پی سجده این در بـزمین میآیند	به ارادت همه شب خیل ملایك زسما
خوش رواقیست معلا که بردر گه او	پشت شاهان جهان است بتعظیم دوتا
ای مریض غم بیمار گناهان ، بطلب	زین در عالی اگر میطلبی فیض شفا
حاجت ارداری‌ازاین‌درطلب‌ایحاجت‌مند	که بود حـاجت مردم بدر کعبه روا
صارم الدوله قرین‌است بعز وبشرف	در دو کون از اثر بندگی **شاه رضا**
که به اخلاص تمام این درآراسته را	وقف فرمود براین بارگه روح فزا
ایشه پاك که‌مفتاح کرم‌در کف‌تواست	دررحمت زعطا بررخ **افسر** بگشا (۱)

(۱) عبدالرحیم افسر اهل اصفهان و در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری زندگی میکرده شهرت او بیشتر در خط نویسی است وخط نسخ و نستعلیق را نیکو مینوشته ، دیوانش بچاپ نرسیده واشعارپراکنده‌ای از اودردست است، وفاتش بسال ۱۳۰۵ هجری قمری اتفاق افتاده

و بر هر لنگه در دو مصراع از چهار مصراع ذیل منقوراست :

بلغ العلی بکماله	کشف الدجی بجماله
حسنت جمیع خصاله	صلوا علیه و آله



تزیینات کاشیکاری گنبد بقعه شهرضا

در قسمت پائین دو جفت در شرقی و غربی حرم بخط نستعلیق عبارت زیر

نوشته شده است :

« حسب الفرمایش حضرت اجل اکرم آقای صارم الدوله سردار اعظم دام اقباله العالی اتمام یافت فی شهر صفر المظفر سنه ۱۳۱۵ »

« عمل چاکر درگاه استاد باقر نجار »

بر در اصلی بقعه شهرضا که خاتم‌کاری است عبارت زیر منقور است :

« برحسب فرمایش جناب جلالتمآب آقای صارم الدوله دام اقباله العالی اتمام یافت سنه ۱۳۰۹ »

کتیبه های ضریح بقعه شهرضا

ضریح بقعه شهرضا از نمونه های عالی هنر خاتم‌کاری و منبت‌کاری ونقره‌کاری است . ازاره های اطراف بقعه باکاشیهای هفت رنگ تزیین شده . کف بقعه ازسنگ ساده مفروش است ولی بالای ازاره ها درتمام دیوارها وطاق گنبد آینه‌کاری است .

درطرفین مدخل اصلی بقعه بردولوح سنگی کوچك مرمری بخط نسخ برجسته (اذن دخول حرم) نوشته شده ولوح سمت راست بتاریخ ۱۲۷۹ مورخ شده است .

بالای در شرقی حرم در یك لوحه بخط نستعلیق بر زمینه قرمز رنگ جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) آینه‌کاری شده و در بالای در غربی نوشته شده :

« فادخلوها بسلام آمنین »

دومصراع بخط نستعلیق سفید برزمینه قرمز دردولوحه واقع درطرفین درغربی بقعه آینه‌کاری آنرا از اقدامات (بانو عظمی) معرفی میکند بشرح زیر :

زیمن دولت و فرمان بانوی عظمی   شده است آینه این بقعه بهشت آسا

درضلع غربی ضریح و بردرنقره آن اشعاری بخط نستعلیق برجسته نقره‌کاری ضریح را نیز از (بانو عظمی) معرفی میکند بشرح زیر :

در زمان ناصر الدین خسرو ملك عجم   آنکه دربانش دوصد اسکندر وداراستی

گوهر دریای عفت کز دو جانب درجهان همصدف با **ظل سلطان** حضرت والاستی
عصمت کبری مهین دخت شهنشه کش لقب افتخار دولت است و بانوی عظماستی
این درسیمین مزین کرد واز خود ساخت وقف بر حریمی کز شرف چون جنت المأواستی
روضه پاکیزه همنام **شاه دین رضا** آنکه جاروب درش از گیسوی حوراستی
خواست سالش راهمی وطواط منشی ازخرد آنکه نطقش همچو طوطی درجهان گویاستی
خود یکی آمد زغیب وازپی تاریخ گفت **از ازل این باب عالی تا ابد برجاستی**
۱۳۰۸

« اقل السادات حسن الحسینی »

بقعه شاه سید علی اکبر

بقعه شاه سید علی اکبر درحدود ۱۸ کیلومتری شمال شرقی شهرضا واقع شده واز آثاردوره صفویه است، گنبد آن باکاشی های (نره) مانند گنبد بقعه شهرضا پوشیده شده و از نظر معماری گنبد زیبائی محسوب میشود و دو پوش است . داخل گنبد تزیینات زیادی ندارد و با گچ ساده سفیدکاری شده و حاشیه های باریك آبی رنگ دارد ، ضریح درگوشه ای از بقعه و متصل بدیوار جنوبی آن نصب شده ، تزیینات ضریح منبت کاری ساده با شبکه های برنجی است و در یك گوشه آن برروی چوب عبارت ذیل منقوراست : « تمام شد بتاریخ شهر ربیع الاخر ۱۲۵۱ »

کتیبه نمای خارجی گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل آیه ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ سوره (نور) است و قسمت آخر کتیبه که نام کاتب آنرا در بردارد بشرح زیر است :

« کتبه محمد باقر الشریف الشیرازی »

برجانب شمالی ضریح چوبی و منبت کاری آن صلوات برچهارده معصوم علیهم السلام بخط خوش نسخ منقور است .

درایوان شمالی مقبره که اخیراً تجدید ساختمان شده دولوح سنگی وجود دارد یك لوح کوچك درسمت چپ مدخل که بردیوار نصب شده و کتیبه آن تاریخ ساختمان بقعه را بدوره شاه عباس اول میرساند ، این کتیبه که بخط نستعلیق برجسته برسنگ حجاری شده شامل دو فرد شعر بشرح زیر است :

این بنا را بفضل حی صمد — یافت توفیق ساخت **یاراحمد**

سال تاریخ او اگر خواهی — **نود وهشت دان تو با نهصد**

لوح سنگی سمت راست مدخل ازکاری های جدیداست و کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته و مورخ بسال ۱۳۷۶ هجری قمری از تعمیرات بقعه دراین سال حکایت دارد اشعار حجاری شده براین لوح بشرح زیر است :

این آستانه‌ای که درخشد چو آفتاب — شاهست و شاهزاده و از نسل بوتراب

بابش امام هفتم وموسی بن جعفراست — بهر غریبیش دل خلقی بود کباب

جبریل خادم در این خانواده است — میکال بوده است غلامی از آن جناب

ایوان بساخت سید عبدالعلی بخیر — او را لقب حسینی و دارد بسی ثواب

اندر هزار وسیصد وهفتاد و شش تمام — شد درجهان مرمت و گردید فتح باب

خواهی اگر شماره تاریخ این بنا — او را غلام شاه شمارید در حساب

۱۳۷۶

کتیبه یك سنگ قبر قدیمی

عبارت حجاری شده بر یك سنگ قبر قدیمی که در پائین دیوار غربی ایوان شمالی بقعه بطور عمودی نصب شده تاریخ قبرستان اطراف بقعه را تا اوایل قرن دهم هجری معلوم میدارد ، در حاشیه سنگ اسامی دوازده امام و درمتن آن بعد از (بسم الله الرحمن الرحیم) و (آیة الکرسی) کتیبه ای بشرح زیرحجاری شده است:

« وفات جناب سیادت مآب المرحوم المغفور سید شاه محمود بن جناب سید حیدر بن سید علیشاه طباطبائی الحسینی فی اواخر صفر سنة عشرین وتسعمائه . »



بقعه شاه سید علی اکبر از آثار دوره صفویه

اشعار فارسی در داخل و خارج بقعه شاه سید علی اکبر

در آخر کتیبه نمای خارجی بقعه شاه سید علی اکبر اشعاری بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده که مضمون آن حاکی ازبنای بقعه بوسیله حاجی

میرزا آقا محمد آبادی و اهتمام ارشد اولاد او بنام عبدالحسین نسبت بکاشیکاری و تعمیر آنست ، اشعار مزبور که قرائت قسمتهائی از آن بعلت درهم بودن خط مشکل مینماید اثر طبع (طغرل) شاعر اصفهانی ومورخ بسال ۱۳۰۷ هجری قمری است .

در داخل بقعه نیز بخط نستعلیق برزمینه لاجوردی اشعار زیر اثر طبع (طایر) مورخ بسال ۱۳۰۷ هجری قمری گچ بری شده است :

بعهد دولت جمجـاه شاه کیوان فر — معین ملت اسلام ویار دین ناصر (۱)

بحکمرانی نــــواب ظل ظل الله — که کرده حلقه فرمانبری بگوش قمر

سلیل سلسله مصطفـی محمـد نـام — . . . . . (۲)

سعادت ازلی یافت در جهان بحیات — سلامت ابـدی برد در سرای دیگر

بـرای خـدمت فرزند موسی کاظـم — که خاك در گهش افلاکراست کحل بصر

امـــــامزاده آزاده جلیل القدر — پناه خلق جهان شاه سید علی اکبر

بنای اینحرم و بقعه با گچ و ساروج — نهـاد و گشت بارض نجف ورا منظر

تمام کرد پس از وی مقرب الخاقان — که یادگار خلف بودش ارجمند پسر

بنام نامی عبدالحسین خان سرهنگ — نمود کاشی و تعمیر کـرد سرتـاسر

بسعی وهمت استاد با فطانت و هوش — محمد ابـن محمد صنیـع دانشور

نوشت از پی تـاریخ این بنا **طایر** — **زهی رواق وحرم قبله گاه جن وبشر** (۳)

---

(۱) مقصود ناصرالدین شاه قاجار است .

(۲) این مصراع لایقرء است .

(۳) این مصراع بحساب حروف ابجد سال ۱۳۰۷ هجری قمری است .

فصل هشتم

آثار تاریخی مشهور اصفهان

که بوسیله رجال و علمای دوره قاجار بنا شده است

یکی از رجال معروف اصفهان که علاوه بر حسن تدبیر خود در اداره قسمتی از سلطنت قاجاریه آثار خیری بیادگار گذاشته و تعمیراتی در مساجد و مدارس و تکایای اصفهان بعمل آورده و موقوفاتی بجهت آنها اختصاص داده است حاج محمد حسین‌خان صدراصفهانی است که ازخانواده‌ای گمنام بپاخواسته وددردوره فتحعلیشاه بمقام صدارت و حکومت اصفهان رسیده است و از قراری که مردم اصفهان درباره آغاز زندگانی او میگویند در ابتدا علافی بیش نبوده و او همان کسی است که فتحعلی خان صبا ملك الشعرای دوره فتحعلی شاه قاجار در باره او گفته است:

از کاه کشی بکهکشان شد | بر تخت ز تخته دکان شد

صدر در سال اول تاجگذاری آقا محمد خان قاجار (۱۲۱۰ هجری) بحکومت اصفهان منصوب شده و در دوره فتحعلی شاه با سمت بیگلربیگی اصفهان حکومت اصفهان و قم وکاشان را نیز بعهده داشته است، پس از وفات میرزا شفیع مازندرانی (۱۹ رمضان ۱۲۳۴) حاج محمد حسین خان صدر اعظم فتحعلیشاه شد و تاهنگام وفات این منصب را بعهده داشت، ازدوره حکومت صدردراصفهان علاوه برتعمیراتی که در مساجد و مدارس مانند مسجد جمعه اصفهان و مدرسه ملاعبدالله انجام داده و نام او در کتیبه ها آمده است آثار مستقل دیگری نیز بر جای مانده مانند خیابان چهارباغ صدر یا (چهارباغ خواجو و چهارباغ نو) که برای احداث آن از نقشه خیابان چهارباغ دوره شاه عباس پیروی شده و سه مدرسه که یکی در بازار بزرگ

اصفهان واقع شـده و دیگری در محله (پای قلعه) و سومی در خیابـان چهارباغ خواجو قراردارد وهرسه مدرسه تا این تاریخ بنام او بمدرسه (صدر) معروف است(۱)

مدرسه بزرگ صدر

مشهورترین بنای تاریخی ازدوره حکومت حاج محمد حسین خان صدراصفهانی مدرسه صدر است که در بازار بزرگ واقع شده و ازمدارس باشکوه و دایر اصفهان بوده و هست و در هر دوره و زمان مرکز تدریس وافاده علمای بزرگ در هرشته بوده مثلا درفقه واصول آخوند ملامحمد حسین فشارکی ومرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی ودرحکمت و کلام ومنطق مرحوم آخوندکاشی وآقا شیخ محمد خراسانی و مرحوم جهانگیرخان و آقا شیخ علی یزدی وغیره تدریس میکرده اند و از ایام قدیم این شعر وصف حال طلاب این مدرسه بوده است :

واقعاً مـدرسه صدر صفـائی دارد　　　بلبلی شیخ علی نـام نوائی دارد

(منظور از شیخ علی همان شیخ علی یزدی است که در فن تدریس مغنی و شرح لمعه بخصوص تخصص بسزائی داشته است) . این مـدرسه که ساختمان و تزیینات نما های خارجی آن ناتمام مانده و عمر صدر برای انجام این مهم کفایت نکرده با درختهای کهن کاج صفا وطراوت مخصوص دارد وازایام قدیم برای اشغال حجرات این مدرسه دائماً بین طلاب علوم دینیه کشمکش ونزاع بوده است .

کتیبه و اشعار فارسی سردر مدرسه صدر

در قسمت فوقانی سردر مدرسه صدر بخط نستعلیق سفید برزمینه مشگی معرق در یك لوحه جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) نوشته شده و بر زمینه معرق مشگی گل و بوته دار نوشته شده است :

« قال رسول الله ص انا مدینة العلم وعلی بابها **کتبه‌الادیب عبدالجوادالخطیب** »

---

(۱) برای اطلاع از زندگانی و شرح احوال صدر اصفهانی مراجعه شود بشماره هشتم سال دوم مجله یادگار صفحه ۴۱ ـ ۵۷

در طرفین سردر در دو لوحه کوچك دایره مانند بخط نستعلیق سفید بـرزمینه مشگی معرق نوشته شده :

« دست علی » « تراش غفار » (١)

اشعار فارسی سردر مدرسه صدر

در سردر مدرسه صدر اشعاری بخط نستعلیق سفید برزمینه مشگی کاشی معرق اثر طبع دانشمند محترم استاد جلال الدین همائی متخلص به (سنـا) مورخ بسال ١٣٤١ هجری قمری بشرح زیر نوشته شده است :

ضمایر دو جهان از پس هزارحجاب — چو آفتـاب درخشد در آبگینه علم

بشوق چرخ نگر کزپس هزاران سال — هنـــــوزدست تمنا نهد بسینه علم

روان **صدر** ازین مـدرس سپهر اساس — روان در آب حیاتست یا سفینه علم

بعون لشگر نصرت نظـام دولت داد — بحفظ کشور دین نظم این مدینه علم

بـدستیاری المـاس فکر تـا بابد — پر از جواهر کانـی بود دفینه علم

صفـای سعی بلیغش بطوف کعبه دین — چو کرد قفل یقین باز ازخزینه علم

بتولیت چو برافراخت سر زاستحقاق — حسین شبل علی(٢) آن زجان کمینه علم

نوشت کلك **سنـا** از بـرای تاریخش — **گشوده شد بره دل در از مدینه علم**

١٣٤١

کتیبه سنگاب مدرسه صدر

کتیبه سنگاب مدرسه صدر بخط نستعلیق برجسته برسنگ پارسی بشرح زیر است:

مینوش آب و لعنت حق بریزید کن — جانرا فـدای مرقد شـاه شهید کن

« وقف جناب ابا عبدالله الحسین علیه السلم نمود حاجی محمد ابراهیم خلفمرحمت و غفران پناه میرزا محمد بیك شیروانی فی سنه **١٢٧٥** حمل و نقل کننده از مدرسه

---

(١) مقصود از دست (بناء) و مقصود از تراش (کاشیکار) است .

(٢) مقصود مرحوم حاج شیخ محمد حسین خان صدر متولی مدرسه است .

صدر بلعنت خداوند گرفتار گردد مادامی که این مدرسه آباد است »

کتیبه نمای خارجی کتابخانه مدرسه صدر

احداث کتابخانه و بنای ساختمان آن از اقدامات آیت الله آقای حاج سید محمد رضا خراسانی از روحانیون عالیمقام معاصر اصفهان و مدرس بزرگ مدرسه صدر ومدرسه چهارباغ اصفهان است . درسردر کتابخانه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است :

« بعد الحمد لله والصلوة علی محمد ص وآله فقد اقدم السید السند الفقیه و آیة الله الملك الجلیل السید **محمد رضا الخراسانی** لتأسیس هذاالبناء وتکمیله احیاء للعلوم والمعارف الدینیة و حفظاً للکتب العلمیة حرره **خلیقی پور** . »

و در یك لوحه کوچك در قسمت فوقانی سردر کتابخانه نوشته شده :

(بسم الله الرحمن الرحیم ١٣٦٤)

دراطراف نمای خارجی کتابخانه بخط خلیقی پور اشعار زیر که اثر طبع استاد جلال الدین همائی است بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده :

دانش‌طلب که دانش ودین در کمال نفس — مس وجود را مثل کیمیا بود
بر رهروان زمنزل شك تا در یقین — دانش چراغ روشن و دین رهنما بود
با پر و بال علم هیولای محض را — تا عقل مستفاد، همی از بقا بود
افشاند آستین بجهان آنکه با ادب — بر آستان علم و ادب جبهه سا بود
آنرا که دست علم و هنر دستگاه داد — در پایه آسمان و زمین زیرپا بود
هر مجلسی زعلم بود باغی از بهشت — این گفته نکتهٔ زشه اولیا بود
باشد کتابخانه یکی گنج پر گهر — کز هر گهرش مخزن دل پر بها بود
یا منبعی زنور که هر ذره ایش را — افزون از آفتاب فروغ و ضیا بود

یا گلشنی ز علم که اوراق گلبنش — اندر دماغ ناطقه دانش فزا بود
پاینده باد حجت اسلام و دین رضا — کز وی اساس و شالده این بنا بود
سرمایه نجات بکار دو عالم است — کاری که از برای رضای خدا بود
بشنو دو جمله از پی تاریخ این بنا — کآن هر دو یادگار زطبع سنا بود
از این کتابخانه بجو علم دین سپس — **برگو بنای علم زسعی رضا بود**

۱۳۶۳

« قد تم هذاالبناءِ فی منتصف شعبان ۱۳۶۵ »

وبخط نستعلیق نوشته شده : «ساخت ابوالقاسم کاشی‌ساز» الکاتب‌الاثیم میرسید(۱) الملقب بخلیقی پور »

در دو لوحه وسط دوپشت بغل کاشیکاری کتابخانه بخط ثلث مشگی برزمینه کاشی سفید عبارات زیر نوشته شده است :

« قال علیه‌السلم احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیها . »

ودرلوحه دیگر نوشته شده: «قال علیه‌السلم اکتبوا فانکم‌لاتحفظون حتی‌تکتبوا. »

وبخط نستعلیق مشگی برزمینه کاشی‌سفید نوشته شده: «عمل ابوالقاسم‌کاشی ساز»

چهارباغ صدر

قرینه چهارباغ معروف اصفهان ازدوره شاه عباس اول دردوره سلطنت فتحعلیشاه قاجار بوسیله صدر اعظم اوحاج محمد حسین خان چهارباغ دیگری احداث شده که دروازه حسن آباد اصفهان را به پل خواجو ارتباط میدهد ، این چهار باغ که آنرا چهارباغ صدر وچهارباغ نو نیزمینامند وظاهراً درابتدا چهارباغ فتح‌آباد نام داشته طی‌سالهای ۱۲۱۷-۱۲۲۱ احداث شده وازنظر نقشه وخیابان بندی‌عیناً مانند چهارباغ کهنه (چهارباغ عباسی) است و مانند آن چهارباغ اشجار باصفا و باغاتی درطرفین دارد . مؤلف جغرافیای اصفهان راجع باین چهارباغ و چهارسوی نقاشی که آنهم

---

(۱) مرحوم میرسید مهدی خلیقی پور از خطاطان مشهور دوره معاصر بوده است .

از بنا های زیبای اصفهان بوده در سال ۱۲۹۴ هجری قمری چنین نوشته است :



تصویر حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی

« چهارباغ صدری که مرحوم حاجی محمد حسین خان صدراعظم اصفهانی ساخته

منتها الیه پل حسن بیك موصوف وموسوم به‌پل خواجو است با دروازه آخر چهار باغ و چهارباغ مزبور قرینه چهارباغ کهنه شاه عباسی واقع شده ، طولش رو بشهر وحد ضلع شرقی اش بمحله خواجو ، چنار هاش همه مستقیم ومرتفع و قوی ، باغچه ها و سنگفرش زمینش مانند چهارباغ کهنه شاهی ، دیوارهاش همه بهتر و طاق نما دار، هزاره اش سنگ سخت سیاه ، در اواسط این چهار باغ هم مدرسه کوچکی هست که عبدالله خان امین الدوله پسر صدر مرحوم ساخته است و نیز حمام خوبی خود صدر ساخته است جهت سکنه محل خواجو، درش بچهارباغ بازمیشود، طول این چهارباغ از چهارباغ کهنه بیشتراست ، سردربهای باغات وحوضهای بزرگ که میان آن دارد این ندارد الایك سردرب بسیارخوب وچهارباغ مزبورمنتهی‌میشود بدروازه حسن آباد که همان حسن بیك ترکمان ساخته است و دروازه مزبور متصل است ببازارچه بایرهٔ و بچهارسوق نقاشی که طاق آن چهارسوق گنبدی است رفیع ووسیع ، درزیر طاق چهار طاقنما دارد مصور بتصویرات بی نظیر کارهای نقاشان بزرگ زمان پیش (۱) که مجالس حضرت یوسف و صورتهای پهلوانان و بهادران دوره شاه عباس را چنان کشیده اند که در این اوان هیچ مصوری ازعهده آن برنمیآید .» (۲)

کتیبه سردر مدرسه پای قلعه ازدوره حکمرانی حاج محمد حسین خان صدر

یکی دیگر ازآثاردوره حکمرانی صدر اصفهانی مدرسه پای قلعه است که نمای اطراف صحن آن باکاشیهای خشت هفت رنگ آراسته شده است . کتیبه سردر این مدرسه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی و مورخ بسال ۱۲۱۷ هجری بشرح زیر است :

---

(۱) چهارسوی نقاشی ازدوچهارسوی بزرگ وکوچك تشکیل میشده، چهارسوی بزرگ را بعلت سهل انگاری و عدم توجه در سنوات اخیر چون در معرض خیابان جدید شاه عباس قرار میگرفت منهدم کردند ولی چهارسوی کوچك آن تا این تاریخ برجای مانده است .

(۲) جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین خان چاپ تهران صفحه ۲۹ و ۳۰

« لقد بنی هذه العمارة المشتملة علی المسجد الشریفة والمدرسة الرفیعة فی زمن دولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی مراسم الشریعة الغـراء و مشید قواعد ملة البیضاء مروج آثار ائمة الطاهرین السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان فتحعلی شاه قاجار شد الله اطنـاب دولته باوتاد الخلود اعـدل حکام الزمان و زائر بیت الله الحرام حاجی محمد حسینخان صانه الله عن حوادث الدوران الوالی فی دار السلطنة اصفهان صینت عن طوارق الحدثان فی عام سبع عشرة ومأتین بعدالالف» (۱)
۱۲۱۷

تعمیر آثار صفویه در دوره صدارت حاج محمد حسین خان صدر

دردوران سلطنت فتحعلیشاه قاجار (۱۲۱۲ ـ ۱۲۵۰ هجری قمری) حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی درتعمیر وحفظ کاخهای سلطنتی و آثار عهد صفویه اهتمام مخصوص بخرج داد وبا اطمینان تمام میتوان گفت که اگرعلاقه ودلسوزی آنمرحوم نبود بسیاری از ابنیه عهد صفویه همـانوقت از میان میرفت ، وی علاوه بر تعمیر و احیاءِ آثار مزبور ابنیه وآثاری نیز بسبك دوران صفویه ایجاد نمود مانند چهارباغ نو وهفت دست صدری که در مجاورت هفت دست دوره صفویه بنا شد وبعداً هردوی آنها را در سالهای پیش از مشروطه منهدم ساختند .

دیگر ازآثارخیری که ازصدر اصفهانی بیادگارمانده بنای مدرسه صدر نجف وقلعه آنشهراست که جهت رفاه وآسایش زائرین عتبات ساخت ودر اصفهان دیوانخانه صدر یاعمارت صدری که درضلع جنوبی باغ چهلستون بناشده بودواکنون اراضی بایر آن درجانب غربی تالاراشرف (محل فعلی اداره فرهنگ اصفهان) مشاهده میشود(۲) مؤلف جغرافیای اصفهان درسال ۱۲۹٤هجری قمری راجع بعمارت صدری چنین نوشته است:

---

(۱) این کتیبه که خواندن آن قدری مشکل مینمود با همکاری دوستان فـاضل نگارنده آقایان حسین همامی زاده و سید مصلح الدین مهدوی قرائت گردید .

(۲) جابری انصاری تاریخ انهدام عمارت صدری را سال ۱۳۱۷هجری قمری ضبط کرده است (تاریخ اصفهان و ری صفحه ۳۵۰)

« عمارت صدری دیوانخانه زیاده از اندازه وسیع است و میان عمارات مبارکات باین وسعت و جامعیت عمارتی ندارد . حمام و خلوتها و نارنجستانهای بزرگ دارد صدر اعظم اصفهانی بعنوان پیشکش برای تقدیم قدوم خاقان مغفور ساخته (مقصود فتحعلیشاه قاجار است) اعیانی آن از چهار سمت تحتانی وفوقانی ، دور آن حیاط اطاقهای عالیه ملوکانه هست که هر کدام از زیادی مکان یکدست عمارت تمام است و تالار معظم مرتفع درضلع عرضی شرقی واقع که بعد ازتالار چهلستون وعلی قاپی و آینه خانه تالاری باین خوبی ساخته نشده . سردرب بزرگی در زیرآن تالاراست ازوصف بیرون ، حیاط خلوت نارنجستان که عقب تالار است ازدیوانخانه های بسیار بزرگ بزرگتر و نسبت بحیاط تالار مزبور کوچکتر ، تالار هم دو رو است ، یك روش بحیاط بزرگ باز است و یك رو بحیاط نارنجستان و حیاط نارنجستان نیز مشتمل بر عمارات عدیده که امکنه آن هر کدام کماً وکیفاً بسیار عالی و مرغوب حمام خوبی هم در آنجا ساخته شده ، این عمارات هم از حیثیت آلات و ادوات و تصویرات و غیره بی نظیر است و بجهت اندرونی خاقان مغفور ساخت ، تحتانی و فوقانی مجموع بیوت را در خور سلطنت و شأن حرمخانه مبارك که با فرش و سایر لوازم تشریفات پیشکش نموده » (۱)

صدراعظم اصفهانی نسبت بتعمیر وترمیم سایر بیوتات سلطنتی دوره صفویه مانند باغ و عمارت انگورستان ، باغ و عمارت هشت بهشت ، تالار طویله و غیره که از بسیاری از آنها فقط نامی باقی‌مانده است نیزدردوره حکومت وصدارت خود اهتمام مخصوص بخرج داده است، مؤلف جغرافیای اصفهان راجع بوضع اینقبیل بیوتات سلطنتی مقارن سال ۱۲۹٤ هجری قمری و حدود ۵۵ سال پس از وفات صدر اعظم اصفهانی که دیگر اقدامی نسبت بتعمیر و نگاهداری این آثار بعمل نیامده بوده

(۱) جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین خان چاپ تهران صفحه ٢٤

چنین نوشته است :

« **باغ انگورستان** و عمارت میان آن از بنا های صفوی است ووضع آن خیلی خوب است و با تعریف ، **بهشت آئین** اندرون خانهٔ سلاطین صفوی بوده ، بحریست بی پایان ، الان مخروبه و بعضی اطاقهای آن انبار جنس دیوان است ، در اوقات آبادی خیلی نقل داشته :

از نقش و نگار در و دیوار شکسته   آثار پدید است صنادید عجم را

این عمارت را افاغنه وغیره بطمع دفینه دستی خراب کرده اند ، در اواخر عهد شاهنشاه مبرور (مقصود محمد شاه قاجار است) زمان حکومت منوچهر خان معتمد الدوله مرحوم، حمامی از متعلقات آن عمارات در زیر خاك پیدا شد ازسنگ مرمر وکاشیکاریهای خوب با جمیع آلات و اسباب حتی فاطیل خزانه و بهیچوجه نقص و تکسر نداشت ، بدون مرمت دایر گردید .

قصر فراشخانه الان مخروبه است ، عمارت با عرض و طولی بوده بسیار عالی ، بعضی کاشیهای آن که باقی مانده مانند چینی است . باغ **توحید خانه** باغی است در پشت علی قاپی و تالار طویله در کنار آن خلوتهای تودرتوی خرابه و در وسطش گنبد بسیار وسیع عجیب الشکل مرتفع ، میگویند این مقام توحید خانه کملین و موحدین آنزمان بوده .

تالارطویله دیوانخانه دولتی بسیاروسیعی است پشت طویله شاهی وجنب علی قاپی واقع شده مشتمل بر یك تالار بزرگ مصور و منقش و اطاقهای موسوم بمروارید و غیره مطلا و مقرنس ، با بیوتات تحتانی و فوقانی زیاد عالی و یك حوض بزرگ جلوتالار وصل بدریاچه مطول ، بانضمام سه خلوت درسه سمت عمارت واین دیوانخانه محل سلام عام سلاطین صفوی بوده . **دیوانخانه بزرگ اشرف** در کمال خوبی اندرون **رشگ جنان** با خلوت و حمام نیز درنهایت مرغوبی. خلوت **رکیب خانه** در وسعت حیاط متوسط و در نیکوئی عالی ، اطاقهای تحتانی و فوقانی آن زیبا و تمام

منقش و مطلا ، **میدان چهار حوض** که سابق بر این چهارحوض در چهار موضع آن بوده میدانی است نسبت بنقش جهان و سایر میدانها کوچك ، مشتمل بر حجرات اطراف که اکنون سربازنشین است و یك فوج در آن سکنی مینمایند ، این میدان بمنزله جلوخان عمارات مبارکات است ، سردری دارد مرتفع وعالی متضمن مکانهای مرغوب . » (۱)

لوح سنگی سقاخانه بازار رنگرزان اصفهان از دوره حکومت حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی

در آخر بازار رنگرزان و درمجاورت حمام شاهزاده ها ومدرسه شاهزاده ها (۲) بالای سقاخانه‌ای که چندان در مرئی و منظر نیست لوح سنگ مرمری بطول ۱/۳۰ متر و عرض ۵۲ سانتیمتر نصب شده که بر روی آن فرمان ذیل دائر بمعافیت صنف صباغ ازبعضی عوارض دیوانی بخط نستعلیق ممتاز بشرح زیرحجاری شده است :

« اما بعد چون در عهد دولت معدلت سیرت بندگان قیصر پاسبان خدیو زمان فخر پادشاهان جهان شهنشاه سلیمان شان **السلطان بن السلطان بن السلطان فتحعلیشاه قاجار**عدالت شعارخلدالله ملکه همواره حکومت واختیار دیاراصفهان ومضافات بعهده عالیجاه رفیع جایگاه عظمت و بسالت دستگاه ودولت خواه خاص با اخلاص دودمان قاجار **الحاج محمد حسین خان نظام الدولة السلطانیه** (۳) دام اجلاله العالی مفوض

---

(۱) جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین خان فرزند محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهان چاپ تهران صفحه ۲۲ و ۲۳ و ۲۴

(۲) مدرسه شاهزاده ها نیز یکی از بنا های دوره صفویه در اصفهان بوده است که در انتهای بازار رنگرزان واقع شده و طلبه نشین بوده و چون انهدام و ویرانی بآن راه یافته بوده است آنرا خراب نموده و درمحل آن دبستانی بنا کرده اند ، قسمتی ازپشت بغل های کاشیکاری نفیس این مدرسه عیناً بباغ چهلستون انتقال داده شده و در پشت عمارت چهلستون در جا های مناسبی نصب شده است .

(۳) **سرجان ملکم** درکتاب مقالات خود شرحی درباره صدر اعظم اصفهانی نوشته و

بوده و ازآنجا که نواب معظم الیه را از رهگذر انصاف درحال کسبه واصناف منظور نظرمرحمت اثرمیباشد بدعتی را که بعضی ازاشرارجماعت صباغ وغیره بطورجماعت نساج می‌خواستند برقرار وآنرا مسمی بمهری نمایند بعد از استحضار نواب صاحب اختیار ازحقیقت کار، آن جماعت اشرار را احضار ونهایت اذیت وآزار وقدغن تمام درلعنت بود نموده قرارفرمودند که در زمان اختیار و ازمنه بعد احدی متصدی این امرشنیع نگردد وچنانچه مفسدی خواهد که قرارسابق را برهم زند وبدعتی تازه از مهری نماید بلعن ابدی و طعن سرمدی و از تیره بختانی باشد که بخوك سوار شده و بعزم مقاتله دست خویش را بخون شهدای دشت کربـلای معلی (۱) رنگین نموده باشند و جماعت صباغ نیز بدین طور قرار نمودند که درممانعت بانی این امربدعت با یکدیگر موافق باشند وشائبه خلافی بخاطر نگذرانند. اللهم ثبتهم بالقول الثابت و حذرهم عن وسواس الشیطان المارد و وفقهم (۲) بتوفیقاته **۱۲۳۳** سوادی که بمهر علماءِ اسلامیه مزین گردیده درنزد سلسله عالیجناب مرحمت وغفران پناه امام جمعه میباشد که بضرورت رجوع نمایند، حاجی‌میرمحمد حسین باهتمام حاجی‌سید حسن.»

متذکر شده است که هر ولایتی که تحت حکومت او قرار یافته رو بترقی و آبادی گذاشته و اصفهان در ایام حکومت او دو برابر بیش از پیش دارای جمعیت شده وکارخانجات ابریشم و قلاب دوزی آن در ظرف بیست سال چهار برابر بیشتر گردیده است.

از آثار دیگر صدر در اصفهان اقدام بساختن بنائی برفراز طبقه فوقـانی پل خواجو بوده که آنرا (بیگلربیگی) مینامیدند و بطوریکه جابری انصاری در تاریخ اصفهان وری نوشته این اثر را در سال ۱۳۱۰ هجری قمری خراب کرده اند.

---

(۱) کلمه (معلی) درکتیبه بصورت (معلا) نوشته شده است.

(۲) در ذیل کلمه (وفقهم) سنه ۱۲۲۶ نیز نوشته شده است.

والهیه

آرامگاه واله اصفهانی

یکی ازهنرمندان و گویندگان اوایل عصر فتحعلی شاه که بجهاتی در عصر خود شهرتی پیدا کرده واز هنر وشعرش که ازحد متوسط تجاوز نمی‌نموده گذشته بظرافت وحسن سلیقه ووسواس اشتهار یافته مرحوم آقا محمدکاظم واله اصفهانی است وشرح حال اجمالی اورا تذکره نویسان عهد قاجاریه اکثرضبط کرده اند ، مؤلف حدیقة الشعراء در باره **واله** چنین نوشته است :

« نام گرامیش آقا محمدکاظم از اعاظم اصفهان بود و از جمله مشاهیر است و تکیه ای که مرحوم حاجی محمد حسینخان صدر در حیاتش بجهت او ساخته و بعد از رحلت در همانجا مدفون شده هنوز باقی و به والهیه معروف است ، مشارالیه چون ازپدر مالی فراوان یافته بود بعد ازآنکه قدری سیاحت کرده و کسب کمالات نموده خط خوبی هم بهمرسانید خاصه رقاع راکه خوش مینوشته ودرعلم ریاضی‌هم مهارتی حاصل و در فن عروض و قافیه هم اطلاعی‌کامل پیدا کرد بوطن بر گشت و بواسطه زیادتی سلیقه و پاکیزگی اسباب مجلس که باعتقاد فقیر در آن باب افراط کرده چنانچه گویند سالی مبلغی اجرت میداد که زغال سر غلیان اورا بقسمی بتراشند که بمیزان سر غلیان موافقت کند و از این قبیل کار ها بسیار از او گفته اند ، مجلس مشارالیه مجمع ادبا و ظرفا شد و شعرا نیز حاضر میشد ند و همانا نیز فقط محض همان پاکیزگی مجلس وآسایش وخوش گذرانی بود نه ازبابت استفاضه وتشخیص نیك و بد شعر زیرا که مشهور است که وقتی مهدی بیك شقاقی چون از حالات او مطلع شد در روز بارش با لباسهای خشن گل آلود و هیأت غریب داخل منزل او شده با پای کفشدار بر روی بساطش نشست و مشارالیه چون بعلاوه آن حالات

سوءِ خلق هم داشت خیلی بر آشفت ومیانشان بعضی مکالمات واقع شد تا دانست که مهدی بیك است و مقصودش مزاح میباشد باب انبساط مفتوح کرده مشغول صحبت شدند ، در اثنای صحبت که ذکر شعر بمیان افتاد دیوان خود را بمهدی بیك داد که نظر اجمالی کرده بعضی اشعار که تغییر وتبدیل وتصرفی میخواهد علامت وانگشتی گذارد ، مهدی بیك دوسه بار دیوان را از اول تا آخر برگ برگ برگردانید پس لای کتاب را برهم گذاشته انگشت خود را برپشت کتاب گذاشت یعنی همه‌اش اصلاح میخواهد، اگرچه این را هم جزء شوخیهای مهدی بیك نوشته اند. در۱۲۲۹ در گذشته در تکیه **والهیه** که در اصفهان معروف است مدفون شد . »

سرجان ملکم سفیر کبیر معروف انگلیس و مؤلف تاریخ ایران که باآقا محمد کاظم واله دوستی داشته دریادداشتهای خود درباب ایران راجع بواله چنین مینویسد:

« روزی صبح که بمدرسه بدیدن آقا محمد کاظم واله اصفهانی که استاد و شاعر و حکیم و در باب مسائل سیاسی کنجکاو بود رفته بودم بمن گفت که بناپارت مرد عجیبی است چه او با سرنوشت ممالك مثل اینکه آنها را کلوپ قمار تصور میکند بازی مینماید، بعد از آنکه با عثمانی کنار آمد حالیه میخواهد که پادشاهان ما بساز او برقصند و ایران شلاقی باشد در دست او بر سر روسیه بعد هر دو را برای سلب نفوذ شما ازهندوستان بکاربرد ، بهرحال این مرد نامجو چنگیزخان فرنگی کاملی است . باز ملکم در باب واله مینویسد :

« ازکارهای اواخرعمرواله تهیه محلی بود جهت مدفن خود درچهارباغ اصفهان برای اینکار وی بنای کوچك ظریفی ساخت و در وسط آن قبری برای خود ترتیب داد و برای سنگ قبر قطعه مرمری عالی از یزد طلبید و خود نه تنها کتیبه آنرا نوشت بلکه آنرا بدست خویش حك کرد وتمام کارهای آنرا بانجام رسانید جزاینکه جای تاریخ وفات را خالی گذاشت ، نزدیك قبرچشمه ای جاری ساخت و باغچه ای درست کرد ویکی از کسانیکه اورا دراواخرعمردیده بود بمن نشان داد که آنجا را

مرحوم واله بر سایر نقاط ترجیح مینهاد و در آنجا با یـاران و شـاگردان خود ملاقات و مصاحبه میکرد . (۱)



بقعه والهیه آرامگاه آقا محمد کاظم واله اصفهانی

(۱) شماره نهم سال سوم مجله یادگار صفحه ۲۳ و ۲٤ و ۲۵

بقعه (والهیه) درحاشیه خیابان فیض که سابقاً آنرا چهارباغ امین آباد میگفتند واقع شده (چهارباغ امین آباد درسال ۱۲۱۴ هجری بوسیله حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی احداث شده) بقعه در وسط باغی که در ابتدا در حدود دوازده جریب شاه مساحت داشته واقع شده و نهر معروف به (دویست و پنجاه) از مغرب بمشرق درضلع جنوبی آن جاری است (۱) حجره شخصی واله درمدرسه جده دربازار بزرگ اصفهان که بر روی یکی از شعب مادی فدین بنا شده هنوز وجود دارد وبزرگترین و با صفا ترین حجرات این مدرسه است .

کتیبه سنگ آرامگاه واله

کتیبه سنگ آرامگاه واله بخط تعلیق بسیار زیبا که بقلم خود او درزمان حیات وی نوشته شده و فقط سال وفات او (۱۲۲۹ هجری) بعداً بآن اضافه شده بر قطعه سنگ مرمری شفاف نفیسی بطول ۱/۷۰ متر وعرض ۸۵ سانتیمتر بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی لایبقی الا وجهه ولایدوم الا ملکه والصلوة والسلام علی محمد وآله اما بعد فهذا مرقدی و انا تراب اقدام العلماء والحکماء والعرفاء الّذین لاخوف علیهم ولاهم یحزنون والفصحاء والبلغاء والشعراء الذین ورد فیهم ان لله کنوزاً تحت العرش مفاتیحها السنة الشعراء و هذا اعتقادی و اعتضادی ان الله تعالی واحد بالذات ظاهر فی الذوات وقلت فیه :

ای چشم خرد عاجز ازدیدن ذات تو   پنهان تری ازپنهان بااین‌همه پیدائی

---

(۱) نهر (دویست وپنجاه) شعبه ای از مادی **شایج** است که اززاینده رود منشعب شده و اراضی (برزرود جی) را مشروب میکند، این نهر ازخیابان چهارباغ بالا داخل اراضی باغ سعادت آباد و تخت فولاد شده وسپس اراضی (کوله پارچه) را مشروب میکند، درباره وجه تسمیه آن به (دویست و پنجاه) گفته اندکه ۲۵۰ سهم میشود و حال آنکه چنین سهم بندی درطومارزاینده رود دیده نمیشود، بعضی دیگرعقیده دارندکه چون سهمیه ۲۵۰ جریب از اراضی باغ سعادت آباد وگبر آباد قدیم از این نهر بوده باین نام شهرت یافته است .

و ان محمداً صلی الله علیه عبده و رسوله و ان الائمة الاثنی عشر اوصیائه و ان ماجاءبه النبی حق و انا المستغرق فی بحار معرفة الله العزیز بحیث قلت و اقول :

ترا خواهم نخواهم رحمتت گر امتحان خواهی
در رحمت برویم بند و در هـــــای بـلا بگشا

یامعشر الناس اوصیکم بترك اللذات وحب الشهوات لانی عشت فی الدنیا بالراحة والفخامة بحیث حصلت لی نهایة اللذة والعزة وعاقبة الامر وجدت راحتها الماً وعزتها ذلة ونلتمس من الاخوان المخلصین و نرجوا من الاخلاء الصادقین اذا مروا (۱) علی هذا المضجع اسرونی بقراءة الفاتحة ولا ینسونی بدعاء اللائحة لانی مجرم و مشتاق بلقاء الله المتعال و لما قال النبی صلی الله علیـه و آلـه من کتب بحسن الخط بسم الله الرحمن الرحیم دخل الجنة بغیرحساب کتبت بیدی فی مرض الموت **وانا محمد کاظم المتخلص بواله الاصفهانی ۱۲۲۹ .** »

اشعار فارسی در اطراف بقعه آرامگاه واله

بقعه واله از آثارحاج محمد حسین خان صدر اصفهانی است و درزمانی بنا شده که وی هنوز لقب (نظام الدوله) داشته و بمقام صدارت نرسیده بـوده ، اشعـار کتیبه فوقانی بقعه اثرطبع (آقا محمد طلعت اصفهانی) که بخط نستعلیق گچ بری شده و مورخ بسال ۱۲۲۹ هجری است بشرح زیر میباشد :

بعهد خسرو گیتی پناه گردون حکم — خـدیو مملکت آرا شه بلند اقبال
ابوالمظفر خـاقـان عهـد **فتحعلی** — که فتح و نصرت از و گشته‌اند فرخ‌فال
هم از عنایت خان سپهر پایه **حسین** — نظـام دولت شه کامدش همال محال
ستاره حکم و فلك قدر **حضرت واله** — که ذات اوست بلند اختر و نکو اقبال
ز همنشینی اهل زمان چوشد دل تنگ — ز بی ثباتی کار جهان چو یافت ملال
برای مدفن خود ساخت این نکو بقعه — که خود بهشت نشان آمد و سپهر مثال

---

(۱) حرف (الف) ازدوکلمه «نرجوا» و «مروا» در کتیبه آرامگاه اسقاط شده است.

غرض چو گشت تمام این بنا که بر بنیانش — مباد تا بقیامت ز دور چـرخ زوال

نوشت خامه **طلعت** برای سال که باد — **درین سپهر نهان آفتاب اوج کمال**

۱۳۲۹



کتیبه خط تعلیق آرامگاه آقا محمد کاظم واله که در زمان حیات وی بقلم خود او نوشته شده است

مسجد حاجی میرزا محمد صادق

در محله خواجو که یکی ازمحلات قدیمی شهر اصفهان است نزدیك چهارسوی آجری دردوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار بوسیله مرد خیری بنام حاجی میرزا محمد صادق مسجدی بنا شده است که اگرچه وسعت زیادی ندارد ولی مسجد کوچك جالبی است . نما های صحن مسجد باکاشی های معقلی آراسته شده و بانی مسجد پس از وفات در ایوان کوچکی که بایوان شمالی ملحق شده مدفون گردیده است .

کتیبه سر دراین مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ که قسمتی از ابتدا و انتها و وسط آن تعمیر شده بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی لقد [وفق] لبناء هذه العمارة الشریفة والمسجد الرفیعة فی الزمن الدولة السلطان الأعظم والخاقان الاکرم محیی مراسم الشریعة الغرا ومشید قواعد البیضا مروج دین ائمة الطاهرین السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان فتحعلی شاه قاجار ادام الله ملکه و دولته الموفق بتوفیقات الملك الخالق کهف الحاج والمعتمرین حاجی میرزا محمد صادق غفرالله سیئاته فی سنة سبع و ثلثین و مأتین بعد الف من الهجرة النبویة و قد تم بعون الله و حسن توفیقه فی سنة اثنی و اربعین و مأتین بعد الالف . ۱۲۴۲ (۱)

بانی مسجد پس ازوفات درایوان کوچکی که درشمال صحن آن بنا شده مدفون گردیده و بر سنگ مرمری مزار او که بطول یك متر و عرض ۳۸ سانتیمتر بطور عمودی بردیوار نصب شده کتیبه ذیل بخط ثلث حجاری شده است :

« الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون »

« قد ارتحل من دارالمحنة والغرور الی دارالبهجة والسرور المرحوم المغفور

---

(۱) ظاهراً سال ۱۲۳۷ در این کتیبه سال تحریر آن در زمان حیات بانی مسجد و سنه ۱۲۴۲ سال اتمام بنای مسجد و نصب کتیبه کاشیکاری سردر است .

المبرور الـذی موته حیوته الجمیل و حیوته غرق معرفة ربه الجلیل یده للارامل والیتامی کفیل اسمه لقوله دلیل و معرض عن لذات الدنیا قبل الرحیل و مات لولایة اهل بیت الوحی والتنزیل خیرا لحاج حاج میرزا محمد صادق فی احدی و عشرین شهر ذی قعدة الحرام ۱۲۳۸ »

و اشعار زیر بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر مزبور حجاری شده است :

معدن جود و سخا جامع دنیا و دین — مجمع صدق و وفا پیرو اهل یقین

آنکه زتأیید حق برد سبق از سبق — کرد بنا مسجدی رشگ سپهر برین

شد چو بلا را هدف یافت شرف ازشرف — مدفن او گشت پس خانه جان آفرین

گشت روانش روان چون بسفر ازجنان — شد بریاض بهشت با شه دین همنشین

در بر او گسترید خوان ضیافت خلیل — بر سر راهش دوید عطر فشان حور عین

از پی تاریخ او خواست برآرد خرد — از صدف بحر نظم لؤلؤ در ثمین

جلوه گر افتاد عقل از پی تاریخ فوت — گفت (لکان هو جامع فضل مبین)

۱۲۳۸

سنگ نوشته مسجد جامع شهرضا

مسجد جامع شهرضا که در ابتدای بازار آن واقع شده مسجدی قدیمی بنظر میرسد که بمرور زمان تغییرات زیاد در آن داده شده . این مسجد درحال حاضر از لحاظ معماری و تزیینات نکته قابل توجهی ندارد . مهمترین قسمت مسجد گنبد و ایوان جنوبی آنست که با آجر بنا شده و با گچ پوشش شده . نمای خارجی گنبد آجری است ودرضلع شمالی ونزدیك گلدسته مناره کوچك آجری نیز دارد . برروی دیوار جنب در شرقی مسجد که بسوی بازار بازمیشود لوح سنگی بطول ٦٤ وعرض ۳۹ سانتیمتر ازجنس سنگ ساده خاکستری رنگ نصب شده وبخط نستعلیق برجسته کتیبه ذیل برآن حجاری شده است :

بسم الله الرحمن الرحیم

« الحمد لله الواقف علی السرایر المطلع علی الضمایر والصلوة والسلام علی محمد وآله الطاهرین اما بعد چون توفیق الهی شامل حال ومتکفل احوال خیریت مآل عالیحضرت ستوده خصلت حــــاج الحرمین الشریفین و زائر مرقد رسول الثقلین **حاجی محمد صادق** ولد مرحوم ملاحسین قومشهٔ گردیده بناءِ علیه وقف صحیح شرعی مخلد و حبس ملی نمود همگی و تمامی موازی پنجفنجــان از مجری المیاه **صحرا موغانرا** بانضمام هفتجریب ونیم از **جوی لت** مشتمل بر سه قطعه که دوجریب ونیم آن بلته محمد علی ولد آقا مؤمن مشهور است و دو جریب آن بلته حسین مراد و سه جریب آن بلته **خلج** کلها در صحرا موغان که منافع آنرا دو سهم نموده سهمی بسادات فقیر و سهمی دیگر را صرف تعمیر و فرش و روشنائی مسجد جامع نمایند و تولیت آنرا مفوض نمود بصبیه خود کبری و بعد از او باولاد ذکور از دوصبیه خود و ما بعد و مابقی با تساوی همه و با انقراض اولاد ذکور تولیت با اولاد اناث است و با تعدد اولاد اناث با مابقی ایشان است فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۴۰ . »

مسجد سید

مسجد سید بزرگترین و مشهور ترین مساجد اصفهان از قرن سیزدهم هجری است که بوسیله حجة الاسلام حاج سید محمد باقر شفتی (۱۱۸۰-۱۲۶۰) ازروحانیون بزرگ اصفهان و از مراجع عالیقدر شیعه در اواخر نیمه اول قرن سیزدهم هجری ساختمان آن شروع شده و کاشیکاری آن تا پایان نیمه دوم آنقرن ادامه داشته است باینمعنی که چون عمر حجة الاسلام برای اتمام تزیینات آن کفایت نکرده قسمتی بوسیله فرزندش حاج سید اسد الله (سید ثانی) و قسمتی بوسیله نواده اش حاج سید محمد باقر باتمام رسیده ولی هنوز تزیینات قسمتهائی از آن همچنان ناتمام مانده است . مسجد سید برای مطالعه کاشیکاری عهد قاجاریه بهترین نمونه بناهای موجود اصفهان است . (۱)

الواح و کتیبه های مسجد سید

کتیبه گنبد و ایوان جنوبی

کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی مسجد سید بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ در دو ردیف شامل سوره (اسری) است تا آخر آیه (۲۵) وقسمت آخر کتیبه بعبارت زیر ختم میشود :

« کتبه محمد باقرالشیرازی فی ۱۲۵۶ »

در زیر کتیبه افقی نمای فوقانی ایوان بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ در چهار لوح بزرگ عبارات ذیل نوشته شده است :

---

(۱) برای اطلاع از تفصیل شرح حال وزندگی مرحوم حجة الاسلام شفتی مراجعه شود بکتاب روضات الجنات و قصص العلماء و ریحانة الادب و مکارم الاثار و مجله یادگار سال پنجم شماره دهم .

« قال الله تعالی (۱) یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصر کم الله فلا غـالب لکم وان یخذلکم فمن ذا الذی ینصر کم من بعده وعلی الله فلیتو کل المؤمنون (۲) ان المتقین فی جنات النعیم کتبه محمد باقرالشیرازی »

در بالای اسپر های طرفین ایـوان اشعاری بخط نستعلیق سفید بـرزمینه کاشی لاجوردی رنگ بشرح زیر نوشته شده است :

خـدیـو کشور دیـن شهریـار خطه ملـــت
که کیوانش برد حسرت همی بر خـادم ایوان

شه ملك سیادت **حجة الاسلام** آن کـآمـــد
بدم چون عیسی مریم بکف چون موسی عمران

بامرش شد بنا این مسجد عالی بآن نـــزهت
که باشد هر شبستانش نظیر روضه رضـــوان

سزد گر کعبه اش خوانی که شد سرکار اتمامش
سمی زاده آزر سلیل خـواجه کیهــــان (۳)

چـو شد معمور این معبد **هلال** از بهر تـاریخش
بگفتا شد بنـــای کعبه ثانی باصفاهان
۱۳۵۵

کتیبه داخل ایوان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد از جمله (قال الله تعالی) شامل آیات ١٤ و ١٥ و ١٦ و ١٧ از سوره (رعد) و آیه های ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ از سوره (ابراهیم) است و قسمت آخر کتیبه بعبارت ذیل ختم میشود :

---

(۱) کلمه (الله) درکتیبه نوشته نشده است .

(۲) آیه ١٦٠ سوره (آل عمران)

(۳) مقصود از (سمی زاده آزر) سید ابـراهیم کابلی است که عمـو زاده مرحوم سید حجة الاسلام بوده و سرکاری اتمام ساختمان مسجد را بعهده داشته است .

« صدق الله العلی العظیم کتبه محمد باقرالشیرازی سنة خمس و خمسین و مأتین بعد الف . ۱۲۵۵» (۱)

استادان کاشی ساز مسجد سید

در قسمت پائین حاشیه دو اسپر این ایوان نام استادان کاشی ساز مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بشرح زیر نوشته شده است :

« عمل کمترین معصوم فی ۱۲۵۵ »

و در قسمت پائین کاشیکاری های هلال مدخل ایوان بمحوطه زیر گنبد درحاشیه کوچکی بخط نستعلیق لاجوردی رنگ برزمینه کاشی سفید نوشته شده است :

« عمل کمترین آقا جان ۱۲۹۹ »

درداخل ایوانهای کوچك فوقانی ایوان جنوبی بخط بنائی مشگی معرق برزمینه سفید نوشته شده :

« یا من هوخالق لکل شیئی » « سبحان ربی العظیم وبحمده »

« سبحان ربی الاعلی و بحمده »

کتیبه های داخل گنبد مسجد سید

کتیبه داخل گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل سوره (جمعه) است و قسمت آخر آن بعبارت ذیل ختم میشود :

« **کتبه محمد باقرالشیرازی ۱۲۸۸** »

---

(۱) برفراز ایوان جنوبی مسجد برج ساعت بنا شده که صدای زنگ آن در محلات مجاورمسجد طنین اندازمیشود . این ساعت بوسیله حاج محمد ابراهیم ملك التجار ازرجال نیکوکار اصفهان در نیمه اول قرن چهاردهم هجری از اروپا وارد شده و در سال ۱۳۲۳ هجری قمری و در دوره تولیت حاج سید محمد باقرثانی همزمان با ساختمان ضریح فولادی آرامگاه سید حجة الاسلام برفراز ایوان جنوبی مسجد نصب شده است ، بقراریکه جمعی از مطلعین محلی اظهار میداشتند این ساعت بمبلغ هفت هزار ریال بپول آنزمان خریداری شده است .

و بر کاشی دیگری نوشته شده : « اللهم اغفر امحمد اسمعیل »

در اطراف هلالهای چهارگانه اطراف محوطه زیر گنبد بخط ثلث سفید بعد از جمله (قال الله سبحانه تبارك و تعالی) آیات ٤٠ تا ٨٥ ازسوره (مریم) نوشته شده وبعبارت زیر ختم میشود :

« صدق الله العلی العظیم .کتبه محمد باقرالشیرازی ١٢٩٨ »

الواح وکتیبه های محرابهای مسجد سید

در داخل گنبد جنوبی سه محراب واقع شده که یکی از آنها بزرگتر و در وسط و دو محراب کوچکتر در طرفین آنست . کتیبه اطراف محراب بزرگ بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد از جمله (قال الله تبارك و تعالی) شامل آیه ٨٣ تـا آیه ١٠٠ از سوره (مؤمنون) است و قسمت آخر کتیبه بعبـارت زیر ختم میشود :

« صدق الله العلی العظیم کتبه محمد باقر الشیرازی فی١٢٥٩»

در داخل محراب بزرگ بخط ثلث و نستعلیق برکاشی برجسته هفت رنگ سه مرتبه جمله (یاسامع المناجات) وسه مرتبه جمله (یا مجیب الدعوات) نوشته شده و در ذیل یکی از الواح سال اتمام آن (١٢٩٤ هجری) نوشته شده است .

کتیبه محراب کوچك سمت راست بخط ثلث شامل آیه اول تا آیه دهم ازسوره (علق) است و در داخل قطار های محراب بخط بنائی مشگی برزمینه سفید نـام کاشیکار این قسمت بشرح زیر نوشته شده :

« عمل استاد حسن بن استاد علی »

در محراب کوچك سمت چپ بخط ثلث از ابتدای آیه یازدهم سوره (علق) تا آخر این سوره نقل شده (١) و قسمت آخر کتیبه بعبارت زیر ختم میشود :

---

(٢) آیه آخراین سوره که بجمله (واسجد واقترب) ختم میشود درکتیبه باین ترتیب نوشته شده است : (و ا س ج د و ا ق ت ر ب)

صدق الله العظيم والنبی الکریم **کتبه عبدالجواد ابن عبدالحمید ۱۲۹۷ »**

ایوان شمالی مسجد

کتیبه زیر طاق ایوان شمالی مسجد سید بخط ثلث سفید بـرزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد از جمله (قال الله تبارك و تعالی) شامل آیه ۳٤ و ۳۵ و۳٦ از سوره (نور) است وقسمت آخر کتیبه بعبارت زیر ختم میشود :

« صدق الله العلی العظیم کتبه محمد باقرالشریف الشیرازی فی سنة ۱۲۵۹ »

کتیبه داخل ایوان بخط ثلث شامل آیه ۲٦ تا نصف آیه ۳۲ از سوره (اسری) است و تاریخ آن در آخر کتیبه سال (۱۲۹۹ هجری) ذکر شده است .

در بالای دوپشت بغل کاشیکاری داخل ایوان بخط نستعلیق لاجوردی رنگ برزمینه کاشی خشت سفید اشعار زیر نوشته شده است :

نجل پـاك حجة الاسلام آن میر همـام — **جعفر ثانی** کز اول شد ملاذ خاص وعام

بانی اتمام این صفه چه شد گوئی که گفت — ایزدش بادا جزایت خیر فی دارالسلام

ازخرد کردم سؤال ازسال تاریخش جواب — گفت طوبی لك چه شد این صفه عالی تمام

پا بنه انـدر مقامان بهر تاریخش بگو — صفه مسجد بیامد قبه گـاه خاص و عام

درداخل ایوان در دو اسپر بزرگ بخط نستعلیق مشگی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ نوشته شده :

« انا مدینة العلم و علی بابها ۱۳۰۷ »

کتیبه نمای خارجی ایوان شمالی بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی رنگ شامل آیه ۲۵ تا نصف آیه ٤۵ از سوره (اسری) است و قسمت آخر کتیبه بعبارت ذیل ختم میشود :

« کتبه محمد بـاقرالشریف الشیرازی الاتشی فی سنـة سبع و خمسین و مـأتین بعد الالف . » (۱)

---

(۱) غیر از این تاریخ در دوقسمت از این کتیبه تاریخ ۱۳۰۸ بصورت (۱۳۸) نوشته شده و چنین معلوم میدارد که کتیبه ها در سال ۱۲۵۷ بوسیله محمد باقر شیرازی نوشته شده

وبخط نستعلیق طلائی برزمینه لاجوردی رنگ نام خطاط اشعار بشرح زیر نوشته شده است :

« کتبه الاحقر اسدالله غفرله و ستر ذنوبه ۱۳۰۸ »

در زیرمصراع (بدانا از پی تاریخ اتمامش خرد گفتا) نام استاد سازنده کاشیها بشرح زیر ذکر شده است :

« عمل آقا جان کاشی پز غفرله »

در زیر گلدانهای سنگی طرفین ایوان نام حجار بشرح زیر آمده است :

« عمل کمترین حسن ابن حسینعلی حجار سنه ۱۳۰۹ » « التماس دعا سنه ۱۳۰۹ »

و بخط نستعلیق سفید بر زمینه مشگی درسمت راست ستون سنگی نوشته شده :

« خادم بیت الله حسینعلی ۱۳۰۸ »

و بر قسمت پائین ستون سنگی سمت چپ ایوان نوشته شده :

« هاجی (کذا) اسمعیل حجار » « التماس دعا دارم سنه ۱۳۰۹ »

بر دیوار شمالی ایوان درردیف حاشیه های گلدار بخط نستعلیق ریز لاجوردی برزمینه کاشی خشت سفید و صورتی رنگ اشعار ذیل در دوازده لوحه کوچك نوشته شده است :

ایـوان این گلدسته را پـرداخت از حسن عمل
سید محمد جعفر آن بـدر امم صـــدر ملل

زهدش چو سلمان بی ریا رایش چو بیضا پر ضیا
رویش چو بستان باصفای خویش چو گلشن در عمل

از سعی او شد با صفا مـانده سعی صفـــــــــا
صحن فضایش چون منـا لیکش بـوادی ملل

و در سال ۱۳۰۸ هجری قمری کاشیهای آن تهیه و نصب شده است .
درداخل ایوان شمالی نیز کتیبه دیگری مشتمل بر قسمتی ازکتیبه نمای خارج در سال ۱۲۹۹ گرده برداری شده و کاشیهای آن تهیه و نصب شده است .

گلدسته آنك از صفا چون باغ رضوان بی نظیر

ایـوانی اما در بنـا چون قصر کسری بی بدل

از بعد چندین سال و مه فصل ربیع انجام شد

خرم چو مـاه فروردین فـرخ چو آغاز حمل

تاریخ اتمامش یکی میخواست بانی گفتمش

گاه نمـاز آمـد بگو حی علی خیرالعمل

کتیبه های دو ایوان طرفین ایوان شمالی

در طرفین ایوان شمالی دو ایوان کوچك دیگر بنا شده است که داخل آنها با کاشیهای خشت هفت رنگ تزیین شده و بر دیوار شمالی هر دو ایوان کتیبه هـائی نصب شده است . کتیبه ایوان کوچك واقع درمشرق ایوان شمالی که درجنوب بقعه آرامگاه سید حجة الاسلام بناشده بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ بخط (اسدالله رجالی) ومورخ بسال ۱۳۱۸ هجری قمری بشرح زیر است :

هنـا مصرع الحلم والقـدس والتقی — هنـا مطلع الانـوار من جهة العلی

هنا بیت معمور و واد مقـــدس — و جنت عدن انـزلت جانب الثری

هنـا معدن التقوی و کنز فتـــوة — هنا مخزن التوفیق والرشد والهدی

(نظمه اقل الحاج میرزا فتح الله)

ایـا قبة النور من فیك ضـاجع — اباقر علم الله ام آیـــة النهی

ایـا قبره ان الـذی قـد ضمنته — لحجة اسـلام و منتخب الـوری

(کتبه اسدالله شهیر برجالی)

تضمنت بحرالجود والعلم والکرم — و واریت نورالله فی اظلم الدجی

و زینهـا بالنقش سید ولـــده — ابوجعفرالسامی مقتـدی الوری

سئلت عن التـاریخ قال کما بـدا — **هنامصرع الحلم والقدس والتقی**

۱۳۱۳

در پائین این اشعار ودرسمت راست ایوان دردولوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ دوفرد شعر بشرح زیر نوشته شده است :

این بارگه نورجلی میباشد — جاروب کشش حسینعلی میباشد

هر کس که چواو براستی خدمت کرد — شایسته لطف ازلی میباشد

در قسمت فوقانی دیوار ضلع غربی این ایوان بخط ثلث زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ برجسته عبارت زیر نوشته شده است :

« قال الله تعالی و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً »

و در بالا و پائین عبارت فوق الذکر نوشته شده :

(یا قاضی الحاجات) — (یاکافی المهمات)

کتیبه ایوان کوچك واقع در مغرب ایوان شمالی بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر است :

لمسجد اسسه اس التقی — تم لسعی نجله نجم الهدی

اسسه مؤسس العلوم — اتمه متم تأسیس النهی

اسسه الحصن لدین الله — اتمه الرکن لشرع المصطفی

اسسه القمقام استاد البشر — اتمه العلام مقتد الوری

اسسه **باقر** علم الدین — اتمه **الجعفر** ذوالمجد العلی

ارکانه من حجة الاسلام — اتمامه لنجله رکن التقی

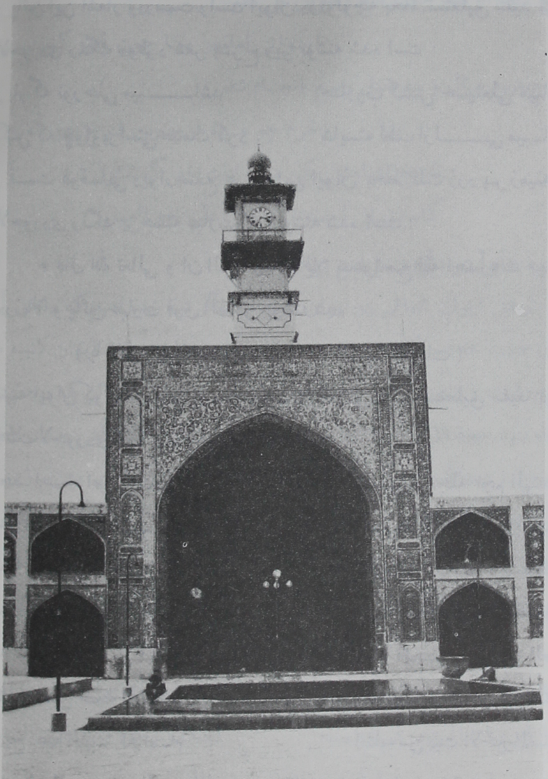
تاریخ هذا البیت للاتمام — اطلبه من بیت الاخیر المنتهی

اسسه رکن الهدی مجد النهی — **و جعفر سلیله فیه سعی**

١٣١٨

« عبده العاصی اسدالله رجالی غفر ذنوبه »

ایوان غربی : کتیبه داخل ایوان غربی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ شامل آیه ٣٠ تا نصف آیه ٤٥ از سوره (اسری) است .



منظره ایوان جنوبی و برج ساعت مسجد سید

کتیبه های مهتابیهای مسجد سید

در دو ضلع شرقی و غربی مسجد سید چهار مهتابی در جلوی حجرات فوقانی آن واقع شده که با کاشیکاری هائی از نوع (گره کاری) و خطوط بنائی و نستعلیق

تزیین شده است. درمهتابی شمال غربی بخط بنائی معرق سفید وزرد برزمینه فیروزه‌ای سوره (اخلاص) نوشته شده و در زیر چهار اسپر شمال و جنوب آن بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه لاجوردی رنگ اشعار ذیل نوشته شده است :

احمد که شه سریر لـولاك آمـد — جانیست کز آلایش تن پاك آمد
یکحرف زمجموعه عز و شرفش — لولاك لما خلقت الافـلاك آمد
دریـای سپهر کآفتـابست کفش — نبود چوعلی گوهری اندرصدفش
خورشید بدر گهش شود همچه هلال — تا عکس دهد بماه درنجفش (۱)

مهتابی شمال شرقی

در مهتابی شمـال شرقی مسجد در چهار اسپر بخط بنـائی سفید و زرد معرق برزمینه فیروزه ای نوشته شده :

« قال الله تبارك و تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر »

ودرذیل این چهار اسپر بخط نستعلیق سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ اشعار ذیل نوشته شده است :

گفتـــا بوصی خود نبـی مطلق — نشنـاخت ترا کسی بغیر ازمن وحق
حق را نشناخت کس بغیراز تو و من — نشناخت مرا کسی بغیر از تو وحق
مسلم است علی را همه صفات صمد — بغیر از این دوصفت لم یلد ولم یولد
به احمد وبه احد جز از او نیابی راه — که مظهر احد است و خلیفه احمد

مهتابی جنوب شرقی

در مهتابی جنوب شرقی مسجد در چهار اسپر بخط بنائی مشگی معرق برزمینه کاشی سفید سوره (ماعون) ودر یك شکل مربع بزرگ آیه ۵۱ سوره (قلم) نوشته شده .

درذیل اسپرهای چهارگانه شمال وجنوب این مهتابی بخط نستعلیق سفید برزمینه

---

(۱) این شعر در سایر بنا های تاریخی اصفهان از آنجمله درمدرسه کاسه گران ومدرسه نیم آورد بشرح زیر نوشته شده است :

خورشید گهی بدر شودگـاه هـلال — گر عکس دهـد بمـاه در نجفش

لاجوردی رنگ اشعار زیر نوشته شده است :

گفتا بوصی خود نبی مطلـــــق نشناخت مرا کسی بغیر از تو وحق

حق را نشناخت کس بغیر ازمن وتو نشناخت تورا کسی بغیر ازمن وحق

دوش احمد زد قدم بتهاشکست ازهم‌علی ساخت ویران کفررا ازامرحق آندم‌علی

آنکه از تیغش سپر افکند جبریل امین بود سیف الله فوق ایـــــدیهم علی

اشعار مهتابی جنوب غربی مسجد مانند مهتابی شمال غربی است که شرح آن گذشت و خطوط بنائی چهار اسپر آن برنگ سفید و زرد برزمینه فیروزه ای معرق شامل سوره (کوثر) است .

کتیبه سنگاب مسجد سید

در مدخل شمالی مسجد سید و مقابل در زنجیر سنگابی نصب شده که کتیبه‌آن بشرح زیر است :

« ربنا صل علی احمد خیرالمرسلینا ، وعلی‌صاحب الحوض امیرالمؤمنینا ، وعلی فاطمة الزهرا ام الاطیبینا ، و علی السبطین والسجاد زین العابدینا ، و علی الباقر والصادق علماً و یقیناً ، و علی الکاظم موسی والرضا فضلا و دیناً ، والتقی خاشع الباسط بالجود یمیناً ، وعلی الهادی الذی اشرق کالشمس جبیناً ، والزکی العسکری الحسن للخلق امیناً ، و علی القائم بالقسط مغیثاً و معیناً ، آل یاسین الهداة الطیبین الطاهرینا ، ربنا سیدنا صل علیهم اجمعیناً . »

کتیبه و خطوط سر در جنوب شرقی مسجد سید

در بالای در ورودی این سر در بخط ثلث سفید بر زمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد ازجمله (قال الله تعالی) آیات ۱۳ و۱٤ تا نصف آیه ۱۵ از سوره (رعد) نوشته شده وقسمت آخر کتیبه بعبارت (کتبه محمد باقرالشیرازی) ختم میشود: (۱)

---

(۱) در اصلی مسجد سید در شمال صحن به (در زنجیر) و در جنوب شرقی به (در حمام دو قلو) و در جنوب غربی به (در ملا علی میرزا) در بین مردم محلات مجاور

کتیبه نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید بعد ازجمله (قال الله تبارك وتعالی) شامل آیات ۳٤ و ۳۵ و ۳٦ از سوره (نور) است و قسمت آخر کتیبه بعبارت زیر ختم میشود :

« صدق الله العلی العظیم و صدق رسوله النبی الکریم **فی سنه ۱۲۵۹**

کتبه محمد باقرالشریف الشیرازی . (۱)

در زیر گلدان اسپر بالای کتیبه ثلث سردر در دو لوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی یك فرد شعر بشرح زیر نوشته شده است :

رواج‌مذهب‌جعفرچوشد پیدااز‌این‌مسجد　　بگوتاریخ او طغرل **رواج مذهب جعفر**

و در قسمت فوقانی اسپرهای طرفین سر در دو فرد شعر بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر نوشته شده است :

اقل بندگان استاد محمود　　که برجانش ز ایزد باد رحمت

بفرمان سمی جعفر آراست　　دری کو طعنه زد بر باب جنت

بر نمای خارجی سر در اشعار ذیل بخط نستعلیق سفید و بقلم (اسدالله رجالی) برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده است :

سلیل حجة الاسلام فخر الصادقین **جعفر**

که دارد حلم جعفر صدق بوذر زهد سلمانی

نشد ترویج ار اسلام ز آبای عظام او

نه اسمی بود ز اسلام و نه نامی از مسلمانی

بود هر خیر در عالم ز گردون تا ابد باقی

شود آن خیر را راغب بود آن فیض را بانی

مسجد شهرت دارد (ملاعلی میرزا مؤذن مسجد بوده که صدای بلندی داشته و بطوریکه مشهور است صدای او تا چند کیلومتری شنیده میشده)

---

(۱) در یك کاشی بالای عبارت : (فی‌سنه ۱۲۵۹) نوشته شد. (سنه ۱۳۱۱) که این سال‌آخری مربوط بنصب کاشیهای سردراست که ازکتیبه های داخل مسجدگرده برداری شده.

چه شد خاك صفاهان از غبار مقدمش زینت
بهرجا طوطیای دیده شد کحل صفاهانی

(کتبه اسد الله شهیر برجالی ۱۳۱۱)

دری بر کعبهٔ بگشود کز ارکان بنیـــانش
خجل شد مسجد اقصی ز فرط سست بنیانی

(کتبه اسد الله شهیر برجالی ۱۳۱۱)

سزد گر عرش اعظم دانی این دارالعبادة را
نگنجد عرش واجب کز درون فرش امکانی
بنا شد کعبه و مشعر ولی در قدر و جاه آمد
بـــرفعت مشعر اول برتبت کعبه ثانی
چه شد مفتوح این باب العطا جمعی زدانایان
پی تاریخ او گشتند غـــرق بحر حیرانی
در آن محفل یکی از اهل دل داخل شد و گفتا
بسوی ما گشود ابواب رحمت لطف یزدانی
۱۳۱۱

در اطراف حاشیه های اسپر های طرفین این سردر مشرف بجاده مجاور اشعار دیگری بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بشرح زیر نوشته شده است :

خلف حجة اسلام و سلیل اطیاب	غوث ایتام غیاث ضعفا ملجأ ناس
کزششم حجة وهفتم بودش نام ونسب	بوالحسن سیرت موسی کف وعیسی انفاس
مسجدی را که پدر کرد بنا همچو خلیل	این پسر کرد زاتمام مصون ازاطماس
بانی مسجد اقصی بود و کفو حرم	زآنکه سردفتر تقوی بودش اس اساس
چونکه فرمود به تزیین درون سعی بلیغ	نیز پرداخت باین سردرو باب و کریاس
هاتفی از پی تاریخ ندا داد زغیب	فتح الباب الی الجنة امناً للناس

۱۳۱۱

درقسمت پائین جرز کاشیکاری چپ سردر بخط نستعلیق مشگی برزمینه زرد نوشته شده است :

« جاروب کش آستانه جلیل مشهدی حسینعلی ازخواننده التماس دعا [دارد] »

کتیبه سردر جنوب غربی مسجد

کتیبه سردر جنوب غربی مسجد بعد از جمله (قال الله تعالی) شامل آیه ۱۳ و نصف از آیه ١٤ (سوره رعد) است و قسمت آخر آن بعبارت ذیل ختم میشود :

« کتبه محمد باقرالشیرازی فی شهر محرم الحرام سنه ۱۳۱۱ » (۱)

در دو اسپر طرفین سردر سه فرد شعر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر نوشته شده است :

. . . . . (۲) گشاد بـــاب عنایات ایزد متعال

دری نهـاد سلیمـان بمسجد اقصی که باب کعبه فیض است وقبله اقبال

یکی زغیب بتاریخ آن درآمد و گفت گشود بـاز خدا بـاب کعبه اجلال

« عبدالمذنب اسدالله غفرله و ستر ذنوبه سنة ۱۳۱۱ »

سردر شمالی مسجد سید : تـزیینـات نمـای خارجی سر در اصلی مسجد سید (درزنجیر) که درضلع شمالی آن واقع شده ومدخل وراهروهای طرفین آن همچنان ناتمام مانده بوده است و در سالهای اخیر کاشیکاری شده . کتیبه های نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید و زرد برزمینه کاشی لاجوردی شـامل سوره هـای (قـدر) و (کوثر) و (جمعه) و (آیة الکرسی) وبعضی آیات سوره شریفه (یس) است واز

---

(۱) سـال ۱۳۱۱ مربوط بسال نصب کاشیهـای این سردر است که از کتیبه داخل گنبد بقلم محمد باقر شریف شیرازی گرده برداری شده .

(۲) کاشیهائیکه مصراع اول اشعار این سردر را تشکیل میداده است موجود نیست

نویسندگان آنها بنام فضائلی (۱) و کهرنگی و جواد علی کربلائی نام برده شده و نام کاشی پز (حاج سید حسین موسوی زاده) و تاریخ کاشیکاری (۱۲۷۷ قمری و ۱۳۳۷ شمسی) در کتیبه های این سردر ذکر شده است .

آرامگاه سید حجة الاسلام

سید حجة الاسلام شفتی بانی مسجد سید پس ازوفات درقسمت خلوت ماندی که مجاور گوشه شمال شرقی مسجد است مدفون شده ، آرامگاه حجة الاسلام دارای بقعه و رواقی در مقابل آنست که داخل آنها با تزیینات کاشیکاری و گچ بری و نقاشی آراسته شده است ، کتیبه سردر رواق بقعه که بمقبره و مسجد مربوط میشود بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی رنگ شامل (آیة الکرسی) است و قسمت آخر آن بعبارت زیر ختم میشود :

« فاخلع نعليك انك بالواد المقدس طوى »

و در بالای کتیبه بخط ثلث عبارات ذیل نوشته شده است :

« درزمان تولیت حضرت حجة الاسلام آقای حاج سید محمد رضا شفتی کاشی کاری سردرب مقبره بسعی و هزینه آقای حاجی آقائی اتمام یافت . »

کتیبه ها و اشعار داخل رواق

در بالای سر در ورودی مقبره بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ تاریخ وفات حجة الاسلام شفتی بشرح زیر نوشته شده است :

« تاریخ وفات آیة الله العظمی فقیه اهل بیت طه ویس وملاذ الشیعه حامي الشریعة الحاج سید محمد باقرالموسوی الرشتی حجة الاسلام اعلی الله له المقام ، دوم ربیع المولود سنه ۱۲۶۰ . »

---

(۱) آقای حبیب الله فضائلی از دبیران فاضل دبیرستانهای اصفهان مشهور ترین خطاط معاصر اصفهان است وکتیبه های مساجد نوساز و مدارس و تابلو های بنگاهها و مغازه ها اغلب بخط ایشان است .

و در کتیبه دیگری نوشته شده است : « سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین . »
درفوقانی ترین قسمت جبهه سردر مقبره ضمن کتیبه‌ای بخط ثلث سفید برزمینه
کاشی خشت‌لاجوردی قسمتی از آیات سوره (جمعه) نوشته شده وبجمله (سنه۱۳۷۰)
ختم میشود و در وسط آیات این سوره در لـوحی بخط نسخ زرد برزمینه لاجوردی
تاریخ کاشیکاری رواق بشرح زیر ذکر شده است :



تصویرسید حجة الاسلام در بقعه آرامگاه وی درمسجد سید

« رواق سید درزمان تولیت حضرت ملاذ الاسلام الحاج میرزا محمد علی جعفری
سبط حجة الاسلام بخرج آقایان حاجی آقائی بکاشی تزیین شده . »

اشعار عربی در رواق بقعه آرامگاه سید حجة الاسلام

برجبهه فوقانی سردر مقبره ودیوارجنوبی رواق بقعه‌آرامگاه سید حجة‌الاسلام

بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی‌خشت لاجوردی رنگ اشعاری بزبان عربی درباره مقام روحانی حجة الاسلام وتأسف برفقدان اوبوسیله یکی از شعرای معاصراصفهان (نیر) سروده شده وبخط خود او نقش بر دیوار رواق شده است . اشعار مزبور که مورخ بسال ۱۳۶۰ هجری میباشد بشرح زیر است :

روض قدس ام هنا جنات عدن سرنا — قف‌لك‌البشری‌وزرمن‌فيه‌قدنلت‌المنی

لهفی لفقدان مولی اعطی النعما — العلم والمال والترويج والكرما

السيد الحجة الاسلام فی الزمن — و باقر منه كان الشرع منتظما

يدعوا الاله ويبكی فی تهجده — بجری الحدود من الخوان منتقما

و مسجداً جامعاً فی اصفهان بنی — يعد تاليه فی الغبراء منعد ما

ميراث اولاد زهراء استردلهم — من غاصبی فدك فی طوفه الحرما

الموسوی الذی قد عاش حضرته — فی مذهب الجعفری شاخصاً علما

راحت الی الروح روح منه ثاوية — واستوطن الخلد بالاجداد معتصما

بدر المضئی مضی شمس العلي افلت — من موته صار حبل الدين منفصما

بحرالسخاجف عين الدهر باكية — فنال بالفضل عندالله مبتسما

نجم الهدی غاب كنزالمجد يستتر — و يعجز المدح منه اللوح والقلما

و كوكب القدس والتوحيد منتثر — فی فوته فتری الاسلام ملتطما

يا نير اكتبه للتاريخ من سنته — من‌فقدسيدنار كن‌التقی‌هدما(۱۲۶۰)

يا ايها الزائر انظر ذی البناء تجد — لدی التشرف فيها جنة ارما

لما انقضت مأة من عام رحلته — بالامر من سبطه تعميرها ختما

در چهار کتیبه کوچك بر دیوار رواق بخط ثلث زرد برزمینه لاجوردی رنگ سوره (اخلاص) نوشته شده و بجمله (بهزینه حاجی آقای).ختم میشود و در دو کتیبه سوره (کوثر) و در دو کتیبه دیگر عبارت (تلك الجنة التی وعد المتقون) نوشته شده است .

اشعار فارسی رواق بقعه

بردیوارطرفین درورودی مقبره بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اشعاری از شاعر مشهور معاصر اصفهان (صغیر) بشرح زیر نوشته شده است :

آنکه این مسجد زیمن همتش برپا بود — تا قیامت آستـــانش قبله دلها بود
زین بنـا باشد صفای باطن بانی پدید — باطن جنت بلی از ظـاهرش پیدا بود
کردآباد اینجهان وآن جهانرا زین بنا — مسجد اینجا وبهشت جاودان آنجا بود
حوض آبش میدهد گوئی خبرازسلسبیل — صحن آن چون ساحت فردوس روح افزا بود
گنبد پرنقش وایوان رفیعش بین چسان — از بلندی طعنه زن بر گنبد خضرا بود
گرگشائی گوش جان روزوشبان گلدسته اش — خلق را داعی بسوی خالق یکتا بود
همچوطرف گلشن ازهر صفه اش نقشی بدیع — میکند جلب نظر بس دلکش وزیبا بود
هربنا باشد برای حق گرازحق نگذری — بهر بـانی بهتر از دنیـا و مافیها بود
حبـــذا برهمت این سید عالی نسب — کز شرافت افتخار دوده طاها بود
نام نیکش باقر و کنز علوم دین وشرع — شرح احوالش رقم بر صفحه دنیا بود
تا قیامت گشت اندرمسجد خود معتکف — بندگی را باید اینسان بنده پابرجا بود
جلوه حق کرده مدهوشش تو گوئی تا ابد — او بود موسی واین بیت الشرف سینا بود
مجری احکام جدش مصطفی بیخوف وبیم — پور موسی شبل حیدر زاده زهرا بود
گفت این تاریخ درتعمیر درگاهش **صغیر** — **حکم سیـد نشر شرع سیـد بطحا بود**

۱۳۶۸

درالواح کوچکی بخط نستعلیق مشگی برزمینه سفید نام بانیان کاشیکاری رواق بقعه سید حجة الاسلام بشرح زیر ذکر شده است :

(به هزینه مشهدی عباس حاجی آقای) (به هزینه آمیرزا آقا حاجی آقای)
(به هزینه آمرتضی حاجی آقای) (به هزینه آقا محمد حسین حاجی آقای)

کتیبه سنگاب رواق بقعه

در وسط سرسرای رواق جار نفیسی آویزان است و در زیر آن سنگابی قرار دارد که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته شامل اشعاری است بشرح زیر :

چو حاجی کاظم قاری بنا کرد — بتوفیق شـــه لب تشنه سنگاب

خداوند جهـان از روی رحمت — برویش باز کرد از جنت ابواب

بیاد تشنگـان کربلا شـــد — روان سیل سرشگ ازچشم احباب

حسین بن علی را یـــاد آرد — بنوشد هر که از وی جرعه آب

بلعنت یاد آرد آل سفیـــان — ز فرط تشنگی شد هر که سیر آب

ضیاء شد بیدل و تاریخ بنوشت (۱۲۴۹) — که گـردد تشنهٔ از آب سیراب

کتیبه های داخل بقعه آرامگاه سید حجة الاسلام

در داخل گنبد بقعه بخط ثلث برجسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی بعد از جمله (قال‌الله تعالی)آیه۲۹ تا آیه ٤٦ ازسوره (ص) گچ بری شده وسال اتمام این تزیینات (۱۲۷۲ هجری) در آخر کتیبه نوشته شده است .

در قسمت فوقانی سه گوشواره شرقی و غربی و جنـوبی داخل بقعه بخط ثلث برجسته طلائی رنگ برزمینه لاجوردی (دوازده امام منظوم) بشرح زیر گچ بری شده است :

« بنبی عربی و رسول مدنی ، و اخیه اسدالله مسمی بعلی ، و بزهراءِ بتول وبام ولدتها ، وبسبطیه و شبلیه هما نجل زکی ، و بسجاد وبالباقر والصادق حقا ، وبموسی و علی و تقی و نقی ، و بذی العسکر والحجة القائم بالحق . الـذی یضرب بالسیف بحکم ازلی ، و علیهم صلواتی و سلامی مأة الفا بلیال و نهار و غدو و عشی . »

اشعار فارسی داخل بقعه

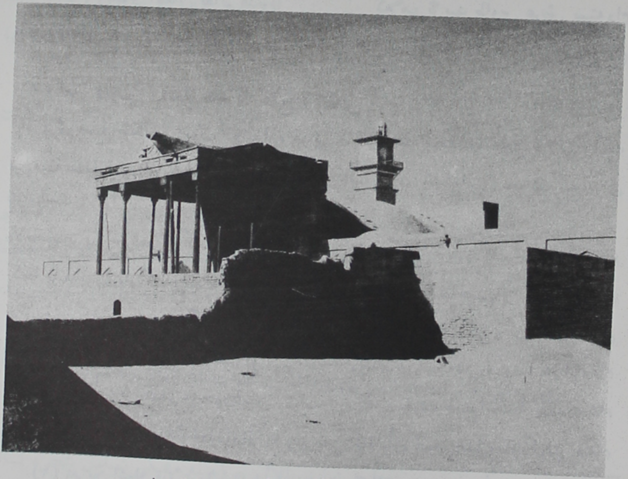
درداخل بقعه و دراطراف آن بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اشعار زیر گچ بری شده است :

بسم الله الرحمن الرحیم

قدم زروی ادب نه دراین خجسته مقام | که جایگاه کرامست وقبله گاه انام
صفای کعبه و پاکی زمزم ارخواهی | مقیم باش دلا اندرین خجسته مقام
حریم کیست که آید پی زیـارت او | زعرش روح قدس با فرشتگان عظام
حـریم حجة الاسلام باقر ثانی | که هست حرمت‌او همچو کعبه‌در اسلام
طراز طره حورا برند و روضه خلد | ز خاك تربت او سا کنـان دار سلام

(بیت الارشاد)

از آن خجسته شداین بقعه شریف که‌هست | خجسته مدفن نو بـــاوه رسول انام
مگر ریـاض بهشت است کز تفـرج او | نسیم روضه فـــردوس آیدم بمشام
برفت آنکه ازو تازه بود شـــاخ کرم | بمرد آنکه ازو زنده بود نام کرام



تالار تدریس حجة الاسلام شفتی در مسجد سید

یتیم شد هنر و فضل و کس نمی بینم — بزیر سایه الطـــــاف پرورد ایتام
درین سرای مجـازی نه بست آری دل — کجا بجیفه کند میل مرغ عرش مقام
پیام ارجعی آمد بگوش او چه زدوست — پـرید طـایر روحش زشوق آن پیغام
چه بود روضه فردوس منزلش آغاز — بسوی اصل خود آهنگ کرد درانجام
نه گشت تیره چرا آفتاب و چهره ماه — که آفتاب شریعت نهفت رخ بغمام
هلال وار رخش زرد بود و قامت خم — زبسکه روز و شب اندر صیام بود وقیام

(باب الاکرام)

کلام او همه الهام بود زآنکه نبود — بجز کلام خدا و حدیث خیرالانام
کسی نکرد در ایام او زمعن حدیث — کسی نبرد بدوران او ز **حاتم** نام
موحدی که باو بود معنی توحید — مسلمی که باو بود معنی اسلام
شکست دام ونمود آشیان بعالم قدس — که می نزیبد طاوس عرش بسته دام
بلفظ تازی تاریخ رحلتش گفتم (۱) — چه بشمری **مأتین است والف وستین عام**

اشعار فارسی داخل بقعه اثر طبع (کفاش)

بردوضلع شمال وجنوب گوشواره غربی داخل بقعه بخط نستعلیق طلائی رنگ برزمینه سفید اشعـار ذیل که اثر طبع شاعر اصفهـانی (کفاش) میباشد گچ بری شده است :

دلا بخلد برین خواهی ار گذاری گام — قدم گذار بدرگاه حجة الاسلام
کجا بلند تر ازبارگاه رفعت اوست — ز بعد قبه شاهنشهان عرش مقام
هزار قرن کند مرغ وهم اگر پرواز — بشرط آنکه نگیرد بیکنفس آرام
هنوزمانده باول مقـــــام رفعت او — دوصد هزارحجاب ودوصد هزار مقام
بظل پرچم امرش قلمرو خورشید — که ازسفیده صبح است تا بظلمت شام
برای مژده شهان تخت وتاج میدادند — که آورند زخدام درگهش پیغام

(۱) در بین اشعار فوق تعدادی (اسماء الله) نیز گچ بری شده است .

چو آن همای بلندآشیان پاك سرشت — بعزم سیر بهشت برین پرید از دام
نوشت از پی تاریخ رحلتش **کفاش** — **که درج درکرم درجنان نمود مقام**
دلا قدم چو گذاری درین بلند مقام — بکن سلام نخستین بحجة الاسلام
سمی قبله پنجم محیط علم وعمل — طراز مسند اکرام حجة الاسلام
کجاست چشم حقیقت که بیندش درخلد — بصدر بزم تقرب نشسته با اکرام
چشیده از لب یاقوت فام حورا قوت — کشیده از کف گوهر فشان حیدرجام
کسی که جد کبارش حبیب حضرت حق — کسی که جده او دختر رسول انام
روا بود که بروبند حوریـان بهشت — غبار بـارگهش را ز زلف عنبر فام
غرض رسید چو آن گلبن ریاض رسول — خزان بگلشن عمرش ز گردش ایام
خرد سرود بتاریخ او که ای **کفاش** — **مقام را بجنـان کرده حجت اسلام**

در بالای در ورودی آرامگاه پنجره زیبـائی نصب شده که در بـالای آن بخط نستعلیق عبارت (انامدینة العلم وعلی بابها) وتاریخ نصب آن سال (۱۲۷۲هجری قمری) بر گچ منقور است ودر ذیل آن یکفرد شعر بشرح زیر نقش بر گچ است :
درگاه تو قبله گاه جان است (یاامام حسین ادرکنی) محراب زمین و آسمان است

کتیبه های ضریح آرامگاه

در اطـراف ضریح فولادی نفیس آرامگـاه بخط ثلث طلائی بر زمینه مشگی (آیة الکرسی) و سوره (اخلاص) نوشته شده و قسمت آخر کتیبه که نام خطاط آن (کاظم شریف) و سال ساختن و پرداختن آن (۱۳۲۲ هجری) را در بر دارد بشرح زیر است :

« من یعظم شعائرالله فانها من تقوی القلوب **کتبه سلطان الکتاب کاظم الشریف ۱۳۲۲** »

شجره نامه سید حجة الاسلام بر ضریح فولادی آرامگاه وی

کتیبه دیگر ضـریح بخط نستعلیق طلائی برزمینه مشگی شـامل شجره نـامه

حجة الاسلام است بشرح زیر :

« قد جد بنصب ضریح جده سمیه ابن حجة الاسلام الحاج سید اسد الله بن حجة الاسلام آیة الملك العلام الحاج سید محمد باقر بن محمد تقی بن محمد زكی بن محمد تقی بن شاه قاسم بن میراشرف بن شاه قاسم بن‌شاه هدایت بن الامیرهاشم بن السلطان السید علی قاضی بن السید علی بن السید محمد بن السید علی بن السید محمد بن السید موسی بن السید جعفر بن السید اسمعیل بن السید احمد بن السید محمد بن السید احمد بن السید محمد بن السید ابی القاسم بن السید حمزة بن الامام موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب ۱۳۲۲ كتبه الاثم فتح الله .

اشعار عربی ضریح مورخ بسال ۱۳۲۲ هجری

اشعار عربی كه بصورت الواحی بر اضلاع عمودی ضریح بخط نستعلیق طلائی رنگ برزمینه مشگی نقش بسته بشرح زیراست :

هذا ضریح للثریا سما — و شأنه فاق ضراح السما

لحجة الاسلام اعنی به — العالم العلامة العیلما

باقر علم الله مستودع — امین السر الغیب حامی الحمی

ناب عن الحجة فی عصره — فكان عنه النائب الاعظما

(عمل كمترین حاجی اسدالله)

اشباله الاساد كم خلفوا — لغابة المجد لهم ضیغما

و سبطه الباقر من طوقت — كفاه اجیاد الوری العما

علامة الدهر الذی فخره السامی علی هام السما قد سما

قد خص فی خدمته جده — و جده احری بان یخدما

فها له الامر لما قد رأی — ضریحه قارب ان یعدما

فصمم العزم لتشییده — ولیس الا الرشد ان یعزما

وحیثما قـد تم واستوثقت ارکانه فی الارض واستحکما

وقد تعالی شـأنه رفعة ارخه **فاق ضراح السما**

۱۳۲۲

کتیبه های در نفیس ضریح آرامگاه عمل استاد رمضان طلاکوب

بر لنگه راست در نفیس ضریح بخط نستعلیق طلائی برزمینه مشگی اشعار ذیل نوشته شده است :

بحرالندی بـاب الهـدی شرعته مـا وافق السنـة والکتابا

لما دعـاه ربه مبـادرا الی جنان خلده اجـابا

فعطلت کل الـوری لفقده المسجـد والمنبـر والمحرابا

و مذ تـواری نوره **مسترا** عن الـوری ارخت **نور غابا**

۱۲۶۰

و باقر العلم الـذی علومـه قد فتحت الی الهدی ابوابا

و نوره ان اشکلت عویصة یرفع عنها الستر والحجابا

لو شجر البـرغدت راقمة والانس والجن معاً کتابا

یمدها البحر لحصر فضله لمـا راو لفضله حسابا

بر لنگه راست در ضریح غیر از اشعار عربی مذکور درفوق سه شعر فارسی نیز بشرح زیر نوشته شده :

مه برج ایمـانکه درگاه اوست سپهر بـرین از هجـوم نجـوم

زبعدش برفت از حقیقت نشان زفقدش نماند از شریعت رسوم

فلك تیره کردند و تاریخ گشت **شد انـدر سحاب آفتاب علوم**

۱۲۶۰

اشعار لنگه چپ در ضریح بخط نستعلیق طلائی بشرح زیر است :

این بقعه‌که خلق را شب و روز از بهـر زیارتـش هجـوم است

محشر ز توجه نفوس است — غوغا ز تراکم نجوم است

هر کس که دعا کند باخلاص — اینجا باجابتش لزوم است

از باقر علم مصطفی آنک — معروف جهان بروس و روم است

مشکوة هدی نبیره او — باقر که امام بر عموم است

آراست ضریح او ز پولاد — کش علم بکف بسان مومست

پرسید **خلف** (۱) که این کرامات — ظاهر زکدام مرز وبومست

دانائی گفت بهر تاریخ — **ز این مرقد باقر علوم است**

۱۳۲۲

باقر علم آسمان حلم که خورشید — پرتو رایش بود بچرخ مقرنس

ساخت ضریحی زبهر مرقد جدش — کآمده محمود نه رواق مسدس

فرد وجود است و عقل گفت بتاریخ — **کلی ایجادی ای ضریح مقدس**

۱۳۲۲

بر دماغه در ضریح بخط نستعلیق طلائی بر زمینه مشگی اسامی هنرمندانی که درساختن وپرداختن ضریح سهیم بوده اند بشرح زیر آمده است: «عمل استاد رمضان طلاکوب اصفهانی - مباشر عبدالباقی - عمل حاجی غلامعلی - کارخانه اعلا - عمل استاد یدالله.»

بریك لوحه کوچك کاشیکاری بخط خوش نسخ که درقسمت فوقانی سردرورودی رواق شرقی بقعه مشرف بصحن نصب شده دوفرد شعر بشرح زیر نقش بسته است:

بنده اهل حقیقت خادم اهل یقین — صانع نقش، **علی** نام اقل المؤمنین

هفت براعداد تاریخش بیفزود وبگفت — دار امن فادخلوها بسلام آمنین

۱۳۱۵ (هجری قمری)

---

(۱) **خلف** تخلص حاج سلیمان خان رکن الملك است که دردوران حکمرانی ظل السلطان نایب الحکومه اصفهان بوده، وی نویسنده‌ای توانا وشاعری خوش قریحه بوده وبانی ساختمان مسجد رکن الملك در اول تخت فولاد اصفهان است، شرح حال وی و توصیف مسجد او در همین فصل خواهد آمد.

مسجد حاج محمد جعفر

حاج محمد جعفر آباده‌ای ازروحانیون مشهور اصفهان در قرن سیزدهم هجری است که از وی مسجدی در بازار اصفهان بیادگار مانده و تکیه ای نیز در اول تخت فولاد اصفهان که در آنجا بخاك سپرده شده بنام او باقی مانده است . مسجد حاج محمد جعفر از لحاظ استحکام و تزیینات کاشیکاری از نوع (گره‌کاری) جالب است ولی چون عمر بانی برای اتمام کار مسجد کفایت نکرده کاشیکاری قسمتهای مهمی از آن ناتمام مانده است . (۱)

کتیبه ایوان جنوبی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد از جمله (قال الله تعالی.) شامل آیه ۲۹ تا ابتدای آیه ۴۳ از سوره (ص) است و درنمای خارجی ایوان در دوشکل مربع کوچك بخط بنائی ساده مشگی برزمینه سفید در هر شکل چهار کلمه (الله) ودر دومربع بزرگ نام (علی) نقش بسته است .

در بالای کتیبه داخل ایوان در اشکال مربع پراکنده بخط بنائی ساده مشگی برزمینه سفید باکاشی تراش‌نام (علی) وجمله (الله اکبر) خوانده میشود ودراسپر های اطراف ایوان بخط بنائی‌سه رگی‌شطرنجی برنگ لاجوردی برزمینه فیروزه‌ای نوشته‌شده است : «یا احکم الحاکمین» «یادلیل المتحیرین» «یاقاضی الحاجات» «یا غیاث المستغیثین» «یا حی یاقیوم» .

ایوان شمالی

درهلال ایوان شمالی واطراف آن بخط ثلث سوره (اسری) تا آخر آیه ۱۳ نوشته شده وبسال (۱۲۸۰) خاتمه مییابد . (۲)

---

(۱) برای اطلاع از شرح حال حاج محمد جعفر آباده ای مراجعه شود بکتاب رجال اصفهان یا (تذکرة القبور) صفحه ۳۱ و ۳۲

(۲) رقم آحاد این سال تاریخی که سال هجری قمری است درموقع نصب کتیبه یا تعمیر آن اسقاط شده .

در اطراف ایوان شمالی در اسپر های متعدد بخط بنائی ساده یك رگی مشگی برزمینه سفید (در حاشیه) و خط بنائی سه رگی شطرنجی مشگی برزمینه آجری (درمتن) عباراتی بشرح زیر نوشته شده است :

۱- حاشیه ای مشتمل بر سوره (فیل) و متن آن جملات « یا علام الغیوب » « یا غفار الذنوب » « یا ستار العیوب » .

۲- حاشیه ای مشتمل بر سوره (فاتحه) ومتن آن سوره (اخلاص)

۳- یك متن با عبارت (لا اله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله)

۴- متن یك اسپر فقط کاشیکاری است ودرحاشیه آن بخط بنائی مشگی برزمینه زرد اشعار زیر نوشته شده است :

دور پرگار در میان آمد	نقطه در دایره عیان آمد
سر توحید قطب عالم شد	مهدی آخر زمان آمد
پادشاه همه جهان گردید	زانکه سلطان ملك جان آمد
عکس دلدار در دلم بنمود	سرور جمله عاشقان آمد
هر که سر باخت اندراین سودا	آن مبرا از این و آن آمد

۵- خطوط بنائی اسپر پنجم مانند اسپر سوم و اسپرششم مانند اسپر دوم است که شرح آن گذشت .

۶- در حاشیه یك اسپر سوره (قدر) و در متن آن جملات :
« الله ربی » « محمد نبیی » « علی امیر المؤمنین امامی » نوشته شده است .

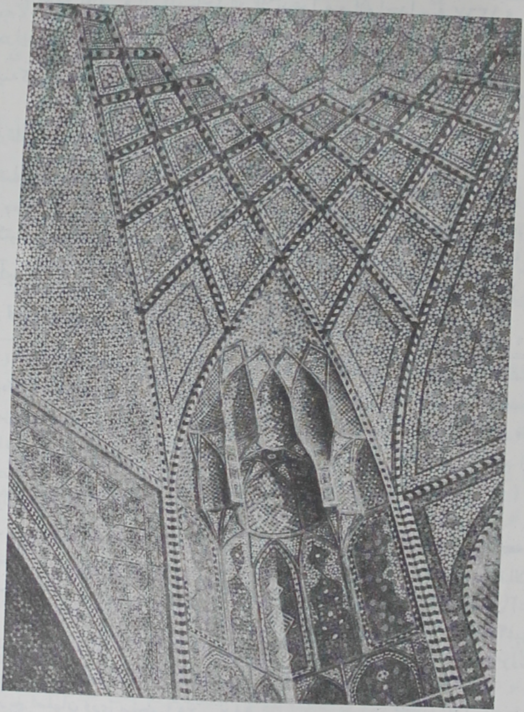
در دو شکل مربع بزرگ بر نمای خارجی ایوان شمالی و در چهار ترنج بخط بنائی سادّه مشگی برزمینه سفید نوشته شده است :

« سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر »

ایوان غربی

کتیبه ایوان غربی که در سنوات اخیر کاشیکاری شده بخط ثلث سفید بر زمینه

کاشی معرق لاجوردی بعد ازجمله (بسم الله الرحمن الرحیم) شامل آیه ۳۵ ازسوره (نور) است وتاریخ کاشیکاری این ایوان درانتهای کتیبه سال ۱۳۶۸ (هجری قمری) نوشته شده است .



نمونه تزیینات کاشیکاری مسجد حاج محمد جعفر

دریك لوحه بخط ثلث مشگی برزمینه کاشی سفید معرق جمله (لاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم سنه ۱۳۷۰ قمری) ودرلوحه دیگر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی معرق مشگی نوشته شده :

« بسمه تعالی و ان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً سنة ۱۳۶۷ »

درایوانهای طرفین ایوان غربی دریك لوحه شش ضلعی بخط بنائی معرق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده : « ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر . »

درطاق راهروهای طرفین ایوان شمالی مسجد حاج محمد جعفر دراشکال بزرگ چهار ضلعی دریکی کلمه (الله) ودردیگری کلمه (اکبر) بخط بنائی منقوش است .

کتیبه سردر شرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل آیه ۳۰ از سوره (ص) است و تاریخ کاشیکاری در انتهای کتیبه سال (۱۲۹۶ هجری قمری) نوشته شده است . (۱)

---

(۱) حاج محمد جعفرآباده ای ازشاگردان مرحوم حجة الاسلام حاجی سید محمد باقر شفتی بوده که بهمراه آنمرحوم بمکه مشرف شده وعالمی محقق و بسیارزیرك و با تدبیر بوده است . مزاحهای شیرین وشوخیهای بسیار داشته نظیرآقا جمال خوانساری وکتابهای فاضلانه نوشته مانند نقود المسائل در فقه استدلالی وکتاب مرایا در اصول و شرح تجرید الکلام وفاتش در شب شنبه ۱۹ رمضان سال ۱۲۸۰ اتفاق افتاد و شاعر اصفهانی (پرتو) ماده تاریخ فوت ویرا چنین گفته است:

سال تاریخش زپرتو شد سئوال — گفت **اللهم نور مضجعه**

جابری انصاری نوشته است در سفر حج که علمای عامه خواستند با سید حجة الاسلام مباحثه نمایند و مسائل مشکلی را انتخاب کرده بودند حاجی آباده ای خودرا بشکل آشپزی درآورده بوده است ووقتی علماء بیان سئوال نموده بودند سید فرموده بود « جعفر آشپز بیا این مسائل را جواب بگو » آنگاه حاجی با زنجیر آویزان وکارد مطبخی که بکمر زده بود با آنها مباحثه کرد و همه آنها را بفتاوی ائمه خودشان مجاب نمود .

(تاریخ اصفهان وری صفحه ۲۹۱ — ۲۹۲)

مسجد صفا

مسجد صفا درمحله شهشهان ونزدیك بقعه تاریخی شهشهان بنا شده است ، کتیبه سردر مسجد حاکی از آنست که مسجد صفا بسعی و اهتمام سید محمد علی گلستانه اتمام پذیرفته است . کتیبه سردرمسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ و بقلم محمد تقی بن محمد ابراهیم مورخ بسال ۱۲۹۰ هجری قمری بشرح زیر است :

« قال الله تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر و اقام الصلوة وآتی الزکوة ولم یخش الاالله فعسی اولئك ان یکونوا من المهتدین . بسعی واهتمام خادم الائمه **محمد علی بن محمد باقر گلستانه** شرف اتمام پذیرفت فی ۱۲۹۰ کتبه **محمد تقی بن محمد ابراهیم** .»

دربالای درورودی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده :

« هوالباقی، بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین فی **۱۲۹۱** »

وبخط نستعلیق مشگی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ اشعار وعبارات زیر نوشته شده است :

بنـا شد چو این مسجد با صفا	بعون خداوند رکن وحطیم (یاحنان)
ز پرتو بتاریخ آن شد سئوال	بگفتـا **لساعیه فوز عظیم** ۱۲۸۹ (۱)

نمقه محمد تقی (یاحنان) عمل آقا جان

---

(۱) جابری انصاری در اینمورد لطیفه ای بشرح زیر نقل کرده است :

« مرحوم میرزا محمد علی بانی مسجد صفا گوژ پشت بود و احدب را عوام قوزی گویند لذا آن مرحوم به میرزا محمد علی قوزی معروف شده» ، این مسجد راکه ساخت، میرزا آقاخان پرتو شاعر اصفهانی تاریخش را چنین آورد : « بگفتا لساعیه فوز عظیم » پدر بنده پهلوی نقطه فای (فوز) نقطه دیگری گذارده بود و بالنتیجه مردم چنین خواندند : « بگفتا لساعیه قوز عظیم » این مطلب بگوش مرحوم میرزا محمد علی گلستانه رسیده بود و گفته بود حاج میرزا علی هم قوزی روی قوزما گذاشت (تاریخ اصفهان وری تألیف جابری انصاری صفحه ۲۹۳)

ایوان جنوبی مسجد : کتیبه فوقانی ایوان جنوبی مسجد صفا بخط بنائی‌مشگی برزمینه آجری شامل سوره (اخلاص) است وقسمت آخر کتیبه بشرح زیرمیباشد :

« و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین **١٢٩١** »

در پشت بغل کاشیکاری ایوان جنوبی بخط ثلث لاجوردی رنگ معرق برزمینه زرد دو مرتبه جمله (و رفعناه مکاناً علیاً) نوشته شده است .

کتیبه سنگاب مسجد صفا : اشعار حجاری شده برسنگاب مسجد صفا مورخ بسال ١٢٩٠ هجری بشرح زیراست :

وه ازین سنگ آب با صفوت	(یا مظاوم)	کز گهر کرد آبروی مزید
هر که یکجرعه‌آب خورد ازو	(یاشاه شهید)	کرد صد بار لعن حق بیزید
گفت پرتو برای تاریخش	(یاابا عبدالله)	بصفا وقف شد بشاه شهید

فی سنه ١٢٩٠

شبستان مسجد صفا

بر دولنگه در شبستان مسجد صفا دردولوحه بخط ثلث مشگی برجسته برچوب عبارت زیر نوشته شده است :

« قال الله تبارك وتعالی وان المساجدلله فلاتدعوا مع الله احداً فی‌ذیقعده **١٢٨٩**»

در هلال محراب شبستان بخط ثلث سفید معرق برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ سه‌آیه‌آخرسوره (آل عمران) نوشته شده وقسمت آخر کتیبه بعبارت‌ذیل ختم میشود:

« **بسعی خادم الائمه محمد علی گلستانه ١٢٩٠** »

دریك شکل (هفتی) (١) داخل محراب شبستان بخط ثلث سفید معرق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ کتیبه ذیل مورخ بسال ١٢٩٠ هجری نوشته شده است :

---

(١) کلمه (هفتی) اصطلاح کاشیکار ها است و مراد از آن تقسیماتی میباشدکه بشکل عدد (٧) است .

« لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و فاطمة عصمة الله الحسن والحسین و علی بن ا لحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی ومحمد بن وعلی بن محمدوالحسن بن علی والقائم المهدی هم خلفاءِ رسول‌الله صلوات الله علیهم اجمعین فی ۱۲۹۰ فی شهرصفر سنة تسعین و مأتین بعد الالف . »

و در حاشیه (هفتی) بخط بنـائی مشگی معرق برزمینه زرد سوره (فاتحه) نوشته شده است .

در متن (هفتی) طرف راست محراب بخط بنائی سه رگی (دو مشگی و یك سفید) برزمینه فیروزه ای جملات : (الله ربی) و (محمد نبیی) و در حاشیه آن سوره (نصر) نوشته شده است .

در متن هفتی طرف چپ محراب بخط بنائی سه رگی (دو مشگی و یك سفید) برزمینه فیروزه ای نوشته شده (وعلی المرتضی امامی) و درحاشیه آن بخط بنائی مشگی برزمینه زرد پس از سوره (اخلاص) نوشته شده :

« عمل عبدالرحیم ابن علی اصغر »

در حاشیه دوم شکل (هفتی) سمت راست وچپ محراب در هر دو قسمت بخط بنائی مشگی برزمینه زرد سوره (کوثر) نوشته شده است .

مسجد رحیم خان

دراین مسجد ازسال ۱۲۹۰ تاسال ۱۳۰٤ هجری قمری سالهای تاریخی مختلف دیده میشود و شیوه معماری و تزیینات وخطوط آن از مسجد سید اقتباس شده است آقا محمد مهدی ارباب مؤلف تاریخ (نصف جهـان فی تعریف الاصفهان) که خود معاصر باساختمان مسجد بوده در کتاب خود چنین مینویسد :

« مسجد دیگر مسجدی است جدید البناءِ که آنرا مرحوم میرسید حسن مجتهد اصفهانی در محله نو بنا نموده و زمان چندان مساعدت باتمام عمارت آن ننموده و عمرش بآخر رسید رحمة الله علیه، بعد از او محمد رحیم خان بیگلربیگی بعمارت آن پرداخت وعمر او نیز کوتاهی نمود و برادرانش محمد کریمخان ومحمد حسینخان بعد از او بعمارت آن مشغول شدند و باز در آن اثنا محمد کریم خان وفات نمود و محمد حسینخان بکار آن مشغول است وقریب الاتمام میباشد ، خداوند توفیق عطا فرماید که تعجیل در اتمام آن نموده شود که مسجدی نیکو شده و آن در بزرگی و کوچکی متوسط است ، سمت قبله آن گنبدی خوش وضع ساخته و دو طرف آنرا نیز صفه مـانند با ستونهـای سنگ ساخته اند و مسجدی باشکوه شده ، صحن آن بقاعده وسعتی دارد ، حوض و مهتابی در آن انـداخته اند و موافق همت و دولت خود خوب ساختند، این مسجد سه دروازه دارد یکی بطرف مشرق ودیگری بجانب مغرب ودردیگر بطرف شمال که مقبره میرسید حسن مرحوم درجنب آنست . » (۱)

کتیبه سردر شرقی مسجد رحیم خان

کتیبه سردر شـرقی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ

---

(۱) مسجد رحیم خان تقریباً شبیه مسجد سید بنا شده و حتی کتیبه های ایوان جنوبی آن نیز از مسجد سید گرده برداری شده ،کاشیهای خشتی زیبائی ازنوع (هفت رنگ) دارد گنبد آن بزرگتر ازگنبد مسجد سید وبسیار پرحالت است و درطرفین آن دو شبستان نسبة وسیع است ولی خیلی ازکاشیکاریهای آن ناتمام مانده وتا این تاریخ اقدام باتمام آن نشده.

مورخ بسال ۱۳۰۱ هجری قمری بشرح زیر است :

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله انا مدینة العلم و علی بابها ، در ایام دولت جاوید مدت محیی مراسم شریعت سید المرسلین و مشید قواعد ملت و دین مخرب آثار الکفار **السلطان ناصرالدین شاه قاجار** خلدالله ملکه واوان حکمرانی معدن جود واحسان حضرت اشرف اقدس والا **ظل السلطان** دام اجلاله بسعی خلدآشیان مرحوم **محمد رحیم خان امین الرعایا** و اهتمام عالیجاهان **محمد کریمخان** و کیل الرعایا و**محمد حسینخان** امین الرعایا اتمام یافت . ۱۳۰۱ »

در بالای دوسکوی بزرگ طرفین در بخط بنائی سه رگی (**دومشگی ویك سفید**) برزمینه آجری سوره (عصر) و در بالای دو سکوی کوچك طرفین در بخط بنائی سه رگی (دوفیروزه ویك سفید) برزمینه آجری اسامی : الله - محمد - علی - فاطمه نقش بسته است .

در یك لوحه چهار ضلعی که در بالای سردر نصب شده بخط نستعلیق لاجوردی رنگ برزمینه کاشی زرد نوشته شده : (انا مدینة العلم و علی بابها ۱۲۹۵) و در ذیل این لوحه بخط نستعلیق لاجوردی رنگ ریز بد خط و درهم نوشته شده :

« خدمت وسرکاری بنای مسجد از مقرب الخاقان احمد خان ایلکی » (۱)

و در حاشیه این لوحه بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ صلوات بر دوازده امام بشرح زیر نوشته شده است :

« صل علی النبی العربی محمد صلی الله علیه و آله وامیرالمؤمنین علی بن ابیطالب والحسن والحسین وعلی ابن الحسین ومحمد ابن علی وجعفر ابن محمد وموسی ابن جعفر وعلی ابن موسی ومحمد ابن علی وعلی ابن محمد والحسن ابن علی والقائم »

درحاشیه شمسه طاق سردر بخط بنائی لاجوردی برزمینه سفید معرق ابتدا سوره (اخلاص) و بعد عبارت زیر نوشته شده است :

---

(۱) در کتیبه (ایلکی) نوشته شده ولی ظاهراً این کلمه (ایلبگی) باید باشد .

« باهتمام کریم خان و حسین خان » (۱)

کتیبه و اشعارفارسی نمای خارجی ایوان جنوبی مسجد رحیم خان

کتیبه فوقانی نمای خارجی ایوان جنوبی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد از جمله (قال الله تبارك و تعالی) شامل آیه ۳۵ و ۳۶ و نصف آیه ۳۷ از سوره (نور) است و قسمت آخر کتیبه بعبارت زیر ختم میشود :

« کتبه محمد باقر الشریف الشیرازی فی سنة ۱۳۰٤ »

بر هر یك از جرز هـای طرفین ایوان جنوبی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد از جمله (قال الله سبحانه تبارك و تعالی) آیه ٤۱ تا آخر آیه ٦۸ از سوره (مریم) نوشته شده و جمله آخر کتیبه بشرح زیر است :

« **کتبه سنة ۱۳۰٤** »

اشعارفارسی که برطرفین ایوان بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی‌خشت لاجوردی رنگ نوشته شده بشرح زیر است :

از علـــــو همت ستوده دوران	**خان حسین** آسمان عالم احسان
لشگر اقبـال را امیر جهانگیر	کشور اقبال را خدیو جهانبان
کوثر دیگر ظهور یـافت بجنت	کعبه دیگر پدید شد بصفاهـان
ازپی تاریخ این بنـــــای معظم	زد رقم این شعر نغز کلك سخندان
قبله دیم (۲) عیان نموده بن‌آزر	مسجد اقصی بنـا نهاده سلیمان

دربالای مصراع‌ماقبل‌آخرنام معمارمسجد بخط نستعلیق‌ریز بشرح‌ذیل‌نوشته‌شده‌است:

« معمار استاد آقا جونی » و در زیر مصراع آخر بخط نستعلیق نوشته شده :

(کتبه حسن خان ۱۳۰٤)

کتیبه های محراب مسجد رحیم خان

داخل ایوان و گنبد مسجد رحیم خان وشبستانهای اطراف آن بعلت عدم کفایت

---

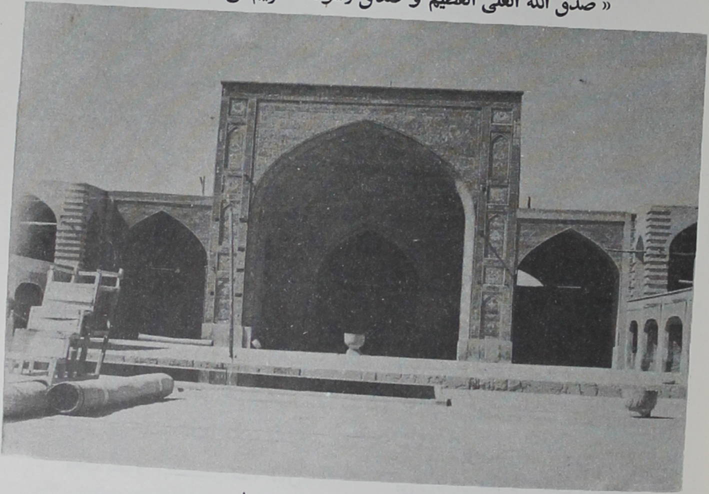
(۱) کاشیکاری جدید سردر مسجد رحیم خان بخط ثلث شامل آیه اول تا آخرآیه پنجم از سوره (حجرات) است و برجرز راست سردر نوشته شده:

« نقاشی حاج عباس کرباسیون وساخت کارخانه کاشی سازی کهرنگی ۱۳٤۱ (شمسی) »

(۲) کلمه (دوم) در کتیبه بصورت فوق الذکر نوشته شده است .

عمر بانی مسجدکاشیکاری نشده وناتمام مانده است . برسقف ایوان دوکلمه (علی) وسال (۱۲۹٤) نقش برآجرشده است . محراب مسجدکاشیکاری شده و کتیبه هائی هم دارد ، کتیبه اطراف محراب بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد از جمله (قال الله تعالی) شامل آیه ۱۸ و ۱۹ از سوره (تـوبه) است و سپس جمله (قال تعالی شأنه) وآیه ۵۵ از سوره (مائده) نوشته شده وقسمت آخر کتیبه بعبارت زیر ختم میشود :

« صدق الله العلی العظیم و صدق رسوله الکریم فی ۱۳۰٤ »



ایوان جنوبی مسجد رحیم خان

کتیبه فوقانی محراب بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بشرح زیر است :

« قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله الصلوة عمودالدین اذا قبلت قبل ماسواه (کذا) و اذا ردت ردماسواه (کذا) کتبه فی‌سنة ۱۳۰٤ »

در داخل محراب بخط ثلث لاجوردی رنگ برزمینه کاشی زرد در یك لـوحه نوشته شده (یا قاضی الحاجات) .

کتیبه یکی ازستونهای سنگی مسجد

بر قسمت فوقانی یکی از ستونهـای سنگی صفه غـربی گنبد مسجد رحیم خان که درسمت راست محراب واقع شده بخط نستعلیق برجسته اشعارزیر که مورخ بسال ۱۲۹۹ هجری و حاکی از بنای مسجد بوسیله (محمد رحیم خان) میباشد حجاری شده است :

بعهد شـه دادگـر **ناصر الدین**	که چون او بگیتی نیامد جهانبان
ز اخـلاص و همت **امین الرعایا**	خداوند احسان **محمدرحیم خان**
چو کعبه که درمکه بنیاد آن شد	بنا کرد این مسجد اندر صفاهان
بتـاریخ ارکان آن گفـت **خرم**	بمسجد پی طاق جنت شد ارکان
	۱۲۹۰

کتیبه سنگاب مسجد رحیم خان

بر سنگاب نفیس یکپارچه مسجد رحیم خان که در زیر ایوان جنوبی قراردارد بخط نستعلیق برجسته الواح و اشعارذیل مورخ بسال ۱۲۹۹ هجری حجاری شده :

از عنایـــــات کردگـار رحیم	یـافت توفیق این ثـواب عظیم
اسدالله دبیر نیکو خـــــو	که ورا حسن خلـق طبع کریم
از برای حسین تشنه جگـــــر	سنگ آبی چـو کوثر و تسنیم
وقف بنمود بهـــــر تشنه لبان	بی ریـا از خلوص قلب و صمیم
دل آن سنـگ را نمود چـو آب	تا که بر تشنه گان(کذا)دهدتعلیم
لعن بر قـــاتل حسین کنند	بعـــد ذکر تحیت و تسلیم
بهر تـاریخ او **بهاء** میگفت	جام ده سنگ آب فوز عظیم
	۱۲۹۹

بر قسمت دیگری از سنگاب ضمن اشعار دیگری که مورخ بسال ۱۲۹۹ هجری است از بانی سنگاب مسجد (اسدالله) بشرح ذیل یاد شده است :

وحیدِ عصر **اسدالله** با نژاد و گهر — که در نوشتن افراد هست فرد و فرید
در این مکانِ خوش این سنگ آب را آورد — که شیعه آب بنوشد بیاد شاه شهید
طلب نمود ز **خرم** خجسته تاریخی — بگفت باد دو صد لعنت خدا به یزید

۱۲۹۹

لوحه دیگر سنگاب که اشعار آن اثر طبع (عنقا) ومورخ بسال ۱۲۹۹ هجری قمری میباشد بشرح زیراست :

یا ابا عبدالله

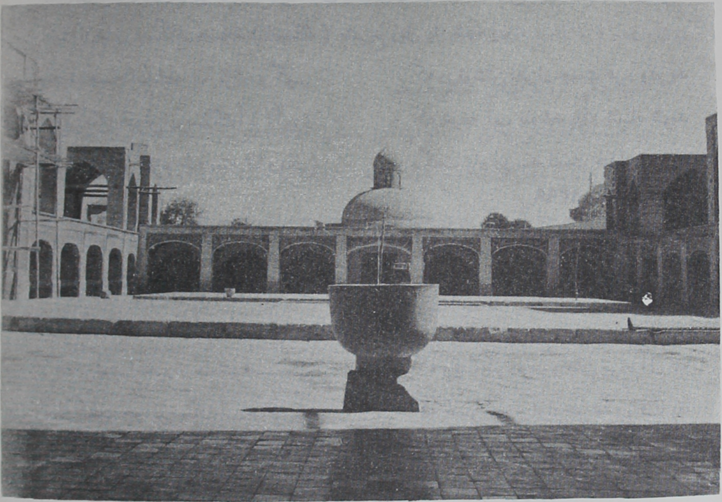
ز همت **اسد الله** راد مستوفـــــی — که وقف کرده سروجان براه آل عبا
تمام گشت چو این سنگ آب جانپرور — که خضر خورد ازاوجرعهٔ ویافت بقا
گرفت روی دو تاریخ را و **عنقا** گفت — **سلام ما و لب تشنگان کرب و بلا**

۱۲۹۹ — السلام علیك — **۱۲۹۹**

نام و نسب بانی سنگاب در لوح دیگری که بخط نستعلیق بر سنگاب مزبور حجاری شده بشرح زیر است :

« وقف جناب سید الشهداء علیه السلام نمود عالیجاه آقا میرزا اسدالله ولد حاجی ابوالقاسم بجهة مسجد مرحوم رحیم خان بیگلربیگی اصفهان ۱۲۹۹ »

شبستان مسجد رحیم خان که یکی از شبستانهای بزرگ مساجد اصفهان است درضلع شمالی آن واقع شده وپشت بغل های نمای خارجی غرفه های آن درسالهای اخیر کاشیکاری شده است . در دوپشت بغل غرفه وسط ضلع شمالی صحن مسجد بخط ثلث برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده: (عجلوا بالصلوة قبل الفوت) و(عجلوا بالتوبة قبل الموت) ونام بانی کاشیکاری این قسمت وکارخانه کاشی سازی بخط نستعلیق ریز قرمز رنگ برزمینه سفید بشرح زیر آمده است : « ساخت کاشی سازی کهرنگی -



منظره ساختمانهای ضلع شمالی مسجد رحیم خان و گنبد مقبره آقامیرسید حسن مدرس چهارسوقی

طراح حاج عباس کرباسی - بانی هفت دهنه حاج محمد طلائی تفنگ ساز ۱۳۷۸ »

برپائین دوجرز کاشیکاری ایوان غربی مسجد بخط ریز بر کاشی خشت نوشته شده:

(حقیر فقیر آقا جان کاشی پز)

و در طرف دیگر : (عمل کمترین حسین کاشی پز) و در زیر این لوحه آخری نوشته شده : (حقیر فقیر علی نقاش)

سردر شمالی مسجد رحیم خان

در ضلع شمالی مسجد رحیم خان ابتدا شبستان مسجد و سپس مقبره آقا میر سید حسن مدرس چهارسوقی از روحانیون معروف اصفهان در حیاط جداگانه ای

واقع شده است . کتیبه داخل سردر شمالی مسجد که درمجاورت مقبره بنا شده است بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد از جمله (قال الله تعالی) شـامل آیه ۱۸ و ۱۹ از سوره (توبه) است و سپس جمله (قال الله تعالی شأنه) و آیه ۵۵ از سوره (مائده) نوشته شده است .

در بالای سردر بخط نستعلیق سفید برزمینه مشگی جمله (بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم) وبخط نستعلیق مشگی برزمینه سفید عبارت (نصرمن الله وفتح قریب) نوشته شده‌است.

کتیبه نمای خارجی سردر بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ شامل آیه ۳۳ تا نصف آیه ٤٤ از سوره (ص) است وقسمت آخر کتیبه بعبارت زیرختم میشود:

« صدق الله العلی العظیم وصدق رسوله الکریم . بسعی عالیجاه **محمد حسینخان امین الرعایا** اتمام یافت . »

کتیبه مدرسه آقاکمال خازن از آثار دوره صفویه

روزدوشنبه ۱۸ خردادماه ۱۳٤۳ که باتفاق دوست فاضل آقای سید مصلح الدین مهدوی مشغول تطبیق کتیبه های مسجد رحیم خان بودیم دونفر ازخادمین مسجد بنام شکرالله وحسن گنجعلی اظهار داشتند که در انبارمسجد چند قطعه کتیبه سنگی خوش خط نیز وجود دارد و ما را بدرون انبار راهنمائی کردند ، از ملاحظه آثار مزبور معلوم شد که کتیبه متعلق بیکی از **هفت مدرسه** از بناهای عصرصفویه است که بوسیله **آقاکمال** خازن خزانه شاه سلطان حسین صفوی بنا شده . آقایان نامبرده اظهارداشتند که قطعات کتیبه را درزیرخاکهای انباشته شده یکی اززوایای مسجد یافته‌اند وتا این تاریخ شخصاً ازآنها مراقبت کرده اند، مؤلف باقدردانی ازسعی واهتمام نامبردگان مخصوصاً آقای حسن گنجعلی که علاوه بر خدمت در مسجد بشغل آموزگاری نیز اشتغال دارد و خط نستعلیق را نیکو مینویسد در حفظ بقایای یکی از آثار گمنام دوره صفویه بقرائت و عکس برداری از قطعات موجود کتیبه توفیق یافت و باین

ترتیب اثر دیگری بر آثار پراکنده عهد صفویه میافزاید . (۱)

کتیبه مزبور که بخط ثلث فرو رفته برسنگ پارسی و بقلم عبدالرحیم جزایری خطاط معروف دوره شاه سلطان حسین صفوی است بشرح زیر میباشد :

بسم الله الرحمن الرحیم من فضل الله سبحانه ومیامن دولة السلطان الاعظم وبرکات خدمة الخاقان الافخم ظل الله فی العالم سید السلاطین قهرمان الماء والطین السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان لازال بابه مرجعاً لاعاظم السلاطین وفق لبناء هذه المدرسة خادمه الخازن لخزانة عطیاته الممتاز بالقرب الی حریم سرادقاته آقاکمال (۲) جعل الله سعیه مشکوراً واتفق اتمامها فی ۱۱۰۸ کتبه عبدالرحیم عمل محمد طاهر »



نمونه خط ثلث کتیبه مدرسه آقاکمال خازن بقلم عبدالرحیم جزایری

(۱) ظاهراً مصالح بنائی هفت مدرسه دربنای مساجد جدید در اواخر عهد قاجاریه بکار رفته وضمن حمل این قبیل مصالح بمسجد رحیم خان کتیبه مزبور هم انتقال یافته وهمچنان در این محل برجای مانده است ، از قرار معلوم دومدرسه از هفت مدرسه در محله مستهلك جنب شاهزاده ابراهیم قرار داشته است که تدریجاً بویرانی گرائیده و از مصالح آنها در ساختمان مسجد رحیم خان وشبستان مسجد محله نو (مسجد فشارکی) استفاده شده است .

(۲) آقاکمال صاحبجمع خزانه شاه سلطانحسین صفوی بوده و نام او در اشعار فارسی مدرسه سلطانی چهارباغ نیز آمده است (رجوع شود بصفحه ٦۹٤ و ٦۹٥ و ۷۱۱)

مسجد رکن الملک

حاج میرزا سلیمان خان شیرازی ملقب به رکن الملک (۱۲۵۴-۱۳۳۱ هجری قمری) ازرجال نیك نفس ومردی شاعر وشعر دوست و ادب پرور بوده ودراصفهان آثاری خیر ازخود بیادگار گذاشته است . وی درسال ۱۲۷۹ که ظل السلطان فرزند ناصرالدین شاه بحکومت فارس منصوب شد بسمت منشی باشی بهمراه اومأمور گردید و پس از آنکه ظل السلطان بحکومت اصفهان منصوب شد تا چند سال بازهم همان سمت منشی باشی ویرا داشت ولی ازسال ۱۲۹۶ ببعد بنیابت حکومت اصفهان تعیین گردید وتا وقتی که ظل السلطان حکومت اصفهان را بعهده داشت رکن الملك نیز نایب الحکومه وی بود ، ازاقدامات اوتأسیس شرکت اسلامیه وتأسیس اداره دعوت اسلامی ومجله (الاسلام) یا (گفتگوی صفا خانه اصفهان) وطبع قرآن وزادالمعاد مجلسی و صحیفه سجادیه است که هزار ها نسخه آنرا برایگان در دسترس مردم قرار داده است ، رکن الملك بمناسبت نام جدش (خلف بیك سفره چی) همه جا در اشعارش تخلص (خلف) اختیار کرده واشعار زیادی از قصیده و غزل سروده است وی در ۷۷ سالگی جهان را بدرود گفته و در اطاقی که در حیات خود در مجاورت مسجد ومدرسه خویش درتخت فولاد بنا کرده بوده است بخاك سپرده‌شده، خانه های محل سکونت رکن الملك دریکی ازمحلات اصفهان بنام «سرجوی رکن‌الملك» (۱) هنوز باقی است و در اختیار بازماندگان وی میباشد ، مسجد ومدرسه رکن الملك در اول تخت فولاد از بنا های مشهور تاریخی اصفهان در ابتدای قرن چهاردهم هجری است . (۲)

---

(۱) یکی از نهر های اصفهان که از زاینده رود منشعب میشود و از مدرسه چهارباغ عبورمیکند بنام (مادی فرشادی) ازمقابل خانه های رکن الملك عبورمیکند وبهمین مناسبت قسمتی ازاین نهر راکه از این محل میگذرد بنام (جوی رکن الملك) مینامند .

(۲) برای اطلاع از شرح حال رکن الملك و اقدامات دوران حیات او مراجعه شود بشماره نهم سال سوم مجله یادگار صفحه ۳۳

کتیبه سردر مسجد و مدرسه رکن الملك

کتیبه سردر مسجد ومدرسه رکن الملك بخط محمد تقی فرزند محمد ابراهیم اصفهانی ازنوع ثلث وبرزمینه‌کاشی خشت لاجوردی رنگ پس از ذکر آیه اول از سوره (اسری) و آیه ۵۵ از سوره (مائده) بشرح زیر است :

« و فی حدیث القدسی قال جل شأنه ولایة علی بن ابی‌طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی وقال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم انا مدینة العلم وعلی بابها صدق الله العلی العظیم و صدق رسوله النبی الکریم کتبه محمد تقی ابن محمد ابراهیم الاصفهانی . »

در طرفین سردر بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی رنگ آیه ۵۱ سوره (قلم) و در دولوحه بخط نستعلیق سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی عبارت (الله اکبر سبحان الله والحمد لله) نوشته شده است .

اشعار فارسی در اطراف سردر مسجد و مدرسه رکن الملك

بر هلال سردر ورودی مسجد ومدرسه رکن الملك بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اشعاری نوشته شده که حاکی از بنای مسجد بوسیله **سلیمان خان رکن الملك** است و ماده تاریخ بنای آن مصراع (بنای مسجد اقصا مبارك شد سلیمانرا) یعنی سال ۱۳۲۱ هجری آمده است ، اشعار مزبور که اثرطبع (طغرل) است بشرح زیر میباشد :

بعهد زیب اورنگ کیان و تخت جمشیدی

مظفر خسرو عادل که رونق داد ایرانرا

بدور **ظل سلطان** حضرت مسعود مه خرگه

که اندرسایه خورشید خود پرورد رخسانرا

سلیمانخان **رکن الملك** میر مسند دیوان

که زینت داده از اعمال خیر اسلام وایمانرا

امین دولت و ملت معین ملت و دولـــــت
که ذخر وفخر باشد حضرتش‌هم این وهم آنرا

جنابش متصف در زهد و عدل و تقوی ودانش
صفات حق پرستی بدینسان باشد انسانرا

ززهدش زهد را رونق زصدقش صدق را زینت
مطیع صدق بوذر را مرید زهد سلمانرا

در **اصفاهان** که باشد سالها والی بروز و شب
کند دلشاد محزون را کند معمور ویران را

بـدیوانش نگر کز نظم و نثر نغز و شیرینش
بهم زد دفتر خاقانی سحبـــان و حسانرا

بنا در **تخت فولاد** او نمود ایـن مسجد عالی
کش از فولاد محکمتر بنا فرمود بنیانرا

رقم از سلك هدهد كلك **طغرل** زد بتاریخش
بنای مسجد اقصا مبارك شد سلیمانرا
فی ۱۳۲۱

سردر مسجد ومدرسه رکن الملك بحیاط کوچکی که بیش ازچند حجره محقر ندارد متصل میشود و در همین قسمت است که آب انبار معروف مسجد رکن الملك ساخته شده ، کتیبه لوح سنگی منصوب بردیوار این آب انبار بخط نستعلیق برجسته برسنگ مرمر بشرح زیر است :

ازهمت **رکن الملك** معمور صفاهان شد — درمسجدش آب انبارسرچشمه حیوان شد
نوشاندش از کوثر هرلحظه عوض حیدر — کین آب روان‌پرورز آن منبع احسان شد
خواهی اگرش اطوار بنگرتو بدین آثار — کاین مسجد وآب انبار شرذمهٔ از آن شد
میجست **خطیب** ازغیب‌تاریخ که‌ذوقش گفت — **این صرح ممرد نیز بنیان زسلیمان شد**
سنه ۱۳۲۵

در داخل سردر مسجد و مدرسه بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بقلم سید هاشم طوبی ومورخ بسال ۱۳۲۰ هجری کتیبه ذیل نوشته شده است :

« قال الله سبحانه تبارك و تعالی انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الاتعلوا علی واتونی مسلمین نمقه العبد الاقل الاثم سید هاشم المتخلص بطوبی ۱۳۲۰ »

و دریك لوح دربالای در ورودی بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده :

« قال الله تعالی و ان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً »

اشعار فارسی در اطراف تصویر رکن الملك

بر دو جرز طرفین در ورودی مسجد رکن الملك و در مجاورت اطاق آرامگاه او دو تصویر از رکن الملك برکاشی منقوش شده و بخط نستعلیق لاجوردی رنگ برزمینه کاشی خشت سفید اشعار ذیل دراطراف آن نوشته شده است :

خداوندا گناهم عفو فرما	که من مملوکم وهستی تومالك
هلاکم کرده در این دار فانی	قضای مبرم از ایام مهلك
مرا گر معصیت بیرون ز احصاست	تو را شد مغفرت افزون کذلك
چو تاریخ نجات خویش جستم	در این مسجد زهر دانای سالك
بشیری سر برون آورد و فرمود	خلف گورب عاملنا بفضلك

۱۳۲۴ عمل میرزا عبدالجواد

اشعار فارسی در سردر مسجد رکن الملك

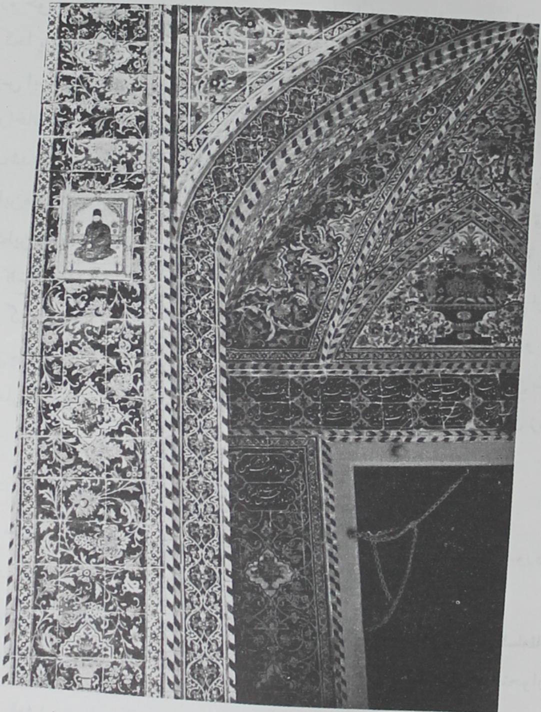
اشعار فارسی سردر مسجد رکن الملك که گوینده ونویسنده آن طرب بن همای شیرازی است (۱) بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر است :

در زمان شه جمجاه منوچهر کلاه	خسرو عهد مظفر شه اقلیم ستان
شاه قاجارجم آثارجهان دار که هست	زیب دیهیم فریدونی واورنگ کیان

---

(۱) رجوع شود بذیل صفحه ۶۷۶

فخر شیراز در اصفهان فرمود بنا | مسجدی سخت پی‌محکم عالی بنیان
مهتر راد سلیمان زمان **رکن الملك** | کش بود راستی بودر وصدق سلمان



کاشیکاری سردر مسجد رکن الملك و تصویر وی بر یك لوحه‌کاشی

صدر دیوان قضا گوهر دریای کرم — خلف الصدق خلف ذخر(۱) زمین فخر زمان
دروجودش زازل پاك خدا جمع نمود — زهد سلمانی با معدلت نوشروان
چون که او نام نکوخواست بگیتی بار(۲) — نام نیکوش بماند بجهان جاویدان
در ره حق ننماید ز زر و سیم دریغ — تا بپاداش خدایش بدهد باغ جنان
هر کجا یابد ویرانهٔ آبـــاد کند — غیر بنیاد ستم کز کرمش شد ویران
از پس ابنیه پادشهـــان صفـوی — دیـده دهر ندیدست بنـائی اینسان
مال راخاصیت آنست که تاصاحب مال — خانه آخـــرت آباد نماید بجهان
صرف شدعمر گرانمایه آن میر کریم — همه درخدمت مخلوق ورضای یزدان
وه ازاین میر فلك قدر که مالش همه‌شد — صرف درساختن مسجد وطبع قرآن
ساخت‌این‌خانه‌درامروزپی‌راحت‌خلق — تا کند خانه فرداش خدا آبادان
همچو کاخ‌فلك‌ورای‌خود آن‌میر کریم — ساخت این‌معبد عالی پی‌محکم ارکان
نـامزد گشت بسرکاری این طرفه بنا — نـایب راد محمد فلك عـزت و شان
الغرض‌چونکه بتوفیق خداوند رحیم — ازسلیمان زمان گشت تمام این بنیان
گشت‌ملهم‌طرب‌ازغیب‌و بتاریخش گفت — **شاد شد مسجد اقصی زسلیمان زمان**

« قایله و راقمه طرب ابن هما ۱۳۲۱ »

و در یك نیم لوح نوشته شده : سنه ۱۳۲۲

در طرفین در ورودی مسجد بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بر دو لوحه دوفرد شعر بشرح زیر نوشته شده است :

هم در ایام جهانداری سلطان مسعود — حضرت والا جم مرتبه **ظل السلطان**
سده او را مهرست کمین فرمـانبـر — درگه‌اوراچرخ‌است کهین‌مدحتخوان

---

(۱) کلمه (ذخر) درکتیبه با حرف (ز) نوشته شده

(۲) عین کتیبه است .

کتیبه ایوان جنوبی مسجد

کتیبه نمای خارجی ایوان جنوبی بخط ثلث برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد از جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) شامل آیه ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و نصف آیه ۴۶ از سوره (اسری) است و قسمت آخر کتیبه بعبارت زیر ختم میشود :

« کتبه محمد باقر الشریف الشیرازی الاتشی فی سنة سبع و خمسین و مأتین بعد الالف » (۱)

در دو پشت بغل کاشیکاری این ایوان ودر دولوحه بخط نستعلیق مشگی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ نوشته شده :

« انه من سلیمان » « و انه بسم الله الرحمن الرحیم » (۲)

دو اسپر طرفین ایوان در سالهای اخیر کاشیکاری شده و شامل اشعاری از خود رکن الملك متخلص به (خلف) است که بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی بشرح زیر نوشته شده است :

یا ایها المدثر تا چند در پلاسی — برخیز در عبارت کز شب نمانده پاسی
تا سرخوشی و دلگرم از جام قم فانذر — هرگز مدار در دل از دشمنان هراسی
مستجمع کلامی مستغرق وصالی — از خم لایزالی برخیز و نوش کاسی
پروردگارت از مهر بهر تو کرد بنیاد — نیکوترین بنائی محکمترین اساسی
احکام حق بفرما ظاهر به بندگان فاش — بی بیم اشتباهی بی خوف التباسی
از کید دیگر اعداء خاطر پریش منما — از وصل دوست دریاب جمعیت حواسی
تا در زلال وحدت با دوستت وصالست — در خویشتن مده راه نه نوم و نه نعاسی
برخیز در عبادت چالاك باش و در پوش — کو تا بیابی هشته پاکیزه تر لباسی
از ماسوی سفر کن در کوی لی مع الله — کآنجا گذر ندارد اندیشه و قیاسی

---

(۱) این کتیبه از کتیبه مسجد سید که بخط محمد باقرشریف شیرازی است گرده برداری شده و حتی تاریخ تحریر آن نیز تغییر داده نشده (رجوع شود بصفحه ۷۶۸)

(۲) لوحه مشتمل برجمله «وانه بسم الله الرحمن الرحیم» مقدم برجمله (انه من سلیمان) کاشیکاری شده .

حسنی طلب که هرگز در آن نمیبرد راه — سستی و انهدامی تحلیل و اندراسی
از بوته اطاعت خالص خلف برون آی — کز کیمیای ایمان بل زر کنی نحاسی
اشعار ازمرحوم رکن الملك (خلف) — بفرمایش دکترحسین رکنی ۱۳۷۹
درذیل کاشیکاری جرزچپ ایوان جنوبی نوشته شده «بفرمایش آقای دکترحسین رکنی اصفهان بازارچه نوکاشی سازی کهرنگی»

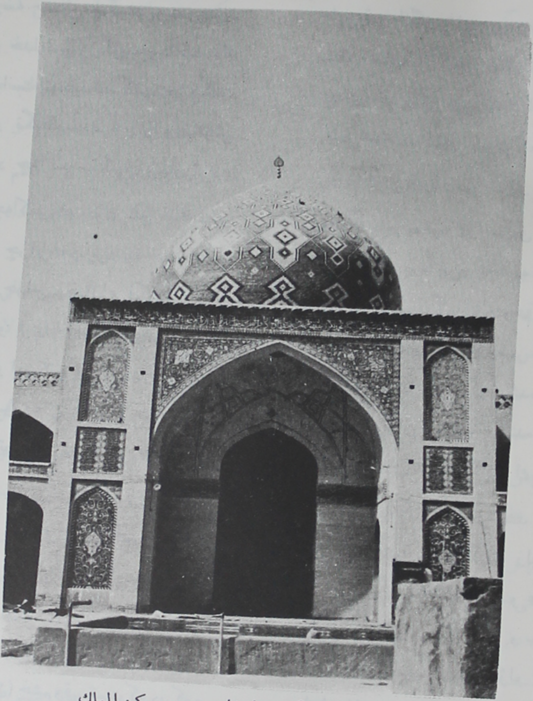
کتیبه نمای خارجی ضلع شمالی مسجد بخط ثلث شامل آیه ۴۳ و ٤٤ و ٤٥ از سوره (اسری) است وبسنه (۱۳۲۳ هجری) ختم میشود و دردوپشت بغل کاشیکاری آن در دو لوحه بخط نستعلیق مشگی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ نوشته شده :

«انه من سلیمان» — «انه بسم الله الرحمن الرحیم»

اشعار فارسی در اطراف صحن مسجد

در اطراف صحن مسجد رکن الملك بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اشعاری که اثرطبع حاجی سلیمان خان رکن الملك بانی مسجد و متخلص به (خلف) است وخط آنرا طرب فرزند همای شیرازی نوشته نقش برکاشی شده، هرمصراع از این اشعار دریك لوحه کوچك جای داده شده وتاریخ نصب آنها در ذیل آخرین شعرسال ۱۳۲٤ (هجری قمری) ذکرشده :

خامه چو جاکرد در انامل دانا — حمد خداوند انس و جان کند انشا
منعم و معبود و چاره ساز و مقدر — داور یکتا و بی نیاز و توانا
قادرقدرت نما زذره وخورشید — صانع هستی فراز قطره ودریا
رازق روزی رسان بعالم و جاهل — خالق خلق آفرین زمقطع و مبدا
موجد اجسام از سمك بسموات — مبدع اجرام از ثری بثریا
خلق پدید آورد زاصغر واکبر — دهر هویدا کننده زاسفل و اعلی
ذاتش ازگردش وزوال منزه — وصفش از دانش و خیال مبرا



ایوان جنوبی و گنبد کاشیکاری مسجد رکن الملك

امرش بالاتر از قیاس چه و چون　　حکمش والاتر ازخـــط نعم ولا
رحمتش آموده (۱) از تفکر واعداد　　نعمتش افزوده از تصور و احصا
نامش از سنخ کائنـــات تقدس　　شأنش از جنس ممکنات تعالی

(۱) در نسخه خطی دیوان مصنف (آسوده)

عرصه حمدش چگونه پوید و جوید
این قدم لنگ و این دو دیده اعمی

بار خدایا بروزگار چو آمد
نطق خلف از کمال فضل تو گویا

خواست بتوحید لب گشود خرد گفت
پای چو بیرون نهی زحد ادب ها

قدر نگهدار و شرم دار و بیندیش
بیش زحد گلیم خویش منه پا

خود چه تند عنکبوت تار بطارم
کس چه زند از بروت تیر بجوزا

یا چه کند دام حوت شیر فلك صید
یا چه پرد صعوه در مقابل عنقا

پشه چرا خود پرد بشاخه طوبی
ذره چسان ره برد بچشمه بیضا

ای زحواس وخیال و فکرت بیرون
وی ز قیاس و گمان و وهم معرا

ای تو بری از مثال ومونس و مانند
وی تو عری ازهمال و همسر وهمتا

هم بتو این کاخ بیستون شده محکم
هم زتواین چرخ واژگون شده پویا

هم تو روان دادهٔ و سینه صافی
هم تو توان دادهٔ و دیده بینا

حکم تو نافذ تر از مقام کم و کیف
امر تو عالی تر از کلام ام و یا

مطرب در پرده از تو برزند آهنگ
بلبل در باغ از تو بر کشد آوا

از تو ببازار مصر آمده یوسف
وز توگرفتار عشق گشته زلیخا

از تو بود ارتباط لیلی و مجنون
وز تو بود اختلاط وامق و عذرا

از تو بود اختیار ویسه و رامین
وز تو بود اشتهار سلمی و سلما

از اثر فحل فضل تست که در بحر
حامله گردد صدف بلؤلو لالا

ازنظر(۱) خشم وقهر تست که در کوه
زلزله افتد بجان صخره صما

راهنمای رهی توگشتی ازینره
از لا، ره یافته بشهره الا

ور نشود رهنمون لطف تو رهبر
کس نتواند قدم برون نهد از لا

عقل برد ره بکنه ذات تو هرگز
فهم کند درك وصف قدر تو حاشا

---

(۱) در نسخه خطی دیوان مصنف (از اثر)

خود تو مگر خویشتن شناسی ورنه
کس نرساند کمند دانش آنجا

از تو گذشته است نام سید سادات
از طبقات سپهر و گنبد مینا

احمد محمود برگزیده معبود
باعث ایجاد کل مخاطب طاها

قطرهٔ از جوی اوست چشمه کوثر
شمه ای از بوی اوست عنبر سارا

آنچه پیام از تو داده دارم تصدیق
آنچه رسانیده از تو گفتم اهلا

شرع نبی را زسر نهادم گردن
امر تو را کرده ام بجان ودل اصغا

بعد نبی آن رسول پاك مصدق
هست بما پیشوا و سرور و مولا

مظهرقدرت ولی قادر بیچون
مفخر امت علی عالی اعلا

از پس او شد حسن امام که باشد
مسئله دان رموز علم الا سماء

بعد حسن مقتدا حسین شهید آنك
هست بمحشر شفیع خلق بفردا

سید مظلوم آنکه بی کس و بی یار
کشته کین شد زجور لشگر اعدا

از پس او مقتدا علیست که گشته
هادی راه خدا بمردم دنیا

بعد علی پیشوای خلق جهان شد
باقر علم نبی شهنشه والا

از پس باقر بود سلیل جلیلش
جعفرصادق که دین از او شده برپا

موسی جعفر دگر که از شرف وقدر
زنده جاوید کرد سنت آبا

بعد علی آنکه آستان رفیعش
خلق جهان را ملاذ باشد وملجا

باز محمد خدیو ملك امامت
کزهمه خلق بود ازهد و اتقی

نور علی آفتاب چرخ ولایت
کرده بامت رموز شرع هویدا

یازدهم عسکری که کرده ز اعجاز
عسکر حق بهر خصم ناحق پیدا

حجة قائم امام حی که ز افضال
هست مقامات جملگی را دارا

پر کند از عدل بعد ما ملئت ظلم
جمله جهان امر حق نماید اجرا

بخش خدایا فرج باو که ظهورش
دین هدا را کند بدنیا احیا

بار الهـــا گواه باش که دارم — در همه عالم بـا این ائمه تولا
گرچه مرا معصیت برون زحسابست — بخش گناهــان من بعصمت زهرا
دست تولا زدم بــدامن ایشان — خون بر گ وجان بجسم وموی براعضا
هست **خلف** را پر از محبت ایشان — بار خدایا مرا بایمان افـــزا
یافت چه اتمام این بنای مقدس — گشت **خلف** سال اختتامش جویا
سر زبنا کرد عقل داخل و گفتا — **شد زسلیمـان تمـام مسجد الاقصا**
« یا سبحان ۱۳۲۴ » — « کتبه طرب ابن هما ۱۳۲۴ » (۱)

اشعار فارسی در ایوان جنوبی مسجد

در اطراف ایوان جنوبی مسجد رکن الملك بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ اشعـار ذیل اثر طبع (ادیب) مـورخ بسال ۱۳۱۹ هجری نوشته شده است :

حبذا از همت والای والی زمان — **رکنملك** ویاوردین حکمران اصفهان
آصف ملکعجم خان سلیمان راد خان — افتخار دین و دولت اعتبار این و آن
اینچنین فرمانروا ازعدل و فیض وداد وجود — نه کسی برده است نام و نه کسی دارد نشان
گشته تعمیر بقاع وتربت اخیار از او — نیت خیرش ضمین و فطرت پاکش زمان
دره‌لله درخیراتش از حق اجر باد — قصر خلد و حور عین « فیهن خیرات حسان »
درره حق بنده گر اینسان کند طی طریق — پایگاه قرب را اینگونه سازد نردبان
از سلیمان نبی شد مشتهر نامم زنور — زین سلیمان منتشر آمد نبی اندرجهان
ازسلیمان سلف بیت المقدس شد خلف — وزسلیمان خلف بیت مقدس شد نشان

---

(۱) درموقع نصب الواح کاشی شامل اشعار فوق الذکر اشتباهات زیادی رخ داده است که قرائت آنها را مشکل مینماید ، مؤلف با مراجعه به نسخه ای از دیـوان خطی مرحوم رکن الملك بتصحیح اشعار مزبور موفق آمد . بعضی از کلمات اشعـار منقوش بر کاشی نیز با آنچه درنسخه خطی دیوان مرقوم رفته است اختلاف دارد .



حاجی میرزا سلیمان خان رکن الملک

بهر آبادانی و بنیان این تقوی اساس شد اشارت از جناب کامیابش از بنان
پا درون آورد **ادیب** و کلك تاریخش نوشت **ساز شد بیت المقدس از سلیمان زمان**
۱۳۱۹

درطرفین مدخل ایوان بداخل گنبد دردولوحه کاشیکاری بخط قهوه ای برزمینه کاشی سفید (شکیات نماز) نوشته شده .

کتیبه والواح داخل گنبد

کتیبه اطراف گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ بعد از جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) شامل آیه ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و نصف آیه ۲۹ و همچنین آیه ۴۳ و ٤٤ و نصف آیه ٤٥ از سوره (اسری) است و سال اتمام آن در آخر کتیبه (۱۳۲۳ هجری) نوشته شده است و در انتهای کتیبه در چهار سطر بخط نسخ سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اشعار عربی ذیل نوشته شده است :

ان السلیمان ورکن الاعلـــــی اسس ذلـك المسجد المثـوی
جزاه ربنا جـــــزا الا وفی قصور مجد فی جنان المأوی
ارخ الانصاری بـــــدو المسمی و شطر شطراً للمعاد الا قوی
کفی السلیمان ذا بناء الاقصی و اسست ارکانــــــه بتقوی

کتیبه داخل محراب بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ شامل آیه ۲۵۵ و۲۵٦ و۲۵۷ ازسوره (بقره) است ودرخاتمه سال (۱۳۲۳) ذکرشده است .

در داخل محراب بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده (بسم الله الـرحمن الـرحیم) و بخط ثلث مشگی برزمینه کاشی خشت زرد رنگ (سبحان ربـی العظیم و بحمده) و در چهـار ترنج بخط ثلث زرد برزمینه صورتی رنگ نوشته شده : یا حنان - یا غفران - یا رضوان .

کتیبه ستون های سنگی داخل گنبد

بر قسمت فوقانی سرستونهای چهارگانه زیر گنبد بخط نستعلیق سیاه برجسته اشعاری بشرح زیر حجاری شده است :

شدز رکن الملك چون بنیان این محکم بنا
سال اتمامش **خلف** ازاین وآن جویا شده

عقل دوراندیش او از بهر تاریخش سرود
ازسلیمان مسجد الاقصی نگر برپا شده

چو این زیبــــا مکان را دید مرشد
بگفت ازکیست این تـرویج اسلام

یکی آمد بـرون گفتــــا بتــا ریخ
وز اقــــدام سلیمان یافت اتمـام

چون ز رکن الملك والدین آن سلیمان دوم
شد بنای مسجد الاقصی هدی للمتقین

سر برون آورد **نور** و بهر تاریخش سرود
ازسلیمان شد بنای مسجد اقصی متین

سال آغـاز بنـا و انجـام آن
زین دو مصرع گفته تا هستت شنو

کز سلیمان حشمت آصف مقام
گشت برپا مسجد الاقصی بنو

کتیبه خارجی گنبد

در اطراف نمـای خارجی گنبد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ آیاتی از سوره (جمعه) نوشته شده و بعد از آن در چهار سطر اشعـار عربی انتهای داخل گنبد تکرار شده و سال تـاریخ آن در آخر کتیبه (۱۳۲۲ هجری) ذکر شده است .

اشعار فارسی در داخل آرامگاه رکن الملك

در داخل آرامگاه که اخیراً کاشیکاری شده پس از ذکر عبارات :

« هوالحی الذی لایموت »

« آرامگـاه ابدی مرحوم سلیمـان خان شیرازی متخلص بخلف رکن الملك والی اصفهان »

بخط نستعلیق سفید بـرزمینه کاشی لاجوردی اشعاری که اثر طبع خود رکن الملك است بشرح زیر نوشته شده :

منکه در کوی جهل حیرانم | از چه در علم خود سخنرانم
منکه عارف نیم بمعرفتی | چون بود ادعای عرفانم
لاف فضل و ادب چگونه زنم | کز هنر ها تهی است انبانم
منکه چون مور عاجزم بجهان | پس چه دعوی کنم سلیمانم
سست ارکان نیم که فخر کنم | من رکین رکن ملك ایرانم
از حقارت درین سرای یقین | آنچه ناید بوهم کس آنم
در بسیط زمین چه خانه کنم | که بدین خان دو روز مهمانم
چون وطن نیست پس چه فرق کند | شهر شیراز یا صفاهانم
دردمند فراق یارم و هست | داروی وصل دوست درمانم
لله الحمد زنده شد جانم | بتولای عشق جانانم
گر همه خلق دشمنند چه باك | دوستدار علی عمرانم
در سر کوی او خلیل آسا | آتش عشق شد گلستانم
تا نیاز آورم بدرگه او | بی نیاز از فلان و بهمانم
نتوان یافت جز ولای علی | گر شکافند مغز ستخوانم
گر خطا خانه ام خراب نمود | بولا محکم است بنیانم
گرچه هستم غریق بحر گناه | واسطه عترتست و قرآنم
چون مرا نوح گشت کشتیبان | کی بود اضطراب طوفانم
با ولا و محبت ثقلین | چه تفاوت ز ثقل میزانم
فخر این بس مرا **خلف** که بدهر | عبد شاهنشه خراسانم
قصد من چیست چاکری درش | هان بود این قصیده برهانم(۱)

---

(۱) این قصیده درنسخه خطی مصنف مفصلتر است و اشعار فوق الذکرمنتخبی از اشعار آن قصیده است .

و بخط نستعلیق طلائی برزمینه سفید دریك لوحه نوشته شده « بفرمایش آقای دکتر حسین رکنی ۱۳۳۸ » (هجری شمسی)

کتیبه شبستان مسجد رکن الملك

برهلال شبستان مسقف مسجد رکن الملك بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی بعد از جمله (قال الله تعالی) آیه ۱۸ و ۱۹ سوره (توبه) ذکر شده وبخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی اشعار ذیل نوشته شده است :

حبذا زین بلند اســاس مقام ... که بود رکنی از جنان بصفا

گشت بر پا زسعی **رکن الملك** ... گوئیـــا کعبه ای نموده بنا

بهر تـــاریخ او نوشت **ادیب** ... و لقد اسست علی التقــوی

۱۳۱۸

کتیبه سردر تکیه حاجی محمد جعفر آباده ای

حاجی محمد جعفر آباده ای که در فصل مربوط ببنا های تاریخی قرن سیزدهم وچهاردهم هجری از مسجد او توصیف شده درتکیه ای که جنب مسجد رکن الملك در اول تخت فولاد بنا شده و بنام خود او شهرت دارد مدفون شده است ، از اشعار فارسی سردر این تکیه که در الواح کوچك جدا از هم بر سه جانب سردر نصب شده چنین مستفاد میشود که این تکیه نیز بدستور رکن الملك درمجاورت مسجد ومدرسه وی بنا شده است ، اشعار کتیبه که اثرطبع (طغرل) وبخط (فتح‌الله متخلص بجلالی) است بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بشرح زیر است :

حبذا از آصف دوران سلیمان زمان ... **رکن ملك** حقگزارحق‌پرست حقشناس

آنکه‌عمرخویش‌رافرموده‌درخیرات‌صرف ... حسن‌اعمال‌جنابش‌بیحساب و بیقیاس

تکیه حاجی محمد جعفر آبادهٔ ... عالم‌ربانی آن ذخرخواص وفخرناس

کردآباد و بدین جعفری خدمت نمود ... خدمت‌دین‌را کندآنحضرت‌اندرهر لباس

بهر تاریخش بزر جعفری طغرل نوشت   **از سلیمانست دین جعفری محکم اساس**

« کتبه المذنب فتح الله المتخلص بجلالی غفر ذنوبه »

مسجد آقا میرزا محمد هاشم

دراواخر قرن سیزدهم هجری درمحله چهارسوی اصفهان مسجدی بنا شده است که بنام بانی آن بمسجدآقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی معروف است ودارای گنبد و ایوانی در جنوب و صفه هائی در طرفین آن و ایوانی در شمال و غرفه هائی در اطراف است ، نمای خارجی گنبدآجری میباشد وداخل آن پوشش ساده گچی است کاشیکاری کتیبه دور گنبد و محراب آن قدیمی است ولی کاشیکاری نمای خارجی ایوانها و صحن آن از اقدامات اخیراست .

کتیبه داخل گنبد مسجد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بعد از جمله (قال الله تبارك و تعـــالی) شامل آیه ۲۶ تا نصف آیه ۳۳ از سوره (اسری) است .

کتیبه هلال محراب مسجد بخط ثلث سفید برزمینه‌کاشی لاجوردی بعد ازجمله (قال الله تعالی) شامل آیه ۳۵ و۳۶ و۳۷ ازسوره (نور) است و قسمت آخر کتیبه باین شرح میباشد :

« و قـال سبحانه فی سورة البقرة و اقیمـوا الصلوة و آتـوا الز کوة وار کعوا مع الرا کعین »

کتیبه داخـل محراب بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی بعـد از جمله (قال الله تبارك و تعالی) شامل آیه ۱۸ ازسوره (توبه) وآیه ۱٤٤ از سوره (بقره) و آیه ۵۵ از سوره (مائده) است و قسمت آخر کتیبه که سال تاریخی و نام خطاط آنرا در بر دارد بشرح زیر است :

« صدق الله العلی العظیم فی ۱۲۸۵ کتبه محمد ابراهیم الاصفهانی »

درداخل محراب بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی عبارات زیر نقاشی شده است:

« بسم الله الرحمن الرحیم ناد علیاً مظهرالعجایب تجده عوناً لك فی النوایب

کل هم و غم سینجلی بنبوتك یا محمد بولایتك یا علی . »

کتیبه های فوقانی ایوانهای شمالی و جنوبی مسجد که کاشیکاری جدید است

بخط ثلث سفید برزمینه لاجوردی بعد از جمله (قال الله تبارك و تعالی) شامل آیه

۱۸ از سوره (توبه) وآیه ۲۹ و۳۰ و۳۱ سوره (اعراف) است و قسمت آخر کتیبه

بجمله « صدق الله العلی العظیم الکریم » ختم میشود .

بردوجرز عمودی طرفین ایوان شمالی وجنوبی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه

کاشی لاجوردی سوره (جمعه) نوشته شده و بعد از جمله (صدق الله) نام بانی

کاشیکاری وتاریخ انجام آن بخط نستعلیق طلائی برزمینه‌کاشی لاجوردی بشرح زیر

نوشته شده است :

« بانی کاشیهای خطی میرزا حسن بصیری رمضان ۱۳۶۳ »

درداخل ایوان شمالی مسجد بخط ثلث لاجوردی رنگ برزمینه گچی احادیث

متعددی راجع بفضیلت نماز نقاشی شده است .

کتیبه یك لوح سنگی مورخ بسال ۱۲۷۶ هجری

در ایوان جنوبی مسجد بر یك لوح سنگی که بر دیوار ایوان نصب شده بخط

نسخ برجسته بر سنگ پارسی کتیبه ای بشرح زیر حجاری شده است :

« هوالواقف بسم الله الرحمن الرحیم وقف شرعی‌نموده خیرالحاج حاجی‌فتح‌الله

جوزدانی یکدانگ ویکربع ازطاحونه **جوانرا** (۱) که مال‌الاجاره راصرف روشنائی

و بوریا و تعمیر مسجد نو چارسوی شیرازیان بشود وصیغه جاریشد ۱۲۷۶ »

---

(۱) **جوان** نام قریه ایست در شش کیلومتری مغرب اصفهان

کتیبه سنگاب مسجد

کتیبه سنگاب مسجد که در زیر ایوان جنوبی قراردارد بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

« آب در کرب وبلا ای قوم بداختر نبود   یا حسین تشنه لب فرزند پیغمبر نبود

سلام الله علی الحسین لعنت الله علی قاتل الحسین وقف جناب ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام نمود طایف بیت الله الحرام **حاجی فتح الله** ولد مرحوم آقا عبد الرضا لر شیروانی **فی شهر رمضان سنه ۱۲۸۰** » (۱)

---

(۱) علامه فقیه آقامیرزامحمدهاشم‌چهارسوقی فرزند میرزازین‌العابدین‌موسوی خوانساری خاندان او از اواخر زمان صفویه تاکنون یکی از خانواده های علمی ایران بوده و عده‌ای از فضلاء و علماء از این دودمان شهرت علمی یافته وریاست داشته اند .

آقا میرزا محمد هاشم از رؤسای علمای اصفهان بلکه ایران است که در آخر سال ۱۲۳۵ قمری در خونسار متولد شده و نزد عده ای از علماء وفقهاء درس خوانده که مهمترین آنها مرحوم آقا سید صدرالدین محمد عاملی اصفهانی وآقا میرسید حسن مدرس میرمحمد صادقی وشیخ مرتضی انصاری میباشند ومتجاوز ازبیست وچهار مجلد کتاب در فقه و اصول وحکمت و رجال و تجوید و غیره تألیف نموده و بفارسی و عربی شعر میگفته، کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- اصول آل الرسول ۲- احکام الایمان رساله عملیه ۳- رسائلی در نماز - روزه حج و غیره و مبانی الاصول که معروفترین تألیفات وی بشمار میرود ، روز چهار شنبه ۱۷ رمضان المبارك سال ۱۳۱۸ در نجف اشرف در موقع مسافرت جهت زیارت وفات یافته ودر وادی السلام مدفون گردیده است .

مسجد آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی

در محله چهارسوی اصفهان مسجد دیگری بنام مسجد آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی واقع شده ، وی از اعاظم علماءِ وفقهاءِ اصفهان دریك قرن اخیر وصاحب کتاب معروف « روضات الجنات فی احوال العلماءِ والسادات » (۱) است سردرمسجد ومحراب شبستان آن دارای تزیینات کاشیکاری است ودریك لوحه در بین کاشیکاریهای جبهه مقابل محراب کتیبه زیر بیادگارمانده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم فنادته الملائکة وهوقائم یصلی فی المحراب وصلی الله علی محمد و علی و فاطمة والحسن والحسین . واقف کاشی **محمد جعفر** . عمل **استاد عبدالرزاق** فی ۱۳۲۶ »

کتیبه سنگاب مسجد بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

---

(۱) علامه فقیه آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی از اعاظم فقهاء قرن اخیر در اصفهان است که عالمی محقق و مجتهدی صاحب نظر بوده و متجاوز از هیجده مجلد کتاب ورساله در فقه و اصول و رجال و حدیث تألیف نموده که اعظم و اشهر آنها کتاب (روضات الجنات در احوال علماء و سادات) در چهار مجلد میباشد که از هنگام تألیف تاکنون مورد توجه عموم دانشمندان واقع گردیده و سه مرتبه بطبع رسیده و چهار نفر از دانشمندان برای آن فهرست نوشته اند : ۱- میرزا عطاءالله فرزند آنمرحوم بنام مفتاح الروضات تولدش ۲۹ ربیع الاول ۱۲۶۶ ووفاتش ۶ جمادی الاولی ۱۳۳۵ ۲- دانشمند معاصر حاج شیخ محمد باقرالفت فرزند آقانجفی متولد شب ۲ جمادی الاولی ۱۳۰۱ که بطبع رسیده‌است ۳- دانشمند رجالی معاصر آقای محمد علی‌معلم‌حبیب‌آبادی متولد محرم۱۳۰۸ ۴- فاضل ارجمند معاصر آقا سید محمد علی روضاتی نبیره آنمرحوم متولد ۱۴ رجب ۱۳۴۹ که در مقدمه طبع دوم بچاپ رسیده است. دیگرازتألیفات صاحب عنوان منظومه فارسی بنام قرة العین ورساله عملیه ودیوان قصاید عربی‌است. آقامیرزا محمد باقر درشب ۸ جمادی الاولی سال۱۳۱۳ دراصفهان وفات یافته ودر تخت فولاد بالای مسجد مصلی‌مدفون گردیده و برای اوتکیه‌ای ساخته‌اند که بنام او معروف شده و جماعتی کثیر ازفضلاء ودانشمندان ازاعقاب وخانواده او ودیگران در آنجا مدفونند . مدارك: احسن الودیعه ـ روضات الجنات ـ رجال اصفهان ـ ریحانة الادب ـ مکارم الاثار ـ فوائد الرضویه .

« وقف جناب ابـا عبدالله الحسین (ع) نمود حاجی فتح الله خلف مرحوم آقـا عبدالرضاء لر شیروانی که درمسجد چهارسوق شیرازیها باشد **فی شهر محرم ۱۲۹۱** .

مگر بکربلا آب قیمت جـان بود   که از عطش بفلك ناله اسیران بود

سلام الله علی الحسین (ع) لعنت الله علی قاتل الحسین علیه السلام حجره حاجی حسین»

مسجد حاجی سید جواد (مسجد صفا)

در محله چهارسوی اصفهان مسجد دیگری بنام (مسجد صفـا) وجود دارد که امروز بنام مسجد حاجی سید جواد شهرت دارد ، این مسجد دارای شبستان کوچك جالبی است که در محراب آن بخط خوش نستعلیق برنگ سفید بر زمینه لاجوردی اشعار زیر کاشیکاری شده است :

شمس فلك رفعت و مصباح دجی   علام زمان مروج شرع هدی

فرخنده **عطاء الله** (۱) ذومجد وبها   مصداق سیـادت ز نژاد موسی

نجل و خلف حجة اسـلام قـویم   کو باقر(۲) علم آمد وعنوان تقی

از رهگذر خلوص وصدق وتقوی   این مسجد همچو خلد فرمود بنا

انجام و بنا را قلـــــم **فتح الله**   بنمود دو مصرع بدو تاریخ انشا

---

(۱) میرزا عطاء الله فرزند آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی و مؤلف فهرستی است بر کتاب روضات ، در ۲۹ ربیع الاول سال ۱۲۶۶ قمری متولد شده و در ششم جمادی الاول سال ۱۳۳۵ وفات کرده است (رجال اصفهان ذیل صفحه ۹۸)

(۲) اشاره بنام آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی صاحب روضات است .

این کعبه دلهااست «فولوا شطره» (۱) **این قبله حاجتست «صلوا فیها»**

۱۲۹۴

کتبه المذنب فتح الله غفرله (۲)

۱۳۱۶

برجبهه ایوان جنوبی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی بعد ازجمله (قال الله تبارك و تعالی) آیه ۱۵۸ و ۱۵۹ سوره (بقره) و آیه ۱۸ سوره (توبه) تزیینات جدید کاشیکاری مسجد را تشکیل داده است و در محراب آن بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی اشعار زیر اثر طبع **طرب** (۳) مورخ بسال ۱۳۲۵ هجری قمری نوشته شده است :

بسم الله الرحمن الرحیم ، هذا مسجد الصفا

لوحش الله زین نکو مسجد که چون بنیاد شد — از **صفا** شد در صفاهان کعبه دیگر بنا

چار رکن کعبه آمد بهر طوف این حرم — چار رکن این حرم از فیض حق چون شد بپا

بارك الله زین بنـای دلگشای سخت پی — صانه الله زین مقام جان فـزای دلگشا

بیت معمورش بدان و مسجد اقصاش خوان — گرچه نام او **صفا** گردید منزل از سما

همچو کعبه قبله اهل دعا شد از شرف — مستجاب است هردعا دروی نمائی آن دعا

چون بنا شد در صفاهان این نکو مسجد ز لطف — اصفهان شد از شرف همسایه عرش علی

---

(۱) عین این مضمون در سردر کاشیکاری مسجد جنب سقا خانه محله نو بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی در دوفرد شعر بشرح زیر نقش بسته است که باحتمال قوی از سراینده و نویسنده اشعار مذکور در فوق است :

تعمیر شد این خـانه ز توفیق اله — گفتم بدو تاریخ دو فرد دلخواه

این کعبه جانها است «فولوا شطره» — طـاعتگه مؤمن است «فاسجدوا لله»

(۲) میرزا فتح الله شاعر متخلص به (جلالی) فرزند عبدالرحیم افسر در سال ۱۲۸۹ هجری قمری متولد شده ودرغره شعبان سال ۱۳۳۶ وفات کرده است ، پدر و پسر ازشعرای معروف و خطاطین مشهور اصفهان بوده اند .

(۳) رجوع شود بذیل صفحه ۶۷۶

گر خلیل الله شد معمار کعبه ای عجب / این بنا را شد **عطاءالله** بانی از صفا

نجل پاك حجة الاسلام میر راستین / **باقر** ثانی مهین ذریه آل کسا

رحمة حق برروانش باد کزوی بازماند / زادگان متقی هریك جهانرا مقتدا

خاصه بدر العلم کنزالحلم علام زمان / **میرزا آقا عطاء الله** گردون عطا

الغرض چون این نکو مسجد باتمام آمدی / خواست تاریخی پی اتمام اوفکرت مرا

از پی تاریخ اتمامش **طرب** باشور گفت / قبله دین وتقی شد کعبه اهل صفا

سنه ۱۳۲۵

سنگاب کوچك این مسجد بسال ۱۳۳۲ قمری مورخ است و درایوان شمالی آن در مقابل کتیبه کاشیکاری محراب ایوان جنوبی بهمان ابعاد اشعار معروف محتشم که درمرثیه امام سوم شیعیان سروده کاشیکاری شده است .

مسجد محله نو

مسجد محله نو از مساجد جالب عهد صفویه است که پشت بغلهای اطراف صحن آن باتزیینات آجری مشابه کارهای هنری دوره صفویه درمسجد شیخعلیخان ومدرسه شمس آباد تزیین شده و از دوره های بعد از صفویه هم اضافات و الحاقاتی دارد ، در داخل محراب آن در دوازده لوحه بخط نستعلیق سوره های (فلق) و (اخلاص) و (الناس) و (حمد) هریك دومرتبه وقسمتی از آیة الکرسی درچهارلوحه گچ بری شده و در ذیل یکی از الواح تاریخ گچ بری این خطوط بشرح زیر ذکرشده است:

« حرره فی شهر ذی قعده سنه ۱۲۷۵ »

این سال تاریخی در ذیل چند لوحه دیگرهم تکرار شده است .

و در بالای محراب در یك لوحه بخط نستعلیق کتیبه زیر گچ بری شده است :

« سعادتمندی ازسلاله دودمان جناب مصطفوی اقدام درتعمیرو بناهای این مسجد

جدید نمود متوقعست ازشیعیان حضرت مرتضوی که اورا بسوره توحید ودعای خیر یاد کنند **۱۳۷۰**»

و در داخل محراب دریك لوحه لوزی شکل زیارت حضرت رسول (ص) وحضرت ابا عبدالله الحسین (ع) قلمی شده است .

کاشیکاری محراب شبستان مسجد شامل آیه ۸۴ تا نصف آیه ۹۱ سوره (مؤمنون) است و در آخر کتیبه نوشته شده : «**عمل کمترین معصوم ۱۳۷۰**»

کاشیکاری نمای خارجی ایوان جنوبی مسجد بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی شامل (آیة الکرسی) است و تاریخ نصب کتیبه و کاشیکاری جدید مسجد در یك سطر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی بشرح زیر ذکر شده است :

« بانی تعمیرات و کاشی کاری طرف قبله و سردرب مسجد محله نـو میرزا علی اقتداری ولد مرحوم مغفور حاج محمد حسن تنباکو فروش ملتمس دعـا هستم سنه ۱۳۸۰ قمری »

تاریخ نصب سکو های سنگی سردر مسجد بشرح زیر حجاری شده است :

« واقف جعفر ابن احمد تنباکو فروش ۱۳۴۱ (خورشیدی) » (۱)

سنگاب مسجد محله نو

کتیبه سنگاب مسجد محله نو بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

« وقف حضرت عباس علیه السلام نمود سلالة السادات آقا میرا بوطالب علاقه بند این سنگ آبرا برمسجد محله نو هر که ازین مکان بیرون برد بلعنت خدا ونفرین رسول گرفتار شود **فی شهر رجب سنه ۱۳۷۶** عمل استاد حسین ولد رضا »

(۱) روزپنجشنبه ۲۸ ماه صفر سال ۱۳۸۴ هجری قمری که باتفاق دوست فاضل گرامی آقای سید مصلح الدین مهدوی کتیبه های مدرسه ترکها ومسجد آقامیرزا محمدباقرچهارسوقی ومسجد صفای محله چهارسو را مطالعه میکردیم از مسجد محله نو هم بازدیدی بعمل آوردیم آقای جعفر تنباکو فروش خادم مسجد که پیرمرد روشن ضمیری است اظهار داشت که شبستان مسجد با اجازه و موافقت مرحوم آخوند ملا محمد باقر فشارکی از مصالح بنائی ویرانه

تعمیرات عهد ناصری

غیر از تعمیرات قابل ملاحظه ای که در دوره سلطنت فتحعلیشاه قاجار بوسیله صدر اعظم کاردان و مدبر او حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی در آثار تاریخی اصفهان بعمل آمده و اضافات و الحاقاتی که بدستور وی صورت گرفته و شرح آن گذشت (۱) در تمامی دوره قاجاریه فقط در عهد سلطنت ناصرالدین شاه تعمیراتی در آثارتاریخی ایران وازآنجمله درشهراصفهان بعمل آمده، مرحوم محمد حسنخان اعتمادالسلطنه در باب هفتم کتاب مآثر والاثار (چاپ تهران ۱۳۰٦ قمری) ضمن تشریح اقدامات ساختمانی و تعمیراتی چهل سال ازسلطنت ناصرالدین شاه از تعمیر آثار تاریخی اصفهان نیز بشرح زیر نام برده است :

۱- تعمیر ابنیه دیوانی اصفهان سال مسافرت موکب همایونی باصفهان (سنه هزار ودویست و شصت و هفت از هجرت سال چهارم از جلوس همایون)

۲- تعمیر عمارت دیوانی اصفهان در سنه هزار ودویست و هفتاد و یك سال هشتم ازجلوس همایون .

۳- تعمیر پل خواجوی اصفهان درتاریخ مزبور . (۲)

٤- تعمیرعمارت هزارجریب اصفهان بدست چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان در سنه هزار و دویست و هفتاد و یك از هجرت سال هشتم از جلوس همایون .

۵- تعمیر میدان نقش جهان اصفهان در سنه ۱۲۷۲ سال نهم از جلوس همایون

های (هفت مدرسه) که جنب شاهزاده ابراهیم پراکنده بوده است بنا گردیده و خود وی شاهد ساختمان بنای شبستان و ایوان شمالی آن بوده ، بهرحال این اقدام خیر موجب شدکه مصالح مزبور بتاراج نرود وشبستان نیکوئی هم درمسجد محله نو بوجودآید، مرحوم آخوند ملا محمد باقر فشارکی شصت و سه سال عمر کرده و در ماه رجب سال ۱۳۱٤ هجری وفات نموده است . (رجوع شود بکتاب رجال اصفهان صفحه ۹۰)

(۱) رجوع شود بصفحه ۷٤۳

(۲) کتیبه جبهه جنوبی پل خواجو بخط بنائی لاجوردی بر زمینه کاشی سفید معرق دریك لوحه حاکی ازتعمیر پل درسال ۱۲۹۵هجری قمری بسعی نصرالله خان است بشرح زیر:

نمودیم تعمیر این پل تمام   بسرکاری میر نصر الله خان

سنه ۱۲۹۵

۶ـ تعمیرعمارت عالی قاپوی اصفهان که معظم عمارات است بدست نواب حمزه میرزا حشمة الدوله بتاریخ مزبور .

۷ـ مرمت عمارات دیوانی اصفهان خاصه میدان نقش جهان ومیدان چهارحوض(۱) که بعضی از آنها ازسال سابق شروع شده بود درسنه ۱۲۷۴سال یازدهم جلوس همایون.

۸ـ تجدید چند چشمه ازپل مشهور به سی وسه چشمه که برروی رود زنده رود است درسنه هزار و سیصد و یك از هجرت .

۹ـ تعمیر میدان نقش جهان اصفهان بدست حضرت والا سلطـان مسعود میرزا ظل السلطان در تاریخ مزبور .

۱۰ـ تعمیر عمارت رشگ جنان (۲) اصفهان بدست حضرت والا ایضاً

۱۱ـ تعمیر بازارچه بلند وکاروانسرای آن که در اصفهان و از مشهورات ابنیه آن سامان است ایضاً بدست حضرت والا ظل السلطان در تاریخ مزبور .

نام ناصرالدین شاه قاجار در کتیبه جبهه عمارت عالی قاپو بسوی میدان نقش جهان بمناسبت تعمیراتی که در دوره سلطنت وی از این عمارت بعمل آمـده ذکر شده (۳) همچنین کتیبه سردر بازارقیصریه در شمال میدان نقش جهان و سردرمسجد رحیم خان نیز بنام آن پادشاه تزیین شده است . (٤)

بر دو جبهه شمال و جنوب کاروانسرای **مخلص** در بازار بزرگ اصفهان که از

---

(۱) میدان چهارحوض در مقابل عمارت تالار تیموری (محل فعلی باشگاه افسران) قرار داشته و از طریق بازار مسگران بمیدان شاه مربوط میشده ، سابق بر این چهارحوض درچهارموضع آن بوده ، نسبت بمیدان نقش جهان وسایرآنها کوچکتر و مشتمل برحجراتی در اطراف بوده که محل سکونت یك فوج سربـاز بوده است ، این میدان بمنزله جلوخـان عمارات مبارکات بوده و سردری داشته مرتفع و عالی متضمن مکانهـای مرغوب (جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین خان چاپ تهران صفحه ۲۳) درشرقی باغ چهلستون نیزبمناسبت مجاورت با میدان وعمارت چهارحوض به (درچهارحوض) شهرت داشته است .

(۲) عمارت رشگ جنان بنائی سه طبقه ازآثاردوره صفویه ودرضلع شمالی باغ چهلستون قرار داشته است . (۳) رجوع شود بصفحه ٤۲٦ (٤) رجوع شود بصفحات ٤٦٦ و۷۹۷



تصویر ناصرالدین شاه قاجار در عمارت چهلستون بقلم محمد حسن افشار نقاشباشی مورخ بسال ۱۲۷۶ هجری قمری

کاروانسرا های معتبر و بسیار مشهور دوره صفویه است بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی اشعاری نوشته شده که حاکی از اقدامات ساختمانی و تعمیراتی است و بنام ناصرالدین شاه قاجار تزیین شده ، کاشیهای خشتی که اشعار مزبور را در برداشته در بعضی نقاط فرو ریخته و بالنتیجه رابطه اشعار مزبور را قطع کرده معذلك آنچه تا این تاریخ (خرداد ماه ۱۳۴۳ خورشیدی) موجود بود بشرح زیر

قرائت گردید :

کاشیهای برجای مانده جبهه شمالی

درزمان **ناصرالدین شاه** قیصر پاسبان . . . **بهشت جاودان**

آفرین بربانی . . . .

هم سمی گوشوار عرش رب العالمین . . . . . .

گوچه این‌محکم بنائی‌درهمه‌روی زمین گوچه این‌دلکش‌سرائی‌درهمه **ملک جهان**

و دربین الواح مزبور نوشته شده: « عمل حاج میرمحمد حسین طباطبائی **۱۲۷۷** »

اشعار جبهه جنوبی

شد بعهد **ناصرالدین** شاه شاهان جهان روزگاراین سرا رشگ جنان و گلستان

(سرای طباطبائی)

از سمی سرور سیم بپاشد این بنـــا باد ایندولت بعالم تا قیامت جـاودان

(سرکار نصیر تبـریزی)

مرحبا بر خادم درگاه آندریـای جود . . . . **نصیر** کامران

(معمار قاسم آجر تراش)

تارساند سر بر اوج قرب درفرمانبری بسته ازخدمتگذاری رشته جان درمیان

(ناظمه **کشاف**)

دراطراف خلوت شرقی کاروانسرای مخلص اشعارزیر بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی اثر طبع **ادیب** نوشته شده است :

حبذا زاقبال **ابراهیم** آنمیرجلیـــل مفخر اولاد احمد زبـــده آل خلیل

فخر سادات معظم طایف بیت الحرام عمدة الاشراف آنمیر طنابی را سلیل

شمهٔ زاخلاق او را می نشاید زد رقم بس‌خدایش‌موهبت بنموده اوصاف جمیل

کرد این بنیاد میمون را بامر آنجناب نادرالعصر اوستاد **محمود** معمار نبیل

از صفـای خاطر آن سید صافی ضمیر این‌سرای پرصفا چون خلدآمد بیبدیل

زد رقم زالهام غیب ازبهر تاریخش **ادیب** ماند این بنیادچون کعبه زابراهیم خلیل

تیمچه ملك

حاج محمد ابراهیم ملك التجار از رجال خیر و نیك سیرت اصفهان در اوایل قرن چهاردهم هجری است که ازوی آثاری برجای مانده ودر باغ وعمارت انگورستان در محله پای قلعه که در ایام حیات و سالها پس از مرگ او روضه خـوانی مفصلی در آن برپا میشده مدفون شده است . یکی ازتیمچه های معروف بازار اصفهان که از بنا های اومیباشد وبنام تیمچه ملك معروف است (۱) باتزیینات کاشیکاری و کتیبه

---

(۱) مرحوم میرسید علی جناب مؤلف تاریخ (الاصفهان) در سال ۱۳۰۳ خورشیدی از کاروانسرا ها و تیمچه های اصفهان بشرح زیر نام برده است :

(۱) تیمچه ها :

تیمچه حاجی‌عظیم- حاجی‌سید عبدالرحیم- حوا بیگم- زنجیرخانه- حمام وزیر- تخت کشی حاجی سید مصطفی - یزدیها - حاجی کریم پوستی - محمودیه - حاجی محمد حسین حریری ارباب - حاجی رضا - حاجی علینقی - قهوه‌کاشیها - ملك - نبی - چهارسوق مقصود - پاقلعه میرزا علی اکبر - عبا بافی نارون - سعادت - ضرابی و تیمچه مهره کشها .

۲- کاروانسرا ها :

کاروانسرای حاجی‌محمد کاظم - حاجی‌محمد رضاعرب - حاجی‌محمد علی- مشهدی ابراهیم سه‌طبقه - میرزاحسین - محمد یوشنی - عبا بافی- ماست بندی- حاجی‌محمد حسین (دوکاروانسرا) مغزی - دخانیات - خسرو آقا - مرتضی خان - سیورسات خانه - نو - لنج - قیچی ساز ها (دو باب) - توتی - حاجی حیدر - بانك استقراضی - بار انداز - بروجنی ها - علی اکبر تیمچه - بخش علی - حاجی بنان السلطنه - حاجی یوسف - عربها - فیل - زیگلر - حاجی علینقی - شاه - شله - شاه علی - قهرودی ها - عزیزالله - دروازه دردشت - پاسنگ - دومنار علی‌محمد - حاجی مشیرالملك - حاجی باقر- حاجی غلامعلی‌عصار- اناریها - مرغ - فعله‌گاه پیزری - اردستانی ها - بازار خیار- زفرئیها - خانی - میرحاج - آقا - پای درخت سوخته شماعی‌ها - میراسمعیل - سفید - دالان دراز- مردار کشها - میرزا کوچك - طالار- حاجی کریم خوانساریها - جارچی - گلشن - باربند گلشن - فخر - آفتـاب گاه - هندو هـا - اسکرو- ساروتقی- محمد صادق خان - منجم - نو- مخلص - سرچاه - شیشه گری- سه طبقه - بیگدلی جلوخان میدان - بازار کفش دوزها - پستخانه - یاور - چهارسوق مقصود - صفا - قالی بافی حسن آباد - خواجو - خواجه علم - بوریا باف - مسجد علی - مصطفی - ملاباشی - نادعلی بلبلی ها - زفره‌ای ها - حیدر- میرپنج - غلامحسین - عطا - کهنه چین ها - حاجی عبدالصمد

و اشعار فارسی آراسته شده . اشعار فارسی داخل تیمچه در بالای در ورودی که بخط نستعلیق برزمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده و اثر طبع (طرب) فرزند همای شیرازی مورخ بسال ۱۳۲۲ هجری است بشرح زیرمیباشد :

در زمـان خسرو ایـران **مظفر پاد شاه** — آن شهنشاهی که نامش زیب هفت اقلیم شد

هم بدور **ظل سلطان** حکمران اصفهان — آ نکه خم پشت سپهرش از پی تعلیم شد

دراوان این دورخشان مهر وماه مملکت — این سرا بنیان او از میر با تکریم شد

پس بسر کاری ابراهیم ومحمود این بنا — غیرت خلد برین فی احسن التقویم شد

الغرض چونساخت این عالی بنارا میرراد — عقل را تاریخش ازروح الامین تعلیم شد

زد رقم کلك گهر سلك **طرب** تـاریخ او — **این بنا بر پا در اصفاهان از ابراهیم شد**

۱۳۲۲

اشعار داخل تیمچه بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اثر طبع (سها) و مورخ بسال ۱۳۲۲ هجری بشرح زیر است :

دوره شاه جهـان **مظفر دین شاه** — آ نکه بود شاه و ملتجای تجارت

خسرو گیتی ستـان شهنشه دوران — آ نکه ازو شد بپـا بنـای تجارت

دست کرم تا نهاد بر سر تجار — برسر گردون نهاد پای تجارت

ملك تجارت زپاس امن چوفرمود — مـاه درخشنده سمای تجارت

داد صفاهان بدست خسرومسعود — تا که دهد سعی از صفای تجارت

طبع **سها** . . سلطان — ساخت ملك این بنا برای تجارت

ساخت در ایام نیرین دوشاهی — **حاج ملك** این نکوسرای تجارت

مشهدی باقر - حاجی غلامرضا - محمد علاف - علیقلی آقا - شیشه گری مسجد نو - درنیم آورد سنگتراشان - چیت سازی - مشهدی رجبعلی - نجف آبادیها - نجات - غلامعلی - سید حسن حسین علاف - **کاروانسرای شیشه** باغ قلندر ها وکاروانسرا های ملك و حوض .

(مرحوم جناب محل و ابعاد هریك از کاروانسراها وتیمچه ها را نیزبدست داده است رجوع شود بتاریخ **«الاصفهان»** چاپ اصفهان صفحه ۵۸ - ۵۹ وملحقات صفحه هفت)

وه چه سرائی زباغ جنت قصری — قصر جنان بین که گشته جای تجارت
حاج ملك ساخت از فتوت وهمت — روضه خلد برین برای تجارت
جای سرای تجارتی زکرم ساخت — تازه سرائی پی نمای تجارت

(سلام علی ابراهیم)

زنده تجارت شد از عطای نبوت — زنده بود عالم ازعطای تجارت
باب تجارت گشود احمد محمود — آنکه بود شاه و پیشوای تجارت
خواجه والا گهر سمی بن آزر — آنکه بخورشید زد لوای تجارت
اعنی نسل حسن سلیل محمد — آنکه بود صدر اصدقای تجارت
خان رفیعی بنا نهاد وشدآن خان — عدل درو گشت کدخدای تجارت
تا گره غم گشاد از دل تجار — رأی ملك شد گره گشای تجارت
دوخته خیاط صنع از ید تقدیر — نیست ملك جم ولیك... تجارت
جمله دعای ملك کند چو ببندد — برشتران ساربان درای تجارت
از پی حفظ ملك بکنگره عرش — روح الامین می کند دعای تجارت
مهر فروزنده سپهر نبـــوت — . . . . تجارت
. . . . . — بر قد والای او قبای تجارت
گشت مهندس درینسرای چومحمود — . . . . تجارت
. . . گفت بتاریخ — به به زیبا بود سرای تجارت

۱۳۲۲

در وسط هر دو مصراع از اشعار فوق الذکر بخط نستعلیق زرد برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ جمله (یا ابا عبدالله الحسین) بطور مکرر نوشته شده است .

مسجد رضوان

درمسیر راه قدیمی بازار بزرگ اصفهان ازدروازه اشرف بمیدان قدیم مسجدی واقع شده که بنام مسجد کرمانی و مسجد رضوان شهرت دارد ، بانی بنای این مسجد **ملا محمد حسین کرمانی** (۱) بوده است ، داخل مسجد آثار قابل ملاحظه ای ندارد ولی سردر آن مشرف بجاده دارای کتیبه ایست که نام بانی و سال بنای آنرا دربردارد ، کتیبه مزبور مشتمل براشعاری بخط نستعلیق سفید برزمینه کاشی لاجوردی مورخ بسال ۱۳۲۹ هجری قمری اثر طبع بانی آن ملا محمد حسین کرمانی است

---

(۱) دانشمند فقیه اصولی آخوند ملامحمد حسین بن ملااسدالله فارسی کرمانی اصفهانی ازمعاریف مجتهدین وفضلاء قرن اخیر دراصفهانست، درحدود سال ۱۲۵۵ قمری درکرمان متولد گردیده مقدمات علوم را نزد پدر خود و فضلای آن استان فراگرفته و بجهت تکمیل معلومات درسال ۱۲۸۰ باصفهان مهاجرت نموده است (اصفهان در آنموقع یکی از مراکز مهم علمی فقه و اصول و حکمت بوده که از تمام شهر های ایران جهت درك محضر اساتید بزرگ باین شهر می آمده اند) در اصفهان خدمت بزرگان این شهر همچون حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی (۱۲۳۵ - ۱۳۰۱) و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی (۱۲۲۶ - ۱۳۱۳) و حاجی ملا حسینعلی تویسرکانی اصفهانی (متوفی بتاریخ ۲۲ صفر ۱۲۸۶) و میرزا محمد حسن نجفی هزار جریبی (۱۲۳۵ - ۱۳۱۷) و میرسید محمد بن سید عبدالصمد شهشهانی (متوفی بسال ۱۲۸۷) وغیره تحصیل نموده تامجتهدی نامورو فقیهی مشهور گردید، مدت سی سال منصب قضاوت این شهرمنحصراً بعهده اوبوده است ودرعلم وتقوی و زهد و ورع وقناعت بی نظیر بوده ، دراصفهان علاوه برمنصب فتوی وقضاوت آثار خیریه‌ای بوسیله او باقیمانده از آنجمله است تعمیر دو مسجد **نو و رضوان** که از مساجد کوچك و مخروبه بوده و بهمت او تعمیر وآبادگشته بالاخره درشب ۲۱ جمادی الاولی سال ۱۳۳۰ قمری بمرض قولنج وفات یافته دربقعه مخصوص جنب مسجد رضوان مدفون گردیده است ماده وفاتش را مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری ضمن اشعاری چنین گفته است :
(فردوس مقام زاهد کرمانی است) مرحوم کرمانی تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول ضمن چندین رساله نوشته و علاوه برآن رساله عملیه ای نیز دارد .

وی از دونفر از اساتید خویش آقامیرزامحمد باقر وحاج شیخ محمد باقراجازه روایت و اجتهاد داشته است .

(رجوع شود بکتب : نقباء البشر - رجال اصفهان - مکارم الاثار - مآثر والاثار)

که (مفتی) تخلص میکرده وچون خط نستعلیق را هم نیکو می‌نوشته محتمل است کتیبه سردرمسجد نیز بقلم خود او باشد . (۱)

اشعار کتیبه سردر مسجد بشرح زیر است :

بارك الله روضه رضوان ببین | با بهای روضه از رضوان بپرس
آیه های حسن رضوانرا بخوان | در معنی از لب مرجان بپرس

(مرجان تفسیر قرآن)

آیه « رضوان خیر » یاد آر | شرح آن از کاشف قرآن بپرس
سجده گاه قدسیان آمد پدید | راه قدس از بوذر وسلمان بپرس
بس مقدس معبدی شد جلوه گر | آن تجلی از مه فاران بپرس

(فاران کوه مکه)

در صفاهان باز شد از نو بنا | کعبهٔ از مفتی **کرمان** بپرس
شد مؤسس مسجد **رضوان ونور** | اس این تأسیس از یزدان بپرس
نور تابنده شد و **رضوان** بپا | هر دو را تأیید ازسبحان بپرس
خواستم تاریخش از مفتی عصر | درجوابم گفت از رضوان بپرس

گفت با تبریك از رضوان بپرس

۱۳۲۹

(۱) جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری چنین نوشته است : « مسجد رضوان قبلا مسجد کهنه نام داشته ، مرحوم ملا حسین کرمانی از پول حاج محمد ابراهیم ملك التجار آنرا وسعت داده و مسجد نور و رضوان نام داشته است »

کتیبه ولوح سنگی مسجد دروازه حسن آباد

کتیبه بالای سردر این مسجد که در ابتدای دروازه حسن آباد واقع شده بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل آیه ۱۸ و ۱۹ از سوره (توبه) است و در داخل محراب آن لوح سنگی بطول ۸۵ و عرض ۲۸ سانتیمتر نصب شده که کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

«بسم‌الله الرحمن‌الرحیم لقد بناءِ هذه العمارة الشریفة والمسجد الرفیعة فی‌الزمن الدولة السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محمد شاه قاجار خلدالله ملکه و بفضل و کرم خالق ربانی توفیق یافت مشهد حسن سلمانی برین بنای روحانی مخفی نماند که اینعبارت ازخود واقفست واینقبه محققاً مسجد است و دودکان یکی متصل بعقب اینقبه و جنب دروازه حسن آباد و یکی دیگر دکان نعلبندی درب اینقبه وقف مؤبد صحیح شرعی اینقبه است و بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود هر که تغییر و تبدیل دراین اساس‌دهد فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه واحتیاطاً مجدداً صیغه جاریشد ۱۳۳۷ »

فصل نهم

احیاء آثار تاریخی اصفهان در عصر پهلوی

بطوریکه در فصل پیش بیان شد در تمامی دوره سلطنت قاجاریه غیر از اقداماتی که بوسیله حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی در سلطنت فتحعلیشاه نسبت بتعمیر و ترمیم آثار دوره صفویه در اصفهان بعمل آمد و مختصر اقدامی که در سلطنت ناصرالدین شاه صورت گرفت اقدام اساسی دیگری که متضمن حفظ و نگاهداری این آثار باشد صورت نگرفت و بالنتیجه مقارن مشروطیت ایران بسیاری از آثار نفیس تاریخی اصفهان راه زوال و نیستی میسپرد .

وضع اسفناك آثار باستانی اصفهان در آنزمان از نوشته های سیاحانی مانند **پیرلوتی** (۱) که در اواخر دوره قاجاریه اصفهان را دیده اند کاملا مشهود است . این سیاح و نویسنده صاحبدل ضمن توصیف میدان شاه راجع بخرابیها چنین مینویسد :

---

(۱) پیرلوتی (Pierre Loti) سیاح و نویسنده باذوق فرانسوی است که درسال ۱۹۰۴ میلادی برابر سال ۱۳۲۱ هجری قمری بایران مسافرت نموده و مدتی در اصفهان بسر برده وسفرنامه خود را تحت عنوان بسوی اصفهان (Vers Ispahan) برشته تحریر درآورده است کتاب بسوی اصفهان پیرلوتی بوسیله دانشمند گرامی جناب آقای بدرالدین کتابی بفارسی ترجمه شده و تا این تاریخ دوچاپ از آن بعمل آمده است . آثار دیگر مترجم محترم این کتاب که تا این تاریخ انتشار یافته بشرح زیر است :

۱- فروغ خاور یا زندگی و آئین بودا (ترجمه از فرانسه)
۲- پیرامون سیره نبوی در سه جلد (ترجمه از عربی)
۳- اخلاق تألیف دکتر پیرژانه (ترجمه از فرانسه)
۴- آداب المتعلمین منسوب بخواجه نصیر طوسی (ترجمه از عربی)
۵- هیپنتیسم (Hypnotisme) در دسترس همه (ترجمه از فرانسه)

« هر اندازه جلومیرویم متوجه میشویم که مناره ها و گنبد عبادتگاه وسیع وچیز های دورتر در عقب صحن مسجد و ایوان خراب و در حال اضمحلال و نابود شدن هستند . »

راجع بمدرسه سلطانی چهارباغ چنین نوشته است :

« این مجموعه جواهر گرانبها را که آفتاب ایران در زیر امواج خود با جلال و شکوه میآراید می بینیم اما هنگامی که بدقت توجه کنیم کهنگی و خرابی نمایان است ، قشنگی و زیبائی این بنا آخرین سرابی است که پس از چند سال نابود میشود ، گنبد شکاف خورده ، قسمتهای بالای مناره ها ریخته و روپوش مینائی آنها که رنگش مانند آغازساختمان تازه وخرم است درچند جا ریزش کرده و از این رو آجرهای خاکستری رنگ و سوراخها و شکافها نمایان شده اند و از درون شکافها علفها و گیاهان خود رو آویزان است . »

مرحوم محمد علی فروغی (ذكاء الملك) در تاریخ پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۶ شمسی تحت عنوان (مشاهدات و تفکرات در باره آثار ملی در ضمن سفر اصفهان و فارس) بدعوت انجمن آثارملی مطالبی اظهار داشته که نقل آن کیفیت آثارتاریخی اصفهان را درآن تاریخ روشن میکند ومعلوم میدارد که تا چه حد وضع آثار باستانی اصفهان اسف انگیز بوده است . فقید سعید در سخنرانی خود پس از ذکر مطالبی در باره نفاست و اهمیت جهانی ابنیه تاریخی اصفهان که ضمن آنها از مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله در میدان نقش جهان و مدرسه چهارباغ و تالار اشرف و پلهای سی وسه چشمه و خواجو نام برده چنین اظهار داشته است :

« . . . اما از تفکراتی که از مشاهده این آثار دست میدهد گذشته از محبت و اعجابی که شخص نسبت بصفویه و همت و غیرت و ذوق و سلیقه آنها پیدا میکند نسبت بحالت حالیه آنها نمیتوانم بزبان بیاورم که چه حالی برای انسان دست میدهد و شایسته هم نیست که همه چیز در چنین محضری گفته شود ، همینقدر عرض میکنم

بدواً من مردد ماندم که عشق و شور و هنرمندی و علو همت مؤسسین و مباشرین و موجدین این آثار را بیشترمایه حیرت بدانم یا پستی وبی‌همتی وبی‌لیاقتی وبیحسی و شقاوت کسانی که اینطور چنین نفایس را مورد بی اعتنائی و بی مبالاتی قرار داده یا راضی بتخریب آنها شده اند وحقیقة این مسئله برای من معماست که ایرانی که دارای آن ذوق و حس است و این قسم آثار را ایجاد میکند چگونه است که این اندازه در قدردانی نسبت بآنها کوتاهی دارد و درصورتی که این آثار یادگارهای عزیز پدران ما و مفاخر ملی ما و اسباب اعتبار و آبرومندی و شرافت ما در انظار مردم دنیاست چرا ما هیچ قدر و منزلتی برای آنها قائل نیستیم ، این مساجدی که اسم بردم کاشیهای آنها هر کدام جواهری است گرانبها یك یك میریزد و جای آن سفید میماند بطوریکه شخص باحس چون آنرا می بیند گوئی تیر بچشمش میخورد ولی کسانیکه حفظ وسرپرستی این ابنیه وظیفه دینی و ملی آنهاست بهیچوجه متأثر نیستند و در کمال سرفرازی هر روز درین مساجد رفت و آمد میکنند . روی آن کاشیها بقدری گرد وخاك نشسته که آب ورنگ بسیاری ازآنها دیده نمیشود ، طاقها و دیوارهای آنها شکست میخورد و کسی غم ندارد ، عمارات چهل ستون وعالی قاپو تا چندی قبل زباله دان بود و فقط پس از تشکیل قشون جدید اصفهان که یکی از مراکز قشونی گردید صاحبمنصبان اهتمامی کردند وآنها را از ابتذال ونکبت بیرون آوردند (۱) این عمارات چنانکه عرض کردم همه مزین بنقوش و تصاویر بوده ولی

---

(۱) احداث نرده باغ چهلستون و نظافت باغ مزبور وکاخهای چهلستون و عالی قاپو در آغاز استقرار ارتش در عهد شاهنشاه فقید در اصفهان مرهون علاقه و جدیت مخصوص تیمسارسرلشگر محمد حسین فیروز که در آنوقت ریاست ستاد لشگر اصفهان را بعهده داشتند میباشد و با وجوهی که از ممر های غیر دولتی برای استفاده ارتش فراهم میشد ابنیه مزبور را از صورت ناپسندگذشته خارج کردند و افسران علاقه مند دیگر نیز با ایشان همکاری نموده اند ، تیمسار سرلشگر محمد حسین فیروز از اعضاء هیئت مؤسسین انجمن آثار ملی ایران نیز میباشند .

دردوره های سابق مثل اینکه آنهارا ننگ وعاردانسته باشند روی آنها را گچ کشیده بودند که اخیراً متصدیان حکومت وقشون وقتیکه درصدد احیای آنها برآمده اند با زحمت زیاد آن گچها را از روی تصاویر برداشته اند ولی البته از آب و رنگ و جلوه آنها بسیارکاسته شده وبعضی ازآنها هم بکلی ضایع بوده که اصلاح واستخلاص آنها ممکن نشده است ، عمارات وقصور متعدد دیگر که از صفویه یادگار بوده باید شرح و تفصیل آنها را درسیاحتنامه های اروپائیان که سابقاً باصفهان رفته وآن ابنیه را دیده اند خواند و تصاویر آنها را دید زیرا که آن ابنیه را چنان منهدم کرده و برانداخته‌اند که جای آنها مثل کف دست صاف است (۱) مسجد جامع که بآن اشاره کردم وجامع خصایص قدمت و کهنگی ومزایای صنعتی میباشد چنان خراب شده که

---

(۱) سیاحانی که ذیلا نام میبریم ازدوره شاه عباس اول ببعد مدتی در اصفهان بسر برده و نقاط تماشائی آنرا توصیف نموده اند :

۱- **شاردن** (Jean Chardin) که نام او بکرات آمده است چنانکه خودگوید سفر اول او از ۱۶۶۴ تا ۱۶۷۰ میلادی (۱۰۷۴ تا ۱۰۸۰ هجری) طول کشیده و اکثر این مدت را درایران گذرانده است ، شاردن دراین سفر سه سال آخر سلطنت شاه عباس دوم وسه سال اول سلطنت شاه سلیمان را درك کرده است . مسافرت دوم او از۱۶۷۱ تا۱۶۷۷ میلادی (۱۰۸۱ - ۱۰۸۷ هجری) طول کشیده و بعلت تمایل شدیدی که بشناختن ایران و نوشتن سفرنامه های دقیق وصحیح داشته دراین مدت باندازه امکان وباکمال جدیت بتحصیل زبان فارسی و شناسائی دقیق آداب و رسوم مردم این کشور پرداخته و مرتباً بدربار و دیوانخانه مراجعه کرده وبا بزرگان ودانشمندان بگفتگوپرداخته است. شاردن میگوید برای شناسائی آنچه مربوط بایران است بقدری دقت کردم وباندازه ای رنج بردم که بدون اغراق میتوانم ادعا نمودکه مثلا اصفهان را بیش ازلندن میشناسم درصورتیکه بیش از ۲۶ سال درشهر اخیر بسر برده ام و همچنین زبان فارسی را درست مانند انگلیسی و تقریباً مانند فرانسه صحبت میکنم - شاردن شهر اصفهان را محله بمحله شرح داده و آثار باشکوه اصفهان را بتفصیل توصیف کرده است ، سفرنامه شاردن بزبان فارسی ترجمه شده و قسمت اصفهان آن بوسیله آقای حسین عریضی جداگانه ترجمه شده و بطبع رسیده است .

۲- **تاورنیه** (Jean Baptiste Tavernier) سیاح فرانسوی است که بین سالهای ۱۶۳۲ و ۱۶۶۸ میلادی (۱۰۴۱ - ۱۰۷۸ هجری) شش سفر بمشرق زمین کرده و دراین مسافرتها

عن قریب بجای اینکه محل عبادت وقیام بوظائف دینی باشد مسکن و مأوای جغد

بیش از نه بار ایران را دیده است ، یك فصل از کتاب اوراجع باصفهان وآثار تاریخی آنست .

۳- **اوژن فلاندن** (Eugène Flandin) سیاح و نقاش فرانسوی است که باتفاق معمار وباستان شناس فرانسه **پاسکال کست** (Pascal Cost) درسال ۱۸۴۰ میلادی (۱۲۵۵هجری قمری) دردوره سلطنت محمد شاه قاجارمدتی دراصفهان بسر برده‌اند وراجع بآثارتاریخی آن سفرنامه‌ای مفصل وآلبومی مصورتهیه کرده اند ، سفرنامه فلاندن بزبان فارسی ترجمه شده وآلبوم مصور **کست** تحت عنوان (Monuments modernes de la Perse) در فرانسه بچاپ رسیده است.

۳- مارسل و مادام دیولافوآ (Marcel et Mme. Dieulafoy) ازسال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۹۸ هجری قمری) ببعد ایران را سیاحت کرده ومدتی دراصفهان بسربرده‌اند، حکومت اصفهان مقارن ایام اقامت آنها در اصفهـان با مسعود میرزا ظل السلطان بـوده است و در سفرنامه ای که ازخود بیادگار گذاشته اند و بفارسی هم ترجمه شده اصفهان و آثار تاریخی آنرا توصیف کرده اند .

٤- **هانری رنه دالمانی** (Henry René d'Allemagne) سیاح فرانسوی است که در سال ۱۹۰۷ میلادی (۱۳۲٤ هجری قمری) بایران‌آمده وراجع بمسافرت خود بایران واز آنجمله اصفهان و بختیاری تحت عنوان (از خراسان تا بختیاری) سفرنـامه ای بیادگار گذاشته است سفرنامه مزبوربوسیله دانشمند محترم‌آقای مترجم همایون (فره وشی) بفارسی ترجمه شده و راجع بآثار تاریخی اصفهان مقارن آن ایام مطالب سودمندی دارد .

٥- **پیرلوتی** (Pierre Loti) که در ابتدای این فصل ذکر اوگذشت و آثـار تـاریخی اصفهان مقارن ایام اقامت او وضع اسفناکی داشته است (رجوع شود بذیل صفحه ۸٤۰) .

چون ذکرسیاحان خارجی دوره صفویه وقاجاریه که راجع بآثارتاریخی اصفهان مطالبی نوشته‌اند بمیان آمد جهت مزید فایدت این ذیل نام پی‌یترودولاواله (Pietro Della Valle) جهانگرد ایتالیائی دوره شاه عباس اول و **الئاربوس** (Oléarius) که بسمت منشی در معیت هیأت سفارت دولت هلشتاین (۱۶۳۶ – ۱۶۳۸ م) بایران آمـده وکرنلیوس دوبروین (Cornelius de Bruyn) هلندی را نیز که از ۱۷۰۳ تا ۱۷۰٤ مسیحی در ایـران اقامت داشته و از خود سفرنامه هائی بیادگار گذاشته اند اضافه مینمائیم .

اخیراً نیز برمنابع اروپائی راجع بدوران سلطنت صفویه اثر دیگری بنام «یادداشتهای روزانه کشیشان کارملیت در ایـران » (The Chronicle of the Carmelites in Persia) چاپ ۱۹۳۹ میلادی و تاریخ انقراض سلسله صفویه (The Fall of the Safavi Dynasty and the Afghan occupation of Persia) چاپ ۱۹۵۸ میلادی تألیف دکتر لاکهارت افزوده شده است .

و بوم خواهد بود . (۱)

دور نمائی که مرحوم ذکاءالملك فروغی (۲) از بعضی آثار تاریخی اصفهان بدست داده درحقیقت تصویری از وضع اسفناك کلیه آثارتاریخی اصفهان دراواخرعهد قاجاریه است . وقتی نسبت بتعمیر بنا های عظیم و درجه اول اصفهان مانند مسجد شاه و مسجد جمعه و عمارات عالی قاپو وچهلستون تا این حد سستی و مسامحه ودر بعضی مواقع ظلم روا میداشته اند وضع ابنیه تاریخی گمنام شهر اصفهان روشن است که باچه نابسامانی و آشفتگی و فلاکت توأم بوده است ، یك نظر بعکسهای کتاب آثار ایران ازانتشارات اداره کل باستانشناسی (جلد دوم - جزوه اول) و(جلد اول جزوه دوم) بزبان فرانسه که اکثر آنها قبل از تعمیرات اساسی آنها برداشته شده این حقیقت را بخوبی آشکارمینماید - عکس صفحه (۸۴۶) که گنبد مسجد شیخ لطف الله را قبل از شروع بتعمیر آن نمایش میدهد نمونه بارزی از وضع متأثر کننده آثار

---

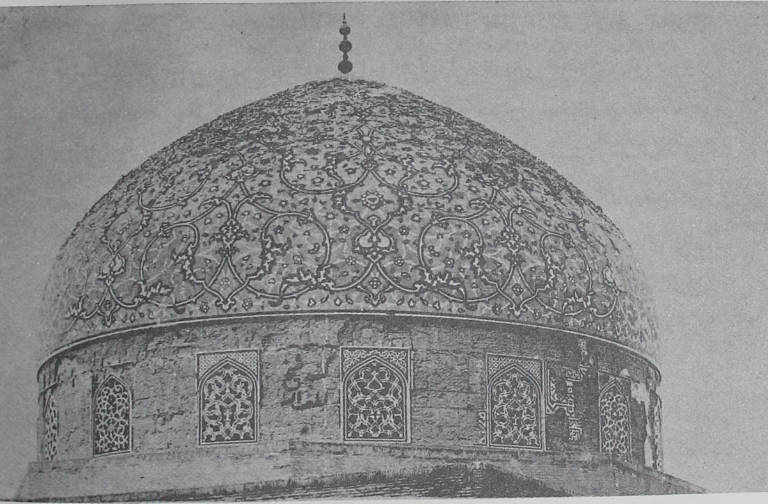
(۱) نقل از مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی صفحه ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴

(۲) استاد معظم جناب آقای دکتر صدیق اعلم درکتاب خود (یادگار عمر) که کتابی جالب و دلنشین است راجع بمرحوم محمد علی فروغی (ذکاءالملك) چنین نوشته اند :

« ذکاءالملك حقیقة بفضایل وکمالات آراسته بود ، در ادب فارسی و عربی و فرانسه تبحر داشت ، زبان انگلیسی میدانست ، میهن پرست وکریم النفس و با مناعت و تیز هوش وژرف بین بود ، سیمای نجیب وچهره جذاب اومحبت هرکس راکه بملاقات او میرفت جلب میکرد ، عضوی شریف و ناطقی فصیح و نویسنده ای توانا ومترجمی زبردست بود که مطالب بسیار دشوار و معقد را با بیانی روشن و عباراتی ساده و شیرین شرح میداد ، در معاشرت بی تکلف و در صمیمیت بی نظیر و از تظاهر و خود نمائی سخت گریزان بود » .

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب جد مرحوم فروغی نیزراجع بتاریخ و جغرافیا و شرح ابنیه و خصایص اصفهان کتاب جامع وسودمندی بنام (نصف جهان فی تعریف الاصفهان) در سال ۱۳۰۸ هجری قمری برشته تحریردرآورده است که وضع آثارتاریخی اصفهان را مقارن آن ایام بخوبی نمودار میسازد این کتاب بکوشش آقای دکتر منوچهر ستوده درسال ۱۳۴۰ خورشیدی و بسرمایه کتابفروشیهای تأیید و امیرکبیر بزیور طبع آراسته شده .

عظیم تاریخی اصفهان در اواخر عهد قاجاریه و مقارن تشکیل سلسله پهلوی است .



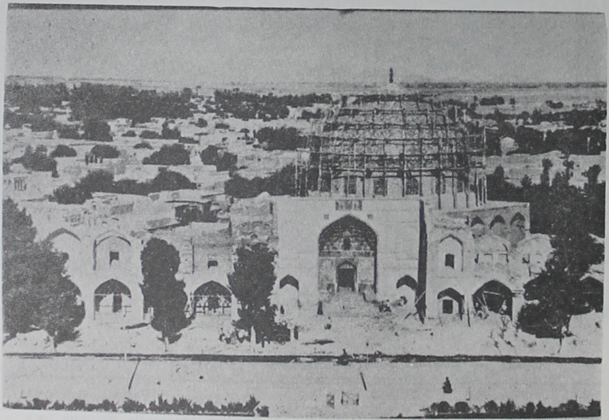
وضع اسفناك مسجد شیخ لطف الله در اواخر عهد قاجاریه

تشکیل انجمن آثار ملی درسال ۱۳۰۱ خورشیدی با شرکت شخصیتهائی مانند مرحوم مستوفی الممالك و حاج سید نصرالله تقوی و مشیرالدوله و محتشم السلطنه اسفندیاری و عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) و ذکاء الملك فروغی و ارباب کیخسرو و تدوین قانون عتیقات که در ۱۲ آبانماه ۱۳۰۹ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید و آئین نامه آن در ۲۸ آبانماه ۱۳۱۱ از تصویب هیئت دولت گذشت وکلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی را که تا اختتام دوره سلسله زندیه در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیر منقول در تحت حفاظت و نظارت دولت قرارداد اولین قدم درراه احیاء آثار تاریخی اصفهان باید بشمار آورد . (۱)

(۱) درسال ۱۳۲۳ خورشیدی به پیشنهاد جناب آقای دکتر عیسی صدیق اعلم وزیر فرهنگ وقت

بعضی از باستانشناسان و ایران شناسان خارجی نیز مـانند پروفسور پوپ (۱) در توجه دادن ایرانیـان بارزش و اهمیت و عظمت و خلاقیت هنر و نفاست آثـار تاریخی خود از طریق انتشار رسالاتی مـانند (صنایع ایران در گذشته وآینده) و ایراد سخنرانیهائی در این زمینه سهم بسزائی داشته اند .

شاهنشاه فقید در بدو جلوس بتخت سلطنت باحیای صنایع وتشویق هنرمندان و حفظ آثار ملی و ابنیه تاریخی وتأسیس موزه وکارگاههای قالی بافی وزری بافی و کاشی سازی وخاتم کاری وترویج خط خوش و تذهیب و سایر هنرهای زیبا صمیمانه همت گماشت وبدستور آن پادشاه دولت درنمایشگاههای بین‌المللی صنایع ایران در

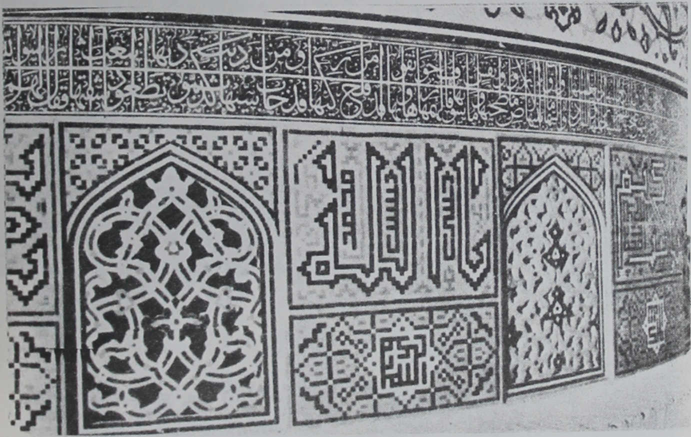


شروع تعمیر مسجد شیخ لطف‌الله و ویرانیهای میدان نقش جهان در عصر پهلوی

درلایحه تجدید استخدام آقای گدار تبصره ای اضافه شدکه بموجب آن آثار صنعتی وابنیه و اماکن دوره قاجاریه تاآغازمشروطیت که جنبه عمومی دارد نیزمشمول قانون عتیقات شد.

Professor Arthur Upham Pope (۱)

امریکا درسال ۱۹۲۶ مسیحی (۱۳۴۴ هجری قمری) و لندن در (۱۹۳۱) و مسکو و لنین گراد در (۱۹۳۵) شرکت جست و بطبع کتاب بزرگ « بررسی هنرهای ایران » (۱) در شش جلد قطور بهمت و کوشش پروفسور پوپ و بقلم هفتاد تن از دانشمندان ومتخصصین عالم کمك کرد، این کتاب نفیس که درنوع خود بی‌نظیراست در زمینه هنرهای زیبا و صنایع همان خدمت را بایران نموده است که تاریخ ادبی پروفسور براون (۲) در زمینه ادبیات انجام داده است . (۳)



نمونه کاشیکاری اطراف گنبد مسجد شیخ لطف الله از اقدامات عصر پهلوی

---

(۱) A Survey of Persian Art

(۲) Professor Edward Granville Browne از دوستداران صمیمی تاریخ و ادبیات ایران است وشاهکار تألیفات او، تاریخ ادبیات ایران ، که در چهارجلد از ۱۹۰۲ تا ۱۹۲۴ میلادی بزبان انگلیسی بچاپ رسیده بوسیله مرحوم رشید یاسمی و دانشمند معظم جناب آقای علی اصغرحکمت وجناب آقای علی پاشا صالح بزبان فارسی ترجمه شده .

(۳) رجوع شود بکتاب (یادگار عمر) تألیف سناتور دانشمند جناب آقای دکتر عیسی صدیق اعلم صفحه ۲۹۶



اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر باتفاق اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی (دردوران ولایتعهدی)
در کاخ اختصاصی داریوش درتخت جمشید

تأسیس موزه ایران باستان و تشکیل اداره کل باستانشناسی و استخدام آقای آندره گدار (۱) مـدیر و متخصص فرانسوی برای راهنمائی و خدمت در سازمان باستانشناسی و تهیه فهرست آثار تاریخی ایران از اقدامات مفید عصر پهلوی و در زمره اولین گامهائی بشمار میرود که در راه احیاء آثار تاریخی و توجه بمحافظت و مراقبت آثار نفیس تاریخی کشور و از آنجمله آثار اصفهان برداشته شده است .

تعمیر آثارتاریخی اصفهان در سال ۱۳۱۱ شمسی با اقدام بتعمیر شکست بزرگ

(۱) André Godard

ایوان مسجد شاه آغـاز شد و سپس تعمیر اطراف میدان نقش جهان و گنبد مسجد شیخ لطف الله که بویرانی گرائیده بود در برنامه اقدامات اساسی قرار گرفت ، هم اکنون گنبد ها و مناره های مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله و مدرسه چهارباغ مانند عصر ساختمان آنها در زیر آسمان نیلگون اصفهان دیدگان تماشاچیان را بسوی خود خیره میکند ، دیگریك قطعه کاشی افتاده درمسجد شیخ لطف الله ومدرسه چهارباغ ومسجدشاه ومسجد جمعه بچشم نمیخورد ، مسجد جمعه که مهمترین بنای تاریخی اصفهان وبمنزله موزه معماری اسلامی در کشور ایران است پس ازتعمیرات مفصل و دامنه داری که طی سی سال اخیر در آن بعمل آمده در حقیقت موجودیت ثانوی پیدا کرده است ، بناهای دیگرداخل شهراصفهان مانند هارون ولایت ومسجد علی ومقبره ومدرسه باباقاسم وامامزاده اسماعیل وامامزاده جعفر وبابا رکن‌الدین و عالی قاپو ومناره های ساربان ومسجد علی وچهل دختران و باغ قوشخانه ومسجد حکیم ودهها بنای تاریخی دیگر که درمتن این کتاب بترتیب زمان ساختمان توصیف وتشریح نفایس آنها گذشت بتدریج در برنامه تعمیر آثارملی قرار گرفت واستادان چیره دست بنا وکاشیکار در اجرای منویـات شاهنشاه فقید با کسب تعلیمات فنی از اداره کل باستانشناسی که در کشور ایران مؤسسه ای نوبنیاد بود دست بکار ساختن وپرداختن آنها شدند ونگارستان اصفهان دوره نشاط وجوانی خودرا ازسر گرفت (۱)

در دوره سلطنت **اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی** بدنبال اقدامات دوره اول با اقدامات و فعالیتهای وسیع و دامنه دار دیگری تعمیر و ترمیم آثار تاریخی دنبال شد و تدریجاً از کار تعمیر آثار باستانی داخل شهر اصفهان فراغت حاصل شده تعمیر آثار تاریخی خارج شهر در برنامه اقدامات اساسی قرار گرفت ، گزارشهائی که از

---

(۱) برای اطلاع از تلاشها و مجاهدتهائی که درراه حفظ آثار تاریخی دردوره سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه فقید بعمل آمده است مراجعه شود بمجلد سوم گزارشهای باستانشناسی فصل پانزدهم تحت عنوان (تلاش در راه خدمت بآثـار ملی و امید بآینده) بقلم دانشمند محترم آقای سید محمد تقی مصطفوی مدیر کل اسبق باستانشناسی .

طرف اداره باستانشناسی اصفهان مرتباً بوزارت فرهنگ و اداره کل باستانشناسی درتهران ارسال شده نمودارکاملی ازجزئیات اقدامات تعمیراتی آثارتاریخی اصفهان دردوره معاصراست که هرگاه بانتشار آنها مبادرت شود موضوع کتاب مفصلی خواهد بود و اطلاعات‌کافی بدست خواهد داد.

تا آنجاکه نگارنده اطلاع دارد پیشرفت کار تعمیرات آثار تـاریخی اصفهان مرهون دلسوزی و علاقه مندی نمایندگان و رؤسای اداره باستانشناسی اصفهان از بدو تأسیس آن تا این تاریخ و قناعت و پشتکار و ایمان و علاقه مندی استـادان و استادکاران اصفهانی درراه تعمیر ومحافظت نفایس هنری شهر باستانی اصفهان بوده است. ازسال ۱۳۱۱ شمسی ببعد بترتیب آقایان: سید محمد تقی مصطفوی، احمد مهران، نصرت‌الله مشکوتی، مرحوم جواد مجد زاده صهبا، مهندس حسین روانبد مهندس علی اصغر بنائی، مؤلف این کتاب واحمد علی بشارت سرپرستی آثارتاریخی اصفهان را بعهده داشته‌اند. ازسال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ باتوجه مخصوص وزیر فرهنگ وقت جناب آقای دکترمحمود مهران بودجه تعمیر آثارتاریخی اصفهان تدریجاً تا پنج ملیون ریال در سال ۱۳۳۹ افزایش داده شد وبسرپرستی مؤلف یك سلسله اقدامات مهم درراه تعمیر ومحافظت آثارنفیس اصفهان بعمل‌آمد. سپس درسال ۱۳۴۲ بوسیله جناب آقای مهندس ابراهیم پارسا استاندار استان اصفهان و رئیس انجمن آثارملی اقدامات دیگری در این زمینه بعمل آمـد باین ترتیب که ابتدا اعضاء محترم هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی مرکز در اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ بدعوت ایشان دراصفهان جلسه‌ای تشکیل دادند وبرای پیشرفت‌کار تعمیرات و محافظت شایسته آثار تاریخی اصفهان قطنامه ای را بتصویب رساندند و بدنبال آن از آقای پروفسور توچی (۱) مؤسس و رئیس انستیتوی خاور میانه و خاور دور در ایتالیا برای مشاهده تعمیرات انجام شده در آثار اصفهان و مطالعه در نحوه کمکهای فنی که از طرف آن مؤسسه

---

1. Prof. Giuseppe Tucci

امکان پذیر بود دعوت بعمل آمد و بفرمـان **اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی** شاهنشاه ایران و با علاقه مندی و فعالیت استاندار استان اصفهان از یکطرف هیئت متخصصین ایتالیائی از تابستان سال ۱۳۴۳ خورشیدی دست بکار مطالعه و نقشه برداری از آثار بـاستانی و بویژه تنظیف و تعمیر و ترمیم نقاشیهای دوره صفویه شدند (۱) و از طرف دیگر نسبت بتعویض سنگفرش صحن و ازاره ها و تعمیر ایوانهای اطراف و گنبد مدرسه سلطانی چهارباغ و همچنین اصلاح لازم درنفیس و بی نظیر مدرسه بر اساس فنی و بوسیله استادان درجه اول اصفهان اقدام بعمل آمد .

جناب آقای دکتر عبدالعلی جهانشاهی وزیر سابق فرهنگ که نسبت بحفظ آثار تاریخی و نفایس هنری ایران عشق و علاقه خاص دارند در مسافرت خود باصفهان در امرداد ماه ۱۳۴۳ از نحوه تعمیرات آثار تاریخی اصفهان و عملیات هیئت متخصصین ایتالیائی بازدید نموده وضمن صدور دستور تخلیه تالار اشرف وتبدیل آن بموزه‌ای آبرومند ومراقبت جدی از آثار باستانی درسخنرانی مؤثر خود در باشگاه افسران مردم اصفهان را بهمکاری و هم آهنگی و تشریك مساعی در راه حفظ آثار تاریخی مخصوصاً نگـاهداری منـازل قدیمی که خود مجموعه‌ای جالب در بین آثار هنری اصفهان بشمار میرود دعوت نمودند .

انجمن آثار ملی مرکز در سال ۱۳۴۳ با اختصاص دادن مبالغی از بودجه آثار ملی برای تعمیر آثار تاریخی خارج شهر اصفهان کمکهای قابل ملاحظه‌ای بتعمیر وترمیم آثار باستانی این شهر نمودند وبالنتیجه بناهائی مانند مساجد **کاج** و **دشتی** و **ازیران** و **برسیان** و مناره های **گار** و **زیار** که راه نیستی میسپردند بوسیله اداره باستانشناسی اصفهان بسرپرستی آقای احمد علی بشارت و همکاری آقای علی کیانپور تحت تعمیر

---

(۱) متخصصین ایتالیائی که نسبت بمطالعه و نقشه برداری وتعمیر وترمیم آثار تاریخی اصفهان مخصوصاً تنظیف وترمیم نقاشیهای چهلستون مقارن طبع این کتاب اقدام نموده اند عبارتند از : آقای پروفسور زاندر (Zander) و پروفسور فرانت (Ferrante) و آقای چربینو (Cerbino) متخصص تعمیر نقاشی .

قرار گرفت و از ویرانی آنها جلوگیری بعمل آمد .

مؤلف لازم میداند از توجه مخصوص اعضاء محترم هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی مرکز عموماً و مراقبتهای دائمی تیمسار سپهبد آق اولی رئیس هیئت مدیره انجمن آثارملی و استاد معظم جناب آقای دکترعیسی صدیق اعلم ودانشمند محترم آقای سید محمد تقی مصطفوی و راهنمائیهای پر ارزش فنی آقایان مهندس محسن فروغی ومهندس هوشنگ سیحون وخدمات مستمر اعضاء پرشور وعلاقه مند انجمن آثار ملی اصفهان (۱) نسبت بتعمیر و محافظت آثار تاریخی اصفهان و اقدامات و فعالیتهای ذیقیمت آقای نصرت الله مشکوتی قائم مقام وزیرسابق فرهنگ درشورای عالی باستانشناسی که مخصوصاً طی سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ با مسافرتهای پی در پی درتعمیر آثارتاریخی اصفهان نظارت نموده ودر باز گشت دادن کاخ تاریخی هشت بهشت بدولت بنمایندگی وزارت فرهنگ با استاندار استان اصفهان همکاری مداوم داشته اند دراین مبحث یادآوری نماید (۲) وضمن آنکه یاد بود خدمات صادقانه استادان فقید اصفهان مانند استاد غفار. استاد رزاق . استاد حاجی کاشی تراش واستاد نصرالله رفائیل گچ بر و مرحوم استاد عباس معارفی را بدفتر تاریخ میسپرد لازم میداند از خدمات استادان معاصر اصفهان مانند استاد حسین معارفی معمار ابنیه تاریخی و سرپرست استادکاران وکارگران واستاد غلامحسین واستاد علی سنمار (درفن معماری و تعمیرابنیه قدیمی) واستاد محمد مصدق زاده وبرادران ایشان استادحسین واستادمهدی

---

(۱) آقایان : دکتر عبدالباقی نواب - عبدالحسین سپنتا - دکترکارو میناسیان - محمد صدر هاشمی - مجتبی کیوان - عیسی بهادری - عبدالوهاب کلانتری - عباس بهشتیان - کریم نیکزاد - احمد علی بشارت - حسین معارفی و مؤلف این کتاب در سنوات اخیر اعضاء ثابت انجمن آثار ملی اصفهان بوده اند .

(۲) کاخ هشت بهشت در شهریورماه ۱۳۴۳ خورشیدی بوسیله مالك آن آقای سرهنگ ابوالفتح قهرمان بدولت انتقال داده شد و مانند سایر آثار باستانی تحت نظارت اداره باستانشناسی قرارگرفت .

واستاد حسن (فرزندان استاد غفار) واستاد یدالله واستاد علی مقضی واستاد احمدمصدق واستاد اسماعیل زهره (درفن کاشیکاری) واستاد علی منشئی (متخصص درامور فنی) و آقایان: کریم نیکزاد و سیف الله تجدد خواه کارمندان سابق اداره باستانشناسی وبهاءِ الدین داماد زاده طراح نقوش باستانی نیز یادآوری نماید.

مقارن ایامی که صفحات آخر این فصل از کتاب بچاپ میرسید وزارت فرهنگ سابق ایران بدو وزارتخانه آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر تقسیم شد. وزارت فرهنگ و هنر بجناب آقای مهرداد پهلبد معاون نخست وزیر و رئیس اداره کل هنرهای زیبای کشور و وزارت آموزش و پرورش بجناب آقای دکتر هادی هدایتی استاد دانشگاه که پیوسته مشوق مؤلف نسبت بچاپ این کتاب بوده اند تفویض شد. باعشق وعلاقه فراوانی که جناب آقای پهلبد بحفظ هنرهای اصیل ایرانی ونفایس وذخایر تاریخی واشاعه تمدن وفرهنگ ایران دارند نگارنده یقین دارد که تعمیرو ترمیم ونگاهداری آثارتاریخی ایران مخصوصاً اصفهان بیش ازپیش مورد توجه قرار خواهد گرفت و فرهنگ و هنر شهر باستانی اصفهان در آینده نزدیك آنچنانکه شایسته و بایسته آنست بجهان و جهانیان معرفی خواهد شد. (۱)

---

(۱) هنرسان هنرهای زیبای اصفهان که پیشرفتهای اساسی خود را مرهون توجهات مخصوص جناب آقای پهلبد وزیرمحترم فرهنگ وهنر ایران است وهم اکنون بریاست آقای عیسی بهادری استاد فن هنر های تزیینی و مینیاتور و طبیعت سازی اداره میشود از مراکز مهم هنری کشور ایران در دوره معاصر بشمار میرود وهمه ساله گروهی محصل در رشته های مختلف از این هنرستان فارغ التحصیل میشوند، استادان مشهور هنرستان در حال حاضر عبارتند ازآقایان: حاج مصورالملکی- جواد رستم شیرازی - رضا ابوعطا - جواد افتکاری - امیر هوشنگ جزی زاده (در فن مینیاتور سازی).

عباس پورصفا - محمد تاجمیر ریاحی (در رشته طبیعت سازی).

حسین معصوم زاده و عباس اسدالله زاده (در رشته کاشی سازی).

خلیل گلریز خاتمی و رضا جفاری (در رشته خاتم سازی).

احمد صنیعی آباده ای و فرزندش اصغر صنیعی (در رشته منبت کاری) مسیب تمدن

فصل دهم

ضمـــائم

۱- سایر مساجد ومدارس قدیمی اصفهان

اسامی سایر مساجد و مدارس قدیمه اصفهان بشرح زیر است :

« مسجد سر چهار رو - کوچه باغ - صحرا لنبان - محله لنبان - آقا سید محمد ابراهیم - کوچه حاجی ملا ابوطالب روضه خوان - اول کوچه پهن - سرچهارسوشیرازیها خیابان - سرجوی شاه - آقا میرزا محمد باقر - مستهلك - سرمادی فرشادی - حاجی سید عبدالوهاب - حاجی هادی - سرجوی - بازارچه حاجیه خانم - بازارچه میرمحمد صادق - جنب خانه استاد حسن بنا - بزرگ - پاچنار - میرزا جلال - شئیش (شهیش) طیبه (درحوالی مسجد حکیم) - میرزا باقر - ذکرالله - پاشیر - آقا میرزا عبدالرحیم کازرونی - مریم بیگم - تکیه گرك یراق - کوچه عمریها - حمال ها - دارالشفاء - جنب باغ حاجی - جنب خانه شیخ الاسلام - حاجی عبدالغفار - سینه پائینی - علی اکبر حاجی رضا - نزدیك قصر چملان - آقا میرزا احمد - سلام - حاجی میرزا بدیع - درچه - شاه علی - مقابل سرای قهرودی - دوغازی - سر قبر آقا (۱) - جنب دروازه

(مجسمه سازی) مهدی پور نقشبند و رضا فتاحی (در رشته زری بافی) ابـراهیم زرقونی (مینا سازی) غلامعلی صفدر زاده حقیقی (قـالی بافی) محمود صنعتی (زرگری) و امیر هوشنگ جزی زاده (دررشته هنرهای تزیینی) .

مرحوم استاد نصرالله مهذب هنرآموزی فن قلمزنی را بعهده داشت و پس از وی تعلیم این فن به‌رضا مهذب برادر او محول شده است .

---

(۱) سرقبر آقا نام محله ایست بیرون دروازه دردشت که آرامگاه خانواده امام جمعه

دردشت - کوچه پا کاریها - گلدسته - پادرخت - پاسنگ - کوچه باغ - چاره - محمد علی سلمانی - دومنار - تل عاشقان - ترکها - حاجی رسولیها - پشت بارو - چارسودرشیخ آب بخشان - مورنان - جوی باریکه - حاجی طالب - حاجی سید عبدالله - آقاشمس شهشهان (مسجد صفا) - کوچه مرحوم مشیر- طوقچی- درب بابا قاسم - شیشه گری شیره پزها- حاجی باقر- باغچه عباسی- پادرخت سوخته (مسجد خیاطها) - پادرخت سوخته زنجانی- نیم آورد - ذوالفقار(دومسجد) مسجد نو- جارچی - گلشن - پا نارون میرزا اشرف ـ خرابه - حاجی گدا علی - جنب بازارچه ـ کوچك ـ سیف الله خان در قهوه ـ پا کوشك ـ شیخ یوسف ـ قصر منشی (دو مسجد) ملك ـ حوالی حمام حاجی هادی ـ حاجی ابوالحسن ـ علی بابا ـ حاجی جعفر- کلانتر ـ قراولخانه زهراخانم- علی بقال ـ پاچنار- بازارچه ـ خواجه علم (مسجد خواجه علم نزدیك مناره خواجه علم قرار داشته ، مناره دراوایل نیمه دوم قرن چهاردهم هجری سقوط کرد ومسجد هم بعلت وقوع آن درمسیرخیابان هاتف خراب شد) ـ مسجد حوالی عصار خانه ـ کمرزری ـ حاجی علی ـ خواجه - میدان میر ـ اجه‌ئی ها ـ چارسو

اصفهان در آن محل واقع شده ، در زیر گنبد آن که ازداخل با تزیینات آینه‌کاری آراسته شده چند قبر متصل بهم ازسنگ مرمر ترتیب داده شده ، قبرمرحوم حاجی میرزا حسن امام جمعه ازعلمای مشهور اصفهان متوفی بسال ۱۲۴۸ قمری در وسط بقعه واقع شده ، گفته شده هنگامی که وی در مسجد شاه اصفهان بنماز میایستاده صف نماز تا سیزده ردیف بعد از میله های سنگی چوگان مقابل سردرمسجد میرسیده، ازمدفونین دیگرداخل این مقبره آقا میرسید محمد امام جمعه متوفی بسال ۱۲۹۱ ومیرمحمد مهدی وحاج میرزا هاشم امام جمعه را باید نام برد (امامت جمعه اصفهان درحال حاضر باحضرت آقای آقامیرمحمد مهدی سلطان العلماء فرزند مرحوم آقا میر ابوطالب میباشد) درپشت دیوار شمالی بقعه مزبور قبر مرحوم صادق ملا رجب واقع شده ، وی از شعرای هزال اصفهان بوده عمری را بزهد وقناعت گذرانیده ، بکتابت قرآن اشتغال داشته و ازین راه اعاشه میکرده ، قریب هشتاد سال عمر کرده و در ۱۳۰۵ قمری وفات یافته است (رجوع شود بکتاب رجال اصفهان باحواشی وملحقات آقای سید مصلح الدین مهدوی صفحه ۱۱۴)

مقابل چارسو- موتاب ها - استاد نوروز- زین العابدین- چهل دختران - شاه اسدالله میرهندی- باباتوت ها - یازده پیچ - کریم ساغری- میرزا باقر- سرتابه- بازارچه آقا - درب تکیه - حوالی تکیه - پشت بازارچه - درب حمام زعفرانی - مسجد



سنگاب نفیس مسجد شاه اصفهان از دوره صفویه

چهارسو - باروت کوبها - مسجد تکیه محمد علی یزدی - حاج جمال - مقدسها ملاکاظم - مسجد لرها - حاج سرتیپ - حسین آقا - حاج ابوالحسن و مسجد شیر سبز . (۱)

(۱) برای کسب اطلاعات بیشتر راجع بمساجد فوق‌الذکر مراجعه‌شود بکتاب (الاصفهان) تألیف مرحوم میرسید علی‌جناب صفحه ۵۴ و ۵۶ وتاریخ اصفهان وری تألیف جابری انصاری صفحه ۲۷۷ - ۲۹۹ .

مدرسه عربان

مدرسه عربان نزدیك امامزاده احمد و مقبره آقا نجفی واقع شده ، در دوره صفویه از مدارس دایرطلبه نشین بوده ، **شاردن** جهانگرد فرانسوی در سفرنامه خود از این مدرسه نام برده است ولی اکنون شهرت سابق خودرا ازدست داده وبویرانی گرائیده است ، درسنوات اخیر باهتمام آیت الله آقای حاج سید محمد رضا خراسانی ازآن تعمیری بعمل آمده و کتیبه ای درسردر آن نصب شده است ، کتیبه شامل نصف آیه ۳۵ تا آخر آیه ۳۷ از سوره (اسری) است و در انتهای آن نوشته شده : « سنه ۱۳۶۲ عمل سید حسین موسوی زاده کاشی ساز . »

و بخط نستعلیق مشگی بر زمینه کاشی خشت سفید اشعار زیر نقش بسته است :



نمای ضلع شمالی مدرسه عربان

ز آقـــــای سید **محمد رضا** خراسانی آن آیت و مقتـدا

بشد پایـدار این اساس علـوم که ویران بد ازجهل اهل خطا

بلی سعی اشخاص همت بلند کند تـازه آثـار عالی بنـا

چوتاریخی از **جابری** خواستند که باشد بتجدید بنیان سزا

چو روشن شد از علم اینمدرسه بگو بـد ز نـور **محمد رضا**

« کتبه میر سید خلیقی پور ۱۳۶۲ »

مدرسه ترکها

در محله درب کوشك مدرسه ای قدیمی بنام مدرسه ترکها واقع شده که صحن کوچکی با نما های کاشیکاری وحجراتی در اطراف دارد ، کتیبه سنگاب آن بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

صفی قلی که بود بنده شهنشه دین چو خضر آمده سیراب چشمه رحمت

زمانه گفت بتاریخ سنگ خیراتش بنوش آب و بکام یزید کن لعنت

۱۰۸۱

سایر مدارس قدیمه عبارتست از مدرسه حاجی کلباسی (۱) مدرسه اسماعیلیه در

---

(۱) مقبره حاج محمد ابراهیم کرباسی که با مقرنسهای گچ بری آراسته شده روبروی درجنوب شرقی مسجد حکیم واقع شده ، پدر وی حاجی محمد حسین کرباسی بوده که ابتدا در محله حوض کربـاس هرات که محله کرباس هم میگفته اند متوطن بـوده و باینجهت به کرباسی معروف شده ، محل اقامت بعدی اوکاخ ازتوابع خراسان بوده سپس باصفهان آمده و در این شهر اقامت گزیده است ، حاجی در اصفهان متولد شده و ده ساله بوده که پـدرش وفات نموده ، در اوایل تکلیف بزیارت مکه معظمه مشرف شـده ، مردی زاهد و قانع بوده و حکایات زیاد از او نقل کرده اند ، با سید حجة الاسلام بانی مسجد سید معاصر بوده و با وی دوستی داشته است ، از تألیفات او اشارات در اصول وشوارع در فقه است (رجوع شود بکتاب رجال اصفهان یا تذکرة القبور صفحه ۱۵۵ - ۱۶۳) ازاین خانواده حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد باقر کلباسی وحجة الاسلام آقای حاج شیخ عبدالجواد کلباسی ازروحانیون بنام اصفهان در حال حاضر امامت مسجد حکیم را بعهده دارند .

محله قصر منشی - مدرسه دربکوشك (پاشیر) مدرسه حاجی شیخ محمد علی (جنب مسجد ساروتقی در بازارچه حسن آباد) مدرسه نوریه (حوالی بازار ریسمان) و مدرسه میرزا مهدی کنار نهر بید آباد. (۱)

۲- مسجد سروشفادران

سروشفادران که در عرف تلفظ (سرش بادران) خوانده میشود قریه ای از قراء بلوك برآن است که در ۲۹ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان و درساحل شمالی زاینده رود واقع شده، این اسم در اصل (سروش آذران) بوده و محل یکی از آتشکده های معروف اصفهان است، اکنون آثار قابل ملاحظه‌ای ندارد بغیراز مسجد سروشفادران که بفحوای کتیبه آن دردوره شاه‌طهماسب اول بوسیله محمد سروشفادرانی در سال ۹۷۶ هجری بنا شده، کتیبه سردر مسجد که قسمتی ازکاشیهای انتهای آن از بین رفته بخط ثلث با کاشی لاجوردی برزمینه آجری بشرح زیر است:

« درایام خلافت سلطان الاعظم نیر اوج فیض و کرم اختر برج مکارم ونعم السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه بنا نمود این مسجد را ابن یوسف محمد سروشفادرانی، اتمام داد سنه ۹۷۶ ... خط میر علی بنا. »

در قسمت فوقانی دو اسپر طرفین سردر در دو لوحه بخط آجری برزمینه کاشی لاجوردی نوشته شده:

« دادا این زیب رابعون ولی » « میر محمود ابن میر علی »

---

(۱) برای اطلاع ازقبرستانهای قدیمی وتکایای اصفهان مراجعه شودبکتاب رجال اصفهان یا تذکرةالقبور باحواشی وملحقات بقلم آقای سید مصلح الدین مهدوی و کتاب (جغرافیای اصفهان) تألیف میرزا حسین خان فرزند محمد ابراهیم خان تحویلداراصفهان چاپ تهران و (تاریخ اصفهان وری) تألیف شیخ جابری انصاری.

اخیراً آقای عباس بهشتیان عضو انجمن آثار ملی اصفهان نیز مجموعه ای مشتمل بر توصیف کاروانسراها وتیمچه ها و بازارها و بعضی دیگر از آثارگمنام فراهم آورده اند که از اعتبار انجمن آثار ملی مرکز بطبع رسیده است.



کتیبه و تزیینات کاشیکاری سردر مسجد سروشفادران

صحن مسجد کوچك است و آثار قابل ملاحظه ای ندارد ولی در مسجد قدیمی

است و بخط ثلث برجسته اشعار زیر بر آن نقش بسته است :

محمد عربی آب روی هر دو سرای　　　کسی که خاك درش نیست خاك برسر او

شنیـده ام که تکلم نمود همچو مسیح — بـدین حدیث لب لعل روح پرور او
که من مدینه علمم علی در است مرا — عجب خجسته حدیثیست من سگ دراو

٣ـ کتیبه مسجد بوزان

بوزان نام یکی از دهکده های جی است که در سه کیلومتری مشرق اصفهان واقع شده ، مسجدی قدیمی دارد که بویرانی گرائیده و کتیبه های گچ بری محراب آن سالها پیش بموزه ایران باستان درتهران انتقال داده شده ، حاشیه بیرون محراب آن بخط کوفی گلدار شامل آیه ١٨ سوره (آل عمران) است و برجبهه محراب آن بخط ثلث عبارت ذیل مورخ بسال ٥٢٨ هجری گچ بری شده :

«وقوموا الله قانتین هذا المحراب عمارة العبد المذنب علی شیرزاد الانصاری القزوینی فی جمادی الاخر سنة ثمان و عشرین و خمسمائة »

٤ـ امامزاده شوری

در محله دردشت امامزاده ای بنام (شوری) یا امـامزاده عبدالله وجود دارد که درمقابل آن مسجد کوچکی واقع شده ، در داخل مسجد آثاری باقی نمانده ولی در قدیمی آن مورخ بسال ٩١٩ هجری هنوز بـاقیست ، کتیبه در مزبور بخط ثلث برجسته بشرح زیر است :

« قال الله تبارك و تعالی و ان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احداً **فی سنة ٩١٩** »

« وقف شرعی نمود جناب مفخر الاعیان خواجه عبدل بن رئیس یوسف اصفهانی »

داخل امـامزاده کتیبه ای ندارد ولی برنمای خـارجی یکی از جرز های آن لوح سنگی کوچکی بر دیـوار نصب شده و کتیبه آن بخط نستعلیق برجسته درهم و بد خط اشعاریست بشرح زیر :

هر که را اخلاص او با جعفر وباقر بود — اعتقـاد او بـآل مصطفی ظـاهر بود
آنکه او بـا سید عبـدالله دارد دوستی — لطف رحمن و رحیمش مونس خاطر بود

یا محمد یـا علی شیخ ابوالقاسم که او — بـا امیرالمؤمنیش دوستـی وافـر بود
شدزسعیش نقش این تاریخ بردیوار برج — تا نشان ویادگار او در این جا بر بود
سال تاریخ ازپی این لوح جستم عقل گفت — سید عبـدالله ز نسل جعفر باقر بود

۵- کتیبه کاروانسرای مورچه خورت

مورچه خورت نام قصبه ای ازدهستان **برخوار** است که در ۵۰ کیلومتری شمال اصفهان در مسیر جاده شوسه اصفهان به تهران واقع شده ، جنگ معروف نادر با افاغنه که بشکست قطعی آنها منجر شده دراین محل اتفاق افتاده و از آثار قدیمی دارای کاروانسرا و آب انبار شاه عباسی است ، بر دیوار شمالی سردر کاروانسرای مورچه خورت کتیبه ذیل ازدوره محمد شاه قاجار بخط نستعلیق برجسته مورخ بسال ۱۲۵۱ هجری حجاری شده است :

« بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتارشود کسی که طلب مغفرت ازبرای نایب السلطنه مرحوم (۱) نفرستد و دعا بدولت قبله عالم نکند و بدعتی که در مورچه خار (۲) بود بجهت تفنگچی بود موقوف (کذا) هر که یکدینار بگیرد صد دینار بدهد نسق بشود **۱۲۵۱** » .

۶- کتیبه مسجد گلون آباد

گلون آباد یا گلناباد نام دهکده ای از دهستان **قهاب** اصفهان است که متصل بجاده شوسه اصفهان به یزد در ۲۱ کیلومتری مشرق اصفهان واقع شده ومحل وقوع جنگهای افاغنه با قوای ایران در دوره شاه سلطان حسین است این محل در دوره صفویه ازنقاط آباد و دایرحومه شهر بوده ولی امروز دهکده کوچکی است که بیش از یکصد نفر جمعیت ندارد ، ویرانه هـای آن در اطراف قریه مشاهده میشود و

(۱) مقصود عباس میرزا نایب السلطنه فرزند رشید فتحعلیشاه و پدر محمد شاه قاجار است که فرماندهی قوای ایران را درجنگهای با روسیه بعهده داشته ودرسال ۱۲۴۹ یکسال قبل از مرگ فتحعلیشاه بمرض سل بدرود حیات گفته و در مشهد مقدس مدفون شده .

(۲) مقصود **مورچه خورت** است که مردم امروز هم (مورچه خار) تلفظ میکنند .

مسجد جامع آن نیز بکلی ویران شده ، مؤلف در تابستان سال ۱۳۴۳ شمسی که از این مسجد دیدن میکرد دریکی از ایوانهای جانب شرقی‌صحن کتیبه‌ای بخط خوش ثلث مشاهده نمود واز آن عکسبرداری نمود ، کتیبه مزبورمورخ بسال ۱۱۰۹هجری بشرح زیر است :

« قال الله تبارك و تعالی انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الاخر صدق الله العظیم فی عام ۱۱۰۹ » .



تنها کتیبه موجود مسجد گلون‌آباد مورخ بسال ۱۱۰۹ هجری قمری

۷- ساروی‍ـــــــه

درصفحه (۲۰) این کتاب راجع به ساروبه مطالبی ذکر شد و توضیحاتی راجع بآن قلعه مهم تاریخی اصفهان داده شد اینك مأخذ آن مطالب از کتاب (تاریخ سنی ملوك الارض والانبیاء) تألیف حمزه اصفهانی درقرن چهارم هجری عیناً نقل میشود:

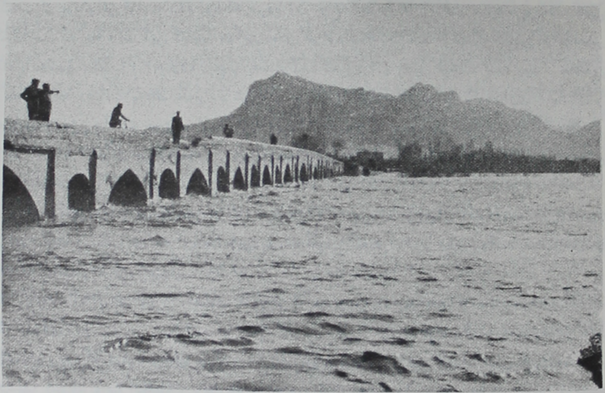
«سنة خمسين وثلاثمائة تهدم من البنية المسماة ساروية فىداخل مدينة جى جانب منه ، و ظهر عنه بيت فيه نحو خمسين عدلا من جلود مكتوبة بخط لم يرالناس قبله مثله، فلايدرى متى احرزذلك فىهذه البنية. وسئلت عما اعرفه من خبرهذه المصنعة العجيبة الينا ، فاخرجت الى حضرة الناس كتاباً لابى معشر المنجم البلخى مترجماً بكتاب اختلاف الزيجة ويقول فيه: ان الملوك بلغ من عنايتهم بصيانة العلوم وحرصهم على بقائهم على وجه الدهر ، و اشفاقهم عليهم من احداث الجو و آفات الارض ان اختاروا لها من المكاتب اصبرها على الاحداث، وابقاها على الدهر، وابعدها من التعفن والدروس لحاءِ شجرة الخدنك ، ولحاؤه يسمى التوز ، و بهم اقتدى اهل الهند والصين و من يليهم من الامم فى ذلك ، واختاروها ايضاً لقسيهم التى يرمون عليها لصلابتها و ملاستها و بقائها على القسى غابرالايام .

فلما حصلوا لمستودع علومهم اجود ما وجدوه فى العالم من المكاتب طلبوا لها من بقاع الارض و بلدان الاقاليم اصحها تربة و اقلها عفونة ، وابعدها من الزلازل والخسوف ، واعلكها طينا و ابقاها على الدهر بناء ، فانتقضوا بلاد المملكة و بقاعها فلم يجدوا تحت اديم السماء بلدا اجمع لهذه الاوصاف من اصبهان ، ثم فتشوا عن بقاعها فلم يجدوا فيها افضل من رستاق جى ، ولاوجدوا فى رستاق جى اجمع لما راموه من المواضع التى اختط من بعد فيه بدهر داهر مدينة جى ، فجاؤا الى قهندز و هو فى داخل مدينة جى فاودعوه علومهم ، و قد بقى الى زماننا هذا و هو يسمى ساروية و من جهة هذه البنية درى الناس من كان يأتيها ، و ذلك انه لماكان قبل زماننا هذا

سنين كثيرة تهدمت من هذه المصنعة ناحية، فظهروا فيها على ازج معقود من طين الشقيق فوجدوا فيه كتبا كثيرة من كتب الاوائل مكتوبة كلها على لحاء التوز ، مودعة اصناف علوم الاوائل بالكتابة الفارسية القديمة ، فوقع بعض تلك الكتب الى من عنى بـه فقراء ، فوجد فيه كتابا لبعض ملوك الفرس المتقدمين يذكر فيه ان طهمورث الملك المحب للعلوم واهلها كان انتهى اليه قبل الحادث المغربى الذى كان من جهة الجو خبره فى تتابع الامطار هناك و افراطها فى الدوام والغزارة . و خروجها عن الحد والعادة ، و انـه كان من اول يوم من سنى ملكه الى اول يوم من بـدو هذا الحـادث المغربى مائتان و احدى وثلاثون سنة وثلاثمائة يوم ، وان المنجمين كانوا يخوفونه من ابتداء ملكه تعدى هذا الحادث من جانب المغرب الى مايليه من جوانب المشرق فـامر المهندسين بايقاع الاختيار على اصح بقاعه تربة و هواء ، فاختاروا له موضع البنية المعروفة بسارويه ، وهى قائمة الساعة داخل مدينة جى. فامر ببناء هذه البنية الوثيقة ، فلما فرغ له منها نقل اليهـا من خـزانته علوماً كثيرة مختلفة الاجناس ، فحولت الى لحاء التوز فجعلها فى جانب من تلك البنية لتبقى للنـاس بعد احتبـاس هذا الحادث .

و ان كان فيها كتـاب منسوب الى بعض الحكماء المتقدمين فيـه سنون و ادوار معلومة لاستخراج اوساط الكواكب وعلل حركاتها . وان اهل زمان طهمورث وسائر من تقدمهم من الفرس كانوا يسمونها سنى و ادوار الهزارات . و ان اكثر علماء الهند وملوكها الذين كانوا على وجه الدهر وملوك الفرس الاولين وقدماء الكلدانيين ، وهم سكان الاحوية من اهل بابل فى الزمان الاول، انما كانوا يستخرجون اوساط الكواكب من هذه السنين والادوار، وانه لما اذخره من بين الزيجات التى كانت فى زمانه ، لانه و سائر من كان فى ذلك الزمان وجدوه اصوبها كلها عند الامتحان ، واشدها اختصاراً وكان المنجمون الذين كانوا مع رؤساء الملوك فى ذلك الزمان و استخرجوا منها

زيجا وسموه زيج شهريار، ومعناه بالعربية ملك الزيجات ورئيسها ، فكانوا يستعملون هذا الزيج دون زيجاتهم كلها. فيما كان الملوك يريدونه من معرفة الاشياء التى تحدث فى هذا العالم ، فبقى هذا الاسم لزيج اهل فارس فى قديم الدهر و حديثه . وصارت حاله عند كثير من الامم فى ذلك الزمان الى زماننا هذا ان الاحكام انما يصح على



منظره پل ماربانان اصفهان و طغيان زاينده رود در آذر ماه سال ١٣٣٣ خورشيدى

الكواكب المقومة منه . و الى هاهنا حكاية الفاظ ابى معشر فى وصف البنية القائمة الاثر باصبهان . و ابومعشر انما وصف ازجا من آزاج هذه البنية ، انهار منذ الف سنة أقل أو اكثر فعبر منه الى زيج شهريار . فاما الذى انهار فى سنة خمس و ثلاثمائة من سنة الهجرة فازج آخر ، لم يعرف مكانه لانه قدر فى سطحه انّه مصمت الى انهار فانكشف عن هذه الكتب الكبيرة المكتوبة التى يهتدى الى قراءتها ، ولاخطها يشبه شيئاً من خطوط الامم ، وفى الجملة ان هذه البنية احدى الايات القائمة ببلاد المشرق

کما ان بنیة مصر المسماة الهرم احدی الایات القائمة ببلاد المغرب ، و هو اعلم وأحکم . » (۱)

توجمه آنچه حمزه اصفهانی راجع به سارویه نوشته از اینقرار است :

« از حوادث سال ۳۵۰ هجری اینکه در این سال قسمتی ازبنای موسوم به سارویه در داخل بخش جی اصفهان خراب شد و اطاقی از آن نمایـان گردید که تقریباً پنجاه عدل کتاب از پوستهائی کتابت شده بود که مردم آن نوع خط را تا آنوقت ندیده بودند . کسی نمیدانست که چه وقت این کتابها دراین محل قرارداده شده است تا اینکه کتابی ازابومعشر منجم موسوم بکتاب (اختلاف زیج) بدست آمد که در آن چنین نوشته شده بود : سلاطین آنقدیم توجه وعنایت بحفظ علوم ودانش‌های بشری داشته‌اند که برای نگاهداری آنها ازشر حوادث زمینی وآفات جوی ، اوراقی را انتخاب کردند که درمقابل حوادث روزگار پایدار و از تعفن و اندراس برکنارماند . این خواص درپوست درخت خدنگ که بنام توز موسوم است یافتند .

مردم کشور های هند و چین و بلاد مجاور آنان نیز از ایرانیان اقتباس نموده و ازتوز برای کتابت استفاده نمودند وچون این پوست خیلی محکم ونرم ودوام داشت مدت مدیدی در وترکمان بکار برده میشد .

پادشاهان ایران پس از انتقال علوم بر روی پوست درخت خدنگ ، درصدد برآمد ند که درروی زمین شهری پیدا کنند که خاك آن زود فاسد نگردد واز زلزله وخسوف برکنار باشد این بود که تمام اطراف مملکت را جستجو نمودند ، درزیرآسمان شهربکه واجد این اوصاف بـاشد بجز اصفهان یافت نشد . و در نقاط مختلف این شهر بخشی بهتر از بخش جی و در جی محلی که سالیان دراز پس از آن بنام قهندز موسوم گردید و درداخل بخش جی بود پیدا نکردند . و در این محل بود که علوم و دانشهای خود را در آن قرار دادند و این محل تا امروز باقی وبنام (سارویة) موسوم است . و از روی همین بنا بود که مردم به بانی و تاریخچه آن پی بردند . تفصیل این اجمال آنکه سالها قبل از زمان ما (مقصود زمان ابومعشر منجم است . مترجم .) قسمتی از این بنا خراب شد و چند اطاق تو در تو ازآن نمایان گردید که همه ازگل آهك ساخته شده بود دراین اطاقها مقدار زیادی ازکتب خیلی قدیمی که همه روی پوست توز نوشته وبا خط فارسی قدیم انواع علوم روی آنها کتابت شده بود ظاهر گردید .

---

(۱) نقل از (تاریخ سنی ملوك الارض والانبیاء) تألیف حمزة بن الحسن الاصفهانی چاپ بیروت صفحه ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۱

بعضی ازاین کتب بدست کسانیکه آشنا باین نوع خطوط بودند افتاد، دربین این کتابها کتابی بود متعلق بیکی ازپادشاهان قدیم ایران ودرآن نوشته بود که قبل ازآمدن طوفان، بطهمورث پادشاه دوستدار دانش و اهل علم خبر دادند که بارانهای متوالی و فراوان نازل میگردد. فاصله آغاز سلطنت طهمورث تا شروع این حادثه جوی دویست و سی و یکسال و سیصد روز بوده است. از روزیکه طهمورث بسلطنت رسید همچنین پیوسته او را از وقوع این حادثه میترسانیدند و لذا او هم دستور داد مهندسین محلی راکه از حوادث برکنار و ضمناً خاك و هوای آن زود فاسد و خراب نگردد انتخاب کنند.

پس از آنکه در داخل شهر جی محلی که بعداً به (سارویه) شناخته شده و اکنون پا برجاست، انتخاب نمودند، ازکتابخانه خود علوم مختلفی را بروی توز نقل کرده ودر یك طرف ازاین بنا (یعنی سارویه) قراردادند تا پس ازفرونشستن طوفان، مردم بتوانند از این دانشها استفاده نمایند.

سپس حمزه اصفهانی ازقول ابومعشرمطالبی راجع بادوار هزارات وکتاب زیج شهریار نقل میکند و در پایان مینویسد: تا اینجاگفتار ابومعشر منجم درباره بنائی که تا امروز در اصفهان برپاست ختم میگردد. بعد اضافه میکندکه ابومعشر منجم قسمتی از این بنا راکه هزار سال کم وبیش از خرابی آن میگذرد، وصف کرده است.

و اما آنچه در سال ۳۰۵ هجری قمری از این بنا خراب گردید اطاقهای دیگری بود که کتابهای بزرگی در آنها پیدا شد. این کتابها را نه کسی میتوانست بخواند و نه خط آنها شبیه بخطوط ملل مختلف بود.

خلاصه سخن آنکه بنائیکه اکنون در یکی از شهر های مشرق زمین برپاست از آثار و ابنیه شگفت مشرق زمین است چنانچه اهرام مصر از ابنیه عجیب مغرب زمین است. (۱)

در فصل چهارم تاریخ سنی ملوك الارض والانبیاء ذیل نام (طهمورث زیباوند) نیز بنام سارویه و زمان بنای آن بشرح زیر اشاره شده است:

« معنی زیباوند انه شاکی السلاح وبنی مدینة بابل وقهندز مرو. وفی بعض النسخ

---

(۱) ترجمه این قسمت ازمقاله دوست فاضل آقای محمد صدرهاشمی درمجله وحید عیناً نقل گردید. برای اطلاعات بیشترمراجعه شود بمقاله مزبور درشماره یازدهم سال اول مجله وحید بمدیریت آقای دکترسیف الله وحید نیا نماینده محترم مجلس شورای ملی صفحه ۳۰ و شماره دوازدهم مجله مزبور صفحه ۳۳

انه بنی کردینداد و هی مدینة من مدن المدائن السبع . و انا اقدر کرد ابـاد التی علیها دستان اندر سوا کرداباد ، فصفحوا لفظة الاسم ، وبنی **باصفهان** بنیتین عظیمتین سمی احداهما **مهرین** والاخری **سارویه** . فاما مهرین فانه صارمن بعد اسماً لرستاق تحت هذه البنیة کان یسمی قبل ذلك کوك . واما **سارویه** فانه احاط بها بعد الوف سنین سور مدینة **جی** (۱) ، و هما بعد قائما الاثر . » (۲)

درفصل حواشی واضافات تاریخ راحة الصدور و آیة السرور درتاریخ آل سلجوق ضمن توضیح اصطلاح (توز) ازقول بیرونی راجع بمکتوباتی که در حصار **سارویه** بدست آمده چنین نقل شده است :

« قال البیرونی وجد فی زماننا **بجی** مـدینة **اصفهان** من التلال التی انشقت عن بیوت مملوة اعدالا کثیرة من لحاءِ الشجرة التی یلبس بها القسی والترسة وتسمی **التوز** مکتوبة بکتابة لم یدر ماهی و مافیها (الاثارالباقیه ص ۳٤) (۳)

۸- مساجد جدیدالبناء اصفهان

در سنوات اخیر مساجد جدیدی در اصفهان بنا شده و کم و بیش بـا تزیینـات کاشیکاری نیز آراسته شده است ، اسامی مساجد جدید بشرح زیر است :

۱- مسجد اقصی در فلکه خیابان شاه عباس ۲- مسجد پناهی در خیابان فروغی ۳- مسجد بیمارستان جنب بیمارستان ثریا ٤- مسجد احمدآباد درفلکه احمد آباد ۵- مسجد ستاری در خیابان فردوسی ٦- مسجد سلمان در خیابان شیخ بهائی ۷- مسجد شیخ بهـائی در خیابان شیخ بهـائی (از مساجد مخروبه قدیم که تجدید ساختمان شده) ۸- مسجدکازرونی در خیابان عباس آباد و مسجد دیگری بهمین

---

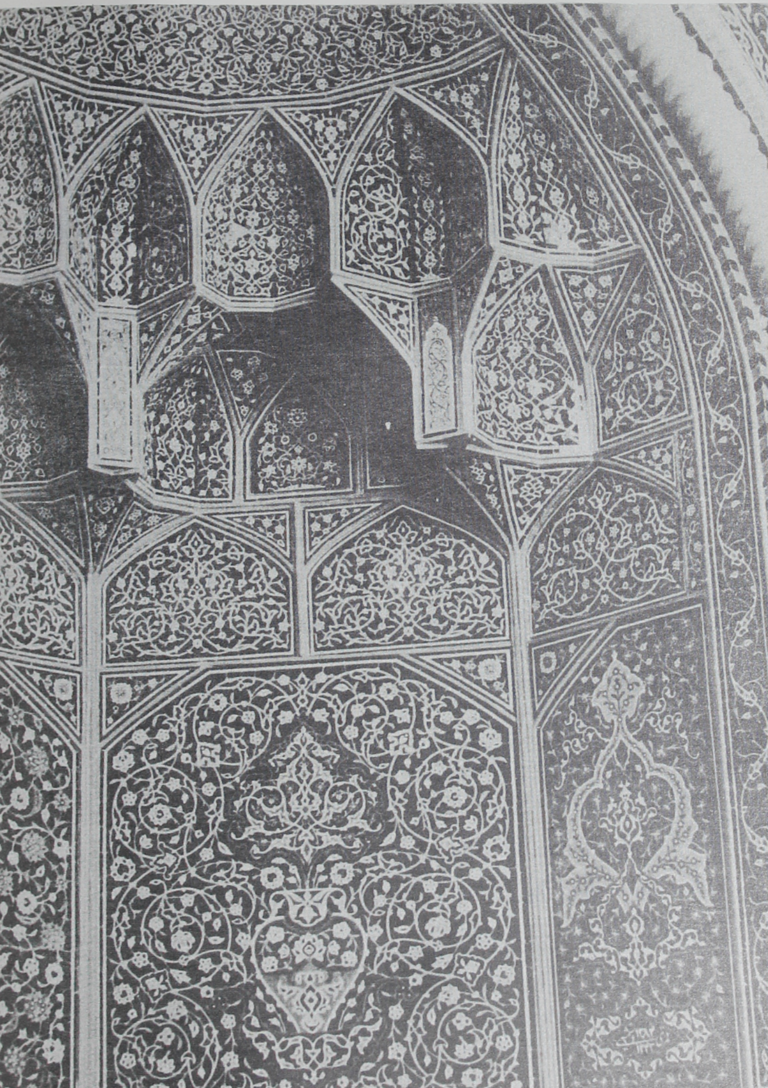
(۱) جی نام قدیمی اصفهان است (رجوع شود بصفحه اول این کتاب)

(۲) نقل از (تاریخ سنی ملوك الارض والانبیاء) چاپ بیروت صفحه ۳۱

(۳) تاریخ راحة الصدور چاپ تهران صفحه ٤۹٦

نام در خیابان سپه ١٠- مسجد محمدی درخیابان محمد رضا شاه ١١- مسجد میر(کازرونی) درخیابان میر ١٢- مسجد صاحب بن عباد مقابل مقبره صاحب بن‌عباد در طوقچی ١٣- مسجد همدانیان در تخت فولاد ١٤- مسجد الهادی در خیابان ثریا ١٥- ساختمان زینبیه از زیارتگاههای معروف شهر اصفهان در قریه ارزنان

١٦- مسجد زاهدی که مهمترین مساجد نوساز شهر اصفهان است و بوسیله آقای سرهنگ محمود زاهدی بنا شده وبامدرسه و درمانگاه ضمیمه آن قریب به سه هزار متراست ، نقشه بنای این مسجد بوسیله آقای مهندس عبدالله فروغی تهیه شده وخود ایشان و مهندس ناظر آن آقای رضا صدیقی بوئینی در ساختمان وتزیینات کاشیکاری آن نظارت مستقیم داشته اند . معماری مسجد بعهده آقای استاد حسین کارخانه دار بوده . بنای مسجد دو طبقه است و با مراقبت و توجه مخصوصی که از طرف بانی و مهندس و معمار آن بکار رفته مسجد مزبور از اماکن جالب شهر اصفهان شده و مخصوصاً کاشیکاری معرق محراب آن که بوسیله عده‌ای از استادان مجرب کاشیکار بسرپرستی استاد علی مقضی باتمام رسیده ازنمونه های عالی‌صنعت کاشیکاری درعصر حاضر است .



۹ـ آثار تاریخی نطنز

شهرستان مصفای نطنز مانند اردستان و زواره در حاشیه غربی کویر مرکزی ایران واقع شده است ، از اصفهان بطرف نطنز جاده ابتدا از اراضی خشك و بایر میگذرد و سپس به پیچ و خم کوهستانهای کم ارتفاع اطراف نطنز میرسد و ناگهان منظره باغهای این شهر و مناره و گنبد خانقاه شیخ عبدالصمد از قرن هشتم هجری پدیدار میشود . از نطنز و قراء اطراف آن مانند **افوشته** (بفتح الف) و **ابیانه** (بفتح الف) و **برز** (بفتح ب) آثار تاریخی نفیس وجود دارد که مشخصات و کتیبه های آنها بشرح زیر است :

۱ـ مسجد جامع نطنز

کتیبه سردر مسجد جامع نطنز که متصل بخانقاه است بخط ثلث برجسته با کاشی فیروزه ای برزمینه آجری و مورخ بسال ۷۰٤ هجری بشرح زیر است :

« بسم الله الرحمن الرحیم امر بالعمارات المستحدة فی المسجد المولی المعظم الصاحب الاعظم دستور ممالك العالم ممهد قواعد الخیر والکرم خواجه زین الدنیا والدین **خلیفة بن الحسین الماستری** بمساعی الصدر المعظم **شمس الدین محمد بن علی نطنزی** فی سنة **اربع و سبعمائة** »

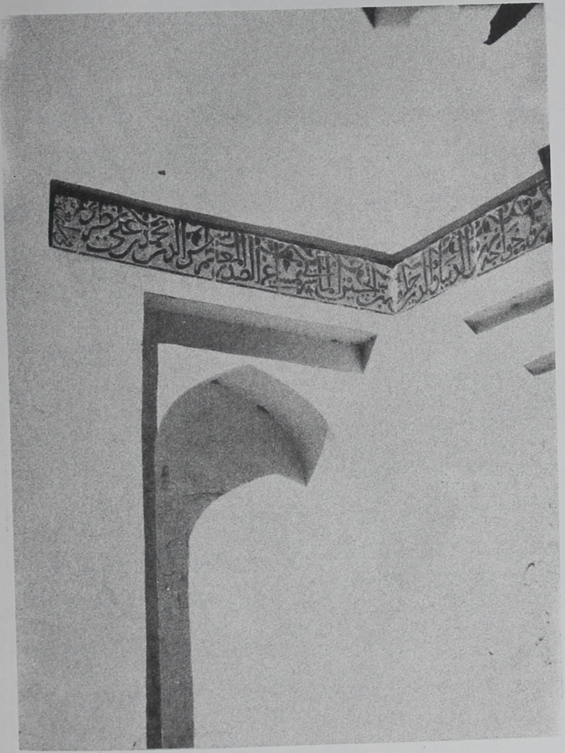
مسجد نطنز در قدیمی جالبی دارد که دارای کتیبه است و قسمتی از آن بمرور زمان سائیده و محو شده است . خطوط برجای مانده در مزبور و تاریخ آن بشرح زیر قرائت شد :

« .... بن یحیی النطنزی تقبل الله عمل استاد ..... الاصفهانی فی رمضان سنة **خمس و عشرین وثمانمائة** »

محراب مسجد سرهنگ محمود زاهدی نمونه عالی صنعت کاشیکاری معرق درزمان حاضر ←

کتیبه ایوان شمالی

در ایوان شمالی مسجد جامع نطنز بخط ثلث سفید برزمینه آبی آیات ۹ و ۱۰



کتیبه سردر مسجد جامع نطنز

سوره (جمعه) و آیه ۱۱٤ سوره (هود) نقاشی شده و دنباله کتیبه بعبارات زیر ختم میشود :

قال النبی صلی الله علیه وآله یا علی الائمة بعدی اثنی عشر اولهم انت وآخرهم القائم الذی یفتح الله علی یدیه مشارق الارض و مغاربها قال من کان القرآن حدیثه والمسجد بیته بنی الله له بیتاً فی الجنة **کتبه محمد رضا الامامی**

کتیبه گچ بری هلال داخل ایوان شمالی شامل آیه ۱۸ و ۱۹ سوره توبه است و قسمت آخر کتیبه بتاریخ سبع و سبعمائه (۷۰۷ هجری) ختم میشود (۱)

اشعار فارسی در ایوان شمالی

درقسمت فوقانی یکی ازمداخل ایوان شمالی که این ایوان‌را بساختمانهای مجاور آن اتصال میدهد اشعار زیر بخط نستعلیق سفید برزمینه قهوه‌ای گچ بری شده است:

صفه روح فزائی که هرانکس دیدش	دل ز کیفیت آن صافی و نورانی شد
کرده گچ کاری این ابن غضنفر **مهدی**	آنکه توفیق حقش ..... ارزانی شد
همتش کرد سفید از ره اخلاص چنان	که نجاتش دوجهان رحمت سبحانی شد
تا ز ابر کف دستش گهر فیض چکید	قدر و قیمت ز در و گوهر عمانی شد
فکرت و ذهن **امامی** پی سال تاریخ	چون گدایان بدر موسی عمرانی شد
پنج پنجه بفکند از ید بیضا و بگفت	روسفیدی وی از **مهدی کاشانی** شد

کاشیکاری کف ایوان شمالی کتیبه ای بشرح زیر دارد :

« کارخانه حسن اسلامی نطنزی ۱۳۲۶ »

« ساعی وبانی کاشی کاری این مسجد حضرت آقای حاج سید نعمت الله مرتضوی امام جماعت نطنز »

رقم کریم پور نطنزی ۱۳۲۶ - ۱۳۶۶ (سالهای هجری قمری و شمسی)

---

(۱) در آرایشهای گچ بری آخر این کتیبه نام (حیدر) نیز قرائت میشود که یقیناً نام استاد گچ براین کتیبه است ضمناً درآرایشهای گچ بری محراب مسجد اولجایتو درمسجد جمعه اصفهان مورخ بسال ۷۱۰ هجری نیز که سه سال پس از اتمام گچ بریهای مسجد جامع نطنز بانجام رسیده نام این استاد ذکر شده است (رجوع شود بصفحه ۱۱۹ و ۱۲۰)

کتیبه یك در قدیمی

در قدیمی مسجد جامع نطنز که بکوچه مجـاور شمالی باز میشود دارای کتیبه هائی است بشرح زیر :

« اللهم صل علی النبی والوصی والبتول والسبطین وزین العابدین والباقروالصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والعسکری والمهدی صلوات الله و سلامه علی نبینا و علیهم اجمعین »

بر درقدیمی مزبور بخط نستعلیق تاریخ اتمام ونصب آن بشرح زیرمنقوراست :

« اتمام این در تاریخ سنه **اثنی و سبعین و تسعمائه** شد و نصب این در در تاریخ شهر ذی الحجة الحرام سنه **اثنی عشر و الف** شد »

در پائین در بخط ثلث برجسته عبارت ذیل نوشته شده است :

« وقف کرد استاد علی بن استاد حسین نجار نطنزی بسعی وعمل خود این در را مع چهار حبه ازجمله سی وشش حبه عصارخانه واقعه در جنب چهارسوق جنب بلده مزبوره برمسجد جامع بلده که اجاره آن صرف روشنائی مسجد [شود] . »

الواح تاریخی بر نمای ایوان جنوبی

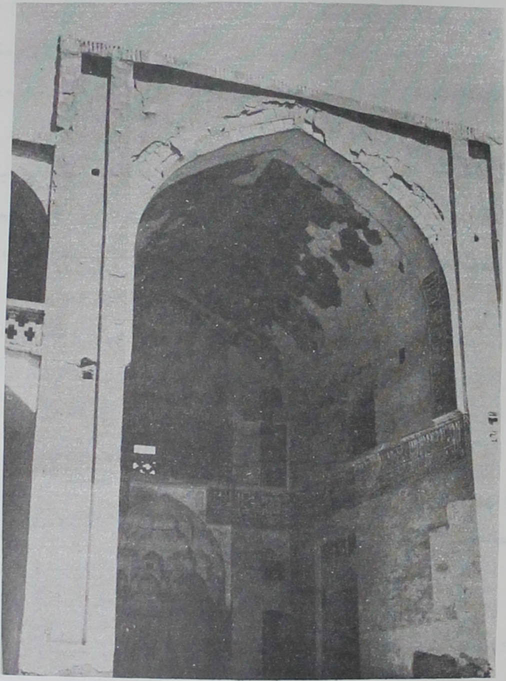
بر لوح سنگی منصوب بر جرز چپ ایوان جنوبی مسجد جامع نطنز بطول ۵۰ وعرض ۲۵ سانتیمتر بخط نستعلیق برجسته کتیبه ذیل حجاری شده است :

« بنای تعمیر وسفید نمودن مسجد جامع بسعی عالیحضرات فضیلت وافادت پناه **مولانا محمد باقرا دماوندی** وسلالة السادات والنجبائی **حاجی میر ابراهیم الحسینی النطنزی** باتمام رسید بتاریخ شهر ذی القعدة الحرام **سنه ۱۱۷۸** کتبه محمد علی ابن محمد سعید الحسینی النطنزی »

کتیبه لوح سنگی منصوب بر جرز راست ایوان جنوبی بخط نستعلیق برجسته و مورخ بسال ۱۱۰۳ هجری بشرح زیر است :

« هوالواقف »

« بسم الله الرحمن الرحیم بتوفیق حضرت جبار استاد حیدرنجار ولد مظفر نطنزی



ایوان شمالی مسجد جامع نطنز

بشرح وقفنامچه علیحده تمامت سه طاق از ممر قناتین دستجرده نطنز و باغ و ملك تابعهٔ آنرا وقف مسجد جامع نطنز نمود که متولی آن هرساله حاصل آنها را بعد ازوضع موضوعات در وقفنامچه مزبوره صرف تعمیر وبوریا وروشنائی مسجد مذکور

نماید و خلاف کننده بلعنت خدا گرفتـار گردد و کان ذلك فی ثامن شهر رجب سنة ثلاث و مائة و الف کتبه العبد الراجی اسکندر ابراهیم آبادی النطنزی »
۱۱۰۳

مضمون لوح سنگی دیگری بر جرز چپ ایوان جنوبی وقف دو روز آب قناتین دستجرده نطنزمورخ شوال ۱۲۵۹ هجری است .

۲ـ خانقاه شیخ عبدالصمد

گنبد مزارشیخ عبدالصمد که متصل بمسجد جامع نطنزاست مانند گنبدآرامگاه بابا قاسم و بابا رکن الدین از عرفای قرن هشتم اصفهان بصورت هرم هشت ضلعی بنا شده و سر در مجلل کاشیکاری و مناره معتبر خانقاه متصل بآن از نفایس تاریخی و هنری ایران در قرن هشتم هجری بشمار میرود .

درداخل بقعه برزمینه آرایشهای گل و بوته پس ازجمله (بسم الله الرحمن الرحیم) ازوسط آیه ۱۶۸ تا اوایل آیه ۱۶۹ سوره (آل عمران) گچ بری شده وسپس قسمت تاریخی کتیبه که حاکی ازبنای بقعه بوسیله خلیفه ماستری ومورخ بسال ۷۰۷ هجری است بشرح زیر ادامه میبابد :

« هـذه القبة المشرفة مزار الشیخ الربانی نورالملة والدین عبدالصمد بن علی الاصفهانی المقیم بنطنز امر ببنائها الصاحب الاعظم زین الدنیا والدین خلیفة الماستری فی سنة سبع و سبعمائة »

بر ضریح چوبی آرامگاه شیخ عبدالصمد بخط ثلث برجسته نوشته شده است :

« عمل استـاد حسین ابن استـاد اسمعیل سرشگی (۱) النطنزی فی تـاریخ سنة اربع و ستین و الف سنه ۱۰۶۴ کتبه عبداللطیف »

کتیبه سنگ منصوب در بالای قبر ودرداخل ضریح چوبی بخط نستعلیق برجسته بشرح زیر است :

---

(۱) سرشگ (بکسر سین) در سه کیلومتری نطنز است .

« هو الغفور الرحيم الرحمن اللهم صل علی النبی والولی والحسن والحسین والعباد والباقر والصادق والجعفر والکاظم الموسی والرضا والتقی والنقی والعسکری



گنبد آرامگاه شیخ عبدالصمد و مناره تاریخی نطنز

الحسن والحجة القائم محمد المهدی الهادی الغازی صاحب الزمان **همت مصروف داشت** عصمتی پناه صالحه **خدیجه سلطان** بنت شمس طلا درسنه ۱۰۴۵ و این آثارخیر

ازو باقی ماند »

در داخل تزیینات کاشیکاری گنبد هرمی شکل خانقاه شیخ عبدالصمد در یك لوحه بخط نسخ چنین نوشته شده است :

ساخت این اسپر بتوفیق خدا　　　شیخ اسمعیل کلب مرتضی

و در لوحهٔ دیگر نام استاد آن بشرح زیر آمده است :

« عمل ابراهیم بن اسمعیل بناء اصفهانی »

کتیبه های سردر خانقاه نطنز

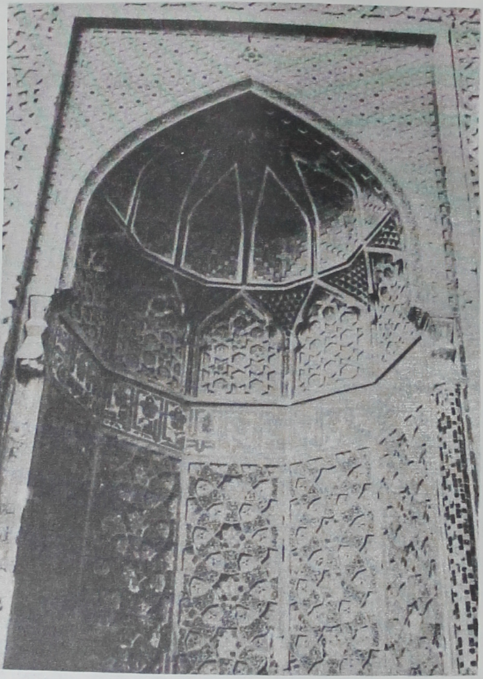
کتیبه سردرخانقاه نطنز بخط ثلث آجری برجسته برزمینه فیروزه ای شطرنجی که حاکی از بنای بقعه بوسیله **خلیفة بن الحسین بن علی الماستری** در تاریخ ۷۲۵ هجری است بشرح زیر خوانده میشود :

« بسم الله الرحمن الرحیم امر بعمارة هذه البقعة المیمونة المبارکة الصاحب المعظم وزیر ممالك العالم مشید مبانی الخیرات المتوسل الی الله بانواع القربات اضعف عبادالله المفتقر الی رحمته ورضوانه خواجه زین الدنیا والدین شرف الاسلام والمسلمین **خلیفة بن الحسین بن علی الماستری** تقبل الله خیراته و افاض السعادة والرحمة علیه و علی اسلافه و ذریاته ثم وقفها خانقاها علی الفقراء الصوفیة تقرباً الی الله القدیم و تبرعاً لوجهه الکریم بمساعی شمس الدین محمد بن علی النطنزی **فی سنة خمس و عشرین و سبعمائة** » (۱)

خطوط حاشیه دوم و سوم طرفین سردر خانقاه وردیف فوقانی سردر بخط بنائی فیروزه ای برجسته برزمینه لاجوردی تکرار عبارت : « لااله الاالله محمد رسول الله

---

(۱) بطوریکه دانشمند محترم آقای سید محمد تقی مصطفوی بمؤلف اظهار داشتند کلمهٔ عشرین ظاهراً در هنگام تعمیر اضافه شده است ـ کتیبه های دیگر بنام خلیفه ماستری در مجموعهٔ ابنیه نطنزمورخ بسالهای ۷۰۴ و۷۰۷ است وتاریخ کتیبه حاشیه اطراف سردرخانقاه ۷۰۵ بوده . درتعمیرچند سال پیش اشتباهاً کلمهٔ عشرین باملاحظه تاریخ مناره نطنز که شرح آن بعداً خواهد آمد و اصلا ارتباطی با خلیفه ماستری بانی خانقاه و مسجد جامع نطنز ندارد اضافه شده است .



تزیینات کاشیکاری و نمونه خطوط کوفی در سردر خانقاه نطنز

علی ولی الله » است .

بر دوجرز طرفین سردر خانقاه درچهار لوحه بخط ثلث برجسته برسنگ مرمر صلوات بر چهارده معصوم حجاری شده و در لوحه چهارم بعبارت زیر ختم میشود :

« وقف ذلك خواجه نجم الدین محمود ابن عماد فی سنة ۹۲۱ »

« عمل استاد حسین خراسانی کتبه الفقیر اسد الله الحسنی »

کتیبه فوقانی داخل سردر بخط کوفی ساده فیروزه‌ای برزمینه آجری شامل آیات ۲۷۳ و ۲۷٤ از سوره (بقره) است و درداخل دو ایوانچه طرفین سردر بخط کوفی فیروزه‌ای برزمینه آجری ابتدا سوره (اخلاص) نوشته شده و بجمله « صدق الله العظیم و صدق رسوله الکریم » ختم میشود .

مناره خانقاه نطنز

مناره خانقاه نطنز که اززیبا ترین مناره های قرن هشتم هجری است باتزیینات کاشیکاری پوشش شده ودارای کتیبه هائی بشرح زیر است :

کتیبه فوقانی مناره بخط کوفی آجری برزمینه کاشی فیروزه ای تکرار جمله « العظمة لله » است .

کتیبه پائین مناره بخط کوفی لاجوردی برزمینه کاشی فیروزه ای تکرار جمله « الملك لله » است .

خطوط بدنه مناره بخط بنائی فیروزه‌ای برزمینه آجری شامل «اسماء الله» است .

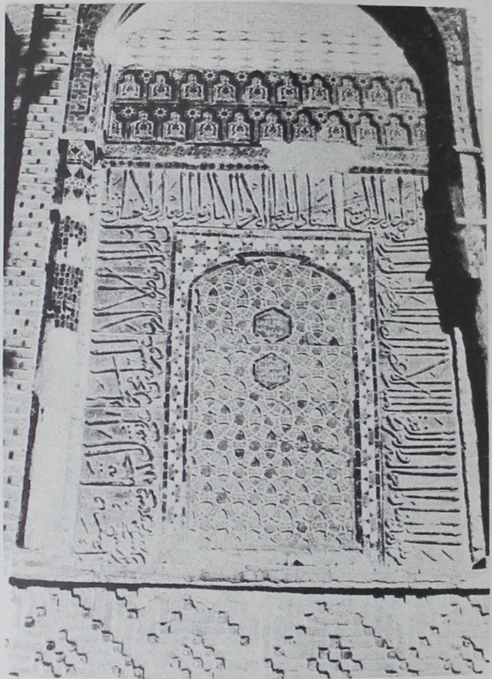
کتیبه تاریخی مناره که حاکی ازبنای آن بوسیله **محمد بن ابی علی** در تاریخ ۷۲۵ هجری است و بخط ثلث برجسته شامل یك صفحه کاشیکاری زیبا در پائین مناره خانقاه است بشرح زیر میباشد :

« امر ببناء هذه المنارة العالیة والغرف الرفیعة الملك الاعظم الصاحب المعظم اعدل ملوك العجم بانی قواعد الخیرات منبع السعادات باسط الامن والامان ناشر العدل والاحسان شمس الدولة والدین ناصر الاسلام و عون المسلمین **محمد بن ابی علی** تقبل الله حسناته فی شهور سنة **خمس و عشرین و سبعمائة** »

در متن کاشیکاری پایه مناره در دولوحه کوچك بخط آجری برزمینه فیروزه‌ای نوشته شده :

« امیر کبیر جلال الدین عبد الله ... »

« بمساعی الصمد الاصفهانی المعظم کمال الدین محمد جزاه الله خیراً »



کتیبه مناره تاریخی نطنز

۳ـ آثار تاریخی افوشته

قریه افوشته در دو کیلومتری نطنـز واقع شده و راه آن تا این شهر از کنـار درختها و سبزه زارها میگذرد ، در قرن نهم هجری یعنی دوران تیموریان که تصوف

وعرفان رونق فراوان داشته است در **افوشته** ابنیه متعددی مشتمل برخانقاه ومسجد ومقبره ویك سردر باشکوه تاریخی بوسیله یکی ازسادات محترم باشخصیت وعرفان مسلك ایجاد گردیده است که قسمتهائی از آنهاهم اکنون باقی‌مانده ومشتمل برنمونه های برجسته‌کاشیکاری و گچ بری ودرهای منبت وصندوق نفیس وامثال آنها میباشد.

نخستین بنائی که درافوشته جلب نظر میکند بقعه **سید واقف** است، بربالای تپه و در ابتدای قریه برجی مرتفع و هشت ضلعی با گنبد فیروزه فام و زیبا ساخته شده است که راهگذران ومشاهده کنندگان را ببالای تپه میکشاند ، علاوه بر گنبدکاشی فیروزه رنگ ، در منبت عالی با نوشته های تاریخی و اشعار فارسی و صندوق منبت درون بقعه (مورخ بسال ۸۵۹ هجری) که ازشاهکارهای هنری عهد تیموری بشمار میرود مورد توجه قرار میگیرد ، هنگامی که از بالای بام یا پائین دیوار بقعه مزبور بطرف شمال شرقی نگاه کنند آبادی افوشته وباغستانهای آن در گودالی بنظرمیرسد ودرمسافت دور دست کوهستانهائی که درسراشیبی رو بکویر قرار دارد ابهت وعظمت فراوان باین محل می بخشد .

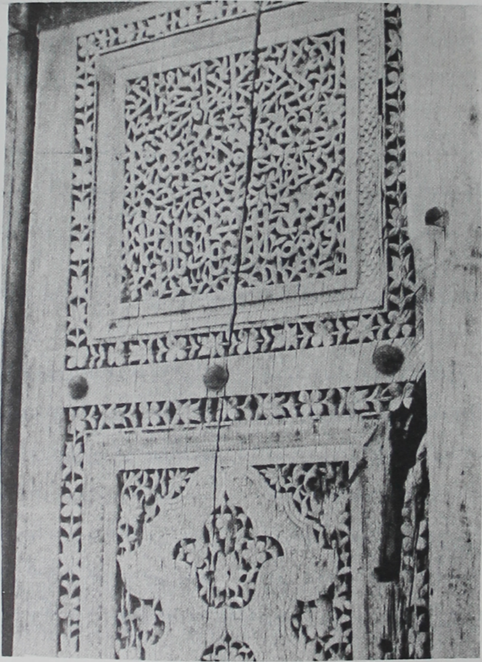
مسجد جامع افوشته با درهای منبت متعدد از آثار جالب قریه مزبور است ، بر روی درهای این مسجد نوشته های تاریخی و اشعار فارسی چند بطور برجسته ومنبت نقش شده که ازجمله بیت زیر برروی یکی از لنگه های درخوانده میشود :

این در بشادکامی دائم خجسته باد بردوستان گشوده و برخصم بسته باد

« فی رمضان سنة احدی و ثلاثین و ثمانمائه »

اثر تاریخی منحصردیگری که درافوشته هست سردر کاشیکاری است که قسمتهای طاق و بالای آن فرو ریخته و اینك با چوب و تخته سقف آنرا ترتیب داده اند . این سردر متعلق بمسجد یا مدرسه وخانقاه نبوده بلکه سردر منزل **سید حسن حسینی** یعنی صاحب بقعه افوشته است و درروی کتیبه معرق کاشی آن عبارت « بیت السعادة والسیادة » و تاریخ ساختمان آن ۸٤۹ و استاد سازنده بنا **شیخ حسن بن نظام الدین**

بناء اصفهانی ذکر گردیده است ، ازاین سردر بخوبی میتوان به بلند نظری وحسن سلیقه و سعه صدر این سید جلیل القدر پی برد ، خانقاه همین شخص که در گوشه‌ای از « بیت السعادة والسیادة » یا منزل وسیع و دلگشای او قرار داشته و سالیان دراز



آرایشهای در منبت‌کاری مسجد جامع افوشته

است که بصورت ویرانه ای درآمده چنان گچ بری ظریف و جالبی دارد که نظیر آن

بندرت سراغ میرود ، بنای مجلل دیگری هم با گنبد کاشیکاری بمسافت کمی از سردر مزبور هست که مقبره یکی از اولاد سید واقف میباشد (۱)

کتیبه درچوبی و منبت کاری بقعه سید واقف در افوشته

درمنبت کاری نفیس بقعه سید واقف در افوشته درمتن وحاشیه دارای نوشته هائی مشتمل بر اشعار فارسی و بخط ثلث برجسته بشرح زیر است :

۱ـ اشعار متن :

انه هو الباقی

بزرگوارخدایـــــا بآب روی نبی | که جرم ما بعلی در گذارودر گذران
جمیع زبـده آل محمدی یـارب | بفضل خویش بدارالسلامشان برسان
بیمن همت ایشان ببخش آنکس را | که یاروچاکر آل عباست ازدل وجان

«کتبه حسین بن بایزید»

۲ـ اشعار حاشیه در منبت بنام شاهرخ بهادر خـان و مورخ بسال ۸۲۸ هجری است بشرح زیر :

بعون خالق بیچون خدای هردو جهان | بعهـد شـاه جهان **شاه رخ بهادرخان**
بیمن همت عـالی تـاج دولت و دیـن | که حسن منبع جود است ومعدن احسان
بسال **ثمان و عشرین از ثمانمـائه** | بسعی صاحب این روضه مرتضی زمان
تمام شد بسعادت بنـای این مرقـــــد | که روضه ایست منور بروضه های جنان
سـواد قصر بهشت است آنك دربـانش | درختهـای کرا نست و آبهـای روان
در این مزار که هیچ قبر در نمی یـابد | بغیر بـانك نمـاز و تـلاوة قـرآن

و بر دو لنگه در در دو لوحه بخط ثلث برجسته دو فرد شعر بشرح زیر نوشته شده است :

---

(۱) نقل از مقاله مندرج در مجله اطلاعات ماهانه سال هشتم شماره ۹۳ آذر ماه سال ۱۳۳۴ صفحه ۳۰ و ۳۱ بقلم آقای سید محمد تقی مصطفوی مدیرکل اسبق باستانشناسی .

بده مرا تو خدایا درین خجسته سیر   هزار مایه شادی فتح نـــور و ظفر
بحرمت سه محمد بحق چـــار علی   بـدو حسن بحسین و بمـوسی و جعفر

کتیبه سردر « بیت السعادة والسیادة »

کتیبه سردر « بیت السعادة والسیادة » بخط ثلث سفید برزمینه کاشی لاجوردی بنام **شاهرخ بهادرخان** و نام بانی بنا « حسن بن حسین الحسینی » و تـاریخ اتمام آن محرم الحرام سال ۸۴۹ بشرح زیر است :

« بفیض فضل حضرت الهی وامداد کرم نامتناهی درایام خلافة ودولت حضرت ... خاقان بن الخاقان ظل الله فی العالمین المؤید بتأیید الملک المنـان معین السلطنة والخلافة والدنیا والدین **شاهرخ بهادرخان** خلدالله تعالی خلافته واید علی العالمین رأفته که ولایه ازممالک مخصوصه بود بسیط آن خطه نور حدقة السلطنة نورحدیقة المعدلة السلطان ابن السلطان ابن السلطان المخصوص بعنایت الملک الرحمن علاءالدولة والسلطنة والدنیا والدین .... بهادرخان خلدالله تعالی ملکه بنـاء این **بیت السعادة والسیادة** که همیشه قواعدش بروابط دوام احکام مربوط باد از خـاص المـال بنده محتـاج الفقیر الی رحمة الله الغنـی **حسن بن حسین الحسینی** بـاتمام رسید فی شهر محرم الحرام سنة تسع و اربعین و ثمانمائة عمل الفقیر شیخ حسن بن نظـام الدین بناءِ اصفهانی . »

مسجد جامع ابیانه

ابیانه قریه‌ای بزرگ ازتوابع نطنز است ، هنگامی که شهریاران صفوی برای گذراندن ییلاق به نطنز میرفته اند بسیاری از بزرگان و دربـاریان هم در ابیانه سکونت مینموده اند. موقع طبیعی بسیار زیبا وخوش منظر ومساعدی دارد ، بانوان آنجا امروزهم لباسشان همانند لباس بانوان عهد صفوی است که درنقوش چهلستون و عالی قاپوی اصفهان دیده میشود، این قریه از نظر جلب جهانگردان محل بسیار

قابل توجهی بوده و استعداد پیشرفت زیاد از این بابت دارد ، اثر تاریخی منحصر بفردی که درمسجد جامع ابیانه دیده میشود محراب چوبی عالی قدیمی است که از قطعات تخته های محکم چوب گردو تشکیل شده وبرحاشیه های مختلف آن آیات قرآنی بخط کوفی منبت کاری شده ، از نوشته های دیگر این محراب چنین مستفاد میشود که مسجد بوسیله (مولانا عزالدین فرزند مولانا محمد بهاءالدین) درتاریخ ۷۷۲ هجری بنا شده و نام استاد آن بشرح زیر آمده است :

« من استاد الاجل زین الدین بن استاد احمد المعروف باصفهانی غفرالله له »

برسقف چوبی ایوان جنوبی مسجد جامع ابیانه نوشته‌ای قدیمی بخط نستعلیق مربوط بزمان نادرشاه افشار بشرح زیر خوانده میشود :

« این دوکلمه در اوان عهد سلطان جم خدم وخاقان فرشته حشم السلطان العادل **نادرشاه** الملقب بولی النعمة سمت تحریرپذیرفت ومشارالیه درهندوستان باعساکر منصوره تشریف داشتند و پادشاهی عراق و نیابت خود را بفرزند ارجمند خود رضا (قلی) میرزا مفوض و شاه طهماسب ابن شاه سلطان حسین نورالله مرقده در بلده سبزوار نزول اجلال ارزانی داشت بلکه مقید بود فی‌تاریخ غره محرم الحرام ۱۱۵۲»

منبرمسجد جامع ابیانه که بسال ٤٦٦ هجری مورخ است بخط کوفی کتیبه ای دارد و عبارت ذیل سال ساختن و پرداختن آنرا بدست میدهد :

« فی المحرم سنة ست و ستین و اربع مائة رحم الله من قرأه و نظره »

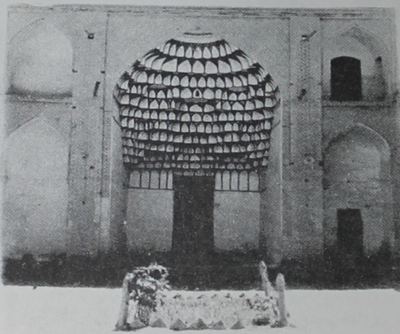
منبر تاریخی برز

قریه برز (بفتح ب و سکون ر) در سه کیلومتری ابیانه واقع شده و قریه آباد ومهمی است . دراین قریه بقعه متبر کی بنام شاهزاده اسماعیل وجوددارد که ستونها و سقف چوبی آن مانند ستون وسقف بندی مسجد جامع ابیانه است ، برروی ستون نزدیك ضریح بخط نستعلیق دو شعر زیر منبت کاری شده است :

نجار چــو کرد کشته فیض درو | من هم پی تاریخ نمودم یك و دو
ز استاد محب حساب جستم گفتــا | کردم آبــاد فرش مسجد از نو
۱۰۲۳

دراین بقعه منبر نفیس تاریخی وجود دارد که براثر سیل قطعات آن ازیکدیگر متلاشی شده است و کتیبه ای بشرح زیر دارد :

« امرهذا المنبر العبد الضعیف المذنب محمد بن ابوالقاسم بن محمد بن الحسین بن عیسی غفرالله له بتاریخ شهر ربیع الاخر سنة ثلاث و اربعین وخمسمائة » (۱)



سردر ورودی بقعه شهشهان در اصفهان از نیمه دوم قرن نهم هجری

---

(۱) مطالب مربوط بمسجد جامع ابیانه ومنبرقریه برز از یادداشتهای دانشمند محترم آقای سید محمد تقی مصطفوی اقتباس شده است .



منبر تاریخی مسجد جامع ابیانه از قرن پنجم هجری

مـــآخذ کتـــاب

قرائت الواح و کتیبه های تاریخی که قسمت عمده مطالب این کتاب را تشکیل میدهد نتیجه مطالعات وتحقیقات شخصی نگارنده است و کتیبه هائی که بعلت انهدام کلی یا محو شدن قسمتی از آنها از نوشته دیگران نقل شده باشد انگشت شمار است ومآخذ آنها ذکرشده اما کتابهائی که برای تنظیم سایرمطالب مربوط بآثار وابنیه تاریخی اصفهان مورد مراجعه نگارنده قرار گرفته بشرح زیر است :

۱- الاصفهان تألیف میرسید علی جناب

۲- نصف جهان فی تعریف الاصفهان » محمدمهدی بن محمد رضا الاصفهانی

۳- تاریخ اصفهان و ری » شیخ جابری انصاری

٤- ترجمه محاسن اصفهان » مافروخی باهتمام عباس اقبال

۵- اصفهان » حسین نور صادقی

۶- یادگار عمر تألیف سناتور دکترعیسی صدیق اعلم استاد دانشگاه

۷- راحة الصدور و آیة السرور در تاریخ آل سلجوق تألیف محمد بن علی بن سلیمان الراوندی

۸- مجمل التواریخ والقصص » سال ۵۲۰ هجری

۹- تاریخ تمدن ساسانی » استاد سعید نفیسی

۱۰- ماه نخشب » »

۱۱- مجلدات اول ودوم وسوم زندگانی‌شاه عباس اول تألیف استاد نصرالله فلسفی

۱۲- آثارایران بزبان فارسی وبزبان فرانسه ازانتشارات اداره کل باستانشناسی

۱۳- مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی » » »

۱٤- وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی تألیف عباس اقبال

۱۵- تجارب السلف تألیف هندوشاه بن سنجر باهتمام عباس اقبال
۱۶- تاریخ سال چهارم دبیرستانها تألیف عباس اقبال
۱۷- تذکرة الملوك » حدود سالهای ۱۱۳۷ تا ۱۱۴۲ هجری
۱۸- جلد سوم تاریخ حبیب السیر » خواند میر
۱۹- تاریخ مغول تألیف عباس اقبال
۲۰- ازسعدی تا جامی » ادوارد برون ترجمه و حواشی بقلم جناب آقای علی اصغر حکمت
۲۱- تذکره دولتشاه سمرقندی تألیف دولتشاه سمرقندی بتحقیق و تصحیح محمد عباسی
۲۲- رجال کتاب حبیب السیر تألیف عبدالحسین نوائی
۲۳- مجله یادگار (سال اول تا پنجم) بمدیریت عباس اقبال
۲۴- پیدایش خط و خطاطان تألیف حاجی میرزا عبدالمحمد خان ایرانی مدیر جریده چهره نما
۲۵- تاریخ ادبیات ایران تألیف استاد جلال الدین همائی
۲۶- دوره روزنامه سر نوشت چاپ اصفهان بمدیریت مرحوم جواد مجد زاده صهبا
۲۷- تذکره نصر آبادی تألیف میرزا محمد طاهر نصر آبادی اصفهانی
۲۸- عباسنامه بتصحیح وتحشیه ابراهیم دهکان
۲۹- جلد اول وچهارم مر آت البلدان ناصری تألیف محمد حسن خان صنیع الدوله
۳۰- المآثر والاثار تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه
۳۱- یادداشتهای قزوینی (جلد دوم) تألیف مرحوم علامه قزوینی
۳۲- تاریخ گزیده تألیف حمدالله مستوفی
۳۳- نزهة القلوب تألیف حمدالله مستوفی

۳۴- سفر نامه ناصر خسرو چاپ تهران

۳۵- جلد اول تاریخ خلد برین تألیف حاج شیخ احمد بیان اصفهانی

۳۶- سفر نامه ابن بطوطه ترجمه محمد علی موحد چاپ تهران

۳۷- سفر نامه شوالیه شاردن فرانسوی (قسمت شهر اصفهان) ترجمه حسین عریضی

۳۸- سفر نامه از خراسان تا بختیاری تألیف (هانری رنه دالمانی) ترجمه مترجم همایون

۳۹- سفر نامه مادام دیولافوآ ترجمه فارسی

۴۰- سفر نامه اوژن فلاندن بایران «

۴۱- سفر نامه تاورنیه «

۴۲- تاجگذاری شاه سلیمان اثر تاورنیه ترجمه فارسی

۴۳- بسوی اصفهان اثر (پیرلوتی) «

۴۴- ابنیه جدید ایران (بزبان فرانسه) تألیف پاسکال کست

۴۵- مجلدات کتاب معروف (بررسی هنرهای ایران) تألیف پروفسور پوپ (بزبان انگلیسی)

۴۶- جلد اول و دوم تاریخ عالم آرای عباسی تألیف اسکندر بیك ترکمان

۴۷- تاریخ حزین تألیف شیخ محمد علی حزین

۴۸- تاریخ بعد از اسلام « عباس خلیلی

۴۹- جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی تألیف (لسترنج) ترجمه محمود عرفان

۵۰- تاریخ ایران تألیف سرجان ملکم

۵۱- جغرافیای تاریخی اصفهان و بختیاری تألیف سرلشگر علی رزم آراء

۵۲- فرهنگ جغرافیائی ایران (استان دهم) از انتشارات دایره جغرافیائی ستاد ارتش

٥٣- لغت دهخدا (شماره ٥٨ - حرف الف) تألیف دهخدا
٥٤- سالنامه دبیرستان ادب اصفهان از انتشارات سال ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰
٥٥- سالنامه فرهنگ لنجان سفلی » ۱۳۳۵ - ۱۳۳۶
٥٦- انتشارات فرهنگ استان دهم (اصفهان)
٥٧- مجلدات بحارالانوار تألیف مجلسی
٥٨- میزان الانساب » میرزا محمد هاشم چهارسوقی
٥٩- رجال اصفهان یاتذکرة القبور تألیف آخوند ملاعبدالکریم جزی باحواشی و ملحقات مصلح الدین مهدوی
٦٠- تحفة المراد بتصحیح و تحشیه و خط فضل الله لایق چاپ تهران
٦١- دوره روزنامه چهلستون چاپ اصفهان بمدیریت آقای محمد صدر هاشمی
٦٢- سازمان اداری حکومت صفوی باتحقیقات وحواشی وتعلیقات استادمینورسکی
٦٣- ترجمه فارسی تورية
٦٤- معجم البلدان یاقوت
٦٥- ریحانة الادب تألیف محمد علی مدرس تبریزی .
٦٦- تاریخ سنی ملوك الارض والانبیاء تألیف حمزه اصفهانی (چاپ بیروت)
٦٧- سلجوقنامه تألیف خواجهٔ امام ظهیرالدین نیشابوری وذیل سلجوقنامه تألیف ابوحامد محمد بن ابراهیم که در سنه ٥٩٩ تألیف شده
٦٨- جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین خان تحویلدار اصفهان در سال ۱۲۹٤ هجری قمری
٦٩- مجله وحید بمدیریت آقای دکتر سیف الله وحید نیا
٧٠- وقایع السنین والاعوام (نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی) تألیف سید عبدالحسین خاتون آبادی .

فهرستها

فهرست نام کسان

خ

ذ

ر

ض

ظ

ع

ق

۲- فهرست نام جایها (۱)

۱- در این فهرست اعدادی که بین آنها خط فاصل گذاشته شده معرف اماکن و جایهائی است که شرح آنها بتفصیل آمده است.

ج

ن

۲- فهرست نام ایلها، تیره ها، خاندانها، طایفه ها، قبیله ها

٤- فهرست نام کتابها

حواشی وملاحظات

۱ـ مؤلف ابتدا در نظر داشت این کتاب را بنام **«گنجینه تاریخی اصفهان»** نامگذاری نماید ولی به پیشنهاد استاد معظم جناب آقای دکتر عبدالله شیبانی معاون محترم دانشگاه تهران و بصوابدید بعضی دیگر از استادان ارجمندم بهتر دانسته شد که عنوان کتاب **«گنجینه آثار تاریخی اصفهان»** باشد علیهذا عنوان سابق که فقط در بالای صفحات حاوی اسماء اعلام وذیل نقشه آخر کتاب بچاپ رسیده است بدینوسیله تصحیح میشود.

۲ـ درتکمیل مندرجات صفحه ۶۳۶ لازم بتوضیح میداند که مقارن اتمام چاپ این کتاب بنای آرامگاه صائب در شرف اتمام است و مشغول نصب تزیینات مرمری وکاشیکاری و کتیبه آن هستند. این ساختمان که نقشهٔ بنای آنرا جناب آقای مهندس محسن فروغی طرح نموده اند از اعتبارات انجمن آثار ملی مرکز و اصفهان بهمت و کوشش جناب آقای مهندس ابراهیم پارسا استاندارمحترم اصفهان شروع شد وآقای احمد علی بشارت رئیس اداره باستانشناسی از ابتدای شروع ساختمان تا این تاریخ باعلاقه‌مندی تمام کلیه امور مربوطه آنرا نظارت ومراقبت نموده اند.

جناب آقای جلال الدین همائی استاد دانشمند دانشگاه درروز افتتاح ساختمان آرامگاه این اشعار را ارتجالا سروده اند:

دیدم بخواب شاعرشیرین سخن که گفت	دیدی ز ابر تیره عیان گشت ماه ما
در دولت علم ز عنایات شهریار	شد پارسا مهندس و افزود جاه ما
در سال سیصد و چهل و دو پس از هزار	آدینه روز پنجم از مهر ماه ما

با امر شاه دست علم اولین کلنگ زد در بنای بقعه آرامگاه ما
دارم امید ز آنکه ز آفات روزگار باشد بزیر سایه یزدان پناه ما
آثار نیك هرچه بماند زما بجای باشد بصدق دعوی دانش گواه ما

۳ـ نام کتاب « قصص الخاقانی » تألیف ولی قلی شاملو که بصورت نسخه خطی است و تا این تاریخ بچاپ نرسیده ومورد استفاده مؤلف واقع شده درفهرست مآخذ از قلم افتاده است .

٤ـ کلمه **نافج** که درصفحه ۳۲۹ ضمن کتیبه سردرخانقاه نصرآباد ذکرشده است نام محلی در **رار** از نواحی چهارگانه چهارمحال اصفهان است که از آن رودخانه ای بسمت جنوب جاری میشود و بعد از اتصال با دو رود خانه دیگر که از **میزدج** و **کیار** (دو ناحیه دیگر از نواحی چهارگانه چهارمحال) جاری میشود وارد کارون میگردد .

۵ـ اصطلاح « افزارمچه » که ضمن کتیبه صفحه۳۱۳ ذکرشده اصطلاح مربوط به شتر قربانی در اصفهان بوده است ، برای اطلاع از تفصیل آن مراجعه شود به صفحه ۸۸۱ کتاب جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین خان پسرمحمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهان چاپ تهران .

٦ـ دربرخی از کتیبه ها حروفی ازقبیل (الف) و (و) کم وزیاد مشاهده شد که درمتن کتاب بآن اشاره شده است من باب مثال کتیبه صفحه۶۳۹ را ذکرمیکنیم که با جمله (قد امر ببناء ...) شروع میشود ودراصل کتیبه دوحرف (الف) کسردارد .

۷ـ تاریخ تولد فاضل ارجمند آقای سید محمد علی روضاتی که درصفحه ۸۲۵ سطر ۲۰ (۱٤ رجب ۱۳٤۹) ذکر شده است باظهارخود ایشان (۱٤ رجب ۱۳٤۸) میباشد .

۸- چنانکه در زیر نویس بعضی صفحات کتاب در چند مورد توضیح داده شده است اصطلاحاتی مانند: «کاشی خشت» و «کاشی هفت رنگ» و «مقرنس» و «معرق» و «اسپر» و «معقلی» و «گره» و «شمسه» وماننداینها اصطلاحات متداول استادان کاشیکار است، اینك برای آنکه خوانندگان محترم بهتر بمفهوم این اصطلاحات پی ببرند نمونه های آنها را ازروی تصاویری که در این کتاب بطبع رسیده است بدست میدهد:

کاشی خشت: به‌کاشیهائی اطلاق میشود که با قالب خشتی و برنگهای مختلف تهیه میشود و با رنگهای سفید و لاجوردی و فیروزه‌ای آنها بیشتر کف چهلستونها و شبستانهای مساجد را مفروش میکنند.

کاشی هفت رنگ: کاشیهائی‌است که باقالب خشتی تهیه میشود وپس ازطراحی و رنگ آمیزی نقوش آنها که معمولا چند رنگ است در کوره پخته میشود وسپس درتزیین ساختمانها بکارمیرود (تصویرصفحه ۴۴۷ نمونه‌کاشیهای هفت رنگ است).

مقرنس: (بضم «م» و فتح «ق» وفتح «ن») آویزهائی که در سردر مسجد شاه ومسجد شیخ لطف‌الله ومدرسه چهارباغ مشاهده میشود مقرنس نام دارد. مقرنس ممکن است آجری یا گچی و یا با کاشی باشد. تصویر صفحه ۶۸۱ و ۸۸۹ نمونه مقرنس گچی است. تصویرصفحه ۵۸۲ مقرنس طلاکاری است. تصویر صفحه ۳۲۶ مقرنس آجری و تصویر صفحه ۸۷۲ مقرنس‌کاشیکاری است.

معرق (بضم «م» و فتح «ع» و فتح و تشدید «ر»): قسمتهائی از تزیینات کاشیکاری است که با قطعات ریزکاشی ترکیب شده وکلمه همردیف اروپائی آن «موزائیك» است. کاشیکاری سردرمسجد شاه وسردر مدرسه چهارباغ و داخل مسجد شیخ لطف‌الله در قسمت بیشتر آن از ازاره ها ببالا باکاشی معرق تزیین شده است.

اسپر (به کسر « الف » و کسر « پ ») : در تصویـر صفحه ۱۰۷ شش صفحه کاشیکاری که بطور عمودی بر نمای خارجی ایوان مشاهده میشود هر کدام یك **اسپر** کاشیکاری است و دو قسمت کاشیکاری شده درطرفین هلال بزرگ ایوان هر کدام یك پشت بغل کاشیکاری است .

شمسه : در داخل مقرنسها اشکالی که بشکل خورشید گچ بری یا کاشیکاری شده شمسه نام دارد .

گره : تزیینات کاشیکاری معرق که بصورت اشکال هندسی در آمده باشد « گره » نام دارد ، بر نمای خارجی سردر مدرسه چهار باغ وپشت بغلهای کاشیکاری دیوارهای اطراف صحن مدرسه تزیینات گره را بخوبی میتوان مشاهده کرد .

معقلی (بضم « م » و فتح « ع » و کسر و تشدید « ق ») : به ترکیب تزییناتی آجر و کاشی اطلاق میشود . درتصویر صفحه **۲۰۷** تزیینات بالای کتیبه خط ثلث یك « مقرنس معقلی » است .

اصطلاحات فنی کاشیکارها را با تصویر صفحه ۹۳ از بالا به پائین تطبیق میدهیم :

الف ـ دو قسمتی که در بالای خط بنائی تکراری « الله اکبر » مشاهده میشود و بشکل « لچك » است هر قسمت را « **لچکی** » یا « **پشت بغل** » مینامند .

ب ـ در ذیل خط بنائی « الله اکبر » یك **اسپر** مشبك وجود دارد .

ج ـ در ذیل اسپر مشبك کتیبه خط ثلث نصب شده است .

د ـ در ذیل کتیبه خط ثلث باز دو « لچکی » یا « پشت بغل » واقع شده است .

هـ ـ دو صفحه کاشیکاری پائین عکس هر کدام یك اسپر کاشیکاری معرق است .

۹ـ معنی بعضی از اصطلاحات که در فرامین دوره صفویه ذکر شده و بخصوص

در کتیبه های مسجد جمعه اصفهان مکرر آمده است پس از تبادل نظر بادوست فاضل جناب آقای محمد مهریار معاون دانشکده ادبیات اصفهـان معانی برخی از آنها بشرح زیر بنظر رسید :

تمغاوات یا تمغاءات (صفحه ۸۹) : باجی که بر در های بلاد و معابر بحار از تجار گیرند که مهری از چوب ضبط باج بر اجناس زنند (فـرهنگ آنندراج ذیل کلمه تمغا) .

سرجواز (صفحه ۸۹) : جواز سرانه احشام که بموجب آن اجازه داده میشده در مراتع دولتی چرا کنند .

سرجواز خورده (صفحه ۱۵۷) : مالی که برای صدور اجازه چرانیدن بره و بزغـاله گرفته میشده و « خورده » اصطلاح روستائیان است برای بره و بزغاله .

بیع الحوائج (صفحه ۸۹ و ۱۵۷) : خرید حوائج متفرقه کارخانجات (کذا در اصطلاح) برای کارخانجات دیوان و دستگـاه سلطنت وکلمه « حوایج خانه » و یـا بصورت رایج حاضر « حویج خانه » تا این اواخر برای مطبخها وانبار ملحق بآنها در زبان فارسی و مخصوصاً در شهر اصفهان رایج بوده است .

طریق قومشه (صفحه ۸۹ و۱۵۷) : مقصود مال وجهاتی‌است که ازطریق قومشه عاید میشده .

مالواجرد (صفحه ۱۵۷) : مقصود مالیاتی‌است که ازراه دیه یاروستای مالواجرد حاصل‌میشده ومالواجرد اکنون دیه نسبة بزرگی ازدیه های روستای **جرقویه** است در جانب جنوب شرقی اصفهان و گویا این‌کلمه تغییر یافته‌کلمه « ملاذ گرد » است .

بیع الحلیج (صفحه ۸۹) : تهیه خرید خدمت حلاجان وهمچنین شاید به اماره مقصود تهیه تشك و لحاف است .

بردومیزر (صفحه ۸۹) : نوعی از قطیفه ولنگ حمام است .

رید و رباط (صفحه ۸۹) : ظاهراً دو باجگاه در حومه اصفهان بوده است

دروب سلطان (صفحه ۸۹ و۱۵۷) : بظن قوی مالیاتی بوده است که برای تقدیم شکایات و دادخواهی بدربار پادشاه میگرفته انـد و این معنی را (Pere Sanson) متذکر شده است .

سرزر (صفحه ۸۹) : نوعی مالیات سرانه بوده ومحتملا از « داروغکانه » یعنی مالی که داروغکان میگرفته اند جدا نبوده است .

سرکلکی (صفحه ۸۹ و۱۵۷) : بظن قوی نوعی مالیات احشام است که مخصوصاً درچراگاههای **کرون** (درمغرب اصفهان میگرفته اند) ویا بردیه های بلوك کرون باین عنوان تحمیل میشده است .

۱۰ــ مقارن اتمام طبع این کتاب مؤلف از مسجد کوچکی که در محله قصرمنشی درمجاورت حمام قدیمی آن محله واقع شده دیدن نمود . یکی از کتیبه های سردر مسجد حاکی از آنستکه مسجد مزبور در سال ۱۱۲۹ هجری بنا شده ، این کتیبه که بخط نستعلیق‌سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ نوشته شده بشرح زیراست:

« وقف نمود **حاجی محمد امید** این مسجد را بجهة ادای فرایض برکافه انام »
در اطراف سردر مسجد آیه ۵۵ سوره « مائده » بخط ثلث سفید برزمینه کاشی خشت لاجوردی نوشته شده و پس از جمله « صدق الله العلی العظیم وصدق رسوله الکریم » نوشته شده است :

« فرمایش جناب رکن الملك » (۱)

۱ــ ازرکن الملك که نیابت حکومت اصفهان را دردوره حکمرانی‌مسعود میرزا ظل‌السلطان بعهده داشته است آثـاری برجای مانده که مهمترین آنها مسجد رکن الملك در تخت فولاد

وبخط نستعلیق سفید برزمینه لاجوردی اشعار زیر بر قطعات کاشی نقش بسته‌است:

پس از خرابی آباد شد ز رکن الملک	چنین مقام خدایش جزای خیر دهاد
نوشت از پی تاریخ **طغرل** این مصرع	خرابه مسجدی آباد شد زنو آباد
	۱۳۰۸

۱۱– در ضلع شرقی باغ چهلستون ودر انتهای استخر آن سنگاب بزرگی قرار دارد که بفحوای کتیبه‌آن درسال **۱۰۶۶** هجری بوسیله شخص خیری بنام **حاجی‌امین** ساخته و وقف شده است ، کتیبه این سنگاب شامل اشعاری است بشرح زیر :

صدق **حاجی امین** صاحب دل	کرد حوض زسنگ خاره بپای
۰۰۰۰۰۰ آنرا نمود چشمه خضر	بهر آزادگان فقر و فنای
از مژه ساخت تیشه فرهاد	از دل کوه گشت چشمه گشای
دجله ایرا بر او خرید و نمود	وقف لب تشنگان آل عبای
حسن سعیش قبول دلها شد	شد ز او شاد باطن شهدای
بهر حسن ظهور تاریخش	هاتف غیب شد چو نغمه سرای
چهره ۰۰۰۰۰ آب پرشد و گفت	**بامین باد آفرین خدای**

۱۲– کلیه کلیشه‌ها و گراوور های این کتاب در گراوور سازی و چاپخانه زیبا در تهران تهیه شده و مؤلف از اولیای محترم مؤسسه مزبور بمناسبت دقت و توجهی که در تهیه کلیشه ها و گراوور های کتاب شده است عرض تشکر دارد .

عکسهائیکه درصفحات ۲۸۴و۲۸۷و۲۸۹ این کتاب ازمسجد **کاج و دشتی وازیران** بچاپ رسیده مربوط بقبل از تعمیر بناهای مزبوراست . مقارن اتمام طبع این کتاب تعمیر مساجد مزبور از اعتبارات انجمن آثار ملی مرکز بوسیله اداره باستانشناسی اصفهان باتمام رسیده است .

اصفهان است (رجوع شود به صفحه ۸۰۵) دراین کتیبه نام رکن‌الملک بصورت «رکنل‌ملك» نوشته شده است .

A TREASURE OF THE HISTORICAL MONUMENTS OF ISFAHAN

Ancient Monuments, Historical Tablets and Inscriptions in the Isfahan Province

by

Lotfollah Honarfar, Ph.D.

1971

Saghafi Bookshop, Isfahan.



نقشه محلات و خیابانها و آثار تاریخی شهر اصفهان
مخصوص کتاب گنجینهٔ تاریخی اصفهان - مقیاس 1/5000 تیر ماه ۱۳۴۴
فرودگاه اصفهان
بقعه میرزا رفیعا
مسجد عشقی
مقبره بابا رکن الدین
بقعه خاتون آبادی
مسجد رکن الملک
محله گوله پارچه
محله گبرآباد
والان بهشت
خیابان سپه
خیابان نظر
خیابان نظر
خیابان ذرخ
جلفا
سیچان
حسین آباد
هزارجریب
مارنان
خانه زنان
باغ زرون
پل شهرستان
پل مارنان
پل شیری
کوی تاج
خیابان پهلوی
خیابان عباس آباد
زاینده رود
پل خواجو
خیابان منوچهری
امامزاده باقر
خیابان فردوسی
خیابان ثریا
شاهزاده محمد


شمس آباد
مهر آباد
محله طوقچی
شهشهان
احمد آباد
باطرخان
جاده یزد
خیابان محمد رضا شاه پهلوی
سید احمدیان
دروازه تهران
خیابان نادر
مدرسه چهارباغ
مسجد شاه
مسجد شیخ لطف الله
عالی قاپو
چهلستون